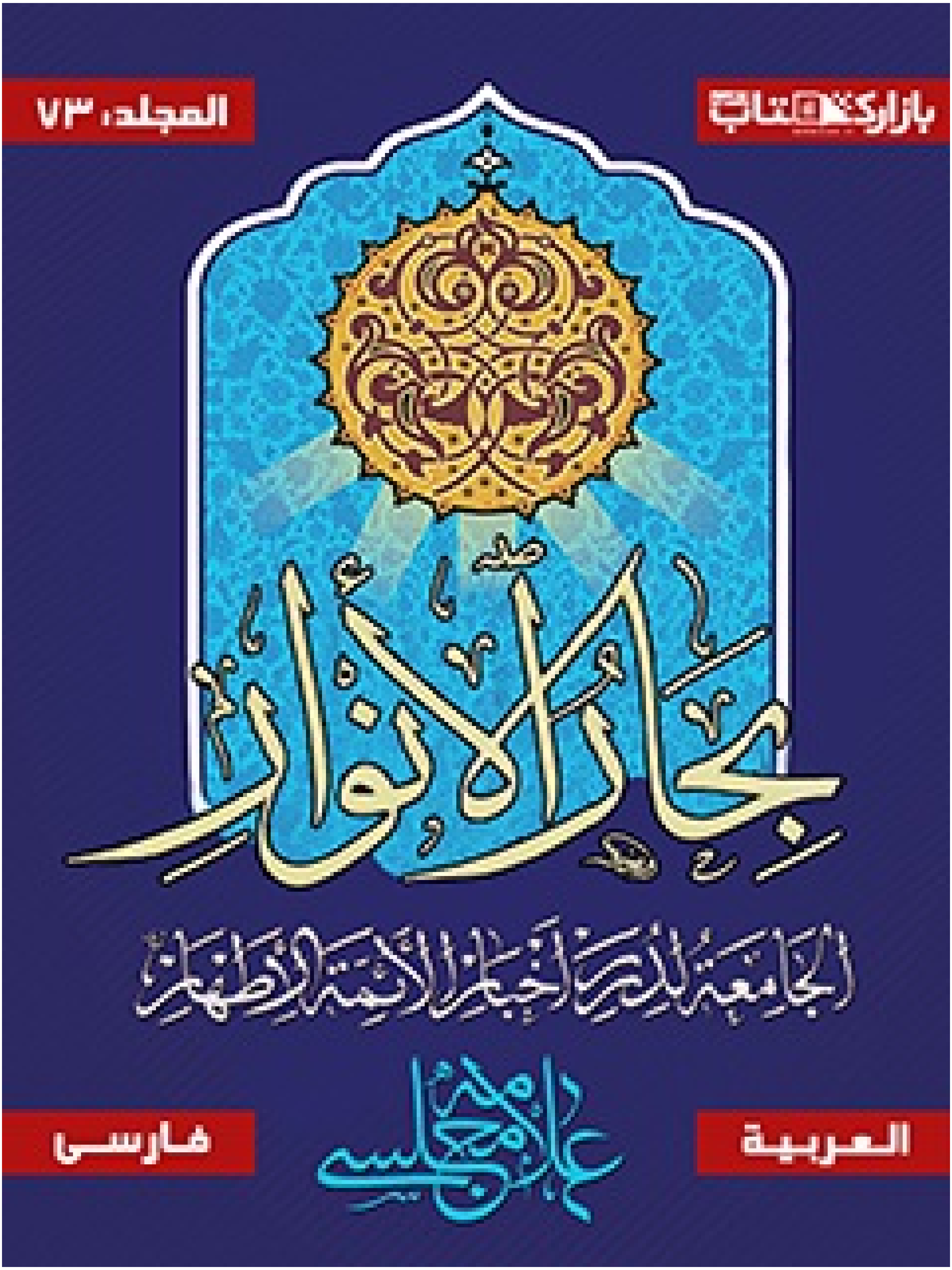
مرکز القائمیة اصفهان للبحوث والتحریات الکمبیوتریة

السلام علیک یا صاحب الزمان



بازار کتاب
المجلد، ٧٣
بحار الأنوار
الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار
علامه مجلسی
العربية
فارسی

بسم الله الرحمن الرحیم

بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار علیهم السلام با ترجمه فارسی

کاتب:

محمدباقر بن محمدتقی علامه مجلسی

نشرت فی الطباعهٔ:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

رقمی الناشر:

مرکز القائمیهٔ باصفهان للتحریات الکمبیوتریهٔ

الفهرس

بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار المجلد ۷۳ : کتاب آداب و سنن

اشاره

سرشناسه: مجلسی محمد باقربن محمدتقی ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق.

عنوان و نام پدیدآور: بحارالانوار: الجامعه لدرر أخبار الائمه الأطهار تالیف محمدباقر المجلسی.

مشخصات نشر: بیروت داراحیاء التراث العربی [۱۴۴۰].

مشخصات ظاهری: ج - نمونه.

یادداشت: عربی.

یادداشت: فهرست نویسی بر اساس جلد بیست و چهارم، ۱۴۰۳ق. [۱۳۶۰].

یادداشت: جلد۲۴، ۵۲،۶۵،۶۶،۶۷،۸۷،۹۲،۹۱،۹۴،۱۰۳،۱۰۸(چاپ سوم: ۱۴۰۳ق.=۱۹۸۳م.=[۱۳۶۱]).

یادداشت: کتابنامه.

مندرجات: ج .۲۴. کتاب الامامه. ج.۵۲. تاریخ الحجه. ج۶۵،۶۶،۶۷. الایمان و الکفر. ج.۸۷. کتاب الصلاه . ج. ۹۱،۹۲ .الذکر و الدعا. ج. ۹۴. کتاب السوم. ج.۱۰۳.فهرست المصادر. ج.۱۰۸.الفهرست.-

موضوع: احادیث شیعه — قرن ۱۱ق

رده بندی کنگره: BP۱۳۵/م۳ب ۳۱۳۰۰ ی ح

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی: ۱۶۸۰۹۴۶

ص: ۱

**[ترجمه]

سرشناسه : مجلسی، محمد باقربن محمدتقی، ۱۰۳۷ - ۱۱۱۱ق.

عنوان قراردادی : بحار الانوار .فارسی .برگزیده

عنوان و نام پدیدآور : ترجمه بحارالانوار/ مترجم گروه مترجمان؛ [برای] نهاد کتابخانه های عمومی کشور.

مشخصات نشر : تهران: نهاد کتابخانه های عمومی کشور، موسسه انتشارات کتاب نشر، ۱۳۹۲ -

مشخصات ظاهری : ج.

شابک : دوره : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۶-۵ ؛ ج.۱ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۷-۲ ؛ ج.۲ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۸-۹ ؛ ج.۳ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۹-۶ ؛ ج.۴ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰۷۰-۲ : ؛ ج.۵ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۱-۹ : ؛ ج.۶ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۲-۶ : ؛ ج.۷ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۳-۳ : ؛ ج.۸ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۴-۰ ؛ ج.۱۰ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۷۶-۴ : ؛ ج.۱۱ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۳-۲ : ؛ ج.۱۲ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۶۶-۵ : ؛ ج.۱۳ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۵-۶ : ؛ ج.۱۴ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۶-۳ : ؛ ج.۱۵ ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۷-۰ : ؛ ج.۹۷۸:۱۶-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۸-۷ ؛ ج.۹۷۸:۱۷-۶۰۰-۷۱۵۰-۸۹-۴ ؛ ج.۱۸ : ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۰-۰ ؛ ج.۹۷۸:۱۹-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۱-۷ ؛ ج.۹۷۸:۲۰-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۲-۴ ؛ ج.۲۱: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۳-۱ ؛ ج.۹۷۸:۲۲-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۴-۸ ؛ ج.۹۷۸:۲۳-۶۰۰-۷۱۵۰-۹۵-۵

مندرجات : ج.۱. کتاب عقل و علم و جهل.- ج.۲. کتاب توحید.- ج.۳. کتاب عدل و معاد.- ج.۴. کتاب احتجاج و مناظره.- ج. ۵. تاریخ پیامبران.- ج.۶. تاریخ حضرت محمد صلی الله علیه وآله.- ج.۷. کتاب امامت.- ج.۸. تاریخ امیرالمومنین.- ج.۹. تاریخ حضرت زهرا و امامان والامقام حسن و حسین و سجاد و باقر علیهم السلام.- ج.۱۰. تاریخ امامان والامقام حضرات صادق، کاظم، رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام.- ج.۱۱. تاریخ امام مهدی علیه السلام.- ج.۱۲. کتاب آسمان و جهان - ۱.- ج.۱۳. آسمان و جهان - ۲.- ج.۱۴. کتاب ایمان و کفر.- ج.۱۵. کتاب معاشرت، آداب و سنت ها و معاصی و کبائر.- ج.۱۶. کتاب مواعظ و حکم.- ج.۱۷. کتاب قرآن، ذکر، دعا و زیارت.- ج.۱۸. کتاب ادعیه.- ج.۱۹. کتاب طهارت و نماز و روزه.- ج.۲۰. کتاب خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، عقود و معاملات و قضاوت

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

یادداشت : ج.۲ - ۸ و ۱۰ - ۱۶ (چاپ اول: ۱۳۹۲) (فیپا).

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۱ق.

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور، مجری پژوهش

شناسه افزوده : نهاد کتابخانه های عمومی کشور. موسسه انتشارات کتاب نشر

رده بندی کنگره : BP۱۳۵/م۳ب۳۰۴۲۱۶۷ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۲

شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۴۸۹۸۵

ص: ۱

**[ترجمه]

أبواب التحيه و التسليم و العطاس و ما يتعلق بها

باب ۹۷ إفشاء السلام و الابتداء به و فضله و آدابه و أنواعه و أحكامه و القول عند الافتراق

الآيات

النساء: وَ إِذا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّهٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ كانَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ حَسِيباً(۱)

يونس: وَ تَحِيَّتُهُمْ فِيها سَلامٌ (۲)

هود: وَ لَقَدْ جاءَتْ رُسُلُنا إِبْراهِيمَ بِالْبُشْرى قالُوا سَلاماً قالَ سَلامٌ إلى قوله تعالى رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ (۳)

إبراهيم: تَحِيَّتُهُمْ فِيها سَلامٌ (۴)

الحجر: وَ نَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْراهِيمَ- إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقالُوا سَلاماً(۵)

النحل: يَقُولُونَ سَلامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّهَ بِما كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۶)

۱- ۱. النساء: ۸۶.

۲- ۲. يونس: ۱۰.

۳- ۳. هود: ۶۸- ۷۳.

۴- ۴. إبراهيم: ۲۳.

۵- ۵. الحجر: ۵۱- ۵۲.

۶- ۶. النحل: ۳۲.

مریم: قالَ سَلامٌ عَلَیْکَ سَأَسْتَغْفِرُ لَکَ رَبِّی و قال تعالی لا یَسْمَعُونَ فِیها لَغْواً إِلَّا سَلاماً(۱)

النور: فَإِذا دَخَلْتُمْ بُیُوتاً فَسَلِّمُوا عَلی أَنْفُسِکُمْ تَحِیَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبارَکَةً طَیِّبَةً کَذلِکَ یُبَیِّنُ اللَّهُ لَکُمُ الْآیاتِ لَعَلَّکُمْ تَعْقِلُونَ (۲)

الفرقان: وَ إِذا خاطَبَهُمُ الْجاهِلُونَ قالُوا سَلاماً و قال تعالی وَ یُلَقَّوْنَ فِیها تَحِیَّةً وَ سَلاماً(۳)

الأحزاب: تَحِیَّتُهُمْ یَوْمَ یَلْقَوْنَهُ سَلامٌ (۴)

الذاریات: إِذْ دَخَلُوا عَلَیْهِ فَقالُوا سَلاماً قالَ سَلامٌ (۵)

الواقعه: إِلَّا قِیلًا سَلاماً سَلاماً(۶)

lt;meta info="- و إذا حییتم بتحیه فحیوا بأحسن منها أو ردوها إن الله کان علی کل شی ء حسیبا. -. نساء/ ۸۶ -

{چون شما را به درودی نواختند به درودی بهتر از آن یا همانند آن پاسخ گویید. هرآینه خدا حسابگر هر چیزی است.}

- و تحیتهم فیها سلام. -. یونس/ ۱۰ -

{و به هنگام درود، سلام می گویند.}

- و لقد جاءت رسلنا إبراهیم بالبشری قالوا سلاما قال سلام. -. هود / ۶۹ -

{به تحقیق رسولان ما برای ابراهیم مژده آوردند. گفتند: سلام. گفت: سلام.}

- رحمت الله و برکاته علیکم أهل البیت. -. هود/ ۷۳ -

{رحمت و برکات خدا بر شما اهل این خانه ارزانی باد.}

- تحیتهم فیها سلام. -. ابراهیم/ ۲۳ -

{و درودشان در آنجا سلام است.}

- و نبئهم عن ضیف إبراهیم- إذ دخلوا علیه فقالوا سلاما. -. حجر/ ۵۱- ۵۲ - {و از مهمانان ابراهیم به آنان خبر ده، هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند.}

- یقولون سلام علیکم ادخلوا الجنه بما کنتم تعملون. -. نحل/ ۳۲ -

{همان کسانی که فرشتگان جانشان را- در حالی که پاکند- می ستانند [و به آنان] می گویند: «درود بر شما باد، به [پاداش] آنچه انجام می دادید به بهشت درآیید.}

- قال سلام علیک سأستغفر لک ربی. - . مریم / ۴۷ -

{[ابراهیم] گفت: «درود بر تو باد، به زودی از پروردگارم برای تو آمرزش می خواهم، زیرا او همواره نسبت به من پرمهر بوده است.}

- لا یسمعون فیها لغوا إلا سلاما. - . مریم/ ۶۲ -

{در آنجا سخن بیهوده ای نمی شنوند، جز درود.}

- فإذا دخلتم بیوتا فسلموا علی أنفسکم تحیه من عند الله مبارکه طیبه کذلک یبین الله لکم الآیات لعلکم تعقلون. - . نور / ۶۱ -

{پس چون به خانه هایی [که گفته شد] درآمدید، به یکدیگر سلام کنید درودی که نزد خدا مبارک و خوش است. خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می کند، امید که بیندیشید.}

- و إذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما. - . فرقان / ۶۳ -

{و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می دهند. }

- و یلقون فیها تحیه و سلاما. - . فرقان / ۷۳ -

{و در آنجا با سلام و درود مواجه خواهند شد.} .

- تحیتهم یوم یلقونه سلام. - . أحزاب / ۴۴ -

{درودشان- روزی که دیدارش کنند- سلام خواهد بود.}

- إذ دخلوا علیه فقالوا سلاما قال سلام. - . ذاریات / ۲۵ -

{چون بر او درآمدند پس سلام گفتند. گفت: سلام.}

- إلا قیلا سلاما سلاما. - . واقعه / ۲۶ -

{سخنی جز سلام و درود نیست}

**[ترجمه]

روایات

«۱»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَمَرَهُمْ بِسَبْعٍ عِيَادَهِ الْمَرْضَى وَ اتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ وَ إِبْرَارِ الْقَسَمِ وَ تَسْمِيتِ الْعَاطِسِ وَ نَصْرِ الْمَظْلُومِ وَ إِفْشَاءِ السَّلَامِ وَ إِجَابَهِ الدَّاعِي (۷).

**[ترجمه]قرب الاسناد: .امام صادق علیه السّلام از پدرش نقل فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله آنان را به هفت چیز فرمان داد: عیادت بیماران، تشییع جنازه مردگان، انجام سوگند، خیر باش عطسه کنندگان، یاری ستمدیدگان، فاش گفتن سلام و پذیرش دعوت. - . قرب الاسناد: ۴۸ -

**[ترجمه]

أقول

أوردناه بإسناد آخر فی باب المناهی (۸)

و قد مضی أخبار کثیره فی باب جوامع المکارم و باب المنجیات و المهلکات.

**[ترجمه]به سند دیگر آن را در باب مناهی آورده ام - . در باب اجابت دعوت کننده ج ۷۵ : ۴۴۷ گذشت. - و اخبار دیگر هم در باب کلیات مکارم و در باب نجات بخش ها و هلاک کننده ها گذشت.

**[ترجمه]

«۲»

مع (۹)،[معانی الأخبار] لی، [الأمالی للصدوق] الْعَطَّارُ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْبَطَائِنِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ فِي الْجَنَّهِ غُرَفاً يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَ بَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا يَسْكُنُهَا مِنْ أُمَّتِي مَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ أَفْشَى السَّلَامَ وَ صَلَّى بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ ثُمَّ قَالَ إِفْشَاءُ السَّلَامِ أَنْ لَا يَبْخَلَ بِالسَّلَامِ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ (۱۰).

۱- ۱. مریم: ۴۷ و ۶۲.

۲- ۲. النور: ۶۱.

۳- ۳. الفرقان: ۶۳ و ۷۵.

۴- ۴. الأحزاب: ۴۴.

۵- ۵. الذاریات: ۲۵.

۶- ۶. الواقعه: ۲۶.

۷- ۷. قرب الإسناد: ۴۸.

۸- ۸. مر فی باب اجابه الداعی ج ۷۵ ص ۴۴۷.

۹- ۹. معانی الأخبار ص ۲۵۰.

۱۰- ۱۰. أمالی الصدوق ص ۱۹۸.

**[ترجمه]معانی الاخبار و امالی صدوق: امام صادق علیه السّلام از پدرانش نقل کرد که که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در بهشت غرفه هایی است که از بیرون آن درونش پیداست و همچنین از درون بیرونش ظاهر است. از امتم آنهایی در آن ساکن هستند که نیک سخن گویند، اطعام کنند، فاش سلام کنند و در شب که مردم درخوابند نماز بگزارند. سپس فرمود: فاش کردن سلام به این است که دریغش ندارد بر هیچ مسلمانی. - . معانی الاخبار:۲۵۰ ، امالی صدوق: ۱۹۸ -

**[ترجمه]

«۳»

فس، [تفسیر القمی]: فَإِذا دَخَلْتُمْ بُیُوتاً فَسَلِّمُوا عَلی أَنْفُسِکُمْ فِی رِوَایَهِ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ یَقُولُ إِذَا دَخَلَ الرَّجُلُ مِنْکُمْ بَیْتَهُ فَإِنْ کَانَ فِیهِ أَحَدٌ یُسَلِّمُ عَلَیْهِمْ وَ إِنْ لَمْ یَکُنْ فِیهِ أَحَدٌ فَلْیَقُلِ السَّلَامُ عَلَیْنَا مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا یَقُولُ اللَّهُ تَحِیَّهً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبارَکَهً طَیِّبَهً(۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «فإذا دخلتم بیوتا فسلموا علی أنفسکم»، {پس چون به خانه هایی [که گفته شد] درآمدید، به یکدیگر سلام کنید.} فرمود: چون کسی از شماها به خانه در آید، اگر در آن کسی باشد بر آنها درود گوید، وگرنه بگوید: درود بر ما از جانب پروردگار ما! و خدا فرماید: «تحیه من عند الله مبارکه طیبه.» - . نور / ۶۱ - {درودی که نزد خدا مبارک و خوش است.} - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی:۴۶۲ -

**[ترجمه]

أقول

و فی بعض النسخ و قیل إِذَا لَمْ یَرَ الدَّاخِلُ بَیْتاً أَحَداً یَقُولُ فِیهِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ یَقْصِدُ بِهِ الْمَلَکَیْنِ اللَّذَیْنِ عَلَیْهِ شُهُودٌ.

**[ترجمه]و در روایتی است که گفته شده چون کسی در خانه ای در آید و کسی در آن نباشد، بگوید:درود و رحمت خدا بر شما، به قصد دو فرشته ای که گواه بر او و همراه اویند.

**[ترجمه]

«۴»

ل، [الخصال] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْکُوفِیِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مِنَ التَّوَاضُعِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَی مَنْ لَقِیتَ (۲).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: از تواضع است این که سلام کنی به هر کس که برخورد می کنی. - . خصال ۱ : ۹ -

**[ترجمه]

«۵»

جا، [المجالس للمفید] عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: یَا أَنَسُ سَلِّمْ عَلَی مَنْ لَقِیتَ یَزِیدُ اللَّهُ فِی حَسَنَاتِکَ وَ سَلِّمْ فِی بَیْتِکَ یَزِیدُ اللَّهُ فِی بَرَکَتِکَ.

**[ترجمه]مجالس مفید: پیغمبر صلی الله علیه و آله به انس فرمود: به هر کس که بر می خوری سلام کن تا خدا بر حسنات بیفزاید، و سلام کن در خانه خودت تا خدا بیفزاید در برکت تو.

**[ترجمه]

«۶»

ل، [الخصال] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ بَدَأَ بِالْکَلَامِ قَبْلَ السَّلَامِ فَلَا تُجِیبُوهُ.

وَ قَالَ علیه السلام: لَا تَدْعُ إِلَی طَعَامِکَ أَحَداً حَتَّی یُسَلِّمَ (۳).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که بدون سلام شروع به سخن کند، به او پاسخ ندهید. و فرمود: کسی را بر خوراکت دعوت نکن تا سلام کند. - . خصال ۱ : ۱۳ -

**[ترجمه]

«۷»

ل، [الخصال] أَبِی عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِیِّ عَنْ عِیسَی بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِیِّ عَنْ خَالِهِ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنِ ابْنِ الْمُنْکَدِرِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: خَیْرُکُمْ مَنْ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ أَفْشَی السَّلَامَ وَ صَلَّی وَ النَّاسُ نِیَامٌ (۴).

سن، [المحاسن] القاسانی عمن حدثه عن عبد الله بن القاسم عن أبی عبد الله علیه السلام. آبائه عن النبی صلوات الله علیهم: مثله (۵).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین شما آن است که خوراک دهد، فاش سلام کند و شب که مردم درخوابند، نماز گزارد. - . خصال ۱ : ۴۵ -

محاسن: مانند این روایت را آورده است. - . محاسن: ۳۸۷ -

**[ترجمه]

«۸»

ل، [الخصال] مُحَمَّدُ بْنُ عَمْرِو بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَبَّاسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ

ص: ۳

۱- ۱. تفسير القمّيّ ص ۴۶۲.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۹.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۱۳.

۴- ۴. الخصال ج ۱ ص ۴۵.

۵- ۵. المحاسن ۳۸۷.

مُحَمَّدِ بْنِ عُقْبَهَ عَنِ الْخَضِرِ بْنِ أَبَانٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هُدْبَهَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَوْماً: يَا أَنَسُ أَسْبِغِ الْوُضُوءَ تَمُرَّ عَلَى الصِّرَاطِ مَرَّ السَّحَابِ أَفْشِ السَّلَامَ يَكْثُرْ خَيْرُ بَيْتِكَ أَكْثِرْ مِنْ صَدَقَهِ السِّرِّ فَإِنَّهَا تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَ (۱).

**[ترجمه]خصال: انس گفت: یک روز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای انس! وضو را کامل کن تا چون ابر بر صراط گذر کنی؛ سلام را فاش کن تا خیر خانه ات فزون شود؛ بسیار صدقه نهانی بده که خشم خدا عزوجل را خاموش کند. - . خصال ۱ : ۸۵ -

**[ترجمه]

«۹»

ل، [الخصال] ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مُعَاوِيَهَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ يَضْمَنُ لِي أَرْبَعَهً بِأَرْبَعَهِ أَبْيَاتٍ فِي الْجَنَّهِ مَنْ أَنْفَقَ وَ لَمْ يَخَفْ فَقْراً وَ أَنْصَفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ وَ أَفْشَى السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ وَ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ كَانَ مُحِقّاً(۲).

سن، [المحاسن] أبی عن محمد بن سنان: مثله (۳).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: چه کسی است که تعهد کند برایم چهار را در برابر چهار خانه در بهشت: آن که انفاق کند بدون ترس از فقر، از طرف خودش به مردم انصاف دهد، سلام را در عالَم فاش سازد و مجادله را وانهد، اگرچه حق با او باشد - . خصال ۱ : ۱۰۶ - .

محاسن: مانند این روایت را آورده است. - . محاسن: ۸۰ -

**[ترجمه]

«۱۰»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ مَنْزِلَهُ فَلْيُسَلِّمْ عَلَى أَهْلِهِ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلٌ فَلْيَقُلِ السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا وَ قَالَ علیه السلام إِذَا قَالَ لَكَ أَخُوكَ حَيَّاكَ اللَّهُ بِالسَّلَامِ فَقُلْ أَنْتَ فَحَيَّاكَ اللَّهُ بِالسَّلَامِ وَ أَحَلَّكَ دَارَ الْمُقَامِ (۴).

**[ترجمه]خصال: در حدیث «اربعمائه» آمده است که امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: چون کسی از شما به خانه خود در آید، به خاندانش سلام دهد و گوید: درود بر شما! و اگر خانواده ای در آن ندارد، باید بگوید: السلام علینا من ربنا! (درود بر ما از جانب پروردگار ما). و فرمود: چون برادرت به تو گوید: تحیت خدا برتو باد به سلام! تو بگو: تحیت خدا برتو باد به سلام و خداوند دار مقام را نصیب تو کند! - . خصال ۲ : ۱۶۴ -

**[ترجمه]

«۱۱»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] الْمُفِیدُ عَنِ الْجِعَابِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ صَالِحٍ الْقَاضِی عَنْ مَسْرُوقِ بْنِ الْمَرْزُبَانِ عَنْ حَفْصٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ أَبِی عُثْمَانَ عَنْ أَبِی هُرَیْرَهَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ مِنَ الدُّعَاءِ وَ إِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ (۵).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عاجزترین مردم آن است که از دعا کردن عاجز باشد و بخیل ترین مردم آن است که از سلام کردن بخل ورزد. - . امالی شیخ طوسی ۱: ۸۷ -

**[ترجمه]

«۱۲»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنْ أَبِی قِلَابَهَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ لَقِیَ عَشَرَهً مِنَ الْمُسْلِمِینَ فَسَلَّمَ عَلَیْهِمْ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِتْقَ رَقَبَهٍ(۶).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: رسول خدا فرمود: هر که به ده مسلمان برخورد کند و بدانها سلام کند، خدا ثواب آزاد کردن بنده ای را بر او بنویسد. - . امالی شیخ طوسی ۱: ۱۸۵ -

**[ترجمه]

أقول

أوردناه بإسناده فی باب جوامع المکارم.

**[ترجمه]این روایت را با سندش در باب کلیات مکارم آوردم.

**[ترجمه]

«۱۳»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] الْمُفِیدُ عَنِ ابْنِ قُولَوَیْهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ ابْنِ عَمِیرَهَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۸۵.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۱۰۶.

۳- ۳. المحاسن ص ۸.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۱۶۴.

۵- ۵. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۸۷.

۶- ۶. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۱۸۵.

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا تَلَاقَیْتُمْ فَتَلَاقَوْا بِالتَّسْلِیمِ وَ التَّصَافُحِ وَ إِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالاسْتِغْفَارِ(۱).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون به هم برخورد کردید، با سلام و مصافحه ملاقات کنید و چون از هم جدا شدید، با استغفار باشد. - . امالی شیخ طوسی ۱: ۲۱۹ -

**[ترجمه]

«۱۴»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] ابْنُ الصَّلْتِ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ عَبَّادِ بْنِ أَحْمَدَ الْقَزْوِینِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَابِرٍ عَنِ الشَّعْبِیِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَجَلِیِّ قَالَ: سَمِعْتُ سَلْمَانَ الْفَارِسِیَّ یَقُولُ لِی وَ لِلْأَشْعَثِ بْنِ قَیْسٍ إِنَّ لِی عِنْدَكُمَا وَدِیعَهً فَقُلْنَا مَا نَعْلَمُهَا إِلَّا أَنَّ قَوْماً قَالُوا لَنَا أَقْرِءُوهُ عَنَّا السَّلَامَ قَالَ فَأَیُّ شَیْ ءٍ أَفْضَلُ مِنَ السَّلَامِ وَ هِیَ تَحِیَّهُ أَهْلِ الْجَنَّهِ(۲).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: جابر بن عبدالله البجلی گفت: سلمان به من و اشعث گفت: من در نزد شما امانتی دارم. گفتیم که ما از آن خبر نداریم، الا این که یک گروهی به ما گفتند سلام ما را به او برسان. سلمان گفت: چه چیز بهتر است از سلام که خوشامدگویی اهل بهشت است! - . امالی شیخ طوسی ۱: ۳۵۶ -

**[ترجمه]

«۱۵»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] جَمَاعَهٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ بُهْلُولٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ الْبُهْلُولِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِی شَیْبَهَ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ عَنِ الْحَارِثِ الْهَمْدَانِیِّ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنَّ لِلْمُسْلِمِ عَلَی أَخِیهِ الْمُسْلِمِ مِنَ الْمَعْرُوفِ سِتّاً یُسَلِّمُ عَلَیْهِ إِذَا لَقِیَهُ وَ یَعُودُهُ إِذَا مَرِضَ وَ یُسَمِّتُهُ إِذَا عَطَسَ وَ یَشْهَدُهُ إِذَا مَاتَ وَ یُجِیبُهُ إِذَا دَعَاهُ وَ یُحِبُّ لَهُ مَا یُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَ یَكْرَهُ لَهُ مَا یَكْرَهُ لِنَفْسِهِ (۳).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: مسلمان بر برادر مسلمان خود شش چیز از معروف دارد: هنگامی که به او برخورد کرد سلامش دهد؛ چون بیمار شود عیادتش کند؛ چون عطسه زند به خیرش گوید؛ چون بمیرد بر سر جنازه اش آید؛ چون دعوتش کند پذیرایش گردد؛ آنچه را که برای خود می خواهد، برای او بخواهد؛ و آنچه را که برای خود نخواهد، برای او نخواهد. - . امالی شیخ طوسی ۲: ۲۴۸ -

**[ترجمه]

«۱۶»

مع، [معانی الأخبار] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی الصَّبَّاحِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - فَإِذا دَخَلْتُمْ بُیُوتاً فَسَلِّمُوا عَلی أَنْفُسِکُمْ الْآیَهَ(۴) فَقَالَ هُوَ تَسْلِیمُ الرَّجُلِ عَلَی أَهْلِ الْبَیْتِ حِینَ یَدْخُلُ ثُمَّ یَرُدُّونَ عَلَیْهِ فَهُوَ سَلَامُکُمْ عَلَی أَنْفُسِکُمْ (۵).

**[ترجمه]معانی الاخبار: ابی صباح گفت: از امام باقر علیه السّلام از تفسیر آیه: «فإذا دخلتم بیوتا فسلموا علی أنفسکم.» {چون به خانه هایی [که گفته شد] درآمدید، به یکدیگر سلام کنید} تا آخرآیه، پرسیدم. فرمود: آن سلام بر خاندان است هنگامی که داخل می شود. سپس آنها جوابش دهند و آن سلام بر خودش باشد. - . معانی الاخبار: ۱۶۳ -

**[ترجمه]

«۱۷»

مع، [معانی الأخبار] أَبِی عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْبَخِیلُ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ (۶).

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام صادق علیه السّلام فرمود: بخیل آن است که از سلام مضایقه کند. - . معانی الاخبار: ۲۴۶ -

**[ترجمه]

«۱۸»

کشف، [کشف الغمه] مِنْ کِتَابِ الدَّلَائِلِ لِلْحِمْیَرِیِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ الصَّیْرَفِیِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ کُنْتُ تَرَکْتُ التَّسْلِیمَ عَلَی أَصْحَابِنَا فِی مَسْجِدِ

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۲۱۹.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۳۵۶.

۳- ۳. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۴۸.

۴- ۴. النور: ۶۱.

۵- ۵. معانی الأخبار ص ۱۶۳.

۶- ۶. معانی الأخبار ص ۲۴۶.

الْكُوفَهِ وَ ذَلِکَ لِتَقِیَّهٍ عَلَیْنَا فِیهَا شَدِیدَهٍ فَقَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ یَا إِسْحَاقُ مَتَی أَحْدَثْتَ هَذَا الْجَفَاءَ لِإِخْوَانِکَ تَمُرُّ بِهِمْ فَلَا تُسَلِّمُ عَلَیْهِمْ فَقُلْتُ لَهُ ذَلِکَ لِتَقِیَّهٍ کُنْتُ فِیهَا فَقَالَ لَیْسَ عَلَیْکَ فِی التَّقِیَّهِ تَرْکُ السَّلَامِ وَ إِنَّمَا عَلَیْکَ فِی التَّقِیَّهِ الْإِذَاعَهُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَیَمُرُّ بِالْمُؤْمِنِینَ فَیُسَلِّمُ عَلَیْهِمْ فَتَرُدُّ الْمَلَائِکَهُ سَلَامٌ عَلَیْکَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ أَبَداً(۱).

**[ترجمه]کشف الغمه: اسحاق بن عمار گفت: نزد امام صادق علیه السّلام رفتم و در مسجد کوفه به یاران خود سلام نمی کردم و این کار به دلیل تقیه بود که بر ما سخت بود. آن حضرت به من فرمود: ای اسحق! این جفاگری را به برادرانت از کی پدید آوردی که بدانها گذر می کنی و سلام نمی دهی؟ گفتم آن به دلیل تقیه است که بدان دچارم. فرمود: سلام نکردن تقیه نیست؛ تقیه فاش کردن رازها است. همانا چون مؤمن به مؤمنان گذر کند و بر آنها سلام کند، فرشته ها به او جواب دهند: سلام بر تو باد با رحمت و برکت همیشگی خدا! - . کشف الغمه ۲: ۴۰۹ -

**[ترجمه]

«۱۹»

مع، [معانی الأخبار] أَبِی عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: إِنَّ مِنَ التَّوَاضُعِ أَنْ یَرْضَی الرَّجُلُ بِالْمَجْلِسِ دُونَ الْمَجْلِسِ وَ أَنْ یُسَلِّمَ عَلَی مَنْ یَلْقَی وَ أَنْ یَتْرُکَ الْمِرَاءَ وَ إِنْ کَانَ مُحِقّاً وَ لَا یُحِبَّ أَنْ یُحْمَدَ عَلَی التَّقْوَی (۲).

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام صادق علیه السّلام از پدرانش علیهم السلام نقل فرمود: از تواضع این است که کسی راضی باشد در پایین مجلس بنشیند و به هر که می رسد سلام کند و جدال را وانهد، گرچه حق با او باشد، و نخواهد که او را به تقوا بستایند. - . معانی الاخبار: ۳۸۱ -

**[ترجمه]

«۲۰»

فس، [تفسیر القمی] قَالَ: کَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا أَتَوْهُ یَقُولُونَ لَهُ أَنْعِمْ صَبَاحاً وَ أَنْعِمْ مَسَاءً وَ هِیَ تَحِیَّهُ أَهْلِ الْجَاهِلِیَّهِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ وَ إِذا جاؤُکَ حَیَّوْکَ بِما لَمْ یُحَیِّکَ بِهِ اللَّهُ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَدْ أَبْدَلَنَا اللَّهُ بِخَیْرٍ مِنْ ذَلِکَ تَحِیَّهِ أَهْلِ الْجَنَّهِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ (۳).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: چون یاران رسول خدا نزد او می آمدند، به او می گفتند صبح به خیر یا شب به خیر، که این درود اهل جاهلیت بود و خدا فروفرستاد: «و إذا جاؤک حیوک بما لم یحیک به الله.» - . مجادله / ۸ - {و چون به نزد تو آیند، تو را بدانچه خدا به آن [شیوه] سلام نگفته سلام می دهند.} و رسول خدا صلی الله علیه و آله به آنها فرمود: خدا عوضی بهتر به ما داده که درود اهل بهشت است و آن «سلام علیکم» است. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۶۶۸ -

**[ترجمه]

«۲۱»

ع، [علل الشرائع] بِالْإِسْنَادِ إِلَی وَهْبٍ قَالَ: لَمَّا أَسْجَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْمَلَائِکَهَ لِآدَمَ علیه السلام وَ أَبَی إِبْلِیسُ أَنْ یَسْجُدَ قَالَ لَهُ رَبُّهُ عَزَّ وَ جَلَ فَاخْرُجْ مِنْها فَإِنَّکَ رَجِیمٌ- وَ إِنَّ عَلَیْکَ لَعْنَتِی إِلی یَوْمِ الدِّینِ ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ لِآدَمَ یَا آدَمُ انْطَلِقْ إِلَی هَؤُلَاءِ الْمَلَإِ مِنَ

الْمَلَائِکَهِ فَقُلْ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ فَسَلَّمَ عَلَیْهِمْ فَقَالُوا وَ عَلَیْکَ السَّلَامُ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ فَلَمَّا رَجَعَ إِلَی رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ لَهُ رَبُّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی هَذِهِ تَحِیَّتُکَ وَ تَحِیَّهُ ذُرِّیَّتِکَ مِنْ بَعْدِکَ فِیمَا بَیْنَهُمْ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ(۴).

**[ترجمه]علل الشرائع: وهب گفت: چون خدا فرشته ها را به سجده بر آدم واداشت و ابلیس سجده نکرد، پروردگار عزوجل به او فرمود:« فاخرج منها فإنک رجیم- و إن علیك لعنتی إلی یوم الدین»، {از آن خارج شوکه تو رانده شده ای و لعنتم تا روز جزا بر تو خواهد بود.} و به آدم فرمود: برو نزد این گروه فرشته ها و به آنها بگو السلام علیکم و رحمه الله و برکاته. پس بر آنها سلام کرد و آنها گفتند: و علیک السلام و رحمه الله و برکاته. هنگامی که نزد پروردگارش بازگشت، خدا تبارک و تعالی به او فرمود: این است خوشامدگویی تو و فرزندانت پس از تو در میان خودشان تا روز قیامت. -. علل الشرائع ۱: ۹۶ -

**[ترجمه]

«۲۲»

مع، [معانی الأخبار] مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الزَّنْجَانِیُّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سَلَّامٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا غِرَارَ فِی الصَّلَاهِ وَ لَا التَّسْلِیمِ.

۱- ۱. کشف الغمّه ج ۲ ص ۴۰۹.

۲- ۲. معانی الأخبار ص ۳۸۱.

۳- ۳. تفسیر القمّیّ ص ۶۶۸، و الآیات فی المجادله: ۹ و سوره ص ۷۹- ۷۸.

۴- ۴. علل الشرائع ج ۱ ص ۹۶.

الغرار فی التسلیم أن یقول الرجل السلام علیک أو یرده فیقول و علیک و لا یقول و علیکم السلام و یکره تجاوز الحد فی الرد کما یکره الغرار و ذلک أن الصادق علیه السلام سلم علی رجل فقال له الرجل و علیکم السلام و رحمه الله و برکاته و مغفرته و رضوانه فقال لا تجاوزوا بنا قول الملائکه لأبینا إبراهیم علیه السلام رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ إِنَّهُ حَمِیدٌ مَجِیدٌ(۱).

**[ترجمه]معانی الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: غرار در نماز و سلام نیست و غرار در سلام این است که در جواب «سلام علیک» بگوید «و علیک» و نگوید «علیک السلام»، و تجاوز از حد در جواب بد است، چنان چه کمبود بد است. برای این که امام صادق علیه السّلام به مردی سلام کرد و آن مرد در جواب گفت: «و علیکم السلام و رحمه الله و برکاته و مغفرته و رضوانه.» آن حضرت فرمود: در جواب از گفته فرشته ها به پدر ما ابراهیم در نگذرید که گفتند: «رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ علیکم أَهْلَ الْبَیْتِ إِنَّهُ حَمِیدٌ مَجِیدٌ.» - . معانی الاخبار: ۲۸۳ -

**[ترجمه]

«۲۳»

ل، [الخصال] ابْنُ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ أَبِی عُیَیْنَهَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثَهٌ یُرَدُّ عَلَیْهِمُ الدُّعَاءُ جَمَاعَهً وَ إِنْ کَانُوا وَاحِداً الرَّجُلُ یَعْطِسُ فَیُقَالُ لَهُ یَرْحَمُکُمُ اللَّهُ فَإِنَّ مَعَهُ غَیْرَهُ وَ الرَّجُلُ یُسَلِّمُ عَلَی الرَّجُلِ فَیَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَ الرَّجُلُ یَدْعُو لِلرَّجُلِ فَیَقُولُ عَافَاکُمُ اللَّهُ (۲).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: به سه کس با لفظ جمع دعا شود، گرچه تنها باشند: مردی که عطسه زند به او گویند: «یرحمکم الله»؛ مردی که سلام کند و جواب دهد: «السلام علیکم»؛ و مردی که به مردی دعا کند، گوید: «عافاکم الله.» - . خصال ۱: ۶۲ -

**[ترجمه]

«۲۴»

مکا، [مکارم الأخلاق]: سَأَلَ السَّابَاطِیُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ النِّسَاءِ کَیْفَ یُسَلِّمْنَ إِذَا دَخَلْنَ عَلَی الْقَوْمِ قَالَ الْمَرْأَهُ تَقُولُ عَلَیْکُمُ السَّلَامُ وَ الرَّجُلُ یَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ (۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: ساباطی از امام صادق علیه السّلام پرسید: زنها که به مجلس مردها درآیند چه گویند؟ فرمود: زن بگوید: «علیکم السلام» و مرد بگوید: «السلام علیکم.» - . مکارم الاخلاق: ۲۴ -

**[ترجمه]

«۲۵»

ع، [علل الشرائع] أَبِی عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ رَجُلٍ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ رَفَعَهُ إِلَی عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا دَخَلَ أَحَدُکُمْ بَیْتَهُ فَلْیُسَلِّمْ فَإِنَّهُ یُنْزِلُهُ الْبَرَکَهَ وَ تُؤْنِسُهُ الْمَلَائِکَهُ الْخَبَرَ.

**[ترجمه]علل الشرایع: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون یکی از شما به خانه اش درآید، سلام گوید که برکت فرود آید و فرشته ها با او همدم شوند.

**[ترجمه]

«۲۶»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] الْحَفَّارُ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَحْمَدَ الْحُلْوَانِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ الْمُقْرِی عَنْ عَلِیِّ بْنِ حَمَّادٍ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: لِیُسَلِّمِ الرَّاکِبُ عَلَی الْمَاشِی وَ إِذَا سَلَّمَ مِنَ الْقَوْمِ وَاحِدٌ أَجْزَأَ عَنْهُمْ (۴).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سواره بر پیاده سلام کند، و یکی که از میان جمعی سلام کند، از طرف همه کافی است. - . امالی شیخ طوسی ۱: ۳۶۹ -

**[ترجمه]

«۲۷»

فس، [تفسیر القمی]: وَ إِذا حُیِّیتُمْ بِتَحِیَّهٍ فَحَیُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها إِنَّ اللَّهَ کانَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ حَسِیباً قَالَ السَّلَامُ وَ غَیْرُهُ مِنَ الْبِرِّ(۵).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: «و إذا حییتم بتحیه فحیوا بأحسن منها أو ردوها إن الله کان علی کل شی ء حسیبا» - . نساء / ۸۶ - {و چون خوشامدی گفته شدید بهترش را پاسخ گویید یا همان را رد کنید که خدا بر هر چه حسابگر است.} فرمود: سلام باشد یا هر نیکی دیگر. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۱۳۳ -

**[ترجمه]

«۲۸»

ب، [قرب الإسناد] ابْنُ طَرِیفٍ عَنِ ابْنِ عُلْوَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ:

ص: ۷

۱- ۱. معانی الأخبار ص ۲۸۳.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۶۲.

۳- ۳. مكارم الأخلاق ص ۲۴.

۴- ۴. أمالى الطوسىّ ج ۱ ص ۳۶۹.

۵- ۵. تفسير القمّىّ ص ۱۳۳.

إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَ الْقَوْمُ يُصَلُّونَ فَلَا تُسَلِّمْ عَلَيْهِمْ وَ سَلِّمْ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله ثُمَّ أَقْبِلْ عَلَى صَلَاتِكَ وَ إِذَا دَخَلْتَ عَلَى قَوْمٍ جُلُوسٍ يَتَحَدَّثُونَ فَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ (١).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام باقر عليه السّلام فرمود: چون به مسجد درآمدى و مردم در نماز بودند، به آنها سلام مكن و بر پيغمبر سلام بگو و به نمازت رو كن، و چون بر مردمى درآمدى كه در گفتگو بودند، بر آنها سلام كن. - . قرب الاسناد: ۴۵ -

**[ترجمه]

«۲۹»

ب، [قرب الإسناد] أَبُو الْبَخْتَرِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام: أَنَّ عَلِيّاً عليه السلام كَانَ يَكْرَهُ رَدَّ السَّلَامِ وَ الْإِمَامُ يَخْطُبُ (٢).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام باقر عليه السّلام فرمود: على عليه السّلام بد مى داشت جواب سلام را در حال خطبه خواندن امام (در نماز جمعه) دادن. - . قرب الاسناد: ۶۹ -

**[ترجمه]

«۳۰»

ب، [قرب الإسناد] مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ مَعاً عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنْتُ فِي الْحَمَّامِ فِي الْبَيْتِ الْأَوْسَطِ فَدَخَلَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام وَ عَلَيْهِ النُّورَةُ قَالَ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَرَدَدْتُ عَلَيْهِ وَ تَأَخَّرْتُ فَدَخَلَ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْحَوْضُ فَاغْتَسَلْتُ وَ خَرَجْتُ (٣).

**[ترجمه]قرب الاسناد: سعدان بن مسلم گفت: در اتاق ميانى حمام بودم و امام كاظم عليه السّلام در حالى كه نوره بر او بود، وارد شد و گفت: السلام عليكم! من جواب دادم و عقب رفتم و آن حضرت بدان اتاق كه حوض داشت وارد شد و من غسل كردم و بيرون شدم. - . قرب الاسناد: ۱۷۷ -

**[ترجمه]

«۳۱»

ل، [الخصال] ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ رَفَعَهُ إِلَى الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: ثَلَاثَةٌ لَا يُسَلِّمُونَ الْمَاشِي مَعَ جَنَازَةٍ وَ الْمَاشِي إِلَى الْجُمُعَةِ وَ فِي بَيْتِ حَمَّامٍ (۴).

**[ترجمه]خصال: امام صادق عليه السّلام فرمود: بر سه كس سلام نشود: آن كه با جنازه رود، آن كه به جمعه رود و آن كه

در حمام است. - . خصال ۱: ۴۵ -

**[ترجمه]

«۳۲»

ل، [الخصال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ يُسَلَّمَ عَلَى أَرْبَعَةٍ عَلَى السَّكْرَانِ فِي سُكْرِهِ وَ عَلَى مَنْ يَعْمَلُ التَّمَاثِيلَ وَ عَلَى مَنْ يَلْعَبُ بِالنَّرْدِ وَ عَلَى مَنْ يَلْعَبُ بِالْأَرْبَعَةَ عَشَرَ وَ أَنَا أَزِيدُكُمُ الْخَامِسَةَ أَنْهَاكُمْ أَنْ تُسَلِّمُوا عَلَى أَصْحَابِ الشِّطْرَنْجِ (۵).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کرد از سلام بر چهار کس: بر کسی که در حال مستی است؛ بر مجسمه ساز؛ بر کسی که با نَرد بازی کند؛ و بر آن که با اربعه عشر بازی کند. و علی علیه السّلام افزود: و بر شطرنج باز - . خصال ۱: ۱۱۲ (اربعه عشر بازی کودکان است و گاهی با آن قمار کنند بر صفحه ای همچون صفحه روی زمین جدولی نقش می کنند و بر تقاطع خطوط تکه سنگ هایی می نهند و بسا که هشت خط باشد و شش سنگ که هر طرفی سه سنگ دارد به نام سه در و سه پر و گاهی ۱۶ خط بکشند با ۱۴ سنگ که در هر طرف هفت ریگ باشد. کلینی درکافی ۶: ۴۳۵ از ابی الحسن علیه السّلام روایت کرده که فرمود: نرد و شطرنج و اربعه عشر به منزله واحد هستند، وهر چیزی که با آن قمار شود میسر است. -

**[ترجمه]

«۳۳»

ل، [الخصال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ بُنَانِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۴۵.

۲- ۲. قرب الإسناد ص ۶۹.

۳- ۳. قرب الإسناد ص ۱۷۷.

۴- ۴. الخصال ج ۱ ص ۴۵.

۵- ۵. الخصال ج ۱ ص ۱۱۲، و الأربعه عشر لعبه للصبيان و قد يلعب به المقامرون يخطون على صفحه كصفحه الأرض خطوطا متقاطعه كالجدول و يصفون على متقاطع الخطوط حصيات فقد يكون الخطوط فيه ثمان و الحصيات ستا لكل واحد من المقامرين ثلاث حصيات، و يقال له سدر و فارسيته سه در و سه سه پر و قد يكون الخطوط فيه ست عشره و الحصيات أربعه عشر لكل واحد منهما سبع، روى الكليني في الكافي ج ۶ ص ۴۳۵ بإسناده عن معمر بن خلّاد عن أبي الحسن علیه السلام قال: النرد و الشطرنج و الأربعه عشر بمنزله واحده، و كل ما قومر عليه فهو ميسر.

ابْنِ الْمُغِيرَهِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: سِتَّةٌ لَا يُسَلَّمُ عَلَيْهِمْ الْيَهُودِيُّ وَ الْمَجُوسِيُّ وَ النَّصْرَانِيُّ وَ الرَّجُلُ عَلَى غَائِطِهِ وَ عَلَى مَوَائِدِ الْخَمْرِ وَ عَلَى الشَّاعِرِ الَّذِی يَقْذِفُ الْمُحْصَنَاتِ وَ عَلَى الْمُتَفَكِّهِينَ بِسَبِّ الْأُمَّهَاتِ (۱).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام از پدرانش علیهم السّلام نقل فرمود: بر شش کس سلام نشود: یهودی، مجوسی و نصرانی، مردی که بر سر خلاء [مستراح] یا بر سر سفره می خواری است، شاعری که زنان پارسا را به زنا متهم کند، و آنان که به دشنام بر مادران خوش باشند. - . خصال ۱: ۱۵۸ -

**[ترجمه]

«۳۴»

ل، [الخصال] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ أَبِی جَمِيلَهَ عَنِ ابْنِ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: سِتَّةٌ لَا يَنْبَغِی أَنْ يُسَلَّمَ عَلَيْهِمْ- الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى وَ أَصْحَابُ النَّرْدِ وَ الشِّطْرَنْجِ وَ أَصْحَابُ الْخَمْرِ وَ الْبَرْبَطِ وَ الطُّنْبُورِ وَ الْمُتَفَكِّهُونَ بِسَبِّ الْأُمَّهَاتِ وَ الشُّعَرَاءُ(۲).

سر، [السرائر] من كتاب ابن قولويه عن ابن نباته: مثله (۳).

**[ترجمه]خصال: علی علیه السّلام فرمود: شش کس باشند که سلام بر آنها شایسته نیست: یهود، نصاری، اهل نرد و شطرنج باز، شراب خواران و تار و طنبورزنان، آنان که به دشنام بر مادران خوشند، و شاعران. - . خصال۱: ۱۶۰ -

سرائر: از کتاب ابن قولویه مانند این روایت را آورده است. - . سرائر: ۴۹۰ -

**[ترجمه]

«۳۵»

ل، [الخصال] مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ عَمِّهِ عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَهَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام قَالَ: لَا تُسَلِّمُوا عَلَى الْيَهُودِ وَ لَا عَلَى النَّصَارَى وَ لَا عَلَى الْمَجُوسِ وَ لَا عَبَدَهِ الْأَوْثَانِ وَ لَا عَلَى مَوَائِدِ شُرَّابِ الْخَمْرِ وَ لَا عَلَى صَاحِبِ الشِّطْرَنْجِ وَ النَّرْدِ وَ لَا عَلَى الْمُخَنَّثِ وَ لَا عَلَى الشَّاعِرِ الَّذِی يَقْذِفُ الْمُحْصَنَاتِ وَ لَا عَلَى الْمُصَلِّی وَ ذَلِكَ لِأَنَّ الْمُصَلِّیَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَرُدَّ السَّلَامَ لِأَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَ الْمُسْلِمِ تَطَوُّعٌ وَ الرَّدَّ عَلَيْهِ فَرِيضَهٌ وَ لَا عَلَى آكِلِ الرِّبَا وَ لَا عَلَى رَجُلٍ جَالِسٍ عَلَى غَائِطٍ وَ لَا عَلَى الَّذِی فِی الْحَمَّامِ وَ لَا عَلَى الْفَاسِقِ الْمُعْلِنِ بِفِسْقِهِ (۴).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام از پدرش نقل فرمود: بر یهود و نصاری و مجوس و بت پرستان و مخنث و برشاعری که زنان پاک دامن را تهمت می زنـد، و بر آن که در نماز است سـلام نکنیـد، برای اینکه نمی توانـد جواب گوید، زیرا سـلام ابتدایی مستحب است و جوابش واجب است، و بر رباخوار و متجاهر به فسق سلام نکنید. - . خصال۲: ۸۷ -

**[ترجمه]

«۳۶»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِذَا قَامَ الرَّجُلُ مِنْ مَجْلِسِهِ فَلْيُوَدِّعْ إِخْوَانَهُ بِالسَّلَامِ فَإِنْ أَفَاضُوا فِي خَيْرٍ كَانَ شَرِيكَهُمْ وَ إِنْ أَفَاضُوا فِي بَاطِلٍ كَانَ عَلَيْهِمْ دُونَهُ (۵).

**[ترجمه]قرب الاسناد: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: چون کسی از مجلس خود بپاخیزد، به سلام با برادرانش وداع کند تا اگر در کار خوبی اندر شوند شریکشان باشد و اگر در بدی و باطلی باشند، بر خودشان باشد نه او. -. قرب الاسناد: ۲۳ -

**[ترجمه]

«۳۷»

ب، [قرب الإسناد] أَبُو الْبَخْتَرِيِّ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ علیه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: لَا تَبْدَءُوا أَهْلَ الْكِتَابِ بِالسَّلَامِ فَإِنْ سَلَّمُوا عَلَيْكُمْ فَقُولُوا:

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۱۵۸.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۱۶۰.

۳- ۳. السرائر ص ۴۹۰.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۸۷.

۵- ۵. قرب الإسناد ص ۲۳.

عَلَيْكُمْ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام ازپدرش علیهما السّلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: به اهل کتاب سلام نکنید و اگر به شما سلام کردند، بگویید: «علیکم.» - . قرب الاسناد: ۶۲ -

**[ترجمه]

«۳۸»

لی، [الأمالی للصدوق] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ حُمَيْدٍ عَنِ ابْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: خَمْسٌ لَا أَدَعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ الْأَكْلُ عَلَى الْحَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَ رُكُوبِيَ الْحِمَارَ مُؤْكَفاً وَ حَلْبِيَ الْعَنْزَ بِيَدِي وَ لُبْسُ الصُّوفِ وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصِّبْيَانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي (۲).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پنج چیز هستند که تا وقت مردن از دست ننهم تا پس از من سنت گردند: هم خوری با بنده ها بر روی زمین؛ سوار شدن بر الاغ پالان شده؛ دوشیدن بز با دستم؛ پوشیدن پشمینه؛ و سلام بر کودکان. - . امالی صدوق: ۴۴ -

**[ترجمه]

أقول

قد مضی بأسانید کثیره فی باب مکارم أخلاق النبی صلی الله علیه.

**[ترجمه]این روایت با سندهای بسیار در باب مکارم اخلاق پیغمبر صلی الله علیه و آله آمده است.

**[ترجمه]

«۳۹»

ضه، [روضه الواعظین]: قِيلَ إِذَا سَلَّمَ الرَّجُلُ عَلَى الْمُطِيعِ الْمُتَّقِي كَانَ مَعْنَاهُ اللَّهُ يُكْرِمُكَ وَ يُثَبِّتُكَ عَلَى طَاعَتِكَ وَ إِذَا سَلَّمَ عَلَى أَهْلِ الْمَعْصِيَهِ كَانَ مَعْنَاهُ السَّلَامُ مُطَّلِعٌ عَلَيْكَ.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: السَّلَامُ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ فَأَفْشُوهُ بَيْنَكُمْ فَإِنَّ الرَّجُلَ الْمُسْلِمَ إِذَا مَرَّ بِالْقَوْمِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَإِنْ لَمْ يَرُدُّوا عَلَيْهِ يَرُدُّ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنْهُمْ وَ أَطْيَبُ.

وَ رُوِيَ: أَنَّ الْيَهُودَ أَتَتِ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله فَقَالُوا السَّامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ وَ السَّامُ بِلُغَتِهِمُ الْمَوْتُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ عَلَيْكُمْ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى وَ إِذا جاؤُكَ حَيَّوْكَ بِما لَمْ يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ الْآيَهَ(۳).

**[ترجمه]روضه الواعظین: گفته شده چون کسی بر فرد مطیع وپرهیزکار سلام کند، یعنی خدا تو را گرامی دارد و بر طاعت پایدارت کند، و چون بر گنهکار باشد، یعنی خدا بر تو آگاه است.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سلام از نام های خداست؛ پس آن را میان خود فاش گویید. همانا چون مسلمانی بر مردمی گذرد و بر آنها سلام دهد، اگر جوابش ندهند، کسی که از آنها بهتر و خوب تر است جوابش دهد.

و روایت است که یهود آمدند نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله و گفتند: سام بر تو! و سام به زبان آنها به معنی مرگ است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما باد! و خدای تعالی نازل کرد: «و إذا جاؤك حيوك بما لم يحيك به الله»، {و چون به نزد تو آیند، تو را بدانچه خدا به آن [شیوه] سلام نگفته سلام می دهند}تا آخر آیه.

**[ترجمه]

«۴۰»

سن، [المحاسن] عُثْمَانُ بْنُ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ فَقَالَ يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَفْشُوا السَّلَامَ وَ صِلُوا الْأَرْحَامَ وَ تَهَجَّدُوا وَ النَّاسُ نِيَامٌ وَ أَطْعِمُوا الطَّعَامَ وَ أَطِيبُوا الْكَلَامَ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا فرزندان عبدالمطلب را جمع کرد و فرمود: ای فرزندان عبدالمطلب! سلام را علنی بگویید و صله رحم کنید؛ و نماز بخوانید در حالی که مردم در خوابند؛ و اطعام کنید؛ و خوش گویید تا به سلامت به بهشت روید. - . محاسن: ۳۸۷ -

**[ترجمه]

«۴۱»

سن، [المحاسن] الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِطْعَامَ الطَّعَامِ وَ إِفْشَاءَ السَّلَامِ (۵).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: همانا خدا اطعام طعام و افشای سلام را دوست دارد. - . محاسن: ۳۸۸ -

**[ترجمه]

«۴۲»

ضا، [فقه الرضا عليه السلام]: لَا تُسَلِّمْ عَلَى شَارِبِ الْخَمْرِ إِنْ مَرَرْتَ بِهِ وَ إِنْ سَلَّمَ عَلَيْكَ فَلَا تَرُدَّ عَلَيْهِ السَّلَامَ بِالْمَسَاءِ وَ الصَّبَاحِ وَ

السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِی بِالشِّطْرَنْجِ کُفْرٌ.

**[ترجمه]فقه الرضا: اگر بر شراب خوار گذشتی بر او سلام مکن و اگر بر تو سلام کرد، به «شب بخیر» و «صبح بخیر» جوابش را بده، و سلام بر شطرنج باز کفر است.

**[ترجمه]

«۴۳»

سر، [السرائر] فِی جَامِعِ الْبَزَنْطِیِّ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ:

ص: ۱۰

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۶۲.

۲- ۲. أمالی الصدوق ص ۴۴.

۳- ۳. المجادله: ۸.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۸۷.

۵- ۵. المحاسن ص ۳۸۸.

السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِی بِالشِّطْرَنْجِ مَعْصِیَهٌ وَ کَبِیرَهٌ مُوبِقَهٌ وَ اللَّاهِی بِهَا وَ النَّاظِرُ إِلَیْهَا فِی حَالِ مَا یُلْهَی بِهَا وَ السَّلَامُ عَلَى اللَّاهِی بِهَا فِی حَالَتِهِ تِلْکَ فِی الْإِثْمِ سَوَاءٌ.

**[ترجمه]سرائر: امام صادق علیه السّلام فرمود: سلام بر شطرنج باز گناه است و کبیره هلاکت باراست، و شطرنج باز و تماشاگر او و سلام بر او در حال بازی، گناه برابر دارند.

**[ترجمه]

أقول

تمامه فی باب القمار.

**[ترجمه]تمام حدیث در باب قمار است .

**[ترجمه]

«۴۴»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ أَبِی عُبَیْدَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام مَرَّ بِقَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَیْهِمْ فَقَالُوا وَ عَلَیْکُمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ وَ مَغْفِرَتُهُ وَ رِضْوَانُهُ فَقَالَ لَهُمْ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام لَا تُجَاوِزُوا بِنَا مَا قَالَتِ الْأَنْبِیَاءُ لِأَبِینَا إِبْرَاهِیمَ علیه السلام إِنَّمَا قَالُوا رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ إِنَّهُ حَمِیدٌ مَجِیدٌ(۱).

وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ: مِثْلَهُ غَیْرَ أَنَّهُ قَالَ مَا قَالَتِ الْمَلَائِکَهُ لِأَبِینَا(۲).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: امام باقر علیه السّلام فرمود: امام علی علیه السّلام به گروهی سلام کرد و آنها در جواب گفتند: «و علیکم السلام و رحمه الله و برکاته و مغفرته و رضوانه.» آن حضرت فرمود: در جواب از گفته انبیا به پدر ما ابراهیم درنگذرید که گفتند: «رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ علیکم أَهْلَ الْبَیْتِ إِنَّهُ حَمِیدٌ مَجِیدٌ.» {رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان [رسالت] باد. بی گمان، او ستوده ای بزرگوار است.}

حسن بن محمد مانند آن را روایت کرده، جز اینکه گفته: «فرشته ها به پدر ما گفتند.» - . تفسیر عیاشی۲: ۱۵۴ -

**[ترجمه]

«۴۵»

سر، [السرائر] عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بُکَیْرٍ عَنْ بُرَیْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا سَلَّمَ عَلَیْکَ الْیَهُودِیُّ وَ النَّصْرَانِیُّ وَ الْمُشْرِکُ فَقُلْ عَلَیْکَ (۳).

**[ترجمه]سرائر: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون یهودی و ترسا و بت پرست به تو سلام کردند، بگو: «علیک.» - . سرائر: ۴۷۵ -

**[ترجمه]

«۴۶»

جع، [جامع الأخبار] قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: الْبَادِی بِالسَّلَامِ أَوْلَی بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ.

عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: السَّلَامُ سَبْعُونَ حَسَنَةً تِسْعَةٌ وَ سِتُّونَ لِلْمُبْتَدِی وَ وَاحِدَةٌ لِلرَّادِّ.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مِنَ التَّوَاضُعِ أَنْ تُسَلِّمَ عَلَی مَنْ لَقِیتَ.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَنْ قَالَ سَلَامٌ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ فَهِیَ عِشْرُونَ حَسَنَةً.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا قَامَ أَحَدُکُمْ مِنْ مَجْلِسِهِ فَلْیُوَدِّعْهُمْ بِالسَّلَامِ.

وَ قَالَ علیه السلام: أَفْشُوا السَّلَامَ تَسْلَمُوا.

وَ قَالَ علیه السلام: إِنَّ مِنْ مُوجِبَاتِ الْمَغْفِرَهِ بَذْلَ السَّلَامِ وَ حُسْنَ الْکَلَامِ.

وَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ مَنْزِلَکَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ سَلِّمْ عَلَی أَهْلِکَ فَإِنْ لَمْ یَکُنْ فِیهِ أَحَدٌ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ سَلَامٌ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ وَ السَّلَامُ عَلَیْنَا وَ عَلَی عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِینَ فَإِذَا قُلْتَ ذَلِکَ فَرَّ الشَّیْطَانُ مِنْ مَنْزِلِکَ.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: یُسَلِّمُ الرَّجُلُ إِذَا دَخَلَ عَلَی أَهْلِهِ وَ إِذَا دَخَلَ یَضْرِبُ بِنَعْلَیْهِ

۱- ۱. هود: ۷۳.

۲- ۲. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۱۵۴.

۳- ۳. السرائر ص ۴۷۵.

وَ يَتَنَحْنَحُ يَصْنَعُ ذَلِکَ حَتَّی یُؤْذِنَهُمْ أَنَّهُ قَدْ جَاءَ حَتَّی لَا یَرَی شَیْئاً یَکْرَهُهُ.

وَ قَالَ علیه السلام: السَّلَامُ تَحِیَّهٌ لِمِلَّتِنَا وَ أَمَانٌ لِذِمَّتِنَا.

وَ قَالَ علیه السلام: السَّلَامُ لِلرَّاکِبِ عَلَی الرَّاجِلِ وَ لِلْقَائِمِ عَلَی الْقَاعِدِ.

وَ قَالَ علیه السلام: السَّلَامُ قَبْلَ الْکَلَامِ (۱).

**[ترجمه]جامع الاخبار: امام صادق علیه السّلام فرمود: آن که اول سلام کند، به خدا و رسولش اولی است.

و علی علیه السّلام فرمود: سلام هفتاد حسنه دارد که شصت و نه تا از آنِ سلام کننده و یکی از آنِ جوابگو است.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: از تواضع است که به هر که بر خوردی سلام کنی.

و فرمود: هر که گفت: «سلام علیکم و رحمه الله»، آن بیست حسنه است.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون کسی از شما از مجلسی بپا خیزد، بدانها سلام وداع گوید.

و فرمود سلام را فاش کنید تا سالم بمانید.

و فرمود: از اسباب آمرزش سلام گفتن و حُسن کلام است.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: چون به منزلت در آیی، بگو: «بسم الله و بالله» و بر خاندانت سلام کن و اگر کسی در آن نیست بگو: «بسم الله و سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندانش و سلام بر ما و بندگان خوب خدا.» چون چنین بگویی، شیطان از خانه ات بگریزد .

و از آن حضرت است که فرمود: مرد چون به خانواده اش وارد شود، سلام کند و در ورود کفشش را به زمین زند و سرفه کند تا ورود خود را به آنها اعلام کند که چیزی را که دوست ندارد در آنها نبیند.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: سلام خوش باشی برای ملت ما و امانتی بر گردن ماست.

و فرمود: سلام بر سواره است برای پیاده و بر ایستاده است برای نشسته.

و فرمود: سلام پیش از گفتار است. - . جامع الاخبار: ۱۰۳ -

**[ترجمه]

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله قَالَ: إِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ وَ أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ جَادَ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّ أَهْلَ خَيْبَرَ يُرِيدُونَ أَنْ يَلْقَوْكُمْ فَلَا تَبْدَءُوهُمْ بِالسَّلَامِ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنْ سَلَّمُوا عَلَيْنَا فَمَا ذَا نَرُدُّ عَلَيْهِمْ- قَالَ صلى الله عليه و آله تَقُولُونَ وَ عَلَيْكُمْ (۲).

**[ترجمه]نوادر راوندى: موسى بن جعفر عليه السّلام از پدرانش عليهم السّلام نقل فرمود: پيغمبر صلى الله عليه و آله فرمود: بخيل ترين مردم آن است كه از سلام دريغ كند، و بخشنده ترين مردم آن است كه در راه خدا جان و مال نثار كند.

و به همين سند است كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: مردم خيبر مى خواهند شما را ديدار كنند، بدانها سلام نكنيد. گفتند: يا رسول الله! اگر به ما سلام گفتند چه جواب گوييم؟ فرمود: بگوييد: «و عليكم.» - . نوادر راوندى: ۲۰ و ۳۳ -

**[ترجمه]

«۴۸»

عُدَّةُ الدَّاعِي، عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله قَالَ: أَبْخَلُ النَّاسِ مَنْ بَخِلَ بِالسَّلَامِ.

وَ قَالَ عليه السلام: أَبْخَلُ النَّاسِ رَجُلٌ يَمُرُّ بِمُسْلِمٍ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ.

**[ترجمه]عده الداعى: از پيغمبر صلى الله عليه و آله نقل مى كند كه فرمود: بخيل ترين مردم آن است كه از سلام دريغ كند.

و فرمود: بخيل ترين مردم آن است كه به مسلمانى بگذرد و بر او سلام نكند.

**[ترجمه]

«۴۹»

كِتَابُ الْإِمَامَهِ وَ التَّبْصِرَهِ، عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: الرَّاكِبُ أَحَقُّ بِالسَّلَامِ.

**[ترجمه]امامت و تبصره: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: سواره سزاوارتر است به سلام كردن.

**[ترجمه]

«۵۰»

كِتَابُ الْغَايَاتِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: أَ لَا أُخْبِرُكُمْ بِخَيْرِ أَخْلَاقِ أَهْلِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ

إِفْشَاءُ السَّلَامِ فِی الْعَالَمِ.

وَ مِنْهُ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّ أَوْلَی النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِرَسُولِهِ مَنْ بَدَأَ بِالسَّلَامِ.

وَ مِنْهُ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: مِنْ أَحْسَنِ الْحَسَنَاتِ عِیَادَهُ الْمَرْضَی وَ مُسَاعَدَهُ الدُّعَاءِ عِنْدَ الْعُطَاسِ إِجَابَهً.

**[ترجمه]کتاب غایات: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به شما خبر ندهم از بهترین اخلاق اهل دنیا وآخرت؟ گفتند: چرا یا رسول الله! فرمود: فاش کردن سلام در همه جهان.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مقدم ترین مردم به خدا و رسولش، آن است که آغاز به سلام کند .

و از علی علیه السّلام است که فرمود: بهترین حسنه عیادت بیمار است و دعا کردن در جواب عطسه.

**[ترجمه]

«۵۱»

الْمَجَازَاتُ النَّبَوِیَّهُ، قَالَ صلی الله علیه و آله: وَ قَدْ أَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نَبِیَّ اللَّهِ فَقَالَ وَ عَلَیْکَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ ثُمَّ أَتَاهُ آخَرُ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نَبِیَّ اللَّهِ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ فَقَالَ وَ عَلَیْکَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ ثُمَّ أَتَاهُ آخَرُ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیْکَ

۱- ۱. جامع الأخبار ص ۱۰۳.

۲- ۲. نوادر الراوندیّ ص ۲۰ و ۳۳.

يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ فَقَالَ وَ عَلَيْكَ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لِمَ لَمْ تَقُلْ لِهَذَا كَمَا قُلْتَ لِلَّذَيْنِ قَبْلَهُ فَقَالَ إِنَّهُ تَشَافَّهَا.

فقوله عليه السلام إنه تشافها استعاره و المراد استفرغ جميع التحيه فلم يدع منها شيئا يزاد به على لفظه و يرد عليه جوابا عن قوله و الأولان بقيا من تحيتهما بقيه ردت عليهما أعيدت إليهما و أصل ذلك مأخوذ من التشاف و هو تتبع بقيه الإناء و الحوض حتى يستنفد جميع ما فيه و تلك البقيه تسمى الشافه و من أمثال العرب ليس الرأى عن التشاف يقولون ليس يروى العطشان تتبع بقيه الماء حتى يستفرغ جميع ما فى الإناء(۱).

**[ترجمه]المجازات النبويه: پیغمبر صلی الله علیه و آله به مردی که نزدش آمد و گفت: سلام بر تو ای پیغمبر خدا! فرمود: و بر تو باد رحمت خدا! آنگاه دیگری آمد و گفت: سلام بر تو ای پیغمبر خدا و رحمت خدا! و آن حضرت جواب داد: و بر تو باد رحمت و برکات خدا! آنگاه دیگری آمد و گفت:سلام بر تو ای پیغمبر خدا و رحمت و برکات خدا! و آن حضرت جواب داد: و بر تو باد رحمت و برکات خدا! آنگاه دیگری آمد و گفت: سلام بر تو ای پیغمبر خدا و رحمت و برکاتش! و آن حضرت جواب گفت: و بر تو باد! به آن حضرت گفته شد چرا به او جوابی ندادی که به دو تای قبلی دادی؟ فرمود: «إنه تشافها»، یعنی جای افزودن نماند.

توضیح:

«انه تشافها» استعاره است و مراد این است که همه حق تحیت را انجام داد و چیزی باقی نگذاشت که زیاد کند و در جواب همان را رد کرد، اما دو نفر اول از تحیت چیزی کم گذاشتند که در جواب آن را تکرار فرمود. و اصل تشافها مأخوذ از «التشاف» است که به معنی تتبع بقیه ظرف و حوض است تا هر چه در آن است تمام شود و این بقیه «شافه» نامیده می شود و از ضرب المثل های عرب این است که «لیس الرأی عن التشاف»، در واقع می گویند آدم تشنه از بقیه آب صرفنظر نمی کند تا هر چه در ظرف است را تمام کند. - . المجازات النبویه: ۱۹۹ -

**[ترجمه]

باب ۹۸ الإذن فی الدخول و سلام الآذن

الآيات

النور: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا عَلى أَهْلِها ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ- فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيها أَحَداً فَلا تَدْخُلُوها حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمُ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ- لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُناحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيها مَتاعٌ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ ما تُبْدُونَ وَ ما تَكْتُمُونَ (۲)

و قال تعالى: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلاةِ الْعِشاءِ ثَلاثُ عَوْراتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لا عَلَيْهِمْ جُناحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلى بَعْضٍ كَذلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآياتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۳)

الأحزاب: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكَمْ (۴)

lt;meta info="- يا أيها الـذين آمنوا لا تدخلوا بيوتا غير بيوتكم حتى تسـتأنسوا و تسـلموا على أهلها ذلكم خير لكم لعلكم تـذكرون* فإن لم تجـدوا فيها أحدا فلا تدخلوها حتى يؤذن لكم و إن قيل لكم ارجعوا فارجعوا هو أزكى لكم و الله بما تعملون عليم* ليس عليكم جناح أن تدخلوا بيوتا غير مسكونه فيها متاع لكم و الله يعلم ما تبدون و ما تكتمون. - . نور/ ۲۶- ۲۸ -

{اى كسـانى كه ايمـان آورده ايـد، به خـانه هـايى كه خانه هاى شـما نيست داخل مشويـد تا اجازه بگيريـد و بر اهل آن سـلام گوييد. اين براى شـما بهتر است، باشد كه پند گيريد. و اگر كسـى را در آن نيافتيد، پس داخلِ آن مشويد تا به شما اجازه داده شود و اگر به شـما گفته شد: «برگرديد» برگرديد، كه آن براى شـما سزاوارتر است، و خدا به آنچه انجام مى دهيد داناست. بر شما گناهى نيست كه به خانه هاى غير مسكونى- كه در آنها براى شما استفاده اى است- داخل شويد، و خدا آنچه را آشكار و آنچه را پنهان مى داريد مى داند.}

- يا أيها الـذين آمنوا ليسـتأذنكم الـذين ملكت أيمانكم و الـذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلاث مرات من قبل صـلاه الفجر و حين تضـعون ثيـابكم من الظهيره و من بعـد صـلاه العشـاء ثلاـث عورات لكم ليس عليكم و لاـ عليهم جنـاح بعـدهن طوافون عليكم بعضكم على بعض كذلك يبين الله لكم الآيات و الله عليم حكيم. - . نور/ ۵۸ -

{اى كسانى كه ايمان آورده ايـد، بايـد غلام و كنيزهاى شـما و كسانى از شـما كه به [سن] بلوغ نرسـيده انـد سه بار [در شـبانه روز] از شــما كسـب اجازه كننــد: پيش از نمـاز بامــداد، و نيمروز كـه جـامه هـاى خـود را بيرون مى آوريـد، و پس از نمـاز شامگاهـان. [اين،] سه هنگـام برهنگى شـماست، نه بر شـما و نه بر آنان گناهى نيست كه غير از اين [سه هنگام] گرد يكـديگر بچرخيد [و با هم معاشرت نماييد]. خداوند آيات [خود] را اين گونه براى شما بيان مى كند، و خدا داناى سنجيده كار است}

- يا أيها الذين آمنوا لا تدخلوا بيوت النبى إلا أن يؤذن لكم. - . احزاب/ ۵۳ -

{اى كسانى كه ايمان آورده ايد، داخل اتاق هاى پيامبر مشويد، مگر آنكه براى [خوردنِ] طعامى به شما اجازه داده شود.}

**[ترجمه]

روايات

«۱»

فس، [تفسير القمى]: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنْكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمانُكُم إِلَى قَوْلِهِ:

ص: ۱۳

۱- ۱. المجازات النبويّه: ۱۹۹.

٢- ٢. النور: ٢۶- ٢٨.

٣- ٣. النور: ۵٨.

۴- ۴. الأحزاب: ۵٣.

ثَلاثُ عَوْراتٍ لَكُمْ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَهَى أَنْ يَدْخُلَ أَحَدٌ فِي هَذِهِ الثَّلَاثَهِ الْأَوْقَاتِ عَلَى أَحَدٍ لَا أَبٍ وَ لَا أَخْتٍ وَ لَا أَمٍّ وَ لَا خَادِمٍ إِلَّا بِإِذْنٍ وَ الْأَوْقَاتُ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَ نِصْفِ النَّهَارِ وَ بَعْدَ عِشَاءِ الْآخِرَهِ ثُمَّ أَطْلَقَ بَعْدَ هَذِهِ الثَّلَاثَهِ الْأَوْقَاتِ فَقَالَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لا عَلَيْهِمْ جُناحٌ بَعْدَهُنَّ يَعْنِي بَعْدَ هَذِهِ الثَّلَاثَهِ الْأَوْقَاتِ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلى بَعْضٍ (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: در تفسیر آیه: «یا أیها الذین آمنوا لیستأذنکم الذین ملکت أیمانکم تا آنجا که می فرماید: ثلاث عورات لکم»، {ای کسانی که ایمان آورده اید، باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده اند سه بار [در شبانه روز] از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد، و نیمروز که جامه های خود را بیرون می آورید، و پس از نماز شامگاهان.} گوید: خداوند نهی کرد که کسی در این سه وقت بر کسی وارد شود، نه پدر و نه خواهر و نه مادر و نه خدمتکار، مگر آنکه اجازه گیرد. این سه وقت پس از سپیده دم و نیمه روز و پس از نماز عشاء آخر است. پس از این سه وقت روا وجایز کرده و فرموده «لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهن»، {نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام]}، «طوافون علیکم بعضکم علی بعض» {گرد یکدیگر بچرخید [و با هم معاشرت نمایید].} - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۶۰ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الِاسْتِئْذَانُ ثَلَاثَهٌ أَوَّلُهُنَّ يَسْمَعُونَ وَ الثَّانِيَهِ يَحْذَرُونَ وَ الثَّالِثَهِ إِنْ شَاءُوا أَذِنُوا وَ إِنْ شَاءُوا لَمْ يَفْعَلُوا فَيَرْجِعُ الْمُسْتَأْذِنُ (۲).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: اجازه گرفتن سه بار است: اول آنکه آن را بشنوند، دوم آماده شوند و در بار سوم اگر خواهند اجازه دهند و اگر نه، اجازه ندهند و اجازه گیرنده باید برگردد. - . خصال۱: ۴۵ -

**[ترجمه]

«۳»

مع، [معاني الأخبار] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- لا تَدْخُلُوا بُيُوتاً غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَ تُسَلِّمُوا عَلى أَهْلِها قَالَ الِاسْتِينَاسُ وَقْعُ النَّعْلِ وَ التَّسْلِيمُ (۳).

**[ترجمه]معانی الاخبار: عبدالرحمن گفت: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم از این قول خدا عزوجل: «لا تدخلوا بیوتا غیر بیوتکم حتی تستأنسوا و تسلموا علی أهلها»، {ای کسانی که ایمان آورده اید، به خانه هایی که خانه های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گویید.} فرمود: انس گرفتن، به پا کوفتن و سلام کردن است. - . معانی الاخبار: ۱۶۳ -

**[ترجمه]

«۴»

فس، [تفسیر القمی] عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ: مِثْلَهُ وَ قَالَ عَلِیُّ بْنُ إِبْرَاهِیمَ فِی قَوْلِهِ فَإِذا دَخَلْتُمْ بُیُوتاً فَسَلِّمُوا عَلی أَنْفُسِکُمْ تَحِیَّهً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبارَکَهً طَیِّبَهً(۴) قَالَ هُوَ سَلَامُکَ عَلَی أَهْلِ الْبَیْتِ وَ رَدُّهُمْ عَلَیْکَ فَهُوَ سَلَامُکَ عَلَی نَفْسِکَ ثُمَ رَخَّصَ اللَّهُ فَقَالَ- لَیْسَ عَلَیْکُمْ جُناحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُیُوتاً غَیْرَ مَسْکُونَهٍ فِیها مَتاعٌ لَکُمْ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام هِیَ الْحَمَّامَاتُ وَ الْخَانَاتُ وَ الْأَرْحِیَهُ تَدْخُلُهَا بِغَیْرِ إِذْنٍ (۵).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: مانندش را آورده است. و علی بن ابراهیم در تفسیر آیه: «فإذا دخلتم بیوتا فسلموا علی أنفسکم تحیه من عند الله مبارکه طیبه.» - . نور/ ۶۱ - {پس چون به خانه هایی [که گفته شد] درآمدید، به یکدیگر سلام کنید درودی که نزد خدا مبارک و خوش است.} گفته است: آن سلام بر اهل خانه است و جواب آنها به تو که در حکم سلام بر خود است. سپس رخصت داده که فرموده: «لیس علیکم جناح أن تدخلوا بیوتا غیر مسکونه فیها متاع لکم»، {باکی بر شما نیست که در آیید در خانه ای که ساکنی ندارد و در آن کالایی دارید.} امام صادق علیه السّلام فرمود: مقصود حمام ها و کاروانسراها و آسیاها است که بدون اجازه در آن درآیی. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۴۵۴ -

**[ترجمه]

«۵»

کَنْزُ الْکَرَاجُکِیِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ شَاذَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِیدٍ الدِّهْقَانِ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عِیسَی الْعَلَوِیِّ عَنْ حُسَیْنِ بْنِ عُلْوَانَ

۱- ۱. تفسیر القمّیّ: ۴۶۰.

۲- ۲. الخصال ج ۱: ۴۵.

۳- ۳. معانی الأخبار: ۱۶۳.

۴- ۴. النور: ۶۱.

۵- ۵. تفسیر القمّیّ: ۴۵۴.

عَنْ أَبِی خَالِدٍ عَنْ زَیْدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: دَخَلْتُ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ فِی بَعْضِ حُجُرَاتِهِ فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَیْهِ فَأَذِنَ لِی فَلَمَّا دَخَلْتُ قَالَ لِی یَا عَلِیُّ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ بَیْتِی بَیْتُکَ فَمَا لَکَ تَسْتَأْذِنُ عَلَیَّ قَالَ فَقُلْتُ یَا رَسُولَ اللَّهِ أَحْبَبْتُ أَنْ أَفْعَلَ ذَلِکَ قَالَ یَا عَلِیُّ أَحْبَبْتَ مَا أَحَبَّ اللَّهُ وَ أَخَذْتَ بِأَدَبِ اللَّهِ الْخَبَرَ.

**[ترجمه]کنز کراچکی: امام علی علیه السّلام فرمود: به یکی از خانه های پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد شدم، اجازه ورود خواستم و اجازه ام داد. پس در آمدم و به من فرمود: ای علی! ندانی که خانه من خانه خود تو است، پس چرا از من اجازه می خواهی؟ گفتم: یا رسول الله! دوست داشتم چنین کنم. فرمود: ای علی! دوست داشتی آنچه را خدا دوست داشته و آداب خوب خدایی را انجام دادی .

**[ترجمه]

باب ۹۹ نادر فیما قیل فی جواب کیف أصبحت

روایات

«۱»

جع، [جامع الأخبار]: قِیلَ لِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام کَیْفَ أَصْبَحْتَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ أَصْبَحْتُ مَطْلُوباً بِثَمَانِ خِصَالٍ- اللَّهُ تَعَالَی یَطْلُبُنِی بِالْفَرَائِضِ وَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله بِالسُّنَّةِ وَ الْعِیَالُ بِالْقُوتِ وَ النَّفْسُ بِالشَّهْوَةِ وَ الشَّیْطَانُ بِالْمَعْصِیَةِ وَ الْحَافِظَانِ بِصِدْقِ الْعَمَلِ وَ مَلَکُ الْمَوْتِ بِالرُّوحِ وَ الْقَبْرُ بِالْجَسَدِ فَأَنَا بَیْنَ هَذِهِ الْخِصَالِ مَطْلُوبٌ (۱).

دعوات الراوندی،: مثله.

**[ترجمه]جامع الاخبار: به امام زین العابدین علیه السّلام گفتند: چگونه صبح کردی؟ فرمود: صبح کردم با هشت بدهی: خدای تعالی از من واجبات را خواهد؛ پیغمبر سنت خود را؛ عیال خوراک خود را؛ نفس شهوتش را؛ شیطان گناه را؛ دو نگهبانم کردار درست را؛ ملک الموت جانم را؛ و قبر تنم را، و من درمیان این بدهکاری ها هستم. - . جامع الاخبار: ۱۰۵ -

دعوات راوندی مانند این روایت را آورده است.

**[ترجمه]

«۲»

جع، [جامع الأخبار]: وَ قِیلَ لِلْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام کَیْفَ أَصْبَحْتَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ أَصْبَحْتُ وَ لِی رَبٌّ فَوْقِی وَ النَّارُ أَمَامِی وَ الْمَوْتُ یَطْلُبُنِی وَ الْحِسَابُ مُحْدِقٌ بِی وَ أَنَا مُرْتَهَنٌ بِعَمَلِی لَا أَجِدُ مَا أُحِبُّ وَ لَا أَدْفَعُ مَا أَکْرَهُ وَ الْأُمُورُ بِیَدِ غَیْرِی فَإِنْ شَاءَ عَذَّبَنِی وَ إِنْ شَاءَ عَفَا فَأَیُّ فَقِیرٍ أَفْقَرُ مِنِّی.

قَالَ: قُلْتُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَيْفَ أَصْبَحْتَ فَقَالَ كَيْفَ يُصْبِحُ مَنْ كَانَ لِلَّهِ عَلَيْهِ حَافِظَانِ وَ عَلِمَ أَنَّ خَطَايَاهُ مَكْتُوبَةٌ فِي الدِّيوَانِ إِنْ لَمْ يَرْحَمْهُ رَبُّهُ فَمَرْجِعُهُ إِلَى النِّيرَانِ.

قِيلَ لِفَاطِمَةَ عليه السلام: كَيْفَ أَصْبَحْتِ يَا ابْنَةَ الْمُصْطَفَى قَالَتْ أَصْبَحْتُ عَائِفَةً لِدُنْيَاكُمْ قَالِيَةً لِرِجَالِكُمْ لَفَظْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ فَأَنَا بَيْنَ جَهْدٍ وَ كَرْبٍ بَيْنَمَا فُقِدَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله وَ ظُلِمَ الْوَصِيُّ.

۱- ۱. جامع الأخبار ص ۱۰۵.

عَنِ الْمِنْهَالِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَقُلْتُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ رَحِمَكُمُ اللَّهُ قَالَ أَنْتَ تَزْعُمُ أَنَّكَ لَنَا شِيعَةٌ وَ أَنْتَ لَا تَعْرِفُ صَبَاحَنَا وَ مَسَاءَنَا أَصْبَحْتُ فِي قَوْمِنَا بِمَنْزِلَةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي آلِ فِرْعَوْنَ يُذَبِّحُونَ الْأَبْنَاءَ وَ يَسْتَحْيُونَ النِّسَاءَ وَ أَصْبَحَ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ بَعْدَ نَبِيِّهَا صلى الله عليه و آله يُلْعَنُ عَلَى الْمَنَابِرِ وَ يُعْطَى الْفَضْلُ وَ الْأَمْوَالُ عَلَى شَتْمِهِ وَ أَصْبَحَ مَنْ يُحِبُّنَا مَنْقُوصاً بِحَقِّهِ عَلَى حُبِّهِ إِيَّانَا وَ أَصْبَحَتْ قُرَيْشٌ تَفَضَّلُ عَلَى جَمِيعِ الْعَرَبِ بِأَنَّ مُحَمَّداً صلى الله عليه و آله مِنْهُمْ يَطْلُبُونَ بِحَقِّنَا وَ لَا يَعْرِفُونَ لَنَا حَقّاً ادْخُلْ فَهَذَا صَبَاحُنَا وَ مَسَاؤُنَا.

وَ قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَوْماً فَقُلْتُ لَهُ كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ آكُلُ رِزْقِي قَالَ جَابِرٌ مَا تَقُولُ فِي دَارِ الدُّنْيَا قَالَ مَا نَقُولُ فِي دَارٍ أَوَّلُهَا غَمٌّ وَ آخِرُهَا الْمَوْتُ قَالَ فَمَنْ أَغْبَطُ النَّاسِ قَالَ جَسَدٌ تَحْتَ التُّرَابِ أَمِنٌ مِنَ الْعِقَابِ وَ يَرْجُو الثَّوَابَ.

وَ قِيلَ لِسَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ: كَيْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ كَيْفَ يُصْبِحُ مَنْ كَانَ الْمَوْتُ غَايَتَهُ وَ الْقَبْرُ مَنْزِلَهُ وَ الدِّيدَانُ جِوَارَهُ وَ إِنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَالنَّارُ مَسْكَنُهُ.

قِيلَ لِحُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِ: كَيْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ كَيْفَ يُصْبِحُ مَنْ كَانَ اسْمُهُ عَبْداً وَ يُدْفَنُ غَداً فِي الْقَبْرِ وَحْداً وَ يُحْشَرُ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَرْداً.

عَنِ الْمُسَيَّبِ قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَوْماً مِنَ الْبَيْتِ فَاسْتَقْبَلَهُ سَلْمَانُ فَقَالَ عليه السلام لَهُ كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَصْبَحْتُ فِي غُمُومِ أَرْبَعَةٍ فَقَالَ لَهُ وَ مَا هُنَّ قَالَ غَمُّ الْعِيَالِ يَطْلُبُونَ الْخُبْزَ وَ الشَّهَوَاتِ وَ الْخَالِقِ يَطْلُبُ الطَّاعَةَ وَ الشَّيْطَانِ يَأْمُرُ بِالْمَعْصِيَةِ وَ مَلَكِ الْمَوْتِ يَطْلُبُ الرُّوحَ فَقَالَ لَهُ أَبْشِرْ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَإِنَّ لَكَ بِكُلِّ خَصْلَةٍ دَرَجَاتٍ وَ إِنِّي كُنْتُ دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله ذَاتَ يَوْمٍ فَقَالَ كَيْفَ أَصْبَحْتَ يَا عَلِيُّ فَقُلْتُ أَصْبَحْتُ وَ لَيْسَ فِي يَدِي شَيْءٌ غَيْرُ الْمَاءِ وَ أَنَا مُغْتَمٌّ لِحَالِ فَرْخَيَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فَقَالَ لِي يَا عَلِيُّ غَمُّ الْعِيَالِ سِتْرٌ مِنَ النَّارِ وَ طَاعَةُ الْخَالِقِ أَمَانٌ مِنَ الْعَذَابِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الطَّاعَةِ جِهَادٌ وَ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ سِتِّينَ سَنَةً وَ غَمُّ الْمَوْتِ كَفَّارَةُ الذُّنُوبِ وَ اعْلَمْ يَا عَلِيُّ أَنَّ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ عَلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ غَمَّكَ لَهُمْ لَا يَضُرُّكَ وَ لَا

یَنْفَعُ غَیْرَ أَنَّکَ تُؤْجَرُ عَلَیْهِ وَ إِنَّ أَغَمَّ الْغَمِّ غَمُّ الْعِیَالِ (۱).

**[ترجمه]جامع الاخبار: به حسین بن علی علیه السّلام گفتند: چگونه صبح کردی یا ابن رسول الله؟ فرمود: صبح کردم و پروردگاری دارم بالای سر و دوزخی پیش رو و مرگ مرا جوید و حساب در گرد من است و من در گِرُو عمل خود هستم؛ آنچه می خواهم نیابم و آنچه را نخواهم نمی توانم جلوگیری کنم؛ کارها به دست دیگری است، اگر بخواهد عذابم کند، وگرنه مرا عفو کند، پس چه کسی از من فقیرتر است؟

گوید: به امیر مؤمنان علیه السّلام گفتم: چگونه صبح کردی؟ فرمود: چگونه صبح کند کسی که از خدا دو نگهبان دارد، و بداند که گناهانش نوشته است در دفتر و اگر پروردگار به او ترحم نکند سر و کارش با دوزخ است؟

به فاطمه علیها السّلام گفتند: چگونه صبح کردی ای دخترمصطفی؟ فرمود: صبح کردم ناخواه دنیای شما و دشمن مردان شما که چون آنان را مزه کردم، به دور افکندم و با نبود پیغمبر و ستم بر وصی او، در رنج و بلایم .

از منهال است که گفت: پس از سلام به امام زین العابدین علیه السّلام پرسیدم: چگونه صبح کردید، رحمت خدا بر شما؟ فرمود: تو پنداری شیعه ما هستی و صبح و شام ما را ندانی؟ صبح کردم در حالی که در مردم ما به مانند بنی اسرائیل هستیم در میان فرعونیان که پسرها را سر ببرند و زن ها را زنده دارند؛ صبح کردم در حالی که بهترین مردم پس از پیغمبر که او را بر سر منبرها لعن می کردند و بر دشنام به او مال و مقام می دادند؛ صبح کردم در حالی که هر که ما را دوست دارد، حقش را کم گذارند به دلیل دوستی ما؛ صبح کردم در حالی که قریش بر همه عرب فضل فروختند که محمد از آنها است، حق ما را درخواست دارند و برای خود ما حقی نشناسند، به خانه در آی، این است صبح و شام ما!

از جابر بن عبدالله نقل است که روزی نزد علی علیه السّلام رفتم و گفتم: چگونه صبح کردی یا امیر مؤمنان؟ فرمود: روزی ام را می خورم. جابر از دنیا پرسید، فرمود: چه گویم درباره خانه ای که آغازش غم است و انجامش مرگ؟ گفت: رشک آورترین مردم کیست؟ فرمود: تنی که زیر خاک، آسوده از کیفر و امیدوار به ثواب است.

و از سلمان پرسیدند: چگونه صبح کردی؟ گفت: چه صبحی دارد کسی که پایانش مرگ است و منزلش قبر و همسایه اش کوه ها و اگر او را نیامرزند مسکنش دوزخ است؟

به حذیفه بن یمان گفتند: چگونه صبح کردی؟ گفت چه صبحی دارد کسی که اسمش بنده است و فردا تنها در گور است و تنها پیش خدا محشور است؟

مسیب گفت: روزی علی علیه السّلام از خانه در آمد و سلمان پیش رفت و آن حضرت به او گفت: چگونه صبح کردی ای بنده خدا؟ گفت: صبح کردم در چهار غم. به او گفت: آنها چه باشند؟ گفت: غم عیال که نان و شهوت خواهند؛ غم آفریدگار که فرمانبری خواهد؛ غم شیطان که گناه خواهد؛ و ملك الموت هم که جان خواهد. پس به او فرمود: مژده گیر ای سلمان که تو را به هر خصلت درجه ها باشد. من روزی نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم و به من فرمود: ای علی! چگونه صبح کردی؟ گفتم: صبح کردم و جز آب ندارم و غم دو جوجه ام حسن و حسین را دارم. به من فرمود: ای علی! غم

عیال پرده ای است در برابر دوزخ، و طاعت آفریدگار امان است از عذاب، و صبر بر طاعت جهاد است و بهتر از عبادت شصت سال، و غم مردن کفاره گناهان است. ای علی! بدان که روزیِ بندگان بر خدای سبحان است، و غم تو بر آنان زیان و سودی ندارد، جز این که بر آن اجر بری، و همانا که غم بارترین غم ها، غم عیال است. - . جامع الاخبار: ۱۰۶ - ۱۰۷ -

**[ترجمه]

«۳»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ غِیَاثِ بْنِ مُصْعَبِ بْنِ عَبْدَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ حَاتِمٍ الْأَصَمِّ عَنْ شَقِیقِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْبَلْخِیِّ عَمَّنْ أَخْبَرَهُ مِنْ أَهْلِ الْعِلْمِ قَالَ: قِیلَ لِعِیسَی بْنِ مَرْیَمَ علیه السلام کَیْفَ أَصْبَحْتَ یَا رُوحَ اللَّهِ قَالَ أَصْبَحْتُ وَ رَبِّی تَبَارَکَ وَ تَعَالَی مِنْ فَوْقِی وَ النَّارُ أَمَامِی وَ الْمَوْتُ فِی طَلَبِی- لَا أَمْلِکُ مَا أَرْجُو وَ لَا أُطِیقُ دَفْعَ مَا أَکْرَهُ فَأَیُّ فَقِیرٍ أَفْقَرُ مِنِّی.

وَ قَالَ: وَ قِیلَ لِلنَّبِیِّ صلی الله علیه و آله کَیْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ بِخَیْرٍ مِنْ رَجُلٍ لَمْ یُصْبِحْ صَائِماً وَ لَمْ یَعُدْ مَرِیضاً وَ لَمْ یَشْهَدْ جَنَازَةً.

قَالَ وَ قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِیُّ: لَقِیتُ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام ذَاتَ یَوْمٍ صَبَاحاً فَقُلْتُ کَیْفَ أَصْبَحْتَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ فَضْلٍ مِنْ رَجُلٍ لَمْ یَزُرْ أَخاً وَ لَمْ یُدْخِلْ عَلَی مُؤْمِنٍ سُرُوراً قُلْتُ وَ مَا ذَلِکَ السُّرُورُ قَالَ یُفَرِّجُ عَنْهُ کَرْباً أَوْ یَقْضِی عَنْهُ دَیْناً أَوْ یَکْشِفُ عَنْهُ فَاقَةً.

قَالَ جَابِرٌ: وَ لَقِیتُ عَلِیّاً یَوْماً فَقُلْتُ کَیْفَ أَصْبَحْتَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ أَصْبَحْنَا وَ بِنَا مِنْ نِعَمِ اللَّهِ وَ فَضْلِهِ مَا لَا نُحْصِیهِ مَعَ کَثِیرِ مَا نُحْصِیهِ فَمَا نَدْرِی أَیَّ نِعْمَةٍ نَشْکُرُ أَ جَمِیلَ مَا یَنْتَشِرُ أَمْ قَبِیحَ مَا یَسْتُرُ.

وَ قِیلَ لِأَبِی ذَرٍّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ: کَیْفَ أَصْبَحْتَ یَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ أَصْبَحْتُ بَیْنَ نِعْمَتَیْنِ بَیْنَ ذَنْبٍ مَسْتُورٍ وَ ثَنَاءٍ مَنِ اغْتَرَّ بِهِ فَهُوَ الْمَغْرُورُ.

وَ قِیلَ لِرَبِیعِ بْنِ خُثَیْمٍ: کَیْفَ أَصْبَحْتَ یَا أَبَا یَزِیدَ قَالَ أَصْبَحْتُ فِی أَجَلٍ مَنْقُوصٍ وَ عَمَلٍ مَحْفُوظٍ وَ الْمَوْتُ فِی رِقَابِنَا وَ النَّارُ مِنْ وَرَائِنَا ثُمَّ لَا نَدْرِی مَا یُفْعَلُ بِنَا.

وَ قِیلَ لِأُوَیْسِ بْنِ عَامِرٍ الْقَرَنِیِّ: کَیْفَ أَصْبَحْتَ یَا أَبَا عَامِرٍ قَالَ مَا ظَنُّکُمْ بِمَنْ یَرْحَلُ إِلَی الْآخِرَةِ کُلَّ یَوْمٍ مَرْحَلَةً لَا یَدْرِی إِذَا انْقَضَی سَفَرُهُ أَ عَلَی جَنَّةٍ یَرِدُ أَمْ عَلَی نَارٍ.

۱- ۱. جامع الأخبار ص ۱۰۶ و ۱۰۷.

قَالَ وَ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الطَّيَّارُ: دَخَلْتُ عَلَى عَمِّی عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام صَبَاحاً وَ کَانَ مَرِیضاً فَقُلْتُ کَیْفَ أَصْبَحْتَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ یَا بُنَیَّ کَیْفَ أَصْبَحَ مَنْ یَفْنَی بِبَقَائِهِ وَ یَسْقُمُ بِدَوَائِهِ وَ یُؤْتَی مِنْ مَأْمَنِهِ.

وَ قِیلَ لِعَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام: کَیْفَ أَصْبَحْتَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ أَصْبَحْتُ مَطْلُوباً بِثَمَانٍ اللَّهُ تَعَالَی یَطْلُبُنِی بِالْفَرَائِضِ وَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله بِالسُّنَّهِ وَ الْعِیَالُ بِالْقُوتِ وَ النَّفْسُ بِالشَّهْوَهِ وَ الشَّیْطَانُ بِاتِّبَاعِهِ وَ الْحَافِظَانِ بِصِدْقِ الْعَمَلِ وَ مَلَکُ الْمَوْتِ بِالرُّوحِ وَ الْقَبْرُ بِالْجَسَدِ فَأَنَا بَیْنَ هَذِهِ الْخِصَالِ مَطْلُوبٌ.

وَ قِیلَ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام: کَیْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ أَصْبَحْنَا غَرْقَی فِی النِّعْمَهِ مَوْقُورِینَ بِالذُّنُوبِ یَتَحَبَّبُ إِلَیْنَا إِلَهُنَا بِالنِّعَمِ وَ نَتَمَقَّتُ إِلَیْهِ بِالْمَعَاصِی وَ نَحْنُ نَفْتَقِرُ إِلَیْهِ وَ هُوَ غَنِیٌّ عَنَّا.

وَ قِیلَ لِبَکْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُزَنِیِّ: کَیْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ أَصْبَحْتُ قَرِیباً أَجَلِی بَعِیداً أَمَلِی سَیِّئاً عَمَلِی وَ لَوْ کَانَ لِذُنُوبِی رِیحٌ مَا جَالَسْتُمُونِی.

قَالَ: وَ قِیلَ لِرَجُلٍ مِنَ الْمُعَمَّرِینَ کَیْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ:

أَصْبَحْتُ لَا رَجُلًا یَغْدُو لِحَاجَتِهِ***وَ لَا قَعِیدَهَ بَیْتٍ تُحْسِنُ الْعَمَلَا

وَ قِیلَ لِأَبِی رَجَاءٍ الْعُطَارِدِیِّ: وَ قَدْ بَلَغَ عِشْرِینَ وَ مِائَهَ سَنَهٍ کَیْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ:

أَصْبَحْتُ لَا یَحْمِلُ بَعْضِی بَعْضاً***کَأَنَّمَا کَانَ شَبَابِی قَرْضاً(۱).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: از عیسی بن مریم علیه السّلام پرسیدند: چگونه صبح کردی ای روح الله؟ گفت: در حالی که پروردگارم تبارک و تعالی بالای سرمن هست، و دوزخ جلویم، و مرگ به دنبالم؛ آنچه را امید دارم در دست ندارم، و جلوی آنچه را که نخواهم، نتوانم گرفت. کدام فقیر از من فقیرتر است؟

گفت: به پیغمبر صلی الله علیه و آله گفته شد: چگونه صبح کردی؟ فرمود: به خوبی مردی که نه روزه دارد، نه بیماری را عیادت کرده و نه تشییع جنازه کرده.

جابر بن عبدالله انصاری گفت: روزی صبح علی علیه السّلام را دیدم و پرسیدم: چگونه صبح کردی ای امیر مؤمنان؟ فرمود: به نعمت و فضلی از خدا، چون کسی که از برادری دیدن نکرده و مؤمنی را شاد نکرده. گفتم: چه شادی؟ فرمود: گرهی از کارش گشاید، قرضش را بپردازد یا نداری او را بر طرف کند.

جابر گفت: روزی به علی علیه السّلام برخوردم و گفتم: چگونه صبح کردی ای امیر مؤمنان؟ فرمود: در حالی که آنقدر نعمت و فضل خدا داریم که نتوانیم بشماریم با هر چه آن را بشماریم، ندانیم کدام را شکر را بگزاریم، زیبایی ها که فاش شوند یا زشتی ها که نهان مانند.

به ابوذر گفتند: چگونه صبح کردی ای یار رسول خدا؟ گفت: میان دو نعمت: گناهی نهان و ثنایی غرور آفرین.

به ربیع بن خثیم گفته شد: چگونه صبح کردی ای ابو یزید؟ گفت: در عمری کاهنده و کرداری ضبط شده، و مرگ بر گردن ما است و دوزخ پشت سر ما، و ندانیم که با ما چه می شود .

به اویس قرنی گفتند: چگونه صبح کردی ای ابو عامر؟ گفت: چه گمان برید به کسی که هر روز یک منزل روانه آخرت است و نداند که چون سفرش به سر آید و به بهشت رود یا دوزخ؟

و گفت از قول عبدالله بن جعفر طیار که روزی نزد عمویم علی بن ابی طالب علیه السّلام رفتم. صبح بود و آن حضرت بیمار. گفتم: چگونه صبح کردی ای امیر مؤمنان؟ گفت: پسر جانم! چگونه است صبح کسی که با ماندن خود فانی می شود، و با داروی خود بیمار می گردد، و از راهی که خود را در امان می داند بر او حمله می شود؟

و به امام زین العابدین علیه السّلام گفته شد: چگونه صبح کردی ای فرزند رسول خدا؟ فرمود: صبح کردم با هشت بدهکاری: خدای تعالی فرائض را از من می خواهد؛ پیغمبر صلی الله علیه و آله سنت را؛ عیال قوت را؛ نفس خواسته های خود را؛ شیطان پیروی را؛ دو فرشته نگهبان کردار درست را؛ ملک الموت جان را و قبر تن را؛ من در میان این بدهکاری ها هستم.

و به فرزندش محمد بن علی علیه السّلام گفته شد چگونه صبح کردی؟ فرمود: غرق در نعمت و زیر بار گناهان، معبودمان ما را با نعمت های خود به دوستی می خواند و ما با معاصی او را به دشمنی می خوانیم، و ما به او نیازمندیم و او از ما بی نیاز است.

به ابو بکر بن عبدالله مزنی گفته شد: چگونه صبح کردی؟ گفت: نزدیک به مردن، دور از آرزوی خود و با کردار بد، و اگر گناهانم بو داشت، شما با من همنشین نمی شدید.

گوید: به یکی از سالخوردگان گفته شد: چگونه صبح کردی؟ گفت:

صبح کردم و مردی نیست که دنبال نیازش برود، یا در خانه نشیند و به کردار خوشی در نگرد

و به جابر عطاردی که ۱۲۰ سال داشت گفته شد چگونه صبح کردی؟ گفت:

صبح کردم و اعضای تنم با هم یار نباشند، گویا که جوانی ام قرضی بود و گذشت - . امالی شیخ طوسی ۲: ۲۵۳ - ۲۵۴ -

**[ترجمه]

أقول

نقل من خط الشهید رحمه الله قال قطب الدین الکیدری رَوَی مَعْمَرٌ عَنِ الزُّهْرِیِّ عَنْ عِکْرِمَهَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: کُنَّا مَارِّینَ فِی أَزِقَّهِ الْمَدِینَهِ یَوْماً إِذْ أَقْبَلَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ فَقَالَ وَ عَلَیْکَ

السَّلَامُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ كَيْفَ أَصْبَحْتَ قَالَ أَصْبَحْتُ وَ نَوْمِی خَطَرَاتٌ وَ يَقَظَتِی فَزَعَاتٌ وَ فِكْرَتِی فِی يَوْمِ الْمَمَاتِ الْخَبَرَ.

**[ترجمه]به خط شهید (ره) است که گفت: قطب الدین کیدری آن را گفته است.

از ابن عبـاس روایت است که روزی در کوچه های مـدینه (به همراه پیغمبر) در گـذر بودیم که علی بن ابی طالب در رسـید و گفت: السّـلام علیـک یـا رسول الله و رحمت الله و برکـاته! و آن حضـرت فرمود: علیـک السّـلام یا امیرالمؤمنین! چگونه صـبح کردی؟ گفت: در حالی که خوابم پریشانی است و بیداری ام هراس و فکرم برای مردن... الخ.

**[ترجمه]

«۴»

نهج، [نهج البلاغه]: قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَيْفَ تَجِدُكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَقَالَ كَيْفَ يَكُونُ حَالُ مَنْ يَفْنَى بِبَقَائِهِ وَ يَسْقَمُ بِصِحَّتِهِ وَ يُؤْتَى مِنْ مَأْمَنِهِ (۲).

ص: ۱۸

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۵۳ و ۲۵۴.

۲- ۲. نهج البلاغه الرقم ۱۱۵ من الحکم.

**[ترجمه]نهج البلاغه: به امير مؤمنان گفته شد: حال شما چگونه است؟ فرمود: چگونه خواهد بود حال كسى كه در بقاياى خود ناپايدار و در سلامتى بيمار است، و در آنجا كه آسايش دارد مرگ او فرا مى رسد - . نهج البلاغه: حكمت ۱۱۵ -

**[ترجمه]

باب ۱۰۰ المصافحه و المعانقه و التقبيل

روايات

«۱»

لى، [الأمالى للصدوق] مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ أَبِيهِ عِمْرَانَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ التَّمِيمِيِّ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: بَيْنَا إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ عليه السلام فِي جَبَلِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ يَطْلُبُ مَرْعًى لِغَنَمِهِ إِذْ سَمِعَ صَوْتاً فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ قَائِمٍ يُصَلِّي طُولُهُ اثْنَا عَشَرَ شِبْراً فَقَالَ لَهُ يَا عَبْدَ اللَّهِ لِمَنْ تُصَلِّي قَالَ لِإِلَهِ السَّمَاءِ فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام هَلْ بَقِيَ أَحَدٌ مِنْ قَوْمِكَ غَيْرُكَ قَالَ لَا قَالَ فَمِنْ أَيْنَ تَأْكُلُ قَالَ أَجْتَنِي مِنْ هَذَا الشَّجَرِ فِي الصَّيْفِ وَ آكُلُهُ فِي الشِّتَاءِ قَالَ لَهُ فَأَيْنَ مَنْزِلُكَ قَالَ فَأَوْمَأَ بِيَدِهِ إِلَى جَبَلٍ فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام هَلْ لَكَ أَنْ تَذْهَبَ بِي مَعَكَ فَأَبِيتَ عِنْدَكَ اللَّيْلَةَ فَقَالَ إِنَّ قُدَّامِي مَاءً لَا يُخَاضُ قَالَ كَيْفَ تَصْنَعُ قَالَ أَمْشِي عَلَيْهِ قَالَ فَاذْهَبْ بِي مَعَكَ فَلَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَا رَزَقَكَ قَالَ فَأَخَذَ الْعَابِدُ بِيَدِهِ فَمَضَيَا جَمِيعاً حَتَّى انْتَهَيَا إِلَى الْمَاءِ فَمَشَى وَ مَشَى إِبْرَاهِيمُ عليه السلام حَتَّى انْتَهَيَا إِلَى مَنْزِلِهِ فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ أَيُّ الْأَيَّامِ أَعْظَمُ فَقَالَ لَهُ الْعَابِدُ يَوْمُ الدِّينِ يَوْمَ يُدَانُ النَّاسُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ قَالَ فَهَلْ لَكَ أَنْ تَرْفَعَ يَدَكَ وَ أَرْفَعَ يَدِي فَنَدْعُوَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُؤْمِنَنَا مِنْ شَرِّ ذَلِكَ الْيَوْمِ فَقَالَ وَ مَا تَصْنَعُ بِدَعْوَتِي فَوَ اللَّهِ إِنَّ لِي لَدَعْوَةً مُنْذُ ثَلَاثِ سِنِينَ مَا أُجِبْتُ فِيهَا بِشَيْ ءٍ فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام أَ وَ لَا أُخْبِرُكَ لِأَيِّ شَيْ ءٍ احْتُبِسَتْ دَعْوَتُكَ قَالَ بَلَى قَالَ لَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْداً احْتَبَسَ دَعْوَتَهُ لِيُنَاجِيَهُ وَ يَسْأَلَهُ وَ يَطْلُبَ إِلَيْهِ وَ إِذَا أَبْغَضَ عَبْداً عَجَّلَ لَهُ دَعْوَتَهُ أَوْ أَلْقَى فِي قَلْبِهِ الْيَأْسَ مِنْهَا ثُمَّ قَالَ لَهُ وَ مَا كَانَتْ دَعْوَتُكَ قَالَ مَرَّ بِي غَنَمٌ وَ مَعَهُ غُلَامٌ لَهُ ذُؤَابَةٌ فَقُلْتُ يَا غُلَامُ لِمَنْ هَذَا الْغَنَمُ فَقَالَ لِإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ عليه السلام فَقُلْتُ اللَّهُمَّ إِنْ

كَانَ لَکَ فِی الْأَرْضِ خَلِيلًا فَأَرِنِيهِ فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام فَقَدِ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَکَ أَنَا إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ فَعَانَقَهُ فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله جَاءَتِ الْمُصَافَحَهُ(۱).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام صادق علیه السّلام فرمود: در این میان که ابراهیم خلیل الرحمن در کوه بیت المقدس چراگاهی برای گوسفندانش جستجو می کرد، آوازی شنید. به ناگاه مردی را دید که در نماز ایستاده بود و قامت او دوازده وجب بود. به او گفت: ای بنده خدا! برای که نماز می خوانی؟ گفت: برای خدای آسمان. آن حضرت گفت: از قومت کسی جز تو زنده مانده؟ گفت: نه. پرسید: پس از کجا می خوری؟ گفت: از این درخت در تابستان می چینم و در زمستان می خورم. به او فرمود: خانه ات کجاست؟ و او با دست به کوهی اشاره کرد. آن حضرت به او فرمود: می توانی مرا با خود ببری و شب را با تو به سر برم؟ گفت: جلویم آبی است که غرق می کند. فرمود: خودت چه می کنی؟ گفت: بر روی آن راه می روم. فرمود: مرا با خود ببر، شاید خدا به من هم بدهد آنچه به تو داده است.

گوید: عابد دستش را گرفت و با هم رفتند تا به آن آب رسیدند و هر دو روی آن راه رفتند تا به خانه اش رسیدند. ابراهیم به او گفت: چه روزی را بزرگ تر می دانی؟ گفت: روز جزا که مردم از هم بازخواست می کنند. گفت: می خواهی هر دو دست برداریم و به درگاه خدا دعا کنیم که ما را از شر آن روز در امان دارد؟ گفت: با دعایم چه کنم که سی سال است دعایی به درگاه خدا می کنم و مستجاب نشده. آن حضرت فرمود: به تو خبر ندهم که چرا دعایت مستجاب نشده؟ گفت: چرا. به او فرمود: همانا خدا عزوجل چون بنده ای را دوست دارد، دعایش را نگه دارد تا با او مناجات کند و از او بخواهد و از درگاه او بجوید و چون بنده ای را بد دارد، زود دعایش را اجابت کند یا دلش را از آن ناامید سازد .

سپس به او فرمود: دعایت چه بوده؟ گفت: به من گله گوسفندی گذشت که با آن پسر بچه ای بود با گیسوان. به او گفتم: ای پسر! این گوسفندان از کیست؟ پاسخ داد: از آنِ ابراهیم خلیل الرحمن. گفتم: بار خدایا! اگر در زمین خلیلی داری او را به من بنما. آن حضرت گفت: دعایت اجابت شد؛ من ابراهیم خلیل الرحمن هستم. و او را در آغوش گرفت و چون خدا محمد صلی الله علیه و آله را مبعوث کرد، مصافحه را آورد. - . امالی صدوق: ۱۷۸ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] أَبِی عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَی عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ عَنِ الْحَذَّاءِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا صَافَحَ الْمُؤْمِنَ تَفَرَّقَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ (۲).

**[ترجمه]خصال: امام باقر علیه السّلام فرمود: هنگامی که مؤمن با مؤمن مصافحه کند و با هم دست دهند، جدا شوند در حالی که گناهی ندارند. - . خصال۱: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ(۳) قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِذَا لَقِيتُمْ إِخْوَانَكُمْ فَتَصَافَحُوا وَ أَظْهِرُوا لَهُمُ الْبَشَاشَهَ وَ الْبِشْرَ تَفَرَّقُوا وَ مَا عَلَيْكُمْ مِنَ الْأَوْزَارِ قَدْ ذَهَبَ وَ قَالَ علیه السلام صَافِحْ عَدُوَّكَ وَ إِنْ كَرِهَ فَإِنَّهُ مِمَّا أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ عِبَادَهُ يَقُولُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ عَداوَهٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ- وَ ما يُلَقَّاها إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَ ما يُلَقَّاها إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ (۴).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه آمده: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: چون برادر خود را دیدید و با هم دست دادید و خوشرویی کردید، جدا شوید در حالی که هر گناهی دارید رفته است. و فرمود: با دشمن خود هم دست بده، اگرچه بد باشد که خدای عزوجل بدان امر کرده و می فرماید: «ادفع بالتی هی أحسن فإذا الذی بینك و بینه عداوه كأنه ولی حمیم* و ما یلقاها إلا الذین صبروا و ما یلقاها إلا ذو حظ عظیم.» - . فصلت/ ۳۴ - {[بدی را] به آنچه خود بهتر است دفع کن آن گاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یک دل می گردد. و این [خصلت] را جز کسانی که شکیبا بوده اند نمی یابند، و آن را جز صاحب بهره ای بزرگ، نخواهد یافت.} - . خصال۲: ۱۶۸ -

**[ترجمه]

«۴»

ما، [الأمالي للشيخ الطوسي] الْمُفِيدُ عَنِ ابْنِ قُولَوَيْهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ عَمِيرَهَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا تَلَاقَيْتُمْ فَتَلَاقَوْا بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَافُحِ وَ إِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالاسْتِغْفَارِ(۵).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون به هم برخورد کردید، با سلام و مصافحه باشد و چون جدا شوید، با استغفار. - . امالی شیخ طوسی ۱: ۲۱۹ -

**[ترجمه]

«۵»

مع، [معاني الأخبار] ابْنُ عُبْدُوسٍ عَنِ ابْنِ قُتَيْبَهَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَدَ الْيَرْبُوعِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ جَابِرٍ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنِ الْمُكَاعَمَهِ وَ الْمُكَامَعَهِ فَالْمُكَاعَمَهُ أَنْ يَلْثِمَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ وَ الْمُكَامَعَهُ أَنْ يُضَاجِعَهُ وَ لَا يَكُونُ بَيْنَهُمَا ثَوْبٌ مِنْ غَيْرِ ضَرُورَهٍ(۶).

**[ترجمه]معانی الاخبار: جابر انصاری گفت: نهی کرد رسول خدا که دو مرد لب هم را ببوسند یا بدون ضرورت برهنه با هم بخوابند. - . معانی الاخبار: ۳۰۰ -

**[ترجمه]

«۶»

ثو، [ثواب الأعمال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ عَبَّادِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ: كُنْتُ بِالْكُوفَهِ فَيَأْتِينِی

ص: ۲۰

۱- ۱. أمالی الصدوق: ۱۷۸.

۲- ۲. الخصال ج ۱: ۱۳.

۳- ۳. الخصال ج ۲: ۱۶۸.

۴- ۴. فصّلت: ۳۴.

۵- ۵. أمالی الطوسیّ ج ۱: ۲۱۹.

۶- ۶. معانی الأخبار: ۳۰۰.

إِخْوَانٌ كَثِيرَةٌ وَ كَرِهْتُ الشُّهْرَةَ فَتَخَوَّفْتُ أَنْ أَشْتَهِرَ بِدِينِي فَأَمَرْتُ غُلَامِي كُلَّمَا جَاءَنِي رَجُلٌ مِنْهُمْ يَطْلُبُنِي قَالَ لَيْسَ هُوَ هَاهُنَا قَالَ فَحَجَجْتُ تِلْكَ السَّنَةَ فَلَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَرَأَيْتُ مِنْهُ ثِقْلًا وَ تَغَيُّراً فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَهُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا الَّذِي غَيَّرَنِي عِنْدَكَ قَالَ الَّذِي غَيَّرَكَ لِلْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّمَا تَخَوَّفْتُ الشُّهْرَةَ وَ قَدْ عَلِمَ اللَّهُ شِدَّةَ حُبِّي لَهُمْ فَقَالَ يَا إِسْحَاقُ لَا تَمَلَّ زِيَارَةَ إِخْوَانِكَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَقِيَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فَقَالَ لَهُ مَرْحَباً كُتِبَ لَهُ مَرْحَباً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَإِذَا صَافَحَهُ أَنْزَلَ اللَّهُ فِيمَا بَيْنَ إِبْهَامِهِمَا مِائَةَ رَحْمَةٍ تِسْعَةً وَ تِسْعِينَ لِأَشَدِّهِمْ لِصَاحِبِهِ حُبّاً ثُمَّ أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ فَكَانَ عَلَى أَشَدِّهِمَا حُبّاً لِصَاحِبِهِ أَشَدَّ إِقْبَالًا فَإِذَا تَعَانَقَا غَمَرَتْهُمَا الرَّحْمَةُ فَإِذَا لَبِثَا لَا يُرِيدَانِ إِلَّا وَجْهَهُ- لَا يُرِيدَانِ غَرَضاً مِنْ غَرَضِ الدُّنْيَا قِيلَ لَهُمَا غُفِرَ لَكُمَا فَاسْتَأْنِفَا فَإِذَا أَقْبَلَا عَلَى الْمُسَاءَلَةِ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ تَنَحَّوْا عَنْهُمَا فَإِنَّ لَهُمَا سِرّاً وَ قَدْ سَتَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمَا قَالَ إِسْحَاقُ قُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا يُكْتَبُ عَلَيْنَا لَفْظُنَا فَقَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ ما يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ(۱) قَالَ فَتَنَفَّسَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله الصُّعَدَاءَ قَالَ ثُمَّ بَكَى حَتَّى خُضِبَتْ دُمُوعُهُ لِحْيَتَهُ وَ قَالَ يَا إِسْحَاقُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّمَا نَادَى الْمَلَائِكَةَ أَنْ يَغِيبُوا عَنِ الْمُؤْمِنَيْنِ إِذَا الْتَقَيَا إِجْلَالًا لَهُمَا فَإِذَا كَانَتِ الْمَلَائِكَةُ لَا تَكْتُبُ لَفْظَهُمَا وَ لَا تَعْرِفُ كَلَامَهُمَا فَقَدْ يَعْرِفُهُ الْحَافِظُ عَلَيْهِمَا عَالِمُ السِّرِّ وَ أَخْفَى يَا إِسْحَاقُ فَخَفِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ فَإِنْ كُنْتَ تَرَى أَنَّهُ لَا يَرَاكَ فَقَدْ كَفَرْتَ وَ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهُ يَرَاكَ ثُمَّ اسْتَتَرْتَ عَنِ الْمَخْلُوقِينَ بِالْمَعَاصِي وَ بَرَزْتَ لَهُ بِهَا فَقَدْ جَعَلْتَهُ فِي حَدِّ أَهْوَنِ النَّاظِرِينَ إِلَيْكَ (۲).

كش، [رجال الكشي] جعفر بن معروف عن أبي الحسن الرازي عن إسماعيل بن مهران عن سليمان الديلمي عن إسحاق: مثله (۳).

۱- ۱. ق: ۱۷.

۲- ۲. ثواب الأعمال: ۱۳۲.

۳- ۳. رجال الكشّيّ: ۳۴۹.

**[ترجمه]ثواب الاعمـال: اسـحاق بن عمار گفت: در کوفه بودم و برادران بسـیاری نزدم می آمدنـد. از شـهرت خود به شـیعه بودن بیمناک شـدم و به غلام خود گفتم: چون دنبالم آمدنـد، بگو در اینجا نیست. آن سال به حـج رفتم و نزد امام صادق علیه السّـلام رسـیدم و دیـدم بر من گرانی دارد و رابطه ما دگرگون است. گفتم: قربانت گردم! چه چیزی مرا نزدت دگرگون کرده است؟ فرمود: آنچه تو را با مؤمنان دگرگون کرده! گفتم: قربانت! خوف از شـهرت بوده و خـدا داند چه اندازه آنها را دوسـت دارم. فرمود: ای اسـحاق! از دیـدار برادرانت خسـته نباش، زیرا چون مؤمن به مؤمن برخورد کنـد و به او مرحبا گوید برایش تا قیـامت مرحبا نویسـند و چون با او دست دهـد، میان دو انگشت بزرگشان صـد رحمت فرو ریزد که نود و نه تای آن، برای آن است که بیشتر یار خود را دوست دارد.

سپس خـدا بدانها رو کند و بدان که دوسـتدارتر است بیشتر رو کند، و چون یکدگر را در آغوش گیرند، رحمت هر دو را فرو گیرد و چون بیاینـد و جز رضای خـدا نخواهنـد و غرض دنیا ندارنـد، به آنها گفته شود آمرزیـده شدید و کار از سـر گیرید، و چون به پرسـش از هم روی آرند، فرشته ها به هم گویند از آنان دور شوید که با هم رازی دارند و خدا بر آنها پوشانده است. اسـحاق گفت: گفتم قربانت گردم! سخن ما نوشته نشود با اینکه خدا فرموده: «ما یلفظ من قول إلا لدیه رقیب عتید.» - . ق/ ۱۷ - {[آدمی] هیچ سخنی را به لفظ درنمی آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می کند]}

گوید: آن حضرت آهی کشید و سپس گریست تا ریش او از اشک هایش تر شده و فرمود: ای اسحاق! خدای تبارک و تعالی همانا به فرشـته ندا کرد که برای احترام به آنان، از دو مؤمن هنگام برخوردشان نهان شوند. هنگامی که فرشته ها سخن آنان را ننویسـند و کلامشان را نفهمند، البته که حافظ آنان دانای هر راز و نهان آن را می فهمد. ای اسـحاق! از خدا بترس که گویا او را می بینی و اگر تـو او را نـبینی، او تـو را بینـد و اگر عقیـده داری تـو را نمی بینـد، البته کـافری، و اگر دانی تـو را می بینـد و گناهان را از چشم مخلوق نهان داری و در محضر او عیان سازی، او را پست ترین ناظران به حساب آوردی. - . ثواب الاعمال: ۱۳۲ -

کشی مانند این روایت را آورده است. - . رجال کشی: ۳۴۹ -

**[ترجمه]

«۷»

ثـو، [ثـواب الأعمـال] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَنْتُمْ فِی تَصَافُحِکُمْ فِی مِثْلِ أُجُورِ الْمُجَاهِدِینَ (۱).

**[ترجمه]ثواب الاعمـال: امـام صـادق علیه السّـلام فرمود: شـما در مصـافحه با هم ماننـد ثواب مجاهـدان را داریـد. - . ثواب الاعمال: ۱۶۷ -

**[ترجمه]

«۸»

ثو، [ثواب الأعمال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ لَا یَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَهُ کَذَلِکَ لَا یَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَ نَبِیِّهِ علیه السلام وَ کَمَا لَا یَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَ نَبِیِّهِ فَکَذَلِکَ لَا یَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَ الْمُؤْمِنِ إِنَّهُ لَیَلْقَی أَخَاهُ فَیُصَافِحُهُ فَیَنْظُرُ اللَّهُ لَهُمَا وَ الذُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْ وُجُوهِهِمَا حَتَّی یَتَفَرَّقَا کَمَا تَحُتُّ الرِّیحُ الشَّدِیدَهُ الْوَرَقَ عَنِ الشَّجَرِ(۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی قدر خدا را ندانـد و نه قدر پیغمبر او را و نه قدر مؤمن را که همانا با برادر خود برخورد کنـد و با او دست دهـد و خـدا بـدانها نظر کند و گناهان از سر و روی آنها فرو ریزد تا از هم جدا شوند، چنان چه برگ درخت با باد تند فرو ریزد. - . ثواب الاعمال: ۱۷۰ -

**[ترجمه]

«۹»

کِتَابُ الْمُسَلْسَلَاتِ، لِلشَّیْخِ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْقُمِّیِّ حَدَّثَنَا الْحُسَیْنُ بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عِیسَی بْنِ عَبْدِ الْکَرِیمِ الطَّرَسُوسِیُّ بِدِمَشْقَ قَالَ قَالَ عُمَرُ بْنُ سَعِیدِ بْنِ یَسَارٍ الْمَنْبِجِیُّ قَالَ قَالَ أَحْمَدُ بْنُ دِهْقَانَ قَالَ قَالَ خَلَفُ بْنُ تَمِیمٍ قَالَ: دَخَلْنَا عَلَی أَبِی هُرْمُزَ نَعُودُهُ فَقَالَ دَخَلْنَا عَلَی أَنَسِ بْنِ مَالِکٍ نَعُودُهُ فَقَالَ صَافَحْتُ بِکَفِّی هَذِهِ کَفَّ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَمَا مَسِسْتُ خَزّاً وَ لَا حَرِیراً أَلْیَنَ مِنْ کَفِّهِ علیه السلام قَالَ أَبُو هُرْمُزَ قُلْنَا لِأَنَسِ بْنِ مَالِکٍ صَافِحْنَا بِالْکَفِّ الَّتِی صَافَحْتَ بِهَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَصَافَحَنَا وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ قَالَ خَلَفُ بْنُ تَمِیمٍ قُلْتُ لِأَبِی هُرْمُزَ صَافِحْنَا بِالْکَفِّ الَّتِی صَافَحْتَ بِهَا أَنَسَ بْنَ مَالِکٍ فَصَافَحَنَا وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ قَالَ أَحْمَدُ بْنُ دِهْقَانَ قُلْنَا لِخَلَفِ بْنِ تَمِیمٍ صَافِحْنَا بِالْکَفِّ الَّتِی صَافَحْتَ بِهَا أَبَا هُرْمُزَ فَصَافَحَنَا وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ قَالَ عُمَرُ بْنُ سَعِیدٍ قُلْنَا لِأَحْمَدَ بْنِ دِهْقَانَ صَافِحْنَا بِالْکَفِّ الَّتِی صَافَحْتَ بِهَا خَلَفَ بْنَ تَمِیمٍ فَصَافَحَنَا وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عِیسَی بْنِ عَبْدِ الْکَرِیمِ قُلْنَا لِعُمَرَ بْنِ سَعِیدٍ صَافِحْنَا بِالْکَفِّ الَّتِی صَافَحْتَ بِهَا أَحْمَدَ بْنَ دِهْقَانَ فَصَافَحَنَا وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ قَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ جَعْفَرٍ قُلْنَا لِمُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی صَافِحْنَا بِالْکَفِّ الَّتِی صَافَحْتَ بِهَا عُمَرَ بْنَ سَعِیدٍ فَصَافَحَنَا وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ قَالَ أَبُو مُحَمَّدٍ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ

ص: ۲۲

۱- ۱. ثواب الأعمال: ۱۶۷.

۲- ۲. ثواب الأعمال: ۱۷۰.

عَلِيٍّ الرَّازِيُّ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ قُلْنَا لِلْحُسَيْنِ بْنِ جَعْفَرٍ صَافِحْنَا بِالْكَفِّ الَّتِي صَافَحْتَ بِهَا مُحَمَّدَ بْنَ عِيسَى فَصَافَحَنَا وَ قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.

**[ترجمه]کتاب مسلسلات شیخ جعفر قمی: حسین بن جعفر برای ما حدیث گفت از محمد بن عیسی بن عبدالکریم طرسوسی در دمشق که او گفت: عمر بن سعید بن یسار منبجی گفت: احمد بن دهقان گفت: خلف بن تمیم گفت: برعلی ابی هرمز داخل شدیم که او گفت: بر أنس بن مالک داخل شدیم که او گفت: با این دستم با رسول الله مصافحه کردم و هیچ خزه یا حریری را مس نکرده بودم که نرم تر از دست او باشد. ابو هرمز گفت: به انس بن مالک گفتیم: با دستی که با رسول الله مصافحه کردی، با ما مصافحه کن. پس ما مصافحه کردیم و گفت: «السّلام علیکم.» خلف بن تمیم گفت: به ابی هرمز گفتم: با دستی که با انس بن مالک مصافحه کردی با ما مصافحه کن و گفت: «السّلام علیکم.» احمد بن دهقان گفت: ما به خلف بن تمیم گفتیم: با دستی که با ابا هرمز مصافحه کردی، با ما مصافحه کن. و گفت: «السّلام علیکم.» عمر بن سعید گفت: به احمد بن دهقان گفتیم: با دستی که با خلف بن تمیم مصافحه کردی، با ما مصافحه کن و گفت: «السّلام علیکم.» محمد بن عیسی بن عبدالکریم گفت: به عمر بن سعید گفتیم: به دستی که با احمد بن دهقان مصافحه کردی، با ما مصافحه کن. و گفت: «السّلام علیکم.» حسین بن جعفر گفت: به محمد بن عیسی گفتیم: با دستی که با عمر بن سعید مصافحه کردی با ما مصافحه کن. و با او مصافحه کردیم و گفت: «السّلام علیکم.» ابو محمد جعفر بن احمد بن علی الرازی مؤلف این کتاب گفت: به حسین بن جعفر گفتیم: با دستی که با محمد بن عیسی مصافحه کردی با ما مصافحه کن. و با او مصافحه کردیم و او گفت: «السلام علیکم.»

**[ترجمه]

«۱۰»

کِتَابُ الْإِمَامَةِ وَ التَّبْصِرَةِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام عَنْ جَابِرٍ قَالَ: لَقِيتُ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَغَمَزَ يَدِي وَ قَالَ غَمْزُ الرَّجُلِ يَدَ أَخِيهِ قُبْلَتُهُ.

**[ترجمه]امامت و تبصره: جابر گفت: به پیغمبر صلی الله علیه و آله برخوردم و سلام کردم، دستم را فشرد و فرمود: فشردن دست برادر، بوسیدن او است.

**[ترجمه]

«۱۱»

کا، [الکافی] عَنِ الْعِدَّةِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ قَالَ: كُنْتُ زَمِيلَ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام وَ كُنْتُ أَبْدَأُ بِالرُّكُوبِ ثُمَّ يَرْكَبُ هُوَ فَإِذَا اسْتَوَيْنَا سَلَّمَ وَ سَاءَلَ مُسَاءَلَةَ رَجُلٍ لَا عَهْدَ لَهُ بِصَاحِبِهِ وَ

صَافَحَ قَالَ وَ كَانَ إِذَا نَزَلَ نَزَلَ قَبْلِي فَإِذَا اسْتَوَيْتُ أَنَا وَ هُوَ عَلَى الْأَرْضِ سَلَّمَ وَ سَاءَلَ مُسَاءَلَةَ مَنْ لَا عَهْدَ لَهُ بِصَاحِبِهِ فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّكَ لَتَفْعَلُ شَيْئاً مَا يَفْعَلُهُ مَنْ قِبَلَنَا وَ إِنْ فَعَلَ مَرَّةً فَكَثِيرٌ فَقَالَ أَ مَا عَلِمْتَ مَا فِي الْمُصَافَحَةِ أَنَّ الْمُؤْمِنِينَ يَلْتَقِيَانِ فَيُصَافِحُ أَحَدُهُمَا صَاحِبَهُ فَمَا تَزَالُ الذُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْهُمَا كَمَا تَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ وَ اللَّهُ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا حَتَّى يَفْتَرِقَا(۱).

**[ترجمه]کافی: ابی عبیده گفت: من هم کجاوه امام باقر علیه السّلام بودم و اول سوار می شدم و سپس آن حضرت سوار می شد و چون برابر هم می شدیم سلام می کرد و همچون کسی که از او دور بوده احوالپرسی می کرد و دست می داد.

و گوید: چون پایین می آمد، پیش از من بود و چون روی زمین با هم برابر می شدیم، باز سلام می کرد و احوالپرسی، همچون کسی که دور بوده. گفتم: ای فرزند رسول الله! کاری می کنی که دیگران قبل از ما نمی کردند و اگر یک بار هم بکنند بسیار است؟ فرمود:آیا نمی دانی چه باشد در مصافحه دو مؤمن؟ چون دو مؤمن به هم برخورند و یکی به دیگری دست دهد، پیوسته گناهان هر دو بریزند، آنچنان که برگ از درخت می ریزد، و خدا به هر دو نظر دارد تا از هم جدا شوند. - . کافی ۲: ۱۷۹ -

**[ترجمه]

بیان

قال الفیروزآبادی الزمیل کأمیر الردیف کالزمل بالکسر و زمله أردفه أو عادله و قال المصافحه الأخذ بالید کالتصافح و یدل علی استحباب إیثار الزمیل للرکوب أولا و الابتداء بالنزول آخرا و کأنه لسهوله الأمر علی الزمیل فی الموضعین فإن الرکوب أولا فی المحمل أسهل لأنه ینحط کثیرا و کذا النزول أخیرا أسهل لذلک.

قوله علیه السلام لا عهد له بصاحبه أی لم یره قبل ذلک قریبا قال فی المصباح عهدته بمکان کذا لقیته و عهدی به قریب أی لقائی و عهدت الشی ء ترددت إلیه و أصلحته و حقیقته تجدید العهد به و فی النهایه تحاتت عنه ذنوبه تساقطت و أقول فی المعصوم یکون بدل ذلک رفع الدرجات أو تساقط ذنوب شیعتهم ببرکتهم کَمَا

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۱۷۹.

وَرَدَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ حَمَّلَنِی ذُنُوبَ شِیعَهِ عَلِیٍّ فَغَفَرَهَا لِی.

أو تسقط ترک الأولی و المباحات عنهم و یثبت لهم بدلها الحسنات فیرجع إلی الأول و نظر الله إلیهما کنایه عن شمول رحمته لهما.

**[ترجمه]فیروزآبادی گفت: «زمیل» مثل أمیر یعنی هم ردیف، همانند «زمل» با کسره و «زمله» یعنی او را هم ردیف کرد یا معادل کرد، و گفته «مصافحه» یعنی گرفتن با دست ودلالت دارد بر استحباب اقدام هم کجاوه به پیش سوار شدن در آغاز و پیش فرو شدن در پایان و گویا برای آسان کردن کار است بر دیگری در هر دو جا، چون کجاوه را برای او پایین می کشد.

«قوله لا عهد له بصاحبه» یعنی انگار از قبل او را ندیده. در مصباح گفته: «عهدته بمکان کذا» یعنی با او ملاقات کرد و عهدی به قریب، یعنی دیدار من با او نزدیک بود و «عهدت الشی ء» یعنی آن را رد کردم و با او مصالحه کردم و حقیقت آن تجدید عهد به وسیله آن است. و در نهایه آمده «تحاتت عنه ذنوبه» یعنی از بین رفت گناهانش واگر از طرف معصوم باشد، برای او رفع درجه باشد یا ریختن گناهان شیعه آنها به برکت آنان، چنان چه از پیغمبر صلی الله علیه و آله رسیده است که خدا گناهان شیعه علی علیه السّلام را بر من بار کند و برای من بیامرزد، یا ترک اولی و مباحات از معصوم فرو می ریزد و به جای آن حسنه ثبت شود و این به معنی اول برمی گردد، و نظر خدا به آنها، کنایه از شمول رحمت او است.

**[ترجمه]

«11»

کا، [الکافی] عَنِ الْعِدَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عُقْبَهَ عَنْ أَبِی خَالِدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَیْنِ إِذَا الْتَقَیَا وَ تَصَافَحَا أَدْخَلَ اللَّهُ یَدَهُ بَیْنَ أَیْدِیهِمَا فَصَافَحَ أَشَدَّهُمَا حُبّاً لِصَاحِبِهِ (1).

**[ترجمه]کافی: امام باقر علیه السّلام فرمود: چون دو مؤمن به هم برخورد کنند و با هم دست دهند، خدا دستش را میان دست هایشان درآورد و با هر کدام که نسبت به یارش بیشتر محبت دارد، دست دهد. - . کافی 2: 179 -

**[ترجمه]

تبیان

قوله علیه السلام بین أیدیهما کأنه أطلق الجمع علی التثنیه مجازا و ذلک لاستثقالهم اجتماع التثنیتین قال الشیخ الرضی رضی الله عنه ثم لفظ الجمع فیه أی فی إضافه الجزءین إلی متضمنیهما أولی من الإفراد کقوله تعالی فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُکُما(2) و ذلک لکراهتهم فی الإضافه اللفظیه الکثیره الاستعمال اجتماع تثنیتین مع اتصالهما لفظا و معنی مع عدم اللبس بترک التثنیه فإن أدی إلی اللبس لم یجز إلا التثنیه عند الکوفیین و هو الحق کما سیجی ء تقول قلعت عینیهما إذا قلعت من کل واحد عینا و أما قوله تعالی فَاقْطَعُوا أَیْدِیَهُما(3) فإنه أراد إیمانهما بالخبر و الإجماع و فی قراءه ابن مسعود فاقطعوا أیمانهما و إنما اختیر الجمع علی

الإفراد لمناسبته التثنیه فی أنه ضم مفرد إلی شی ء آخر و لذلک قال بعض الأصولیین إن المثنی جمع انتهی.

فإن قیل الالتباس هنا حاصل قلنا لا التباس لأن العرف شاهد بأن التصافح بید واحده فظهر خطأ بعض الأفاضل حیث قال هنا یدل الخبر علی استحباب التصافح بالیدین مع أن الأنسب حینئذ یدیه ثم إن المراد بالید هنا الرحمه کما هو الشائع أو هو استعاره تمثیلیه.

**[ترجمه]«دست هاشان» یعنی دو دست آنها که جمع را به جای تثنیه آورده است. شیخ رضی رضی الله عنه گفته: لفظ جمع در آن یعنی در إضافه دو جزء به متضمن شان أولی از إفراد است، همانند این فرمایش خدای تعالی: «فقد صغت قلوبکما.» - . تحریم/ ۴ - {واقعاً دل هایتان انحراف پیدا کرده است.} و آن به دلیل کراهت عرب است در إضافه لفظیه که کثیره الاستعمال است اجتماع دوتثنیه با با اتصال آن دو از نظر لفظ و معنی، در صورتی که با ترک تثنیه اشتباهی رخ ندهد و اگر اشتباه شود فقط تثنیه در نظر کوفیین جایز است و آن حق است، چنان چه می آید که تو می گویی «تقول قلعت عینیهما» هنگامی که از هر کدامشان یک چشم کور کنی، اما قول خدای تعالی «فاقطعوا أیدیهما.» - . مائده/ ۴۲ - {دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببُرید.} منظور ایمان آن دو است که در روایت و اجماع و در قراءه ابن مسعود آمده «فاقطعوا أیمانهما» و جمع اختیار شده نسبت به إفراد به دلیل مناسبت آن با تثنیه در آنجا که ضم مفرد به چیز دیگر باشد. به همین دلیل بعضی أصولیین گفتند مثنی جمع است. (پایان نقل قول)

و اگر گفته شود اشتباه شدن در اینجا امکان دارد، ما می گوییم اشتباه نخواهد بود، چرا که عرف شاهد است به این که تصافح با یک دست است، پس خطای بعضی از افاضل ظاهر می شود که گفته خبر بر استحباب مصافحه با دو دست دلالت دارد با این که مناسب تر در این هنگام این بود که «یدیه» بیاید. سپس مراد از دست در اینجا رحمت است، چنان چه آن شایع است یا آن استعاره تمثیلیه است

**[ترجمه]

«۱۳»

کا، [الکافی] بِالْإِسْنَادِ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عُقْبَهَ عَنْ أَیُّوبَ عَنِ السَّمَیْدَعِ عَنْ مَالِکِ بْنِ أَعْیَنَ الْجُهَنِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَیْنِ إِذَا

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۱۷۹.

۲- ۲. التحریم: ۴.

۳- ۳. المائده: ۴۲.

الْتَقَيَا فَتَصَافَحَا أَدْخَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَدَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا وَ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى أَشَدِّهِمَا حُبّاً لِصَاحِبِهِ فَإِذَا أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمَا تَحَاتَّتْ عَنْهُمَا الذُّنُوبُ كَمَا يَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ(۱).

**[ترجمه]کافی: امام باقر علیه السّلام فرمود: چون دو مؤمن به هم برخورد کنند و با هم دست دهند، خدا دستش را میان دست هایشان درآورد و با هر کدام که نسبت به یارش بیشتر محبت دارد، دست دهد. و چون خدا بدانها رو کند، گناهانشان به مانند برگ از درخت فرو ریزد. - . کافی ۲: ۱۷۹ -

**[ترجمه]

بیان

الشیخ فی الرجال عد سمیدع الهلالی من أصحاب الصادق علیه السلام و قال فی التقریب السمیدع بفتح أوله و المیم و سکون الیاء و فتح الدال هو ابن راهب بن سوار بن الزهدم الجرمی البصری ثقه فی التاسعه و فی القاموس بفتح السین و المیم و بعدهما یاء مثناه تحتیه(۲)

و لا یضم فإنه خطأ السید الشریف السخی و اسم رجل انتهی و إقبال الوجه کنایه عن غایه اللطف و الرحمه قوله علیه السلام فإذا أقبل الله عز و جل علیهما أی إذا کانا متساویین فی شده الحب أو عبر عن الإقبال بالوجه إلی الأشد کذلک إشعارا بأن الإقبال یکون لهما معا لکن یکون للأشد حبا أکثر کما یدل علیه الخبر الآتی.

**[ترجمه]رو کردن خدا کنایه از لطف و رحمت است و اینکه فرمود: خدا عزوجل به هر دو رو کند، در صورتی است که در دوستی برابر باشند یا این که به هر حال توجه به هر دو است و بدان که بیشتر دوست دارد، بیشتر است، چنان چه خبر آینده بر آن دلالت دارد.

**[ترجمه]

«۱۴»

کا، [الکافی] عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عُبَیْدَهَ الْحَذَّاءِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَیْنِ إِذَا الْتَقَیَا فَتَصَافَحَا أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَیْهِمَا بِوَجْهِهِ وَ تَسَاقَطَتْ عَنْهُمَا الذُّنُوبُ کَمَا تَتَسَاقَطُ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ(۳).

**[ترجمه]کافی: امام باقر علیه السّلام فرمود: چون دو مؤمن به هم برخورد کنند و با هم دست دهند، خدا به آن دو رو کند و گناهانشان به مانند برگ از درخت فرو ریزد. - . کافی ۲: ۱۸۰ -

**[ترجمه]

«۱۵»

کا، [الکافی] عَنِ الْعِدَّهِ عَنْ سَهْلٍ عَنِ ابْنِ أَبِی نَصْرٍ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ عَنْ أَبِی عُبَیْدَهَ الْحَذَّاءِ قَالَ: زَامَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فِی شِقِّ مَحْمِلٍ مِنَ الْمَدِینَهِ إِلَی مَکَّهَ فَنَزَلَ فِی بَعْضِ الطَّرِیقِ فَلَمَّا قَضَی حَاجَتَهُ عَادَ وَ قَالَ هَاتِ یَدَکَ یَا أَبَا عُبَیْدَهَ فَنَاوَلْتُهُ یَدِی فَغَمَزَهَا حَتَّی وَجَدْتُ الْأَذَی فِی أَصَابِعِی ثُمَّ قَالَ یَا أَبَا عُبَیْدَهَ مَا مِنْ مُسْلِمٍ لَقِیَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فَصَافَحَهُ وَ شَبَّکَ فِی أَصَابِعِهِ إِلَّا تَنَاثَرَتْ عَنْهُمَا ذُنُوبُهُمَا کَمَا یَتَنَاثَرُ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ فِی الْیَوْمِ الشَّاتِی (۴).

ص: ۲۵

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۱۷۹.

۲- ۲. فی طبعه مصر زاد بعده« و معجمه مفتوحه» خ ل، و أفاد الشارح أن تلک العباره ساقطه من غالب النسخ، فان ظاهر کلام الجوهریّ و ابن سیده و الصاغانی اهمال الدال، بل صرح بعضهم بأن اعجام ذاله خطاء.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۱۸۰.

۴- ۴. الکافی ج ۲ ص ۱۸۰.

**[ترجمه]کافی: ابی عبیده حذا گفت: از مدینه تا مکه هم کجاوه امام باقر علیه السّلام بودم. در میان راه فرو آمد و قضای حاجت کرد. چون برگشت فرمود: دستت را بده ای ابو عبیده! دستم را دادم و چنان آن را فشرد تا انگشتانم به درد آمدند. سپس فرمود: ای ابو عبیده! مسلمانی نباشد که به برادر مسلمانش برخورد کند و دستش را بگیرد و پنجه در انگشتانش فرو کند، جز آنکه گناهان هر دو فروریزد، به مانند فروریختن برگ از درخت در روز زمستانی. - . کافی ۲: ۱۸۰ -

**[ترجمه]

توضیح

کأن المراد بالتشبیک هنا أخذ أصابعه بأصابعه فإنهما حینئذ تشبهان الشبکه لا إدخال الأصابع فی الأصابع کما زعم و الیوم الشاتی الشدید البرد أو هو کنایه عن یوم الریح للزومه لها غالبا و علی التقدیرین الوصف لأن تناثر الورق فی مثله أکثر قال فی المصباح شتا الیوم فهو شات من باب قتل إذا اشتد برده و یدل الخبر علی استحباب الغمز فی المصافحه و لکن ینبغی أن یقید بما إذا لم یصل إلی حد اشتمل علی الإیذاء.

**[ترجمه]مقصود از شبکه کردن انگشتان این است که آنها را با هم بگیرند، نه اینکه در هم کنند که گمان شده. «روز زمستانی» یعنی سرمای سخت یا کنایه از پر باد است که غالباً با آن همراه است و به هر حال مقصود این است که ریزش برگ بیشتر باشد.در مصباح آمده «شتا الیوم فهو شات» از باب قتل هنگامی است که سرما شدید شود و دلالت دارد بر اینکه فشردن در مصافحه مستحب است و باید مقید باشد که به حد آزردن نرسد.

**[ترجمه]

«۱۶»

کا، [الکافی] عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ یُونُسَ عَنْ یَحْیَی الْحَلَبِیِّ عَنْ مَالِکٍ الْجُهَنِیِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: یَا مَالِکُ أَنْتُمْ شِیعَتُنَا لَا تَرَی أَنَّکَ تُفْرِطُ فِی أَمْرِنَا إِنَّهُ لَا یُقْدَرُ عَلَی صِفَهِ اللَّهِ فَکَمَا لَا یُقْدَرُ عَلَی صِفَهِ اللَّهِ کَذَلِکَ لَا یُقْدَرُ عَلَی صِفَتِنَا وَ کَمَا لَا یُقْدَرُ عَلَی صِفَتِنَا کَذَلِکَ لَا یُقْدَرُ عَلَی صِفَهِ الْمُؤْمِنِ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَیَلْقَی الْمُؤْمِنَ فَیُصَافِحُهُ فَلَا یَزَالُ اللَّهُ یَنْظُرُ إِلَیْهِمَا وَ الذُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْ وُجُوهِهِمَا کَمَا یَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ حَتَّی یَفْتَرِقَا فَکَیْفَ یُقْدَرُ عَلَی صِفَهِ مَنْ هُوَ کَذَلِکَ (۱).

**[ترجمه]کافی: مالک جهنی گفت: امام باقر علیه السّلام به او فرمود: ای مالک! شما شیعه ما باشید و نمی فهمی که درباره ما از حد می گذری؟ همانا کسی نتواند خدا را وصف کند و چنان چه نتواند آن را وصف کند، ما را هم نتواند، و چنان چه وصف ما را هم نتواند، وصف مؤمن را هم نتواند، زیرا چون مؤمن به مؤمن برخورد کند و به او دست دهد، خدا پیوسته به آنها نظر دارد و گناهان مانند برگ از درخت از سر و روی آنها بریزند تا از هم جدا شوند. چگونه می تواند وصف کند کسی را که چنین است؟ - . کافی ۲: ۱۸۰ -

**[ترجمه]

بيان

لا ترى و فى بعض النسخ أ لا ترى على الاستفهام أنك تفرط على بناء الإفعال أو التفعيل فعلى الأولى من النسختين و الوجهين ظاهره أنه نهى فى صوره النفى أى لا- تظن أنك تفرط و تغلو فى أمرنا بما اعتقدت من كمالنا و فضلنا فإنك كلما بالغت فى وصفنا و تعظيمنا و مدحنا فأنت بعد مقصر أو لا تظن أن إفراطك فى أمرنا أخرجك من التشيع بل هو دليل على تشيعك ثم لما كان لقائل أن يقول إن الإفراط فى الأمر مذموم فكيف تمدحه به فأزال ذلك بكلام مستأنف حاصله أنهم كلما وصفوا به من الكمال فهو دون مرتبتهم لأنهم ممن لا يقدر قدرهم كما أن الله سبحانه لن يقدر قدره بل لا يمكنكم معرفه قدر المؤمن من شيعتنا فكيف تقدرون على معرفه قدرنا.

و على الاستفهام أيضا يرجع إلى ذلك فإن المعنى أ لست تزعم أنك تبالغ

۱- ۱. الكافى ج ۲ ص ۱۸۰.

فی أمرنا لا- تزعم ذلک فإنه لا یقدر إلی آخر ما مر و علی الوجهین محمول علی ما إذا لم یبلغ حد الغلو و الارتفاع و إذا کان تفرط علی بناء التفعیل فالمعنی لا- تظن أنک تقصر فی معرفتنا فإنها فوق طاقتکم و لا تقدرون علی ذلک و إنما کلفتم بقدر عقولکم و لا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها(۱) فکما لم تکلفوا کمال معرفه الله فکذا لم تکلفوا کمال معرفتنا و الاستفهام أیضا یرجع إلی ذلک کما عرفت.

**[ترجمه]«لا تری» و در بعض نسخ «ألا تری» آمده بنا براستفهام. «از حد می گذری» یعنی هر چقدر هم که بالا بری، ما را نتوانی از حد بگذری، زیرا کسی نتواند به کنه وصف کمال ما رسد و افراط در مدح ما با شیعه بودن مخالفت ندارد، بلکه دلیل بر آن است، چون هر وصف کمالی کمتر است از مقام بلند آنان، زیرا کسی اندازه آنها را نداند، چنان چه اندازه خدا را هم ندانند، بلکه اندازه مؤمن شیعه ما را هم ندانند، تا چه رسد به شناخت ما. و بنا بر استفهام باز برمی گردد به همان معنی؛ یعنی گمان مبر تو در امر ما مبالغه کردی که کسی قادر به آن نیست تا آخر آنچه گفته شد. و بنا بر هر دو وجه، باید به حد غلو نباشد و اگرتفرط بناء بر وزن تفعیل باشد، یعنی گمان مبر تو در در معرفت ما تقصیر کردی که آن فوق طاقت شماست و قادر بر آن نیستید و شما به اندازه عقل هایتان تکلیف شدید، «لا یکلف الله نفسا إلا وسعها.» - . بقره: ۲۸۶ - {خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند.} و چنان چه مکلف به کمال معرفه الله نشدید، همچنین مکلف به کمال معرفت به ما نشدید و استفهام باز برمی گردد به آن، چنان چه توضیحش آمد.

**[ترجمه]

«۱۷»

کا، [الکافی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَیْلِ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ قَالَ: زَامَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فَحَطَطْنَا الرَّحْلَ ثُمَّ مَشَی قَلِیلًا ثُمَّ جَاءَ فَأَخَذَ بِیَدِی فَغَمَزَهَا غَمْزَهً شَدِیدَهً فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ أَ وَ مَا کُنْتُ مَعَکَ فِی الْمَحْمِلِ فَقَالَ أَ وَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا جَالَ جَوْلَهً ثُمَّ أَخَذَ بِیَدِ أَخِیهِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَیْهِمَا بِوَجْهِهِ فَلَمْ یَزَلْ مُقْبِلًا عَلَیْهِمَا بِوَجْهِهِ وَ یَقُولُ لِلذُّنُوبِ تَحَاتَّ عَنْهُمَا فَتَتَحَاتُّ یَا أَبَا حَمْزَهَ کَمَا یَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ فَیَفْتَرِقَانِ وَ مَا عَلَیْهِمَا مِنْ ذَنْبٍ (۲).

**[ترجمه]کافی: ابی حمزه گفت: یک بار من هم کجاوه امام باقر علیه السّلام شدم و بار فرو نهادیم و آن حضرت کمی راه رفت و باز آمد و دست مرا گرفت و به سختی فشرد. گفتم: قربانت! مگر در کجاوه همراه شما نبودم؟ فرمود: ندانی که چون مؤمن گشتی زند و آنگاه دست برادرش را گیرد، خدا رو به آنها کند و پیوسته با رویش به آنها رو کند و به گناهان فرمان دهد که از آنها فرو ریزند و همانند برگ از درخت بریزند ای ابا حمزه! و از هم جدا شوند در حالی که بر آنها گناهی نباشد.
- .[۱] کافی ۲: ۱۸۰ -

**[ترجمه]

بیان

فی المصباح الرحل کل شی ء یعد للرحیل من وعاء للمتاع و مرکب للبعیر و حلس و رسن و جمعه أرحل و رحال و رحل الشخص مأواه فی الحضر ثم أطلق علی أمتعه المسافر لأنها هناک مأواه و قال جال الفرس فی المیدان یجول جوله و جولانا قطع جانبه و جالوا فی الحرب جوله جال بعضهم علی بعض و جال فی البلاد طاف غیر مستقر فیها انتهی و ظاهره أنه یکفی لاستحباب تجدید المصافحه المشی قلیلا و الافتراق و إن لم یغب أحدهما عن الآخر.

**[ترجمه]در مصباح آمده «رحل» هر چیزی است که برای مسافرت آماده می کنند، از ظرف برای خوراکی ها و مرکب برای شتر و حلس و رسن و جمع آن «أرحل» و «رحال» است، و رحل شخص مأوای او در وطن است، سپس بر متاع های مسافر اطلاق شده، چرا که در آنجا مأوای او می شود. و ظاهر روایت این است که برای استحباب تجدید دست دادن، اندکی راه رفتن و جدا شدن از هم بس است و نیاز ندارد که از دیده هم پنهان شوند.

**[ترجمه]

«۱۸»

کا، [الکافی] عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ الْمُصَافَحَهِ قَالَ دَوْرُ نَخْلَهٍ(۳).

**[ترجمه]کافی: هشام بن سالم گفت: اندازه تجدید مصافحه را از امام صادق علیه السّلام پرسیدم. فرمود: چرخیدن بر دور تنه درخت خرما. - . کافی ۲: ۱۸۱ -

**[ترجمه]

بیان

یدل علی أنه یکفی لاستحباب تجدید المصافحه غیبه أحدهما عن صاحبه و لو بنخله أو شجره کما سیأتی و یمکن حمل الخبر السابق أیضا علی الغیبه

ص: ۲۷

۱- ۱. البقره: ۲۸۶.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۱۸۰.

۳- ۳. الکافی ج ۲ ص ۱۸۱.

أو يقال يكفى إما غيبه ما أو تباعد ما.

**[ترجمه]دلالت دارد كه غيبت از هم گرچه با درخت خرما يا درخت، براى استحباب دست دادن بس است و مى شود خبر گذشته را بدان تفسير كرد يا گفت: يا غيبت و يا كمى دور شدن كافى است.

**[ترجمه]

«١٩»

كا، [الكافى] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمْرٍو الْأَفْرَقِ عَنْ أَبِى عُبَيْدَهَ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: يَنْبَغِى لِلْمُؤْمِنَيْنِ إِذَا تَوَارَى أَحَدُهُمَا عَنْ صَاحِبِهِ بِشَجَرَهٍ ثُمَّ الْتَقَيَا أَنْ يَتَصَافَحَا(١).

**[ترجمه]كافى: امام باقر عليه السّلام فرمود: شايسته است براى مؤمنان كه چون از هم نهان شوند - حتى به وسيله درختى - و آنگاه به هم برخورند، مصافحه كنند. - . كافى ٢: ١٨١ -

**[ترجمه]

«٢٠»

كا، [الكافى] عَنِ الْعِدَّهِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِى جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيُسَلِّمْ وَ لْيُصَافِحْهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَكْرَمَ بِذَلِكَ الْمَلَائِكَهَ فَاصْنَعُوا صُنْعَ الْمَلَائِكَهِ(٢).

**[ترجمه]كافى: امام باقر عليه السّلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر كه به برادر خود برخورد كند، بايد به او سلام كند و با او دست دهد، زيرا خداى عز و جل فرشته ها را بدان گرامى داشته است؛ شما هم كار فرشته ها را بكنيد. - . كافى ٢: ١٨١ -

**[ترجمه]

إيضاح

أكرم بذلك الملائكه أى إذا لقى بعضهم بعضا يسلمون و يصافحون أو إذا لقوا المؤمنين فعلوا ذلك و الأول أظهر.

**[ترجمه]يعنى فرشته ها هم چون به هم برخورد كنند، سلام دهند و مصافحه كنند. يا اينكه چون با مؤمنان ملاقات كنند، چنين مى كنند و اولى روشن تر است .

**[ترجمه]

«۲۱»

کا، [الکافی] عَنِ الْعِدَّهِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ ابْنِ بَقَّاحٍ عَنْ سَیْفِ بْنِ عَمِیرَهَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا الْتَقَیْتُمْ فَتَلَاقَوْا بِالتَّسْلِیمِ وَ التَّصَافُحِ وَ إِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالاسْتِغْفَارِ(۳).

**[ترجمه]کافی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون به هم برخورد کنید، با سلام و مصافحه باشد و چون جدا شوید، با استغفار باشد. - . کافی ۲: ۱۸۱ -

**[ترجمه]

بیان

قوله بالاستغفار بأن یقول غفر الله لک مثلا.

**[ترجمه]مثلا یعنی بگوید: «خدا تو را بیامرزد.»

**[ترجمه]

«۲۲»

کا، [الکافی] عَنِ الْعِدَّهِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ جَدِّهِ مُعَاوِیَهَ بْنِ وَهْبٍ أَوْ غَیْرِهِ عَنْ رَزِینٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کَانَ الْمُسْلِمُونَ إِذَا غَزَوْا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ثُمَّ مَرُّوا بِمَکَانٍ کَثِیرِ الشَّجَرِ ثُمَّ خَرَجُوا إِلَی الْفَضَاءِ نَظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَی بَعْضٍ فَتَصَافَحُوا(۴).

**[ترجمه]کافی: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون مسلمانان به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله به نبرد می رفتند و در راه به جنگلی می گذشتند و از آن به فضای باز می رسیدند و همدیگر را می دیدند، با هم دست می دادند. - . کافی ۲: ۱۸۱ -

**[ترجمه]

بیان

نظر بعضهم إلی بعض أی بالموده.

**[ترجمه]«همدیگر را می دیدند»، یعنی با مهر و صفا.

**[ترجمه]

«۲۳»

كا، [الكافى] عَنِ الْعِدَّهِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْجَهْمِ الْهِلَالِيِّ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا صَافَحَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ فَالَّذِي يَلْزَمُ التَّصَافُحَ أَعْظَمُ أَجْراً مِنَ الَّذِي يَدَعُ أَلَا وَ إِنَّ الذُّنُوبَ لَتَتَحَاتُ

ص: ۲۸

۱- ۱. الكافى ج ۲ ص ۱۸۱.

۲- ۲. الكافى ج ۲ ص ۱۸۱.

۳- ۳. الكافى ج ۲ ص ۱۸۱.

۴- ۴. الكافى ج ۲ ص ۱۸۱.

فِيمَا بَيْنَهُمْ حَتَّى لَا يَبْقَى ذَنْبٌ (۱).

**[ترجمه]کافی: امام باقر علیه السّلام فرمود: چون کسی با یارش دست دهد، آن که دست نگه دارد ثواب بیشتری دارد از آن که دست خود را بکشد. آگاه باشید که گناهانشان فرو ریزند، تا جایی که گناهی نماند. - . کافی ۲: ۱۸۱ -

**[ترجمه]

بیان

یدل علی استحباب عدم جذب الید حتی یجذب صاحبه و لعله محمول علی ما إذا لم یمتد کثیرا فیملأ.

**[ترجمه]دلالت دارد بر استحباب دست را نکشیدن تا طرف دستش را بکشد و شاید تا آنجا باشد که بسیار طول نکشد که مایه ملال گردد.

**[ترجمه]

«۲۴»

کا، [الکافی] عَنِ الْعِدَّهِ عَنْ سَهْلٍ عَنْ یَحْیَی بْنِ الْمُبَارَکِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَهَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَنَظَرَ إِلَیَّ بِوَجْهٍ قَاطِبٍ فَقُلْتُ مَا الَّذِی غَیَّرَکَ لِی قَالَ الَّذِی غَیَّرَکَ لِإِخْوَانِکَ بَلَغَنِی یَا إِسْحَاقُ أَنَّکَ أَقْعَدْتَ بِبَابِکَ بَوَّاباً یَرُدُّ عَنْکَ فُقَرَاءَ الشِّیعَهِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنِّی خِفْتُ الشُّهْرَهَ قَالَ أَ فَلَا خِفْتَ الْبَلِیَّهَ أَ وَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْمُؤْمِنَیْنِ إِذَا الْتَقَیَا فَتَصَافَحَا

أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الرَّحْمَهَ عَلَیْهِمَا فَکَانَتْ تِسْعَهً وَ تِسْعِینَ لِأَشَدِّهِمَا حُبّاً لِصَاحِبِهِ فَإِذَا تَوَاقَفَا غَمَرَتْهُمَا الرَّحْمَهُ وَ إِذَا قَعَدَا یَتَحَدَّثَانِ قَالَتِ الْحَفَظَهُ بَعْضُهَا لِبَعْضٍ اعْتَزِلُوا بِنَا فَلَعَلَّ لَهُمَا سِرّاً وَ قَدْ سَتَرَ اللَّهُ عَلَیْهِمَا فَقُلْتُ أَ لَیْسَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ یَقُولُ- ما یَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَیْهِ رَقِیبٌ عَتِیدٌ فَقَالَ یَا إِسْحَاقُ إِنْ کَانَتِ الْحَفَظَهُ لَا تَسْمَعُ فَإِنَّ عَالِمَ السِّرِّ یَسْمَعُ وَ یَرَی (۲).

**[ترجمه]کافی: اسحاق بن عمار گفت: نزد امام صادق علیه السّلام رفتم. با چهره ای خشمگین به من نگاه کرد. پرسیدم: چه چیز تو را بر من دگرگون کرده؟ فرمود: آنچه تو را به برادرانت دگرگون کرده. ای اسحاق! به من خبر رسیده که بر در خانه خود دربانان نشاندی تا مستمندان شیعه را از تو برانند. گفتم: قربانت گردم! من از شهرت ترسیدم. فرمود: از بلا نترسیدی؟ ندانستی که چون دو مؤمن به هم بر خورند و با هم دست دهند، خدای عزوجل بر آنها رحمت فرود آرد و نود و نه آن از آنِ کسی باشد که بیشتر یارش را دوست دارد، و چون با هم بایستند رحمت آنها را فرا گیرد، و چون بنشینند تا گفتگو کنند، فرشته های حافظ به هم گویند ما را به کناری برید، شاید رازی دارند که خدا بر آنها پوشیده خواهد. گفتم: مگر خدای عزوجل نفرموده: «ما یلفظ من قول إلا لدیه رقیب عتید»، {[آدمی] هیچ سخنی را به لفظ درنمی آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می کند]}؟ فرمود: ای اسحاق! اگر نگهبانان نشنوند، البته که دانای هر نهانی بشنود و ببیند. - . کافی ۲:

**[ترجمه]

بیان

فی القـاموس قطب یقطب قطبـا و قطوبـا فهو قـاطب و قطوب زوی ما بین عینیه و کلـح کقطب قوله علیه السـلام فکانت تسـعه و تسعین تسعه اسم کان الأنسب تسعون کما فی بعض نسخ الحدیث و فی نسخ الکتاب و تسعین فالواو بمعنی مع و لیس فی بعض الروایات فکانت فیستقیم من غیر تکلف.

و قال تعالی وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ- إِذْ یَتَلَقَّی الْمُتَلَقِّیانِ عَنِ الْیَمِینِ وَ عَنِ الشِّمالِ قَعِیدٌ- ما یَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَیْهِ رَقِیبٌ عَتِیدٌ(۳) قال الطبرسـی قدس سـره حبل الورید هو عرق یتفرق فی البدن أو عرق الحلق أو عرق متعلق بالقلب و المتلقیان الملکان یأخذان منه عمله فیکتبانه کما یکتب المملی علیه و المراد بالقعید الملازم الذی لا یبرح و قیل عن الیمین کاتب الحسـنات و عن الشمال کاتب السیئات و قیل الحفظه أربعه ملکان بالنهار

ص: ۲۹

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۱۸۱.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۱۸۱.

۳- ۳. سوره ق: ۱۶- ۱۸.

و ملکان باللیل ما یلفظ أی ما یتکلم بکلام فیلفظه أی یرمیه من فیه إلا لـدیه حافظ حاضـر معه و الرقیب الحافظ و العتیـد المعد للزوم الأـمر یعنی الملک الموکل به إما صاحب الیمین و إما صاحب الشـمال یحفظ علمه لا یغیب عنه و الهاء فی لـدیه تعود إلی القول أو إلی القائل انتهی (۱) قوله فإن عالم السر یعلم (۲)

أی یکفی لصدق الآیه اطلاع الرب تعالی و هو الرقیب علی عباده و قد قال سبحانه قبل ذلک وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِیدِ.

**[ترجمه]درقاموس آمـده: «قطب یقطب قطبا و قطوبا فهو قاطب و قطوب» یعنی مابین دو چشـمش زاویه ایجاد شـد، و «کلـح» همانند قطب است و «تسعه و تسعین»، تسعه اسم «کان» است و بهتر بود «تسعون» بیاید، چنان چه در بعضی از نسخ حدیث آمده ودر نسخه های کافی «و تسعین» است. بنابراین «واو» به معنی «مع» است و در بعضی از روایات نیست .

خدای تعالی فرموده: «و نحن أقرب إلیه من حبل الورید- إذ یتلقی المتلقیان عن الیمین و عن الشـمال قعید- ما یلفظ من قول إلا لدیه رقیب عتید.» - . ق/ ۱۶- ۱۸ - {و ما از شاهرگ [او] به او نزدیک تریم.آن گاه که دو [فرشـته] دریافت کننده از راست و از چپ، مراقب نشسته اند. [آدمی] هیچ سخنی را به لفظ درنمی آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می کند].}

طبرسی (قـدس سره) گفتـه: «حبـل الوریـد» رگی است در همه تن یـا در خصـوص گلـو یـا وابسـته به دل، و «المتلقیـان» {دو برخورنده} دو فرشـته اند که عمل او را تحویل گیرند و بنویسند، چون کسی که دیکته را می گیرد. و «قعید» یعنی ملازمی که جدا نشود، و گفته شده در سـمت راست نویسـنده حسنات است و در چپ نویسنده گناهان. و گفته شده نگهبانان چهار نفرند؛ دو فرشـته در روز و دو تا در شب. «ما یلفظ» یعنی آنچه سـخن گوینـد. «فیلفظه» یعنی از دهان بیرون می نهنـد، «إلا لـدیه حافظ» یعنی حاضـر است بـا آنهـا و «رقیب» یعنی حافـظ و «عتیـد» یعنی آمـاده انجـام کار، یعنی ملک موکل به آن یا سـمت راستی یا سمت چپی حفظ می کند علمش را بر او پوشیده نیست و هاء در «لدیه» به «القول» یا به «القائل» برمی گردد. (پایان نقل قول) - . مجمع البیان ۹: ۱۴۴ - این فرمایش که «فإن عالم السـر یعلم» یعنی کفایت می کند در صدق آیه اطلاع رب تعالی و او مراقب بر بندگانش است و قبل از آن فرموده: و نحن أقرب إلیه من حبل الورید.

**[ترجمه]

«۲۵»

کا، [الکافی] عَنِ الْعِدَّهِ عَنْ سَـهْلٍ عَنْ إِسْـمَاعِیلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَیْمَنَ بْنِ مُحْرِزٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السـلام قَالَ: مَا صَافَحَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله رَجُلًا قَطُّ فَنَزَعَ یَدَهُ حَتَّی یَکُونَ هُوَ الَّذِی یَنْزِعُ یَدَهُ مِنْهُ (۳).

**[ترجمه]کافی: امام صادق علیه السّلام فرمود: هرگز رسول خدا دست نکشید از کسی که با او دست داد تا او دست کشد. - . کافی ۲: ۱۸۲ -

**[ترجمه]

بیان

یدل علی استحباب عدم نزع الید قبل صاحبه کما مر.

**[ترجمه]دلالت دارد بر استحباب دست نکشیدن پیش از یار خود، چنان چه گذشت.

**[ترجمه]

«۲۶»

کا، [الکافی] عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ رِبْعِیٍّ عَنْ زُرَارَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا یُوصَفُ وَ کَیْفَ یُوصَفُ وَ قَالَ فِی کِتَابِهِ وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ (۴)

فَلَا یُوصَفُ بِقَدْرِهِ إِلَّا کَانَ أَعْظَمَ مِنْ ذَلِکَ وَ إِنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله لَا یُوصَفُ وَ کَیْفَ یُوصَفُ عَبْدٌ احْتَجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِسَبْعٍ وَ جَعَلَ طَاعَتَهُ فِی الْأَرْضِ کَطَاعَتِهِ فِی السَّمَاءِ فَقَالَ وَ ما آتاکُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ ما نَهاکُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا(۵) وَ مَنْ أَطَاعَ هَذَا فَقَدْ أَطَاعَنِی وَ مَنْ عَصَاهُ فَقَدْ عَصَانِی وَ فَوَّضَ إِلَیْهِ وَ إِنَّا لَا نُوصَفُ وَ کَیْفَ یُوصَفُ قَوْمٌ رَفَعَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَ هُوَ الشَّکُّ وَ الْمُؤْمِنُ لَا یُوصَفُ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَیَلْقَی أَخَاهُ فَیُصَافِحُهُ فَلَا یَزَالُ اللَّهُ یَنْظُرُ إِلَیْهِمَا وَ الذُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْ وُجُوهِهِمَا کَمَا یَتَحَاتُّ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ (۶).

**[ترجمه]کافی: زراره از امام باقر علیه السّلام نقل کرد که می فرمود: همانا خدای عزوجل وصف نشود و چگونه وصف شود با آنکه در قرآنش فرموده است: «و ما قدروا الله حق قدره.» - . حج/ ۷۳ - {قدر خدا را چنان که در خور اوست نشناختند}؟ و خدا به اندازه ای در نیاید (به قدری وصف نشود) جز آن که بزرگ تر از آن است، و پیغمبر صلی الله علیه و آله هم وصف نشود و چگونه وصف شود بنده ای که خدای عزوجل در پس هفت آسمانش در پرده کرده و طاعتش را در زمین واجب کرده، همچون در آسمان و فرموده: «ما آتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا.» - . حشر/ ۷ - {و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید.} که هر کس که او را فرمان برد، مرا فرمان برده و هر که او را نافرمانی کند، مرا نافرمانی کرده و کار را به او وانهاد. و ما هم وصف نشویم و چگونه وصف شوند مردمی که خدا پلیدی را - که همان شک است - از آنها برداشته؟ و مؤمن هم وصف نشود و همانا چون مؤمن به برادرش برخورد کند و با او دست دهد، خدا پیوسته به آنها نظر دارد و گناهان آنها از سر و بارشان فروریزند، چنان چه برگ از درخت. - . کافی ۲: ۱۸۲ -

**[ترجمه]

تبیان

وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ أی ما عظموا الله حق تعظیمه أو ما عرفوا الله حق معرفته و ما وصفوا الله حق وصفه کما هو الظاهر من

هذا الخبر

۱- ۱. مجمع البيان ج ۹ ص ۱۴۴.

۲- ۲. كذا و لفظ الحديث يسمع.

۳- ۳. الكافى ج ۲ ص ۱۸۲.

۴- ۴. الحجّ: ۷۳.

۵- ۵. الحشر: ۷.

۶- ۶. الكافى ج ۲ ص ۱۸۲.

فلا یوصف بقـدره کأنه خص القدره بالذکر لأنها التی یمکن أن تعقل فی الجمله من صـفاته سـبحانه أو هو علی المثال و یمکن أن یقرأ بالفتح أی بقدر و قد مر هذا الجزء من الخبر فی کتاب التوحید و فیه بقدر و هو أصوب.

قوله علیه السـلام احتجب الله بسبع أقول هذه العباره تحتمل وجوها شتی نذکر بعضها أول ما ذکره بعض العارفین أنه قد ورد فی الحدیث أن لله سـبعین ألف حجاب من نور و ظلمه لو کشـفها لأحرقت سبحات وجهه ما انتهی إلیه بصره و علی هذا فیحتمل أن یکـون معنی قـوله علیه السـلام احتجب الله بسـبع أنه صـلی الله علیه و آله قـد ارتفع الحجب بینه و بین الله سـبحانه حـتی بقی من السبعین ألف [ألفا] سبع.

lt;meta info="{قدر خدا را چنان که در خور اوست نشـناختند} یعنی چنان چه باید بزرگش نشمردند یا چنان چه شایسته است او را نشـناختند و او را چنـان چه سـزاست وصف نکردنـد که از این خبر ظاهر است «فلا یوصف بقـدره» و ذکر خصوص قـدرت برای این است که می شود تا انـدازه ای آن را فهمید یا برای نمونه است و می شود که به معنی اندازه باشد و در کتاب توحید گذشت و آن درست تر است.

و قول آن حضـرت در وصف پیغمبر صـلی الله علیه و آله که در پس هفت در پرده است، چند تفسـیر دارد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱.

آنچه یک عارفی گفته: که در حـدیث آمـده که خدا را هفتاد هزار پرده است از نور و ظلمت که اگر آنها را بردارد جلوه او تا چشم کار کنـد می سوزانـد و بنابراین می شود که مقصود این باشد که خدا تنها با هفت پرده با او فاصـله دارد و دیگر پرده ها برای او بالا رفته است.

**[ترجمه]

أقول

کأنه قرأ الجلاله بالرفع و قدر العائد أی احتجب الله عنه بسبع.

الثـانی أن یقرأ بـالرفع أیضـا و یکون تمهیـدا لمـا بعـده أی احتجب الله عن الخلق بسـبع سـماوات و جعله خلیفته فی عباده و ناط طـاعته بطـاعته و فوض إلیه أمور خلقه بمنزله ملک جعل بینه و بین رعیته سـبعه حجب و أبواب لم یمکنهم الوصول إلیه بوجه و بعث إلیهم وزیرا و نصب علیهم حاکما و کتب إلیهم کتابا تضـمن وجوب طاعته و إن کل من له إلیه حاجه فلیرجع إلیه فإن قوله قـولی و أمره أمری و حکمه حکمی فاحتجـابه بالسـبع کنـایه عن عـدم ظهـور وحیه و أمره و نهیه و تقـدیراته إلاـ من فـوق سـبع سماوات و إنما یظهر لنا جمیع ذلک ببیانه صلی الله علیه و آله و هذا وجه وجیه خطر ببالی القاصر.

الثـالث أن یکون سـیاقه کمـا مر فی الوجه السـابق لکن یکون المعنی أنه حجب ذاته عن الخلق بسـبع من الحجب النورانیه و هی

صفـاته الکمـالیه التی لا تصل الخلق إلیها أو التنزیهیه التی صارت أسـبابا لاحتجابه عن عقول الخلق و أحلامهم و جعله صـلی الله علیه و آله معرفا لذاته و صفاته و أوامره و نواهیه لجمیع الخلق و هذا أیضا مما سنح لی.

الرابع أن یقرأ الجلاله بالنصب أی احتجب مع الله عن الخلق فوق سـبع سـماوات أو سبعه حجب بعد السماوات فکلمه الله و ناجاه هناک و فیه بعد لفظا.

ص: ۳۱

و قال بعضهم لعل المراد أنه لا يمكن أن يوصف عبد اتخذه الله عز و جل حجابا فی سبع سماوات و سبع أرضين وجه إليه يستفيض منه و وجه إلى الممكنات يفيض عليها أو اتخذه حجابا بسبع صفات الذات لكونه مظهرها و انكشافها له و هی حجب نورانيه لو انكشف وصف منها لأضاء أنوار الهدايه كل ملتبس فصار صلى الله عليه و آله بانكشافها له و هی حجابا نورانيا مثلها أو أزال عنه الحجاب بسبع سماوات و سبع أرضين على أن تكون الهمزه للسلب فقد ترفع قدره من المجردات الملكوتيه و الملائكه اللاهوتيه و تنزه قلبه من العوائق البشريه و العلائق الناسوتيه و يمكن أن يكون إشاره إلى ما وصل إليه من حجب المعراج انتهى.

و لا يخفى ما فی الجميع من الخبط و التشويش لا سيما فی همزه السلب و قد مر معنى التفويض فی بابه قوله عليه السلام و هو الشك أی لا يعتريهم شك فی شی ء مما يسألون أو يقولون بل يعلمون جميع ذلك بعين اليقين و هذه درجه رفيعه تقصر العقول عن إدراكها.

**[ترجمه]گويا اين گوينده، لفظ جلاله را با رفع خوانده و «قدر العائد» يعنى الله از او به هفت پرده در حجاب بوده است.

۲.

اين كه خدا پس هفت آسمان است و او را در ميان بنده ها خليفه خود ساخته و طاعت خود را به طاعت او وابسته كرده و امور خلق را به او وانهاده، چون شاهى كه ميان خود و رعيتش هفت پرده كشد كه نتوانند به او رسند و وزيرى بدانها فرستد و حاكمى گمارد و نامه اى بر آرد كه طاعت او واجب است و هر كه به او نيازى دارد بدان وزير رجوع كند كه گفته اش گفته من و امر و حكمش امر و حكم من است. و پرده گيرى او به هفت كنايه است از اينكه خود پيدا نيست و وحى و امر و نهى و مقدراتش جز از فراز هفت آسمان پيدا نيست و همه آنها به بيان او براى ما روشن شود و اين تفسير خوبى است كه به نظر قاصر من رسيد.

۳.

در حدود تفسير گذشته است، ولى مقصود اين باشد كه ذات خود را از خلق خود زير هفت پرده نورانى نگه دارد كه صفات كمال اويند كه فهم خلق بدانها نرسد يا اوصاف جلال او كه سبب پرده گيرى او است از عقول خلق و ادراكات آنها و آن حضرت را صلى الله عليه و آله شناسنده ذات و صفات و امر و نهى خود نموده براى همه خلائق و اين هم باز به خاطر من آمده است.

۴.

اين كه آن حضرت به همراه خدا از خلق محجوب شده بالاى هفت آسمان يا بالاى هفت حجاب برتر از آسمان و خدا با او سخن گفته و در آنجا با او راز گفته، و اين معنى در عبارت به خوبى نگنجد .

و يكى در شرح عبارت گفته: شايد مقصود اين است كه نشود بنده اى را وصف كرد كه خدا عزوجل او را پرده ساخته در

هفت آسمان و هفت زمین سویی دارد بدو که فیض از او گیرد و سویی به همه ممکنات که فیض بدانها دهد یا آن است که او را حجاب هفت صفات ذاتی خود کرده است، چون مظهر آنها است و به وجود او منکشف شدند و اینها حجاب های نورانی اند که هر کدام جلوه کنند، انوار هدایت از آن بتابد و هر شبهه را براندازد و با کشف آن صفت برای آن حضرت حجابی نورانی شد به مانند آن یا این که هفت حجاب، هفت آسمان و هفت زمین را از جلوی رو بر داشته است. و همزه معنی سلب دارد و رتبه او بالاتر است از مجردات ملکوتیه و فرشته های لاهوتیه و دلش از همه عوائق بشریه و علایق مادی پاک است و بسا اشاره باشد بدان چه از حجب رسیده در معراج. (پایان نقل قول)

و در همه این گفتار پریشانی روشن است، به ویژه در همزه سلب که دلیلی ندارد، و معنای تفویض در باب خود گذشته و این که شک در ائمه نیست، یعنی آنچه پرسند و گویند همه از روی یقین پاک است و آن درجه ای والا است که در عقل نگنجد.

**[ترجمه]

«۲۷»

کا، [الکافی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ فُضَیْلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی عُبَیْدَهَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ: إِذَا الْتَقَی الْمُؤْمِنَانِ فَتَصَافَحَا أَقْبَلَ اللَّهُ بِوَجْهِهِ عَلَیْهِمَا وَ تَتَحَاتُّ الذُّنُوبُ عَنْ وُجُوهِهِمَا حَتَّی یَفْتَرِقَا(۱).

**[ترجمه]کافی: امام باقر علیه السّلام می فرمود: چون دو مؤمن به هم برخورند و به هم دست دهند، خدا رو بدانها دارد و گناهان از سر و رویشان بریزند تا از هم جدا شوند. - . کافی ۲: ۱۸۲ -

**[ترجمه]

«۲۸»

کا، [الکافی] عَلِیٌّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَصَافَحُوا فَإِنَّهَا تَذْهَبُ بِالسَّخِیمَهِ(۲).

**[ترجمه]کافی: امام صادق علیه السّلام فرمود: با هم مصافحه کنید، زیرا کینه را می برد. - . کافی ۲: ۱۸۳ -

**[ترجمه]

بیان

السخیمه الضغینه و الحقد و الموجده فی النفس.

**[ترجمه]«سخیمه» یعنی «ضغینه» و حقد و کینه که درنفس پدید آید.

**[ترجمه]

«۲۹»

کا، [الکافی] عَنِ الْعِدَّهِ عَنْ سَهْلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَقِیَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله حُذَیْفَهَ فَمَدَّ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَدَهُ فَکَفَّ حُذَیْفَهُ یَدَهُ فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَا حُذَیْفَهُ بَسَطْتُ یَدِی إِلَیْکَ فَکَفَفْتَ یَدَکَ عَنِّی فَقَالَ حُذَیْفَهُ یَا رَسُولَ اللَّهِ بِیَدِکَ الرَّغْبَهُ وَ لَکِنِّی کُنْتُ جُنُباً فَلَمْ أُحِبَّ أَنْ تَمَسَّ یَدِی یَدَکَ وَ أَنَا جُنُبٌ فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله أَ مَا تَعْلَمُ أَنَّ الْمُسْلِمَیْنِ إِذَا الْتَقَیَا فَتَصَافَحَا تَحَاتَّتْ ذُنُوبُهُمَا کَمَا یَتَحَاتُّ وَرَقُ الشَّجَرِ(۳).

ص: ۳۲

۱- ۱. الکافی ج ۲: ۱۸۲.

۲- ۲. الکافی ج ۲: ۱۸۳.

۳- ۳. الکافی ج ۲: ۱۸۳.

**[ترجمه]کافی: امام صادق علیه السّلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله به حذیفه برخورد و دست به طرفش دراز کرد و او دستش را پس کشید. پیغمبر فرمود: دستم را به سوی تو دراز کردم، چرا دستت را کشیدی؟ حذیفه گفت: به دست شما رغبت هست، ولی من جنب بودم و نخواستم با جنابت دستم به دست شما بخورد. آن حضرت فرمود: ندانی که چون دو مسلمان به هم برخورند و با هم دست دهند، گناهانشان فروریزد، چنان چه برگ از درخت؟ - . کافی ۲: ۱۸۳ -

**[ترجمه]

بیان

بیدک الرغبه کان الباء بمعنی فی أی یرغب جمیع الخلق فی مصافحه یدک الکریمه و قیل الباء للسببیه و الرغبه بمعنی المرغوب أی یحصل بسبب یدک مرغوب الخلائق و هو الجنه و هو تکلف بعید قوله صلی الله علیه و آله أ ما تعلم ظاهره أن الجنابه لا تمنع مصافحه المعصومین علیهم السلام و یمکن أن یکون عذره مقبولا لکن لما علم صلی الله علیه و آله منه عدم اهتمامه فی أمر المصافحه حثه علیها بذلک

وَ یُؤَیِّدُهُ مَا رُوِیَ: أَنَّ أَبَا بَصِیرٍ دَخَلَ جُنُباً عَلَی الصَّادِقِ علیه السلام فَقَالَ هَکَذَا تَدْخُلُ بُیُوتَ الْأَنْبِیَاءِ(۱).

**[ترجمه]بعضی گفتند معنی باء در «بیدک الرغبه»، «فی» است، یعنی جمیع خلق در مصافحه با دست کریم تو رغبت دارند. و گفته شده باء برای سببیه است و الرغبه به معنی مرغوب است، یعنی به سبب دست تو مرغوب خلائق که همان بهشت است، فراهم شود. و این بعید است. و ظاهر حدیث این است که جنابت مانع از دست دادن با معصوم نیست، و بسا که عذرش پذیرفته شده، ولی اهتمامی به مصافحه نداشته و او را بدان تشویق کرده، و مؤیدش روایت ابی بصیر است که جنب نزد امام صادق علیه السّلام رفت و به او فرمود با چنین حالی به خانه پیغمبران وارد می شوی؟ - . رجال کشی: ۱۵۲ -

**[ترجمه]

«۳۰»

کا، [الکافی] عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَکْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا یَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَهُ وَ کَذَلِکَ لَا یَقْدِرُ قَدْرَ نَبِیِّهِ وَ کَذَلِکَ لَا یَقْدِرُ قَدْرَ الْمُؤْمِنِ إِنَّهُ لَیَلْقَی أَخَاهُ فَیُصَافِحُهُ فَیَنْظُرُ اللَّهُ إِلَیْهِمَا وَ الذُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْ وُجُوهِهِمَا حَتَّی یَفْتَرِقَا کَمَا تَتَحَاتُّ الرِّیحَ الشَّدِیدَهَ الْوَرَقُ عَنِ الشَّجَرِ(۲).

**[ترجمه]کافی: امام صادق علیه السّلام فرمود: همانا قدر خدا را کسی نشناسد، و همچنین پیغمبرش را و همچنین مؤمن را که با برادرش برخورد کند و بدو دست دهد و خدا بدانها توجه کند و گناهان از سر و رویشان فرو ریزند، همانند باد تند که برگ را از درخت فرو ریزد. - . کافی ۲: ۱۸۳ -

**[ترجمه]

إيضاح

لا يقـدر على بناء الفاعل كيضـرب و قـدره منصوب و مفعول مطلق للنوع أى حق قـدره كما مر فى قوله تعالى ما قَـدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهِ قوله عليه السلام كما تتحات الظاهر كما تحت كما فى ثواب الأعمال (۳)

فـإن التحـات لازم إلاـ أن يتكلـف بنصب الريـح على الظرفيه الزمـانيه بتقـدير مضـاف أى يـوم الريـح و رفع الورق بالفـاعليه فى القاموس حته فركه و قشره فانحت و تحات الورق سقطت كانحتت و تحاتت و الشى ء حطه.

**[ترجمه]«لا يقـدر» به صـيغه معلوم مثل يضـرب است و «قدره» منصوب و مفعول مطلق نوعى است، يعنى حق قدرش را چنان كه در اين فرمايش خداى تعالى «ما قدروا الله حق قدره» است و اين فرمايش حضرت كه «كما تتحات» ظاهر اين است كه «كما تحت» است، چنان چه درثواب الأعمال آمـده است. - .ثواب الاعمال: ۲۲ - «التحات» لازم است، مگر آنكه به نصب «ريح» بنا بر ظرفيه زمانيه باشـد و به تقـدير مضاف باشـد يعنى «يوم ريـح» (روز بادى) و «الورق» رفع باشـد بنا بر فاعليه. در قاموس آمده: «حته فركه و قشره فانحت و تحات الورق» يعنى افتاد .

**[ترجمه]

«۳۱»

كـا، [الكـافى] عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَـى عَنْ يُونُسَ عَنْ رِفَاعَهَ قَالَ سَـمِعْتُهُ يَقُولُ: مُصَـافَحَهُ الْمُـؤْمِنِ أَفْضَـلُ مِنْ مُصَافَحَهِ الْمَلَائِكَهِ(۴).

**[ترجمه]كافى: رفاعه گفت: شـنيدم كه امام عليه السـلام مى فرمود: مصافحه مؤمن افضل است از مصافحه ملائكه. - . كافى ۲: ۱۸۳ -

**[ترجمه]

بيان

مصـافحه المؤمن كـان المعنى مصـافحه المؤمنين أفضل من مصافحه الملكين أو مصافحه المؤمن مع المؤمن أفضل من مصافحته مع الملائكه لو تيسرت له و يومئ إلى أن المؤمن الكامل أفضل من الملك.

ص: ۳۳

۱- ۱. راجع رجال الكشّىّ: ۱۵۲.

۲- ۲. الكافى ج ۲ ص ۱۸۳.

۳- ۳. مر ص ۲۲.

۴- ۴. الکافی ج ۲ ص ۱۸۳.

**[ترجمه]یعنی مصافحه دو فرشته با هم یا مصافحه مؤمن با مؤمن، افضل است از مصافحه مؤمن با فرشته اگر برایش فراهم شود، و اشاره دارد که مؤمن کامل افضل است از فرشته.

**[ترجمه]

«۳۲»

کا، [الکافی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَهَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ وَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالا: أَیُّمَا مُؤْمِنٍ خَرَجَ إِلَی أَخِیهِ یَزُورُهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِکُلِّ خُطْوَهٍ حَسَنَهً وَ مُحِیَتْ عَنْهُ سَیِّئَهٌ وَ رُفِعَتْ لَهُ دَرَجَهٌ فَإِذَا طَرَقَ الْبَابَ فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ فَإِذَا الْتَقَیَا وَ تَصَافَحَا وَ تَعَانَقَا أَقْبَلَ اللَّهُ عَلَیْهِمَا بِوَجْهِهِ ثُمَّ بَاهَی بِهِمَا الْمَلَائِکَهَ فَیَقُولُ انْظُرُوا إِلَی عَبْدَیَّ تَزَاوَرَا وَ تَحَابَّا فِیَّ حَقٌّ عَلَیَّ أَلَّا أُعَذِّبَهُمَا بِالنَّارِ بَعْدَ ذَا الْمَوْقِفِ فَإِذَا انْصَرَفَ شَیَّعَهُ مَلَائِکَهٌ عَدَدَ نَفَسِهِ وَ خُطَاهُ [وَ] کَلَامِهِ یَحْفَظُونَهُ عَنْ بَلَاءِ الدُّنْیَا وَ بَوَائِقِ الْآخِرَهِ إِلَی مِثْلِ تِلْکَ اللَّیْلَهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِنْ مَاتَ فِیمَا بَیْنَهُمَا أُعْفِیَ مِنَ الْحِسَابِ وَ إِنْ کَانَ الْمَزُورُ یَعْرِفُ مِنْ حَقِّ الزَّائِرِ مَا عَرَفَهُ الزَّائِرُ مِنْ حَقِّ الْمَزُورِ کَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ (۱).

**[ترجمه]کافی: عبدالله بن محمد جعفی از امام باقر و امام صادق علیهما السّلام روایت کرده که فرمودند: هر مؤمنی بدر آید و به سوی برادرش رود که او را دیدن کند با شناخت حق او، خدا به ازای هر گامی حسنه ای برایش بنویسد و سیئه ای را محو کند و درجه ای او را بالا برد. و چون درِ خانه او را زند، درهای آسمان به رویش گشاده شوند. و چون به هم برخورند و دست دهند و هم آغوش شوند، خدا بدانها رو می کند و بدانها بر فرشته ها می بالد و می فرماید: بنگرید به دو بنده من که با هم برای رضای من دیدار کردند و دوستی نمودند و بر من است که آنها را به آتش عذاب نکنم بعد از این موقف. و چون از دیدن برگردد، به شمار نفس هایی که کشیده و گام هایی که زده و سخن هایی که گفته، فرشتگانی او را بدرقه کنند و او را از بلاهای دنیا و گرفتاری های آخرت نگهداری کنند تا مانند همان شب از سال آینده. و اگر در طول آن سال مرد، از حساب معاف است، و اگر دیدار شده هم به مانند دیدارکننده حق شناس او باشد، به مانند اجر او را دارد. - . کافی ۲: ۱۸۳ -

**[ترجمه]

تبیان

قوله یزوره حال مقدره و عارفا حال محققه عن فاعل خرج و کأن المراد بعرفان حقه أن یعلم فضله و أن له حق الزیاره و الرعایه و الإکرام فیرجع إلی أنه زاره لذلک و أن الله جعل له حقا علیه لا للأغراض الدنیویه و الظاهر أن محو السیئه لیس من جهه الحبط بل هو تفضل زائد علی الحسنه و قال الجوهری عانقه إذا جعل یدیه علی عنقه و ضمه إلی نفسه و تعانقا و اعتنقا فهو عنیقه انتهی و کأنه لا خلاف بیننا فی استحباب المعانقه إذا لم یکن فیها غرض باطل أو داعی شهوه أو مظنه هیجان ذلک کالمعانقه مع الأمرد و کذا التقبیل.

و استحب المعانقه جماعه من العامه أیضا و أبو حنیفه کرهها و مالک رآها بدعه و أنکر سفیان قول مالک و احتج علیه بمعانقته

صلى الله علیه و آله جعفرا حین قـدم من الحبشه فقـال مالک هو خاص بجعفر فقال سـفیان ما یخص جعفرا یعمنا فسـکت مالک قـال الآـبی سـکوته یـدل علی ظهور حجه سـفیان حتی یقوم دلیل علی التخصـیص قال القرطبی هـذا الخلاف إنما هو فی معانقه الکبیر و أما معانقه

ص: ۳۴

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۱۸۳.

الصغير فلا أعلم خلافا فی جوازها و یدل علی ذلک أن النبی صلی الله علیه و آله عانق الحسن رضی الله عنه انتهی.

و فتح أبواب السماء إما کنایه عن نزول الرحمه علیه أو استجابه دعائه و إقباله تعالی علیهما بوجهه کنایه عن غایه رضاه عنهما أو توجیه رحمته البالغه إلیهما إلی عبدی علی التثنیه عدد نفسه بالتحریک و خطاه بالضم و کلامه أی جمله أو کلماته أو حروفه قال الجوهری الخطوه بالضم ما بین القدمین و جمع القله خطوات و خطوات و الکثیر خطا و الخطوه بالفتح المره الواحده و الجمع خطوات بالتحریک و خطاء مثل رکوه و رکاء انتهی و المراد بعدد جمیع ذلک ذهابا و إیابا أو إیابا فقط و الأول أظهر و کأن ذکر اللیله لأن العرب تضبط التواریخ باللیالی أو إیماء إلی أن الزیاره الکامله هی أن یتم عنده إلی اللیل و قیل لأنهم کانوا للتقیه یتزاورون باللیل.

**[ترجمه]گویا مقصود از «حق شناسی» این است که فضل او را داند و بفهمد که حق دیدار و رعایت احترام دارد و برای همین از او دیدار کرده و خدا حقی برای او مقرر داشته نه برای مقاصد دنیوی به دیدار او آمده است. و «محو سیئه» به معنی حبط نیست، بلکه تفضلی است مزید بر حسنه. و جوهری گفته: «عانقه» هنگامی است که دستش را در گردن طرف بنهد و او را به خود بچسباند. (پایان نقل قول) میان ما شیعه خلافی نیست در استحباب معانقه و هم آغوشی که در آن غرض باطلی نباشد یا شهوت و هیجانی نیاورد، چون هم آغوشی با جوان امرد و بچه زیبا و چنین است بوسیدن.

و جمعی از عامه هم معانقه را مستحب دانستند، ابو حنیفه آن را مکروه دانسته، مالک آن را بدعت شمرده و سفیان منکر قول مالک شده و دلیل آورده به معانقه پیغمبر صلی الله علیه و آله با جعفر در برگشت از حبشه، و مالک آن را مخصوص به جعفر نموده و سفیان گفته همین عمل خاص با جعفر شامل ما هم می شود و مالک خاموش شده. و آبی گفته خموشی مالک دلیل است بر درستی دلیل سفیان تا دلیلی بر تخصیص باشد. قرطبی گفته: این اختلاف در معانقه با سالخورده است و اما با خردسال خلافی در جوازش نیست و دلیل آن معانقه پیغمبر صلی الله علیه و آله است با حسن رضی الله عنه (پایان نقل قول)

و «گشودن درهای آسمان» کنایه است از نزول رحمت یا اجابت دعای او. و «رو کردن خدا بدانها» کنایه است از نهایت خشنودی اش از آنها یا سرازیر کردن رحمت رسایش بدانها. و «شمارش کلام» یعنی هر جمله یا هر حرف. تا گوید: مقصود از شماره همه اینها در رفتن و برگشتن است یا در برگشتن تنها و اولی روشن تر است. و اینکه شب را نام برده، برای شیوه عرب است که تاریخ را به حساب شب گیرند یا اشاره است به اینکه زیارت کامل، ماندن تا شب است و گفته شده گویا برای تقیه شبانه دیدار می کردند.

**[ترجمه]

«۳۳»

کا، [الکافی] عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَیْنِ إِذَا اعْتَنَقَا غَمَرَتْهُمَا الرَّحْمَهُ فَإِذَا الْتَزَمَا لَا یُرِیدَانِ بِذَلِکَ إِلَّا وَجْهَ اللَّهِ وَ لَا یُرِیدَانِ غَرَضاً مِنْ أَغْرَاضِ الدُّنْیَا قِیلَ لَهُمَا مَغْفُوراً لَکُمَا فَاسْتَأْنِفَا فَإِذَا أَقْبَلَا عَلَی الْمُسَاءَلَهِ قَالَتِ الْمَلَائِکَهُ بَعْضُهَا لِبَعْضٍ تَنَحَّوْا عَنْهُمَا فَإِنَّ لَهُمَا سِرّاً وَ قَدْ سَتَرَ اللَّهُ عَلَیْهِمَا قَالَ إِسْحَاقُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ

فِدَاکَ فَلَا یُکْتَبُ عَلَیْهِمَا لَفْظُهُمَا وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- ما یَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَیْهِ رَقِیبٌ عَتِیدٌ(۱) قَالَ فَتَنَفَّسَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الصُّعَدَاءَ ثُمَّ بَکَی حَتَّی أَخْضَلَتْ دُمُوعُهُ لِحْیَتَهُ وَ قَالَ یَا إِسْحَاقُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِنَّمَا أَمَرَ الْمَلَائِکَهَ أَنْ تَعْتَزِلَ مِنَ الْمُؤْمِنَیْنِ إِذَا الْتَقَیَا إِجْلَالًا لَهُمَا وَ إِنَّهُ وَ إِنْ کَانَتِ الْمَلَائِکَهُ لَا تَکْتُبُ لَفْظَهُمَا وَ لَا تَعْرِفُ کَلَامَهُمَا فَإِنَّهُ یَعْرِفُهُ وَ یَحْفَظُهُ عَلَیْهِمَا عَالِمُ السِّرِّ وَ أَخْفَی (۲).

**[ترجمه]کافی: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون دو مؤمن هم آغوش شوند، رحمت آنها را فرا گیرد و چون به هم بچسبند و بدان جز رضای خدا نخواهند و غرض دنیوی نداشته باشند، بدانها گفته شود هر دو آمرزیده شدید و کار از سر گیرید. و چون بر مسأله ای به هم رو کنند، فرشته ها به هم گویند: از آنها دور شوید که رازی با هم دارند و خدایشان پوشیده خواهد.

اسحاق گوید: گفتم: قربانت! لفظ آنها برایشان نوشته نشود با اینکه خدای عزوجل فرموده: «ما یلفظ من قول إلا لدیه رقیب عتید.» - . ق/ ۱۷ - {[آدمی] هیچ سخنی را به لفظ درنمی آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می کند]}؟ گوید: آن حضرت آهی کشید. سپس گریست تا اشکش محاسنش را خیس کرد و فرمود: ای اسحاق! همانا خدا تبارک و تعالی فرموده فرشته ها برای احترام آنها هنگام برخوردشان از آنان دور شوند، با آنکه گرچه فرشته ها لفظ آنها را ننویسند و سخنشان را نشنوند و نفهمند، خدا آن را می فهمد و به حساب آنها حفظ می کند که دانای راز و نهان است. - . کافی ۲: ۱۸۴ -

**[ترجمه]

تبیین

الالتزام فی اللغه الاعتناق و المراد هنا إما إرادته الاعتناق زمانا

ص: ۳۵

۱- ۱. ق: ۱۷.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۱۸۴.

طويلاـ أو المراد بالاعتناق جعل كل منهما يديه فی عنق الآخر و بالالتزام ضمه إلی نفسه و الالتصاق به کما يسمی المستجار بالملتزم لذلک قوله مغفورا لکما منصوب بمحذوف أی ارجعا أو کونا و قيل هو مفعول به لفعل محذوف بتقدير اعرفا مغفورا و نائب الفاعل ضمير مستتر فی المغفور و لکما ظرف لغو متعلق بالمغفور فالفاء فی قوله فاستأنفا للتعقيب أو للتفريع علی اعرفا و مفعوله محذوف أی استأنفا العمل و يمکن أن يقدر حرف النداء قبل مغفورا أو يکون حالا عن فاعل فاستأنفا و يکون الضمير فی لکما نائبا للفاعل کما هو مذهب البصريين أو النائب للفاعل الضمير المستتر فی المغفور الراجع إلی مصدر المغفور کما هو مذهب

ابن درستويه و أتباعه أو لکما ظرف مستقر نائب للفاعل کما هو مختار الکوفيين و الفاء للتفريع علی مضمون جمله فإذا التزما إلخ.

و قال السر هو التصورات الباطله التی يلقيها الشيطان فی قلب المؤمن و هو يتأذی بذلک و لا يضر بآخرته لأنها محض التصور فيشکو ما يلقی من ذلک إلی أخيه انتهی و الصعداء منصوب علی أنه مفعول مطلق للنوع قال الجوهری الصعداء بالمد تنفس ممدود و قال اخضلت الشی ء فهو مخضل إذا بللته و قوله و إن کانت يحتمل الوصليه و الشرطيه عالم السر و أخفی إشاره إلی قوله تعالی وَ إِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَإِنَّهُ يَعْلَمُ السِّرَّ وَ أَخْفى (۱) و المشهور بين المفسرين أن السِّرَّ ما حدث به غيره خافضا به صوته وَ أَخْفى ما يحدث به نفسه و لا يلفظ به و قيل السِّرَّ ما يضمره الإنسان فلم يظهر وَ أَخْفى من ذلک ما وسوس إليه و لم يضمره و قيل السِّرَّ ما تفکرت فيه وَ أَخْفى ما لم يخطر ببالک و علم الله أن نفسک تحدث به بعد زمان.

**[ترجمه]«التزام» در لغت به معنای هم آغوشی است و در اينجا مقصود از آن، طول دادن است يا چسبيدن به هم، چنان چه «مستجاب» (گوشه ای از خانه کعبه که حاج خود را بدان چسباند) را «ملتزم» گفته اند.

«مغفورا لکما» منصوب به محذوف است، يعنی برگرديد يا باشيد. و گفته شده آن مفعول به برای فعل محذوف به تقدير «اعرفا مغفورا» است و نائب فاعل ضمير مستتر در «مغفور» است و «لکما» ظرف لغو متعلق به مغفور است. و فاء در عبارت «فاستأنفا» برای تعقيب يا تفريع است بر «اعرفا» و مفعولش محذوف است، يعنی از سر بگيريد عمل را و ممکن است حرف ندا قبل از «مغفورا» در تقدير باشد يا حال از فاعل «فاستأنفا» باشد و ضمير در «لکما نائبا» فاعل باشد، چنان چه مذهب بصريين است يا نائب فاعل ضمير مستتر در «مغفور» باشد که به مصدر مغفور بر می گردد، چنان چه مذهب ابن درستويه و اتباعش است. يا «لکما» ظرف مستقر و نائب فاعل باشد، چنان چه مختار کوفيين است و فاء برای تفريع بر مضمون جمله «فإذا التزما» باشد.

گفته شده «سِرّ» بيان تصورات نارواست که شيطان به دل اندازد و مؤمن از آن آزار کشد، ولی زيانی برای آخرتش ندارد، چون محض تصور است و مؤمن با برادرش از آن شکوه کند. (پايان نقل قول)

و «الصعداء» منصوب بر مفعول مطلق نوعی بودن است. جوهری گفته: «الصعداء» با مد تنفس کشيده است و گفته: «اخضلت الشی ء فهو مخضل» هنگامی است که تر شود و اين فرمايش «إن کانت» احتمال دارد وصليه باشد و شرطيه. عالم سر و اخفی اشاره است به اين قول خداوند: «و إن تجهر بالقول فإنه يعلم السر و أخفی.» - . طه/۶ - {و اگر سخن به آواز گويی، او نهان و نهان تر را می داند.} و تفسير مشهورش اين است که «سِر» آنچه آهسته گويد و «اخفی» آنچه به دل گذراند و دم نزند است. و

گفته شده «سِرّ» آنچه در نهاد آدمی است و پیدا نیست و «اخفی» صرف وسوسه گذرا است. و گفته شده «سِر» آنچه در اندیشه آید و «اخفی» آنچه به خاطر نیاید و خدا داند است که بعدها در دلت گذرد.

**[ترجمه]

و أقول

یحتمل أن یکون المراد بالسر ما خطر بباله و لم یظهره و أخفی ما علم أنه کان فی نفسه و لم یعلم هو به کالریاء الخفی الذی صار باعثا لعمله

ص: ۳۶

۱- ۱. طه: ۶.

و هو يظن أن عمله خالص لله و كالصفات الذميمه التى يرى الإنسان أنه طهر نفسه منها و يظهر بعد مجاهده النفس أنها مملوه منها و كل ذلك ظاهر لمن تتبع عيوب نفسه و الله الموفق.

**[ترجمه]بسا مقصود از «سِر» آنچه به خاطر گذرد و آشکار نکند و «اخفى» آنچه در دل دارد و خود هم نداند باشد، همچون ریای نهان که او را به کار واداشته و گمان برده که خالص برای خداست، و چون صفات بد که آدمی بیند خود را از آنها پاک کرده و پس از کاویدن خود دریابد که از آنها آکنده است، و این برای کسی که عیوب خود را بررسی کند روشن است، و الله الموفق.

**[ترجمه]

«۳۴»

كا، [الكافی] عَنْ أَبِی عَلِیٍّ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْكُوفِیِّ عَنْ عُبَیْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمِنْقَرِیِّ عَنْ یُونُسَ بْنِ ظَبْیَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ لَكُمْ لَنُوراً تُعْرَفُونَ بِهِ فِی الدُّنْیَا حَتَّى إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا لَقِیَ أَخَاهُ قَبَّلَهُ فِی مَوْضِعِ النُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ (۱).

**[ترجمه]کافی: امام صادق علیه السّلام فرمود: شما را نوری است که در دنیا بدان شناخته شوید تا آنکه چون یکی از شما به برادرش برخوردکند، جای نور او را ببوسد که پیشانی او است. - . کافی ۲: ۱۸۵ -

**[ترجمه]

بيان

قوله علیه السلام تعرفون على بناء المجهول كأنه إشاره إلى قوله تعالى سِیماهُمْ فِی وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ(۲) و لا يلزم أن تكون المعرفه عامه بل يعرفهم بذلك الملائكه و الأئمه صلوات الله عليهم كما ورد فى قوله تعالى إِنَّ فِی ذلِكَ لَآیاتٍ لِلْمُتَوَسِّمِینَ (۳) أن المتوسمين هم الأئمه عليهم السلام و يمكن أن يعرفهم بذلك بعض الكمل من المؤمنين أيضا و إن لم يروا النور ظاهرا و تفرس أمثال هذه الأمور قد يحصل لكثير من الناس بمجرد رؤيه سيماهم بل لبعض الحيوانات أيضا كما أن الشاه إذا رأت الذئب تستنبط من سيماه العداوه و إن لم ترها أبدا و مثل ذلك كثير و قوله حتى أن أحدكم يحتمل وجهين الأول أن الله تعالى إنما جعل موضع القبله المكان الخاص من الجبهه لأنه موضع النور و الثانى أن المؤمن إنما يختار هذا الموضع لكونه موضع النور واقعا و إن لم ير النور و لم يعرفه و يدل على أن موضع التقبيل فى الجبهه.

**[ترجمه]«بدانها شناخته شوید» گویا اشاره است به قول خدای تعالى: «سیماهم فى وجوههم من أثر السجود.» - . فتح/ ۲۹ - {علامتِ [مشخّصه] آنان اثر سجود در چهره هایشان است} و نباید که این شناخت عمومى باشد، بلکه برای فرشته ها و ائمه علیهم السّلام است، چنان چه در تفسیر این قول خدا: «إن فى ذلک لآیات للمتوسمین.» - . حجر/ ۷۵ - {به یقین، در این [کیفر] برای هوشیاران عبرت هاست.} آمده که آنان امامانند، و بسا که مؤمن کامل با آن شناسایی شود، گرچه نورانى اند. و

این گونه فراست برای بسیاری از مردم، به مجرد دیدن رخساره شان دست می دهد، بلکه برخی جانداران هم از آن بهره دارند، چنان چه گوسفند وقتی گرگ را بیند، از رخساره اش دشمنی را می فهمد، گرچه هرگز او را ندیده باشد. و نمونه آن بسیار است. و «حتی أن أحدکم» احتمال دارد دو وجه باشد: اول این که خدای تعالی موضع بوسیدن را مکان خاصی از پیشانی قرار داده، چرا که آن جای نور است و دوم این که مؤمنان را برگزیده، چرا که آن واقعا موضع نور است، اگرچه نوری از آن دیده نشود و دلالت دارد بر این که جای بوسه، همان پیشانی است.

**[ترجمه]

«۳۵»

کا، [الکافی] عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ رِفَاعَهَ بْنِ مُوسَی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا یُقَبَّلُ رَأْسُ أَحَدٍ وَ لَا یَدُهُ إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَوْ مَنْ أُرِیدَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (۴).

ص: ۳۷

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۱۸۵.

۲- ۲. الفتح: ۲۹.

۳- ۳. الحجر: ۷۵.

۴- ۴. الکافی ج ۲: ۱۸۵.

**[ترجمه]کافی: امام صادق علیه السّلام فرمود: سر و دست کسی را نبوسند جز رسول خدا صلی الله علیه وآله، یا کسی که مقصود از او رسول خداست. - . کافی ۲: ۱۸۵ -

**[ترجمه]

تبيان

قوله عليه السلام أو من أريد به رسول الله من الأئمه عليهم السلام إجماعا و غيرهم من السادات و العلماء على الخلاف و إن لم أر في كلام أصحابنا تصريحا بالحرمه قال بعض المحققين لعل المراد بمن أريد به رسول الله الأئمه المعصومون عليهم السلام كما يستفاد من الحديث الآتي و يحتمل شمول الحكم العلماء بالله و بأمر الله مع العاملين بعلمهم و الهادين للناس ممن وافق قوله فعله لأن العلماء الحق ورثه الأنبياء فلا يبعد دخولهم فيمن يراد به رسول الله صلى الله عليه و آله.

قال الشهيد قدس الله روحه في قواعده يجوز تعظيم المؤمن بما جرت به عاده الزمان و إن لم يكن منقولا عن السلف لدلاله العمومات عليه قال تعالى ذلِكَ وَ مَنْ يُعَظِّمْ شَعائِرَ اللَّهِ فَإِنَّها مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (۱) و قال تعالى ذلِكَ وَ مَنْ يُعَظِّمْ حُرُماتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ (۲)

وَ لِقَوْلِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله: لَا تَبَاغَضُوا وَ لَا تَحَاسَدُوا وَ لَا تَدَابَرُوا وَ لَا تَقَاطَعُوا وَ كُونُوا عِبَادَ اللَّهِ إِخْوَاناً.

فعلى هذا يجوز القيام و التعظيم بانحناء و شبهه و ربما وجب إذا أدى تركه إلى التباغض و التقاطع أو إهانه المؤمن

وَ قَدْ صَحَّ: أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله قَامَ إِلَى فَاطِمَةَ عليها السلام وَ إِلَى جَعْفَرٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لَمَّا قَدِمَ مِنَ الْحَبَشَةِ وَ قَالَ لِلْأَنْصَارِ قُومُوا إِلَى سَيِّدِكُمْ.

وَ نُقِلَ: أَنَّهُ صلى الله عليه و آله قَامَ لِعِكْرِمَةَ بْنِ أَبِي جَهْلٍ لَمَّا قَدِمَ مِنَ الْيَمَنِ فَرَحاً بِقُدُومِهِ.

فَإِنْ قُلْتَ قَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَثَّلَ لَهُ النَّاسُ أَوِ الرِّجَالُ قِيَاماً فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ.

و نقل أنه صلى الله عليه و آله كان يكره أن يقام له فكان إذا قدم لا يقومون لعلمهم كراهته ذلك فإذا فارقهم قاموا حتى يدخل منزله لما يلزمهم من تعظيمه.

قلت تمثل الرجال قياما هو ما تصنعه الجبابره من إلزامهم الناس بالقيام في حال قعودهم إلى أن ينقضي مجلسهم لا هذا القيام المخصوص القصير زمانه سلمنا لكن يحمل على من أراد ذلك تجبرا و علوا على الناس فيؤاخذ من لا يقوم له بالعقوبه أما من يريده لدفع الإهانه عنه و النقيصه له فلا حرج عليه لأن دفع

١- ١. الحجّ: ٣٣.

٢- ٢. الحجّ: ٣١.

الضرر عن النفس واجب و أما كراهيته صلى الله عليه و آله فتواضع لله و تخفيف على أصحابه و كذا ينبغى للمؤمن أن لا يحب ذلك و أن يؤاخذ نفسه بمحبه تركه إذا مالت إليه و لأن الصحابه كانوا يقومون كما فى الحديث و يبعد عدم علمه صلى الله عليه و آله بهم مع أن فعلهم يدل على تسويغ ذلك.

و أما المصافحه فثابته من السنه و كذا تقبيل موضع السجود و تقبيل اليد

فَقَدْ وَرَدَ أَيْضاً فِي الْخَبَرِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِذَا تَلَاقَى الرَّجُلَانِ فَتَصَافَحَا تَحَاتَّتْ ذُنُوبُهُمَا وَ كَانَ أَقْرَبُهُمَا إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَكْثَرُهُمَا بِشْراً لِصَاحِبِهِ.

و فى الكافى للكلينى رحمه الله فى هذه المقامات أخبار كثيره و أما المعانقه فجائزه أيضا لما ثبت من معانقه النبى صلى الله عليه و آله جعفرا و اختصاصه به غير معلوم و فى الحديث أنه قبل بين عينى جعفر عليه السلام مع المعانقه و أما تقبيل المحارم على الوجه فجائز ما لم يكن لريبه أو تلذذ.

**[ترجمه]«يا كسى كه مقصود از او رسول خداست» كه ائمه عليهم السّلام باشند و مورد اتفاق است يا غير آنها از سادات و علما كه مورد اختلاف است. و اگرچه در كلام شيعه تصريح به حرمت نديدم، يک محقق گفته: مقصود همان امامان معصومند، چنان چه از حديث آينده فهم مى شود و بسا كه علماى عاملين و هاديان مردم را كه گفتار و كردارشان يكى است فرا گيرد، زيرا عالمان درست وارثان پيغمبرانند و عبارت آنها را فراگيرد.

شهيد قدس الله روحه در قواعدش گفته: تعظيم مؤمن بدان چه روش مردم زمانه است روا است، گرچه از گذشتگان نقل نشده است، زيرا عمومات بر آن دلالت دارند. خداى تعالى فرموده: «ذلک و من يعظم شعائر الله فإنها من تقوى القلوب.» - . حج/ ٣٣ - {اين است [فرايض خدا] و هر كس شعاير خدا را بزرگ دارد در حقيقت، آن [حاكى] از پاكى دل هاست.}

و فرمود: «ذلک و من يعظم حرمات الله فهو خير له عند ربه.» - . حج/ ٣١ - {اين است كه هر كه بزرگ دارد محترمات خدا را بهتر است برايش نزد پروردگارش.}

و براى قول پيغمبر صلى الله عليه و آله كه با هم دشمن نباشيد، به هم حسد نبريد، به هم پشت نكنيد، از هم نبُريد و برادرانه بندگان خدا باشيد، بنابراين جايز است كه با برخاستن و خم شدن تعظيم كرد و بسا كه اگر ترک آن مايه دشمنى و بريدن پيوند گردد يا مايه اهانت مؤمن باشد، واجب شود. و به روايت صحيح آمده كه پيغمبر جلوى فاطمه عليها السّلام و براى جعفر كه از حبشه آمده بود، برخاسته و به انصار هم فرموده است كه جلوى آقاى خود برخيزيد. و نقل است كه آن حضرت، چون عكرمه بن ابى جهل از يمن آمد، براى شادى از آمدنش، براى او نيز بپا خاست.

اگر بگويى كه رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر كه دوست دارد مردم يا مردان جلوى او بايستند، نشيمن او از آتش باشد، و نقل است كه بد داشت جلويش بپا شوند و چون مى آمد برايش بپا نمى شدند، زيرا مى دانستند بدش مى آيد، و چون از آنها جدا مى شد به احترام او بر پا مى ماندند تا به خانه اش درآيد.

من می گویم که مقصود از این حدیث، کار جباران است که مردم را وادار می کردند به ایستادن و خودشان نشسته بودند تا مجلس پایان گیرد، نه این برپا شدن مخصوص کوتاه برای احترام. و اگر هم بپذیریم مقصود آنجا است که کسی به زور و سرفرازی بر مردم آن را خواهد و کسی که انجام ندهد مؤاخذه و کیفر بیند و آن که برای رفع اهانت و کم شمردن انجام ندهد باکی ندارد، زیرا دفع ضرر از نفس واجب است و بد آمدن پیغمبر صلی الله علیه و آله از این کار، برای تواضع الهی و تخفیف بر اصحابش بوده است. همچنین شایسته است برای مؤمن که آن را دوست نداشته باشد و خود را به آن وادارد که اگر میلی بدین کار دارد، آن را ترک کند، با اینکه صحابه به احترامش قیام می کردند، چنان چه در خود حدیث است و دور است که بگویی آن را نمی دانستند با اینکه کردارشان دلیل جواز آن است.

و اما مصافحه از سنت ثابت است و هم بوسیدن جای سجده در پیشانی و نیز بوسیدن دست، چه که در خبری از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده است که چون دو کس به هم برخورند و به هم دست دهند، گناهانشان بریزد و نزدیک ترشان به خدا آن است که خوشروتر باشد برای یار خود. و در کافی کلینی در این موارد اخبار بسیاری است. و اما در آغوش کشیدن هم جایز است، چون ثابت است که پیغمبر صلی الله علیه و آله جعفر را در آغوش کشید و اختصاص بدو معلوم نیست. و در حدیث است که آن حضرت میان دو چشم جعفر را هم بوسیده و او را در آغوش گرفته است. و بوسیدن روی هر که محرم است جایز است، ولی بی ریبه و لذت جویی .

**[ترجمه]

«۳۶»

کا، [الکافی] عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ زَيْدٍ النَّرْسِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَزْيَدٍ صَاحِبِ السَّابِرِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَتَنَاوَلْتُ يَدَهُ فَقَبَّلْتُهَا فَقَالَ أَمَا إِنَّهَا لَا تَصْلُحُ إِلَّا لِنَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍ (۱).

**[ترجمه]کافی: علی بن مزید صاحب سابری گفت: نزد امام صادق علیه السّلام رفتم و دستش را گرفتم و بوسیدم. فرمود: اما این کار خوب نیست، مگر برای پیغمبر صلی الله علیه و آله یا وصی پیغمبر. - . کافی ۲: ۱۸۵ -

**[ترجمه]

بیان

یدل علی المنع من تقبیل ید غیر المعصومین علیهم السلام لکن الخبر مع جهالته لیس بصریح فی الحرمه بل ظاهره الکراهه.

**[ترجمه]دلالت دارد بر عدم جواز بوسیدن دست غیر معصومین، ولی راوی مجهول است و صریح در حرمت نیست و ظاهرش کراهت است.

**[ترجمه]

کا، [الکافی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ یُونُسَ بْنِ یَعْقُوبَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام نَاوِلْنِی یَدَکَ أُقَبِّلْهَا فَأَعْطَانِیهَا فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ رَأْسَکَ فَفَعَلَ فَقَبَّلْتُهُ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ فَرِجْلَاکَ فَقَالَ أَقْسَمْتُ أَقْسَمْتُ أَقْسَمْتُ ثَلَاثاً وَ بَقِیَ شَیْ ءٌ وَ بَقِیَ شَیْ ءٌ وَ بَقِیَ شَیْ ءٌ(۲).

**[ترجمه]کافی: یونس بن یعقوب گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: دستت را بده تا ببوسم، و به من داد. گفتم: قربانت گردم! سرت را! و سرش را پیش آورد و بوسیدم. گفتم: قربانت دو پایت را! تا سه بار فرمود «اقسمت» و تا سه بار فرمود: به جا مانده چیزی. - . کافی ۲: ۱۸۵ -

**[ترجمه]

تبیین

أقسمت أقول یحتمل وجوها الأول أن یکون علی صیغه المتکلم و یکون إخبارا أی حلفت أن لا أعطی رجلی أحدا یقبلها إما لعدم جوازه أو عدم رجحانه أو للتقیه و قوله بقی شی ء استفهام علی الإنکار أی هل بقی

ص: ۳۹

۱- ۱. الکافی ج ۲: ۱۸۵.

۲- ۲. الکافی ج ۲: ۱۸۵.

احتمال الرخصه و التجویز بعد القسم الثانی أن یکون إنشاء للقسم و مناشده أی أقسم علیک أن تترک ذلک للوجوه المذکوره و هل بقی بعد مناشدتی إیاک من طلبک التقبیل شی ء أو لم یبق بعد تقبیل الید و الرأس شی ء تطلبه الثالث ما کان یقوله بعض الأفاضل رحمه الله و هو أن یکون المعنی أقسمت قسمه بینی و بین خلفاء الجور فاخترت الید و الرأس و جعلت الرجل لهم بقی

شی ء أی ینبغی أن یبقی لهم شی ء لعدم التضرر منهم الرابع ما قال بعضهم أیضا إنه أقسمت بصیغه الخطاب علی الاستفهام للإنکار أی أ أقسمت أن تفعل ذلک فتبالغ فیه و بقی شی ء علی الوجه السابق الخامس ما ذکره بعض الأفاضل و هو أن أقسمت علی صیغه الخطاب و ثلاثا من کلام الإمام علیه السلام أی أقسمت قسما لتقبیل الید و آخر لتقبیل الرأس و آخر لتقبیل الرجلین و فعلت اثنین و بقی الثالث و هو تقبیل الرجلین فافعل فإنه یجب علیک السادس ما قیل إن أقسمت بصیغه الخطاب من القسم بالکسر و هو الحظ و النصیب أی أخذت حظک و نصیبک و لیبق شی ء مما یجوز أن یقبل للتقیه.

**[ترجمه]«اقسمت» چند تفسیر دارد: اول این که بنا برصیغه متکلم باشد و إخبار باشد، یعنی قسم خوردم که پایم را ندهم کسی ببوسد، یا برای اینکه روا نیست یا مکروه است یا برای تقیه، و این عبارت «بقی شی ء» استفهام انکاری است، یعنی آیا احتمال رخصت و تجویز باقی ماند. دوم این که إنشاء قسم و مناشده باشد یعنی تو را قسم می دهم که این کار نکنی برای همان وجوه گذشته و پس از این قسم، چیزی از طلب بر جا نیست، یا این که پس از بوسیدن دست و سر، چیزی برای بوسیدن نمانده که آن را بخواهی.

سوم این که فاضلی گفته است: یعنی من تقسیم کردم احترام را میان خود و خلفای جور، و دست و سر را برگزیدم و بوسیدن پا را بدانها وانهادم و باید چیزی به آنها داد تا زیان آنها را ندید.

چهارم این که دیگری گفته: «أقسمت» به صیغه خطاب بنا بر استفهام إنکاری باشد، یعنی تو قسم خوردی که پایم را ببوسی و به آن اصرار داری و دیگر چیزی بجا مانده؟ پنجم این که فاضل دیگری گفته: یعنی ای یونس! تو برای بوسیدن دست و سر و پا سه بار قسم خوردی؛ دو تا را انجام دادی و یکی مانده که بوسیدن پاها است، آن را هم انجام بده، چون به حکم قسم بر تو واجب شده است.

ششم: این که گفته شده «إن أقسمت» به صیغه خطاب از قسم با کسره است وآن الحظ و النصیب است، یعنی بخش کردی و بهره خود را بردی و یکی بجا مانده که پابوسی است و روا نیست برای تقیه.

**[ترجمه]

و أقول

لا یخفی ما فی الوجوه الأخیره من البعد و الرکاکه ثم إنه یحتمل علی بعض الوجوه المتقدمه أن یکون المراد بقوله بقی شی ء التعریض بیونس و أمثاله أی بقی شی ء آخر سوی هذه التواضعات الرسمیه و التعظیمات الظاهریه و هو السعی فی تصحیح العقائد القلبیه و متابعتنا فی جمیع أعمالنا و أقوالنا و هی أهم من هذا الذی تهتم به لأنه علیه السلام کان یعلم أنه سیضل و یصیر فطحیا و أما قوله رأسک فیحتمل الرفع و النصب و الأخیر أظهر أی ناولنی رأسک و قوله فرجلاک مبتدأ و خبره محذوف أی

أريد أن أقبلهما أو ما حالهما أي يجوز لي تقبيلهما.

**[ترجمه]تفسیرهای آخر، دور از باور و زشت است و بسا که به بعضی از تفسیرها این که فرموده «چیزی بجا مانده» به یونس و همگنانش در بی اخلاصی و سستی عقیده گوشه زده است، و این که اخلاص مهم تر است از این تشریفات رسمی که بدان توجه داری، زیرا می دانست که او به زودی گمراه می شود و به فطحیه (پیروان عبدالله برادرش) می گروند. و اما این عبارت «رأسک» احتمال دارد رفع و نصب باشد و دومی أظهر است، یعنی سرت را بده. و «فرجلاک» مبتدأ است و خبرش محذوف است، یعنی می خواهم آنها را ببوسم یا آنها چه گونه اند، یعنی آیا جایز است آنها را ببوسم؟

**[ترجمه]

«۳۸»

کا، [الکافی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَبَّلَ لِلرَّحِمِ ذَا قَرَابَةٍ فَلَیْسَ عَلَیْهِ شَیْ ءٌ وَ قُبْلَةُ الْأَخِ عَلَی الْخَدِّ وَ قُبْلَةُ الْإِمَامِ بَیْنَ عَیْنَیْهِ (۱).

ص: ۴۰

۱- ۱. الکافی ج ۲: ۱۸۵.

**[ترجمه]کافی: امام کاظم علیه السّلام فرمود: هر که خویشاوندی را به مهر خویشاوندی ببوسد، بر او گناهی نیست، و بوسه برادر به گونه است و بوسیدن امام در میان دو چشم او. -. کافی ۲: ۱۸۵ -

**[ترجمه]

بیان

من قبل للرحم أی لا- للشهوه و الأغراض الباطله و قبله الأخ أی النسبی أو الإیمانی و قبله الإمام الظاهر أنه إضافه إلی المفعول و قیل إلی الفاعل أی قبله الإمام ذا قرابته بین العینین و کأنه ذهب إلی ذلک لفعل النبی صلی الله علیه و آله ذلک بجعفر رضی الله عنه و لا یخفی ما فیه.

**[ترجمه]«به مهر خویشاوندی» یعنی نه برای شهوت و مقاصد ناروا، و بوسیدن برادر یعنی نسبی یا ایمانی و بوسیدن امام، ظاهر در این است که اضافه به مفعول شده و گفته شده به فاعل است، یعنی امام میان دو چشم خویشانش را می بوسد و گویا آن را از عمل پیغمبر صلی الله علیه و آله با جعفر استفاده کرده و سستی آن روشن است.

**[ترجمه]

«۳۹»

کا، [الکافی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی الصَّبَّاحِ مَوْلَی آلِ سَامٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَیْسَ الْقُبْلَهُ عَلَی الْفَمِ إِلَّا لِلزَّوْجَهِ وَ الْوَلَدِ الصَّغِیرِ(۱).

**[ترجمه]کافی: امام صادق علیه السّلام فرمود: نشاید بوسیدن لب، جز در زوجه و خردسال. -. کافی ۲: ۱۸۶ -

**[ترجمه]

بیان

کأن المراد بالزوجه ما یعم ملک الیمین.

**[ترجمه]بسا زوجه کنیز را هم فرا گیرد.

**[ترجمه]

«۴۰»

سن، [المحاسن] ابْنُ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِی الْمِقْدَامِ عَنْ مَالِکِ بْنِ أَعْیَنَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَیْنِ یَلْتَقِیَانِ

فَيُصَافِحُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَهُ فَمَا يَزَالُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نَاظِراً إِلَيْهِمَا بِالْمَحَبَّهِ وَ الْمَغْفِرَهِ وَ إِنَّ الذُّنُوبَ لَتَحَاتُّ عَنْ وُجُوهِهِمَا وَ جَوَارِحِهِمَا حَتَّى يَفْتَرِقَا(۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: دو مؤمن به هم برخورند و با هم دست دهند و پیوسته خدا تبارک و تعالی بدانها توجه دارد به دوستی و آمرزش، و گناهان از روی و اندامشان فرو ریزند تا جدا شوند. - . محاسن: ۱۴۳ -

**[ترجمه]

«۴۱»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَقِیَ أَخَاهُ وَ تَصَافَحَا لَمْ تَزَلِ الذُّنُوبُ تَتَحَاتُّ عَنْهُمَا مَا دَامَا مُتَصَافِحَیْنِ كَتَحَاتِّ الْوَرَقِ عَنِ الشَّجَرِ فَإِذَا افْتَرَقَا قَالَ مَلَكَاهُمَا جَزَاكُمَا اللَّهُ خَیْراً عَنْ أَنْفُسِكُمَا فَإِنِ الْتَزَمَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَهُ نَادَاهُمَا مُنَادٍ طُوبَى لَكُمَا وَ حُسْنُ مَآبٍ وَ طُوبَى شَجَرَهٌ فِی الْجَنَّهِ أَصْلُهَا فِی دَارِ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ فَرْعُهَا فِی مَنَازِلِ أَهْلِ الْجَنَّهِ فَإِذَا افْتَرَقَا نَادَاهُمَا مَلَكَانِ كَرِیمَانِ أَبْشِرَا یَا وَلِیَّیِ اللَّهِ بِكَرَامَهِ اللَّهِ وَ الْجَنَّهِ مِنْ وَرَائِكُمَا(۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابی بصیر گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود: همانا مؤمن به برادرش برخورَد و به هم دست دهند و پیوسته گناهان آنها فرو ریزد تا دست در دست هم دارند، همچون ریزش برگ از درخت، و چون جدا شوند فرشته ها به آنها گویند: «خدایتان پاداش خوب دهد» و اگر به هم بچسبند، منادی به آنها ندا کند: «طوبی از آنِ شما با سرانجام نیک»، (و طوبی درختی است در بهشت و بُنِ آن در خانه امیر مؤمنان است و شاخه اش در خانه های بهشتیان.) چون از هم جدا شوند، دو فرشته کریم بدانها ندا کنند: «مژده باد شما را ای دو دوست خدا به کرامت خدا و بهشت به دنبال شماست.» - . تفسیر عیاشی۲: ۲۱۲ -

**[ترجمه]

«۴۲»

كشف، [كشف الغمه] مِنْ دَلَائِلِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ مَالِكٍ الْجُهَنِیِّ قَالَ: إِنِّی یَوْماً عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ أَنَا أُحَدِّثُ نَفْسِی بِفَضْلِ الْأَئِمَّهِ مِنْ أَهْلِ الْبَیْتِ إِذَا أَقْبَلَ عَلَیَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ یَا مَالِكُ أَنْتُمْ وَ اللَّهِ شِیعَتُنَا حَقّاً- لَا تَرَى أَنَّكَ أَفْرَطْتَ فِی الْقَوْلِ فِی فَضْلِنَا یَا مَالِكُ إِنَّهُ لَیْسَ یُقْدَرُ عَلَى صِفَهِ اللَّهِ وَ كُنْهِ عَظَمَتِهِ- وَ لِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَى

۱- ۱. الكافی ج ۲: ۱۸۶.

۲- ۲. المحاسن: ۱۴۳ فی حدیث.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۲: ۲۱۲.

وَ كَذَلِكَ لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ أَنْ يَصِفَ حَقَّ الْمُؤْمِنِ وَ يَقُومَ بِهِ كَمَا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ عَلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ يَا مَالِكُ إِنَّ الْمُؤْمِنَيْنِ لَيَلْتَقِيَانِ فَيُصَافِحُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَهُ فَلَا يَزَالُ اللَّهُ نَاظِراً إِلَيْهِمَا بِالْمَحَبَّةِ وَ الْمَغْفِرَةِ وَ إِنَّ الذُّنُوبَ لَتَتَحَاتُّ عَنْ وُجُوهِهِمَا حَتَّى يَفْتَرِقَا فَمَنْ يَقْدِرُ عَلَى صِفَةِ مَنْ هُوَ هَكَذَا عِنْدَ اللَّهِ (۱).

وَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ هُوَ مُتَخَلٍّ فَقَعَدْتُ فِي جَانِبِ الْبَيْتِ فَقَالَ لِي إِنَّ نَفْسَكَ لَتُحَدِّثُكَ بِشَيْ ءٍ وَ تَقُولُ لَكَ إِنَّكَ مُفْرِطٌ فِي حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ لَيْسَ هُوَ كَمَا تَقُولُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَلْقَى أَخَاهُ فَيُصَافِحُهُ فَيُقْبِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمَا بِوَجْهِهِ وَ يَتَحَاتُّ الذُّنُوبُ عَنْهُمَا حَتَّى يَفْتَرِقَا(۲).

**[ترجمه]کشف الغمه: از مالک جهنی نقل است که روزی نزد امام صادق علیه السّلام بودم و با خود فضل ائمه اهل بیت را می گفتم که آن حضرت رو به من کرد و فرمود: ای مالک! شما به راستی شیعه ما هستید. مپندار که تو در گفتن فضل ما افراط کردی. ای مالک! همانا کسی نتواند خدا را وصف کند و به کنه عظمتش راه یابد، «وَ لِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلى.» - . نحل / ۶۰ - {و خدا را نمونه های والا است.} و همچنان کسی نتواند حق مؤمن را وصف کند و آن را ادا کند، چنان چه خدایش بر برادر مؤمنش واجب کرده. ای مالک! همانا دو مؤمن به هم برخورَند و با هم دست دهند و پیوسته خدا با مهر مغفرت بدانها توجه دارد و گناهانشان از چهره هاشان فرو ریزند تا از هم جدا شوند. چه کسی می تواند کسی را که چنین مقامی نزد خدا دارد وصف نماید و معرفی کند؟ - . کشف الغمه ۲: ۴۰۴ -

و از ابی حمزه است که بر امام صادق علیه السّلام وارد شدم و ایشان در خلوت بود. من در گوشه اطاق نشستم و به من فرمود: دلت با تو رازی دارد و می گوید: تو در دوستی ما خاندان افراط کردی و چنان نیست. همانا مؤمن به برادرش برخورَد و به او دست دهد و خدا رو به سوی آنها کند و

گناهانشان فرو ریزد تا از هم جدا شوند. - . کشف الغمه ۲: ۴۱۰ -

**[ترجمه]

«۴۳»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِذَا قَبَّلَ أَحَدُكُمْ ذَاتَ مَحْرَمٍ قَدْ حَاضَتْ أُخْتَهُ أَوْ عَمَّتَهُ أَوْ خَالَتَهُ فَلْيُقَبِّلْ بَيْنَ عَيْنَيْهَا وَ رَأْسَهَا وَ لْيَكُفَّ عَنْ خَدِّهَا وَ عَنْ فِيهَا(۳).

**[ترجمه]نوادر راوندی: امام کاظم از پدرانش علیهم السّلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: چون یکی از شما محرمی را ببوسد که حائض است - چون خواهرش یا عمه یا خاله اش - میان دو چشم یا سرش را ببوسد، و از گونه و لب او درگذرد. - . نوادر راوندی: ۱۹ -

**[ترجمه]

«۴۴»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] جَمَاعَةٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَغَوِیِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ عَمْرٍو الضَّبِّیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَکِ عَنْ یَحْیَی بْنِ أَیُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَحْرٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ یَزِیدَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ أَبِی أُمَامَةَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: تَحِیَّاتُکُمْ بَیْنَکُمْ بِالْمُصَافَحَهِ(۴).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: درود و سلام شما در میانه خودتان با دست دادن است. - . امالی شیخ طوسی ۲: ۲۵۳ -

**[ترجمه]

«۴۵»

کِتَابُ زَیْدٍ النَّرْسِیِّ، قَالَ (۵): دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَتَنَاوَلْتُ یَدَهُ فَقَبَّلْتُهَا فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ لَا یَصْلُحُ إِلَّا لِنَبِیٍّ أَوْ مَنْ أُرِیدَ بِهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله.

[ترجمه]کتاب زید نرسی: راوی - . شاید راوی علی بن مزید صاحب سابری باشد، چنان چه درشماره **۳۶ گذشت. - گفت: بر امام صادق علیه السّلام وارد شدم، دستش را گرفتم و بوسیدم. فرمود: آگاه باش که دستبوسی خوب نیست، مگر از برای پیغمبر یا کسی که مقصود از او پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد.

**[ترجمه]

«۴۶»

عُدَّهُ الدَّاعِی، عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْمُؤْمِنَیْنِ إِذَا الْتَقَیَا وَ تَصَافَحَا أَدْخَلَ اللَّهُ یَدَهُ بَیْنَ أَیْدِیهِمَا فَیُصَافِحُ أَشَدَّهُمَا حُبّاً لِصَاحِبِهِ.

**[ترجمه]عده الداعی: امام باقر علیه السّلام فرمود: دو مؤمن که به هم برخورَند و دست هم را بگیرند، خدا دستش را میان دست های آنها فرو برد و با هر کدام که بیشتر یار خود را دوست بدارد، مصافحه کند.

**[ترجمه]

«۴۷»

أَرْبَعِینُ الشَّهِیدِ، بِإِسْنَادِهِ عَنِ السَّیِّدِ الْمُرْتَضَی رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ الشَّیْخِ الْمُفِیدِ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ الشَّیْبَانِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ بُطَّهَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی

۱- ۱. کشف الغمّه ج ۲: ۴۰۴.

۲- ۲. کشف الغمّه ج ۲: ۴۱۰.

۳- ۳. نوادر الراوندیّ: ۱۹.

۴- ۴. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۵۳.

۵- ۵. لعل القائل علیّ بن مزید صاحب السابری کما مرّ تحت الرقم ۳۶.

عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ فَضَالَهَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ ابْنِ بِسْطَامَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَأَتَی رَجُلٌ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنِّی رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَبَلِ وَ رُبَّمَا لَقِیتُ رَجُلًا مِنْ إِخْوَانِی فَالْتَزَمْتُهُ فَیَعِیبُ عَلَیَّ بَعْضُ النَّاسِ وَ یَقُولُونَ هَذِهِ مِنْ فِعْلِ الْأَعَاجِمِ وَ أَهْلِ الشِّرْکِ- فَقَالَ علیه السلام وَ لِمَ ذَاکَ فَقَدِ الْتَزَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله جَعْفَراً وَ قَبَّلَ عَیْنَیْهِ.

**[ترجمه]اربعین شهید: ابن بسطام گفت: نزد امام صادق علیه السّلام بودم که مردی آمد و گفت: قربانت گردم! من مردی از اهل کوهستانم و بسا به یکی از برادران خود برخورد می کنم و به او بچسبم و برخی مردم آن را بر من عیب گیرند و گویند این کار عجم ها و بت پرست هاست. فرمود: چرا چنین است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله به جعفر رضی الله عنه چسبید و میان دو چشم او را بوسید .

**[ترجمه]

باب ۱۰۱ الإصلاح بین الناس

الآیات

النساء: مَنْ یَشْفَعْ شَفاعَهً حَسَنَهً یَکُنْ لَهُ نَصِیبٌ مِنْها وَ مَنْ یَشْفَعْ شَفاعَهً سَیِّئَهً یَکُنْ لَهُ کِفْلٌ مِنْها وَ کانَ اللَّهُ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ مُقِیتاً(۱)

و قال تعالی: لا خَیْرَ فِی کَثِیرٍ مِنْ نَجْواهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَهٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلاحٍ بَیْنَ النَّاسِ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذلِکَ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِیهِ أَجْراً عَظِیماً(۲)

الأنفال: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا ذاتَ بَیْنِکُمْ (۳)

الحجرات: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَهٌ فَأَصْلِحُوا بَیْنَ أَخَوَیْکُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ (۴)

lt;meta info="- من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها و من یشفع شفاعه سیئه یکن له کفل منها و کان الله علی کل شی ء مقیتا. - . نساء/ ۸۷ -

{هر کس شفاعتِ پسندیده کند، برای وی از آن نصیبی خواهد بود و هر کس شفاعت ناپسندیده ای کند، برای او از آن [نیز] سهمی خواهد بود. و خدا همواره به هر چیزی تواناست.}

- لا- خیر فی کثیر من نجواهم إلا- من أمر بصدقه أو معروف أو إصلاح بین الناس و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات الله فسوف نؤتیه أجرا عظیما. - . نساء/ ۱۱۴ -

{در بسیاری از رازگویی های ایشان خیری نیست، مگر کسی که [بدین وسیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم فرمان دهد. و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند، به زودی او را پاداش بزرگی خواهیم داد.}

- فاتقوا الله و أصلحوا ذات بینکم. - . انفال/ ۱ -

{پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید.}

- إنما المؤمنون إخوه فأصلحوا بین أخواول و اتقوا الله لعلکم ترحمون. - . حجرات/ ۱۰ -

{در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید.}

**[ترجمه]

روایات

«۱»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] بِإِسْنَادِ الْمُجَاشِعِیِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَا عَمِلَ امْرُؤٌ عَمَلًا بَعْدَ إِقَامَهِ الْفَرَائِضِ خَیْراً مِنْ إِصْلَاحٍ بَیْنَ النَّاسِ یَقُولُ خَیْراً وَ یُنْمِی خَیْراً(۵).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: پس از برپا داشتن فرائض کاری بهتر از اصلاح و آشتی دادن میان مردم نیست که شخص خوب بگوید و خوب برداشت کند. - . امالی شیخ طوسی ۲: ۱۳۵ -

**[ترجمه]

«۲»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: إِصْلَاحُ ذَاتِ الْبَیْنِ أَفْضَلُ مِنْ عَامَّهِ الصَّلَاهِ وَ الصَّوْمِ (۶).

۱- ۱. النساء: ۸۷.

۲- ۲. النساء: ۱۱۴.

۳- ۳. الأنفال: ۱.

۴- ۴. الحجرات: ۱۰.

۵- ۵. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۱۳۵.

۶- ۶. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۱۳۵.

قال الشیخ رحمه الله أقول إن المعنی فی ذلک یکون المراد صلاه التطوع و الصوم.

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: اصلاح میان مردم بهتر است از همه نماز و روزه ها. - . امالی شیخ طوسی ۲: ۱۳۵ -

شیخ (ره) گفته: مقصود نماز و روزه استحبابی است.

**[ترجمه]

«۳»

ثو، [ثواب الأعمال] ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَقُولُ: لَأَنْ أُصْلِحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِدِينَارَيْنِ (۱).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امیر مؤمنان علیه السّلام می فرمود: اگر میان دو کس آشتی دهم، بیشتر دوست دارم از اینکه دو دینار صدقه بدهم. - . ثواب الاعمال: ۱۳۳ -

**[ترجمه]

«۴»

جا، [المجالس للمفید] الْحَسَنُ بْنُ حَمْزَةَ عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عُمَرَ الْأَفْرَقِ وَ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: صَدَقَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحٌ بَيْنَ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقْرِيبٌ بَيْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا(۲).

**[ترجمه]مجالس مفید: امام صادق علیه السّلام می فرمود: صدقه ای که خدایش دوست دارد، اصلاح میان مردم است که میانشان به هم خورده و نزدیک کردن آنها است به هم چون از هم دوری گزیدند. - . مجالس مفید: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۵»

عُدَّةُ الدَّاعِي، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةُ اللِّسَانِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مَا صَدَقَةُ اللِّسَانِ قَالَ الشَّفَاعَةُ تَفُكُّ بِهَا الْأَسِيرَ وَ تَحْقُنُ بِهَا الدَّمَ وَ تَجُرُّ بِهَا الْمَعْرُوفَ إِلَى أَخِيكَ وَ تَدْفَعُ بِهَا الْكَرِيهَةَ.

**[ترجمه]عده الداعی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین صدقه، صدقه زبان است. گفته شد: یا رسول الله! صدقه زبان چیست؟ فرمود: میانجیگری که بدان اسیری را رها کنی؛ خونی را حفظ کنی و خیری به برادرت برسانی و بدی را از او بگردانی.

**[ترجمه]

«۶»

کا، [الکافی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ أَبِی طَلْحَةَ عَنْ حَبِیبٍ الْأَحْوَلِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: صَدَقَةٌ یُحِبُّهَا اللَّهُ إِصْلَاحٌ بَیْنَ النَّاسِ إِذَا تَفَاسَدُوا وَ تَقَارُبٌ بَیْنَهُمْ إِذَا تَبَاعَدُوا(۳).

کا، [الکافی] بالإسناد المتقدم عن محمد بن سنان عن حذیفه بن منصور عن أبی عبد الله علیه السلام. مثله (۴)

**[ترجمه]کافی: امام صادق علیه السّلام می فرمود: صدقه ای که خدا آن را دوست دارد، اصلاح میان مردم است که میانشان به هم خورده و نزدیک کردن آنها است به هم، چون از هم دوری گزیدند. - . کافی ۲: ۲۰۹ -

کافی: با سند دیگر مانند این روایت را آورده است. - . کافی ۲: ۲۰۹ -

**[ترجمه]

بیان

تقارب أی سعی فی تقاربهم أو أصل تقاربهم.

**[ترجمه]«تقارب» یعنی سعی در نزدیک کردن آنها به هم یا منظور اصل تقارب است .

**[ترجمه]

«۷»

کا، [الکافی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَأَنْ أُصْلِحَ بَیْنَ اثْنَیْنِ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ أَنْ أَتَصَدَّقَ بِدِینَارَیْنِ (۵).

**[ترجمه]کافی: امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر میان دو کس را آشتی دهم بیشتر دوست دارم از اینکه دو دینار صدقه بدهم. - . کافی ۲: ۲۰۹ -

**[ترجمه]

«۸»

کا، [الکافی] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِذَا رَأَیْتَ بَیْنَ

اثْنَيْنِ مِنْ شِيعَتِنَا مُنَازَعَةً فَافْتَدِهَا مِنْ

۱- ۱. ثواب الأعمال: ۱۳۳.

۲- ۲. مجالس المفيد: ۱۴.

۳- ۳. الكافى ج ۲: ۲۰۹.

۴- ۴. الكافى ج ۲: ۲۰۹.

۵- ۵. الكافى ج ۲: ۲۰۹.

مَالِی (۱).

**[ترجمه]کـافی: مفضل گفت: امام صادق علیه السّـلام فرمود: چون میان دو کس از شـیعه ما نزاعی دیـدی، از مال من آن را عوض ده. - . کافی ۲: ۲۰۹ -

**[ترجمه]

بیان

فافتدها کأن الافتداء هنا مجاز فإن المال یدفع المنازعه کما أن الدیه تدفع طلب الدم أو کما أن الأسیر ینقذ بالفداء فکذلک کل منهما ینقـذ من الآخر بالمال فالإسـناد إلی المنازعه علی المجاز فی المصـباح فـدا من الأسـیر یفـدیه فدی مقصور و تفتح الفاء و تکسر إذا استنقذه بمال و اسم ذلک المال الفدیه و هو عوض الأسیر و فادیته مفاداه و فداء أطلقته و أخذت فدیته و تفادی القوم اتقی بعضـهم ببعض کان کل واحد یجعل صاحبه فداه و فدت المرأه نفسـها من زوجها تفدی و أفدت أعطته مالا حتی تخلصت منه بالطلاق.

**[ترجمه]«الافتـداء» در اینجـا مجـاز است. مـال نزاع را بر طرف می کنـد، چنان چه دیه خونخواهی را دفع می کنـد یا اسیر با عوض آزاد می شود و این دو هم به وسـیله مـال از شـرّ هم آزاد می شونـد. بنـابراین اسـناد به منازعه مجازی است. در مصـباح آمـده: «فـدا من الأسـیر»، «یفدیه فدی» مقصور است و فاء فتحه دارد و کسـره هم می گیرد، یعنی نجات به وسـیله مال واسم آن مال فدیه است و آن عوض اسیر است، و «فادیته مفاداه و فداء» یعنی آزادش کردم و فدیه اش را گرفتم،

و «تفادی القوم» یعنی قوم از همـدیگر پروا کردنـد، هر کـدام از آنها یارش را فـدا قرار داد، و «فدت المرأه نفسـها من زوجها»، یعنی زن مالی به شوهرداد تا به وسیله طلاق از شر او خلاص شود.

**[ترجمه]

«۹»

کـا، [الکـافی] بِالْإِسْـنَادِ عَنِ ابْنِ سِـنَانٍ عَنْ أَبِی حَنِیفَهَ سَائِقِ الْحَاجِّ قَالَ: مَرَّ بِنَا الْمُفَضَّلُ وَ أَنَا وَ خَتَنِی نَتَشَاجَرُ فِی مِیرَاثٍ فَوَقَفَ عَلَیْنَا سَـاعَهً ثُمَّ قَـالَ لَنَا تَعَالَوْا إِلَی الْمَنْزِلِ فَأَتَیْنَاهُ فَأَصْـلَحَ بَیْنَنَا بِأَرْبَعِ مِائَهِ دِرْهَم فَـدَفَعَهَا إِلَیْنَا مِنْ عِنْـدِهِ حَتَّی إِذَا اسْـتَوْثَقَ کُلُّ وَاحِـدٍ مِنَّا مِنْ صَاحِبِهِ قَالَ أَمَا إِنَّهَا لَیْسَتْ مِنْ مَالِی وَ لَکِنْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَمَرَنِی إِذَا تَنَازَعَ رَجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِنَا فِی شَیْ ءٍ أَنْ أُصْلِحَ بَیْنَهُمَا وَ أَفْتَدِیَهُمَا مِنْ مَالِهِ فَهَذَا مِنْ مَالِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام (۲).

**[ترجمه]کافی: ابی حنیفه رهبر حاجیان گفت: مفضل به ما گـذر کرد. من و دامادم بر سـر ارثی ستیزه داشتیم. وی ساعتی بر ما ایستاد

و سـپس گفت: بیایید به خانه. نزد او رفتیم و او با چهارصد درهم میان ما آشتی داد و از خودش آن را به ما پرداخت و چون از

قطع نزاع ما با هم مطمئن شد، گفت: بدانید که این پول مال خود من نیست، ولی امام صادق علیه السّلام به من فرموده چون دو شیعه با هم نزاع دارند، در چیزی میان آنان آشتی دهم و از مال او عوض دهم و این از مال آن حضرت است. - . کافی ۲: ۲۰۹ -

**[ترجمه]

تبیان

أبو حنیفه اسمه سعید بن بیان و سابق صححه فی الإیضاح و غیره بالباء الموحده و فی أکثر النسخ بالیاء من السوق و علی التقدیرین إنما لقب بذلک لأنه کان یتأخر عن الحاج ثم یعجل ببقیه الحاج من الکوفه و یوصلهم إلی عرفه فی تسعه أیام أو فی أربعه عشر یوما و ورد لذلک ذمه فی الأخبار لکن وثقه النجاشی

وَ رَوَی فِی الْفَقِیهِ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ أَعْیَنَ قَالَ: سَمِعْتُ الْوَلِیدَ بْنَ صَبِیحٍ یَقُولُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ أَبَا حَنِیفَهَ رَأَی هِلَالَ ذِی الْحِجَّهِ بِالْقَادِسِیَّهِ وَ شَهِدَ مَعَنَا عَرَفَهَ فَقَالَ مَا لِهَذَا صَلَاهٌ مَا لِهَذَا صَلَاهٌ(۳).

و الختن بالتحریک زوج بنت الرجل و زوج أخته أو کل من کان من قبل المرأه و التشاجر التنازع فوقف علینا ساعه کأن وقوفه کان لاستعلام الأمر

ص: ۴۵

۱- ۱. الکافی ج ۲ ص ۲۰۹.

۲- ۲. الکافی ج ۲ ص ۲۰۹.

۳- ۳. الفقیه ج ۲: ۱۹۱.

المتنازع فيه و أنه يمكن إصلاحه بالمال أم لا حتى إذا استوثق أى أخذ من كل منا حجه لرفع الدعوى عن الآخر فى القاموس استوثق أخذ منه الوثيقه.

**[ترجمه]نام ابو حنيفه، سعيد بن بيان است كه پيشتاز حاج يا راننده حاج بوده و در نه روز يا چهارده روز حاجيان كوفه را به عرفه مى رسانده و از اين رو در اخبار از او بد گفته شده، ولى نجاشى او را ثقه دانسته است .

و در روايت فقيه آمده كه وليد بن صبيح به امام صادق عليه السّلام مى گفت: ابو حنيفه ماه نو ذيحجه را در قادسيه ديده و با ما در عرفه حاضر شده. ايشان فرموده است: نماز ندارد، نماز ندارد! - . فقيه ۲: ۱۹۱ -

«ختن» يعنى شوهر دختر يا شوهر خواهر يا هر كس ديگرى كه از فاميل هاى زن باشد و «تشاجر» يعنى تنازع. «ساعتى بر ما درنگ كرد» يعنى ايستاد براى آگاهى از اصل ماجرا كه آيا با پول حل مى شود يا نه. «و چون مطمئن شد»، يعنى از هر كدام از ما اطمينان گرفت كه ديگر با هم دعوا نمى كنيم. در قاموس آمده: «استوثق» يعنى گرفتن وثيقه از او.

**[ترجمه]

و أقول

يدل كسابقه على مدح المفضل و أنه كان أمينه عليه السلام و استحباب بذل المال لرفع التنازع بين المؤمنين و أن أبا حنيفه كان من الشيعه.

**[ترجمه]همچون روايت پيش دلالت دارد به مدح مفضل و بر اينكه امين آن حضرت بوده و بر استحباب بذل مال براى رفع نزاع ميان مؤمنان و بر اينكه ابى حنيفه از شيعه است.

**[ترجمه]

«۱۰»

كا، [الكافى] عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَهِ عَنْ مُعَاوِيَهَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْمُصْلِحُ لَيْسَ بِكَاذِبٍ (۱).

**[ترجمه]كافى: امام صادق عليه السّلام فرمود: مصلح دروغگو نيست. - . كافى ۲: ۲۰۹ -

**[ترجمه]

بيان

المصلح ليس بكاذب أى إذا نقل المصلح كلاما من أحد الجانبين إلى الآخر لم يقله و علم رضاه به أو ذكر فعلا لم يفعله

للإصلاح ليس من الكذب المحرم بل هو حسن و قيل إنه لا يسمى كذبا اصطلاحا و إن كان كذبا لغه لأن الكذب فى الشرع ما لا يطابق الواقع و يذم قائله و هذا لا يذم قائله شرعا.

**[ترجمه]يعنى چون سخنى از يكى به ديگرى رساند كه آن را نگفته ولى بدان راضى است يا كارى را نقل كند كه آن را نكرده براى آشتى دادن آنان، دروغ حرام نباشد، بلكه خوب است. وگفته شده كه آن را كذب و دروغ نخوانند، گرچه خلاف واقع است، زيرا دروغ زشت نزد شارع آن است كه گوينده اش مذمت شود.

**[ترجمه]

«۱۱»

كا، [الكافى] عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِى عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ وَ لاـ تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَهً لِأَيْمانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَ تَتَّقُوا وَ تُصْلِحُوا بَيْنَ النَّاسِ (۲) قَالَ إِذَا دُعِيتَ لِصُلْحٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ فَلَا تَقُلْ عَلَيَّ يَمِينٌ أَلَّا أَفْعَلَ (۳).

**[ترجمه]كافى: امام صادق عليه السّلام در تفسير قول خدا: «و لا تجعلوا الله عرضه لأيمانكم أن تبروا و تتقوا و تصلحوا بين الناس.» - . بقره: ۲۲۴ - {و خدا را دستاويز سوگندهاى خود قرار مدهيد، تا [بدين بهانه] از نيكوكارى و پرهيزكارى و سازش دادن ميان مردم [باز ايستيد]، و خدا شنواى داناست.} يعنى چون دو نفر را دعوت به صلح و آشتى كردى، مگو اگر نكنم بر من قَسَمى باشد (كارى را كه به او وعده مى دهد). - . كافى ۲: ۲۰۹ -

**[ترجمه]

تبيين

وَ لاـ تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَهً قال البيضاوى العرضه فعله بمعنى المفعول كالقبضه يطلق لما يعرض دون الشى ء و للمعرض للأمر و معنى الآيه على الأول و لا تجعلوا الله حاجزا لما حلفتم عليه من أنواع الخير فيكون المراد بالأيمان الأمورَ المحلوفَ عليها

كَقَوْلِهِ عليه السلام لِابْنِ سَمُرَهَ: إِذَا حَلَفْتَ عَلَى يَمِينٍ فَرَأَيْتَ غَيْرَهَا خَيْراً مِنْهَا فَأْتِ الَّذِى هُوَ خَيْرٌ وَ كَفِّرْ عَنْ يَمِينِكَ (۴).

و أن مع صلتها عطف بيان لها و اللام صله عرضه لما فيها من معنى الإعراض و يجوز أن يكون للتعليل و يتعلق أن بالفعل أو بعرضه أى و لا تجعلوا الله عرضه لأن تبروا لأجل أيمانكم

۱- ۱. الكافى ج ۲: ۲۰۹.

۲- ۲. البقره: ۲۲۴.

۳- ۳. الکافی ج ۲: ۲۰۹.

۴- ۴. تراه فی مشکاه المصابیح: ۲۹۶ و قال: متفق علیه.

به و علی الثانی و لا تجعلوه معرضا لأیمانکم فتبتذلوه بکثره الحلف به و أَنْ تَبَرُّوا عله النهی أی أنهاکم عنه إراده برکم و تقواکم و إصلاحکم بین الناس فإن الحلاف مجترئ علی الله و المجترئ علی الله لا یکون برا متقیا و لا موثوقا به فی إصلاح ذات البین (۱).

و قال الطبرسی رحمه الله فی معناه ثلاثه أقوال أحدها أن معناه و لا تجعلوا الیمین بالله عله مانعه لکم من البر و التقوی من حیث تعتمدونها لتعتلوا بها و تقولوا حلفنا بالله و لم تحلفوا به و الثانی أن عرضه معناه حجه فکأنه قال لا تجعلوا الیمین بالله حجه فی المنع من البر و التقوی فإن کان قد سلف منکم یمین ثم ظهر أن غیرها خیر منها فافعلوا الذی هو خیر و لا تحتجوا بما قد سلف من الیمین و الثالث أن معناه لا تجعلوا الیمین بالله عده مبتذله فی کل حق و باطل لأن تبروا فی الحلف بها و تتقوا المأثم فیها

وَ هُوَ الْمَرْوِیُّ عَنْ أَئِمَّتِنَا علیهم السلام نَحْوَ مَا رُوِیَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: لَا تَحْلِفُوا بِاللَّهِ صَادِقِینَ وَ لَا کَاذِبِینَ فَإِنَّهُ یَقُولُ سُبْحَانَهُ وَ لا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَهً لِأَیْمانِکُمْ.

و تقدیره علی الوجه الأول و الثانی لا تجعلوا الله مانعا عن البر و التقوی باعتراضک به حالفا و علی الثالث لا تجعلوا الله مما تحلف به دائما باعتراضک بالحلف به فی کل حق و باطل (۲).

و قوله أَنْ تَبَرُّوا قیل فی معناه أقوال الأول لأن تبروا علی معنی الإثبات أی لأن تکونوا برره أتقیاء فإن من قلت یمینه کان أقرب إلی البر ممن کثرت یمینه و قیل لأن تبروا فی الیمین و الثانی أن المعنی لدفع أن تبروا أو لترک أن تبروا فحذف المضاف و الثالث أن معناه أن لا تبروا فحذف لا و تتقوا أی تتقوا الإثم و المعاصی فی الأیمان وَ تُصْلِحُوا بَیْنَ النَّاسِ أی لا تجعلوا الحلف بالله عله أو حجه فی أن لا تبروا و لا تتقوا و لا تصلحوا بین الناس أو لدفع أن تبروا و تتقوا و تصلحوا و علی الوجه الثالث لا تجعلوا الیمین بالله مبتذله لأن تبروا و تتقوا و تصلحوا أی لکی تکونوا من البرره و الأتقیاء و المصلحین

۱- ۱. أنوار التنزیل: ۵۶.

۲- ۲. مجمع البیان ج ۲: ۳۲۱.

بین الناس فإن من کثرت یمینه لا یوثق بحلفه و من قلت یمینه فهو أقرب إلی التقوی و الإصلاح بین الناس (۱).

**[ترجمه]«و لا ـ تجعلوا الله عرضه» بیضاوی گفته: «العرضه» یعنی فعله به معنی مفعول مثل قبضه، اطلاق می شود به چیزی که در معرض دید قرار می گیرد و عرضه می شود و معنی آیه بنا بر اولی یعنی خدا را در آنچه از انواع خیر قسم می خورید دستاویز قرار ندهید. پس مراد از ایمان، اموری است که بر آن قسم می خورند، همانند قول آن حضرت به ابن سمره که فرمود: اگر قسم بر کاری خوردی و دیدی کار دیگری بهتر از آن است، همان را بیاور و برای قَسمت کفاره بده. - . مشکاه المصابیح: ۲۹۶ -

و «أن» با صله اش عطف بیان آن است و لام صله برای «عرضه» است، چرا که معنی اعراض در آن است و می شود برای تعلیل باشد و «أن» متعلق به فعل است یا به «عرضه» یعنی خدا را دستاویزی قرار ندهید تا به خاطرقسم هایتان از آن شانه خالی کنید. و بنا بر دومی معنا این می شود که یعنی او را درمعرض قسم هایتان قرار ندهید تا به خاطر زیادی قسم هایتان او را خوار و سخیف کنید. «أن تبروا» علت نهی است، یعنی شما را از آن نهی کردم به دلیل این که به خیر برسید و تقوا و اصلاح بین مردم نصیبتان شود و زیاد قسم خورنده بر خدا، جری شده و کسی که بر خدا حیا ندارد، متقی و قابل اطمینان نیست برای اصلاح بین مردم. - . انوار التنزیل: ۵۶ -

و طبرسی (ره) در معنای آیه سه قول را آورده است: اول این که قسم به خدا را علت مانع برای خود در انجام نیکی و تقوا قرار ندهید، از آن جهت که به آن تکیه کنید تا با آن بزرگی بفروشید و بگویید به خدا قسم خوردیم در حالی که به او قسم نخوردید. دوم آنکه معنی عرضه، حجت باشد، گویا گفته قسم را حجت در منع از خیر و تقوا قرار ندهید و اگر قبلاً ـ قسمی خوردید سپس کار دیگری برای شما معلوم شد که بهتر است، آن بهتر را انجام دهید و با قسم قبلی حجت اقامه نکنید. و سوم آنکه معنایش این است که قسم به خدا را یک وعده پستی در هر حق و باطلی قرار ندهید تا با آن در قسم تبری بجویید و از گناه آن فرار کنید. این معنی از ائمه علیهم السّلام نقل شده است. امام صادق علیه السّلام فرمود: به خدا قسم نخورید، چه صادق باشید یا دروغگو، چرا که خداوند فرموده: «و لا تجعلوا الله عرضه لأیمانکم.» آنچه که بنا بر وجه اول و دوم مقدر است، یعنی خدا را مانع از بر و تقوا قرار ندهید با روی گرداندن از آن، در حالی که قسم خورده اید و بنا بر وجه سوم، یعنی دائما خدا را دستاویز آنچه قسم خوردید قرار ندهید تا با قسم، از هر حق و باطلی دست بکشید. - . مجمع البیان ۲: ۳۲۱ -

و گفته شده که در معنی عبارت «أن تبروا» چند قول است: اول آنکه «أن تبروا» بر معنی اثبات باشد، یعنی برای این که جزو ابرار و نیکان باشید، چرا که کسی که قسمش کم است، به خیر نزدیک تر است از کسی که زیاد قسم می خورد. دوم این که معنی آن برای دفع از تبری و ترک تبری باشد و مضاف حذف شده است. و سوم این که معنای آن «أن لا تبروا» بوده و «لا» حذف شده و «تتقوا» یعنی از گناه و عصیان در قسم ها پروا کنید. «و تصلحوا بین الناس» یعنی قسم به خدا را علت یا حجت در خیر نکردن و پروا نکردن و اصلاح نکردن بین مردم قرار ندهید، یا برای دفع از تبری و تقوا باشد و بنا بر وجه سوم، یعنی قسم به خدا را بازیچه نکنید تا جزو ابرار و متقیان و مصلحین شناخته شوید، چرا که کسی که قسمش زیاد است، به حرف او اعتماد نمی توان کرد و کسی که قسمش کم است، به خیر و تقوا و اصلاح بین مردم نزدیک تر است. - . مجمع البیان ۲: ۳۲۲ -

**[ترجمه]

كا، [الكافى] عَنِ الْعِدَّهِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُعَاوِيَهَ بْنِ وَهْبٍ أَوْ مُعَاوِيَهَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ: أَبْلِغْ عَنِّی كَذَا وَ كَذَا فِی أَشْیَاءَ أَمَرَ بِهَا قُلْتُ فَأُبْلِغُهُمْ عَنْكَ وَ أَقُولُ عَنِّی مَا قُلْتَ لِی وَ غَیْرَ الَّذِی قُلْتَ قَالَ نَعَمْ إِنَّ الْمُصْلِحَ لَیْسَ بِكَذَّابٍ إِنَّمَا هُوَ الصُّلْحُ لَیْسَ بِكَذِبٍ (۲).

**[ترجمه]كافی: معاويه بن وهب يا معاويه بن عمار گفت: امام صادق علیه السّلام به من فرمود: از قول من چنين و چنان را درباره چند چيز برسان كه بدانها امر فرمود. من گفتم: از قول شما اينها را برسانم و از خودم هم آنچه را به من فرمودی و غير آن را (در تاييد آن) بگويم؟ فرمود: بله، زيرا اصلاح كننده در آنچه گويد دروغگو نباشد، همانا برای صلح و آشتی است و دروغ نيست. - . كافی ۲: ۲۰۹ -

**[ترجمه]

بيان

ذهب بعض الأصحاب إلی وجوب التوريه فی هذه المقامات ليخرج عن الكذب كأن ينوی بقوله قال كذا رضی بهذا القول و مثل ذلک و هو أحوط.

**[ترجمه]برخی از اصحاب گفته اند كه در اين گونه موارد توريه واجب است تا دروغ نباشد، مانند اين كه چون گويد: چنين گفته (با اين كه نگفته) قصد كند كه راضی است به اين گفته و مانند آن و آن احوط است .

**[ترجمه]

باب ۱۰۲ التكاتب و آدابه و الافتتاح بالتسميه فی الكتابه و فی غيرها من الأمور

الآيات

النمل: إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ- أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَ أْتُونِی مُسْلِمِينَ (۳)

القلم: ن وَ الْقَلَمِ وَ ما يَسْطُرُونَ العلق اقْرَأْ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ- الَّذِی عَلَّمَ بِالْقَلَمِ- عَلَّمَ الْإِنْسانَ ما لَمْ يَعْلَمْ (۴)

lt;meta info="- إنه من سليمان و إنه بسم الله الرحمن الرحيم- ألا تعلوا علی و أتونی مسلمين. - . نمل/ ۳۱ -

{كه از طرف سليمان است و [مضمون آن] اين است: به نام خداوند رحمتگر مهربان. بر من بزرگی مكنيد و مرا از در اطاعت درآييد.}

- ن و القلم و ما يسطرون. - . قلم / ۱ -

{نون، سوگند به قلم و آنچه می نویسند.}

- اقرأ و ربک الأکرم- الذی علم بالقلم- علم الإنسان ما لم یعلم. - . علق/ ۳- ۵ -

{بخوان، و پروردگـار تو کریم ترین [کریمـان] است. همـان کس که به وسـیله قلم آموخت. آنچه را که انسان نمی دانست [به تدریج به او] آموخت.}

**[ترجمه]

روایات

«۱»

ب، [قرب الإسـناد] ابْنُ عِیسَـی وَ ابْنُ أَبِی الْخَطَّابِ مَعاً عَنِ الْبَزَنْطِیِّ عَنِ الرِّضَا علیه السـلام قَالَ: کَانَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام یُتَرِّبُ الْکِتَابَ (۵).

۱- ۱. مجمع البیان ج ۲: ۳۲۲.

۲- ۲. الکافی ج ۲: ۲۰۹.

۳- ۳. النمل: ۳۱.

۴- ۴. العلق: ۳- ۵.

۵- ۵. قرب الإسناد ص ۲۲۶ ط النجف.

**[ترجمه]قرب الاسناد: بزنطی گفت: امام رضا علیه السّلام به نامه خاک می افشاند (برای اینکه مُرکبش زودتر خشک شود). - . قرب الاسناد: ۲۲۶ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنْ سَهْلٍ عَنِ ابْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ النَّوْفَلِيِّ رَفَعَهُ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام: أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام كَتَبَ إِلَى عُمَّالِهِ أَدِقُّوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارِبُوا بَيْنَ سُطُورِكُمْ وَ احْذِفُوا عَنِّی فُضُولَكُمْ وَ اقْصِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِی وَ إِيَّاكُمْ وَ الْإِكْثَارَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ(۱).

**[ترجمه]خصال: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام نقل فرمود: امیر مؤمنان علیه السّلام به کارگزاران خود نوشت: قلم های خود را باریک بتراشید (تا خردتر بنویسند) و سطرهای نامه تان را به هم نزدیک نمایید، و به من آنچه را که زیادی است ننویسید و همان مقصود را ساده بنویسید و از زیاده نویسی بپرهیزید، زیرا اموال مسلمانان زیان را نپذیرند. - . خصال ۱: ۱۴۹ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَغْدَادِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَنْبَسَةَ عَنْ دَارِمِ بْنِ قَبِيصَةَ وَ نُعَيْمِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: بَاكِرُوا بِالْحَوَائِجِ فَإِنَّهَا مُيَسَّرَةٌ وَ تَرِّبُوا الْكِتَابَ فَإِنَّهُ أَنْجَحُ لِلْحَاجَةِ وَ اطْلُبُوا الْخَيْرَ عِنْدَ حِسَانِ الْوُجُوهِ (۲).

**[ترجمه]خصال: امام رضا از پدرانش صلوات الله علیهم، از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: بامداد به دنبال کارهاتان بشتابید که کارگشاست، و بر نامه خاک افشانید که حاجت را بهتر برآورده سازد، و خیر را نزد زیبارویان بجویید - . خصال ۲: ۳۱ - .

**[ترجمه]

«۴»

ع،(۳)

[علل الشرائع] ن، [عيون أخبار الرضا علیه السلام]: فِی خَبَرِ الشَّامِيِّ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام سُئِلَ لِمَ سُمِّيَ تُبَّعٌ تُبَّعاً فَقَالَ لِأَنَّهُ كَانَ غُلَاماً كَاتِباً وَ كَانَ يَكْتُبُ لِمَلِكٍ كَانَ قَبْلَهُ فَكَانَ إِذَا كَتَبَ كَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الَّذِی خَلَقَ صَيْحاً وَ رِيحاً فَقَالَ الْمَلِكُ اكْتُبْ وَ ابْدَأْ بِاسْمِ مَلِكِ الرَّعْدِ فَقَالَ لَا أَبْدَأُ إِلَّا بِاسْمِ إِلَهِی ثُمَّ أَعْطِفُ عَلَى حَاجَتِكَ فَشَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ ذَلِكَ فَأَعْطَاهُ مُلْكَ ذَلِكَ الْمَلِكِ

فَتَابَعَهُ النَّاسُ عَلَى ذَلِکَ فَسُمِّیَ تُبَّعاً(۴).

**[ترجمه]علل الشرائع و عیون اخبارالرضا: در خبر شامی است که از امیر مؤمنان علیه السّلام پرسش شد: چرا تبع (شاهان قدیم یمن) را تبع نامیدند؟ فرمود: چون غلامی نویسنده بود و برای پادشاهی نامه نگاری می کرد که پیش از او بود و نامه را با جمله «بسم الله الـذی خلق صـیحا و ریحا» آغاز می کرد و پادشاه به او گفت: نامه را به نام «ملک الرعـد» آغاز کن. او پاسـخ داد: نه، ابـداً، جز به نام معبود خودم آغاز نمی کنم و آنگاه به مقصود تو می پردازم، و خـدا عزوجل از آن غلام قدردانی کرد و شاهی آن پادشاه را به او داد و مردم هم به دنبال او رفتند و تبع نامیده شد. - . علل الشرائع ۲: ۲۰۷ ، عیون اخبارالرضا ۱: ۲۴۶ -

**[ترجمه]

«۵»

ن، [عیـون أخبـار الرضـا علیـه السـلام] ابْنُ الْمُتَـوَكِّلِ وَ ابْنُ هِشَـامٍ وَ الْمُكَتِّبُ وَ الْوَرَّاقُ وَ الـدَّقَّاقُ جَمِیعـاً عَنِ الْكُلَیْنِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْعَلَوِیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُحَارِبِیِّ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: اسْتَنْشَدَ الْمَأْمُونُ الرِّضَا علیه السلام بَعْضَ الْأَشْعَارِ فَلَمَّا أَنْشَدَهُ قَالَ لَهُ الْمَـأْمُونُ إِذَا أَمَرْتَ أَنْ تُتَرِّبَ الْكِتَابَ كَیْفَ تَقُولُ قَالَ تَرِّبْ قَالَ فَمِنَ السَّحَا قَالَ سَـحِّ قَالَ فَمِنَ الطِّینِ قَالَ طَیِّنْ فَقَالَ الْمَأْمُونُ یَا غُلَامُ تَرِّبْ هَذَا الْكِتَابَ وَ سَحِّهِ وَ طَیِّنْهُ وَ امْضِ بِهِ إِلَی الْفَضْلِ بْنِ سَهْلٍ وَ خُذْ لِأَبِی الْحَسَنِ ثَلَاثَمِائَهِ أَلْفِ دِرْهَمٍ (۵).

ص: ۴۹

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۱۴۹.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۳۱.

۳- ۳. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۰۷.

۴- ۴. عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۴۶.

۵- ۵. عیون الأخبار ج ۲ ص ۱۷۴.

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: مردی گفت: مامون از امام رضا علیه السّلام درخواست کرد پاره ای شعر بخواند و چون برایش خواند، به آن حضرت گفت: چون فرمایی نامه را خاک افشانند، چه گویی؟ فرمود: ترب گویم. پرسید: درباره پاکت کردنش چه گویی؟ فرمود: پاک کن و ببند. گفت: در گل گرفتن آن. فرمود: گلش بگیر (گویا با گل چسبانی نامه را مهر و موم می کردند). پس مامون گفت: ای غلام! این نامه را (که گویا نوشته بود) خاک بزن و ببند و به گل گیر و ببر نزد فضل بن سهل و برای امام رضا سیصد هزار درهم بگیر. -. عیون اخبارالرضا ۲: ۱۷۴ -

**[ترجمه]

أقول

قد أوردنا الخبر بتمامه فی أبواب تاریخه علیه السلام (۱).

**[ترجمه]این خبر را به طور کامل در ابواب تاریخ آن حضرت علیه السّلام آورده ایم. -. جلد ۴۹ ص ۱۰۸ از چاپ عربی -

**[ترجمه]

«۶»

ف، [تحف العقول] عَنْ دَاوُدَ الصَّرْمِیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِ علیه السلام قَالَ: أَمَرَنِی علیه السلام بِحَوَائِجَ كَثِیرَهٍ فَقَالَ لِی قُلْ كَیْفَ تَقُولُ فَلَمْ أَحْفَظْ مِثْلَ مَا قَالَ لِی فَمَدَّ الدَّوَاهَ وَ كَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اذْكُرْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ وَ الْأَمْرُ بِیَدِ اللَّهِ فَتَبَسَّمْتُ فَقَالَ مَا لَكَ قُلْتُ خَیْرٌ فَقَالَ أَخْبِرْنِی قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ ذَكَرْتُ حَدِیثاً حَدَّثَنِی بِهِ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ جَدِّكَ الرِّضَا إِذَا أَمَرَ بِحَاجَهٍ كَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ اذْكُرْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَتَبَسَّمْتُ فَقَالَ لِی یَا دَاوُدُ لَوْ قُلْتُ إِنَّ تَارِكَ التَّسْمِیَهِ كَتَارِكِ الصَّلَاهِ لَكُنْتُ صَادِقاً(۲).

**[ترجمه]تحف العقول: داود صرمی گفت: امام هادی علیه السّلام مرا برای نیازهای بسیار فرمان داد و به من فرمود: بگو چه طور خواهی؟ گفت: و به یاد نداشتم مانند آن را که به من فرموده بود. پس دوات را جلو کشید و نوشت: «بسم الله الرحمن الرحیم. به یاد آور ان شاء الله و امر به دست خداست.» من لبخند زدم، فرمود: چه شد تو را؟ گفتم: خیر است! فرمود: به من بگو! گفتم: قربانت! به یاد حدیثی افتادم که مردی از یاران ما از جدت امام رضا نقل کرد که چون به حاجتی امر می کرد، می نوشت: «بسم الله الرحمن الرحیم. یاد آور ان شاء الله.» و لبخند زدم. پس به من فرمود: ای داود! اگر گویم تارک بسم الله چون تارک نماز است، البته راست گویم. -. تحف العقول: ۴۸۳ -

**[ترجمه]

«۷»

سن، [المحاسن] بَعْضُ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: یُسْتَدَلُّ بِكِتَابِ الرَّجُلِ عَلَى عَقْلِهِ وَ مَوْضِعِ بَصِیرَتِهِ وَ بِرَسُولِهِ

عَلَى فَهْمِهِ وَ فِطْنَتِهِ (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: نامه هر کسی به پایه خردمندی و اندازه بینایی او دلیل باشد و فرستاده هر کس بر اندازه فهم و زیرکی اش. - . محاسن: ۱۹۵ -

**[ترجمه]

«۸»

کشف، [کشف الغمه] قَالَ الْحَافِظُ عَبْدُ الْعَزِیزِ رُوِیَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام: أَنَّهُ قَالَ لِمَوْلَاهُ نَافِذٌ إِذَا کَتَبْتَ رُقْعَةً أَوْ کِتَاباً فِی حَاجَةٍ فَأَرَدْتَ أَنْ تَنْجِحَ حَاجَتُکَ الَّتِی تُرِیدُ فَاکْتُبْ رَأْسَ الرُّقْعَةِ بِقَلَمٍ غَیْرِ مَدِیدٍ-(۴) بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَ الصَّابِرِینَ الْمَخْرَجَ مِمَّا یَکْرَهُونَ وَ الرِّزْقَ مِنْ حَیْثُ لَا یَحْتَسِبُونَ جَعَلَنَا اللَّهُ وَ إِیَّاکُمْ مِنَ الَّذِینَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لا هُمْ یَحْزَنُونَ قَالَ نَافِذٌ فَکُنْتُ أَفْعَلُ ذَلِکَ فَتُنْجِحُ حَوَائِجِی (۵).

**[ترجمه]کشف الغمه: امام صادق علیه السّلام به غلام خود «نافد» فرمود: چون رقعه یا نامه ای برای نیازی بنویسی و خواهی بر آورده شود، در سر نامه با خاک به مرکّب بنویس: «بسم الله الرحمن الرحیم. همانا خدا نوید داد به صابران که به در شوند از آنچه بد دارند، و روزی یابند از آنجا که گمان نبرند، خدا ما را و شما را از آنها که نه بیم دارند و نه اندوه قرار دهد.» نافد گفت: من این کار می کردم و نیازهایم برآورده می شد. - . کشف الغمه ۲: ۳۸۰ -

**[ترجمه]

«۹»

نهج، [نهج البلاغه] قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: رَسُولُکَ تَرْجُمَانُ عَقْلِکَ وَ کِتَابُکَ أَبْلَغُ مَنْ یَنْطِقُ عَنْکَ (۶).

**[ترجمه]نهج البلاغه: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: فرستاده تو بیانگر میزان عقل تو و نامه تو گویاترین سخنگوی تو است. - . نهج البلاغه: حکمت ۳۰۱ -

**[ترجمه]

«۱۰»

کِتَابُ الْإِمَامَهِ وَ التَّبْصِرَهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِیدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُبَیْدٍ الْکِنْدِیِّ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِلَّذِی یُمْلِی عَلَیْهِ فِی بَعْضِ حَوَائِجِهِ ضَعِ الْقَلَمَ عَلَی أُذُنِکَ فَهُوَ أَذْکَی لِلْمُمْلَی.

۱- ۱. راجع ج ۴۹ ص ۱۰۸ من هذه الطبعه.

۲- ۲. تحف العقول ص ۴۸۳ ط ۵۱۱ ط.

۳- ۳. المحاسن ص ۱۹۵.

۴- ۴. أی من غیر سواد.

۵- ۵. کشف الغمّه ج ۲ ص ۳۸۰.

۶- ۶. نهج البلاغه الرقم ۳۰۱ من الحکم.

**[ترجمه]امامت و تبصره: امام صادق از پدرش، از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که به کسی که برای نیازی دیکته می گفت، فرمود: قلمت را بر گوشت بنه که برای دیکته گوینده هوش آورتر است .

**[ترجمه]

باب ۱۰۳ العطاس و التسمیت

روایات

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ سَمِعَ عَطْسَةً فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَی عَلَیْهِ وَ صَلَّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ یَشْتَکِ ضِرْسَهُ وَ لَا عَیْنَهُ أَبَداً ثُمَّ قَالَ وَ إِنْ سَمِعَهَا وَ بَیْنَهَا وَ بَیْنَهُ الْبَحْرُ فَلَا یَدَعُ أَنْ یَقُولَ ذَلِکَ.

عَنْ أَبِی مَرْیَمَ قَالَ: عَطَسَ عَاطِسٌ عِنْدَ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ نِعْمَ الشَّیْ ءُ الْعُطَاسُ فِیهِ رَاحَةٌ لِلْبَدَنِ وَ یُذْکَرُ اللَّهُ عَنْهُ وَ یُصَلَّی عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقُلْتُ إِنَّ مُحَدِّثِی الْعِرَاقِ یُحَدِّثُونَ أَنَّهُ لَا یُصَلَّی عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فِی ثَلَاثِ مَوَاضِعَ عِنْدَ الْعُطَاسِ وَ عِنْدَ الذَّبِیحَهِ وَ عِنْدَ الْجِمَاعِ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنْ کَانُوا کَذَبُوا فَلَا تُنِلْهُمْ شَفَاعَهَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا سَمِعَ عَاطِساً الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَی کُلِّ حَالٍ مَا کَانَ مِنْ أَمْرِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ لَمْ یَرَ فِی فَمِهِ سُوءاً.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ سَبَقَ الْعَاطِسَ بِالْحَمْدِ عُوفِیَ عَنْ وَجَعِ الضِّرْسِ وَ الْخَاصِرَهِ.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِذَا عَطَسَ الْإِنْسَانُ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَالَ الْمَلَکَانِ الْمُوَکَّلَانِ بِهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ کَثِیراً لَا شَرِیکَ لَهُ فَإِنْ قَالَهَا الْعَبْدُ قَالَ الْمَلَکَانِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ فَإِنْ قَالَهَا الْعَبْدُ قَالا وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ فَإِنْ قَالَهَا الْعَبْدُ قَالَ الْمَلَکَانِ رَحِمَکَ اللَّهُ.

قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فِی خَبَرٍ طَوِیلٍ: إِذَا عَطَسَ أَحَدُکُمْ فَسَمِّتُوهُ فَإِنْ قَالَ یَرْحَمُکُمُ اللَّهُ فَقُولُوا یَغْفِرُ اللَّهُ لَکُمْ وَ یَرْحَمُکُمْ فَإِنَّ اللَّهَ قَالَ- وَ إِذا حُیِّیتُمْ بِتَحِیَّهٍ فَحَیُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها(۱).

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِی یَعْفُورٍ قَالَ: حَضَرْتُ مَجْلِسَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ عَلَیْهِ، وَ کَانَ إِذَا عَطَسَ رَجُلٌ فِی مَجْلِسِهِ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام:

۱- ۱. النساء: ۸۶.

رَحِمَکَ اللَّهُ قَالُوا آمِینَ فَعَطَسَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَخَجِلُوا وَ لَمْ یُحْسِنُوا أَنْ یَرُدُّوا عَلَیْهِ قَالَ فَقُولُوا أَعْلَی اللَّهُ ذِکْرَکَ.

وَ فِی رِوَایَهٍ أُخْرَی عَنْهُمْ علیهم السلام: إِذَا عَطَسَ الْإِنْسَانُ یَنْبَغِی أَنْ یَضَعَ سَبَّابَتَهُ عَلَی قَصَبَهِ أَنْفِهِ وَ یَقُولَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِینَ رَغِمَ أَنْفِی لِلَّهِ رَغْماً دَاخِراً صَاغِراً غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَ لَا مُسْتَحْسِرٍ وَ إِذَا عَطَسَ غَیْرُهُ فَلْیُسَمِّتْهُ وَ لْیَقُلْ یَرْحَمُکَ اللَّهُ مَرَّهً أَوْ مَرَّتَیْنِ أَوْ ثَلَاثاً فَإِذَا زَادَ فَلْیَقُلْ شَفَاکَ اللَّهُ وَ إِذَا أَرَادَ تَسْمِیتَ الْمُؤْمِنِ فَلْیَقُلْ یَرْحَمُکَ اللَّهُ وَ لِلْمَرْأَهِ عَافَاکِ اللَّهُ وَ لِلصَّبِیِّ زَرَعَکَ اللَّهُ وَ لِلْمَرِیضِ شَفَاکَ اللَّهُ وَ لِلذِّمِّیِّ هَدَاکَ اللَّهُ وَ لِلنَّبِیِّ وَ الْإِمَامِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ وَ إِذَا سَمَّتَهُ غَیْرُهُ فَلْیَرُدَّ عَلَیْهِ وَ لْیَقُلْ یَغْفِرُ اللَّهُ لَنَا وَ لَکُمْ.

رَوَی أَبُو بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کَثْرَهُ الْعُطَاسِ یَأْمَنُ صَاحِبُهُ مِنْ خَمْسَهِ أَشْیَاءَ أَوَّلُهَا الْجُذَامُ وَ الثَّانِی الرِّیحُ الْخَبِیثَهُ الَّتِی تَنْزِلُ فِی الرَّأْسِ وَ الْوَجْهِ وَ الثَّالِثُ یَأْمَنُ مِنْ نُزُولِ الْمَاءِ فِی الْعَیْنِ وَ الرَّابِعُ یَأْمَنُ مِنْ سُدَّهِ الْخَیَاشِیمِ وَ الْخَامِسُ یَأْمَنُ مِنْ خُرُوجِ الشَّعْرِ فِی الْعَیْنِ قَالَ وَ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تُقِلَّ عُطَاسَکَ فَاسْتَعِطْ بِدُهْنِ الْمَرْزَنْجُوشِ قُلْتُ مِقْدَارَ کَمْ قَالَ مِقْدَارَ دَانِقٍ قَالَ فَفَعَلْتُ خَمْسَهَ أَیَّامٍ فَذَهَبَ عَنِّی.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: مَنْ عَطَسَ فِی مَرَضِهِ کَانَ لَهُ أَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ فِی تِلْکَ الْعِلَّهِ وَ قَالَ التَّثَاؤُبُ مِنَ الشَّیْطَانِ وَ الْعُطَاسُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا کَانَ الرَّجُلُ یَتَحَدَّثُ فَعَطَسَ عَاطِسٌ فَهُوَ شَاهِدُ حَقٍّ.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: الْعُطَاسُ لِلْمَرِیضِ دَلِیلٌ عَلَی الْعَافِیَهِ وَ رَاحَهُ الْبَدَنِ.

وَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا عَطَسَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ عَلَی کُلِّ حَالٍ مَا کَانَ لَمْ یَجِدْ وَجَعَ الْأُذُنَیْنِ وَ الْأَضْرَاسِ.

وَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِذَا عَطَسَ الرَّجُلُ ثَلَاثاً فَسَمِّتْهُ ثُمَّ اتْرُکْهُ بَعْدَ ذَلِکَ.

وَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ أَحَدَکُمْ لَیَدَعُ تَسْمِیتَ أَخِیهِ إِنْ عَطَسَ فَیُطَالِبُهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فَیُقْضَی لَهُ عَلَیْهِ (۱).

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۰۷- ۴۰۸، مع تقدیم و تأخیر.

**[ترجمه]مکـارم الاخلاـق: امام صادق علیه السّـلام فرمود: هر کس عطسه را بشـنود، پس خـدا را سـپاس کنـد و ثنا گویـد و صلوات بر محمد و آلش فرستد، هرگز از درد دندان و درد چشم ننالد. سپس فرمود: اگر آن را بشنود و بین او و آن صدا یک دریا فاصله باشد، این ذکر را وانهد.

ابی مریم گفت: کسـی نزد امام باقر علیه السّلام عطسه زد و آن حضرت فرمود: چه خوب است عطسه! در آن آسایش تن است و به دنبالش ذکر خـدا و صـلوات بر پیغمبر است صـلی الله علیه وآله. من گفتم: محدثان عراق گویند که در سه جا صـلوات بر پیغمبر نباشد: در عطسه و بریدن سر ذبیحه و هنگام جماع. فرمود: بار خدایا! اگر دروغ گویند به شفاعت محمد صلی الله علیه و آله مرسانشان.

امام صادق علیه السّـلام فرمود: هر که چون عطسه را شـنود بگوید «الحمد لله علی کل حال»، تا کار دنیا و دیگر سـرا برپاست و بگوید صلی الله علی محمد و آله، در دهان خود بدی نبیند.

از آن حضـرت است که پیغمبر صـلی الله علیه و آله فرمود: هر که پیش از خود عطسه کننـده حمد گوید، از درد دندان و پهلو در امان باشد.

امام صادق علیه السّـلام فرمود: چون عطسه کند و گوید: «الحمد لله»، دو فرشـته گماشـته بر او گویند: «رَبِّ الْعالَمِینَ لا شَـرِیکَ لَهُ» و اگر آن را هم خودش گویـد، دو فرشـته گوینـد: «و صـلوات خدا بر محمد» و اگر آن را هم گوید، آن دو گویند «و علی آل محمـد» و اگر آن را هم گویـد، دو فرشـته گوینـد «رحمـک الله.» و امیر مؤمنان علیه السّـلام در خبری طولانی فرمود: چون یکی از شـماها عطسـه زد، او را خوشامـد گوییـد و اگر گفت «یرحمکم الله»، بگوییـد: «یغفر الله لکم و یرحمکم» خـدا شـما را بیامرزد و رحمت کنـد، زیرا خدا فرموده است: «و إذا حییتم بتحیه فحیوا بأحسن منها أو ردوها.» - . نساء/ ۸۶ - {و چون به شما درود گفته شد، شما به [صورتی] بهتر از آن درود گویید، یا همان را [در پاسخ] برگردانید.}

و عبـدالله بن ابی یعفـور گفت: در مجلس امـام صـادق علیه السّـلام بـودم و چـون مردی در آن عطسه می زد، آن حضـرت می فرمود: «رحمک الله» و دیگران آمین می گفتنـد. و خود آن حضـرت عطسه زد و حاضـران شـرم کردنـد و خوب پاسخ ندادند. فرمود: بگویید «أعلی الله ذکرک»، (خدا نامت را بالا برد).

و در روایت دیگری از یکی از آنان علیهم السّـلام نقل است که فرمود: چون کسـی عطسه زد، سزاست که انگشت سبابه را سر بینی نهـد و گویـد: «الحمـد لله رب العـالمین و صـلی الله علی محمـد و آله الطاهرین. و بینی ام برای خـدا بر خاک باد، خوار و زبون نه روگردان و نه افسوس خور.» و چون دیگری عطسه زنـد، به او گویـد: «یرحمک الله» یک بار تا سه بار و اگر از سه بار بیشتر عطسه زند، به او گوید: خدا تو را شـفا دهد، و در برابر مرد مؤمن گوید: «یرحمک الله» و در برابر زن گوید: «عافاک الله» و اگر کودک است گویـد: «زرعک الله»، (خـدا بزرگ کنـد) و برای بیمار گوید: «شـفاک الله» و اگر کافر ذمی باشد، گوید: «هداک الله» و برای پیغمبر و امام گوید: «صلی الله علیک» و در جواب «یرحمکم الله» دیگری گوید: «یغفر الله لنا ولکم.»

و در روایت ابی بصـیر است که امـام صادق علیه السّـلام فرمود: عطسه صاحبش را از پنـج چیز در امان دارد که اول آنها خوره

است، دوم باد پلیدی که در سر و رو درگیرد، سوم از آب آوردن چشم، چهارم از بند آمدن سوراخ های بینی و پنجم از روییدن مو در چشم. فرمود: اگر خواهی کم عطسه کنی، روغن مرزنجوش در بینی کش. پرسیدم: چه اندازه؟ فرمود: یک دانگ، و من پنج روز عمل کردم و کثرت عطسه از من رفت .

و از آن حضرت علیه السّلام است که فرمود: عطسه در بیماری، امان از مرگ است در آن مرض. و فرمود: خمیازه از شیطان است و عطسه از خدا عزوجل.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون کسی حدیث کند و یکی عطسه زند، گواه درستی آن است.

و فرمود: عطسه بیمار دلیل بهبودی او و آسایش تن است.

و از امیر مؤمنان علیه السّلام نقل است که فرمود: چون عطسه زند کسی و گوید: «الحمد لله رب العالمین علی کل حال»، درد گوش و دندان نبیند.

و امام باقر علیه السّلام فرمود: چون کسی عطسه زند، تا سه بار او را تحیت گو و از آن پس او را وابگذار.

و از امیر مؤمنان علیه السّلام نقل است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که تحیت برادر عطسه زنش را وانهد، روز قیامت از او بازخواست کند و بر برادر به نفع او حکم صادر شود. - . مکارم الاخلاق: ۴۰۷- ۴۰۸ -

**[ترجمه]

«۲»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، قَالُوا علیهم السلام: مَنْ قَالَ إِذَا عَطَسَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ يَشْتَكِ شَيْئاً مِنْ أَضْرَاسِهِ وَ لَا مِنْ أُذُنَيْهِ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مَنْ عَطَسَ ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى قَصَبَهِ أَنْفِهِ ثُمَّ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ كَثِيراً كَمَا هُوَ أَهْلُهُ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لَهُ طَائِرٌ تَحْتَ الْعَرْشِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَ قَالَ إِذَا عَطَسَ فِي الْخَلَاءِ أَحَدُكُمْ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ فِي نَفْسِهِ وَ صَاحِبُ الْعَطْسَهِ يَأْمَنُ الْمَوْتَ سَبْعَهَ أَيَّامٍ- وَ فِي رِوَايَهٍ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ علیه السلام صَاحِبُ الْعَطْسَهِ يَأْمَنُ الْمَوْتَ ثَلَاثَهَ أَيَّامٍ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: ائمه علیهم السّلام فرمودند: هر که عطسه کند و گوید: «الحمد لله رب العالمین علی کل حال و صلی الله علی محمد و آل محمد»، از درد دندان و گوش نناند.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که عطسه زند و دست بر روی بینی نهد و گوید: «الحمد لله رب العالمین کثیرا کما هو اهله»، پرنده ای زیر عرش تا روز قیامت برایش از خدا آمرزش خواهد.

و فرمود: چون کسی از شماها در خلاء عطسه زند، باید خدا را در دل حمد گوید، و آن که عطسه زند تا هفت روز از مرگ در امان است. و در روایتی از صاحب الزمان علیه السّلام است که تا سه روز در امان است.

**[ترجمه]

«۳»

کِتَابُ الْإِمَامَهِ وَ التَّبْصِرَهِ، عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَی بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الْعَطْسَهُ عِنْدَ الْحَدِیثِ شَاهِدٌ. وَ مِنْهُ بِهَذَا الْإِسْنَادِ: الْعُطَاسُ لِلْمَرِیضِ دَلِیلٌ عَلَی الْعَافِیَهِ وَ رَاحَهُ الْبَدَنِ.

**[ترجمه]امامت و تبصره: امام کاظم از پدرش از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: عطسه زدن هنگام حدیث کردن، شاهد است (بر همان) .

و به همین سند است که عطسه بیمار، دلیل خوب شدن او و آسایش تن است.

**[ترجمه]

«۴»

لی، [الأمالی للصدوق] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَهَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا عَطَسَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ ثُمَّ سَکَتَ لِعِلَّهٍ تَکُونُ بِهِ قَالَتِ الْمَلَائِکَهُ عَنْهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ فَإِنْ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ قَالَتِ الْمَلَائِکَهُ یَغْفِرُ اللَّهُ لَکَ (۱).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: چون مسلمان عطسه زند و به علتی خاموش ماند، فرشته ها از طرف او گویند: «الحمد لله رب العالمین»، و اگر خودش آن را گوید، آنها گویند: خدایت بیامرزد. - . امالی صدوق: ۱۸۱ -

**[ترجمه]

«۵»

یج، [الخرائج و الجرائح] رُوِیَ عَنِ السَّیَّارِیِّ عَنْ نَسِیمٍ وَ مَارِیَهَ: أَنَّهُ لَمَّا خَرَجَ صَاحِبُ الزَّمَانِ مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ سَقَطَ جَاثِیاً عَلَی رُکْبَتَیْهِ رَافِعاً سَبَّابَتَیْهِ نَحْوَ السَّمَاءِ ثُمَّ عَطَسَ وَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَبْداً دَاخِراً لِلَّهِ غَیْرَ مُسْتَنْکِفٍ وَ لَا مُسْتَکْبِرٍ ثُمَّ قَالَ زَعَمَتِ الظَّلَمَهُ أَنَّ حُجَّهَ اللَّهِ دَاحِضَهٌ وَ لَوْ أُذِنَ لَنَا فِی الْکَلَامِ لَزَالَ الشَّکُّ (۲).

**[ترجمه]مختار الخرائج: یساری از نسیم و ماریه آورده است که چون صاحب الزمان از شکم مادر درآمد، بر سر دو زانو بود و هر دو انگشت سبابه اش به سوی آسمان. سپس عطسه زد و فرمود: «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله، بنده خوار برای خدا نه روگردان و نه بزرگی جو.» سپس فرمود: ستمگران پندارند حجت خدا در هم شکسته و اگر به ما در گفتار اجازه دهند، هر شکی برافتد. - . مختار الخرائج: ۲۱۶ -

**[ترجمه]

«۶»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ كَانَ أَبِی علیه السلام

ص: ۵۳

۱- ۱. أمالی الصدوق: ۱۸۱.

۲- ۲. مختار الخرائج: ۲۱۶.

يَقُولُ: إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ وَ هُوَ عَلَى خَلَاءٍ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ فِي نَفْسِهِ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام فرمود: پدرم می فرمود: چون یکی از شما بر سر خلاء عطسه زند، خدا را در دلش حمد کند. - . قرب الاسناد: ۳۶ -

**[ترجمه]

أقول

قد مضى بعض الأخبار في باب التسليم و في باب جوامع المكارم و في باب حقوق المؤمن.

**[ترجمه]پاره ای اخبار هم در باب تسليم و در باب کليات مکارم و در باب حقوق مؤمن گذشت.

**[ترجمه]

«۷»

ل، [الخصال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي عُيَيْنَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: ثَلَاثَةٌ يُرَدُّ عَلَيْهِمُ الدُّعَاءُ جَمَاعَةً وَ إِنْ كَانُوا وَاحِداً الرَّجُلُ يَعْطِسُ فَيُقَالُ لَهُ يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ فَإِنَّ مَعَهُ غَيْرَهُ وَ الرَّجُلُ يُسَلِّمُ عَلَى الرَّجُلِ فَيَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ الرَّجُلُ يَدْعُو لِلرَّجُلِ فَيَقُولُ عَافَاكُمُ اللَّهُ.

قَالَ الصَّدُوقُ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ: يُقَالُ لِلْعَاطِسِ إِذَا كَانَ مُخَالِفاً يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ وَ الْمُرَادُ بِهِ الْمَلَكَانِ الْمُوَكَّلَانِ بِهِ فَأَمَّا الْمُؤْمِنُ فَإِنَّهُ يُقَالُ لَهُ يَرْحَمُكَ اللَّهُ إِذَا عَطَسَ (۲).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: به سه تا جواب گروهی دهند، گرچه تنها باشند: به کسی که عطسه زند گويند: «يرحمكم الله»، چون با او ديگری است (فرشته های نگهبان)؛ و مردی که سلام کند، گويد: «السّلام عليكم»؛ و کسی که برای ديگری دعا کند، گويد: خدا شما را عافيت دهد.

صدوق (ره) گفته: اگر عطسه زننده مخالف مذهب باشد، به قصد فرشته های گماشته بر او به او «يرحمكم الله» گويند، و اگر مؤمن است چون عطسه زند، «يرحمك الله» گويند. - . خصال ۱: ۶۲ -

**[ترجمه]

«۸»

ل، [الخصال] أَبِي عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام أَنَّ عَلِيّاً عليه السلام قَالَ: يُسَمَّتُ الْعَاطِسُ ثَلَاثاً فَمَا فَوْقَهَا فَهُوَ رِيحٌ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ أَنَّهُ إِنْ زَادَ الْعَاطِسُ عَلَى ثَلَاثٍ قِيلَ لَهُ شَفَاكَ اللَّهُ لِأَنَّ ذَلِكَ مِنْ عِلَّةٍ(۳).

**[ترجمه]خصال: على عليه السّلام فرمود: تا سه عطسه او را به خير گويند و بيش از آن باد باشد. و در حديث ديگر است كه اگر بيش از آن باشد، «شفاك الله» گويند، چون آن از دردى باشد. - . خصال ١: ۶٢ -

**[ترجمه]

«٩»

ل، [الخصال] فِي خَبَرِ الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام: الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وَاجِبَةٌ فِي كُلِّ الْمَوَاطِنِ وَ عِنْدَ الْعُطَاسِ وَ الرِّيَاحِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ (۴).

**[ترجمه]خصال: در خبر اعمش از امام صادق عليه السّلام نقل شده كه فرمود: صلوات بر پيغمبر واجب است و هر جا و به هنگام عطسه كردن و كشتن ذبيحه و غير آن. - . خصال : ٢: ١۵٣ -

**[ترجمه]

«١٠»

ن، [عيون أخبار الرضا عليه السلام]: فِيمَا كَتَبَ الرِّضَا عليه السلام لِلْمَأْمُونِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله وَاجِبَةٌ فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ عِنْدَ الْعُطَاسِ وَ الذَّبَائِحِ وَ غَيْرِ ذَلِكَ (۵).

**[ترجمه]عيون اخبارالرضا: در نامه امام رضا عليه السّلام به مامون است كه: صلوات بر پيغمبر واجب است و هر جا و به هنگام عطسه كردن و كشتن ذبيحه و غير آن. - . عيون اخبارالرضا ٢: ١٢۴ -

**[ترجمه]

«١١»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَةِ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِذَا عَطَسَ أَحَدُكُمْ فَسَمِّتُوهُ قُولُوا يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ وَ يَقُولُ هُوَ لَكُمْ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ يَرْحَمُكُمْ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ إِذا حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْها أَوْ رُدُّوها(۶).

**[ترجمه]اربعمائه: از امير مؤمنان عليه السّلام نقل مى كند كه فرمود: چون يكى از شما عطسه زد، او را تسميت گوييد و بگوييد: «يرحمكم الله» و او در جواب شما گويد: «يغفر الله لكم و يرحمكم»، (خدا شما را بيامرزد و رحمت كند). خداوند فرموده است: «و إذا حييتم بتحيه فحيوا بأحسن منها أو ردوها»، {چون تحيتى به شما گفتند، بهتر از آن جواب دهيد يا خود آن را برگردانيد.} - . خصال ٢: ١۶٨ -

**[ترجمه]

«۱۲»

ك، [إكمال الدين] مَاجِيلَوَيْهِ وَ الْعَطَّارُ مَعاً عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍ

۱- ۱. قرب الإسناد: ۳۶.

۲- ۲. الخصال ج ۱: ۶۲.

۳- ۳. الخصال ج ۱: ۶۲.

۴- ۴. الخصال: ج ۲: ۱۵۳.

۵- ۵. عيون الأخبار ج ۲: ۱۲۴.

۶- ۶. الخصال ج ۲: ۱۶۸.

النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى عليه السلام عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ نَسِيمَ خَادِمِ أَبِی مُحَمَّدٍ علیه السلام قَالَتْ: قَالَ لِی صَاحِبُ الزَّمَانِ علیه السلام وَ قَدْ دَخَلْتُ عَلَيْهِ بَعْدَ مَوْلِدِهِ بِلَيْلَةٍ فَعَطَسْتُ عِنْدَهُ فَقَالَ لِی يَرْحَمُكِ اللَّهُ- قَالَتْ نَسِيمُ فَفَرِحْتُ بِذَلِكَ- فَقَالَ لِی علیه السلام أَ لَا أُبَشِّرُكِ فِی الْعُطَاسِ فَقُلْتُ بَلَى قَالَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ (۱).

**[ترجمه]کمال الدین: نسیم خدمتکار ابی محمد (امام عسکری) علیه السّلام گفت: در روز دوم تولد صاحب الزمان نزد او رفتم و عطسه زدم. به من فرمود: «یرحمک الله.» گفت: از آن شاد شدم و به من فرمود: به تو مژده ای ندهم درباره عطسه؟ گفتم: چرا. فرمود: عطسه تا سه روز امان است از مرگ. -. کمال الدین ۲: ۱۰۴ -

**[ترجمه]

«۱۳»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: وَ اعْلَمْ أَنَّ عِلَّةَ الْعُطَاسِ هِیَ أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ بِنِعْمَةٍ فَنَسِيَ أَنْ يَشْكُرَ عَلَيْهَا سَلَّطَ عَلَيْهِ رِيحاً تَدُورُ فِی بَدَنِهِ فَتَخْرُجُ مِنْ خَيَاشِيمِهِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ عَلَى تِلْكَ الْعَطْسَةِ فَيَجْعَلُ ذَلِكَ الْحَمْدَ شُكْراً لِتِلْكَ النِّعْمَةِ وَ مَا عَطَسَ عَاطِسٌ إِلَّا هُضِمَ لَهُ طَعَامُهُ أَوْ يَتَجَشَّى (۲)

إِلَّا مَرُؤَ طَعَامُهُ فَإِذَا عَطَسْتَ فَاجْعَلْ سَبَّابَتَكَ عَلَى قَصَبَةِ أَنْفِكَ ثُمَّ قُلْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِهِ وَ سَلَّمَ رَغِمَ أَنْفِی لِلَّهِ دَاخِراً صَاغِراً غَيْرَ مُسْتَنْكِفٍ وَ لَا مُسْتَكْبِرٍ فَإِنَّهُ مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ عِنْدَ عَطْسَتِهِ خَرَجَ مِنْ أَنْفِهِ دَابَّةٌ أَكْبَرُ مِنَ الْبَقِّ وَ أَصْغَرُ مِنَ الذُّبَابِ فَلَا يَزَالُ فِی الْهَوَى إِلَى أَنْ يَصِيرَ تَحْتَ الْعَرْشِ وَ يُسَبِّحُ لِصَاحِبِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ إِذَا عَطَسَ أَخُوكَ فَسَمِّتْهُ وَ قُلْ يَرْحَمُكَ اللَّهُ وَ إِذَا سَمَّتَكَ أَخُوكَ فَرُدَّ عَلَيْهِ وَ قُلْ يَغْفِرُ اللَّهُ لَنَا وَ لَكَ هَذَا إِذَا عَطَسَ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ أَوْ ثَلَاثاً فَإِذَا زَادَ عَلَى ثَلَاثَةٍ فَقُلْ شَفَاكَ اللَّهُ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عِلَّةٍ وَ دَاءٍ فِی رَأْسِهِ وَ دِمَاغِهِ وَ مَنْ عَطَسَ وَ لَمْ يُسَمَّتْ سَمَّتَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَسَمِّتْ أَخَاكَ إِذَا سَمِعْتَهُ يَحْمَدُ اللَّهَ وَ يُصَلِّی عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَإِنْ لَمْ تَسْتَمِعْ ذَلِكَ مِنْهُ فَلَا تُسَمِّتْهُ وَ إِذَا سَمِعْتَ عَطْسَةً فَاحْمَدِ اللَّهَ وَ إِنْ كُنْتَ فِی صَلَاتِكَ أَوْ كَانَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الْعَاطِسِ أَرْضٌ أَوْ بَحْرٌ وَ مَنْ سَبَقَ الْعَاطِسَ إِلَى

حَمْدِ اللَّهِ أَمِنَ الصُّدَاعَ وَ إِذَا سَمَّتَّ فَقُلْ يَرْحَمُكَ اللَّهُ وَ لِلْمُنَافِقِ يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ تُرِيدُ بِذَلِكَ الْمَلَائِكَةَ الْمُوَكَّلِينَ بِهِ وَ تَقُولُ لِلْمَرْأَةِ عَافَاكِ اللَّهُ وَ لِلْمَرِيضِ شَفَاكَ اللَّهُ وَ لِلْمَغْمُومِ

۱- ۱. کمال الدين ج ۲: ۱۰۴ فی حديث.

۲ - ۲. جشأت نفسه جشوءا: نهضت إليه و ارتفعت و ثارت للقی ء، و جشأ فلان عن الطعام اتخم، فكره الطعام. و فی نسخه الكمبانیّ« أو يخشى» و هو تصحيف.

وَ الْمَهْمُومِ فَرَّحَکَ اللَّهُ وَ لِلْغُلَامِ زَرَعَکَ وَ أَنْشَأَکَ وَ لِلذِّمِّیِّ هَدَاکَ اللَّهُ وَ لِإِمَامِ الْمُسْلِمِینَ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْکَ.

وَ نَرْوِی أَنَّ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: کَانَ یَقُولُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا عَطَسَ رَفَعَ اللَّهُ ذِکْرَکَ وَ قَدْ فَعَلَ وَ کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَقُولُ لِأَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام إِذَا عَطَسَ- أَعْلَی اللَّهُ کَعْبَکَ وَ قَدْ فَعَلَ وَ إِنْ عَطَسْتَ وَ أَنْتَ فِی الصَّلَاهِ أَوْ سَمِعْتَ عَطْسَهً فَاحْمَدِ اللَّهَ عَلَی أَیِّ حَالَهٍ تَکُونُ وَ صَلِّ عَلَی النَّبِیِّ وَ عَلَی آلِهِ.

**[ترجمه]فقه الرضا: بدان که سبب عطسه این است که چون خدا تبارک و تعالی نعمتی به بنده دهد و شکرش را فراموش کند، خدا بادی را بر تنش چیره سازد تا در آن بچرخد و از سوراخ های بینی او به در آید و خدا را به دنبال آن حمد گوید و خدا آن حمد را شکر آن نعمت سازد. و کسی عطسه نزند جز آنکه خوراکش هضم شود، و آروغ نزند جز آنکه بر او گوارا گردد، و چون عطسه زدی، انگشت سبابه را روی بینی کشیده و بگو: «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و علی آله و سلّم، بینی من بر خاک برای خدا، خوار و زبون، نه روگردان و نه متکبر»، زیرا هر کس که این کلمات را پس از عطسه بگوید، از بینی او جانوری به در آید بزرگ تر از پشه و خردتر از مگس و پیوسته در هوا باشد تا به زیر عرش رسد و تا روز قیامت برای او تسبیح گوید. و چون برادرت عطسه زند، به او بگو: «یرحمک الله» و چون او تو را چنین گوید، در جوابش بگو: «خدا ما را و تو را بیامرزد.» این جواب تا دو و سه بار عطسه است و اگر بر آن فزود، بگو: «خدا تو را شفا دهد»، زیرا آن برای درد است و برای بیماری در سر و مغز او. و هر که عطسه زند و کسی به او تحیت و تسمیت نگوید، هفتاد هزار فرشته به او گویند: پس تسمیت گو به برادرت؟ چون شنیدی که می گوید حمد خدا و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله را و اگر شنوای آن نیست، به او بگو و چون عطسه ای شنیدی، خدا را حمد کن، گرچه در نماز باشی یا میان تو و عطسه زن زمین یا دریا فاصله باشد. و هر که پیش از خود عطسه کننده خدا را حمد گوید، از سردرد در امان باشد، و چون تسمیت گویی، بگو: «یرحمک الله» و به قصد فرشته های گماشته بر او، به منافق بگو: «یرحمکم الله» و به زن بگو: «عافاک الله» و به بیمار بگو: «خدا شفایت دهد» و به غمگین بگو: «خدا شادت کند»، و به کودک بگو: «خدا بزرگت کند»، و به کافر بگو: «خدا هدایتت کند»، و به امام مسلمین بگو:«صلی الله علیک.»

و روایت داریم که امیر مؤمنان در عطسه رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن حضرت می گفت: خدا نامت را بلند بکند، و کرد.

و پیغمبر در عطسه زدن علی علیه السّلام به او می فرمود: خدا مقامت را بلند کند، و کرد.

و اگر در نماز عطسه زنی یا آن را بشنوی، خدا را حمد کن در هر حال باشی و صلوات بر پیغمبر و آلش فرست .

**[ترجمه]

باب ۱۰۴ أدب الجشاء و التنخم و البصاق

اشاره

باب ۱۰۴ أدب الجشاء و التنخم و البصاق (۱)

**[ترجمه]باب ۱۰۴ أدب الجشاء و التنخم و البصاق

**[ترجمه]

روایات

«۱»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا تَجَشَّأَ أَحَدُكُمْ فَلَا يَرْفَعْ جُشَاءَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ لَا إِذَا بَزَقَ وَ الْجُشَاءُ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ فَإِذَا تَجَشَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ (۲).

**[ترجمه]قرب الاسناد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون یکی از شما آروغ زند، سر بر آسمان نباشد و همچنین هنگامی که آب دهان بدر کند، و آروغ زدن نعمتی است از خدای عزوجل، پس هر که آروغ زند باید خدا را حمد گوید. - . قرب الاسناد: ۳۲ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَةِ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: لَا يَتْفُلُ الْمُؤْمِنُ فِي الْقِبْلَةِ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ نَاسِياً فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ (۳).

**[ترجمه]خصال: اربعمائه: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: مؤمن رو به قبله تف نکند و اگر کرد، به خاطر آن از خدای عزوجل آمرزش خواهد. - . خصال۲: ۱۵۷ -

**[ترجمه]

«۳»

سن، [المحاسن] النَّوْفَلِيُّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا تَجَشَّأْتُمْ فَلَا تَرْفَعُوا جُشَاءَكُمْ إِلَى السَّمَاءِ(۴).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سر به آسمان آروغ نزنید. - . محاسن: ۴۴۷ -

**[ترجمه]

«۴»

سن، [المحاسن] النَّوْفَلِيُّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِی ذَرٍّ

ص: ۵۶

۱- ۱. الجشأ: انتهاض المعده و انقباضه اثر الشبع و الامتلاء فيخرج بذلک هواء من المعده بصوت و ريح. و تجشأ: تكلف الجشأ. و التنخم: اخراج شی ء من البلغم من صدره أو أنفه و دفعه الى الخارج، و يقال للذی أخرجه النخامه و النخاعه.

۲- ۲. قرب الإسناد: ۳۲.

۳- ۳. الخصال ج ۲: ۱۵۷.

۴- ۴. المحاسن: ۴۴۷.

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَطْوَلُکَمْ جُشَاءً فِی الدُّنْیَا أَطْوَلُکَمْ جُوعاً یَوْمَ الْقِیَامَهِ.

وَ فِی حَدِیثٍ آخَرَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله رَجُلًا یَتَجَشَّأُ فَقَالَ یَا عَبْدَ اللَّهِ قَصِّرْ مِنْ جُشَائِکَ فَإِنَّ أَطْوَلَ النَّاسِ جُوعاً یَوْمَ الْقِیَامَهِ أَکْثَرُهُمْ شِبَعاً فِی الدُّنْیَا(۱).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام از پدرش، از ابوذر، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: هر کدامتان در دنیا آروغ درازتری دارد، در قیامت گرسنگی درازتری دارد.

و در حدیث دیگری آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله شنید که مردی آروغ می زند. به او فرمود: ای بنده خدا! از آروغ خود بکاه که گرسنگی درازتر در روز قیامت، برای کسی باشد که در دنیا بیشتر سیر است. - . محاسن: ۴۴۷ -

**[ترجمه]

«۵»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: الْجُشَاءُ نِعْمَهٌ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ فَإِذَا تَجَشَّأَ أَحَدُکُمْ فَلْیَحْمَدِ اللَّهَ وَ لَا یَرْتَقِی جُشَاؤُهُ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: امام صادق علیه السّلام فرمود: آروغ نعمت خداست؛ چون یکی از شما آروغ زند حمد خدا گوید و سر به بالا نباشد .

**[ترجمه]

باب ۱۰۵ ما یقال عند شرب الماء

روایات

«۱»

مَشَارِقُ الْأَنْوَارِ، لِلْبُرْسِیِّ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَنَّهُ اسْتَدْعَی یَوْماً مَاءً وَ عِنْدَهُ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ وَ فَاطِمَهُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ علیهم السلام فَشَرِبَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله ثُمَّ نَاوَلَهُ الْحَسَنَ علیه السلام فَشَرِبَ فَقَالَ لَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله هَنِیئاً مَرِیئاً یَا أَبَا مُحَمَّدٍ ثُمَّ نَاوَلَهُ الْحُسَیْنَ علیه السلام فَشَرِبَ ثُمَّ قَالَ لَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله هَنِیئاً مَرْئِیّاً ثُمَّ نَاوَلَهُ الزَّهْرَاءَ علیها السلام فَشَرِبَتْ فَقَالَ لَهَا النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله هَنِیئاً مَرِیئاً یَا أُمَّ الْأَبْرَارِ الطَّاهِرِینَ ثُمَّ نَاوَلَهُ عَلِیّاً علیه السلام قَالَ فَلَمَّا شَرِبَ سَجَدَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فَلَمَّا رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ لَهُ بَعْضُ أَزْوَاجِهِ یَا رَسُولَ اللَّهِ شَرِبْتَ ثُمَّ نَاوَلْتَ الْمَاءَ لِلْحَسَنِ علیه السلام: فَلَمَّا شَرِبَ قُلْتَ لَهُ هَنِیئاً مَرِیئاً ثُمَّ نَاوَلْتَهُ الْحُسَیْنَ علیه السلام فَشَرِبَ فَقُلْتَ لَهُ کَذَلِکَ ثُمَّ نَاوَلْتَهُ فَاطِمَهَ فَلَمَّا شَرِبَتْ قُلْتَ لَهَا مَا قُلْتَ لِلْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ ثُمَّ نَاوَلْتَهُ عَلِیّاً فَلَمَّا شَرِبَ سَجَدْتَ فَمَا ذَاکَ فَقَالَ لَهَا إِنِّی لَمَّا شَرِبْتُ الْمَاءَ قَالَ لِی جَبْرَئِیلُ وَ الْمَلَائِکَهُ مَعَهُ هَنِیئاً مَرِیئاً یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ لَمَّا شَرِبَ الْحَسَنُ قَالُوا لَهُ کَذَلِکَ وَ لَمَّا شَرِبَ الْحُسَیْنُ وَ فَاطِمَهُ

۱- ۱. المحاسن: ۴۴۷.

قَالَ جَبْرَئِيلُ وَ الْمَلَائِكَهُ هَنِيئاً مَرِيئاً فَقُلْتُ كَمَا قَالُوا وَ لَمَّا شَرِبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ اللَّهُ لَهُ هَنِيئاً مَرِيئاً يَا وَلِيِّي وَ حُجَّتِي عَلَى خَلْقِي فَسَجَدْتُ لِلَّهِ شُكْراً عَلَى مَا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ فِي أَهْلِ بَيْتِي.

**[ترجمه]مشارق الانوار برسی: به نقل از ابن عباس می گوید که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله آب خواست. علی و فاطمه و حسن و حسین علیه السّلام نزد او بودند و خودش نوشید. سپس به حسن داد و نوشید و به او فرمود: «هنیئا مریئا» (آسان و گوارا باد!) ای ابو محمد! سپس به حسین داد و نوشید و به او هم چنین فرمود. آنگاه به فاطمه علیها السّلام داد و نوشید و به او هم چنین گفت و به او فرمود: «یا ام الابرار الطاهرین!» (یعنی ای مادر نیکان پاک!) سپس به علی علیه السّلام داد.

راوی گوید: چون آن حضرت نوشید، پیغمبر صلی الله علیه و آله به سجده افتاد و چون سر برداشت، یکی از زنانش به او گفت: یا رسول الله! نوشیدی، سپس به حسن دادی تا نوشید و به او «هنیئا مریئا» فرمودی و آنگاه به حسین و فاطمه دادی و نوشیدند و به آنها همان را گفتی و چون به علی علیه السّلام دادی و نوشید، به سجده رفتی. این برای چه بود؟ به او فرمود: چون آب نوشیدم، جبرئیل و فرشته ها با او به من گفتند: «هنیئا مریئا یا رسول الله! و چون حسن نوشید، به او هم چنین گفتند و به حسین و فاطمه علیها السّلام هم چنین گفتند و من هم همان را گفتم. چون امیر مؤمنان علیه السّلام نوشید، خدا به او فرمود: «هنیئا مریئا ای ولی و حجتم بر خلقم! و من برای خدا در برابر نعمتی که به من داد نسبت به خاندانم، سجده شکر کردم .

**[ترجمه]

باب ۱۰۶ الدعابه و المزاح و الضحک

الآیات

التوبه: فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَ لْيَبْكُوا كَثِيراً جَزاءً بِما كانُوا يَكْسِبُونَ (۱)

lt;meta info="- فلیضحکوا قلیلا و لیبکوا کثیرا جزاء بما کانوا یکسبون. - . برائت/ ۸۳ -

{از این پس کم بخندند، و به جزای آنچه به دست می آوردند، بسیار بگریند.}

**[ترجمه]

روایات

«۱»

لی، [الأمالی للصدوق] ابْنُ مَسْرُورٍ عَنِ ابْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَهَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: كَثْرَهُ الْمِزَاحِ تَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَ كَثْرَهُ الضَّحِكِ تَمْحُو الْإِيمَانَ وَ كَثْرَهُ الْكَذِبِ تَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ(۲).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: شوخی بسیار آبرو را برد، خنده بسیار ایمان را برد و دروغ بسیار، ارزش را ببرد. - . امالی صدوق: ۱۶۳ -

**[ترجمه]

«۲»

لی، [الأمالی للصدوق] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا تَمْزَحْ فَیَذْهَبَ نُورُکَ وَ لَا تَکْذِبْ فَیَذْهَبَ بَهَاؤُکَ الْخَبَرَ(۳).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام صادق علیه السّلام فرمود: شوخی مکن تا نورت رود و دروغ مگو تا ارزشت رود... تا آخرخبر. - . امالی صدوق: ۳۲۴ -

**[ترجمه]

«۳»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ: قَالَ دَاوُدُ لِسُلَیْمَانَ علیه السلام یَا بُنَیَّ إِیَّاکَ وَ کَثْرَةَ الضَّحِکِ فَإِنَّ کَثْرَةَ الضَّحِکِ تَتْرُکُ الْعَبْدَ فَقِیراً یَوْمَ الْقِیَامَهِ(۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام باقر علیه السّلام فرمود: داود به سلیمان علیه السّلام فرمود: پسر جانم! از بسیارخندیدن بپرهیز که خندیدن بسیار، بنده را روز قیامت نیازمند و مستمند وانهد. - . قرب الاسناد: ۴۶ -

**[ترجمه]

«۴»

ل، [الخصال] ابْنُ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ الْبَغْدَادِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُعَلَّی عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثٌ فِیهِنَّ الْمَقْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ نَوْمٌ مِنْ غَیْرِ سَهَرٍ وَ ضَحِکٌ مِنْ غَیْرِ عَجَبٍ وَ أَکْلٌ عَلَی الشِّبَعِ (۵).

۱- ۱. براءه: ۸۳.

۲- ۲. أمالی الصدوق ص ۱۶۳.

۳- ۳. أمالی الصدوق ص ۳۲۴.

۴- ۴. قرب الإسناد: ۴۶.

۵- ۵. الخصال ج ۱ ص ۴۴.

**[ترجمه]خصـال: امـام صـادق علیه السّـلام فرمود: در سه چیز دشـمنی خـدا عزوجل است: خواب زیاد که از بیـداری نباشـد؛ خنده ای که از شگفتی نباشد؛ و خوردن در سیری. - . خصال ۱: ۴۴ -

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال] أَبِی عَنْ سَعْدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ یَعْلَی عَنْ أَبِیهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِیزٍ عَنْ زُرَارَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَهْوُ الْمُؤْمِنِ فِی ثَلَاثَهِ أَشْیَاءَ التَّمَتُّعِ بِالنِّسَاءِ وَ مُفَاکَهَهِ الْإِخْوَانِ وَ الصَّلَاهِ بِاللَّیْلِ (۱).

**[ترجمه]خصـال: امام باقر علیه السّـلام فرمود: سـرگرمی مؤمن در سه چیز است: تمتع از زنان، خوش و بش با برادران و نماز شب. - ۲. خصال ۲: ۱۰۵ -

**[ترجمه]

«۶»

مع (۲)،[معانی الأخبار] ل، [الخصال]: فِیمَا أَوْصَی بِهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِلَی أَبِی ذَرٍّ عَجَبٌ لِمَنْ أَیْقَنَ بِالنَّارِ لِمَ یَضْحَکُ- وَ قَالَ صلی الله علیه و آله إِیَّاکَ وَ کَثْرَهَ الضَّحِکِ فَإِنَّهُ یُمِیتُ الْقَلْبَ (۳).

**[ترجمه]معـانی الاخبـار و خصال: پیغمبر در سـفارش به ابوذر فرمود: شـگفتا از کسـی که به دوزخ یقین دارد چرا بخنـدد! و فرمود: بپرهیز از خنده بسیار که دل را بمیراند. - . معانی الاخبار: ۳۳۴ -

**[ترجمه]

«۷»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] الْمُفَسِّرُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ الْحُسَیْنِیِّ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السـلام: کَمْ مِمَّنْ أَکْثَرَ ضَحِکَهُ لَاعِباً یَکْثُرُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ بُکَاؤُهُ وَ کَمْ مِمَّنْ أَکْثَرَ بُکَاءَهُ عَلَی ذَنْبِهِ خَائِفاً یَکْثُرُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فِی الْجَنَّهِ سُرُورُهُ وَ ضَحِکُهُ (۴).

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: ابی محمد از پدرانش علیهم السّـلام، از امام صادق علیه السّـلام نقل است که فرمود: چه بسـیار پر خنـده و بـازیگر که روز قیـامت پر گریه است. و چه بسیار پر گریه بر گنـاه خود و ترسـان که روز قیامت در بهشت بسیارشاد است و خندان است. - . عیون اخبارالرضا ۲: ۳ -

**[ترجمه]

«۸»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] بِإِسْنَادِ الْمُجَاشِعِیِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیٍّ علیهم السلام قَالَ: کَانَ ضَحِکُ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله التَّبَسُّمَ فَاجْتَازَ ذَاتَ یَوْمٍ بِفِتْیَةٍ مِنَ الْأَنْصَارِ وَ إِذَا هُمْ یَتَحَدَّثُونَ وَ یَضْحَکُونَ بِمِلْ ءِ أَفْوَاهِهِمْ فَقَالَ یَا هَؤُلَاءِ مَنْ غَرَّهُ مِنْکُمْ أَمَلُهُ وَ قَصَرَ بِهِ فِی الْخَیْرِ عَمَلُهُ فَلْیَطَّلِعْ فِی الْقُبُورِ وَ لْیَعْتَبِرْ بِالنُّشُورِ وَ اذْکُرُوا الْمَوْتَ فَإِنَّهُ هَادِمُ اللَّذَّاتِ (۵).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: از امام صادق، از پدرانش، از امام علی علیهم السّلام نقل است که فرمود: خندیدن پیغمبر صلی الله علیه و آله همان تبسم بود. روزی آن حضرت به جوانان انصار گذر کرد که گفتگو می کردند و با دهان پر خود می خندیدند. فرمود: ای شما حاضران! هر که از شماها آرزویش او را فریب داده و در کار خیر کوتاهی کرده، سری به قبرها زند و از زنده شدن در قیامت عبرت گیرد؛ مرگ را یاد کنید که شکننده هر لذت و خوشی است. - . امالی شیخ طوسی ۲: ۱۳۶ -

**[ترجمه]

«۹»

سن، [المحاسن] أَبِی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْیَقْطِینِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی هَارُونَ الْعَبْدِیِّ عَنْ سَلْمَانَ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: أَعْجَبَتْنِی ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثٌ أَحْزَنَتْنِی فَأَمَّا اللَّوَاتِی أَعْجَبَتْنِی فَطَالِبُ الدُّنْیَا وَ الْمَوْتُ یَطْلُبُهُ وَ غَافِلٌ لَا یُغْفَلُ عَنْهُ وَ ضَاحِکٌ مِلْ ءَ فِیهِ وَ جَهَنَّمُ وَرَاءَ ظَهْرِهِ لَمْ یَأْتِهِ ثِقَةٌ بِبَرَاءَتِهِ (۶).

**[ترجمه]محاسن: سلمان رضی الله عنه فرمود: سه کس مرا به شگفت آرند و سه تای دیگر به اندوه کشند. اما آنها که به شگفتم آرند: آن کس که جویای دنیا است با اینکه مرگ در دنبال او است؛ آن کس که غفلت ورزد و از او غفلت ندارند؛ و آن که با تمام دهانش بخندد و دوزخ را در پیش دارد و سند بیزاری از آن برایش نیامده. - . محاسن: ۴ -

**[ترجمه]

أقول

أوردناه بسندین فی باب أحوال سلمان (۷)

و باب الخوف.

**[ترجمه]این روایت را به دو سند در باب احوال سلمان - . بحار الانوار ۲۲: ۳۶۰ - و در باب خوف آوردیم .

**[ترجمه]

«۱۰»

ف، [تحف العقول] عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ علیه السلام قَالَ: لَا تُمَارِ فَیَذْهَبَ بَهَاؤُکَ وَ لَا تُمَازِحْ فَیُجْتَرَأَ عَلَیْکَ وَ قَالَ علیه السلام مِنَ الْجَهْلِ الضَّحِکُ مِنْ غَیْرِ عَجَبٍ (۸).

ص: ۵۹

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۷۷.

۲- ۲. معانی الأخبار ص ۳۳۴.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۱۰۵.

۴- ۴. عیون الأخبار ج ۲ ص ۳.

۵- ۵. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۱۳۶.

۶- ۶. المحاسن ص ۴.

۷- ۷. راجع ج ۲۲ ص ۳۶۰.

۸- ۸. تحف العقول ص ۴۸۶ فی ط.

**[ترجمه]تحف العقول: امـام هـادی علیه السّـلام فرمود: ستیزه مکن تا ارزشت برود، و شوخی مکن تا بر تو گسـتاخ شونـد. و فرمود: خندیدن بیجا و بی شگفتی از نادانی است. - . تحف العقول: ۴۸۶ -

**[ترجمه]

«۱۱»

ص، [قصـص الأنبیـاء علیهـم السـلام] الصَّدُوقُ بِإِسْنَادِهِ إِلَى ابْنِ أُورَمَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ الرِّضَا علیه السـلام قَالَ: كَانَ عِيسَى علیه السـلام يَبْكِي وَ يَضْحَكُ وَ كَانَ يَحْيَى علیه السـلام يَبْكِي وَ لَا يَضْحَكُ وَ كَانَ الَّذِي يَفْعَلُ عِيسَى أَفْضَلَ.

**[ترجمه]قصـص الانبیاء: امام رضا علیه السّـلام فرمود: عیسـی علیه السّـلام هم می خندید و هم می گریست و حضـرت یحیی علیه السّلام می گریست و نمی خندید و آنچه عیسی علیه السّلام می کرد بهتر بود.

**[ترجمه]

«۱۲»

سن، [المحاسن] بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْجُعْفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ بِلَا رَفَثٍ الْمُتَوَحِّدَ بِالْفِكْرَةِ الْمُتَحَلِّيَ بِالصَّبْرِ الْمُسَاهِرَ بِالصَّلَاةِ(۱).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّـلام می فرمود: همانا خـدا دوست دارد شوخی کننـده در میان گروه را که بد نگوید و در فکر یگانگی باشد و شکیبایی پیشه کند و برای نماز خواندن بیدار باشد. - . محاسن: ۲۹۳ -

**[ترجمه]

«۱۳»

سر، [السرائر] فِي جَامِعِ الْبَزَنْطِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَ فِيهِ دُعَابَةٌ قُلْتُ وَ مَا الدُّعَابَةُ قَالَ الْمِزَاحُ (۲).

**[ترجمه]سـرائر: امام صادق علیه السّلام فرمود: در هر مؤمنی دعابه است. راوی گوید گفتم: دعابه چیست؟ فرمود: شوخی. - . سرائر: ۴۶۵ -

**[ترجمه]

«۱۴»

سر، [السرائر] مِنْ كِتَابِ أَبِی الْقَاسِمِ بْنِ قُولَوَیْهِ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْیَنَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَقُلْتُ أَوْصِنِی فَقَالَ أُوصِیکَ بِتَقْوَی اللَّهِ وَ إِیَّاکَ وَ الْمِزَاحَ فَإِنَّهُ یُذْهِبُ هَیْبَهَ الرَّجُلِ وَ مَاءَ وَجْهِهِ وَ عَلَیْکَ بِالدُّعَاءِ لِإِخْوَانِکَ بِظَهْرِ الْغَیْبِ فَإِنَّهُ یَهِیلُ الرِّزْقَ یَقُولُهَا ثَلَاثاً(۳).

**[ترجمه]سرائر: حمران بن اعین گفت: نزد امام باقر علیه السّلام رفتم و گفتم: به من سفارشی فرما. فرمود: تو را سفارش می کنم به تقوای از خدا، و بپرهیز از شوخی که احترام را ببرد و آبرو را بریزد، و بر تو باد که در پشت سر برادرانت دعایشان کنی، زیرا که روزی را فرو ریزد، و سه بار آن را فرمود. - . سرائر: ۴۹۰ -

**[ترجمه]

«۱۵»

ختص، [الإختصاص] قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: کَثْرَهُ الْمِزَاحِ تَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَ کَثْرَهُ الضَّحِکِ تَمْحُو الْإِیمَانَ مَحْواً(۴).

**[ترجمه]اختصاص: امام صادق علیه السّلام فرمود: بسیار شوخی کردن آبرو را ببرد، و خنده بسیار ایمان را نابود کند، نابود کردنی! - . اختصاص: ۲۳۰ -

**[ترجمه]

«۱۶»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] جَمَاعَهٌ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ جَعْفَرٍ الْعَسْکَرِیِّ عَنْ عُبَیْدِ بْنِ الْهَیْثَمِ عَنْ حُسَیْنِ بْنِ عُلْوَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: حُسْنُ الْبِشْرِ لِلنَّاسِ نِصْفُ الْعَقْلِ وَ التَّقْدِیرُ نِصْفُ الْمَعِیشَهِ وَ الْمَرْأَهُ الصَّالِحَهُ أَحَدُ الْکَاسِبَیْنِ (۵).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام نقل کرد که فرمود: خوشرویی برابر مردم نیمی از عقل است، و تدبیر و اندازه گیری نیمی از زندگی. و زن خوب یک راه درآمد است. - . امالی شیخ طوسی ۲: ۲۲۶ -

**[ترجمه]

«۱۷»

نهج، [نهج البلاغه] قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: مَا مَزَحَ رَجُلٌ مَزْحَهً إِلَّا مَجَّ مِنْ عَقْلِهِ مَجَّهً(۶).

وَ قَالَ علیه السلام: فِی وَصِیَّتِهِ لِلْحَسَنِ علیه السلام: إِیَّاکَ أَنْ تَذْکُرَ مِنَ الْکَلَامِ مَا کَانَ مُضْحِکاً

۱- ۱. المحاسن ص ۲۹۳.

۲- ۲. مستطرفات السرائر: ۴۶۵.

۳- ۳. مستطرفات السرائر: ۴۹۰.

۴- ۴. الاختصاص: ۲۳۰.

۵- ۵. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۲۶.

۶- ۶. نهج البلاغه الرقم ۴۵۰ من الحکم.

وَ إِنْ حَكَيْتَ ذَلِكَ مِنْ غَيْرِكَ (۱).

**[ترجمه]نهج البلاغه: علی علیه السّلام فرمود: کسی شوخی نکند جز آنکه از خردش مقداری کم شود. - . نهج البلاغه:، حکمت ۴۵۰ -

و در سفارشش به امام حسن فرمود: مبادا سخن خنده آور بگویی، اگرچه به نقل از دیگری باشد. - . نهج البلاغه: نامه ۳۱ -

**[ترجمه]

«۱۸»

کِتَابُ الْإِمَامَهِ وَ التَّبْصِرَهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُبَيْدٍ الْكِنْدِيِّ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الضَّحِكُ هَلَاكٌ.

**[ترجمه]امامت و تبصره: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خنده هلاکت است .

**[ترجمه]

باب ۱۰۷ الأبواب التی ینبغی الاختلاف و بعض النوادر

روایات

«۱»

ل، [الخصال] الْقَطَّانُ عَنْ أَحْمَدَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مَرْوَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الثُّمَالِيِّ عَنِ ابْنِ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: كَانَتِ الْحُكَمَاءُ فِيمَا مَضَى مِنَ الدَّهْرِ تَقُولُ يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ الِاخْتِلَافُ إِلَى الْأَبْوَابِ لِعَشَرَهِ أَوْجُهٍ أَوَّلُهَا بَيْتُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِقَضَاءِ نُسُكِهِ وَ الْقِيَامِ بِحَقِّهِ وَ أَدَاءِ فَرْضِهِ وَ الثَّانِي أَبْوَابُ الْمُلُوكِ الَّذِينَ طَاعَتُهُمْ مُتَّصِلَهٌ بِطَاعَهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ حَقُّهُمْ وَاجِبٌ وَ نَفْعُهُمْ عَظِيمٌ وَ ضَرَرُهُمْ شَدِيدٌ وَ الثَّالِثُ أَبْوَابُ الْعُلَمَاءِ الَّذِينَ يُسْتَفَادُ مِنْهُمْ عِلْمُ الدِّينِ وَ الدُّنْيَا وَ الرَّابِعُ أَبْوَابُ أَهْلِ الْجُودِ وَ الْبَذْلِ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ الْتِمَاسَ الْحَمْدِ وَ رَجَاءَ الْآخِرَهِ وَ الْخَامِسُ أَبْوَابُ السُّفَهَاءِ الَّذِينَ يُحْتَاجُ إِلَيْهِمْ فِي الْحَوَادِثِ وَ يُفْزَعُ إِلَيْهِمْ فِي الْحَوَائِجِ وَ السَّادِسُ أَبْوَابُ مَنْ يُتَقَرَّبُ إِلَيْهِ مِنَ الْأَشْرَافِ- لِالْتِمَاسِ الْهَيْئَهِ وَ الْمُرُوَّهِ وَ الْحَاجَهِ وَ السَّابِعُ أَبْوَابُ مَنْ يُرْتَجَى عِنْدَهُمُ النَّفْعُ فِي الرَّأْيِ وَ الْمَشُورَهِ وَ تَقْوِيَهِ الْحَزْمِ وَ أَخْذِ الْأُهْبَهِ لِمَا يُحْتَاجُ إِلَيْهِ وَ الثَّامِنُ أَبْوَابُ الْإِخْوَانِ لِمَا يَجِبُ مِنْ مُوَاصَلَتِهِمْ وَ يَلْزَمُ مِنْ حُقُوقِهِمْ التَّاسِعُ أَبْوَابُ الْأَعْدَاءِ الَّتِي تَسْكُنُ بِالْمُدَارَاهِ غَوَائِلُهُمْ وَ يُدْفَعُ بِالْحِيَلِ وَ الرِّفْقِ وَ اللُّطْفِ وَ الزِّيَارَهِ عَدَاوَتُهُمْ

۱– ۱. نهج البلاغه الرقم ۳۱ من قسم الکتب.

وَ الْعَاشِرُ أَبْوَابُ مَنْ يُنْتَفَعُ بِغِشْيَانِهِمْ وَ يُسْتَفَادُ مِنْهُمْ حُسْنُ الْأَدَبِ وَ يُؤْنَسُ بِمُحَادَثَتِهِمْ (۱).

**[ترجمه]خصال: امير مؤمنان عليه السّلام فرمود: فرزانگان گذشته روزگار مى گفتند كه رفتن به در خانه ها ده وجه دارد:

اول: رفتن به خانه خدا براى انجام حج و پرداخت حق آن و اداى واجب در آن.

دوم: رفتن به در خانه فرمانگزارانى كه فرمانبرى شان پيوسته به فرمانبرى از خداى عزوجل است، و حقشان واجب است و سودشان كلان و زيانشان سخت.

سوم: رفتن به در خانه عالمانى كه در دانش دين و دنيا از آنها استفاده شود.

چهارم: رفتن به در خانه هاى كسانى كه بخشنده اند و دارايى خود را براى تحصيل مدح و اميد ثواب آخرت مى دهند.

پنجم: رفتن به در خانه كم خردانى كه در برخورد با پيشامدها و پناه بردن براى انجام و برآوردن نيازها، بدانها نياز باشد

ششم: رفتن به در خانه هايى كه متعلق به اشراف است به منظور طلب كردن آبرو و مردانگى و حاجت از آنها.

هفتم: رفتن به در خانه هايى كه از آنها اميد كسب راى و مشورت شود و حزم و دورانديشى به دست آيد و آمادگى براى هر چه بدان نياز است.

هشتم: رفتن به در خانه برادران دينى كه پيوند با آنها واجب است و اداى حقوقشان لازم است .

نهم: رفتن به در خانه دشمنانى كه با مدارا كردن، شرورتشان آرام شود و با نرمش و لطف و ديداردشمنى شان فروكش كند.

دهم: رفتن به در خانه كسانى كه از آميزش با آنها سودى برده شود و از آداب خويشان بهره برند و گفتگو با آنها آرامش بخش است. - . خصال۲: ۴۸ -

**[ترجمه]

«۲»

نهج، [نهج البلاغه] قَالَ عليه السلام: الشَّفِيعُ جَنَاحُ الطَّالِبِ (۲).

وَ قَالَ عليه السلام: فَوْتُ الْحَاجَةِ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِهَا إِلَى غَيْرِ أَهْلِهَا(۳).

**[ترجمه]نهج البلاغه: فرمود : شفاعت كننده چونان بال و پر در خواست كننده است. - . نهج البلاغه: حكمت۶۳ و۶۶ -

و فرمود: از دست دادن حاجت، بهتر از درخواست كردن از نا اهل است. - . نهج البلاغه: حكمت۶۳ و۶۶ -

**[ترجمه]

باب ۱۰۸ ما یجوز من تعظیم الخلق و ما لا یجوز

الآیات

البقره: وَ إِذْ قُلْنا لِلْمَلائِکَهِ اسْجُدُوا لِآدَمَ (۴)

آل عمران: ما کانَ لِبَشَرٍ أَنْ یُؤْتِیَهُ اللَّهُ الْکِتابَ وَ الْحُکْمَ وَ النُّبُوَّهَ ثُمَّ یَقُولَ لِلنَّاسِ کُونُوا عِباداً لِی مِنْ دُونِ اللَّهِ (۵)

یوسف: وَ رَفَعَ أَبَوَیْهِ عَلَی الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سُجَّداً(۶)

النمل: وَجَدْتُها وَ قَوْمَها یَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَیَّنَ لَهُمُ الشَّیْطانُ أَعْمالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِیلِ فَهُمْ لا یَهْتَدُونَ- أَلَّا یَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِی یُخْرِجُ الْخَبْ ءَ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ (۷)

lt;meta info="- و إذ قلنا للملائکه اسجدوا لآدم. -. بقره/ ۳۲ -

{و چون فرشتگان را فرمودیم: برای آدم سجده کنید.}

- ما کان لبشر أن یؤتیه الله الکتاب و الحکم و النبوه ثم یقول للناس کونوا عبادا لی من دون الله. -. آل عمران/ ۷۹ -

{هیچ بشری را نسزد که خدا به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد سپس او به مردم بگوید: به جای خدا، بندگان من باشید.}

- و رفع أبویه علی العرش و خروا له سجدا. -. یوسف/ ۱۰۰ -

{و پدر و مادرش را به تخت برنشانید، و [همه آنان] پیش او به سجده درافتادند.}

- وجدتها و قومها یسجدون للشمس من دون الله و زین لهم الشیطان أعمالهم فصدهم عن السبیل فهم لا یهتدون- ألا یسجدوا لله الذی یخرالخب ء فی السماوات و الأرض. -. نمل/ ۲۴ - ۲۵ -

{او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا برای خورشید سجده می کنند، و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] بازداشته بود، در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند. [آری، شیطان چنین کرده بود] تا برای خدایی که نهان را در آسمان ها و زمین بیرون می آورد و آنچه را پنهان می دارید و آنچه را آشکار می نمایید می داند، سجده نکنند.}

**[ترجمه]

روایات

«۱»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام فِی قَوْلِهِ تَعَالَی وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً مَا سَجَدْتَ بِهِ مِنْ جَوَارِحِكَ لِلَّهِ تَعَالَی فَلَا تَدْعُو مَعَ اللَّهِ أَحَداً(۸).

**[ترجمه]نوادر راوندی: امام کاظم از پدرانش علیهم السّلام، از امام علی علیه السّلام در تفسیر«أن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحدا.» - . جن / ۱۸ - {و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مخوانید.} فرمود: با آنچه از اندام خود برای خدا تعالی سجده می کنی، مخوان به همراه خدا احدی را. - . نوادر راوندی: ۳۰ -

**[ترجمه]

«۲»

نهج، [نهج البلاغه] قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: وَ قَدْ لَقِيَهُ عِنْدَ مَسِيرِهِ إِلَی الشَّامِ دَهَاقِينُ

ص: ۶۲

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۴۸.

۲- ۲. نهج البلاغه الرقم ۶۳ و ۶۶ من الحکم.

۳- ۳. نهج البلاغه الرقم ۶۳ و ۶۶ من الحکم.

۴- ۴. البقره: ۳۲.

۵- ۵. آل عمران: ۷۹.

۶- ۶. یوسف: ۱۰۰.

۷- ۷. النمل: ۲۴ و ۲۵.

۸- ۸. نوادر الراوندیّ: ۳۰.

الْأَنْبَارِ فَتَرَجَّلُوا لَهُ وَ اشْتَدُّوا بَيْنَ يَدَيْهِ مَا هَذَا الَّذِی صَنَعْتُمُوهُ فَقَالُوا خُلُقٌ مِنَّا نُعَظِّمُ بِهِ أُمَرَاءَنَا- فَقَالَ علیه السلام وَ اللَّهِ مَا يَنْتَفِعُ بِهَذَا أُمَرَاؤُكُمْ وَ إِنَّكُمْ لَتَشُقُّونَ بِهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ وَ تَشْقَوْنَ بِهِ فِی آخِرَتِكُمْ وَ مَا أَخْسَرَ الْمَشَقَّةَ وَرَاءَهَا الْعِقَابُ وَ أَرْبَحَ الدَّعَةَ مَعَهَا الْأَمَانُ مِنَ النَّارِ(۱).

**[ترجمه]نهج البلاغه: در سر راه صفين، دهقانان شهر انبار تا امام را ديدند پياده شدند و پيشاپيش آن حضرت دويدند. فرمود: چرا چنين می كنيد؟ گفتند: عادتی است كه با آن پادشاهان خود را احترام می كرديم. فرمود: به خدا سوگند كه اميران شما از اين كار سودی نبردند، و شما در دنيا با آن خود را به زحمت می افكنيد، و در آخرت دچار رنج و زحمت می گرديد، و چه زيانبار است رنجی كه عذاب در پی آن باشد، و چه سودمند است آسايشی كه با آن، امان از آتش جهنم باشد. - . نهج البلاغه: حكمت ۳۷ -

**[ترجمه]

«۳»

تَأْوِيلُ الْآيَاتِ الظَّاهِرَهِ، بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّدُوقِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْوَهَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الشَّعْرَانِيِّ عَنْ عَبْدِ الْبَاقِی عَنْ عُمَرَ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَاجِبِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ وَكِيعِ بْنِ الْجَرَّاحِ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ ابْنِ ظَبْيَانَ عَنْ أَبِی ذَرٍّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: رَأَيْتُ سَلْمَانَ وَ بِلَالًا يُقْبِلَانِ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله إِذِ انْكَبَّ سَلْمَانُ عَلَى قَدَمِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يُقَبِّلُهَا فَزَجَرَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله عَنْ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ لَهُ يَا سَلْمَانُ لَا تَصْنَعْ بِی مَا تَصْنَعُ الْأَعَاجِمُ بِمُلُوكِهَا أَنَا عَبْدٌ مِنْ عَبِيدِ اللَّهِ آكُلُ مِمَّا يَأْكُلُ الْعَبْدُ وَ أَقْعُدُ كَمَا يَقْعُدُ الْعَبْدُ.

**[ترجمه]تاويل الآيات الظاهره: ابوذر (ره) گفت: سلمان را با بلال ديدم كه به حضور پيغمبر صلی الله علیه و آله آمدند. ناگاه سلمان روی پای رسول خدا صلی الله علیه و آله افتاد و آن را می بوسيد. پس پيغمبر او را از اين كار بازداشت و به او فرمود: ای سلمان! با من كاری نكن كه عجم ها با شاهان خود كنند. من يكی از بندگان خدايم؛ می خورم از آنچه بنده ای می خورد و به مانند يک بنده روی زمين می نشينم.

**[ترجمه]

«۴»

ک، [إكمال الدين] حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مِهْرَانَ الْآبِيُّ الْعَرُوضِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ بِمَرْوَ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سِنَانٍ الْمَوْصِلِيِّ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: لَمَّا قُبِضَ سَيِّدُنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيُّ علیه السلام وَفَدَ مِنْ قُمَّ وَ الْجِبَالِ وُفُودٌ بِالْأَمْوَالِ كَانَتْ تُحْمَلُ عَلَى الرَّسْمِ فَلَمَّا أَنْ وَصَلُوا إِلَى سُرَّمَنْ رَأَى قِيلَ لَهُمْ إِنَّهُ قَدْ فُقِدَ فَطَلَبَ جَعْفَرٌ مِنْهُمُ الْمَالَ وَ لَمْ يُعْطُوهُ فَلَمَّا خَرَجُوا مِنَ الْبَلَدِ خَرَجَ عَلَيْهِمْ غُلَامٌ وَ نَادَاهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَ قَالَ أَجِيبُوا مَوْلَاكُمْ قَالُوا فَسِرْنَا مَعَهُ حَتَّى دَخَلْنَا دَارَ مَوْلَانَا الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ علیهما السلام فَإِذَا وَلَدُهُ الْقَائِمُ عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ قَاعِدٌ عَلَى سَرِيرٍ كَأَنَّهُ فِلْقَةُ الْقَمَرِ عَلَيْهِ ثِيَابٌ خُضْرٌ فَسَلَّمْنَا عَلَيْهِ فَرَدَّ

عَلَيْنَا السَّلَامَ فَقَالَ جُمْلَهُ الْمَالِ كَذَا وَ كَذَا دِينَاراً حَمَلَ فُلَانٌ كَذَا وَ فُلَانٌ كَذَا وَ لَمْ يَزَلْ يَصِفُ حَتَّى وَصَفَ الْجَمِيعَ ثُمَّ وَصَفَ ثِيَابَنَا وَ رِحَالَنَا وَ مَا كَانَ مَعَنَا مِنَ الدَّوَابِّ فَخَرَرْنَا

۱- ۱. نهج البلاغه الرقم ۳۷ من الحکم و أصل القصه طویله تراها فی ج ۷۵ ص ۳۵۶ من هذه الطبعه نقلا عن کتاب صفّین لنصر بن مزاحم.

سُجَّداً لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ شُكْراً لِمَا عَرَّفَنَا وَ قَبَّلْنَا الْأَرْضَ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ سَأَلْنَاهُ عَمَّا أَرَدْنَا فَأَجَابَ فَحَمَلْنَا إِلَيْهِ الْأَمْوَالَ وَ الْخَبَرُ طَوِيلٌ أَوْرَدْنَاهُ فِي كِتَابِ الْغَيْبَةِ(۱).

**[ترجمه]کمال الدین: علی بن سنان موصلی از قول پدرش نقل می کند که گفت: چون سید ما امام حسن عسکری علیه السّلام وفات کرد، کاروان هایی از قم و کوهستان با اموالی که به شیوه سابق می آورندند وارد شدند و چون به «سُر مَن رای» رسیدند، به آنها گفته شد که آن حضرت فوت کرده و جعفر (برادر امام حسن علیه السّلام) مال را از آنها خواست و به او ندادند. چون از شهر بیرون شدند، غلامی به دنبالشان آمد و آنها را به نام هاشان خواند و گفت: پذیرا شوید آقای خود را! گفتند: با او رفتیم تا به خانه آقای خود امام حسن بن علی در آمدیم و به ناگاه پسرش امام قائم عجل الله فرجه را دیدیم که بر تختی نشسته بود؛ همچون یک ماه پاره و جامه سبزی بر تن داشت. بر او سلام کردیم. به ما جواب داد و فرمود: همه مال چنین و چنان اشرفی طلاست، فلانی این مقدار آورده و فلانی این مقدار و همه پول را شرح داد. سپس جامه ها و توشه های ما و هر چه مرکب را که داشتیم شرح داد. ما رو بر خاک نهادیم و خدا عزوجل را به شکرانه معرفت امام سجده کردیم، زمین را برابرش بوسه زدیم و هر چه خواستیم از حضرتش پرسیدیم و به ما جواب داد. پس همه پول ها را به آن حضرت تقدیم کردیم و... این خبر طولانی است که در کتاب غیبت آوردیم. - . کمال الدین ۲: ۱۵۴ -

**[ترجمه]

بيان

ظاهره جواز تقبيل الأرض عند الإمام عليه السلام و إن أمكن حمله على أن التقبيل كان من تتمه سجده الشكر و قوله بين يديه متعلقا بسجد و قبلنا معا لكنه بعيد و على أي حال لا يمكن مقايسه غيرهم عليهم السلام بهم في ذلك.

۱- ۱. كمال الدين ج ۲ ص ۱۵۴ و قد أورده في تاريخ الإمام الثاني عشر عليه السلام الباب ۱۸ باب ذكر من رآه صلوات اللّه عليه- تحت الرقم: ۳۴، راجع ج ۵۲ ص ۴۷ من هذه الطبعه.

**[ترجمه]ظاهرش این است که جایز است بوسیدن زمین نزد امام علیه السّلام، اگرچه می شود تفسیر کرد که زمین بوسی دنباله همان سجده شکر بوده، ولی بعید است و به هر حال نمی شود آنان را با دیگران در این باره سنجید و برابر شمرد.

**[ترجمه]

القسم الثانی من المجلد السادس عشر کتاب الآداب و السنن و الأوامر و النواهی و الکبائر و المعاصی و الزی و التجمل

اشاره

ص: ۶۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَ الْعاقِبَهُ لِلْمُتَّقِينَ و لا عُدْوانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ ثم الصلاه و السلام على أشرف الأنبياء و المرسلين محمد بن عبد الله خاتم النبيين و عترته الغر الميامين ما دامت السماوات و الأرضين (۱).

أما بعد فهذا هو المجلد السادس عشر من مجلدات كتاب بحار الأنوار تأليف الغريق فی بحار رحمه ربه الوفی مولانا محمد باقر بن محمد تقی المجلسی علیهما رضوان الله الملک العلی (۲)

و هو يحتوی على كتاب الآداب و السنن و الأوامر و النواهی و الكبائر و المعاصی.

**[ترجمه]به نام خداوند بخشنده مهربان. سپاس از آن پروردگار جهانیان است و سرانجام از آن پرهیزکاران، و چیرگی نباشد جز بر علیه ستمکاران. پس از آن رحمت و درود بر اشرف پیغمبران و رسولان، محمد بن عبدالله آخرین پیمبران و برخاندان درخشنده و با میمنتش تا آسمان ها و زمین برپاست.

اما بعد؛ این است مجلد شانزده از مجلدات کتاب بحار الانوار تألیف غرق شده در دریاهای رحمت پروردگار وفادار خود، مولانا محمد باقر، پسر محمد تقی مجلسی که رضوان خداوند مالک والا و دارا بر آنان باد و آن شامل کتاب آداب و سنن و اوامر و نواهی و کبائر و معاصی است.

**[ترجمه]

أقول

قد مضى كثير من أخبار هذا الكتاب فی مطاوی أبواب (۳) كتاب الإيمان و الكفر و كتاب العشره أيضا فلا تغفل عن ذلك.

**[ترجمه]بسیاری از اخبار این کتاب در ضمن کتاب ایمان و کفر و کتاب العشره نیز گذشته و از آن غفلت مکن .

**[ترجمه]

أبواب آداب التطيب و التنظيف و الاكتحال و التدهن

باب ۱ جوامع آداب النبی صلى الله عليه و آله و سنته

روايات

«۱»

ل، [الخصال] ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدَآبَادِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ مَعاً عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُصْعَبٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام

۱- ۱. كذا، و الصحيح« ما دامت السماوات و الارضون» و لعلّ منشأه الانس برعايه السجع.

۲- ۲. قد أشرنا فى مقدّمه القسم الأوّل من الجزء السادس عشر(ج ۷۴- كتاب العشره) أن المؤلّف العلامه انتقل الى بحار رحمه اللّه قبل أن يخرج هذا المجلد الى البياض، فاعتنى تلميذه المرزا عبد اللّه أفندى بجمع المسودات و جعلها فى قسمين و أخرجهما الى البياض فالخطبه من منشآت قلمه رضوان اللّه عليه صدر بها الكتاب حين أخرجه الى البياض فلا تغفل.

۳- ۳. فى المطبوعه فى مطاوى أهل الإيمان و الكفر.

قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: خَمْسٌ لَا أَدَعُهُنَّ حَتَّی الْمَمَاتِ الْأَكْلُ عَلَی الْحَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَ رُكُوبِيَ الْحِمَارَ مُؤْكَفاً وَ حَلْبُ الْعَنْزِ بِيَدَيَّ وَ لُبْسُ الصُّوفِ وَ التَّسْلِيمُ عَلَی الصِّبْيَانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِی (١).

**[ترجمه]خصال: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: پنج چیزند که تا مرگ ترکشان نکنم تا روشی شوند پس از من: خوردن بر زمین با برده ها؛ سوار شدن بر الاغ پالان دار؛ دوشیدن بز به دست خود؛ پوشیدن پشمینه؛ و سلام بر کودکان. - .[١] خصال ١: ١٣٠ -

**[ترجمه]

أقول

و فی خبر آخر عن السكونی عنه علیه السلام و خصفی النعل بیدی (٢) و قد مضی بأسانید مع الأخبار الأخری فی كتاب الحجه فی باب مكارم أخلاقه صلی الله علیه و آله (٣).

**[ترجمه]در خبر دیگر از سکونی از آن حضرت علیه السّلام، «پینه زدن کفش به دستم» - . خصال ١: ١٣٠ - نیز در آن آمده است و این حدیث به چند سند با اخبار دیگری در کتاب الحجه در باب کلیات مکارم اخلاق آن حضرت آمده است.

**[ترجمه]

«٢»

مكا، [مكارم الأخلاق] عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: إِنِّی لَأَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَمُوتَ وَ قَدْ بَقِيَتْ خَلَّةٌ مِنْ خِلَالِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمْ يَأْتِ بِهَا(۴).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: همانا من بد دارم که کسی بمیرد و کرداری از کردارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله بماند که انجام نداده باشد. - . مکارم الاخلاق: ۴١ -

**[ترجمه]

باب ٢ السنن الحنيفيه

روايات

«١»

ل، [الخصال] ابْنُ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ الْكَاظِمِ علیه السلام قَالَ: خَمْسٌ مِنَ السُّنَنِ فِی الرَّأْسِ وَ خَمْسٌ فِی الْجَسَدِ فَأَمَّا الَّتِی فِی الرَّأْسِ فَالْمِسْوَاكُ وَ أَخْذُ الشَّارِبِ وَ فَرْقُ الشَّعْرِ وَ الْمَضْمَضَهُ وَ الِاسْتِنْشَاقُ وَ أَمَّا

الَّتِی فِی الْجَسَدِ فَالْخِتَانُ وَ حَلْقُ الْعَانَهِ وَ نَتْفُ الْإِبْطَیْنِ وَ تَقْلِیمُ الْأَظْفَارِ وَ الِاسْتِنْجَاءُ(۵).

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: أَمَّا السُّنَنُ الْحَنِیفِیَّهُ الَّتِی قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِنَبِیِّهِ صلی الله علیه و آله وَ اتَّبَعَ مِلَّهَ إِبْراهِیمَ حَنِیفاً(۶) فَهِیَ عَشَرَهُ سُنَنٍ خَمْسَهٌ فِی الرَّأْسِ وَ خَمْسَهٌ فِی الْجَسَدِ وَ ذَکَرَ مِثْلَهُ (۷).

**[ترجمه]خصال: امام کاظم علیه السّلام فرمود: پنج سنت در سَر باشند و پنج تا در تن. اما آنچه در سر باشند: مسواک زدن، موی سبیل چیدن، فرق موی سر باز کردن، مضمضه و استنشاق است. و اما آنچه در تن باشند: ختنه کردن، چیدن موی عانه، کندن موی زیر دو بغل، چیدن ناخن ها و استنجاء (شستن مقعد) است. - . خصال ۱: ۱۳۰ -

اما فقه الرضا به روش های حنیفی اشاره کرده که خدا عزوجل به پیغمبرش فرمود: «و اتبع مله إبراهیم حنیفا.» - . نساء/ ۱۲۵ - {و از آیین ابراهیم حق گرا پیروی نموده است} که آنها ده سنت باشند - پنج سنت در سر و پنج سنت در تن - و مانند همان را آورده است. - . فقه الرضا: ۱ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] ابْنُ بُنْدَارَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ نُوحٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ حَمَّادٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْحُلْوَانِیِّ عَنْ بَشِیرِ بْنِ عُمَرَ عَنْ مَالِکِ بْنِ أَنَسٍ

ص: ۶۷

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۱۳۰.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۱۳۰.

۳- ۳. راجع ج ۱۶ ص ۲۱۵ من هذه الطبعه.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۴۱.

۵- ۵. الخصال ج ۱ ص ۱۳۰.

۶- ۶. النساء: ۱۲۵.

۷- ۷. فقه الرضا: ۱، و فی المطبوعه رمز ما و لم نجده فی أمالی الطوسیّ.

عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِی سَعِيدٍ الْمَقْبُرِیِّ عَنْ أَبِی هُرَيْرَهَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله عليه و آله: خَمْسٌ مِنَ الْفِطْرَهِ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَ قَصُّ الشَّارِبِ وَ نَتْفُ الْإِبْطِ وَ حَلْقُ الْعَانَهِ وَ الِاخْتِتَانُ (۱).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله عليه و آله فرمود: پنج چيز از فطرتند: چيدن ناخن، گرفتن سبيل، كندن موی زير بغل، ستردن موی زهار و ختنه كردن. -. خصال ۱: ۴۹ -

**[ترجمه]

«۳»

فس، [تفسير القمی]: أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَی إِبْرَاهِيمَ الْحَنِيفِيَّهَ وَ هِیَ الطَّهَارَهُ وَ هِیَ عَشَرَهُ أَشْيَاءَ خَمْسَهٌ فِی الرَّأْسِ وَ خَمْسَهٌ فِی الْبَدَنِ وَ أَمَّا الَّتِی فِی الرَّأْسِ فَأَخْذُ الشَّارِبِ وَ إِعْفَاءُ اللِّحَی وَ طَمُّ الشَّعْرِ وَ السِّوَاکُ وَ الْخِلَالُ وَ أَمَّا الَّتِی فِی الْبَدَنِ فَحَلْقُ الشَّعْرِ مِنَ الْبَدَنِ وَ الْخِتَانُ وَ قَلْمُ الْأَظْفَارِ وَ الْغُسْلُ مِنَ الْجَنَابَهِ وَ الطَّهُورُ بِالْمَاءِ فَهَذِهِ خَمْسَهٌ فِی الْبَدَنِ وَ هِیَ الْحَنِيفِيَّهُ الطَّاهِرَهُ الَّتِی جَاءَ بِهَا إِبْرَاهِيمُ فَلَمْ تُنْسَخْ وَ لَا تُنْسَخُ إِلَی يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ وَ اتَّبَعَ مِلَّهَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفاً(۲).

**[ترجمه]تفسير علی بن ابراهيم قمی: خدا حنيفيه را به ابراهيم فرو فرستاد كه همان پاكيزگی است و آن ده چيز است؛ پنج چيز در سر و پنج چيز در تن. و آنچه در سر است: گرفتن سبيل، آراستن ريش، فرو خواباندن مو، مسواک زدن و خلال كردن است. و آنچه در تن است: ستردن مو از تن، ختنه، چيدن ناخن ها، غسل جنابت و شستشو با آب است كه اين پنج چيز مربوط به تن، همان شيوه پاكيزگی است كه ابراهيم آورد و نسخ نشده و نشود تا روز قيامت و آن است تفسير گفته خدا كه فرموده: «و اتبع ملة إبراهيم حنيفا»، {و از آيين ابراهيم حق گرا پيروی نموده است.} -. تفسير علی بن ابراهيم قمی: ۵۰ -

**[ترجمه]

«۴»

شی، [تفسير العياشی] عَنْ زُرَارَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَا أَبْقَتِ الْحَنِيفِيَّهُ شَيْئاً حَتَّی إِنَّ مِنْهَا قَصَّ الشَّارِبِ وَ قَلْمَ الْأَظْفَارِ وَ الْخِتَانَ (۳).

**[ترجمه]تفسير عياشی: امام باقر عليه السّلام فرمود: حنيفيه چيزی به جا نگذارده تا اينكه چيدن سبيل و گرفتن ناخن و ختنه هم از آن به شمار است. -. تفسير عياشی ۱: ۶۱ - (مغشوش نيست؟)

**[ترجمه]

«۵»

شی، [تفسير العياشی] عَنْ طَلْحَهَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیٍّ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ

جَلَّ بَعَثَ خَلِيلَهُ بِالْحَنِيفِيَّهِ وَ أَمَرَهُ بِأَخْذِ الشَّارِبِ وَ قَصِّ الْأَظْفَارِ وَ نَتْفِ الْإِبْطِ وَ حلْقِ الْعَانَهِ وَ الْخِتَانِ (۴).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: امام صادق از پدرانش، از امام علی علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: همانا خدای عزوجل، خلیلش ابراهیم را به حنیفیه برانگیخت و فرمانش داد به گرفتن سبیل، چیدن ناخن، کندن موی زیر بغل، ستردن موی عانه و ختنه کردن. - . تفسیر عیاشی۱: ۳۸۸ -

**[ترجمه]

«۶»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: كَانَ بَيْنَ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِيمَ علیهما السلام أَلْفُ سَنَةٍ وَ كَانَتْ شَرِيعَةُ إِبْرَاهِيمَ بِالتَّوْحِيدِ وَ الْإِخْلَاصِ وَ خَلْعِ الْأَنْدَادِ وَ هِيَ الْفِطْرَةُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا وَ هِيَ الْحَنِيفِيَّةُ وَ أَخَذَ عَلَيْهِ مِيثَاقَهُ وَ أَنْ لَا يَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا يُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً قَالَ وَ أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الْأَمْرِ وَ النَّهْيِ وَ لَمْ يَحْكُمْ لَهُ أَحْكَامَ فَرْضِ الْمَوَارِيثِ وَ زَادَهُ فِي الْحَنِيفِيَّةِ الْخِتَانَ وَ قَصَّ الشَّارِبِ وَ نَتْفَ الْإِبْطِ وَ تَقْلِيمَ الْأَظْفَارِ وَ حَلْقَ الْعَانَةِ وَ أَمَرَهُ بِبِنَاءِ الْبَيْتِ وَ الْحَجِّ وَ الْمَنَاسِكِ فَهَذِهِ كُلُّهَا شَرِيعَتُهُ علیه السلام.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِإِبْرَاهِيمَ تَطَهَّرْ فَأَخَذَ شَارِبَهُ ثُمَّ قَالَ تَطَهَّرْ فَنَتَفَ مِنْ إِبْطِهِ ثُمَّ قَالَ تَطَهَّرْ فَقَلَّمَ أَظْفَارَهُ ثُمَّ قَالَ تَطَهَّرْ فَحَلَقَ

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۴۹.

۲- ۲. تفسیر القمّیّ ص ۵۰.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۱ ص ۶۱.

۴- ۴. تفسیر العیّاشیّ ج ۱ ص ۳۸۸.

عَانَتَهُ ثُمَّ قَالَ تَطَهَّرْ فَاخْتَتَنَ (۱).

**[ترجمه]مکـارم الاخلاـق: امام صادق علیه السّـلام فرمود: میان نوح و ابراهیم هزار سال بود و شـریعت ابراهیم، یکتاپرستی و اخلاـص و ریشه کنی بت هـا است، و آن سـرشتی است که مردم را بر آن آفریـده و آن حنیفیه است، و بر آن پیمان گرفته که جز خـدا پرسـتش نشود، و چیزی را برایش شـریک نیاورنـد. فرمود: و به او امر کرد به نماز و امر و نهی، ولی احکام و مقررات ارث را به او نفرمود و در حنیفیت برایش افزود: ختنه، چیـدن سبیل، کندن موی زیر بغل، گرفتن ناخن و ستردن موی عانه. و او را فرمان داد به ساختن خانه کعبه و حج و مناسک، اینها همه شریعت او است علیه السّلام.

و از آن حضـرت علیه السّـلام است که فرمود: خـدای عزوجل به ابراهیم فرمود: پاکیزه شو! پس سبیل خود را زد. باز فرمودش: پـاکیزه شو! پس موی زیر بغلش را کنـد. بـاز فرمودش: پـاکیزه شو! پس نـاخن هـایش را گرفت. باز فرمودش: پاکیزه شو! پس موی زهارش را سترد و بار دیگرش که فرمود، ختنه کرد. - . مکارم الاخلاق: ۶۶ -

**[ترجمه]

«۷»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْـدِيِّ، بِإِسْـنَادِهِ عَنْ مُوسَـی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السـلام قَالَ قَالَ عَلِيٌّ علیه السـلام: قِيلَ لِإِبْرَاهِيمَ علیه السـلام تَطَهَّرْ فَأَخَذَ شَارِبَهُ ثُمَّ قِيلَ لَهُ تَطَهَّرْ فَنَتَفَ تَحْتَ جَنَاحِهِ ثُمَّ قِيلَ لَهُ تَطَهَّرْ فَحَلَقَ عَانَتَهُ ثُمَّ قِيلَ لَهُ تَطَهَّرْ فَاخْتَتَنَ (۲).

وَ بِهَـذَا الْإِسْـنَادِ قَـالَ قَـالَ رَسُـولُ اللَّهِ صـلی الله علیـه و آله: أَوَّلُ مَنِ اخْتَتَنَ إِبْرَاهِيمُ علیه السـلام اخْتَتَنَ بِالْقَـدُومِ عَلَى رَأْسِ ثَمَـانِينَ سَنَةً (۳).

**[ترجمه]نوادر راونـدی: امـام کـاظم از پـدرانش، از امام علی علیهم السّـلام نقل می کنـد که فرمود: خـدا عزوجل به ابراهیم فرمود: پـاکیزه شو! پس سبیـل خود را زد. بـاز فرمودش: پاکیزه شو! پس موی زیر بغلش را کنـد. باز فرمودش: پاکیزه شو! پس نـاخن هـایش را گرفت. بـاز فرمـودش: پـاکیزه شـو! پس موی زهـارش را سـترد و بـار دیگرش که فرمود، ختنه کرد. - . نوادر راوندی: ۲۳ -

و به همان سـند از رسول خدا صلی الله علیه و آله آورده که: نخستین کسی که ختنه کرده، ابراهیم علیه السّلام است که با تیشه در سر سال هشتادم عمر خود، خویش را ختنه کرده است. - . نوادر راوندی: ۲۳ -

**[ترجمه]

أبواب آداب الحمام و النوره و السواک و ما يتعلق بها

باب ۳ آداب الحمام و فضله و أحكامه و الأدعيه المتعلقه به و التدلک و غسل الرأس بالطين

روايات

«۱»

لی، [الأمالی للصدوق] ابْنُ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْقُرَشِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَرِهَ لَكُمْ أَيَّتُهَا الْأُمَّةُ أَرْبَعاً وَ عِشْرِينَ خَصْلَةً وَ نَهَاكُمْ عَنْهَا إِلَى أَنْ قَالَ كَرِهَ الْغُسْلَ تَحْتَ السَّمَاءِ بِغَيْرِ مِئْزَرٍ وَ كَرِهَ دُخُولَ الْأَنْهَارِ إِلَّا بِمِئْزَرٍ وَ قَالَ فِي الْأَنْهَارِ عُمَّارٌ وَ سُكَّانٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَ كَرِهَ دُخُولَ الْحَمَّامَاتِ إِلَّا بِمِئْزَرٍ(۴).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام صادق از پدرانش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی، برای شما ای امت بیست و چهار خصلت را بد داشته و شما را از آنها باز داشته است، تا فرمود: بد داشته غسل کردن بی لنگ زیر آسمان را، و نیز ورود در نهرها را بی لنگ. فرمود: در نهرها ساکنانی است از فرشته ها، و بد داشته ورود به حمام را جز با لنگ. - . امالی صدوق: ۱۸۱ -

**[ترجمه]

أقول

تمامه فی باب المناهی (۵).

**[ترجمه]تمام این حدیث در باب مناهی آمده است. - . خصال ۲: ۱۰۲ -

**[ترجمه]

«۲»

لی، [الأمالی للصدوق] فِي مَنَاهِي النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّهُ نَهَى أَنْ يُدْخِلَ الرَّجُلُ حَلِيلَتَهُ إِلَى

ص: ۶۹

۱- ۱. مکارم الأخلاق: ۶۶.

۲- ۲. نوادر الراوندیّ: ۲۳.

۳- ۳. نوادر الراوندیّ: ۲۳.

۴- ۴. أمالی الصدوق: ۱۸۱.

۵- ۵. و تراه فی الخصال ج ۲: ۱۰۲.

الْحَمَّامِ وَ قَالَ لَا يَدْخُلَنَّ أَحَدُكُمُ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمِئْزَرٍ وَ نَهَى عَنِ السِّوَاكِ فِي الْحَمَّامِ (۱).

**[ترجمه]امالی صدوق: در مناهی پیغمبر است که فرمود: نهی کرده از این که مردی حلال خود را به حمام در آورد. و فرمود: البته وارد نشود کسی از شماها به حمام مگر با لنگ، و نهی کرده از مسواک کردن در حمام. - . امالی صدوق: ۲۵۳ - ۲۵۴ -

**[ترجمه]

«۳»

لی، [الأمالی للصدوق] الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الصُّوفِيُّ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ الْفَزَارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْوَزَّانِ عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ الْأَهْوَازِيِّ عَنِ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ الْحَمَّامَ فَقُلْ فِي الْوَقْتِ الَّذِي تَنْزِعُ ثِيَابَكَ- اللَّهُمَّ انْزِعْ عَنِّي رِبْقَةَ النِّفَاقِ وَ ثَبِّتْنِي عَلَى الْإِيمَانِ فَإِذَا دَخَلْتَ الْبَيْتَ الْأَوَّلَ (۲) فَقُلِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ أَسْتَعِيذُ بِكَ مِنْ أَذَاهُ وَ إِذَا دَخَلْتَ الْبَيْتَ الثَّانِيَ فَقُلِ- اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي الرِّجْسَ النِّجْسَ وَ طَهِّرْ جَسَدِي وَ قَلْبِي وَ خُذْ مِنَ الْمَاءِ الْحَارِّ وَ ضَعْهُ عَلَى هَامَتِكَ وَ صُبَّ مِنْهُ عَلَى رِجْلَيْكَ وَ إِنْ أَمْكَنَ أَنْ تَبْلَعَ مِنْهُ جُرْعَةً فَافْعَلْ (۳) فَإِنَّهُ يُنَقِّي الْمَثَانَةَ وَ الْبَثْ فِي الْبَيْتِ الثَّانِي سَاعَةً فَإِذَا دَخَلْتَ الْبَيْتَ الثَّالِثَ فَقُلْ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ نَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ تُرَدِّدُهَا إِلَى وَقْتِ خُرُوجِكَ مِنَ الْبَيْتِ الْحَارِّ- وَ إِيَّاكَ وَ شُرْبَ الْمَاءِ الْبَارِدِ وَ الْفُقَّاعِ فِي الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ يُفْسِدُ الْمَعِدَةَ وَ لَا تَصُبَّنَّ عَلَيْكَ الْمَاءَ الْبَارِدَ فَإِنَّهُ يُضْعِفُ الْبَدَنَ وَ صُبَّ

ص: ۷۰

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۲۵۳ و ۲۵۴.

۲- ۲. کانوا وضعوا بیوت الحمام طبقا للعناصر و الاخلاط الأربعه علی أربعه فأولها بیت المسلخ، و ینزع فیه الثیاب و هو بارد یابس، و الثانی بیت فیه الماء البارد فهو بارد رطب، و الثالث بیت فیه الماء الحار فهو حار رطب، و الرابع بیت لیس فیه ماء و هو مستحم من تحتها، کانوا یلبثون فیه لاستدرار العرق و نضج الاخلاط الفاسده و هو حار یابس.

۳- ۳. کان المعمول فی تلک الحمامات خزانه للماء البارد، و خزانه للماء الحار لکن المستحمین لم یکونوا لیدخلوا خزانه الماء، و انما کانوا یغرفون الماء بالمشربه و یصبون علی رءوسهم، فینفصل الغساله من أبدانهم جاریه الی بئر هناک معده لذلک، فالشرب من تلک الخزانه لا بأس به، و أمّا خزانه الحمامات المصنوعه الیوم التی یدخلها المستحمون و یدلکون أبدانهم فیها، مع ما بها من الدرن و الاوساخ، فلا یشرب منها، فانه یورث و باء الأسنان کما فی الخبر.

الْمَاءَ الْبَارِدَ عَلَى قَدَمَيْکَ إِذَا خَرَجْتَ فَإِنَّهُ يَسُلُّ الدَّاءَ مِنْ جَسَدِکَ فَإِذَا لَبِسْتَ ثِيَابَکَ فَقُلِ اللَّهُمَّ أَلْبِسْنِي التَّقْوَى وَ جَنِّبْنِي الرَّدَى فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِکَ أَمِنْتَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ(۱).

**[ترجمه]امـالی صـدوق: امـام صـادق علیه السّـلام فرمود: چون به حمام درآیی و جامه از تن می کَنی، بگو: «اللهم انزع عنی ربقه النفاق و ثبتنی علی الایمان.» (بار خدایا! برکن از من وابسـتگی به نفاق را و پایدار کن مرا بر ایمان.) و چون به خانه اول - . اتاق های حمام را در چهار اتاق می ساختند: خانه اول برای کندن لباس که سرد و خشک بود؛ خانه دوم که در آن آب سرد بود که سـرد و مرطوب بود؛ خـانه سوم که در آن آب گرم بود و آن گرم و مرطوب بود و خـانه چهـارم که در آن آب نبود و در آن می نشستند برای رفع عرق و از بین رفتن اخلاط فاسده که آن گرم و خشک بود. -

در آمـدی بگو: «اللهم انی أعوذ بک من شـر نفسـی و اسـتعیذ بک من اذاه»، (بار خـدایا! به تو پناه برم از شـر خودم و به تو پناه گیرم از آزارش.) و چون به خـانه دوم رفتی بگو: «اللهم اذهب عنی الرجس النجس و طهر جسـدی و قلبی»، (بـار خـدایا! ببر از من پلیـدی و نجس را و پـاک کن تن و دلم را.) و از آب گرم بگیر بر فرق سـر بریز و بر دو پـا و اگر می شود جرعه ای از آن بنوش - . معمول در آن حمـام هـا این بود که خزینه ای برای آب سـرد داشـتند و خزینه ای برای آب گرم، اما حمام کننـده ها داخل خزینه آب نمی شدند و آن را برای آب خوراکی اختصاص داده بودند و بر سرشان هم از آن می ریختند که آب غساله از بدن هاشان جاری می شد و در چاهی که برای این کار آماده شده بود می ریخت و آشامیدن از آن خزینه اشکالی نداشت. اما در حمام های امروزی که حمام گیرندگان در آن داخل می شوند و بدن هاشان را در آن دلاکی می کنند، نباید از آن آب خورد، چون در آن چرک و کثافت است و مایه ایجاد وبا می شود، چنان چه حـدیثش گـذشت. - که مثانه را پاک کند، و در خـانه دوم یـک سـاعت بمـان و چون به خـانه سوم در آمـدی بگو: «نَعُوذُ بِـاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ نَسْـأَلُهُ الْجَنَّه» (پناه به خـدا از دوزخ و بهشت را از او خواهم) و تا از گرم خانه به در آمدی آن را باز گو. و مبادا در

حمام آب سرد یا نوشابه بنوشی که معده را تباه کند و آب سرد بر خود مریز که تن را ناتوان کند. و چون در آمدی، آب سرد به پاها بریز که درد را از تنت برکشـد و چون جامه خود را پوشـیدی بگو: «اللَّهُمَّ أَلْبِسْـنِي التَّقْوَى وَ جَنِّبْنِي الرَّدَى» (خدایا! به من جامه تقوا بپوشان و از هلاکتم برَهان) و چون چنین کنی، از هر دردی در امانی. - . امالی صدوق: ۲۱۹ -

**[ترجمه]

«۴»

ب، [قرب الإسـناد] مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَـى وَ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ مَعاً عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: كُنْتُ فِي الْحَمَّامِ فِي الْبَيْتِ الْأَوْسَطِ فَدَخَلَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام وَ عَلَيْهِ النُّورَهُ قَالَ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَرَدَدْتُ عَلَيْهِ وَ تَأَخَّرْتُ فَدَخَلَ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ الْحَوْضُ فَاغْتَسَلْتُ وَ خَرَجْتُ (۲).

**[ترجمه]قرب الاسناد: سعدان بن مسلم گفت: من در خانه میانی حمام بودم و امام کاظم علیه السّلام که نوره بر خود داشت، وارد آن شد و گفت: السّلام علیکم،. من هم جواب دادم. پس رفتم و آن حضرت به حوضخانه رفت و من غسل کردم و بیرون

شدم. - . قرب الاسناد: ۱۷۷، من لا یحضره الفقیه ۱: ۶۵ ، تهذیب ۱: ۱۰۶ -

**[ترجمه]

«۵»

ع، [علل الشرائع] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ ابْنِ بُکَیْرٍ عَنِ ابْنِ أَبِی یَعْفُورٍ قَالَ: لَاحَانِی زُرَارَهُ بْنُ أَعْیَنَ فِی نَتْفِ الْإِبْطِ وَ حَلْقِهِ فَقُلْتُ نَتْفُهُ أَفْضَلُ مِنْ حَلْقِهِ وَ طَلْیُهُ أَفْضَلُ مِنْهُمَا جَمِیعاً فَأَتَیْنَا بَابَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَطَلَبْنَا الْإِذْنَ عَلَیْهِ فَقِیلَ لَنَا هُوَ فِی الْحَمَّامِ فَذَهَبْنَا إِلَی الْحَمَّامِ فَخَرَجَ علیه السلام عَلَیْنَا وَ قَدْ اطَّلَی إِبْطَهُ فَقُلْتُ لِزُرَارَهَ یَکْفِیکَ قَالَ لَا لَعَلَّهُ إِنَّمَا فَعَلَهُ لِعِلَّهٍ بِهِ فَقَالَ فِیمَا أَتَیْتُمَا فَقُلْتُ لَاحَانِی زُرَارَهُ بْنُ أَعْیَنَ فِی نَتْفِ الْإِبْطِ وَ حَلْقِهِ فَقُلْتُ نَتْفُهُ أَفْضَلُ مِنْ حَلْقِهِ وَ طَلْیُهُ أَفْضَلُ مِنْهُمَا فَقَالَ أَمَا إِنَّکَ أَصَبْتَ السُّنَّهَ(۳) وَ أَخْطَأَهَا زُرَارَهُ أَمَا إِنَّ نَتْفَهُ أَفْضَلُ مِنْ حَلْقِهِ وَ طَلْیَهُ أَفْضَلُ مِنْهُمَا ثُمَّ قَالَ لَنَا اطَّلِیَا فَقُلْنَا فَعَلْنَا مُنْذُ ثَلَاثٍ فَقَالَ أَعِیدَا فَإِنَّ الِاطِّلَاءَ طَهُورٌ فَفَعَلْنَا فَقَالَ لِی تَعْلَمُ یَا ابْنَ أَبِی یَعْفُورٍ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ عَلِّمْنِی فَقَالَ إِیَّاکَ وَ الِاضْطِجَاعَ فِی الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ یُذِیبُ شَحْمَ الْکُلْیَتَیْنِ وَ إِیَّاکَ وَ الِاسْتِلْقَاءَ عَلَی الْقَفَا فِی الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ یُورِثُ الدَّاءَ الدُّبَیْلَهَ-(۴) وَ إِیَّاکَ وَ التَّمَشُّطَ فِی الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ یُورِثُ وَبَاءَ الشَّعْرِ وَ إِیَّاکَ وَ السِّوَاکَ فِی الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ یُورِثُ وَبَاءَ الْأَسْنَانِ وَ إِیَّاکَ أَنْ تَغْسِلَ رَأْسَکَ بِالطِّینِ

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۲۱۹.

۲- ۲. قرب الإسناد ص ۱۷۷، و تراه فی الفقیه ج ۱ ص ۶۵، التهذیب ج ۱ ص ۱۰۶، و قد مر فی کتاب العشره ص ۸ من هذا المجلد.

۳- ۳. یعنی سنه رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله فانه کان ینتف و لم یکن حینذاک طلاء النوره.

۴- ۴. یعنی قرحه المعده أو قرحه الاثنی عشر.

فَإِنَّهُ يُسَمِّجُ الْوَجْهَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَدْلُكَ رَأْسَكَ وَ وَجْهَكَ بِمِئْزَرٍ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ-(۱) وَ إِيَّاكَ أَنْ تَدْلُكَ تَحْتَ قَدَمِكَ بِالْخَزَفِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَغْتَسِلَ مِنْ غُسَالَهِ الْحَمَّامِ فَفِيهَا تَجْتَمِعُ غُسَالَهُ الْيَهُودِيِّ وَ النَّصْرَانِيِّ وَ الْمَجُوسِيِّ وَ النَّاصِبِ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ هُوَ شَرُّهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَخْلُقْ خَلْقاً أَنْجَسَ مِنَ الْكَلْبِ وَ إِنَّ النَّاصِبَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَنْجَسُ مِنْهُ (۲).

قَالَ الصَّدُوقُ رُوِّيتُ فِي خَبَرٍ آخَرَ: أَنَّ هَذَا الطِّينَ هُوَ طِينُ مِصْرَ وَ أَنَّ هَذَا الْخَزَفَ هُوَ خَزَفُ الشَّامِ (۳).

**[ترجمه]علل الشرائع: ابن ابی یعفور گفت: زراره بن اعین با من درباره کندن موی زیر بغل یا تراشیدنش درافتاد. من گفتم که کندنش بهتر است از تراشیدنش و نوره کشیدنش از هر دو بهتر است. رفتیم در خانه امام صادق علیه السّلام و اجازه ورود خواستیم .

گفتند در حمام است. رفتیم به حمام و آن حضرت نزد ما آمد و به زیر بغلش نوره مالیده بود. به زراره گفتم: تو را بس است؟ گفت: نه، شاید برای علتی چنین کرده. آن حضرت فرمود: برای چه آمدید؟ گفتم: زراره بن اعین درباره کندن موی زیر بغل یا تراشیدنش با من درافتاد. من گفتم: کندن بهتر است از تراشیدن و نوره کشیدن از هر دو بهتر است. فرمود: همانا تو سنت را درست فهمیدی - . یعنی سنت رسول الله صلی الله علیه و آله که این طور بود که مو را می کند و در آن موقع ماده نوره نبود. - و زراره خطا رفته. آگاه که کندنش بهتر از تراشیدن است و نوره کشیدن از هر دو بهتر است. سپس به ما فرمود: نوره بکشید! گفتیم: سه روز است که این کار کردیم. فرمود: باز هم بکنید که آن پاکیزگی است، و ما انجام دادیم. به من فرمود: ای پسر یعفور، یاد بگیر! گفتم: قربانت، به من بیاموز! فرمود: بپرهیز از خوابیدن در حمام که پیه قلوه ها را آب می کند؛ بپرهیز از به پشت خوابیدن در آن که زخم معده یا زخم اثنی عشر پدید آورد؛ بپرهیز از شانه زدن در حمام که ریزش مو آورد؛ بپرهیز از مسواک کردن در حمام که دندان ها را بریزد؛ بپرهیز از اینکه سرت را با گل سرشور بشویی که آب رو را ببرد - . [۲] یعنی رو را زشت کند و مراد از آب رو، طراوت آن است نه معنی عرفی که وجاهت در نزد مردم باشد. - ؛ بپرهیز از این که سر و رویت را با لنگ خشک کنی که خرمی را ببرد؛ بپرهیز از مالیدن سنگ به کف پا که برص آورد؛ بپرهیز از شستشو با آب ریز (غساله) حمام که آبریز یهود و ترسا و گبر و دشمن ما خانواده در آن گرد آیند و آنها بدترین همه باشند، و خدا تبارک و تعالی نیافریده نجس تر از سگ و دشمن ما خانواده از آن هم نجس تر است. - . کافی ۶: ۵۰۸ -

صدوق (ره) گفته: در روایت دیگر مقصود از این گل، همان گل سرشور مصر است و آن سنگ پا، همان سنگ پای شام. - . علل الشرائع ۱: ۲۷۶ -

**[ترجمه]

«۶»

مع، [معانی الأخبار] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ رَفَعَهُ قَالَ: نَظَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِلَى رَجُلٍ قَدْ خَرَجَ مِنَ الْحَمَّامِ مَخْضُوبَ الْيَدَيْنِ فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَ يَسُرُّكَ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ يَدَيْكَ هَكَذَا- قَالَ لَا وَ اللَّهِ وَ إِنَّمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ لِأَنَّهُ بَلَغَنِي عَنْكُمْ أَنَّهُ مَنْ دَخَلَ الْحَمَّامَ فَلْيُرَ عَلَيْهِ أَثَرُهُ يَعْنِي الْحِنَّاءَ فَقَالَ لَيْسَ حَيْثُ ذَهَبْتَ مَعْنَى ذَلِكَ إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ مِنَ

الْحَمَّامِ وَ قَدْ سَلِمَ فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ شُكْراً.

قَالَ سَعْدٌ وَ أَخْبَرَنِی أَحْمَدُ بْنُ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ وَ رَوَاهُ نُوحُ بْنُ شُعَیْبٍ رَفَعَهُ قَالَ: فَلْیَحْمَدِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَ (۴).

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام صادق علیه السّلام به مردی نگاه کرد که از حمام به در آمده بود و دست هایش خضاب داشت. به او فرمود: شاد می شدی اگر خدا عزوجل دو دستت را چنین (با حنا) آفریده بود؟ گفت: نه به خدا! همانا این کار کردم برای این که از شما به من خبر رسیده که هر که حمام رود، باید نشانه اش بر او دیده شود، یعنی حنا بسته باشد. آن حضرت فرمود: چنان نیست که تو فهمیدی. مقصود این است که چون یکی از شما تندرست از حمام به در آید، دو رکعت نماز شکر بخواند.

این روایت را سعد نیز آورده و در پایان آن آمده است که «خدا عزوجل را سپاس گوید.» - . معانی الاخبار: ۲۵۴ -

**[ترجمه]

«۷»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ، قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: إِذَا قَالَ لَکَ أَخُوکَ وَ قَدْ خَرَجْتَ مِنَ الْحَمَّامِ طَابَ حَمَّامُکَ وَ حَمِیمُکَ فَقُلْ أَنْعَمَ اللَّهُ بَالَکَ وَ قَالَ علیه السلام إِذَا تَعَرَّی الرَّجُلُ نَظَرَ إِلَیْهِ الشَّیْطَانُ فَطَمِعَ فِیهِ فَاسْتَتِرُوا(۵).

**[ترجمه]خصال: اربعمائه: امیر مؤمنان علیه السّلام فرموده: چون از حمام درآمدی و برادرت به تو گوید: «طاب حمامک و حمیمک»، (خوش باد حمام و گرمی ات!) پس تو بگو: «نهادت را خدا آسوده دارد.» و فرمود: چون کسی لخت شود، شیطان به او نگاه کند و به او طمع ورزد، پس خود را بپوشید. - . خصال ۱: ۷۸ -

**[ترجمه]

«۸»

ل، [الخصال] عَنِ الْخَلِیلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُعَاذٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ خَشْرَمٍ عَنْ عِیسَی بْنِ یُونُسَ عَنْ أَبِی مَعْمَرٍ عَنْ سَعِیدٍ الْغَنَوِیِّ عَنْ أَبِی هُرَیْرَهَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلَا یَدْخُلِ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمِئْزَرٍ وَ مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلَا یَدَعْ حَلِیلَتَهُ تَخْرُجُ إِلَی الْحَمَّامِ (۶).

۱- ۱. سمج الوجه سماجه: قبح و صار دسما خبیثا، و المراد بماء الوجه بریقه و لمعانه و طراوته لا معناه الکنائی أعنی الوجاهه عند الناس.

۲- ۲. و تراه فی الکافی ج ۶ ص ۵۰۸.

۳- ۳. علل الشرائع ج ۱ ص ۲۷۶.

۴- ۴. معانی الأخبار ص ۲۵۴.

۵- ۵. الخصال ج ۲: ۱۶۹.

۶- ۶. الخصال ج ۱ ص ۷۸ فی حدیث، و انما نهی عن رواح النساء الی الحمامات لان بعضهن. لا یسترن عورتهن فیها و الدخول فی الحمام یستلزم نظر بعض الی بعض، مع ما قیل بوجوب ستر أبدانهن عن نساء أهل الکتاب من الیهود و النصاری، و کان المتداول دخولهن الی الحمام مع المسلمین.

**[ترجمه]خصـال: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: هر که به خـدا و روز جزا ایمان دارد، بی لنگ به حمام نرود، و هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد، نگذارد حلالش برای حمام بیرون رود. - . خصال۲: ۱۶۹ همانا نهی کرده از دخول در حمام زنانه، چرا که بعضـی زن ها در آن عورتشان را نمی پوشاندند و دخول در حمام، مستلزم نظر به یکدیگر است، در صورتی که پوشاندن بدن هایشان در برابر اهل کتاب از یهودی و مسیحی که متداول بوده آنها با مسلمین به حمام می رفتند، واجب است. -

**[ترجمه]

«۹»

ب، [قرب الإسناد] ابْنُ عِیسَی عَنِ الْبَزَنْطِیِّ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام إِنَّ أَهْلَ مِصْرَ یَزْعُمُونَ أَنَّ بِلَادَهُمْ مُقَدَّسَهٌ قَالَ وَ کَیْفَ ذَلِکَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ یَزْعُمُونَ أَنَّهُ یُحْشَرُ مِنْ جَبَلِهِمْ (۱)

سَبْعُونَ أَلْفاً یَدْخُلُونَ الْجَنَّهَ بِغَیْرِ حِسَابٍ قَالَ لَا لَعَمْرِی مَا ذَاکَ کَذَلِکَ وَ مَا غَضِبَ اللَّهُ عَلَی بَنِی إِسْرَائِیلَ إِلَّا أَدْخَلَهُمْ مِصْرَ وَ لَا رَضِیَ عَنْهُمْ إِلَّا أَخْرَجَهُمْ مِنْهَا إِلَی غَیْرِهَا وَ لَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَا تَغْسِلُوا رُءُوسَکُمْ بِطِینِهَا وَ لَا تَأْکُلُوا فِی فَخَّارِهَا فَإِنَّهُ یُورِثُ الذِّلَّهَ وَ یَذْهَبُ بِالْغَیْرَهِ قُلْنَا لَهُ قَدْ قَالَ ذَلِکَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ نَعَمْ (۲).

**[ترجمه]قرب الاسـناد: بزنطی گفت: به امـام رضا علیه السّـلام گفتم: مردم مصـر گمان برنـد که شهرسـتانشان مقـدس است. فرمود: چگونه باشد؟ گفتم پندارند که از کوه آنها هفتاد هزار تن محشور شوند - . در نسخه ای «جیلهم» آمده. -

و بی حساب به بهشت رونـد. فرمود: به جان خود قسم که چنان نباشـد، و خـدا بر بنی اسـرائیل خشم نکرد، جز آنکه آنان را به مصـر درآورد و از آنها خشـنود نشـد، جز آنکه از آن به جای دیگری در آوردشان. و رسول خدا صـلی الله علیه و آله فرموده: سرهاتان را با گِل آن نشویید، و در سـفالی پخته آن مخورید که مایه خواری است و بی غیرتی. از آن حضرت پرسیدیم: همانا رسول خدا چنین فرموده؟ فرمود: آری. - . قرب الاسناد: ۲۲۰ -

**[ترجمه]

أقول

قد أوردناه بتمامه فی باب أخبار موسی علیه السلام

وَ سَیَأْتِی فِی بَابِ الطِّیبِ عَنِ الرِّضَا علیه السلام: اسْتَحِمُّوا یَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ.

**[ترجمه]این روایت را به تمامی در باب اخبار موسـی علیه السّلام آورده ایم. و در باب طیب خواهد آمد. و از امام رضا علیه السّلام است که روز چهارشنبه به حمام روید.

**[ترجمه]

«۱۰»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ عُمَرَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثَهٌ یُسْمِنَّ وَ ثَلَاثَهٌ یَهْزِلْنَ فَأَمَّا الَّتِی یُسْمِنَّ فَإِدْمَانُ الْحَمَّامِ وَ شَمُّ الرَّائِحَهِ الطَّیِّبَهِ وَ لُبْسُ الثِّیَابِ اللَّیِّنَهِ وَ أَمَّا الَّتِی یَهْزِلْنَ فَإِدْمَانُ أَکْلِ الْبَیْضِ وَ السَّمَکِ وَ الطَّلْعِ.

قال الصدوق یعنی بإدمان الحمام أن یدخله یوم و یوم لا فإنه إن دخله کل یوم نقص من لحمه (۳).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: سه چیز فربه کنند و سه چیز لاغر. اما آنها که فربه کنند: دنبال گیری حمام، بوییدن بوی خوش و پوشیدن جامه نرم. و آنها که لاغر کنند، دنبال کردن خوراک تخم مرغ و ماهی و مغز درخت خرما است.

صدوق (ره) گفته: مقصود از دنباله گیری حمام، این است که یک روز باشد و یک روز نباشد، زیرا اگر هر روز باشد، از گوشت تن بکاهد. - . خصال ۱: ۷۴ -

**[ترجمه]

أقول

سیأتی خبر جابر الجعفی عن الباقر علیه السلام فی بیان ما یخص النساء من الأحکام و فی بعض نسخ الخصال و لا یجوز للمرأه أن تدخل الحمام فإن ذلک محرم علیها.

**[ترجمه]در خبر جابر جعفی از امام باقر علیه السّلام، در بیان خصائص زنان در احکام خواهد آمد و هم در پاره ای از نسخه خصال است که جایز نیست زن به حمام رود، زیرا بر او حرام شده است.

**[ترجمه]

«۱۱»

فس، [تفسیر القمی] عَنْ أَبِی عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا تَغْسِلُوا رُءُوسَکُمْ بِطِینِ مِصْرَ وَ لَا تَشْرَبُوا فِی فَخَّارِهَا فَإِنَّهُ یُورِثُ الذِّلَّهَ وَ یَذْهَبُ

۱- ۱. جیلهم خ ل.

٢- ٢. قرب الإسناد ص ٢٢٠.

٣- ٣. الخصال ج ١ ص ٧٤.

بِالْغَيْرَهِ(۱).

ص، [قصص الأنبياء علیهم السلام] بالإسناد إلی الصدوق عن أبيه عن سعد عن ابن أبی الخطاب عن ابن أسباط: مثله (۲)

شی، [تفسير العياشی] عن ابن أسباط: مثله (۳).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سرهاتان را با گِل مصر نشویید و در سفال آن نیاشامید که مایه خواری و بی غیرتی است. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۶۰۸ -

قصص الأنبياء مانند این روایت را آورده است. - . بحار ۶۰ : ۲۰۹ از همین طبع -

تفسیر عیاشی هم مانند آن را آورده است. - . تفسیر عیاشی ۱: ۳۰۴ -

**[ترجمه]

«۱۲»

ل، [الخصال] عَنْ حَمْزَهَ الْعَلَوِيِّ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَهِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ علیهم السلام قَالَ: سَبْعَهٌ لَا يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ الرَّاكِعُ وَ السَّاجِدُ وَ فِي الْكَنِيفِ وَ فِي الْحَمَّامِ وَ الْجُنُبُ وَ النُّفَسَاءُ وَ الْحَائِضُ.

قال الصدوق رحمه الله هذا علی الكراهه لا علی النهی و قد جاء الإطلاق للرجل فی قراءه القرآن فی الحمام ما لم يرد به الصوت إذا كان عليه مئزر(۴).

**[ترجمه]خصال : علی علیه السّلام فرمود: هفت کس قرآن نخوانند: راکع و ساجد (در نماز)، در بیت الخلاء و در حمام ، جنب، زنی که نفاس دارد، و حائض .

صدوق گفته: این بنا بر کراهت است نه حرمت، و جواز قرائت قرآن برای مرد در حمام وارد است که به آواز نباشد و با لنگ باشد. - . خصال ۲: ۱۰ -

**[ترجمه]

«۱۳»

ل، [الخصال] عَنْ سَعِيدِ بْنِ عِلَاقَهَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: الْبَوْلُ فِي الْحَمَّامِ يُورِثُ الْفَقْرَ(۵).

**[ترجمه]خصال: علی علیه السّلام فرمود: بول کردن در حمام مایه فقر است. - . خصال ۲: ۹۳ -

**[ترجمه]

«۱۴»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِیهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ دَخَلَ الْحَمَّامَ بِمِئْزَرٍ سَتَرَهُ اللَّهُ بِسِتْرِهِ (۶).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که با لنگ به حمام درآید، خدا او را زیر پرده خود دارد. - . ثواب الاعمال: ۱۹ -

**[ترجمه]

«۱۵»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی الْقَاسِمِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ الْأَنْصَارِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ دَخَلَ الْحَمَّامَ فَغَضَّ طَرْفَهُ عَنِ النَّظَرِ إِلَی عَوْرَهِ أَخِیهِ آمَنَهُ اللَّهُ مِنَ الْحَمِیمِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ(۷).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که به حمام درآید و چشم از عورت برادر خود بپوشد، خدا روز قیامت او را از گرما آسوده دارد. - . ثواب الاعمال: ۱۹ -

**[ترجمه]

«۱۶»

ص، [قصص الأنبیاء علیهم السلام] بِالْإِسْنَادِ إِلَی الصَّدُوقِ رَحِمَهُ اللَّهُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ

۱- ۱. تفسیر القمّیّ ص ۶۰۸ فی حدیث.

۲- ۲. تراه فی ج ۶۰ ص ۲۰۹ من هذه الطبعه.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۱ ص ۳۰۴.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۱۰.

۵- ۵. الخصال ج ۲ ص ۹۳.

۶- ۶. ثواب الأعمال ص ۱۹.

۷- ۷. ثواب الأعمال ص ۱۹.

الرَّقِّيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام قَالَ: مَا أُحِبُّ أَنْ أَغْسِلَ رَأْسِي مِنْ طِينِ مِصْرَ مَخَافَةَ أَنْ تُورِثَنِي تُرْبَتُهَا الذُّلَّ وَ تَذْهَبَ بِغَيْرَتِي (۱).

شی، [تفسير العياشی] عن داود: مثله (۲).

**[ترجمه]قصص الأنبياء: امام باقر عليه السّلام نقل است كه فرمود: دوست ندارم سرم را با گل مصر بشويم، از بيم آنكه برايم خوارى آورد و غيرتم را ببرد. -. بحار ۶۰: ۲۱۰ از همين طبع -

تفسير عياشى: مانند اين روايت را آورده است. -. تفسير عياشى ۱: ۳۰۵ -

**[ترجمه]

«۱۷»

مل، [كامل الزيارات] أَبُو سُمَيْنَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ نُسَافِرُ فَلَا يَكُونُ مَعَنَا نُخَالَةٌ فَنَتَدَلَّكُ بِالدَّقِيقِ قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ إِنَّمَا يَكُونُ الْفَسَادُ فِيمَا أَضَرَّ بِالْبَدَنِ وَ أَتْلَفَ الْمَالَ فَأَمَّا مَا أَصْلَحَ الْبَدَنَ فَإِنَّهُ لَيْسَ بِفَسَادٍ وَ إِنِّي رُبَّمَا أَمَرْتُ غُلَامِي يَلُتُّ لِيَ النَّقِيَّ بِالزَّيْتِ ثُمَّ أَتَدَلَّكُ بِهِ (۳).

**[ترجمه]كامل الزيارات: ابان بن تغلب گفت: به امام صادق عليه السّلام گفتم: قربانت گردم! اگر در سفر با ما نخاله نبود، مى توانيم با آرد تن خود را بماليم؟

فرمود: باكى بدان نباشد. تباهى در به كار بردن چيزى است كه به تن زيان رساند و اتلاف مال باشد و آنچه بدن را بهتر كند، تباهى نباشد و من بسا به غلامم فرمان دهم كه مغز قلم را با روغن زيت در آميزد، سپس آن را به تن خود بمالم. -. محاسن ۳۱۲ -

**[ترجمه]

«۱۸»

ضا، [فقه الرضا عليه السلام]: إِنِ اغْتَسَلْتَ مِنْ مَاءِ الْحَمَّامِ وَ لَمْ يَكُنْ مَعَكَ مَا تَغْرِفُ بِهِ وَ يَدَاكَ قَذِرَتَانِ فَاضْرِبْ يَدَكَ بِالْمَاءِ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ هَذَا مِمَّا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ ما جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ وَ إِنِ اجْتَمَعَ مُسْلِمٌ مَعَ ذِمِّيٍّ فِي الْحَمَّامِ اغْتَسَلَ الْمُسْلِمُ مِنَ الْحَوْضِ قَبْلَ الذِّمِّيِّ وَ مَاءُ الْحَمَّامِ سَبِيلُهُ سَبِيلُ الْمَاءِ الْجَارِي إِذَا كَانَتْ لَهُ مَادَّةٌ وَ إِيَّاكَ وَ التَّمَشُّطَ فِي الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْوَبَاءَ فِي الشَّعْرِ وَ إِيَّاكَ وَ السِّوَاكَ فِي الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْوَبَاءَ فِي الْأَسْنَانِ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَدْلُكَ رَأْسَكَ وَ وَجْهَكَ بِمِئْزَرِكَ الَّذِي فِي وَسَطِكَ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَغْسِلَ رَأْسَكَ بِالطِّينِ فَإِنَّهُ يُسَمِّجُ الْوَجْهَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَدْلُكَ تَحْتَ قَدَمَيْكَ بِالْخَزَفِ فَإِنَّهُ يُورِثُ الْبَرَصَ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَضْطَجِعَ فِي الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ يُذِيبُ شَحْمَ الْكُلْيَتَيْنِ وَ إِيَّاكَ وَ الِاسْتِلْقَاءَ فَإِنَّهُ يُورِثُ الدُّبَيْلَةَ وَ لَا بَأْسَ بِقِرَاءَةِ الْقُرْآنِ فِي الْحَمَّامِ مَا لَمْ تُرِدْ بِهِ الصَّوْتَ إِذَا كَانَ عَلَيْكَ مِئْزَرٌ وَ إِيَّاكَ أَنْ تَدْخُلَ الْحَمَّامَ بِغَيْرِ مِئْزَرٍ فَإِنَّهُ مِنَ الْإِيمَانِ وَ

غُضَّ بَصَرَكَ عَنْ عَوْرَهِ النَّاسِ وَ اسْتُرْ عَوْرَتَکَ مِنْ أَنْ يُنْظَرَ إِلَيْهِ فَإِنَّهُ أَرْوِی أَنَّ النَّاظِرَ وَ الْمَنْظُورَ إِلَيْهِ مَلْعُونٌ وَ بِاللَّهِ الْعِصْمَهُ(۴).

**[ترجمه]فقه الرضـا: اگر از آب حمـام غسـل می کنی و ظرفی نـداری که بـا آن آب برگیری و دست هـایت چرکین باشـند، دست به آب بزن و بگو «بسم الله»، و این از آنهاست که خدا فرموده: «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج» - . حج / ۷۸ -

{و مقرر نکرده بر شـما در دین هیـچ سـختی.} و اگر مسـلمان با کافر ذمی در حمامند، مسـلمان پیش از ذمی در حوض غسـل کند، آب حمام اگر منبعی داشته باشد، در حکم آب جاری است. و مبادا در حمام شانه بکشـی که ریزش مو بگیری؛ مبادا در آن مسواک کنی که دندانت معیوب شود؛ مبادا سر و رو را با لنگی که به کمر بستی بمالی که آبرو را ببرد؛ مبادا با گِل سرت را بشویی که چهره ات را زشت کنـد؛ مبـادا بـا سـفال کف پا را بمالی که برص آرد؛ مبادا در حمام بخوابی که پیه قلوه را آب کنـد؛ مبادا به پشت در آن بخوابی که زخم درون آورد. و قرآن خوانـدن در حمام اگر با صـدای بلند نباشد اشکالی ندارد، به شرط آنکه لنگ داشته باشی. و بپرهیز از اینکه بی لنگ به حمام درآیی که آن از ایمان است. و دیده از عورت مردم بپوش و عورت خود را بپوش از اینکه به آن نگاه شود که من روایت دارم نگاه کننـده و نگاه شونده هر دو ملعونند، و بالله العصـمه. - . فقه الرضا: ۴ -

**[ترجمه]

«۱۹»

سن، [المحاسن] رُوِیَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثٌ يَهْدِمْنَ الْبَدَنَ وَ رُبَّمَا

۱- ۱. تراه فی ج ۶۰ ص ۲۱۰ من هذه الطبعه فی حدیث.

۲- ۲. تفسیر العیّاشیّ ج ۱ ص ۳۰۵.

۳- ۳. تراه فی المحاسن ۳۱۲.

۴- ۴. فقه الرضا ص ۴.

قَتَلْنَ أَكْلُ الْقَدِيدِ الْغَابِّ وَ دُخُولُ الْحَمَّامِ عَلَى الْبِطْنَهِ وَ نِكَاحُ الْعَجَائِزِ(۱).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: سه چیز تن را ویران سازند و بسا بِکُشند: خوردن گوشت آفتاب خشکیده - . قدید:گوشتی که به آن نمک می زنند و در سایه یا آفتاب خشک کنند. الغاب:گوشت پخته است - و شب مانده؛ با شکم پر به حمام رفتن؛ و نکاح با پیره زنان. - . محاسن: ۴۶۳ -

**[ترجمه]

«۲۰»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ أَبِی الْحَسَنِ عَنْ حَفْصِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: خَیْرُ مَا تَدَاوَیْتُمْ بِهِ الْحِجَامَهُ وَ السُّعُوطُ وَ الْحَمَّامُ وَ الْحُقْنَهُ.

وَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام: طِبُّ الْعَرَبِ فِی سَبْعَهٍ شَرْطَهِ الْحِجَامَهِ وَ الْحُقْنَهِ وَ الْحَمَّامِ وَ السُّعُوطِ وَ الْقَیْ ءِ وَ شَرْبَهِ عَسَلٍ وَ آخِرُ الدَّوَاءِ الْکَیُّ وَ رُبَّمَا یُزَادُ فِیهِ النُّورَهُ.

وَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: طِبُّ الْعَرَبِ فِی خَمْسَهٍ شَرْطَهِ الْحِجَامَهِ وَ الْحُقْنَهِ وَ السُّعُوطِ وَ الْقَیْ ءِ وَ الْحَمَّامِ وَ آخِرُ الدَّوَاءِ الْکَیُّ.

وَ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام: أَنَّهُ خَیْرُ مَا تَدَاوَیْتُمْ بِهِ الْحُقْنَهُ وَ السُّعُوطُ وَ الْحِجَامَهُ وَ الْحَمَّامُ.

وَ رُوِیَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ دَخَلَ الْحَمَّامَ عَلَى الرِّیقِ أَنْقَى الْبَلْغَمَ وَ إِنْ دَخَلْتَهُ بَعْدَ الْأَکْلِ أَنْقَى الْمِرَّهَ-(۲) وَ إِنْ أَرَدْتَ أَنْ تَزِیدَ فِی لَحْمِکَ فَادْخُلِ الْحَمَّامَ عَلَى شِبَعِکَ وَ إِنْ أَرَدْتَ أَنْ یَنْقُصَ لَحْمُکَ فَادْخُلْهُ عَلَى الرِّیقِ.

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السّلام فرمود: بهترین داروی شما حجامت است و انفیه کردن، حمام کردن و اماله کردن.

و امام باقر علیه السّلام فرمود: طب عرب در هفت چیز است: حجامت، انفیه کردن، حمام کردن، اماله و قی کردن، و نوشیدن عسل. و فرموده است: آخرین درمان داغ کردن است و بسا نوره کشیدن هم به آن افزوده شده.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: طب عرب پنج چیز است: حجامت و اماله و انفیه و قی کردن و حمام کردن، وآخرین درمان داغ کردن است.

و امام باقر علیه السّلام فرمود: بهترین دارو حقنه و انفیه و حجامت و حمام کردن است .

و روایت است از امام صادق علیه السّلام که فرمود: هر که ناشتا حمام کند، بلغم را بهتر پاک کند و اگر پس از خوردن باشد، صفراء را بهتر پاک کند. - . یعنی صفرای غیر طبیعی - و اگر خواهی گوشتت فزاید، در سیری حمام کن و اگر خواهی

بکاهد، در ناشتا.

**[ترجمه]

«۲۱»

مکا، [مکارم الأخلاق]: کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِذَا غَسَلَ رَأْسَهُ وَ لِحْیَتَهُ غَسَلَهُمَا بِالسِّدْرِ(۳).

وَ مِنْ کِتَابِ مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیهُ (۴) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِذَا دَخَلْتَ الْحَمَّامَ فَقُلْ فِی الْوَقْتِ الَّذِی تَنْزِعُ ثِیَابَکَ- اللَّهُمَّ انْزِعْ عَنِّی رِبْقَهَ النِّفَاقِ وَ ثَبِّتْنِی عَلَی الْإِیمَانِ وَ إِذَا دَخَلْتَ الْبَیْتَ الْأَوَّلَ فَقُلِ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ أَسْتَعِیذُ بِکَ مِنْ أَذَاهُ وَ إِذَا دَخَلْتَ الْبَیْتَ الثَّانِیَ فَقُلِ- اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّی الرِّجْسَ النِّجْسَ وَ طَهِّرْ جَسَدِی وَ قَلْبِی وَ خُذْ مِنَ الْمَاءِ الْحَارِّ وَ ضَعْهُ عَلَی هَامَتِکَ وَ صُبَّ مِنْهُ عَلَی رِجْلَیْکَ وَ إِنْ أَمْکَنَ أَنْ تَبْلَعَ مِنْهُ جُرْعَهً فَافْعَلْ فَإِنَّهُ یُنَقِّی الْمَثَانَهَ وَ الْبَثُّ فِی

۱- ۱. المحاسن: ۴۶۳، و القدید: لحم مقدد یذر علیه الملح ثمّ یجفف فی الظل أو الشمس، و الغاب: اللحم البائت، و کأنّه اللحم المطبوخ البائت.

۲- ۲. یعنی الصفراء غیر الطبیعیه.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۳۴.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۵۶، نقلا من الفقیه ج ۱ باب غسل یوم الجمعه و قد مر مثله.

الْبَیْتِ الثَّانِی سَاعَهً وَ إِذَا دَخَلْتَ الْبَیْتَ الثَّالِثَ فَقُلْ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ نَسْأَلُهُ الْجَنَّهَ وَ تَرَدَّدْهَا إِلَی وَقْتِ خُرُوجِکَ مِنَ الْبَیْتِ الْحَارِّ وَ إِیَّاکَ وَ شُرْبَ الْمَاءِ الْبَارِدِ وَ الْفُقَّاعِ فِی الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ یُفْسِدُ الْمَعِدَهَ وَ لَا تَصُبَّنَّ عَلَیْکَ الْمَاءَ الْبَارِدَ فَإِنَّهُ یُضْعِفُ الْبَدَنَ وَ صُبَّ الْمَاءَ الْبَارِدَ عَلَی قَدَمَیْکَ إِذَا خَرَجْتَ فَإِنَّهُ یَسُلُّ الدَّاءَ مِنْ جَسَدِکَ فَإِذَا خَرَجْتَ مِنَ الْحَمَّامِ وَ لَبِسْتَ ثِیَابَکَ فَقُلِ- اللَّهُمَّ أَلْبِسْنِی التَّقْوَی وَ جَنِّبْنِی الرَّدَی فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِکَ أَمِنْتَ مِنْ کُلِّ دَاءٍ وَ لَا بَأْسَ بِقِرَاءَهِ الْقُرْآنِ فِی الْحَمَّامِ مَا لَمْ تُرِدْ بِهِ الصَّوْتَ إِذَا کَانَ عَلَیْکَ مِئْزَرٌ وَ سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ أَ کَانَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَنْهَی عَنْ قِرَاءَهِ الْقُرْآنِ فِی الْحَمَّامِ فَقَالَ لَا إِنَّمَا نَهَی أَنْ یَقْرَأَ الرَّجُلُ وَ هُوَ عُرْیَانٌ فَإِذَا کَانَ عَلَیْهِ إِزَارٌ فَلَا بَأْسَ.

وَ قَالَ عَلِیُّ بْنُ یَقْطِینٍ لِلْکَاظِمِ علیه السلام: أَقْرَأُ فِی الْحَمَّامِ وَ أَنْکِحُ قَالَ لَا بَأْسَ.

وَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: نِعْمَ الْبَیْتُ الْحَمَّامُ تُذَکِّرُ فِیهِ النَّارُ وَ یَذْهَبُ بِالدَّرَنِ- وَ قَالَ علیه السلام بِئْسَ الْبَیْتُ الْحَمَّامُ یَهْتِکُ السِّتْرَ وَ یَذْهَبُ بِالْحَیَاءِ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: بِئْسَ الْبَیْتُ الْحَمَّامُ یَهْتِکُ السِّتْرَ وَ یُبْدِی الْعَوْرَهَ وَ نِعْمَ الْبَیْتُ الْحَمَّامُ یُذَکِّرُ حَرَّ جَهَنَّمَ وَ مِنَ الْأَدَبِ أَنْ لَا یُدْخِلَ الرَّجُلُ وَلَدَهُ مَعَهُ الْحَمَّامَ فَیَنْظُرَ إِلَی عَوْرَتِهِ.

وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلَا یَبْعَثْ بِحَلِیلَتِهِ إِلَی الْحَمَّامِ- وَ قَالَ علیه السلام أَنْهَی نِسَاءَ أُمَّتِی عَنْ دُخُولِ الْحَمَّامِ.

وَ قَالَ الْکَاظِمُ علیه السلام: لَا تَدْخُلِ الْحَمَّامَ عَلَی الرِّیقِ لَا تَدْخُلُوهُ حَتَّی تَطْعَمُوا شَیْئاً.

مِنْ کِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا تَدْخُلِ الْحَمَّامَ إِلَّا وَ فِی جَوْفِکَ شَیْ ءٌ یُطْفِئُ عَنْکَ وَهَجَ الْمَعِدَهِ-(۱) وَ هُوَ أَقْوَی لِلْبَدَنِ وَ لَا تَدْخُلْهُ وَ أَنْتَ مُمْتَلِئٌ مِنَ الطَّعَامِ.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ لِلرَّجُلِ أَنْ یَقْرَأَ الْقُرْآنَ فِی الْحَمَّامِ إِذَا کَانَ یُرِیدُ بِهِ

۱- ۱. الوهج- محرکه- اشتداد الحراره.

وَجْهَ اللَّهِ وَ لَا يُرِيدُ أَنْ يَنْظُرَ كَيْفَ صَوْتُهُ.

عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ أَ يَتَجَرَّدُ الرَّجُلُ عِنْدَ صَبِّ الْمَاءِ يُرَى عَوْرَتُهُ إِذْ يَصُبُّ عَلَيْهِ الْمَاءَ أَوْ يَرَى هُوَ عَوْرَةَ النَّاسِ قَالَ كَانَ أَبِي عليه السلام يَكْرَهُ ذَلِكَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: لَا يَسْتَلْقِيَنَّ أَحَدُكُمْ فِي الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ يُذِيبُ شَحْمَ الْكُلْيَتَيْنِ- وَ قَالَ بَعْضُهُمْ خَرَجَ الصَّادِقُ عليه السلام مِنَ الْحَمَّامِ فَتَلَبَّسَ وَ تَعَمَّمَ قَالَ فَمَا تَرَكْتُ الْعِمَامَةَ عِنْدَ خُرُوجِي مِنَ الْحَمَّامِ فِي الشِّتَاءِ وَ الصَّيْفِ.

وَ قَالَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام: الْحَمَّامُ يَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا يُكْثِرُ اللَّحْمَ وَ إِدْمَانُهُ كُلَّ يَوْمٍ يُذِيبُ شَحْمَ الْكُلْيَتَيْنِ.

قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُسْلِمٍ: كُنْتُ فِي الْحَمَّامِ فِي الْبَيْتِ الْأَوْسَطِ فَدَخَلَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام وَ عَلَيْهِ إِزَارٌ فَوْقَ النُّورَهِ فَقَالَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَرَدَدْتُ عَلَيْهِ وَ دَخَلْتُ الْبَيْتَ الَّذِي فِيهِ حَوْضٌ فَاغْتَسَلْتُ وَ خَرَجْتُ.

وَ عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: مَنْ غَسَلَ رِجْلَيْهِ بَعْدَ خُرُوجِهِ مِنَ الْحَمَّامِ فَلَا بَأْسَ وَ إِنْ لَمْ يَغْسِلْهُمَا فَلَا بَأْسَ وَ خَرَجَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عليهما السلام مِنَ الْحَمَّامِ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ طَابَ اسْتِحْمَامُكَ فَقَالَ يَا لُكَعُ وَ مَا تَصْنَعُ بِالاسْتِ (١) هُنَا قَالَ فَطَابَ حَمَّامُكَ قَالَ إِذَا طَابَ الْحَمَّامُ فَمَا رَاحَةُ الْبَدَنِ قَالَ فَطَابَ حَمِيمُكَ قَالَ وَيْحَكَ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ الْحَمِيمَ الْعَرَقُ قَالَ فَكَيْفَ أَقُولُ قَالَ قُلْ طَابَ مَا طَهُرَ مِنْكَ وَ طَهُرَ مَا طَابَ مِنْكَ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِذَا قَالَ لَكَ أَخُوكَ وَ قَدْ خَرَجْتَ مِنَ الْحَمَّامِ طَابَ حَمَّامُكَ فَقُلْ لَهُ أَنْعَمَ اللَّهُ بَالَكَ.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: الدَّاءُ ثَلَاثَةٌ وَ الدَّوَاءُ ثَلَاثَةٌ فَأَمَّا الدَّاءُ فَالدَّمُ وَ الْمِرَّةُ وَ الْبَلْغَمُ فَدَوَاءُ الدَّمِ الْحِجَامَةُ وَ دَوَاءُ الْبَلْغَمِ الْحَمَّامُ وَ دَوَاءُ الْمِرَّهِ الْمَشْيُ.

قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: ثَلَاثَةٌ يُسْمِنَّ وَ ثَلَاثَةٌ يَهْزِلْنَ فَأَمَّا الَّتِي يُسْمِنَّ فَإِدْمَانُ الْحَمَّامِ وَ شَمُّ الرَّائِحَهِ الطَّيِّبَهِ وَ لُبْسُ الثِّيَابِ اللَّيِّنَهِ وَ أَمَّا الَّتِي يَهْزِلْنَ فَإِدْمَانُ

١- ١. يعنى حروف الاست(ا س ت) من لفظ الاستحمام.

أَكْلِ الْبَيْضِ وَ السَّمَكِ وَ الطَّلْعِ (۱).

يَعْنِی إِدْمَانَ الْحَمَّامِ يَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا فَإِنَّهُ إِنْ دَخَلَ كُلَّ يَوْمٍ نَقَصَ لَحْمُهُ.

عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: مَاءُ الْحَمَّامِ لَا بَأْسَ بِهِ إِذَا كَانَ لَهُ مَادَّةٌ.

عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا تَقُولُ فِی مَاءِ الْحَمَّامِ قَالَ هُوَ بِمَنْزِلَهِ الْمَاءِ الْجَارِی.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام الْحَمَّامُ يَغْتَسِلُ فِيهِ الْجُنُبُ وَ غَيْرُهُ أَغْتَسِلُ مِنْ مَائِهِ قَالَ نَعَمْ لَا بَأْسَ أَنْ يَغْتَسِلَ مِنْهُ الْجُنُبُ وَ لَقَدِ اغْتَسَلْتُ فِيهِ ثُمَّ جِئْتُ فَغَسَلْتُ رِجْلَيَّ وَ مَا غَسَلْتُهُمَا إِلَّا مِمَّا لَزِقَ بِهِمَا مِنَ التُّرَابِ.

عَنْ زُرَارَهَ قَالَ: رَأَيْتُ الْبَاقِرَ علیه السلام يَخْرُجُ مِنَ الْحَمَّامِ فَيَمْضِی كَمَا هُوَ- لَا يَغْسِلُ رِجْلَهُ حَتَّى يُصَلِّيَ.

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: اغْسِلُوا أَرْجُلَكُمْ بَعْدَ خُرُوجِكُمْ مِنَ الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالشَّقِيقَهِ(۲) وَ إِذَا خَرَجْتَ فَتَعَمَّمْ.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنِ الْبَاقِرِ وَ الصَّادِقِ علیهما السلام قَالَ: خَرَجَا مِنَ الْحَمَّامِ مُتَعَمِّمَيْنِ شِتَاءً كَانَ أَوْ صَيْفاً وَ كَانَا يَقُولَانِ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ.

وَ رُوِيَ: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمُ الْحَمَّامَ وَ هَاجَتْ بِهِ الْحَرَارَهُ فَلْيَصُبَّ عَلَيْهِ الْمَاءَ الْبَارِدَ لِيَسْكُنَ بِهِ الْحَرَارَهُ.

وَ مِنْ كِتَابِ طِبِّ الْأَئِمَّهِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: قَلِّمُوا أَظْفَارَكُمْ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَ احْتَجِمُوا يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ أَصِيبُوا مِنَ الْحَمَّامِ حَاجَتَكُمْ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ تَطَيَّبُوا بِأَطْيَبِ طِيبِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَهِ.

مِنْ كِتَابِ الْخِصَالِ (۳)

عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: قَلِّمُوا أَظْفَارَكُمْ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَ اسْتَحِمُّوا يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ أَصِيبُوا مِنَ الْحِجَامَهِ حَاجَتَكُمْ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ تَطَيَّبُوا بِأَطْيَبِ طِيبِكُمْ يَوْمَ الْجُمُعَهِ.

وَ مِنْ كِتَابِ اللِّبَاسِ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: دَخَلَ عَلَيْنَا أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ

ص: ۷۹

۱- ۱.؟؟؟ النخل.

۲- ۲. وجع نصف الرأس و الوجه.

۳- ۳.الخصال ج ۱ ص ۳۰.

عليه السلام الْحَمَّامَ وَ نَحْنُ فِيهِ فَسَلَّمَ قَالَ فَقُمْتُ أَنَا فَاغْتَسَلْتُ وَ خَرَجْتُ.

عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبِي وَ جَدِّي وَ عَمِّي حَمَّامَ الْمَدِينَهِ فَإِذَا رَجُلٌ فِي الْمَسْلَخِ فَقَالَ مِمَّنِ الْقَوْمُ فَقُلْنَا مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ قَالَ مِنْ أَيِّ الْعِرَاقِ فَقُلْنَا مِنْ أَهْلِ الْكُوفَهِ قَالَ مَرْحَباً وَ أَهْلًا يَا أَهْلَ الْكُوفَهِ أَنْتُمُ الشِّعَارُ دُونَ الدِّثَارِ ثُمَّ قَالَ مَا يَمْنَعُكُمْ مِنَ الْإِزَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله قَالَ عَوْرَهُ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حَرَامٌ قَالَ فَبَعَثَ عَمِّي إِلَى كِرْبَاسَهٍ فَشَقَّهَا بِأَرْبَعَهٍ ثُمَّ أَخَذَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا وَاحِدَهً فَلَمَّا خَرَجْنَا مِنَ الْحَمَّامِ سَأَلْنَا عَنِ الشَّيْخِ فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ الْبَاقِرُ عليه السلام مَعَهُ.

مِنْ كِتَابِ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهُ (۱) قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَدْخُلِ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمِئْزَرٍ وَ نَهَى صلى الله عليه و آله عَنْ دُخُولِ الْأَنْهَارِ إِلَّا بِمِئْزَرٍ وَ قَالَ إِنَّ لِلْمَاءِ أَهْلًا وَ سُكَّاناً.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: إِذَا تَعَرَّى أَحَدُكُمْ نَظَرَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ فَيَطْمَعُ فِيهِ فَاسْتَتِرُوا.

عَنْهُ عليه السلام قَالَ: نَهَى أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمِئْزَرٍ.

وَ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عليهما السلام قَالَ: قِيلَ لَهُ إِنَّ سَعِيدَ بْنَ عَبْدِ الْمَلِكِ يَدْخُلُ بِجَوَارِيهِ الْحَمَّامَ قَالَ وَ مَا بَأْسٌ بِهِ إِذَا كَانَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِنَّ الْإِزَارُ وَ لَا يَكُونُونَ عُرَاهً كَالْحُمُرِ يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى سَوْأَهِ بَعْضٍ.

وَ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: إِنَّمَا كُرِهَ النَّظَرُ إِلَى عَوْرَهِ الْمُسْلِمِ فَأَمَّا النَّظَرُ إِلَى عَوْرَهِ مَنْ لَيْسَ بِمُسْلِمٍ مِثْلُ النَّظَرِ إِلَى عَوْرَهِ الْحِمَارِ.

وَ عَنْهُ عليه السلام قَالَ: لَا يَنْظُرُ الرَّجُلُ إِلَى عَوْرَهِ أَخِيهِ فَإِذَا كَانَ مُخَالِفاً لَهُ فَلَا شَيْ ءَ عَلَيْهِ فِي الْحَمَّامِ.

وَ عَنْهُ عليه السلام قَالَ: الْفَخِذُ لَيْسَ بِعَوْرَهٍ.

وَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَغْتَسِلُ الرَّجُلُ بَارِزاً فَقَالَ إِذَا لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ فَلَا بَأْسَ.

مِنْ تَهْذِيبِ الْأَحْكَامِ (۲)

عَنْ حُذَيْفَهَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام شَيْ ءٌ يَقُولُهُ النَّاسُ عَوْرَهُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ فَقَالَ لَيْسَ حَيْثُ يَذْهَبُونَ

ص: ۸۰

۱- ۱. الفقيه ج ۱ ص ۶۰.

۲- ۲. تهذيب الأحكام ج ۱ ص ۱۰۶.

إِنَّمَا عَنَى عَوْرَهُ الْمُؤْمِنِ أَنْ يَزِلَّ زَلَّهً أَوْ يَتَكَلَّم بِشَيْ ءٍ يُعَابُ عَلَيْهِ فَيَحْفَظُ عَلَيْهِ لِيُعَيِّرَهُ بِهِ يَوْماً.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ عَوْرَهِ الْمُؤْمِنِ أَ هِيَ حَرَامٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ أَعْنِي سُفْلَيْهِ فَقَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِنَّمَا هُوَ إِذَاعَهُ سِرِّهِ.

عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي عَوْرَهِ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ قَالَ لَيْسَ أَنْ يُكْشَفَ فَتَرَى مِنْهُ شَيْئاً إِنَّمَا هُوَ أَنْ تَزْرِيَ عَلَيْهِ أَوْ تَعِيبَهُ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: پیغمبر صلی الله علیه و آله سر و ریش خود را با سدر شستشو می فرمود. - . مکارم الاخلاق: ۳۴ -

من لا یحضره الفقیه: - . مکارم الاخلاق: ۵۶ ، نقل شده از من لا یحضره الفقیه، باب نماز جمعه - امام صادق علیه السّلام فرمود: چون به حمام درآیی و جامه از تن می کَنی بگو: «اللهم انزع عنی ربقه النفاق و ثبتنی علی الایمان»، (بار خدایا! برکن از من وابستگی به نفاق را و پایدار کن مرا بر ایمان.) و چون به خانه اول در آمدی بگو: «اللهم انی أعوذ بک من شر نفسی و استعیذ بک من اذاه»، (بار خدایا! به تو پناه برم از شر خودم و به تو پناه گیرم از آزارش.) و چون به خانه دوم رفتی بگو: «اللهم اذهب عنی الرجس النجس و طهر جسدی و قلبی»، (بار خدایا! ببر از من پلیدی و نجس را و پاک کن تن و دلم را.) و از آب گرم بگیر بر فرق سر بریز و بر دو پا و اگر می شود جرعه ای از آن بنوش که مثانه را پاک کند، و در خانه دوم یک ساعت بمان و چون به خانه سوم در آمدی بگو: « نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ وَ نَسْأَلُهُ الْجَنَّهَ» (پناه به خدا از دوزخ و بهشت را از او خواهم.)

و تا از گرم خانه به در آمدی، آن را باز گو. و مبادا در حمام آب سرد یا نوشابه بنوشی که معده را تباه کند، و آب سرد بر خود مریز که تن را ناتوان کند. و چون در آمدی، آب سرد بر پاها بریز که درد را از تنت برکشد و چون جامه خود را پوشیدی بگو: «اللَّهُمَّ أَلْبِسْنِي التَّقْوَى وَ جَنِّبْنِي الرَّدَى» (خدایا! به من جامه تقوا بپوشان و از هلاکتم برهان.) و چون چنین کنی، از هر دردی در امانی و باکی ندارد خواندن قرآن در حمام، در صورتی که به آواز نباشد و لنگ بر تو باشد.

و محمد بن مسلم از امام باقر علیه السّلام پرسید: امیر مؤمنان از خواندن قرآن در حمام نهی می کرده است؟ فرمود: نه، همانا نهی می کرد از اینکه کسی لخت قرآن بخواند و اگر لنگ دارد باکی ندارد .

و علی بن یقطین به امام کاظم علیه السّلام گفت: در حمام قرآن بخوانم و جماع کنم؟ فرمود: باکی ندارد.

و علی علیه السّلام فرمود: چه خوب جایی است حمام که دوزخ را به یاد می آورد و چرک را می برد. و فرمود: چه بد جایی است حمام که پرده را برمی دارد و شرم را می برد.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: چه بدجایی است حمام؛ پرده را بدرد و عورت را پدید کند، و چه خوب است حمام که سوزش دوزخ را به یاد آورد. و از ادب است که کسی فرزندش را با خود درون حمام نبرد که به عورتش بنگرد.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد، حلال خود را به حمام نفرستد، و فرمود زنان امتم را نهی کنم از رفتن به حمام .

و امام کاظم علیه السّلام فرمود: ناشتا به حمام در نیایید و تا چیزی نخورده اید، در آن نروید.

و در محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: به حمام نرو، مگر آنکه در درونت چیزی باشد که حرارت معده را خاموش کند و آن تن را نیرومندتر کند، و با شکم پر هم به حمام مرو.

و از آن حضرت علیه السّلام نقل است که فرمود: باکی ندارد کسی در حمام قرآن بخواند اگر برای خدا باشد، نه این که صوتش را امتحان کند.

و ابن ابی یعفور گفت: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم که مرد در ریختن آب بر خود برهنه شود و عورتش نمایان گردد یا اینکه عورت دیگران را بیند؟ فرمود: پدرم از این کار برای هر کس بدش می آمد.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی در حمام به پشت نخوابد، زیرا پیه قلوه ها را آب کند. و یکی گفت: امام صادق علیه السّلام از حمام به در آمد و جامه پوشید و عمامه بر سر نهاد. پس من هنگام بیرون شدن از حمام، در زمستان و تابستان عمامه را واننهادم.

و امام کاظم علیه السّلام فرمود: حمام کردن یک روز باشد و یک روز نباشد و اگر هر روز باشد، پیه قلوه ها را آب کند .

عبدالرحمن بن مسلم گفت: در خانه میانه حمام بودم که امام کاظم علیه السّلام با لنگی روی نوره در آمد و فرمود: السّلام علیکم. من جواب دادم و به حوضخانه رفتم، غسل کردم و بیرون شدم.

و امام رضا علیه السّلام فرمود: هر که پس از بیرون شدن از حمام پاهای خود را بشوید، باکی ندارد و اگر هم نشوید باکی ندارد.

و امام حسن بن علی علیه السّلام از حمام به در آمد و مردی به او گفت: «طاب استحمامک»، (خوش باد حمام گرفتن تو!) و آن حضرت فرمود: ای بی شرم! با کلمه «است» - . یعنی حروف الاست (ا س ت) از لفظ استحمام. - در اینجا چه کار داری؟ گفت: «طاب حمامک!» فرمود: اگر حمام خوش بود پس چرا راحت بدن نیست؟ گفت: «طاب حمیمک!» (گرمی ات خوش باد!» فرمود: وای بر تو! آیا نمی دانی «حمیم» عرق است» آن مرد پرسید: پس چه بگویم؟ فرمود: بگو خوش باد آنچه از تو پاک شد و پاک باد آنچه از تو خوش باشد!

امام صادق علیه السّلام فرمود: چون برادرت پس از بیرون شدنت از حمام به تو گفت: «طاب حمامک»، به او بگو: «انعم الله بالک.»

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: درد سه چیز است و درمان سه تا: درد از خون است و صفراء و بلغم، و درمانِ خون حجامت است و درمانِ بلغم حمام و داروی صفراء، راه رفتن.

امام صادق علیه السّلام فرمود: سه چیز فربه کند و سه چیز لاغر. اما آنچه فربه کند: پی در پی حمام رفتن، بوی خوش و

پوشیدن جامه های نرم. و اما آنچه لاغر کند: مرتب تخم مرغ و ماهی و مغز درخت خرما خوردن. - . نخل -

مقصود از پی در پی حمام رفتن، یک روز در میان است، زیرا هر روز رفتن حمام، گوشت را بکاهد.

و امام باقر علیه السّلام فرمود: آب حمام باکی ندارد اگر منبعی دارد.

و از داود بن سرحان نقل است که گفت: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: چه گویی درباره آب حمام؟ فرمود: به مانند آب جاری است .

و محمد بن مسلم گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: حمامی است که جنب و دیگران در آن غسل می کنند؛ آیا من از آبش غسل کنم؟ فرمود: آری، باکی ندارد که جنب در آن غسل می کند. من هم در آن غسل کردم و آمدم پاهایم را شستم، و آنها را نشستم جز برای خاکی که به آنها چسبیده بود.

و زراره گفت: دیدم امام باقر علیه السّلام از حمام به در می آمد و همچنان گذشت و پاهایش را نَشُست تا نماز خواند.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: چون از حمام در آمدید، پاها را بشویید که درد شقیقه - . نصف سر و صورت - را ببرد و چون به در آمدی، عمامه بر سر بگذار.

و محمد بن موسی گفت: امام باقر و صادق علیهما السّلام در زمستان یا تابستان، از حمام با عمامه بیرون می آمدند و می فرمودند: امان از درد سر است.

در روایت است که چون کسی به حمام رفت و حرارتش به جوش آمد، آب سرد به خود بریزد تا حرارت فرو کشد.

و از کتاب «طب الائمه» از امام کاظم علیه السّلام است که فرمود: ناخن ها را روز سه شنبه بگیرید و روز چهارشنبه حجامت کنید و روز پنجشنبه نیاز خود را از حمام بر آورید و بهترین بوی خوش خود را روز جمعه به کار برید.

و در خصال آمده است: امام کاظم علیه السّلام فرمود: روز سه شنبه ناخن بگیرید و چهارشنبه حمام کنید و پنجشنبه حجامت کنید و روز جمعه بهترین بوی خوش را به کار برید. - . خصال ۱: ۳۰ -

و از کتاب «لباس» از سعدان بن مسلم نقل است که امام کاظم علیه السّلام در حمامی که ما در آن بودیم، بر ما وارد شد. من سلام کردم، بعد برخاستم و غسل کردم و بیرون شدم.

حنان سدیراز پدرش نقل کرد که گفت: من و پدرم و جدم و عمویم به حمام مدینه رفتیم. مردی در رخت کن بود و پرسید: از کجایید؟ گفتیم از اهالی عراق. گفت: از کجای عراق؟ گفتیم از اهالی کوفه. فرمود: مرحبا و اهلاً ای اهل کوفه! شما جامه تن دارید نه روپوش! سپس فرمود: چرا لنگ ندارید؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عورت مسلمان بر مسلمان حرام است.

گوید: عمویم یک طاقه کرباس خواست و آن را چهار پاره کرد و هر کدام از ما یکی بر گرفت. چون از حمام به در آمدیم از آن آقا پرسش کردیم. گفتند که ایشان علی بن حسین بود که پسرش امام باقر علیهما السّلام به همراه او بود.

من لا یحضره الفقیه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس به خدا و روز جزا ایمان دارد، بی لنگ به حمام نرود. آن حضرت نهی کرد از ورود بدون لنگ در نهرها و فرمود: آب اهل و ساکنانی دارد. - . من لا یحضره الفقیه ۱: ۶۰ -

علی علیه السّلام فرمود: چون یکی از شماها لخت شود، شیطان به او نگاه کند و در او طمع ورزد. پس خود را بپوشید.

و باز از او است که نهی فرمود مرد بدون لنگ به حمام رود.

و از امام باقر، از پدرش، از علی علیهم السّلام نقل است که فرمود: به او گفتند: سعید بن عبدالملک کنیزانش را به حمام می برد. فرمود: اگر همه لنگ دارند باکی ندارد، ولی مانند خران لخت نباشند که به عورت هم نگاه کنند.

و از امام صادق علیه السّلام است که فرمود: همانا بد است نگاه به عورت مسلمان، ولی نظر به عورت نامسلمان چون نگاه به عورت خر است.

و از آن حضرت است که فرمود: کسی به عورت برادرش نگاه نکند و اگر مخالف مذهب او است، در حمام باکی ندارد.

و همچنین فرمود: ران عورت نیست.

و ابی بصیر گفت: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: کسی لخت غسل کند؟ فرمود: اگر کسی او را نبیند باکی ندارد.

در تهذیب الاحکام - . تهذیب الاحکام ۱: ۱۰۶ -

است که حذیفه بن منصور گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: مردی چیزی را گوید و آن اینکه عورت مؤمن بر مؤمن حرام است. فرمود: به آن معنی نیست که گمان برند؛ مقصود از عورت مؤمن، لغزش او است یا سخنی عیب آور که بر او حفظ کند تا روزی وی را بدان سرکوفت کند.

و از عبدالله بن سنان نقل است که گفت: از امام صادق علیه السّلام درباره عورت مومن پرسیدم که آیا حرام است؟ فرمود: بله، گفتم: یعنی دنبلان او؟ فرمود: آن طور که تصور کردی نیست، مقصود از آن فاش کردن راز او است.

و در روایت زید شحام فرمود: «عورت مؤمن بر مؤمن حرام است» معنایش این نیست که کشف کند و آن را ببینی. همانا مقصود این است که او را خوار کنی یا نکوهش نمایی (از کار ناشایست او). - . مکارم الاخلاق: ۵۷- ۶۲ -

**[ترجمه]

مکـا، [مکارم الأخلاق] مِنْ کِتَابِ مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیهُ (۲) عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: لَا یَسْتَلْقِیَنَّ أَحَدُکُمْ فِی الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ یُذِیبُ شَحْمَ الْکُلْیَتَیْنِ وَ لَا یَدْلُکَنَّ رِجْلَهُ بِالْخَزَفِ فَإِنَّهُ یُورِثُ الْجُذَامَ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: لَا تَتَدَلَّکْ بِالْخَزَفِ فَإِنَّهُ یُورِثُ الْبَرَصَ وَ لَا تَمْسَحْ وَجْهَکَ بِالْإِزَارِ فَإِنَّهُ یَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ وَ رُوِیَ أَنَّ ذَلِکَ طِینُ مِصْرَ وَ خَزَفُ الشَّامِ.

وَ قَالَ علیه السلام: إِیَّاکُمْ وَ الْخَزَفَ فَإِنَّهُ یُبْلِی الْجَسَدَ عَلَیْکُمْ بِالْخِرَقِ.

عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ یَتَدَلَّکَ الرَّجُلُ فِی الْحَمَّامِ بِالسَّوِیقِ وَ الدَّقِیقِ وَ النُّخَالَهِ وَ لَا بَأْسَ أَنْ یَتَدَلَّکَ بِالدَّقِیقِ الْمَلْتُوتِ بِالزَّیْتِ وَ لَیْسَ فِیمَا یَنْفَعُ الْبَدَنَ إِسْرَافٌ إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِیمَا أَتْلَفَ الْمَالَ وَ أَضَرَّ بِالْبَدَنِ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: لَا بَأْسَ أَنْ یَمَسَّ الرَّجُلُ الْخَلُوقَ فِی الْحَمَّامِ یَمْسَحُ بِهِ یَدَهُ مِنْ شُقَاقٍ یُدَاوِیهِ وَ لَا یُسْتَحَبُّ إِدْمَانُهُ وَ لَا أَنْ یُرَی أَثَرُهُ عَلَیْهِ.

وَ مِنْ کِتَابِ اللِّبَاسِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام: فِی الرَّجُلِ یَطَّلِی بِالنُّورَهِ فِی الْحَمَّامِ فَیَتَدَلَّکُ بِالزَّیْتِ وَ الدَّقِیقِ قَالَ لَا بَأْسَ.

عَنْ أَبِی السَّفَاتِجِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا: أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ إِنَّا نَکُونُ فِی طَرِیقِ مَکَّهَ فَنُرِیدُ الْإِحْرَامَ فَلَا یَکُونُ مَعَنَا نُخَالَهٌ نَتَدَلَّکُ بِهَا مِنَ النُّورَهِ فَنَتَدَلَّکُ بِالدَّقِیقِ فَیَدْخُلُنِی مِنْ ذَلِکَ مَا اللَّهُ بِهِ أَعْلَمُ قَالَ مَخَافَهَ الْإِسْرَافِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ لَیْسَ فِیمَا أَصْلَحَ الْبَدَنَ إِسْرَافٌ أَنَا رُبَّمَا أَمَرْتُ بِالنَّقِیِّ فَیُلَتُّ بِالزَّیْتِ

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۵۷- ۶۲.

۲- ۲. الفقیه ج ۱ باب غسل الجمعه.

فَأَتَـدَلَّکَ بِهِ إِنَّمَـا الْإِسْـرَافُ فِیمَـا أَتْلَفَ الْمَالَ وَ أَضَـرَّ بِالْبَـدَنِ قُلْتُ فَمَا الْإِقْتَارُ قَالَ أَکْلُ الْخُبْزِ وَ الْمِلْحِ وَ أَنْتَ تَقْـدِرُ عَلَی غَیْرِهِ قُلْتُ فَالْقَصْدُ قَالَ الْخُبْزُ وَ اللَّحْمُ وَ اللَّبَنُ وَ الزَّیْتُ وَ السَّمْنُ مَرَّهً ذَا وَ مَرَّهً ذَا.

عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام: فِی الرَّجُلِ یَطَّلِی بِالنُّورَهِ فَیَجْعَلُ الدَّقِیقَ یَلُتُّهُ بِهِ یَتَمَسَّحُ بِهِ بَعْدَ النُّورَهِ لِیَقْطَعَ رِیحَهَا قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ (۱).

**[ترجمه]مکـارم الاخلاـق از کتـاب من لاـ یحضـره الفقیه: از علی علیه السّـلام نقل است که فرمود: کسـی در حمام به پشـت نخوابـد که پیه قلوه هـایش آب شونـد و با سـفال پایش را نمالـد که باعث جزام گردد. - . من لا یحضـره الفقیه ۱ ، باب غسل جمعه -

و امام صادق علیه السّـلام فرمود: با سـفال مالش نـده که برص آورد، و لنگ را به صورت مکش که آب رو ببرد. و در روایت است که مقصود گِل مصر است و سفال شام.

و فرمود: بپرهیزید از سفال که با آن کیسه کنید که جسد را معیوب کند و با پارچه مالش دهید.

و امام رضا علیه السّلام فرمود: باکی ندارد کسی در حمام قاووت و آرد و نخاله به تن بمالد یا آرد خمیر شده با روغن زیت به تن بمالد، و در آنچه به سود تن است اسراف نیست، همانا اسراف در اتلاف مال و اضرار به تن است.

و امام صادق علیه السّـلام فرمود: باکی نـدارد کسـی در حمام برای درمان ترکیـدگی دسـتش، خلوق (یک نوع خوشـبو کننده بوده) به خود بمالد و خوب نیست ادامه دهد یا اثرش بر او بماند.

و در کتـاب «لبـاس» از امام کاظم علیه السّـلام نقل است که درباره کسـی که در حمام نوره کشـد و روغن زیت با آرد به خود بمالد فرمود: باکی ندارد .

از ابی السفات از یکی از اصحاب ما آمده است که از امام صادق علیه السّلام پرسید: ما در مکه بودیم و خواستیم احرام ببندیم و با خود نخاله نداشتیم که با آن دلاکی کنیم. پس به جای نوره با آرد دلاکی کردیم و من شک کردم - البته خدا آگاه است - که مبادا اسـراف کرده باشـیم. فرمود: بله، در آنچه مایه اصـلاح بـدن باشـد اسـراف نیست. خود من گاهی امر می کنم برایم روغن زیت بیاورنـد و بـا آن دلاـکی می کنم. اسـراف در جـایی است که باعث از بین رفتن مال شود و به بـدن ضـرر برسانـد. پرسیدم: اقتار (قناعت زیادی) چیست؟ فرمود نان و نمک خوردن، در حالی که می توانی غیر از آن را تهیه کنی. پرسیدم: میانه روی چیست؟ فرمود: نان و گوشت و روغن و شیر و چربی، گاهی باشد گاهی نباشد.

امام کاظم علیه السّلام درباره مردی که نوره می کشید و آرد را خمیر کرده بود که بعد از نوره بکشد تا بوی نوره برود فرمود: اشکالی ندارد. - . مکارم الاخلاق: ۶۲- ۶۳ -

**[ترجمه]

باب ۴ الحلق و جز شعر الرأس و الفرق و تربیته و تنظیف الرأس و الجسد بالماء و دفع الروائح الکریهه و غسل الثوب

روایات

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق] مِنْ کِتَابِ مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیهُ (۲): قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِرَجُلٍ احْلِقْ فَإِنَّهُ یَزِیدُ فِی جَمَالِکَ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: حَلْقُ الرَّأْسِ فِی غَیْرِ حَجٍّ وَ لَا عُمْرَهٍ مُثْلَهٌ لِأَعْدَائِکُمْ وَ جَمَالٌ لَکُمْ وَ مَعْنَی هَذَا فِی قَوْلِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله حِینَ وَصَفَ الْخَوَارِجَ فَقَالَ (۳)

إِنَّهُمْ یَمْرُقُونَ مِنَ الدِّینِ کَمَا یَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِیَّهِ وَ عَلَامَتُهُمُ التَّسْبِیدُ(۴).

وَ هُوَ الْحَلْقُ وَ تَرْکُ التَّدَهُّنِ.

وَ مِنْ کِتَابِ نَوَادِرِ الْحِکْمَهِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیٍّ علیهم السلام قَالَ: لَا تَحْلِقُوا الصِّبْیَانَ الْقَزَعَ.

وَ مِنْ تَهْذِیبِ الْأَحْکَامِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أُتِیَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله بِصَبِیٍّ یَدْعُو لَهُ وَ لَهُ قَنَازِعُ فَأَبَی أَنْ یَدْعُوَ لَهُ وَ أَمَرَ بِحَلْقِ رَأْسِهِ.

قال النوفلی القزع أن تحلق موضعا و تترک موضعا.

ص: ۸۲

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۶۲- ۶۳.

۲- ۲. الفقیه ج ۱ ص ۷۲.

۳- ۳. زیاده أضفناها من الفقیه.

۴- ۴. التسبید: التشعیث کما فی اللسان، و هو أن یسرح شعره و یبله ثمّ یترکه من دون أن یرجله و یمشطه فیکون الشعر کالشوک، و مثله إذا حلق رأسه فنبت شعره کالشوک.

وَ رُوِیَ: أَنَّهُ إِذَا أَرَادَ أَنْ یَحْلِقَ رَأْسَهُ فَلْیَبْدَأْ مِنَ النَّاصِیَهِ إِلَی الْعَظْمَیْنِ وَ لْیَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَی مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اللَّهُمَّ أَعْطِنِی بِکُلِّ شَعْرَهٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیَامَهِ وَ إِذَا فَرَغَ فَلْیَقُلِ اللَّهُمَّ زَیِّنِّی بِالتَّقْوَی وَ جَنِّبْنِی الرَّدَی.

وَ مِنْ کِتَابِ طِبِّ الْأَئِمَّهِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: التَّنْظِیفُ بِالْمُوسَی فِی کُلِّ سَبْعٍ وَ بِالنُّورَهِ فِی کُلِّ خَمْسَهَ عَشَرَ یَوْماً.

وَ مِنْ کِتَابِ اللِّبَاسِ قَالَ الرِّضَا علیه السلام: ثَلَاثٌ مَنْ عَرَفَهُنَّ لَمْ یَدَعْهُنَّ إِحْفَاءُ الشَّعْرِ وَ نِکَاحُ الْإِمَاءِ وَ تَشْمِیرُ الثَّوْبِ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِینَ التَّعَطُّرُ وَ إِحْفَاءُ الشَّعْرِ وَ کَثْرَهُ الطُّرُوقَهِ.

یَعْنِی الْجِمَاعَ.

عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: قُلْنَا لَهُ إِنَّ النَّاسَ یَزْعُمُونَ أَنَّ کُلَّ حَلْقٍ فِی غَیْرِ مِنًی مُثْلَهٌ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ کَانَ أَبُو الْحَسَنِ یَعْنِی أَبَاهُ یَرْجِعُ مِنَ الْحَجِّ فَیَأْتِی بَعْضَ ضِیَاعِهِ فَلَا یَدْخُلُ الْمَدِینَهَ حَتَّی یَحْلِقَ رَأْسَهُ (۱).

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: الشَّعْرُ الْحَسَنُ مِنْ کِسْوَهِ اللَّهِ فَأَکْرِمُوهُ.

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنِ اتَّخَذَ شَعْراً فَلْیُحْسِنْ وِلَایَتَهُ أَوْ لِیَجُزَّهُ.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: مَنِ اتَّخَذَ شَعْراً فَلَمْ یَفْرُقْهُ فَرَقَهُ اللَّهُ بِمِنْشَارٍ مِنْ نَارٍ وَ کَانَ شَعْرُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَفْرَهً لَمْ یَبْلُغِ الْفَرْقَ.

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: أَلْقُوا الشَّعْرَ عَنْکُمْ فَإِنَّهُ یُحَسِّنُ (۲).

وَ مِنْ کِتَابِ اللِّبَاسِ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ هَارُونَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَفْرُقُ شَعْرَهُ قَالَ لَا وَ کَانَ شَعْرُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا طَالَ طَالَ إِلَی شَحْمَهِ أُذُنِهِ.

عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِنَّهُمْ یَرْوُونَ أَنَّ الْفَرْقَ مِنَ السُّنَّهِ قَالَ مَا هُوَ مِنَ السُّنَّهِ قُلْتُ یَزْعُمُونَ أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فَرَقَ قَالَ مَا

۱- ۱. مکارم الأخلاق ۶۳- ۶۵.

۲- ۲. فی بعض النسخ« نجس».

فَرَقَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَ مَا کَانَتِ الْأَنْبِيَاءُ تُمْسِکُ الشَّعْرَ(۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق از کتاب من لا یحضره الفقیه: رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردی فرمود: بتراش که آن به زیبایی تو افزاید. - . من لا یحضره الفقیه ۱: ۷۲ -

و امام صادق علیه السّلام فرمود: سر تراشیدن در غیر حج و عمره برای دشمنان شما مثله است و برای شما زیبایی. و توضیح آن در گفته پیغمبر است که خوارج را وصف کرد و فرمود: آنها چون تیر از کمان، از دین خارج شدند و نشانشان سیخ بودن موی آنها است. - . «التشعیث» به این معنا که مو را رها کنند و خیس کنند، نه بتابند و نه شانه زنند و مو چون خار بنماید: یا بتراشند و به جایش مویی روید به مانند خار. -

که آن تراشیدن سر است و ترک روغن مالی.

و در کتاب نوادر الحکمه از امام صادق، از پدرانش تا علی علیهم السّلام نقل است که فرمود: سر کودکان را جابجا نتراشید.

و در تهذیب الاحکام از امام صادق علیه السّلام نقل است که فرمود: کودکی را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند تا برایش دعا کند و نکرد، چون سرش جابجا تراشیده شده بود و فرمود که همه سرش را بتراشند .

نوفلی گفته: «قزع» این است که جایی را بتراشند و جای دیگر را وانهند.

و روایت است که چون خواهد سر بتراشد، از جلوی سرآغاز کند تا دو استخوان بناگوش، و بگوید «بسم الله و بالله و علی مله رسول الله. بار خدایا! به هر مو به من نوری بده در روز قیامت.» و چون تمام کرد بگوید: «بار خدایا! مرا با تقوا زیور کن و از هلاکت دور دار.» و از کتاب «طب الائمه» است که نظافت با تیغ تراش در هر هفته است و با نوره، در هرپانزده روز.

و در کتاب لباس است که امام رضا علیه السّلام فرمود: سه چیز را هر که شناسد از دست ننهد: آراستن مو، جماع کنیزان و برچیدن جامه [دامن لباس را از روی پاها بالا آوردن].

و فرمود: سه چیز از سنت رسولان است: بوی خوش زدن، آراستن مو و بسیار جماع کردن.

و از امام رضا علیه السّلام است که به آن حضرت گفتیم: مردم پندارند هر تراشیدن جز در منی مثله است. فرمود: سبحان الله! امام کاظم علیه السّلام (یعنی پدر ایشان) از حج که برمی گشت، به یکی از مزرعه های خود می رفت و به مدینه وارد نمی شد تا سرش را می تراشید. - . مکارم الاخلاق ۶۳- ۶۵ -

و از امام صادق است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: موی خوب از پوشش خدا است؛ آن را محترم شمارید.

و باز فرمود: هر که مو گزارد، خوبش کند، وگرنه باید آن را کوتاه کند.

و از آن حضرت است که فرمود: هر که مو نهد و آن را تفرقه نکند، خدا آن را با اره آهنین تفرقه کند. و موی سر رسول خدا

صلی الله علیه و آله کوتاه بود و به اندازه فرق باز کردن نبود.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: مو را از خود برافکنید که زیبایی آورد. - . در بعضی نسخ «نجس» آمده. -

و از کتاب لباس است که ایوب بن هارون گفت: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم که آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله موی خود را فرق باز می کرد؟ فرمود: نه، موی آن حضرت وقتی دراز می شد، تا پره گوشش بود.

و عمرو بن ثابت گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: آنها روایت می کنند که فرق باز کردن مو سنت است. فرمود: آن سنت نیست. گفتم: پندارند که پیغمبر فرق باز می کرده. فرمود: نه، و پیغمبران موی بر نمی گرفتند. - . مکارم الاخلاق: ۷۸ -

**[ترجمه]

«۲»

کِتَابُ زَیْدٍ النَّرْسِیِّ، عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَخَذْتَ مِنْ شَعْرِ رَأْسِکَ فَابْدَأْ بِالنَّاصِیَهِ وَ مُقَدَّمِ رَأْسِکَ وَ الصُّدْغَیْنِ إِلَی الْقَفَا فَکَذَلِکَ السُّنَّهُ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَی مِلَّهِ إِبْرَاهِیمَ وَ سُنَهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ حَنِیفاً مُسْلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِینَ اللَّهُمَّ أَعْطِنِی بِکُلِّ شَعْرَهٍ وَ طَاقَهٍ فِی الدُّنْیَا نُوراً یَوْمَ الْقِیَامَهِ اللَّهُمَّ أَبْدِلْنِی مَکَانَهُ شَعْراً لَا یَعْصِیکَ تَجْعَلُهُ زِینَهً لِی وَ وَقَاراً فِی الدُّنْیَا وَ نُوراً سَاطِعاً یَوْمَ الْقِیَامَهِ ثُمَّ تَجْمَعُ شَعْرَکَ وَ تَدْفِنُهُ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ إِلَی الْجَنَّهِ وَ لَا تَجْعَلْهُ إِلَی النَّارِ وَ قَدِّسْ عَلَیْهِ وَ لَا تَسْخَطْ عَلَیْهِ وَ طَهِّرْهُ حَتَّی تَجْعَلَهُ کَفَّارَهً وَ ذُنُوباً تَنَاثَرَتْ عَنِّی بِعَدَدِهِ وَ مَا تُبَدِّلُهُ مَکَانَهُ فَاجْعَلْهُ طَیِّباً وَ زِینَهً وَ وَقَاراً وَ نُوراً فِی الْقِیَامَهِ مُنِیراً یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ اللَّهُمَّ زَیِّنِّی بِالتَّقْوَی وَ جَنِّبْنِی وَ جَنِّبْ شَعْرِی وَ بَشَرِیَ الْمَعَاصِیَ وَ جَنِّبْنِی الرَّدَی فَلَا یَمْلِکُ ذَلِکَ أَحَدٌ سِوَاکَ.

**[ترجمه]کتاب زید نرسی: امام کاظم علیه السّلام فرمود: چون موی سر بر گیری، از جلو سر آغاز کن و در بناگوش تا به پشت سر که سنت چنین است، و بگو «بسم الله و بالله و علی مله ابراهیم و سنه محمد و آل محمد حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین. بار خدایا! به هر تار مو و دسته آن در دنیا به من نوری بده در روز قیامت. بار خدایا! به جای آن به من مویی بده که تو را نافرمانی نکرده و آن را زینت من ساز و وقار در دنیا و نوری درخشان در روز جزا.» آنگاه مویت را جمع کن و خاک کن و بگو: بار خدایا! آن را به سوی بهشت دار نه به سوی دوزخ وآن را مقدس نما و بر آن خشم مگیر و مَرکب سواری دار تا آن را کفاره سازی برای گناهانی که از من فرو ریزند. پس از آن و آنچه به جایش آید، آن را خوب و زیور و وقار ساز و نور در قیامت و درخشان یا ارحم الراحمین. بار خدایا! مرا زیور کن به تقوا و دور دار مویم و تنم را از گناهان و دورم دار از هلاکت که کسی جز تو نتواند.»

**[ترجمه]

«۳»

ب، [قرب الإسناد] عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ: احْتَبَسَ الْوَحْیُ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله

قَالَ فَقِيلَ احْتَبَسَ عَنْكَ الْوَحْيُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ كَيْفَ لَا يُحْبَسُ عَنِّي الْوَحْيُ وَ أَنْتُمْ لَا تُقَلِّمُونَ أَظْفَارَكُمْ وَ لَا تُنَقُّونَ رَوَائِحَكُمْ (۲).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام باقر علیه السّلام فرمود: وحی از پیغمبر قطع شد و گفتند: وحی از تو قطع شده یا رسول الله؟ فرمود: چگونه وحی از من بسته نشود وقتی شما ناخن های خود را نگیرید و از بوی خود نپرهیزید؟ - . قرب الاسناد: ۱۸ -

**[ترجمه]

«۴»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: كَفَى بِالْمَاءِ طِيباً(۳).

**[ترجمه]قرب الاسناد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بس است آب برای خوشبویی. - . قرب الاسناد: ۴۵ -

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَةِ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: غَسْلُ الرَّأْسِ يَذْهَبُ بِالدَّرَنِ وَ يُنَقِّي الْقَذَى وَ قَالَ علیه السلام غَسْلُ الثِّيَابِ يَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَ الْحُزْنِ وَ هُوَ طَهُورٌ لِلصَّلَاةِ وَ قَالَ علیه السلام تَنَظَّفُوا بِالْمَاءِ مِنَ الرِّيحِ الْمُنْتِنِ الَّذِي يُتَأَذَّى بِهِ وَ تَعَهَّدُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ مِنْ عِبَادِهِ الْقَاذُورَةَ الَّذِي يَتَأَنَّفُ بِهِ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ وَ قَالَ علیه السلام اتَّخِذُوا الْمَاءَ طِيباً(۴).

ص: ۸۴

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۷۸.

۲- ۲. قرب الإسناد ص ۱۸ و الصحيح رواجبكم.

۳- ۳. قرب الإسناد ص ۴۵.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۱۵۶ و ۱۶۰.

**[ترجمه]خصال: اربعمائه: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: شستن سر چرک را ببرد و آلودگی را پاک کند. و فرمود: شستن جامه هم و غم را ببرد و پاکی است برای نماز. و فرمود: با آب خود را از بوی گندی که آزار کند پاک کنید و به خود برسید، زیرا خدا دشمن دارد از بندگانش افراد کثیفی را که همنشینانشان از آنها ابراز نفرت کنند. و فرمود: آب را به عنوان پاک کننده برگیرید. - . خصال ۲: ۱۵۶ و ۱۶۰ -

**[ترجمه]

أقول

قد أوردنا بعض الأخبار فی باب الطیب.

**[ترجمه]برخی اخبار را در «باب طیب» آوردیم.

**[ترجمه]

«۶»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَهَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ: مَنِ اتَّخَذَ ثَوْباً فَلْیَسْتَنْظِفْهُ وَ مَنِ اتَّخَذَ دَابَّهً فَلْیَسْتَفْرِهْهَا وَ مَنِ اتَّخَذَ امْرَأَهً فَلْیُکْرِمْهَا فَإِنَّمَا امْرَأَهُ أَحَدِکُمْ لُعْبَهٌ فَمَنِ اتَّخَذَهَا فَلَا یُضَیِّعْهَا وَ مَنِ اتَّخَذَ شَعْراً فَلَمْ یَفْرُقْهُ فَرَقَهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ بِمِنْشَارٍ مِنَ النَّارِ(۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام باقر علیه السّلام فرمود: هر که جامه ای دارد، باید پاکیزه اش دارد و هر که چهارپایی دارد، باید فربه اش دارد و هر که زنی دارد، باید گرامی اش شمارد که همانا همسر هر کدام از شما، برای سرگرمی و خوشی است؛ هر که آن را دارد، ضایع نکندش. و هر که مو بر سر دارد و جدایش نسازد، خدا روز قیامت با اره آتشین جدایش سازد. - . قرب الاسناد: ۴۷ -

**[ترجمه]

أقول

قد مضی الفرق فی باب السنن الحنیفیه.

**[ترجمه]فرق مو در باب سنن حنیفیه گذشت.

**[ترجمه]

«۷»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ إِسْحَاقَ قَالَ: قَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام اسْتَأْصِلْ شَعْرَکَ تَقِلَّ دَوَابُّهُ وَ دَرَنُهُ وَ وَسَخُهُ وَ تَغْلُظْ رَقَبَتُکَ وَ يَجْلُو بَصَرَکَ (۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: اسحاق گفت: امام صادق علیه السّلام به من فرمود: مویت را از بن بکن تا جانور و شوره و چرکش کم شود و گردنت ستبر شود و چشمت روشن باشد. -. ثواب الاعمال: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۸»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: إِيَّاکَ أَنْ تَدَعَ الْفَرْقَ إِنْ کَانَ لَکَ شَعْرٌ فَقَدْ رُوِیَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ أَنَّهُ قَالَ مَنْ لَمْ يَفْرُقْ شَعْرَهُ فَرَقَهُ اللَّهُ بِمِنْشَارٍ مِنَ النَّارِ فِی النَّارِ.

**[ترجمه]فقه الرضا: مبادا فرق باز کردن را از دست بدهی اگر مو بر سر داری که از امام صادق علیه السّلام روایت است که فرمود: هر که مویش را تفرقه نکند، خدا آن را به اره آتشین در دوزخ فرق کند.

**[ترجمه]

«۹»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَأْخُذَ شَعْرَکَ فَابْدَأْ بِالنَّاصِيَةِ فَإِنَّهَا مِنَ السُّنَّةِ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَی مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ سُنَّتِهِ حَنِيفاً مُسْلِماً وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِکِينَ اللَّهُمَّ أَعْطِنِی بِکُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً سَاطِعاً يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِذَا فَرَغْتَ فَقُلِ اللَّهُمَّ زَيِّنِّی بِالتُّقَی وَ جَنِّبْنِی الرَّدَی وَ جَنِّبْ شَعْرِی وَ بَشَرِیَ الْمَعَاصِیَ وَ جَمِيعَ مَا تَکْرَهُ مِنِّی فَإِنِّی لَا أَمْلِکُ لِنَفْسِی نَفْعاً وَ لَا ضَرّاً وَ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَ ابْتَدِئْ بِالنَّاصِيَةِ وَ احْلِقْ إِلَی الْعَظْمَيْنِ النَّابِتَيْنِ الدَّانِيَيْنِ لِلْأُذُنَيْنِ (۳).

**[ترجمه]فقه الرضا: و چون خواهی موی سر برگیری، از جلوی سر آغاز کن که آن سنت است، و بگو«بسم الله و بالله و علی مله رسول الله و سنته حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین. خدایا! در برابر هر تار مو، نور درخشانی در روز قیامت به من بده.» و چون تمام کردی بگو: خدایا! زیورم کن به تقوا و دورم کن از هلاکت و دور کن مو و تنم را از گناهان و از هر چه از من بد داری که من برای خود سودی و زیانی ندارم.» و رو به قبله باش و از پیش سر آغاز کن و بتراش تا دو استخوان بناگوش. -. فقه الرضا: ۱ -

**[ترجمه]

«۱۰»

سر، [السرائر] مِنْ جَامِعِ الْبَزَنْطِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ

الشَّعْرَ عَلَى الرَّأْسِ إِذَا طَالَ أَضْعَفَ الْبَصَرَ وَ ذَهَبَ بِضَوْءِ نُورِهِ وَ طَمُّ الشَّعْرِ يُجَلِّى الْبَصَرَ وَ يَزِيدُ فِى ضَوْءِ نُورِهِ (۴).

ص: ۸۵

۱- ۱. قرب الإسناد: ۴۷.

۲- ۲. ثواب الأعمال: ۲۲.

۳- ۳. فقه الرضا علیه السلام ص ۱.

۴- ۴. السرائر ص ۴۶۹.

**[ترجمه]سرائر: امام کاظم علیه السّلام می فرمود: چون موی سر دراز شود، چشم ضعیف گردد و دیدش برود، و نابود کردن مو، چشم را روشن کند و دیدش را بیفزاید. - . سرائر: ۴۶۹ -

**[ترجمه]

«۱۱»

سر، [السرائر] مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام: أَنَّهُ نَهَی عَنِ الْقَنَازِعِ وَ الْقُصَصِ وَ نَقْشِ الْخِضَابِ قَالَ وَ إِنَّمَا هَلَکَتْ نِسَاءُ بَنِی إِسْرَائِیلَ مِنْ قِبَلِ الْقُصَصِ وَ نَقْشِ الْخِضَابِ (۱).

**[ترجمه]سرائر: امام صادق از پدرش، از امام علی علیهم السلام نقل می کند که نهی فرمود از قنازع [کاکل گذاشتن] و قصص [زلف جلوی سر] و نقش و نگار با خضاب و فرمود: همانا زنان بنی اسرائیل هلاک شدند برای قصص و نقش خضاب. - .[۳] سرائر: ۴۶۹ -

**[ترجمه]

«۱۲»

سر، [السرائر] مِنْ کِتَابِ أَبِی الْقَاسِمِ بْنِ قُولَوَیْهِ رَوَی جَابِرٌ: أَنَّ حَلْقَ الرَّأْسِ مُثْلَةٌ بِالشَّابِّ وَ وَقَارٌ بِالشَّیْخِ (۲).

**[ترجمه]سرائر: جابر گفت: تراشیدن سر برای جوان مثله کردن است و برای پیر وقار. - .[۴] سرائر: ۴۹۰ -

**[ترجمه]

باب ۵ غسل الرأس بالخطمی و السدر و غیرهما

روایات

«۱»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْقَمَّاطِ عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِیِّ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ وَ بَرَاءَةٌ مِنَ الْفَقْرِ وَ طَهُورٌ لِلرَّأْسِ مِنَ الْحَزَازَهِ(۳).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: شستن سر با خطمی، امان است از سردرد و دوری است از فقر و پاکی سر است از چرک. - .[۱] ثواب الاعمال: ۱۹ -

**[ترجمه]

«۲»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی أَیُّوبَ الْمَدِینِیِّ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ سُفْیَانَ بْنِ السِّمْطِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِیِّ یَنْفِی الْفَقْرَ وَ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ قَالَ هُوَ نُشْرَهٌ(۴).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: شستن سر با خطمی، فقر را ببرد و روزی را بیفزاید. و فرمود: نشاط آور است. - .[۲] ثواب الاعمال: ۱۹ -

**[ترجمه]

«۳»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ یُونُسَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِیِّ یَجْلِبُ الرِّزْقَ جَلْباً(۵).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام کاظم علیه السّلام فرمود: شستن سر با خطمی روزی آورد، چه روزی آوردنی! - . ثواب الاعمال: ۱۹ -

**[ترجمه]

«۴»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنْ عِیسَی بْنِ

ص: ۸۶

۱- ۱. السرائر ص ۴۶۹.

۲- ۲. السرائر ص ۴۹۰.

۳- ۳. ثواب الأعمال: ۱۹ و الحزازه: الهبریه فی الرأس و هی القشره التی تتساقط من الرأس کالنخاله قال فی الأقرب: و منه« الخطمی یذهب بحزاز الرأس».

۴- ۴. ثواب الأعمال: ۱۹.

۵- ۵. ثواب الأعمال: ۱۹.

عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اغْتَمَّ فَأَمَرَهُ جَبْرَئِيلُ علیه السلام أَنْ يَغْسِلَ رَأْسَهُ بِالسِّدْرِ(۱).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: رسول خدا صلی الله علیه و آله غمگین شد و جبرئیل او را واداشت تا سرش را با سدر بشوید. - . ثواب الاعمال: ۲۰ -

**[ترجمه]

«۵»

مکا، [مکارم الأخلاق]: وَ كَانَ ذَلِكَ سِدْراً مِنْ سِدْرَهِ الْمُنْتَهَى (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: آن سدر از سدر المنتهی بوده. - . مکارم الاخلاق: ۶۶ -

**[ترجمه]

«۶»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زَيْدٍ النَّرْسِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَغْسِلُ رَأْسَهُ بِالسِّدْرِ وَ يَقُولُ اغْسِلُوا رُءُوسَكُمْ بِوَرَقِ السِّدْرِ وَ نَقُّوا فَإِنَّهُ قَدَّسَهُ كُلُّ مَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَ كُلُّ

نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَ مَنْ غَسَلَ رَأْسَهُ بِوَرَقِ السِّدْرِ صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ وَسْوَسَهَ الشَّيْطَانِ سَبْعِينَ يَوْماً وَ مَنْ صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ وَسْوَسَهَ الشَّيْطَانِ سَبْعِينَ يَوْماً لَمْ يَعْصِ اللَّهَ وَ مَنْ لَمْ يَعْصِ دَخَلَ الْجَنَّهَ(۳).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله سرش را با سدر می شست و می فرمود: سر خود را با برگ سدر بشویید و پاک کنید که هر فرشته مقرب و همچنین هر پیغمبر مرسل، آن را مقدس شمرده. و هر که سرش را با برگ سدر بشوید، خدا هفتاد روز وسوسه شیطان را از او دور کند، و هر که هفتاد روز چنین باشد، خدا را نافرمانی نکند و هر که نافرمان خدا نباشد، به بهشت رود. - . ثواب الاعمال: ۱۹ -

**[ترجمه]

«۷»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنِ ابْنِ الْحَرِيرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ يَعْلَى قَالَ حَدَّثَنَا جَابِرٌ الْجُعْفِيُّ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام وَسَخاً كَثِيراً يُوَسِّخُ ثِيَابِي فَقَالَ دُقَّ الْآسَ وَ اسْتَخْرِجْ مَاءَهُ وَ اضْرِبْهُ عَلَى خَلِّ خَمْرٍ أَجْوَدِ مَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ ضَرْباً شَدِيداً حَتَّى يُزْبِدَ ثُمَّ اغْسِلْ رَأْسَكَ وَ لِحْيَتَكَ بِهِ بِكُلِّ قُوَّهٍ ثُمَّ ادْهُنْهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِدُهْنِ شَيْرَجٍ طَرِيٍّ

فَإِنَّهُ يَقْلَعُهُ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى.

**[ترجمه]طب الائمه: جابر جعفی گفت: به امام باقر علیه السّلام از چرک فراوانی که جامه ام را چرکین می کرد شکوه کردم. فرمود: برگ مورد را بکوب و آبش را بگیر و با سرکه بسیار خوب به سختی به هم زن تا کف کند و سر و پشت را با همه نیرو با آن بشور و از آن بعد با شیره تازه روغن مالی کن که چرک را ریشه کَن کند به اذن الله تعالی.

**[ترجمه]

«۸»

مکا، [مکارم الأخلاق] مِنْ کِتَابِ مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیهُ (۴) قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِیِّ فِی کُلِّ جُمُعَهٍ أَمَانٌ مِنَ الْبَرَصِ وَ الْجُنُونِ.

وَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِیِّ یَذْهَبُ بِالدَّرَنِ وَ یَنْفِی الْأَقْذَارَ.

وَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام: غَسْلُ الرَّأْسِ بِالسِّدْرِ یَجْلِبُ الرِّزْقَ جَلْباً.

مِنْ تَهْذِیبِ الْأَحْکَامِ (۵): مَنْ أَخَذَ شَارِبَهُ وَ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ وَ غَسَلَ رَأْسَهُ بِالْخِطْمِیِّ یَوْمَ الْجُمُعَهِ کَانَ کَمَنْ أَعْتَقَ نَسَمَهً.

وَ مِنْ طِبِّ الْأَئِمَّهِ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام : فِی وَصِیَّتِهِ لِأَصْحَابِهِ غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِیِ

ص: ۸۷

۱- ۱. ثواب الأعمال: ۲۰.

۲- ۲. مکارم الأخلاق: ۶۶.

۳- ۳. ثواب الأعمال: ۱۹.

۴- ۴. الفقیه ج ۱ ص ۷۱.

۵- ۵. التهذیب ج ۱ ص ۳۲۱.

يَذْهَبُ بِالدَّرَنِ وَ يُنَقِّی الدَّوَابَّ.

عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ قَالَ: شَكَوْتُ إِلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام حَزَازاً فِی رَأْسِی- فَقَالَ علیه السلام دُقَّ الْآسَ (۱)

وَ اسْتَخْرِجْ مَاءَهُ وَ اضْرِبْهُ بِخَلِّ خَمْرٍ أَجْوَدِ مَا تَقْدِرُ عَلَیْهِ ضَرْباً شَدِیداً حَتَّی یُزْبِدَ ثُمَّ اغْسِلْ بِهِ رَأْسَكَ وَ لِحْیَتَكَ بِكُلِّ قُوَّهٍ لَكَ ثُمَّ ادْهُنْهُ بَعْدَ ذَلِكَ بِدُهْنِ شَیْرَجٍ طَرِیٍّ تَبْرَأْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۲).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق از كتاب من لا یحضره الفقیه: امام صادق علیه السّلام فرمود: شستن سر با خطمی در هر جمعه، امان از پیسی و دیوانگی است. -. من لا یحضره الفقیه ۱: ۷۱ -

و امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: شوره را ببرد و چرک ها را نابود کند.

و امام كاظم علیه السّلام علیه السّلام فرمود: شستن سر با سدر روزی آورد، چه روزی آوردنی!

و در تهذیب الاحكام است كه: هر كس كه روز جمعه سبیلش بزند و ناخن هایش را بگیرد و سرش را با خطمی بشوید، همچون كسی باشد كه بنده ای را آزاد كند. -. تهذیب ۱: ۳۲۱ -

و در طب الائمه است كه امیر مؤمنان در سفارش به یارانش فرمود: شستن سر با خطمی، چرک را ببرد و جانوران را نابود كند.

و جابر جعفی گفت: به امام باقر علیه السّلام از چرک فراوان شكوه كردم. فرمود برگ مورد را بكوب و آبش را بگیر و با سركه بسیار خوب به سختی به هم زن تا كف كند. بعد سر و ریشت را با همه نیرو با آن بشو و از آن بعد با شیره تازه روغن مالی كن كه چرک را ریشه كَن كند، إن شاء الله. -. مكارم الاخلاق ۶۶- ۶۷ -

**[ترجمه]

كِتَابُ زَیْدٍ النَّرْسِیِّ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام یَقُولُ: غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِیِّ یَوْمَ الْجُمُعَهِ مِنَ السُّنَّهِ یُدِرُّ الرِّزْقَ وَ یَصْرِفُ الْفَقْرَ وَ یُحْسِنُ الشَّعْرَ وَ الْبَشَرَ وَ هُوَ أَمَانٌ مِنَ الصُّدَاعِ.

وَ مِنْهُ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَغْسِلُ رَأْسَهُ بِالسِّدْرِ وَ یَقُولُ مَنْ غَسَلَ رَأْسَهُ بِالسِّدْرِ صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ وَسْوَسَهَ الشَّیْطَانِ وَ مَنْ صُرِفَ عَنْهُ وَسْوَسَهُ الشَّیْطَانِ لَمْ یَعْصِ وَ مَنْ لَمْ یَعْصِ دَخَلَ الْجَنَّهَ.

**[ترجمه]كتاب زید نرسی: گفت شنیدم كه امام كاظم علیه السّلام می فرمود: شستن سر با خطمی در روز جمعه از سنت است كه روزی را بیفزاید، فقر را ببرد، مو و رو را زیبا كند و امان از سر درد باشد.

و در آن كتاب از امام صادق علیه السّلام نقل است كه می فرمود: رسول خدا همیشه سرش را با سدر می شست و می فرمود: هر كه سر خود را با سدر شوید، خدا وسوسه شیطان را از او بگرداند و هر كه بدون وسوسه شیطان باشد، نافرمانی نكند و هر

که نافرمانی نکند، به بهشت رود .

**[ترجمه]

باب ۶ الاطلاء بالنوره و آدابه و إزاله شعره الإبط و العانه و غيرها

أقول

قد أوردنا بعض الأخبار في باب الحمام و في باب السنن الحنيفيه.

**[ترجمه]برخی اخبار را در «باب حمام و باب سنن حنیفیه» آوردیم.

**[ترجمه]

روايات

«۱»

ع، [علل الشرائع] عَنْ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: لَا يُطَوِّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَارِبَهُ وَ لَا عَانَتَهُ وَ لَا شَعْرَ إِبْطِهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهَا مَخَابِيَ يَسْتَتِرُ فِيهَا(۳).

**[ترجمه]علل الشرائع: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: دراز نکند کسی از شماها سبیل خود را و نه موی زهار و نه موی زیر بغل را، زیرا شیطان آن را نهانگاه خود سازد و در آن نهان شود. - . علل الشرائع ۲: ۲۰۶ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْقَاسِمِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: تَوَقَّوُا الْحِجَامَةَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ النُّورَةَ فَإِنَ

۱- ۱. الاس شجر معروف يقال له بالفارسيه مورد.

۲- ۲. مكارم الأخلاق ۶۶- ۶۷.

۳- ۳. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۰۶.

يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ يَوْمُ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ وَ فِيهِ خُلِقَتْ جَهَنَّمَ (۱).

**[ترجمه]خصال: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: بپرهیزید از حجامت کردن و نوره کشیدن در روز چهارشنبه که روز نحس مستمر است و در آن دوزخ آفریده شده. - . خصال ۲: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ وَ ابْنِ الْوَلِيدِ مَعاً عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: السُّنَّةُ فِي النُّورَهِ فِي كُلِّ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْماً فَمَنْ أَتَتْ عَلَيْهِ أَحَدٌ وَ عِشْرُونَ يَوْماً وَ لَمْ يَتَنَوَّرْ فَلْيَسْتَدِنْ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لْيَتَنَوَّرْ وَ مَنْ أَتَتْ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ يَوْماً وَ لَمْ يَتَنَوَّرْ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُسْلِمٍ وَ لَا كَرَامَةَ(۲).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: سنت در نوره کشیدن پانزده روز یک بار است، و هر که بی نوره بیست و یک روز بر او گذرد، به حساب خدا عزوجل قرض گیرد و باید نوره کشد. و هر که چهل روز بدون نوره بر او گذرد، نه مؤمن باشد و نه مسلمان و نه حرمتی دارد. - . خصال ۲: ۹۳ -

**[ترجمه]

«۴»

ل، [الخصال] عَنْ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ عَمِّهِ عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكْ حَلْقَ عَانَتِهِ فَوْقَ الْأَرْبَعِينَ يَوْماً فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَلْيَسْتَقْرِضْ بَعْدَ الْأَرْبَعِينَ وَ لَا يُؤَخِّرْ(۳).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد، ستردن موی عانه را بیش از چهل روز نگذارد و اگر ندارد، پس از چهل روز قرض بگیرد و عقب نیندازد. - . خصال ۲: ۱۱۱ -

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَةِ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: النُّورَةُ نُشْرَةٌ وَ طَهُورٌ لِلْجَسَدِ.

وَ قَالَ علیه السلام: أُحِبُّ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَطَّلِيَ فِي كُلِّ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْماً مِنَ النُّورَهِ- وَ قَالَ تَوَقَّوُا الْحِجَامَهَ وَ النُّورَهَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ فَإِنَّ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ يَوْمُ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ وَ فِيهِ خُلِقَتْ جَهَنَّمُ (۴).

**[ترجمه]خصال: اربعمائه: على عليه السّلام فرمود: نوره نشاط است و پاک کننده تن.

و فرمود: دوست دارم مؤمن در هر پانزده روز نوره کشد. و فرمود: از حجامت و نوره در روز چهارشنبه پرهیز کنید که آن روز نحس مستمر است و در آن دوزخ آفریده شده است. - .[۱] خصال۲: ۱۵۶ و ۱۷۰ -

**[ترجمه]

«۶»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] بِالْأَسَانِیدِ الثَّلَاثَهِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: الْحِنَّاءُ بَعْدَ النُّورَهِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ (۵).

صح، [صحیفه الرضا علیه السلام] عنه علیه السلام: مثله (۶).

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: امام رضا علیه السّلام از پدرانش علیهم السّلام تا امیر مؤمنان علیه السّلام نقل است که فرمود: حنا پس از نوره کشیدن امان است از خوره و پیسی. - .[۲] عیون اخبارالرضا ۲: ۴۸ -

صحیفه الرضا: مانند این رواست را آورده است. - .[۳] صحیفه الرضا: ۲۷ -

**[ترجمه]

«۷»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ النَّهَاوَنْدِیِّ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِسْمَاعِیلَ الصُّوفِیِّ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَبِی الْعَبَّاسِ عَنْ عُبْدُوسِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ رَفَعَ الْحَدِیثَ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْحِنَّاءُ یَذْهَبُ بِالسَّهَکِ (۷)

وَ یَزِیدُ فِی مَاءِ الْوَجْهِ

ص: ۸۹

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۲۸.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۹۳.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۱۱۱.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۱۵۶ و ۱۷۰.

۵- ۵. عیون الأخبار ج ۲ ص ۴۸.

۶- ۶. صحیفه الرضا: ۲۷.

۷- ۷. السهك- محركه- الريح الكريهه تجدها ممن عرق، و خبث رائحه اللحم الخنز، و ريح السمك.

وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَهَ وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ وَ قَالَ مَنِ اطَّلَی فَتَدَلَّکَ بِالْحِنَّاءِ مِنْ قَرْنِهِ إِلَی قَدَمِهِ نُفِیَ عَنْهُ الْفَقْرُ(۱).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: حنا بوی گند عرق را ببرد - .[۴] السهک: بوی گندی است که از عرق ساطع شود. - و آبرو و خرمی آورد، و بویش را خوش سازد و فرزند را زیبا کند. و فرمود: هر که نوره کشد و با حنا خود را از سر تا قدم بمالد، فقر از او برود. - .[۵] ثواب الاعمال: ۲۱ -

**[ترجمه]

«۸»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَی قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام یَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنِ اطَّلَی وَ اخْتَضَبَ بِالْحِنَّاءِ آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ الْآکِلَهِ إِلَی طَلْیَهٍ مِثْلِهَا(۲).

**[ترجمه]ثواب الأعمال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که نوره کشد و حنا بندد، خدا او را از سه خصلت در امان دارد: جزام، پیسی و گوشت ریزی تا وقتی دوباره نوره کشد. - .[۶] ثواب الاعمال: ۲۱ -

**[ترجمه]

«۹»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: النُّورَهُ نُشْرَهٌ وَ طَهُورٌ لِلْجَسَدِ(۳).

**[ترجمه]ثواب الأعمال: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: نوره نشاط و پاکی تن است. - .[۷] ثواب الاعمال: ۲۱ -

**[ترجمه]

«۱۰»

یر، [بصائر الدرجات] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْأَهْوَازِیِّ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ سَالِمٍ مَوْلَی عَلِیِّ بْنِ یَقْطِینٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ یَقْطِینٍ قَالَ: أَرَدْتُ أَنْ أَکْتُبَ إِلَیْهِ أَسْأَلُهُ یَتَنَوَّرُ الرَّجُلُ وَ هُوَ جُنُبٌ قَالَ فَکَتَبَ إِلَیَّ ابْتِدَاءً النُّورَهُ تَزِیدُ الْجُنُبَ نَظَافَهً وَ لَکِنْ لَا یُجَامِعِ الرَّجُلُ مُخْتَضِباً وَ لَا تُجَامَعِ الْمَرْأَهُ مُخْتَضِبَهً(۴).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: علی بن یقطین گفت: خواستم به امام علیه السلام بنویسم و بپرسم که آیا جنب نوره بکشد؟ و بدون پرسش به من نوشت: نوره پاکیزگی جنب را می افزاید، ولی خضاب گرفته جماع نکند و زن در خضاب هم جماع نکند.

- .[۸] بصائر الدرجات: ۲۵۱ -

**[ترجمه]

«۱۱»

سن، [المحاسن] عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی أَيُّوبَ الْمَكِّيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثٌ لَا يُؤْكَلْنَ وَ يُسْمِنَّ وَ ثَلَاثٌ يُؤْكَلْنَ وَ يَهْزِلْنَ فَأَمَّا اللَّوَاتِی يُؤْكَلْنَ وَ يَهْزِلْنَ فَالطَّلْعُ وَ الْكُسْبُ وَ الْجَوْزُ وَ أَمَّا اللَّوَاتِی لَا يُؤْكَلْنَ وَ يُسْمِنَّ فَالنُّورَةُ وَ الطِّيبُ وَ لُبْسُ الْكَتَّانِ (۵).

سن، [المحاسن] عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِثْلَهُ وَ فِيهِ اسْتِشْعَارُ الْكَتَّانِ (۶).

ص: ۹۰

۱- ۱. ثواب الأعمال: ۲۱.

۲- ۲. ثواب الأعمال: ۲۱.

۳- ۳. ثواب الأعمال: ۲۱.

۴- ۴. بصائر الدرجات: ۲۵۱.

۵- ۵. المحاسن: ۴۵۰. و الطلع من النخل شی ء يخرج كأنّه نعلان مطبقان و الحمل بينهما منضود و الطرف محدد و الكسب بالضم عصاره الدهن و درديه أو هو عصاره دهن السمسم خاصّه يقال له بالفارسيه كسبه(كنجاره)، و الجوز معروف و فی بعض نسخ الحديث الجزر.

۶- ۶. المحاسن: ۴۶۳.

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: سه چیز است که خورده نمی شوند، ولی فربه کنند و سه چیز است که می خورند، ولی لاغر می کنند. و اما سه چیزی که لاغری آورند: طلع (در دو طرف خوشه خرما برآید)، روغن و گردو است. و آنها که نخورده فربه کنند: نوره، بوی خوش و پوشیدن کتان است. - .[۱] محاسن: ۴۵۰ -

محاسن: به سند دیگر این روایت را آورده و در آن اضافه کرده «زیر پوش کتان.» - . محاسن: ۴۶۳ -

**[ترجمه]

«۱۲»

سر، [السرائر] مِنْ جَامِعِ الْبَزَنْطِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ: شَعْرُ الْجَسَدِ إِذَا طَالَ قَطَعَ مَاءَ الصُّلْبِ وَ أَرْخَى الْمَفَاصِلَ وَ أَوْرَثَ الضَّعْفَ وَ الْكَسَلَ وَ إِنَّ النُّورَةَ تَزِيدُ مَاءَ الصُّلْبِ وَ تُقَوِّي الْبَدَنَ وَ تَزِيدُ فِي شَحْمِ الْكُلْيَتَيْنِ وَ سَمْنِ الْبَدَنِ (۱).

**[ترجمه]سرائر: امام کاظم علیه السّلام می فرمود: چون موی تن دراز بماند، منی را ببرد، مفاصل را سست کند و ناتوانی و تنبلی آورد. و نوره منی را می افزاید، تن را نیرو دهد، پیه قلوه ها را فزون کند و تن را فربه سازد. - .[۳] سرائر: ۴۶۹ -

**[ترجمه]

«۱۳»

مکا، [مكارم الأخلاق]: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَطَّلِي فَيَطْلِيهِ مَنْ يَطْلِيهِ حَتَّى إِذَا بَلَغَ مَا تَحْتَ الْإِزَارِ تَوَلَّاهُ بِنَفْسِهِ (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: کسی رسول خدا را نوره می کشید تا به زیر لنگ رسید و آنگاه خودش می کشید. - .[۴] مکارم الاخلاق: ۳۶ -

**[ترجمه]

«۱۴»

مکا، [مكارم الأخلاق]: سُئِلَ الصَّادِقُ علیه السلام عَنْ إِطَالَهِ الشَّعْرِ قَالَ كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مُقَصِّرِينَ يَعْنِي الطَّمَّ.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: أَخْذُ الشَّعْرِ مِنَ الْأَنْفِ يُحْسِنُ الْوَجْهَ.

عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكْ عَانَتَهُ فَوْقَ أَرْبَعِينَ يَوْماً وَ لَا يَحِلُّ لِامْرَأَهٍ تُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ تَدَعَ مِنْهَا فَوْقَ عِشْرِينَ يَوْماً.

وَ فِی رِوَایَهٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلَا یَتْرُکْ عَانَتَهُ أَکْثَرَ مِنْ أَسْبُوعٍ وَ لَا یَتْرُکِ النُّورَهَ أَکْثَرَ مِنْ شَهْرٍ فَمَنْ تَرَکَ أَکْثَرَ مِنْهُ فَلَا صَلَاهَ لَهُ- وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله احْلِقُوا شَعْرَ الْبَطْنِ الذَّکَرُ وَ الْأُنْثَی.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی قَالَ لِإِبْرَاهِیمَ علیه السلام تَطَهَّرْ فَحَلَقَ عَانَتَهُ وَ کَانَ علیه السلام یَطْلِی إِبْطَیْهِ فِی الْحَمَّامِ- وَ یَقُولُ نَتْفُ الْإِبْطِ یُضْعِفُ الْمَنْکِبَیْنِ وَ یُوهِی وَ یُضْعِفُ الْبَصَرَ- وَ قَالَ حَلْقُهُ أَفْضَلُ مِنْ نَتْفِهِ وَ طَلْیُهُ أَفْضَلُ مِنْ حَلْقِهِ- وَ فِی رِوَایَهٍ زُرَارَهَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ نَتْفُهُ أَفْضَلُ مِنْ حَلْقِهِ وَ طَلْیُهُ أَفْضَلُ مِنْهُمَا- وَ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام نَتْفُ الْإِبْطِ یَنْفِی الرَّائِحَهَ الْمَکْرُوهَهَ وَ هِیَ طَهُورٌ وَ سُنَّهٌ مِمَّا أَمَرَ بِهِ الطَّیِّبُ أَبُو الْقَاسِمِ عَلَیْهِ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ السَّلَامُ.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا یُطَوِّلَنَّ أَحَدُکُمْ شَعْرَ إِبْطِهِ فَإِنَّ الشَّیْطَانَ یَتَّخِذُهُ مَخْبَأً یَسْتَتِرُ بِهِ وَ الْجُنُبُ لَا بَأْسَ أَنْ یَطَّلِی لِأَنَّ النُّورَهَ تَزِیدُهُ نَظَافَهً.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: کَانَ بَیْنَ نُوحٍ وَ إِبْرَاهِیمَ علیه السلام أَلْفُ سَنَهٍ وَ کَانَ شَرِیعَهُ

ص: ۹۱

۱- ۱. السرائر: ۴۶۹.

۲- ۲. مکارم الأخلاق: ۳۶.

إِبْرَاهِيمَ بِالتَّوْحِيدِ وَ الْإِخْلَاصِ وَ خَلْعِ الْأَنْدَادِ وَ هِيَ الْفِطْرَةُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْها وَ هِيَ الْحَنِيفِيَّةُ وَ أَخَذَ عَلَيْهِ مِيثَاقَهُ وَ أَنْ لَا يَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا يُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً قَالَ وَ أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الْأَمْرِ وَ النَّهْيِ وَ لَمْ يَحْكُمْ عَلَيْهِ أَحْكَامَ فَرْضِ الْمَوَارِيثِ وَ زَادَهُ فِي الْحَنِيفِيَّةِ الْخِتَانَ وَ قَصَّ الشَّارِبِ وَ نَتْفَ الْإِبْطِ وَ تَقْلِيمَ الْأَظْفَارِ وَ حَلْقَ الْعَانَةِ وَ أَمَرَهُ بِبِنَاءِ الْبَيْتِ وَ الْحَجِّ وَ الْمَنَاسِكِ فَهَذِهِ كُلُّهَا شَرِيعَتُهُ عليه السلام.

وَ عَنْهُ عليه السلام قَالَ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِإِبْرَاهِيمَ عليه السلام تَطَهَّرْ فَأَخَذَ شَارِبَهُ ثُمَّ قَالَ تَطَهَّرْ فَنَتَفَ مِنْ إِبْطِهِ ثُمَّ قَالَ تَطَهَّرْ فَقَلَّمَ أَظْفَارَهُ ثُمَّ قَالَ تَطَهَّرْ فَحَلَقَ عَانَتَهُ ثُمَّ قَالَ تَطَهَّرْ فَاخْتَتَنَ (۱).

مِنْ كِتَابِ مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهُ (۲) قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَتَنَوَّرَ فَلْيَأْخُذْ مِنَ النُّورَةِ وَ يَجْعَلُهُ عَلَى طَرَفِ أَنْفِهِ وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ ارْحَمْ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ كَمَا أَمَرَنَا بِالنُّورَةِ فَإِنَّهُ لَا تُحْرِقُهُ النُّورَةُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

وَ رُوِيَ: أَنَّ مَنْ جَلَسَ وَ هُوَ مُتَنَوِّرٌ خِيفَ عَلَيْهِ الْفَتْقُ.

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ، عَنِ الْحَكَمِ بْنِ عُتَيْبَةَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ وَ قَدْ أَخَذَ الْحِنَّاءَ وَ جَعَلَهُ عَلَى أَظَافِيرِهِ فَقَالَ يَا حَكَمُ مَا تَقُولُ فِي هَذِهِ فَقُلْتُ مَا عَسَيْتُ أَنْ أَقُولَ فِيهِ وَ أَنْتَ تَفْعَلُهُ وَ إِنَّمَا عِنْدَنَا يَفْعَلُهُ الشَّبَابُ فَقَالَ يَا حَكَمُ إِنَّ الْأَظَافِيرَ إِذَا أَصَابَتْهَا النُّورَةُ غَيَّرَتْهَا حَتَّى تُشْبِهُ أَظَافِيرَ الْمَوْتَى فَلَا بَأْسَ بِتَغْيِيرِهَا.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَنِ اطَّلَى وَ اخْتَضَبَ بِالْحِنَّاءِ آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ ثَلَاثِ خِصَالٍ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ الْآكِلَةِ إِلَى طَلْيَةٍ مِثْلِهَا.

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَتَوَقَّى النُّورَةَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ فَإِنَّهُ نَحْسٌ مُسْتَمِرٌّ وَ تَجُوزُ النُّورَةُ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ وَ رُوِيَ أَنَّهَا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ تُورِثُ الْبَرَصَ.

عَنِ الرِّضَا عليه السلام: مَنْ تَنَوَّرَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَأَصَابَهُ الْبَرَصُ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: الْحِنَّاءُ عَلَى أَثَرِ النُّورَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ.

مِنَ الرَّوْضَةِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: خَمْسُ خِصَالٍ يُورِثُ الْبَرَصَ النُّورَةُ يَوْمَ

۱- ۱. مكارم الأخلاق: ۶۵ و ۶۶.

۲- ۲. الفقيه ج ۱ ص ۶۷.

الْجُمُعَهِ وَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ التَّوَضِّی وَ الِاغْتِسَالُ بِالْمَاءِ الَّذِی یُسَخِّنُهُ الشَّمْسُ وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجَنَابَهِ وَ غِشْیَانُ الْمَرْأَهِ فِی حَیْضِهَا وَ الْأَكْلُ عَلَى الشِّبَعِ.

عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: أَلْقُوا الشَّعْرَ عَنْكُمْ فَإِنَّهُ یُحْسِنُ (۱).

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ: وَ رُوِیَ أَنَّ مَنِ اطَّلَى فَتَدَلَّكَ بِالْحِنَّاءِ مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمِهِ نَفَى اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ.

مِنْ كِتَابِ اللِّبَاسِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: أَنَّهُ كَانَ یُطْلَى فِی الْحَمَّامِ فَإِذَا بَلَغَ مَوْضِعَ الْعَانَهِ قَالَ لِلَّذِی یَطْلِی تَنَحَّ ثُمَّ طَلَى هُوَ ذَلِكَ الْمَوْضِعَ.

وَ عَنْهُ علیه السلام: أَنَّهُ كَانَ یَدْخُلُ فَیَطْلِی إِبْطَهُ وَحْدَهُ إِذَا احْتَاجَ إِلَى ذَلِكَ ثُمَّ یَخْرُجُ.

وَ عَنْهُ علیه السلام أَیْضاً: رُبَّمَا طَلَى بَعْضُ مَوَالِیهِ جَسَدَهُ كُلَّهُ.

رَوَى الْأَرْقَطُ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: أَتَیْتُهُ فِی حَاجَهٍ فَأَصَبْتُهُ فِی الْحَمَّامِ یَطَّلِی فَذَكَرْتُ لَهُ حَاجَتِی فَقَالَ أَ لَا تَطَّلِی قُلْتُ إِنَّمَا عَهْدِی بِهِ أَوَّلَ مِنْ أَمْسِ قَالَ اطَّلِ فَإِنَّمَا النُّورَهُ طَهُورٌ.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: كَانَ عَلِیٌّ علیه السلام إِذَا طَلَى تَوَلَّى عَانَتَهُ بِیَدِهِ.

عَنْ لَیْثٍ الْمُرَادِیِّ قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ علیه السلام عَنِ الْجُنُبِ یَطَّلِی قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ.

عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: أَرْبَعٌ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِیَاءِ التَّطَیُّبُ وَ التَّنْظِیفُ بِالْمُوسَى وَ حَلْقُ الْجَسَدِ بِالنُّورَهِ وَ كَثْرَهُ الطَّرُوقَهِ(۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: از امام صادق علیه السّلام از درازی مو پرسیدند. فرمود: یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله آن را کوتاه می داشتند تا حد نابودی.

و از آن حضرت است که ستردن مو از بینی، روی را زیبا کند.

از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل است که هر کس به خدا و روز جزا ایمان دارد، موی عانه را بیش از چهل روز وانگذارد و بر زنی که ایمان به خدا و روز جزا دارد، روا نیست بالاتر از بیست روز آن را وانهد.

و در روایت از امام صادق علیه السّلام است که فرمود: هر که ایمان به خدا و روز جزا دارد، رها نکند موی زهار را بیش از یک هفته و نوره را بیش از یک ماه. هر که بیشتر آن را رها کند، نماز ندارد. و از پیغمبر صلی الله علیه و آله است که بتراشید موی شکم را، چه مرد و چه زن. و از امام صادق علیه السّلام نقل است که فرمود: خدا تبارک و تعالی به ابراهیم علیه السّلام فرمود: پاکیزه باش! و او موی زهارش را تراشید .

و زیر دو بغل را در حمام نوره می کشید و می فرمود: کندن موی آنها شانه ها را ناتوان و سست کند و دیده را کم نور. و

فرمود تراشیدنش بهتر از کندن و نوره کشیدن بهتر از هر دو است. و در روایت زراره است که مو کندن بهتر از تراشیدن و نوره بهتر از هر دو است. علی علیه السّلام فرمود: کندن موی زیر بغل بوی بد را نابود سازد و پاکیزگی و سنت است و ابوالقاسم طیب بدان فرمان داد، براو و خاندانش درود باد.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: موی زیر بغل شما دراز نشود که شیطان در آن لانه سازد، و باکی ندارد که جنب نوره کشد، زیر پاکیزگی او را فزون سازد.

و از امام صادق علیه السّلام است که میان نوح و ابراهیم هزار سال بود و شریعت ابراهیم یکتاپرستی و اخلاص و ترک بت ها بود، و آن سرشتی است که خدا مردم را بدان آفریده و آن حنیفه است که بدان پیمان گرفته، و اینکه جز خدا پرستیده نشود و چیزی شریک او نباشد. فرمود: و فرمان داد به نماز و امر و نهی کرد، و مقررات میراث را بدو حکم نداد، و در حنیفیه ختنه و چیدن شارب وستردن موی زیر بغل و گرفتن ناخن ها و ستردن موی زهار را برایش افزود. و فرمانش داد به ساختن خانه کعبه و حج و مناسک و همه اینها شرع او است.

و از آن حضرت علیه السّلام است که فرمود: خدا عزوجل به ابراهیم علیه السّلام فرمود: پاک باش! و او سبیل خود را گرفت. باز فرمود: پاک باش! و موی زیر بغلش را کَند! و بار دیگربه او فرمود و ناخن هایش را گرفت. باز فرمود: پاک باش! و زهارش را تراشید و باز فرمودش پاک باش! و ختنه کرد. -.[1] مکارم الاخلاق: ۶۵ - ۶۶ -

در کتاب من لا یحضره الفقیه -. من لا یحضره الفقیه ۱: ۶۷ - است که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که خواهد نوره کشد، از آن برگیرد و به کنار بینی نهد و گوید: »خدایا! رحم کن به سلیمان بن داود که ما را به نوره فرمان داد« تا نوره او را نسوزاند، ان شاء الله.

و روایت است که هر کس که نوره کشیده بنشیند، بیم آن است که فتق گیرد .

از کتاب محاسن است، از حکم بن عتیبه نقل است که گفت: دیدم امام باقر علیه السّلام حنا گرفت و بر ناخن هایش نهاد و فرمود: ای حکم! درباره این چه گویی؟ گفتم: چه توانم گفت و شما آن را به کار بستید و همانا نزد ما جوان ها این کار کنند. فرمود: ای حکم! نوره ناخن ها را به مانند ناخن مرده ها کند و اشکالی ندارد که آنها را دگرگون کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که نوره کشد و با حنا خضاب بندد، خدا او را از سه چیز در امان دارد: خوره و پیسی و گوشت ریزی تا بار دیگر نوره بکشد.

و علی علیه السّلام فرمود: سزاوار است از نوره کشیدن در روز چهارشنبه پرهیز شود که نحس مستمر است و در روزهای دیگر روا باشد و روایت است که در روز جمعه پیسی آورد.

و از امام رضا علیه السّلام است که: هر که روز جمعه نوره کشد و پیسی به او رسد، جز خود را ملامت نکند.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: حنا در پی نوره امان است از خوره و پیسی.

و از کتاب روضه است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پنج خصلت برص آورند: نوره کشیدن روز جمعه و چهارشنبه؛ وضو و غسل با آبی که به خورشید داغ شده؛ خوردن در حال جنابت؛ جماع با زن در حال حیض؛ و خوردن درحال سیری.

و از امام رضا علیه السّلام نقل است که فرمود: مو را از خود در افکنید که زیبایی آورد. - . در نسخه ای «نجس» آمده. -

و از کتاب محاسن روایت است که هر که نوره کشد و از سر تا پا به خود حنا مالد، خدا فقر را از او ببرد .

و از کتاب «لباس» است که امام صادق علیه السّلام را در حمام نوره کشیدند و چون به زهار می رسید، به نوره کش می فرمود دور شو! و خودش آنجا را نوره می مالید.

و از آن حضرت علیه السّلام است که می رفت و همان زیر بغل را وقتی نیاز داشت تنها نوره می کشید و بیرون می آمد.

و از آن حضرت است که بسا یکی از وابستگانش به همه تنش نوره می کشید.

ارقط از آن حضرت روایت آورده که برای کاری نزدش رفتم و او در حمام نوره می کشید. نیازم را گفتم و فرمود: نوره نمی کشی؟ گفتم: دیروز کشیدم. فرمود: بکش که پاکیزگی است. و ازآن حضرت علیه السّلام است که علی علیه السّلام چون نوره می کشید، عانه را به دست خود می کشید.

از لیث مرادی نقل است که از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: آیا جنب نوره کشد؟ فرمود: عیب ندارد.

از امام رضا علیه السّلام نقل است که فرمود: چهار چیز از اخلاق پیغمبران است: خوشبو شدن، نظافت با تیغ دلاکی، ستردن موی تن با نوره و بسیار جماع کردن. - .[۱] مکارم الاخلاق: ۶۷- ۶۹ -

**[ترجمه]

«۱۵»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا يُطَوِّلَنَّ أَحَدُكُمْ شَارِبَهُ وَ لَا عَانَتَهُ وَ لَا شَعْرَ جَنَاحِهِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَتَّخِذُهَا مَخَابِيَ يَسْتَتِرُ بِهَا وَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَتْرُكْ عَانَتَهُ فَوْقَ أَرْبَعِينَ يَوْماً(۳).

ص: ۹۳

۱- ۱. نجس خ ل.

۲- ۲. مکارم الأخلاق: ۶۷- ۶۹.

٣- ٣. نوادر الراونديّ: ٢۴.

**[ترجمه]نوادر راوندی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مبادا کسی از شما موی سبیل یا زهار یا زیر بغل خود را بلند کند که لانه شیطان شوند، و هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد، موی زهار را بیش از چهل روز وانهد . - . نوادر راوندی: ۲۴ -

**[ترجمه]

باب ۷ الاکتحال و آدابه

روایات

«۱»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْكُحْلُ يُنْبِتُ الشَّعْرَ وَ يُجَفِّفُ الدَّمْعَةَ وَ يُعْذِبُ الرِّيقَ وَ يَجْلُو الْبَصَرَ(۱).

ثو، [ثواب الأعمال] عن ابن إدريس عن أبيه عن الأشعری عن سهل عن ابن سنان عن حماد: مثله (۲).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: سرمه مو را می رویاند، اشک را می خشکاند، آب دهن را گوارا بگرداند و دیده روشن کند. - .[۱] خصال ۱: ۱۶ -

ثواب الاعمال: مانند این روایت را آورده است. - .[۲] ثواب الاعمال: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] عَنِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْآدَمِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْلَمَةَ عَنْ زِيَادِ بْنِ بُنْدَارَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: أَرْبَعٌ يُضِئْنَ الْوَجْهَ النَّظَرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ وَ النَّظَرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي وَ النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ وَ الْكُحْلُ عِنْدَ النَّوْمِ (۳).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: چهار چیز خرمی آورند: نگاه به روی زیبا، نگاه به آب روان، نگاه به سبزه و سرمه هنگام خوابیدن. - .[۳] خصال ۱: ۱۱۳ -

**[ترجمه]

«۳»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْإِثْمِدُ یَجْلُو الْبَصَرَ وَ یَقْطَعُ الدَّمْعَهَ وَ یُنْبِتُ الشَّعْرَ(۴).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: إثمد (سرمه سنگ) چشم را روشن می کند، اشک چشم را می خشکاند و مو را می رویاند. -.[۴] ثواب الاعمال: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۴»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مَعْبَدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُقَاتِلٍ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: مَنْ کَانَ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ فَلْیَکْتَحِلْ (۵).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام رضا علیه السّلام فرمود: هر که به خدا و روز جزا ایمان دارد، باید سرمه کشد. -.[۵] ثواب الاعمال: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۵»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُوسَی بْنِ عُمَرَ عَنْ حَمْزَهَ بْنِ بَزِیعٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْکُحْلُ عِنْدَ النَّوْمِ أَمَانٌ مِنَ الْمَاءِ(۶).

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۱۶.

۲- ۲. ثواب الأعمال: ۲۲.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۱۱۳.

۴- ۴. ثواب الأعمال: ۲۲.

۵- ۵. ثواب الأعمال: ۲۲.

۶- ۶. ثواب الأعمال: ۲۲.

دعوات الراوندی مرسلا: مثله.

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: سرمه هنگام خوابیدن، امان است از آب آوردن چشم. - . ثواب الاعمال: ۲۲ -

دعوات راوندی: مانند این روایت را آورده است .

**[ترجمه]

«۶»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَكْتَحِلَ فَخُذِ الْمِيلَ بِيَدِكَ الْيُمْنَى وَ اضْرِبْهُ فِي الْمُكْحُلَهِ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ فَإِذَا جَعَلْتَ الْمِيلَ فِي عَيْنَيْكَ فَقُلِ اللَّهُمَّ نَوِّرْ بَصَرِي وَ اجْعَلْهُ فِيهِ نُوراً أَبْصِرُ بِهِ حَقَّكَ وَ اهْدِنِي إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ وَ أَرْشِدْنِي إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ اللَّهُمَّ نَوِّرْ عَلَيَّ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي (۱).

**[ترجمه]فقه الرضا: چون خواهی سرمه کشی، میل را به دست راست گیر و در سرمه دان بزن و بگو: «بسم الله» و چون آن را در چشم نهادی بگو: «اللهم نور بصری و اجعله فیه نورا أبصر به حقك و اهدنی إلی طریق الحق و أرشدنی إلی سبیل الرشاد اللهم نور علی دنیای و آخرتی.» (بار خدایا! روشن کن چشمم را و نوری در آن قرار ده که حق تو را ببینم، و ره نمایم به راه حق، و بکشانم به راه درست. خدایا! دنیا و آخرتم را نورانی کن.) - . فقه الرضا: باب آداب -

**[ترجمه]

«۷»

طب (۲)،[طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ جَابِرِ بْنِ أَيُّوبَ الْجُرْجَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَتَى النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله أَعْرَابِيٌّ يُقَالُ لَهُ قُلَيْبٌ وَ كَانَ رَطْبَ الْعَيْنَيْنِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَرَى عَيْنَيْكَ رَطْبَتَيْنِ يَا قُلَيْبُ قَالَ نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ هُمَا كَمَا تَرَى ضَعِيفَتَانِ قَالَ عَلَيْكَ بِالْإِثْمِدِ فَإِنَّهُ سِرَاجُ الْعَيْنِ.

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السّلام فرمود: یک اعرابی به نام «قلیب» نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از دو چشمش آب می ریخت. آن حضرت به وی فرمود: چشمانت را پر آب می بینم. گفت: یا رسول الله! آری، چنانند که می بینی و کم نورند. فرمود: بر تو باد به سرمه إثمد که تقویت کننده چشم است. - . طب الائمه: ۹۳ -

**[ترجمه]

«۸»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ مَنْصُورِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی صَالِحٍ الْأَحْوَلِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی الرِّضَا علیه السلام قَالَ: مَنْ أَصَابَهُ ضَعْفٌ فِی بَصَرِهِ فَلْیَکْتَحِلْ بِسَبْعَةِ مَرَاوِدَ عِنْدَ مَنَامِهِ مِنَ الْإِثْمِدِ.

وَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْکُحْلُ بِاللَّیْلِ یُطَیِّبُ الْفَمَ.

**[ترجمه]طب الائمه: امام رضا علیه السّلام فرمود: هر که به ضعف دید دچار است، در وقت خواب هفت میل إثمد به چشم بکشد.

و از امام صادق است که سرمه در شب، دهان را خوشبو کند.

**[ترجمه]

«۹»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ جَابِرٍ عَنْ خِدَاشٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَیْمُونٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ: کَانَ لِلنَّبِیِّ صلی الله علیه و آله مُکْحُلَةٌ یَکْتَحِلُ مِنْهَا فِی کُلِّ لَیْلَةٍ ثَلَاثَ مَرَاوِدَ فِی کُلِّ عَیْنٍ عِنْدَ مَنَامِهِ.

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السّلام از پدرش نقل فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله را سرمه دانی بود که هر شب هنگام خواب، سه میل در هر چشم از آن سرمه می کشید.

**[ترجمه]

«۱۰»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْکُحْلُ یَزِیدُ فِی ضَوْءِ الْبَصَرِ وَ یُنْبِتُ الْأَشْفَارَ.

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السّلام فرمود: سرمه نور چشم را می فزاید و مژگان را می رویاند.

**[ترجمه]

«۱۱»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: عَلَیْکَ بِالْإِثْمِدِ فَإِنَّهُ یَجْلُو الْبَصَرَ وَ یُنْبِتُ الْأَشْفَارَ وَ یُطَیِّبُ النَّکْهَةَ وَ یَزِیدُ فِی الْبَاهِ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَصَابَهُ ضَعْفٌ فِی بَصَرِهِ فَلْیَکْتَحِلْ سَبْعَ مَرَاوِدَ عِنْدَ مَنَامِهِ مِنَ الْإِثْمِدِ أَرْبَعَةً فِی الْیُمْنَی وَ ثَلَاثَةً فِی الْیُسْرَی.

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: الْکُحْلُ یُنْبِتُ الشَّعْرَ وَ یُجَفِّفُ الدَّمْعَةَ وَ یُعْذِبُ الرِّیقَ وَ یَجْلُو الْبَصَرَ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: الْكَحْلُ يَزِيدُ فِی الْمُبَاضَعَهِ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: الْكُحْلُ يُعْذِبُ الْفَمَ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: الْكُحْلُ بِاللَّيْلِ يُطَيِّبُ الْفَمَ وَ مَنْفَعَتُهُ إِلَی

ص: ۹۵

۱- ۱. فقه الرضا: باب الآداب، و فی المطبوعه ما رمز الأمالی و هو تصحیف.

۲- ۲. طبّ الأئمّه: ۹۳.

أَرْبَعِینَ صَبَاحاً.

وَ عَنْهُ علیه السلام: أَنَّهُ کَانَ أَکْثَرُ کُحْلِهِ بِاللَّیْلِ وَ کَانَ یَکْتَحِلُ ثَلَاثَهَ أَفْرَادٍ فِی کُلِّ عَیْنٍ.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: الْکُحْلُ عِنْدَ النَّوْمِ أَمَانٌ مِنَ الْمَاءِ الَّذِی یَنْزِلُ فِی الْعَیْنِ.

وَ مِنْ کِتَابِ اللِّبَاسِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَکْتَحِلُ بِالْإِثْمِدِ إِذَا أَرَادَ أَنْ یَأْوِیَ إِلَی فِرَاشِهِ.

عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَهْمٍ قَالَ: أَرَانِی أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام مِیلًا مِنْ حَدِیدٍ فَقَالَ کَانَ هَذَا لِأَبِی الْحَسَنِ فَاکْتَحِلْ بِهِ فَاکْتَحَلْتُ.

عَنْ نَادِرِ الْخَادِمِ عَنْهُ علیه السلام: أَنَّهُ قَالَ لِبَعْضِ مَنْ مَعَهُ اکْتَحِلْ فَعَرَضَ أَنَّهُ لَا یُحِبُّ الزِّینَهَ فِی مَنْزِلِهِ فَقَالَ اتَّقِ اللَّهَ وَ اکْتَحِلْ وَ لَا تَدَعِ الْکُحْلَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَنِ اکْتَحَلَ فَلْیُوتِرْ مَنْ فَعَلَ فَقَدْ أَحْسَنَ وَ مَنْ لَمْ یَفْعَلْ فَلَیْسَ عَلَیْهِ شَیْ ءٌ.

عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنِ اکْتَحَلَ فَلْیُوتِرْ وَ مَنْ تَجَمَّرَ فَلْیُوتِرْ وَ مَنِ اسْتَنْجَی فَلْیُوتِرْ وَ مَنِ اسْتَخَارَ اللَّهَ فَلْیُوتِرْ.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: عَلَیْکُمْ بِالْکُحْلِ فَإِنَّهُ یُطَیِّبُ الْفَمَ وَ عَلَیْکُمْ بِالسِّوَاکِ فَإِنَّهُ یَجْلُو الْبَصَرَ قَالَ قُلْتُ کَیْفَ هَذَا قَالَ لِأَنَّهُ إِذَا اسْتَاکَ نَزَلَ الْبَلْغَمُ فَجَلَا الْبَصَرَ وَ إِذَا اکْتَحَلَ ذَهَبَ الْبَلْغَمُ فَطَیَّبَ الْفَمَ الدُّعَاءُ عِنْدَ الْکُحْلِ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِی بَصَرِی وَ الْبَصِیرَهَ فِی دِینِی وَ الْیَقِینَ فِی قَلْبِی وَ الْإِخْلَاصَ فِی عَمَلِی وَ السَّلَامَهَ فِی نَفْسِی وَ السَّعَهَ فِی رِزْقِی وَ الشُّکْرَ لَکَ أَبَداً مَا أَبْقَیْتَنِی (۱).

مِنْ کِتَابِ مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیهُ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: الِاکْتِحَالُ بِالْإِثْمِدِ یُنْبِتُ الْأَشْفَارَ وَ یُحِدُّ الْبَصَرَ وَ یُعِینُ عَلَی طُولِ السُّجُودِ(۲).

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: أَتَی النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله أَعْرَابِیٌّ یُقَالُ لَهُ قُلَیْبٌ رَطْبَ الْعَیْنَیْنِ فَقَالَ لَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِنِّی أَرَی عَیْنَیْکَ رَطْبَتَیْنِ یَا قُلَیْبُ عَلَیْکَ بِالْإِثْمِدِ فَإِنَّهُ

۱- ۱. مکارم الأخلاق: ۴۸- ۵۰.

۲- ۲. السهر خ ل.

سِرْجِینُ الْعَیْنِ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام رضا علیه السّلام فرمود: بر تو باد إثمد که چشم را روشن دارد، مژگان را بر آرد، بو را خوش کند و قدرت جماع را بیفزاید.

و از آن حضرت است که: هر که دچار ضعف دید است، وقت خواب هفت میل سرمه کشد از اثمد؛ چهار تا در چشم راست و سه تا در چپ.

و امام صادق علیه السّلام نقل است که فرمود: سرمه کشیدن مو را بر آرد، دیده را خشک کند، آب دهان را خوشگوار سازد و چشم را روشن کند .

و از آن حضرت نقل است که سرمه قوّت جماع را می افزاید.

و باز هم فرموده: دهان را خوشمزه کند.

و از آن حضرت علیه السّلام نقل است که فرمود: سرمه در شب دهان را پاکیزه کند و سودش تا چهل صبح ادامه دارد.

و از آن حضرت علیه السّلام نقل است که فرمود: بیشتر در شب سرمه می کشید، و در هر چشم سه میل

و در کتاب لباس از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون می خواست زودتر به خواب رود، با اثمد سرمه می کشید.

و حسن بن جهم گفت: ابوالحسن علیه السّلام به من میلی نشان داد و فرمود: این از امام کاظم علیه السّلام است؛ بدان سرمه کش! و من هم کشیدم.

نادرِ خادم از آن حضرت نقل می کند که به یکی از همراهانش فرمود: سرمه بکش! و به کنایه به او فهماند که آرایش را در خانه اش دوست ندارد. و فرمود: از خدا بترس و سرمه بکش و آن را کنار مگذار. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که سرمه کشد به شماره فرد باشد، هر که کند خوب کرده، و هر کس هم نکند، چیزی بر او نباشد.

و از امام صادق، از پدرش، از پدرانش علیهم السّلام نقل است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سرمه کشیدن فرد باشد و بوی خوش زدن هم فرد، و استنجاء هم فرد است.

و فرمود: بر شما باد به سرمه کشیدن که دهان را خوشبو کند، و به مسواک کردن که چشم را روشن کند. راوی گوید: گفتم این چگونه باشد؟ فرمود: چون مسواک بلغم را فرو کشد، دیده روشن شود و با سرمه هم بلغم برود و دهان خوشبو گردد. دعای سرمه کشیدن: «اللهم إنی أسألک بحق محمد و آل محمد أن تصلی علی محمد و آل محمد و أن تجعل نور فی بصری و البصیره فی دینی و الیقین فی قلبی و الإخلاص فی عملی و السلامه فی نفسی و السعه فی رزقی و الشکر لک أبدا ما أبقیتنی.»

(خدایا! به حق محمد و آل محمد از تو می خواهم که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد، و نور در چشمم نهی و بینایی در دینم بخشی و یقین در دلم و اخلاص در علم و سلامت در نفسم و فراوانی در رزقم و شکرت را تا مرا زنده داری.) - . مکارم الاخلاق: ۴۸- ۵۰ -

در من لا یحضره الفقیه آمده که امام باقر علیه السّلام فرمود: سرمه با إثمد، مژگان را بر آرد، چشم را تیز کند و به دراز کردن سجده کمک کند. - .[۲] در نسخه ای «السهر» آمده است. -

و امام صادق علیه السّلام فرمود: مردی به نام قلیب نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از دو چشمش آب می ریخت. آن حضرت به وی فرمود: چشمانت را پر آب می بینم! و فرمود: بر تو باد به سرمه إثمد که تقویت کننده چشم است. - . مکارم الاخلاق: ۴۸ -

**[ترجمه]

«۱۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: یَکْتَحِلُ فِی عَیْنِهِ الْیُمْنَی ثَلَاثاً وَ فِی الْیُسْرَی ثِنْتَیْنِ وَ قَالَ مَنْ شَاءَ اکْتَحَلَ ثَلَاثاً وَ کُلَّ حِینٍ وَ مَنْ فَعَلَ دُونَ ذَلِکَ أَوْ فَوْقَهُ فَلَا حَرَجَ وَ رُبَّمَا اکْتَحَلَ وَ هُوَ صَائِمٌ وَ کَانَتْ لَهُ مُکْحُلَةٌ یَکْتَحِلُ بِهَا بِاللَّیْلِ وَ کَانَ کُحْلُهُ الْإِثْمِدَ(۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: شیوه پیغمبر این بود که در چشم راست سه میل سرمه می کشید و در چپ دو تا. و فرمود: هر که خواهد سه بار سرمه کشد و هر زمانی خواهد بکشد، و هر که کم و بیش کند گناهی ندارد، و بسا روزه بود و سرمه می کشید، و سرمه دانی داشت که در شب از آن سرمه می کشید و سرمه او إثمد بود. - . مکارم الاخلاق: ۳۵ -

**[ترجمه]

باب ۸ الخضاب للرجال و النساء

روایات

«۱»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْخَزَّازِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَیْدٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَرْبَعٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِینَ الْعِطْرُ وَ النِّسَاءُ وَ السِّوَاکُ وَ الْحِنَّاءُ(۳).

**[ترجمه]خصال: از امام صادق، از پدرانش علیهم السّلام نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چهار چیز از روش مرسلین باشند: عطر، زنان، مسواک و حنا. - .[۱] خصال ۱: ۱۱۵ -

**[ترجمه]

«۲»

ثو(۴)،[ثواب الأعمال] ل، [الخصال] عَنِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهَاوَنْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زَيْدٍ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قَالَ: دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ نَفَقَهِ أَلْفِ دِرْهَم فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ فِيهِ أَرْبَعَ عَشْرَهَ خَصْلَهً يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأُذُنَيْنِ وَ يَجْلُو الْغِشَاوَهَ عَنِ الْبَصَرِ وَ يُلَيِّنُ الْخَيَاشِيمَ وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَهَ وَ يَشُدُّ اللِّثَهَ وَ يَذْهَبُ بِالضَّنَى (۵)

وَ يُقِلُّ وَسْوَسَهَ الشَّيْطَانِ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَهُ وَ يَسْتَبْشِرُ بِهِ الْمُؤْمِنَ وَ يَغِيظُ بِهِ الْكَافِرَ وَ هُوَ زِينَهٌ وَ طِيبٌ وَ بَرَاءَهٌ فِي قَبْرِهِ وَ يَسْتَحْيِي مِنْهُ

ص: ۹۷

۱- ۱. مکارم الأخلاق: ۴۸ و فیه سراج العین و علی ما فی الصلب لعلّ المراد أن الاثمد یفعل بالعین ما یفعله السرجین بالنبات من التقویه و التنمیه، و یحتمل أن یکون مصحفا، و کان فی الأصل« مسرجه» یعنی أن الاثمد سبب تنویر العین و جلائه و لمعانه، فیجعله کالسراج المتلألئ.

۲- ۲. مکارم الأخلاق: ۳۵.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۱۱۵.

۴- ۴. ثواب الأعمال: ۲۱.

۵- ۵. الضنی: الهزال و سوء الحال، و فی ثواب الأعمال الصنان و هو الریح الکریهه.

مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ(۱).

ل، [الخصال]: فِيمَا أَوْصَى بِهِ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله إِلَى عَلِيٍّ عليه السلام مِثْلَهُ (۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال - .[۲] ثواب الاعمال: ۲۱ - : رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: يک درهم در راه خضاب بهتر است از هزار درهم در راه خدا و در آن چهارده خصلت است: باد را از گوش ها براند، پرده از ديد بر دارد، بينى را نرم كند، بو را خوش كند، بن دندان ها را محكم كند، لاغرى و نزارى - .[۳] الضنى: يعنى بدحالى و در نسخه ثواب الاعمال «الصنان» آمده، يعنى بوى بد. - را ببرد، وسوسه شيطان را كم كند، فرشته ها را شاد كند، مؤمن را خرم كند، كافر را به خشم آورد، زيور و بوى خوش است، نجات در قبر است و منكر و نكير از آن شرم كنند. - .[۴] خصال ۲: ۹۰ -

خصال: در سفارش هاى پيغمبر صلى الله عليه و آله به على عليه السّلام مانندش را آورده است. - .[۵] خصال ۲: ۹۰ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ بُنْدَارَ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ أَسْيَعَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ خَازِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ كِنَانَةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الزُّبَيْرِ بْنِ الْعَوَّامِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: غَيِّرُوا الشَّيْبَ وَ لَا تَتَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ(۳).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: سپيدىِ مو را دگرگون سازيد و مانند يهود نباشيد. - .[۶] خصال ۲: ۹۰ -

**[ترجمه]

«۴»

ل، [الخصال] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الشَّافِعِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَلْقَمَةَ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: غَيِّرُوا الشَّيْبَ وَ لَا تَتَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى.

قال الصدوق رضوان الله عليه إنما أوردت هذين الخبرين فى الخضاب أحدهما من الزبير و الآخر عن أبى هريره لأن أهل النصب ينكرون على الشيعه استعمال الخضاب و لا يقدرون على دفع ما يصح عنهما و فيهما حجه لنا عليهم (۴).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: سپيدىِ مو را دگرگون سازيد و مانند يهود ونصارا نباشيد.

صدوق (ره) گفته: اين دو حديث را آوردم كه يكى از زبير و ديگرى از ابى هريره است. چون اهل سنت خضاب را بر شيعه

خرده گیرند و نمی توانند آنچه را که از قول این دو صحابی رسیده منکر شوند و آن دو حجت ماست بر علیه آنها. - .[۱] خصال ۲: ۹۰ -

**[ترجمه]

«۵»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ زِيَادٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: اخْتَضَبَ الْحُسَيْنُ وَ أَبِي بِالْحِنَّاءِ وَ الْكَتَمِ (۵).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام فرمود: حسین و پدرم با حنا و کتم (گیاهی رنگ دار) خضاب کردند. - .[۲] قرب الاسناد: ۵۴ - ۵۵ -

**[ترجمه]

«۶»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالْخَلُوقِ فِي الْحَمَّامِ يَمْسَحُ يَدَيْهِ وَ رِجْلَيْهِ مِنَ الشُّقَاقِ بِمَنْزِلَةِ الدَّوَاءِ وَ مَا أُحِبُّ إِدْمَانَهُ.

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام فرمود: باکی نیست به استعمال خلوق (ترکیبی از زعفران و غیره که خوشبویند) در حمام که آن را به جای دارو به پای ترکیده بمالند، و دوست ندارم ادامه دهد.

**[ترجمه]

أقول

قد مضى مرفوعه البرقي في باب الحمام و الأعلى مرجوحيه اختضاب الرجل باليد و الرجل (۶).

**[ترجمه]مرفوعه برقی در «باب حمام» گذشت که دلالت داشت بر بدی خضاب دست و پا برای مرد. - .[۳] قرب الاسناد: ۵۴ - ۵۵ -

**[ترجمه]

«۷»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ظَرِيفِ بْنِ نَاصِحٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَلِيفَةَ عَنِ الْمُثَنَّى الْيَمَانِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: أَحَبُّ خِضَابِكُمْ إِلَى اللَّهِ الْحَالِكُ (۷).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: محبوب ترين خضاب شما نزد خدا با سياهى تند است. - .[۴]
ثواب الاعمال: ۲۰ -

**[ترجمه]

«۸»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: بَلَغَ رَسُولَ

ص: ۹۸

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۹۰.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۹۰.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۹۰.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۹۰.

۵- ۵. قرب الإسناد: ۵۴ و ۵۵.

۶- ۶. قرب الإسناد: ۵۴ و ۵۵.

۷- ۷. ثواب الأعمال ص ۲۰ و الحالك: الشديد السواد.

اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَنَّ قَوْماً مِنْ أَصْحَابِهِ صَفَّرُوا لِحَاهُمْ فَقَالَ هَذَا خِضَابُ الْإِسْلَامِ إِنِّی لَأَحِبُّ أَنْ أَرَاهُمْ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام فَمَرَرْتُ عَلَیْهِمْ فَأَخْبَرْتُهُمْ فَأَتَوْهُ فَلَمَّا رَآهُمْ قَالَ هَذَا خِضَابُ الْإِسْلَامِ قَالَ فَلَمَّا سَمِعُوا ذَلِکَ مِنْهُ رَغِبُوا فَأَقْنَوْا قَالَ فَلَمَّا بَلَغَ ذَلِکَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ هَذَا خِضَابُ الْإِیمَانِ إِنِّی لَأُحِبُّ أَنْ أَرَاهُمْ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام فَمَرَرْتُ عَلَیْهِمْ فَأَخْبَرْتُهُمْ فَأَتَوْهُ فَلَمَّا رَآهُمْ قَالَ هَذَا خِضَابُ الْإِیمَانِ فَلَمَّا سَمِعُوا ذَلِکَ مِنْهُ بَقُوا عَلَیْهِ حَتَّی مَاتُوا(۱).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: به رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر رسید که گروهی از یارانش ریش های خود را زرد کردند. فرمود: این خضاب اسلام است و من دوست دارم آنها را ببینم! علی علیه السّلام فرمود: من به آنها گذر کردم و خبر دادم و نزد آن حضرت آمدند. چون آنها را دید فرمود: این خضاب اسلام است! و چون آن را شنیدند بدان دل دادند و ریش ها را سرخ کردند و چون خبرش به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید فرمود: این خضاب ایمان است و دوست دارم آنها را ببینم! و علی علیه السّلام فرمود: به آنها گذر کردم و خبرشان دادم و نزد آن حضرت آمدند. چون آنها را دید فرمود: این خضاب ایمان است! و چون آن را شنیدند، بدان باقی ماندند تا مردند. -.[۱] ثواب الاعمال: ۲۰، -

**[ترجمه]

أقول

أوردنا بعض الأخبار فی باب النوره.

**[ترجمه]برخی اخبار را در باب نوره آوردیم.

**[ترجمه]

«۹»

مکا، [مکارم الأخلاق] مِنْ کِتَابِ مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیهُ (۲) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: اخْتَضِبُوا بِالْحِنَّاءِ فَإِنَّهُ یُجَلِّی الْبَصَرَ وَ یُنْبِتُ الشَّعْرَ وَ یُطَیِّبُ الرِّیحَ وَ یُسَکِّنُ الزَّوْجَهَ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: الْحِنَّاءُ یَذْهَبُ بِالسَّهَکِ وَ یَزِیدُ فِی مَاءِ الْوَجْهِ وَ یُطَیِّبُ النَّکْهَهَ وَ یُحَسِّنُ الْوَلَدَ.

وَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: الْخِضَابُ هَدْیُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ هُوَ مِنَ السُّنَّهِ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: لَا بَأْسَ بِالْخِضَابِ کُلِّهِ.

وَ عَنْهُ علیه السلام: أَنَّ رَجُلًا دَخَلَ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ قَدْ صَفَّرَ لِحْیَتَهُ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا أَحْسَنَ هَذَا ثُمَّ دَخَلَ عَلَیْهِ بَعْدَ ذَلِکَ وَ قَدْ أفتی [أَقْنَی] بِالْحِنَّاءِ فَتَبَسَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ قَالَ هَذَا أَحْسَنُ مِنْ ذَلِکَ ثُمَّ دَخَلَ عَلَیْهِ بَعْدَ ذَلِکَ وَ قَدْ خَضَبَ بِالسَّوَادِ فَضَحِکَ إِلَیْهِ فَقَالَ هَذَا أَحْسَنُ مِنْ ذَاکَ وَ ذَاکَ [مِنْ ذَلِکَ].

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ: يَا عَلِيُّ دِرْهَمٌ فِي الْخِضَابِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ دِرْهَمٍ فِي غَيْرِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ فِيهِ أَرْبَعَ عَشْرَةَ خَصْلَةً يَطْرُدُ الرِّيحَ مِنَ الْأُذُنَيْنِ وَ يَجْلُو الْبَصَرَ وَ يُلَيِّنُ الْخَيَاشِيمَ وَ يُطَيِّبُ النَّكْهَةَ وَ يَشُدُّ اللِّثَةَ وَ يَذْهَبُ بِالضَّنَى وَ يُقِلُّ وَسْوَسَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَفْرَحُ الْمَلَائِكَةُ وَ يَسْتَبْشِرُ الْمُؤْمِنُ وَ يَغِيظُ الْكَافِرَ وَ هُوَ زِينَةٌ وَ طِيبٌ وَ يَسْتَحِي مِنْهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ وَ هُوَ بَرَاءَةٌ لَهُ فِي قَبْرِهِ.

۱- ۱. ثواب الأعمال: ۲۰، و القنا و القنى: اشتداد الحمره.

۲- ۲. الفقيه ج ۱ باب غسل الجمعه.

عَنِ الْمُثَنَّى الْيَمَانِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَحَبُّ خِضَابِكُمْ إِلَى اللَّهِ الْحَالِكُ.

مِنْ كِتَابِ اللِّبَاسِ عَنْ ذَرْوَانَ الْمَدَائِنِيِّ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّانِي فَإِذَا هُوَ قَدِ اخْتَضَبَ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدِ اخْتَضَبْتَ فَقَالَ نَعَمْ إِنَّ فِي الْخِضَابِ لَأَجْراً أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ التَّهْيِئَةَ تَزِيدُ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ أَ يَسُرُّكَ أَنَّكَ دَخَلْتَ عَلَى أَهْلِكَ فَرَأَيْتَهَا عَلَى مِثْلِ مَا تَرَاكَ عَلَيْهِ إِذْ لَمْ تَكُنْ عَلَى تَهْيِئَةٍ قَالَ قُلْتُ لَا قَالَ هُوَ ذَاكَ قَالَ وَ لَقَدْ كَانَ لِسُلَيْمَانَ علیه السلام أَلْفُ امْرَأَةٍ فِي قَصْرٍ ثَلَاثُمِائَةٍ مَهِيرَةٌ وَ سَبْعُمِائَةٍ سُرِّيَّةٌ(۱)

وَ كَانَ يُطِيفُ بِهِنَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ.

مِنْ كِتَابِ اللِّبَاسِ لِأَبِي النَّضْرِ الْعَيَّاشِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَنَظَرَ إِلَى الشَّيْبِ فِي لِحْيَتِهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله نُورٌ مَنْ شَابَ شَيْبَةً فِي الْإِسْلَامِ كَانَتْ لَهُ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ فَخَضَبَ الرَّجُلُ بِالْحِنَّاءِ ثُمَّ جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَلَمَّا رَأَى الْخِضَابَ قَالَ نُورٌ وَ إِسْلَامٌ فَخَضَبَ الرَّجُلُ بِالسَّوَادِ فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله نُورٌ وَ إِسْلَامٌ وَ إِيمَانٌ وَ مَحَبَّةٌ إِلَى نِسَائِكُمْ وَ رَهْبَةٌ فِي قُلُوبِ عَدُوِّكُمْ.

عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام وَ هُوَ مُخَضَّبٌ بِسَوَادٍ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدِ اخْتَضَبْتَ بِالسَّوَادِ قَالَ إِنَّ فِي الْخِضَابِ أَجْراً إِنَّ الْخِضَابَ وَ التَّهْيِئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ وَ لَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ لِتَرْكِ أَزْوَاجِهِنَّ التَّهْيِئَةَ لَهُنَّ.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ الْحُسَيْنُ علیه السلام يَخْضِبُ رَأْسَهُ بِالْوَسِمَةِ وَ كَانَ يَصْدَعُ رَأْسَهُ وَ عِنْدَنَا لِفَافَةُ رَأْسِهِ الَّتِي كَانَ يَلُفُّ بِهَا رَأْسَهُ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: الْخِضَابُ بِالسَّوَادِ مَهَابَةٌ لِلْعَدُوِّ وَ أُنْسٌ لِلنِّسَاءِ.

عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: دَخَلَ قَوْمٌ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیهما السلام فَرَأَوْهُ مُخْتَضِباً بِالسَّوَادِ فَسَأَلُوهُ عَنْ ذَلِكَ فَمَدَّ علیه السلام يَدَهُ إِلَى لِحْيَتِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَرَ

۱- ۱. المهيرة: الحرة الغاليه المهر و السريه- كذريه- الأمه التى تسريتها و أصله تسررت من السرور فأبدلوا من احدى الراءات ياء كما قالوا تقضى من تقضض.

رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَصْحَابَهُ فِی غَزْوَهٍ غَزَاهَا أَنْ یَخْتَضِبُوا بِالسَّوَادِ لِیَقْوَوْا بِهِ عَلَی الْمُشْرِکِینَ.

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: النِّسَاءُ یُحْبِبْنَ أَنْ یَرَیْنَ الرِّجَالَ فِی مِثْلِ مَا یُحِبُّ الرِّجَالُ أَنْ یری [یَرَوْا] فِیهِ النِّسَاءَ مِنَ الزِّینَهِ.

مِنْ کِتَابِ اللِّبَاسِ عَنِ الْحَلَبِیِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ خِضَابِ الشَّعْرِ فَقَالَ خَضَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ الْحُسَیْنُ وَ أَبُو جَعْفَرٍ بِالْکَتَمِ (۱).

عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: رَأَیْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام مُخْتَضِباً بِالْحِنَّاءِ.

عَنْ أَبِی الصَّبَّاحِ قَالَ: رَأَیْتُ أَثَرَ الْحِنَّاءِ فِی یَدِ أَبِی جَعْفَرٍ ع.

عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ الْمُؤَذِّنِ قَالَ: کَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ یُصَفِّرُ لِحْیَتَهُ بِالْخِطْمِیِّ وَ الْحِنَّاءِ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: الْحِنَّاءُ یَکْسِرُ الشَّیْبَ وَ یَزِیدُ فِی مَاءِ الْوَجْهِ.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ عَنِ الْحَسَنِ الزَّیَّاتِ قَالَ: کَانَ یَجْلِسُ إِلَیَّ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْبَصْرَهِ فَلَمْ أَزَلْ بِهِ حَتَّی دَخَلَ فِی هَذَا الْأَمْرِ قَالَ وَ کُنْتُ أَصِفُ لَهُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام ثُمَّ إِنَّا خَرَجْنَا إِلَی مَکَّهَ فَلَمَّا قَضَیْنَا النُّسُکَ أَخَذْنَا إِلَی الْمَدِینَهِ فَاسْتَأْذَنَّا عَلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَأَذِنَ لَنَا فَدَخَلْنَا عَلَیْهِ فِی بَیْتٍ مُنَجَّدٍ وَ عَلَیْهِ مِلْحَفَهٌ وَرْدِیَّهٌ(۲)

وَ قَدِ اخْتَضَبَ وَ اکْتَحَلَ وَ حَفَّ لِحْیَتَهُ فَجَعَلَ صَاحِبِی یَنْظُرُ إِلَیْهِ وَ یَنْظُرُ إِلَی الْبَیْتِ وَ یَعْرِضُ عَلَی قَلْبِهِ فَلَمَّا قُمْنَا قَالَ یَا حَسَنُ إِذَا کَانَ غَداً إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَعُدْ أَنْتَ وَ صَاحِبُکَ إِلَیَّ فَلَمَّا کَانَ مِنَ الْغَدِ قُلْتُ لِصَاحِبِی اذْهَبْ بِنَا إِلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ اذْهَبْ وَ دَعْنِی قُلْتُ سُبْحَانَ اللَّهِ أَ لَیْسَ قَدْ قَالَ عُدْ أَنْتَ وَ صَاحِبُکَ قَالَ اذْهَبْ أَنْتَ وَ دَعْنِی فَوَ اللَّهِ إِنْ زِلْتُ بِهِ حَتَّی أَمْضَیْتُ بِهِ فَدَخَلْنَا عَلَیْهِ فَإِذَا هُوَ فِی بَیْتٍ لَیْسَ فِیهِ إِلَّا حَصًی فَبَرَزَ وَ عَلَیْهِ قَمِیصٌ غَلِیظٌ وَ هُوَ شَعِثٌ فَمَالَ عَلَیْنَا فَقَالَ دَخَلْتُمْ عَلَیَّ أَمْسِ فِی الْبَیْتِ الَّذِی

۱- ۱. الکتم: محرکه- من نبات الجبال و رقه کورق الاس یخضب به مدقوقا، و له ثمر کثمر الفلفل و یسود إذا نضج، و قیل الکتم بفتح و سکون اصله فارسی یقال له وسمه و قیل: الکتم نبات یخلط بالوسمه و یختضب به فیزید فی لون الوسمه.

۲- ۲. المنجد: المزین، و الوردیه ما کان أحمر بلون الورد و حف اللحیه، الاخذ منها و اصلاحها.

رَأَیْتُمْ وَ هُوَ بَیْتُ الْمَرْأَهِ وَ لَیْسَ هُوَ بَیْتِی وَ كَانَ أَمْسِ یَوْمَهَا فَتَزَیَّنْتُ وَ كَانَ عَلَیَّ أَنْ أَتَزَیَّنَ لَهَا كَمَا تَزَیَّنَتْ لِی وَ هَذَا بَیْتِی فَلَا یَعْرِضْ فِی قَلْبِكَ یَا أَخَا الْبَصْرَهِ فَقَالَ جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ كَانَ عَرَضَ فَأَمَّا الْآنَ فَقَدْ أَذْهَبَ اللَّهُ بِهِ.

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ یُوشَعَ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا علیه السلام إِنَّ لِی فَتَاهً قَدِ ارْتَفَعَتْ عِلَّتُهَا قَالَ اخْضِبْ رَأْسَهَا بِالْحِنَّاءِ فَإِنَّ الْحَیْضَ سَیَعُودُ إِلَیْهَا قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَعَادَ إِلَیْهَا الْحَیْضُ.

عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: فِی الْخِضَابِ ثَلَاثُ خِصَالٍ مَهْیَبَهٌ فِی الْحَرْبِ وَ مَحَبَّهٌ إِلَی النِّسَاءِ وَ یَزِیدُ فِی الْبَاهِ.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ قَالَ: قُلْتُ لِعَلِیِّ بْنِ مُوسَی علیه السلام خَضَبْتَ قَالَ نَعَمْ بِالْحِنَّاءِ وَ الْكَتَمِ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ فِی ذَلِكَ لَأَجْراً إِنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تَرَی مِنْكَ مِثْلَ الَّذِی تُحِبُّ أَنْ تَرَی مِنْهَا یَعْنِی الْمَرْأَهَ فِی التَّهْیِئَهِ وَ لَقَدْ خَرَجْنَ نِسَاءٌ مِنَ الْعَفَافِ إِلَی الْفُجُورِ مَا أَخْرَجَهُنَّ إِلَّا قِلَّهُ تَهْیِئَهِ أَزْوَاجِهِنَّ.

عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُوسَی علیه السلام قَالَ أَخْبَرَنِی أَبِی عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام: أَنَّ نِسَاءَ بَنِی إِسْرَائِیلَ خَرَجْنَ مِنَ الْعَفَافِ إِلَی الْفُجُورِ مَا أَخْرَجَهُنَّ إِلَّا قِلَّهُ تَهْیِئَهِ أَزْوَاجِهِنَّ وَ قَالَ إِنَّهَا تَشْتَهِی مِنْكَ مِثْلَ الَّذِی تَشْتَهِی مِنْهَا.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: خِضَابُ الرَّأْسِ وَ اللِّحْیَهِ مِنَ السُّنَّهِ.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا علیهما السلام قَالَ: لَا یَنْبَغِی لِلْمَرْأَهِ أَنْ تَدَعَ یَدَهَا مِنَ الْخِضَابِ وَ لَوْ تَمْسَحُهَا بِالْحِنَّاءِ مَسْحاً وَ لَوْ كَانَتْ مُسِنَّهً.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: رَخَّصَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِلْمَرْأَهِ أَنْ تَخْضِبَ رَأْسَهَا بِالسَّوَادِ قَالَ وَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله النِّسَاءَ بِالْخِضَابِ ذَاتَ الْبَعْلِ وَ غَیْرَ ذَاتِ الْبَعْلِ أَمَّا ذَاتُ الْبَعْلِ فَتَزَیَّنُ لِزَوْجِهَا وَ أَمَّا غَیْرُ ذَاتِ الْبَعْلِ فَلَا تُشْبِهُ یَدُهَا یَدَ الرِّجَالِ.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَخْتَضِبُ النُّفَسَاءُ.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام: أَنَّهُ نَهَی عَنِ الْقَنَازِعِ وَ الْقُصَصِ وَ نَقْشِ الْخِضَابِ (۱).

---

۱ - ۱. مكارم الأخلاق: ۸۷- ۹۲، و القنازع جمع القنزعه و هی الشعر حوالی الرأس. و الخصله من الشعر تترک علی رأس الصبی، و قیل: هی ما ارتفع من الشعر و طال، و قد یطلق علی الطره التی تتخذها المرأه علی رأسها مرتفعه من سائر شعراتها. و القصص: جمع القصه بالضم و هی شعر الناصیه تقص حذاء الجبهه، و عباره اللسان: القصه تتخذها المرأه فی مقدم رأسها تقص ناحیتها عدا جبینها.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: از کتاب من لا یحضره الفقیه: - .[۲] من لا یحضره الفقیه ۱ باب غسل جمعه - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به حنا خضاب کنید که چشم را روشن کند، مو برآورد، بو را خوش کند و همسر را آرام کند.

امام صادق علیه السّلام فرمود: حنا بوی عرق را ببرد و آن را خرم کند و بو را خوش کند و فرزند را زیبا سازد.

و علی علیه السّلام فرمود: خضاب روش محمد صلی الله علیه و آله است و از سنت است.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: هر گونه خضابی عیب ندارد.

و آن حضرت علیه السّلام فرمود: مردی با ریش زرد کرده خود نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد. به او فرمود: چه زیبا است! و بعد از آن با ریش سرخ حنایی آمد. رسول خدا صلی الله علیه و آله با تبسم فرمود: این بهتر است! و آنگاه با ریش سیاه کرده نزد آن حضرت آمد. ایشان به روی او خندید و فرمود: این از آن دو زیباتر است!

و رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: یک درهم در راه خضاب، بهتر است از هزار درهم در غیر آن که در راه خدا باشد و در آن چهارده خصلت است: باد را از گوش ها براند، پرده از دید بر دارد، بینی را نرم کند، بو را خوش کند، لثه ها را محکم کند، لاغری و نزاری را ببرد، وسوسه شیطان را کم کند، فرشته ها را شاد کند، مؤمن را خرم کند، کافر را به خشم آورد، زیور و بوی خوش است، منکر و نکیر از آن شرم کنند و نجات در قبراست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: محبوب ترین خضاب شما نزد من سیاهِ تند است .

در کتاب «لباس» از ذروان مدائنی نقل است که نزد امام رضا علیه السّلام رفتم و خضاب کرده بود. گفتم: قربانت گردم! خضاب کردی؟ فرمود: آری، خضاب ثواب دارد و آمادگی در عفت زنان را بیفزاید. تو را خوش آید که ژولیده نزد همسرت روی و بی آمادگی تو را ببیند؟ گفتم: نه. فرمود: این همان است. فرمود: سلیمان علیه السّلام را هزار همسر در کاخ بود؛ سیصد زن عقدی با مهریه بالا و هفتصد کنیز سرور آور که در هر شبانه روز به همه می رسید.

کتاب لباس: امام صادق علیه السّلام فرمود: مردی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و سپیدی در ریش او دید و فرمود: نور است هر که در اسلام مو سپید کند، نور او باشد در روز قیامت! فرمود: آن مرد با حنا خضاب کرد و نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد. چون خضابش را دید فرمود: نور و اسلام است! و آن مرد خضاب سیاه بست و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: نور است و اسلام و ایمان و دوستی همسران شما است و بیم در دل دشمنان شما!

حسن بن جهم گفت: نزد امام کاظم علیه السّلام رفتم و خضاب سیاه بسته بود. گفتم: قربانت گردم! خضاب سیاه بستی؟ فرمود: خضاب ثواب دارد، خضاب و آمادگی، عفت زنان را می افزاید و ترک عفت آنها، برای ترک و آمادگی شوهران است.

امام صادق علیه السّلام فرمود: حسین علیه السّلام سرش را با وسمه خضاب می کرد، سرش درد می کرد و سر پیچ او هنوز نزد ما هست.

و از آن حضرت است که خضاب به سیاهی، هیبت در دل دشمن است و آرامش همسران.

امام باقر علیه السّلام فرمود: گروهی نزد علی بن الحسین علیه السّلام درآمدند و دیدند خضاب سیاه بسته و درباره آن پرسیدند. دست به ریش خود کشید و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در جنگی فرمان داد یارانش خضاب سیاه بستند تا بر بت پرستان چیره شوند.

امام باقر علیه السّلام فرمود: زنان دوست دارند مردان را در آرایشی بینند که مردان خواهند آنان را در آن بینند .

از کتاب لباس : حلبی گوید: از امام

صادق از خضاب مو پرسیدم. فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و حسین علیه السّلام و امام باقر علیه السّلام با کتم - .[۱] کتم: گیاهی است کوهی با برگی چون آس که با کوبیده اش خضاب بندند و میوه اش چون فلفل است و پخته اش سیاه باشد و گفته شده همان وسمه است و گفته شده با آن مخلوط گردد. - خضاب کردند.

معاویه بن عمار گفت: دیدم امام باقر علیه السّلام با حنا خضاب بسته است.

و ابی الصباح گفت: اثر حنا را در دست امام باقر دیدم.

و ابی محمد مؤذن گفت: امام صادق علیه السّلام با خطمی و حنا ریشش را زرد می کرد.

و از آن حضرت است که حنا پیری را بشکند و آب رو را بیفزاید.

و از حسن زیات است که مردی بصری با من می نشست و پیوسته برای او تبلیغ کردم تا امامی شد. و امام باقر علیه السّلام را برایش وصف می کردم تا به مکه رفتیم و پس از انجام حج به مدینه رفتیم، از امام باقر علیه السّلام اجازه ورود خواستیم و در اتاقی زیور شده بر آن حضرت وارد شدیم. آن حضرت پتوی سرخ گلی بر دوش داشت و خضاب کرده و سرمه کشیده و ریش را آراسته بود. آن مرد همراه من به او و به اتاق نگاه می کرد و دلش آشوب می شد. چون برخاستیم فرمود: ای حسن! فردا ان شاء الله با یارت برگرد نزد من. و چون فردا شد به یارم گفتم: برویم نزد امام باقر علیه السّلام. گفت: خودت برو و مرا وابگذار. گفتم: سبحان الله! مگر نفرمود با یارت برگرد؟ بازگفت: خودت برو! اصرار کردم تا او را بردم و بر آن حضرت وارد شدیم، در اتاقی که فرشش ریگ بود و خودش آمد، با پیراهنی که درشت و ژولیده بود. به ما رو کرد و فرمود: دیروز نزد من آمدید در آن اتاق که دیدید و آن برای خانمم بود و از من نبود و دیروز حق او بود و من برایش آرایش کردم و بر من لازم بود برایش آرایش کنم، چنانی که او برایم آرایش کرده بود و این است اتاق خودم. پس دلت آشوب نشود ای برادر بصری! گفت: قربانت! آشوب شده بود، ولی اکنون خدا برطرفش کرد .

و در کتاب محاسن نقل می کند که اسماعیل بن یوشع گفت: به امام رضا گفتم: دختری دارم که عادتش رفته است. فرمود: سرش را با حنا خضاب کن که حیض او برگردد. چنین کردم و برگشت.

امام کاظم علیه السّلام فرمود: خضاب را سه اثر باشد: در نبرد هیبت است، دوستی است با زنان و قوت جماع است.

حسن بن جهم گفت: به امام رضا علیه السّلام گفتم: خضاب بستی؟ فرمود: آری، با حنا و کتم. نمی دانی که آن ثواب دارد؟ او هم دوست دارد در تو ببیند آنچه که تو دوست داری در او ببینی، یعنی زن در آمادگی. و اگر زنانی از عفت به در شدند و هرزه شدند، برای آن است که شوهرهاشان کم آماده می شدند.

علی بن موسی از پدرانش علیهم السّلام نقل فرمود که: زنان بنی اسرائیل برای این بی عفت شدند که شوهرانشان کم آماده می شدند و زن ها دوست دارند از تو مانند آنچه تو از آنها دوست داری.

امام صادق علیه السّلام فرمود: خضاب سر و ریش از سنت است.

محمد بن مسلم از یکی از دو امام علیهما السّلام نقل می کند که فرمودند: نشاید زن را که کف دستش بی خضاب باشد، اگرچه اندکی حنا بدان مالد و اگرچه سالخورده باشد.

امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زن می تواند سرش را خضاب سیاه بندد و رسول خدا زنان را فرمان داد که خضاب کنند، شوهردار باشند یا نباشند، شوهردار برای او آرایش کند و بی شوهر دستش مانند مردها نباشد. امام صادق علیه السّلام فرمود: زن نفاس شده خضاب بندد.

امام صادق علیه السّلام فرمود: علی علیه السّلام نهی کرد از زدن حوالی موی سر و کاکل گذاشتن در جلوی سر و نیز از نقش و نگار زدن با خضاب.

**[ترجمه]

«۱۰»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِیرٍ عَنْ أَبِیهِ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ أَبِی وَ جَدِّی وَ عَمِّی حَمَّامَ الْمَدِینَهِ فَإِذَا رَجُلٌ فِی الْمَسْلَخِ فَقَالَ مِمَّنِ الْقَوْمُ فَقُلْنَا مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَقَالَ مِنْ أَیِّ الْعِرَاقِ قُلْتُ مِنَ الْکُوفَهِ قَالَ مَرْحَباً بِکُمْ وَ أَهْلًا یَا أَهْلَ الْکُوفَهِ أَنْتُمُ الشِّعَارُ دُونَ الدِّثَارِ ثُمَّ قَالَ مَا یَمْنَعُکُمْ مِنَ الْإِزَارِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ عَوْرَهُ الْمُسْلِمِ عَلَی الْمُسْلِمِ حَرَامٌ قَالَ فَبَعَثَ عَمِّی إِلَی کِرْبَاسٍ فَشَقَّهَا بِأَرْبَعَهٍ ثُمَّ أَخَذَ کُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ وَاحِدَهً ثُمَّ دَخَلْنَا فِیهَا فَلَمَّا کُنَّا فِی الْبَیْتِ الْحَارِّ صَمَدَ لِجَدِّی فَقَالَ یَا کَهْلُ مَا یَمْنَعُکَ مِنَ الْخِضَابِ فَقَالَ لَهُ جَدِّی أَدْرَکْتُ مَنْ هُوَ خَیْرٌ مِنْکَ وَ مِنِّی وَ لَا یَخْتَضِبُ قَالَ فَغَضِبَ لِذَلِکَ حَتَّی عَرَفْنَا غَضَبَهُ فِی الْحَمَّامِ (۱)

ثُمَّ قَالَ وَ مَنْ ذَلِکَ الَّذِی هُوَ خَیْرٌ مِنِّی وَ مِنْکَ قَالَ أَدْرَکْتُ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَ هُوَ لَا یَخْتَضِبُ قَالَ فَنَکَسَ علیه السلام رَأْسَهُ وَ تَصَابَّ عَرَقاً وَ قَالَ صَدَقْتَ وَ بَرِرْتَ ثُمَّ قَالَ یَا کَهْلُ إِنْ تَخْتَضِبْ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَدْ خَضَبَ وَ هُوَ خَیْرٌ مِنْ عَلِیٍّ وَ إِنْ تَتْرُکْ فَلَکَ بِعَلِیٍّ أُسْوَهٌ فَلَمَّا خَرَجْنَا مِنَ الْحَمَّامِ سَأَلْنَا عَنِ الشَّیْخِ فَإِذَا هُوَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ وَ مَعَهُ ابْنُهُ مُحَمَّدٌ علیه السلام.

وَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ هَارُونَ الْعِجْلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَ خَضَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ لَا وَ لَا عَلِيٌّ وَ لَكِنْ خَضَبَ أَبِي وَ جَدِّي فَإِنْ خَضَبْتَ فَحَسَنٌ وَ إِنْ تَرَكْتَ فَحَسَنٌ.

عَنْ جَرِيرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْخِضَابِ فَقَالَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَخْتَضِبُ وَ هَذَا شَعْرُهُ عِنْدَنَا.

عَنْ حَفْصٍ الْأَعْوَرِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا تَقُولُ فِي الْخِضَابِ خِضَابِ اللِّحْيَهِ وَ الرَّأْسِ فَقَالَ مِنَ السُّنَّهِ قَالَ قُلْتُ فَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام لَمْ يَخْتَضِبْ

۱- ۱. الزياده من الكافي ج ۶ ص ۴۹۸.

قَالَ إِنَّمَا مَنَعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَوْلُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله سَتُخْضَبُ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: تُرْكُ الْخِضَابِ بُؤْسٌ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: حنان بن سدیر از قول پدرش نقل می کند که من و پدرم و جدم و عمویم به حمام مدینه رفتیم. در رخت کن مردی بود و پرسید از کجایند این مردم؟ گفتیم از مردم عراق. گفت: از کجای عراق؟ گفتیم از کوفه. فرمود: مرحبا و اهلاً به شما ای اهل کوفه که باعث افتخارید! آنگاه فرمود: چرا لنگ ندارید؟ چه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده: عورت مسلمان بر مسلمان حرام است.

راوی گوید: عمویم فرستاد یک طاقه کرباس آوردند و آن را چهار پاره کرد و هر کدام یک پاره گرفتیم و به حمام رفتیم. چون به گرمخانه رفتیم، به جدم توجه کرد و فرمود: ای پیرمرد! چرا خضاب نداری؟ در پاسخ گفت: بهتر از تو و خودم را دریافتم که خضاب نداشت. و او در خشم شد - .[۱] ادامه روایت از کافی ۶: ۴۹۸ است. - . گفت: آن بهتر از من و تو که بود؟ گفت: علی بن ابی طالب را دیدم که خضاب نداشت. راوی گوید: سر به زیر افکند و عرق می ریخت و فرمود: راست گفتی و خوب کردی! و سپس فرمود: ای پیرمرد! اگر خضاب کنی، همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله خضاب می کرد و او بهتر از علی علیه السّلام بود. اگر نکنی پیرو علی علیه السّلام باشی. چون از حمام در آمدیم از آن شیخ پرسیدیم، گفتند که او علی بن الحسین بود و پسرش محمد علیهما السّلام هم با او بود.

و از سلیمان بن هارون عجلی نقل است که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله خضاب کرد؟ فرمود: نه، همچنین علی علیه السّلام، ولی پدرم و جدم خضاب کردند و اگر خضاب کنی خوب است و اگر نکنی هم خوب است.

و از جریر بن محمد نقل است که درباره خضاب از امام باقر علیه السّلام پرسیدم. فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله خضاب می کرد و این موی آن حضرت است نزد ما.

و از حفص اعور نقل است که از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: چه گویی درباره خضاب، خضاب سر و ریش؟ فرمود: از سنت است. راوی گوید: گفتم: امیر مؤمنان خضاب نکرد. فرمود: همانا گفته رسول خدا او را بازداشت که به زودی این از این خضاب شود (یعنی ریش از خون سرت).

و از آن حضرت است که: ترک خضاب بدبختی است. - . مکارم الاخلاق: ۹۳- ۹۴ -

**[ترجمه]

«۱۱»

جش، [الفهرست للنجاشی] أَحْمَدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ نُوحٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ الْهَاشِمِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ

بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ الْأَصْفَهَانِيِّ عَنْ شَرِيكٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ حُرَيْثٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُرِّ: أَنَّهُ سَأَلَ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ علیه السلام عَنْ خِضَابِهِ فَقَالَ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ كَمَا تَرَوْنَ إِنَّمَا هُوَ حِنَّاءٌ وَ كَتَمٌ (۲).

**[ترجمه]رجـال نجاشـی: عبیـدالله بن حر از حسـین بن علی علیه السّـلام دربـاره خضـابش پرسـید. فرمود: چنان نیست که می بینید؛ همانا آن حنا و کتم است. - . رجال نجاشی: ۷ -

**[ترجمه]

«۱۲»

نهج، [نهج البلاغه]: سُئِلَ علیه السلام عَنْ قَوْلِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله غَيِّرُوا الشَّيْبَ وَ لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ فَقَالَ إِنَّمَا قَالَ صلی الله علیه و آله ذَلِكَ وَ الدِّينُ قُلٌّ فَأَمَّا الْآنَ وَ قَدِ اتَّسَعَ نِطَاقُهُ وَ ضَرَبَ بِجِرَانِهِ فَامْرُؤٌ وَ مَا اخْتَارَ(۳).

**[ترجمه]نهج البلاغه: از امام علیه السّـلام پرسیدند: این که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود موها را رنگ کنید و خود را شبیه یهود نسازید یعنی چه؟ فرمود: پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم این سخن را در روزگاری فرمود که پیروان اسلام انـدک بودند، اما امروز که اسـلام گسترش یافته و نظام اسـلامی اسـتوار شده، هر کس آنچه را که دوست دارد انجام دهد. - . نهج البلاغه: حکمت ۱۶ -

**[ترجمه]

بیان

قـل أی قلیل و النطاق شـقه تلبسه المرأه و تشـد وسـطها ثم ترسل الأعلی علی الأسـفل إلی الرکبه و الأسـفل ینجر علی الأرض و جران البعیر مقـدم عنقه و الساق و النطاق للإسـلام کنایه عن کثره المسـلمین و ضـربه بجرانه عن ثباته و اسـتقراره أی لیس الیوم سنه مؤکده.

**[ترجمه]«قل» یعنی کم و «النطاق» یعنی تکه لباسی که زن می پوشد و وسط آن را محکم می کند، سپس بالا را بر پایین می انـدازد تـا زانو، و پـایینی تـا روی زمین می آیـد. و «جران البعیر» یعنی جلوی گردنش و سـاق، «نطـاق إسـلام» کنـایه از کـثرت مسلمین است و «ضربه بجرانه» یعنی استواری اش، یعنی امروز مثل گذشته سنت نیست.

**[ترجمه]

«۱۳»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: ثَلَاثٌ يُطْفِينَ نُورَ الْعَبْدِ مَنْ قَطَعَ أَوِدَّاءَ أَبِيهِ وَ غَيَّرَ شَيْبَتَهُ بِسَوَادٍ قَالَ وَ رَفَعَ بَصَرَهُ فِي الْحُجُرَاتِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُؤْذَنَ لَهُ.

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام: أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالْخِضَابِ ذَاتَ بَعْلٍ وَ غَیْرَ ذَاتِ بَعْلٍ (۴).

**[ترجمه]نوادر راونـدی: امام کاظم از پـدرانش علیهم السّـلام از رسول خدا صـلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: سـه چیز نور بنده خدا را خاموش کند: کسی که با دوستان پدرش قطع رابطه کند؛ کسی که موی سپیدش را دگرگون سازد؛ و آن که بی اجازه درون اتاق ها سر کشد.

و علی علیه السّـلام فرمود: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمان داد به خضاب کردن، چه شوهردار و چه بی شوهر. - . نوادر راوندی: ۱۰ -

**[ترجمه]

«۱۴»

نهج، [نهج البلاغه]: قِیلَ لَهُ علیه السلام لَوْ غَیَّرْتَ شَیْبَکَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فَقَالَ علیه السلام الْخِضَابُ زِینَةٌ وَ نَحْنُ قَوْمٌ فِی مُصِیبَةٍ.

یُرِیدُ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (۵).

۱- ۱. مکارم الأخلاق: ۹۳- ۹۴.

۲- ۲. رجال النجاشیّ: ۷.

۳- ۳. نهج البلاغه الرقم ۱۶ من الحکم.

۴- ۴. نوادر الراوندیّ: ۱۰.

۵- ۵. النهج قسم الحکم الرقم ۴۷۳.

**[ترجمه]نهج البلاغه: به آن حضرت گفته شد: چه می شد موی خود را رنگ می کردی؟ فرمود: رنگ کردن مو آرایش است، ولی ما مردمی مصیبت زده ایم.

مقصودش درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله بود. - . نهج البلاغه: حکمت ۴۷۳ -

**[ترجمه]

«۱۵»

كِتَابُ الْغَارَاتِ، لِإِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ شَرِيكٍ عَنْ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَكِيمِ بْنِ صميت قَالَ: رَأَيْتُ عَلِيّاً علیه السلام أَبْيَضَ الرَّأْسِ وَ اللِّحْيَهِ.

وَ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ عَنْ وَكِيعٍ عَنْ سَوَادَةَ بْنِ حَنْظَلَةَ قَالَ: رَأَيْتُ عَلِيّاً علیه السلام أَصْفَرَ اللِّحْيَهِ.

**[ترجمه]کتاب الغارات: حکیم بن صمیت گفت: علی علیه السّلام را با سر و ریش سفید دیدم.

سواده بن حنظله گفت: علی علیه السّلام را با ریش حنایی زرد دیدم.

**[ترجمه]

«۱۶»

الْعِلَلُ، لِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ: الْعِلَّةُ فِي خِضَابِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله مَرَّةً وَاحِدَةً لِكَيْ يَقْتَدُوا بِهِ ثُمَّ لَمْ يَخْتَضِبْ بَعْدَ ذَلِكَ وَ الْعِلَّةُ فِي تَرْكِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام الْخِضَابَ لِقَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تُخْضَبُ يَا عَلِيُّ هَذِهِ يَعْنِي لِحْيَتَهُ مِنْ هَذِهِ يَعْنِي مِنْ رَأْسِهِ فَأَحَبَّ علیه السلام أَنْ يَخْضِبَهَا بِالدَّمِ.

**[ترجمه]علل الشرائع: محمد بن علی بن ابراهیم گفت: علت اینکه پیغمبر صلی الله علیه و آله یک بار خضاب کرد، این بود که مردم از او پیروی کنند و از آن پس خضاب نکرد، و علت اینکه امیر مؤمنان خضاب نکرد، قول پیغمبر صلی الله علیه و آله بود که فرمود: ای علی! این (یعنی ریش او) از این (یعنی از سر او) خضاب شود. و دوست داشت آن را با خون خضاب کند .

**[ترجمه]

باب ۹ وصل الشعر و القصص فی الرأس

روایات

«۱»

مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ الْمَرْأَةُ تَجْعَلُ فِي رَأْسِهَا الْقَرَامِلَ قَالَ يَصْلُحُ لَهَا الصُّوفُ وَ مَا كَانَ مِنْ شَعْرِ الْمَرْأَةِ نَفْسِهَا وَ كَرِهَ أَنْ تُوصِلَ الْمَرْأَةُ مِنْ شَعْرِ غَيْرِهَا فَإِنْ وَصَلَتْ بِشَعْرِهَا الصُّوفَ أَوْ شَعْرَ نَفْسِهَا فَلَا بَأْسَ بِهِ (۱).

عَنْ عَمَّارٍ السَّابَاطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ النَّاسَ يَرْوُونَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَعَنَ الْوَاصِلَةَ وَ الْمَوْصُولَةَ قَالَ فَقَالَ نَعَمْ قُلْتُ الَّتِي تَمْشُطُ وَ تَجْعَلُ فِي الشَّعْرِ الْقَرَامِلَ قَالَ فَقَالَ لِي لَيْسَ بِهَذَا بَأْسٌ قُلْتُ فَمَا الْوَاصِلَةُ وَ الْمَوْصُولَةُ قَالَ الْفَاجِرَةُ وَ الْقَوَّادَةُ.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَصِّ النَّوَاصِي تُرِيدُ بِهِ الْمَرْأَةُ الزِّينَةَ لِزَوْجِهَا وَ عَنِ الْحَفِ (۲) وَ الْقَرَامِلِ وَ الصُّوفِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ قَالَ لَا بَأْسَ بِذَلِكَ كُلِّهِ.

۱- ۱. قال في اللسان: في الحديث« انه رخص في القرامل» هي ضفائر من شعر أو صوف أو ابريسم تصل به المرأه شعرها.

۲- ۲. يقال: حفت المرأه وجهها حفا و حفافا: أزالت الشعر عنه بالموسى و غيره.

قَالَ مُحَمَّدٌ قَالَ يُونُسُ يَعْنِي لَا بَأْسَ بِالْقَرَامِلِ إِذَا كَانَتْ مِنْ صُوفٍ وَ أَمَّا الشَّعْرُ فَلَا يُوصَلُ الشَّعْرُ بِالشَّعْرِ لِأَنَّ الشَّعْرَ مَيِّتٌ.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا يَحِلُّ لِامْرَأَةٍ إِذَا هِيَ حَاضَتْ أَنْ تَتَّخِذَ قُصَّةً وَ لَا جُمَّةً(۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: سلیمان بن خالد گفت: به امام علیه السلام گفتم زن در سر خود پیوندی می نهد؟ فرمود: از پشم یا موی خودش بد نیست (و بد داشت که از موی دیگری باشد) و همان پیوند با رشته پشمی یا موی خودش باکی ندارد. - . در اللسان آمده: در حدیث هست که «انه رخص فی القرامل» و آن اضافه هایی از مو و پشم و ابریشم است که زن به مویش می بندد. -

عمار ساباطی گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: مردم از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کنند که «واصله و موصوله» را لعن کرده است؟ فرمود: آری. گفتم: به این معنی که زنی موی خود را شانه زند و در آن پیوندها نهد؟ به من فرمود: این باکی ندارد. گفتم: پس واصله و موصوله چه باشد؟ فرمود: زن هرزه و جاکش.

و ابی بصیر گفت: از آن حضرت از زلف جلوی سر پرسیدم که زن بدان خود را برای شوهرش آرایش کند، و از اینکه موهای ریز خود - . گفته شده: «حفت المرأه وجهها» حفا و حفافا یعنی زن موی صورتش را با تیغ یا غیره بردارد. - را بسترد و گیسوان خود را با رشته های پشمی پیوند کند و چیز هایی شبیه به آن. فرمود: همه اینها اشکالی ندارد.

و یونس گفت: یعنی پیوستن گیسوان با رشته پشمی اشکالی ندارد، اما با مو، نباید مو را با مو پیوند زد، چرا که مو مردار است.

و امام صادق از پدرش، از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: روا نیست زنی که در حیض است، زلف بنهد یا موی خود را گرد سازد (یعنی آرایش کند که فریبنده باشد.) - . مکارم الاخلاق ۹۴- ۹۵ ، و «الجمه» با ضمه، یعنی اجتماع موی سر. -

**[ترجمه]

باب ۱۰ الشيب و علته و جزه و نتفه

روایات

«۱»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عَوْنٍ عَنْ أَبِي نَجْرَانَ التَّمِيمِيِّ عَنِ ابْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثَةٌ لا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيامَةِ وَ لا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ ...- وَ لا يُزَكِّيهِمْ وَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ النَّاتِفُ شَيْبَهُ وَ النَّاكِحُ نَفْسَهُ وَ الْمَنْكُوحُ فِي دُبُرِهِ (۲).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: سه کس باشند که «لا یکلمهم الله یوم القیامه و لا ینظر إلیهم ... و لا یزکیهم

و لهم عـذاب أليم.» - . آل عمران / ۷۷ - {خدا روز قيامت با آنها سخن نكند و تبرئه اش نكند و عذاب دردناك دارند.} آن كه موى سپيـدش را بكَنـد و آن كه با خود جماع كنـد ، و آن كه در پشت او جماع كنند. - . عيون اخبارالرضا ۱: ۸۳ ، خصال ۱: ۵۲ -

**[ترجمه]

«۲»

ن (۳)،[عيون أخبار الرضا عليه السلام] ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنْ سُلَيْمَـانَ الْجَعْفَرِيِّ عَنِ الرِّضَـا عَنْ آبَائِهِ عليهم السـلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صـلى الله عليه و آله: الشَّيْبُ فِی مُقَـدَّمِ الرَّأْسِ يُمْنٌ وَ فِی الْعَارِضَيْنِ سَخَاءٌ وَ فِی الذَّوَائِبِ شَجَاعَةٌ وَ فِی الْقَفَا شُؤْمٌ (۴).

**[ترجمه]عيون اخبارالرضا و خصال: امام رضا از پـدرانش عليهم السّـلام، از رسول خدا صـلى الله عليه و آله نقل مى كند كه فرمود: سپيـدى در جلوى سـر ميمنت است، در گونه ها نشانه سـخاوت، در گيسوها شـجاعت و در پشت سـر شوم است. - .[۳] خصال ۱: ۱۱۲ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَةِ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَـلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: لَا تَنْتِفُوا الشَّيْبَ فَإِنَّهُ نُورُ الْمُسْـلِمِ وَ مَنْ شَابَ شَيْبَةً فِی الْإِسْلَامِ كَانَ لَهُ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَهِ(۵).

**[ترجمه]خصال: اربعمائه: على عليه السّـلام فرمود: موى سپيد را نكَنيد كه نور مسلمان است و هر كه مو در اسلام سپيد كند، در قيامت نور او باشد. - .[۴] خصال ۲: ۱۵۶ -

**[ترجمه]

«۴»

ع، [علل الشـرائع] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَـعْدٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ النَّاسُ لَا يَشِيبُونَ فَأَبْصَرَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام شَيْباً فِی لِحْيَتِهِ فَقَالَ يَا رَبِّ مَا هَذَا فَقَالَ هَذَا وَقَارٌ فَقَالَ رَبِّ زِدْنِی

ص: ۱۰۶

۱- ۱. مكارم الأخلاق ۹۴- ۹۵، و الجمه بالضم مجتمع شعر الرأس.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۵۲.
۳- ۳. عيون الأخبار ج ۱ ص ۸۳.
۴- ۴. الخصال ج ۱ ص ۱۱۲.
۵- ۵. الخصال ج ۲ ص ۱۵۶.

وَقَاراً(۱).

**[ترجمه]علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام فرمود: مردم مو سپید نمی کردند و ابراهیم علیه السّلام بود که تا سپیدی در ریش خود دید گفت: پروردگارا این چیست؟ فرمود: این وقار است و او گفت: پروردگارا، وقار مرا فزون کن! - .[۵] علل الشرائع ۱: ۹۷ -

**[ترجمه]

«۵»

ع، [علل الشرائع] عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَاتِمٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ يَزِيدَ بْنِ هَارُونَ عَنْ عُثْمَانَ الزَّنْجَانِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ الزَّمَانِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ خَالِدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَيُّوبَ الْمَخْزُومِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام: أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا الطُّفَيْلِ يُحَدِّثُ أَنَّ عَلِيّاً علیه السلام يَقُولُ كَانَ الرَّجُلُ يَمُوتُ وَ قَدْ بَلَغَ الْهَرَمَ وَ لَمْ يَشِبْ فَكَانَ الرَّجُلُ يَأْتِي النَّادِيَ فِيهِ الرَّجُلُ وَ بَنُوهُ فَلَا يَعْرِفُ الْأَبَ مِنَ الِابْنِ فَيَقُولُ أَيُّكُمْ أَبُوكُمْ فَلَمَّا كَانَ زَمَانُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي شَيْئاً أُعْرَفُ بِهِ قَالَ فَشَابَ وَ ابْيَضَّ رَأْسُهُ وَ لِحْيَتُهُ (۲).

**[ترجمه]علل الشرایع: از امام صادق علیه السّلام نقل است که شنید که ابو طفیل می گوید که علی علیه السّلام می فرمود: مردم می مردند و به پیری می رسیدند و مو سپید نمی کردند و کسی به اجتماعی می آمد که در آن مردی به همراه پسرش بود و پدر را از پسر نمی شناخت و می گفت پدر کدام است. و در زمان ابراهیم بود که گفت: خدایا! برایم نشانی بنه که شناخته شوم. فرمود: پس موی سر و ریش او سپید شد. - .[۱] علل الشرائع ۱: ۹۸ -

**[ترجمه]

«۶»

مکا، [مكارم الأخلاق] مِنْ كِتَابِ اللِّبَاسِ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: الشَّيْبُ فِي مُقَدَّمِ الرَّأْسِ يُمْنٌ وَ فِي الْعَارِضَيْنِ سَخَاءٌ وَ فِي الذَّوَائِبِ شَجَاعَةٌ وَ فِي الْقَفَا شُؤْمٌ.

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ فَنَظَرَ إِلَى الشَّيْبِ فِي لِحْيَتِهِ فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله نُورٌ مَنْ شَابَ شَيْبَةً فِي الْإِسْلَامِ كَانَتْ لَهُ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَهِ.

قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام: أَصْبَحَ إِبْرَاهِيمُ فَرَأَى فِي لِحْيَتِهِ شَعْرَةً بَيْضَاءَ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي هَذَا الْمَبْلَغَ وَ لَمْ أَعْصِ اللَّهَ طَرْفَةَ عَيْنٍ.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: كَانَ النَّاسُ لَا يَشِيبُونَ فَأَبْصَرَ إِبْرَاهِيمُ علیه السلام شَيْباً فِي لِحْيَتِهِ فَقَالَ يَا رَبِّ مَا هَذَا قَالَ هَذَا وَقَارٌ قَالَ يَا رَبِّ زِدْنِي وَقَاراً.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: الشَّیْبُ نُورٌ فَلَا تَنْتِفُوهُ.

عَنْهُ علیه السلام عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام: أَنَّهُ کَانَ لَا یَرَی بَأْساً بِجَزِّ الشَّیْبِ وَ یَکْرَهُ نَتْفَهُ.

مِنْ کِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِجَزِّ الشَّمَطِ(۳)

وَ نَتْفِهِ وَ جَزُّهُ أَحَبُّ إِلَیَّ مِنْ نَتْفِهِ (۴).

۱- ۱. علل الشرائع ج ۱ ص ۹۷.

۲- ۲. علل الشرائع ج ۱ ص ۹۸.

۳- ۳. الشمط بیاض الرأس یخالط سواده و الرجل أشمط و المرأه شمطاء.

۴- ۴. مکارم الأخلاق: ۷۵- ۷۶.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: سپیدی در جلوی سر میمنت است، در گونه ها نشانه سخاوت، در گیسوها شجاعت و در پشت سر شوم است.

امام صادق علیه السّلام فرمود: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر به سفیدی در ریشش نگاه کرد و فرمود: نور است هر کس در اسلام مو سفید کند، در قیامت برای او نوری شود.

امام باقر علیه السّلام فرمود: ابراهیم علیه السّلام صبح کرد و در ریش خود یک موی سپید دید و گفت: سپاس خدای را که مرا به این سن رساند و خدا را چشم بر هم زدنی نافرمانی نکردم.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: مردم مو سپید نمی کردند و ابراهیم علیه السّلام بود که تا سپیدی در ریش خود دید، گفت: پروردگارا این چیست؟ فرمود: این وقار است. و او گفت: پروردگارا، وقار مرا فزون کن!

و از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: موی سپید نور است؛ آن را نکَنید.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: علی علیه السّلام در بریدن موی سپید پیری اشکالی نمی دید و کندنش را بد می داشت.

کتاب محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: ستردن و کندن موی خاکستری - . «الشمط» یعنی سفیدی سر که با سیاهی آن آمیخته شده و به مرد «أشمط» و به زن «شمطاء» گویند. - اشکالی ندارد، ولی بریدنش را بیشتر دوست دارم از کندنش. - . مکارم الاخلاق: ۷۵- ۷۶ -

**[ترجمه]

«۷»

مَجَالِسُ الشَّيْخِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنِ التَّلَّعُكْبَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحِمْيَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدٍ الطَّيَالِسِيِّ عَنْ رُزَيْقٍ الْخُلْقَانِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: مَا رَأَيْتُ شَيْئاً أَسْرَعَ إِلَى شَيْ ءٍ مِنَ الشَّيْبِ إِلَى الْمُؤْمِنِ وَ إِنَّهُ وَقَارٌ لِلْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا وَ نُورٌ سَاطِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِهِ وَقَّرَ اللَّهُ تَعَالَى خَلِيلَهُ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام فَقَالَ مَا هَذَا يَا رَبِّ قَالَ لَهُ هَذَا وَقَارٌ فَقَالَ يَا رَبِّ زِدْنِي وَقَاراً قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَمِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ إِجْلَالُ شَيْبَةِ الْمُؤْمِنِ (۱).

**[ترجمه]مجالس: امام صادق علیه السّلام می فرمود: چیزی را ندیدم شتابان تر به چیزی از سپیدی مو به سوی مؤمن، و همانا آن وقار مؤمن است در دنیا و نوری درخشان در روز قیامت. خدای تعالی خلیلش ابراهیم را بدان با وقار کرد که گفت: پروردگارا این چیست؟ فرمودش که این وقار است. پس گفت: پروردگارا، به وقارم بیفزا! و فرمود: امام صادق علیه السّلام فرمود: بزرگداشت موی سپید مؤمن از بزرگداشت خدا است. - . امالی شیخ طوسی ۲: ۳۱۰ -

**[ترجمه]

باب ۱۱ اللعب بشعر اللحیه و أكله و فت الطین

روایات

«۱»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُوسَی بْنِ عُمَرَ عَنْ یَحْیَی بْنِ عُمَرَ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: لَا تُكْثِرْ وَضْعَ یَدِكَ فِی لِحْیَتِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ یَشِینُ الْوَجْهَ (۲).

**[ترجمه]علل الشرایع: امام صادق علیه السّلام فرمود: بسیار دست به ریش مگذار كه رخسار را زشت كند. - . علل الشرائع ۲: ۲۴۶ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] فِیمَا أَوْصَی بِهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِلَی عَلِیٍّ علیه السلام: یَا عَلِیُّ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْوَسْوَاسِ أَكْلُ الطِّینِ وَ تَقْلِیمُ الْأَظْفَارِ بِالْأَسْنَانِ وَ أَكْلُ اللِّحْیَهِ(۳).

**[ترجمه]خصال: در سفارش پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام است كه فرمود: ای علی! سه چیز از وسواس است: خوردن گِل، چیدن ناخن ها با دندان و جویدن ریش. -.[۲] خصال ۱: ۶۲ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْأَوَّلِ قَالَ: أَرْبَعَةٌ مِنَ الْوَسْوَاسِ أَكْلُ الطِّینِ وَ فَتُّ الطِّینِ وَ تَقْلِیمُ الْأَظْفَارِ بِالْأَسْنَانِ وَ أَكْلُ اللِّحْیَهِ(۴).

ص: ۱۰۸

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۳۱۰.

۲- ۲. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۴۶.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۶۲.

۴- ۴. الخصال ج ۱: ۱۰۵.

**[ترجمه]خصال: امام کاظم علیه السّلام فرمود: چهارچیز از وسواس است: خوردن گِل و ریز کردن گِل با انگشتان، چیدن ناخن ها با دندان و جویدن ریش. - .[۳] خصال ۱: ۱۰۵ -

**[ترجمه]

باب ۱۲ نتف شعر الأنف

روایات

«۱»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: لِيَأْخُذْ أَحَدُكُمْ مِنْ شَارِبِهِ وَ الشَّعْرِ الَّذِی فِی أَنْفِهِ وَ لْيَتَعَاهَدْ نَفْسَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يَزِيدُ فِی جَمَالِهِ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کدام شما باید سبیل را و موی داخل بینی را بگیرد و به خود برسد که زیبایی اش افزون شود. - .[۱] قرب الاسناد: ۴۵ -

**[ترجمه]

«۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: أَخْذُ الشَّعْرِ مِنَ الْأَنْفِ يُحَسِّنُ الْوَجْهَ (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: ستردن موی بینی رخسار را زیبا کند. - .[۲] مکارم الاخلاق: ۶۵ -

**[ترجمه]

باب ۱۳ اللحیه و الشارب

أقول

سیجی ء بعض الأخبار فی باب الطیب و قد سبق بعضها فی باب السنن الحنیفیه و سیأتی بعضها فی باب تقلیم الأظفار أیضا.

**[ترجمه]برخی از اخبار در باب طیب خواهد آمد و برخی در باب سنن حنیفیه گذشته و برخی هم در باب ناخن گرفتن می آید.

**[ترجمه]

روایات

«۱»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله قَالَ: لِيَأْخُذْ أَحَدُكُمْ مِنْ شَارِبِهِ وَ الشَّعْرِ الَّذِی فِی أَنْفِهِ وَ لْيَتَعَاهَدْ نَفْسَهُ فَإِنَّ ذَلِکَ يَزِيدُ فِی جَمَالِهِ (۳).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق از پدرانش عليهم السّلام، از پيغمبر صلی الله عليه و آله نقل می كند كه فرمود: هر كدام از شما بايد سبيل را و موی داخل بينی را بگيرد و به خود برسد كه زيبايی اش افزون شود. - .[۱] قرب الاسناد: ۴۵ -

**[ترجمه]

«۲»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَخِيهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ أَخْذِ الشَّارِبِ أَ سُنَّةٌ هُوَ قَالَ نَعَمْ وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ لَهُ أَنْ يَأْخُذَ مِنْ لِحْيَتِهِ قَالَ أَمَّا مِنْ عَارِضَيْهِ فَلَا بَأْسَ وَ أَمَّا مِنْ مُقَدَّمِهِ فَلَا(۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: برادر امام كاظم عليه السلام گفت: از او پرسيدم كه گرفتن سبيل سنت است يا نه؟ فرمود: آری، و پرسيدم از گرفتن از ريش، فرمود: از دو گونه باكی ندارد و از جلوی آن نه. - .[۲] قرب الاسناد: ۱۶۴ -

**[ترجمه]

«۳»

سر، [السرائر] فِی جَامِعِ الْبَزَنْطِيِّ: مِثْلَهُ (۵).

ص: ۱۰۹

۱- ۱. قرب الإسناد: ۴۵.

۲- ۲. مكارم الأخلاق: ۶۵.

۳- ۳. قرب الإسناد: ۴۵.

۴- ۴. قرب الإسناد: ۱۶۴.

۵- ۵. السرائر: ۴۶۵.

**[ترجمه]سرائر: از جامع بزنطی مانند این روایت را آورده است. - .[۳] سرائر: ۴۶۵ -

**[ترجمه]

«۴»

ل، [الخصال] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ وَ أَخْذُ الشَّارِبِ مِنَ الْجُمُعَهِ إِلَی الْجُمُعَهِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ (۱).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: گرفتن ناخن و زدن سبیل از جمعه تا جمعه امان است از خوره. - .[۴] خصال ۱: ۲۱ -

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ أَبِی الْخَطَّابِ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَهَ عَنْ أَبِی كَهْمَشٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَلِّمْنِی دُعَاءً أَسْتَنْزِلُ بِهِ الرِّزْقَ فَقَالَ لِی خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ أَظْفَارِكَ وَ لْيَكُنْ ذَلِكَ فِی يَوْمِ الْجُمُعَهِ(۲).

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنْ سَعْدٍ: مِثْلَهُ (۳).

**[ترجمه]خصال: ابی کهمش گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: دعایی به من آموز برای گشایش روزی. فرمود: سبیل و ناخن هایت را بگیر و این کار باید در روز جمعه باشد. - .[۵] خصال ۲: ۳۰ -

ثواب الاعمال: مانند این روایت را آورده است. - .[۱] ثواب الاعمال: ۲۳ -

**[ترجمه]

«۶»

ثو(۴)،[ثواب الأعمال] ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْيَقْطِينِيِّ عَنْ أَبِی أَيُّوبَ الْمَدِينِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَهِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ الْعَمَی وَ إِنْ لَمْ تَحْتَجْ فَحُكَّهَا حَكّاً.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ وَ قَصَّ شَارِبَهُ فِی كُلِّ جُمُعَهٍ ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَ عَلَی سُنَّهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُعْطِیَ بِكُلِّ قُلَامَهٍ وَ جُزَازَهٍ عِتْقَ رَقَبَهٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ (۵).

**[ترجمه]ثواب الاعمال و خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: گرفتن ناخن در روز جمعه امان می دهد از خوره و پیسی و

کوری و اگر نیاز نداری آن را سوهان بزن.

و فرمود: هر که در هر جمعه ناخن هایش را بگیرد و سبیلش را بزنـد و بگویـد: «بسم الله و علی سنه محمد و آل محمد»، به هر تکه ناخن و برش مو به او ثواب آزاد کردن یک بنده از فرزندان اسماعیل داده شود. - .[۲] ثواب الاعمال: ۲۳ ، خصال۲: ۳۰ -

**[ترجمه]

«۷»

ل، [الخصـال] عَـنِ ابْـنِ الْوَلِیـدِ عَـنْ أَحْمَـدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْأَشْـعَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ الرَّازِیِّ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ یَوْمَ السَّبْتِ وَ یَوْمَ الْخَمِیسِ وَ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ عُوفِیَ مِنْ وَجَعِ الْأَضْرَاسِ وَ وَجَعِ الْعَیْنِ (۶).

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ النَّوْفَلِیِّ: مِثْلَهُ (۷).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که روز شنبه و روز پنجشنبه ناخن هایش را بگیرد و سبیل خود را بزند، از درد دندان و درد چشم در عافیت ماند. - .[۳] خصال ۲: ۳۱ -

ثواب الاعمال: مانند این روایت را آورده است. - .[۴] ثواب الاعمال: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۸»

ع، [علل الشرائع] عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: لَمَّا تَابَ اللَّهُ عَلَی آدَمَ أَتَاهُ جَبْرَئِیلُ فَقَالَ إِنِّی رَسُولُ اللَّهِ إِلَیْکَ وَ هُوَ یُقْرِئُـکَ السَّلَامَ وَ یَقُولُ یَا آدَمُ حَیَّاکَ اللَّهُ وَ بَیَّاکَ قَالَ أَمَّا حَیَّاکَ اللَّهُ فَأَعْرِفُهُ فَمَا بَیَّاکَ قَالَ أَضْـحَکَکَ قَالَ فَسَـجَدَ آدَمُ علیه السلام فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَی السَّمَاءِ وَ قَالَ یَا رَبِّ زِدْنِی جَمَالًا فَأَصْبَحَ وَ لَهُ لِحْیَهٌ

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۲۱.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۳۰.

۳- ۳. ثواب الأعمال: ۲۳.

۴- ۴. ثواب الأعمال: ۲۳.

۵- ۵. الخصال ج ۲ ص ۳۰.

۶- ۶. الخصال ج ۲ ص ۳۱.

٧- ٧. ثواب الأعمال ص ٢٢.

سَوْدَاءُ كَالْحُمَمِ فَضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَيْهَا فَقَالَ يَا رَبِّ مَا هَذِهِ فَقَالَ هَذِهِ اللِّحْيَهُ زَيَّنْتُکَ بِهَا أَنْتَ وَ ذُکُورَ وُلْدِکَ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ(۱).

**[ترجمه]علل الشرائع: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: چون خدا توبه آدم علیه السّلام را پذیرفت، جبرئیل به سوی او آمد و گفت: من فرستاده خدایم در نزد تو. خداوند به تو سلام می رساند و می فرماید: ای آدم! خدا به تو تحیت دارد و بیاک. گفت: تحیت را می فهمم، ولی بیاک چیست؟ گفت: یعنی تو را می خنداند.

فرمود: آدم به سجده افتاد و سر به آسمان برداشت و گفت: ای پروردگارم! به زیبایی ام بیفزا! صبح که شد ریشی سیاه داشت چون ذغال و دست بدان زد و گفت: پروردگارا این چیست؟ فرمود: این ریش است که تو را و فرزندان مذکرتو را تا روز قیامت با آن زینت کردم. -.[۵] علل الشرائع ۲: ۶۸ -

**[ترجمه]

«۹»

ع، [علل الشرائع] عَنْ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا یُطَوِّلَنَّ أَحَدُکُمْ شَارِبَهُ وَ لَا عَانَتَهُ وَ لَا شَعْرَ إِبْطِهِ فَإِنَّ الشَّیْطَانَ یَتَّخِذُهَا مَخَابِیَ یَسْتَتِرُ بِهَا(۲).

**[ترجمه]علل الشرائع: امام صادق ازپدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: کسی از شماها نباید سبیل یا موی زهار و موی زیر بغلش را دراز کند که شیطان در آن لانه سازد و پنهان شود. -.[۱] علل الشرائع ۲: ۲۰۶ -

**[ترجمه]

«۱۰»

مع، [معانی الأخبار] عَنِ الْمُکَتِّبِ عَنِ الْأَسَدِیِّ عَنِ النَّخَعِیِّ عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ غُرَابٍ قَالَ حَدَّثَنِی خَیْرُ الْجَعَافِرِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِیهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: حُفُّوا الشَّوَارِبَ وَ اعْفُوا اللِّحَی وَ لَا تَتَشَبَّهُوا بِالْمَجُوسِ.

قال الکسائی قوله تعفی (۳)

یعنی توفر و تکثر قال أبو عبیده یقال فیه قد عفا الشعر و غیره إذا کثر یعفو فهو عاف و قد عفوته و أعفیته لغتان إذا فعلت ذلک به قال الله عز و جل حَتَّی عَفَوْا(۴) یعنی کثروا و یقال فی غیر هذا الموضع قد عفا الشیء إذا درس و امتحی قال لبید بن ربیعه العامری:

عفت الدیار محلها فمقامها**بمنی تأبد غولها و رجامها

و عفا أیضا إذا أتی الرجل الرجل یطلب حاجه أو رفدا فقد عفاه و هو یعفو و هو عاف و منه الحدیث المرفوع من أحیا أرضا میته فهی له و ما أصابت العافیه منها فهو له صدقه و العافیه هاهنا کل طالب رزقا من إنسان أو دابه أو طائر أو غیر ذلک و جمع العافی عفاه و قال الأعشی:

تطوف العفاه بأبوابه***کطوف النصاری ببیت الوثن

قال و المعتفی مثل العافی (۵).

ص: ۱۱۱

۱- ۱. علل الشرائع ج ۲ ص ۶۸ فی حدیث. و الحمم کصرد جمع الحمه: الفحم.

۲- ۲. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۰۶.

۳- ۳. قاله فی الحدیث و لفظه:« أمر أن تحفی الشوارب و تعفی اللحی».

۴- ۴. الأعراف: ۹۵.

۵- ۵. معانی الأخبار: ۲۹۱- ۲۹۲.

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام صادق از پـدرش، از جـدش، از پدرش علیهم السّـلام، از رسول خدا صـلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: سبیل ها را بزنید و ریش ها را بگذارید و مانند مجوس نباشید.

کسـایی گفته: «تعفی» - .[۲] آن را در حـدیثی گفتـه کـه عینش چنین است: «أمر أن تحفی الشـوارب و تعفی اللحی.» - که در حـدیث است، یعنی فزون کردن و از ابی عبیـده هم این معنی را نقـل کرده و به آیه «حـتی عفوا» - .[۳] اعراف: ۹۵ - {تا انبوه شدند} اشاره کرده. «حتی عفوا» یعنی تا فزون شدند و گفته «عفو» به معنی محو هم آمده و به شعر لبید بن ربیعه استشهاد کرده است:

عفت الدیار محلها فمقامها

بمنی تأبد غولها و رجامها

محل زندگی آن نابود گردید، پس جایگزین شدن او در منی عاقبت موجب هلاکت او خواهد شد.

و گفته «عفی» معنی دیگر هم دارد که کسی به درخواست حاجتی یا پذیرایی نزد کسی آید، و به این معنی است حدیثی که به پیغمبر رسانـده انـد: «هر که زمین مرده را احیاء کنـد، از آنِ او باشـد و به هر چه در آن دست یابـد بر او صـدقه باشد، و عافیت کسی باشد که طلب روزی کند از انسان یا جانداری یا پرنده ای یا غیر آن.» و شعر اعشی ء را گواه آن آورده:

تطوف العفاه بأبوابه

کطوف النصاری ببیت الوثن

نیازمندان بدرگاه او می چرخند، همچون مسیحیان بر گرد بتخانه.

و گفته: «معتفی» مثل «عافی» است. - .[۴] معانی الاخبار: ۲۹۱- ۲۹۲ -

**[ترجمه]

«۱۱»

ک، [إکمال الـدین] عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَحْمَدَ الدَّقَّاقِ عَنِ الْکُلَیْنِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مُوسَی عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْقَاسِمِ الْعِجْلِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ یَحْیَی الْمَعْرُوفِ بِبُرْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خُدَاهِیٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَیُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ الْکَرِیمِ بْنِ عُمَرَ الْجُعْفِیِّ عَنْ حَبَابَهَ الْوَالِبِیَّهِ قَالَ: رَأَیْتُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی شُرْطَهِ الْخَمِیسِ وَ مَعَهُ دِرَّهٌ یَضْرِبُ بِهَا بَیَّاعِی الْجِرِّیِّ وَ الْمَارْمَاهِی وَ الزِّمِّیرِ وَ الطَّافِی وَ یَقُولُ لَهُمْ یَا بَیَّاعِی مُسُوخِ بَنِی إِسْرَائِیلَ وَ جُنْدَ بَنِی مَرْوَانَ فَقَامَ إِلَیْهِ فُرَاتُ بْنُ أَحْنَفَ فَقَالَ لَهُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ مَا جُنْدُ بَنِی مَرْوَانَ فَقَالَ أَقْوَامٌ حَلَقُوا اللِّحَی وَ فَتَلُوا الشَّوَارِبَ (۱).

**[ترجمه]کمـال الـدین: حبـابه والـبیه گفت: امیر مؤمنـان رادر شـرطه الخمیس دیـدم که تازیـانه ای بـا خـود داشت که بـدان

فروشنده های جری و مار ماهی و زمیر و ماهیان مرده روی آب را می زد و به آنها می فرمود: ای فروشنده های مسخ شده! ای بنی اسرائیل و ای سپاه بنی مروان! فرات بن احنف به سوی آن حضرت برخاست و گفت: یا امیرالمؤمنین! سپاه بنی مروان چیست؟ فرمود: مردمی که ریش ها را می تراشیدند و سبیل ها را تاب می دادند. - .[۱] کمال الدین ۲: ۲۱۸ -

**[ترجمه]

«۱۲»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ نُصَیْرٍ عَنْ زِیَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَنْدِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: أَخْذُ الشَّارِبِ مِنَ الْجُمُعَهِ إِلَی الْجُمُعَهِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ (۲).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السّلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: گرفتن شارب از جمعه تا جمعه امان است ازجذام. - .[۲] امالی صدوق: ۱۸۳ -

**[ترجمه]

«۱۳»

سر، [السرائر] عَنِ الْبَزَنْطِیِّ عَنْ عَلِیٍّ عَنِ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ إِطَالَهِ الشَّعْرِ فَقَالَ کَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مُشْعِرِینَ یَعْنِی الطَّمَ (۳).

**[ترجمه]سرائر: حلبی از امام صادق علیه السّلام درباره دراز کردن مو پرسید. فرمود: یاران رسول خدا مو را کوتاه می کردند. - .[۳] سرائر: ۴۶۵ -

**[ترجمه]

«۱۴»

مکا، [مکارم الأخلاق] مِنْ کِتَابِ مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیهُ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: أَخْذُ الشَّارِبِ مِنَ الْجُمُعَهِ إِلَی الْجُمُعَهِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ.

وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: لَا یُطَوِّلَنَّ أَحَدُکُمْ شَارِبَهُ فَإِنَّ الشَّیْطَانَ یَتَّخِذُهُ مَخْبَأً یَسْتَتِرُ بِهِ.

وَ قَالَ علیه السلام: مَنْ لَمْ یَأْخُذْ شَارِبَهُ فَلَیْسَ مِنَّا.

وَ قَالَ علیه السلام: أَحْفُوا الشَّوَارِبَ وَ أَعْفُوا اللِّحَی وَ لَا تَتَشَبَّهُوا بِالْیَهُودِ.

وَ قَالَ صلى الله عليه و آله: إِنَّ الْمَجُوسَ جَزُّوا لِحَاهُمْ وَ وَفَّرُوا شَوَارِبَهُمْ وَ إِنَّا نَحْنُ نَجُزُّ الشَّوَارِبَ وَ نُعْفِي اللِّحَى وَ هِيَ الْفِطْرَةُ وَ إِذَا أَخَذَ الشَّارِبَ يَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله.

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: حَلْقُ الشَّارِبِ مِنَ السُّنَّهِ.

عَنِ السَّكُونِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مِنَ السُّنَّهِ أَنْ يَأْخُذَ الشَّارِبَ حَتَّى يَبْلُغَ الْإِطَارَ. عَنْ عَبْدِ اللَّهِ

ص: ١١٢

١- ١. كمال الدين ج ٢ ص ٢١٨.

٢- ٢. و رواه الصدوق فی الأمالی: ١٨٣.

٣- ٣. مستطرفات السرائر: ۴۶۵.

بْنِ عُثْمَانَ: أَنَّهُ رَأَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَحْفَى شَارِبَهُ حَتَّى أَلْزَقَهُ الْعَسِيبَ (۱)

نَظَرَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله إِلَى رَجُلٍ طَوِيلِ اللِّحْيَهِ فَقَالَ مَا كَانَ لِهَذَا(۲)

لَوْ هَيَّأَ مِنْ لِحْيَتِهِ فَبَلَغَ الرَّجُلَ ذَلِكَ فَهَيَّأَ لِحْيَتَهُ بَيْنَ اللِّحْيَتَيْنِ ثُمَّ دَخَلَ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَلَمَّا رَآهُ قَالَ هَكَذَا فَافْعَلُوا.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: رَأَيْتُ الْبَاقِرَ علیه السلام يَأْخُذُ مِنْ لِحْيَتِهِ فَقَالَ دَوِّرْهَا.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: تَقْبِضُ بِيَدِكَ عَلَى اللِّحْيَهِ وَ تَجُزُّ مَا فَضَلَ.

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَخِي عَنِ الرَّجُلِ يَأْخُذُ مِنْ لِحْيَتِهِ قَالَ أَمَّا مِنْ عَارِضَيْهِ فَلَا بَأْسَ وَ أَمَّا مِنْ مُقَدَّمِهَا فَلَا يَأْخُذْ.

عَنْ سَدِيرٍ الصَّيْرَفِيِّ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَأْخُذُ مِنْ عَارِضَيْهِ وَ يَبْطَحُ لِحْيَتَهُ.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَا زَادَ مِنَ اللِّحْيَهِ عَنِ الْقَبْضَهِ فَفِي النَّارِ.

وَ عَنْهُ علیه السلام: مِنْ سَعَادَهِ الْمَرْءِ خِفَّهُ لِحْيَتِهِ.

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: يُعْتَبَرُ عَقْلُ الرَّجُلِ فِي ثَلَاثٍ فِي طُولِ لِحْيَتِهِ وَ فِي نَقْشِ خَاتَمِهِ وَ فِي كُنْيَتِهِ.

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدٍ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام وَ الْحَجَّامُ يَأْخُذُ مِنْ لِحْيَتِهِ فَقَالَ أَدِرْهَا(۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: گرفتن سبیل از جمعه تا جمعه امان است از خوره.

و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی سبیل خود را دراز نکند که لانه شیطان شود و در آن پنهان شود.

و فرمود: هر که سبیل خود را نزند از ما نباشد.

و فرمود سبیل ها را بزنید و ریش ها را وانهید و مانند یهود نباشید.

و فرمود: مجوس ریش های خود را ستردند و سبیل ها را انبوه کردند و ما سبیل ها را می زنیم و ریش را وامی نهیم و این فطرت است. و چون سبیل را بزند، بگوید: «بسم الله و بالله و علی مله رسول الله.»

و در کتاب محاسن از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمود: گرفتن سبیل از سنت است.

و به روایت سکونی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: سبیل را بگیر تا برسد به زمینه آن که لبه لب بالا است .

و عبدالله بن عثمان می گوید: امام صادق علیه السّلام را دید که سبیل را زده تا به بن مو رسیده. - .[۱] «العسیب» محل رویش مو است و «الاطار» یعنی لب بالایی که بین محل رویش مو و لب فاصل شده است. -

پیغمبر صلی الله علیه و آله به مردی که ریش بلندی داشت نگاه کرد و فرمود: چه ضرری دارد که این مرد ریش خود را درست کند؟ و این حرف به گوش آن مرد رسید و ریش خود را درست کرد تا به اندازه. آنگاه نزد آن حضرت آمد و چون او را دید فرمود: چنین کنید!

از محمد بن مسلم نقل است که امام باقر علیه السّلام را دیدم که ریش را اصلاح می کرد و فرمود: آن را گرد کن.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: با دستت قبضه ای از ریش را بگیر و زیادی را بِبُر.

و درکتاب محاسن از علی بن جعفر روایت می کند که از برادرم درباره مردی پرسیدم که از ریش خود برگیرد. فرمود: از دو گونه باکی ندارد و از جلوی آن را نگیرد.

و سدیر صیرفی گفت:دیدم که امام باقر علیه السّلام از دو گونه خود می زد و ریش خود را هموار می کرد.

امام صادق علیه السّلام فرمود: آنچه از ریش که بیشتراز یک قبضه است، در آتش است.

و از آن حضرت است که از سعادت مرد، سبکی ریش او است.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: عقل مرد در سه چیز سنجیده شود: درازی ریش، نقش خاتم او و کنیه او.

و محمد گفت: امام باقر علیه السّلام را دیدم که سلمانی از ریش او می زد و می فرمود: آن را گرد کن! - .[۲] مکارم الاخلاق: ۷۴- ۷۵ -

**[ترجمه]

باب ۱۴ تسریح الرأس و اللحیه و آدابه و أنواع الأمشاط

الأخبار

«۱۵»

مكا، [مکارم الأخلاق] عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: لَا تَتَسَرَّحْ فِی الْحَمَّامِ فَإِنَّهُ يُرِقُّ الشَّعْرَ.

عَنْ يَزِيدَ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: الْمَشْطُ يَنْفِی الْفَقْرَ وَ يُذْهِبُ الدَّاءَ.

ص: ۱۱۳

۱- ۱. العسيب: منبت الشعر، و الاطار: حرف الشفه الأعلى الذى يحول بين منابت الشعر و الشفه.

۲- ۲. ما ضر هذا، خ.

۳- ۳. مكارم الأخلاق: ۷۴- ۷۵.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الْمَشْطُ یَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ وَ الدُّهْنُ یَذْهَبُ بِالْبُؤْسِ.

وَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِمْرَارُ الْمُشْطِ عَلَی صَدْرِکَ یُذْهِبُ بِالْهَمِّ.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَیْمَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْعَاجِ قَالَ لَا بَأْسَ بِهِ وَ إِنَّ لِی مِنْهُ لَمُشْطاً.

عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِیدِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ عِظَامِ الْفِیلِ مَدَاهِنِهَا وَ أَمْشَاطِهَا قَالَ لَا بَأْسَ.

وَ عَنْهُ علیه السلام: أَنَّهُ کَرِهَ أَنْ یُدْهَنَ فِی مُدْهُنَهٍ فِضَّهٍ أَوْ مُدْهُنٍ مُفَضَّضٍ وَ الْمُشْطُ کَذَلِکَ.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ آنِیَهِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّهِ فَکَرِهَهُمَا فَقُلْتُ رَوَی بَعْضُ أَصْحَابِنَا أَنَّهُ کَانَ لِأَبِی الْحَسَنِ مِرْآهٌ مُلَبَّسَهٌ فِضَّهً فَقَالَ لَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ إِنَّمَا کَانَتْ لَهَا حَلْقَهُ فِضَّهٍ وَ قَالَ إِنَّ الْعَبَّاسَ لَمَّا عُذِرَ(۱)

جُعِلَ لَهُ عُودٌ مُلَبَّسٌ فِضَّهً نَحْواً مِنْ عَشَرَهِ دَرَاهِمَ فَأَمَرَ بِهِ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام فَکُسِرَ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ یَشْرَبَ الرَّجُلُ فِی الْقَدَحِ الْمُفَضَّضِ وَ اعْزِلْ فَمَکَ عَنْ مَوْضِعِ الْفِضَّهِ.

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام مِنْ کِتَابِ النَّجَاهِ قَالَ: إِذَا أَرَادَ أَحَدُکُمْ الِامْتِشَاطَ فَلْیَأْخُذِ الْمُشْطَ بِیَدِهِ الْیُمْنَی وَ هُوَ جَالِسٌ وَ لْیَضَعْهُ عَلَی أُمِّ رَأْسِهِ ثُمَّ یُسَرِّحُ مُقَدَّمَ رَأْسِهِ وَ یَقُولُ اللَّهُمَّ حَسِّنْ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ طَیِّبْهُمَا وَ اصْرِفْ عَنِّی الْوَبَاءَ ثُمَّ یُسَرِّحُ مُؤَخَّرَ رَأْسِهِ ثُمَّ یَقُولُ اللَّهُمَّ لَا تَرُدَّنِی عَلَی عَقِبِی وَ اصْرِفْ عَنِّی کَیْدَ الشَّیْطَانِ وَ لَا تُمَکِّنْهُ مِنْ قِیَادِی فَیَرُدَّنِی عَلَی عَقِبِی ثُمَّ یُسَرِّحُ عَلَی حَاجِبَیْهِ وَ یَقُولُ اللَّهُمَّ زَیِّنِّی بِزِینَهِ الْهُدَی ثُمَّ یُسَرِّحُ الشَّعْرَ مِنْ فَوْقُ ثُمَّ یَمُرُّ الْمُشْطَ عَلَی صَدْرِهِ وَ یَقُولُ فِی الْحَالَیْنِ مَعاً اللَّهُمَّ سَرِّحْ عَنِّی الْغُمُومَ وَ الْهُمُومَ وَ وَحْشَهَ الصُّدُورِ وَ وَسْوَسَهَ الشَّیْطَانِ ثُمَّ یَشْتَغِلُ بِتَسْرِیحِ الشَّعْرِ وَ یَبْتَدِئُ بِهِ مِنْ أَسْفَلَ وَ یَقْرَأُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ(۲).

۱- ۱. أی اختتن، و العباس أخو الرضا علیه السلام راجع عیون الأخبار ج ۲ ص ۱۹. المحاسن ۵۸۳، الکافی ج ۶ ص ۲۶۷.
۲- ۲. مکارم الأخلاق: ۷۸- ۷۹.

جم، [جمال الأسبوع] مُرْسَلًا: مِثْلَهُ وَ زَادَ فِي آخِرِهِ وَ رُوِيَ يَقْرَأَ وَ الْعَادِيَاتِ أَيْضاً(۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: در حمام شانه نزن که مو را سست کند.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: شانه زدن فقر را ببَرد و درد را نابود کند.

و از ایشان نقل است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شانه وبا را ببَرد وروغن سختی را.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: کشیدن شانه به سینه اندوه را ببَرد.

و ابن سلیمان گفت: از امام باقر علیه السّلام درباره عاج پرسیدم. فرمود: باکی ندارد و من هم از آن یک شانه دارم.

و قاسم بن ولید گفت: از امام صادق علیه السّلام از استخوان فیل پرسیدم که جا روغنی یا شانه باشد. فرمود: باکی ندارد.

و از آن حضرت نقل است که بد می داشت روغن و عطر در روغن دان نقره یا نقره کوب باشد یا شانه چنان باشد.

و محمد بن عیسی گفت: از امام باقر علیه السّلام درباره ظرف طلا و نقره پرسیدم و آنها را بد شمرد. گفتم: یکی از یاران ما روایت کرده که ابی الحسن آینه ای داشت نقره پوش؟ فرمود: نه، به حمد الله همانا یک حلقه نقره داشت. و فرمود: چون عباس (برادر امام رضا علیه السّلام) ختنه شد، - . «عذر» یعنی ختنه شد. عباس برادر امام رضا است، به عیون اخبارالرضا ۲: ۱۹ رجوع شود. - یک ساز نقره پوش برایش ساختند که نقره اش به اندازه ده درهم بود و آن حضرت فرمان داد آن را شکستند. - . محاسن ۵۸۳ ، کافی ۶ : ۲۶۷ -

و از آن حضرت است که باکی ندارد کسی در کاسه نقره کوب بنوشد و دهان را از آنجا که نقره است، بر کنار دارد.

و از امام صادق علیه السّلام در کتاب نجات آمده که چون کسی خواهد شانه زند، آن را به دست راست گیرد و نشسته باشد و آن را بر فرق سر نهد و بگوید: خدایا! مو و پوستم را زیبا کن و پاک کن و وبا را از من بگردان. آنگاه پس سر را شانه کند و گوید: خدایا! مرا به عقب مبر و نیرنگ شیطان را از من بگردان و او را توان مده که مرا به عقب ببرد. سپس شانه را بالای ابروان کشد و گوید: خدایا! مرا به هدایت زیور کن. سپس مو را از بالا شانه زند و شانه به سینه کشد و در هر دو حال گوید: خدایا! از من غم و اندوه و هراس دل و وسوسه شیطان را بزدا. آنگاه به شانه زدن مو پردازد و از پایین آغازکند و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» - . مکارم الاخلاق: ۷۸- ۷۹ - {ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم} بخواند.

جمال الأسبوع این روایت را بدون سند آورده و به آخرش افزوده «وَ الْعَادِيَاتِ را هم بخواند.» - . امان الاخطار: ۲۳ -

**[ترجمه]

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنْ يَحْيَى بْنِ حَمَّادٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ يَحْيَى قَالَ: تَلَبَّسَ الرِّضَا عليه السلام يَوْماً لِلرُّكُوبِ إِلَى بَابِ الْمَأْمُونِ وَ كُنْتُ فِي حَرَسِهِ فَدَعَا بِالْمُشْطِ وَ جَعَلَ يَمْشُطُ ثُمَّ قَالَ يَا سُلَيْمَانُ أَخْبَرَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قَالَ مَنْ أَمَرَّ الْمُشْطَ عَلَى رَأْسِهِ وَ لِحْيَتِهِ وَ صَدْرِهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ لَمْ يُقَارِبْهُ دَاءٌ أَبَداً.

مِنْ طِبِّ الْأَئِمَّهِ رُوِيَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَسْكَرِيِّ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: التَّسْرِيحُ بِمُشْطِ الْعَاجِ يُنْبِتُ الشَّعْرَ فِي الرَّأْسِ وَ يَطْرُدُ الدُّودَ مِنَ الدِّمَاغِ وَ يُطْفِئُ الْمِرَارَ وَ يُنَقِّي اللِّثَهَ وَ الْعُمُورَ(۲).

عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عليه السلام قَالَ: لَا تَمْتَشِطْ مِنْ قِيَامٍ فَإِنَّهُ يُورِثُ الضَّعْفَ فِي الْقَلْبِ وَ امْتَشِطْ وَ أَنْتَ جَالِسٌ فَإِنَّهُ يُقَوِّي الْقَلْبَ وَ يَمْخَجُ الْجِلْدَهَ(۳).

عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: تَسْرِيحُ الرَّأْسِ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ وَ تَسْرِيحُ الْحَاجِبَيْنِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ وَ تَسْرِيحُ الْعَارِضَيْنِ يَشُدُّ الْأَضْرَاسَ وَ سُئِلَ عَنْ حَلْقِ الرَّأْسِ قَالَ حَسَنٌ.

وَ رُوِيَ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا سَرَّحْتَ لِحْيَتَكَ فَاضْرِبْ بِالْمُشْطِ مِنْ تَحْتُ إِلَى فَوْقُ أَرْبَعِينَ مَرَّهً وَ اقْرَأْ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَهِ الْقَدْرِ وَ مِنْ فَوْقُ إِلَى تَحْتُ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ اقْرَأْ وَ الْعَادِيَاتِ ضَبْحاً ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْهُمُومَ وَ الْغُمُومَ وَ وَحْشَهَ الصُّدُورِ وَ وَسْوَسَهَ الشَّيْطَانِ (۴).

وَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله: أَنَّهُ نَهَى عَنِ التَّرْجِيلِ مَرَّتَيْنِ فِي يَوْمٍ.

وَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله: أَنَّهُ كَانَ يُرَجِّلُ شَعْرَهُ وَ أَكْثَرُ مَا كَانَ يُرَجِّلُهُ بِالْمَاءِ(۵).

۱- ۱. و تراه فی أمان الاخطار: ۲۳.

۲- ۲. المرار جمع المره- بالكسر- و هی الصفراء غیر الطبیعیه، و العمور جمع العمر- بالضم- و المراد لحم ما بین الأسنان، و قیل لحم اللثه.

۳- ۳. یقال: تمخج الماء: حركه و تمخج الدلو: خضخضها، و قیل: جذب بها و نهزها حتّی تمتلئ، و لعلّ المراد تحریكها و تدلیكها و جذب الدم الی سطحها لتجهز للانبات.

۴- ۴. مكارم الأخلاق ص ۷۸- ۸۱.

۵- ۵. مكارم الأخلاق ص ۷۶.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: سلیمان بن یحیی گفت: روزی امام رضا علیه السّلام جامه پوشید تا نزد مامون رود و من هم در پاسبانانش بودم و شانه خواست؛ شانه زد و به من فرمود: از پدرانم تا رسول خدا صلی الله علیه و آله به من خبر داده اند که فرمود: هر که شانه را تا هفت بار بر سر و ریش و سینه خود مرور دهد، دردی بدو نزدیک نشود.

طب الائمه از امام عسکری علیه السّلام روایت می کند که فرمود: شانه زدن با شانه عاج، موی سر را بپروراند، کرم مغز را بمیراند، صفراء را فرو نشاند و لثه و گوشت زائدش را پاک کند. - . المرار جمع المره با کسره، یعنی صفرای غیر طبیعی، و العمور جمع العمر با ضمه، یعنی گوشتی که بین دندان ها است و گفته شده گوشت لثه است. -

و امام کاظم علیه السّلام فرمود: ایستاده شانه مزن که دل را سست کند و نشسته شانه کن که دل را نیرو دهد و پوست را بجنباند. - . یعنی خون را بدان کشد تا آماده رویش مو گردد. -

و امام صادق علیه السّلام فرمود: شانه زدنِ سر، بلغم را قطع کند، و شانه زدن دو ابرو، امان است از خوره و شانه زدن ریشِ دو گونه، دندان ها را سخت کند. و از تراشیدن سر پرسش شد، فرمود: خوب است.

و روایت است که فرمود: چون ریش را شانه زنی، شانه را چهل بار از زیر به سمت بالا بکش و «إِنَّا أَنْزَلْناهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْر» را بخوان و آن را هفت بار از بالا به زیر بکش و «وَ الْعادِیاتِ ضَبْحاً» را بخوان. سپس بگو: خدایا! از من هر اندوه و غم و هراس دل و وسوسه شیطان را بزدا. - . مکارم الاخلاق: ۷۸- ۸۱ -

و از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل است که نهی کرد از دو بار تر کردن سر در یک روز.

و از آن حضرت صلی الله علیه و آله است که مویش را تر می کرد و بیشتر اوقات (تر کردن) با همان آب بود. - . مکارم الاخلاق: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۱۷»

طا(۱)،[الأمان] یه، [من لا یحضر الفقیه] رُوِیَ: أَنَّهُ یَقُولُ عِنْدَ تَسْرِیحِ لِحْیَتِهِ- اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَلْبِسْنِی جَمَالًا فِی خَلْقِکَ وَ زِینَهً فِی عِبَادِکَ وَ حَسِّنْ شَعْرِی وَ بَشَرِی وَ لَا تَبْتَلِنِّی بِالنِّفَاقِ وَ ارْزُقْنِی الْمَهَابَهَ بَیْنَ بَرِیَّتِکَ وَ الرَّحْمَهَ مِنْ عِبَادِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ (۲).

**[ترجمه]امان الاخطار: - . امان الاخطار: ۲۳ - من لا یحضر الفقیه: روایت است که هنگام شانه زدن ریش خود می گفت: اللهم صل علی محمد و آل محمد. زیبایی در آفرینشت و زیور در بندگانت را به من بپوشان ، و نیکو کن مو و پوستم را و مرا به نفاق گرفتارم مکن ، و هیبت را در میان آفریدگانت و رحمت از بندگانت را به من روزی کن، یا ارحم الراحمین. - . آن را در فقیه نیافتیم. -

**[ترجمه]

«۱۸»

کِتَابُ الْإِمَامَهِ وَ التَّبْصِرَهِ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: الشَّعْرُ الْحَسَنُ مِنْ کِسْوَهِ اللَّهِ فَأَکْرِمُوهُ.

**[ترجمه]امامت و تبصره: امام صادق از پدرش، از پدرانش علیهم السّلام تا پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: موی خوب یک پوشاک خدایی است؛ آن را گرامی دارید .

**[ترجمه]

باب ۱۵ التمشط و آدابه و هو من الباب الأول

روایات

«۱»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِهِ تَعَالَی خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ قَالَ هُوَ الْمَشْطُ عِنْدَ کُلِّ صَلَاهٍ فَرِیضَهٍ وَ نَافِلَهٍ(۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: ابی بصیر گفت: از امام صادق علیه السّلام درباره این فرمایش خدای تعالی پرسیدم: «خذوا زینتکم عند کل مسجد.» {جامه خود را در هر نمازی برگیرید.} فرمود: شانه زدن در هر نماز واجب و مستحب است. - .[۱] تفسیر عیاشی۲: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۲»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ عَمَّارٍ النَّوْفَلِیِّ عَنْ أَبِیهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام یَقُولُ: الْمَشْطُ یَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ قَالَ وَ کَانَ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مُشْطٌ فِی الْمَسْجِدِ یَتَمَشَّطُ بِهِ إِذَا فَرَغَ مِنْ صَلَاتِهِ (۴).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: امام کاظم علیه السّلام می فرمود: شانه وبا را از بین می برد. فرمود: امام صادق علیه السّلام شانه ای در مسجد داشت که چون نمازش تمام می شد، با آن شانه می زد. - .[۲] تفسیر عیاشی۲: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۳»

مکا، [مکارم الأخلاق]: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يَتَمَشَّطُ وَ يُرَجِّلُ رَأْسَهُ بِالْمِدْرَى وَ تُرَجِّلُهُ نِسَاؤُهُ وَ تَتَفَقَّدُ نِسَاؤُهُ تَسْرِيحَهُ إِذَا سَرَّحَ رَأْسَهُ وَ لِحْيَتَهُ فَيَأْخُذْنَ الْمُشَاطَهَ فَيُقَالُ إِنَّ الشَّعْرَ الَّذِی فِی أَيْدِی النَّاسِ مِنْ تِلْكَ الْمُشَاطَاتِ فَأَمَّا مَا حَلَقَ فِی حَجَّتِهِ وَ عُمْرَتِهِ فَإِنَّ جَبْرَئِيلَ كَانَ يَنْزِلُ فَيَأْخُذُهُ فَيَعْرُجُ بِهِ إِلَى السَّمَاءِ وَ لَرُبَّمَا سَرَّحَ لِحْيَتَهُ فِی الْيَوْمِ مَرَّتَيْنِ وَ كَانَ صلى الله عليه و آله يَضَعُ الْمُشْطَ تَحْتَ وِسَادَتِهِ إِذَا امْتَشَطَ بِهِ وَ يَقُولُ إِنَّ الْمَشْطَ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ وَ كَانَ صلى الله عليه و آله يُسَرِّحُ تَحْتَ لِحْيَتِهِ أَرْبَعِينَ مَرَّةً وَ مِنْ فَوْقِهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ

ص: ۱۱۶

۱- ۱. أمان الاخطار ص ۲۳.

۲- ۲. لم نجده فی مظانه من الفقیه.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۱۳.

۴- ۴. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۱۳.

وَ یَقُولُ إِنَّهُ یَزِیدُ فِی الذِّهْنِ وَ یَقْطَعُ الْبَلْغَمَ.

وَ فِی رِوَایَهٍ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَمَرَّ الْمُشْطَ عَلَی رَأْسِهِ وَ لِحْیَتِهِ وَ صَدْرِهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ لَمْ یُقَارِبْهُ دَاءٌ أَبَداً(۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: شیوه پیغمبر صلی الله علیه و آله این بود که شانه می زد و با مدری (قطعه چوبی که پنجه دارد، چیزی شبیه چنگال) سرش را مرتب می کرد، و زنانش موی او را شانه می کردند و زنان او هنگام شانه کردن سر و ریشش، او را می پاییدند و اگر مویی که ریزش می کرد، آن را برمی داشتند. و گفته شده مویی که در دست مردم است، از همان است. و اما موی سرش را که در حج و عمره تراشید. جبرئیل آمد و آن را برگرفت و به آسمان برد. و بسا در روز دو بار ریشش را شانه می زد و شانه را زیر جانمازش می نهاد و می فرمود: همانا شانه وبا را می برد. و شانه را از زیر ریش چهل بار می کشید و از روی آن هفت بار، و می فرمود: این کار قوه ذهن را می افزاید و بلغم را می برد .

و در روایت دیگر است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که شانه را هفت بار بر سر و ریش و سینه اش بکشد، هرگز دردی به او نرسد. - . مکارم الاخلاق: ۳۴- ۳۵ -

**[ترجمه]

«۴»

مکا، [مکارم الأخلاق] قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ قَالَ تَمَشَّطُوا فَإِنَّ الْمَشْطَ یَجْلِبُ الرِّزْقَ وَ یُحَسِّنُ الشَّعْرَ وَ یُنْجِزُ الْحَاجَهَ وَ یَزِیدُ فِی الصُّلْبِ وَ یَقْطَعُ الْبَلْغَمَ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مَشْطُ الرَّأْسِ یَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ وَ مَشْطُ اللِّحْیَهِ یَشُدُّ الْأَضْرَاسَ.

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام: إِذَا سَرَّحْتَ لِحْیَتَکَ وَ رَأْسَکَ فَأَمِرَّ الْمُشْطَ عَلَی صَدْرِکَ فَإِنَّهُ یَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَ الْوَبَاءِ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مَنْ سَرَّحَ لِحْیَتَهُ سَبْعِینَ مَرَّهً وَ عَدَّهَا مَرَّهً مَرَّهً لَمْ یَقْرَبْهُ الشَّیْطَانُ أَرْبَعِینَ یَوْماً.

مِنْ رَوْضَهِ الْوَاعِظِینَ: وَ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یُسَرِّحُ تَحْتَ لِحْیَتِهِ أَرْبَعِینَ مَرَّهً وَ مِنْ فَوْقِهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ یَقُولُ إِنَّهُ یَزِیدُ فِی الذِّهْنِ وَ یَقْطَعُ الْبَلْغَمَ.

وَ فِی رِوَایَهٍ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: مَنْ أَمَرَّ الْمُشْطَ عَلَی رَأْسِهِ وَ لِحْیَتِهِ وَ صَدْرِهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ لَمْ یُقَارِبْهُ الدَّاءُ أَبَداً.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: مَنِ امْتَشَطَ قَائِماً رَکِبَتْهُ الدَّیْنُ.

عَنِ الْکَاظِمِ علیه السلام قَالَ: تَمَشَّطُوا بِالْعَاجِ فَإِنَّهُ یَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: الْمَشْطُ یَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ وَ هُوَ الْحُمَّی- وَ قَالَ لَا بَأْسَ بِأَمْشَاطِ الْعَاجِ وَ الْمَکَاحِلِ وَ الْمَدَاهِنِ مِنْهُ (۲).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: امام صادق عليه السّلام در تفسير قول خدا عزوجل: «خذوا زينتكم عند كل مسجد.» {جامه خود را در هر نمازى برگيريد.} فرمود: شانه زنيد كه شانه روزى را مى افزايد، مو را زيبا مى كند، حاجت را روا مى كند، صلب مردان را مى افزايد و بلغم را مى بَرَد.

و امام صادق عليه السّلام فرمود: شانه كردن سر، وبا را مى برد، و شانه كردن ريش، دندان ها را محكم مى كند.

و امام كاظم عليه السّلام فرمود: چون ريش و سرت را شانه زدى، شانه را به سينه بكش كه اندوه و وبا را مى برد.

و امام صادق عليه السّلام فرمود: هر كه ريشش را هفتاد بار شانه زند و هر بار بشمارد، تا چهل روز شيطان به او نزديك نشود.

و روضه الواعظين: پيغمبر صلى الله عليه و آله فرمود: هر كه شانه را هفت بار بر سر و ريش و سينه اش بكشد، هرگز دردى به او نرسد.

و فرمود: هر كه ايستاده شانه زند، به قرض دچار شود.

و از امام كاظم عليه السّلام روايت است كه فرمود: با عاج شانه زنيد، زيرا وبا را مى برد.

و امام صادق عليه السّلام فرمود: شانه وبا را مى برد و آن تب است. و فرمود: شانه با عاج و سرمه دان و روغن دان با آن اشكالى ندارد. - . مكارم الاخلاق: ۷۷- ۷۸ -

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال] عَنْ سَعِيدِ بْنِ عِلَاقَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: التَّمَشُّطُ مِنْ قِيَامٍ يُورِثُ الْفَقْرَ(۳).

**[ترجمه]خصال: امير مؤمنان عليه السّلام فرمود: ايستاده شانه زدن فقر مى آورد. - .[۳] خصال۲: ۹۳ -

**[ترجمه]

«۶»

ل، [الخصال] عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَنْصُورِ بْنِ أَحْمَدَ الْقَصَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ

١- ١. مكارم الأخلاق ص ٣۴- ٣۵.
٢- ٢. مكارم الأخلاق ص ٧٧- ٧٨.
٣- ٣. الخصال ج ٢ ص ٩٣.

ثَعْلَبَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ خُذُوا زِینَتَکُمْ عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ قَالَ الْمَشْطُ یَجْلِبُ الرِّزْقَ وَ یُحَسِّنُ الشَّعْرَ وَ یُنْجِزُ الْحَاجَهَ وَ یَزِیدُ فِی مَاءِ الصُّلْبِ وَ یَقْطَعُ الْبَلْغَمَ وَ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یُسَرِّحُ تَحْتَ لِحْیَتِهِ أَرْبَعِینَ مَرَّهً وَ مِنْ فَوْقِهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ یَقُولُ إِنَّهُ یَزِیدُ فِی الذِّهْنِ وَ یَقْطَعُ الْبَلْغَمَ (۱).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام در تفسیر قول خدا عزوجل: «خذوا زینتکم عند کل مسجد.» {جامه خود را در هر نمازی بر گیرید.} فرمود: شانه زنید که شانه روزی را می افزاید، مو را زیبا می کند، حاجت را روا می کند، صلب مردان را می افزاید و بلغم را می بَرَد. شیوه رسول خدا بود این بود که ریش خود را از زیر، چهل بار شانه می زد و از بالا هفت بار و می فرمود: هوش را می افزاید و بلغم را می بَرد. -. خصال۱: ۱۲۹ -

**[ترجمه]

«۷»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ نَصْرِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ عَنْبَسَهَ بْنِ سَعِیدٍ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: تَسْرِیحُ الرَّأْسِ یَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ وَ یَجْلِبُ الرِّزْقَ وَ یَزِیدُ فِی الْجِمَاعِ (۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شانه زدنِ سر، وبا را می برد، روزی را می آورد و جماع را می افزاید. -. ثواب الاعمال: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۸»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ إِدْرِیسَ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ سَهْلٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الْهَمْدَانِیِّ عَنْ حَسَنِ بْنِ عَطِیَّهَ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ جَابِرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ سَرَّحَ لِحْیَتَهُ سَبْعِینَ مَرَّهً وَ عَدَّهَا مَرَّهً مَرَّهً لَمْ یَقْرَبْهُ الشَّیْطَانُ أَرْبَعِینَ صَبَاحاً(۳).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که هفتاد بار ریشش را شانه زند و هر بار بشمارد، تا چهل صباح شیطان به او نزدیک نگردد. -. ثواب الاعمال: ۲۲ -

**[ترجمه]

«۹»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ تَمِیمِ بْنِ أَحْمَدَ الصَّیْرَفِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الْبَرْقِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ فَرْقَدٍ وَ الْمُعَلَّی بْنِ خُنَیْسٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: تَسْرِیحُ الْعَارِضَیْنِ یَشُدُّ الْأَضْرَاسَ وَ تَسْرِیحُ اللِّحْیَهِ یَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ وَ تَسْرِیحُ

الذَّوَابَتَيْنِ يَذْهَبُ بِبَلَابِلِ الصَّدْرِ وَ تَسْرِيحُ الرَّأْسِ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ (۴).

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السّلام فرمود: شانه زدن گونه ها، دندان ها را سخت می کند؛ شانه زدن ریش، وبا را می برد؛ شانه زدن گیسوها، وسوسه های دل را می برد؛ و شانه زدنِ سر، بلغم را می برد. - . طب الائمه: ۳۷ -

**[ترجمه]

«۱۰»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: كَثْرَةُ التَّمَشُّطِ تَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ تَسْرِيحُ الرَّأْسِ يَقْطَعُ الرُّطُوبَةَ وَ يَذْهَبُ بِأَصْلِهِ (۵).

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السّلام فرمود: شانه زدن زیاد، بلغم را بِبرد و شانه بر سر زدن، رطوبت را بِبَرد و ریشه کن کُنَد. - .[۵] طب الائمه: ۳۷ -

**[ترجمه]

«۱۱»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَمْشُطَ لِحْيَتَكَ فَخُذِ الْمُشْطَ بِيَدِكَ الْيُمْنَى وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ ضَعِ الْمُشْطَ عَلَى أُمِّ رَأْسِكَ ثُمَّ تُسَرِّحُ مُقَدَّمَ رَأْسِكَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ أَحْسِنْ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ طَيِّبْ عَيْشِي وَ افْرُقْ عَنِّي السُّوءَ ثُمَّ تُسَرِّحُ مُؤَخَّرَ رَأْسِكَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ لَا تَرُدَّنِي عَلَى عَقِبِي وَ اصْرِفْ عَنِّي كَيْدَ الشَّيْطَانِ وَ لَا تُمَكِّنْهُ مِنِّي ثُمَ

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۱۲۹.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۲۲.

۳- ۳. ثواب الأعمال ص ۲۲.

۴- ۴. طبّ الأئمّه ص ۳۷.

۵- ۵. طبّ الأئمّه ص ۳۷.

سَرِّحْ عَلَى حَاجِبَيْكَ وَ قُلِ اللَّهُمَّ زَيِّنِّي بِزِينَةِ أَهْلِ التَّقْوَى ثُمَّ تُسَرِّحُ لِحْيَتَكَ مِنْ فَوْقُ وَ قُلِ اللَّهُمَّ اسْرَحْ عَنِّي الْغُمُومَ وَ الْهُمُومَ وَ وَسْوَسَةَ الصُّدُورِ ثُمَّ أَمِرَّ الْمُشْطَ عَلَى صُدْغَيْكَ ثُمَّ امْسَحْ وَجْهَكَ بِمَاءِ وَرْدٍ- فَأَبِي رَوَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْهَبَ فِي حَاجَةٍ لَهُ وَ مَسَحَ وَجْهَهُ بِمَاءِ وَرْدٍ لَمْ يُرْهَقْ وَ يُقْضَى حَاجَتُهُ وَ لَا يُصِيبُهُ قَتَرٌ وَ لَا ذِلَّةٌ.

**[ترجمه]فقه الرضا: چون خواهی ریشت را شانه زنی، شانه را به دست راست بگیر و بگو: «بسم الله» و آن را بر فرق سرت بنه و جلوی سر را شانه بزن و بگو: «خدایا! موی و پوستم را زیبا کن و زندگی ام را خوب کن و بدی را از من دور کن.» سپس سر را شانه بزن و بگو: «خدایا! مرا به عقب برمگردان و نیرنگ شیطان را از من دور گردان و او را بر من توانایی مده.» سپس دو ابرویت را شانه بزن و بگو: «خدایا! مرا به زینت اهل تقوا مزین ساز.» سپس ریش هایت را شانه بزن و بگو: «خدایا! از من غم و اندوه و وسوسه دل ها را بزدا» و شانه را بکش به زیر دو گوشت. سپس گلاب به رویت بزن که پدرم از امام صادق علیه السّلام روایت کرد که هر کس خواهد به دنبال حاجتی رود و گلاب به رویش زند، هلاک نشود و حاجتش برآورده شود و تنگی و خواری به او نرسد .

**[ترجمه]

باب ۱۶ قص الأظفار

أقول

قد مضى بعض الأخبار في باب اللحيه و الشارب و باب السنن الحنيفيه و سيجي ء في باب الطيب أيضا.

**[ترجمه]برخی اخبار در «باب ریش و سبیل» و در «باب سنن حنیفیه» گذشت و در «باب طیب» خواهد آمد.

**[ترجمه]

روايات

«۱»

ب، [قرب الإسناد] عَنِ الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ: احْتَبَسَ الْوَحْيُ عَلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ فَقِيلَ احْتَبَسَ عَنْكَ الْوَحْيُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ كَيْفَ لَا يَحْتَبِسُ عَنِّي الْوَحْيُ وَ أَنْتُمْ لَا تُقَلِّمُونَ أَظْفَارَكُمْ وَ لَا تَنْقُونَ رَوَائِحَكُمْ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام باقر علیه السّلام فرمود: وحی بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بند آمد و به او گفته شد: یا رسول الله! وحی به توقطع شد. فرمود: چگونه قطع نشود با این که شما ناخن هایتان را نمی گیرید و بوهای خود را برنمی اندازید؟ - .[۱] قرب الاسناد: ۱۳ -

**[ترجمه]

«۲»

ثو، [ثواب الأعمال] ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَةِ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ وَ يُدِرُّ الرِّزْقَ وَ يُورِدُهُ (۲).

ص: ۱۱۹

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۱۳ فی ط و ص ۱۸ فی ط و الحدیث مرویه بهذا السند فی الکافی ج ۶ ص ۴۹۲، و فیه:« و لا- تنقون رواجبکم» و هو الصحیح و الرواجب جمع راجبه و رجبه کظلمه و هی مفاصل أصول الأصابع أو بواطن مفاصلها أو هی قصب الأصابع، أو مفاصلها أو ظهور السلامیات- و هی جمع سلامی عظام صغار طول إصبع أو أقل فی الید و الرجل- أو ما بین البراجم من السلامیات أو المفاصل التی تلی الانامل، قاله الفیروزآبادی و قال فی النهایه: فیه:« ألا تنقون رواجبکم» هی ما بین عقد الأصابع.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۲۲، الخصال ج ۲ ص ۱۵۶ الی قوله یدر الرزق، و هکذا فی الکافی ج ۶ ص ۴۹۰.

**[ترجمه]خصال: از اربعمائه: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: گرفتن ناخن ها جلوی درد بزرگ تر را بگیرد و روزی را بگشاید و بیاورد. - .[۲] ثواب الاعمال: ۲۲، خصال۲ :۱۵۶ تا عبارت «یدر الرزق» و کافی۶ : ۴۹۰ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ أَبِی مُحَمَّدٍ الرَّازِيِّ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ أَنَامِلِهِ الدَّاءَ وَ أَدْخَلَ فِيهَا الدَّوَاءَ وَ رُوِیَ أَنَّهُ لَا يُصِيبُهُ جُنُونٌ وَ لَا جُذَامٌ وَ لَا بَرَصٌ (۱).

**[ترجمه]خصال: امام صادق از پدرش علیهما السّلام نقل فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که روز جمعه ناخن هایش را بگیرد، خدا از بندهای انگشتش درد را به در آورد و درمان در آنها فرو برد. و روایت است که به او دیوانگی و خوره و پیسی نرسد. - . خصال ۲: ۳۰ -

**[ترجمه]

أَقُولُ

قَدْ مَضَى فِی بَابِ الطِّيبِ عَنِ الرِّضَا علیه السلام: قَلِّمُوا أَظْفَارَكُمْ يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ.

**[ترجمه]در «باب طیب» از امام رضا علیه السّلام گذشت که ناخن هایتان را روز سه شنبه بگیرید .

**[ترجمه]

«۴»

لی، [الأمالی] للصدوق فِی خَبَرِ مَنَاهِی النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّهُ نَهَى عَنْ تَقْلِيمِ الْأَظَافِيرِ بِالْأَسْنَانِ (۲).

**[ترجمه]امالی صدوق: در خبر مناهی نبی است که آن حضرت صلی الله علیه وآله، گرفتن ناخن ها با دندان ها را نهی کرده است. - . امالی صدوق: ۲۵۳ -

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال]: فِيمَا أَوْصَى بِهِ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله إِلَى عَلِيٍّ علیه السلام يَا عَلِيُّ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْوَسْوَاسِ أَكْلُ الطِّينِ وَ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ

بِالْأَسْنَانِ وَ أَكْلُ اللِّحْيَهِ(۳).

**[ترجمه]خصال: در وصیت پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام است که فرمود: یا علی! سه چیزاز وسواس است: خوردن گِل، گرفتن ناخن ها به دندان ها و جویدن ریش. - . خصال ۱: ۶۲ -

**[ترجمه]

«۶»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الدَّهَّانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام قَالَ: أَرْبَعَهٌ مِنَ الْوَسْوَاسِ أَكْلُ الطِّينِ وَ فَتُّ الطِّينِ وَ تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ بِالْأَسْنَانِ وَ أَكْلُ اللِّحْيَهِ(۴).

**[ترجمه]خصال: امام کاظم علیه السّلام فرمود: چهار چیز از وسواس است: خوردن گِل، پرز کردن گِل، گرفتن ناخن ها به دندان ها و جویدن ریش. - . خصال ۱: ۱۰۵ -

**[ترجمه]

«۷»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ الْجُمُعَهِ أَخْرَجَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَنَامِلِهِ الدَّاءَ وَ أَدْخَلَ فِيهَا الدَّوَاءَ(۵).

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: وَ مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ يَوْمَ السَّبْتِ أَوْ يَوْمِ الْخَمِيسِ وَ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ عُوفِيَ مِنْ وَجَعِ الْأَضْرَاسِ وَ وَجَعِ الْعَيْنِ (۶).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام نقل فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که روز جمعه ناخن هایش را بگیرد، خدا از بندهای انگشتش درد را به در آورد و درمان را در آنها فرو برد. - . ثواب الاعمال: ۲۲ -

و به همان سند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که روز شنبه و پنجشنبه ناخن گیرد و سبیلش را بزند، از درد دندان ها و درد چشم عافیت یابد. - . خصال ۲: ۳۲ -

**[ترجمه]

«۸»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْجَامُورَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُقْبَهَ عَنْ

زَكَرِيَّا عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى قَالَ:

ص: ۱۲۰

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۳۰.

۲- ۲. أمالی الصدوق ص ۲۵۳.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۶۲.

۴- ۴. الخصال ج ۱ ص ۱۰۵.

۵- ۵. ثواب الأعمال ص ۲۲، و فی المطبوعه رمز الخصال.

۶- ۶. المصدر نفسه، و تراه فی الخصال ج ۲ ص ۳۲ عن ابن الولید، عن ابن إدریس عن الأشعریّ، عن ابن حسان، عن أبی محمّد الرازیّ عن النوفلیّ مثله.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَنْ قَصَّ أَظَافِيرَهُ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ تَرَكَ وَاحِدَةً لِيَوْمِ الْجُمُعَهِ نَفَى اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ(۱).

ل، [الخصال] عن أبيه عن أحمد بن إدريس عن الأشعری: مثله (۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که ناخن هایش را روز پنجشنبه بگیرد و یکی را برای روز جمعه نهد، خداوند فقر را از او براندازد. - .[۶] ثواب الاعمال: ۲۲ -

خصال مانندش این روایت را آورد است. - .[۷] خصال ۲: ۲۹ -

**[ترجمه]

«۹»

قَالَ الصَّدُوقُ رَحِمَهُ اللَّهُ: قَالَ أَبِی رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ فِی وَصِیَّتِهِ إِلَیَّ قَلِّمْ أَظْفَارَكَ وَ خُذْ مِنْ شَارِبِكَ وَ ابْدَأْ بِخِنْصِرِكَ مِنْ يَدِكَ الْيُسْرَى وَ اخْتِمْ بِخِنْصِرِكَ مِنْ يَدِكَ الْيُمْنَى وَ قُلْ حِينَ تُرِيدُ قَلْمَهَا أَوْ جَزَّ شَارِبِكَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ قُلَامَهٍ وَ جُزَازَهٍ عِتْقَ نَسَمَهٍ وَ لَمْ يَمْرَضْ إِلَّا مَرَضَهُ الَّذِی يَمُوتُ فِيهِ (۳).

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، رُوِیَ عَنْهُمْ علیهم السلام: قَلِّمْ أَظْفَارَكَ إِلَى قَوْلِهِ يَمُوتُ فِيهِ.

**[ترجمه]صدوق (ره) نقل کرده که پدرش در وصیت به وی گفته که ناخن هایت را بگیر، سبیلت را بزن و ناخن گرفتن را از انگشت خرد دست چپ آغاز کن و به انگشت خُرد دست راست ختم کن و هنگام گرفتن ناخن و زدن سبیل بگو: «بسم الله و بالله و علی مله رسول الله» که هر کس چنین کند، خدا به هر تکه ناخن و هر برش مو ثواب آزاد کردن بنده ای را به او بدهد و به مرضی جز مرض موت بیمار نشود. - .[۱] ثواب الاعمال: ۲۳، کافی ۶ :۴۹۱ -

دعوات راوندی: از «ناخن هایت را بگیر» تا پایان را روایت کرده است.

**[ترجمه]

«۱۰»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی الْحَسَنِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَنْ أَخَذَ أَظْفَارَهُ كُلَّ خَمِيسٍ لَمْ تَرْمَدْ عَيْنَاهُ وَ مَنْ أَخَذَهَا كُلَّ جُمُعَهٍ خَرَجَ مِنْ تَحْتِ كُلِّ ظُفُرٍ دَاءٌ.

وَ عَنْهُ علیه السلام: أَنَّهُ كَانَ يُقَلِّمُ أَظْفَارَهُ كُلَّ خَمِيسٍ يَبْدَأُ بِالْخِنْصِرِ الْأَيْمَنِ ثُمَّ يَبْدَأُ بِالْأَيْسَرِ وَ قَالَ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ كَمَنْ أَخَذَ أَمَاناً مِنَ الرَّمَدِ.

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس که هر پنجشنبه ناخن ها را بگیرد، چشم درد نگیرد و هر کس

که هر جمعه ناخن بگیرد، از زیر هر ناخن دردی بیرون شود.

و از آن حضرت است که ناخن هایش را هر پنجشنبه می گرفت و از انگشت خرد دست راست آغاز می کرد و سپس به دست چپ می پرداخت. و فرمود: هر که چنین کند، از چشم درد امان گرفته است.

**[ترجمه]

«۱۱»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الْبُرْسِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْأَرْمَنِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنِ ابْنِ ظَبْیَانَ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیهم السلام قَالَ: تَقْلِیمُ الْأَظْفَارِ یَوْمَ الْجُمُعَهِ قَبْلَ الصَّلَاهِ یَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ.

وَ عَنْهُ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: تَقْلِیمُ الْأَظْفَارِ یَوْمَ الْجُمُعَهِ یَمْنَعُ کُلَّ دَاءٍ وَ تَقْلِیمُهُ یَوْمَ الْخَمِیسِ یُدِرُّ الرِّزْقَ دَرّاً.

**[ترجمه]طب الائمه: امام باقر علیه السّلام از پدرش، از جدش، از امیر مؤمنان علیه السّلام روایت می کند که فرمود: گرفتن ناخن ها در روز جمعه، دفع هر دردی است و در روز پنجشنبه روزی را می افزاید.

**[ترجمه]

«۱۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] مِنْ کِتَابِ اللِّبَاسِ رَوَی سُلَیْمَانُ بْنُ خَالِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَقُصُّ مِنْ أَظْفَارِی کُلَّ جُمُعَهٍ فَقَالَ إِنْ طَالَتْ.

وَ عَنْ مُوسَی بْنِ

۱- ۱. ثواب الأعمال ص ۲۲.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۲۹، و فی المطبوعه رمز ثواب الأعمال.

۳- ۳. ثواب الأعمال ص ۲۳، تراه فی الکافی ج ۶ ص ۴۹۱.

بَكْرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ علیه السلام إِنَّ أَصْحَابَنَا یَقُولُونَ إِنَّمَا أَخْذُ الشَّارِبِ وَ الْأَظَافِیرِ یَوْمَ الْجُمُعَهِ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ خُذْهَا إِنْ شِئْتَ فِی یَوْمِ الْجُمُعَهِ وَ إِنْ شِئْتَ فِی سَائِرِ الْأَیَّامِ.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: تَقْلِیمُ الْأَظْفَارِ وَ الْأَخْذُ مِنَ الشَّارِبِ وَ غَسْلُ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِیِّ یَنْفِی الْفَقْرَ وَ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ یَوْمَ الْجُمُعَهِ أَخْرَجَ اللَّهُ مِنْ أَنَامِلِهِ دَاءً وَ أَدْخَلَ فِیهِ شِفَاءً.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: تَقْلِیمُ الْأَظْفَارِ وَ الْأَخْذُ مِنَ الشَّارِبِ مِنَ الْجُمُعَهِ إِلَی الْجُمُعَهِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ.

وَ عَنْهُ علیه السلام عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ یَوْمَ الْجُمُعَهِ لَمْ تَسْعَفْ أَنَامِلُهُ (۱).

عَنْهُ أَیْضاً قَالَ: خُذْ مِنْ أَظْفَارِکَ وَ مِنْ شَارِبِکَ کُلَّ جُمُعَهٍ فَإِذَا کَانَتْ قِصَاراً فَحُکَّهَا فَإِنَّهُ لَا یُصِیبُکَ جُذَامٌ وَ لَا بَرَصٌ.

مِنْ کِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْعَلَاءِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مَا ثَوَابُ مَنْ أَخَذَ شَارِبَهُ وَ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ فِی کُلِّ جُمُعَهٍ قَالَ لَا یَزَالُ مُطَهَّراً إِلَی الْجُمُعَهِ الْأُخْرَی.

عَنْ أَبِی کَهْمَسٍ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: قُلْتُ لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَلِّمْنِی شَیْئاً فِی طَلَبِ الرِّزْقِ قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ تَوَلَّ أَمْرِی وَ لَا تُوَلِّهِ غَیْرَکَ قَالَ فَأَعْلَمْتُ بِذَلِکَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ أَ لَا أُعَلِّمُکَ فِی الرِّزْقِ مَا هُوَ أَنْفَعُ لَکَ مِنْ ذَلِکَ قَالَ قُلْتُ بَلَی قَالَ خُذْ مِنْ شَارِبِکَ وَ أَظْفَارِکَ فِی کُلِّ جُمُعَهٍ.

عَنْ خَلَفٍ قَالَ: رَآنِی أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام وَ أَنَا أَشْتَکِی عَیْنِی فَقَالَ أَ لَا أَدُلُّکَ عَلَی شَیْ ءٍ إِذَا فَعَلْتَهُ لَمْ تَشْتَکِ عَیْنَکَ قُلْتُ بَلَی قَالَ خُذْ مِنْ أَظْفَارِکَ فِی کُلِّ خَمِیسٍ قَالَ فَفَعَلْتُ فَلَمْ أَشْتَکِ عَیْنِی.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ یَوْمَ السَّبْتِ وَ یَوْمَ الْخَمِیسِ وَ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ عُوفِیَ مِنْ وَجَعِ الْأَضْرَاسِ وَ وَجَعِ الْعَیْنَیْنِ.

ص: ۱۲۲

۱- ۱. یقال تسعفت أظفاره: تشققت و تشعثت.

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام: مَنْ أَخَذَ أَظْفَارَهُ وَ شَارِبَهُ کُلَّ جُمُعَهٍ وَ قَالَ حِینَ یَأْخُذُهُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَی سُنَّهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ لَمْ یَسْقُطْ مِنْهُ قُلَامَهٌ وَ لَا جُزَازَهٌ إِلَّا کَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا عِتْقَ رَقَبَهٍ وَ لَمْ یَمْرَضْ إِلَّا الْمَرْضَهَ الَّتِی یَمُوتُ فِیهَا.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: قَالَ لِلرِّجَالِ قُصُّوا أَظَافِیرَکُمْ وَ لِلنِّسَاءِ اتْرُکْنَ فَإِنَّهُ أَزْیَنُ لَکُنَّ.

وَ مِنْ طِبِّ الْأَئِمَّهِ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَلَّمَ أَظَافِیرَهُ یَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ فَبَدَأَ بِالْخِنْصِرِ الْأَیْمَنِ وَ خَتَمَ بِالْخِنْصِرِ الْأَیْسَرِ کَانَ لَهُ أَمَاناً مِنَ الرَّمَدِ.

وَ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام: أَنَّ مَنْ یُقَلِّمُ أَظْفَارَهُ یَوْمَ الْجُمُعَهِ یَبْدَأُ بِخِنْصِرِهِ مِنْ یَدِهِ الْیُسْرَی وَ یَخْتِمُ بِخِنْصِرِهِ مِنْ یَدِهِ الْیُمْنَی.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مَنْ قَصَّ أَظَافِیرَهُ یَوْمَ الْخَمِیسِ وَ تَرَکَ وَاحِداً لِیَوْمِ الْجُمُعَهِ نَفَی اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ.

وَ فِی رِوَایَهٍ فِی الْفِرْدَوْسِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَرَادَ أَنْ یَأْمَنَ الْفَقْرَ وَ شَکَاهَ الْعَیْنِ وَ الْبَرَصَ وَ الْجُنُونَ فَلْیُقَلِّمْ أَظْفَارَهُ یَوْمَ الْخَمِیسِ وَ لْیَبْدَأْ بِخِنْصِرِهِ مِنَ الْیَسَارِ.

مِنْ کِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: احْتَبَسَ الْوَحْیُ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقِیلَ احْتَبَسَ الْوَحْیُ عَنْکَ یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَ کَیْفَ لَا یَحْتَبِسُ عَنِّی وَ أَنْتُمْ لَا تُقَلِّمُونَ أَظْفَارَکُمْ وَ لَا تُنَقُّونَ رَائِحَتَکُمْ (۱).

وَ قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام: إِنَّمَا قُصَّتِ الْأَظْفَارُ لِأَنَّهَا مَقِیلُ الشَّیْطَانِ وَ مِنْهُ یَکُونُ النِّسْیَانُ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لِلرِّجَالِ قُصُّوا أَظَافِیرَکُمْ وَ لِلنِّسَاءِ اتْرُکْنَ مِنْ أَظَافِیرِکُنَّ فَإِنَّهُ أَزْیَنُ لَکُنَّ.

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: یَدْفِنُ الرَّجُلُ شَعْرَهُ وَ أَظَافِیرَهُ إِذَا أَخَذَ مِنْهَا وَ هِیَ سُنَّهٌ وَ فِی کِتَابِ الْمَحَاسِنِ وَ هِیَ سُنَّهٌ وَاجِبَهٌ.

وَ رُوِیَ: أَنَّ مِنَ السُّنَّهِ دَفْنَ الشَّعْرِ وَ الظُّفُرِ وَ الدَّمِ.

عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِ علیه السلام: وَ قَدْ سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ یَأْخُذُ شَعْرَهُ وَ أَظْفَارَهُ ثُمَّ یَقُومُ إِلَی الصَّلَاهِ مِنْ غَیْرِ أَنْ یَنْفُضَهُ مِنْ ثَوْبِهِ فَقَالَ لَا بَأْسٌ.

۱- ۱. قد مران الصحیح لا تنقون رواجبکم.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَصَّ أَظْفَارَهُ وَ قَصَّ شَارِبَهُ فِی یَوْمِ الْجُمُعَهِ ثُمَّ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ عَلَی سُنَّهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ أُعْطِیَ بِکُلِّ قُلَامَهٍ عِتْقَ رَقَبَهٍ مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِیلَ.

قَالَ کَانَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیهما السلام إِذَا حَلَقَ رَأْسَهُ بِمِنًی أَمَرَ أَنْ یُدْفَنَ شَعْرُهُ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: سلیمان بن خالد گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم ناخن هایم را هر جمعه بگیرم؟ فرمود: اگر دراز باشند.

و از موسی بن بکر نقل است که به امام کاظم علیه السّلام گفتم: یاران ما می گویند گرفتن سبیل و ناخن ها همان روز جمعه است؟ فرمود: سبحان الله! آنها را بگیر؛ اگر خواهی در جمعه و اگرخواهی در هر روز دیگر.

امام صادق علیه السّلام فرمود: ناخن گرفتن و سبیل زدن و شستن سَر با خطمی، فقر را می برد و روزی می آورد.

و امام صادق از پدرانش علیهم السّلام از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: هر که روز جمعه ناخن هایش رابگیرد، خدا درد را از انگشتانش می برد و در آنها شفا می آورد.

و از آن حضرت علیه السّلام است که فرمود: گرفتن ناخن ها و زدن سبیل از جمعه تا جمعه، امان از جزام باشد .

و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که روز جمعه ناخن هایش را بگیرد، انگشتانش ترکیده و ژولیده نشود.

و فرمود: هر جمعه بعضی از سبیلت و ناخن هایت را بگیر و اگر کوتاهند، آنها را بخراش که خوره و پیسی به تو نرسد.

و از کتاب محاسن است که حسن بن علا گوید: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: ثواب کسی که هر جمعه از سبیلش بگیرد و ناخن هایش را بچیند چه باشد؟ فرمود: پیوسته تا جمعه دیگر پاکیزه باشد.

روایت است از مردی که به عبدالله بن حسن گفت: چیزی برای جلب روزی به من بیاموز. گفت: بگو بار خدایا! تو کار مرا به عهده بگیر و کارم را به دیگری مگذار. این حرف را به امام صادق گزارش کردم. فرمود: سودمندتر از آن برای روزی به تو بیاموزم؟ گفتم: چرا. فرمود: در هر روز جمعه از سبیلت و ناخن هایت بگیر.

از خلف نقل است که گوید: امام کاظم علیه السّلام مرا دید که از چشمم شکایت داشتم. فرمود: تو را به چیزی رهنمایی بنمایم که چون عمل کنی از چشم شکایت نکنی؟ گفتم: چرا. پس راهنمایی آن حضرت را به کار بستم و دیگر از درد چشمم شکوه نکردم.

امام صادق علیه السّلام از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: هر که روز شنبه و روز پنجشنبه ناخن بگیرد و سبیل بزند، از درد دندان و درد چشم در عافیت بماند.

امام باقر علیه السّلام فرمود: هر که ناخن ها و سبیلش را هر جمعه بگیرد و در هنگام گرفتن بگوید: «بسم الله و بالله و علی سنه

محمـد و آل محمـد»، ریزه نـاخن و مویش نیفتـد جز آنکه خـدا بـدان ثواب آزاد کردن بنـده ای را بنویسـد، و بیمـار نشود جز مرضی که در اثر آن دنیا از دنیا برود.

امام صادق علیه السّلام به مردان فرمود: ناخن ها را بگیرید. و به زنان فرمود: آنها را وانهید که برای شما زیباتر است .

و از طب الائمه روایت است که آن حضرت که فرمود: هر که ناخن هایش را روز چهارشنبه بگیرد و از انگشت کوچک دست راست آغاز کند و به انگشت کوچک دست چپ پایان دهد، از چشم درد در امان باشد.

و امـام بـاقر علیه السّـلام فرمـود: هر که روز جمعه نـاخن هـا را بگیرد، از انگشت خرد دست چپ آغـاز کنـد و به انگشت خرد دست راست پایان دهد.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که ناخن هایش را روز پنجشنبه بگیرد و یکی را برای جمعه وانهد، خدا فقر را از او ببرد.

و در روایت فردوس است که رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: هر که خواهد از فقر و درد چشم و پیسـی و دیوانگی در امان باشد، باید که ناخن هایش را روز پنجشنبه بگیرد و گرفتن آنها را از انگشت خرد دست چپ آغاز کند.

کتاب محاسن: امام صادق علیه السّـلام فرمود: وحی از پیغمبر صـلی الله علیه و آله بنـد آمـد و گفته شـد وحی از تو بنـد آمد یا رسول الله! فرمود: چگونه وحی بند نیاید از من، در حالی که شما ناخن ها را نگیرید و بوی خود را پاکیزه نکنید؟

و امام باقر علیه السّـلام فرمود: همانا ناخن ها را باید گرفت، چون خوابگاه شـیطانند و فراموشـی آورند. و رسول خدا صـلی الله علیه و آله به مردان فرمود: ناخن های خود را بگیرید، و به زنان فرمود: آنها را وانهید که برای شما زیباتر است.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: چون کسی موی و ناخن خود را بگیرد، آن را زیر خاک نماید و آن سنت باشد.

و در کتاب محاسن است که: «سنت واجب است.»

و روایت است که خاک کردن مو و ناخن و خون از سنت باشد.

و از امـام هـادی علیه السّـلام پرسـیدند: مردی مو و نـاخن خود را بگیرد و آنها را از جامه خود نتکانـد و به نماز ایستد. فرمود: باکی ندارد.

و امام صادق علیه السّـلام فرمود: هر که در روز جمعه ناخن هایش را بگیرد و سبیلش را بزنـد، سـپس گویـد: «بسم الله و بالله و علی سنه محمد و آل محمد»، به ازای هر ریزه ناخن، ثواب آزاد کردن بنده ای از فرزندان اسماعیل به او داده شود .

و فرمـود: چـون امـام زین العابـدین در منی مـوی خود را می تراشـید، می فرمود آن را در منی زیر خـاک کنیـد. - .[1] مکارم الاخلاق: ۷۰- ۷۳ -

**[ترجمه]

«۱۳»

جع، [جامع الأخبار] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ یَوْمَ السَّبْتِ دُفِعَتْ عَنْهُ (۲)

الْآكِلَهُ فِی أَصَابِعِهِ وَ مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ یَوْمَ الْأَحَدِ ذَهَبَتِ الْبَرَكَهُ مِنْهُ وَ مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ یَوْمَ الْإِثْنَیْنِ یَصِیرُ حَافِظاً وَ كَاتِباً وَ قَارِئاً وَ مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ یَوْمَ الثَّلَاثَاءِ یُخَافُ الْهَلَاكُ عَلَیْهِ وَ مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ یَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ یَصِیرُ سَیِّئَ الْخُلُقِ وَ مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ یَوْمَ الْخَمِیسِ یَخْرُجُ مِنْهُ الدَّاءُ وَ یَدْخُلُ فِیهِ الشِّفَاءُ وَ مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ یَوْمَ الْجُمُعَهِ یَزِیدُ فِی عُمُرِهِ وَ مَالِهِ وَ مَنْ قَلَّمَ أَظْفَارَهُ یَبْدَأُ بِالْیُمْنَی بِالسَّبَّابَهِ ثُمَّ بِالْخِنْصِرِ ثُمَّ بِالْإِبْهَامِ ثُمَّ بِالْوُسْطَی ثُمَّ بِالْبِنْصِرِ وَ یَبْدَأُ فِی الْیُسْرَی بِالْبِنْصِرِ ثُمَّ بِالْوُسْطَی ثُمَّ بِالْإِبْهَامِ ثُمَّ بِالْخِنْصِرِ ثُمَّ بِالسَّبَّابَهِ.

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: تَقْلِیمُ الْأَظْفَارِ یَوْمَ الْجُمُعَهِ یُؤْمِنُ مِنَ الْجُذَامِ وَ الْجُنُونِ وَ الْبَرَصِ وَ الْعَمَی فَإِنْ لَمْ یَحْتَجْ یَحُكُّهَا حَكّاً وَ فِی خَبَرٍ آخَرَ فَإِنْ لَمْ یَحْتَجْ فَأَمَرَّ عَلَیْهِ السِّكِّینَ أَوِ الْمِقْرَاضَ.

وَ رُوِیَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: تَقْلِیمُ الْأَظْفَارِ وَ أَخْذُ الشَّارِبِ مِنَ الْجُمُعَهِ إِلَی الْجُمُعَهِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ.

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظَافِیرَهُ یَوْمَ الْجُمُعَهِ وَ أَخَذَ مِنْ شَارِبِهِ وَ اسْتَاكَ وَ أَفْرَغَ عَلَی رَأْسِهِ مِنَ الْمَاءِ حِینَ یَرُوحُ إِلَی الْجُمُعَهِ شَیَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ كُلُّهُمْ یَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَ یَشْفَعُونَ لَهُ.

**[ترجمه]جامع الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر كه روز شنبه ناخن هایش را بگیرد، گوشت خوره از انگشت هایش دور شود، - .[۲] جامع الاخبار: ۱۴۱ - و هر كه روز یكشنبه بگیرد، بركت از او برود، و هر كه روز دوشنبه بگیرد، حافظ و نویسنده و خواننده شود، و هر كه روز سه شنبه بگیرد، بیم هلاک دارد، و هر كه روز چهارشنبه بگیرد، بدخو شود، و هر كه روز پنجشنبه بگیرد، درد از او برود و درمان در او در آید، و هر كه روز جمعه بگیرد، عمر و مالش فزون شوند. و هر كه وقتی ناخن می گیرد، از انگشت سبابه دست راست آغاز كند و بعد انگشت خرد و آنگه ابهام و سپس وسطی و سپس انگشتی را كه بعد از آن است و در دست چپ از انگشت پیش از خرد آغاز كند، سپس میانه و پس ابهام و پس انگشت خرد و آنگه سبابه.

امام صادق علیه السّلام فرمود: ناخن گرفتن در روز جمعه امان است از خوره و دیوانگی و پیسی و كوری و اگر نیاز ندارد، آن را كمی سوهان زند. در خبر دیگر است كه «چاقو یا قیچی را بر آن بكشد.»

و در روایتی از امام صادق علیه السّلام نقل شده كه ناخن گرفتن و زدن سبیل از جمعه تا جمعه امان است از خوره.

و از انس بن مالک، از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت شده كه هر كس روز جمعه ناخن هایش را بگیرد، سبیلش را بزند و مسواک كند و چون به نماز جمعه می رود آب به سر خود بریزد، هفتاد هزار فرشته او را بدرقه كنند و برایش آمرزش خواهند و از او شفاعت كنند.

**[ترجمه]

«۱۴»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظَافِيرَهُ يَوْمَ الْجُمُعَهِ لَمْ تَشْعَثْ أَنَامِلُهُ.

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَنْ قَلَّمَ أَظَافِيرَهُ يَوْمَ الْجُمُعَهِ أَخْرَجَ

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۷۰- ۷۳ في المصدر: وقعت عليه.

۲- ۲. جامع الأخبار: ۱۴۱.

اللَّهُ تَعَالَى مِنْ أَنَامِلِهِ دَاءً وَ أَدْخَلَ فِيهِ شِفَاءً.

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: يَا مَعْشَرَ الرِّجَالِ قُصُّوا أَظَافِيرَكُمْ وَ قَالَ لِلنِّسَاءِ طَوِّلْنَ أَظَافِيرَكُنَّ فَإِنَّهُ أَزْيَنُ لَكُنَّ (۱).

**[ترجمه]نوادر راوندی: امام کاظم از پدرانش علیم السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: هر که روز جمعه ناخن هایش را بگیرد، انگشتانش ژولیده نشوند .

و به همان سند است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که روز جمعه ناخن هایش را بگیرد، خدای تعالی از انگشتانش درد را بِبَرد و در آنها شفا در آورد.

و به این سند از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: ای مردها! ناخن هایتان را بگیرید، و به زنان فرمود: ناخن هاتان را دراز کنید که برایتان زیباتر است. - .[۱] نوادر راوندی: ۲۳ - ۲۴ -

**[ترجمه]

«۱۵»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ الْعَمَى فَإِنْ لَمْ تَحْتَجْ فَحُكَّهَا حَكّاً.

**[ترجمه]دعوات راوندی: امام صادق علیه السّلام فرمود: ناخن گرفتن در روز جمعه امان است از خوره و پیسی و کوری و اگر نیاز نباشد، آنها را تا اندازه ای سوهان بزنند .

**[ترجمه]

باب ۱۷ دفن الشعر و الظفر و غيرهما من فضول الجسد

روايات

«۱»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله بِدَفْنِ أَرْبَعَةٍ الشَّعْرِ وَ السِّنِّ وَ الظُّفُرِ وَ الدَّمِ (۲).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما فرمان داد به خاک کردن چهار چیز: مو دندان، ناخن و خون. - . خصال ۱: ۱۲۰ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ بُنْدَارَ عَنْ مَسْعَدَهَ بْنِ أَسْمَعَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْهَرَوِيِّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَرَوِيِّ عَنْ مَالِكِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ دَاوُدَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَهَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَائِشَهَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ يَأْمُرُ بِدَفْنِ سَبْعَهِ أَشْيَاءَ مِنَ الْإِنْسَانِ الشَّعْرِ وَ الدَّمِ وَ الظُّفُرِ وَ الْحَيْضِ وَ الْمَشِيمَهِ وَ السِّنِّ وَ الْعَلَقَهِ(۳).

**[ترجمه]خصال: عایشه گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان می داد به خاک کردن هفت چیزی از آدمی: مو، خون، ناخن، اثر حیض، جفت نوزاد، دندان و علقه (که سقط شود.) -. خصال ۲: ۱ -

**[ترجمه]

«۳»

مع، [معانی الأخبار] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنِ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى الْمَقَابِرِ فَقَالَ يَا حَمَّادُ هَذِهِ كِفَاتُ الْأَمْوَاتِ وَ نَظَرَ إِلَى الْبُيُوتِ فَقَالَ هَذِهِ كِفَاتُ الْأَحْيَاءِ ثُمَّ تَلَا أَ لَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفاتاً- أَحْياءً وَ أَمْواتاً(۴) وَ رُوِیَ أَنَّهُ دَفْنُ الشَّعْرِ وَ الظُّفُرِ(۵).

ص: ۱۲۵

۱- ۱. نوادر الراوندیّ: ۲۳ و ۲۴.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۱۲۰.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۱.

۴- ۴. المرسلات: ۲۵ و ۲۶، و الكفات: الموضع يكفت فيه الشی ء و يجمع، و قال أبو عبيده: الكفات اسم جمع غير مشتق و هو كفت بمعنى الوعاء، فالكفات: بمعنى الاوعيه.

۵- ۵. معانی الأخبار ص ۳۴۲.

**[ترجمه]معانی الاخبار: نقل است که امام صادق علیه السّلام به قبرها نگاه کرد و به حماد فرمود: اینها در بر گیرنده مرده هایند. و به خانه ها نگاه کرد و فرمود: اینها در برگیرنده زنده هایند. سپس تلاوت کرد: «أ لم نجعل الأرض كفاتا- أحياء و أمواتا.» - .[۳] مرسلات/ ۲۵ - ۲۶ - {مگر زمین را محلّ اجتماع نگردانیدیم؟ چه برای مردگان چه زندگان.} و روایت است که مقصود از آن، خاک کردن مو و ناخن است. - . معانی الاخبار: ۳۴۲ -

**[ترجمه]

باب ۱۸ السواک و الحث علیه و فوائده و أنواعه و أحكامه

روايات

«۱»

لی، [الأمالی للصدوق] عَنْ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ عَمِّهِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: عَلَيْكُمْ بِالسِّوَاكِ فَإِنَّهَا مَطْهَرَةٌ وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ(۱).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام صادق علیه السّلام فرمود: بر شما باد به مسواک که پاک کننده و سنت خوبی است. - .[۱] امالی صدوق: ۲۱۶ -

**[ترجمه]

أقول

تمامه فی باب جوامع المكارم (۲).

**[ترجمه]کامل این روایت در «باب كليات مكارم» است. - .[۲] بحارالانوار ۶۹ : ۳۷ -

**[ترجمه]

«۲»

لی، [الأمالی للصدوق] فِي مَنَاهِي النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: مَا زَالَ جَبْرَئِيلُ يُوصِينِي بِالسِّوَاكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَجْعَلُهُ فَرِيضَةً(۳).

**[ترجمه]امالی صدوق: در مناهی پیغمبر صلی الله علیه و آله است که فرمود: جبرئیل پیوسته مرا سفارش کرد به مسواک کردن، تا جایی که گمان بردم آن را واجب خواهد کرد. - .[۳] امالی صدوق: ۲۵۷ -

**[ترجمه]

أقول

قد مضت الأخبار فی باب الحمام فی النهی عن السواک فی الحمام و أنه یورث وباء الأسنان.

**[ترجمه]اخباری در نهی از مسواک کردن در حمام و اینکه سبب ریزش دندان هاست، در «باب حمام» گذشت.

**[ترجمه]

«۳»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَوْ لَا أَنْ أَشُقَّ عَلَی أُمَّتِی لَأَمَرْتُهُمْ بِالسِّوَاکِ مَعَ کُلِّ صَلَاهٍ(۴).

سن، [المحاسن] جعفر بن محمد عن ابن القداح عن أبی عبد الله علیه السلام. مثله (۵).

**[ترجمه]علل الشرائع: امام باقر علیه السّلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمود: اگر سخت نبود بر امتم، فرمانشان می دادم به مسواک کردن با هر نمازی. - .[۴] علل الشرائع ۱: ۲۷۷ -

محاسن: مانند این روایت را از امام صادق علیه السّلام آورده است. - .[۵] محاسن: ۵۶۱ -

**[ترجمه]

«۴»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ أَبِی بَکْرِ بْنِ أَبِی سَمَّالٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِذَا قُمْتَ بِاللَّیْلِ فَاسْتَکْ فَإِنَّ الْمَلَکَ یَأْتِیکَ فَیَضَعُ فَاهُ عَلَی فِیکَ فَلَیْسَ مِنْ حَرْفٍ تَتْلُوهُ وَ تَنْطِقُ بِهِ إِلَّا صَعِدَ بِهِ إِلَی السَّمَاءِ فَلْیَکُنْ فُوکَ طَیِّبَ الرِّیحِ (۶).

ص: ۱۲۶

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۲۱۶.

۲- ۲. راجع ج ۶۹ ص ۳۷۰.

۳- ۳. أمالی الصدوق ص ۲۵۷.

۴- ۴. علل الشرائع ج ۱ ص ۲۷۷.

۵- ۵. المحاسن ص ۵۶۱.

۶- ۶. علل الشرائع ج ۱ ص ۲۷۷.

**[ترجمه]علل الشرائع: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون شب برخاستی، مسواک بزن که فرشته در برت آید و دهانش را به دهانت گزارد و حرفی نخوانی جز آنکه آن را به آسمان رساند و باید دهانت خوشبو باشد. - .[۶] علل الشرائع ۱: ۲۷۷ -

**[ترجمه]

«۵»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الرَّازِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَزِیدَ الرَّازِیِّ عَنْ أَبِی الْبَخْتَرِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَمَّا دَخَلَ النَّاسُ فِی الدِّینِ أَفْوَاجاً أَتَتْهُمُ الْأَزْدُ أَرَقُّهَا قُلُوباً وَ أَعْذَبُهَا أَفْوَاهاً قِیلَ یَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هَذِهِ أَرَقُّهَا قُلُوباً عَرَفْنَاهُ فَلِمَ صَارَتْ أَعْذَبَهَا أَفْوَاهاً قَالَ لِأَنَّهَا كَانَتْ تَسْتَاكُ قَالَ وَ قَالَ جَعْفَرٌ علیه السلام لِكُلِّ شَیْ ءٍ طَهُورٌ وَ طَهُورُ الْفَمِ السِّوَاكُ (۱).

**[ترجمه]علل الشرائع: امام صادق علیه السّلام فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون مردم فوج فوج به دین در آمدند، تیره «ازد» هم آمدند که دل نازک ترین آنان بودند و شیرین دهان ترین همه. گفته شد: یا رسول الله! نازک دلی آنها را دانسته ایم، اما چرا شیرین دهان ترند؟ فرمود: چون مسواک می کنند. گوید که امام صادق علیه السّلام فرمود: هر چیزی را پاک کننده ای است و پاک کننده دهن، مسواک است. - . علل الشرائع ۱: ۲۷۸ -

**[ترجمه]

«۶»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَخِیهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ یَسْتَاكُ بِیَدِهِ إِذَا قَامَ فِی الصَّلَاةِ صَلَاةِ اللَّیْلِ وَ هُوَ یَقْدِرُ عَلَی السِّوَاكِ قَالَ إِذَا خَافَ الصُّبْحَ فَلَا بَأْسَ (۲).

**[ترجمه]قرب الاسناد: علی بن جعفر از برادرش نقل می کند گفت: درباره کسی که برای نماز شب با دست مسواک کند و به مسواک دسترسی دارد از او (علیه السّلام) پرسیدم. فرمود: چون بیم دارد که صبح شود باکی ندارد. - .[۲] قرب الاسناد: ۱۲۵ -

**[ترجمه]

«۷»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنِ ابْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ عَنْ مُسْلِمٍ مَوْلًی لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّهُ تَرَكَ السِّوَاكَ قَبْلَ أَنْ یُقْبَضَ بِسَنَتَیْنِ وَ ذَلِكَ أَنَّ أَسْنَانَهُ ضَعُفَتْ (۳).

**[ترجمه]علل الشرائع: اسحاق بن مسلم، بنده امام صادق علیه السّلام گفت: آن حضرت دو سال پیش از مرگش مسواک را

رها کرد، چون دندان هاش سست شده بودند. - .[۳] علل الشرائع ۱: ۲۷۸ -

**[ترجمه]

«۸»

ل، [الخصال]: فِیمَا أَوْصَی بِهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِلَی عَلِیٍّ علیه السلام یَا عَلِیُّ ثَلَاثٌ یَزِدْنَ فِی الْحِفْظِ وَ یُذْهِبْنَ السُّقْمَ اللُّبَانُ وَ السِّوَاکُ وَ قِرَاءَهُ الْقُرْآنِ (۴).

**[ترجمه]خصال: در سفارش های پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام آمده که: ای علی! سه چیز به قوه حافظه بیفزایند و بیماری را ببرند: کُندُر، مسواک و خواندن قرآن. - .[۴] خصال ۱ : ۶۲ -

**[ترجمه]

«۹»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَخِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ طَلْحَهَ بْنِ زَیْدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: أَرْبَعٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِینَ الْعِطْرُ وَ النِّسَاءُ وَ السِّوَاکُ وَ الْحِنَّاءُ(۵).

**[ترجمه]خصال: پیغمبر صلی الله علیه و آله

فرمود: چهار چیز از سنت مرسلین باشند: عطر، زنان، مسواک، و حنا. - .[۵] خصال ۱: ۱۱۵ -

**[ترجمه]

«۱۰»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ الْبَزَنْطِیِّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ خُزَاعَهَ عَنْ أَسْلَمِیٍّ [سُلَیْمَانَ] عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَعَلَّمُوا الْعَرَبِیَّهَ فَإِنَّهَا کَلَامُ اللَّهِ الَّذِی یُکَلِّمُ بِهِ خَلْقَهُ وَ نَظِّفُوا الْمَاضِغَیْنِ وَ بَلِّغُوا بِالْخَوَاتِیمِ (۶).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: زبان عربی را بیاموزید که خدا با خلقش بدان سخن گفته، و آرواره های خود را پاکیزه کنید (یعنی با مسواک کردن) و برسانید به نهایت. (یعنی انگشتر را به آخر و نهایت انگشت جا دهید یا اینکه سوره قرآن را تا نهایت بخوانید تا پایان قصه و مطلب آن.) - .[۶] خصال ۱: ۱۲۴ -

**[ترجمه]

«۱۱»

أَقُولُ، قَدْ مَضَى فِي بَابِ جَوَامِعِ الْمَسَاوِي وَ غَيْرِهِ: أَنَّهُ قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ

١- ١. علل الشرائع ج ١ ص ٢٧٨.

٢- ٢. قرب الإسناد ص ١٢٥.

٣- ٣. علل الشرائع ج ١ ص ٢٧٨.

٤- ۴. الخصال ج ١ ص ۶٢ و اللبان: الكندر.

٥- ۵. الخصال ج ١ ص ١١۵.

۶- ۶. الخصال ج ١ ص ١٢۴، و بعده: قال محمّد بن علىّ بن الحسين مصنف. هذا الكتاب رضى اللّه عنه: قد روى هذا الحديث أبو سعيد الأدمى و قال فى آخره: « بلغوا بالخواتيم»: أى اجعلوا الخواتيم فى آخر الأصابع، و لا تجعلوها فى أطرافها، فانه يروى أنّه من عمل قوم لوط، و لذلك أورده الشيخ الحرّ العاملىّ قدّس سرّه فى باب استحباب التبليغ بالخواتيم آخر الأصابع، و الظاهر أن المراد تبليغ القراءه إلى آخر السوره او إلى آخر كل قصه و مطلب من مطالب القرآن، بقرينه أن الحديث من صدره الى ذيله متعلق باحكام القرآن و قراءته: أمر عليه السلام أو لا بتعليم العربيه ليكون القراءه على الوجه الصحيح« بِلِسانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ»، ثمّ قال:« و نظفوا الماضغين» و الماضغان كالماضغتان: الحنكان لمضغهما المأكول، بما فيهما من الأسنان الماضغه، و المراد الاستياك كما مرّ فى غير حديث أنّه يستحب السواك لقراءه القرآن و كما قال رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله:« نظفوا طريق القرآن» قيل: يا رسول اللّه و ما طريق القرآن؟ قال: أفواهكم، قيل: بما ذا؟ قال: بالسواك، رواه فى المحاسن: ۵۵٨ لكن العباره مصحفه فى كتب الحديث فقد طبع فى الوسائل تاره« و نطق به للماضين»(ب ٣٠ من أبواب قراءه القرآن) و تاره« نطقوا به الماضين»(ب ۵٠ من أبواب أحكام الملابس) و فى الخصال:« نطقوا الماضغين» و فى غلط نامج نسخه الكمبانىّ« نطقوا به الماضغين» و الصحيح ما فى الصلب كما أثبتناه، و لو لا ذلك لم يناسب باب السواك.

عليه السلام أَ تَرَى هَذَا الْخَلْقَ كُلَّهُ مِنَ النَّاسِ فَقَالَ أَلْقِ مِنْهُمُ التَّارِكَ لِلسِّوَاكِ إِلَى آخِرِ مَا قَالَ (۱).

**[ترجمه]مؤلف:

در «باب كليات بدى ها» وغير آن گذشت كه به امام صادق عليه السّلام گفته شد: به نظر شما همه اين خلق آدمند؟ فرمود: ترک كننده مسواک را كنار بزن... تا آخر آنچه فرمود. - . خصال ۲: ۳۹ -

**[ترجمه]

«۱۲»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ اللُّؤْلُؤِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ يُوسُفَ عَنْ مُعَاذٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ بِإِسْنَادِهِ رَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله قَالَ: السِّوَاكُ فِيهِ عَشْرُ خِصَالٍ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ سَبْعِينَ ضِعْفاً وَ هُوَ مِنَ السُّنَّةِ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ(۲)

وَ يُبَيِّضُ

ص: ۱۲۸

۱- ۱. راجع ج ۷۲ ص ۱۹۰ نقلا من الخصال ج ۲ ص ۳۹.

۲- ۲. الحفر محركه- سلاق فى أصول الأسنان، أو صفره تعلوها، و لعلّ المراد آكله الأسنان التى تحفر السن كالبئر.

الْأَسْنَانَ وَ يَشُدُّ اللِّثَهَ وَ يَقْطَعُ الْبَلْغَمَ وَ يَذْهَبُ بِغِشَاوَهِ الْبَصَرِ وَ يُشَهِّی الطَّعَامَ (۱).

**[ترجمه]خصال: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: در مسواک ده خصلت است: پاک کننده دهن است، خشنودی پروردگار را در بر دارد، حسنات را هفتاد برابر کند، از سنت است، چرک دندان را ببرد، دندان ها را سفید کند، لثه را سخت کند، بلغم را ببرد، غبار چشم را ببَرَد و میل به خوراک آورد. - . خصال ۲: ۶۰ -

**[ترجمه]

«۱۳»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ اللُّؤْلُؤِیِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ یُوسُفَ عَنْ مُعَاذٍ الْجَوْهَرِیِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَیْعٍ یَرْفَعُهُ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: فِی السِّوَاکِ اثْنَتَا عَشْرَهَ خَصْلَهً مَطْهَرَهٌ لِلْفَمِ وَ مَرْضَاهٌ لِلرَّبِّ وَ یُبَیِّضُ الْأَسْنَانَ وَ یَذْهَبُ بِالْحَفْرِ وَ یُقَلِّلُ الْبَلْغَمَ وَ یُشَهِّی الطَّعَامَ وَ یُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ وَ تُصَابُ بِهِ السُّنَّهُ وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِکَهُ وَ یَشُدُّ اللِّثَهَ وَ هُوَ یُمِرُّ بِطَرِیقِهِ الْقُرْآنَ وَ رَکْعَتَیْنِ بِسِوَاکٍ أَحَبُّ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ سَبْعِینَ رَکْعَهً بِغَیْرِ سِوَاکٍ (۲).

**[ترجمه]خصال: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: در مسواک دوازده خصلت است: پاک کننده دهن است، خشنودی پروردگار را به همراه دارد، دندان ها را سفید کند،زردی و بوی بد دندان را ببرد، بلغم را بِبَرد، میل به خوراک آورد، حسنات را چند برابر کند، از سنت است، فرشته ها بر آن حاضر شوند، لثه را سخت کند، به راه وروش قرآن رفته است و دو رکعت با مسواک به درگاه خدا عزوجل، از هفتاد رکعت بدون آن محبوب تر است. - . خصال ۲: ۸۰ -

**[ترجمه]

«۱۴»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: فِی السِّوَاکِ اثْنَتَا عَشْرَهَ خَصْلَهً هُوَ مِنَ السُّنَّهِ وَ هُوَ مَطْهَرَهٌ لِلْفَمِ وَ مَجْلَاهٌ لِلْبَصَرِ وَ یُرْضِی الرَّحْمَنَ وَ یُبَیِّضُ الْأَسْنَانَ وَ یَذْهَبُ بِالْحَفْرِ وَ یَشُدُّ اللِّثَهَ وَ یُشَهِّی الطَّعَامَ وَ یَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ یَزِیدُ فِی الْحِفْظِ وَ یُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ وَ یُفَرِّحُ الْمَلَائِکَهَ(۳).

ثو، [ثواب الأعمال] عن أبیه عن أحمد بن إدریس عن الأشعری: مثله (۴)

ل، [الخصال]: فیما أوصی به النبی صلی الله علیه و آله علیا علیه السلام: مثله (۵)

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: یَا عَلِیُّ فِی السِّوَاکِ اثْنَتَا عَشْرَهَ خَصْلَهً وَ ذَکَرَ مِثْلَهُ.

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: در مسواک دوازده خصلت است: از سنت است، پاک کننده دهن است،

روشن کننـده دیده است، خشـنودی خدای رحمان را در بر دارد، دندان ها را سـفید کند، زردی و بوی بد دندان را ببرد، لثه را سخت کند، میل به خوراک آورد، بلغم را بِبَرد، قوه حافظه را افزایش دهد، حسنات را چند برابر کند و مایه خرسندی فرشته ها است. - .[۴] خصال ۲: ۸۰ -

ثواب الاعمال مانند این روایت را آورده است. - .[۵] ثواب الاعمال: ۱۸ -

خصال: در سفارش پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام، مانند این مطلب را آورده است. - .[۶] خصال ۲: ۸۰ -

دعـوات راونـدی: پیغمـبر صـلی الله علیه و آله به علی فرمود: ای علی! در مسواک دوازده خصـلت است... وماننـدش را آورده است.

**[ترجمه]

«۱۵»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: السِّوَاكُ مِنْ مَرْضَاهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُنَّهٌ لِلنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَ مَطْيَبَهٌ لِلْفَمِ (۶).

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۶۰.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۸۰.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۸۰.

۴- ۴. ثواب الأعمال ص ۱۸.

۵- ۵. الخصال ج ۲ ص ۸۰.

۶- ۶. الخصال ج ۲ ص ۱۵۵.

**[ترجمه]خصال: از اربعمائه: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: مسواک، خشنودی خدای عزوجل، سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و خوشبو کننده دهن است. - .[۱] خصال ۲: ۱۵۵ -

**[ترجمه]

«۱۶»

فس، [تفسیر القمی] قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: لَمَّا بَنَى إِبْرَاهِيمُ الْبَيْتَ وَ حَجَّ الْبَيْتَ شَكَتِ الْكَعْبَةُ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مَا تَلْقَى مِنْ أَنْفَاسِ الْمُشْرِكِينَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا قِرِّي كَعْبَةُ فَإِنِّي أَبْعَثُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْماً يَتَنَظَّفُونَ بِقُضْبَانِ الشَّجَرِ وَ يَتَخَلَّلُونَ (۱).

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون ابراهیم علیه السّلام خانه کعبه را ساخت و بر آن حج انجام شد، خانه کعبه از نفس گند مشرکین به درگاه خدای تعالی شکایت کرد و خدا بدو وحی کرد که: ای کعبه! چشمت روشن باد که من در آخرالزمان قومی را برانگیزم که با شاخه های درخت مسواک کنند و دهن را پاکیزه سازند و خلال به کار برند. - .[۲] تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۵۰ -

**[ترجمه]

«۱۷»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي السِّوَاكِ لَأَبَاتُوهُ مَعَهُمْ فِي لِحَافٍ (۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام باقر علیه السّلام فرمود: اگر مردم خاصیت مسواک را می دانستند، آن را تا صبح با خود زیر لحاف می داشتند. - .[۳] ثواب الاعمال: ۱۸ -

**[ترجمه]

«۱۸»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ أَبِيهِ يَحْيَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: السِّوَاكُ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِيدُ فِي الْحِفْظِ(۳).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام باقر علیه السّلام فرمود: مسواک کردن بلغم را می برد و قوه حفاظه را می افزاید. - .[۴] ثواب الاعمال: ۱۸ -

**[ترجمه]

«۱۹»

صح، [صحیفه الرضا علیه السلام] عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَفْوَاهُكُمْ طُرُقٌ مِنْ طُرُقِ رَبِّكُمْ فَنَظِّفُوهَا(۴).

**[ترجمه]صحیفه الرضا: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دهن شما یکی از راه های ارتباط شما با پروردگارتان است؛ آن را پاکیزه نمایید. - .[۵] صحیفه الرضا: ۱۱ -

**[ترجمه]

«۲۰»

سن، [المحاسن] عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ عَبْدِ الْوَهَّابِ عَنِ الصَّبَّاحِ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: شَكَتِ الْكَعْبَةُ إِلَى اللَّهِ مَا تَلْقَى مِنْ أَنْفَاسِ الْمُشْرِكِينَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا أَنْ قِرِّي كَعْبَةُ فَإِنِّي أُبْدِلُكِ بِهِمْ قَوْماً يَتَخَلَّلُونَ (۵)

بِقُضْبَانِ الشَّجَرِ فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله أَوْحَى إِلَيْهِ مَعَ جَبْرَئِيلَ بِالسِّوَاكِ وَ الْخِلَالِ (۶).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: خانه کعبه از نفس مشرکین به درگاه خدای تعالی شکایت کرد و خدا بدو وحی کرد که: ای کعبه! چشمت روشن باد که من به جای آنها قومی بر انگیزم که خلال به کار برند. - .[۶] من لا يحضره الفقيه ۱: ۳۴ - چون خدا پیغمبر را صلی الله علیه و آله برانگیخت، با جبرئیل به او وحی کرد به مسواک کردن و به کار بردن خلال. - .[۷] محاسن: ۵۵۸ -

**[ترجمه]

«۲۱»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: نَزَلَ جَبْرَئِيلُ بِالسِّوَاكِ وَ الْخِلَالِ وَ الْحِجَامَةِ(۷).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق فرمود: جبرئیل فرود آمد، با دستور مسواک کردن و خلال و حجامت. - . محاسن: ۵۵۸ -

**[ترجمه]

«۲۲»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِي سُمَيْنَةَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبَانٍ الْحَنَّاطِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

۱- ۱. تفسير القمّىّ ص ۵۰.

۲- ۲. ثواب الأعمال: ۱۸.

۳- ۳. ثواب الأعمال: ۱۸.

۴- ۴. صحيفه الرضا عليه السلام ص ۱۱.

۵- ۵. كذا، و فى الفقيه ج ۱ ص ۳۴« ينتظفون بقضبان الاشجار» كما سيأتى عن مكارم الأخلاق، و كما عن تفسير القمّىّ، و زاد بعده« و يتخللون».

۶- ۶. المحاسن ص ۵۵۸.

۷- ۷. المحاسن ص ۵۵۸.

عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: نَظِّفُوا طَرِيقَ الْقُرْآنِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ مَا طَرِيقُ الْقُرْآنِ قَالَ أَفْوَاهُكُمْ قِيلَ بِمَا ذَا قَالَ بِالسِّوَاكِ (۱).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: راه قرآن را پاكيزه داريد. گفته شد: يا رسول الله! راه قرآن چيست؟ فرمود: دهان هاى شما. گفته شد: با چه؟ فرمود: با مسواک كردن. - .[۲] محاسن: ۵۵۸ -

**[ترجمه]

«۲۳»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ الْحَكَمِ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: أَفْوَاهُكُمْ طَرِيقٌ مِنْ طُرُقِ رَبِّكُمْ فَأَحَبُّهَا إِلَى اللَّهِ أَطْيَبُهَا رِيحاً فَطَيِّبُوهَا بِمَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: دهن شما راهى است به درگاه پروردگار شما و محبوب ترين آنها به درگاه خدا، خوشبوترين آنهاست، پس تا مى توانيد آن را خوشبو كنيد. - ۱. محاسن: ۵۵۸ -

**[ترجمه]

«۲۴»

سن، [المحاسن] عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِّي لَأُحِبُّ لِلرَّجُلِ إِذَا قَامَ بِاللَّيْلِ أَنْ يَسْتَاكَ وَ أَنْ يَشَمَّ الطِّيبَ فَإِنَّ الْمَلَكَ يَأْتِي الرَّجُلَ إِذَا قَامَ بِاللَّيْلِ حَتَّى يَضَعُ فَاهُ عَلَى فِيهِ فَمَا خَرَجَ مِنَ الْقُرْآنِ مِنْ شَيْ ءٍ دَخَلَ جَوْفَ ذَلِكَ الْمَلَكِ (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق عليه السّلام فرمود: من دوست دارم براى كسى كه شب خيز است مسواک كند و عطرآگين باشد، زيرا فرشته نزد شب زنده دارآيد و دهن به دهن او نهد و آنچه از قرآن كه خوانده شود، به درون آن فرشته در آيد. - . محاسن: ۵۵۹ -

**[ترجمه]

«۲۵»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ السِّوَاكُ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق عليه السّلام فرمود: مسواک كردن از اخلاق پيغمبران است. - . محاسن: ۵۶۰ -

**[ترجمه]

«۲۶»

سن، [المحاسن] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَا زَالَ جَبْرَئِیلُ یُوصِینِی بِالسِّوَاکِ حَتَّی خَشِیتُ أَنْ أَدْرَدَ أَوْ أُحْفِیَ (۵).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل پیوسته مرا سفارش به مسواک زدن کرد، تا جایی که ترسیدم دندانهایم بیفتد. - . محاسن: ۵۶۰ -

**[ترجمه]

«۲۷»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِی أَیُّوبَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ جَمِیلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَا زَالَ جَبْرَئِیلُ یُوصِینِی بِالسِّوَاکِ حَتَّی خِفْتُ عَلَی سِنِّی (۶).

ص: ۱۳۱

۱- ۱. المحاسن ص ۵۵۸.

۲- ۲. المحاسن ص ۵۵۸.

۳- ۳. المحاسن ص ۵۵۹.

۴- ۴. المحاسن ص ۵۶۰، قال فی النهایه: فیه: لزمت السواک حتّی خشیت أن یدردنی. أی یذهب بأسنانی، و الدرد سقوط الأسنان و قال: فیه: لزمت السواک حتّی کدت أحفی فمی: أی استقصی علی أسنانی فأذهبها بالتسوک. أقول: و لعلّ المراد رقه الأسنان یقال: حفی الرجل حفا من باب علم: رقت قدمه من کثره المشی، و هنا لما أکثر من الاستیاک رقت أسنانه.

۵- ۵. المحاسن ص ۵۶۰، قال فی النهایه: فیه: لزمت السواک حتّی خشیت أن یدردنی. أی یذهب بأسنانی، و الدرد سقوط الأسنان و قال: فیه: لزمت السواک حتّی کدت أحفی فمی: أی استقصی علی أسنانی فأذهبها بالتسوک. أقول: و لعلّ المراد رقه الأسنان یقال: حفی الرجل حفا من باب علم: رقت قدمه من کثره المشی، و هنا لما أکثر من الاستیاک رقت أسنانه.

۶- ۶. المحاسن ص ۵۶۰.

**[ترجمه]محاسن: جبرئیل پیوسته مرا سفارش به مسواک زدن کرد، تا جایی که از دندانم بیمناک شدم. - . محاسن: ۵۶۰ -

**[ترجمه]

«۲۸»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ وَ جَمِیلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَوْصَانِی جَبْرَئِیلُ بِالسِّوَاکِ حَتَّی خِفْتُ عَلَی أَسْنَانِی (۱).

**[ترجمه]محاسن: جبرئیل پیوسته مرا سفارش به مسواک زدن کرد، تا جایی که از دندان هایم ترسیدم. - .[۸] محاسن: ۵۶۰ -

**[ترجمه]

«۲۹»

سن، [المحاسن] عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنِ الْمَرْزُبَانِ عَنِ النُّعْمَانِ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَا لِی أَرَاکُمْ تَدْخُلُونَ عَلَیَّ قُلْحاً مُرْغاً(۲)

مَا لَکُمْ لَا تَسْتَاکُونَ (۳).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرا چه باشد که می بینم شما با دندان های چرکین و موی آلوده و آشفته بر من وارد می شوید؟ چرا شما مسواک نمی کنید؟ - .[۱] محاسن: ۵۶۱ -

**[ترجمه]

«۳۰»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ الصَّنْعَانِیِّ رَفَعَهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ فِی وَصِیَّتِهِ عَلَیْکَ بِالسِّوَاکِ عِنْدَ کُلِّ وُضُوءٍ وَ قَالَ بَعْضُهُمْ لِکُلِّ صَلَاهٍ(۴).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفارش هایش به علی علیه السّلام فرمود: «برتو باد به مسواک کردن در هر وضو»، و به قول بعضی «در هر نماز.» - .[۲] محاسن: ۵۶۱ -

**[ترجمه]

«۳۱»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام: فِی وَصِیَّةِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ علیه السلام عَلَیْکَ بِالسِّوَاکِ لِکُلِّ صَلَاةٍ(۵).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: در سفارش های پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام است که: تو را باد به مسواک کردن برای هر نماز! - .[۳] محاسن: ۵۶۱ -

**[ترجمه]

«۳۲»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَلًّی أَبِی عُثْمَانَ عَنْ مُعَلَّی بْنِ خُنَیْسٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ السِّوَاکِ بَعْدَ الْوُضُوءِ فَقَالَ الِاسْتِیَاکُ قَبْلَ أَنْ یَتَوَضَّأَ قُلْتُ أَ رَأَیْتَ إِنْ نَسِیَ حَتَّی یَتَوَضَّأَ قَالَ یَسْتَاکُ ثُمَّ یَتَمَضْمَضُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۶).

**[ترجمه]محاسن: معلی بن خنیس گفت: از امام صادق علیه السّلام از مسواک کردن پس از وضو پرسیدم. فرمود: مسواک پیش از وضو است. گفتم: بفرمایید اگر فراموش کرد تا وضو ساخت چه؟ فرمود: مسواک کند و سپس سه بار آب در دهن بگرداند. - . محاسن: ۵۶۱ -

**[ترجمه]

«۳۳»

سن، [المحاسن] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: إِذَا تَوَضَّأَ الرَّجُلُ وَ سَوَّکَ ثُمَّ قَامَ فَصَلَّی وَضَعَ الْمَلَکُ فَاهُ عَلَی فِیهِ فَلَمْ یَلْفِظْ شَیْئاً إِلَّا الْتَقَمَهُ وَ زَادَ فِیهِ بَعْضُهُمْ فَإِنْ لَمْ یَسْتَکْ قَامَ الْمَلَکُ جَانِباً یَسْتَمِعُ إِلَی قِرَاءَتِهِ (۷).

۱- ۱. المحاسن ص ۵۶۰.

۲- ۲. القلح جمع الاقلح: هو الرجل الذی بأسنانه قلح: أی تغیرت أسنانه و رکبتها صفره أو خضره، و یقال للجعل: الاقلح لقذر فمه، صفه غالبه، و المرغ أیضا جمع أمرغ و هو الرجل ذو شعر مرغ(کما فی التاج) أی متشعث یحتاج الی الدهن أو دنس من کثره الدهن قال فی الاساس: مرغته تمریغا إذا أشبعت رأسه و جسده دهنا.

۳- ۳. المحاسن ص ۵۶۱.

۴- ۴. المحاسن ص ۵۶۱.

۵- ۵. المحاسن ص ۵۶۱.

۶- ۶. المحاسن ص ۵۶۱.

٧- ٧. المحاسن ص ٥٦١.

**[ترجمه]محاسن: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: چون کسی وضو سازد و مسواک کند و به نماز ایستد، فرشته دهن به دهنش نهد و سخنی نگوید جز آنکه آن را ببلعد. و برخی بدان افزودند که «اگر مسواک نکند، فرشته کناری ایستد و قرائتش را گوش کند.» - .[۵] محاسن: ۵۶۱ -

**[ترجمه]

«۳۴»

سن، [المحاسن] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: رَكْعَتَانِ بِسِوَاكٍ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً بِغَيْرِ سِوَاكٍ (۱).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: دو رکعت نماز با مسواک کردن، بهتر است از هفتاد رکعت بی مسواک. - . محاسن: ۵۶۱ -

**[ترجمه]

«۳۵»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ غَالِبٍ عَنْ رِفَاعَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: صَلَاةُ رَكْعَتَيْنِ بِسِوَاكٍ أَفْضَلُ مِنْ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ بِغَيْرِ سِوَاكٍ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام روایت می کند که فرمود: دو رکعت نماز با مسواک، بهتر است از چهار رکعت بی مسواک. - . محاسن: ۵۶۲ -

**[ترجمه]

«۳۶»

سن، [المحاسن] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: السِّوَاكُ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: مسواک کردن، پاکیزگی دهان است و خشنودی پروردگار. - .[۱] محاسن: ۵۶۲ -

**[ترجمه]

«۳۷»

سن، [المحاسن] عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: السِّوَاکُ مَرْضَاهٌ اللَّهِ وَ سُنَّهُ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ مَطْهَرَهٌ لِلْفَمِ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: مسواک کردن خشنودی خدا، سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و پاک کننده دهان است. - .[۲] محاسن: ۵۶۲ -

**[ترجمه]

«۳۸»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مِهْزَمٍ الْأَسَدِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: فِی السِّوَاکِ عَشْرُ خِصَالٍ مَطْهَرَهٌ لِلْفَمِ وَ مَرْضَاهٌ لِلرَّبِّ وَ مُفَرِّحَهٌ لِلْمَلَائِکَهِ وَ هُوَ مِنَ السُّنَّهِ وَ یَشُدُّ اللِّثَهَ وَ یَجْلُو الْبَصَرَ وَ یَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ یَذْهَبُ بِالْحَفَرِ (۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام می فرمود: در مسواک کردن ده خصلت است: پاک کننده دهن است، خشنودی پروردگار را در بر دارد، شاد کننده فرشته هاست، از سنت است، لثه را محکم کند، چشم را روشن کند، بلغم را ببرد و چرک بن دندان را ببرد. - .[۳] محاسن: ۵۶۲ -

**[ترجمه]

«۳۹»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِیِّ عَنْ أَبِیهِ وَ عَیْثَمَهَ جَمِیعاً عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: السِّوَاکُ یَجْلُو الْبَصَرَ وَ هُوَ مَنْقَاهٌ لِلْبَلْغَمِ (۶).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: مسواک کردن دیده را روشن کند و بلغم را بزداید. - .[۴] محاسن: ۵۶۳ -

**[ترجمه]

«۴۰»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِی الْقَاسِمِ وَ أَبِی یُوسُفَ عَنِ الْقَنْدِیِّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ وَ أَبِی الْبَخْتَرِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: السِّوَاکُ وَ قِرَاءَهُ الْقُرْآنِ مَقْطَعَهٌ لِلْبَلْغَمِ (۷).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: مسواک کردن و خواندن قرآن بَرنده بلغم باشند. - .[۵] محاسن: ۵۶۳ -

**[ترجمه]

«۴۱»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: السِّوَاکُ یَجْلُو الْبَصَرَ(۸).

**[ترجمه]محاسن: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: مسواک کردن دیده را روشن کند. - .[۶] محاسن: ۵۶۳ -

**[ترجمه]

«۴۲»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: السِّوَاکُ یَذْهَبُ بِالدَّمْعَهِ وَ یَجْلُو الْبَصَرَ(۹).

ص: ۱۳۳

۱- ۱. المحاسن ص ۵۶۱.

۲- ۲. المحاسن ص ۵۶۲.

۳- ۳. المحاسن ص ۵۶۲.

۴- ۴. المحاسن ص ۵۶۲.

۵- ۵. المحاسن ص ۵۶۲.

۶- ۶. المحاسن ص ۵۶۳.

۷- ۷. المحاسن ص ۵۶۳.

۸- ۸. المحاسن ص ۵۶۳.

۹- ۹. المحاسن ص ۵۶۳.

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: مسواک کردن اشک ریزی را از بین ببرد و دیده را روشن کند. - .[۷] محاسن: ۵۶۳ -

**[ترجمه]

«۴۳»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْمُحَسِّنِ الْمِیثَمِیِّ عَنْ زَکَرِیَّا عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: عَلَیْکُمْ بِالسِّوَاکِ فَإِنَّهُ یَجْلُو الْبَصَرَ(۱).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود به شما باد به مسواک کردن که چشم را روشن کند. - .[۸] محاسن: ۵۶۳ -

**[ترجمه]

«۴۴»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنْ زَکَرِیَّا عَنْ مُحَمَّدٍ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله کَانَ یُکْثِرُ مِنَ السِّوَاکِ وَ لَیْسَ بِوَاجِبٍ وَ لَا یَضُرُّکَ فَرْطُهُ فَرْطَ الْأَیَّامِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا بسیار مسواک می کرد و واجب نیست و زیانی برتو ندارد ترک آن در فرط الایام. - .[۱] محاسن: ۵۶۳ -

**[ترجمه]

بیان

فرطه فرط الأیام أی ترکه فی فرط الأیام و هو من ثلاثه إلی خمسه عشر یوما- سن، [المحاسن] عن أبیه عن حماد بن عیسی عن زراره عن أبی جعفر علیه السلام: مثله (۳).

**[ترجمه]«فرط ایام » از سه روز تا پانزده روز است.

محاسن مانند این روایت را آورده است. - .[۲] محاسن: ۵۶۳ -

**[ترجمه]

«۴۵»

سن، [المحاسن] عَنْ بَعْضِ مَنْ رَوَاهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنِ اسْتَاکَ فَلْیَتَمَضْمَضْ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس که مسواک کرد، پس آن مضمضه کند (آب در دهن بگرداند). - .[۳] محاسن: ۵۶۳ -

**[ترجمه]

«۴۶»

مص، [مصباح الشریعه] قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: السِّوَاکُ مَطْهَرَهٌ لِلْفَمِ وَ مَرْضَاهٌ لِلرَّبِّ وَ جَعَلَهَا مِنَ السُّنَّهِ الْمُؤَکَّدَهِ وَ فِیهَا مَنَافِعُ لِلظَّاهِرِ وَ الْبَاطِنِ مَا لَا یُحْصَی لِمَنْ عَقَلَ فَکَمَا تُزِیلُ مَا یَکُونُ مِنْ تَلَوُّثِ أَسْنَانِکَ مِنْ مَطْعَمِکَ وَ مَأْکَلِکَ بِالسِّوَاکِ کَذَلِکَ فَأَزِلْ نَجَاسَهَ ذُنُوبِکَ بِالتَّضَرُّعِ وَ الْخُشُوعِ وَ التَّهَجُّدِ وَ الِاسْتِغْفَارِ بِالْأَسْحَارِ وَ طَهِّرْ ظَاهِرَکَ مِنَ النَّجَاسَاتِ وَ بَاطِنَکَ مِنْ کُدُورَاتِ الْمُخَالَفَاتِ وَ رُکُوبِ الْمَنَاهِی کُلِّهَا خَالِصاً لِلَّهِ فَإِنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله أَرَادَ بِاسْتِعْمَالِهِ مَثَلًا لِأَهْلِ التَّنَبُّهِ وَ الْیَقَظَهِ وَ هُوَ أَنَّ السِّوَاکَ نَبَاتٌ لَطِیفٌ نَظِیفٌ وَ غُصْنُ شَجَرٍ عَذْبٍ مُبَارَکٍ وَ الْأَسْنَانُ خَلْقٌ خَلَقَهُ اللَّهُ تَعَالَی فِی الْحَلْقِ-(۵)

آلَهً لِلْأَکْلِ وَ أَدَاهً لِلْمَضْغِ وَ سَبَباً لِاشْتِهَاءِ الطَّعَامِ وَ إِصْلَاحِ الْمَعِدَهِ وَ هِیَ جَوْهَرَهٌ صَافِیَهٌ تَتَلَوَّثُ بِصُحْبَهِ تَمْضِیغِ الطَّعَامِ فَتَتَغَیَّرُ بِهَا رَائِحَهُ الْفَمِ وَ یَتَوَلَّدُ مِنْهَا الْفَسَادُ فِی الدِّمَاغِ فَإِذَا اسْتَاکَ الْمُؤْمِنُ الْفَطِنُ بِالنَّبَاتِ اللَّطِیفِ وَ مَسَحَهَا عَلَی الْجَوْهَرَهِ الصَّافِیَهِ زَالَ عَنْهَا الْفَسَادُ وَ التَّغْیِیرُ وَ عَادَتْ إِلَی أَصْلِهَا کَذَلِکَ خَلَقَ اللَّهُ الْقَلْبَ طَاهِراً صَافِیاً وَ جَعَلَ غِذَاءَهُ الذِّکْرَ وَ الْفِکْرَ وَ الْهَیْبَهَ وَ التَّعْظِیمَ وَ إِذَا شِیبَ الْقَلْبُ الصَّافِی بِتَغْذِیَتِهِ بِالْغَفْلَهِ

۱- ۱. المحاسن ص ۵۶۳.

۲- ۲. المحاسن ص ۵۶۳.

۳- ۳. المحاسن ص ۵۶۳.

۴- ۴. المحاسن ص ۵۶۳.

۵- ۵. فی المصدر: فی الفم.

وَ الْكَدَرِ صُقِلَ بِمِصْقَلَهِ التَّوْبَهِ وَ نُظِّفَ بِمَاءِ الْإِنَابَهِ لِيَعُودَ إِلَى حَالَتِهِ الْأَوَّلَهِ وَ جَوْهَرَتِهِ الْأَصْلِيَّهِ الصَّافِيَهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَل إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَ يُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ (۱) وَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله عَلَيْكُمْ بِالسِّوَاكِ- فَالنَّبِيُّ أَمَرَنَا بِالسِّوَاكِ ظَاهِرَ الْأَسْنَانِ وَ أَرَادَ بِهَذَا الْمَعْنَى الْمَثَلَ وَ مَنْ أَنَاخَ تَفَكُّرَهُ عَلَى بَابِ عَتَبَهِ الْعِبْرَهِ فِي اسْتِخْرَاجِ مِثْلِ هَذِهِ الْأَمْثَالِ فِي الْأَصْلِ وَ الْفَرْعِ فَتَحَ اللَّهُ لَهُ عُيُونَ الحِكْمَهِ وَ الْمَزِيدُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ اللَّهُ لا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ (۲).

**[ترجمه]مصباح الشریعه: امام صادق علیه السّلام از قول پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که: مسواک پاک کننده دهن است، خشنودی پروردگار را به همراه دارد، آن را سنت مؤکد ساخته و برای هر کسی را که تعقل کند، سودهای بی شماری برای ظاهر و باطن دارد، و چنان چه مسواک پاک کننده چرک دندان هایت در اثر خوراک تو است، همچنین پاک کننده آلودگی گناهانت است با زاری و خشوع و عبادت در شب و استغفار در سحرها، و پاک کننده برونت از نجاسات است و درونت را از تیرگی مخالفت ها و همه گنه ورزی ها پاک کند تنها برای خدا، چون پیغمبر صلی الله علیه و آله مسواک را برای مردم آگاه و بیدار نمونه ساخت، چون مسواک گیاهی لطیف و پاکی است و شاخه درخت خوشمزه و با برکتی است، و خدا دندان ها را در دهن آفریده که ابزار خوردن و جویدن باشند و اشتهاخیز و اصلاح معده اند، و آنها گوهر زلالی باشند که با جویدن خوراک آلوده شوند و بوی دهان را دگرگون کنند و از آن تباهی مغز پدید آید.و چون مؤمن هوشمند با آن گیاه لطیف مسواک کند و آن را بر آن گوهر پاک مالد، تباهی و دگرگونی از آن برود و به اصل خود برگردد، همچنان خدا دل را پاک و زلال آفریده و خوراکش را ذکر و اندیشه و هیبت و تعظیم ساخته و چون دل پاک به غفلت و کدورت آلوده شود، با توبه درخشان شود و با آب انابه پاک گردد تا به حال نخست و گوهر اصلی زلال خود برگردد. خدا عزوجل فرموده: «إن الله يحب التوابين و يحب المتطهرين.» - .[۴] بقره/ ۲۲۲ - {خداوند توبه کاران و پاکیزگان را دوست می دارد.} و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما باد به مسواک کردن. آن حضرت با امر به مسواک کردن، در ظاهر مقصودش دندان بوده و این معنی را مثل آورده و هر گاه کسی در نظایر این امثال و آداب ظاهری به دقت تدبر و تفکر کرده، و از لطایف و جزئیات و اشارات آنها آگاه باشد،خدا چشمه های حکمت را بر او بگشاید و از فضل خود بر او فزاید و «لا يضيع أجر المحسنين.» - . مصباح الشریعه: ۷ - ۸ - {خدا ضایع نکند اجر نیکوکاران را.}

**[ترجمه]

«۴۷»

مکا، [مکارم الأخلاق]: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله إِذَا اسْتَاكَ اسْتَاكَ عَرْضاً وَ كَانَ يَسْتَاكُ كُلَّ لَيْلَهٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مَرَّهً قَبْلَ نَوْمِهِ وَ مَرَّهً إِذَا قَامَ مِنْ نَوْمِهِ إِلَى وِرْدِهِ وَ مَرَّهً قَبْلَ خُرُوجِهِ إِلَى صَلَاهِ الصُّبْحِ وَ كَانَ يَسْتَاكُ بِالْأَرَاكِ أَمَرَهُ بِذَلِكَ جَبْرَئِيلُ (۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: پیغمبر صلی الله علیه و آله دندان ها را به پهنا مسواک می زد، یعنی از پایین به بالا، و همیشه هر شب سه بار مسواک می کرد؛ یک بار قبل از خواب و بار دوم پس از بیدار شدن برای نماز شب و بار سوم قبل از بیرون رفتن برای نماز صبح (در مسجد) و با چوب اراک (که درختی است در حجاز که چوبهایش را اکنون برای مسواک بکار می برند) مسواک می نمود، جبرئیل او را باین کار امر کرده بود. - . مکارم الاخلاق: ۴۱ -

**[ترجمه]

«۴۸»

مکا(۴)،[مکارم الأخلاق] قَالَ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ علیهما السلام: أَکْلُ الْأُشْنَانِ یُذِیبُ الْبَدَنَ وَ التَّدَلُّکُ بِالْخَزَفِ یُبْلِی الْجَسَدَ وَ السِّوَاکُ فِی الْخَلَاءِ یُورِثُ الْبَخَرَ(۵).

عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: السِّوَاکُ یَزِیدُ الرَّجُلَ فَصَاحَهً.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: إِذَا صُمْتُمْ فَاسْتَاکُوا بِالْغَدَاهِ وَ لَا تَسْتَاکُوا بِالْعَشِیِّ فَإِنَّهُ لَیْسَ مِنْ صَائِمٍ تَیْبَسُ شَفَتَاهُ بِالْعَشِیِّ إِلَّا کَانَ نُوراً بَیْنَ عَیْنَیْهِ یَوْمَ الْقِیَامَهِ.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: نِعْمَ السِّوَاکُ الزَّیْتُونُ مِنْ شَجَرَهٍ مُبَارَکَهٍ وَ یَذْهَبُ بِالْحَفْرِ وَ هُوَ سِوَاکِی وَ سِوَاکُ الْأَنْبِیَاءِ قَبْلِی.

وَ قَالَ علیه السلام: أَرْبَعٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِینَ الْخِتَانُ وَ التَّعَطُّرُ وَ النِّکَاحُ وَ السِّوَاکُ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: أَرْبَعٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِینَ التَّعَطُّرُ وَ السِّوَاکُ وَ النِّسَاءُ وَ الْحِنَّاءُ(۶).

مِنْ کِتَابِ رَوْضَهِ الْوَاعِظِینَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَی علیه السلام: لَا یَسْتَغْنِی شِیعَتُنَا عَنْ

۱- ۱. البقره: ۲۲۲.

۲- ۲. مصباح الشریعه ص ۷ و ۸.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۴۱.

۴- ۴. مکارم الأخلاق ص ۵۲.

۵- ۵. البخر بالتحریک: نتن الفم.

۶- ۶. الختان خ ل.

أَرْبَع عَنْ خُمْرَهٍ(۱) يُصَلِّی عَلَيْهَا وَ خَاتَم يَتَخَتَّمُ بِهِ وَ سِوَاكٍ يَسْتَاكُ بِهِ وَ سُبْحَهٍ مِنْ طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فِيهَا ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ حَبَّهً مَتَى قَلَّبَهَا ذَاكِراً لِلَّهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ حَبَّهٍ أَرْبَعِينَ حَسَنَهً وَ إِذَا قَلَّبَهَا سَاهِياً يَعْبَثُ بِهَا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِشْرِينَ حَسَنَهً.

قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: فِی وَصِيَّتِهِ لِعَلِیٍّ علیه السلام يَا عَلِیُّ عَلَيْکَ بِالسِّوَاكِ عِنْدَ كُلِّ وُضُوءٍ.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: السِّوَاکُ شَطْرُ الْوُضُوءِ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: لَمَّا دَخَلَ النَّاسُ فِی الدِّينِ أَفْوَاجاً قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (۲)

أَتَتْهُمُ الْأَزْدُ أَرَقُّهَا قُلُوباً وَ أَعْذَبُهَا أَفْوَاهاً فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا أَرَقُّهَا قُلُوباً عَرَفْنَاهُ فَلِمَ صَارَتْ أَعْذَبَهَا أَفْوَاهاً- قَالَ صلی الله علیه و آله إِنَّهَا كَانَتْ تَسْتَاکُ فِی الْجَاهِلِيَّهِ.

وَ قَالَ علیه السلام: لِكُلِّ شَیْ ءٍ طَهُورٌ وَ طَهُورُ الْفَمِ السِّوَاکُ.

وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ يُكْثِرُ السِّوَاکَ وَ لَيْسَ بِوَاجِبٍ وَ لَا يَضُرُّکَ تَرْكُهُ فِی فَرْطِ الْأَيَّامِ وَ لَا بَأْسَ أَنْ يَسْتَاکَ الصَّائِمُ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ أَیَّ النَّهَارِ شَاءَ وَ لَا بَأْسَ بِالسِّوَاكِ لِلْمُحْرِمِ وَ يُكْرَهُ السِّوَاکُ فِی الْحَمَّامِ لِأَنَّهُ يُورِثُ وَبَاءَ الْأَسْنَانِ.

۱- ۱. الخمره: حصیره صغیره تعمل من سعف النخل، و ترمل بالخیوط، و کان أصل استعمالها خمره أی ستره و غطاء لرأس الکوز و الأوانی، و لما کانت ممّا أنبتت الأرض و کانت سهل التناول اتخذها رسول اللّه مسجدا لجبهته الشریفه فصارت السجده علی الأرض فریضه و علی الخمره سنه، و لیس للخمره التی تعمل من سعف النخل خصوصیه بالسنه بل السنه تعم کل ما أنبتت الأرض، نعم للخمره مزیه فما قیل فی ترجمه الخمره أنّها سجاده تعمل من سعف النخل، لیس علی معناها الأولی، کما لو اتخذ المسلمون المراوح المعموله من سعف النخل بایران مسجدا لجبهتهم و صارت سنه لم یصحّ تعریف تلک المراوح بأنها سجاده تعمل من سعف النخل.

۲- ۲. النسخه المطبوعه و مکارم الأخلاق و هکذا نسخه الفقیه ج ۱ ص ۳۳ خالیه عن هذه الزیاده، و انما أضفناها بقرینه السیاق، طبقا لما مر تحت الرقم: ۵.

وَ قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام وَ الصَّادِقُ علیه السلام: صَلَاهُ رَكْعَتَيْنِ بِالسِّوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً بِغَيْرِ سِوَاكٍ.

وَ قَالَ الْبَاقِرُ علیه السلام: السِّوَاکُ لَا تَدَعْهُ فِی كُلِّ ثَلَاثَهِ أَيَّامٍ وَ لَوْ أَنْ تُمِرَّهُ مَرَّةً وَاحِدَةً.

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: اكْتَحِلُوا وَتْراً وَ اسْتَاكُوا عَرْضاً وَ تَرَکَ الصَّادِقُ السِّوَاکَ قَبْلَ أَنْ يُقْبَضَ بِسَنَتَيْنِ وَ ذَلِکَ أَنَّ أَسْنَانَهُ ضَعُفَتْ وَ سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ علیهما السلام عَنِ الرَّجُلِ يَسْتَاکُ بِيَدِهِ إِذَا قَامَ إِلَى صَلَاهِ اللَّيْلِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى السِّوَاكِ قَالَ إِذَا خَافَ الصُّبْحَ فَلَا بَأْسَ بِهِ.

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: لَوْ لَا أَنْ أَشُقَّ عَلَى أُمَّتِی لَأَمَرْتُهُمْ بِالسِّوَاكِ عِنْدَ وُضُوءِ كُلِّ صَلَاهٍ.

وَ رُوِیَ: أَنَّ الْكَعْبَهَ شَكَتْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا تَلْقَى مِنْ أَنْفَاسِ الْمُشْرِكِينَ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَى إِلَيْهَا قِرِّی كَعْبَهُ فَإِنِّی مُبْدِلُكِ بِهِمْ قَوْماً يَتَنَظَّفُونَ بِقُضْبَانِ الشَّجَرِ فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ نَبِيَّهُ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله نَزَلَ عَلَيْهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ جَبْرَئِيلُ بِالسِّوَاكِ وَ الْخِلَالِ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: فِی السِّوَاكِ اثْنَتَا عَشْرَهَ خَصْلَةً هُوَ مِنَ السُّنَّهِ وَ مَطْهَرَةٌ لِلْفَمِ وَ مَجْلَاةٌ لِلْبَصَرِ وَ يُرْضِی الرَّحْمَنَ وَ يُبَيِّضُ الْأَسْنَانَ وَ يَذْهَبُ بِالْحَفْرِ وَ يَشُدُّ اللِّثَهَ وَ يُشَهِّی الطَّعَامَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِيدُ فِی الْحِفْظِ وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَ كَانَ لِلرِّضَا علیه السلام خَرِيطَةٌ فِيهَا خَمْسَهُ مَسَاوِيکَ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهَا اسْمُ صَلَاهٍ مِنَ الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ يَسْتَاکُ بِهِ عِنْدَ كُلِّ تِلْکَ الصَّلَوَاتِ.

وَ مِنْ كِتَابِ طِبِّ الْأَئِمَّهِ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: السِّوَاکُ يَجْلُو الْبَصَرَ وَ يُنْبِتُ الشَّعْرَ وَ يَذْهَبُ بِالدَّمْعَهِ.

وَ فِی وَصِيَّهِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: يَا عَلِيُّ عَلَيْکَ بِالسِّوَاكِ وَ إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تُقِلَّ مِنْهُ فَافْعَلْ فَإِنَّ كُلَّ صَلَاهٍ تُصَلِّيهَا بِالسِّوَاكِ تَفْضُلُ عَلَى الَّتِی تُصَلِّيهَا بِغَيْرِ سِوَاكٍ أَرْبَعِينَ يَوْماً.

وَ مِنْ كِتَابِ اللِّبَاسِ لِأَبِی النَّضْرِ الْعَیَّاشِیِّ عَنْ أَبِی جَمِیلَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: نَزَلَ جَبْرَئِیلُ علیه السلام بِالْخِلَالِ وَ السِّوَاكِ وَ الْحِجَامَهِ.

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: نَظِّفُوا طَرِیقَ الْقُرْآنِ قَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا طَرِیقُ الْقُرْآنِ قَالَ أَفْوَاهُكُمْ قَالُوا بِمَا ذَا قَالَ بِالسِّوَاكِ وَ قَالَ صلی الله علیه و آله طَهِّرُوا أَفْوَاهَكُمْ فَإِنَّهَا مَسَالِکُ التَّسْبِیحِ.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَكْلُ الْأُشْنَانِ یُذِیبُ الْبَدَنَ وَ التَّدَلُّکُ بِالْخَزَفِ یُبْلِی الْجَسَدَ وَ السِّوَاکُ بِالْخَلَاءِ یُورِثُ الْبَخَرَ.

عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ: السِّوَاکُ مَرْضَاهُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُنَّهُ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله وَ مَطْیَبَهٌ لِلْفَمِ.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: السِّوَاکُ عَلَی الْمَقْعَدَهِ یُورِثُ الْبَخَرَ.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثٌ یَذْهَبْنَ بِالْبَلْغَمِ وَ یَزِدْنَ فِی الْحِفْظِ السِّوَاکُ وَ الصَّوْمُ وَ قِرَاءَهُ الْقُرْآنِ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام کاظم علیه السّلام فرمود: خوردن اشنان بدن را ذوب کند و سفال به بدن مالیدن بدن را می فرساید و مسواک کردن در بیت الخلاء، گند دهن آورد. - . مکارم الاخلاق: ۵۲ -

از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: مسواک کردن فصاحت را بیفزاید.

و آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: چون روزه دارید، صبح مسواک کنید و شبانگاه مسواک نکنید، زیرا روزه داری نباشد که لبانش در شبانگاه خشک شود، جز آنکه نوری باشد میان دو چشمش تا روز قیامت.

و فرمود: چه خوب است مسواک از چوب زیتون، این درخت با برکت که چرک لثه را ببرد و آن مسواک من و پیمبران پیشین بوده است.

و فرمود: چهارچیز از سنت مرسلان است: ختنه کردن، عطر زدن، نکاح کردن و مسواک کردن .

و امام صادق علیه السّلام فرمود: چهار چیز سنت مرسلان است: عطر زدن، نکاح کردن، مسواک کردن و حنا کردن. - . در نسخه ای «الختان» آمده -

از کتاب روضه الواعظین: امام کاظم علیه السّلام فرمود: شیعه ما از چهار چیز بی نیاز نباشند: جانمازی که روی آن نماز کنند؛ انگشتری که به انگشت کنند؛ مسواکی که با آن مسواک کنند؛ و یک تسبیح تربت امام حسین علیه السّلام با سی و سه دانه که هر گاه آن را در ذکر خدا بگردانند، خدا به ازای هر دانه برایشان چهل حسنه بنویسد، و چون آن را در حال غفلت و برای بازی بگرداند، خدا برایش بیست حسنه بنویسد (مقصود از جانماز، حصیر کوچکی است که با برگ خرما ببافند و چون گیاه است، سجده بر آن رواست.)

پیغمبر صلی الله علیه و آله در وصیتش به علی علیه السّلام فرمود: ای علی! بر تو باد مسواک کردن به هنگام هر وضو.

و فرمود: مسواک کردن جزو وضو است.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: چون مردم فوج فوج به دین در آمدند، تیره «ازد» هم آمدند که دل نازک ترین و شیرین دهان ترین همه آنان بودند. گفته شد: یا رسول الله! نازک دلی آنها را دانسته ایم؛ اما چرا شیرین دهان ترند؟ فرمود: همانا آن قبیله در جاهلیت مسواک می کردند.

و فرمود: هر چیز را پاک کننده ای است و پاک کننده دهان، مسواک است.

و امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله زیاد مسواک می کرد، و واجب نبود و ترک آن تا چند روز به تو زیان نرساند. باکی نیست که روزه دارد در ماه رمضان، هر وقت از روز که خواهد مسواک کند و باکی نیست به مسواک کردن در احرام، و بد است مسواک کردن در حمام، زیرا سبب ریزش دندان ها شود.

و امام باقر و صادق علیهما السّلام فرمودند: دو رکعت نماز با مسواک بهتر است از هفتاد رکعت بدون مسواک.

و امام باقر علیه السّلام فرمود: مسواک کردن را در هر سه روز وامگذار، اگرچه با کشیدن یک بار مسواک باشد .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: به شماره طاق سرمه کشید و به پهنا مسواک کنید.

و امام صادق علیه السّلام دو سال مانده به مرگش مسواک را وانهاد، برای این که دندان هایش سست شده بود.

از علی بن جعفرنقل است که از برادرش درباره مردی پرسید که وقتی برای نماز شب بیدار می شود، با دستش مسواک می کند، درحالی که می تواند مسواک کند. فرمود: اگر برای نمازصبحش می ترسد اشکالی ندارد.

و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر سخت نبود بر امتم، آنها را فرمان به مسواک کردن به هنگام وضوی هر نمازی می دادم.

و روایت است که خانه کعبه از رنج گند نفس مشرکان به خدا شکایت کرد و خدا تبارک و تعالی به او وحی کرد: ای کعبه! چشمت روشن باد که به جای آنها مردمی آورم که با شاخه درخت نظافت کنند! و چون خدا عزوجل پیغمبرش محمد را مبعوث کرد، جبرئیل روح الامین فرمان مسواک کردن و خلال را برایش فرو آورد.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: در مسواک دوازده خصلت است: از سنت است، پاک کننده دهن است، روشن کننده دیده است، خشنودی خدای رحمان را به همراه دارد، دندان ها را سفید کند، گند دهان را ببرد، لثه را سخت کند، میل به خوراک آورد، بلغم را بِبَرد، قوه حافظه را افزایش دهد، حسنات را چند برابر کند و خرسندی فرشته ها است.

و امام رضا علیه السّلام را بسته ای بود که در آن پنج مسواک بود و بر هر یک نام یکی از نمازهای پنجگانه نوشته بود که در

هر نمازی، به یکی از آنها مسواک می کرد.

و در کتاب طب الائمه، از آن حضرت علیه السّلام روایت شده است که فرمود: مسواک کردن چشم را روشن کند، مو را برویاند و اشک ریزی را از بین ببرد.

و در سفارش پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام است که: ای علی! بر تو باد به مسواک کردن، و اگر بتوانی از آن کم نکن و انجام بده که هر نماز را با مسواک کردن بخوانی، بهتر است از نماز چهل روز بی مسواک .

و از کتاب «لباس» عیاشی است که امام

صادق علیه السّلام فرمود: جبرئیل حکم خلال و مسواک کردن و حجامت را فرود آورد.

و از پدرش، از پدرانش علیهم السّلام روایت است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: راه قرآن را پاکیزه دارید. گفته شد: یا رسول الله! راه قرآن چیست؟ فرمود: دهان های شما. گفته شد: با چه؟ فرمود: با مسواک کردن. دهن هاتان را پاک کنید که راه تسبیح باشند.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: خوردن اشنان بدن را ذوب کند، و سفال به بدن مالیدن بدن را می فرساید و مسواک کردن در بیت الخلاء دهن را بد بو کند.

و امیر مؤمنان علیه السّلام فرموده: مسواک کردن خشنودی خدا عزوجل، سنت پیغمبر صلی الله علیه و آله و پاکیزه گی دهان است.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: مسواک کردن در حال مدفوع کردن، باعث گند دهن باشد.

و امام صادق از پدرش، از امیرالمؤمنین علیهم السّلام روایت می کند که فرمود: سه چیز بلغم را ببرد و قوه حفظ را بیفزاید: مسواک کردن، روزه گرفتن و خواندن قرآن. - .[۱] مکارم الاخلاق: ۵۵ -

**[ترجمه]

«۴۹»

جع، [جامع الأخبار] عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنِ اسْتَاكَ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّةً رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ لَهُ الْجَنَّةُ وَ مَنِ اسْتَاكَ كُلَّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ فَقَدْ أَدَامَ سُنَّةَ الْأَنْبِيَاءِ علیهم السلام وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ صَلَاةٍ يُصَلِّيهَا ثَوَابَ مِائَةِ رَكْعَةٍ وَ اسْتَغْنَى عَنِ الْفَقْرِ وَ تَطِيبُ نَكْهَتُهُ وَ يَزِيدُ فِي حِفْظِهِ وَ يَشْتَدُّ لَهُ فَهْمُهُ وَ يَمْرُؤُ طَعَامُهُ وَ يُذْهَبُ أَوْجَاعُ أَضْرَاسِهِ وَ يُدْفَعُ عَنْهُ السُّقْمُ وَ تُصَافِحُهُ الْمَلَائِكَةُ لِمَا يَرَوْنَ عَلَيْهِ مِنَ النُّورِ وَ يَنْقَى أَسْنَانُهُ وَ تُشَيِّعُهُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ خُرُوجِهِ مِنَ الْبَيْتِ وَ تَسْتَغْفِرُهُ حَمَلَةُ الْعَرْشِ وَ الْكَرُوبِيُّونَ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ثَوَابَ أَلْفِ سَنَةٍ وَ رَفَعَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ دَرَجَةٍ وَ فَتَحَ اللَّهُ لَهُ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ يَدْخُلُ مِنْ أَيِّهَا شَاءَ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ

بِيَمِينِهِ وَ حَاسَبَهُ حِسَاباً يَسِيراً وَ فَتَحَ عَلَيْهِ أَبْوَابَ الرَّحْمَهِ وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَرَى مَكَانَهُ مِنَ الْجَنَّهِ وَ قَدِ اقْتَدَى بِالْأَنْبِيَاءِ وَ دَخَلَ مَعَهُمُ الْجَنَّهَ وَ مَنِ اشْتَاكَ كُلَّ يَوْمٍ فَلَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَرَى إِبْرَاهِيمَ عليه السلام فِي الْمَنَامِ وَ كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فِي عَدَدِ الْأَنْبِيَاءِ وَ قَضَى اللَّهُ لَهُ كُلَّ حَاجَهٍ لَهُ فِي أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ يَكُونُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ وَ يَكُونُ فِي

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۵۵ و ما بين النجمين سقط عن المصدر المطبوع.

الْجَنَّةِ رَفِيقَ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام وَ رَفِيقَ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ قَالَ علیه السلام رَكْعَتَانِ بِسِوَاكٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً بِغَيْرِ سِوَاكٍ (۱).

**[ترجمه]جامع الاخبار: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که هر روز یک بار مسواک کند، خدا از او خشنود باشد و بهشت دارد، و هر که هر روز دو بار مسواک کند، سنت پیغمبران را ادامه داده و خدا به ازای هر نماز او ثواب صد رکعت را بنویسد، و از فقر برهد، بویش خوش شود، قوه حافظه اش را بیفزاید، فهمش نیرومند شود، خوراکش گوارا گردد، دردهای دندان هایش بروند، بیماری از او دور شود، و فرشته ها با او مصافحه کنند از نوری که در او بینند، و نیز دندان هایش پاک شوند و فرشته ها هنگام بیرون رفتن او از خانه، او را بدرقه کنند و حاملان عرش و کروبیان برایش آمرزش خواهند و خدا به شمار هر مرد و زن مؤمن، ثواب هزار سال را برایش بنویسد، و هزار درجه از او بالا برد، و همه درهای بهشت را به رویش باز کند تا از هر کدام خواهد به درون رود، و نامه عملش را به دست راستش دهد، و حسابش را آسان کند و درهای رحمت بر او گشاید، و از دنیا نرود تا جای خود را در بهشت ببیند و از پیغمبران پیروی کرده و به همراه آنان به بهشت رود.

و هر کس که هر روز مسواک کند، از دنیا نرود تا ابراهیم علیه السّلام را خواب ببیند، روز قیامت در شمار پیغمبران باشد، خدا هر حاجت دنیا و آخرتش را برآورد، روز قیامت در سایه عرش باشد که جز آن سایه ای نیست، و در بهشت یار ابراهیم علیه السّلام باشد و یار همه پیغمبران. و فرمود: دو رکعت با مسواک، نزد خدای تعالی از هفتاد رکعت بدون مسواک کردن محبوب تر است. - .[۱] جامع الاخبار: ۶۸ -

**[ترجمه]

«۵۰»

ف، [تحف العقول] عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: يَا عَلِيُّ عَلَيْكَ بِالسِّوَاكِ فَإِنَّ فِي السِّوَاكِ مَطْهَرَةً لِلْفَمِ وَ مَرْضَاةً لِلرَّبِّ وَ مَجْلَاةً لِلْعَيْنِ وَ الْخِلَالُ يُحَبِّبُكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَتَأَذَّى بِرِيحِ مَنْ لَا يَتَخَلَّلُ بَعْدَ الطَّعَامِ (۲).

**[ترجمه]تحف العقول: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! بر تو باد به مسواک کردن که مسواک کردن، پاکیزگی دهن است، و خشنودی پروردگار، و روشنی چشم. و خلال کردن تو را محبوب فرشته ها سازد، زیرا فرشته ها رنج برند از بوی آن کس که پس از خوردن، خلال نکند. - .[۲] تحف العقول: ۱۵ -

**[ترجمه]

«۵۱»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَتَانِي جَبْرَئِيلُ علیه السلام فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ كَيْفَ نَنْزِلُ عَلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَسْتَاكُونَ وَ لَا تَسْتَنْجُونَ بِالْمَاءِ وَ لَا تَغْسِلُونَ بَرَاجِمَكُمْ.

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: السِّوَاکُ مَطْیَبَهٌ لِلْفَمِ مَرْضَاهٌ لِلرَّبِّ وَ مَا أَتَانِی صَاحِبِی جَبْرَئِیلُ علیه السلام إِلَّا أَوْصَانِی بِالسِّوَاکِ حَتَّی خَشِیتُ أَنْ أُحْفِیَ مَقَادِیمَ فِیَ (۳).

**[ترجمه]نوادر راوندی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل به سوی من آمد و گفت: ای محمد! چگونه بر شما فرود آیم با اینکه شما مسواک نکنید طهارت با آب ندارید، و بند انگشتان خود را (که محل جمع شدن آلودگی هاست) نمی شوئید؟

و به همین سند رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مسواک کردن پاک کننده دهن است و خشنودی پروردگار، و یارم جبرئیل نزدم نیامد جز آنکه مرا سفارش کرد تا ترسیدم لب و قسمت جلو دهانم را بچینم!. -.[۳] نوادر راوندی: ۴۰ -

**[ترجمه]

«۵۲»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ إِبْرَاهِیمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ وَهْبَانَ عَنْ عَلِیِّ بْنِ حُبْشٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ یَحْیَی وَ جَعْفَرِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی غُنْدَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: عَلَیْکُمْ بِالسِّوَاکِ فَإِنَّهُ یُذْهِبُ وَسْوَسَهَ الصَّدْرِ(۴).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: امام صادق علیه السّلام فرمود: بر شما باد به مسواک کردن که آن وسوسه دل را ببرد. -.[۴] امالی شیخ طوسی ۲: ۲۷۹ -

**[ترجمه]

«۵۳»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: اسْتَاکُوا عَرْضاً وَ لَا تَسْتَاکُوا طُولًا وَ قَالَ التَّشْوِیصُ بِالْإِبْهَامِ وَ الْمُسَبِّحَهِ عِنْدَ الْوُضُوءِ السِّوَاکُ وَ الدُّعَاءُ عِنْدَ السِّوَاکِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِی حَلَاوَهَ نِعْمَتِکَ وَ أَذِقْنِی بَرْدَ رَوْحِکَ وَ أَطْلِقْ لِسَانِی بِمُنَاجَاتِکَ وَ قَرِّبْنِی مِنْکَ مَجْلِساً وَ ارْفَعْ ذِکْرِی فِی الْأَوَّلِینَ اللَّهُمَّ یَا خَیْرَ مَنْ سُئِلَ وَ یَا أَجْوَدَ مَنْ أَعْطَی حَوِّلْنَا مِمَّا تَکْرَهُ إِلَی مَا تُحِبُّ وَ تَرْضَی وَ إِنْ کَانَتِ الْقُلُوبُ قَاسِیَهً وَ إِنْ کَانَتِ الْأَعْیُنُ

۱- ۱. جامع الأخبار ص ۶۸.

۲- ۲. تحف العقول ص ۱۵.

۳- ۳. نوادر الراوندیّ: ۴۰.

۴- ۴. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۷۹.

جَامِدَةً وَ إِنْ كُنَّا أَوْلَى بِالْعَذَابِ فَأَنْتَ أَوْلَى بِالْمَغْفِرَهِ اللَّهُمَّ أَحْيِنِی فِی عَافِيَهٍ وَ أَمِتْنِی فِی عَافِيَهٍ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: دندان ها را به پهنا مسواک کنید، نه به طول آنها. و فرمود: کشیدن انگشت ابهام و مسبحه به دندان ها هنگام وضو گرفتن، مسواک کردن است و دعای هنگام مسواک کردن این است: «اللهم ارزقنی حلاوه نعمتک و أذقنی برد روحک و أطلق لسانی بمناجاتک و قربنی منک مجلسا و ارفع ذکری فی الأولین اللهم یا خیر من سئل و یا أجود من أعطی حولنا مما تکره إلی ما تحب و ترضی و إن کانت القلوب قاسیه و إن کانت الأعین جامده و إن کنا أولی بالعذاب فأنت أولی بالمغفره اللهم أحینی فی عافیه و أمتنی فی عافیه.»

(بار خدایا! به من روزی کن شیرینی نعمتت را و به من بچشان خنکی نسیم رحمتت را، و زبانم را به مناجاتت روان ساز، و مرا به خود نزدیک کن و نامم را در اولین بلند کن. بار خدایا! ای بهترین درخواست شده ها و بخشنده ترین بخشنده ها! مرا از آنچه بد داری بگردان و بدان چه دوست داری و می پسندی و اگر چه دل ها سخت و دیده ها بی اشکند، و اگر ما سزاوارتریم به عذاب، تو سزاوارتری به آمرزش. بار خدایا! مرا در عافیت زنده دار و در عافیت بمیران.)

**[ترجمه]

«۵۴»

كِتَابُ الْإِمَامَهِ وَ التَّبْصِرَهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: السِّوَاكُ شَطْرُ الْوُضُوءِ وَ الْوُضُوءُ شَطْرُ الْإِيمَانِ.

**[ترجمه]امامت و تبصره: امام صادق از پدرش، از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: مسواک کردن نیمی از وضو است و وضو نیمی از ایمان .

**[ترجمه]

أبواب الطيب

باب ۱۹ الطيب و فضله و أصله

روايات

«۱»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَيْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الرِّيحُ الطَّيِّبَهُ تَشُدُّ الْقَلْبَ وَ تَزِيدُ فِي الْجِمَاعِ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بوی خوش دل را محکم کند و به قوه جماع بیفزاید. - . قرب الاسناد: ۱۰۲ -

**[ترجمه]

«۲»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] عَنْ أَبِیهِ وَ ابْنِ الْوَلِیدِ مَعاً عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ مَعاً عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ بَکْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام یَقُولُ: قَلِّمُوا أَظْفَارَکُمْ یَوْمَ الثُّلَاثَاءِ وَ اسْتَحِمُّوا یَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ أَصِیبُوا مِنَ الْحِجَامَهِ حَاجَتَکُمْ یَوْمَ الْخَمِیسِ وَ تَطَیَّبُوا بِأَطْیَبِ طِیبِکُمْ یَوْمَ الْجُمُعَهِ(۲).

ل، [الخصال] عن أبیه عن محمد العطار عن الأشعری: مثله (۳).

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: امام کاظم علیه السّلام می فرمود: ناخن هایتان را روز سه شنبه بگیرید، و روز چهارشنبه حمام کنید، و حجامت مورد نیاز در پنجشنبه باشد و بهترین بوی خوش را روز جمعه به کار زنید. - .[۲] عیون اخبارالرضا ۱: ۲۷۹ -

خصال: مانند این روایت را آورده است. - .[۳] خصال ۲ : ۳۰ -

**[ترجمه]

«۳»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] عَنِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ حُکَیْمٍ عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: لَا یَنْبَغِی للرجال [لِلرَّجُلِ] أَنْ یَدَعَ الطِّیبَ فِی کُلِّ یَوْمٍ فَإِنْ لَمْ یَقْدِرْ عَلَیْهِ فَیَوْمٌ وَ یَوْمٌ لَا فَإِنْ لَمْ یَقْدِرْ فَفِی کُلِّ جُمُعَهٍ وَ لَا یَدَعُ ذَلِکَ (۴).

ل، [الخصال] عن أبیه عن محمد العطار عن الأشعری: مثله (۵).

ص: ۱۴۰

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۱۰۲.

۲- ۲. عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۷۹.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۳۰.

۴- ۴. عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۷۹.

۵- ۵. الخصال ج ۲ ص ۳۰.

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: امام رضا علیه السّلام فرمود: نشاید مردها بوی خوش را وانهند در هر روزی و اگر نتوانند یک روز درمیان و اگر نتواند در هر جمعه و آن را از دست ندهد. - .[۴] عیون اخبارالرضا ۱: ۲۷۹ -

خصال: مانند این روایت را آورده است. - .[۵] خصال ۲: ۳۰ -

**[ترجمه]

«۴»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] بِالْأَسَانِیدِ الثَّلَاثَهِ عَنِ الرِّضَا علیه السلام عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: الطِّیبُ نُشْرَهٌ وَ الْعَسَلُ نُشْرَهٌ وَ الرُّکُوبُ نُشْرَهٌ وَ النَّظَرُ إِلَی الْخُضْرَهِ نُشْرَهٌ(۱).

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: امام رضا علیه السّلام از پدرانش علیهم السّلام روایت می کند که فرمود: بوی خوش نشاط است، و عسل نشاط است، و سواری نشاط است و نگاه به سبزه نشاط است. - . عیون اخبارالرضا ۲: ۴۰ -

**[ترجمه]

«۵»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنِ الْفَحَّامِ عَنِ الْمَنْصُورِیِّ عَنْ عَمِّ أَبِیهِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی یُحِبُّ الْجَمَالَ وَ التَّجَمُّلَ وَ یَکْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَی عَبْدٍ نِعْمَهً أَحَبَّ أَنْ یَرَی عَلَیْهِ أَثَرَهَا قِیلَ وَ کَیْفَ ذَلِکَ قَالَ یُنَظِّفُ ثَوْبَهُ وَ یُطَیِّبُ رِیحَهُ وَ یُحَسِّنُ دَارَهُ وَ یَکْنُسُ أَفْنِیَتَهُ حَتَّی إِنَّ السِّرَاجَ قَبْلَ مَغِیبِ الشَّمْسِ یَنْفِی الْفَقْرَ وَ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ (۲).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: امام هادی از پدرانش علیهم السّلام، از امام صادق علیه السّلام روایت می کند که فرمود: خدا دوست دارد جمال و تجمل را و بد دارد ژولیدگی و ژولیده سازی را، زیرا چون خدا نعمتی را به بنده اش دهد، می خواهد اثرش نموده شود. گفته شد: چگونه؟ فرمود: جامه نظیف دارد، عطر بزند، خانه اش را زیبا کند و گرد آن را جاروب کند، تا آنجا که روشن کردن چراغ پیش از غروب خورشید، فقر را ببرد و روزی را بیفزاید. - .[۱] امالی شیخ طوسی ۱: ۲۸۱ -

**[ترجمه]

«۶»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ رَفَعَهُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِینَ الْعِطْرُ وَ إِحْفَاءُ الشَّعْرِ وَ کَثْرَهُ الطَّرُوقَهِ(۳).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: سه چیز از سنت های مرسلین است: عطر، چیدن مو و کثرت جماع کردن. - .[۲] خصال ۱: ۴۶ -

**[ترجمه]

«۷»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثٌ يُسْمِنَّ وَ ثَلَاثٌ يَهْزِلْنَ فَأَمَّا الَّتِي يُسْمِنَّ فَإِدْمَانُ الْحَمَّامِ وَ شَمُّ الرَّائِحَةِ الطَّيِّبَةِ وَ لُبْسُ الثِّيَابِ اللَّيِّنَةِ وَ أَمَّا الَّتِي يَهْزِلْنَ فَإِدْمَانُ أَكْلِ الْبَيْضِ وَ السَّمَكِ وَ الطَّلْعِ (۴).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: سه تا فربه کنند و سه تا لاغر. آنها که فربه کنند مداومت در حمام رفتن، بوییدن بوی خوش و پوشیدن جامه نرم است، و آنها که لاغر کنند ادامه خوردن تخم مرغ و ماهی و طلع [شکوفه] خرما باشند. - .[۳] خصال ۱: ۷۴ -

**[ترجمه]

«۸»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ بُنْدَارَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْحَمَّادِيِّ عَنْ صَالِحِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْجَعْدِ عَنْ سَلَّامِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ ثَابِتٍ الْبُنَانِيِّ عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: حُبِّبَ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا ثَلَاثٌ النِّسَاءُ وَ الطِّيبُ وَ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ(۵).

**[ترجمه]خصال: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: دوست داشتنی من از دنیا سه چیز است: زنان، بوی خوش و چشم روشنی من در نماز است. - .[۴] خصال ۱: ۷۹ -

**[ترجمه]

«۹»

ل، [الخصال] عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقَطَّانِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ غَالِبٍ عَنْ يَسَارٍ مَوْلَى أَنَسٍ عَنْ أَنَسٍ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمُ النِّسَاءُ وَ الطِّيبُ وَ جُعِلَ

۱- ۱. عیون الأخبار ج ۲ ص ۴۰.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۲۸۱.
۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۴۶.
۴- ۴. الخصال ج ۱ ص ۷۴.
۵- ۵. الخصال ج ۱ ص ۷۹.

قُرَّهُ عَيْنِی فِی الصَّلَاهِ(۱).

**[ترجمه]خصال: پیغمبر صلی الله علیه فرمود: دوست داشتنی های من از دنیا سه چیز است: زنان، بوی خوش، و چشم روشنی من در نماز است. - . خصال ۱: ۷۹ -

**[ترجمه]

«۱۰»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ طَلْحَهَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَرْبَعٌ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ الْعِطْرُ وَ النِّسَاءُ وَ السِّوَاكُ وَ الْحِنَّاءُ(۲).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چهار چیز از سنن مرسلین باشند: عطر، زنان، مسواک کردن و حنا کردن. - .[۶] خصال ۱: ۱۱۵ -

**[ترجمه]

«۱۱»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْفُرَاتِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَطَرٍ عَنِ السَّكَنِ الْخَزَّازِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لِلَّهِ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُحْتَلِمٍ فِي كُلِّ جُمُعَهٍ أَخْذُ شَارِبِهِ وَ أَظْفَارِهِ وَ مَسُّ شَيْ ءٍ مِنَ الطِّيبِ (۳).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: خدا را حقی است بر هر فرد بالغ در هر جمعه؛ زدن سبیل، گرفتن ناخن و به کار بردن مقداری بوی خوش. - .[۷] خصال ۲: ۳۰ -

**[ترجمه]

باب ۲۰ المسک و العنبر و الغالیه

روایات

«۱»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله كَانَ يَتَطَيَّبُ بِالْمِسْكِ حَتَّى يُرَى وَبِيصُهُ فِي مَفَارِقِهِ (۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق از پدرش علیهما السّلام روایت می کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله با

مُشک، بوی خوش بر می گرفت تا درخشش آن در گیسوانش دیده می شد. - .[۱] قرب الاسناد: ۹۲ -

**[ترجمه]

«۲»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] عَنِ الْبَیْهَقِیِّ عَنِ الصُّولِیِّ عَنْ أُمِّ أَبِیهِ قَالَتْ: کَانَ الرِّضَا علیه السلام یَتَبَخَّرُ بِالْعُودِ الْهِنْدِیِّ النِّی ءِ یَسْتَعْمِلُ بَعْدَهُ مَاءَ وَرْدٍ وَ مِسْکاً(۵).

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: ام ابیه گفت: امام رضا علیه السّلام با عود هندی تر بخور می کرد و به دنبالش گلاب و مشک به کار می برد. - .[۲] عیون اخبارالرضا ۲: ۱۷۹ -

**[ترجمه]

«۳»

مکا، [مکارم الأخلاق]: کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَتَطَیَّبُ بِذُکُورِ الطِّیبِ وَ هُوَ الْمِسْکُ وَ الْعَنْبَرُ وَ کَانَ صلی الله علیه و آله یَتَطَیَّبُ بِالْغَالِیَهِ تُطَیِّبُهُ بِهَا نِسَاؤُهُ بِأَیْدِیهِنَ (۶).

ص: ۱۴۲

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۷۹.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۱۱۵.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۳۰.

۴- ۴. قرب الإسناد ص ۹۲، و قوله« وبیصه» أی بریقه و لمعانه.

۵- ۵. عیون الأخبار ج ۲ ص ۱۷۹، و العود الهندی نوع من الخشب یتبخر به و النی ء الطری و فی بعض النسخ« السنی» یعنی النوع العالی منه.

۶- ۶. مکارم الأخلاق ص ۳۵، و ذکور الطیب ما لا لون له یصلح لتطییب الرجال و اناثها کالزعفران، و عن أبی عبد اللّه علیه السلام قال: قال رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله: طیب النساء ما ظهر لونه و خفی ریحه، و طیب الرجال ما خفی لونه و ظهر ریحه.

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: شيوه پيغمبر صلى الله عليه و آله آن بود كه با طيب بى رنگ خود را خوشبو مى كرد و آن مشك و عنبر بود، و بـا غـاليه (مخلوطى از عطرهـا) هم خود را خوشـبو مى كرد كه همسـرانش بـا دست خود آن را برايش به كار مى بردند. - .[۳] مكارم الاخلاق: ۳۵ -

**[ترجمه]

باب ۲۱ أنواع البخور

أقول

قد مر فى باب المسك ما يتعلق به.

**[ترجمه]قد مر فى باب المسك ما يتعلق به.

**[ترجمه]

روايات

«۱»

مكا، [مكارم الأخلاق]: كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يَسْتَجْمِرُ بِالْعُودِ الْقَمَارِيِ (۱).

وَ مِنْ مَسْمُوعَاتِ السَّيِّدِ نَاصِحِ الدِّينِ أَبِي الْبَرَكَاتِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: عَلَيْكُمْ بِهَذَا الْعَوْدِ الْهِنْدِيِّ فَإِنَّ فِيهِ سَبْعَةَ أَشْفِيَةٍ وَ أَطْيَبُ الطِّيبِ الْمِسْكُ.

وَ عَنْ مُرَازِمٍ قَالَ: دَخَلْتُ مَعَ أَبِي الْحَسَنِ الْحَمَّامَ فَلَمَّا خَرَجَ إِلَى الْمَسْلَخِ دَعَا بِمِجْمَرٍ فَتَجَمَّرَ ثُمَّ قَالَ جَمِّرُوا مُرَازِماً قَالَ قُلْتُ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَأْخُذَ نَصِيبَهُ يَأْخُذُ قَالَ نَعَمْ.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُدَخِّنَ ثِيَابَهُ إِذَا كَانَ يَقْدِرُ.

عَنْ عُمَيْرِ بْنِ مَأْمُونٍ وَ كَانَتِ ابْنَهُ عُمَيْرٍ تَحْتَ الْحَسَنِ عليه السلام قَالَ قَالَتْ: دَعَا ابْنُ الزُّبَيْرِ الْحَسَنَ عليه السلام إِلَى وَلِيمَةٍ فَنَهَضَ الْحَسَنُ عليه السلام وَ كَانَ صَائِماً فَقَالَ لَهُ ابْنُ الزُّبَيْرِ كَمَا أَنْتَ حَتَّى نُتْحِفَكَ بِتُحْفَهِ الصَّائِمِ فَدَهَنَ لِحْيَتَهُ وَ جَمَّرَ ثِيَابَهُ قَالَ الْحَسَنُ عليه السلام وَ كَذَلِكَ تُحْفَهُ الْمَرْأَهِ تَمْشُطُ وَ تُجَمِّرُ ثوابها [ثَوْبَهَا](۲).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: پيغمبر صلى الله عليه و آله را شيوه اين بود كه با عود قمارى بخور مى كرد. - . مكارم الاخلاق: ۳۵ ، قمار: مكانى است در حلب كه عود قمارى از آنجاست. -

و رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بر شما باد به اين عود هندى كه هفت شفا دارد و بهترين عطر مشك است.

و مرازم گفت: بـا امـام كـاظم به حمـام رفتم و چـون به رخت كن بيرون شـد، عـود سـوزى خواست و خود را عود داد. سـپس فرمود: مرازم را هم عود دهيد. من پرسيدم: هر كه خواهد از آن بهره گيرد؟ فرمود: آرى.

امام صادق عليه السّلام فرمود: شايسته است به هر كس كه چون تواند، جامه خود را بخور دهد.

از عمير بن مأمون كه دخترش همسـر امام حسن عليه السّـلام بود نقل است كه از قول دخترش گفته: ابن زبير آن حضـرت را به وليمه دعوت كرد و آن حضـرت با اينكه روزه بود اجابت كرد. ابن زبير به آن حضـرت گفت: باش تا تحفه روزه دار تقديمت كنم! و به ريش او عطر زد و جـامه هـايش را بخـور داد. امـام حسن عليه السّـلام فرمـود: و همچنين تحفه براى زن شـانه زدن و بخور دادن جامه هاى او است. - . مكارم الاخلاق: ۴۵- ۴۶ -

**[ترجمه]

«۲»

طـا، [الأمان] رُوِىَ: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صـلى الله عليه و آله كَانَ يَقُولُ عِنْـدَ بَخُورِهِ- الْحَمْـدُ لِلَّهِ الَّذِى بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ اللَّهُمَّ طَيِّبْ عَرْفَنَـا وَ زَكِّ رَوَائِحَنَـا وَ أَحْسِنْ مُنْقَلَبَنَـا وَ اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَنَا وَ الْجَنَّهَ مَعَادَنَا وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ عافيتنا [عَافِيَتِكَ] إِيَّانَا وَ كَرَامَتِكَ لَنَا- إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ.

وَ فِى رِوَايَهٍ: أَنَّهُ يَقُولُ الْإِنْسَـانُ عِنْـدَ تَبَخُّرِهِ وَ تَعَطُّرِهِ- الْحَمْـدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَـالَمِينَ اللَّهُمَّ أَمْتِعْنِى بِمَـا رَزَقْتَنِى وَ لَـا تَسْـلُبْنِى مَا خَوَّلْتَنِى وَ اجْعَلْ ذَلِكَ رَحْمَهً وَ لَا تَجْعَلْهُ وَبَالًا عَلَيَّ اللَّهُمَّ ذَكِّرْنِى بَيْنَ خَلْقِكَ كَمَا طَيَّبْتَ بَشَرِى وَ نُشُورِى بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ عِنْدِى.

ص: ۱۴۳

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۳۵، و قمار كقطام موضع يجلب منه العود القمارى.

۲- ۲. مكارم الأخلاق: ۴۵- ۴۶.

**[ترجمه]امان الاخطار: روايت است كه رسول خـدا صـلى الله عليه و آله هنگام بخور دادن مى گفت: «الحمد لله الذى بنعمته تتم الصالحـات اللهم طيب عرفنـا و زكـ روائحنـا و أحسن منقلبنا و اجعل التقوى زادنا و الجنه معادنا و لا تفرق بيننا و بين عافيتنا [عافيتك] إيانا و كرامتك لنا- إنك على كل شـى ء قدير.» (سپاس خدا را كه به نعمت او صالحات به كمال رسـند. بار خدايا! خوش كن بوى مـا را، و پاكيزه كن بوهاى ما را، و سـرانجام ما را خوش كن، و تقوا را توشه ما ساز و بهشت را معاد ما، و ما را از عافيت جدا مكن و همچنين از كرامت خود كه تو بر هر چيز توانايى.)

و در روايتى است كه آدمى هنگام بخور دادن و عطر زدن بگويد: «الحمد لله رب العالمين اللهم أمتعنى بما رزقتنى و لا تسـلبنى مـا خـولتنى و اجعـل ذلـك رحمه و لاـ تجعله وبالاـ على اللهم ذكرنى بين خلقـك كمـا طيبت بشـرى و نشورى بفضـل نعمتك عنـدى.» (سپاس خـدا را سـزاست كه پروردگار جهانيان است. خدايا! مرا بهره مند كن از آنچه روزى ام كردى، و از من مگير آنچه به من دادى، و آن را بر من رحمت سـاز و وبـال مساز. خـدايا! مرا در ميان خلقت نام آور كن، چنانى كه تنم و نشاطم را پاكيزه كردى از بخشش نعمتت بر من.)

**[ترجمه]

باب ۲۲ ماء الورد

أقول

قد مر فى باب المسك ما يتعلق به.

**[ترجمه]قد مر فى باب المسك ما يتعلق به.

**[ترجمه]

روايات

«۱»

ضا، [فقه الرضا عليه السـلام]: إِذَا تَمَشَّطْتَ فَامْسَحْ وَجْهَكَ بِمَاءِ وَرْدٍ فَإِنِّى أَرْوِى عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السـلام أَنَّهُ قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْهَبَ فِى حَاجَةٍ لَهُ وَ مَسَحَ وَجْهَهُ بِمَاءِ وَرْدٍ لَمْ يُرْهَقْ وَ تُقْضَى حَاجَتُهُ وَ لَا تُصِيبُهُ قَتَرٌ وَ لَا ذِلَّةٌ.

**[ترجمه]فقه الرضا: چون شانه كردى به روى خود گلاب بمال، زيرا من از امام صادق عليه السّلام روايت دارم كه فرمود: هر كه خواهد دنبال حاجتى رود، گلاب تازه به رويش زند كه حاجتش برآيد و روسياهى و خوارى به او نرسد.

**[ترجمه]

«۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] رُوِیَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنَّ مَاءَ الْوَرْدِ یَزِیدُ فِی مَاءِ الْوَجْهِ وَ یَنْفِی الْفَقْرَ.

وَ رَوَی الثُّمَالِیُّ عَنْهُ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَنْ مَسَحَ وَجْهَهُ بِمَاءِ الْوَرْدِ لَمْ یُصِبْهُ فِی ذَلِکَ الْیَوْمِ بُؤْسٌ وَ لَا فَقْرٌ وَ مَنْ أَرَادَ التَّمَسُّحَ بِمَاءِ الْوَرْدِ فَلْیَمْسَحْ بِهِ وَجْهَهُ وَ یَدَیْهِ وَ لْیَحْمَدْ رَبَّهُ وَ لْیُصَلِّ عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: گلاب رخسار را خرم کند و فقر را ببرد.

و ثمالی از آن حضرت روایت کرده است که فرمود: هر که گلاب به رویش زند، آن روز سختی و نداری نبیند، و هر که خواهد گلاب بمالد، باید آن را به رخسار و دست هایش بمالد و پروردگارش را سپاس گوید و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله فرستد. - .[۱] مکارم الاخلاق: ۴۷ -

**[ترجمه]

«۳»

طا، [الأمان] رُوِّینَا فِی کِتَابِ الْمِضْمَارِ: فِی عَمَلِ أَوَّلِ یَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّ مَنْ ضَرَبَ وَجْهَهُ بِکَفٍّ مِنْ مَاءِ الْوَرْدِ أَمِنَ ذَلِکَ الْیَوْمَ مِنَ الذِّلَّهِ وَ الْفَقْرِ وَ مَنْ وَضَعَ عَلَی رَأْسِهِ مِنْ مَاءِ وَرْدٍ أَمِنَ تِلْکَ السَّنَهَ مِنَ الْبِرْسَامِ.

**[ترجمه]امان الاخطار: در «کتاب مضمار» در عمل روز اول ماه رمضان از امام صادق علیه السّلام روایت داریم که فرمود: هر که مشتی گلاب به رویش زند، آن روز از خواری و نداری در امان است و هر که گلاب بر سر خود نهد، آن سال از بیماریِ برسام (التهابی است که در پرده بین کبد و قلب ایجاد می شود.) برَهَد.

**[ترجمه]

«۴»

الْإِقْبَالُ، رَوَیْتُ مِنْ کِتَابِ جَعْفَرِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِثْلَهُ وَ زَادَ فِی آخِرِهِ فَلَا تَدَعُوا مَا نُوصِیکُمْ بِهِ (۲).

ص: ۱۴۴

۱- ۱. مکارم الأخلاق: ۴۷.

۲- ۲. الإقبال ص ۱۴۶.

**[ترجمه]اقبال: مانند این روایت را از امام صادق آورده و به دنبالش افزوده: «وانتهید آنچه را که به شما سفارش می کنیم.» - .[۲] اقبال: ۱۴۶ -

**[ترجمه]

باب ۲۳ التدهن و فضل تدهین المؤمن

روایات

«۱»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ بَشِیرٍ الدَّهَّانِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ دَهَنَ مُسْلِماً کَرَامَهً لَهُ کَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ بِکُلِّ شَعْرَهٍ نُوراً یَوْمَ الْقِیَامَهِ(۱).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس برای احترام به مؤمنی به او عطر بمالد، خدا عزوجل در روز قیامت، به ازای هر موی او برایش نوری بنویسد. - .[۱] ثواب الاعمال: ۱۳۷ -

**[ترجمه]

«۲»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِیِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: فَضْلُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ عَلَی سَائِرِ النَّاسِ کَفَضْلِ دُهْنِ الْبَنَفْسَجِ عَلَی سَائِرِ الْأَدْهَانِ (۲).

**[ترجمه]نوادر راوندی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برتری ما خاندان بر دیگر مردم چون برتری عطر بنفشه است بر دیگر عطرها. - .[۲] نوادر راوندی: ۱۶ -

**[ترجمه]

«۳»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: ادَّهِنُوا بِالْبَنَفْسَجِ فَإِنَّهُ بَارِدٌ فِی الصَّیْفِ وَ حَارٌّ فِی الشِّتَاءِ، وَ قَالَ علیه السلام: فَضْلُ الْبَنَفْسَجِ عَلَی الْأَدْهَانِ کَفَضْلِ الْإِسْلَامِ عَلَی سَائِرِ الْأَدْیَانِ.

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَأْخُذَ دُهْناً تَدَّهِنُ بِهِ فَقُلِ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الزِّینَهَ وَ الدِّینَ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّیْنِ وَ الشَّنَآنِ.

۱- ۱. ثواب الأعمال ص ۱۳۷.

۲- ۲. نوادر الراونديّ: ۱۶.

**[ترجمه]دعوات راوندی: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: با بنفشه عطر بزنید که خنک است در تابستان و گرم است در زمستان. و فرمود: برتری عطر بنفشه بر دیگر عطرها، چون برتری اسلام است بر دیگر دین ها.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: چون خواهی عطری برگیری و به خود بمالی، بگو: « اللهم إنی أسألك الزینه و الدین و أعوذ بك من الشین و الشنآن.» (بار خدایا! من از تو زینت و دین خواهم، و به تو پناه برم از زشتی و دشمنی.)

**[ترجمه]

أبواب الرياحين

باب ۲۴ الورد

روايات

«۱»

ن، [عيون أخبار الرضا عليه السلام] بِالْأَسَانِيدِ الثَّلَاثَهِ عَنِ الرِّضَا عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عليهم السلام قَالَ: حَيَّانِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِالْوَرْدِ بِكِلْتَا يَدَيْهِ فَلَمَّا أَدْنَيْتُهُ إِلَى أَنْفِي قَالَ أَمَا إِنَّهُ سَيِّدُ رَيْحَانِ الْجَنَّهِ بَعْدَ الْآسِ (۱).

صح، [صحيفه الرضا عليه السلام] عنه عليه السلام: مثله (۲).

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: امام رضا علیه السّلام از پدرانش، از علی علیه السّلام روایت می کند که فرمود: رسول خدا با دو دستش به من گلی بخشید و چون آن را به بینی نزدیک کردم فرمود: آگاه باش که این پس از گل آس، سید گل های بهشت است. - .[۱] عیون اخبارالرضا ۲: ۴۱ -

صحیفه الرضا: مانند این روایت را آورده است. - .[۲] صحیفه الرضا: ۱۸ -

**[ترجمه]

«۲»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الصَّفَّارِ وَ لَمْ يَحْفَظْ إِسْنَادَهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ سَقَطَ مِنْ عَرَقِي فَنَبَتَ مِنْهُ الْوَرْدُ فَوَقَعَ فِي الْبَحْرِ فَذَهَبَ السَّمَکُ لِيَأْخُذَهَا وَ ذَهَبَ الدُّعْمُوصُ لِيَأْخُذَهَا فَقَالَتِ السَّمَكَهُ هِيَ لِي وَ قَالَ الدُّعْمُوصُ هِيَ لِي فَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمَا مَلَكاً يَحْكُمُ بَيْنَهُمَا فَجَعَلَ نِصْفَهَا لِلسَّمَكَهِ وَ جَعَلَ نِصْفَهَا لِلدُّعْمُوصِ (۳) ثُمَّ قَالَ أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ تَرَى أَوْرَاقَ الْوَرْدِ تَحْتَ جُلَّنَارِهِ وَ هِيَ خَمْسَهٌ اثْنَتَانِ مِنْهَا عَلَى صِفَهِ السَّمَكِ وَ اثْنَتَانِ مِنْهَا عَلَى صِفَهِ الدُّعْمُوصِ وَ وَاحِدَهٌ مِنْهَا نِصْفُهَا عَلَى صِفَهِ السَّمَكِ وَ نِصْفُهَا عَلَى صِفَهِ الدُّعْمُوصِ (۴).

**[ترجمه]علل الشرائع: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون مرا شبانه به آسمان بردند، قطره ای از عرقم فرو ریخت و به دریا افتاد و ماهی آمد تا آن را برگیرد و دعموص (کرمکی سیاه است) هم آمد تا آن را برگیرد. ماهی گفت از آنِ من است و دعموص گفت از آنِ من است. خدا عزوجل فرشته ای فرستاد تا حَکَم آنها باشد. پس آن را دو نیم کرد و به هر کدام نیمی داد.

پدرم (رضی الله عنه) گفت: برگ های گل را زیر گل انار بینی که پنج است؛ دو تا به شکل ماهی و دو تا به شکل دعموص(کرم سیاه رنگی است که در ته آبگیرها و برکه ها بهنگام خشک شدن آب پدید آید نام این کرم در زبان متداول البُلْعُیط یا البُرْعُط است.) و یکی هم نیمی چون ماهی و نیمی چون دعموص است. -.[۳] علل الشرائع ۲: ۲۸۹ ، و «جلنار»، تغییر یافته «گلنار» در عربی است، یعنی گل انار، اما در اینجا یعنی آن خطی که گل را نیمه می کند. -

**[ترجمه]

«۳»

مکا، [مکارم الأخلاق] مِنْ كِتَابِ طِبِّ الْأَئِمَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُنْذِرِ يَرْفَعُهُ قَالَ: لَمَّا أُسْرِيَ بِالنَّبِيِّ صلی الله علیه و آله إِلَى السَّمَاءِ حَزِنَتِ الْأَرْضُ لِفَقْدِهِ وَ أَنْبَتَتِ الْكَبَرَ(۵) فَلَمَّا

۱- ۱. عیون الأخبار ج ۲ ص ۴۱.

۲- ۲. صحیفه الرضا علیه السلام ص ۱۸.

۳- ۳. الدعموص بالضم دويبه- أو دوده- سوداء تكون فى الغدران إذا نشت، و قيل: دوده لها رأسان تراها فى الماء إذا قل.

۴- ۴. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۸۹ و جلنار معرب گلنار ورد الرمان، و المراد هنا الغلاف الذى ينشق عن الورد.

۵- ۵. الكبر- محركه- شجر الاصف أو هو أصل، قيل هو لغه عبريه.

رَجَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَرِحَتْ وَ أَنْبَتَتِ الْوَرْدَ فَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَشَمَّ رَائِحَهَ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَلْيَشَمَّ الْوَرْدَ.

فِي حَدِيثٍ آخَرَ: لَمَّا عُرِجَ بِالنَّبِيِّ صلى الله عليه و آله عَرِقَ فَتَقَطَّرَ عَرَقُهُ إِلَى الْأَرْضِ فَأَنْبَتَتْ مِنَ الْعَرَقِ الْوَرْدَ الْأَحْمَرَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَنْ أَرَادَ أَنْ يَشَمَّ رَائِحَتِي فَلْيَشَمَّ الْوَرْدَ الْأَحْمَرَ.

عَنِ الْفِرْدَوْسِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: الْوَرْدُ الْأَبْيَضُ خُلِقَ مِنْ عَرَقِي لَيْلَهَ الْمِعْرَاجِ وَ الْوَرْدُ الْأَحْمَرُ خُلِقَ مِنْ جَبْرَئِيلَ وَ الْوَرْدُ الْأَصْفَرُ مِنْ بُرَاقٍ (۱).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: پيغمبر صلى الله عليه و آله فرمود كه چون شبانه او را به آسمان بالا- بردند، زمين از فقدانش غمگين شد و «كبر» را رويانيد - . نام درختى است. گفته شده لغت عبرى است. - و چون پيغمبر صلى الله عليه و آله به زمين برگشت، زمين شاد شد و درخت گل را برآورد، و هر كه خواهد بوى پيغمبر صلى الله عليه و آله را ببويد، گل محمدى را ببويد.

در حديث ديگر است كه چون پيغمبر صلى الله عليه و آله را به معراج بردند، عرقش به زمين چكيد و گل سرخ در آن روييد، و پيغمبر صلى الله عليه و آله فرمود: هر كه بوى مرا خواهد، گل سرخ را ببويد.

و در حديث فردوس است كه پيغمبر صلى الله عليه و آله فرمود كه شب معراج، از عرق من گل سفيد آفريده شد، از عرق جبرئيل گل سرخ و از عرق بُراق گل زرد. - .[۲] مكارم الاخلاق: ۴۷ -

**[ترجمه]

باب ۲۵ النرجس و المرزنجوش و الآس و سائر الرياحين

أقول

قد مر خبر الرضا عليه السلام فى باب الورد.

**[ترجمه]قد مر خبر الرضا عليه السلام فى باب الورد.

**[ترجمه]

روايات

«۱»

مكا، [مكارم الأخلاق] رَوَى الْحَسَنُ بْنُ الْمُنْذِرِ رَفَعَهُ قَالَ: لِلنَّرْجِسِ فَضَائِلُ كَثِيرَهٌ فِي شَمِّهِ وَ دُهْنِهِ وَ لَمَّا أُضْرِمَتِ النَّارُ لِإِبْرَاهِيمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَرْداً وَ سَلَاماً أَنْبَتَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فِي تِلْكَ النَّارِ النَّرْجِسَ فَأَصْلُ النَّرْجِسِ مِمَّا أَنْبَتَهُ اللَّهُ

تَعَالَی فِی ذَلِکَ الزَّمَانِ.

عَنْ أَنَسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: عَلَیْکُمْ بِالْمَرْزَنْجُوشِ فَشَمُّوهُ فَإِنَّهُ جَیِّدٌ لِلْخُشَامِ.

عَنْهُ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله کَانَ إِذَا رُفِعَ إِلَیْهِ الرَّیْحَانُ شَمَّهُ وَ رَدَّهُ إِلَّا الْمَرْزَنْجُوشَ فَإِنَّهُ کَانَ لَا یَرُدُّهُ.

عَنِ الْکَاظِمِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: نِعْمَ الرَّیْحَانُ الْمَرْزَنْجُوشُ یَنْبُتُ تَحْتَ سَاقَیِ الْعَرْشِ وَ مَاؤُهُ شِفَاءُ الْعَیْنِ (۲).

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۷.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۴۷- ۴۸.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: در روایتی که حسن بن منذر آورده، گفته است: گل نرگس را فضائل بسیار است، چه در بوییدنش و چه عطرش که مالیده شود. و چون بر ابراهیم علیه السّلام آتش افروختند و خدا عزوجل آن را به روی او سرد و سالم ساخت، خدای تبارک و تعالی در آن نرگس را آفرید و اصل آن از همان است که خدای تعالی در آن زمانش آفرید.

به نقل از انس آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما باد به مرزنجوش؛ آن را بو کنید که برای بینی خوب است.

و از او است که هر گلی که به رسول خدا صلی الله علیه و آله داده می شد، آن را بو می کرد و بر می گرداند، جز مرزنجوش که آن را بر نمی گرداند.

و به روایت امام کاظم علیه السّلام، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه خوب گلی است مرزنجوش که زیر ساق عرش می روید و آب آن درمان چشم است. - .[۱] مکارم الاخلاق: ۴۷- ۴۸ -

**[ترجمه]

أبواب المساکن و ما یتعلق بها

باب ۲۶ سعه الدار و برکتها و شومها و حدها و ذم من بناها ریاء و سمعه

الآیات

النحل: وَ اللَّهُ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ بُیُوتِکُمْ سَکَناً وَ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعامِ بُیُوتاً تَسْتَخِفُّونَها یَوْمَ ظَعْنِکُمْ وَ یَوْمَ إِقامَتِکُمْ إلی قوله وَ اللَّهُ جَعَلَ لَکُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلالًا وَ جَعَلَ لَکُمْ مِنَ الْجِبالِ أَکْناناً(۱)

الشعراء: أَ تَبْنُونَ بِکُلِّ رِیعٍ آیَهً تَعْبَثُونَ- وَ تَتَّخِذُونَ مَصانِعَ لَعَلَّکُمْ تَخْلُدُونَ إلی قوله تعالی أَ تُتْرَکُونَ فِی ما هاهُنا آمِنِینَ- فِی جَنَّاتٍ وَ عُیُونٍ وَ زُرُوعٍ وَ نَخْلٍ طَلْعُها هَضِیمٌ- وَ تَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبالِ بُیُوتاً فارِهِینَ- فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُونِ (۲)

<meta info="- و الله جعل لکم من بیوتکم سکنا و جعل لکم من جلود الأنعام بیوتا تستخفونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم.» تا آنجا که فرماید: «و الله جعل لکم مما خلق ظلالا و جعل لکم من الجبال أکنانا.» - . نحل/ ۸۰ - ۸۱ -

{و خدا برای شما خانه هایتان را مایه آرامش قرار داد، و از پوست دام ها برای شما خانه هایی نهاد که آن [ها] را در روز جابجا شدنتان و هنگام ماندنتان سبک می یابید، و از پشم ها و کرک ها و موهای آنها وسایل زندگی که تا چندی مورد استفاده است [قرار داد]. و خدا از آنچه آفریده، به سود شما سایه هایی فراهم آورده و از کوه ها برای شما پناهگاه هایی قرار داده.}

- أ تبنون بکل ریع آیه تعبثون- و تتخذون مصانع لعلکم تخلدون.» تا آنجا که فرماید: «أ تترکون فی ما هاهنا آمنین- فی جنات و عیون و زروع و نخل طلعها هضیم- و تنحتون من الجبال بیوتا فارهین- فاتقوا الله و أطیعون - . شعراء/ ۱۲۷و ۱۵۰ - .

{آیا بر هر تپّه ای بنایی می سازید که [در آن] دست به بیهوده کاری زنید؟ و کاخ های استوار می گیرید به امید آنکه جاودانه بمانید؟}، {آیا شما را در آنچه اینجا دارید آسوده رها می کنند؟در باغ ها و در کنار چشمه ساران،و کشتزارها و خرمابُنانی که شکوفه هایشان لطیف است؟ و هنرمندانه [برای خود] از کوه ها خانه هایی می تراشید. از خدا پروا کنید و فرمانم ببرید.}

**[ترجمه]

روایات

«۱»

ل، [الخصال]: فِیمَا أَوْصَی بِهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله عَلِیّاً علیه السلام یَا عَلِیُّ الْعَیْشُ فِی ثَلَاثَةٍ دَارٍ قَوْرَاءَ وَ جَارِیَةٍ حَسْنَاءَ وَ فَرَسٍ قَبَّاءَ(۳).

**[ترجمه]خصال: در سفارش پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام آمده است که فرمود: ای علی! زندگی خوش در سه چیز است: خانه ای وسیع، همسری زیبا و اسبی کمر باریک. - . خصال ۱: ۶۲ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ سَعِیدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ مُطَرِّفٍ مَوْلَی مَعْنٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثَةٌ لِلْمُؤْمِنِ فِیهِنَّ رَاحَةٌ دَارٌ وَاسِعَةٌ تُوَارِی عَوْرَتَهُ وَ سُوءَ حَالِهِ مِنَ النَّاسِ وَ امْرَأَةٌ

۱- ۱. النحل: ۸۰ و ۸۱.

۲- ۲. الشعراء: ۱۲۷- ۱۵۰.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۶۲، و القوراء أی الواسعه مؤنث الاقور، و القباء مؤنث الأقبّ و هو من الخیل: الدقیق الخصر الضامر البطن، و قال الصدوق رحمه اللّه: الفرس القباء: الضامر البطن، یقال فرس أقب، و قباء، لان الفرس یذکر و یؤنث، و یقال للانثی قباء لا غیر.

صَالِحَهٌ تُعِينُهُ عَلَى أَمْرِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ ابْنَهٌ أَوْ أَخْتٌ يُخْرِجُهَا مِنْ مَنْزِلِهِ بِمَوْتٍ أَوْ بِتَزْوِيجٍ (۱).

سن، [المحاسن] عن منصور بن العباس: مثله (۲).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: سه چیز برای مؤمن راحتی دارند: خانه وسیعی که در آن عورت خود و بدی خود را از مردم بپوشاند، همسری خوب که او را در امر دنیا و آخرتش کمک کند و دختر یا خواهری که او را از خانه اش به مرگ یا تزویج بیرون کند. - . خصال ۱: ۷۶ -

محاسن از منصور بن عباس مانند این روایت را آورده است. - . محاسن: ۶۱۰ -

**[ترجمه]

«۳»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَهَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ مِنْ سَعَادَهِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يُشْبِهَهُ وَلَدُهُ وَ الْمَرْأَهَ الْجَمْلَاءَ ذَاتَ دِينٍ وَ الْمَرْكَبَ الْهَنِيءَ وَ الْمَسْكَنَ الْوَاسِعَ (۳).

**[ترجمه]قرب الاسناد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از سعادت مسلمان است که فرزندش مانند او باشد، و همسری زیبا و دیندار، مرکبی رهوار و مسکنی وسیع داشته باشد. - . قرب الاسناد: ۵۱ -

**[ترجمه]

أقول

سیجی ء بعض الأخبار فی باب آداب الرکوب و المراکب.

**[ترجمه]برخی اخبار هم در «باب آداب سواری و مرکب» خواهد آمد.

**[ترجمه]

«۴»

لی، [الأمالی للصدوق]: فِی خَبَرِ الْمَنَاهِی قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله مَنْ بَنَی بُنْیَاناً رِیَاءً وَ سُمْعَهً حُمِّلَهُ یَوْمَ الْقِیَامَهِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَهِ وَ هُوَ نَارٌ تَشْتَعِلُ ثُمَّ یُطَوَّقُ فِی عُنُقِهِ وَ یُلْقَی فِی النَّارِ فَلَا یَحْبِسُهُ شَیْ ءٌ مِنْهَا دُونَ قَعْرِهَا إِلَّا أَنْ یَتُوبَ قِیلَ یَا رَسُولَ اللَّهِ کَیْفَ یَبْنِی رِیَاءً وَ سُمْعَهً قَالَ یَبْنِی فَضْلًا عَلَی مَا یَکْفِیهِ اسْتِطَالَهً مِنْهُ عَلَی جِیرَانِهِ وَ مُبَاهَاهً لِإِخْوَانِهِ (۴).

**[ترجمه]امالی صدوق: در خبر مناهی است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که ساختمانی برای خودنمایی و آوازه

بسازد، روز قیامت از زمین هفتم چون آتشی فروزان کنده شود و به گردنش بپیچد و به دوزخ افکنده شود، و چیزی او را از آن جدا نکند جز قعر دوزخ، مگر این که توبه کند. گفته شد: یا رسول الله! ساختمان برای خودنمایی و آوازه چگونه باشد؟ فرمود: اینکه فزون از کفایت او باشد و بخواهد بر همسایه های خود سرفرازی کند و به برادرانش ببالد. - . امالی صدوق: ۲۵۶ -

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال] عَنْ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدٍ الْأَنْصَارِیِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: شَکَا إِلَیْهِ رَجُلٌ عَبَثَ أَهْلُ الْأَرْضِ بِأَهْلِ بَیْتِهِ وَ بِعِیَالِهِ فَقَالَ کَمْ سَمْکُ بَیْتِکَ قَالَ عَشَرَةُ أَذْرُعٍ فَقَالَ اذْرَعْ ثَمَانِیَةَ أَذْرُعٍ کَمَا تَدُورُ الْبَیْتَ وَ اکْتُبْ عَلَیْهِ آیَةَ الْکُرْسِیِّ فَإِنَّ کُلَّ بَیْتٍ سَمْکُهُ أَکْثَرُ مِنْ ثَمَانِیَةِ أَذْرُعٍ فَهُوَ مُحْتَضَرٌ یَحْضُرُهُ الْجِنُّ وَ یَسْکُنُونَهُ (۵).

سن، [المحاسن] عن محمد بن عیسی: مثله (۶).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: مردی به آن حضرت شکایت کرد که اهل زمین، خاندان و عیالش را به بازی گیرند. فرمود: بلندای سقف خانه ات چقدر است؟ گفت: ده زراع. فرمود: دور تا دور خانه هشت ذراع را گز کن و آیه الکرسی بر آن بنویس، زیرا هر خانه ای که بلندی اش از هشت ذراع بیشتر باشد، محتضر باشد و جنیان می آیند و در آن می نشینند. - . خصال ۲: ۳۹ -

محاسن: مانند این روایت را آورده است. - . محاسن: ۶۰۹ -

**[ترجمه]

«۶»

ل، [الخصال](۷)

مع، [معانی الأخبار](۸) لی، [الأمالی للصدوق] عَنْ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنْ سَهْلٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِیسَی عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِیحٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: تَذَاکَرُوا

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۷۶.

۲- ۲. المحاسن ص ۶۱۰.

٣- ٣. قرب الإسناد ص ٥١.

٤- ٤. أمالی الصدوق ص ٢٥٦.

٥- ٥. الخصال ج ٢ ص ٣٩.

٦- ۶. المحاسن ص ۶٠٩.

٧- ٧. الخصال ج ١ ص ۴٩.

٨- ٨. معانی الأخبار ص ١٥٢.

الشُّؤْمَ عِنْدَهُ فَقَالَ الشُّؤْمُ فِی ثَلَاثَهٍ فِی الْمَرْأَهِ وَ الدَّابَّهِ وَ الدَّارِ فَأَمَّا شُؤْمُ الْمَرْأَهِ فَکَثْرَهُ مَهْرِهَا وَ عُقُوقُ زَوْجِهَا وَ أَمَّا الدَّابَّهُ فَسُوءُ خُلُقِهَا وَ مَنْعُهَا ظَهْرَهَا وَ أَمَّا الدَّارُ فَضِیقُ سَاحَتِهَا وَ شَرُّ جِیرَانِهَا وَ کَثْرَهُ عُیُوبِهَا(۱).

**[ترجمه]خصال و معانی الاخبار و امالی صدوق: امام

صادق علیه السّلام فرمود: چون نام شوم را نزدش بردند، فرمود شومی در سه چیز است: در زن و مَرکب و خانه؛ اما شومی زن گرانی مهر او است و ناسپاسی از شوهرش؛ و اما در مرکب سواری، بدرفتاری او و منع از سوار

شدن بر پشتش؛ و اما خانه، تنگی ساحت آن است و همسایه بد آن و عیب های زیاد آن. - . خصال ۱: ۴۹ ، معانی الاخبار: ۱۵۲ ، امالی صدوق: ۱۴۵ -

**[ترجمه]

«۷»

مع، [معانی الأخبار] عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الشُّؤْمُ فِی ثَلَاثَهِ أَشْیَاءَ فِی الدَّابَّهِ وَ الْمَرْأَهِ وَ الدَّارِ فَأَمَّا الدَّارُ فَشُؤْمُهَا ضِیقُهَا وَ خُبْثُ جِیرَانِهَا الْخَبَرَ(۲).

**[ترجمه]معانی الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شومی در سه است: مَرکب سواری و زن و خانه؛ و اما خانه شومی اش در تنگی آن است و بدی همسایه هایش. - . معانی الاخبار: ۱۵۲ -

**[ترجمه]

«۸»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ کَسَبَ مَالًا مِنْ غَیْرِ حِلِّهِ سُلِّطَ عَلَیْهِ الْبِنَاءُ وَ الطِّینُ وَ الْمَاءُ(۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که مالی از غیر حلال به دست آورد، خدا ساختمان و آب و گِل را بر آن مسلط کند. - . محاسن: ۶۰۸ -

**[ترجمه]

«۹»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ یَزِیدَ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ أَبِی شَیْخٍ یَرْفَعُهُ قَالَ: قَامَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام بِبَابِ رَجُلٍ قَدْ بَنَاهُ مِنْ آجُرٍّ فَقَالَ لِمَنْ هَذَا الْبَابُ قِیلَ لِمَغْرُورٍ الْفُلَانِیِّ ثُمَّ مَرَّ بِبَابٍ آخَرَ قَدْ بَنَاهُ صَاحِبُهُ بِالْآجُرِّ قَالَ هَذَا مَغْرُورٌ آخَرُ(۴).

**[ترجمه]محاسن: امیر مؤمنان علیه السّلام بر در خانه ای ایستاد که با آجر ساخته بود و فرمود: این خانه از کیست؟ گفته شد که از فلان مغرور و فریفته شده. سپس بر در خانه آجری دیگر گذر کرد و فرمود: این هم فریفته شده دیگری. - . محاسن: ۶۰۸ -

**[ترجمه]

«۱۰»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ أَبِی جَمِيلَهَ عَنْ حُمَيْدٍ الصَّيْرَفِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ رَوَاهُ بَعْضُهُمْ بِفَسَادٍ(۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر بنایی که به اندازه کفاف نباشد، روز قیامت وبال صاحبش باشد. بعضی روایت کرده اند: «به فساد.» - . محاسن: ۶۰۸ -

**[ترجمه]

«۱۱»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِی يُوسُفَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ بَنَى فَوْقَ مَسْكَنِهِ كُلِّفَ حَمْلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ(۶).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر کس بیش از اندازه سکونت خود خانه بنا کند ، روز قیامت وادار شود که آن را به دوش کشد. - . محاسن: ۶۰۸ -

**[ترجمه]

«۱۲»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ بَنَى فَاقْتَصَدَ فِی بِنَائِهِ لَمْ يُؤْجَرْ(۷).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که ساختمانی بسازد و از آن کم گذارد، اجری ندارد. - . محاسن: ۶۰۸ -

**[ترجمه]

«۱۳»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ زِيَادِ بْنِ عَمْرٍو الْجُعْفِيِّ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ وَكَّلَ مَلَكاً بِالْبِنَاءِ يَقُولُ لِمَنْ رَفَعَ سَقْفاً فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ أَيْنَ تُرِيدُ يَا فَاسِقُ (٨).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: همانا خدا فرشته ای بر خانه سازی گمارده و به کسی که سقف اتاق را از هشت ذراع بالاتر برد گوید: ای فاسق! قصد کجا داری؟ - . محاسن: ۶۰۸ -

**[ترجمه]

«۱۴»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ شَمُّونٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا

ص: ۱۵۰

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۱۴۵.

۲- ۲. معانی الأخبار: ۱۵۲.

۳- ۳. المحاسن ص ۶۰۸.

۴- ۴. المحاسن ص ۶۰۸.

۵- ۵. المحاسن ص ۶۰۸.

۶- ۶. المحاسن ص ۶۰۸.

۷- ۷. المحاسن ص ۶۰۸.

۸- ۸. المحاسن ص ۶۰۸.

بَنَى الرَّجُلُ فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ نُودِيَ يَا أَفْسَقَ الْفَاسِقِينَ أَيْنَ تُرِيدُ(۱).

**[ترجمه]محاسن: به کسی که سقف اتاق را از هشت ذراع بالاتر برد گفته شود: ای فاسق ترین فاسقان! قصد کجا داری؟ - . [۶] محاسن: ۶۰۸ -

**[ترجمه]

«۱۵»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ الصَّادِقِينَ عليهم السلام أَنَّهُ قَالَ: مَا وَقَعَ مِنَ السَّقْفِ فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ فَهُوَ مَسْكُونٌ .(۲)

**[ترجمه]محاسن: یکی امامان راستگو فرمود: آنچه سقف که بالای هشت ذراع است، مسکون است. (یعنی دیگران در آن جا گیرند.) - .[۷] محاسن: ۶۰۸ -

**[ترجمه]

«۱۶»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا كَانَ سَمْكُ الْبَيْتِ فَوْقَ سَبْعَةِ أَوْ قَالَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ كَانَ مَا فَوْقَ السَّبْعِ أَوْ قَالَ الثَّمَانِي الْأَذْرُعِ مُحْتَضَراً أَوْ قَالَ مَسْكُوناً(۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر فرازی اتاق بالای هفت یا هشت ذراع باشد، محتضر است. یا فرمود: مسکون است - .[۸] محاسن: ۶۰۹ - (شرح محتضر و مسکون گذشت و هر دو یک معنا دارند.)

**[ترجمه]

«۱۷»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ الْأَحْمَرِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَمْكُ الْبَيْتِ سَبْعَةُ أَذْرُعٍ أَوْ ثَمَانِيَةُ أَذْرُعٍ فَمَا فَوْقَ ذَلِكَ فَمُحْتَضَرٌ ذَكَرَهُ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ وَ لَمْ يَذْكُرْ ثَمَانِيَ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر فرازی اتاق بالای هفت یا هشت ذراع باشد، محتضر است. یا فرمود: مسکون است. بعضی هفت ذراع را ذکر کرده و هشت ذراع را ذکر نکرده اند. - .[۱] محاسن: ۶۰۹ -

**[ترجمه]

«۱۸»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: فِی سَمْكِ الْبَيْتِ إِذَا رُفِعَ فَوْقَ ثَمَانِی أَذْرُعٍ صَارَ مَسْكُوناً فَإِذَا زَادَ عَلَی ثَمَانِی أَذْرُعٍ فَيُكْتَبُ عَلَی رَأْسِ الثَّمَانِ آيَةُ الْكُرْسِیِ (۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر فراز اتاق بیش از هشت ذراع باشد، مسکون باشد و در این صورت در حد هشت ذراع، آیه الکرسی نوشته شود. - . محاسن: ۶۰۹ -

**[ترجمه]

«۱۹»

سن، [المحاسن] عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ وَ مُحَسِّنُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا كَانَ الْبَيْتُ فَوْقَ ثَمَانِی أَذْرُعٍ فَاكْتُبْ عَلَيْهِ آيَةَ الْكُرْسِیِ (۶).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر اتاق بیش از هشت ذراع باشد، در آن آیه الکرسی نوشته شود. - . محاسن: ۶۰۹ -

**[ترجمه]

«۲۰»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی هَاشِمٍ عَنْ أَبِی خَدِيجَةَ قَالَ: رَأَيْتُ مَكْتُوباً فِی بَيْتِ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام آيَةَ الْكُرْسِيِّ قَدْ أُدِيرَتْ بِالْبَيْتِ وَ رَأَيْتُ فِی قِبْلَةِ مَسْجِدِهِ مَكْتُوباً آيَةَ الْكُرْسِیِ (۷).

**[ترجمه]محاسن: ابی خدیجه گفت: در اتاق امام صادق علیه السّلام دیدم که دور تا دور آیه الکرسی نوشته شده و در قبله مسجد آن هم آیه الکرسی نوشته بود. - . محاسن: ۶۰۹ -

**[ترجمه]

«۲۱»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ رَجُلٍ قَالَ: شَكَا رَجُلٌ إِلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ أَخْرَجَنَا الْجِنُّ يَعْنِی عُمَّارَ مَنَازِلِهِمْ قَالَ اجْعَلُوا سُقُوفَ بُيُوتِكُمْ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ وَ اجْعَلُوا الْحَمَامَ فِی أَكْنَافِ الدَّارِ قَالَ الرَّجُلُ فَفَعَلْنَا ذَلِكَ فَمَا رَأَيْنَا شَيْئاً نَكْرَهُهُ بَعْدَ ذَلِكَ (۸).

ص: ۱۵۱

١- ١. المحاسن: ٦٠٨.

٢- ٢. المحاسن: ٦٠٨.

٣- ٣. المحاسن ص ٦٠٩.

٤- ٤. المحاسن ص ٦٠٩.

٥- ٥. المحاسن ص ٦٠٩.

٦- ٦. المحاسن ص ٦٠٩.

٧- ٧. المحاسن ص ٦٠٩.

٨- ٨. المحاسن ص ٦٠٩.

**[ترجمه]محاسن: مردی گفت: کسی نزد امام باقر علیه السّلام شکایت کرد که جنیان ما را از خانه بیرون کردند که مقصودش عمارت منازلشان بود. آن حضرت فرمود: سقف خانه های خود را در هفت ذراع سازید، و حمام را در پهلوی خانه نهید. آن مرد گفت: چنین کردیم و پس از آن مکروهی ندیدیم. - . محاسن: ۶۰۹ -

**[ترجمه]

«۲۲»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مِنْ سَعَادَهِ الْمَرْءِ أَنْ یَتَّسِعَ مَنْزِلُهُ (۱).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از سعادت آدمی است که خانه اش وسیع باشد. - . محاسن: ۶۱۰ -

**[ترجمه]

«۲۳»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مِنَ السَّعَادَهِ سَعَهُ الْمَنْزِلِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: از سعادت، وسعت منزل است. - . محاسن: ۶۱۰ -

**[ترجمه]

«۲۴»

سن، [المحاسن] عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَهَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مِنْ سَعَادَهِ الرَّجُلِ سَعَهُ مَنْزِلِهِ (۳).

**[ترجمه]امام صادق علیه السّلام فرمود: از سعادت آدمی است که خانه اش وسیع باشد. - . محاسن: ۶۱۰ -

**[ترجمه]

«۲۵»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ مُرْسَلًا قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مِنْ سَعَادَهِ الْمُسْلِمِ الْمَسْکَنُ الْوَاسِعُ.

النوفلی عن السکونی عن أبی عبد الله علیه السلام عن آبائه عن النبی صلی الله علیه. مثله (۴).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از سعادت مسلمان مسکن وسیع است.

و به سند دیگر مانند این روایت آمده است. - . محاسن: ۶۱۱ -

**[ترجمه]

«۲۶»

سن، [المحاسن] عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَیْبٍ النَّیْسَابُورِیِّ عَنْ سَعِیدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ نَصْرٍ الْکَوْسَجِ عَنْ مُطَرِّفٍ مَوْلَی مَعْنٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ رَاحَهٌ فِی سَعَهِ الْمَنْزِلِ (۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: راحتی مؤمن در وسعت خانه او است. - . محاسن: ۶۱۱ -

**[ترجمه]

«۲۷»

سن، [المحاسن] عَنْ سَعِیدِ بْنِ جَنَاحٍ عَنْ غَیْرِ وَاحِدٍ: أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام سُئِلَ عَنْ أَفْضَلِ عَیْشِ الدُّنْیَا فَقَالَ سَعَهُ الْمَنْزِلِ وَ کَثْرَهُ الْمُحِبِّینَ (۶).

**[ترجمه]محاسن: درباره بهترین زندگی دنیا از امام کاظم علیه السّلام پرسش شد. فرمود: وسعت منزل و فراوانی دوستان. - . محاسن: ۶۱۱ -

**[ترجمه]

«۲۸»

سن، [المحاسن] عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَیْبٍ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ رُشَیْدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ بَشِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام یَقُولُ: الْعَیْشُ السَّعَهُ فِی الْمَنْزِلِ وَ الْفَضْلُ فِی الْخَادِمِ وَ بَشِیرٌ هَذَا هُوَ ابْنُ حِذَامٍ رَجُلٌ صِدْقٌ ذِکْرُهُ (۷).

**[ترجمه]محاسن: امام کاظم علیه السّلام می فرمود: زندگانی در وسعت منزل است و خدمتکار خوب. - . محاسن: ۶۱۱ -

**[ترجمه]

«۲۹»

سن، [المحاسن] عَنْ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْمُفَضَّلِ: أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام كَانَ يُثْنِي عَلَيْهِ وَ قَالَ بَشِيرٌ كَانَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فِي حَلْقَةِ بَنِي هَاشِمٍ وَ فِيهَا الْعَبَّاسُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ غَيْرُهُ فَتَذَاكَرُوا عَيْشَ الدُّنْيَا فَذَكَرَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ مَعْنًى فَسُئِلَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام فَقَالَ سَعَةٌ فِي الْمَنْزِلِ وَ فَضْلٌ فِي الْخَادِمِ (۸).

**[ترجمه]محاسن: امام کاظم علیه السّلام در مسجدالحرام میان حلقه ای از بنی هاشم بود که عباس بن محمد و غیر او هم در آن بودند. آنها درباره خوشی دنیا گفتگو کردند و هر کدام چیزی درباره آن گفتند و از آن حضرت پرسش شد. فرمود: در وسعت منزل است و خوبی و فضل خدمتکار. -. محاسن: ۶۱۱ -

**[ترجمه]

«۳۰»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ: إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام

۱- ۱. المحاسن ص ۶۱۰.

۲- ۲. المحاسن ص ۶۱۰.

۳- ۳. المحاسن ص ۶۱۰.

۴- ۴. المحاسن ص ۶۱۱.

۵- ۵. المحاسن ص ۶۱۱.

۶- ۶. المحاسن ص ۶۱۱.

۷- ۷. المحاسن ص ۶۱۱.

۸- ۸. المحاسن ص ۶۱۱.

اشْتَرَى دَاراً وَ أَمَرَ مَوْلًى لَهُ يَتَحَوَّلُ إِلَيْهَا وَ قَالَ إِنَّ مَنْزِلَكَ ضَيِّقٌ فَقَالَ أَجْزَأَتْ هَذِهِ الدَّارُ لِأَبِي فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام إِنْ كَانَ أَبُوكَ أَحْمَقَ يَنْبَغِي أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ (۱).

**[ترجمه]محاسن: معمر بن خلاد گفت: امام کاظم علیه السّلام خانه ای خرید و فرمان داد بنده ای که داشت بدان جابجا شود و فرمود: خانه ات تنگ است. آن وابسته گفت: این خانه پدرم بوده. آن حضرت فرمود: اگر پدرت احمق بوده تو هم باید مانند او باشی؟ - . محاسن: ۶۱۱ -

**[ترجمه]

«۳۱»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مِنْ شَقَاءِ الْعَيْشِ ضِيقُ الْمَنْزِلِ وَ رَوَاهُ يَحْيَى بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: از بدبختی در زندگی، تنگی منزل است. این مطلب به روایت دیگر هم آمده است. - . محاسن: ۶۱۱ -

**[ترجمه]

«۳۲»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ علیهما السلام وَ قَدْ بَنَى بُنْيَاناً ثُمَّ هَدَمَهُ (۳).

**[ترجمه]محاسن: حسین بن عثمان گفت: دیدم که امام کاظم علیه السّلام خانه ای ساخت و سپس آن را خراب کرد. - . محاسن: ۶۲۳ -

**[ترجمه]

«۳۳»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ سَأَلَ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله أَنَّ الدُّورَ قَدِ اكْتَنَفَتْهُ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله ارْفَعْ مَا اسْتَطَعْتَ وَ اسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يُوَسِّعَ عَلَيْكَ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: مردی از انصار از پیغمبر صلی الله علیه و آله پرسید که خانه ها او را در میان گرفتند (یعنی فضایی برای او نمانده) و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: تا توانی آن را بالا ببر و از خدا خانه ای وسیع بخواه.

-. محاسن: ۶۱۰ -

**[ترجمه]

«۳۴»

مکا، [مكارم الأخلاق] عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مِنَ السَّعَادَهِ سَعَهُ الْمَنْزِلِ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: لِلْمُؤْمِنِ رَاحَهٌ فِی سَعَهِ الْمَنْزِلِ.

سُئِلَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام: عَنْ عَیْشِ الدُّنْیَا قَالَ سَعَهُ الْمَنْزِلِ وَ کَثْرَهُ الْمُحِبِّینَ.

عَنْهُ علیه السلام أَیْضاً قَالَ: الْعَیْشُ السَّعَهُ فِی الْمَنْزِلِ وَ الْفَضْلُ فِی الْخَدَمِ.

عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ خَلَّادٍ قَالَ: إِنَّ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام اشْتَرَی دَاراً وَ أَمَرَ مَوْلًی لَهُ یَتَحَوَّلُ إِلَیْهَا وَ قَالَ لَهُ إِنَّ مَنْزِلَکَ ضَیِّقٌ (۵) فَقَالَ لَهُ الْمَوْلَی قَدْ أَجْزَأَتْ هَذِهِ الدَّارُ لِأَبِی فَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام إِنْ کَانَ أَبُوکَ أَحْمَقَ فَیَنْبَغِی أَنْ تَکُونَ مِثْلَهُ.

عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ علیه السلام قَالَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله:

ص: ۱۵۳

۱- ۱. المحاسن: ۶۱۱.

۲- ۲. المحاسن: ۶۱۱.

۳- ۳. المحاسن: ۶۲۳.

۴- ۴. المحاسن: ۶۱۰ و فی نسخه الکافی ارفع صوتک ما استطعت، راجع ج ۶ ص ۵۲۶.

۵- ۵. فی المصدر: انه منزلک! فقال له المولی قد أجزت هذه الدار لی، و فی نسخه فی ج ۶ ص ۵۲۵: قد أحدث هذه الدار أبی.

مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَ الْمَرْكَبُ الْبَهِيُّ وَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیٍّ علیهم السلام قَالَ: إِنَّ لِلدَّارِ شَرَفاً وَ شَرَفُهَا السَّاحَةُ الْوَاسِعَةُ وَ الْخُلَطَاءُ الصَّالِحُونَ وَ إِنَّ لَهَا بَرَكَةً وَ بَرَكَتُهَا جَوْدَةُ مَوْضِعِهَا وَ سَعَةُ سَاحَتِهَا وَ حُسْنُ جِوَارِ جِيرَانِهَا.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَرْبَعٌ مِنَ السَّعَادَةِ وَ أَرْبَعٌ مِنَ الشَّقَاوَةِ فَالْأَرْبَعُ الَّتِی مِنَ السَّعَادَةِ الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ وَ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَ الْجَارُ الصَّالِحُ وَ الْمَرْكَبُ الْبَهِیُّ وَ الْأَرْبَعُ الَّتِی مِنَ الشَّقَاوَةِ الْجَارُ السَّوْءُ وَ الْمَرْأَةُ السَّوْءُ وَ الْمَسْكَنُ الضَّيِّقُ وَ الْمَرْكَبُ السَّوْءُ.

قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّی يَأْمَنَ جَارُهُ بَوَائِقَهُ.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: حُرْمَةُ الْجَارِ عَلَی الْإِنْسَانِ كَحُرْمَةِ أُمِّهِ.

فِی مِقْدَارِ سَمْكِ الْبَيْتِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ ابْنِ بَيْتَكَ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ فَمَا كَانَ فَوْقَ ذَلِكَ سَكَنَتْهُ الشَّيَاطِينُ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَيْسَ فِی السَّمَاءِ وَ لَا فِی الْأَرْضِ إِنَّمَا يَسْكُنُونَ الْهَوَاءَ.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَمْكُ الْبَيْتِ سَبْعَةُ أَذْرُعٍ أَوْ ثَمَانِيَةُ أَذْرُعٍ فَمَا فَوْقَ ذَلِكَ فَمُحْتَضَرٌ.

عَنْهُ علیه السلام أَيْضاً قَالَ: كُلُّ شَيْ ءٍ يُرْفَعُ مِنْ سَمْكِ الْبُيُوتِ عَلَی تِسْعَةِ أَذْرُعٍ فَهُوَ مَسْكُونٌ.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِذَا كَانَ سَمْكُ الْبَيْتِ فَوْقَ ثَمَانِيَةِ أَذْرُعٍ فَاكْتُبْ فِيهِ آيَةَ الْكُرْسِيِّ.

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: كُلُّ شَيْ ءٍ فَوْقَ السَّبْعِ يَعْنِی سَمْكَ الْبَيْتِ فَمَا زَادَ عَلَی السَّبْعِ فَهُوَ مَسْكُونٌ يَعْنِی الْبُيُوتَ أَوْ مَا كَانَ سَمْكُهَا فَوْقَ التِّسْعِ فَمَا كَانَ فَوْقَ التِّسْعِ مَسْكُونٌ.

عَنْهُ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام: أَنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ شَكَا إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَ

الدُّورَ قَدِ اكْتَنَفَتْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ارْفَعْ مَا اسْتَطَعْتَ وَ اسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يُوَسِّعَ عَلَيْکَ.

وَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كُلُّ بِنَاءٍ لَيْسَ بِكَفَافٍ فَهُوَ وَبَالٌ عَلَى صَاحِبِهِ.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: مَنْ كَسَبَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ سُلِّطَ عَلَيْهِ الْبِنَاءُ وَ الطِّينُ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: از سعادت، وسعت منزل است.

از امام کاظم علیه السّلام درباره خوشی دنیا پرسش شد. فرمود: وسعت منزل است و بسیاری دوستان.

و از آن حضرت است که: خوشی در وسعت منزل است و خوبی خدمتکاران.

و امام کاظم علیه السّلام خانه ای خرید و فرمان داد بنده ای که داشت بدان جابجا شود و فرمود: خانه ات تنگ است. آن بنده گفت: این خانه پدرم برایم کافی است. آن حضرت فرمود: اگر پدرت احمق بوده، تو هم باید مانند او باشی؟

و امام صادق از پدرش علیهما السّلام، از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: از سعادت آدمی همسر خوب است و مسکن وسیع و مرکب ارزشمند و فرزند شایسته.

و از علی علیه السّلام است که فرمود: خانه شرفی دارد و آن وسعت فضای آن است و معاشران خوب، و برکتی هم دارد و برکتش خوبی جای آن است و وسعت فضای آن و همسایه های خوب.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چهار چیز از سعادت هستند و چهارچیز از بدبختی. آن چهار که سعادت هستند عبارتند از: زن شایسته، مسکن واسع، همسایه خوب و مرکب ارزشمند. و آن چهار که از بدبختی است عبارتند از: همسایه بد، همسر بد، مسکن تنگ و مرکب بد .

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی ایمان ندارد تا همسایه از گزند او آسوده نباشد.

و فرمود: حرمت همسایه بر آدمی چون حرمت مادر او است.

از محمد بن مسلم نقل است که امام باقر علیه السّلام درباره اندازه بلندی فضای داخل اتاق به او فرمود: ای محمد! اتاقت را تا هفت ذراع بساز؛ آنچه بالاتر از آن است شیاطین در آن جا گیرند. شیاطین نه در آسمانند و نه در زمین، همانا آنها در هوا مسکن دارند.

از امام صادق علیه السّلام روایت است که فرمود: بلندی اتاق هفت تا هشت ذراع است و بالای آن محتضر است.

و از آن حضرت است که از بلندی فضای اتاق هر چه بالاتر از نُه ذراع باشد، مسکون باشد.

و از امام صادق علیه السّلام روایت است که فرمود: چون بلندای اتاق بیش از هشت ذراع باشد، آیه الکرسی بر آن بنویس.

و امـام صـادق علیـه السّـلام می فرمـود: هر چیزی که بیش از هفت ذراع باشـد، یعنی بلنـدای خـانه آنچه بیشـتر از هفت باشـد، مسکون است، یا اگر بلندایش بیشتر از نُه باشد مسکون است.

و آن حضـرت از پدرانش روایت کرد که فرمود: مردی از انصار نزد پیغمبر صـلی الله علیه و آله شـکایت کرد که خانه ها او را در میان گرفتنـد (یعنی فضایی برای او نمانده) و پیغمبر صـلی الله علیه و آله فرمود: تا می توانی آن را بالا ببر و از خدا خانه ای وسیع بخواه.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: هر خانه ای که به اندازه کفاف نباشد، وبال است بر صاحبش.

و از آن حضـرت است که هر که مالی را از غیر راه حلال بدست آورد، خدا بر او ساختمان و گل کاری را مسـلط کند. -.[۱] مکارم الاخلاق ۱۴۳- ۱۴۵ و ۱۴۶ -

**[ترجمه]

«۳۵»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مِنْ سَعَادَهِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ الزَّوْجَهُ الصَّالِحَهُ وَ الْمَسْكَنُ الْوَاسِعُ وَ الْمَرْكَبُ الْبَهِيُّ وَ الْوَلَدُ الصَّالِحُ.

**[ترجمه]نوادر راوندی: امام کاظم از پدرانش علیهم السّـلام از رسول خدا صـلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: از سعادت مسلمان زن صالحه، مسکن واسع، مرکب ارزشمند و فرزند صالح است.

**[ترجمه]

«۳۶»

نهـج، [نهـج البلاغه]: مِنْ كَلَامٍ لَهُ علیه السلام بِالْبَصْرَهِ وَ قَدْ دَخَلَ عَلَى الْعَلَاءِ بْنِ زِيَادٍ الْحَارِثِيِّ يَعُودُهُ وَ هُوَ مِنْ أَصْحَابِهِ فَلَمَّا رَأَى سَعَهَ دَارِهِ قَالَ مَا كُنْتَ تَصْنَعُ بِسَعَهِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا أَمَا أَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَهِ كُنْتَ أَحْوَجَ بَلَى إِنْ شِئْتَ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَهَ تَقْرِي فِيهَا الضَّيْفَ وَ تَصِلُ فِيهَا الرَّحِمَ وَ تُطْلِعُ مِنْهَا الْحُقُوقَ مَطَالِعَهَا فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَغْتَ بِهَا الْآخِرَهَ(۲).

وَ قَالَ: فِي وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنِ علیهما السلام: سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ(۳).

**[ترجمه]نهج البلاغه: پس از جنگ بصـره آن حضرت بر علاء بن زیاد وارد شد که از یاران امام بود. وقتی خانه بسیار مجلل و وسیع او را دید، فرمود: با این خانه وسیع در دنیا چه می کنی، در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری؟ آری، اگر بخواهی می توانی با همین خانه به آخرت برسـی! در این خانه وسـیع مهمانان را پـذیرایی کنی، به خویشاوندان با نیکوکاری بپیوندی و حقوقی را که بر گردن تو است به صاحبـان حق برسـانی، پس آنگاه با همین خانه وسـیع، به آخرت نیز می توانی پرداخت. - .

[۱] نهج البلاغه: خطبه ۲۰۷ -

و در سفارش به پسرش حسن علیهما السّلام است که فرمود: پیش از این که به راهی روی، از رفیق راه جویا شو و پیش از به دست آوردن خانه، از همسایه آن پرسش کن. - .[۲] نهج البلاغه: نامه ۳۱ -

**[ترجمه]

«۳۷»

عُدَّةُ الدَّاعِی، رُوِیَ: أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله رَأَی رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ یَبْنِی بَیْتاً بِجِصٍّ وَ آجُرٍّ فَقَالَ الْأَمْرُ أَعْجَلُ مِنْ هَذَا.

۱- ۱. مکارم الأخلاق ۱۴۳- ۱۴۵ و ۱۴۶.

۲- ۲. نهج البلاغه الرقم ۲۰۷ من الخطب، و قال ابن أبی الحدید فی شرحه ج ۳ ص ۱۱ أن الصحیح ربیع بن زیاد الحارثی فراجع.

۳- ۳. النهج الرقم ۳۱ من الرسائل.

**[ترجمه]عده الداعی: روایت است که پیغمبر صلی الله علیه و آله مردی از اصحابش را دید که خانه ای با گچ و آجر می ساخت. فرمود: امر شتابان تر است از این (یعنی مرگ شتابان تر است از استحکام ساختمان خانه.)

**[ترجمه]

باب ۲۷ ما ورد فی سکنی الأمصار و القری

روایات

«۱»

جع، [جامع الأخبار]: أَوْصَی النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ علیه السلام یَا عَلِیُّ لَا تَسْکُنِ الرُّسْتَاقَ فَإِنَّ شُیُوخَهُمْ جَهَلَهٌ وَ شَبَابَهُمْ عَرَمَهٌ وَ نِسْوَانَهُمْ کَشَفَهٌ وَ الْعَالِمَ بَیْنَهُمْ کَالْجِیفَهِ بَیْنَ الْکِلَابِ.

وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ لَمْ یَتَوَرَّعْ فِی دِینِ اللَّهِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ تَعَالَی بِثَلَاثِ خِصَالٍ إِمَّا أَنْ یُمِیتَهُ شَابّاً أَوْ یُوقِعَهُ فِی خِدْمَهِ السُّلْطَانِ أَوْ یُسْکِنَهُ فِی الرَّسَاتِیقِ.

نُقِلَ عَنْ سَدِیدِ الدِّینِ مَحْمُودٍ الْحِمَّصِیِّ أَنَّهُ قَالَ: فِی الْبَلْدَهِ شَیْئَانِ وَ الرَّسَاتِیقُ کَذَلِکَ أَمَّا اللَّذَانِ فِی الْبَلْدَهِ الْعِلْمُ وَ الظُّلْمُ وَ أَمَّا اللَّذَانِ فِی الرَّسَاتِیقِ الْجَهْلُ وَ الدَّخْلُ أَمَّا الظُّلْمُ فَقَدْ یَسْرِی إِلَی الرَّسَاتِیقِ وَ الدَّخْلُ قَدْ یُذْهَبُ بِهِ إِلَی الْبَلَدِ فَیَبْقَی فِی الْبَلَدِ الْعِلْمُ وَ الدَّخْلُ وَ یَبْقَی فِی الرَّسَاتِیقِ الْجَهْلُ وَ الظُّلْمُ.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: سِتَّهٌ یَدْخُلُونَ النَّارَ قَبْلَ الْحِسَابِ بِسِتَّهٍ قِیلَ مَنْ هُمْ یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ الْأُمَرَاءُ بِالْجَوْرِ وَ الْعَرَبُ بِالْعَصَبِیَّهِ وَ الدَّهَاقِینَ بِالْکِبْرِ وَ التُّجَّارُ بِالْخِیَانَهِ وَ أَهْلُ الرَّسَاتِیقِ بِالْجَهَالَهِ وَ الْعُلَمَاءُ بِالْحَسَدِ(۱).

**[ترجمه]جامع الاخبار: پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام سفارش کرد که: ای علی! در روستا سکونت مکن که پیران روستا نادانند، جوان هایش آزارکننده و بدخو و زن هاشان بی حجاب، و دانا میان آنها چون مرداری است میان سگ ها.

و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در دین خدا پارسا نباشد، خدایش به یکی از این سه خصلت گرفتار کند: یا جوانمرگش کند، یا در خدمت پادشاهش افکند، یا او را در روستا اقامت دهد.

از محمود حمصی نقل است که گفته: دو چیز در شهر است و دو در روستا، اما آن که در شهر است: دانش است و ستم، و آن دو که در روستاست نادانی و در آمد، ظلم وستم گاهی از شهر به روستا می رسد، و در آمد بسا که به شهر رود و در شهر دانش و در آمد بماند و در روستا نادانی و ستم بماند.

و فرمود: شش تن به سزای شش چیز، بی حساب به دوزخ روند. گفته شد یا رسول الله آنها کیانند؟ فرمود: امراء به ستم کردن، عرب به تعصب، کدخدایان

به تکبر، تاجران برای خیانت، روستاییان برای نادانی و عالمان برای حسد. - .[1] جامع الاخبار ۱۶۳ -

**[ترجمه]

«۲»

نهج، [نهج البلاغه] قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فِيمَا كَتَبَ إِلَى الْحَارِثِ الْهَمْدَانِيِّ وَ اسْكُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ فَإِنَّهَا جِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ احْذَرْ مَنَازِلَ الْغَفْلَهِ وَ الْجَفَا(۲).

ص: ۱۵۶

۱- ۱. جامع الأخبار ۱۶۳.

۲- ۲. نهج البلاغه الرقم ۶۹ من الرسائل.

**[ترجمه]نهج البلاغه: امير مؤمنان در نامه ای به حارث همدانی نوشت: و در شهرهای بزرگ سكونت كن، زيرا مركز اجتماع مسلمانان است، و از جاهايی كه مردم آن از ياد خدا غافلند، به يكديگر ستم روا می دارند و بر اطاعت از خدا به يكديگر كمك نمی كنند، بپرهيز. - .[۲] نهج البلاغه: نامه ۶۹ -

**[ترجمه]

باب ۲۸ النزول فی البيت الخراب و المبيت فی دار ليس له باب و الخروج بالليل

روايات

«۱»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ أَبِی الْبَخْتَرِیِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِیٍّ علیهم السلام: أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يَبِيتَ الرَّجُلُ فِی بَيْتٍ لَيْسَ لَهُ بَابٌ وَ لَا سِتْرٌ(۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق از پدرش، از امام علی علیهم السّلام روايت می كند كه فرمود: او بد داشت كسی شب را در خانه بی در و بی پرده بماند. - .[۱] قرب الاسناد: ۹۰ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ رَفَعَهُ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ بِالْحِفْظِ رَجُلٌ نَزَلَ فِی بَيْتٍ خَرِبٍ وَ رَجُلٌ صَلَّی عَلَی قَارِعَهِ الطَّرِيقِ وَ رَجُلٌ أَرْسَلَ رَاحِلَتَهُ وَ لَمْ يَسْتَوْثِقْ مِنْهَا(۲).

**[ترجمه]خصال: پيغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: سه چيز باشند كه خدا عزوجل حفاظت آنها را نپذيرد: كسی كه در خانه خراب منزل كند، كسی كه در ميان راه نماز بخواند، و كسی كه مَركب سواری خود را بدون چِفت و بَست رها كند. - .[۲] خصال ۱: ۶۹ -

**[ترجمه]

«۳»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ رَجُلٍ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ رَفَعَهُ إِلَی عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: اتَّقُوا الْخُرُوجَ بَعْدَ نَوْمَهٍ فَإِنَّ لِلَّهِ دَوَابّاً يَبُثُّهَا يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ (۳).

**[ترجمه]علل الشـرائع: على عليه السّـلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بپرهيزيد از بيرون رفتن پس از خواب، زيرا خدا را جانورانى باشد كه آنها را پراكنده سازد تا انجام دهند هر چه را مامور باشند. - .[۳] علل الشرائع ۲: ۳۷۰ -

**[ترجمه]

باب ۲۹ ما يستحب عند شراء الدار و بنائه

روايات

«۱»

مع (۴)،[معانى الأخبار] ل، [الخصال] عَنْ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ عَمِّهِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِى عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرٍ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عليه السـلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صـلى الله عليه و آله: لَا وَلِيمَةَ إِلَّا فِى خَمْسٍ فِى عُرْسٍ أَوْ خُرْسٍ أَوْ عِذَارٍ أَوْ وِكَارٍ أَوْ رِكَازٍ فَأَمَّا الْعُرْسُ التَّزْوِيجُ وَ الْخُرْسُ النِّفَاسُ بِالْوَلَدِ وَ الْعِذَارُ الْخِتَانُ وَ الْوِكَارُ

۱- ۱. قرب الإسناد: ۹۰.

۲- ۲. الخصال ج ۱: ۶۹.

۳- ۳. علل الشرائع ج ۲ ص ۳۷۰.

۴- ۴. معانى الأخبار: ۲۷۲.

الرَّجُلُ يَشْتَرِی الدَّارَ وَ الوكاز [الرِّكَازُ] الَّذِی يَقْدَمُ مِنْ مَكَّهَ(۱).

**[ترجمه]معانی الاخبار و خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ولیمه و مهمانی نباشد جز در پنج چیز: در عروسی یا خرس یا عذار یا وکار یا رکاز؛ اما عروسی زناشویی است، خرس زایش فرزند است، عذار ختنه کردن است، وکار خریدن خانه است و رکاز زمانی است که کسی از مکه آید و حج کرده باشد. - . معانی الاخبار: ۲۷۲ ، خصال ۱: ۱۵۱ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال]: فِیمَا أَوْصَی بِهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِلَی عَلِیٍّ علیه السلام مِثْلَهُ (۲).

قال الصدوق رحمه الله سمعت بعض أهل اللغه يقول فی معنی الوكار يقال للطعام الذی يدعی إليه الناس عند بناء الدار و شرائها الوكيره و الوكار منه و الطعام الذی يتخذ للقدوم من السفر يقال له النقيعه و يقال له الوكار أيضا و الركاز الغنيمه كأنه يريد أن فی اتخاذ الطعام للقدوم من مكه غنيمه لصاحبه من الثواب الجزيل وَ مِنْهُ قَوْلُ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: الصَّوْمُ فِی الشِّتَاءِ الْغَنِيمَهُ الْبَارِدَهُ.

و قال أهل العراق الركاز المعادن كلها و قال أهل الحجاز الركاز المال المدفون خاصه مما كنزه بنو آدم قبل الإسلام كذلك ذكره أبو عبيد و لا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ أخبرنا بذلك أبو الحسن محمد بن هارون الزنجانی فيما كتب إلی عن علی بن عبد العزيز عن أبی عبيد القاسم بن سلام (۳).

**[ترجمه]خصال: در سفارش پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام مانند آن را آورده است. - . خصال ۱: ۱۵۱ -

صدوق (ره) گفته: از یک لغت دان شنیدم که می گفت: وکار، خوراکی است که مردم را هنگام ساختن خانه به خوردن آن دعوت کنند ، و در مهمانی خرید خانه، «وکیره» گویند، و وکار به خوراکی که برای آمدن مسافر بسازند نیز گویند و «نقیعه» هم می گویند، و رکاز به معنی غنیمت است و مهمانی برای آمدن از سفر حج را هم رکاز گویند که غنیمتی است از برای صاحب آن از ثواب شایان آن.

و بدین معنی است این گفته پیغمبر صلی الله علیه و آله که: «روزه در زمستان، غنیمت خنکی است.»

و مردم عراق همه معادن را رکاز نامند، و مردم حجاز خصوصا مالی را که دفن شده رکاز نامند از آنچه آدمیان پیش از دوران اسلام گنج نموده اند، این را ابو عبیده گفته، و لا قوه الا بالله. - . معانی الاخبار: ۲۷۲ -

**[ترجمه]

«۳»

مع، [معانی الأخبار] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ الزَّنْجَانِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سَلَّام رَفَعَهُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله عَنْ ذَبَائِحِ الْجِنِّ وَ ذَبَائِحُ الْجِنِّ أَنْ يُشْتَرَى الدَّارُ أَوْ يُسْتَخْرَجَ الْعَيْنُ أَوْ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ فَيُذْبَحَ لَهُ ذَبِيحَةٌ لِلطِّيَرَةِ.

قال أبو عبيده معناه أنهم كانوا يتطيرون إلى هذا الفعل مخافه إن لم يذبحوا و يطعموا أن يصيبهم فيها شی ء من الجن فأبطل النبی صلی الله علیه و آله هذا و نهی عنه (۴).

**[ترجمه]معانی الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کرده از ذبائح جنیان. و آن این است که خانه ای بخرد یا چشمه آبی (یا طلایی) را در آورد - و آنچه بدان مانـد - و برای بدفالی حیوانی را سر ببرد. ابو عبیده گفته: مقصود این است که در این موارد فال بد می زدند و بیم داشتند که اگر کشتاری نکنند و اطعامی نکنند، از جن و پری به آنها آفتی رسد. پیغمبر صلی الله علیه و آله این فال را بیهوده شناخت و از آن نهی کرد. - . معانی الاخبار: ۲۸۲ -

**[ترجمه]

«۴»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ بَنَى مَسْكَناً فَذَبَحَ كَبْشاً سَمِيناً وَ أَطْعَمَ لَحْمَهُ الْمَسَاكِينَ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي مَرَدَةَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ بَارِكْ لِي فِي بِنَائِي أُعْطِيَ مَا سَأَلَ (۵).

ص: ۱۵۸

۱- ۱. الخصال ج ۱: ۱۵۱.

۲- ۲. الخصال ج ۱: ۱۵۱.

۳- ۳. معانی الأخبار: ۲۷۲.

۴- ۴. معانی الأخبار: ۲۸۲.

۵- ۵. ثواب الأعمال: ۱۶۹.

**[ترجمه]ثواب الاعمال: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر كه خانه ای سازد و ميشی بكشد كه فربه باشد و گوشتش را به مستمندان بخوراند، سپس گويد: «اللهم ادحر عنی مرده الجن و الإنس و الشياطين و بارک لی فی بنائی»، (بار خدايا! از من سركشان و آزار دهندگان پری و آدمی و همه شيطان ها را بران و ساختمان مرا مبارك ساز)، آنچه كه درخواست كرده، به او داده شود. - . ثواب الاعمال: ۱۶۹ -

**[ترجمه]

باب ۳۰ تزويق البيوت و تصويرها و اتخاذ الكلب فيها

روايات

«۱»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَرَّاحٍ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا تَبْنُوا عَلَى الْقُبُورِ وَ لَا تُصَوِّرُوا سُقُوفَ الْبُيُوتِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله كَرِهَ ذَلِكَ وَ رَوَاهُ عَنْ يُوسُفَ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام (۱).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق عليه السّلام فرمود: بر سر گورها خانه نسازيد و بر سقف خانه ها صورت نكشيد، زيرا رسول خدا صلى الله عليه و آله آن را بد می داشت.

و به سند ديگر اين روايت را از امام باقر عليه السّلام آورده است. - . محاسن: ۶۱۲ -

**[ترجمه]

«۲»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّ جَبْرَئِيلَ أَتَانِي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَنْهَى عَنْ تَزْوِيقِ الْبُيُوتِ قَالَ أَبُو بَصِيرٍ قُلْتُ وَ مَا التَّزْوِيقُ قَالَ تَصَاوِيرُ التَّمَاثِيلِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق عليه السّلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: جبرئيل برمن فرود آمد و گفت: ای محمد! پروردگارت تو را درود گويد و از نقاشی در خانه ها نهی كند. ابو بصير (راوی حديث) گويد: گفتم: (تزويق) نقاشی خانه چيست؟ فرمود: صورت مجسمه ها است. - .[۲] محاسن: ۶۱۴ -

**[ترجمه]

«۳»

سن، [المحاسن] عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: إِنَّ جَبْرَئِیلَ علیه السلام قَالَ إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَیْتاً فِیهِ کَلْبٌ وَ لَا صُورَهُ إِنْسَانٍ وَ لَا بَیْتاً فِیهِ تِمْثَالٌ (۳).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل گفت: ما در خانه ای وارد نشویم که در آن سگ باشد یا صورت آدمی یا خانه ای که در آن مجسمه باشد. - .[۳] محاسن: ۶۱۴ -

**[ترجمه]

«۴»

سن، [المحاسن] عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ جَبْرَئِیلَ أَتَانِی فَقَالَ إِنَّا مَعْشَرَ الْمَلَائِکَهِ لَا نَدْخُلُ بَیْتاً فِیهِ کَلْبٌ وَ لَا تِمْثَالُ جَسَدٍ وَ لَا إِنَاءٌ یُبَالُ فِیهِ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل برمن آمد و گفت: ما فرشته ها وارد نشویم در خانه ای که در آن سگ باشد یا مجسمه تن یا ظرفی که در آن بول کنند. - .[۴] محاسن: ۶۱۵ -

**[ترجمه]

«۵»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْلَدٍ عَنْ أَبَانٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَلَّادٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ جَبْرَئِیلُ علیه السلام: یَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَیْتاً فِیهِ صُورَهُ إِنْسَانٍ وَ لَا بَیْتاً یُبَالُ فِیهِ وَ لَا بَیْتاً فِیهِ کَلْبٌ (۵).

۱- ۱. المحاسن: ۶۱۲.

۲- ۲. المحاسن: ۶۱۴.

۳- ۳. المحاسن: ۶۱۴.

۴- ۴. المحاسن: ۶۱۵.

۵- ۵. المحاسن: ۶۱۵.

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل برمن آمد و گفت: ما فرشته ها وارد نشویم در خانه ای که در آن مجسمه تن یا ظرفی که در آن بول کنند یا سگ باشد. - .[۱] محاسن: ۶۱۵ -

**[ترجمه]

«۶»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكِنْدِيِّ عَنْ أَبِيهِ وَ كَانَ صَاحِبَ مَطْهَرَهِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ إِنَّ جَبْرَئِيلَ أَتَانِي الْبَارِحَهَ فَسَلَّمَ عَلَيَّ مِنَ الْبَابِ فَقُلْتُ ادْخُلْ فَقَالَ إِنَّا لَا نَدْخُلُ بَيْتاً فِيهِ مَا فِي هَذَا الْبَيْتِ فَصَدَّقْتُهُ وَ مَا عَلِمْتُ مَا فِي الْبَيْتِ شَيْئاً فَضَرَبْتُ بِيَدِي فَإِذَا جِرْوُ كَلْبٍ كَانَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ- يَلْعَبُ بِهِ بِالْأَمْسِ فَلَمَّا كَانَ اللَّيْلُ دَخَلَ تَحْتَ السَّرِيرِ فَنَبَذْتُهُ مِنَ الْبَيْتِ وَ دَخَلَ فَقُلْتُ يَا جَبْرَئِيلُ وَ مَا تَدْخُلُونَ بَيْتاً فِيهِ كَلْبٌ قَالَ لَا وَ لَا جُنُبٌ وَ لَا تِمْثَالٌ لَا يُوطَأُ(۱).

**[ترجمه]محاسن: علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! جبرئیل دیشب نزد من آمد و بر در اتاق ماند. گفتم که درون آی! گفت: ما در خانه ای نشویم که در آن آنچه که در این خانه است باشد. من او را تصدیق کردم و نمی دانستم چه در خانه است. پس با دست به اطراف زدم و ناگاه توله سگی که از حسین بن علی علیه السّلام بود و با آن بازی می کرد را دیدم که روز گذشته زیر تخت رفته بود. من آن را از خانه بیرون انداختم و او درون آمد. گفتم: ای جبرئیل! شماها در خانه ای که در آن سگ باشد درنیایید؟ گفت: نه، همچنین در خانه ای که جنب باشد یا تمثالی که زیر پا نباشد. - . [۲] محاسن: ۶۱۵ -

**[ترجمه]

«۷»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّ عَلِيّاً علیه السلام كَرِهَ الصُّورَهَ فِي الْبُيُوتِ. و رواه عن محمد بن علی عن ابن فضال عن المثنی (۲)

سن، [المحاسن] عن ابن العرزمی عن حاتم بن إسماعیل المدینی عن جعفر عن أبیه: أن علیا علیه السلام و ذکره مثله (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: علی علیه السّلام بد داشت که در خانه تصویر باشد. - .[۳] محاسن: ۶۱۶ -

و به دو سند دیگر این روایت را آورده است. - .[۴] محاسن: ۶۱۷ -

**[ترجمه]

«۸»

سن، [المحاسن] عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ وَ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ كَرِهَ الصُّوَرَ فِي الْبُيُوتِ (۴).

**[ترجمه]محاسن: از امام صادق علیه السّلام روایت است که آن حضرت بد می داشت داشتن صورت در خانه را. - .[۵] محاسن: ۶۱۷ -

**[ترجمه]

«۹»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يَكُونَ التَّمَاثِيلُ فِي الْبُيُوتِ إِذَا غُيِّرَتْ رُءُوسُهَا وَ تُرِكَ مَا سِوَى ذَلِكَ (۵).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: باکی ندارد مجسمه در خانه باشد، هر گاه سرش را دگرگون سازند و تنش بماند. - .[۶] محاسن: ۶۱۹ -

**[ترجمه]

«۱۰»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ فَضَالَةَ وَ صَفْوَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَجُلٌ: رَحِمَكَ اللَّهُ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَرَاهَا فِي بُيُوتِكُمْ فَقَالَ هَذِهِ لِلنِّسَاءِ أَوْ بُيُوتِ النِّسَاءِ وَ حَدَّثَ بِهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدٍ(۶).

**[ترجمه]محاسن: محمد بن مسلم گفت: مردی به امام باقر علیه السّلام گفت: رحمك الله! این مجسمه ها که من در خانه های شما می بینم چیست؟ فرمود: «اینها از زن ها است» یا «خانه ها از زن هاست» و در روایت ابن محبوب هم آن را آورده است. - .[۷] محاسن: ۶۲۱ -

**[ترجمه]

«۱۱»

مکا، [مكارم الأخلاق] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ تَمَاثِيلِ الشَّجَرِ

ص: ۱۶۰

۱- ۱. المحاسن: ۶۱۵.

٢- ٢. المحاسن: ٦١٦.

٣- ٣. المحاسن: ٦١٧.

٤- ٤. المحاسن: ٦١٧.

٥- ٥. المحاسن: ٦١٩.

٦- ٦. المحاسن: ٦٢١.

وَ الشَّمْسِ وَ الْقَمَرِ قَالَ لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَكُنْ فِيهِ شَيْ ءٌ مِنَ الْحَيَوَانِ.

عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى- يَعْمَلُونَ لَهُ ما يَشاءُ مِنْ مَحارِيبَ وَ تَماثِيلَ (۱) مَا التَّمَاثِيلُ الَّتِي كَانُوا يَعْمَلُونَ قَالَ أَمَا وَ اللَّهِ مَا هِيَ التَّمَاثِيلُ الَّتِي تُشْبِهُ النَّاسَ وَ لَكِنْ تَمَاثِيلُ الشَّجَرِ وَ نَحْوِهِ (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: محمد بن مسلم گوید: از امام

صادق درباره تمثال درخت و خورشید و ماه پرسیدم. فرمود: اگر حیوان در آن نباشد باکی ندارد.

و از ابوالعباس است که گفت: از امام صادق علیه السّلام درباره مقصود از این قول خدا سبحانه و تعالی پرسیدم که می فرماید: «یعملون له ما یشاء من محاریب و تماثیل.» - . سبأ/ ۱۲ - {[آن متخصّصان] برای او هر چه می خواست: از نمازخانه ها و مجسّمه ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه ها و دیگ های چسبیده به زمین می ساختند.} فرمود: آگاه باش که به خدا تمثال هایی مانند مردم نبودند، ولی تمثال درخت و مانند آن بوده است. - . مکارم الاخلاق: ۱۵۳ -

**[ترجمه]

«۱۲»

كِتَابُ الْإِمَامَةِ وَ التَّبْصِرَةِ، عَنْ سَهْلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: رُخِّصَ لِأَهْلِ الْقَاصِيَةِ فِي كَلْبٍ يَتَّخِذُونَهُ.

**[ترجمه]امامت و تبصره: رسول خدا صلی الله علیه و آله به مردم بیابانی رخصت داد که سگی داشته باشند .

**[ترجمه]

باب ۳۱ اتخاذ المسجد فی الدار

الآيات

يونس: وَ أَوْحَيْنا إِلى مُوسى وَ أَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءا لِقَوْمِكُما بِمِصْرَ بُيُوتاً وَ اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَ أَقِيمُوا الصَّلاةَ(۳)

lt;meta info="- و أوحینا إلی موسی و أخیه أن تبوءا لقومکما بمصر بیوتا و اجعلوا بیوتکم قبله و أقیموا الصلاه.» - .[۱] یونس/ ۸۷ -

{و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه هایی ترتیب دهید و سراهایتان را رو به روی هم قرار دهید و نماز برپا دارید و مؤمنان را مژده ده.}

روايات:

**[ترجمه]

روایات

«۱»

سن، [المحاسن] عَنِ الْيَقْطِينِيِّ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ لِعَلِيٍّ علیه السلام بَيْتٌ لَيْسَ فِيهِ شَیْ ءٌ إِلَّا فِرَاشٌ وَ سَيْفٌ وَ مُصْحَفٌ وَ كَانَ يُصَلِّی فِيهِ أَوْ قَالَ كَانَ يَقِيلُ فِيهِ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: علی علیه السّلام در خانه اش اتاقی داشت که چیزی در آن نبود جز بستر و شمشیر و قرآن و در آن نماز می خواند. یا فرمود: در آن خواب نیمروز می کرد. - .[۲] محاسن: ۶۱۲ -

**[ترجمه]

«۲»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَارَهَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ علیه السلام قَدْ جَعَلَ بَيْتاً فِی دَارِهِ لَيْسَ بِالصَّغِيرِ وَ لَا بِالْكَبِيرِ لِصَلَاتِهِ وَ كَانَ إِذَا كَانَ اللَّيْلُ ذَهَبَ مَعَهُ بِصَبِيٍّ لِيَبِيتَ مَعَهُ فَيُصَلِّیَ فِيهِ (۵).

۱- ۱. سبأ: ۱۲.

۲- ۲. مكارم الأخلاق: ۱۵۳.

۳- ۳. یونس: ۸۷.

۴- ۴. المحاسن: ۶۱۲.

۵- ۵. المحاسن: ۶۱۲.

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: علی علیه السّلام را در خانه اش اتاقی بود نه کوچک و نه بزرگ برای نمازش و چون شب می شد، با خود پسر بچه ای می برد تا با او شب را [فارغ از تنهایی] بگذراند و در آن نماز می خواند. - .
[۳] محاسن: ۶۱۲ -

**[ترجمه]

«۳»

سن، [المحاسن] عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ أَبَانٍ عَنْ مِسْمَعٍ قَالَ: کَتَبَ إِلَیَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنِّی أُحِبُّ لَکَ أَنْ تَتَّخِذَ فِی دَارِکَ مَسْجِداً فِی بَعْضِ بُیُوتِکَ ثُمَّ تَلْبَسَ ثَوْبَیْنِ طِمْرَیْنِ غَلِیظَیْنِ ثُمَّ تَسْأَلَ اللَّهَ أَنْ یُعْتِقَکَ مِنَ النَّارِ وَ أَنْ یُدْخِلَکَ الْجَنَّهَ وَ لَا تَتَکَلَّمَ بِکَلِمَهِ بَاطِلٍ وَ لَا بِکَلِمَهِ بَغْیٍ (۱).

**[ترجمه]محاسن: مسمع گفت: امام صادق علیه السّلام به من نوشت که: دوست دارم در خانه ات یک اتاق نمازخانه در نظر بگیری، آنگاه دو جامه کهنه و درشت و کرباسین بپوشی و سپس از خدا خواهش کنی که تو را از دوزخ آزاد کند و به بهشت در آورد و نه یک کلمه بیهوده و ناروا بگویی و نه یک کلمه ناحق. - . محاسن: ۶۱۲ -

**[ترجمه]

باب ۳۲ اتخاذ الدواجن

روایات

«۱»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: أَتَی رَجُلٌ (۲) فَشَکَا إِلَیْهِ قَالَ أَخْرَجَتْنَا الْجِنُّ مِنْ مَنَازِلِنَا یَعْنِی عُمَّارَ مَنَازِلِهِمْ فَقَالَ اجْعَلُوا سُقُوفَ بُیُوتِکُمْ سَبْعَهَ أَذْرُعٍ وَ اجْعَلُوا الْحَمَامَ فِی أَکْنَافِ الدَّارِ قَالَ الرَّجُلُ فَفَعَلْنَا فَمَا رَأَیْنَا شَیْئاً نَکْرَهُهُ.

عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: رَأَیْتُ حَمَاماً خَرَجَ مِنْ تَحْتِ سَرِیرِهِ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ أُهْدِی لَکَ طُیُوراً عِنْدَنَا بُلْقاً تُقَرْقِرُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام تِلْکَ مُسُوخٌ مِنَ الطَّیْرِ إِذَا کُنْتَ مُتَّخِذاً فَاتَّخِذْ مِثْلَ هَذِهِ فَإِنَّهَا بَقِیَّهُ حَمَامِ إِسْمَاعِیلَ علیه السلام.

مِنْ کِتَابِ مَنْ لَا یَحْضُرُهُ الْفَقِیهُ: شَکَا رَجُلٌ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله الْوَحْشَهَ فَأَمَرَهُ بِاتِّخَاذِ زَوْجِ حَمَامٍ.

وَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: إِنَّ حَفِیفَ أَجْنِحَهِ الْحَمَامِ لَیَطْرُدُ الشَّیْطَانَ.

وَ قَالَ علیه السلام: اتَّقُوا اللَّهَ فِیمَا خَوَّلَکُمْ وَ فِی الْعُجْمِ مِنْ أَمْوَالِکُمْ فَقِیلَ مَا الْعُجْمُ مِنْ أَمْوَالِنَا قَالَ الشَّاهُ وَ الْهِرُّ وَ الْحَمَامُ وَ أَشْبَاهُ ذَلِکَ.

۱- ۱. المحاسن ص ۶۱۲.

۲- ۳. فی المصدر: أنه أتاه رجل.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ یَکُونُ فِی مَنْزِلِهِ عَنْزٌ حَلُوبٌ إِلَّا قُدِّسَ أَهْلُ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ وَ بُورِکَ عَلَیْهِمْ فَإِنْ کَانَتِ اثْنَتَیْنِ قُدِّسُوا کُلَّ یَوْمٍ مَرَّتَیْنِ فَقَالَ رَجُلٌ کَیْفَ یُقَدَّسُونَ قَالَ یُقَالُ لَهُمْ بُورِکَ عَلَیْکُمْ وَ طِبْتُمْ مَا طَابَ إِدَامُکُمْ.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: إِنَّ امْرَأَةً عُذِّبَتْ فِی هِرَّةٍ رَبَطَتْهَا حَتَّی مَاتَتْ عَطَشاً.

قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: لَا تَمْنَعُوا الْخَطَاطِیفَ أَنْ تَسْکُنَ فِی بُیُوتِکُمْ، وَ قَالَ علیه السلام لَا تَطْرُقُوا الطَّیْرَ فِی أَوْکَارِهَا فَإِنَّ اللَّیْلَ أَمَانٌ لَهَا وَ ذَلِکَ لِمَا جَعَلَهُ اللَّهُ عَلَیْهِ مِنَ الرَّحْمَهِ.

مِنْ کِتَابِ طِبِّ الْأَئِمَّهِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: اتَّخِذُوا فِی بُیُوتِکُمُ الدَّوَاجِنَ یَتَشَاغَلُ بِهَا الشَّیْطَانُ عَنْ صِبْیَانِکُمْ.

عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام: مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَیْتِ أَحَبَّ الْحَمَامَ.

قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام: لَا یَنْبَغِی أَنْ یَخْلُوَ بَیْتُ أَحَدِکُمْ مِنْ ثَلَاثَهٍ وَ هُنَّ عُمَّارُ الْبَیْتِ الْهِرِّ وَ الْحَمَامِ وَ الدِّیکِ فَإِنْ کَانَ مَعَ الدِّیکِ أَنِیسَهٌ وَ إِلَّا فَلَا بَأْسٌ لِمَنْ لَا یَقْدِرُهَا.

رَوَی الْجَعْفَرِیُّ قَالَ: رَأَیْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام فِی بَیْتِهِ زَوْجُ حَمَامٍ أَمَّا الذَّکَرُ فَأَخْضَرُ وَ أَمَّا الْأُنْثَی فَسَوْدَاءُ وَ رَأَیْتُهُ علیه السلام یَفُتُّ لَهُمَا الْخُبْزَ وَ یَقُولُ یَتَحَرَّکَانِ مِنَ اللَّیْلِ فَیُؤْنِسَانِ وَ مَا مِنِ انْتِفَاضَهٍ یَنْتَفِضَانِهَا مِنَ اللَّیْلِ إِلَّا اتَّقَی مَنْ دَخَلَ الْبَیْتَ مِنْ عَرَمَهِ الْأَرْضِ (۱).

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَیْسَ مِنْ بَیْتِ نَبِیٍّ إِلَّا وَ فِیهِ حَمَامٌ لِأَنَّ سُفَهَاءَ الْجِنِّ یَعْبَثُونَ بِصِبْیَانِ الْبَیْتِ فَإِذَا کَانَ فِیهِ حَمَامٌ عَبَثُوا بِالْحَمَامِ وَ تَرَکُوا النَّاسَ (۲).

ص: ۱۶۳

۱- ۱. لعل المراد من عرمه الأرض هدتها و خسفها کما فی حدیث آخر رواه فی الکافی ج ۶ ص ۵۴۷، هذا إذا کان مصدرا و إذا کان جمع عارم فالمراد هوام الأرض الموذیه، و فی نسخه الکافی: الا نفر اللّه بها من دخل البیت من عزمه أهل الأرض.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ۱۴۷- ۱۵۰ و فی نسخه الکافی« و لیس من بیت فیه حمام الا لم تصب أهل ذلک البیت آفه من الجن، ان سفهاء الجن إلخ.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: روایت است که مردی نزد امام باقر علیه السّلام آمد و شکایت کرد که جن ما را از منزل هامان بیرون کرده که مقصودش عمارت منازلشان بود. آن حضرت فرمود: بلندی سقف خانه های خود را هفت ذراع بگیرید و کبوتر در کناره های خانه نگه دارید. آن مرد گفت: چنین کردیم و دیگر چیزی که بد داریم، ندیدیم.

از داود رِقّی است که یک بار دیدم کبوتری از زیر تخت امام صادق به در آمد. گفتم: قربانت گردم! برایت از پرنده هایی که داریم و خط خطی و رنگارنگ هستند و بق بقو می کنند هدیه آوریم؟ آن حضرت فرمود: آنها پرنده های مسخ شده اند، اگر خواهی پرنده داشته باشی، مانند همین را بگیر که از نژاد کبوتران اسماعیل علیه السّلام هستند.

در کتاب من لا یحضره الفقیه آمده است که مردی به پیغمبر صلی الله علیه و آله از هراس شکایت کرد و حضرت به او فرمود: یک جفت کبوتر بر گیر.

و امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: آواز بال های کبوتران شیطان را براند.

و از آن حضرت علیه السّلام است که فرمود: تقوای خدا را درباره آنچه که به شماها داده و نیز درباره اموال زبان بسته خود رعایت کنید. گفته شد: اموال زبان بسته ما کدامند؟ فرمود: گوسفند، و گربه و کبوتر و مانند آنها.

از امام صادق علیه السّلام روایت است که فرمود: مؤمنی نباشد که در منزلش یک بز شیرده باشد، جز آنکه اهل آن منزل تقدیس شوند و مبارک باشند و اگر دو بز باشد، هر روزی دو بار تقدیس شوند. مردی پرسید: چگونه تقدیس شوند؟ فرمود: به آنها گویند: برکت بر شما و خوش باشید تا زمانی که خورشت شما خوب است! (یعنی شیر بزها).

و از آن حضرت است که فرمود: زنی به خاطر این که ماده گربه ای را بست تا از تشنگی مُرد، عذاب شود.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: جلوگیر پرستوها نشوید که در خانه هاتان لانه کنند. و فرمود: شبانه به لانه های پرندگان دست نزنید که شب برایشان امان است، چرا که خدا در آن رحمت مقرر داشته است.

در کتاب طب الائمه است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حیوانات اهلی در خانه هاتان داشته باشید که شیطان ها بدانها سرگرم شوند و از کودکان کناره کنند.

از امام باقر علیه السّلام است که فرمود: هر که ما خانواده را دوست دارد، کبوتردوست است.

امام هفتم علیه السّلام فرمود: نشاید که خانه هر یک از شماها از سه چیز تهی باشد که آنها آباد کننده خانه باشند: گربه و کبوتر و خروس، و اگر با خروس مرغی هم باشد چه بهتر، وگرنه باکی نیست بر کسی که توانا بر آن نیست.

و به روایت جعفری است که در خانه امام هفتم علیه السّلام یک جفت کبوتر دیدم که نر آن سبز بود و ماده آن سیاه. و دیدم که آن حضرت به دست خود برایشان نان خرد می کرد و می فرمود: شبانه پرواز می کنند و مونس می شوند، و شب هر پربالی بزنند، محفوظ بماند هر که در خانه است از فرورفتن زمین آن. - . کافی ۶: ۵۴۷ -

و امام صادق علیه السّلام فرمود: خانه پیغمبری نبوده جز آنکه در آن کبوتر بوده، چون که بی خردان جن و پری با کودکان خانه بازی کنند و چون کبوتر در آن باشد، با کبوتر بازی کنند و مردم را رها کنند. -.[۲] مکارم الاخلاق ۱۴۷- ۱۵۰، در نسخه کافی آمده «هیچ خانه ای نیست که در آن کبوتر باشد، مگر این که اهل آن از آفت جن محفوظند. -

**[ترجمه]

باب ۳۳ الإسراج و آدابه

روایات

«۱»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] بِالْإِسْنَادِ إِلَى دَارِمٍ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَطْفِئُوا الْمَصَابِيحَ بِاللَّيْلِ لَا تَجُرَّهَا الْفُوَيْسِقَةُ فَتُحْرِقَ الْبَيْتَ وَ مَا فِيهِ (۱).

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چراغ ها را در شب خاموش کنید تا فویسقه (دزدک شب که موش است) آن را نکُشد و خانه را با هر چه در آن است به آتش نکِشد. - . عیون اخبارالرضا ۲: ۷۴ -

**[ترجمه]

«۲»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام عَنْ جَابِرٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: أَطْفِئُوا سُرُجَكُمْ فَإِنَّ الْفُوَيْسِقَةَ تُضْرِمُ الْبَيْتَ عَلَى أَهْلِهِ الْخَبَرَ(۲).

**[ترجمه]علل الشرائع: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چراغ ها را خاموش کنید تا فویسقه خانه را بر اهل آن به آتش نکشد. - . علل الشرائع ۲: ۲۶۹ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْكُمُنْدَانِيِّ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَرْبَعَةٌ يَذْهَبْنَ ضَيَاعاً الْبَذْرُ فِي السَّبَخَةِ وَ السِّرَاجُ فِي الْقَمَرِ وَ الْأَكْلُ عَلَى الشِّبَعِ وَ الْمَعْرُوفُ إِلَى مَنْ لَيْسَ بِأَهْلِهِ (۳).

ل، [الخصال]: فيما أوصى به النبی صلی الله علیه و آله عليا علیه السلام مثله (۴).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: چهار چیز به هدر روند: بذر در شوره زار، چراغ در روشنی ماه، خوردن به هنگام سیری و احسان به نا اهل. - . خصال ۱: ۱۲۶ -

خصال: در سفارش پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام، مانند آن را آورده است. - . خصال ۱: ۱۲۶ -

**[ترجمه]

«۴»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنِ الْفَحَّامِ عَنِ الْمَنْصُورِیِّ عَنْ عَمِّ أَبِیهِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِیٍّ علیهم السلام قَالَ: خَمْسٌ تَذْهَبُ ضَیَاعاً سِرَاجٌ تقده [تُعِدُّهُ] فِی شَمْسٍ الدُّهْنُ

ص: ۱۶۴

۱- ۱. عیون الأخبار ج ۲ ص ۷۴، و الفویسقه: مصغر الفاسقه، و هی الفاره لخروجها من جحرها علی الناس للسرقه و الضیعه، روی أبو داود بإسناده عن ابن عبّاس قال: جاءت فاره تجر الفتیله فألقتها بین یدی رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله علی الخمره التی کان قاعدا علیها فأحرقت منها مثل موضع الدرهم، فقال: إذا نمتم فأطفئوا سرجکم فان الشیطان یدلّ مثل هذه علی هذا فیحرقکم راجع مشکاه المصابیح ص ۳۷۲.

۲- ۲. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۶۹.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۱۲۶.

۴- ۴. الخصال ج ۱ ص ۱۲۶.

يَذْهَبُ وَ الضَّوْءُ لَا يُنْتَفَعُ بِهِ وَ مَطَرٌ جَوْدٌ(۱)

عَلَى أَرْضٍ سَبِخَةٍ الْمَطَرُ يَضِيعُ وَ الْأَرْضُ لَا يُنْتَفَعُ بِهَا وَ طَعَامٌ يُحْكِمُهُ طَاهِيَةٌ يُقَدَّمُ إِلَى شَبْعَانَ فَلَا يَنْتَفِعُ بِهِ وَ امْرَأَةٌ حَسْنَاءُ تُزَفُّ إِلَى عِنِّينٍ فَلَا يَنْتَفِعُ بِهَا وَ مَعْرُوفٌ تَصْطَنِعُهُ إِلَى مَنْ لَا يَشْكُرُهُ (۲).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: ابی الحسن سوم از پدرانش، از امام علی علیهم السّلام روایت می کند که فرمود: پنج چیز بیهوده باشند: چراغی که در پرتو آفتاب بسوزانی که روغن برود و پرتوش سودی ندارد؛ باران فراوان - . «الجود» یعنی باران شدید که به صورت وصف می آید. گفته شده: «هاجت لنا سماء جود و مطرنا مطرا جودا.» - در زمین شوره زارکه باران هدر شود و زمین سودی ندهد؛ خوراکی که آشپز خوب بپزد و نزد سیر نهی که بهره ای از آن نبرد؛ زن زیبا که به حجله و شوهر عنین و نامرد رود و از آن بهره نبرد؛ و احسان به کسی که شکر آن نکند و قدرش ندارد. - . امالی شیخ طوسی ۱: ۲۹۱ -

**[ترجمه]

«۵»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْهُ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: السِّرَاجُ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (۳).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: امام صادق علیه السّلام فرمود: افروختن چراغ پیش از غروب آفتاب، فقر را ببرد و روزی را بیفزاید. - . امالی شیخ طوسی ۱: ۲۸۱ -

**[ترجمه]

«۶»

لی، [الأمالی للصدوق] عَنِ ابْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْقُرَشِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ لَكُمْ أَرْبَعاً وَ عِشْرِينَ خَصْلَةً وَ نَهَاكُمْ عَنْهَا وَ عَدَّهَا إِلَى أَنْ قَالَ وَ كَرِهَ أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ الْبَيْتَ الْمُظْلِمَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ سِرَاجٌ أَوْ نَارٌ(۴).

ل، [الخصال] عن أبيه عن سعد: مثله (۵)

**[ترجمه]امالی صدوق: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که: خدا برای شما بیست و چهار خصلت را بد دارد و شما را از آنها نهی کرده است و آنها را بر شمرد تا فرمود: و بد دارد کسی در خانه تاریک در آید، جز آنکه پیش او چراغی یا آتشی باشد. - . امالی صدوق: ۱۸۱ -

خصال: مانند این روایت را آورده است. -. خصال ۲: ۱۰۲ -

**[ترجمه]

أقول

تمامه فی باب المناهی.

**[ترجمه]تمامی این روایت در «باب مناهی» آمده است.

**[ترجمه]

«۷»

مکا، [مکارم الأخلاق] قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِذَا أُدْخِلَ عَلَیْکَ الْمِصْبَاحُ فَقُلِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُوراً نَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ وَ لَا تَحْرِمْنَا نُورَکَ یَوْمَ نَلْقَاکَ وَ اجْعَلْ لَنَا نُوراً إِنَّکَ نُورٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ إِذَا انْطَفَأَ السِّرَاجُ فَقُلِ اللَّهُمَّ أَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ(۶).

ص: ۱۶۵

۱- ۱. الجود: المطر الغزیر، و قد یأتی وصفا فیقال: هاجت لنا سماء جود و مطرنا مطرا جودا.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۱: ۲۹۱، و الطاهیه: الطباخه.

۳- ۳. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۲۸۱.

۴- ۴. أمالی الصدوق: ۱۸۱.

۵- ۵. الخصال ج ۲: ۱۰۲.

۶- ۶. مکارم الأخلاق: ۳۳۳.

**[ترجمه]مکـارم الاخلاـق: امام صادق علیه السّـلام فرمود: چون چراغ برایت آوردنـد بگو: «اللهم اجعل لنا نورا نمشـی به فی النـاس و لا تحرمنا نورک یوم نلقاک و اجعل لنا نورا إنک نور لا إله إلا أنت.» (خـدایا! به ما نوری بـده که با آن میان مردم راه برویم، و ما را از نور خودت محروم مکن در روزی که ملاقاتت کنیم؛ به ما نوری بده که تو خود نور هستی و شایسته پرستشی جز تو نیست.) و چون چراغ خـاموش شود بگو: «اللهم أخرجنـا من الظلمات إلی نور.» (خـدایا! به در آور ما را از تاریکی ها به سوی نور.) - . مکارم الاخلاق: ۳۳۳ -

**[ترجمه]

باب ۳۴ آداب دخول الدار و الخروج منها

الآیات

البقره: لَیْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ ظُهُورِها وَ لکِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقی وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوابِها(۱)

lt;meta info="- لیس البر بأن تأتوا البیوت من ظهورها و لکن البر من اتقی و أتوا البیوت من أبوابها.» - . بقره/ ۱۸۹ -

{و نیکی آن نیست که از پشتِ خـانه هـا درآییـد، بلکه نیکی آن است که کسـی تقوا پیشه کنـد، و به خـانه ها از درِ [ورودیِ] آنها درآیید.}

**[ترجمه]

روایات

«۱»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السـلام: إِذَا دَخَلَ أَحَدُکُمْ مَنْزِلَهُ فَلْیُسَـلِّمْ عَلَی أَهْلِهِ یَقُولُ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ فَإِنْ لَمْ یَکُنْ لَهُ أَهْلٌ فَلْیَقُلِ السَّلَامُ عَلَیْنَا مِنْ رَبِّنَا وَ لْیَقْرَأْ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حِینَ یَدْخُلُ مَنْزِلَهُ فَإِنَّهُ یَنْفِی الْفَقْرَ وَ قَالَ علیه السلام وَ لْیَقْرَأْ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَیْتِهِ الْآیَاتِ مِنْ آخِرِ آلِ عِمْرَانَ وَ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ أُمَّ الْکِتَابِ فَإِنَّ فِیهَا قَضَاءَ حَوَائِجِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ(۲).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: چون یکی از شما به منزلش در آید، باید به اهل خود سلام کند و بگویـد: «السـلام علیکم.» و اگر اهلی ندارد، چون وارد خانه اش شود باید بگوید: «السـلام علینا من ربنا.» و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، زیرا فقر را ببرد.

و فرمود: چون از خانه اش به در آیـد، آیه های آخر آل عمران را بخواند (گویا مقصود آیه «آمن الرسول» تا آخر سوره است) همراه

بـا آیه الکرسـی و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و سوره حمـد که مایه برآورده شـدن حاجات دنیا و آخرت است. - .[۲] خصال ۲: ۱۶۴ و

**[ترجمه]

أقول

قد مضى بعض الأخبار فی باب آداب الدار ثم أقول و ستأتی الأدعیه فی کتاب الدعاء.

**[ترجمه]برخی اخبار در «باب آداب خانه» گذشت، سپس می گویم دعاهایی را که در «کتاب ادعیه» خواهد آمد .

**[ترجمه]

«۲»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ النَّوْفَلِیِّ رَفَعَهُ إِلَی أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِذَا طَلَبْتُمُ الْحَوَائِجَ فَاطْلُبُوهَا بِالنَّهَارِ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْحَیَاءَ فِی الْعَیْنَیْنِ وَ إِذَا تَزَوَّجْتُمْ فَتَزَوَّجُوا بِاللَّیْلِ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّیْلَ سَکَناً(۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: امام باقر علیه السّلام فرمود: چون حاجتی خواهید، روز به دنبال آن بروید، زیرا خدا شرم را در دو چشم قرار داده، و چون بخواهید ازدواج کنید، در شب باشد، زیرا خدا آن را مایه آرامش ساخته است. - .[۱] تفسیر عیاشی ۱: ۳۷۰ - ۳۷۱ -

**[ترجمه]

«۳»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ عَلِیِّ بْنِ عُقْبَهَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَزَوَّجُوا بِاللَّیْلِ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَهُ سَکَناً وَ لَا تَطْلُبُوا الْحَوَائِجَ بِاللَّیْلِ فَإِنَّهُ مُظْلِمٌ (۴).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون زن و شوهری خواهید، در شب باشد که خدا آن را مایه آرامش ساخته، و حاجت ها را در شب نخواهید که تاریک است. - .[۲] تفسیر عیاشی ۱: ۳۷۰ - ۳۷۱ -

**[ترجمه]

«۴»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ضَمِنْتُ لِمَنْ یَخْرُجُ مِنْ بَیْتِهِ مُعْتَمّاً أَنْ یَرْجِعَ إِلَیْهِ سَالِماً(۵).

۱- ۱. البقره: ۱۸۹.

۲- ۲. الخصال ج ۲: ۱۶۴ و ۱۶۲.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۱ ص ۳۷۰ و ۳۷۱ فی آیه الانعام: ۹۶.

۴- ۴. تفسیر العیّاشیّ ج ۱ ص ۳۷۰ و ۳۷۱ فی آیه الانعام: ۹۶.

۵- ۵. ثواب الأعمال: ۱۷۰.

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: من ضامنم که هر که با عمامه از خانه اش به در شود، سالم بدان برگردد. - .[۳] ثواب الاعمال: ۱۷۰ -

**[ترجمه]

«۵»

سن، [المحاسن] عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: اتَّقُوا الْخُرُوجَ بَعْدَ نَوْمَةٍ فَإِنَّ لِلَّهِ دُوَّاراً يَبُثُّهَا يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ (۱).

**[ترجمه]محاسن: امیر مؤمنان فرمود: مبادا پس از خواب اول شب از خانه بیرون روید که خدا دوره گرد هایی دارد که در شب پراکنده کند که هر چه فرمان دارند انجام دهند. - .[۴] محاسن: ۳۴۷ -

**[ترجمه]

«۶»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: وَ إِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ مِنْ مَنْزِلِكَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ هَكَذَا نَادَى مَلَكٌ فِی قَوْلِكَ بِسْمِ اللَّهِ هُدِيتَ أَيُّهَا الْعَبْدُ وَ فِی قَوْلِكَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وُقِيتَ وَ فِی قَوْلِكَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ كُفِيتَ فَيَقُولُ الشَّيْطَانُ حِينَئِذٍ كَيْفَ لِی بِعَبْدٍ هُدِیَ وَ وُقِیَ وَ كُفِیَ وَ اقْرَأْ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّةً عَنْ يَمِينِكَ وَ مَرَّةً عَنْ

يَسَارِكَ وَ مَرَّةً مِنْ خَلْفِكَ وَ مَرَّةً مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ وَ مَرَّةً مِنْ فَوْقِكَ وَ مَرَّةً مِنْ تَحْتِكَ فَإِنَّكَ تَكُونُ فِی يَوْمِكَ كُلِّهِ فِی أَمَانِ اللَّهِ وَ إِذَا دَخَلْتَ مَنْزِلَكَ فَسَلِّمْ عَلَى أَهْلِكَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ أَحَدٌ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَ اتَّقِ فِی جَمِيعِ أُمُورِكَ وَ أَحْسِنْ خُلُقَكَ وَ أَجْمِلْ مُعَاشَرَتَكَ مَعَ الصَّغِيرِ وَ الْكَبِيرِ وَ تَوَاضَعْ مَعَ الْعُلَمَاءِ وَ أَهْلِ الدِّينِ وَ ارْفُقْ بِمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ وَ تَعَاهَدْ إِخْوَانَكَ وَ تَسَارَعْ فِی قَضَاءِ حَوَائِجِهِمْ وَ إِيَّاكَ وَ الْغِيبَةَ وَ النَّمِيمَةَ وَ سُوءَ الْخُلُقِ مَعَ أَهْلِكَ وَ عِيَالِكَ وَ أَحْسِنْ مُجَاوَرَةَ مَنْ جَاوَرَكَ فَإِنَّ اللَّهَ يَسْأَلُكَ عَنِ الْجَارِ وَ قَدْ رُوِیَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَوْصَانِی فِی الْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ يَرِثُنِی وَ بِاللَّهِ التَّوْفِيقُ.

**[ترجمه]فقه الرضا: چون خواستی از منزلت بیرون روی بگو: «بسم الله و لا حول و لا قوه الا بالله و توکلتُ علی الله»، زیرا چون آن را بگویی، فرشته ای با گفتن «بسم الله» تو ندا کند: ای بنده، هدایت شدی! و با گفتن «لا حول و لا قوه الا بالله» گوید: محفوظ شدی! و با گفته «توکل بر خدا» گوید: کفایت شدی! و شیطان می گوید: مرا چه باشد با بنده ای که هدایت شده و محفوظ شده و کفایت شده؟ و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را یک بار در سمت راستت بخوان و یک بار در چپ و یک بار از پشت سرت و یک بار پیش رویت و یک بار از بالای سر و یک بار از زیر پا که تو آن روز در امان خدایی. و چون به منزل داخل شوی، بر اهل خود سلام کن و اگر کسی در آن نباشد، بگو: «بسم الله و بالله و السلام علی رسول الله و السلام علینا و علی عباد الله الصالحین.»

و در همه کارهایت رعایت تقوا کن، خوشخو باش، با خُرد و کلان خوشرفتار باش، در برابر علما و دینداران تواضع کن، با زیردستان نرمش کن، از برادران وارسی کن و در انجام نیازشان شتاب کن. و بپرهیز از غیبت و سخن چینی و بدرفتاری با عیالت، و خوش همسایه باش که خدا درباره همسایه از تو بازپرسی کند. و از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که خدا تبارک و تعالی درباره همسایه به من تا آنجا سفارش کرد که گمان بردم از من ارث می برد، و بالله التوفیق.

**[ترجمه]

«۷»

مص، [مصباح الشریعه] قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِکَ فَاخْرُجْ خُرُوجَ مَنْ لَا یَعُودُ وَ لَا یَکُنْ خُرُوجُکَ إِلَّا لِطَاعَةٍ أَوْ فِی سَبَبٍ مِنْ أَسْبَابِ الدِّینِ وَ الْزَمِ السَّکِینَةَ وَ الْوَقَارَ وَ اذْکُرِ اللَّهَ سِرّاً وَ جَهْراً سَأَلَ بَعْضُ أَصْحَابِ أَبِی ذَرٍّ أَهْلَ دَارِهِ عَنْهُ فَقَالَتْ خَرَجَ فَقَالَ یَعُودُ قَالَتْ مَتَی یَرْجِعُ مَنْ رُوحُهُ بِیَدِ غَیْرِهِ وَ لَا یَمْلِکُ لِنَفْسِهِ نَفْعاً وَ لَا ضَرّاً وَ اعْتَبِرْ بِخَلْقِ اللَّهِ بَرِّهِمْ وَ فَاجِرِهِمْ أَیْنَ مَا مَضَیْتَ وَ اسْأَلِ اللَّهَ أَنْ یَجْعَلَکَ مِنْ

ص: ۱۶۷

۱- ۱. المحاسن: ۳۴۷ و الظاهر:« دوابا» بدل:« دوارا».

خَوَاصِّ عِبَادِهِ وَ أَنْ يَجْعَلَكَ مِنَ الصَّالِحِينَ وَ يُلْحِقَكَ بِالْمَاضِينَ مِنْهُمْ وَ يَحْشُرَكَ فِي زُمْرَتِهِمْ وَ احْمَدْهُ وَ اشْكُرْهُ عَلَى مَا عَصَمَكَ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ جَنَّبَكَ مِنْ قَبِيحِ أَفْعَالِ الْمُجْرِمِينَ وَ غُضَّ بَصَرَكَ مِنَ الشَّهَوَاتِ وَ مَوَاضِعَ النَّهْيِ- وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَ رَاقِبِ اللَّهَ فِي كُلِّ خُطْوَةٍ كَأَنَّكَ عَلَى الصِّرَاطِ جَائِزٌ وَ لَا تَكُنْ لَفَاتاً وَ أَفْشِ السَّلَامَ بِأَهْلِهِ مُبْتَدِئاً وَ مُجِيباً وَ أَعِنْ مَنِ اسْتَعَانَ بِكَ فِي حَقٍّ وَ أَرْشِدِ الضَّالَّ- وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ وَ إِذَا رَجَعْتَ وَ دَخَلْتَ مَنْزِلَكَ فَادْخُلْ دُخُولَ الْمَيِّتِ فِي قَبْرِهِ حَيْثُ لَيْسَ لَهُ هِمَّةٌ إِلَّا رَحْمَةُ اللَّهِ تَعَالَى وَ عَفْوُهُ (۱).

**[ترجمه]مصباح الشريعه: امام صادق عليه السّلام فرمود: از منزل كه بيرون مى روى، چنان باش كه گويى بدان باز نگردى و بيرون مرو، جز براى طاعت يا امر دين، و با وقار باش و خدا را در نهان و عيان به ياد آور.

يكى از صحابه از اهل خانه ابوذر سراغ وى را گرفت و پاسخ داد كه بيرون رفته است. پرسيد: برمى گردد؟ گفت: كى برگردد كسى كه جانش به دست ديگرى است و سود و زيان خود را به دست ندارد؟

و هر جا رفتى از حال خلق خدا، نيك يا بدكار، عبرت دار و از خدا بخواه كه تو را از بندگان خاصش سازد و از صالحانت نمايد، و به گذشته آنان رساند، و در گروهشان محشورت كند. و خدا را سپاس كن و شاكر او باش كه از شهواتت نگاه داشته و از كارهاى زشت مجرمان تو را دور ساخته است. و از شهوت ها و هر جا كه بر تو غدقن شده چشم بپوش، و آرام راه برو و در هر گام خدا را بپا كه گويا از صراط در گذرى. و به هر سو ننگر و به كسى كه بايد، سلام بلند كن، چه آغازگر باشى و چه جوابگو. و هر كس در حقى از تو يارى خواست، يارى اش كن و به گم شده راه نشان بده، و از نادان ها رو برگردان. و چون به منزلت برگشتى، همچون مرده در قبرش باش كه همّى جز به رحمت خداى تعالى و عفو او ندارد. -. مصباح الشريعه: ٩ -

**[ترجمه]

«۸»

مكا، [مكارم الأخلاق]: مَنْ أَرَادَ الْخُرُوجَ مِنْ بَيْتِهِ فَلْيَقُلْ عِنْدَ خُرُوجِهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ يَقْرَأُ الْحَمْدَ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ يَسَارِهِ وَ فَوْقِهِ وَ تَحْتِهِ وَ إِذَا أَرَادَ الرُّجُوعَ إِلَى بَيْتِهِ فَلْيَقُلْ حِينَ يَدْخُلُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ ثُمَّ يُسَلِّمُ عَلَى أَهْلِهِ إِنْ كَانَ فِي الْبَيْتِ أَهْلٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِي الْبَيْتِ أَحَدٌ فَلْيَقُلْ بَعْدَ الشَّهَادَتَيْنِ السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّهِ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ (۲).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: هر كسى خواست از منزل خارج شود بگويد: «بسم الله و لا حول و لا قوه الا بالله و توكلتُ على الله و قُلْ هُوَ اللَّهُ.» وحمد و معوّذتين و آيه الكرسى را در مقابلش و در پشت سرش و در راستش و در چپش و بالاى سرش و در زير پايش بخواند. و چون خواست به منزل وارد شود، هنگام دخول بگويد: «بسم الله و بالله أشهد أن لا- إله إلا الله وحده لا شريك له و أشهد أن محمدا عبده و رسوله.» سپس بر اهل خود سلام كند و اگر كسى در آن نباشد، بعد از شهادتين بگويد:

«السـلام علی محمـد بن عبدالله خاتم النبیین السـلام علی الأئمه الهادین المهدیین السـلام علینا و علی عباد الله الصالحین.» - .[۱] مکارم الاخلاق: ۳۹۸ -

**[ترجمه]

«۹»

عُدَّهُ الدَّاعِی، عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حِینَ یَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ عَشْرَ مَرَّاتٍ أَمِنَ اللَّهَ وَ کَانَ فِی حِفْظِهِ وَ کِلَائِهِ حَتَّی یَرْجِعَ إِلَی مَنْزِلِهِ.

**[ترجمه]عده الداعی: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که هنگام خروج از منزلش ده بار سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، در حفظ و نگهداری خداست، تا وقتی که به منزلش برگردد.

**[ترجمه]

«۱۰»

ب، [قرب الإسـناد] عَنْ هَـارُونَ عَنِ ابْنِ صَـدَقَهَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَـائِهِ علیهم السـلام أَنَّ النَّبِیَّ صـلی الله علیه و آله قَـالَ: إِذَا خَرَجَ الرَّجُـلُ مِنْ بَیْتِهِ فَقَـالَ بِسْمِ اللَّهِ قَـالَتِ الْمَلَائِکَهُ لَهُ سَـلِمْتَ فَإِذَا قَالَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالَتِ الْمَلَائِکَهُ لَهُ کُفِیتَ فَإِذَا قَالَ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ قَالَتِ الْمَلَائِکَهُ لَهُ وُقِیتَ (۳).

۱- ۱. مصباح الشریعه: ۹.

۲- ۲. مکارم الأخلاق: ۳۹۸.

۳- ۳. قرب الإسناد: ۴۵.

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق

از پدرانش علیهم السّلام، از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: چون کسی از خانه اش برون شود و گوید: «بسم الله»، فرشته ها گویند: سالم باشی! و چون گوید: «لا حول و لا قوه الا بالله»، به او گویند: کفایت شدی! و چون گوید: «تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ»، به او گویند: محفوظ باشی! - .[۲] قرب الاسناد: ۴۵ -

**[ترجمه]

«۱۱»

ب، [قرب الإسناد] عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِکَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ- لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّ الْمَلَائِکَهَ تَضْرِبُ وُجُوهَ الشَّیَاطِینِ وَ تَقُولَ قَدْ سَمَّی اللَّهَ وَ آمَنَ بِاللَّهِ وَ تَوَکَّلَ عَلَی اللَّهِ وَ قَالَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام رضا علیه السّلام فرمود: چون از منزلت بیرون شوی بگو: «بسم الله. ایمان دارم به خدا توکل بر خدا، لا حول و لا قوه الا بالله» که فرشته ها به روی شیاطین زنند و گویند: نام خدا را برد و به او ایمان آورد و توکل بر خدا کرد ولا حول و لا قوه الا بالله. - .[۳] قرب الاسناد: ۲۱۹ -

**[ترجمه]

أقول

کان یحتمل البزنطی مکان ابن أسباط.

**[ترجمه]کان یحتمل البزنطی مکان ابن أسباط.

**[ترجمه]

«۱۲»

لی، [الأمالی للصدوق] عَنِ ابْنِ مَسْرُورٍ عَنِ ابْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ عَطِیَّهَ الْعَوْفِیِّ عَنْ أَبِی سَعِیدٍ الْخُدْرِیِّ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَیْتِهِ بِسْمِ اللَّهِ قَالَ الْمَلَکَانِ هُدِیتَ فَإِنْ قَالَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالا وُقِیتَ فَإِنْ قَالَ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ قَالا کُفِیتَ فَیَقُولُ الشَّیْطَانُ کَیْفَ لِی بِعَبْدٍ هُدِیَ وَ وُقِیَ وَ کُفِیَ (۲).

ثو، [ثواب الأعمال] عن ابن الولید عن الصفار عن معاویه بن حکیم عن ابن أبی عمیر: مثله (۳).

**[ترجمه]امالی صدوق: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که هنگام بیرون شدن از خانه اش گوید: «بسم الله»، دو فرشته

گویند: هدایت شدی! و اگر گوید: «لا حول و لا قوه الا بالله»، گویند: محفوظ شدی! و اگر گوید: توکل بر خدا، گویند: کفایت شدی! و شیطان گوید: مرا چه به بنده ای که هدایت شده و محفوظ شده و کفایت شده! - .[۴] امالی صدوق: ۳۴۵ -

ثواب الاعمال مانند این روایت را آورده است. - .[۵] ثواب الاعمال: ۱۴۸ -

**[ترجمه]

«۱۳»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: کَانَ أَبِی علیه السلام إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ لَا بِحَوْلِی وَ قُوَّتِی بَلْ بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ یَا رَبِّ مُتَعَرِّضاً لِرِزْقِکَ فَأْتِنِی بِهِ فِی عَافِیَهٍ(۴).

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: امام رضا علیه السّلام فرمود: هر گاه پدرم از منزلش بیرون می رفت، می گفت: «بسم الله الرحمن الرحیم، بیرون شدم به حول و قوه خدا، نه به حول و قوه خودم، بلکه به حول و قوه تو. ای پروردگار! خواهان روزی از تو هستم، آن را با عافیت به من ارزانی دار.» - . عیون الاخبار ۲: ۶ -

**[ترجمه]

«۱۴»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] بِالْأَسَانِیدِ الثَّلَاثَهِ عَنِ الرِّضَا علیه السلام عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: إِذَا أَرَادَ أَحَدُکُمُ الْحَاجَهَ فَلْیُبَکِّرْ فِی طَلَبِهَا یَوْمَ الْخَمِیسِ وَ لْیَقْرَأْ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ آخِرَ سُورَهِ آلِ عِمْرَانَ وَ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ وَ أُمَّ الْکِتَابِ فَإِنَّ فِیهَا قَضَاءَ حَوَائِجِ الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ(۵).

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۲۱۹.

۲- ۲. أمالی الصدوق: ۳۴۵.

۳- ۳. ثواب الأعمال: ۱۴۸.

۴- ۴. عیون الأخبار ج ۲: ۶.

۵- ۵. عیون الأخبار ج ۲ ص ۴۰.

صح، [صحیفه الرضا علیه السلام] عنه: مثله (۱).

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا : امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: چون یکی از شما نیازی دارد، بامداد روز پنجشنبه آن را خواهد و چون از منزلش به دنبال آن برون شود، آخر سوره آل عمران را بخواند با آیه الکرسی و سوره «إِنَّا أَنْزَلْناهُ» و سوره حمد که در آنهاست بر آورده شدن حاجت های دنیا و آخرت. - . عیون الاخبار ۲: ۴۰ -

صحیفه الرضا: مانند این روایت را آورده است. - . صحیفه الرضا: ۱۵ -

**[ترجمه]

«۱۵»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ مَنْزِلَهُ فَلْيُسَلِّمْ عَلَى أَهْلِهِ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ أَهْلٌ فَلْيَقُلِ السَّلَامُ عَلَيْنَا مِنْ رَبِّنَا وَ لْيَقْرَأْ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حِينَ يَدْخُلُ مَنْزِلَهُ فَإِنَّهُ يَنْفِي الْفَقْرَ(۲)

وَ قَالَ إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ حَاجَةً فَلْيُبَكِّرْ فِي طَلَبِهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ- اللَّهُمَّ بَارِكْ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ لْيَقْرَأْ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ الْآيَاتِ مِنْ آخِرِ آلِ عِمْرَانَ وَ آيَهَ الْكُرْسِيِّ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَ أُمَّ الْكِتَابِ فَإِنَّ فِيهَا قَضَاءَ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ(۳).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه آمده: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: چون کسی از شما به منزلش در آید، بر اهلش سلام کند و اگر اهلی نباشد، بگوید: «السلام علینا من ربنا.» و در وقت درون رفتن بدان،« قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ »بخواند که فقر را ببرد. - خصال ۲: ۱۶۴ -

و فرمود: چون یکی از شماها حاجتی را خواهد، صبح زود روز پنجشنبه به دنبالش رود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «بار خدایا! مبارک کن بر امتم در صبحدم روز پنجشنبه.» و چون از خانه اش خارج شود، آیات آخر سوره آل عمران را بخواند (از «آمن الرسول» تا آخر سوره) و همچنین آیه الکرسی و سوره «إِنَّا أَنْزَلْناهُ» و سوره حمد که در آنها بر آمدن حاجت های دنیا و آخرت است. - . خصال ۲: ۱۶۲ -

**[ترجمه]

«۱۶»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] بِإِسْنَادِ أَخِي دِعْبِلٍ عَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ- مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ إِلَيْهِ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ أَتِمَّ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ وَ اسْتَعْمِلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَ اجْعَلْنِي رَاغِباً فِيمَا عِنْدَكَ وَ تَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَ عَلَى مِلَّتِكَ وَ مِلَّهِ رَسُولِكَ صلی الله علیه و آله (۴).

سن، [المحاسن] عن ابن محبوب عن معاویه بن عمار عن الصادق علیه السلام: مثله (۵).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون از منزلت درآیی، بگو: «بسم الله، توکل بر خدا ما شاء الله لا قوه الا بالله. بار خدایا! از تو خواهم آنچه برایش خارج شدم خوب باشد و از بدش به تو پناه می برم. بار خدایا! فضلت را بر من گسترده ساز و نعمتت را بر من تمام کن و مرا به طاعت خود وادار و بدان چه نزد تو است راغب ساز و در راه خود و بر دین خود و ملت رسولت جانم را بگیر. - .[۶] امالی شیخ طوسی ۱: ۳۸۱ -

محاسن: مانند این روایت را آورده است. - .[۱] محاسن: ۳۵۱ -

**[ترجمه]

«۱۷»

سن، [المحاسن] عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ بَابِ دَارِهِ- أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ وَ رَسُولُهُ مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ الْجَدِيدِ الَّذِي إِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ لَمْ تَعُدْ مِنْ شَرِّ نَفْسِي وَ مِنْ شَرِّ غَيْرِي وَ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ السِّبَاعِ وَ الْهَوَامِّ وَ مِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا أُجِيرُ نَفْسِي مِنَ اللَّهِ مِنْ كُلِّ سُوءٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ تَابَ عَلَيْهِ وَ كَفَاهُ الْمُهِمَّ وَ حَجَزَهُ عَنِ السُّوءِ وَ عَصَمَهُ مِنَ الشَّرِّ(۶).

ص: ۱۷۰

۱- ۱. صحیفه الرضا: ۱۵.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۱۶۴.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۱۶۲، و قد مر هذا الحديث تحت الرقم ۱.

۴- ۴. أمالي الطوسيّ ج ۱ ص ۳۸۱.

۵- ۵. المحاسن: ۳۵۱.

۶- ۶. المحاسن: ۳۵۰.

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: هر که هنگام بیرون شدن از در خانه اش بگوید: «پناه برم بدان چه از آن فرشته های خـدا و رسولش پناه برنـد، از بدی این روز جدید که چون خورشـیدش غروب کند از شـر خودم و شـر دیگران ، و از شـر شیطانها و شـر دشـمن اولیاء الله و از شر جن و آدمی، و از شر درنده و گزنده، و از شر همه کارهای حرام برنگردد و خود را به خدا از هر بدی پناه دهم»، خدا او را بیامرزد و توبه او را بپذیرد و امر مهم او را کفایت کند و بدی را از او دور کند و از شـر او را مصون دارد. - . محاسن: ۳۵۰ -

**[ترجمه]

«۱۸»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِی خَدِیجَهَ قَالَ: کَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذَا خَرَجَ یَقُولُ- اللَّهُمَّ بِکَ خَرَجْتُ وَ بِکَ أَسْلَمْتُ وَ بِکَ آمَنْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ اللَّهُمَّ بَارِکْ لِی فِی یَوْمِی هَذَا وَ ارْزُقْنِی قُوَّتَهُ وَ نَصْرَهُ وَ فَتْحَهُ وَ طَهُورَهُ وَ هُدَاهُ وَ بَرَکَتَهُ وَ اصْرِفْ عَنِّی شَرَّهُ وَ شَرَّ مَا فِیهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ اللَّهُمَّ إِنِّی خَرَجْتُ فَبَارِکْ لِی فِی خُرُوجِی وَ انْفَعْنِی بِهِ وَ إِذَا دَخَلَ مَنْزِلَهُ یَقُولُ مِثْلَ ذَلِکَ (۱).

**[ترجمه]محاسن: ابی خـدیجه گفت: چون امام صادق علیه السّـلام از منزلش بیرون می شـد، می گفت: بار خدایا! به امید تو بیرون شـدم و تسـلیم تو هسـتم و به تو ایمان دارم و بر تو توکل دارم. بار خـدایا! امروز مرا برکت ده و قوت و نصـرت و فتح و پـاکی و هـدایت و برکـت آن را روزی ام کن، و بگردان از من شـر آن را و شـر هر چه در آن است، به نـام خـدا و الله اکـبر و الحمد لله رب العالمین. بار خدایا! من بیرون شدم، در این بیرون شدن به من برکت بده و در آن سودم رسان. و چون به منزلش درآید نیز مانند آن را گوید. - .[۳] محاسن: ۳۵۱ -

**[ترجمه]

«۱۹»

سن، [المحاسن] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنِ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِذَا خَرَجَ مِنْ بَیْتِهِ یَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ وَلَجْتُ وَ عَلَی اللَّهِ تَوَکَّلْتُ- لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ: وَ کَانَ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام یَقُولُ ذَلِکَ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ (۲).

**[ترجمه]محـاسن: امـام صادق علیه السّـلام فرمود: شـیوه امام باقر علیه السّـلام بود که هر گاه از خانه اش بیرون می شـد، می گفت: به نام خدا بیرون شدم و به نام خدا درون آمدم و بر خدا توکل دارم، لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.

محمـد بن سـنان گفته است: شـیوه امـام رضـا علیه السّـلام این بود که هنگـام خروج از منزلش همین دعا را می خوانـد. - .[۴] محاسن: ۳۵۱ -

**[ترجمه]

«۲۰»

سن، [المحاسن] عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ الثُّمَالِيِّ قَالَ: اسْتَأْذَنْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام فَخَرَجَ عَلَيَّ وَ شَفَتَاهُ تَتَحَرَّكَانِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ خَرَجْتَ وَ شَفَتَاكَ تَتَحَرَّكَانِ فَقَالَ وَ أُلْهِمْنَا ذَلِكَ يَا ثُمَالِيُّ فَقُلْتُ نَعَمْ فَأَخْبِرْنِي بِهِ فَقَالَ نَعَمْ يَا ثُمَالِيُّ مَنْ قَالَ حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَهِ كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ آخِرَتِهِ (۳).

**[ترجمه]محاسن: ثمالی گفت: از امام باقر علیه السّلام اجازه ورود خواستم و ایشان بیرون شد و لبانش در حرکت بودند. گفتم: قربانت گردم! بیرون شدی و لبانت در حرکت بودند؟ فرمود: ای ثمالی! این دعا به ما الهام شده. گفتم: چه خوب! آن را به من هم خبر بده. فرمود: بسیار خوب ای ثمالی، هر که هنگام بیرون شدن از منزلش گوید: «بسم الله حسبی الله توکلت علی الله، بار خدایا! من از تو می خواهم خوبی همه امورم را و به تو پناه می برم از رسوایی دنیا و عذاب آخرت، خدا کفایت کند هر امر مهم او را در دنیایش و آخرتش. -.[۱] محاسن: ۳۵۲ -

**[ترجمه]

«۲۱»

سن، [المحاسن] عَنْ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: كَانَ أَبِي يَقُولُ إِذَا خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ لَا بِحَوْلٍ مِنِّي وَ قُوَّهٍ بَلْ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ يَا رَبِّ مُتَعَرِّضاً لِرِزْقِكَ فَأْتِنِي بِهِ فِي عَافِيَهٍ(۴).

**[ترجمه]محاسن: امام رضا علیه السّلام فرمود: هر گاه پدرم از منزلش بیرون می رفت، می گفت: «بسم الله الرحمن الرحیم، بیرون شدم به حول و قوه خدا، نه به حول و قوه خودم، بلکه به حول و قوه تو ای پروردگار، خواهان روزی از تو هستم، آن را با عافیت به من ارزانی دار. -.[۲] محاسن: ۳۵۲ -

**[ترجمه]

«۲۲»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: إِذَا أَرَدْتَ الْخُرُوجَ مِنْ مَنْزِلِكَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَ هَكَذَا نَادَى مَلَكٌ فِي قَوْلِكَ بِسْمِ اللَّهِ

۱- ۱. المحاسن: ۳۵۱.

۲- ۲. المحاسن: ۳۵۱.

۳- ۳. المحاسن: ۳۵۲.

۴- ۴. المحاسن: ۳۵۲.

هُدِيتَ أَيُّهَا الْعَبْدُ وَ فِي قَوْلِكَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وُقِيتَ وَ فِي قَوْلِكَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ كُفِيتَ فَيَقُولُ الشَّيْطَانُ حِينَئِذٍ كَيْفَ لِي بِعَبْدٍ هُدِيَ وَ وُقِيَ وَ كُفِيَ وَ اقْرَأْ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّةً عَنْ يَمِينِكَ وَ مَرَّةً عَنْ يَسَارِكَ وَ مَرَّةً مِنْ خَلْفِكَ وَ مَرَّةً مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ وَ مَرَّةً مِنْ فَوْقِكَ وَ مَرَّةً مِنْ تَحْتِكَ فَإِنَّكَ تَكُونُ فِي يَوْمِكَ كُلِّهِ فِي أَمَانِ اللَّهِ (۱).

**[ترجمه]فقه الرضا: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: چون خواستی از منزلت بیرون روی، بگو: «بسم الله و لا حول و لا قوه الا بالله و توکلتُ علی الله»، زیرا چون آن را بگویی، فرشته ای با گفتن «بسم الله» تو ندا کند: ای بنده، هدایت شدی! و با گفتن «لا حول و لا قوه الا بالله» گوید: محفوظ شدی! و با گفتن «توکل بر خدا» گوید: کفایت شدی! و شیطان می گوید: مرا چه باشد با بنده ای که هدایت شده و محفوظ شده و کفایت شده! و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را یک بار در سمت راستت بخوان و یک بار در چپ و یک بار از پشت سرت و یک بار پیش رویت و یک بار از بالای سر و یک بار از زیر پا که تو آن روز در امان خدایی.

**[ترجمه]

«۲۳»

مکا، [مکارم الأخلاق] قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مَنْ خَرَجَ مِنْ بَيْتِهِ وَ قَلَبَ خَاتَمَهُ إِلَى بَطْنِ كَفِّهِ وَ قَرَأَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ ثُمَّ قَالَ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ آمَنْتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَانِيَتِهِمْ لَمْ يَرَ فِي يَوْمِهِ ذَلِكَ شَيْئاً يَكْرَهُهُ (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امیر مؤمنین علیه السّلام فرمود: هر که از منزلش بیرون رود و انگشترش را به درون کف دستش بچرخاند و «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را بخواند و سپس گوید: «آمنت بالله وحده لا شریک له آمنت بسر آل محمد و علا نیتهم»، در آن روز بدی نبیند. - مکارم الاخلاق: ۳۷۴ -

**[ترجمه]

باب ۳۵ الدعاء عند دخول السوق و فيه و عند حصول مال و لحفظ المال

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: أَكْثِرُوا ذِكْرَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا دَخَلْتُمُ الْأَسْوَاقَ وَ فِي عِنْدِ اشْتِغَالِ النَّاسِ فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لِلذُّنُوبِ وَ زِيَادَةٌ فِي الْحَسَنَاتِ وَ لَا تُكْتَبُوا فِي الْغَافِلِينَ وَ قَالَ علیه السلام إِذَا اشْتَرَيْتُمْ مَا تَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ مِنَ السُّوقِ فَقُولُوا حِينَ تَدْخُلُونَ الْأَسْوَاقَ- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ صَفْقَةٍ خَاسِرَةٍ وَ يَمِينٍ فَاجِرَةٍ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ بَوَارِ الْأَيِّمِ (۳).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه: امام علی علیه السّلام فرمود: چون به بازار روید و در آنجا که مردم در کارند، زیاد خدا را یاد کنید که آن کفاره گناهان و فزونی حسنات است و در زمره غافلان نوشته نشوید. و فرمود: چون هر چه خواستید از بازار

خریدید، هنگامی که وارد بازار شدید، بگویید: «اشـهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله. بار خـدایا! به تو پناه می برم از داد و سـتد زیانبار و قسم دروغ، و به تو پناه می برم از بوار أیِّم. (الایم: یعنی زن بی شوهر که کنایه از کسادی کالا است.) - .[۱] خصال ۲: ۱۵۷ و ۱۶۹ -

**[ترجمه]

«۲»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السـلام] بِالْأَسَانِیدِ الثَّلَاثَهِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَالَ حِینَ یَـدْخُلُ السُّوقَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْـدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَـرِیکَ لَهُ لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ- یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ

ص: ۱۷۲

۱- ۱. قد مر تحت الرقم ۶ أیضا.

۲- ۲. مکارم الأخلاق: ۳۷۴.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۱۵۷ و ۱۶۹ و الایم التی لا زوج لها، و بوارها کساد سوقها فبقیت فی بیتها لا تخطب، و المراد هنا کساد المتاع کنایه و تشبیها.

بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ أَعْطِيَ مِنَ الْأَجْرِ عَدَدَ مَا خَلَقَ اللَّهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ(۱).

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: امام رضا از پـدرانش علیهم السّـلام، از رسول خدا صـلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: هر که هنگام ورود به بازار گوید: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هـو حی لا ـ یمـوت و هو علی کـل شـی ء قـدیر»، به شـماره هر چه که خـدا تـا روز قیـامت بیافرینـد، به او اجر دهنـد. - . عیون اخبارالرضا ۲: ۳۱ -

**[ترجمه]

«۳»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنِ الْمُفِیدِ عَنِ الْجِعَابِیِّ عَنْ أَبِی عُقْدَهَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُسْتَوْرِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ یَحْیَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ زَیْدِ بْنِ بَکَّارِ بْنِ الْوَلِیدِ الْجُهَنِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیهما السلام یَقُولُ: مَنْ دَخَلَ سُوقاً فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الظُّلْمِ وَ الْمَأْثَمِ وَ الْمَغْرَمِ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ عَدَدَ مَنْ فِیهَا مِنْ فَصِیحٍ وَ أَعْجَمَ (۲).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: امام صادق علیه السّلام می فرمود: هر که هنگام ورود به بازار بگوید: «اشهد ان لا اله الا الله و ان محمـدا عبده و رسوله. بار خدایا! به تو پناه می برم از سـتم و گناه و زیان»، خدا به شـماره هر چه که در آن بازار است، از زبان فصیح و بی زبان برایش حسنه بنویسد. - .[۱] امالی شیخ طوسی ۱: ۱۴۴ -

**[ترجمه]

«۴»

سن، [المحاسن] عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ وَ عَلِیِّ بْنِ حَدِیدٍ عَنِ ابْنِ عَمِیرَهَ عَنْ سَعْدٍ الْخَفَّافِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَنَظَرَ إِلَى حُلْوِهَا وَ مُرِّهَا وَ حَامِضِهَا فَلْیَقُلْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ وَ أَسْتَجِیرُ بِکَ مِنَ الظُّلْمِ وَ الْغُرْمِ وَ الْمَأْثَمِ (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّـلام فرمود: هر که به بازار رود و به شیرین و تلخ و ترش آن نگاه کند، باید بگوید: «اشهد ان لا اله الا الله وحـده لا شـریک له و ان محمـدا عبـده و رسوله. بار خـدایا! من از تو بخشـش می خواهم و به تو پناه می برم از ستم و زیان و گناه. - .[۲] محاسن: ۴۰ - »

**[ترجمه]

«۵»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِی أَیُّوبَ الْمَدَائِنِیِّ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ أَبِی خَلَفٍ عَنْ أَبِی عُبَیْدَهَ الْحَذَّاءِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَنْ قَالَ فِی السُّوقِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَهٍ(۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که در بازار (شهادت نماز را گوید)، خدا برایش هزار هزار حسنه نویسد. - .[۳] محاسن: ۴۰ -

**[ترجمه]

«۶»

سن، [المحاسن] عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَیْدٍ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ دَخَلَ سُوقَ جَمَاعَهٍ وَ مَسْجِدَ أَهْلِ نَصْبٍ فَقَالَ مَرَّهً وَاحِدَهً أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ کَبِیراً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ کَثِیراً وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُکْرَهً وَ أَصِیلًا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ عَدَلَتْ حِجَّهً مَبْرُورَهً(۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که در بازار جماعت و مسجد دشمنان ائمه درآید و یک بار بگوید: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و الله اکبر کبیرا و الحمد لله و سبحان الله بکره اصیلا و لا حول و لا قوه الا بالله و صلی الله علی محمد و اهل بیته»، برابر است با یک حج پذیرفته شده. - .[۴] محاسن: ۴۰ -

**[ترجمه]

«۷»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: وَ إِذَا اشْتَرَیْتَ مَتَاعاً أَوْ سِلْعَهً أَوْ جَارِیَهً أَوْ دَابَّهً فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی اشْتَرَیْتُ أَلْتَمِسُ فِیهِ مِنْ رِزْقِکَ فَاجْعَلْ لِی فِیهِ رِزْقاً اللَّهُمَّ إِنِّی أَلْتَمِسُ فِیهِ فَضْلَکَ فَاجْعَلْ لِی فِیهِ فَضْلًا اللَّهُمَّ إِنِّی أَلْتَمِسُ فِیهِ مِنْ خَیْرِکَ وَ بَرَکَتِکَ وَ سَعَهِ رِزْقِکَ فَاجْعَلْ

۱- ۱. عیون الأخبار ج ۲ ص ۳۱.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۱۴۴.

۳- ۳. المحاسن: ۴۰.

۴- ۴. المحاسن: ۴۰.

۵- ۵. المحاسن: ۴۰.

لِی فِیهَا رِزْقاً وَاسِعاً وَ رِبْحاً طَیِّباً هَنِیئاً مَرِیئاً تَقُولُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ.

**[ترجمه]فقه الرضا: چون کالا یا جنس یا کنیز یا دایه ای خریـدی، بگو: «بار خدایا! خریدم برای روزی از تو، روزی برایم در آن بنـه، بارخـدایا! فضـل تـو را در آن خواهـانم، در آن برایـم فضـل قرار ده. بـار خـدایا! در آن خیر و برکـت و فراوانی روزی خواهم، در آن برایم روزی فراوان و سود خوب وگوارا بنه» و آن را تا سه بار بگو.

**[ترجمه]

«۸»

ضا، [فقه الرضا علیه السـلام]: وَ إِذَا أُصِـبْتَ بِمَالٍ فَقُلِ اللَّهُمَّ إِنِّی عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدِکَ وَ ابْنُ أَمَتِکَ وَ فِی قَبْضَـتِکَ نَاصِیَتِی بِیَدِکَ تَحْکُمُ فِیَّ مَا تَشَاءُ وَ تَفْعَلُ مَا تُرِیدُ اللَّهُمَّ فَلَکَ الْحَمْدُ عَلَی حُسْنِ قَضَائِکَ وَ بَلَائِکَ اللَّهُمَّ هُوَ مَالُکَ وَ رِزْقُکَ وَ أَنَا عَبْدُکَ خَوَّلْتَنِی حِینَ رَزَقْتَنِی اللَّهُمَّ فَأَلْهِمْنِی شُکْرَکَ فِیهِ وَ الصَّبْرَ عَلَیْهِ حِینَ أُصِبْتُ وَ أُخِذْتُ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَعْطَیْتَ فَأَنْتَ أَصَبْتَ اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنِی ثَوَابَهُ وَ لَا تَنْسَـنِی مِنْ خَلْفِهِ فِی دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی إِنَّکَ عَلَی ذَلِکَ قَادِرٌ اللَّهُمَّ أَنَا لَکَ وَ بِکَ وَ إِلَیْکَ وَ مِنْکَ- لا أَمْلِکُ لِنَفْسِـی ضَرًّا وَ لا نَفْعاً وَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُحْرِزَ مَتَاعَکَ فَاقْرَأْ آیَهَ الْکُرْسِـیِّ وَ اکْتُبْهَا وَ ضَعْهَا فِی وَسَطِهِ وَ اکْتُبْ أَیْضاً وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَـدًّا فَأَغْشَـیْناهُمْ فَهُمْ لاـ یُبْصِـرُونَ- لَـا ضَـیْعَهَ عَلَی مَا حَفِظَهُ اللَّهُ- فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ فَإِنَّکَ قَدْ أَحْرَزْتَهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَلَا یَصِلُ إِلَیْهِ سُوءٌ بِإِذْنِ اللَّهِ.

**[ترجمه]فقه الرضا: چون به مالی رسیدی بگو: بار خدایا! من بنده و فرزند بنده و کنیز توام و موی جلوی پیشانی ام در دست تو است؛ هر حکمی که خواهی درباره ام بنمایی و هر چه خواهی با من بکن. بار خدایا! سپاس از تو است در برابر حکم خوب و بلای خوبت. بار خـدایا! آن مال و روزی تو است و من بنـده تو که برای روزی آن را به من دادی. بار خـدایا! شـکرش را به من الهـام کن و صبر در آنچه بـدان رسـیدم و آن را گرفتم. بـار خـدایا! تو دادی و تو به من رسانـدی. بار خـدایا! مرا از ثوابش محروم مسـاز و در پس آن در دنیـا و آخرت مرا نادیـده مگیر که تو بر هر چه توانـایی. بـار خـدایا! من از توام و وابسـته توام و روانه به سوی توام و از توام و «لا أَمْلِکُ لِنَفْسِی ضَرًّا وَ لا نَفْعا.» -. یونس / ۴۹ - {برای خود زیان و سودی به دست ندارم.}

و چون خواهی کالاـی خود را بیمه کنی، آیه الکرسـی بخوان و آن را بنویس و میـان آن بگـذار و نیز بنویس: «وَ جَعَلْنا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَیْناهُمْ فَهُمْ لا یُبْصِرُونَ.» -. یس / ۹ - {و [ما] فراروی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر [چشـمان] آنان فرو گسترده ایم، در نتیجه نمی تواننـد ببیننـد.} بر آنچه خـدا آن را حفظ کند تلف وزیانی نیست. «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُـلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لاـ إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَیْهِ تَوَکَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِیم.» -. توبه / ۱۲۹ - {پس اگر روی برتافتند، بگو: «خـدا مرا بس است. هیـچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.»} که تو البته آن را بیمه کردی ان شاء الله و بدان بدی نرسد به فرمان خدا .

**[ترجمه]

باب ۳۶ کنس الدار و تنظیفها و جوامع مصالحها

الأخبار

«۱»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: أَجِيفُوا أَبْوَابَكُمْ وَ خَمِّرُوا آنِيَتَكُمْ وَ أَوْكِئُوا أَسْقِيَتَكُمْ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَكْشِفُ غِطَاءً وَ لَا يَحُلُّ وِكَاءً وَ أَطْفِئُوا سُرُجَكُمْ فَإِنَّ الْفُوَيْسِقَةَ تُضْرِمُ الْبَيْتَ عَلَى أَهْلِهِ وَ احْبِسُوا مَوَاشِيَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ مِنْ حِينِ تَجِبُ الشَّمْسُ إِلَى أَنْ تَذْهَبَ فَحْمَةُ الْعِشَاءِ(۱).

**[ترجمه]علل الشرائع: امام صادق عليه السّلام از پدرش، از جابر بن عبدالله انصارى، از رسول خدا صلى الله عليه و آله روايت مى كند كه فرمود: درهاى خانه خود را پيش كنيد (ببنديد)، سر ظرف هاى خود را سرپوش نهيد و بند مشك هاى آب خود را محكم ببنديد كه شيطان روپوش آنها را برندارد و بند را باز نكند، و چراغ هاى خود را خاموش كنيد كه موش دزد خانه را بر سر اهلش به آتش مى كشد، و در بند كنيد حيوانات خود و اهل خود را از وقتى كه خورشيد غروب مى كند تا زمانى كه تاريكى شب مى رود. - . علل الشرائع ۲: ۲۶۹ -

**[ترجمه]

«۲»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ

---

۱ - ۱. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۶۹، و اجافه الباب: رده و تخمير الآنيه تغطيتها و ايكاء القربه و السقاء: شد رأسها بالوكاء أى الرباط.

رَجُلٍ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ رَفَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فِي كَلَامٍ كَثِيرٍ- لَا تُؤْوُوا مِنْدِيلَ اللَّحْمِ فِي الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَرْبِضُ الشَّيْطَانِ وَ لَا تُؤْوُوا التُّرَابَ خَلْفَ الْبَابِ فَإِنَّهُ مَأْوَى الشَّيْطَانِ وَ إِذَا خَلَعَ أَحَدُكُمْ ثِيَابَهُ فَلْيُسَمِّ لِئَلَّا تَلْبَسَهَا الْجِنُّ فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يُسَمِّ عَلَيْهَا لَبِسَتْهَا الْجِنُّ حَتَّى يُصْبِحَ وَ لَا تَتْبَعُوا الصَّيْدَ فَإِنَّكُمْ عَلَى غِرَّةٍ وَ إِذَا بَلَغَ أَحَدُكُمْ بَابَ حُجْرَتِهِ فَلْيُسَمِّ فَإِنَّهُ يَنْفِرُ الشَّيْطَانَ وَ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيُسَلِّمْ فَإِنَّهُ يُنْزِلُهُ الْبَرَكَةَ وَ تُؤْنِسُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ لَا يَرْتَدِفْ ثَلَاثَةٌ عَلَى دَابَّةٍ فَإِنَّ أَحَدَهُمْ مَلْعُونٌ وَ هُوَ الْمُقَدَّمُ (۱)

وَ لَا تُسَمُّوا الطَّرِيقَ السِّكَّةَ فَإِنَّهُ لَا سِكَّةَ إِلَّا سِكَكُ الْجَنَّةِ وَ لَا تُسَمُّوا أَوْلَادَكُمْ الْحَكَمَ وَ لَا أَبَا الْحَكَمِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَكَمُ وَ لَا تَذْكُرُوا الْأُخْرَى إِلَّا بِخَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْأُخْرَى (۲) وَ لَا تُسَمُّوا الْعِنَبَ الْكَرْمَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ هُوَ الْكَرْمُ وَ اتَّقُوا الْخُرُوجَ بَعْدَ نَوْمَةٍ فَإِنَّ لِلَّهِ دَوَابّاً يَبُثُّهَا يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ وَ إِذَا سَمِعْتُمْ نُبَاحَ الْكَلْبِ وَ نَهِيقَ الْحَمِيرِ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَإِنَّهَا يَرَوْنَ وَ لَا تَرَوْنَ فَافْعَلُوا ما تُؤْمَرُونَ وَ نِعْمَ اللَّهْوُ الْمِغْزَلُ لِلْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ(۳).

**[ترجمه]علل الشرائع: اميرالمؤمنين عليه السّلام فرمود كه رسول خدا در سخنى بسيار فرمود: دستمال گوشت را در خانه نشيمن جا ندهيد كه بستر شيطان است؛ خاكروبه را پشت در اتاق جا ندهيد كه جايگاه شيطان است، و چون جامه از تن در آوريد، «بسم الله» گوييد، وگرنه شيطان تا صبح آن را بپوشد. شكار را دنبال نكنيد كه شما فرصت غافلگيرى داريد. هر گاه كسى به در اتاق خود رسيد، «بسم الله» گويد كه شيطان را براند، و هر كه به خانه خود درآيد، سلام كند كه بركت آورد و فرشته ها را همدم كند، و سه تايى بر چهار پا سوار نشويد كه يكى ملعون است و آن نفر اولى باشد - .[۲] كسى است كه جلوتر از همه سوار شود و سنگينى اش بر مركب بيشتر است و آن را بيشتر از بقيه آزار مى دهد. - كه اين كار را كرده. راه را «سكه» ننامید كه آن نام كوچه هاى بهشت است؛ فرزند خود را «حكم» يا «ابا حكم» نام نكنيد كه خدا حكم است و بس. و آخر را جز به نيكى نام نبريد كه آخر - .[۱] يا «آخره» يا «اخرى» نسخه بدل است. الله تعالى فرمود: «هو الأول و الآخر.» - همان خداست. به انگور كرم نگوييد كه كرم همان مؤمن است، و پس از خواب از برون شدن از خانه بپرهيزيد كه خدا را جانورانى است كه در شب آنها را پراكنده سازد كه هر چه فرمان دارند بكنند. و چون عوعو سگ يا عرعر خر را شنيديد، به خدا پناه بريد از شر شيطان رجيم كه آنها بينند و شما نبينيد؛ آنچه فرمان داريد را انجام دهيد، و چه سرگرمى خوبى است نخ ريسى براى زن خوب. - .[۲] علل الشرائع ۲: ۲۷۰ -

**[ترجمه]

«۳»

ب، [قرب الإسناد] عَنِ الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: نَظِّفُوا بُيُوتَكُمْ مِنْ حَوْكِ الْعَنْكَبُوتِ فَإِنَّ تَرْكَهُ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ(۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: على عليه السّلام فرمود: خانه هاى خود را از تار عنكبوت پاك كنيد كه ترك اين كار در خانه فقر آورد. - .[۳] قرب الاسناد: ۳۵ -

**[ترجمه]

«۴»

لی، [الأمـالی للصـدوق] فِی مَنَاهِی النَّبِیِّ صـلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَـالَ: لَـا تُبَیِّتُوا الْقُمَـامَهَ فِی بُیُوتِکُمْ وَ أَخْرِجُوهَا نَهَاراً فَإِنَّهَا مَقْعَدُ الشَّیْطَانِ (۵).

**[ترجمه]امالی صـدوق: در مناهی پیغمبر صـلی الله علیه و آله است که فرمود: خاکروبه را شب در خانه وانگذارید و روز آن را بیرون برید که نشیمن شیطان است. - .[۴] امالی صدوق: ۲۵۴ -

**[ترجمه]

«۵»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنِ الْفَحَّامِ عَنِ الْمَنْصُورِیِّ عَنْ عَمِّ أَبِیهِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِ

ص: ۱۷۵

---

۱ - ۱. أی الـذی اقـدم علی ارداف الآخرین، أو هو الـذی یکون علی مقـدم ظهره، فیلقی ثقله علی کاهل الـدابّه فیؤذیها و یتعبها أکثر من غیره.

۲ - ۲. قال فی هامش المصدر المطبوع: کذا فی أکثر النسخ و فی نسـخه« الآخره» و فی الأخری« الآخر» و الأخیره أقرب، قال اللّه تعالی: هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ.

۳- ۳. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۷۰.

۴- ۴. قرب الإسناد: ۳۵.

۵- ۵. أمالی الصدوق: ۲۵۴، و القمامه: الکناسه.

عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْجَمَالَ وَ التَّجَمُّلَ وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا قِيلَ وَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ يُنَظِّفُ ثَوْبَهُ وَ يُطَيِّبُ رِيحَهُ وَ يُحَسِّنُ دَارَهُ وَ يَكْنُسُ أَفْنِيَتَهُ حَتَّى إِنَّ السِّرَاجَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (۱).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: امام صادق علیه السّلام فرمود: همانا خدا دوست دارد زیبایی و زیبانمایی را و بد دارد بدحالی و بدنمایی را، زیرا خدا عزوجل چون نعمتی به بنده دهد، دوست دارد اثرش را در او بیند. گفته شد، چگونه؟ فرمود: جامه خوب و پاکیزه بپوشد، بوی خوش زند، خانه خوب داشته باشد، و گرد خانه را جاروب کند، تا اینکه چراغ را پیش از غروب خورشید روشن کند که فقر را ببرد، و روزی را بیفزاید. - .[۵] امالی شیخ طوسی ۱: ۲۸۱ -

**[ترجمه]

«۶»

ل، [الخصال] عَنْ سَعِيدِ بْنِ عِلَاقَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: تَرْكُ نَسْجِ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ تَرْكُ الْقُمَامَةِ فِي الْبَيْتِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ قَالَ عليه السلام كَسْحُ الْفِنَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ (۲).

**[ترجمه]خصال: امیر مؤمنین علیه السّلام فرمود: وانهادن تار عنکبوت در خانه فقر آورد؛ وانهادن خاکروبه در خانه فقر آورد. و فرمود: جاروب کردن سایه انداز خانه، روزی را می افزاید. - .[۶] خصال ۲: ۹۳ -

**[ترجمه]

«۷»

ل، [الخصال] عَنِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْيَقْطِينِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: غَسْلُ الْإِنَاءِ وَ كَسْحُ الْفِنَاءِ مَجْلَبَةٌ لِلرِّزْقِ (۳).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: شستن ظرف و جارو کردن گرد خانه، روزی آور است. - .[۷] خصال ۱: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۸»

سن، [المحاسن] عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ رَفَعَهُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: لَا تَذَرُوا مِنْدِيلَ الْغَمَرِ فِي الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَرْبِضٌ لِلشَّيْطَانِ (۴).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: دستمال چرك گيرى را در جا ننهيد كه خوابگاه شيطان است. - .
[۱] محاسن: ۴۴۸ -

**[ترجمه]

«۹»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ: لَا تَدَعُوا آنِيَتَكُمْ بِغَيْرِ غِطَاءٍ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا لَمْ تُغَطَّ آنِيَةٌ بَزَقَ فِيهَا وَ أَخَذَ مِمَّا فِيهَا مَا شَاءَ(۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق عليه السّلام فرمود: ظرف هاى خود را باز نگذاريد كه اگر روباز بماند، شيطان در آن آب دهن اندازد و هر چه خواهد از آن برگيرد. - . محاسن: ۵۸۴ -

**[ترجمه]

«۱۰»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ كَنْسُ الْفِنَاءِ يَجْلِبُ الرِّزْقَ.

وَ رَوَى بَعْضُ أَصْحَابِنَا قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: اكْنُسُوا أَفْنِيَتَكُمْ وَ لَا تَشَبَّهُوا بِالْيَهُودِ(۶).

۱- ۱. أمالي الطوسيّ ج ۱ ص ۲۸۱.
۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۹۳.
۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۲۸.
۴- ۴. المحاسن ص ۴۴۸.
۵- ۵. المحاسن ص ۵۸۴.
۶- ۶. المحاسن ص ۶۲۴.

**[ترجمه]محاسن: امام رضا علیه السّلام فرمود: جارو کردن آستانه خانه، روزی آورد. و به روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: آستانه خانه خود را جارو کنید و مانند یهود نباشید. - .[۳] محاسن: ۶۲۴ -

**[ترجمه]

«۱۱»

سن، [المحاسن] عَنْ بَعْضِ مَنْ ذَكَرَهُ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: كَنْسُ الْبَيْتِ يَنْفِي الْفَقْرَ(۱).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: جارو کردن خانه فقر را ببرد. - . محاسن: ۶۲۴ -

**[ترجمه]

«۱۲»

سن، [المحاسن] عَنْ جَابِرِ بْنِ الْخَلِيلِ الْقُرَشِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: نَظِّفُوا أَفْنِيَتَكُمْ مِنْ حَوْكِ الْعَنْكَبُوتِ فَإِنَّ تَرْكَهُ فِي الْبُيُوتِ يُورِثُ الْفَقْرَ(۲).

**[ترجمه]محاسن: علی علیه السّلام فرمود: آستانه خانه های خود را از تار عنکبوت پاک کنید که ترک این کار در خانه ها فقر آورد. - . محاسن: ۶۲۴ -

**[ترجمه]

«۱۳»

سن، [المحاسن] عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ إِلَى عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا تُؤْوُوا التُّرَابَ خَلْفَ الْبَابِ فَإِنَّهُ مَأْوَى الشَّيْطَانِ (۳).

**[ترجمه]محاسن: علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خاکروبه را پشت در ننهید که جایگاه شیطان است. - .[۶] محاسن: ۶۲۴ -

**[ترجمه]

«۱۴»

جا، [المجالس للمفيد] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ مَهْزِيَارَ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي مَرْيَمَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَوْ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله

عليه و آله خَمِّرُوا آنِيَتَكَمْ وَ أَوْكِئُوا أَسْقِيَتَكَمْ وَ أَجِيفُوا أَبْوَابَكَمْ وَ احْبِسُوا مَوَاشِيَكَمْ وَ أَهَالِيكَمْ مِنْ حَيْثُ تَجِبُ الشَّمْسُ إِلَى أَنْ تَذْهَبَ فَحْمَةُ الْعِشَاءِ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَكْشِفُ غِطَاءً وَ لَا يَحُلُّ وِكَاءً وَ إِنَّ الشَّيَاطِينَ تُرْسَلُ مِنْ حَيْثُ تَجِبُ الشَّمْسُ وَ أَطْفِئُوا سُرُجَكُمْ فَإِنَّ الْفُوَيْسِقَةَ تُضْرِمُ الْبَيْتَ عَلَى أَهْلِهِ (۴).

**[ترجمه]مجالس مفید: از امام صادق یا از امام باقر صلوات الله علیهما، از جابر بن عبدالله، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که به ما فرمود: سر ظرف های خود را سرپوش نهید، بند مشک های آب خود را محکم ببندید، درهای خانه خود را پیش کنید (ببندید)، حیوانات خود و اهل خود را از وقتی که خورشید غروب می کند تا تاریکی شب می رود دربند کنید که شیطان روپوش را برندارد و بند را باز نکند. و چراغ های خود را خاموش کنید که موش دزد، خانه را بر سر اهلش به آتش می کشد. - .[۷] مکارم الاخلاق: ۱۴۶ - ۱۴۷ -

**[ترجمه]

«۱۵»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ أَوْ أَبِی الْحَسَنِ علیهما السلام: أَنَّهُ سُئِلَ مِنْ إِغْلَاقِ الْأَبْوَابِ وَ إِكْفَاءِ الْإِنَاءِ وَ إِطْفَاءِ السِّرَاجِ قَالَ أَغْلِقْ بَابَكَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَفْتَحُ بَاباً وَ أَطْفِئْ سِرَاجَكَ مِنَ الْفُوَيْسِقَةِ وَ هِیَ الْفَأْرَةُ لَا تَحْرِقْ بَيْتَكَ وَ أَكْفِئْ إِنَاءَكَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَرْفَعُ إِنَاءً مُكْفَأً.

وَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا خَرَجَ مِنَ الْبَيْتِ فِی الصَّيْفِ خَرَجَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَدْخُلَ فِی الشِّتَاءِ مِنَ الْبَرْدِ دَخَلَ يَوْمَ الْجُمُعَهِ.

وَ فِی رِوَايَةٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: إِنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله كَانَ يَخْرُجُ إِذَا دَخَلَ الصَّيْفُ لَيْلَةَ الْجُمُعَهِ وَ إِذَا دَخَلَ الشِّتَاءُ دَخَلَ لَيْلَةَ الْجُمُعَهِ(۵).

ص: ۱۷۷

۱- ۱. المحاسن ص ۶۲۴.

۲- ۲. المحاسن ص ۶۲۴.

۳- ۳. المحاسن ص ۶۲۴.

۴- ۴. مکارم الأخلاق: ۱۴۷ و ۱۴۶.

۵- ۵. مجالس المفید ص ۱۲۰.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: از امام صادق یا امام کاظم علیهما السّلام روایت است که سؤال شد از بستن در و وارو نهادن ظرف و خاموش کردن چراغ و در پاسخ فرمود: در خانه ات را ببند که شیطان در را باز نکند؛ چراغ خود را خاموش کن از شر فویسقه - و آن موش است - تا خانه ات را آتش نزند؛ و ظرفت وارونه قرار ده که شیطان ظرف وارو را بلند نکند.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: شیوه رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که در تابستان، روز پنجشنبه از درون اتاق بیرون می شد (یعنی بستر خود را از گرما به صحن خانه یا پشت بام جابجا می کرد) و چون برای سردی زمستان می خواست درون آید، در روز جمعه به درون می آمد.

و در روایتی از ابن عباس نقل شده که پیغمبر صلی الله علیه و آله در تابستان شب جمعه برون می شد و زمستان برای سرما، شب جمعه به درون می آمد. - .[۱] مجالس مفید: ۱۲۰ -

**[ترجمه]

أبواب آداب السهر و النوم و أحوالهما

باب ۳۷ ما ینبغی السهر فیه و ما لا ینبغی و کراهه الحدیث بعد العشاء الآخره و فیه بعض النوادر

الأخبار

«۱»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالسَّهَرِ فِی الْفِقْهِ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام باقر علیه السّلام فرمود: بیداری شب برای فقه اشکالی ندارد. - .[۱] قرب الاسناد: ۴۸ -

**[ترجمه]

«۲»

ل (۲)،[الخصال] لی، [الأمالی للصدوق] عَنِ ابْنِ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْقُرَشِیِّ عَنْ سُلَیْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ زَیْدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ کَرِهَ لَکُمْ أَرْبَعاً وَ عِشْرِینَ خَصْلَةً وَ نَهَاکُمْ عَنْهَا فَقَالَ وَ کَرِهَ النَّوْمَ قَبْلَ الْعِشَاءِ الْآخِرَهِ وَ کَرِهَ الْحَدِیثَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَهِ وَ کَرِهَ النَّوْمَ فَوْقَ سَطْحٍ لَیْسَ بِمُحَجَّرٍ وَ قَالَ مَنْ نَامَ عَلَی سَطْحٍ غَیْرِ مُحَجَّرٍ فَبَرِئَتْ مِنْهُ الذِّمَّهُ وَ کَرِهَ أَنْ یَنَامَ الرَّجُلُ فِی بَیْتٍ وَحْدَهُ (۳).

**[ترجمه]خصال و امالی صدوق: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: همانا خدا برای شما بیست و چهار خصلت را بد داشته و شما را از آنها باز داشته. و فرمود: و بد داشته خوابیدن پیش از

خواندن نماز عشاء را، و بد داشته داستان گویی پس از نماز عشاء آخرین را، و بد داشته خوابیدن بر پشت بام بی دیواره را. و فرمود: هر که در چنان پشت بامی بخوابد، پیمان حفاظت از او برود، و بد داشته که کسی در اتاق تنها بخوابد. - .[۲] خصال ۲: ۱۰۲ ، امالی صدوق: ۱۸۱ -

**[ترجمه]

أقول

تمامه فی باب المناهی.

**[ترجمه]تمام این روایت در «باب مناهی» آمده است.

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَلِیٍّ بْنِ الْحَسَنِ الْكُوفِیِّ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِیرَهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ السَّكُونِیِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا سَهَرَ إِلَّا فِی ثَلَاثٍ مُتَهَجِّدٍ بِالْقُرْآنِ وَ فِی طَلَبِ الْعِلْمِ أَوْ عَرُوسٍ تُهْدَی إِلَی زَوْجِهَا(۴).

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۴۸.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۱۰۲.

۳- ۳. أمالی الصدوق ص ۱۸۱.

۴- ۴. الخصال ج ۱ ص ۵۵.

**[ترجمه]خصال: امام صادق از پـدرش علیهما السّـلام، از رسول خدا صـلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: بیداری نباشـد جز در سه مورد: در تهجد به خواندن قرآن، در طلب علم یا برای عروسی که به حجله شوهرش برند. - .[۳] خصال ۱: ۵۵ -

**[ترجمه]

«۴»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَـدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْأَشْـعَرِیِّ عَنْ مُوسَـی بْنِ جَعْفَرٍ الْبَغْـدَادِیِّ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ عُرْوَهَ عَنْ شُـعَیْبٍ عَنْ أَبِی بَصِـیرٍ عَنْ أَبِی عَبْـدِ اللَّهِ علیه السـلام قَـالَ خَمْسَهٌ لَـا یَنَامُونَ الْهَامُّ بِـدَمٍ یَسْـفِکُهُ وَ ذُو الْمَالِ الْکَثِیرِ لَا أَمِینَ لَهُ وَ الْقَائِلُ فِی النَّاسِ الزُّورَ وَ الْبُهْتَانَ عَنْ عَرَضٍ مِنَ الدُّنْیَا یَنَالُهُ وَ الْمَأْخُوذُ بِالْمَالِ الْکَثِیرِ وَ لَا مَالَ لَهُ وَ الْمُحِبُّ حَبِیباً یَتَوَقَّعُ فِرَاقَهُ (۱).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّـلام فرمود: پنج کس خواب ندارند: آن است که قصد خونریزی دارد؛ آن کس که مال بسـیاری دارد و نگهـدار امینی نـدارد؛ آن کس که دربـاره مردم برای رسـیدن به کالای دنیا دروغ و بهتان گویـد؛ آن کس که گرفتار بدهی بسیاری است و مالی ندارد؛ و عاشق دوستی که در معرض جدایی از اوست. - . خصال ۱: ۱۴۲ -

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال] عَنِ الْخَلِیلِ عَنْ أَبِی الْعَبَّاسِ السَّرَّاجِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ عَنْ وَکِیعِ بْنِ الْجَرَّاحِ عَنْ سُـفْیَانَ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ خَیْثَمَهَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ: لَا سَهَرَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَهِ إِلَّا لِأَحَدِ رَجُلَیْنِ مُصَلٍّ أَوْ مُسَافِرٍ(۲).

**[ترجمه]خصال: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: پس از نماز عشاء واپسـین حق بیـداری ندارد، مگر برای یکی از دو کس: نمازگزار یا مسافر. - .[۲] خصال ۱: ۳۹ -

**[ترجمه]

باب ۳۸ ذم کثره النوم

الأخبار

«۱»

لی، [الأمالی للصدوق] فِی خَبَرِ الشَّیْخِ الشَّامِیِّ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ: یَا شَیْخُ مَنْ خَافَ الْبَیَاتَ قَلَّ نَوْمُهُ (۳).

**[ترجمه]امـالی صـدوق: در خبر شـیخ شـامی از امیر مؤمنـان علیه السّـلام روایت کرده که فرمود: ای شـیخ! کسـی که در بیم شبیخون است، کم خواب است. - .[۱] امالی صدوق: ۲۳۷ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصـال] عَنْ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْـعَرِيِّ عَنْ صَالِحٍ يَرْفَعُهُ بِإِسْـنَادِهِ قَالَ: أَرْبَعَهٌ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ النَّارُ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ وَ النَّوْمُ الْقَلِيلُ مِنْهُ كَثِيرٌ وَ الْمَرَضُ الْقَلِيلُ مِنْهُ كَثِيرٌ وَ الْعَدَاوَهُ الْقَلِيلُ مِنْهَا كَثِيرٌ(۴).

**[ترجمه]خصال: چهارچیزند که کمشان بسـیار است: آتش که کمش بسـیار است، خواب که کمش بسیار است، بیماری که کمش بسیار است و دشمنی که کمش بسیار است. - .[۲] خصال ۱: ۱۱۳ -

**[ترجمه]

«۳»

لی (۵)،[الأمالی للصـدوق] ل، [الخصال] عَنِ الْأَسَدِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی أَیُّوبَ النَّهْرَوِیِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُـنَیْدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ یُوسُـفَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ المکندر [الْمُنْكَدِرِ] عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله: قَالَتْ أُمُّ سُـلَیْمَانَ بْنِ دَاوُدَ لِسُلَیْمَانَ علیه السلام إِیَّاکَ

ص: ۱۷۹

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۱۴۲.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۳۹.

۳- ۳. أمالی الصدوق ص ۲۳۷.

۴- ۴. الخصال ج ۱ ص ۱۱۳.

۵- ۵. أمالی الصدوق ص ۱۴۰.

وَ كَثْرَهَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ فَإِنَّ كَثْرَهَ النَّوْمِ تَدَعُ الرَّجُلَ فَقِيراً يَوْمَ الْقِيَامَهِ(۱).

**[ترجمه]امالی صدوق و خصال: جابر بن عبدالله گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مادر سلیمان بن داود به سلیمان گفت: بپرهیز از بسیار خوابیدن در شب که پرخوابیدن در شب، روز قیامت مرد را فقیر سازد. - .[۳] امالی صدوق: ۱۴۰ ، خصال ۱: ۱۶ -

**[ترجمه]

«۴»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُعَلَّى عَمَّنْ أَخْبَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثٌ فِيهِنَّ الْمَقْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ نَوْمٌ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ وَ ضَحِكٌ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ وَ أَكْلٌ عَنِ الشِّبَعِ (۲).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: در سه چیز دشمنی خدای عزوجل است: خوابی که شب خیزی ندارد، خنده بیجا و خوردن هنگام سیری. - .[۴] خصال ۱: ۴۴ -

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَعْبَدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَوَّلُ مَا عُصِيَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِسِتِّ خِصَالٍ حُبِّ الدُّنْيَا وَ حُبِّ الرِّئَاسَهِ وَ حُبِّ الطَّعَامِ وَ حُبِّ النِّسَاءِ وَ حُبِّ النَّوْمِ وَ حُبِّ الرَّاحَهِ(۳).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اول سبب نافرمانی خدا عزوجل شش خصلتند: دوستی دنیا، دوستی ریاست، دوستی خوردنی، دوستی زنان، دوستی خواب و راحت طلبی. - .[۵] خصال ۱: ۱۰۶ -

**[ترجمه]

«۶»

مع، [معانی الأخبار] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ لِإِبْلِيسَ كُحْلًا وَ لَعُوقاً وَ سَعُوطاً فَكُحْلُهُ النُّعَاسُ وَ لَعُوقُهُ الْكَذِبُ وَ سَعُوطُهُ الْكِبْرُ(۴).

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ابلیس سرمه ای و مالیدنی و

سعوطی (انفیه) دارد؛ سرمه او خواب است، مالیدنی او دروغ و سعوطش تکبر. - .[۱] معانی الاخبار: ۱۳۸ -

**[ترجمه]

«۷»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: السُّكْرُ أَرْبَعُ سُكْرَاتٍ سُكْرُ الشَّرَابِ وَ سُكْرُ الْمَالِ وَ سُكْرُ النَّوْمِ وَ سُكْرُ الْمُلْكِ (۵).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه: علی علیه السّلام فرمود: چهار چیز مستی باشد: مستی شراب، مستی مال، مستی خواب و مستی قدرت. - .[۲] خصال ۲ : ۱۷۰ -

**[ترجمه]

«۸»

ص، [قصص الأنبياء عليهم السلام] قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: قَالَ مُوسَى علیه السلام يَا رَبِّ أَيُّ عِبَادِكَ أَبْغَضُ إِلَيْكَ قَالَ جِيفَةٌ بِاللَّيْلِ بَطَّالٌ بِالنَّهَارِ.

**[ترجمه]قصص الانبیاء: امام باقر علیه السّلام فرمود: موسی علیه السّلام گفت: پروردگارا! کدام بنده هایت را بیشتر دشمن داری؟ فرمود: آن که در شب مردار است و در روز بیکار.

**[ترجمه]

«۹»

شی، [تفسير العياشي] عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: لَا تُعَوِّدْ عَيْنَيْكَ كَثْرَةَ النَّوْمِ فَإِنَّهَا أَقَلُّ شَيْ ءٍ فِي الْجَسَدِ شُكْراً(۶).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: امام کاظم علیه السّلام فرمود: چشمت را عادت به پرخوابی مده که کم شکرترین اندام تن است. - . تفسیر عیاشی۲: ۱۱۵ -

**[ترجمه]

«۱۰»

مکا، [مكارم الأخلاق] عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ كَثْرَةَ النَّوْمِ وَ كَثْرَةَ الْفَرَاغِ وَ قَالَ أَيْضاً كَثْرَةُ النَّوْمِ مَذْهَبَةٌ لِلدِّينِ

وَ الدُّنْيا(۷).

**[ترجمه]مكـارم الاخلاق: امام صـادق عليـه السّـلام فرمـود: همانـا خـدا پرخـوابى و كـم كـارى را دشـمن دارد. و فرمـود: پرخوابيدن، دين و دنيا را مى برد. - . مكارم الاخلاق: ۳۳۳ -

**[ترجمه]

«۱۱»

ختص، [الإختصاص] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِيَّاكُمْ وَ كَثْرَةُ النَّوْمِ فَإِنَّ كَثْرَةَ النَّوْمِ يَدَعُ صَاحِبَهُ فَقِيراً يَوْمَ الْقِيَامَهِ(۸).

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۱۶.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۴۴.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۱۰۶.

۴- ۴. معانى الأخبار ص ۱۳۸.

۵- ۵. الخصال ج ۲ ص ۱۷۰.

۶- ۶. تفسير العيّاشىّ ج ۲ ص ۱۱۵.

۷- ۷. مكارم الأخلاق ص ۳۳۳.

۸- ۸. الاختصاص: ۲۱۸.

**[ترجمه]اختصاص: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بپرهیزید از پرخوابی که پرخوابی صاحبش را روز قیامت فقیر وانهد. - .[۵] اختصاص: ۲۱۸ -

**[ترجمه]

باب ۳۹ فضل الطهاره عند النوم

الأخبار

«۱»

لی (۱)،[الأمالی للصدوق] مع، [معانی الأخبار] عَنِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَیْبٍ عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ عُرْوَهَ ابْنِ أَخِی شُعَیْبٍ عَنْ شُعَیْبٍ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَوْماً لِأَصْحَابِهِ أَیُّکُمْ یَصُومُ الدَّهْرَ قَالَ سَلْمَانُ رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَیْهِ أَنَا یَا رَسُولَ اللَّهِ- قَالَ صلی الله علیه و آله فَأَیُّکُمْ یُحْیِی اللَّیْلَ قَالَ سَلْمَانُ أَنَا یَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ فَأَیُّکُمْ یَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِی کُلِّ یَوْمٍ فَقَالَ سَلْمَانُ أَنَا یَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَغَضِبَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ سَلْمَانَ رَجُلٌ مِنَ الْفُرْسِ یُرِیدُ أَنْ یَفْتَخِرَ عَلَیْنَا مَعَاشِرَ قُرَیْشٍ- قُلْتَ أَیُّکُمْ یَصُومُ الدَّهْرَ فَقَالَ أَنَا وَ هُوَ أَکْثَرُ أَیَّامِهِ یَأْکُلُ وَ قُلْتَ أَیُّکُمْ یُحْیِی اللَّیْلَ فَقَالَ أَنَا وَ هُوَ أَکْثَرَ لَیْلِهِ نَائِمٌ وَ قُلْتَ أَیُّکُمْ یَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِی کُلِّ یَوْمٍ فَقَالَ أَنَا وَ هُوَ أَکْثَرُ نَهَارِهِ صَامِتٌ فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله مَهْ یَا فُلَانُ أَنَّی لَکَ بِمِثْلِ لُقْمَانَ الْحَکِیمِ سَلْهُ فَإِنَّهُ یُنَبِّئُکَ فَقَالَ الرَّجُلُ لِسَلْمَانَ یَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَ لَیْسَ زَعَمْتَ أَنَّکَ تَصُومُ الدَّهْرَ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ رَأَیْتُکَ فِی أَکْثَرِ نَهَارِکَ تَأْکُلُ فَقَالَ لَیْسَ حَیْثُ تَذْهَبُ إِنِّی أَصُومُ الثَّلَاثَهَ فِی الشَّهْرِ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَل مَنْ جاءَ بِالْحَسَنَهِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثالِها وَ أَصِلُ شَعْبَانَ بِشَهْرِ رَمَضَانَ فَذَلِکَ صَوْمُ الدَّهْرِ فَقَالَ أَ لَیْسَ زَعَمْتَ أَنَّکَ تُحْیِی اللَّیْلَ فَقَالَ نَعَمْ فَقَالَ أَنْتَ أَکْثَرُ لَیْلِکَ نَائِمٌ فَقَالَ لَیْسَ حَیْثُ تَذْهَبُ وَ لَکِنِّی سَمِعْتُ حَبِیبِی رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ مَنْ بَاتَ عَلَی طُهْرٍ فَکَأَنَّمَا أَحْیَا اللَّیْلَ کُلَّهُ فَأَنَا أَبِیتُ عَلَی طُهْرٍ فَقَالَ أَ لَیْسَ زَعَمْتَ أَنَّکَ تَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِی کُلِّ یَوْمٍ قَالَ نَعَمْ قَالَ فَأَنْتَ أَکْثَرُ أَیَّامِکَ صَامِتٌ فَقَالَ لَیْسَ حَیْثُ تَذْهَبُ وَ لَکِنِّی سَمِعْتُ حَبِیبِی رَسُولَ اللَّهِ

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۲۱.

صلی الله علیه و آله یَقُولُ لِعَلِیٍّ یَا أَبَا الْحَسَنِ مَثَلُکَ فِی أَمَّتِی مَثَلُ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَمَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً فَقَدْ قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ قَرَأَهَا مَرَّتَیْنِ فَقَدْ قَرَأَ ثُلُثَیِ الْقُرْآنِ وَ مَنْ قَرَأَهَا ثَلَاثاً فَقَدْ خَتَمَ الْقُرْآنَ فَمَنْ أَحَبَّکَ بِلِسَانِهِ فَقَدْ کَمَلَ لَهُ ثُلُثُ الْإِیمَانِ وَ مَنْ أَحَبَّکَ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَقَدْ کَمَلَ لَهُ ثُلُثَا الْإِیمَانِ وَ مَنْ أَحَبَّکَ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ وَ نَصَرَکَ بِیَدِهِ فَقَدِ اسْتَکْمَلَ الْإِیمَانَ وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ یَا عَلِیُّ لَوْ أَحَبَّکَ أَهْلُ الْأَرْضِ کَمَحَبَّةِ أَهْلِ السَّمَاءِ لَکَ لَمَا عُذِّبَ أَحَدٌ بِالنَّارِ وَ أَنَا أَقْرَأُ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فِی کُلِّ یَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَامَ وَ کَأَنَّهُ قَدْ أُلْقِمَ حَجَراً(۱).

**[ترجمه]امالی صدوق و معانی الاخبار: امام صادق علیه السّلام از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله به اصحابش فرمود: کدامین شما همیشه روزه دارید؟ سلمان (ره) گفت: من یا رسول الله. فرمود: کدامین شما همیشه شب زنده دارید؟ سلمان گفت: من یا رسول الله. فرمود: کدام هر روز همه قرآن را می خواند؟ سلمان گفت: من یا رسول الله. یکی از اصحاب به خشم آمد و گفت: یا رسول الله! سلمان مردی است از فارس و می خواهد بر ما گروه قریش ببالد. شما فرمودید: چه کس همه روزها روزه است و او گفت من، با این که بیشتر روزها می خورد، و فرمودید: چه کس همه شب ها بیدار است برای عبادت؟ و او گفت من، با اینکه بیشتر شب ها در خواب است، و فرمودید چه کس هر روز همه قرآن را می خواند؟ و او گفت من، با اینکه بیشتر روزش خاموش است.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: خاموش باش ای فلانی! تو را چه با همانند لقمان حکیم. از خودش بپرس تا تو را آگاه کند! آن مرد به سلمان گفت: ای ابو عبدالله! تو می پنداری که هر روز روزه ای؟ گفت: بله. گفت: من تو را بیشتر روزها دیدم که می خوری. پاسخ داد: چنان نیست که تو می پنداری. من سه روز در هر ماه روزه ام و خدا عزوجل فرموده: «من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها.» - . انعام / ۱۶۰ -

{هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت.} و روزه شعبان را به ماه رمضان می پیوندم و این می شود روزه دهر و روزه هر روزه. پرسید: تو می پنداری که همه شب ها را شب زنده داری؟ پاسخ داد: آری. به او گفت: تو بیشتر شب در خوابی. پاسخش داد: چنان نیست که تو فهمیدی، ولی من از دوستم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: هر که شب را با طهارت بخوابد، چنان است که گویی همه شب را احیاء کرده و من با طهارت شب را به سر برم. به او گفت: تو می پنداری که هر روز یک ختم قرآن می کنی؟ گفت: آری. گفت: تو بیشتر روز را خاموشی. پاسخش داد: چنان نیست که تو فهمیدی، ولی من از دوستم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به علی علیه السّلام می فرمود: «ای ابو الحسن! نمونه تو در امتم به مانند سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» است که هر که آن را یک بار بخواند، یک سوم قرآن را خوانده باشد و هر که دو بار بخواند، دو سوم قرآن را خوانده و هر که سه بار بخواند، یک ختم قرآن خوانده است. پس هر که تو را به زبانش دوست دارد، یک سوم ایمان دارد و هر که به زبان و دلش دوستت دارد، دو ثلث ایمان را دارد و هر که با زبان و دل خود دوستت دارد و با دست هم تو را یاری دهد، ایمان کامل دارد. ای علی! سوگند بدان که مرا به حق فرستاده اگر همه مردم زمین تو را دوست بدارند، چنانی که همه اهل آسمان خدا دوست دارند، کسی را به دوزخ عذاب نکند.» و من هر روز سه بار سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را می خوانم. پس آن مرد برخاست، چون کسی که سنگی به دهانش نهاده اند. - .[۱] امالی صدوق: ۲۱، معانی الاخبار: ۲۳۴ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: لَا یَنَامُ الْمُسْلِمُ وَ هُوَ جُنُبٌ وَ لَا یَنَامُ إِلَّا عَلَی طَهُورٍ فَإِنْ لَمْ یَجِدِ الْمَاءَ فَلْیَتَیَمَّمْ بِالصَّعِیدِ فَإِنَّ رُوحَ الْمُؤْمِنِ تُرْفَعُ إِلَی اللَّهِ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَیَقْبَلُهَا وَ یُبَارِکُ عَلَیْهَا فَإِنْ کَانَ أَجَلُهَا قَدْ حَضَرَ جَعَلَهَا فِی کُنُوزِ رَحْمَتِهِ وَ إِنْ لَمْ یَکُنْ أَجَلُهَا قَدْ حَضَرَ بَعَثَ بِهَا مَعَ أُمَنَائِهِ مِنْ مَلَائِکَتِهِ فَیَرُدُّونَهَا فِی جَسَدِهَا(۲).

**[ترجمه]خصال: امیر مؤمنان در اربعمائه فرمود: مسلمان جنب نخوابد و جز با طهارت نخوابد، و اگر آب نیابد با خاک تیمم کند، زیرا روح مؤمن به درگاه خدا تبارک و تعالی بالا رود و آن را بپذیرد و برکت دهد، و اگر عمرش سر آمده، در گنجینه رحمت خودش جا دهد، وگرنه آن را با فرشته های امینش به جسم او برگرداند. - . خصال ۲: ۱۵۶ -

**[ترجمه]

«۳»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ السِّنْدِیِّ بْنِ الرَّبِیعِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ کُرْدُوسٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ تَطَهَّرَ ثُمَّ أَوَی إِلَی فِرَاشِهِ بَاتَ وَ فِرَاشُهُ کَمَسْجِدِهِ (۳).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که با طهارت به بسترش آرمید، شب را در حالی گذراند که بسترش همچون مسجدش باشد. - . ثواب الاعمال: ۱۸ -

**[ترجمه]

«۴»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ مِسْکِینٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ کُرْدُوسٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ بَاتَ عَلَی وُضُوءٍ بَاتَ وَ فِرَاشُهُ مَسْجِدُهُ فَإِنْ تَخَفَّفَ وَ صَلَّی ثُمَّ ذَکَرَ اللَّهَ لَمْ یَسْأَلِ اللَّهَ شَیْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ (۴).

**[ترجمه]محاسن: هر که با طهارت به بسترش آرمید، شب را در حالی گذراند که بسترش مسجدش باشد که اگر سبک شود و نمازی بخواند و سپس ذکر خدا گوید، از خدا چیزی نخواهد جز آنکه به او بدهد. - . محاسن: ۴۷ -

**[ترجمه]

«۵»

سن، [المحاسن] فِی رِوَایَهِ حَفْصِ بْنِ غِیَاثٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَوَی إِلَی فِرَاشِهِ فَذَکَرَ أَنَّهُ عَلَی غَیْرِ طُهْرٍ وَ تَیَمَّمَ

مِنْ دِثَارِ ثِيَابِهِ كَائِناً مَا كَانَ كَانَ فِي صَلَاةٍ مَا ذَكَرَ اللَّهَ (۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که در بسترش جا کرد و به یادش آمد طاهر نیست و با گوشه جامه اش – هر چه باشد – تیمم کند، تا وقتی که به یاد خداست، در نماز باشد. – . محاسن: ۴۷ –

**[ترجمه]

«۶»

مکا، [مکارم الأخلاق] قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مَنْ تَطَهَّرَ ثُمَّ أَوَی إِلَی فِرَاشِهِ بَاتَ وَ فِرَاشُهُ

ص: ۱۸۲

۱- ۱. معانی الأخبار: ۲۳۴.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۱۵۶.

۳- ۳. ثواب الأعمال: ۱۸.

۴- ۴. المحاسن ص ۴۷.

۵- ۵. المحاسن ص ۴۷.

كَمَسْجِدِهِ فَإِنْ ذَكَرَ أَنَّهُ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ فَلْيَتَيَمَّمْ مِنْ دِثَارِهِ كَائِناً مَا كَانَ فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ لَمْ يَزَلْ فِي الصَّلَاهِ وَ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق عليه السّلام فرمود: هر که با طهارت در بسترش بخوابد، بسترش همچون مسجد او باشد و اگر به یادش آید که با وضو نیست و با گوشه جامه اش - هر چه باشد - تیمم کند و اگر چنین کند، پیوسته در نماز و ذکر خدا عزوجل باشد. - .[۳] مکارم الاخلاق: ۳۳۳ -

**[ترجمه]

«۷»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: مَنْ نَامَ عَلَى الْوُضُوءِ إِنْ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ فِي لَيْلِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ شَهِيدٌ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که با وضو بخوابد، اگر مرگش در آن شب فرا رسد، نزد خدا شهید باشد .

**[ترجمه]

باب ۴۰ كراهه استقبال الشمس و الجلوس و النوم و غيرهما

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الْحِمْيَرِيِّ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي يَحْيَى الْوَاسِطِيِّ رَفَعَهُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: لَا تَسْتَقْبِلُوا الشَّمْسَ فَإِنَّهَا مَبْخَرَةٌ تُشْحِبُ اللَّوْنَ وَ تُبْلِي الثَّوْبَ وَ تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِينَ (۲).

**[ترجمه]خصال: امیر مؤمنین علیه السّلام فرمود: رو به خورشید نباشید که بخار آور است، رنگ را تیره کند، جامه را کهنه و درد درونی را پدیدار کند. - .[۱] خصال ۱: ۴۸ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] عَنْ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْبَغْدَادِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمَرْوَزِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: فِي الشَّمْسِ أَرْبَعُ خِصَالٍ تُغَيِّرُ اللَّوْنَ تُنَتِّنُ الرِّيحَ وَ تُخْلِقُ الثِّيَابَ وَ تُورِثُ الدَّاءَ(۳).

**[ترجمه]خصـال: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: در خورشـید چهـار اثر است: دگرگون کردن رنگ، بـد کردن بو، کهنه کردن جامه و به بار آوردن درد. - .[۲] خصال ۱: ۱۱۹ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السـلام: إِذَا جَلَسَ أَحَـدُکُمْ فِی الشَّمْسِ فَلْیَسْـتَدْبِرْهَا بِظَهْرِهِ فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الدَّاءَ الدَّفِینَ (۴).

ص: ۱۸۳

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۳۳۳.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۴۸، و المبخره- بالفتح مجلبه البخر، و هو نتن الفم، کما یقال: إیّاکم و نومه الغداه فانها مبخره. و شحوبه اللون تغیره و اغبراره.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۱۱۹.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۱۵۹.

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه است که امير مؤمنان عليه السّلام فرمود: هر گاه يکى از شماها در زير آفتاب نشيند، بايد پشت به آن کند و رو به رو نباشد، زيرا خورشيد درد درونى را پديدار کند. - .[۳] خصال ۲: ۱۵۹ -

**[ترجمه]

باب ۴۱ الأوقات المكروهه للنوم

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال] عَنْ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِی الْحُسَيْنِ الْفَارِسِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَا عَجَّتِ الْأَرْضُ إِلَى رَبِّهَا عَزَّ وَ جَلَّ كَعَجِيجِهَا مِنْ ثَلَاثَةٍ مِنْ دَمٍ حَرَامٍ يُسْفَكُ عَلَيْهَا أَوِ اغْتِسَالٍ مِنْ زِنًا أَوِ النَّوْمِ عَلَيْهَا قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ (۱).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: زمين نناليد به درگاه پروردگارش عزوجل مانند ناله از سه چيز: به دليل خون حرامى که بر آن ريخته شود، يا غسل از زنا که بر آن انجام شود، يا خواب بر آن پيش از طلوع خورشيد. - .[۱] خصال ۱: ۶۹ -

**[ترجمه]

أَقُولُ

قَدْ مَرَّ فِی بَابِ السَّهَرِ بِالْإِسْنَادِ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله: أَنَّ اللَّهُ كَرِهَ النَّوْمَ قَبْلَ الْعِشَاءِ الْآخِرَهِ.

**[ترجمه]در «باب بيدارى شب» با سند از پيغمبر صلى الله عليه و آله گذشت که «خدا بد دارد خواب پيش از نماز عشاء آخرين را.»

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] عَنْ سَعِيدِ بْنِ عِلَاقَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: النَّوْمُ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ يُورِثُ الْفَقْرَ وَ النَّوْمُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ يُورِثُ الْفَقْرَ(۲).

**[ترجمه]خصال: امير مؤمنان عليه السّلام فرمود: خواب ميان نماز مغرب و عشاء فقر آورد، و خواب پيش از برآمدن خورشيد فقر آورد. - .[۲] خصال ۲: ۹۳ -

**[ترجمه]

«۳»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنِ الْفَحَّامِ عَنِ الْمَنْصُورِیِّ عَنْ عَمِّ أَبِیهِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَنْ آبَائِهِ عَنِ الصَّادِقِ علیهم السلام: فِی قَوْلِهِ تَعَالَی تَتَجافی جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضاجِعِ (۳) قَالَ کَانُوا لَا یَنَامُونَ حَتَّی یُصَلُّوا الْعَتَمَهَ(۴).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: امام صادق علیه السّلام در تفسیر قول خدا تعالی: «تتجافی جنوبهم عن المضاجع.» - .[۳] سجده/ ۱۶ - {پهلوهایشان از خوابگاه ها جدا می گردد} فرمود: عادتشان بود که نخوابند تا نماز عشاء را بخوانند. - .[۴] امالی شیخ طوسی ۱: ۳۰ -

**[ترجمه]

«۴»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنْ جَمَاعَهٍ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ یَحْیَی بْنِ سَالِمٍ الْفَرَّاءِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَمَّا أُسْرِیَ بِی إِلَی السَّمَاءِ دَخَلْتُ الْجَنَّهَ فَرَأَیْتُ فِیهَا قَصْراً مِنْ یَاقُوتٍ أَحْمَرَ یُرَی بَاطِنُهُ مِنْ ظَاهِرِهِ لِضِیَائِهِ وَ نُورِهِ وَ فِیهِ قُبَّتَانِ مِنْ دُرٍّ وَ زَبَرْجَدٍ فَقُلْتُ یَا جَبْرَئِیلُ لِمَنْ هَذَا الْقَصْرُ قَالَ هُوَ لِمَنْ أَطَابَ الْکَلَامَ وَ أَدَامَ الصِّیَامَ وَ أَطْعَمَ الطَّعَامَ وَ تَهَجَّدَ بِاللَّیْلِ وَ النَّاسُ نِیَامٌ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام:

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۶۹.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۹۳.

۳- ۳. السجده: ۱۶.

۴- ۴. أمالی الطوسیّ ج ۱ ص ۳۰.

فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ فِي أُمَّتِكَ مَنْ يُطِيقُ هَذَا فَقَالَ أَ تَدْرِي مَا إِطَابَةُ الْكَلَامِ فَقُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ أَ تَدْرِي مَا إِدَامَةُ الصِّيَامِ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَ لَمْ يُفْطِرْ مِنْهُ يَوْماً أَ تَدْرِي مَا إِطْعَامُ الطَّعَامِ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ طَلَبَ لِعِيَالِهِ مَا يَكُفُّ بِهِ وُجُوهَهُمْ عَنِ النَّاسِ أَ تَدْرِي مَا التَّهَجُّدُ بِاللَّيْلِ وَ النَّاسُ نِيَامٌ قُلْتُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ لَمْ يَنَمْ حَتَّى يُصَلِّيَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَ النَّاسُ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ غَيْرِهِمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ نِيَامٌ بَيْنَهُمَا(۱).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: چون مرا به معراج بردند و به آسمان در آوردند، به بهشت در آمدم و در آن کاخی دیدم از یاقوت سرخ که از بس روشن و تابنده بود، درونش از بیرونش دیده می شد و در آن دو گنبد از دُر و زبرجد بود. گفتم: ای جبرئیل! این کاخ از کیست؟ گفت: برای آن کسی است که سخن خوب گوید، روزه را ادامه دهد، اطعام کند و در شب که مردم در خوابند، عبادت کند .

امام علی علیه السّلام گوید: گفتم: یا رسول الله! در امت کسی باشد که تاب این دستور را بیاورد؟ فرمود: می دانی مقصود از سخن خوب چیست؟ گفتم: خدا و رسولش داناترند. فرمود: هر که گوید: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر.»

فرمود: می دانی ادامه روزه چیست؟ گفتم: خدا و رسولش داناترند. فرمود: هر که ماه رمضان را روزه دارد و یک روزش را هم افطار نکند. می دانی اطعام چیست؟ گفتم: خدا و رسولش داناترند. فرمود هر که بجوید برای عیالش آنچه که آبروی آنها را در بر مردم نگه دارد. می دانی عبادت در شب چیست؟ گفتم: خدا و رسولش داناترند. فرمود: کسی نباید بخوابد تا نماز عشاء پسین را بخواند که مردم از یهود و ترسا و دیگران از مشرکان، در آن وقت در خوابند. -.[۱] امالی شیخ طوسی ۲: ۷۴ -

**[ترجمه]

«۵»

یر، [بصائر الدرجات] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ اللُّؤْلُؤِيِّ عَنْ أَحْمَدَ الْمِيثَمِيِّ عَنْ صَالِحٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیهما السلام قَالَ: يَا أَبَا حَمْزَةَ لَا تَنَامَنَّ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنِّي أَكْرَهُهَا لَكَ إِنَّ اللَّهَ يُقَسِّمُ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ أَرْزَاقَ الْعِبَادِ وَ عَلَى أَيْدِينَا يُجْرِيهَا(۲).

**[ترجمه]بصائر الدرجات: ابی حمزه گفت: امام زین العابدین علیه السّلام به من فرمود: ای ابی حمزه! پیش از طلوع خورشید مخواب که من آن را برایت بد می دانم، زیرا خدا در آن وقت روزی مردم را پخش می کند و اجرای آن به دست ماست. - . [۲] بصائر الدرجات: ۳۴۳ -

**[ترجمه]

«۶»

مکا، [مکارم الأخلاق] قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: النَّوْمُ مِنَ أَوَّلِ النَّهَارِ خُرْقٌ وَ الْقَائِلَهُ نِعْمَهٌ وَ النَّوْمُ بَعْدَ الْعَصْرِ حُمْقٌ وَ بَیْنَ الْعِشَاءَیْنِ یَحْرِمُ الرِّزْقَ (۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: خواب اول روز کم خردی و خواب در میان روز (قیلوله) نعمت و خواب پس از عصر حماقت است، و خواب میان مغرب و عشاء، انسان را از روزی محروم سازد. - .[۳] مکارم الاخلاق: ۳۳۳ -

**[ترجمه]

باب ۴۲ القیلوله

الأخبار

«۱»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَهَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ: إِنَّ أَعْرَابِیّاً أَتَی النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ یَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّی کُنْتُ رَجُلًا ذَکُوراً فَصِرْتُ نَسِیّاً فَقَالَ لَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لَعَلَّکَ اعْتَدْتَ الْقَائِلَهَ فَتَرَکْتَهَا فَقَالَ أَجَلْ فَقَالَ لَهُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فَعُدْ یَرْجِعْ إِلَیْکَ حِفْظُکَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۴).

ص: ۱۸۵

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۷۴.

۲- ۲. بصائر الدرجات: ۳۴۳.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۳۳۳، و الخرق: البلاده و أن لا یحسن الرجل العمل و التصرف فی الأمور، و نومه الخرق نومه الضحی قیل لها ذلک، لدلالتها علی بلاده النائم.

۴- ۴. قرب الإسناد ص ۴۸.

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق از پدرش امام باقر علیه السّلام روایت می کند که فرمود: روزی یک اعرابی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله! من مردی یادآور بودم و فراموشکار شدم. آن حضرت فرمود: شاید عادت به خواب نیمروز داشتی و آن را واگذاشتی؟ گفت: آری. فرمود: بدان بازگرد تا یادآوری ات به تو برگردد، ان شاء الله. - .[۱] قرب الاسناد: ۴۸ -

**[ترجمه]

«۲»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ علیه السلام: أَنَّهُ كَانَ يُصَلِّي صَلَاةَ الْغَدَاةِ ثُمَّ يُعَقِّبُ فِي مُصَلَّاهُ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي صَلَاةً طَوِيلَةً ثُمَّ يَرْقُدُ رَقْدَةً ثُمَّ يَسْتَيْقِظُ فَيَدْعُو بِالسِّوَاكِ فَيَسْتَنُّ ثُمَّ يَدْعُو بِالْغَدَاءِ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: امام زین العابدین علیه السّلام نماز صبح را می خواند و در نماز خانه اش تعقیب می خواند تا آفتاب می زد. سپس برمی خاست و نماز طولانی می گزارد. سپس خوابکی می کرد و بیدار می شد و مسواک می خواست و سنت به جا می آورد و آنگاه چاشت می خواست .

**[ترجمه]

باب ۴۳ أنواع النوم و ما يستحب منها و آدابه و معالجه من يفرغ فی المنام

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعِمِائَةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: لَا يَنَامُ الرَّجُلُ عَلَى الْمَحَجَّةِ وَ قَالَ لَا يَنَامُ الرَّجُلُ عَلَى وَجْهِهِ وَ مَنْ رَأَيْتُمُوهُ نَائِماً عَلَى وَجْهِهِ فَأَنْبِهُوهُ وَ لَا تَدَعُوهُ.

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمُ النَّوْمَ فَلْيَضَعْ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ الْأَيْمَنِ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي أَ يَنْتَبِهُ مِنْ رَقْدَتِهِ أَمْ لَا(۱).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: کسی بر سر راه نخوابد، و فرمود: کسی به رو نخوابد و اگر چنین خوابید، بیدارش کنید و او را وانگذارید.

و فرمود: هر گاه کسی از شما بخواهد بخوابد، دست راستش را زیر گونه راست نهد، چون نمی داند که بیدار می شود یا نه. - . خصال ۲: ۱۵۶ و ۱۷۰ -

**[ترجمه]

«۲»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ فَلْيَمْسَحْهُ بِطَرَفِ إِزَارِهِ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا يَحْدُثُ عَلَيْهِ ثُمَّ لْيَقُلِ اللَّهُمَّ إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي فِي مَنَامِي فَاغْفِرْ لَهَا وَ إِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ (۲).

**[ترجمه]علل الشرائع: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: چون یکی از شما به بستر رود، گوشه جامه اش را روی آن بکشد، زیرا نمی داند چه بر آن پدیدار شده. سپس گوید: بار خدایا! اگر جانم را در خواب نگذاشتی، آن را بیامرز و اگر آن را رها کردی، آن را حفظ کن، با هر چه بنده های خوبت که حفظ کنی. - . علل الشرائع ۲: ۲۷۶ -

**[ترجمه]

«۳»

ب، [قرب الإسناد] عَنِ الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ فَلْيَمْسَحْهُ بِصَنِفَهِ(۳) إِزَارِهِ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا حَدَثَ عَلَيْهِ بَعْدَهُ (۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: چون یکی از شما به بستر رود، گوشه - .[۳] الصنفه:گوشه لباس و اطرافش - جامه اش را روی آن بکشد، زیرا نمی داند چه بر آن پدیدار شده است. - . قرب الاسناد: ۱۷ -

**[ترجمه]

«۴»

ل، [الخصال] ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام ع]، [علل الشرائع]: فِي خَبَرِ الشَّامِيِّ أَنَّهُ سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام عَنِ النَّوْمِ عَلَى كَمْ وَجْهٍ هُوَ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام النَّوْمُ عَلَى أَرْبَعَهِ أَصْنَافٍ الْأَنْبِيَاءُ تَنَامُ عَلَى أَقْفِيَتِهَا مُسْتَلْقِيَةً وَ أَعْيُنُهَا لَا تَنَامُ مُتَوَقِّعَةً لِوَحْيِ رَبِّهَا عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْمُؤْمِنُ يَنَامُ عَلَى

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۱۵۶ و ۱۷۰.

۲- ۲. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۷۶.

۳- ۳. الصنفه: حاشیه الثوب و طرته.

۴- ۴. قرب الإسناد ص ۱۷.

يَمِينِهِ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَهِ وَ الْمُلُوكُ وَ أَبْنَاؤُهَا عَلَى شَمَائِلِهَا لِيَسْتَمْرِءُوا مَا يَأْكُلُونَ وَ إِبْلِيسُ وَ إِخْوَانُهُ وَ كُلَّ مَجْنُونٍ وَ ذُو عَاهَهٍ يَنَامُونَ عَلَى وُجُوهِهِمْ مُنْبَطِحِينَ (۱).

**[ترجمه]خصال و عیون اخبارالرضا و علل الشرائع: در خبر شامی است که او از امیر مؤمنان علیه السّلام پرسید: خواب چند قسم است؟ فرمود: چهار قسم است: پیغمبران بر پشت خوابند و چشمشان نخوابد و در انتظار وحی پروردگارشان عزوجل باشند؛ مؤمن بر پهلوی راست و برابر قبله بخوابد؛ شاهان و فرزندانشان بر پهلوی چپ می خوابند تا خوراکشان گوارا باشد؛ و ابلیس و برادرانش و هر دیوانه و آفت زده، بر روی شکم بخوابند. - . خصال ۱: ۱۲۶، عیون اخبارالرضا ۱: ۲۴۶، علل الشرائع ۲: ۲۸۴ -

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال] عَنْ مَاجِيلَوَيْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْيَقْطِينِيِّ عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنِ ابْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ثَلَاثَهً الْآكِلَ زَادَهُ وَحْدَهُ وَ الرَّاكِبَ فِي الْفَلَاهِ وَحْدَهُ وَ النَّائِمَ فِي الْبَيْتِ وَحْدَهُ (۲).

**[ترجمه]خصال: امام کاظم علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله سه نفر را لعن کرده: آن که توشه خود را تنها خورد (و به همسفرانش ندهد)؛ آن سواری که در بیابان تنها رود؛ و آن کس که در خانه ای تنها بخوابد. - . خصال ۱: ۴۶ -

**[ترجمه]

«۶»

ل، [الخصال]: فِيمَا أَوْصَى بِهِ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله عَلِيّاً علیه السلام يَا عَلِيُّ ثَلَاثَهٌ يُتَخَوَّفُ مِنْهُنَّ الْجُنُونُ التَّغَوُّطُ بَيْنَ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ فِي خُفٍّ وَاحِدٍ وَ الرَّجُلُ يَنَامُ وَحْدَهُ (۳).

**[ترجمه]خصال: در وصیت پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام است که: ای علی! بر سه کس بیم دیوانگی است: آن که

میان گورها غائط کند؛ آن که با یک لنگه کفش راه رود؛ و مردی که تنها بخوابد. - . خصال ۱: ۶۲ -

**[ترجمه]

«۷»

ل (۴)،[الخصال] لی، [الأمالی للصدوق] بِالْإِسْنَادِ الْمُتَقَدِّمِ فِی بَابِ السَّهَرِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّ اللَّهَ کَرِهَ النَّوْمَ فِی سَطْحٍ لَیْسَ بِمُحَجَّرٍ وَ قَالَ مَنْ نَامَ عَلَی سَطْحٍ غَیْرِ مُحَجَّرٍ فَقَدْ بَرِئَتْ مِنْهُ الذِّمَّهُ وَ کَرِهَ أَنْ یَنَامَ الرَّجُلُ فِی بَیْتٍ وَحْدَهُ (۵).

**[ترجمه]خصال و امالی صدوق: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدا خوابیدن روی بام بی دیواره را بد دارد، و فرمود: هر که بر آن بخوابد در پناه نباشد، و بد داشت کسی در خانه تنها بخوابد. -.[۴] خصال ۲: ۱۰۲ ، امالی صدوق: ۱۸۱ -

**[ترجمه]

«۸»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ مُوسَی عَنِ ابْنِ زَکَرِیَّا عَنِ ابْنِ حَبِیبٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ هُدْبَهَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُبَارَکِ بْنِ فَضَالَهَ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ قَالَ: قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ لِلْحَسَنِ ابْنِهِ علیهما السلام یَا بُنَیَّ أَ لَا أُعَلِّمُکَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَغْنِی بِهَا عَنِ الطِّبِّ فَقَالَ بَلَی یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ

قَالَ لَا تَجْلِسْ عَلَی الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ جَائِعٌ وَ لَا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلَّا وَ أَنْتَ تَشْتَهِیهِ وَ جَوِّدِ الْمَضْغَ وَ إِذَا نِمْتَ فَاعْرِضْ نَفْسَکَ عَلَی الْخَلَاءِ فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذِهِ اسْتَغْنَیْتَ عَنِ الطِّبِ (۶).

**[ترجمه]خصال: امیر مؤمنان علیه السّلام به فرزندش حسن فرمود: پسر جانم! به تو چهار دستور بیاموزم که تو را از پزشک بی نیاز کند؟ گفت: چرا یا امیرالمؤمنین! فرمود: بر سر غذا منشین جز آنکه گرسنه باشی، از خوردن پس منشین جز آنکه هنوز خواهان آن هستی، غذا را خوب بِجُو، و چون خواهی بخوابی، سر خلاء برو و اگر اینها را به کار بندی، از طبیب بی نیاز گردی. -.[۵] خصال ۱: ۱۰۹ -

**[ترجمه]

«۹»

لی، [الأمالی للصدوق] فِی خَبَرِ الْمَنَاهِی عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: لَا یَبِیتَنَّ أَحَدُکُمْ وَ یَدُهُ غَمِرَهٌ فَإِنْ فَعَلَ فَأَصَابَهُ لَمَمُ الشَّیْطَانِ فَلَا یَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ (۷).

**[ترجمه]امالی صدوق: در خبر مناهی از پیغمبر صلی الله علیه و آله نقل است که فرمود: کسی از شما با دست آلوده نخوابد و اگر بخوابد و شیطان زده شود، جز خود را ملامت نکند. -.[۶] امالی صدوق: ۲۵۴ -

**[ترجمه]

«۱۰»

ن، [عيون أخبار الرضا عليه السلام] بِالْإِسْنَادِ إِلَى دَارِمٍ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

ص: ۱۸۷

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۱۲۶، عيون الأخبار ج ۱ ص ۲۴۶، علل الشرائع ج ۲ ص ۲۸۴، فى حديث و استمراء الطعام: وجد انه هنيئا مريئا سائغا.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۴۶.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۶۲.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۱۰۲.

۵- ۵. أمالى الصدوق ص ۱۸۱.

۶- ۶. الخصال ج ۱ ص ۱۰۹.

۷- ۷. أمالى الصدوق ص ۲۵۴.

صلی الله علیه و آله: اغْسِلُوا صِبْیَانَکُمْ مِنَ الْغَمَرِ فَإِنَّ الشَّیْطَانَ یَشَمُّ الْغَمَرَ فَیَفْزَعُ الصَّبِیُّ فِی رُقَادِهِ وَ یَتَأَذَّی بِهِ الْکَاتِبَانِ (۱).

ع، [علل الشرائع] عن أبیه عن سعد عن الیقطینی عن القاسم عن جده عن أبی بصیر عن أبی عبد الله علیه السلام آبائه علیهم السلام عن أمیر المؤمنین علیه السلام: مثله (۲).

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: امام رضا از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: کودکان خود را از آلودگی غذا بشویید که شیطان آن را ببوید و کودک هراس کند و دو فرشته نویسنده از آن آزار کشند. - عیون اخبارالرضا ۲: ۶۹ -

علل الشرائع: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از امیر مؤمنان علیه السّلام مانند آن را روایت فرموده است. - علل الشرائع ۲: ۲۴۳ -

**[ترجمه]

«۱۱»

سن، [المحاسن] عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَیْفٍ عَنْ أَخِیهِ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّی عَنْ رَجُلٍ مِنْ بَنِی نَوْفَلِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنَ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الْبَائِتُ فِی الْبَیْتِ وَحْدَهُ وَ السَّائِرُ وَحْدَهُ شَیْطَانَانِ وَ الِاثْنَانِ لُمَةٌ وَ الثَّلَاثَةُ أُنْسٌ (۳).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن که در خانه تنها بخوابد و آن که تنها سفر کند، دو شیطانند، و دو تایی باشند هم آسیب باشند و سه تایی باشند آرامش دارند. - محاسن: ۳۵۶ -

**[ترجمه]

«۱۲»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنِ الْعِیصِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ السَّطْحِ یُنَامُ عَلَیْهِ بِغَیْرِ حُجْرَةٍ فَقَالَ نَهَی النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله عَنْهُ فَسَأَلْتُهُ عَنْ ثَلَاثَةِ حِیطَانٍ فَقَالَ لَا إِلَّا أَرْبَعٌ فَقُلْتُ کَمْ طُولُ الْحَائِطِ قَالَ أَقْصَرُهُ ذِرَاعٌ أَوْ شِبْرٌ(۴).

**[ترجمه]محاسن: عیص گفت: از امام صادق علیه السّلام درباره خوابیدن بر بام بدون دیواره پرسیدم. فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله از آن نهی کرده است. درباره بامی که از سه جانب دیوار دارد پرسیدم. فرمود: نه، مگر در چهار جانب. گفتم: بلندی دیوار چند باشد؟ فرمود: کوتاه ترینش نیم زرع یا یک وجب است. - [۴] محاسن: ۶۲۱ - ۶۲۲ -

**[ترجمه]

«۱۳»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ يُبَاتَ عَلَى سَطْحٍ غَيْرِ مُحَجَّرٍ(۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نهی کرده از شب خوابیدن در بام بی دیواره. - .[۵] محاسن: ۶۲۱ - ۶۲۲ -

**[ترجمه]

«۱۴»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَجَّالِ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنِ ابْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ كَرِهَ أَنْ يَبِيتَ الرَّجُلُ عَلَى سَطْحٍ لَيْسَتْ عَلَيْهِ حُجْرَةٌ وَ الرَّجُلُ وَ الْمَرْأَةُ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ(۶).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام بد داشت مرد بر بام بی دیواره بخوابد در شب، و مرد و زن در این باره برابرند. - . [۶] محاسن: ۶۲۱ - ۶۲۲ -

**[ترجمه]

«۱۵»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنِ ابْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ الْبَيْتُوتَةَ لِلرَّجُلِ عَلَى سَطْحٍ وَحْدَهُ أَوْ عَلَى سَطْحٍ لَيْسَتْ عَلَيْهِ حُجْرَةٌ وَ الرَّجُلُ وَ الْمَرْأَةُ فِيهِ بِمَنْزِلَةٍ(۷).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام بد داشت شب خوابیدن تنها در بام را یا بر بام بی دیواره را، و مرد و زن در این باره برابرند. - .[۷] محاسن: ۶۲۱ - ۶۲۲ -

**[ترجمه]

«۱۶»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ وَ غَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي السَّطْحِ يُبَاتُ عَلَيْهِ غَيْرَ مُحَجَّرٍ فَقَالَ يُجْزِيهِ أَنْ يَكُونَ مِقْدَارُ ارْتِفَاعِ الْحَائِطِ ذِرَاعَيْنِ (۸).

١- ١. عيون الأخبار ج ٢ ص ۶۹.

٢- ٢. علل الشرائع ج ٢ ص ٢۴٣.

٣- ٣. المحاسن ص ٣۵۶.

۴- ۴. المحاسن ص ۶٢١- ۶٢٢.

۵- ۵. المحاسن ص ۶٢١- ۶٢٢.

۶- ۶. المحاسن ص ۶٢١- ۶٢٢.

٧- ٧. المحاسن ص ۶٢١- ۶٢٢.

٨- ٨. المحاسن ص ۶٢١- ۶٢٢.

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام درباره بام بدون دیواره که شب بر آن بخوابند فرمود: بلندی دیواره تا دو زراع بس است. - .[۸] محاسن: ۶۲۱ - ۶۲۲ -

**[ترجمه]

«۱۷»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَهْلِ بْنِ الْيَسَعِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ بَاتَ عَلَی سَطْحٍ غَيْرِ مُحَجَّرٍ فَأَصَابَهُ شَیْ ءٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ (۱).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در شب بر بام بی دیواره بخوابد و آزاری به او رسد، جز خود را ملامت نکند. - .[۱] محاسن: ۶۲۲ -

**[ترجمه]

«۱۸»

مص، [مصباح الشریعه] قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: وَ نَمْ نَوْمَةَ الْمُتَعَبِّدِينَ وَ لَا تَنَمْ نَوْمَةَ الْغَافِلِينَ فَإِنَّ الْمُتَعَبِّدِينَ الْأَكْيَاسَ يَنَامُونَ اسْتِرْوَاحاً وَ أَمَّا الْغَافِلُونَ يَنَامُونَ اسْتِبْطَاراً قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تَنَامُ عَيْنِی وَ لَا يَنَامُ قَلْبِی وَ انْوِ بِنَوْمِکَ تَخْفِيفَ مَئُونَتِکَ عَلَی الْمَلَائِكَةِ وَ اعْتِزَالَ النَّفْسِ مِنْ شَهَوَاتِهَا وَ اخْتَبِرْ بِهَا نَفْسَکَ مَعْرِفَةً بِأَنَّکَ عَاجِزٌ ضَعِيفٌ- لَا تَقْدِرُ عَلَی شَیْ ءٍ مِنْ حَرَكَاتِکَ وَ سُكُونِکَ إِلَّا بِحُكْمِ اللَّهِ وَ تَقْدِيرِهِ فَإِنَّ النَّوْمَ أَخُ الْمَوْتِ فَاسْتَدْلِلْ بِهِ عَلَی الْمَوْتِ الَّذِی لَا تَجِدُ السَّبِيلَ إِلَی الِانْتِبَاهِ فِيهِ وَ الرُّجُوعِ إِلَی إِصْلَاحِ مَا فَاتَ عَنْکَ وَ مَنْ نَامَ عَنْ فَرِيضَةٍ أَوْ سُنَّةٍ أَوْ نَافِلَةٍ أَوْ فَاتَهُ بِسَبَبِهَا شَیْ ءٌ فَذَلِکَ نَوْمُ الْغَافِلِينَ وَ سِيرَةُ الْخَاسِرِينَ وَ صَاحِبُهُ مَغْبُونٌ وَ مَنْ نَامَ بَعْدَ فَرَاغِهِ مِنْ أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنِ وَ الْوَاجِبَاتِ مِنَ الْحُقُوقِ فَذَلِکَ نَوْمٌ مَحْمُودٌ وَ إِنِّی لَا أَعْلَمُ لِأَهْلِ زَمَانِنَا هَذَا شَيْئاً إِذَا أَتَوْا بِهَذِهِ الْخِصَالِ أَسْلَمَ مِنَ النَّوْمِ لِأَنَّ الْخَلْقَ تَرَكُوا مُرَاعَاةَ دِينِهِمْ وَ مُرَاقَبَةَ أَحْوَالِهِمْ وَ أَخَذُوا شِمَالَ الطَّرِيقِ وَ الْعَبْدُ إِنِ اجْتَهَدَ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ كَيْفَ يُمْكِنُهُ أَنْ لَا يَسْتَمِعَ إِلَی مَا هُوَ مَانِعٌ لَهُ عَنْ ذَلِکَ وَ إِنَّ النَّوْمَ مِنْ إِحْدَی تِلْکَ الْآلَاتِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤادَ كُلُّ أُولئِکَ كانَ عَنْهُ مَسْؤُلًا وَ إِنَّ فِی كَثْرَتِهِ آفَاتٍ وَ إِنْ كَانَ عَلَی سَبِيلِ مَا ذَكَرْنَاهُ وَ كَثْرَةُ النَّوْمِ يَتَوَلَّدُ مِنْ كَثْرَةِ الشُّرْبِ وَ كَثْرَةُ الشُّرْبِ يَتَوَلَّدُ مِنْ كَثْرَةِ الشِّبَعِ وَ هُمَا يُثْقِلَانِ النَّفْسَ عَنِ الطَّاعَةِ وَ يُقَسِّيَانِ الْقَلْبَ عَنِ التَّفَكُّرِ وَ الْخُشُوعِ وَ اجْعَلْ كُلَّ نَوْمِکَ آخِرَ عَهْدِکَ مِنَ الدُّنْيَا وَ اذْكُرِ اللَّهَ بِقَلْبِکَ وَ لِسَانِکَ وَ خَفِ اطِّلَاعَهُ عَلَی سِرِّکَ وَ اعْتَقِدْ بِقَلْبِکَ مُسْتَعِيناً بِهِ فِی الْقِيَامِ إِلَی الصَّلَاةِ فَإِذَا انْتَبَهْتَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَقُولُ لَکَ نَمْ فَإِنَّ عَلَيْکَ بَعْدُ لَيْلًا طَوِيلًا يُرِيدُ تَفْوِيتَ وَقْتِ مُنَاجَاتِکَ وَ عَرْضِ حَالِکَ عَلَی رَبِّکَ وَ لَا تَغْفُلْ عَنِ الِاسْتِغْفَارِ بِالْأَسْحَارِ فَإِنَّ لِلْقَانِتِينَ فِيهِ أَشْوَاقاً(۲).

۱- ۱. المحاسن ص ۶۲۲.

۲- ۲. مصباح الشريعه ص ۲۹.

**[ترجمه]امام صادق علیه السّلام فرمود: بخواب چون عابدان نه چون غافلان، زیرا عابدان زیرک برای رفع خستگی می خوابند و اما غافلان برای خوشی بخوابند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چشمم به خواب است نه دلم، خوابت به قصد سبک کردن کار فرشته هایت و کنار بودن از شهواتت باشد، و به خواب خود را بیازمای که بدانی درمانده و ضعیف هستی و بر چیزی از حرکت و سکون خود جز به حکم خدا و تقدیرش توانا نیستی، زیرا خواب برادر مرگ است و آن را نشانه مرگ شمار که بیداری ندارد و به اصلاح هر چه از دستت رفته برگرد. و هر که بخوابد و در اثر خواب انجام واجبی یا سنتی یا مستحبی از او فوت شود، آن خواب غافلان است و سیره زیانکاران است و صاحبش فریب خورده است، و هر که پس از انجام هر واجب و سنت و ادای حقوق واجبه بخوابد، آن خواب پسندیده باشد.

و همانا که من برای هر کس از مردم این زمان که این امور را انجام دهند، چیزی سالم تر از خواب نمی دانم، زیرا مردم دین و خودسازی را رها کردند و به چپ گرایی زده اند [از مسیر مستقیم منحرف شده اند] و آدمی با کوشش می تواند نگوید، ولی چگونه تواند نشنود مگر با یک وسیله و آن خواب است. خدا عزوجل فرموده است: «إن السمع و البصر و الفؤاد كل أولئك كان عنه مسؤلا.» - . اسری / ۳۶ - {زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد} و پرخوابی هم با همه اینها که گفتیم آفاتی دارد و از زیاد آب خوردن ایجاد شود و آن هم از پرخوری و این هر دو آدمی را سنگین کنند و دل را سخت کنند و از فکر و خشوع باز دارند.

هر خوابت را آخرین جایگاه خود از دنیا قرار بده و خدا را با دل و زبان یاد کن و بترس از این که به راز دلت آگاه است، و دل بده به نماز خواندن که چون بیدار شوی، شیطان به تو گوید: شب دراز است، و مقصودش از دست رفتن وقت مناجات و راز و نیاز با پروردگار تو است؛ از استغفار در هر سحر غفلت مکن که خداجویان شیفته آنند. - .[1] مصباح الشریعه: ۲۹ -

**[ترجمه]

«۱۹»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ حَنَانٍ الطَّائِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لِرَجُلٍ مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ قَدْ سَأَلَهُ الرَّجُلُ فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ لِي بُنَيَّةً وَ أَرَقُّ لَهَا وَ أَشْفَقُ عَلَيْهَا فَإِنَّهَا تَفْزَعُ كَثِيراً لَيْلًا وَ نَهَاراً فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تَدْعُوَ اللَّهَ لَهَا بِالْوَاقِيَةِ قَالَ فَدَعَا لَهَا ثُمَّ قَالَ مُرْهَا بِالْفَصْدِ فَإِنَّهَا تَنْتَفِعُ بِذَلِكَ.

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السّلام در پاسخ یکی از دوستانش که از او پرسیده بود: یا ابن رسول الله! من دختر کی دارم که بر او نگرانم، زیرا در شبانه روز بسیار هراس کند و اگر بشود دعای حفظ بر او کنید، آن حضرت بر او دعا کرده و فرموده بود: او را به خون گرفتن وادار که از آن بهره برد.

**[ترجمه]

«۲۰»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] أَبُو عُبَیْدَهَ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَیْدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ النَّضْرِ عَنِ مُیَسِّرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ رَجُلًا قَالَ لَهُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ لِی جَارِیَهً یَکْثُرُ فَزَعُهَا فِی الْمَنَامِ وَ رُبَّمَا اشْتَدَّ بِهَا الْحَالُ فَلَا تَهْدَأُ وَ یَأْخُذُهَا خَدَرٌ فِی عَضُدِهَا وَ قَدْ رَآهَا بَعْضُ مَنْ یُعَالِجُ فَقَالَ إِنَّ بِهَا مس [مَسّاً] مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ لَیْسَ یُمْکِنُ عِلَاجُهَا فَقَالَ علیه السلام بَرِّدْهَا بِالْفَصْدِ وَ خُذْ لَهَا مَاءَ الشبیت [الشِّبِتِ] الْمَطْبُوخِ بِالْعَسَلِ وَ یُسْقَی ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ قَالَ فَفَعَلْتُ ذَلِکَ فَعُوفِیَتْ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

**[ترجمه]طب الائمه: از امام صادق علیه السّلام روایت است که مردی به آن حضرت گفت: یا ابن رسول الله! دختری دارم که در خواب زیاد هراس کند و بسا بد حال شود و آرام نگیرد، و بازویش بی حرکت شود. یک پزشک او را دیده و گفته که جن زده است و درمانی ندارد. فرمود: با خون گرفتن او را خنک کن و آب شوید پخته را با عسل سه روز به او بنوشان. (راوی گوید:) چنین کردم و به اذن خدای عزوجل خوب شد.

**[ترجمه]

«۲۱»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، رَوَی ابْنُ بَابَوَیْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ الْوَکِیلِ الْقُمِّیِّ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی مُحَمَّدٍ علیه السلام فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنِّی مُغْتَمٌّ بِشَیْ ءٍ یُصِیبُنِی فِی نَفْسِی وَ قَدْ أَرَدْتُ أَنْ أَسْأَلَ أَبَاکَ فَلَمْ یَتَّفِقْ لِی ذَلِکَ فَقَالَ مَا هُوَ فَقُلْتُ یَا سَیِّدِی رُوِیَ لَنَا عَنْ آبَائِکَ علیهم السلام أَنَّ نَوْمَ الْأَنْبِیَاءِ عَلَی أَقْفِیَتِهِمْ وَ نَوْمَ الْمُؤْمِنِینَ عَلَی أَیْمَانِهِمْ وَ نَوْمَ الْمُنَافِقِینَ عَلَی شَمَائِلِهِمْ وَ نَوْمَ الشَّیَاطِینِ عَلَی وُجُوهِهِمْ فَقَالَ کَذَلِکَ فَقُلْتُ یَا سَیِّدِی فَإِنِّی أَجْهَدُ أَنْ أَنَامَ عَلَی یَمِینِی فَلَا یُمْکِنُنِی وَ لَا یَأْخُذُنِی النَّوْمُ عَلَیْهَا فَسَکَتَ سَاعَهً ثُمَّ قَالَ یَا أَحْمَدُ ادْنُ مِنِّی فَدَنَوْتُ مِنْهُ فَقَالَ یَا أَحْمَدُ أَدْخِلْ یَدَکَ تَحْتَ ثِیَابِکَ فَأَدْخَلْتُهَا فَأَخْرَجَ یَدَهُ مِنْ تَحْتِ ثِیَابِهِ وَ أَدْخَلَهَا تَحْتَ ثِیَابِی وَ مَسَحَ بِیَدِهِ الْیُمْنَی عَلَی جَانِبِیَ الْأَیْسَرِ وَ بِیَدِهِ الْیُسْرَی عَلَی جَانِبِیَ الْأَیْمَنِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ قَالَ أَحْمَدُ فَمَا أَقْدِرُ أَنْ أَنَامَ عَلَی یَسَارِی مُنْذُ فَعَلَ علیه السلام ذَلِکَ بِی (۱).

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِذَا أَوَیْتَ إِلَی فِرَاشِکَ فَانْظُرْ مَا سَلَکْتَ فِی بَطْنِکَ وَ مَا کَسَبْتَ فِی یَوْمِکَ وَ اذْکُرْ أَنَّکَ مَیِّتٌ وَ أَنَّ لَکَ مَعَاداً.

۱- ۱. رواه فی الکافی ج ۱ ص ۵۱۳.

**[ترجمه]دعوات راوندی: به روایت ابن بابویه از احمد بن اسحاق وکیل قمی (رضی الله عنه) گفت: نزد امام یازدهم رفتم و گفتم: قربانت گردم! من در اندوهم از آنچه به من می رسد و می خواستم آن را از پدرت بپرسم و موفق نشدم. فرمود: چه باشد؟ گفتم: ای آقایم! از پدرانت علیهم السّلام به ما روایت رسیده که خواب پیمبران بر پشت خوابیدن است و خواب مؤمنان بر پهلوی راست و خواب منافقان بر پهلوی چپ و خواب شیاطین بر رو. فرمود: چنین است. گفتم: ای آقایم! من می کوشم بر پهلوی راستم بخوابم و نمی شود و خوابم نمی برد. آن حضرت ساعتی خاموش ماند و آنگاه فرمود: ای احمد، نزدیک من بیا! نزدیکش شدم و فرمود: ای احمد! دستت را زیر جامه ات ببر، و بردم. آن حضرت دستش را از زیر جامه خود به در آورد و به زیر لباس من بُرد و دست راستش را بر پهلوی چپم کشید و دست چپش را تا سه بار بر پهلوی راستم کشید. احمد گفت: از آن روز دیگر بر پهلوی چپ نمی توانم بخوابم. - . کافی ۱: ۵۱۳ -

و امام صادق علیه السّلام فرمود: چون به بسترت جا کردی، بیندیش در شکمت چه داری، و آن روز چه به دست آوردی، و به یاد آور که تو خواهی مُرد و تو را معادی خواهد بود .

**[ترجمه]

باب ۴۴ القراءه و الدعاء عند النوم و الانتباه

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِذَا انْتَبَهَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلْيَقُلْ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَ إِلَهِ الْمُرْسَلِينَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ رَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَإِذَا جَلَسَ مِنْ نَوْمِهِ فَلْيَقُلْ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ حَسْبِيَ اللَّهُ حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْعِبَادِ حَسْبِيَ اللَّهُ الَّذِي هُوَ حَسْبِي مُنْذُ كُنْتُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ إِذَا قَامَ أَحَدُكُمْ مِنَ اللَّيْلِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى أَكْنَافِ السَّمَاءِ وَ لْيَقْرَأْ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ إِلَى قَوْلِهِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ(۱).

وَ قَالَ علیه السلام: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمُ النَّوْمَ فَلَا يَضَعَنَّ جَنْبَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يَقُولَ أُعِيذُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ خَوَّلَنِي بِعِزَّهِ اللَّهِ وَ عَظَمَهِ اللَّهِ وَ جَبَرُوتِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِ اللَّهِ وَ رَحْمَهِ اللَّهِ وَ رَأْفَهِ اللَّهِ وَ غُفْرَانِ اللَّهِ وَ قُوَّهِ اللَّهِ وَ قُدْرَهِ اللَّهِ وَ جَلَالِ اللَّهِ وَ بِصُنْعِ اللَّهِ وَ أَرْكَانِ اللَّهِ وَ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ بِقُدْرَهِ اللَّهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَدِبُ فِي الْأَرْضِ وَ ما يَخْرُجُ مِنْها وَ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما يَعْرُجُ فِيها وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ رَبِّي آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ- وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يُعَوِّذُ بِهَا الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ علیهما السلام وَ بِذَلِكَ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (۲).

وَ قَالَ علیه السلام: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمُ النَّوْمَ فَلْيَضَعْ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ الْأَيْمَنِ

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۱۶۳.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۱۶۲.

وَ لْيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ عَلَى مِلَّهِ إِبْرَاهِيمَ وَ دِينِ مُحَمَّدٍ وَ وَلَايَهِ مَنِ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ فَمَنْ قَالَ ذَلِكَ عِنْدَ مَنَامِهِ حُفِظَ مِنَ اللِّصِّ وَ الْمُغِيرِ وَ الْهَدْمِ وَ اسْتَغْفَرَتْ لَهُ الْمَلَائِكَهُ وَ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ خَمْسِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَحْرُسُونَهُ لَيْلَتَهُ (۱).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه: امیر مؤمنین علیه السّلام فرمود: چون کسی از خواب بیدار شود، بگوید: «لا اله الا الله الحلیم الکریم الحی القیوم و هو علی کل شی ء قدیر، سبحان رب النبیین و اله المرسلین رب السموات السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین.» {معبودی جز الله نیست که کریم و بردبار است زنده و پایدار است و او بر هر چیزی تواناست پاك و منزه است پروردگار انبیاء ومعبود مرسلین پروردگار آسمانهای هفتگانه و هرچه در آنهاست و هر چه دربین آنهاست و پروردگار عرش عظیم .وحمدو ستایش مخصوص الله پروردگار عالم هاست}

و چون از خواب برخاست و نشست، پیش از آنکه بر پا شود بگود: «حسبی الله حسبی الرب من العباد حسبی الله الذی هو حسبی منذ کنت حسبی الله و نعم الوکیل.» {خدا مرا بس است خدا از هر بنده ای برای من کفایت می کند خدایی که از وقتی بودم برایم بس بوده برای من کافی استو چه خوب وکیلی است}

چون کسی از شما برخاست، به اطراف آسمان نگاه کند و بخواند: «إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ» تا «إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعادَ» - . آل عمران / ۱۹۰ - ۱۹۴ - {مسلما در آفرینش آسمان ها و زمین... زیرا تو وعده ات را خلاف نمی کنی.} - . خصال ۲: ۱۶۳ -

فرمود: اگرکسی از شما خواهد بخوابد، پهلو به زمین ننهد تا بگوید: «پناه ده خودم و دینم را و اهل و مال و سرانجام هر کارم و آنچه که خدا روزی ام کرده و به من داده در عزت الله، و عظمت الله، و جبروت الله، و سلطان الله، و رحمت الله، و مهربانی الله، و غفران الله، و قوت الله، و قدرت الله، و جلال الله، و صنع الله، و ارکان الله، و به صنع الله، و به رسول الله، و به قدرت الله بر هر چه که او خواهد از شر هر زهردار و هر گزنده، و از شر هر جن و آدمی، و از شر هر جنبنده در زمین و آنچه از آن به در آید و آنچه که از آسمان فرود آید و بر آن بر آید، و از شر هر جنبنده که پروردگارم کاکلش را گرفته که پروردگارم به راه راست است و بر هر چیز تواناست و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم»، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السّلام را بدان پناهنده می کرد و بدان امر فرموده. - . خصال ۲: ۱۶۲ -

و فرمود: چون یکی از شما خواهد بخوابد، دست راستش را زیر گونه راست نهد و بگوید: «به نام خدا، پهلو نهادم برای خدا بر کیش ابراهیم و دین محمد و ولایت هر که خدا طاعتش را واجب کرده، هر چه خدا بخواهد می شود و هر چه نخواهد نباشد.» هر که به هنگام خوابیدن آن را بگوید، از دزد و غارتگر و زیر آوار ماندن در حفظ باشد و فرشته ها برایش آمرزش خواهند. و هر که تا وقتی که بسترش می رود «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، خدا عزوجل پنجاه هزار فرشته را بر او گمارد تا همه شب او را پاسبانی کنند. - . خصال ۲: ۱۶۲ -

**[ترجمه]

يد(۲)،[التوحيد] لی، [الأمالی للصدوق] عَنِ ابْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً(۳).

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ: مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّ فِيهِ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مِائَةَ مَرَّةٍ حِينَ يَأْخُذُ(۴).

**[ترجمه]کتاب توحید و امالی صدوق: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که هنگام آرمیدن در بستر خواب سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، خدا گناهان پنجاه ساله اش را بیامرزد. - . توحید: ۸۱، امالی صدوق: ۱۰ -

ثواب الاعمال: مانند این روایت را آورده، جز آنکه «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را صد بار گفته است. - . ثواب الاعمال: ۱۱۵ -

**[ترجمه]

«۳»

ثو(۵)،[ثواب الأعمال] ل (۶)، [الخصال] لی، [الأمالی للصدوق] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ سَلَّامِ بْنِ غَانِمٍ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتاً فِي الْجَنَّةِ وَ مَنِ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ تَحَاتَّتْ ذُنُوبُهُ كَمَا يَسْقُطُ وَرَقُ الشَّجَرِ(۷).

**[ترجمه]ثواب الاعمال و خصال و امالی صدوق: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که چون در بستر رود صد بار «لا اله الا الله»گوید، خدا در بهشت برایش خانه ای بسازد و هر که صد بار از خدا آمرزش جوید، گناهانش چون برگ از درخت بریزد. - . ثواب الاعمال: ۵، خصال ۲: ۱۴۶، امالی صدوق -

**[ترجمه]

«۴»

ب، [قرب الإسناد] عَنِ ابْنِ سَعْدٍ عَنِ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِ الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ- قَالَ عليه السلام خَرَجَ مِنَ الذُّنُوبِ كَهَيْئَتِهِ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ (۸).

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَكْرٍ: مِثْلَهُ وَ فِيهِ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ(۹).

١- ١. الخصال ج ٢ ص ١۶٢.

٢- ٢. التوحيد: ٨١.

٣- ٣. أمالى الصدوق: ١٠.

۴- ۴. ثواب الأعمال: ١١۵.

۵- ۵. ثواب الأعمال: ۵.

۶- ۶. الخصال ج ٢ ص ١۴۶.

٧- ٧. أمالى الصدوق:

٨- ٨. قرب الإسناد: ٢۵.

٩- ٩. ثواب الأعمال: ١٣٨.

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السلام فرمود: هر که چون در بستر رود سه بار گوید: «الحمد لله الذی علا فَقَهَر، و الحمد لله الذی بَطَنَ فَخَبَر، و الحمد لله الذی ملک فَقَدَرو الحمد لله الذی یُحیِی الموتی و هو علی کل شی ء قدیر» {حمد مخصوص خدایی است که بالاتر است وغالب و چیره و مخصوص خدایی است که باطن است و آگاه وستایش مخصوص خدایی است که مالک است و تقدیر می کند و ستایش مخصوص خدایی است که مردگان را زنده کند و او بر هر چیزی توانا است}، از گناهانش به در آید، چون روزی که از مادرمتولد شده است. - . قرب الاسناد: ۲۵ -

ثواب الاعمال: مانند این روایت را آورده است، جز آنکه بعد از «یحیی الموتی»، «یمیت الاحیاء» دارد. - . ثواب الاعمال: ۱۳۸ -

**[ترجمه]

«۵»

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] فِی خَبَرِ رَجَاءِ بْنِ ضَحَّاکٍ: فِیمَا کَانَ یَعْمَلُ الرِّضَا علیه السلام فِی طَرِیقِ خُرَاسَانَ قَالَ فَإِذَا کَانَ الثُّلُثُ الْأَخِیرُ مِنَ اللَّیْلِ قَامَ عَنْ فِرَاشِهِ بِالتَّسْبِیحِ وَ التَّحْمِیدِ وَ التَّکْبِیرِ وَ التَّهْلِیلِ وَ الِاسْتِغْفَارِ وَ قَالَ کَانَ یُکْثِرُ بِاللَّیْلِ فِی فِرَاشِهِ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ فَإِذَا مَرَّ بِآیَةٍ فِیهَا ذِکْرُ جَنَّةٍ أَوْ نَارٍ بَکَی وَ سَأَلَ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ تَعَوَّذَ بِهِ مِنَ النَّار(۱).

**[ترجمه]عیون اخبارالرضا: در گزارش رجاء بن ضحاک درباره آنچه که امام رضا علیه السّلام در راه سفر به خراسان می کرد گفته است: در یک سوم پایان شب با ذکر تسبیح و حمد و تکبیر و تهلیل و استغفار از بسترش بر می خاست، و شب ها در بسترش بسیار قرآن می خواند و چون به آیه ای که یاد بهشت داشت یا در آن دوزخ ذکر شده بود می رسید، گریه می کرد و از خدا بهشت می خواست و از دوزخ پناه می طلبید. - . عیون اخبارالرضا ۲: ۱۸۱ - ۱۸۲ -

**[ترجمه]

«۶»

ع، [علل الشرائع] عَنِ الْقَطَّانِ عَنِ السُّکَّرِیِّ عَنِ الْحَکَمِ بْنِ أَسْلَمَ عَنِ ابْنِ عُیَیْنَةَ عَنِ الْحَرِیرِیِّ عَنْ أَبِی الْوَرْدِ بْنِ ثُمَامَةَ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام: أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِی سَعْدٍ أَ لَا أُحَدِّثُکَ عَنِّی وَ عَنْ فَاطِمَةَ علیها السلام إِنَّهَا کَانَتْ عِنْدِی وَ کَانَتْ مِنْ أَحَبِّ أَهْلِهِ إِلَیْهِ وَ أَنَّهَا اسْتَقَتْ بِالْقِرْبَةِ حَتَّی أَثَّرَ فِی صَدْرِهَا وَ طَحَنَتْ بِالرَّحَی حَتَّی مَجِلَتْ یَدَاهَا(۲) وَ کَسَحَتِ الْبَیْتَ حَتَّی اغْبَرَّتْ ثِیَابُهَا وَ أَوْقَدَتِ النَّارَ تَحْتَ الْقِدْرِ حَتَّی دَکِنَتْ ثِیَابُهَا فَأَصَابَهَا مِنْ ذَلِکَ ضَرَرٌ شَدِیدٌ فَقُلْتُ لَهَا لَوْ أَتَیْتِ أَبَاکِ فَسَأَلْتِهِ خَادِماً یَکْفِیکِ حَرَّ مَا أَنْتِ فِیهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ فَأَتَتِ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فَوَجَدَتْ عِنْدَهُ حُدَّاثاً فَاسْتَحَتْ وَ انْصَرَفَتْ قَالَ فَعَلِمَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله أَنَّهَا جَاءَتْ لِحَاجَةٍ قَالَ فَغَدَا عَلَیْنَا وَ نَحْنُ فِی لِفَاعِنَا(۳)

فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ فَسَکَتْنَا وَ اسْتَحْیَیْنَا لِمَکَانِنَا ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ فَسَکَتْنَا ثُمَّ قَالَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ فَخَشِینَا إِنْ لَمْ نَرُدَّ عَلَیْهِ یَنْصَرِفُ وَ قَدْ کَانَ یَفْعَلُ ذَلِکَ یُسَلِّمُ ثَلَاثاً فَإِنْ أُذِنَ لَهُ وَ إِلَّا انْصَرَفَ فَقُلْتُ وَ عَلَیْکَ السَّلَامُ یَا رَسُولَ اللَّهِ ادْخُلْ فَلَمْ یَعْدُ صلی الله علیه و آله أَنْ

جَلَسَ عِنْدَ رُءُوسِنَا فَقَالَ يَا فَاطِمَهُ مَا كَانَتْ حَاجَتُكِ أَمْسِ عِنْدَ مُحَمَّدٍ قَالَ فَخَشِيتُ إِنْ لَمْ نُجِبْهُ أَنْ يَقُومَ قَالَ فَأَخْرَجْتُ رَأْسِي فَقُلْتُ أَنَا وَ اللَّهِ أُخْبِرُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهَا اسْتَقَتْ بِالْقِرْبَهِ حَتَّى

ص: ۱۹۳

۱- ۱. عيون الأخبار ج ۲ ص ۱۸۱ و ۱۸۲.

۲- ۲. مجلت اليد: نفطت من العمل فمرنت، و قيل: المجل أن يكون بين الجلد و اللحم ماء من كثره العمل، و قيل: قشر رقيق يجتمع فيه ماء من أثر العمل، أقول يقال له بالفارسيه: تاول.

۳- ۳. اللفاع: كل ما يجلل به الجسد كساء كان أو غيره.

أَثَّرَ فِي صَدْرِهَا وَ جَرَّتْ بِالرَّحَى حَتَّى مَجِلَتْ يَدَاهَا وَ كَسَحَتِ الْبَيْتَ حَتَّى اغْبَرَّتْ ثِيَابُهَا وَ أَوْقَدَتْ تَحْتَ الْقِدْرِ حَتَّى دَكِنَتْ ثِيَابُهَا فَقُلْتُ لَهَا لَوْ أَتَيْتِ أَبَاكِ فَسَأَلْتِهِ خَادِماً يَكْفِيكِ حَرَّ مَا أَنْتِ فِيهِ مِنْ هَذَا الْعَمَلِ قَالَ أَ فَلَا أُعَلِّمُكُمَا مَا هُوَ خَيْرٌ لَكُمَا مِنَ الْخَادِمِ إِذَا أَخَذْتُمَا مَنَامَكُمَا فَسَبِّحَا ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ وَ احْمَدَا ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ وَ كَبِّرَا أَرْبَعاً وَ ثَلَاثِينَ قَالَ فَأَخْرَجَتْ عليها السلام رَأْسَهَا فَقَالَتْ رَضِيتُ عَنِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ رَضِيتُ عَنِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ رَضِيتُ عَنِ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ (۱).

**[ترجمه]علل الشرائع: علی علیه السّلام به مردی از بنی سعد فرمود: داستان خود و فاطمه علیه السّلام را به تو باز نگویم: او همسر من بود و محبوب ترین همه. آن قدر با مشک آب کشید تا اثر آن در سینه اش نمودار شد؛ آن قدر با دستاس آرد ساخت تا کف دستش تاول زد؛ - . «مجلت الید» را به فارسی تاول گویند. - آن قدر خانه را جاروب می کرد تا جامه اش را گرد می گرفت؛ و آن قدر زیر دیگ آتش را می افروخت تا جامه هایش سیاه می شد، و از آن زیانی سخت دید. به او گفتم: کاش نزد پدرت می رفتی و از او خدمتکاری می خواستی تا کمکت کند. پس نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و در حضور او سخنگویانی بودند و شرمش آمد و برگشت. فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله دانست که او نیازی دارد که آمده. فرمود: بامداد در حالی که هنوز زیر روپوش شبانه بودیم - . اللفاع: هر چیزی که تن را بپوشاند، خواه پتو یا غیره. - نزد ما آمد و سلام کرد. ما خموش ماندیم و از وضع خود شرمگین بودیم. باز سلام کرد و خموش ماندیم. بار سوم سلام کرد و ترسیدیم اگر جواب ندهیم برگردد. شیوه او چنین بود که سه بار سلام می کرد و اگر به او اجازه نمی دادند، برمی گشت. من گفتم: و علیک السلام یا رسول الله، درآی! و درنگی نشد که آمد بالای سر ما نشست و فرمود: ای فاطمه! دیروز چه نیازی داشتی نزد محمد؟ فرمود: ترسیدیم اگر پاسخش را ندهیم برخیزد. فرمود: من سر از زیر سرپوش به در آوردم و گفتم: یا رسول الله! من به تو خبر دهم. همانا او آن قدر با مشک آب کشیده که سینه اش آسیب دیده؛ آن قدر دستاس چرخانده که کف دستش تاول بسته؛ آن قدر خانه را جارو زده تا جامه هایش گَرد آلود شده اند و آن قدر زیر دیگ را افروخته که جامه هایش سیاه شده اند. من به او گفتم کاش نزد پدرت می رفتی و از او خدمتکاری می خواستی که به تو کمک کند. فرمود: آیا به شما چیزی نیاموزم که از خدمتکار بر شما بهتر باشد؟ چون به خوابگاه خود رفتید سی و سه بار تسبیح گویید، سی و سه بار حمد و سی و چهار بار تکبیر. فرمود: فاطمه علیه السّلام سر به در آورد و تا سه بار گفت: راضی شدم از خدا و رسولش. - . علل الشرائع ۲: ۵۴ -

**[ترجمه]

«۷»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ فَلْيَمْسَحْهُ بِطَرَفِ إِزَارِهِ فَإِنَّهُ لَا يَدْرِي مَا يَحْدُثُ عَلَيْهِ ثُمَّ لْيَقُلِ اللَّهُمَّ إِنْ أَمْسَكْتَ نَفْسِي فِي مَنَامِي فَاغْفِرْ لَهَا وَ إِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ (۲).

**[ترجمه]علل الشرائع : امام صادق از پدرش علیهما السّلام، از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: چون کسی در بسترش جا کند، با کنار جامه اش آن را مسح کند، چون نمی داند چه بر آن پدید خواهد شد. سپس بگوید: خدایا! اگر

جانم را در خواب بازداشتی بیامرزش و اگر آن را رها کردی، آنچنان که بنـده های خوبت را حفظ می کنی، حفظش کن. - . علل الشرائع ۲: ۲۷۶ -

**[ترجمه]

«۸»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام]: عُوذَةٌ لِلصَّبِيِّ إِذَا كَثُرَ بُكَاؤُهُ وَ لِمَنْ يَفْزَعُ بِاللَّيْلِ وَ لِلْمَرْأَةِ إِذَا سَهِرَتْ مِنْ وَجَعٍ- فَضَرَبْنا عَلَى آذانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَداً- ثُمَّ بَعَثْناهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصى لِما لَبِثُوا أَمَداً حَدَّثَنَا أَبُو الْمَغْرَاءِ الْوَاسِطِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ- عَنْ مَرْوَانَ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام مَأْثُورَةً عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ ذَلِكَ.

**[ترجمه]طب الائمه: یـک دعا برای کودکی که زیاد گریه می کنـد، و برای کسـی که شب هراس کنـد، و برای زنی که از درد، شب را نخوابـد: «فَضَرَبْنا عَلَى آذانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَداً* ثُمَّ بَعَثْناهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصى لِما لَبِثُوا أَمَداً.» - . کهف / ۱۱ - ۱۲ - {پس در آن غار، سالیانی چنـد بر گوش هایشان پرده زدیم. آن گاه آنان را بیـدار کردیم، تا بـدانیم کدام یک از آن دو دسته، مدت درنگشان را بهتر حساب کرده اند.}

و ازامام باقر علیه السّلام رسیده که امیر مؤمنان علیه السّلام آن را فرموده است.

**[ترجمه]

«۹»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْحِزَامِ الْحَرِيرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ ثَعْلَبَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ بْنِ عَبْدِ الْمَجِيدِ الْقَصِيرِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَصَابَهُ ضَعْفٌ فِي قَلْبِهِ أَوْ بَدَنِهِ فَلْيَأْكُلْ لَحْمَ الضَّأْنِ بِاللَّبَنِ فَإِنَّهُ يُخْرِجُ مِنْ أَوْصَالِهِ كُلَّ دَاءٍ وَ غَائِلَةٍ وَ يُقَوِّي جِسْمَهُ وَ يَشُدُّ مَتْنَهُ وَ يَقُولُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ يُمِيتُ وَ يُحْيِي وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ يُرَدِّدُهَا عَشْرَ مَرَّاتٍ قَبْلَ نَوْمِهِ وَ يُسَبِّحُ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ علیها السلام وَ يَقْرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ.

**[ترجمه]طب الأئمه: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که دلش یا تنش دچار ضعف شد، گوشت بره با شیر بخورد که هر دردی را از هر بندش بیرون کشد و تنش و پشتش نیرو گیرند، و ده بار پیش از خوابش بگوید: «لا الله الا الله وحده لا شریک له یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت.» و تسبیح فاطمه زهرا علیه السّلام را هم بخواند، با آیه الکرسی و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ.»

**[ترجمه]

«۱۰»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عِيسَى الزَّعْفَرَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَبِيبٍ الْحَارِثِيِّ وَ كَانَ مِنْ أَعْلَمِ أَهْلِ زَمَانِهِ وَ أَتْقَاهُمْ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ

ص: ۱۹۴

۱- ۱. علل الشرائع ج ۲ ص ۵۴.

۲- ۲. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۷۶.

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَبِيتَ حَتَّى تَتَعَوَّذَ بِالْأَحَدَ عَشَرَ حَرْفاً فَافْعَلْ فَقُلْتُ أَخْبِرْنِی بِهَا یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ أَعُوذُ بِعِزَّهِ اللَّهِ أَعُوذُ بِقُدْرَهِ اللَّهِ أَعُوذُ بِجَلَالِ اللَّهِ أَعُوذُ بِجَمَالِ اللَّهِ أَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ أَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ أَعُوذُ بِمَنِّ اللَّهِ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ أَعُوذُ بِمُلْکِ اللَّهِ أَعُوذُ بِتَمَامِ رَحْمَهِ اللَّهِ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَی أَهْلِ بَیْتِهِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ تَتَعَوَّذُ بِهِ مِمَّا شِئْتَ فَإِنَّهُ لَا یَضُرُّکَ هَوَامٌّ وَ لَا جِنٌّ وَ لَا إِنْسٌ وَ لَا شَیْطَانٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَی.

**[ترجمه]طب الأئمه: امام صادق علیه السّلام به مفضل بن عمر فرمود: که اگر می توانی شب را نگذران جز با یازده حرف. راوی گوید: گفتم: یا ابن رسول الله! آنها را به من بیاموز.

فرمود: «اعوذ بعزت الله، اعوذ بقدرت الله، پناه به جلال خدا، پناه به جمال خدا، پناه به سلطان خدا، پناه به دفاع خدا، پناه به منت خدا، پناه به جمع آوری خدا، پناه به ملک خدا، پناه به تمام رحمت خدا، پناه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاندانش علیهم السلام از شر آنچه آفریده و بر آورده و جان داده»، و به او پناه بر از هر چه خواهی که گزنده ها و پری ها، و آدمیان و شیطان زیانت نرسانند، ان شاء الله تعالی.

**[ترجمه]

«۱۱»

شی، [تفسیر العیاشی] قَالَ الْحَسَنُ بْنُ رَاشِدٍ: إِذَا اسْتَیْقَظْتَ مِنْ مَنَامِکَ فَقُلِ الْکَلِمَاتِ الَّتِی تَلَقَّی بِهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ- سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِکَهِ وَ الرُّوحِ سَبَقَتْ رَحْمَتُکَ غَضَبَکَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ- إِنِّی ظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی وَ ارْحَمْنِی- إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ الْغَفُورُ(۱).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: حسن بن راشد گفته است: چون از خواب بیدار شدی، آن کلماتی را که آدم از پروردگارش دریافت بگو: «سبوح قدوس رب الملائکه و الروح، رحمتت بر خشمت پیشی دارد، لا اله الا انت، من به خود ستم کردم، مرا بیامرز و به من رحم کن که تو بسیار توبه پذیری و مهربان و آمرزنده. - . تفسیر عیاشی ۱: ۴۱ -

**[ترجمه]

«۱۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِذَا أُدْخِلَ عَلَیْکَ الْمِصْبَاحُ فَقُلِ- اللَّهُمَّ اجْعَلْ لَنَا نُوراً نَمْشِی بِهِ فِی النَّاسِ وَ لَا تَحْرِمْنَا نُورَکَ یَوْمَ نَلْقَاکَ وَ اجْعَلْ لَنَا نُوراً إِنَّکَ نُورٌ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ إِذَا انْطَفَأَ السِّرَاجُ فَقُلِ- اللَّهُمَّ أَخْرِجْنَا مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَی النُّورِ.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ لِی أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: إِذَا تَوَسَّدَ الرَّجُلُ یَمِینَهُ فَلْیَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْلَمْتُ نَفْسِی إِلَیْکَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِی إِلَیْکَ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِی إِلَیْکَ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِی إِلَیْکَ تَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ رَهْبَهً مِنْکَ وَ رَغْبَهً إِلَیْکَ- لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنْجَی مِنْکَ إِلَّا إِلَیْکَ آمَنْتُ بِکِتَابِکَ الَّذِی أَنْزَلْتَ وَ بِرَسُولِکَ الَّذِی أَرْسَلْتَ وَ یُسَبِّحُ تَسْبِیحَ فَاطِمَهَ علیها السلام وَ مَنْ أَصَابَهُ فَزَعٌ عِنْدَ

مَنَامِهِ فَلْيَقْرَأْ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ- الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ آيَهَ الْكَرْسِيِّ.

عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: اقْرَأْ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ عِنْدَ مَنَامِكَ فَإِنَّهَا بَرَاءَةٌ مِنَ الشِّرْكِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نِسْبَهُ الرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ.

رُوِیَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ نَبِيَّكُمْ عَلَى أَعْوَادِ الْمِنْبَرِ وَ هُوَ

۱- ۱. تفسير العيّاشىّ ج ۱ ص ۴۱.

يَقُولُ مَنْ قَرَأَ آيَهَ الْكُرْسِيِّ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاهٍ مَكْتُوبَهٍ لَمْ يَمْنَعْهُ مِنْ دُخُولِ الْجَنَّهِ إِلَّا الْمَوْتُ وَ لَا يُوَاظِبُ عَلَيْهَا إِلَّا صِدِّيقٌ أَوْ عَابِدٌ وَ مَنْ قَرَأَهَا إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ آمَنَهُ اللَّهُ عَلَى نَفْسِهِ وَ جَارِهِ وَ جَارِ جَارِهِ وَ الْأَبْيَاتِ حَوْلَهُ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَهٍ.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: لَا يَدَعِ الرَّجُلُ أَنْ يَقُولَ عِنْدَ مَنَامِهِ أُعِيذُ نَفْسِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ أَهْلَ بَيْتِي وَ مَالِي بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ هَامَّهٍ وَ مِنْ كُلِّ عَيْنٍ لَامَّهٍ(۱) فَذَلِكَ الَّذِي عَوَّذَ بِهِ جَبْرَئِيلُ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ عليهما السلام.

وَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: مَنْ قَالَ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَطَنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَ يُمِيتُ الْأَحْيَاءَ- وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ خَرَجَ مِنَ الذُّنُوبِ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.

عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله قَالَ: مَنْ قَرَأَ أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ عِنْدَ مَنَامِهِ وُقِيَ فِتْنَهَ الْقَبْرِ فِي الْفَزَعِ وَ إِنْ فَزِعْتَ مِنَ اللَّيْلِ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ- أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ مِنْ غَضَبِهِ وَ مِنْ عِقَابِهِ وَ مِنْ شَرِّ عِبَادِهِ وَ مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطِينِ وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ فَإِنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله كَانَ يَأْمُرُ بِهِ وَ اقْرَأْ آيَهَ الْكُرْسِيِّ وَ إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعاسَ أَمَنَهً مِنْهُ وَ جَعَلْنا نَوْمَكُمْ سُباتاً(۲).

فِي مَنْ خَافَ مِنَ اللُّصُوصِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمُ النَّوْمَ فَلْيَضَعْ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ الْأَيْمَنِ وَ لْيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ عَلَى مِلَّهِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام وَ دِينِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله وَ وَلَايَهِ مَنِ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ

۱- ۱. الهامه: ما له سم يقتل كالحيه أو لا يقتل كسائر الحشرات المؤذيه، و فى الصحاح: لا يقع هذا الاسم الا على المخوف من الاحناش، و اللامّه: العين التى تصيب الإنسان بسوء عند ما تعجب منه يقال منه بالفارسيه: چشم زخم.

۲- ۲. الأنفال: ۱۱، و النبأ: ۹.

لَمْ یَکُنْ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ فَإِنَّ مَنْ قَالَ ذَلِکَ عِنْدَ مَنَامِهِ حُفِظَ مِنَ اللِّصِّ وَ الْهَدْمِ وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُ الْمَلَائِکَهُ وَ مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ عِنْدَ مَضْجَعِهِ وَکَّلَ اللَّهُ بِهِ خَمْسِینَ مَلَکاً یَحْرُسُونَهُ لَیْلَتَهُ.

رُوِیَ: أَنَّ مَنْ خَافَ اللُّصُوصَ فَلْیَقْرَأْ عِنْدَ مَنَامِهِ- قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ (۱) إِلَی آخِرِ السُّورَهِ.

فِی الِاحْتِلَام عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِذَا خِفْتَ الْجَنَابَهَ فَقُلْ فِی فِرَاشِکَ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الِاحْتِلَامِ وَ مِنْ سُوءِ الْأَحْلَامِ وَ مِنْ أَنْ یَتَلَاعَبَ بِیَ الشَّیْطَانُ فِی الْیَقَظَهِ وَ الْمَنَامِ وَ مَنْ خَافَ الْأَرَقَ فَإِذَا خِفْتَ الْأَرَقَ فَقُلْ عِنْدَ مَنَامِکَ سُبْحَانَ اللَّهِ ذِی الشَّأْنِ دَائِمِ السُّلْطَانِ عَظِیمِ الْبُرْهَانِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ ثُمَّ یَقُولُ یَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَهِ یَا کَاسِیَ الْجُنُوبِ الْعَارِیَهِ یَا مُسَکِّنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَهِ یَا مُنَوِّمَ الْعُیُونِ السَّاهِرَهِ سَکِّنْ عُرُوقِیَ الضَّارِبَهَ وَ ائْذَنْ لِعَیْنِی نَوْماً عَاجِلًا آخَرُ اقْرَأْ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ إِذْ یُغَشِّیکُمُ النُّعاسَ أَمَنَهً مِنْهُ وَ جَعَلْنا نَوْمَکُمْ سُباتاً فِی الْهَدْمِ فَإِذَا خِفْتَ الْهَدْمَ عِنْدَ الزَّلْزَلَهِ فَاقْرَأْ عِنْدَ مَنَامِکَ- إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً(۲) لِلنُّعَاسِ وَ لَمَّا جاءَ مُوسی لِمِیقاتِنا إِلَی قَوْلِهِ أَوَّلُ الْمُؤْمِنِینَ (۳) یَقْرَأُ عَلَی

الْمَاءِ وَ یَمْسَحُ بِهِ رَأْسَهُ وَ وَجْهَهُ وَ ذِرَاعَیْهِ لِمَنْ بَالَ فِی النَّوْمِ (۴)

أَوْ فَزِعَ فِیهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ الْعَرَبِیِّ الْهَاشِمِیِّ الْقُرَشِیِّ الْمَدَنِیِّ الْأَبْطَحِیِّ التِّهَامِیِّ إِلَی

۱- ۱. أسری: ۱۱۰.

۲- ۲. فاطر: ۳۹، راجع مکارم الأخلاق ص ۳۳۳- ۳۳۶.

۳- ۳. الأعراف: ۱۳۹ و ۱۴۰، راجع مکارم الأخلاق ص ۴۴۴.

۴- ۴. فی المطبوع من المصدر اختلاف راجعه.

مَنْ حضَرَ الدَّارَ مِنَ الْعُمَّارِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ لَنَا وَ لَكَمْ فِى الْحَقِّ سَعَةً فَإِنْ يَكَنْ فَاجِراً مُقْتَحِماً أَوْ دَاعِى حَقٍّ مُبْطِلًا أَوْ مَنْ يُؤْذِى الْوِلْدَانَ وَ يُفْزِعُ الصِّبْيَانَ وَ يُبْكِيهِمْ وَ يُبَوِّلُهُمْ فِى الْفِرَاشِ فَلْتَمْضُوا إِلَى أَصْحَابِ الْأَصْنَامِ وَ إِلَى عَبَدَهِ الْأَوْثَانِ وَ لْتَخْلُوا عَنْ أَصْحَابِ الْقُرْآنِ فِى جِوَارِ الرَّحْمَنِ وَ مَخَازِى الشَّيْطَانِ وَ عَنْ إِيمَانِهِمُ الْقُرْآنَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِى (۱) لِلْفَزَعِ أَيْضاً شَهِدَ اللَّهُ (۲) الْآيَةَ وَ آيَةَ الْكُرْسِىِّ وَ- قُلِ ادْعُوا اللَّهَ (۳) إِلَى آخِرِ السُّورَهِ وَ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الْآيَةَ(۴)

لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ إِلَى آخِرِ السُّورَه(۵) قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ مِنَ الرَّحْمنِ (۶) مِنَ السِّبَاعِ وَ الْجِنِّ وَ السَّحَرَهِ قُلِ اللَّهُ خالِقُ كُلِّ شَيْ ءٍ وَ هُوَ الْواحِدُ الْقَهَّارُ(۷) الْيَوْمَ تُجْزى كُلُّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ لا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسابِ (۸) لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلَّهِ الْواحِدِ الْقَهَّارِ(۹).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: امام صادق عليه السّلام فرمود: چون چراغ نزدت آوردند، بگو: «بار خدايا! به ما نورى ده كه بدان ميان مردم راه برويم و ما را از نور خود در روز ملاقاتت محروم مساز؛ به ما نورى ده كه تو نور هستى، لا اله الا انت.» و چون چراغ خاموش شود بگو: «خدايا! ما را از ظلمات به نور بياور.»

و محمد بن مسلم گفت: امام باقر عليه السّلام فرمود: چون كسى بر دست راست خود پهلو گيرد، بگويد: «خدايا! من خود را به تو واگذاردم و به تو رو كردم، و كارم را به تو وانهادم و به تو تكيه كردم، و بر تو توكل كردم از روى ترس از تو، و به دليل دل دادن به حضرتت، پناهى و نجاتگاهى از تو نيست جز خودت. ايمان دارم به كتابى كه فرود آوردى و به رسولت كه فرستادى.» و تسبيح فاطمه عليه السّلام را بخواند. و هر كه را در خواب هراس گيرد، وقتى به بسترش مى رود معوّذتين و آيه الكرسى را بخواند.

و از امام صادق عليه السّلام روايت است كه فرمود: هنگام خوابيدن سوره« قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و «قُلْ يا أَيُّهَا الْكافِرُونَ» را بخوان كه برائت از شرك است و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» شناسنامه خداست.

و امير مؤمنان عليه السّلام فرمود: از پيغمبر شما صلى الله عليه و آله شنيدم كه بر فراز منبر مى فرمود: هر كه پس از هر نماز واجب آيه الكرسى را بخواند، مانعى از رفتن به بهشت ندارد جز همان مرگ، و كسى بر آن مواظبت ندارد، جز صديق يا عابد، و هر كس كه آن را وقت آرميدن در بسترش بخواند، خدا او را و همسايگانش را و همسايه همسايگانش را و خانه هاى اطرافش را در امان خود دارد.

رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: هر كه وقت خواب سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، خدا گناهان پنجاه ساله اش را بيامرزد .

از محمد بن مسلم، از يكى از دو امام عليهما السّلام روايت است كه فرمودند: كسى هنگام خوابيدن اين دعا را ترك نكند: «پناه مى دهم خودم و نژادم و خانواده ام و مالم را به كلمات تامه خدا از هر شيطان رجيم و از هر شيطان گزنده و از هر چشم زخم» - . الهامه: آنچه زهر كشنده دارد مثل مار يا نمى كشد مثل ساير حشرات موذى. در صحاح است كه اين اسم فقط در حشرات خطرناك استعمال مى شود. و «اللامه» يعنى چشم زخم. -

که آن دعای تعویذ جبرئیل است برای امام حسن و امام حسین علیهما السّلام.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که در بستر رود سه بار بگوید: «الحمد لله الذی علا فقهر، و الحمد لله الذی بطن فخبر، و الحمد لله الذی ملک فقدر، و الحمد لله الذی یحیی الموتی و یمیت الاحیاء و هو علی کل شی ء قدیر» { حمد مخصوص خدایی است که بالاتر است وغالب و چیره و مخصوص خدایی است که باطن است و آگاه وستایش مخصوص خدایی است که مالک است و تقدیر می کند و ستایش مخصوص خدایی است که مردگان را زنده کند و او بر هر چیزی توانا است}، از گناهان خود به در شود، چون روزی که از مادرش زاده شده.

غمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که سوره «أَلْهاكُمُ التَّكاثُرُ» را هنگام خوابش بخواند، از فتنه قبرمحفوظ بماند. و برای رفع هراس در شب، ده بار بگو: «اعوذ بکلمات الله من غضبه، و من عقابه، و من شر عباده»، و «مِنْ هَمَزاتِ الشَّياطِينِ وَ أَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ.» - . مومنون / ۹۷ - ۹۸ - {... از وسوسه های شیطان ها به تو پناه می برم. و پروردگارا، از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به تو پناه می برم.»} که پیغمبر بدان امر می کرد و آیه الکرسی را بخوان و نیز: «إِذْ يُغَشِّيكم النُّعاسَ أَمَنَةً مِنْهُ... وَ جَعَلْنا نَوْمَكُمْ سُباتاً» - . أنفال/ ۱۱ و نبأ/ ۹ - [به یاد آورید] هنگامی را که [خدا] خوابِ سبک آرامش بخشی که از جانب او بود... و خواب شما را [مایه] آسایش گردانیدیم} را بخوان.

و امیر مؤمنان علیه السّلام برای ترس از دزد فرمود: چون یکی از شما خواست بخوابد، دست راست را زیر گونه راست نهد و بگوید: «بسم الله وضعت جنبی لله علی مله ابراهیم و دین محمد صلی الله علیه و آله و ولایه من افترض الله طاعته ما شاء الله کان و ما لم یشأ لم یکن اشهد ان الله علی کل شی ء قدیر» که هر کس آن را هنگام خواب بگوید، از دزد و از اینکه خانه بر او خراب شود محفوظ ماند و فرشته ها برایش آمرزش خواهند. و هر که سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را در بستر خوابش بخواند، خدا بر او پنجاه فرشته گمارد تا آن شب او را پاسبانی کنند.

روایت است که هر کس که از دزد می ترسد، هنگام خوابیدن «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ» - . أسری: ۱۱۰ - {بگو: «خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید} تا آخر سوره را بخواند.

برای ترس از احتلام امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر از جنب شدن در بسترت می ترسی، بگو: «خدایا! به تو پناه می برم از احتلام و از خواب بد و از اینکه شیطان مرا به بازی گیرد در بیداری و خواب.» و برای رفع بدخوابی هنگام خوابیدن بگوید: «سبحان الله ذی الشان، دائم السلطان، عظیم البرهان، کل یوم هو فی شان.» سپس بگوید: «ای سیر کننده شکم های گرسنه! ای پوشنده تن های لخت! ای آرام کننده رگ های تپنده! ای خواب کننده چشمان بیدار! رگ های تپنده ام را آرام کن و به چشمم اجازه خواب شتابانی عطا کن.»

در روایت دیگر است که: آیه الکرسی بخوان و بگو: «إِذْ يُغَشِّيكم النُّعاسَ أَمَنَةً مِنْهُ و جَعَلْنا نَوْمَكُمْ سُباتاً.»

و برای ترس از ویرانی و زلزله به وقت خواب، بخوان: «إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَكَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كانَ حَلِيماً غَفُوراً.» - . فاطر/ ۳۹ - {همانا خدا آسمان ها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد

از او هیچ کس آنها را نگاه نمی دارد؛ اوست بردبار آمرزنده.} -. مکارم الاخلاق: ۳۳۳- ۳۳۶ -

برای رفع چرت زدن، آیه: «وَ لَمَّا جاءَ مُوسی لِمِیقاتِنا» تا آنجا که می فرماید: «اول المؤمنین -. الأعراف/ ۱۳۹ و ۱۴۰، مکارم الاخلاق: ۴۴۴ - » {و چون موسی به میعاد ما آمد...من نخستین مومنانم.} را بر آب بخواند و با آن سر و رو و دو ذراع خود را مسح کند .

برای کسی که در بسترش ادرار می کند یا هراسناک می شود، بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ مِنْ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ النَّبِیِّ الْأُمِّیِّ الْعَرَبِیِّ الْهَاشِمِیِّ الْقُرَشِیِّ الْمَدَنِیِّ الْأَبْطَحِیِّ التِّهَامِیِّ إِلَی مَنْ حَضَرَ الدَّارَ مِنَ الْعُمَّارِ أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ لَنَا وَ لَکُمْ فِی الْحَقِّ سَعَةً فَإِنْ یَکُنْ فَاجِراً مُقْتَحِماً أَوْ دَاعِی حَقٍّ مُبْطِلًا أَوْ مَنْ یُؤْذِی الْوِلْدَانَ وَ یُفْزِعُ الصِّبْیَانَ وَ یُبْکِیهِمْ وَ یُبَوِّلُهُمْ فِی الْفِرَاشِ فَلْتَمْضُوا [فَلْیَمْضُوا] إِلَی أَصْحَابِ الْأَصْنَامِ وَ إِلَی عَبَدَهِ الْأَوْثَانِ وَ لْتَخْلُوا [لْیَخْلُوا] عَنْ أَصْحَابِ الْقُرْآنِ فِی جِوَارِ الرَّحْمَنِ وَ مُخَازِی الشَّیْطَانِ وَ عَنْ أَیْمَانِهِمُ الْقُرْآنُ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ.» { بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ از محمد رسول خدا پیامبر مکی عربی هاشمی قریشی مدنی ابطحی تهامی به هر کسی که در خانه های آباد حضور دارد اما بعد: ما و شما درباره حقیقت در وسعت و انتخاب هستیم پس اگر ناپاک است و در سختی ها داخل شود یا ادعای حق می کند و باطل کننده است یا کسی است که کودکان را اذیت می کند و آنها را به گریه می اندازد و به بول کردن در بسترشان وا می دارد پس باید به یاران و اصحاب بتهاَ بپیوندد و از یاران قرآن در جوار خدای رحمن و خوار کننده شیطان و از ایمانشان به قران فاصله گیرند و درود خدا بر محمد پیغمبر باد } -. مکارم الاخلاق: ۴۶۹ -

و نیز برای دفع هراس آمده که آیه «شَهِدَ اللَّهُ» -. آل عمران/ ۱۶ - تا آخر آیه، و آیه الکرسی و آیه «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ» -. أسری/ ۱۱۰ - ۱۱۱ - تا آخر سوره، و آیه «إِنَّ رَبَّکُمُ اللَّهُ» -. یونس/ ۳ - تا آخر آیه، و آیه «لَقَدْ جاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِکُمْ» -. برائت/ ۱۲۹ - ۱۳۰ - تا آخر سوره، و آیه: «قُلْ مَنْ یَکْلَؤُکُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ» -. أنبیاء/ ۴۲ - تا آخر آیه را بخواند.

و برای دفع درنده و جن و جادو، آیه «و قُلِ اللَّهُ خالِقُ کُلِّ شَیْءٍ وَ هُوَ الْواحِدُ الْقَهَّارُ» -. رعد/ ۱۶ - {بگو: «خدا آفریننده هر چیزی است، و اوست یگانه قهار.»} و هم آیه «الْیَوْمَ تُجْزی کُلُّ نَفْسٍ بِما کَسَبَتْ لا ظُلْمَ الْیَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِیعُ الْحِسابِ» -. غافر/ ۱۶ - ۱۷ - {امروز هر کسی به [موجب] آنچه انجام داده است کیفر می یابد. امروز ستمی نیست؛ آری، خدا زودشمار است.} و« لِمَنِ الْمُلْکُ الْیَوْمَ لِلَّهِ الْواحِدِ الْقَهَّارِ» -. مکارم الاخلاق: ۴۷۰ - {امروز فرمانروایی از آنِ کیست؟ از آنِ خداوند یکتای قهّار است} را بخواند.

**[ترجمه]

«۱۳»

فس (۱۰)،[تفسیر القمی] عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: فِی قَوْلِهِ تَعَالَی- إِنَّمَا النَّجْوی مِنَ الشَّیْطانِ لِیَحْزُنَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ لَیْسَ بِضارِّهِمْ شَیْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ عَلَی اللَّهِ فَلْیَتَوَکَّلِ الْمُؤْمِنُونَ إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام رَأَتْ فِی مَنَامِهَا أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله هَمَّ أَنْ یَخْرُجَ هُوَ وَ فَاطِمَةُ وَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ مِنَ الْمَدِینَهِ

فَخَرَجُوا حَتَّی جَاوَزُوا مِنْ حِیطَانِ الْمَدِینَهِ فَتَعَرَّضَ لَهُمْ طَرِیقَانِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ذَاتَ الْیَمِینِ حَتَّی انْتَهَی بِهِمْ إِلَی مَوْضِعٍ فِیهِ نَخْلٌ وَ مَاءٌ فَاشْتَرَی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله شَاهً کَبْرَاءَ وَ هِیَ الَّتِی فِی أَحَدِ أُذُنَیْهَا نُقَطٌ بِیضٌ فَأَمَرَ بِذَبْحِهَا فَلَمَّا أَکَلُوا مَاتُوا فِی مَکَانِهِمْ فَانْتَبَهَتْ فَاطِمَهُ بَاکِیَهً ذَعِرَهً فَلَمْ تُخْبِرْ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِذَلِکَ

ص: ۱۹۸

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۶۹.

۲- ۲. آل عمران: ۱۶.

۳- ۳. أسری: ۱۱۰ و ۱۱۱.

۴- ۴. یونس: ۳.

۵- ۵. براءه: ۱۲۹ و ۱۳۰.

۶- ۶. الأنبیاء: ۴۲.

۷- ۷. الرعد: ۱۶.

۸- ۸. غافر: ۱۶ و ۱۷.

۹- ۹. مکارم الأخلاق ص ۴۷۰.

۱۰- ۱۰. فی المطبوعه رمز سن للمحاسن و هو مصحف، لا یوجد فی المحاسن، و الآیه فی المجادله: ۱۰.

فَلَمَّا أَصْبَحَتْ جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله بِحِمَارٍ فَأَرْكَبَ عَلَيْهِ فَاطِمَةَ عليها السلام وَ أَمَرَ أَنْ يَخْرُجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ مِنَ الْمَدِينَهِ كَمَا رَأَتْ فَاطِمَهُ عليها السلام فِي نَوْمِهَا فَلَمَّا خَرَجُوا مِنْ حِيطَانِ الْمَدِينَهِ عَرَضَ لَهُ طَرِيقَانِ فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله ذَاتَ الْيَمِينِ كَمَا رَأَتْ فَاطِمَهُ عليها السلام حَتَّى انْتَهَوْا إِلَى مَوْضِعٍ فِيهِ نَخْلٌ وَ مَاءٌ فَاشْتَرَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله شَاهً كَمَا رَأَتْ فَاطِمَهُ عليها السلام فَأَمَرَ بِذَبْحِهَا فَذُبِحَتْ وَ شُوِيَتْ فَلَمَّا أَرَادُوا أَكْلَهَا قَامَتْ فَاطِمَهُ وَ تَنَحَّتْ نَاحِيَهً مِنْهُمْ تَبْكِي مَخَافَهَ أَنْ يَمُوتُوا فَطَلَبَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله حَتَّى وَقَعَ عَلَيْهَا وَ هِيَ تَبْكِي- فَقَالَ صلى الله عليه و آله مَا شَأْنُكِ يَا بُنَيَّهِ قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْتُ الْبَارِحَهَ كَذَا وَ كَذَا فِي نَوْمِي وَ قَدْ فَعَلْتَ أَنْتَ كَمَا رَأَيْتُهُ فَتَنَحَّيْتُ عَنْكُمْ لِئَلَّا أَرَاكُمْ تَمُوتُونَ فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ نَاجَى رَبَّهُ فَنَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذَا شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهَا الدَّهَاءُ وَ هُوَ الَّذِي أَرَى فَاطِمَهَ هَذِهِ الرُّؤْيَا وَ يُؤْذِي الْمُؤْمِنِينَ فِي نَوْمِهِمْ مَا يَغْتَمُّونَ بِهِ فَأَمَرَ جَبْرَئِيلُ بِهِ فَجَاءَ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَقَالَ لَهُ أَنْتَ أَرَيْتَ فَاطِمَهَ هَذِهِ الرُّؤْيَا فَقَالَ نَعَمْ يَا مُحَمَّدُ فَبَزَقَ عَلَيْهِ ثَلَاثَ بَزَقَاتٍ وَ شَجَّهُ فِي ثَلَاثِ مَوَاضِعَ ثُمَّ قَالَ جَبْرَئِيلُ لِمُحَمَّدٍ قُلْ يَا مُحَمَّدُ إِذَا رَأَيْتَ فِي مَنَامِكَ شَيْئاً تَكْرَهُهُ أَوْ رَأَى أَحَدٌ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَلْيَقُلْ أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَهُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ مِنْ رُؤْيَايَ وَ يَقْرَأُ الْحَمْدَ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ يَتْفُلُ عَنْ يَسَارِهِ ثَلَاثُ تَفَلَاتٍ فَإِنَّهُ لَا يَضُرُّهُ مَا رَأَى وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ إِنَّمَا النَّجْوى مِنَ الشَّيْطانِ الْآيَهَ(۱).

۱- ۱. تفسير القمّيّ ۶۶۸، و نقله المؤلّف العلامه فى شرح كتاب الروضه من الكافى ذيل الحديث الذى ياتى تحت الرقم ۲۸، و هكذا أخرجه فى المجلد الرابع عشر باب حقيقه الرؤيا و تعبيرها ص ۴۴۰ من طبعه الكمبانىّ و قال بعده: بيان: ما رأيت الكبراء بهذا المعنى فيما عندنا من كتب اللغه، و تعرض الشيطان لفاطمه عليها السلام و كون منامها المضاهى للوحى شيطانيا و ان كان بعيدا، لكن باعتبار. عدم بقاء الشبهه و زوالها سريعا و ترتب المعجز من الرسول صلّى اللّه عليه و آله فى ذلك و المنفعه المستمره للامه ببركتها يقل الاستبعاد، و الحديث مشهور متكرر فى الأصول و اللّه يعلم. أقول و بعد ذلك يبقى تنحى فاطمه عليها السلام ناحيه تبكى، من دون أن تبادر بقصه الرؤيا و منعهم من شراء الشاه، ثمّ ذبحها ثمّ شوائها، ثمّ التهيئه لا كلها! حتى يسألها رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله فتأمل.

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: - . در محاسن یافت نشد. - امام صادق درباره قول خدای تعالی: «إنما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا و لیس بضارهم شیئا إلا بإذن الله و علی الله فلیتوکل المؤمنون.» - . مجادله / ۱۰ - {چنان نجوایی صرفاً از [القائات] شیطان است، تا کسانی را که ایمان آورده اند دلتنگ گرداند، و [لی] جز به فرمان خدا هیچ آسیبی به آنها نمی رساند، و مؤمنان باید بر خدا اعتماد کنند} فرموده: فاطمه علیه السّلام در خواب دید که رسول خدا صلی الله علیه و آله قصد کرد که به همراه فاطمه و علی و حسن و حسین علیه السّلام بیرون روند، و بیرون رفتند تا از نخلستان های مدینه گذشتند و به دو راهی رسیدند و آن حضرت به راه سمت راست توجه کرد، تا به جایی رسیدند که نخل و خرما و آبی بود. حضرت یک گوسفند کبرا خرید، و گوسفند کبرا آن است که در یکی از دو گوشش نقطه های سفید وجود دارد، و فرمود سرش را بریدند و چون از آن خوردند، همه در آنجا مردند. فاطمه علیه السّلام هراسان از خواب بیدار شد و گریان بود و از خواب خود به رسول خدا صلی الله علیه و آله گزارشی نداد.

و چون صبح شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله الاغی آورد و فاطمه را بر آن سوار کرد، و فرمود تا امیر مؤمنان و حسن و حسین همچنانی که فاطمه علیه السّلام در خواب دیده بود، بیرون شدند و چون از نخلستان های مدینه به در شدند، به یک دو راهی رسیدند و رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان که فاطمه علیه السّلام در خواب دیده بود، از راه سمت راست رفت تا رسیدند به جایی که نخل خرما و آب بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله چنان چه فاطمه علیه السّلام خواب دیده بود، گوسفندی خرید و فرمود آن را سر بریدند و کباب کردند و چون خواستند بخورند، فاطمه علیه السّلام برخاست و به گوشه ای دور از آنها رفت و از ترس اینکه همگی بمیرند گریست. رسول خدا صلی الله علیه و آله به جستجوی او رفت تا به او رسید و دید که گریه می کرد. فرمود: دختر جانم! تو را چه می شود؟ گفت: یا رسول الله! دیشب خواب چنین و چنانی دیدم و تو چنان که در خواب دیدم عمل کردی و من از شما دور شدم تا مردن شماها را نبینم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله برخاست، دو رکعت نماز خواند و با پروردگارش مناجات کرد و جبرئیل آمد و گفت: ای محمد! این شیطانی است به نام «دها» و اوست که این خواب را به فاطمه نموده و مؤمنان را در خواب آزار دهد و غمناک کند. آنگاه جبرئیل فرمان داد تا او را نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آوردند و آن حضرت به او فرمود: تو این خواب را به فاطمه نمایش دادی؟ گفت: آری ای محمد! آن حضرت سه بار به او تف کرد و سه جای او را زخمین کرد. جبرئیل به محمد صلی الله علیه و آله فرمود: ای محمد! چون خودت یا یکی از مؤمنان خواب بدی بیند، بگویید: «أعوذ بما عاذت به ملائکه الله المقربون و أنبیاء الله المرسلون و عباده الصالحون من شر ما رأیت من رؤیای.» (پناه می برم بدان چه پناهنده فرشته های مقرب خدا و پیغمبران مرسل او و بنده های خوب اوست از شر آنچه در خواب دیدم) و سوره حمد و معوّذتین را با «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند و سه بار در سمت چپ خود تف کند که خوابش به او زیانی نرساند. و خدا به رسول خود فرو فرستاد: «إنما النجوی من الشیطان لیحزن الذین آمنوا و لیس بضارهم شیئا إلا بإذن الله و علی الله فلیتوکل المؤمنون.» {چنان نجوایی صرفاً از [القائات] شیطان است، تا کسانی را که ایمان آورده اند دلتنگ گرداند، و [لی] جز به فرمان خدا هیچ آسیبی به آنها نمی رساند، و مؤمنان باید بر خدا اعتماد کنند.}

**[ترجمه]

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ رَجُلٍ عَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ عِنْدَ مَنَامِهِ لَمْ يَخَفِ الْفَالِجَ (۱).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام رضا علیه السّلام فرمود: هر كه وقت خواب آيه الكرسى بخواند، از بيمارى فلج ترسى ندارد. - . ثواب الاعمال: ۹۵ -

**[ترجمه]

أقُول

قَدْ مَضَى فِي فَضَائِلِ السُّوَرِ(۲)

مُسْنَداً عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ يَقْرَأُ قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحى إِلَيَ إِلَى آخِرِ السُّورَهِ إِلَّا كَانَ لَهُ نُوراً(۳)

مِنْ مَضْجَعِهِ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ كَانَ لَهُ نُوراً إِلَى بَيْتِ الْمَقْدِسِ (۴).

وَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَرَأَ يس فِي لَيْلَتِهِ قَبْلَ أَنْ يَنَامَ وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ مَلَكٍ يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَ مِنْ كُلِّ آفَهٍ(۵).

وَ عَنِ الْبَاقِرِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَرَأَ الْوَاقِعَهَ كُلَّ لَيْلَهٍ قَبْلَ أَنْ يَنَامَ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَهَ الْبَدْرِ(۶).

ص: ۲۰۰

۱- ۱. ثواب الأعمال ص ۹۵.

۲- ۲. أبواب فضائل السور من كتاب فضل القرآن انما تأتى فى المجلد التاسع عشر حسب تجزئه الأصل.

۳- ۳. و زاد فى بعض الروايات كما فى الدّر المنثور ج ۴ ص ۲۵۷:« حشو ذلك النور ملائكه تستغفرون له حتّى يصبح» و هكذا تفسير الكشّاف ذيل الآيه الشريفه.

۴- ۴. راجع ج ۱۹ ص ۷۰، طبعه الكمبانىّ ثواب الأعمال ص ۹۷.

۵- ۵. ثواب الأعمال ص ۱۰۰، البحار ج ۱۹ ص ۷۱.

۶- ۶. ثواب الأعمال ص ۱۰۶، البحار ج ۱۹ ص ۷۵.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَرَأَ الْمُسَبِّحَاتِ كُلَّهَا قَبْلَ أَنْ يَنَامَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُدْرِكَ الْقَائِمَ وَ إِنْ مَاتَ كَانَ فِي جِوَارِ النَّبِيِّ صلى الله علیه و آله (۱).

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله علیه و آله: مَنْ قَرَأَ أَلْهاكُمُ التَّكاثُرُ عِنْدَ النَّوْمِ وُقِيَ مِنْ فِتْنَةِ الْقَبْرِ(۲).

**[ترجمه]در «باب فضائل سوره» - . ابواب فضائل سوره ها از «کتاب فضل قرآن»، در مجلد نوزدهم می آید. - به نقل از امیر مؤمنان علیه السّلام گذشت که فرمود: بنده ای نباشد که «قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحى إِلَيَّ» تا آخر سوره را بخواند، جز آنکه از خوابگاهش تا خانه خدا برای او نوری باشد - . در الدر المنثور ۴ :۲۵۷ اضافه کرده: «در امتداد نور ملائکه ای هستند که تا صبح برایش استغفار می کنند.» - و اگر از مردم کعبه باشد، نورش تا بیت المقدس رسد. - . بحارالانوار ۱۹:۷۰ ، ثواب الاعمال: ۹۷ -

و امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که پیش از خوابیدن در شب سوره یس را بخواند، خدا بر او هزار فرشته گمارد که او را از هر شیطان رجیم و از هر آفت نگه دارند. - . ثواب الاعمال: ۱۰۰، بحارالانوار ۱۹: ۷۱ -

و امام باقر علیه السّلام فرمود: هر کس هر شب پیش از خواب سوره واقعه را بخواند، خدا را در حالی ملاقات کند که رویش چون ماه شب چهارده باشد. - . ثواب الاعمال: ۱۰۶، بحارالانوار ۱۹: ۷۵ -

و از آن حضرت علیه السّلام است که فرمود: هر که پیش از خواب همه مسبحات [سوره هایی که با تسبیح خداوند آغاز می شود] را بخواند، نمیرد تا قائم علیه السّلام را درک کند و اگر بمیرد، در جوار پیغمبر باشد. - . بحارالانوار ۱۹: ۷۶ ، ثواب الاعمال: ۱۰۷ -

و از آن حضرت علیه السّلام است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که سوره التکاثر را وقت خواب بخواند، از فتنه قبر محفوظ ماند. - . ثواب الاعمال: ۱۱۳، بحارالانوار ۱۹: ۸۲ -

**[ترجمه]

«۱۵»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ النَّهْدِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ فُضَيْلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ فَقَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً حَفِظَهُ اللَّهُ فِي دَارِهِ وَ دُوَيْرَاتٍ حَوْلَهُ (۳).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که در بستر رود و یازده بار سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را بخواند، خدا او را در خانه خود و خانه های اطراف او حفظ کند. - . ثواب الاعمال: ۱۱۶ -

**[ترجمه]

«۱۶»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبَّاسِ بْنِ هِلَالٍ الشَّامِيِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام عَنْ أَبِیهِ علیه السلام قَالَ: لَمْ یَقُلْ أَحَدٌ قَطُّ إِذَا أَرَادَ أَنْ یَنَامَ- إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً(۴) فَسَقَطَ عَلَیْهِ الْبَیْتُ (۵).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام کاظم علیه السّلام فرمود: هرگز کسی به هنگام خواب آیه «إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً.» - . فاطر/ ۴۱ - {همانا خدا آسمان ها و زمین را نگاه می دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی دارد؛ اوست بردبار آمرزنده} را نخوانده که خانه بر سر او ویران شده باشد. - . ثواب الاعمال: ۱۳۷ -

**[ترجمه]

«۱۷»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ عُبَیْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ سَلَّامٍ الْخَیَّاطِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ حِینَ یَنَامُ بَاتَ وَ قَدْ تَحَاتَّتِ الذُّنُوبُ کُلُّهَا عَنْهُ کَمَا تَتَحَاتُّ الْوَرَقُ مِنَ الشَّجَرِ وَ یُصْبِحُ وَ لَیْسَ عَلَیْهِ ذَنْبٌ (۶).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که هنگام خواب شب صد بار «أستغفرالله» بگوید، همه گناهانش چون برگ از درخت بریزد و صبح کند در حالی که گناهی ندارد. - . ثواب الاعمال: ۱۴۹ -

**[ترجمه]

«۱۸»

سن، [المحاسن] عَنْ بَکْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: مَنْ بَاتَ فِی بَیْتٍ وَحْدَهُ أَوْ فِی دَارٍ أَوْ فِی قَرْیَةٍ وَحْدَهُ فَلْیَقُلِ اللَّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِی وَ أَعِنِّی عَلَی وَحْدَتِی (۷).

**[ترجمه]محاسن: امام کاظم علیه السّلام فرمود: هر که در اتاقی یا خانه ای یا دهی تنها شب گذراند، بگوید: بار خدایا! همدم تنهایی ام باش و در تنهایی ام به من کمک کن. - . محاسن: ۳۷۰ -

**[ترجمه]

«۱۹»

مکا، [مکارم الأخلاق]: کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یَنَامُ عَلَی الْحَصِیرِ لَیْسَ تَحْتَهُ شَیْ ءٌ غَیْرُهُ وَ کَانَ

۱- ۱. البحار ج ۱۹ ص ۷۶، ثواب الأعمال ص ۱۰۷.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۱۱۳، البحار ج ۱۹ ص ۸۲.

۳- ۳. ثواب الأعمال ص ۱۱۶.

۴- ۴. فاطر: ۴۱.

۵- ۵. ثواب الأعمال ص ۱۳۷.

۶- ۶. ثواب الأعمال ص ۱۴۹.

۷- ۷. المحاسن ص ۳۷۰.

يَسْتَاكُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَنَامَ وَ يَأْخُذَ مَضْجَعَهُ وَ كَانَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ اضْطَجَعَ عَلَى شِقِّهِ الْأَيْمَنِ وَ وَضَعَ يَدَهُ الْيُمْنَى تَحْتَ خَدِّهِ الْأَيْمَنِ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ قِنِي عَذَابَكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ فِي دُعَائِهِ عِنْدَ مَضْجَعِهِ وَ كَانَ لَهُ أَصْنَافٌ مِنَ الْأَقَاوِيلِ يَقُولُهَا إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ فَمِنْهَا أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ وَ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْكَ اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَسْتَطِيعُ أَنْ أَبْلُغَ فِي الثَّنَاءِ عَلَيْكَ وَ لَوْ حَرَصْتُ أَنْتَ كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ وَ كَانَ عليه السلام يَقُولُ عِنْدَ مَنَامِهِ بِسْمِ اللَّهِ أَمُوتُ وَ أَحْيَا وَ إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ اللَّهُمَّ آمِنْ رَوْعَتِي وَ اسْتُرْ عَوْرَتِي وَ أَدِّ عَنِّي أَمَانَتِي مَا يَقُولُ عِنْدَ نَوْمِهِ- كَانَ صلى الله عليه و آله يَقْرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ عِنْدَ مَنَامِهِ وَ يَقُولُ أَتَانِي جَبْرَئِيلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ عِفْرِيتاً مِنَ الْجِنِّ يَكِيدُكَ فِي مَنَامِكَ فَعَلَيْكَ بِآيَةِ الْكُرْسِيِّ.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَا اسْتَيْقَظَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مِنْ نَوْمٍ قَطُّ إِلَّا خَرَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَاجِداً.

وَ رُوِيَ: أَنَّهُ لَا يَنَامُ إِلَّا وَ السِّوَاكُ عِنْدَ رَأْسِهِ فَإِذَا نَهَضَ بَدَأَ بِالسِّوَاكِ وَ قَالَ صلى الله عليه و آله لَقَدْ أُمِرْتُ بِالسِّوَاكِ حَتَّى خَشِيتُ أَنْ يُكْتَبَ عَلَيَّ وَ كَانَ صلى الله عليه و آله مِمَّا يَقُولُ إِذَا اسْتَيْقَظَ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَوْتِي إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ شَكُورٌ وَ كَانَ يَقُولُ صلى الله عليه و آله اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الْيَوْمِ وَ نُورَهُ وَ هُدَاهُ وَ بَرَكَتَهُ وَ طَهُورَهُ وَ مُعَافَاتَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَهُ وَ خَيْرَ مَا فِيهِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ مَا بَعْدَهُ (۱).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: پيغمبر روى حصير مى خوابيد و زير تنش چيز ديگرى نبود، و وقت خوابيدن مسواک مى كرد و به بستر مى رفت و به پهلوى راست مى خوابيد و دست راستش را زير گونه راست مى نهاد و مى گفت: «خدايا! هنگامى كه بنده هايت را زنده مى كنى، مرا از عذابت بازدار.» دعاى آن حضرت در بستر چند گونه بيان شده است. يكى اينكه مى گفت: «خدايا! من از كيفرت به عافيت تو پناه مى برم، و از خشمت به خشنودى ات پناه مى برم، و از تو به تو پناه مى برم. خدايا! من نمى توانم به حق تو را ستايش كنم، گرچه حرص ورزم، تو چنانى كه خود را ستايش كردى.»

دوم اينكه به هنگام خوابيدن مى فرمود: به نام خدا بميرم و زنده شوم و به درگاه اوست سرانجام، خدايا! هراسم را آسوده كن و عورتم را بپوشان، و امانتم را بپرداز .

سوم آنكه آن حضرت صلى الله عليه و آله هنگام خوابيدن آيه الكرسى مى خواند و مى فرمود جبرئيل نزدم آمد و گفت: يک عفريت جنى در كمين تو است و بايد آيه الكرسى بخوانى.

و امام باقر عليه السّلام فرمود: هرگز رسول خدا صلى الله عليه و آله از خواب بيدار نشد، جز آنكه براى خدا عزوجل به سجده افتاد.

و روايت است كه نمى خوابيد، جز آنكه مسواک نزد سرش بود و چون برمى خاست، شروع به مسواک زدن مى كرد، و فرمود: فرمان يافتم به مسواک، تا جايى كه ترسيدم بر من واجب شود.

و چون بيدار مى شد، مى گفت: سپاس خدا را كه زنده ام كرد پس از مردنم. همانا پروردگارم بسيارآمرزنده و قدرشناس است. و مى فرمود: بار خدايا! از تو مى خواهم خير اين روز را و نور و هدايت و بركت و طهور و عافيت او را. خدايا! از تو مى خواهم خير او و خير هر چه در اوست و به تو پناه مى برم از شر آن و شر هر چه بعد از آن است. - . مكارم الاخلاق: ۴۰ - ۴۱

-

**[ترجمه]

«۲۰»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ یَقْرَأُ آخِرَ الْکَهْفِ قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ حِینَ یَنَامُ إِلَّا اسْتَیْقَظَ فِی السَّاعَهِ الَّتِی یُرِیدُ.

فِی مَنْ أَرَادَ الِانْتِبَاهَ لِلصَّلَاهِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَرَادَ قِیَامَ اللَّیْلِ وَ أَخَذَ مَضْجَعَهُ فَلْیَقُلْ- اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِّی مَکْرَکَ وَ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَکَ وَ لَا تَجْعَلْنِی مِنَ الْغَافِلِینَ أَقُومُ سَاعَهَ کَذَا وَ کَذَا فَإِنَّهُ یُوَکِّلُ اللَّهُ بِهِ مَلَکاً یُنَبِّهُهُ

ص: ۲۰۲

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۴۰ و ۴۱.

تِلْکَ السَّاعَهَ.

وَ کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَسْتَاکُ إِذَا أَرَادَ أَنْ یَنَامَ وَ یَأْخُذَ مَضْجَعَهُ وَ کَانَ صلی الله علیه و آله إِذَا أَوَی إِلَی فِرَاشِهِ اضْطَجَعَ عَلَی شِقِّهِ الْأَیْمَنِ وَ وَضَعَ یَدَهُ الْیُمْنَی تَحْتَ خَدِّهِ الْأَیْمَنِ.

وَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا أَوَی أَحَدُکُمْ إِلَی فِرَاشِهِ فَلْیَمْسَحْهُ بِصَنِفَهِ(۱)

إِزَارِهِ فَإِنَّهُ لَا یَدْرِی مَا حَدَثَ عَلَیْهِ ثُمَّ لْیَقُلِ اللَّهُمَّ إِنْ أَمْسَکْتَ نَفْسِی فِی مَنَامِی فَاغْفِرْ لَهَا وَ إِنْ أَرْسَلْتَهَا فَاحْفَظْهَا بِمَا تَحْفَظُ بِهِ عِبَادَکَ الصَّالِحِینَ فِی الدُّعَاءِ وَقْتَ الِانْتِبَاهِ وَ کَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذَا قَامَ آخِرَ اللَّیْلِ رَفَعَ صَوْتَهُ حَتَّی یَسْمَعَ أَهْلُ الدَّارِ یَقُولُ اللَّهُمَّ أَعِنِّی عَلَی هَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَ وَسِّعْ عَلَیَّ الْمُضْطَجَعَ وَ ارْزُقْنِی خَیْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ وَ ارْزُقْنِی خَیْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: مَا اسْتَیْقَظَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ نَوْمٍ إِلَّا خَرَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَاجِداً وَ کَانَ صلی الله علیه و آله إِذَا نَامَ تَنَامُ عَیْنَاهُ وَ لَا یَنَامُ قَلْبُهُ وَ یَقُولُ إِنَّ قَلْبِی یَنْتَظِرُ الْوَحْیَ وَ کَانَ صلی الله علیه و آله إِذَا رَاعَهُ شَیْ ءٌ فِی مَنَامِهِ قَالَ هُوَ اللَّهُ لَا شَرِیکَ لَهُ وَ کَانَ صلی الله علیه و آله کَثِیرَ الرُّؤْیَا وَ لَا یَرَی رُؤْیَا إِلَّا جَاءَتْ مِثْلَ فَلَقِ الصُّبْحِ وَ کَانَ صلی الله علیه و آله إِذَا اسْتَیْقَظَ مِنْ نَوْمِهِ یَقُولُ سُبْحَانَ الَّذِی یُحْیِ الْمَوْتی وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ إِذَا قَامَ لِلصَّلَاهِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ نُورُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَیُّوم السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ فِیهِنَّ أَنْتَ الْحَقُّ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ وَ لِقَاؤُکَ الْحَقُّ وَ الْجَنَّهُ حَقٌّ وَ النَّارُ حَقٌّ وَ السَّاعَهُ حَقٌّ اللَّهُمَّ لَکَ أَسْلَمْتُ وَ بِکَ آمَنْتُ وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْتُ وَ إِلَیْکَ أَنَبْتُ وَ بِکَ خَاصَمْتُ وَ إِلَیْکَ حَاکَمْتُ فَاغْفِرْ لِی مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ وَ مَا أَعْلَنْتُ أَنْتَ إِلَهِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ ثُمَّ یَسْتَاکُ قَبْلَ الْوُضُوءِ.

قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ حِینَ یَسْتَیْقِظُ مِنْ مَنَامِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بَعَثَنِی مِنْ مَرْقَدِی هَذَا وَ لَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ إِلَی یَوْمِ الْقِیَامَهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی

۱- ۱. صنفه الازار طرته و حاشیته، و هی جانبه الذی لاهدب له، و یقال: هی حاشیه الثوب من أی جانب کان، یقال:« مسحه بصنفه ثوبه».

جَعَلَ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ خِلْفَةً- لِمَنْ أَرادَ أَنْ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرادَ شُكُوراً الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ اللَّيْلَ لِباساً وَ النَّوْمَ سُباتاً وَ جَعَلَ النَّهارَ نُشُوراً- لا- إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَكَ إِنِّی كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَا تَجِنُّ مِنْهُ النُّجُومُ وَ لَا تَكُنُّ بِهِ السُّتُورُ وَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ مَا فِی الصُّدُورِ.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِذَا انْتَبَهَ أَحَدُكُمْ مِنْ نَوْمِهِ فَلْيَقُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَیُّ الْقَيُّومُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَ إِلَهِ الْمُرْسَلِينَ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ فَإِذَا جَلَسَ فَلْيَقُلْ قَبْلَ أَنْ يَقُومَ حَسْبِیَ الرَّبُّ مِنَ الْعِبَادِ حَسْبِیَ الَّذِی هُوَ حَسْبِی مُنْذُ قَطُّ حَسْبِیَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ دُعَاءٌ آخَرُ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَحْيَانِی بَعْدَ مَا أَمَاتَنِی وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی رَدَّ عَلَیَّ رُوحِی لِأَحْمَدَهُ وَ أَعْبُدَهُ (۱).

**[ترجمه]مكارم الأخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر كه وقت خواب آيه آخر سوره كهف (قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ) را بخواند، هر ساعت كه خواهد بيدار شود.

درباره آنچه برای بيدار شدن به خاطر نماز است، امام صادق علیه السّلام به نقل از پيغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر كه شب زنده داری را می خواهد، چون به بستر خود رود بگويد: «اللهم لا- تؤمنی مكرك و لا- تنسنی ذكرك و لا- تجعلنی من الغافلين. من در فلان ساعت برخيزم.» كه خدا بر او فرشته ای گمارد تا در آن ساعت او را بيدار كند.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله هميشه چون می خواست بخوابد و در بستر رود، مسواک می كرد، در بستر به پهلوی راست می خوابيد و دست راستش را زير گونه راست می نهاد .

و امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون كسی به بستر رود، آن را با كناره ساده روپوش خود بسايد، چرا كه نمی داند چه بر آن پديدار شده. سپس بگويد: بار خدايا! اگر جانم را در خوابم نگه داشتی، او را بيامرز و اگر رهايش كردی، او را همانند بنده های خوبت حفظ كن.

دعای وقت بيدار شدن: امام صادق علیه السّلام هميشه چون آخر شب برمی خاست، به آواز بلند كه همه اهل خانه بشنوند می گفت: بار خدايا! مرا در هراس زنده شدن كمک كن و خوابگاهم را وسيع ساز، و خوبی پيش از مرگ و خوبی پس از آن را به من بده.

و از آن حضرت است كه هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله از خواب برنخاست، جز آنكه برای خدا عزوجل به سجده افتاد، و چشمانش در خواب و دلش بيدار بود و می فرمود: دلم چشم به راه وحی است. و چون خواب هراسناكی می ديد می گفت: «هو الله لا شريك له»، و بسيار خواب می ديد و خوابش چون سپيده دم، روشن و درست بود. و چون از خواب بيدار می شد می گفت: «سُبْحَانَ الَّذِی يُحْيِی الْمَوْتى وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَیْ ءٍ قَدِيرٌ.» و چون به نماز برمی خاست، می گفت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ نُورُ السَّماوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ قَيُّوم السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ فِيهِنَّ أَنْتَ الْحَقُّ وَ قَوْلُكَ الْحَقُّ وَ لِقَاؤُكَ الْحَقُّ وَ الْجَنَّةُ حَقٌّ وَ النَّارُ حَقٌّ وَ السَّاعَةُ حَقٌّ اللَّهُمَّ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْكَ أَنَبْتُ وَ بِكَ خَاصَمْتُ وَ إِلَيْكَ حَاكَمْتُ فَاغْفِرْ لِی مَا قَدَّمْتُ وَ مَا أَخَّرْتُ وَ مَا أَسْرَرْتُ وَ مَا أَعْلَنْتُ أَنْتَ إِلَهِی لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْت.» {سپاس

مخصوص خدایی است که نور آسمانها و زمین است و سپاس مخصوص الله است که برپا دارنده آسمانها و زمین است و سپاس مخصوص خدایی است که پروردگار آسمانها و زمین و هر کس که در آن هست است. تو حقی و گفتارت حق است و لقاء تو حق است و بهشت حق است آتش دوزخ حق است و قیامت حق است }سپس پیش از وضو مسواک می کرد

و از علی علیه السّلام روایت است که چون آن حضرت بیدار می شد، می گفت: «سپاس خدا را که مرا از این آرامگاهم برانگیخت و اگر می خواست آن را تا قیامت می کشاند؛ سپاس خدا را که شب و روز را دنبال هم نهاد برای هر که خواهد یادآور باشد یا خواهد شکرگزار باشد؛ سپاس خدا را که «اللَّيْلَ لِباساً وَ النَّوْمَ سُباتاً وَ جَعَلَ النَّهارَ نُشُورا...لا إِلهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ.» - . فرقان / ۴۷ ، انبیاء / ۸۷ - {شب را آسایش نمود و روز را برای پراکنده شدن... معبودی جز تو نیست، منزّهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم.»} سپاس از آن خدایی است که نهان نشوند از او ستاره ها و پرده برابر او کشیده نشود و آنچه در دل هاست بر او نهان نماند.»

و امام صادق علیه السّلام فرمود:که علی علیه السّلام فرمود: چون کسی از شما از خواب بیدار شود، بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ سُبْحَانَ رَبِّ النَّبِيِّينَ وَ إِلَهِ الْمُرْسَلِينَ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ.» {معبودی جز الله نیست زنده و پایدار است و بر هر چیزی تواناست. منزه است پروردگار انبیاء و معبود فرستاده شدگان . منزه است پروردگار آسمان های هفتگانه و هرچه در آنهاست و پروردگار عرش بزرگ و ستایش خدایی را سزاست که رب عالَم هاست} و چون نشست، پیش از برخاستن بگوید: «حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْعِبَادِ حَسْبِيَ الَّذِي هُوَ حَسْبِي مُنْذُ قَطُّ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.» و دعای دیگر: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي لِأَحْمَدَهُ وَ أَعْبُدَهُ.» - . مکارم الاخلاق: ۳۳۷- ۳۳۸ - {ستایش مخصوص خدایی است که مرا بعد از میراندنم زنده کرد و رستاخیز به سوی اوست. ستایش مخصوص خدایی است که روح مرا به من برگرداند تا حمد او کنم و او را بپرستم}

**[ترجمه]

«۲۱»

مکا، [مکارم الأخلاق]: الدُّعَاءُ فِي الْوَحْدَةِ- يَا أَرْضُ رَبِّي وَ رَبُّكِ اللَّهُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكِ وَ شَرِّ مَا فِيكِ وَ مِنْ شَرِّ مَا خُلِقَ فِيكِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يُحَاذَرُ عَلَيْكِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ أَسَدٍ وَ أَسْوَدَ وَ حَيَّةٍ وَ عَقْرَبٍ مِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَ مِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ أَ فَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بِنِعْمَتِهِ وَ حُسْنِ بَلَائِهِ عَلَيْنَا

اللَّهُمَّ صَاحِبْنَا فِي السَّفَرِ وَ أَفْضِلْ عَلَيْنَا فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ثُمَّ تَقْرَأُ أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ إِلَى آخِرِهِ فَإِنَّهُ لَا يُؤْذِيكَ شَيْ ءٌ مِنَ السِّبَاعِ وَ الْهَوَامِّ وَ الْحَيَّاتِ وَ الْعَقَارِبِ إِذَا قَرَأْتَ ذَلِكَ وَ لَوْ بِتَّ عَلَى الْحَيَّةِ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: دعای تنهایی: «ای زمین! پروردگار من و تو خداست. پناه می برم به خدا از شر تو و شر هر چه در تو است، و از شر هر چه در تو آفریده شده، و از شر هر چه حذر است بر تو. پناه به خدا از شر هر شیر و سیاهی ها و مار و عقرب که ساکن شهرند، و از شر والد و ولد. «أ فغیر دین الله یبغون و له أسلم من فی السماوات و الأرض طوعا و کرها و إلیه

یرجعون.» - . آل عمران / ۸۳ - {آیا جز دین خدا را می جویید با اینکه هر چه در آسمان ها و زمین است بخواه، و ناخواه تسلیم او است و بسوی او برگردند.} سپاس خدا را به نعمتش و خوشرفتاری اش با ما. بار خدایا! صاحب ما در سفر است، بر ما تفضل کن که لا- حول و لا قوه الا بالله.» سپس سوره «أَلْهاكُمُ التَّكاثُر» را تا آخر می خوانی که پس از خواندن آنها، به فرمان خدا عزوجل به تو آزار نرساند چیزی از درنده ها و گزنده ها و مارها و عقرب ها، گرچه بر روی مار بخوابی. - . مکارم الاخلاق: ۴۰۷ -

**[ترجمه]

«۲۲»

جع، [جامع الأخبار] رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَ إِنْ كَانَ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ وَ إِنْ كَانَتْ عَدَدَ وَرَقِ الشَّجَرِ وَ إِنْ كَانَتْ عَدَدَ رَمْلِ

۱- ۱. مکارم الأخلاق: ۳۳۷- ۳۳۸.

۲- ۲. مکارم الأخلاق: ۴۰۷.

عَالِجٍ وَ إِنْ كَانَتْ عَدَدَ أَيَّامِ الدُّنْيَا(۱).

**[ترجمه]جامع الاخبار: از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است که هر که چون به بستر رود سه بار بگوید: «استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه»، خدا گناهانش را بیامرزد، گرچه مانند کف دریا و شمار برگ درختان و ریگ بیابان و به شمار روزهای جهان باشند. - . جامع الاخبار: ۲۱۵ -

**[ترجمه]

«۲۳»

تم، [فلاح السائل] إِذَا أَرَدْتَ النَّوْمَ فَتَطَهَّرْ طُهُورَكَ لِلصَّلَاةِ ثُمَّ قُمْ إِلَى فِرَاشِكَ أَوْ مَوْضِعِ مَنَامِكَ وَ قُلْ حِينَ تَأْوِي إِلَى فِرَاشِكَ مَا رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْقُمِّيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَقُولُ حِينَ تَأْوِي إِلَى فِرَاشِكَ أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِكَمَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَبَرُوتِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِمُلْكِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ الْعَامَّةِ وَ السَّامَّةِ(۲)

وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ تُعَوِّذُ مَنْ شِئْتَ (۳).

**[ترجمه]فلاح السائل: چون خواستی بخوابی، وضوی نماز بگیر و به بستر و جای خوابت برو و چون در آن جا گرفتی، بگو آنچه را که به ما روایت شده است. امام صادق علیه السّلام فرمود: بگو: «أَعُوذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِكَمَالِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَبَرُوتِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِدَفْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِمُلْكِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ وَ أَعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ ص مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ مِنْ شَرِّ الْعَامَّةِ وَ السَّامَّةِ - . یعنی عامه و خاصه یا خویشاوندان، معانی الاخبار: ۱۷۳ - وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَمِ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ أَنْتَ «آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّي عَلى صِراطٍ مُسْتَقِيمٍ.» - . هود / ۵۶ - {پناه می برم به عزت خدا، پناه می برم به قدرت خدا، پناه می برم به کمال خدا، پناه می برم به سلطنت خدا، پناه می برم به قهر و چیرگی خدا و پناه می برم به دفع کردن الهی. پناه می برم به جمع کردن خدا، پناه می برم به مُلک خدا و پناه می برم به رحمت خدا و پناه می برم به رسول و فرستاده خدا از شر آنچه خلق کرده و ظاهر نموده و از عدم به وجود آورده از شر عامه (قحطی عمومی که همه مردم را فرا گیرد) و سامه (موجودی که سم دارد ولی نمی کشد مثل عقرب و زنبور و شبیه به آن) و از شر فاسقان از جن و انسان و فاسقان از عرب و عجم و از شر هر جنبنده ای در شب و روز که تو مهار هستی اش را در دست داری. به راستی پروردگار من بر راه راست است.} و پناه گیر از هر چه خواهی. - . فلاح السائل: ۳۷۴ -

**[ترجمه]

أَقُول

وَ رَوَیْتُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ النَّجَّارِ مِنْ کِتَابِ التَّذْیِیلِ فِی تَرْجَمِهِ حَمْزَهَ بْنِ عَلِیِّ بْنِ عُثْمَانَ الْقُرَشِیِّ الْمَخْزُومِیِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا غَزَا أَوْ سَافَرَ فَأَدْرَکَهُ اللَّیْلُ قَالَ- یَا أَرْضُ رَبِّی وَ رَبُّکِ اللَّهُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّکِ وَ مِنْ شَرِّ مَا فِیکِ وَ مِنْ شَرِّ مَا خُلِقَ فِیکِ وَ مِنْ شَرِّ مَا دَبَّ عَلَیْکِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ کُلِّ أَسَدٍ وَ أَسْوَدَ وَ حَیَّهٍ وَ عَقْرَبٍ مِنْ سَاکِنِ الْبَلَدِ وَ مِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ(۴).

**[ترجمه]روایت دارم از رسول خدا صلی الله علیه و آله که چون به جنگ یا به سفر می رفت یا شبش فرا می رسید، می گفت: ای زمین! پروردگار من و تو خداست. پناه می برم به خدا از شر تو و شر هر چه در تو است، و از شر هر چه در تو آفریده شده، و از شر هر چه حذر است بر تو. پناه به خدا از شر هر شیر وسیاهی ها و مار و عقرب که ساکن شهرند، و از شر پدر و فرزند. - . این قطعه حذف شده است. -

**[ترجمه]

وَ لْیَکُنْ مِنْ عَمَلِهِ إِذَا أَوَی إِلَی فِرَاشِهِ مَا رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ إِسْمَاعِیلَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ الْقَلَانِسِیِّ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: مَنْ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ إِحْدَی عَشْرَهَ مَرَّهً حِینَ یَأْوِی إِلَی فِرَاشِهِ غُفِرَ لَهُ ذَنْبُهُ وَ شُفِّعَ فِی جِیرَانِهِ فَإِنْ قَرَأَهَا مِائَهَ مَرَّهٍ غُفِرَ ذَنْبُهُ فِیمَا یُسْتَقْبَلُ خَمْسِینَ سَنَهً.

وَ تَقُولُ إِذَا أَوَیْتَ إِلَی فِرَاشِکَ أَیْضاً مَا رَوَاهُ هَارُونُ بْنُ مُوسَی رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ

۱- ۱. جامع الأخبار: ۲۱۵.

۲- ۲. یعنی العامّه و الخاصّه او ذوی القرابه، راجع معانی الأخبار ص ۱۷۳.

۳- ۳. فلاح السائل: ۳۷۴.

۴- ۴. هذه القطعه سقطت من المطبوعه.

جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْقُمِّيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدٍ الزَّيْتُونِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَلِيٍّ الْخَيَّاطِ عَنْ يَحْيَى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ أَنَّكَ افْتَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَةَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ يُسَمِّيهِمْ وَاحِداً وَاحِداً حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى الْإِمَامِ الَّذِي فِي عَصْرِهِ ثُمَّ مَاتَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ دَخَلَ الْجَنَّةَ ذِكْرُ حَالِ الْعَبْدِ إِذَا نَامَ بَيْنَ يَدَيْ مَوْلَاهُ فَإِذَا قُلْتَ مَا ذَكَرْنَاهُ عِنْدَ الْجُلُوسِ فِي فِرَاشِكَ أَوْ مَوْضِعِ مَنَامِكَ فَاذْكُرْ أَنَّكَ عَبْدٌ مَمْلُوكٌ حَقِيرٌ تُرِيدُ أَنْ تَنَامَ وَ تَمُدَّ رِجْلَيْكَ وَ تَنْبَسِطَ فِي الْحَرَكَاتِ وَ السَّكَنَاتِ بَيْنَ يَدَيْ مَالِكٍ عَظِيمٍ كَبِيرٍ فَتَأَدَّبْ قَوْلًا وَ فِعْلًا فَمَهْمَا تَأَدَّبْتَ وَ تَذَلَّلْتَ كَانَ مَوْلَاكَ لَهُ أَهْلًا وَ كُنْتَ أَصْغَرَ وَ أَحْقَرَ مَحَلًّا وَ اضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ بِالاسْتِسْلَامِ وَ التَّفْوِيضِ وَ التَّوَكُّلِ وَ كُلِّ مَا يَلِيقُ بِذَلِكَ الْمَقَامِ.

وَ قُلْ مَا رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنِ ابْنِ عُقْدَةَ عَنْ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا بْنِ شَيْبَانَ مِنْ كِتَابِهِ فِي الْمُحَرَّمِ سَنَةَ سَبْعٍ وَ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ عَنِ ابْنِ الْبَطَائِنِيِّ عَنْ أَبِيهِ وَ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ الزَّنْدَجِيِّ جَمِيعاً عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: إِذَا أَوَيْتَ إِلَى فِرَاشِكَ فَاضْطَجِعْ عَلَى شِقِّكَ الْأَيْمَنِ وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ رَهْبَةً وَ رَغْبَةً إِلَيْكَ- لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ اللَّهُمَّ آمَنْتُ بِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلْتَهُ وَ بِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلْتَهُ ثُمَّ تَقْرَأُ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ الْمُعَوِّذَتَيْنِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ آيَةَ السُّخْرَةِ وَ شَهِدَ اللَّهُ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ إِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً ثُمَّ تُكَبِّرُ أَرْبَعاً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً وَ تُسَبِّحُ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً وَ تَحْمَدُ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً وَ هُوَ تَسْبِيحُ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَةَ عليها السلام الَّذِي عَلَّمَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله ثُمَّ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ- لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي

وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ ثُمَّ تَقُولُ أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِى يُمْسِكُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ- مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ أَنْشَأَ وَ صَوَّرَ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ شِرْكِهِ وَ قَوْمِهِ وَ مِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّهِ مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ وَ اللَّامَّهِ وَ الْحَاصَّهِ-(۱) وَ مِنْ شَرِّ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما يَعْرُجُ فِيها وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ بِاللَّهِ وَ بِالرَّحْمَنِ أَسْتَغِيثُ وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ- حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.

ثُمَّ تَتَوَسَّدُ يَمِينَكَ وَ تَقُولُ مَا رَوَيْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ رَزِينٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: إِذَا تَوَسَّدَ الرَّجُلُ يَمِينَهُ فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّى أَسْلَمْتُ نَفْسِى إِلَيْكَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهِى إِلَيْكَ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِى إِلَيْكَ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِى إِلَيْكَ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَيْكَ رَهْبَةً وَ رَغْبَةً إِلَيْكَ- لَا مَلْجَأَ وَ لَا مَنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِى أَنْزَلْتَ وَ رَسُولِكَ الَّذِى أَرْسَلْتَ ثُمَّ يُسَبِّحُ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عليها السلام.

و قد قدمنا نحو هذا عند الاضطجاع على شقه الأيمن و فى ذلك زياده و هذا مختص بوقت توسده على يمينه.

وَ تَقُولُ أَيْضاً حِينَ تَأْخُذُ مَضْجَعَكَ مَا رَوَاهُ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ بَكْرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِى عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى عَلَا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى بَطَنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى مَلَكَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِى يُحْيِ الْمَوْتى وَ هُوَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ كَانَ

۱- ۱. السامه: كل ذات سم من الحيوانات الموذيه، و الهامه: ما له سم يقتل أو لا و اللامّه: كل ما يلم الإنسان و يصيبه بسوء كالعين اللامّه، و الحاصه: كل ما يحرق الشى ء و يذهب به كالحاسه، و داء يتناثر منه الشعر، و منه« ان امرأه أتته صلّى اللّه عليه و آله فقالت ان ابنتى عريس و تمعط شعرها و أمرونى أن أرجلها بالخمر، فقال: ان فعلت ذلك فألقى اللّه فى رأسها الحاصه» و لكن فى المطبوع من المصدر« الخاصّه».

يَخْرُجُ مِنَ الذُّنُوبِ كَهَيْئَةِ يَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ.

**[ترجمه]و در بسترش آن کند که روایت دارم و امام صادق علیه السّلام می فرمود: هر که چون در بسترش رود یازده بار سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را بخواند، گناهش آمرزیده شود و شفیع همسایه هایش گردد و اگر صد بار بخواند، تا پنجاه سال آینده گناهش آمرزیده شود.

و چون به بسترت روی، باز هم بگو آنچه که از امام صادق علیه السّلام روایت شده که فرمود: هر که چون به بسترش جا کند بگوید: خدایا! من گواهم که تو بر من واجب کردی طاعت علی بن ابی طالب و فرزندان امامش را (و نام آنان را یک به یک ببرد تا برسد به امام عصر خود) اگر در آن شب بمیرد به بهشت رود. در حال بنده ای که پیش مولایش خوابد، چون هر چه گفتیم در نشست خود در بستر و جای خوابت یاد کردی، به یاد آورد که بنده مملوکی باشی حقیر و می خواهی بخوابی و دو پایت را دراز کنی و به خوبی جنبش کنی در برابر مالک بزرگواری. پس در گفتار و کردار خود با ادب باش و تا هر چه ادب داری مولایت سزاوار است و تو در مقام خردی و زبونی باشی، و به پهلوی راست خود بخواب، با تسلیم و تفویض و توکل و هر چه شایسته این مقام است

و بگو آنچه را که از ابی بصیر روایت داریم که گفت: چون به بسترت جا کردی، بر پهلوی راست بخواب و بگو: بسم الله و بالله و علی مله رسول الله. بار خدایا! من خود را به تو تسلیم کردم و به تو روی آوردم و کارم را به تو وانهادم، و به تو پناه بردم از بیم و شوق به تو، پناه و نجاتی نباشد از تو جز به خودت. بار خدایا! ایمان دارم به هر کتابی که نازل کردی و به هر رسولی که فرستادی. وآنگاه سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» و معوذتین و آیه الکرسی را سه بار بخوان و آیه سخره و آیه «شَهِدَ اللَّهُ» و سوره «إِنَّا أَنْزَلْناهُ» را یازده بار بخوان. سپس سی و چهار بار تکبیر بگو و سی و سه بار «الحمد لله» و سی و سه بار «سبحان الله» که تسبیح فاطمه زهراء علیه السّلام است و رسول خدا به او آموخته است. سپس بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ هُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ.» {معبودی جز الله نیست و واحد است و شریکی ندارد و مُلک و سلطنت از آن اوست و حمد مخصوص اوست و زنده می کند و می میراند و خود زنده ای است که نمی میرد. خیر به دست اوست و او بر هر کاری توانا است} سپس می گویی «أَعُوذُ بِاللَّهِ الَّذِي يُمْسِكُ السَّماءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ مِنْ شَرِّ ما خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ وَ أَنْشَأَ وَ صَوَّرَ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ وَ شَرِكِهِ وَ قَوْمِهِ وَ مِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْإِنْسِ وَ الْجِنِّ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّهِ مِنْ شَرِّ السَّامَّهِ وَ الْهَامَّهِ وَ اللَّامَّهِ وَ الْحَاصَّهِ وَ مِنْ شَرِّ ما يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما يَعْرُجُ فِيها وَ مِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَّا طَارِقاً يَطْرُقُ بِخَيْرٍ بِاللَّهِ وَ بِالرَّحْمَنِ أَسْتَغِيثُ وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ.» : {پناه می برم به خدایی که آسمان را نگه داشته که بر زمین نیفتد مگر با اذن خودش از شر آنچه خلق کرده و ظاهر ساخته و از عدم به وجود آورده و بدون سابقه ایجاد کرده وصورت بخشیده و از شر شیطان و شریکان و قومش وشر انسانها و جنیان شیطانی پناه می برم به کلمات تام خدا از شر سامه (موجودی موذی که سم دارد ولی نمی کشد مثل عقرب و زنبور و شبیه به آن) و از شر هامه (هر موجود سم دار و کشنده و گاهی اطلاق می شود بر حیوانی که آهسته می خزد یا راه میرود مثل حشرات) و از شر لامه (هرچه مایه ملامت انسان شود و او را دچار بدی کند مثل چشم زخم) و حاصه (هرچیزی که شیء را آتش می زند و آن را از بین می برد) و شر هر آنچه از آسمان فرو ریزد و به آن بالا رود و شر حوادثی که در شب رخ می دهد و در روز مگر آن حادثه ای که به خیر ختم شود . ازخدا واز رحمن یاری می طلبم و بر او توکل می کنم . الله برای من کفایت می کند و خوب وکیلی است} سپس دست

راست را زیر سر می نهی و می گویی آنچه را که از امام باقر علیه السّلام روایت داریم که فرمود: در اینجا بگوید: بسم اللّه، بار خدایا! خود را به تو تسلیم کردم و رو به سوی تو کردم و کارم را به تو وانهادم و به تو پناهنده شدم و بر تو توکل کردم از بیم و رغبت به درگاهت، پناهی و نجاتی نیست از حضرت تو جز به خودت. ایمان دارم به کتابی که نازل کردی و به رسولی که فرستادی. سپس تسبیح فاطمه علیه السّلام را بخواند،

و همانند این را در خوابیدن بر پهلوی راست گفتیم و در اینجا یک زیاده است و این مخصوص وقت بالش نمودن دست راست است.

و باز چون به بستر رفتی، بگو آنچه را که از امام صادق علیه السّلام روایت است که فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی عَلَا فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی بَطَنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَلَکَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی یُحْیِ الْمَوْتی وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیر» {حمد مخصوص خدایی است که برتر است و غالب گردد و حمد مخصوص خدایی است که باطن است و خبر دارد و حمد مخصوص خدایی است که مالک است و قدرت دارد و حمد مخصوص خدایی است که مردگان را زنده کند و بر هر چیزی توانا است} تا از گناهان به در آید، همانند روزی که ازمادرش زاده شده.

**[ترجمه]

أَقُولُ

وَ إِنْ شِئْتَ فَکُنْ کَمَمْلُوکٍ أَعْرِفُهُ مِنْ مَمَالِیکِ اللَّهِ إِذَا نَامَ بِالْإِذْنِ مِنَ اللَّهِ وَ الْأَدَبِ مَعَ اللَّهِ وَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَهَ بِوَجْهِهِ إِلَی اللَّهِ وَ تَوَسَّدَ یَمِینَهُ عَلَی صِفَاتِ الثَّکْلَی الْوَاضِعَهِ یَدَهَا عَلَی خَدِّهَا فَإِنَّهُ قَدْ ثَکِلَ کَثِیراً مِمَّا یُقَرِّبُهُ إِلَی اللَّهِ وَ یَقْصِدُ بِتِلْکَ النَّوْمَهِ أَنْ یَتَقَوَّی بِهَا فِی الْیَقَظَهِ عَلَی طَاعَهِ اللَّهِ وَ عَلَی مَا یُرَادُ فِی تِلْکَ الْحَالِ مِنَ الْعُبُودِیَّهِ وَ الذِّلَّهِ لِلَّهِ وَ کَأَنَّ جَبَلَ ذُنُوبِ قَلْبِهِ قَدْ رُفِعَ عَلَی رَأْسِهِ لِیَسْقُطَ عَلَیْهِ مِنْ یَدِ غَضَبِ اللَّهِ کَمَا جَرَی لِبَنِی إِسْرَائِیلَ حَیْثُ قَالَ جَلَّ جَلَالُهُ- وَ إِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ کَأَنَّهُ ظُلَّهٌ(۱) فَإِنَّ أُولَئِکَ ذَلُّوا وَ اسْتَسْلَمُوا لِذَلِکَ خَوْفاً مِنْ سُقُوطِ الْجَبَلِ عَلَی الْحَیَاهِ الْفَانِیَهِ وَ جَبَلُ الذُّنُوبِ یَخَافُ صَاحِبُهُ أَنْ یَسْقُطَ عَلَیْهِ فَیُهْلِکَ جَمِیعَ حَیَاتِهِ وَ سَعَادَتِهِ الْفَانِیَهِ وَ الْبَاقِیَهِ وَ إِنَّ هَذَا الْمَمْلُوکَ إِذَا تَوَسَّدَ یَمِینَهُ قَرَأَ الْحَمْدَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَرَأَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ إِحْدَی عَشْرَهَ مَرَّهً ثُمَّ قَرَأَ سُورَهَ أَلْهاکُمُ التَّکاثُرُ مَرَّهً ثُمَّ قَرَأَ قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ قَرَأَ آیَهَ الْکُرْسِیِّ مَرَّهً ثُمَّ قَرَأَ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ(۲) إِلَی آخِرِ الْآیَهِ ثُمَّ قَرَأَ آخِرَ الْحَشْرِ مِنْ قَوْلِهِ لَوْ أَنْزَلْنا ثُمَّ قَرَأَ إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً(۳)

ثُمَّ قَرَأَ آیَهَ السُّخْرَهِ(۴) ثُمَّ قَرَأَ آمَنَ الرَّسُولُ إِلَی آخِرِ سُورَهِ الْبَقَرَهِ(۵)

ثُمَّ قَرَأَ أَوَاخِرَ الْکَهْفِ قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ إِلَی آخِرِ السُّورَهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِّی مَکْرَکَ وَ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَکَ وَ لَا تَوَلَّ عَنِّی وَجْهَکَ وَ لَا تَهْتِکْ عَنِّی سِتْرَکَ وَ لَا تُؤَاخِذْنِی عَلَی تَمَرُّدِی وَ لَا تَجْعَلْنِی مِنَ الْغَافِلِینَ وَ أَیْقِظْنِی مِنْ رَقْدَتِی وَ سَهِّلِ الْقِیَامَ فِی هَذِهِ اللَّیْلَهِ فِی أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَیْکَ وَ ارْزُقْنِی

١- ١. الأعراف: ١٧١.

٢- ٢. آل عمران: ١٨.

٣- ٣. فاطر: ٣٩.

٤- ٤. الزخرف: ١٣.

٥- ٥. البقره: ٢٨٥.

فِيهَا ذِكْرَكَ وَ الصَّلَاةَ وَ الشُّكْرَ وَ الدُّعَاءَ حَتَّى أَسْأَلَكَ فَتُعْطِيَنِي وَ أَدْعُوَكَ فَتَسْتَجِيبَ لِي وَ أَسْتَغْفِرَكَ فَتَغْفِرَ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ثُمَّ قَالَ لِلْخَوْفِ مِنَ الِاحْتِلَامِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الِاحْتِلَامِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَحْلَامِ وَ أَنْ يَلْعَبَ بِيَ الشَّيْطَانُ فِي الْيَقَظَهِ وَ الْمَنَامِ ثُمَّ قَرَأَ لِذَلِكَ- قُلْ مَنْ يَكْلَؤُكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهارِ مِنَ الرَّحْمنِ (۱) الْآيَهَ ثُمَّ يَقْرَأُ آخِرَ بَنِي إِسْرَائِيلَ- قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ أَيًّا ما تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنى وَ لا تَجْهَرْ بِصَلاتِكَ وَ لا تُخافِتْ بِها وَ ابْتَغِ بَيْنَ ذلِكَ سَبِيلًا- وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً ثُمَّ يُسَبِّحُ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ عليها السلام وَ هُوَ آخِرُ مَا يَقُولُهُ عِنْدَ الْمَنَامِ وَ قَدْ رَوَى فِي كُلِّ شَيْ ءٍ مِنْ ذَلِكَ رِوَايَهً فِي فَضْلِ مَا اعْتَمَدَ عَلَيْهِ ثُمَّ رَتَّبَهُ كَمَا هَدَاهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَيْهِ وَ لِكُلِّ شَيْ ءٍ مِمَّا قَرَأَهُ فَوَائِدُ عَظِيمَهٌ يَطُولُ الْكِتَابُ بِإِيرَادِهَا وَ تَعْدَادِهَا وَ قَدْ رَوَيْنَا فِيمَا خَتَمَ بِهِ هَذَا الْمَمْلُوكُ عَمَلَهُ عِنْدَ الْمَنَامِ مِنْ تَسْبِيحِ الزَّهْرَاءِ فَاطِمَهَ عليها السلام مَا رَوَيْتُهُ عَنْ جَدِّي أَبِي جَعْفَرٍ الطُّوسِيِّ- عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي جِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ- عَنِ الشَّيْخِ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ فِيمَا رَوَاهُ فِي كِتَابِ ثَوَابِ الْأَعْمَالِ.

قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِذَا أَوَى أَحَدُكُمْ إِلَى فِرَاشِهِ ابْتَدَرَهُ مَلَكٌ كَرِيمٌ وَ شَيْطَانٌ مَرِيدٌ فَيَقُولُ لَهُ الْمَلَكُ اخْتِمْ يَوْمَكَ بِخَيْرٍ وَ افْتَحْ لَيْلَكَ بِخَيْرٍ وَ يَقُولُ لَهُ الشَّيْطَانُ اخْتِمْ يَوْمَكَ بِإِثْمٍ وَ افْتَحْ لَيْلَكَ بِإِثْمٍ قَالَ فَإِنْ أَطَاعَ الْمَلَكَ الْكَرِيمَ وَ خَتَمَ يَوْمَهُ بِذِكْرِ اللَّهِ وَ فَتَحَ لَيْلَهُ بِذِكْرِ اللَّهِ إِذَا أَخَذَ مَضْجَعَهُ وَ كَبَّرَ اللَّهَ أَرْبَعاً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّهً وَ حَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّهً وَ سَبَّحَ اللَّهَ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِينَ مَرَّهً زَجَرَ الْمَلَكُ الشَّيْطَانَ فَتَنَحَّى وَ كَلَأَهُ الْمَلَكُ حَتَّى يَنْتَبِهَ مِنْ رَقْدَتِهِ فَإِذَا انْتَبَهَ ابْتَدَرَهُ شَيْطَانُهُ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ مَقَالَتِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْقُدَ وَ يَقُولُ لَهُ الْمَلَكُ مِثْلَ مَا قَالَ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَرْقُدَ فَإِنْ ذَكَرَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ الْعَبْدُ بِمِثْلِ مَا ذَكَرَهُ أَوَّلًا طَرَدَ الْمَلَكُ شَيْطَانَهُ فَتَنَحَّى وَ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ بِذَلِكَ قُنُوتَ لَيْلِهِ.

۱- ۱. الأنبياء: ۴۲.

ذکر روایه عن الهادی علیه السلام بما یقول أهل البیت علیهم السلام عند المنام.

حَدَّثَ الْحُسَیْنُ بْنُ سَعِیدٍ الْمَخْزُومِیُّ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَحْمَدَ الْبُوشَنْجِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِیٍّ السَّلَامِیِّ قَالَ سَمِعْتُ إِسْحَاقَ بْنَ مُحَمَّدٍ الزَّنْجَانِیَّ یَقُولُ سَمِعْتُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ الْعَلَوِیَّ یَقُولُ سَمِعْتُ عَلِیَّ بْنَ مُوسَی الرِّضَا علیه السلام یَقُولُ: لَنَا أَهْلَ الْبَیْتِ عِنْدَ نَوْمِنَا عَشْرُ خِصَالٍ الطَّهَارَهُ وَ تَوَسُّدُ الْیَمِینِ وَ تَسْبِیحُ اللَّهِ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِینَ وَ تَحْمِیدُهُ ثَلَاثاً وَ ثَلَاثِینَ وَ تَکْبِیرُهُ أَرْبَعاً وَ ثَلَاثِینَ وَ نَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَهَ بِوَجْهِنَا وَ نَقْرَأُ فَاتِحَهَ الْکِتَابِ وَ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ إِلَی آخِرِ الْآیَهِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِکَ فَقَدْ أَخَذَ بِحَظِّهِ مِنْ لَیْلَتِهِ.

یقول السید الإمام العالم العامل الفقیه العلامه رضی الدین رکن الإسلام جمال العارفین أبو القاسم علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن محمد الطاوس هکذا وجدت هذا الحدیث فإن الراوی ذکر عشر خصال ثم عدد تسع خصال فلعله سها فی الجمله أو

التفصیل و الظاهر أنه فی التفصیل لأن خصالهم عند النوم أکثر من تسع کما رویناه و لعله قد وقع السهو عن ذکر قراءه قل هو الله أحد أو قراءه إنا أنزلناه ذکر تفصیل فضائل بعض ما أجملناه قد قدمنا فضل قراءه قل هو الله أحد إحدی عشره مره و مائه مره کما رویناه.

وَ أَمَّا قِرَاءَهُ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِحْدَی عَشْرَهَ مَرَّهً فَقَدْ رَوَی أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَی رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَیْهِ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مِیثَمٍ وَ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا بْنِ شَیْبَانَ عَنِ الطَّیَالِسِیِّ وَ أَخْبَرَنَا ابْنُ الطَّیِّبِ عَبْدُ الْغَفَّارِ بْنُ عُبَیْدِ بْنِ السَّرِیِّ الْمُقْرِی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ ابْنِ الْبَطَائِنِیِّ عَنْ أَبِی الْمَغْرَاءِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ: مَنْ قَرَأَ سُورَهَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَهِ الْقَدْرِ إِحْدَی عَشْرَهَ مَرَّهً عِنْدَ مَنَامِهِ وَکَّلَ اللَّهُ بِهِ أَحَدَ عَشَرَ مَلَکاً یَحْفَظُونَهُ مِنْ کُلِّ شَیْطَانٍ رَجِیمٍ حَتَّی یُصْبِحَ.

ذِکْرُ فَضِیلَهِ قِرَاءَهِ أَلْهَاکُمُ التَّکَاثُرُ رَوَی أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَی رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَیْهِ

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ قَرَأَ أَلْهَاکُمُ التَّکَاثُرُ عِنْدَ النَّوْمِ وُقِیَ فِتْنَهَ الْقَبْرِ.

ذِکْرُ فَضِیلَهِ الْآیَهِ إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ رَوَی أَبُو الْمُفَضَّلِ عَنِ الْعَیَّاشِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ هُلَیْلٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ: لَمْ یَقُلْ أَحَدٌ قَطُّ إِذَا أَرَادَ أَنْ یَنَامَ- إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً فَسَقَطَ عَلَیْهِ الْبَیْتُ.

ذِکْرُ فَضِیلَهِ قِرَاءَهِ آیَهِ الْکُرْسِیِّ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ حَدَّثَ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَی رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَیْهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ هَارُونَ بْنِ حَیْدُورٍ الْمَدَائِنِیِّ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَخِیهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ جَمِیلِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْوَلِیدِ بْنِ صَبِیحٍ قَالَ قَالَ لِی شِهَابُ بْنُ عَبْدِ رَبِّهِ: اقْرَأْ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام مِنِّی السَّلَامَ وَ أَخْبِرْهُ أَنِّی یُصِیبُنِی فَزَعٌ فِی مَنَامِی فَقُلْتُ لَهُ ذَلِکَ فَقَالَ قُلْ لَهُ إِذَا أَوَی إِلَی فِرَاشِهِ فَلْیَقْرَأِ- الْمُعَوِّذَتَیْنِ وَ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ آیَهُ الْکُرْسِیِّ أَفْضَلُ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ.

رِوَایَهٌ أُخْرَی لِمَنْ کَانَ یَتَفَزَّعُ مِنْ کِتَابِ الْمَشِیخَهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا کَانَ یَتَفَزَّعُ یَقُولُ عِنْدَ النَّوْمِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ- لا شَرِیکَ لَهُ- یُحْیِی وَ یُمِیتُ وَ یُمِیتُ وَ یُحْیِی وَ هُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ یُسَبِّحُ تَسْبِیحَ الزَّهْرَاءِ فَإِنَّهُ یَزُولُ ذَلِکَ.

ذِکْرُ فَضِیلَهٍ لِآخِرِ سُورَهِ بَنِی إِسْرَائِیلَ وَ آخِرِ سُورَهِ الْکَهْفِ حَدَّثَ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَی رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ نُعَیْمٍ عَنِ الْعَیَّاشِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَصِیرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی الْحُسَیْنِ عَلِیِّ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عُلْوَانَ رَفَعَهُ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: أَمَانٌ لِأُمَّتِی مِنَ السَّرَقِ قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ أَیًّا ما تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی وَ لا تَجْهَرْ بِصَلاتِکَ وَ لا تُخافِتْ بِها وَ ابْتَغِ بَیْنَ ذلِکَ

سَبِیلًا- وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً وَ مَنْ قَرَأَ هَذِهِ الْآیَهَ عِنْدَ مَنَامِهِ- قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُکُمْ یُوحی إِلَیَّ أَنَّما إِلهُکُمْ إِلهٌ واحِدٌ فَمَنْ کانَ یَرْجُوا لِقاءَ رَبِّهِ فَلْیَعْمَلْ عَمَلًا صالِحاً وَ لا یُشْرِکْ بِعِبادَهِ رَبِّهِ أَحَداً سَطَعَ لَهُ نُورٌ إِلَی الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَشْوُ ذَلِکَ النُّورِ مَلَائِکَهٌ یَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّی یُصْبِحَ.

رِوَایَهٌ الْأَمَانِ مِنَ الِاحْتِلَامِ حَدَّثَ أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِیهِ عَلِیِّ بْنِ مَهْزِیَارَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیٍّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِمْ أَنَّهُ قَالَ یَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنَ الِاحْتِلَامِ وَ مِنْ شَرِّ الْأَحْلَامِ وَ أَنْ یَلْعَبَ بِیَ الشَّیْطَانُ فِی الْیَقَظَهِ وَ الْمَنَامِ.

رِوَایَهٌ فِی الْأَمَانِ مِنَ اللُّصُوصِ حَدَّثَ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَی رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ السَّیَّارِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَکْرٍ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَهَ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ: وَ الَّذِی بَعَثَ مُحَمَّداً بِالْحَقِّ وَ أَکْرَمَ أَهْلَ بَیْتِهِ مَا مِنْ شَیْ ءٍ تَطْلُبُونَهُ مِنْ حِرْزٍ مِنْ حَرَقٍ أَوْ غَرَقٍ أَوْ شَرَقٍ أَوْ سَرَقٍ أَوْ إِتْلَافِ دَابَّهٍ مِنْ صَاحِبِهَا أَوْ ضَالَّهٍ مِنَ الْآبِقِ إِلَّا وَ هِیَ فِی کِتَابِ اللَّهِ تَعَالَی فَمَنْ أَرَادَ عِلْمَ ذَلِکَ فَلْیَسْأَلْنِی عَنْهُ فَقَامَ إِلَیْهِ رَجُلٌ فَقَالَ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ أَخْبِرْنِی عَنِ السَّرَقِ فَإِنَّهُ لَا یَزَالُ قَدْ سُرِقَ لِیَ الشَّیْ ءُ بَعْدَ الشَّیْ ءِ لَیْلًا فَقَالَ إِذَا أَوَیْتَ إِلَی فِرَاشِکَ فَاقْرَأْ- قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ أَیًّا ما تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی وَ لا تَجْهَرْ بِصَلاتِکَ وَ لا تُخافِتْ بِها وَ ابْتَغِ بَیْنَ ذلِکَ سَبِیلًا- وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَ لَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً.

رِوَایَهٌ فِی الْأَمَانِ مِنَ السَّیْفِ (۱)

حَدَّثَ أَبُو الْمُفَضَّلِ عَنِ ابْنِ الْعَیَّاشِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی الْحَسَنِ عَلِیِّ بْنِ یَحْیَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ

۱- ۱. فی المصدر المطبوع: من السرقه، فی الموضعین و هو الظاهر من الاخبار.

عُلْوَانَ رَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: أَمَانٌ لِأُمَّتِی مِنَ السَّیْفِ قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ وَ قَرَأَ آیَهَ الْکُرْسِیِ (۱).

ذِکْرُ مَا یَحْتَاجُ إِلَیْهِ الْإِنْسَانُ إِذَا أَرَادَ النَّوْمَ فِی حَالٍ دُونَ حَالٍ فَمِنْ ذَلِکَ إِذَا کَانَ یُرِیدُ النَّوْمَ وَ قَدْ مُنِعَ مِنْ ذَلِکَ لِغَیْرِ الْعَافِیَهِ

حَدَّثَ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَی رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِکٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی الْحَسَنِ الصَّائِغِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الصَّیْرَفِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَصَابَکَ الْأَرَقُ فَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ ذِی الشَّأْنِ دَائِمِ السُّلْطَانِ عَظِیمِ الْبُرْهَانِ کُلَّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَأْنٍ.

رِوَایَهٌ أُخْرَی فِی زَوَالِ الْأَرَقِ وَ اسْتِجْلَابِ النَّوْمِ حَدَّثَ أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ کَتَبَ إِلَیَّ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ الْکُوفِیُّ مِنْ مِصْرَ عَنْ مُوسَی بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیٍّ علیهم السلام: أَنَّ فَاطِمَهَ شَکَتْ إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله الْأَرَقَ فَقَالَ لَهَا قُولِی یَا بُنَیَّهِ یَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَهِ وَ یَا کَاسِیَ الْجُسُومِ الْعَارِیَهِ وَ یَا سَاکِنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَهِ وَ یَا مُنَوِّمَ الْعُیُونِ السَّاهِرَهِ سَکِّنْ عُرُوقِیَ الضَّارِبَهَ وَ أْذَنْ لِعَیْنِی نَوْماً عَاجِلًا قَالَ فَقَالَتْهُ فَذَهَبَ عَنْهَا مَا کَانَتْ تَجِدُهُ.

رِوَایَهٌ أُخْرَی فِی زَوَالِ الْأَرَقِ وَ اسْتِجْلَابِ النَّوْمِ حَدَّثَ أَسَدُ بْنُ إِبْرَاهِیمَ السُّلَمِیُّ عَنْ یَحْیَی بْنِ سَعِیدٍ الْعَطَّارِ الْحَرَّانِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِی شَیْخٍ الرَّائِقِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ طَاهِرِ بْنِ مُوسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَیْدِ اللَّهِ عَنْ مَسْعُودِ بْنِ عَلْقَمَهَ بْنِ زَیْدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَابِطٍ قَالَ أَصَابَ خَالِدَ بْنَ الْوَلِیدِ أَرَقٌ فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: أَ لَا أُعَلِّمُکَ کَلِمَاتٍ إِذَا قُلْتَهُنَّ نِمْتَ قَالَ بَلَی قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّیَاطِینِ وَ مَا أَضَلَّتْ کُنْ حِرْزِی مِنْ خَلْقِکَ جَمِیعاً أَنْ یَفْرُطَ عَلَیَّ أَحَدُهُمْ أَوْ أَنْ یَطْغَی عَزَّ جَارُکَ وَ لَا إِلَهَ غَیْرُکَ.

ص: ۲۱۳

۱– ۱. فی المصدر المطبوع: و قرأ الآیه.

و من ذلک روایه فیما یقال عند النوم لطلب الرزق و الأمان من الهوام.

حَدَّثَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ الْغَلَابِیُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی الْعَطَّارِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِی حَمْزَهَ الثُّمَالِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ علیهما السلام قَالَ: مَنْ قَالَ إِذَا أَوَی إِلَی فِرَاشِهِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا شَیْ ءَ قَبْلَکَ وَ أَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَیْ ءَ فَوْقَکَ وَ أَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَیْ ءَ دُونَکَ وَ أَنْتَ الْآخِرُ فَلَا شَیْ ءَ بَعْدَکَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ رَبَّ التَّوْرَاهِ وَ الْإِنْجِیلِ وَ الزَّبُورِ وَ الْفُرْقَانِ الْحَکِیمِ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا إِنَّکَ عَلَی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ نَفَی اللَّهُ عَنْهُ الْفَقْرَ وَ صَرَفَ عَنْهُ کُلَّ دَابَّهٍ.

وَ مِنْ ذَلِکَ إِذَا أَرَدْتَ رُؤْیَهَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی مَنَامِکَ حَدَّثَ الشَّرِیفُ أَبُو الْقَاسِمِ الْحُسَیْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِیلَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ الْعَلَوِیُّ ابْنُ أَخِی الْکَوْکَبِیِّ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مُحَمَّدٍ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ عَلِیِّ بْنِ قُدَامَهَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدَانَ الْبَرْدَعِیِّ عَنْ سَهْلِ بْنِ صَغِیرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: مَنْ أَرَادَ أَنْ یَرَی سَیِّدَنَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی مَنَامِهِ فَلْیُصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَهَ وَ لْیَغْتَسِلْ غُسْلًا نَظِیفاً وَ لْیُصَلِّ أَرْبَعَ رَکَعَاتٍ بِأَرْبَعِ مره(۱)

[مِائَهِ] آیَهِ الْکُرْسِیِّ وَ لْیُصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ أَلْفَ مَرَّهٍ وَ لْیَبِتْ عَلَی ثَوْبٍ نَظِیفٍ لَمْ یُجَامِعْ عَلَیْهِ حَلَالًا وَ لَا حَرَاماً وَ لْیَضَعْ یَدَهُ الْیُمْنَی تَحْتَ خَدِّهِ الْأَیْمَنِ وَ لْیُسَبِّحْ مِائَهَ مَرَّهٍ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ لْیَقُلْ مِائَهَ مَرَّهٍ مَا شَاءَ اللَّهُ فَإِنَّهُ یَرَی النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله فِی مَنَامِهِ.

وَ مِنْ ذَلِکَ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ یَبْلُغَ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله سَلَامُکَ عَلَیْهِ وَ بَشَّرَکَ کَالتَّسْلِیمِ عَلَیْکَ فَقُلْ مَا رَوَیْنَاهُ فِی الْجُزْءِ الثَّالِثِ مِنْ کِتَابِ التَّجَمُّلِ فِی تَرْجَمَهِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ قورجه بِإِسْنَادِهِ قَالَ سَمِعْتُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: مَنْ أَوَی إِلَی فِرَاشِهِ ثُمَ

۱- ۱. فی المصدر المطبوع بأربع مائه.

قَرَأَ تَبارَكَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ رَبَّ الْحِلِّ وَ الْحَرَمِ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّی تَحِیَّةً وَ سَلَاماً أَرْبَعَ مَرَّاتٍ وَکَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَکَیْنِ حَتَّی یَأْتِیَا مُحَمَّداً فَیَقُولَانِ یَا مُحَمَّدُ إِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ یَقْرَأُ عَلَیْکَ السَّلَامَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ فَیَقُولُ صلی الله علیه و آله وَ عَلَی فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ السَّلَامُ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ (۱).

وَ مِنْ ذَلِکَ إِذَا أَرَدْتَ رُؤْیَا أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ فِی مَنَامِکَ: فَقُلْ عِنْدَ مَضْجَعِکَ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ یَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِیٌّ وَ أَیَادِیهِ بَاسِطَهٌ لَا تَنْقَضِی أَسْأَلُکَ بِلُطْفِکَ الْخَفِیِّ الَّذِی مَا لَطُفْتَ بِهِ لِعَبْدٍ إِلَّا کُفِیَ أَنْ تُرِیَنِی مَوْلَایَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام فِی مَنَامِی.

وَ مِنْ ذَلِکَ إِذَا أَرَادَ رُؤْیَا مَیِّتِهِ فِی مَنَامِهِ حَدَّثَ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَی رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِکٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُسَیْنٍ الصَّائِغِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ وَ أَعْطَانِیهِ فِی رُقْعَهٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ بَکْرٍ الطَّحَّانِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ بَعْضِهِمْ علیهم السلام قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَرَی مَیِّتَکَ فَبِتْ عَلَی طُهْرٍ وَ انْضَجِعْ عَلَی یَمِینِکَ وَ سَبِّحْ تَسْبِیحَ فَاطِمَهَ علیها السلام ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَدُّ الَّذِی لَا یُوصَفُ وَ الْإِیمَانُ یُعْرَفُ مِنْهُ مِنْکَ بَدَتِ الْأَشْیَاءُ وَ إِلَیْکَ تَعُودُ فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا کُنْتَ مَلْجَأَهُ وَ مَنْجَاهُ وَ مَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ یَکُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَ لَا مَنْجَی مِنْکَ إِلَّا إِلَیْکَ فَأَسْأَلُکَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَسْأَلُکَ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ النَّبِیِّینَ وَ بِحَقِّ عَلِیٍّ خَیْرِ الْوَصِیِّینَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَهَ سَیِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ اللَّذَیْنِ جَعَلْتَهُمَا سَیِّدَیْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ أَنْ تُرِیَنِی مَیِّتِی فِی الْحَالِ الَّتِی هُوَ فِیهَا فَإِنَّکَ تَرَاهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

وَ مِنْ ذَلِکَ إِذَا کُنْتَ تُرِیدُ الِانْتِبَاهَ عَلَی کُلِّ حَالٍ أَوْ لِلدُّعَاءِ وَ الِاسْتِغْفَارِ أَوْ لِصَلَاهِ اللَّیْلِ وَ فِیهِ رِوَایَاتٌ فَمِنَ الرِّوَایَاتِ لِلِانْتِبَاهِ عَلَی کُلِّ حَالٍ مَا حَدَّثَ بِهِ أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ ابْنِ الْعَیَّاشِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْعَمْرَکِیِّ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِیدِ النَّخَعِیِّ عَنْ فُضَیْلٍ بَیَّاعِ الملا [الْمُلَاءِ] عَنْ

۱- ۱. هذه القطعه لا یوجد فی فلاح السائل.

أَبِی حَمْزَهَ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَا نَوَی عَبْدٌ أَنْ یَقُومَ أَیَّهَ سَاعَهٍ نَوَی یَعْلَمُ اللَّهُ ذَلِکَ مِنْهُ إِلَّا وَکَّلَ اللَّهُ بِهِ مَلَکَیْنِ یُحَرِّکَانِهِ تِلْکَ السَّاعَهَ.

وَ مِنَ الرِّوَایَاتِ لِلِانْتِبَاهِ عَلَی کُلِّ حَالٍ مَا رَوَاهُ أَبُو الْمُفَضَّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَامِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُذَاعَهَ قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ یَقْرَأُ آخِرَ الْکَهْفِ حِینَ یَأْوِی إِلَی فِرَاشِهِ إِلَّا اسْتَیْقَظَ فِی السَّاعَهِ الَّتِی یُرِیدُ.

وَ مِنَ الرِّوَایَاتِ لِلِانْتِبَاهِ لِلدُّعَاءِ وَ الِاسْتِغْفَارِ حَدَّثَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیِّ بْنِ شَاذَانَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ یَحْیَی عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ الْأَرَّجَانِیِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی الْحَسَنِ أَوْ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام قَالَ: مَنْ أَحَبَّ أَنْ یَنْتَبِهَ بِاللَّیْلِ فَلْیَقُلْ عِنْدَ النَّوْمِ- اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَکَ وَ لَا تُؤْمِنِّی مَکْرَکَ وَ لَا تَجْعَلْنِی مِنَ الْغَافِلِینَ وَ أَنْبِهْنِی لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَیْکَ أَدْعُوکَ فِیهَا فَتَسْتَجِیبُ لِی وَ أَسْأَلُکَ فَتُعْطِینِی وَ أَسْتَغْفِرُکَ فَتَغْفِرُ لِی إِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ قَالَ ثُمَّ یَبْعَثُ اللَّهُ تَعَالَی إِلَیْهِ مَلَکَیْنِ یُنَبِّهَانِهِ فَإِنِ انْتَبَهَ وَ إِلَّا أَمَرَ أَنْ یَسْتَغْفِرَا لَهُ فَإِنْ مَاتَ فِی تِلْکَ اللَّیْلَهِ مَاتَ شَهِیداً وَ إِذَا انْتَبَهَ لَمْ یَسْأَلِ اللَّهَ تَعَالَی شَیْئاً فِی ذَلِکَ الْمَوْقِفِ إِلَّا أَعْطَاهُ (۱).

ق، [الکتاب العتیق الغرویّ] عن أبی الحسن علیه السلام: مثله.

**[ترجمه]اگر خواهی، چون مملوکی باش از ممالیک خدا که می شناسم و با اذن خدا مؤدبانه روی به قبله به سوی خدا کرده و دست راست را بالش نموده و مانند زن جوان مرده، دست راست را زیر گونه نهاده، چون که بسیاری از آنچه مایه نزدیکی به خداست را از دست داده، و قصدش از این خواب، نیرو در بیداری است برای طاعت خدا و برای بندگی و زبونی به درگاه خدا، و گویا کوه گناهانش بالای سر او است که با دست خشم خدا بر سرش فرود آید، چنانی که به بنی اسرائیل گذشت و خدا جل جلاله فرموده: «و إذ نتقنا الجبل فوقهم کأنه ظله.» - . اعراف/ ۱۷۱ - {و [یاد کن] هنگامی را که کوه [طور] را بر فرازشان سایبان آسا، برافراشتیم، و چنان پنداشتند که [کوه] بر سرشان فرو خواهد افتاد.} زیرا آنها از بیم اینکه کوه بر آنها افتد و زندگانی فانی آنها را نابود کند، زبون شدند و تسلیم آن شدند و کوه گناهان اگر بر گنهکار در افتد، زندگی سعادت فانی و باقی او را نابود سازد.

و این بنده چون دست راست را بالش کند، سه بار حمد را بخواند و یازده بار سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را، سپس یک بار سوره تکاثر را و باز سه بار سوره «قُلْ یا أَیُّهَا الْکافِرُونَ» را.

سپس سه بار بگو: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ و سه بار قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ.» پس یک بار آیه الکرسی را بخوان و باز آیه: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ» - . آل عمران/ ۱۸ - تا آخر آیه را. سپس آخر سوره حشر را از «لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ» بخوان. پس این آیه را بخوان: «إِنَّ اللَّهَ یُمْسِکُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زالَتا إِنْ أَمْسَکَهُما مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ کانَ حَلِیماً غَفُوراً.» - . فاطر/ ۳۹ -

سپس آیه سخره - . زخرف/ ۱۳ -

را بخواند. پس «آمن الرسول» را تا آخر سوره بقره - . بقره/ ۲۸۵ -

بخوانـد. سـپس آخر سوره کهف: «قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ» تا آخر سوره را بخوانـد. سـپس بگویـد: «اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِّی مَكْرَكَ وَ لَا تُنْسِنِی ذِكْرَكَ وَ لَا تَوَلَّ عَنِّی وَجْهَكَ وَ لَا تَهْتِكْ عَنِّی سِتْرَكَ وَ لَا تُؤَاخِذْنِی عَلَى تَمَرُّدِی وَ لَا تَجْعَلْنِی مِنَ الْغَافِلِینَ وَ أَیْقِظْنِی مِنْ رَقْدَتِی وَ سَهِّلِ الْقِیَامَ فِی هَذِهِ اللَّیْلَهِ فِی أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَیْكَ وَ ارْزُقْنِی فِیهَا ذِكْرَكَ وَ الصَّلَاهَ وَ الشُّكْرَ وَ الدُّعَاءَ حَتَّى أَسْأَلَكَ فَتُعْطِیَنِی وَ أَدْعُوَكَ فَتَسْتَجِیبَ لِی وَ أَسْتَغْفِرَكَ فَتَغْفِرَ لِی إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیم.» {خدایا چنان قرار نده خود را از مکر تو ایمن ببینم و یاد تـو را فراموش کنم و روی خـود را از من بر مگردان و پرده پوشـی خـود را از من میفکن و و مرا بر نافرمـانیم بـاز خواست مکن و مرا از غافلان قرار مـده و مرا از خوابم بیـدار کن و نماز گزاردن را در این شب در بهترین ساعاتی که دوست داری بر من آسان کن و یاد و ذکر خودت و نماز و شکر و دعا را در آن روزیم کن تا از تو بخواهم و تو به من ببخشـی و دعا کنم و تو اجابت کنی و طلب مغفرت کنم و تو بر من ببخشایی که فقط تو آمرزش پذیر و مهربانی}

سپس گفت: برای بیم از احتلام بگویـد: «خـدایا! به تو پنـاه می برم از احتلام و شـر خوا ب های پریشان و از اینکه شـیطان در بیـداری و خواب مرا به بـازی گیرد.» و برای آن آیه: «قُلْ مَنْ یَكْلَؤُكُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهارِ مِنَ الرَّحْمنِ» - . انبیاء: ۴۲ - تا آخر آیه را بخواند. سپس آخر آیه «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ أَیًّا ما تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنی وَ لا تَجْهَرْ بِصَلاتِكَ وَ لا تُخافِتْ بِها وَ ابْتَغِ بَیْنَ ذلِكَ سَبِیلًا- وَ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ شَرِیكٌ فِی الْمُلْكِ وَ لَمْ یَكُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِیرا.» - . اسراء / ۱۱۱ -

{بگـو: «خـدا را بخوانیـد یـا رحمـان را بخوانیـد، هر کـدام را بخوانیـد، برای او نامهـای نیکوتر است.» و نمـازت را به آواز بلند مخوان و بسـیار آهسته اش مکن، و میان این [و آن] راهی [میانه] جوی. و بگو: «ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانـداری شـریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشـته باشد.» و او را بسـیار بزرگ شـمار.} بخواند. سـپس تسبیح زهرا علیه السّـلام را بگویـد و آن آخر اذکـار وقت خواب است. و برای هر کـدام از این اذکار فضـلی است مورد اعتماد که به هـدایت الهی آن را مرتب کرده و گفته که برای هر یک فایده های بزرگی است که کتاب به ذکر آنها و شمارشـشان به درازا کشد. و در فضل تسبیح زهرا علیها السّـلام که پایان آنها بود، روایتی دارم از امام صادق علیه السّـلام که فرمود: چون کسـی به بسترش جا کنـد، یک فرشـته کریم و یک شـیطان سـرکش بر او پیشـی گیرنـد و آن فرشـته گویـد: روزت را به خوبی به پایان رسـانم و شـبت را به خوبی برگشایم. و شـیطان گویـد: روزت را به گناه به سـر رسانم و شـبت را به گناه کشانم. فرمود: اگر به فرمان فرشته باشد و روزش را به ذکر خدا گذراند و شبش را به ذکر او گشاید، چون به خوابگاهش رود و سی و چهار بار «الله اکبر» گوید و سـی و سه بار «الحمد لله» و سـی و سه بار «سبحان الله»، آن فرشته شیطان را براند و دور شود و او را نگهبانی کند تا از خوابش بیدار شود. و چون بیدار شود، شـیطان او پیش آید و همان گفتار پیش از خواب را به او گوید و فرشـته هم آید و همان گفته پیش از خواب را به او گویـد. پس اگر بنـده ماننـد گذشـته به یاد خدا عزوجل باشد، فرشـته شـیطان را براند و دور شود و خدا عزوجل عبادت یک شب را برایش بنویسد.

روایتی از امام هادی علیه السّـلام در آنچه که ائمه علیهم السلام هنگام خواب گویند: از حسین بن سعید مخزومی روایت است که امام رضا علیه السّـلام می فرمود: ما خانـدان را به هنگام خواب ده خصـلت است: طهارت، بالش کردن دست راست، گفتن

سی و سه تسبیح، سی و سه حمد، سی و چهار الله اکبر، رو کردن به قبله، خواندن سوره حمد، آیه الکرسی و آیه «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ» تا آخر، و هر که بر آن مواظبت کند، البته که بهره شب خود را گرفته است.

علی بن طاوس می گوید: من روایت را چنین یافتم که راوی ده خصلت عنوان کرده و نه تا شمرده و شاید در ذکر عنوان یا تفصیل آن سهو کرده و ظاهر آن است که در تفصیل باشد، زیرا عادت آنان هنگام خواب بیش از آن نُه است که شمرده و شاید سهو در خواندن سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» یا سوره« إِنَّا أَنْزَلْناهُ» باشد.

در شرح فضائل آنچه به اجمال گذشت: درباره فضل خواندن یازده بار یا صد بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ روایتی گذشت.

و اما درباره یازده بار سوره «إِنَّا أَنْزَلْناهُ» روایتی است از امام صادق علیه السّلام که می فرمود: هر که در وقت خواب یازده بار سوره «إِنَّا أَنْزَلْناهُ» را بخواند، خدا بر او یازده فرشته گمارد که او را تا صبح از شر هر شیطان رجیمی نگه دارند.

فضل خواندن سوره تکاثر: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که سوره« أَلْهاكُمُ التَّكاثُرُ» را هنگام خوابیدن بخواند، از فتنه قبر محفوظ ماند.

فضل آیه ۴۱ سوره فاطر (إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّماواتِ تا آخر): امام رضا از پدرش علیهما السّلام نقل فرمود: هرگز کسی آن آیه را هنگام قصد خوابیدن نخواند که اتاق بر سرش فرو افتد.

فضل آیه الکرسی و معوّذتین: ولید بن صبیح گفت که شهاب بن عبد ربه به من گفت: به امام صادق علیه السّلام سلام مرا برسان و بگو من در خواب هراس می کنم، و من آن را به حضرتش گفتم. فرمود: به او بگو چون در بستر جا کند، معوّذتین و آیه الکرسی بخواند و آیه الکرسی بهتر از هر چیز است.

روایت دیگر برای فزع از کتاب مشیخه: امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر هراس کند، وقت خواب ده بار بگوید: «لا اله الا الله وحده لا شریک له یحیی و یمیت و یمیت و یحیی و هو حی لا یموت» و تسبیح فاطمه زهراء علیه السّلام را بگوید که این حال از او برود.

فضل آیات آخر سوره بنی اسرائیل و آخر سوره کهف: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: امان است برای امتم از سرقت خواندن: «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ» تا آخر سوره. و هر که وقت خواب «قُلْ إِنَّما أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحى إِلَيَ» تا آخر را بخواند، نوری از او بدرخشد تا مسجدالحرام که در میانش فرشته ها باشند و تا صبح برایش آمرزش خواهند.

روایت امان از احتلام: امام صادق از پدرش، از علی علیهم السّلام نقل فرمود: بار خدایا! به تو پناه می برم از احتلام و شر احلام و از اینکه شیطان مرا به بازی گیرد در بیداری و خواب.

روایت امان از دزدان: اصبغ بن نباته گفت: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: بدان که محمد صلی الله علیه و آله را به حق فرستاد و خاندانش را گرامی داشت، چیزی نجویید برای حرز از سوختن و غرق شدن و گلوگیری و سرقت یا نابودی جاندار از دست صاحبش یا گم شدن بنده گریز پا غیر از آنکه در قرآن خدای تعالی است، و هر که علم بدان را خواهد، از من بپرسد. مردی

برخاست و گفت: ای امیر مؤمنان! به من از دزد زدگی خبر ده که پیوسته در شب از من چیزی دزدند. فرمود: چون به بسترت جا کنی، «قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ» تا آخر سوره اسراء را بخوان.

روایت امان از شمشیر: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: امان امتم از شمشیر، آیه « قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ» است و آیه الکرسی را بخواند.

بیان علاج بی خوابی و بدخوابی: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون دچار بی خوابی شدی، بگو: «سبحان الله ذی الشان دائم السلطان، عظیم البرهان، کل یوم فی شان.» روایت دیگر در زوال بی خوابی و خواب آمدن: امام کاظم از پدرش، از جدش تا امام علی علیهم السّلام روایت کرد که فرمود: فاطمه علیها السّلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله از بی خوابی شکوه کرد. فرمودش: دختر جانم! بگو: يَا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ وَ يَا كَاسِيَ الْجُسُومِ الْعَارِيَةِ وَ يَا سَاكِنَ [مُسَكِّنَ] الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ وَ يَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ سَكِّنْ عُرُوقِيَ الضَّارِبَةَ وَ أْذَنْ لِعَيْنِي نَوْماً عَاجِلا.» {ای سیر کننده شکم های گرسنه و ای پوشاننده تن های لخت و ای تسکین دهنده رگ های بی تاب و ای خواب اندازنده چشمهای بیدار، رگهای بی تاب مرا تسکین ده و به چشمم اجازه خواب زود رس ده} فرمود: آن را گفت و بی خوابی اش رفت.

روایت دیگر درباره بی خوابی و برای خواب آوری: خالد بن ولید دچار بی خوابی شد و پیغمبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: به تو کلماتی بیاموزم که چون بخوانی بخوابی؟ گفت: چرا. فرمود: بگو: «اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَضَلَّتْ كُنْ حِرْزِي مِنْ خَلْقِكَ جَمِيعاً أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدُهُمْ أَوْ أَنْ يَطْغَى عَزَّ جَارُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ.» {خدایا! پروردگار هفت آسمان و هر چه در سایه دارند، و پروردگار هفت زمین و آنچه بر خود دارند، و پروردگار شیاطین و هر چه گمراه کنند، پناه من باش از همه خلق خود، هر کدام که بر من بشورد یا سرکشی کند پناهنده تو عزیز است و معبودی جز حضرت تو نیست.}

و از این باب است روایتی در آنچه به هنگام خوابیدن برای طلب روزی و امان از گزنده گفته شود.

علی بن الحسین علیه السّلام فرمود: هر کس هنگامی که در بسترش جا گیرد بگوید: «خدایا! تویی اول و چیزی پیش از تو نیست، و تویی ظاهر و چیزی فوق بر تو نیست و تویی باطن و چیزی پایین تو نیست، و تویی آخر و چیزی بعد از تو نیست. خدایا! پرورنده هفت آسمان و هفت زمین و رب تورات و انجیل و زبور و فرقان حکیم. به تو پناه می برم از شر هر جاندار که در چنگ تو است که تو بر راه راستی»، خدا از او فقر را ببرد و هر جانداری را از او بگرداند.

و در این باره برای در خواب دیدن رسول خدا صلی الله علیه وآله آمده است که امام صادق علیه السّلام در حدیثی فرمود: هر که بخواهد سید ما رسول الله را در خواب بیند، نماز عشاء را بخواند و غسل خوبی بکند و چهار رکعت نماز با چهار بار آیه الکرسی بخواند و هزار بار صلوات بر محمد و آلش بفرستد یا جامه پاکی که در آن با حلال یا حرام جماع نکرده بخوابد و دست راست زیر گونه راست نهد و صد بار بگوید:

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوه الا بالله» و صد بار بگوید:« ما شاء الله» که پیغمبر صلی الله

علیه و آله را در خواب ببیند.

و در این باره است که چون خواهی سلامت به پیغمبر صلی الله علیه و آله رسد و تو را چون سلام بر تو مژده دهد، آنچه را که در جزء سوم از «کتاب تجمل» روایت کردیم را بگو. گفت: شنیدم که پیغمبر صلی الله علیه و آله می فرمود: هر که در بسترش جا گیرد و «تَبارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ» را بخواند و سپس «اللهم رب الحل و الحرم بلغ روح محمد عنی تحیه و سلاما» را تا چهار بار بگوید، خدا بر او دو فرشته بگمارد تا نزد محمد روند و گویند: ای محمد! فلان بن فلان به تو السّلام علیک و رحمه الله رساند و می فرماید: بر فلان بن فلان السّلام و رحمه الله و برکاته. - . این تکه در فلاح السائل یافت نشد. -

برای خواب دیدن امیرالمؤمنین علیه السّلام در بسترت بگو: خدایا! من از تو خواستارم، ای که لطفی خفی و نعمت های گسترده و بی پایان داری، از لطف نهانت که بنده ای را بدان نوازش نکردی مگر آنکه کفایتش کرد، می خواهم که به من در خوابم مولایم امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السّلام را بنمایی.

و باز اگر خواهد مرده خود را در خواب ببیند، در حدیثی گفته: چون خواهی مرده خود را در خواب بینی، با طهارت بر پهلوی راستت بخواب و بعد از تسبیح فاطمه زهرا علیه السّلام بگو: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَدُّ [الْحَیُ] الَّذِی لَا یُوصَفُ وَ الْإِیمَانُ یُعْرَفُ مِنْهُ مِنْکَ بَدَتِ الْأَشْیَاءُ وَ إِلَیْکَ تَعُودُ فَمَا أَقْبَلَ مِنْهَا کُنْتَ مَلْجَأَهُ وَ مَنْجَاهُ وَ مَا أَدْبَرَ مِنْهَا لَمْ یَکُنْ لَهُ مَلْجَأٌ وَ لَا مَنْجَى مِنْکَ إِلَّا إِلَیْکَ فَأَسْأَلُکَ بِلَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَ أَسْأَلُکَ بِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ النَّبِیِّینَ وَ بِحَقِّ عَلِیٍّ خَیْرِ الْوَصِیِّینَ وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ سَیِّدَهِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ اللَّذَیْنِ جَعَلْتَهُمَا سَیِّدَیْ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ عَلَیْهِمْ أَجْمَعِینَ السَّلَامُ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَیْتِهِ وَ أَنْ تُرِیَنِی مَیِّتِی فِی الْحَالِ الَّتِی هُوَ فِیهَا فَإِنَّکَ تَرَاهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.» {خدایا تو زنده ای هستی که توصیف ناپذیری و ایمانی که از ان شناخته شود از توست. اشیاء را ایجاد کردی و به تو باز می گردند و هر چیزی که به تو رو کرد تو مأوی و منجی او و هستی و هر چیزی که رو بر گرداند هیچ مأوی و منجی عوض از تو نخواهد داشت. از تو می خواهم به حق لا اله الا الله و از تو می خواهم به حق بسم الله الرحمن الرحیم وبه حق محمد آقای همه انبیاء و به حق علی بهترین وصیت شدگان و به حق فاطمه سرور زنان عالمیان و به حق حسن و حسین که آن دو را آقای جوانان بهشت قرار دادی وسلام و درود بر همه آنها باد، که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و میت مرا در همین حالی که هست به من بنمایی که تو او را می بینی. ان شاءالله}

و باز اگر خواهی بیدار شوی به هر حال یا برای دعا و استغفار با نماز شب، روایت ها هستند، و روایت بیدار شدن در هر حال، حدیث امام باقر علیه السّلام است که فرمود: هر کس نیت کند که هر ساعتی که خدا داند بیدار شود، خدا همانا دو فرشته را بر او بگمارد که در آن ساعت او را بجنبانند.

و روایت دیگر در این باره: عبدالله بن جذاعه گفت: کسی نباشد که وقتی در بسترش جا گیرد آخر سوره کهف را بخواند، جز آنکه در هر ساعتی که خواهد، بیدار شود.

و از روایات بیدار شدن برای دعا و استغفار، حدیث ابن شاذان است که امام کاظم علیه السّلام فرمود: هرکه خواهد شب بیدار شود، وقت خواب بگوید: خدایا! مرا از یادت فراموش مکن و از مکرت غافلم مکن و در غافلانم قرار نده و بیدارم کن در بهترین ساعتی که در آن به درگاهت دعا کنم و مستجاب شود برایم و از تو خواهم تا به من بدهی و از تو آمرزش جویم تا مرا

بیامرزی که نیامرزد گناه را جز تو ای ارحم الراحمین. فرمود: آنگاه خدا تعالی دو فرشته نزد او فرستد تا او را بیدار کنند و اگر بیدار نشد، به آنها فرماید برایش آمرزش خواهند و اگر در آن شب بمیرد، شهید باشد و اگر بیدار شود، از خدا چیزی در آن موقف نخواهد جز آنکه به او بدهد. - . فلاح السائل: ۲۷۴- ۲۸۷ -

کتاب عتیق غروی مانند این روایت را آورده است.

**[ترجمه]

«۲۴»

تم، [فلاح السائل] وَ مِنَ الرِّوَايَاتِ لِلِانْتِبَاهِ لِقِيَامِ اللَّيْلِ مَا حَدَّثَ بِهِ أَبُو الْمُفَضَّلِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْأَشْعَثِ عَنْ مُوسَى بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَرَادَ شَيْئاً مِنْ قِيَامِ اللَّيْلِ فَأَخَذَ مَضْجَعَهُ فَلْيَقُلِ اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ أَقُومُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ سَاعَةَ كَذَا وَ كَذَا فَإِنَّهُ يُوَكِّلُ اللَّهُ بِهِ مَلَكاً يُنْبِهُهُ تِلْكَ السَّاعَةَ.

وَ مِنَ الرِّوَايَاتِ لِلِانْتِبَاهِ لِلصَّلَاةِ مَا حَدَّثَ بِهِ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

۱- ۱. فلاح السائل: ۲۷۴- ۲۸۷.

عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ قَيْسِ بْنِ رُمَّانَهَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليهما السلام يَقُولُ: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَقُومَ مِنْ لَيْلِهِ لِلصَّلَاهِ فَلَا يَذْهَبَ بِهِ النَّوْمُ فَلْيَقُلْ حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَ لَا تُوَلِّ عَنِّي وَجْهَكَ وَ لَا تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَكَ وَ لَا تَأْخُذْنِي عَلَى تَمَرُّدِي وَ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ وَ أَيْقِظْنِي مِنْ رَقْدَتِي وَ سَهِّلْ لِيَ الْقِيَامَ فِي هَذِهِ اللَّيْلِهِ فِي أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَيْكَ وَ ارْزُقْنِي فِيهَا الصَّلَاهَ وَ الشُّكْرَ وَ الدُّعَاءَ حَتَّى أَسْأَلَكَ فَتُعْطِيَنِي وَ أَدْعُوَكَ فَتَسْتَجِيبَ لِي وَ أَسْتَغْفِرَكَ فَتَغْفِرَ لِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

ذِكْرُ مَا يَقُولُهُ بَعْدَ النَّوْمِ إِذَا انْقَلَبَ عَلَى فِرَاشِهِ وَ لَمْ يَجْلِسْ حَدَّثَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ الْمُغِيرَهِ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ الْقَصَبَانِيِّ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام: فِي قَوْلِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ ما يَهْجَعُونَ (۱) قَالَ كَانَ الْقَوْمُ يَنَامُونَ وَ لَكِنْ كُلَّمَا تَقَلَّبَ أَحَدُهُمْ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ.

وَ مِنَ الرِّوَايَاتِ فِيمَا يَقُولُهُ عِنْدَ تُقَلِّبِهِ عَلَى فِرَاشِهِ مَا حَدَّثَ بِهِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يُوسُفَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ بْنِ خَانِبَهَ الْكَرْخِيِّ فِي كِتَابِهِ وَ قَدْ قَدَّمْنَا إِسْنَادَ كِتَابِ ابْنِ خَانِبَهَ وَ نُعِيدُهُ الْآنَ حَيْثُ قَدْ تَبَاعَدَ مَا بَيْنَ الْمَوْضِعَيْنِ حَدَّثَ أَبُو مُحَمَّدٍ هَارُونُ بْنُ مُوسَى رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ وَ كَانَ قَائِداً مِنَ الْقُوَّادِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلَفٍ قَالَ: قَالَ لِي أَحْمَدُ بْنُ خَانِبَهَ إِنَّهُ عَرَضَ كِتَابَهُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ صَاحِبِ الْعَسْكَرِ الْأَخِيرِ عليه السلام فَوَقَفَ عَلَيْهِ وَ قَالَ صَحِيحٌ فَاعْمَلُوا بِهِ وَ الَّذِي رَوَيْنَاهُ هُنَاكَ أَنَّ الرَّاوِيَ لِعَرْضِ كِتَابِ أَحْمَدَ بْنِ خَانِبَهَ عَلَى مَوْلَانَا الْهَادِي غَيْرُ أَحْمَدَ بْنِ خَانِبَهَ فِي الْكِتَابِ الْمُشَارِ إِلَيْهِ فَإِذَا انْتَبَهْتَ مِنْ مَنَامِكَ وَ تَقَلَّبْتَ عَلَى الْفِرَاشِ فَقُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

۱- ۱. الذاريات: ۱۷.

وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ إِلَهِ الْمُرْسَلِینَ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا فِیهِنَّ وَ رَبِّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ مَا فِیهِنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ- وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.

ذِکْرُ مَا یَفْعَلُهُ وَ یَقُولُهُ إِذَا رَأَی فِی مَنَامِهِ مَا یَکْرَهُ حَدَّثَ ابْنُ عُقْدَهَ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ یَزِیدَ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا رَأَی الرَّجُلُ فِی مَنَامِهِ مَا یَکْرَهُ فَلْیَتَحَوَّلْ عَنْ شِقِّهِ الَّذِی کَانَ عَلَیْهِ نَائِماً وَ لْیَقُلْ إِنَّمَا النَّجْوی مِنَ الشَّیْطانِ لِیَحْزُنَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ لَیسَ بِضارِّهِمْ شَیْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ثُمَّ لْیَقُلْ أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِکَهُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِیَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَیْتُ وَ مِنْ شَرِّ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ.

رِوَایَهٌ ثَانِیَهٌ فِی دَفْعِ رُؤْیَا مَکْرُوهَهٍ حَدَّثَ هَارُونُ بْنُ مُوسَی عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ یَعْقُوبَ الْعِجْلِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ التَّیْمُلِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ وَ سُلَیْمَانَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ وَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیهما السلام قَالا: شَکَتْ فَاطِمَهُ علیها السلام إِلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا تَلْقَاهُ فِی الْمَنَامِ فَقَالَ لَهَا إِذَا رَأَیْتِ شَیْئاً مِنْ ذَلِکِ فَقُولِی- أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِکَهُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِیَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ رُؤْیَایَ الَّتِی رَأَیْتُ أَنْ تَضُرَّنِی فِی دِینِی وَ دُنْیَایَ وَ اتْفُلِی عَلَی یَسَارِکِ ثَلَاثاً.

رِوَایَهٌ ثَالِثَهٌ لِدَفْعِ مَا یُکْرَهُ مِنَ الرُّؤْیَا فِیهَا زِیَادَهُ کَلِمَاتٍ حَدَّثَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِیٍّ الْبَزَّازُ عَنِ ابْنِ عُقْدَهَ عَنْ یَحْیَی بْنِ زَکَرِیَّا بْنِ شَیْبَانَ عَنِ ابْنِ الْبَطَائِنِیِّ عَنْ أَبِیهِ وَ حُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: فَإِنْ رَأَیْتَ فِی مَنَامِکَ شَیْئاً تَکْرَهُهُ

فَقُلْ حِینَ تَسْتَیْقِظُ- أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِکَهُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِیَاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ وَ الْأَئِمَّهُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِیُّونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَیْتُ وَ مِنْ شَرِّ رُؤْیَایَ أَنْ تَضُرَّنِی وَ مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیمِ ثُمَّ اتْفُلْ عَلَی یَسَارِکَ ثَلَاثاً(۱).

**[ترجمه]فلاح السائل: برای بیدار شدن شب زنده داری: امام صادق از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیهم السّلام نقل فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که چیزی از شب زنده داری را خواهد، در بستر که رفت بگوید:« اللهم لا تؤمنی مکرک و لا تنسنی ذکرک و لا تجعلنی بین الغافلین. ان شاء الله در فلان ساعت بر خیزم» و خدا فرشته ای بر او گمارد که همان ساعت او را بیدار کند.

و از روایات بیدار شدن برای نماز، حدیث امام کاظم علیه السّلام است که می فرمود: هر که خواهد شب برای نماز برخیزد و خوابش نَبَرد، چون به بسترش جا کرد بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِّی مَکْرَکَ وَ لَا تُنْسِنِی ذِکْرَکَ وَ لَا تُوَلِّ عَنِّی وَجْهَکَ وَ لَا تَهْتِکْ عَنِّی سِتْرَکَ وَ لَا تَأْخُذْنِی عَلَی تَمَرُّدِی وَ لَا تَجْعَلْنِی مِنَ الْغَافِلِینَ وَ أَیْقِظْنِی مِنْ رَقْدَتِی وَ سَهِّلْ لِیَ الْقِیَامَ فِی هَذِهِ اللَّیْلَهِ فِی أَحَبِّ الْأَوْقَاتِ إِلَیْکَ وَ ارْزُقْنِی فِیهَا الصَّلَاهَ وَ الشُّکْرَ وَ الدُّعَاءَ حَتَّی أَسْأَلَکَ فَتُعْطِیَنِی وَ أَدْعُوَکَ فَتَسْتَجِیبَ لِی وَ أَسْتَغْفِرَکَ فَتَغْفِرَ لِی إِنَّکَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ.» {خدایا چنان قرار نده که خود را از مکر تو ایمن ببینم و یاد تو را فراموش کنم و روی خود را از من بر مگردان و پرده پوشی خود را از من میفکن و مرا بر نافرمانیم باز خواست مکن و مرا از غافلان قرار مده و مرا از خوابم بیدار کن و نماز گزاردن را در این شب در بهترین ساعاتی که دوست داری بر من آسان کن و یاد و ذکر خودت و نماز و شکر و دعا را در آن روزیم کن تا از تو بخواهم و تو به من ببخشی و دعا کنم و تو اجابت کنی و طلب مغفرت کنم و تو بر من

ببخشایی که فقط تو آمرزش پذیر و مهربانی}

در آن اذکاری که پس از خواب و پیش از نشستن می گوید، امام باقر علیه السّلام فرمود: در آیه «کانُوا قَلِیلًا مِنَ اللَّیْلِ ما یَهْجَعُونَ.» - . ذاریات: ۱۷ - {کمی از شب را می خوابند} فرمود: آنان می خوابند ولی چون هر بار در بستر بگردد، گوید الحمد لله و الله اکبر.

در روایتی در ذکر پهلو به پهلو شدن در بستر، از امام هادی علیه السّلام نقل است که فرمود: چون از خواب بیدار شوی و بر بستر خود بگردی بگو: « لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَ إِلَهِ الْمُرْسَلِینَ وَ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا فِیهِنَّ وَ رَبِّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ مَا فِیهِنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.» {معبودی جز الله نیست او که زنده و پایدار است و بر هر چیزی توانا است و پاک و منزه است پروردگار عالمیان و معبود پیامبران و پاک و منزه است خدایی که پروردگار آسمان های هفتگانه و هر آنچه در آنها هست، است و پروردگار زمین های هفتگانه و هر آنچه در آنها هست است و پروردگار عرش بزرگ است. درود بر پیامبران و حمد بر خداوندی که پروردگار عالمیان است باد}

درباره آنچه که به هنگام دیدن خواب بد باید کرد و گفت، امام صادق علیه السّلام فرمود: چون کسی خواب بیند، از آن پهلو که خوابیده به پهلوی دیگرش بگردد و بگوید: إِنَّمَا النَّجْوی مِنَ الشَّیْطانِ لِیَحْزُنَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ لَیْسَ بِضارِّهِمْ شَیْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ.» {چنان نجوایی صرفاً از [القائات] شیطان است، تا کسانی را که ایمان آورده اند دلتنگ گرداند، و [لی] جز به فرمان خدا هیچ آسیبی به آنها نمی رساند، و مؤمنان باید بر خدا اعتماد کنند.} سپس بگوید: «پناه برم بدان چه فرشته های مقرب خدا و پیغمبران مرسل خدا و بنده های خوبش بدان پناه می برند از شر آنچه دیدم و از شر شیطان رجیم.»

روایت دوم در دفع خواب بد: امام باقر و امام صادق علیهما السّلام فرمودند: فاطمه علیها السّلام به رسول خدا شکوه کرد از آنچه در خواب دیده بود. آن حضرت به او فرمود: «چون چیزی از آن را دیدی، بگو: « أعوذ بما عاذت به ملائکه الله المقربون و أنبیاء الله المرسلون و عباد الله الصالحون من شر رؤیای التی رأیت أن تضرنی فی دینی و دنیای» {از شر خوابی که دیدم، بدان چه که فرشته های مقرب خدا و پیغمبران مرسلش و بنده های خوبش بدان پناه برند پناه می برم، از اینکه زیانی به من رساند در دین و دنیایم.} سپس سه بار بر سمت چپت تف کن.

روایت سوم در این باره : امام صادق علیه السّلام فرمود: چون چیزی را که از آن کراهت داری دیدی، بگو: «از شر خوابی که دیدم، بدان چه که فرشته های مقرب خدا و پیغمبران مرسلش و بنده های خوبش و ائمه راشدون مهدیون بدان پناه برند پناه می برم، از اینکه زیانی به من رساند در دین و دنیایم.» سپس سه بار بر سمت چپت تف کن - . فلاح السائل ۲۸۷- ۲۹۰ - .

**[ترجمه]

«۲۵»

ثو، [ثواب الأعمال] فِی حَدِیثِ حُذَیْفَةَ: أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله كَانَ إِذَا أَوَی إِلَی فِرَاشِهِ قَالَ

١- ١. فلاح السائل ٢٨٧- ٢٩٠.

بِاسْمِکَ اللَّهُمَّ أَمُوتُ وَ أَحْيَا وَ إِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَحْيَانَا بَعْدَ مَا أَمَاتَنَا وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ.

**[ترجمه]ثواب الاعمال: در حدیث حذیفه است که همیشه چون پیغمبر صلی الله علیه و آله در بسترش جا می کرد، می فرمود: بار خدایا! به نام تو بمیرم و زنده شوم. و چون بیدار می شد می گفت: حمد مخصوص خدایی است که ما را زنده کرد پس از اینکه میراند و به درگاه او است زنده شدن.

**[ترجمه]

«۲۶»

مُحَاسَبَةُ النَّفْسِ، لِلسَّيِّدِ عَلِيِّ بْنِ طَاوُسٍ بِإِسْنَادِهِ إِلَى الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: مَا اسْتَيْقَظَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مِنْ نَوْمِهِ قَطُّ إِلَّا خَرَّ لِلَّهِ سَاجِداً.

وَ مِنْهُ، نَقْلًا مِنْ تَارِيخِ نَيْشَابُورَ لِلْحَاكِمِ فِي تَرْجَمَةِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ بْنِ الْمَهْدِيِّ الْعَامِرِيِّ قَالَ: إِنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله مَا قَامَ مِنَ النَّوْمِ إِلَّا خَرَّ سَاجِداً شُكْراً لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

**[ترجمه]محاسبه النفس: سید علی بن طاوس می گوید: امام صادق علیه السّلام فرمود: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله از خوابش بیدار نشد، جز آنکه برای خدا به سجده افتاد.

و از همان است که فرمود: هرگز رسول خدا صلی الله علیه و آله از خوابش بیدار نشد، جز آنکه برای شکر خدا عزوجل به سجده افتاد.

**[ترجمه]

«۲۷»

مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ، عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ أَصَابَ خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ أَرَقٌ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: أَ لَا أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ إِذَا أَنْتَ قُلْتَهُنَّ نِمْتَ قُلِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْأَرَضِينَ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَضَلَّتْ كُنْ جَارِي مِنْ بَيْنِ خَلْقِكَ كُلِّهِمْ جَمِيعاً أَنْ يَفْرُطَ عَلَيَّ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَوْ يَبْغِيَ عَزَّ جَارُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ.

وَ مِنْهُ، عَنِ ابْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَخَلَ بَيْتَهُ وَ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ ابْتَدَرَهُ مَلَكُهُ وَ شَيْطَانُهُ يَقُولُ الشَّيْطَانُ اخْتِمْ بِشَرٍّ وَ يَقُولُ الْمَلَكُ اخْتِمْ بِخَيْرٍ فَإِنْ ذَكَرَ اللَّهَ وَ حَمِدَهُ طَرَدَ الْمَلَكُ الشَّيْطَانَ وَ ظَلَّ يَكْلَؤُهُ وَ إِنْ هُوَ انْتَبَهَ مِنْ مَنَامِهِ ابْتَدَرَهُ مَلَكُهُ وَ شَيْطَانُهُ يَقُولُ الشَّيْطَانُ افْتَحْ بِشَرٍّ وَ يَقُولُ الْمَلَكُ افْتَحْ بِخَيْرٍ فَإِنْ هُوَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ إِلَيَّ نَفْسِي بَعْدَ مَوْتِهَا وَ لَمْ يُمِتْهَا فِي مَنَامِهَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا وَ لَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيماً غَفُوراً وَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَؤُفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ خَرَجَ مِنْ فِرَاشِهِ فَمَاتَ كَانَ شَهِيداً وَ إِنْ قَامَ يُصَلِّي صَلَّى فِي فَضَائِلَ.

**[ترجمه]از خط شـهید، از ابن اسباط نقل است که خالد بن ولید دچار بی خوابی شد و پیغمبر صلی الله علیه وآلهبه او فرمود: به تو کلماتی یاد ندهم که چون آنها را بر زبان آوری بخوابی؟ بگو: «اللهم رب السماوات و ما اظلت و رب الارضین و ما اقلت و رب الشـیاطین و مـا اضـلـت کـن جـاری بیـن خلقـک کلهـم جمیعـا ان یفرط علی احـد منهـم او یبغی عز جـارک و لا ـ اله غیرک.» {خـدایا ای پروردگـار آسـمانها و هر آنچه بر آن سـایه افکندنـد و ای پروردگار زمین ها و هر آنچه حمل می کننـد و پروردگـار شـیاطین و هر آنچه گمراه می کننـد و در میـان همه خلقت به کلی همراه من بـاش تـا اینکه مبادا بر هر یک از آنها کوتاهی کنم و یا عزت همراهی تو را عصیان کنم. معبودی جز تو نیست}

جابر گفت: رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: چون کسـی به خانه اش در آیـد و به بسترش رود، فرشـته و شـیطانش بر او پیشـی گیرنـد. شـیطانش به اوگویـد به بـدی به سر رسان و فرشـته گویـد به خوبی به سر رسان، و اگر یاد خدا کند و حمد او گوید، فرشـته شـیطان را براند و بیاید تا او را حفظ کند و چون از خواب بیدار شود، فرشته و شیطانش نزد وی بشتابند و شیطان گویـد به بدی شـروع کن و فرشـته گوید به خوبی برگشا، اگر بگوید: حمد خدا را که جانم را پس از مردن به من برگرداند و در خواب آن را نمیرانـد؛ حمد خدا را که «یمسک السـماوات و الأرض أن تزولا و لئن زالتا إن أمسـکهما من أحد من بعده إنه کان حلیما غفورا.» - . فاطر / ۴۱ - {نگه می دارد آسـمان ها و زمین را از اینکه نابود شوند و اگر نابود شوند کسی از آن پس نگاهشـان نتوانـد داشت، همانـا که او بردبـار و بسـیارآمرزنده است.} و گویـد: حمـد خـدا را که «یمسک السـماء أن تقع علی الأرض إلا بإذنه إن الله بالناس لرؤف رحیم.» - . حج / ۶۵ - {نگه دارد آسمان را از اینکه بر زمین افتد جز با اذنش، همانا خدا به مردم رؤف و مهربان است.} و اگر مرده از بسترش در آید شهید باشد و اگر برخیزد، در فضائلی نماز خوانده است.

**[ترجمه]

«۲۸»

کـا، [الکـافی] عَلِیٌّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِی عَبْـدِ اللَّهِ علیه السـلام قَالَ: إِذَا رَأَی الرَّجُلُ مَا یَکْرَهُ فِی مَنَامِهِ فَلْیَتَحَوَّلْ عَنْ شِقِّهِ الَّذِی کَانَ عَلَیْهِ نَائِماً وَ لْیَقُلْ إِنَّمَا النَّجْوی مِنَ الشَّیْطانِ لِیَحْزُنَ الَّذِینَ آمَنُوا وَ لَیْسَ بِضارِّهِمْ

شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ثُمَّ لْيَقُلْ عُذْتُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَاؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ (۱).

**[ترجمه]کافی: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون کسی خواب بد می بیند، از آن پهلو که خوابیده بگردد و بگوید: «إِنَّمَا النَّجْوی مِنَ الشَّيْطانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَيْسَ بِضارِّهِمْ شَيْئاً إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ.» و آنگه باید بگوید: «از شر آنچه دیدم و از شر شیطان رجیم، پناه می برم بدان چه فرشته های مقرب خدا و پیغمبران مرسلش و بنده های خوبش بدان پناه می برند.» - . کافی ۸: ۱۴۲ -

**[ترجمه]

«۲۹»

کا، [الکافی] مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مَنْصُورٍ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي الْوَرْدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِفَاطِمَةَ علیها السلام فِي رُؤْيَاهَا الَّتِي رَأَتْهَا قُولِي أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَاؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ عِبَادُهُ الصَّالِحُونَ مِنْ شَرِّ مَا رَأَيْتُ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ أَنْ يُصِيبَنِي مِنْهُ سُوءٌ أَوْ شَيْ ءٌ أَكْرَهُهُ ثُمَّ اتْفُلِي عَنْ يَسَارِكِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ (۲).

**[ترجمه]کافی: رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السّلام در مورد خوابی که دیده بود، فرمود: بگو پناه می برم بدان چه پناه برند بدان فرشته های مقرب خدا و پیغمبران مرسلش و بنده های خوبش از شر آنچه در این شبم به خواب دیدم و از اینکه از آنها بدی به من رسد یا آنچه بد دارم. سپس سه بار بر سمت چپ خود تف کن. - . کافی ۸: ۱۴۲ -

**[ترجمه]

«۳۰»

عُدَّةُ الدَّاعِي،: لِدَفْعِ عَاقِبَةِ الرُّؤْيَا الْمَكْرُوهَةِ تَسْجُدُ عَقِيبَ مَا تَسْتَيْقِظُ مِنْهَا بِلَا فَصْلٍ وَ تُثْنِي عَلَى اللَّهِ بِمَا تَيَسَّرَ لَكَ مِنَ الثَّنَاءِ ثُمَّ تُصَلِّي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ تَتَضَرَّعُ إِلَى اللَّهِ وَ تَسْأَلُهُ كِفَايَتَهَا وَ سَلَامَةَ عَاقِبَتِهَا فَإِنَّكَ لَا تَرَى لَهَا أَثَراً بِفَضْلِ اللَّهِ وَ رَحْمَتِهِ.

وَ رَوَى أَبُو قَتَادَةَ الْحَارِثُ بْنُ رِبْعِيٍّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ: الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا رَأَى أَحَدُكُمْ مَا لَا يُحِبُّ فَلَا يُحَدِّثْ بِهَا أَحَداً فَإِنَّهَا لَنْ تَضُرَّهُ.

وَ عَنْهُ علیه السلام: الرُّؤْيَا مِنَ اللَّهِ وَ الْحُلُمُ مِنَ الشَّيْطَانِ. وَ عَنْهُ علیه السلام: الرُّؤْيَا الْحَسَنَةُ مِنَ الرَّجُلِ الصَّالِحِ جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَ أَرْبَعِينَ جُزْءاً مِنَ النُّبُوَّةِ.

**[ترجمه]عمده الداعی: برای دفع عاقبت بد خواب بد: بعد از این که بیدار شدی، بدون فاصله دو بار سجده کن و تا توانی خدا را ستایش کن، و صلوات بر محمد و آلش فرست و به درگاه خدا زاری کن و سرانجام خوب از او بخواه برای آنکه به

فضل و رحمت خدا اثری از آن نبینی .

و از ابو قتاده روایت کرده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: خواب خوب از خداست و اگر یکی از شما خواب بد دید، به کسی نگوید که هرگز او را زیانی نرساند.

و از آن حضرت صلی الله علیه و آله است که: «خواب از خدا است و پریشان خیالی از شیطان.» و هم از آن حضرت صلی الله علیه و آله است که: «خواب خوب از مرد خوب، یک جزء از چهل و شش جزء نبوت است.»

**[ترجمه]

«۳۱»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى علیهم السلام فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ أَبِي مَاتَ وَ كَانَ لَهُ مَالٌ فَقَالَ جَاءَهُ الْمَوْتُ وَ لَسْتُ أَقِفُ عَلَى مَالِهِ وَ لِي عِيَالٌ كَثِيرٌ وَ أَنَا مِنْ مَوَالِيكُمْ فَأَغِثْنِي فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِذَا صَلَّيْتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ فَإِنَّ أَبَاكَ يَأْتِيكَ وَ يُخْبِرُكَ بِأَمْرِ الْمَالِ فَفَعَلَ الرَّجُلُ ذَلِكَ فَأَتَاهُ أَبُوهُ فِي مَنَامِهِ فَأَخْبَرَهُ بِهِ فَذَهَبَ الرَّجُلُ وَ أَخَذَ الْمَالَ (۳).

وَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ: دَعَانِي النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِذَا أَخَذْتَ

ص: ۲۲۰

۱- ۱. الكافي ج ۸ ص ۱۴۲.

۲- ۲. الكافي ج ۸ ص ۱۴۲.

۳- ۳. و تراه في الخرائج: ۲۳۷.

مَضْجَعَکَ فَعَلَیْکَ بِالاسْتِغْفَارِ وَ الصَّلَاهِ عَلَیَّ وَ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ أَکْثِرْ مِنْ قِرَاءَهِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَإِنَّهَا نُورُ الْقُرْآنِ وَ عَلَیْکَ بِقِرَاءَهِ آیَهِ الْکُرْسِیِّ فَإِنَّ فِی کُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا أَلْفَ بَرَکَهٍ وَ أَلْفَ رَحْمَهٍ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: امام هادی علیه السّلام فرمود: مردی نزد امام جواد علیه السّلام آمد و گفت: یا ابن رسول الله! پدرم مرده و مالی داشته و من جایش را نمی دانم و نان خور بسیاری دارم و از دوستداران شمایم، به فریادم برس! آن حضرت به او فرمود: چون نماز عشاء را خواندی، صد بار صلوات بر محمد و آلش بفرست که پدرت آید و از مال به تو خبر دهد. آن مرد این کار را کرد و پدرش به خوابش آمد و او را بدان خبر داد و آن مرد رفت و مال را برگرفت. - . خرائج و جرائح: ۲۳۷ -

و از امیر مؤمنان علیه السّلام است که فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله مرا خواند و فرمود: ای علی! چون به خوابگاهت جا گرفتی، بر تو باد به استغفار و صلوات بر من و بگو: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.» و بسیار سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را بخوان که نور قرآن است و بچسب به خواندن آیه الکرسی که در هر حرفش هزار برکت و هزار رحمت است .

**[ترجمه]

أبواب آداب السفر

أقول

قد أوردنا أکثر ما یتعلق بهذه الأبواب فی کتاب الحج و کتاب المزار أیضا فلا تغفل.

**[ترجمه]قد أوردنا أکثر ما یتعلق بهذه الأبواب فی کتاب الحج و کتاب المزار أیضا فلا تغفل.

**[ترجمه]

باب ۴۵ ذم السفر و مدحه و ما ینبغی منه

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْأَصْبَهَانِیِّ عَنِ الْمِنْقَرِیِّ عَنْ غَیْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَکْتُوبٌ فِی حِکْمَهِ آلِ دَاوُدَ علیه السلام لَا یَظْعَنُ الرَّجُلُ إِلَّا فِی ثَلَاثٍ زَادٍ لِمَعَادٍ أَوْ مَرَمَّهٍ لِمَعَاشٍ أَوْ لَذَّهٍ فِی غَیْرِ مُحَرَّمٍ ثُمَّ قَالَ مَنْ أَحَبَّ الْحَیَاهَ ذَلَ (۱).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: در حکمت آل داود نوشته است: کسی بار سفر نبندد مگر در سه چیز: توشه گرفتن برای معاد، ترمیم زندگی یا لذت غیر حرام. سپس فرمود: هر که زنده بودن را دوست دارد، خوار شود. - . خصال ۱:

- ۵۹

**[ترجمه]

«۲»

سن، [المحاسن] عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَعِيدِ بْنِ يَسَارٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: سَافِرُوا تَصِحُّوا سَافِرُوا تَغْنَمُوا(۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: سفر کنید تا تندرست باشید و سفر کنید تا سود برید. - . محاسن: ۳۴۵ -

**[ترجمه]

«۳»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّكُونِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: سَافِرُوا تَصِحُّوا وَ جَاهِدُوا تَغْنَمُوا وَ حُجُّوا تَسْتَغْنُوا(۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: سفر کنید تا تندرست شوید؛ جهاد کنید تا غنیمت برید؛ و حج کنید تا بی نیاز شوید. - . محاسن: ۳۴۵ -

**[ترجمه]

«۴»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: إِذَا سَبَّبَ اللَّهُ لِلْعَبْدِ الرِّزْقَ فِی أَرْضٍ جَعَلَ لَهُ فِيهَا حَاجَةً(۴).

ص: ۲۲۱

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۵۹.

۲- ۲. المحاسن: ۳۴۵.

۳- ۳. المحاسن: ۳۴۵.

۴- ۴. المحاسن: ۳۴۵.

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون خدا وسیله روزی بنده ای را در سرزمینی نهاده، برایش نیازی در آن نهد (تا برود و به روزی خود برسد). - . محاسن: ۳۴۵ -

**[ترجمه]

«۵»

سن، [المحاسن] عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا بَلَغَ بِهِ سَعْدَ بْنَ طَرِیفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ قَالَ: قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام لِلْحَسَنِ ابْنِهِ علیه السلام لَیْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ یَکُونَ شَاخِصاً إِلَّا فِی ثَلَاثَهٍ مَرَمَّهٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَهٍ لِمَعَادٍ أَوْ لَذَّهٍ فِی غَیْرِ مُحَرَّمٍ (۱).

نهج، [نهج البلاغه] عنه علیه السلام: مثله (۲).

**[ترجمه]محاسن: امیر مؤمنان علیه السّلام به پسرش امام حسن علیه السّلام فرمود: خردمند را نرسد که سفر کند مگر در سه چیز: ترمیم زندگی یا گامی برای معاد یا لذتی در غیر حرام. - . محاسن: ۳۴۵ -

نهج البلاغه: مانند این روایت را آورده است. - . نهج البلاغه: حکمت ۳۹۰ -

**[ترجمه]

«۶»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ بَزِیعٍ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ یُونُسَ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِی الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: فِی حِکْمَهِ آلِ دَاوُدَ علیه السلام أَنَّ عَلَی الْعَاقِلِ أَنْ لَا یَکُونَ ظَاعِناً إِلَّا فِی تَزَوُّدٍ لِمَعَادٍ أَوْ مَرَمَّهٍ لِمَعَاشٍ أَوْ طَلَبِ لَذَّهٍ فِی غَیْرِ مُحَرَّمٍ (۳).

**[ترجمه]محاسن: در حکمت آل داود است که: عاقل بار سفر نبندد مگر در سه چیز: توشه گرفتن برای معاد، ترمیم زندگی یا طلب لذت غیر حرام. - . محاسن: ۳۴۵ -

**[ترجمه]

«۷»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّکُونِیِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: السَّفَرُ قِطْعَهٌ مِنَ الْعَذَابِ وَ إِذَا قَضَی أَحَدُکُمْ سَفَرَهُ فَلْیُسْرِعِ الْإِیَابَ إِلَی أَهْلِهِ (۴).

کِتَابُ الْإِمَامَهِ وَ التَّبْصِرَهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ النَّوْفَلِیِّ: مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّ فِیهِ الْإِنَابَهَ إِلَی أَهْلِهِ.

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: سفر تکه ای است از عذاب و چون کسی از شماها سفرش را به سر رساند، زود به خاندانش برگردد. - . محاسن: ۳۷۷ -

امامت و تبصره: مانند این روایت را با اندک اختلافی در تعبیر آورده است.

**[ترجمه]

«۸»

سر، [السرائر] عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعَلَاءِ وَ أَبِی أَیُّوبَ وَ ابْنِ بُکَیْرٍ کُلِّهِمْ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الرَّجُلِ یُقِیمُ فِی الْبِلَادِ الْأَشْهُرَ وَ لَیْسَ فِیهَا مَاءٌ إِنَّمَا یُقِیمُ لِمَکَانِ الْمَرْعَی وَ صَلَاحِ الْإِبِلِ قَالَ لَا(۵).

سر، [السرائر] عن محمد بن علی بن محبوب عن محمد بن الحسین عن صفوان عن العلا عن محمد عن أحدهما علیهما السلام: مثله (۶).

**[ترجمه]سرائر: محمد بن مسلم گفت: از امام باقر علیه السّلام پرسیدم: کسی ماه ها در بلادی می ماند که آب ندارند و ماندنش برای چراگاه و بهبود شتران است؟ فرمود: نه. - . سرائر: ۴۷۸ -

سرائر: مانند این روایت را از یکی از دو امام علیهما السّلام آورده است. - . سرائر: ۴۷۸ -

**[ترجمه]

«۹»

سر، [السرائر] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِیزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الرَّجُلِ یُجْنِبُ فِی السَّفَرِ فَلَا یَجِدُ إِلَّا الثَّلْجَ أَوْ مَاءً جَامِداً قَالَ هُوَ بِمَنْزِلَهِ الضَّرُورَهِ وَ لَا أَرَی أَنْ یَعُودَ إِلَی هَذِهِ الْأَرْضِ الَّتِی تُوبِقُ دِینَهُ (۷).

ص: ۲۲۲

۱- ۱. المحاسن ص ۳۴۵.

۲- ۲. نهج البلاغه الرقم ۳۹۰ من الحکم.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۴۵.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۷۷.

۵- ۵. السرائر ص ۴۷۸.

۶- ۶. السرائر ص ۴۷۸.

٧- ٧. السرائر ص ٤٧٨.

**[ترجمه]سرائر: محمد بن مسلم گفت: از

امام صادق علیه السّلام درباره کسی پرسیدم که در سفر جنب شود و جز برف و یخ نیابد. فرمود: آن به منزله ضرورت است، و نبینم که برگردد به این سرزمینی که دینش را نابود کند. - . سرائر: ۴۷۸ -

**[ترجمه]

باب ۴۶ الأوقات المحموده و المذمومه للسفر و ما یتشاءم به المسافر

الأخبار

«۱»

ب، [قرب الإسناد] عَنِ ابْنِ طَرِیفٍ عَنِ ابْنِ عُلْوَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یُسَافِرُ یَوْمَ الْإِثْنَیْنِ وَ الْخَمِیسِ وَ یَعْقِدُ فِیهِمَا الْأَلْوِیَهَ(۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق از پدرش علیه السّلام روایت می کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله عادت داشت روز دوشنبه و پنجشنبه سفر می کرد و در آنها پرچم ها را می بست. - . قرب الاسناد: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۲»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ عَلِیِّ بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَی أَخِی مُوسَی علیه السلام فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاکَ إِنِّی أُرِیدُ الْخُرُوجَ فَادْعُ اللَّهَ لِی قَالَ وَ مَتَی تَخْرُجُ قَالَ یَوْمَ الْإِثْنَیْنِ فَقَالَ لَهُ وَ لِمَ تَخْرُجُ یَوْمَ الْإِثْنَیْنِ قَالَ أَطْلُبُ فِیهِ الْبَرَکَهَ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وُلِدَ یَوْمَ الْإِثْنَیْنِ فَقَالَ کَذَبُوا وُلِدَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَوْمَ الْجُمُعَهِ وَ مَا مِنْ یَوْمٍ أَعْظَمَ شُؤْماً مِنْ یَوْمِ الْإِثْنَیْنِ یَوْمَ مَاتَ فِیهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ انْقَطَعَ فِیهِ وَحْیُ السَّمَاءِ وَ ظُلِمْنَا فِیهِ حَقَّنَا أَ لَا أَدُلُّکَ عَلَی یَوْمٍ سَهْلٍ لَیِّنٍ أَلَانَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لِدَاوُدَ علیه السلام فِیهِ الْحَدِیدَ فَقَالَ الرَّجُلُ بَلَی جُعِلْتُ فِدَاکَ قَالَ اخْرُجْ یَوْمَ الثَّلَاثَاءِ(۲).

ل، [الخصال] عن أبیه عن سعد عن ابن عیسی عن البجلی عن علی بن جعفر: مثله (۳).

**[ترجمه]قرب الاسناد: علی بن جعفر گفت: مردی نزد برادرم امام موسی علیه السّلام آمد و به او گفت: قربانت گردم می خواهم بیرون روم، به درگاه خدا برایم دعا کن. فرمود: کی بیرون می روی؟ گفت: روز دوشنبه. به او فرمود: چرا روز دوشنبه؟ گفت: بدان برکت جویم، زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله روز دوشنبه زاده شد. فرمود: دروغ گویند، رسول خدا صلی الله علیه و آله روز جمعه زاده شده، و روزی شوم تر از روز دوشنبه نباشد؛ روزی است که در آن روز ستم شد که حق ما را بردند. آیا به تو روزی آسان و نرم را رهنمایی کنم که خدا در آن آهن را برای داود نرم کرد؟ آن مرد گفت: چرا قربانت گردم!

فرمود: روز سه شنبه بیرون شو. - . قرب الاسناد: ۱۶۵ -

خصال: مانند این روایت را آورده است. - . خصال ۲ : ۲۶ -

**[ترجمه]

«۳»

ب، [قرب الإسناد] عَنِ ابْنِ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ عُلْوَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلِيّاً فِي سَرِيَّةٍ ثُمَّ بَدَتْ لَهُ إِلَيْهِ حَاجَةٌ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ الْمِقْدَادَ بْنَ الْأَسْوَدِ فَقَالَ لَا تَصِحْ بِهِ مِنْ خَلْفِهِ وَ لَا عَنْ يَمِينِهِ وَ لَا عَنْ شِمَالِهِ وَ لَكِنْ جُزْهُ ثُمَّ اسْتَقْبِلْهُ بِوَجْهِكَ فَقُلْ لَهُ يَقُولُ لَكَ رَسُولُ اللَّهِ كَذَا وَ كَذَا(۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السّلام را با یک دسته جنگجو فرستاد و سپس نیازی به او پدید شد. پس مقداد بن اسود را نزد او فرستاد و به او فرمود: از دنبالش به او فریاد نزن و نه از سمت راست و چپش، ولی از او گذر کن و سپس از مقابل با او رو به رو شو و به او بگو که رسول خدا به تو چنین و چنان می فرماید. - . قرب الاسناد: ۷۶ -

**[ترجمه]

«۴»

ل، [الخصال] ع، [علل الشرائع] ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام]: فِي خَبَرِ الشَّامِيِّ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَوْمُ الْإِثْنَيْنِ يَوْمُ

ص: ۲۲۳

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۷۶.

۲- ۲. قرب الإسناد ص ۱۶۵.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۲۶.

۴- ۴. قرب الإسناد ص ۷۶.

سَفَرٍ وَ طَلَبٍ (۱).

قال الصدوق رحمه الله یوم الإثنین یوم سفر إلی موضع الاستسقاء و الطلب للمطر(۲).

**[ترجمه]خصال: علل الشرائع و عیون اخبارالرضا: در خبر شامی است که امیر مؤمنان فرمود: روز دوشنبه روز سفر و طلب است. - . علل الشرائع ۲ : ۲۸۵، عیون اخبارالرضا ۱: ۲۴۸ -

شیخ صدوق (ره) در توضیح آن گفته: روز دوشنبه، روز سفر به جایی برای نماز استسقاء است و طلب باران. - . خصال ۲: ۲۵ -

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ أَبِی حَمْزَةَ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ بَشِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: لَا تَصُمْ فِی یَوْمِ الْإِثْنَیْنِ وَ لَا تُسَافِرْ فِیهِ (۳).

**[ترجمه]خصال: امام باقر علیه السّلام فرمود: دوشنبه روزه نگیر و در آن سفر مکن. - . خصال ۲: ۲۶ -

**[ترجمه]

«۶»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْأَصْبَهَانِیِّ عَنِ الْمِنْقَرِیِّ عَنْ حَفْصٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ کَانَ مُسَافِراً فَلْیُسَافِرْ یَوْمَ السَّبْتِ فَلَوْ أَنَّ حَجَراً زَالَ عَنْ حَجَرٍ یَوْمَ السَّبْتِ لَرَدَّهُ اللَّهُ تَعَالَی إِلَی مَکَانِهِ وَ مَنْ تَعَذَّرَتْ عَلَیْهِ الْحَوَائِجُ فَلْیَلْتَمِسْ طَلَبَهَا یَوْمَ الثَّلَاثَاءِ فَإِنَّهُ الْیَوْمُ الَّذِی أَلَانَ اللَّهُ فِیهِ الْحَدِیدَ لِدَاوُدَ علیه السلام (۴).

ل، [الخصال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ: إِلَی قَوْلِهِ مَکَانِهِ (۵).

سن، [المحاسن] عن الأصبهانی: مثله (۶).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که سفر کند، روز شنبه سفر کند که اگر سنگی از سنگی روز شنبه جدا شود، خدا تعالی آن را به جایش برگرداند. و هر که حوائج او را در میان گرفتند، روز سه شنبه آنها را بخواهد و به دنبال آنها رود، چرا که روزی است که خدا در آن آهن را برای داود علیه السّلام نرم کرده است. - . خصال ۲: ۲۷ و ۳۱ -

خصال: مانند این روایت را آورده است، تا آنجا که گوید: «به جایش برگرداند.» - . خصال ۲: ۲۷ و ۳۱ -

محاسن: اصبهانی مانند آن را آورده است. - . محاسن: ۳۴۵ -

**[ترجمه]

«۷»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ السَّيَّارِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الدَّقَّاقِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى الرِّضَا عليه السلام أَسْأَلُهُ عَنِ الْخُرُوجِ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ لَا يَدُورُ فَكَتَبَ عليه السلام مَنْ خَرَجَ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ لَا يَدُورُ خِلَافاً عَلَى أَهْلِ الطِّيَرَهِ وُقِيَ مِنْ كُلِّ آفَهٍ وَ عُوفِيَ مِنْ كُلِّ عَاهَهٍ وَ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَاجَتَهُ (۷).

**[ترجمه]خصال: محمد بن احمد دقاق گفت: به امام رضا علیه السّلام نامه ای نوشتم و از او درباره سفر در روز چهارشنبه آخر ماه پرسیدم. پاسخ نوشت که: هر کس در آن سفر کند، بر خلاف فال بدزنان بدان محفوظ ماند از آفت و در عافیت باشد از هر بدی و خدا حاجت او را روا کند. - . خصال ۲: ۲۷ -

**[ترجمه]

«۸»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: يُكْرَهُ السَّفَرُ وَ السَّعْيُ فِي الْحَوَائِجِ يَوْمَ الْجُمُعَهِ بُكْرَهً مِنْ أَجْلِ الصَّلَاهِ فَأَمَّا بَعْدَ الصَّلَاهِ فَجَائِزٌ يُتَبَرَّكُ بِهِ (۸).

۱- ۱. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۸۵، عیون الأخبار ج ۱ ص ۲۴۸.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۲۵.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۲۶ فی حدیث.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۲۷ و ۳۱.

۵- ۵. الخصال ج ۲ ص ۲۷ و ۳۱.

۶- ۶. المحاسن ص ۳۴۵.

۷- ۷. الخصال ج ۲ ص ۲۷ فی حدیث و الاربعاء لا یدور: آخر أربعاء من الشهر.

۸- ۸. الخصال ج ۲ ص ۳۱.

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: بد است سفر وکوشیدن در انجام نیازها در بامداد و پیش از ظهر جمعه به خاطر نماز، ولی پس از نماز خوب است و بدان برکت می جویند. - . خصال ۲: ۳۱ -

**[ترجمه]

أقول

قد سبق الأخبار فی أبواب الأیام و الساعات (۱).

**[ترجمه]اخباری در «ابواب ایام و ساعات» نیز گذشت. - .[۲] به جلد ۵۹ «باب ایام سعد و نحس»: ۳۱-۱۸رجوع شود. -

**[ترجمه]

«۹»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بَکْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سُلَیْمَانَ الْجَعْفَرِیِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام یَقُولُ: الشُّؤْمُ فِی خَمْسَهٍ لِلْمُسَافِرِ الْغُرَابِ النَّاعِقِ عَنْ یَمِینِهِ وَ النَّاشِرِ لِذَنَبِهِ وَ الذِّئْبِ الْعَاوِی الَّذِی یَعْوِی فِی وَجْهِ الرَّجُلِ وَ هُوَ مُقْعٍ عَلَی ذَنَبِهِ یَعْوِی ثُمَّ یَرْتَفِعُ ثُمَّ یَنْخَفِضُ ثَلَاثاً وَ الظَّبْیِ السَّانِحِ مِنْ یَمِینٍ إِلَی شِمَالٍ وَ الْبُومَهِ الصَّارِخَهِ وَ الْمَرْأَهِ الشَّمْطَاءِ تَلْقَی فَرْجَهَا وَ الْأَتَانِ الْعَضْبَاءِ فَمَنْ أَوْجَسَ فِی نَفْسِهِ مِنْ ذَلِکَ شَیْئاً فَلْیَقُلِ- اعْتَصَمْتُ بِکَ یَا رَبِّ مِنْ شَرِّ مَا أَجِدُ فِی نَفْسِی فَاعْصِمْنِی مِنْ ذَلِکَ (۲).

سن، [المحاسن] عن بکر بن صالح: مثله (۳).

**[ترجمه]خصال: امام هادی علیه السّلام می فرمود: در پنج چیز برای مسافر شومی است: کلاغی که در سمت راستش قارقار کند، و آن است که دمش را رها کند؛ گرگی رو در رو بر او بانگ زند و بر سر دمش نشسته باشد و عوعو کند و بانگ بر آورد و فرو کشد تا سه بار؛ آهو که از سمت راست نمایان شود به سوی سمت چپ؛ جغدی که جیغ کشد؛ زن ابلق مو که فرجش را نماید؛ و ماده الاغ دم بریده، و هر که از برخورد با اینها بد دل شود بگوید: « پروردگارم! به تو پناه می برم از شر آنچه در دلم می یابم، مرا از آن نگه دار.» - . خصال ۱: ۱۳۱ -

محاسن: مانند آن را آورده است. - . محاسن: ۳۴۸ -

**[ترجمه]

«۱۰»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ عِمْرَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا

تُسَافِرْ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ وَ لَا تَطْلُبْ فِيهِ حَاجَةً(۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: روز دوشنبه سفر مکن و به دنبال حاجت مرو. - . محاسن: ۳۴۶ -

**[ترجمه]

«۱۱»

سن، [المحاسن] عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْكَرَّامِ قَالَ: تَهَيَّأْتُ لِلْخُرُوجِ إِلَى الْعِرَاقِ فَأَتَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لِأُسَلِّمَ عَلَيْهِ وَ أُوَدِّعَهُ فَقَالَ أَيْنَ تُرِيدُ قُلْتُ أُرِيدُ الْخُرُوجَ إِلَى الْعِرَاقِ فَقَالَ لِي فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ كَانَ يَوْمَ الْإِثْنَيْنِ فَقُلْتُ إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَقُولُ النَّاسُ إِنَّهُ يَوْمٌ مُبَارَكٌ فِيهِ وُلِدَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ وَ اللَّهِ مَا يَعْلَمُونَ أَيُّ يَوْمٍ وُلِدَ فِيهِ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَ إِنَّهُ لَيَوْمٌ مَشُومٌ فِيهِ قُبِضَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله وَ انْقَطَعَ الْوَحْيُ وَ لَكِنْ أُحِبُّ لَكَ أَنْ تَخْرُجَ يَوْمَ الْخَمِيسِ وَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانَ يَخْرُجُ فِيهِ إِذَا غَزَا(۵).

ص: ۲۲۵

۱- ۱. راجع ج ۵۹ باب ما روی فی سعاده أیّام الأسبوع و نحوستها ص ۱۸- ۳۱. من هذه الطبعه.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۱۳۱، و لهذا الحدیث بیان مستوفی فی ج ۵۸ ص ۳۴۲ من هذه الطبعه الحدیثه.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۴۸.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۴۶.

۵- ۵. المحاسن ص ۳۴۷.

**[ترجمه]محاسن: محمد بن ابی کرام گفت: آماده سفر به سوی عراق شدم و برای سلام و بدرود نزد امام صادق علیه السّلام رفتم. فرمود: کجا قصد داری؟ گفتم: می خواهم به عراق روم. به من فرمود: امروز روز دوشنبه بود. گفتم: مردم گوینـد امروز مبارك است، پیغمبر صلی الله علیه و آله در آن زاده شده. فرمود: به خدا ندانند چه روزی پیغمبر صلی الله علیه و آله زاده شده و همانا

که امروز روز شومی است. پیغمبر صلی الله علیه و آله در آن وفات کرده و وحی بریده شده، ولی برایت دوست دارم روز پنجشنبه بیرون شوی که همیشه برای نبرد، در این روز بیرون می رفت. - . محاسن: ۳۴۷ -

**[ترجمه]

«۱۲»

سن، [المحاسن] عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ قَالَ: أَرَدْنَا أَنْ نَخْرُجَ فَجِئْنَا نُسَلِّمُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ كَأَنَّكُمْ طَلَبْتُمْ بَرَكَةَ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ فَقُلْنَا نَعَمْ قَالَ وَ أَيُّ يَوْمٍ أَعْظَمُ شُؤْماً مِنْ يَوْمِ الْإِثْنَيْنِ يَوْمٍ فَقَدْنَا فِيهِ نَبِيَّنَا وَ ارْتَفَعَ فِيهِ الْوَحْيُ - لَا تَخْرُجُوا وَ اخْرُجُوا يَوْمَ الثَّلَاثَاءِ(۱).

**[ترجمه]محاسن: ایوب خزاز گفت: می خواستیم بیرون شویم و آمدیم سلامی به امام صادق علیه السّلام بدهیم. فرمود: گویا شما برکت روز دوشنبه را خواهانید؟ گفتیم: آری. فرمود: چه روزی شوم تر از روز دوشنبه است؟ روزی که در آن پیغمبر خود را از دست دادیم و وحی در آن برداشته شد. بیرون نشوید و روز سه شنبه بیرون شوید. - . محاسن: ۳۴۷ -

**[ترجمه]

«۱۳»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَحْيَى الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالْخُرُوجِ فِي السَّفَرِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ(۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: باکی نیست از به سفر رفتن در شب جمعه. - . محاسن: ۳۴۷ -

**[ترجمه]

«۱۴»

سن، [المحاسن] عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ سَافَرَ أَوْ تَزَوَّجَ وَ الْقَمَرُ فِي الْعَقْرَبِ لَمْ يَرَ الْحُسْنَى (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که سفر کند یا ازدواج کند و قمر در عقرب باشد، خوشی نبیند. - . محاسن: ۳۴۷ -

**[ترجمه]

«۱۵»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ حَرِیزٍ قَالَ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ علیهما السلام: سَافِرْ أَیَّ یَوْمٍ شِئْتَ وَ تَصَدَّقْ بِصَدَقَهٍ.

**[ترجمه]طب الائمه: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر روز که خواهی سفر کن و صدقه ای بده.

**[ترجمه]

«۱۶»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یُسَافِرُ یَوْمَ الْخَمِیسِ وَ قَالَ یَوْمُ الْخَمِیسِ یَوْمٌ یُحِبُّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ مَلَائِکَتُهُ (۴).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله همیشه روز پنجشنبه سفر می کرد و می فرمود آن روزی است که خدا و رسولش دوستش دارند. - . مکارم الاخلاق: ۲۷۶ -

**[ترجمه]

«۱۷»

طا، [الأمان] بِإِسْنَادِنَا عَنِ الصَّدُوقِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام: مِثْلَهُ.

وَ عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ أَبِی یَحْیَی الْمَدِینِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَا بَأْسَ بِالْخُرُوجِ فِی السَّفَرِ لَیْلَهَ الْجُمُعَهِ.

**[ترجمه]امان الاخطار: مانند آن را آورده و نیز از آن امام صادق علیه السّلام که فرمود: باکی نیست در سفر رفتن شب جمعه.

**[ترجمه]

«۱۸»

مکا، [مکارم الأخلاق]: وَ سَأَلَ أَبُو أَیُّوبَ الْخَزَّازُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ فَإِذا قُضِیَتِ الصَّلاهُ فَانْتَشِرُوا فِی

الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ فَقَالَ الصَّلَاهُ يَوْمَ الْجُمُعَهِ وَ الِانْتِشَارُ يَوْمَ السَّبْتِ.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: وَ اتَّقِ الْخُرُوجَ إِلَى السَّفَرِ الْيَوْمَ الثَّالِثَ مِنَ الشَّهْرِ وَ الْحَادِیَ وَ الْعِشْرِينَ مِنْهُ وَ الْخَامِسَ وَ الْعِشْرِينَ مِنْهُ فَإِنَّهَا أَيَّامٌ مَنْحُوسَهٌ مَرْوِيَّهٌ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام.

ص: ۲۲۶

۱- ۱. المحاسن ص ۳۴۷.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۴۷.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۴۷.

۴- ۴. مكارم الأخلاق ص ۲۷۶.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: لَا تُسَافِرُوا یَوْمَ الْإِثْنَیْنِ وَ لَا یُطْلَبُ فِیهِ حَاجَةٌ(۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: ابو ایوب خزاز از امام صادق علیه السّلام درباره این قول خدا عزوجل پرسید: «فإذا قضیت الصلاه فانتشروا فی الأرض و ابتغوا من فضل الله.» - . جمعه / ۱۰ - {و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید.} فرمود: نماز در روز جمعه است و پراکنده شدن روز شنبه.

و از همان امام است که فرمود: بپرهیز از سفر کردن در روز سوم ماه و روز بیست ویکم و بیست و پنجم از آن که اینها روزهای نحس هستند .

و از آن حضرت علیه السّلام است که فرمود: در روز دوشنبه سفر مکن و پی حاجت مطلب مرو. - . مکارم الاخلاق: ۲۷۶ -

**[ترجمه]

«۱۹»

طا، [الأمان]: وَ أَمَّا الْأَیَّامُ الْمَکْرُوهَهُ فِی الشَّهْرِ لِلسَّفَرِ فَفِی بَعْضِ الرِّوَایَاتِ الْیَوْمُ الثَّالِثُ مِنْهُ وَ الرَّابِعُ مِنْهُ وَ الْخَامِسُ وَ الثَّالِثَ عَشَرَ وَ السَّادِسَ عَشَرَ وَ الْعِشْرُونَ وَ الْحَادِی وَ الْعِشْرُونَ وَ الرَّابِعُ وَ الْعِشْرُونَ وَ الْخَامِسُ وَ الْعِشْرُونَ وَ السَّادِسُ وَ الْعِشْرُونَ وَ فِی بَعْضِ الرِّوَایَاتِ أَنَّ الْیَوْمَ الرَّابِعَ مِنَ الشَّهْرِ وَ الْیَوْمَ الْحَادِیَ وَ الْعِشْرِینَ صَالِحَانِ لِلْأَسْفَارِ وَ فِی رِوَایَهٍ أَنَّ ثَامِنَ الشَّهْرِ وَ الثَّالِثَ وَ الْعِشْرِینَ مِنْهُ مَکْرُوهَانِ لِلسَّفَرِ(۲).

**[ترجمه]امان الاخطار: و اما روزهایی که سفر در آنها در هر ماه بد است، در برخی روایات روز سوم و چهارم و پنجم و سیزدهم و شانزدهم و بیستم و بیست و یکم و بیست و چهارم و بیست و پنجم و بیست و ششم، و در برخی روایات روز چهارم ماه و روز بیست و یکم برای سفر خوبند، و در روایتی است که سفر در روز هشتم و بیست و سوم بد است. - . امان الاخطار: ۱۹ -

**[ترجمه]

«۲۰»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: سَافِرُوا یَوْمَ الثَّلَاثَاءِ وَ اطْلُبُوا الْحَوَائِجَ فِیهِ فَإِنَّهُ الْیَوْمُ الَّذِی أَلَانَ اللَّهُ فِیهِ الْحَدِیدَ لِدَاوُدَ علیه السلام.

وَ قَالَ: کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله یُغْزِی بِأَصْحَابِهِ فِی یَوْمِ الْخَمِیسِ فَإِذَا اضْطُرِرْتَ فِی غَیْرِهَا فَاسْتَخِرِ اللَّهَ وَ اسْأَلْهُ الْعَافِیَهَ وَ تَصَدَّقْ بِشَیْ ءٍ وَ اخْرُجْ عَلَی اسْمِ اللَّهِ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: امام صادق علیه السّلام فرمود: روز سه شنبه سفر کنید و در آن حاجت خواهید، زیرا روزی است

که خدا در آن آهن را برای داود علیه السّلام نرم کرده است.

و فرمود: پیغمبر را شیوه این بود که اصحابش را روز پنجشنبه به جنگ می برد و اگر در غیر آن به سفر ناچار شدی، از خدا خیر بخواه و عافیت بطلب و چیزی صدقه بده و به نام خدا بیرون شو.

**[ترجمه]

«۲۱»

جَمَالُ الْأُسْبُوعِ، بِإِسْنَادِهِ إِلَی أَبِی عَلِیٍّ الطَّبْرِسِیِّ فِیمَا رَوَاهُ عَنِ الْأَئِمَّهِ الْمَهْدِیِّینَ علیهم السلام أَنَّهُمْ قَالُوا: سَافِرْ یَوْمَ الثَّلَاثَاءِ فَإِنَّهُ الْیَوْمُ الَّذِی أَلَانَ اللَّهُ فِیهِ الْحَدِیدَ لِدَاوُدَ علیه السلام.

**[ترجمه]جمال الاسبوع: از أئمه مهديين نقل است كه روز سه شنبه سفر كنيد، زيرا روزى است كه خدا در آن آهن را براى داود عليه السّلام نرم كرده .

**[ترجمه]

باب ۴۷ الرفیق و عددهم و حکم من خرج وحده

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال] عَنْ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنِ ابْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ثَلَاثَهً الْآکِلَ زَادَهُ وَحْدَهُ وَ الرَّاکِبَ فِی الْفَلَاهِ وَحْدَهُ وَ النَّائِمَ فِی بَیْتٍ وَحْدَهُ (۳).

ص: ۲۲۷

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۲۷۶.

۲- ۲. أمان الاخطار ص ۱۹.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۴۶.

**[ترجمه]خصال: امام کاظم علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله سه کس را لعن کرده است: آن که توشه اش را تنها خورد، سواری که در بیابان تنها برود و کسی که تنها در خانه ای بخوابد. - . خصال ۱: ۴۶ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] عَنِ الْعَطَّارِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَخِيهِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى عَنْ رَجُلٍ مِنْ بَنِي نَوْفَلَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَحَبُّ الصَّحَابَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعَةٌ وَ مَا زَادَ قَوْمٌ عَلَى سَبْعَةٍ إِلَّا زَادَ لَغَطُهُمْ (۱).

كِتَابُ الْغَايَاتِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام: وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ سَوَاءً إِلَّا أَنَّ فِيهِ كَثُرَ مَكَانَ زَادَ.

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: محبوب ترین یاران به درگاه خدا عزوجل چهارنفرند و جمعی بیش از هفت نباشند، جز آنکه جنجال و ناراحتی آنان فزون گردد. - . خصال ۱: ۱۱۳ -

کتاب الغایات: از امام باقر علیه السّلام مانند آن را نقل فرموده و اختلاف در تعبیر دارد.

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] عَنِ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدَانَ الْعَسْكَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ حَنَانِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَقِيلٍ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: خَيْرُ الصَّحَابَةِ أَرْبَعَةٌ وَ خَيْرُ السَّرَايَا أَرْبَعُمِائَةٍ وَ خَيْرُ الْجُيُوشِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ وَ لَنْ يُهْزَمَ اثْنَا عَشَرَ ألف [أَلْفاً] مِنْ قِلَّةٍ إِذَا صَبَرُوا وَ صَدَقُوا(۲).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین یاران سفر چهارند و بهترین دسته های جنگجو چهار صد و بهترین لشکر چهار هزار نفر، و هرگز دوازده هزار نفر از کمی شکست نخورند، اگر شکیبا و جدی باشند. - . خصال ۱: ۹۴ -

**[ترجمه]

«۴»

سن، [المحاسن] عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ خَرَجَ وَحْدَهُ فِي سَفَرٍ فَلْيَقُلْ مَا شَاءَ اللَّهُ- لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِي وَ أَعِنِّي عَلَى وَحْدَتِي وَ أَدِّ غَيْبَتِي (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام کاظم علیه السّلام فرمود: هر که تنها سفر کند گوید: «ما شاء الله لا حول و لا قوه الا بالله اللهم انس

وحشتی و اعنی علی وحدتی و اد غیبتی.» - . محاسن: ۳۵۵ و ۳۷۰ -

{هرچه خدا بخواهد، هیچ قدرتی نیست مگر از خدا . خدایا در وحشتم مونسم باشم و مرا بر تنهاییم یاری ده و مرا در غیبتم یاری کن}

**[ترجمه]

«۵»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: فِي وَصِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِعَلِيٍّ علیه السلام يَا عَلِيُّ لَا تَخْرُجْ فِي سَفَرٍ وَحْدَكَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَ الْوَاحِدِ وَ هُوَ مِنَ الِاثْنَيْنِ أَبْعَدُ يَا عَلِيُّ إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا سَافَرَ وَحْدَهُ فَهُوَ غَاوٍ وَ الِاثْنَانِ غَاوِيَانِ وَ الثَّلَاثَةُ النَّفَرُ وَ رَوَى بَعْضُهُمْ سَفْرٌ(۴).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: در سفارش های پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام بود که: ای علی! تنها به سفر مرو که شیطان با تنها است و از دو تا دورتر است. ای علی! همانا مردی که تنها سفر کند، گمراه است و اگر دو تا باشند، دو گمراهند، و سه تا همراهند. - . محاسن: ۳۵۶ -

**[ترجمه]

«۶»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عُبَيْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله ثَلَاثَةً أَحَدُهُمْ رَاكِبُ الْفَلَاةِ وَحْدَهُ (۵).

**[ترجمه]محاسن: امام کاظم علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله سه کس را لعنت کرده، یکی از آنها سوار تنها در بیابان است. - . محاسن: ۳۵۶ -

**[ترجمه]

«۷»

سن، [المحاسن] عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ قَالَ:

ص: ۲۲۸

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۱۱۳.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۹۴.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۵۵ و ۳۷۰.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۵۶.

۵- ۵. المحاسن ص ۳۵۶.

كُنْتُ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام بِمَكَّهَ إِذْ جَاءَهُ رَسُولٌ مِنَ الْمَدِينَهِ فَقَالَ لَهُ مَنْ صَحِبَکَ فَقَالَ مَا صَحِبْتُ أَحَداً فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَمَا لَوْ كُنْتُ تَقَدَّمْتُ إِلَيْکَ لَأَحْسَنْتُ أَدَبَکَ ثُمَّ قَالَ وَاحِدٌ شَيْطَانٌ وَ اثْنَانِ شَيْطَانَانِ وَ ثَلَاثَهٌ صَحْبٌ وَ أَرْبَعَهٌ رُفَقَاءُ(۱).

**[ترجمه]محاسن: اسماعیل بن جابر گفت: در مکه نزد امام صادق علیه السّلام بودم که کسی از مدینه نزد آن حضرت آمد. حضرت به او فرمود: چه کسی همراهت بود؟ گفت: کسی نبود. آن حضرت به او فرمود: آگاه باش که اگر من پیش تو آمده بودم، خوب ادبت می کردم! سپس فرمود: یکی شیطان است و دو نفر، دو شیطان و سه نفر، یاران هم و چهار نفر، رفیقان باشند. - . محاسن: ۳۵۶ -

**[ترجمه]

«۸»

سن، [المحاسن] عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ أَخِيهِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُثَنًّى عَنْ رَجُلٍ مِنْ بَنِی نَوْفَلِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الْبَائِتُ فِی الْبَيْتِ وَحْدَهُ شَيْطَانٌ وَ الِاثْنَانِ لُمَهٌ وَ الثَّلَاثَهُ أُنْسٌ (۲).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: یک نفر که شب را در یک خانه تنها به سر برد، شیطان است و دو نفر، پریشان دل و سه نفر، همدم هستند. - . محاسن: ۳۵۶ -

**[ترجمه]

«۹»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ مَسْلَمَهَ عَنِ السِّنْدِيِّ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَ لَا أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ قَالُوا بَلَی يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ مَنْ سَافَرَ وَحْدَهُ وَ مَنَعَ رِفْدَهُ وَ ضَرَبَ عَبْدَهُ (۳).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به شما خبر دهم از بدترین مردم؟ گفتند: چرا یا رسول الله! فرمود: کسی که تنها سفر کند و از مهمان دریغ کند و غلام خود را بزند. - .[۵] محاسن: ۳۵۶ -

**[ترجمه]

«۱۰»

نهج، [نهج البلاغه]: قَالَ علیه السلام فِی وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنِ علیه السلام: سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ وَ عَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ(۴).

**[ترجمه]نهج البلاغه: در وصیتش به حسن علیه السّلام فرمود: رفیق را پیش از راه و همسایه را پیش از تهیه خانه وارسی کن.

-. نهج البلاغه: نامه ۳۱ -

**[ترجمه]

باب ۴۸ حمل العصا و إداره الحنک و سائر آداب الخروج من الصدقه و الدعاء و الصلاه و سائر الأدعيه المتعلقه بالسفر

الأخبار

«۱»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ إِدْرِيسَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ إِسْمَاعِيلَ وَ الرَّيَّانِ جَمِيعاً عَنْ يُونُسَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: مَنْ خَرَجَ فِي سَفَرٍ وَ مَعَهُ عَصَا لَوْزٍ مُرٍّ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ- وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقاءَ مَدْيَنَ إِلَى قَوْلِهِ وَ اللَّهُ عَلى ما نَقُولُ وَكِيلٌ (۵) آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ سَبُعٍ

ص: ۲۲۹

۱- ۱. المحاسن ص ۳۵۶.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۵۶.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۵۶.

۴- ۴. نهج البلاغه الرقم ۳۱ من قسم الرسائل.

۵- ۵. القصص: ۲۲.

ضَارٍ وَ كُلِّ لِصٍّ عَادٍ وَ كُلِّ ذَاتِ حُمَهٍ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ وَ مَنْزِلِهِ وَ كَانَ مَعَهُ سَبْعَهٌ وَ سَبْعُونَ مِنَ الْمُعَقِّبَاتِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ وَ يَضَعَهَا.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: حَمْلُ الْعَصَا تَنْفِي الْفَقْرَ وَ لَا يُجَاوِرُهُ شَيْطَانٌ.

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّهُ مَرِضَ آدَمُ مَرَضاً شَدِيداً أَصَابَتْهُ فِيهِ وَحْشَهٌ فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى جَبْرَئِيلَ عليه السلام فَقَالَ لَهُ اقْطَعْ وَاحِدَهً مِنْهُ وَ ضُمَّهَا إِلَى صَدْرِكَ فَفَعَلَ فَأَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُ الْوَحْشَهَ وَ قَالَ مَنْ أَرَادَ أَنْ تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ فَلْيَتَّخِذِ النُّقُدَ(۱)

مِنَ الْعَصَا.

وَ النُّقُدُ عَصَا لَوْزٍ مُرٍّ(۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق عليه السّلام فرمود: پدرم از پدرانش، از امير المؤمنين عليه السّلام، از رسول خدا صلى الله عليه و آله نقل كرد كه فرمود: هر كه با عصاى بادام تلخ به سفر رود و اين آيه را بخواند: «وَ لَمّا تَوَجَّهَ تِلْقاءَ مَدْيَنَ» تا آنجا كه فرمايد: «وَ اللّهُ عَلى ما نَقُولُ وَكِيلٌ.» - . قصص/ ۲۲ - {و چون به سوى شهر مدين رو نهاد...و خدا بر آنچه مى گوييم وكيل است} خدا او را از هر درنده آزاردهنده و هر دزد تجاوزگر و هر نيشدار نگه دارد تا به خاندانش و به منزلش برگردد، و همراه او هفتاد و هفت فرشته بدرقه باشند كه برايش آمرزش خواهند تا برگردد و آن عصا را وانهد.

و رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: عصا برداشتن فقر را ببرد و شيطان را دور كند.

و فرمود: آدم عليه السّلام به سختى بيمار شد و دچار هراس گرديد و از آن به جبرئيل شكوه كرد. جبرئيل به وى گفت: يكى از آن (شاخه درخت بادام تلخ) را بِبُر و به سينه خود بچسبان. او نيز اين كار را انجام داد و خدا هراس او را برد و فرمود: هر كه طى الارض خواهد، عصاى بادام تلخ برگيرد. - . ثواب الاعمال: ۱۷۰ -

**[ترجمه]

«۲»

طا، [الأمان] رُوِيَ عَنِ الْأَئِمَّهِ عليهم السلام أَنَّهُمْ قَالُوا: إِذَا أَرَادَ أَنْ يُسَافِرَ أَحَدُكُمْ فَلْيَصْحَبْ مَعَهُ فِي سَفَرِهِ عَصًا مِنْ شَجَرِ اللَّوْزِ الْمُرِّ وَ لْيَكْتُبْ هَذِهِ الْأَحْرُفَ فِي رَقٍّ وَ يَحْفِرِ الْعَصَا وَ يَجْعَلِ الرَّقَّ فِيهَا وَ هِيَ سلمحلس وه به لهون بِإِذْنِ اللَّهِ ناويه صاف ۵ يقسامه ه.

**[ترجمه]امان الاخطار: از ائمه عليهم السّلام روايت است كه فرمودند: چون يكى از شما سفر خواهد كند، با خود عصا از درخت بادام تلخ بردارد و اين حروف را در برگى نويسد و درون عصا نهد و آن حروف «سلمحلس وه به لهون باذن الله ناويه صاف ۵ يقسامه ه» باشند.

**[ترجمه]

«۳»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ضَمِنْتُ لِمَنْ یَخْرُجُ مِنْ بَیْتِهِ مُعْتَمّاً أَنْ یَرْجِعَ إِلَیْهِمْ سَالِماً(۳).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: من ضامنم که هر که با عمامه از خانه اش بیرون رود، سالم بدان برگردد. -. ثواب الاعمال: ۱۷۰ -

**[ترجمه]

«۴»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام قَالَ: أَنَا الضَّامِنُ لِمَنْ خَرَجَ مِنْ بَیْتِهِ یُرِیدُ سَفَراً مُعْتَمّاً تَحْتَ حَنَکِهِ أَنْ لَا یُصِیبَهُ السَّرَقُ وَ الْغَرَقُ وَ الْحَرَقُ (۴).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام کاظم علیه السّلام فرمود: من ضامنم برای هر که از خانه اش به سفر می رود و عمامه و تحت الحنک بسته باشد که دچار دزدی و غرق و آتش سوزی نشود. -. ثواب الاعمال: ۱۷۰ -

**[ترجمه]

ص، [قصص الأنبیاء علیهم السلام] بِالْإِسْنَادِ إِلَی الصَّدُوقِ بِإِسْنَادِهِ إِلَی وَهْبٍ قَالَ: کَانَ أَحْبَارُ بَنِی إِسْرَائِیلَ الصَّغِیرُ مِنْهُمْ وَ الْکَبِیرُ یَمْشُونَ بِالْعَصَا مَخَافَهَ أَنْ یَخْتَالَ أَحَدٌ فِی مِشْیَتِهِ (۵).

ص: ۲۳۰

۱- ۱. ما یوجد فی معاجم اللغه أن النقد محرکه و بضمتین ضرب من الشجر واحدته نقده و لعلّ الصدوق رحمه اللّه انما فسره بعصا لو زمر، فانه قرء النقد علی وزن کتف، و النقد المؤتکل المتقشر، یقال نقد الجذع نقدا: أرض، فهو نقد، اذا أکلته الأرضه، و علتها القشور شبه البثره، و عصا اللوز هکذا یکون.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۱۷۰.

۳- ۳. ثواب الأعمال ص ۱۷۰.

۴- ۴. ثواب الأعمال ص ۱۷۰.

۵- ۵. قصص الأنبیاء مخطوط و أخرجه المؤلّف العلامه فی باب نوادر أخبار بنی إسرائیل من کتاب النبوّه تحت الرقم ۱۶ راجع ج ۱۴ ص ۴۹۴ من هذه الطبعه و أخرجه الجزائریّ. فی قصصه ص ۲۵۲، و فی المطبوعه رمز المحاسن و هو سهو ظاهر، و قد أخرجه الصدوق رحمه اللّه فی الفقیه مرسلا ج ۲ ص ۱۷۶ و لفظه کما یأتی عن مکارم الأخلاق تحت الرقم ۱۴.

**[ترجمه]قصص الأنبياء: وهب گفت: دانشمندان بنی اسرائیل از کوچک و بزرگ با عصا راه می رفتند تا مبادا کبر فروشند. - . به بحارالانوار: «باب نوادر اخبار بنی اسرائیل»، «کتاب نبوت» شماره ۱۶ رجوع کن ۱۴: ۴۹۴ -

**[ترجمه]

«۶»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَ یُکْرَهُ السَّفَرُ فِی شَیْ ءٍ مِنَ الْأَیَّامِ الْمَکْرُوهَهِ الْأَرْبِعَاءِ وَ غَیْرِهِ فَقَالَ افْتَحْ سَفَرَکَ بِالصَّدَقَهِ وَ اقْرَأْ آیَهَ الْکُرْسِیِّ إِذَا بَدَا لَکَ (۱).

**[ترجمه]محاسن: حماد بن عثمان گفت: از امام صادق علیه السّلام پرسیدم: سفر در روزهای مکروهه چهارشنبه و دیگر آنها بد است؟ فرمود: سفرت را چون برایت پیش آید، با صدقه شروع کن و آیه الکرسی را بخوان. - . محاسن: ۳۴۸ -

**[ترجمه]

«۷»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: تَصَدَّقْ وَ اخْرُجْ أَیَّ یَوْمٍ شِئْتَ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: صدقه بده و هر روزی که خواستی خارج شو. - . محاسن: ۳۴۸ -

**[ترجمه]

«۸»

ق، [الکتاب العتیق الغروی]: عُوذَهُ الْعَصَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ أَئِمَّهِ الْهُدَی- رَبِّ نَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ- وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقاءَ مَدْیَنَ قالَ عَسی رَبِّی أَنْ یَهْدِیَنِی سَواءَ السَّبِیلِ کِتَابُ اللَّهِ کُلُّهُ بَیْنَ یَدَیَّ وَ عَنْ خَلْفِی وَ عَنْ یَمِینِی وَ عَنْ شِمَالِی وَ مِنْ فَوْقِی وَ مِنْ تَحْتِی وَ مُحِیطاً بِی- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یا مُوسی أَقْبِلْ وَ لا تَخَفْ إِنَّکَ مِنَ الْآمِنِینَ حَامِلَ کِتَابِی هَذَا أَقْبِلْ اللَّهُ الْأَعْظَمُ یاه یاه بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ یَا مُنْشِئَ السَّحَابِ الثِّقَالِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ.

**[ترجمه]کتاب عتیق: دعای عصا: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ أَئِمَّهِ الْهُدَی رَبِّ نَجِّنِی مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقاءَ مَدْیَنَ قالَ عَسی رَبِّی أَنْ یَهْدِیَنِی سَواءَ السَّبِیلِ کِتَابُ اللَّهِ کُلُّهُ بَیْنَ یَدَیَّ وَ عَنْ خَلْفِی وَ عَنْ یَمِینِی وَ عَنْ شِمَالِی وَ مِنْ فَوْقِی وَ مِنْ تَحْتِی وَ مُحِیطاً بِی بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ یا مُوسی أَقْبِلْ وَ لا تَخَفْ إِنَّکَ مِنَ الْآمِنِینَ حَامِلَ کِتَابِی هَذَا أَقْبِلْ اللَّهُ الْأَعْظَمُ یاه یاه بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ یَا مُنْشِئَ السَّحَابِ الثِّقَالِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ آلِهِ.» {بسم الله الرحمن الرحیم و درود بر محمد نبی و آل او ائمه هدایت. پروردگارا مرا از قوم ظالم نجات ده، و هنگامی که رو به

مدین کرد گفت: امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند. کتاب خدا تماما در مقابل من و در چپ من و راست من و بالای سر من و پایین من و محیط بر من است. بسم الله الرحمن الرحیم ای موسی رو کن و نترس که تو از ایمن شدگانی به حمل کتاب من رو کن. خدا اعظم است یاه یاه بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ بِاللَّهِ ای ایجاد کننده ابرهای سنگین درود بر محمد نبی و آلش باد}

**[ترجمه]

«۹»

سن، [المحاسن] عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ خَارِجَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام إِذَا أَرَادَ الْخُرُوجَ إِلَى بَعْضِ أَمْوَالِهِ اشْتَرَى السَّلَامَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا تَيَسَّرَ وَ يَكُونُ ذَلِكَ إِذَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرِّكَابِ وَ إِذَا سَلَّمَهُ اللَّهُ وَ انْصَرَفَ حَمِدَ اللَّهَ وَ شَكَرَهُ أَيْضاً بِمَا تَيَسَّرَ لَهُ.

وَ رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام إِذْ أَتَاهُ رَجُلٌ مِنَ الشِّيعَةِ لِيُوَدِّعَهُ بِالْخُرُوجِ إِلَى الْعِرَاقِ فَأَخَذَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام بِيَدِهِ ثُمَّ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِيهِ بِمَا كَانَ يَصْنَعُ قَالَ فَوَدَّعَهُ الرَّجُلُ وَ مَضَى فَأَتَاهُ الْخَبَرُ بِأَنَّهُ قُطِعَ عَلَيْهِ فَأَخْبَرْتُ بِذَلِكَ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَ وَ لَمْ أُعْطِهِ فَقُلْتُ بَلَى ثُمَّ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَإِذَا أَنَا فَعَلْتُ ذَلِكَ أَعْتَدُّ بِهِ مِنَ

۱- ۱. المحاسن ص ۳۴۸.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۴۸.

الزَّكَاهِ فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ إِنْ شِئْتَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنَ الْحَقِّ الْمَعْلُومِ (۱).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: شیوه علی بن حسین علیه السّلام بود که چون عازم سفر به یکی از املاکش می شد، در آن وقت که پا به رکاب می نهاد، سلامت خود را با صدقه ای که میسر بود از خدا عزوجل می خرید و چون خدا سالمش می داشت و برمی گشت، خدا را سپاس می کرد و بدان چه فراهم می شد، شکر می گفت.

و عبدالرحمن بن کثیر گفت: نزد امام باقر علیه السّلام بودم که مردی از شیعه برای وداع و رفتن به سوی عراق نزد او آمد. آن حضرت دستش را گرفت و آنچه پدرش می کرد، به او بازگفت. گوید: آن مرد با حضرتش وداع کرد و رفت و خبر آمد که راه را بر او بریدند. من موضوع را به آن حضرت گزارش کردم. فرمود: سبحان الله!آیا من به او پند ندادم؟ گفتم: چرا. سپس گفتم: قربانت گردم! چون من این کار کردم، آن را به حساب زکات در شمار آورم؟ فرمود: نه، و اگر خواهی از حق معلوم - یعنی «به حق معلوم» که در آیه «و الذین فی أموالهم حق معلوم للسائل و المحروم» آمده. - به حساب آور. - . محاسن: ۳۴۸ -

**[ترجمه]

«۱۰»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ ابْنِ أُذَیْنَهَ عَنْ سُفْیَانَ بْنِ عُمَرَ قَالَ: كُنْتُ أَنْظُرُ فِی النُّجُومِ فَأَعْرِفُهَا وَ أَعْرِفُ الطَّالِعَ فَیَدْخُلُنِی مِنْ ذَلِكَ شَیْ ءٌ فَشَكَوْتُ ذَلِكَ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ إِذَا وَقَعَ فِی نَفْسِكَ شَیْ ءٌ فَتَصَدَّقْ عَلَی أَوَّلِ مِسْكِینٍ ثُمَّ امْضِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَدْفَعُ عَنْكَ (۲).

**[ترجمه]محاسن: سفیان بن عمر گوید: من ستاره شناس بودم و طالع را می شناختم و هراسی در دلم می افتاد. از آن موضوع به امام صادق علیه السّلام شکوه کردم، فرمود: چون بد دل شدی، به اولین مستمندی که رسیدی صدقه بده و گذر کن که خدا عزوجل آن را از تو دفع کند. - . محاسن: ۳۴۹ -

**[ترجمه]

«۱۱»

سن، [المحاسن] عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیِّ بْنِ یَقْطِینٍ عَنْ یُونُسَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ أَحَدِهِمَا علیه السلام قَالَ: كَانَ أَبِی إِذَا خَرَجَ یَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ مِنْ آخِرِ الشَّهْرِ أَوْ فِی یَوْمٍ یَكْرَهُهُ النَّاسُ مِنْ مُحَاقٍ أَوْ غَیْرِهِ تَصَدَّقَ بِصَدَقَهٍ ثُمَّ خَرَجَ (۳).

**[ترجمه]محاسن: یکی از دو امام علیهما السّلام فرمود: شیوه پدرم بود که چون روز چهارشنبه آخر ماه یا هر روزی که سفر را بد می دانستند سفر می کرد، همچون محاق و غیر آن، صدقه ای می داد و سفر می کرد. - . محاسن: ۳۴۹ -

**[ترجمه]

«۱۲»

«۱۲»

سن، [المحاسن] عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ قَالَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام: أَنَا ضَامِنٌ لِمَنْ خَرَجَ یُرِیدُ سَفَراً مُعْتَمّاً تَحْتَ حَنَکِهِ ثَلَاثاً- لَا یُصِیبُهُ السَّرَقُ وَ الْغَرَقُ وَ الْحَرَقُ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام کاظم علیه السّلام فرمود: من برای هر که از خانه اش به سفر می رود و عمامه و تحت الحنک بسته باشد، ضامنم که دچار دزدی و غرق و آتش سوزی نشود. - . محاسن: ۳۷۳ -

**[ترجمه]

«۱۳»

مکا، [مکارم الأخلاق]: کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لَا یُفَارِقُهُ فِی أَسْفَارِهِ قَارُورَهُ الدُّهْنِ وَ الْمُکْحُلَهُ وَ الْمِقْرَاضُ وَ الْمِرْآهُ وَ الْمِسْوَاکُ وَ الْمُشْطُ وَ فِی رِوَایَهٍ یَکُونُ مَعَهُ الْخُیُوطُ وَ الْإِبْرَهُ وَ الْمِخْصَفُ وَ السُّیُورُ فَیَخِیطُ ثِیَابَهُ وَ یَخْصِفُ نَعْلَهُ (۵).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: پیغمبر صلی الله علیه و آله در سفرهایش از شیشه عطر، سرمه دان، قیچی، آینه، مسواک و شانه خود جدا نمی شد. و در روایتی است که با آن حضرت، نخ و سوزن و پینه زنی و بند نعلین بود که با آنها جامه اش را می دوخت و نعلین خود را پینه می زد. - . مکارم الاخلاق: ۳۶ -

**[ترجمه]

«۱۴»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: تَصَدَّقْ وَ اخْرُجْ أَیَّ یَوْمٍ شِئْتَ.

عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یُکْرَهُ السَّفَرُ فِی شَیْ ءٍ مِنَ الْأَیَّامِ الْمَکْرُوهَهِ مِثْلِ یَوْمِ الْأَرْبِعَاءِ وَ غَیْرِهِ فَقَالَ افْتَحْ سَفَرَکَ بِالصَّدَقَهِ وَ اخْرُجْ إِذَا بَدَا لَکَ وَ اقْرَأْ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ احْتَجِمْ إِذَا بَدَا لَکَ.

ص: ۲۳۲

۱- ۱. المحاسن ص ۳۴۸، و یعنی بالحق المعلوم ما فی قوله تعالی« وَ الَّذِینَ فِی أَمْوالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلسَّائِلِ وَ الْمَحْرُومِ».

۲- ۲. المحاسن ص ۳۴۹.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۴۹.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۷۳.

۵- ۵. مکارم الأخلاق ص ۳۶.

عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ(۱) قَالَ: کُنْتُ أَنْظُرُ فِی النُّجُومِ وَ أَعْرِفُ الطَّالِعَ فَیَدْخُلُنِی مِنْ ذَلِکَ شَیْ ءٌ فَشَکَوْتُ ذَلِکَ إِلَی أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام فَقَالَ إِذَا وَقَعَ فِی نَفْسِکَ شَیْ ءٌ فَتَصَدَّقْ عَلَی أَوَّلِ مِسْکِینٍ ثُمَّ امْضِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَدْفَعُ عَنْکَ.

عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ إِذَا أَصْبَحَ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ نَحْسَ ذَلِکَ الْیَوْمِ.

مِنْ کِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: کَانَ أَبِی علیه السلام إِذَا خَرَجَ یَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ أَوْ فِی یَوْمٍ یَکْرَهُهُ النَّاسُ مِنْ مُحَاقٍ أَوْ غَیْرِهِ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ ثُمَّ خَرَجَ.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: کَانَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ إِذَا أَرَادَ الْخُرُوجَ إِلَی بَعْضِ أَمْوَالِهِ اشْتَرَی السَّلَامَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا تَیَسَّرَ لَهُ وَ یَکُونُ ذَلِکَ إِذَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِی الرِّکَابِ وَ إِذَا سَلَّمَهُ اللَّهُ وَ انْصَرَفَ حَمِدَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ شَکَرَهُ وَ تَصَدَّقَ بِمَا تَیَسَّرَ لَهُ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَرَدْتَ سَفَراً فَاشْتَرِ سَلَامَتَکَ مِنْ رَبِّکَ بِمَا طَابَتْ بِهِ نَفْسُکَ ثُمَّ تَخْرُجُ ذَلِکَ وَ تَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أُرِیدُ سَفَرَ کَذَا وَ کَذَا وَ إِنِّی قَدِ اشْتَرَیْتُ سَلَامَتِی فِی سَفَرِی هَذَا بِهَذَا وَ تَضَعُهُ حَیْثُ یُصْلِحُ وَ تَفْعَلُ مِثْلَ ذَلِکَ إِذَا وَصَلْتَ شُکْراً.

مِنْ کِتَابِ الْفِرْدَوْسِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِکٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَ یَعْجِزُ أَحَدُکُمْ أَنْ یَتَّخِذَ فِی یَدِهِ عَصًا فِی أَسْفَلِهِ عُکَّازٌ(۲)

یَدْعُمُ عَلَیْهَا إِذَا أَعْیَا وَ

۱- ۱. هکذا فی المصدر، و لعله نقل عن الفقیه کما تراه فی ج ۲ ص ۱۷۵ و هکذا نقله ابن طاوس فی فرج المهموم ص ۱۲۳ نقلا عن الفقیه، و عن کتاب التجمل عن محمّد بن أذینه عن ابن أبی عمیر، ثمّ استدلّ علی جواز العمل بالنجوم و قال: لو لم یکن فی الشیعه عارفا بالنجوم الا محمّد بن أبی عمیر لکان حجه فی صحتها و اباحتها لانه من خواص الأئمّه علیهم السلام و لکن الظاهر أن الصحیح من السند ما نقله البرقی فی المحاسن کما مرّ تحت الرقم ۱۰ فلا حجه.

۲- ۲. العکاز بالضم و التشدید و هکذا العکازه کتفاح و تفاحه: هی الحدیده المسنونه. کنصل السهم تنصب فی أسفل الرمح لیسهل تعکیزه و ترکیزه فی الأرض، و تجعل فی أسفل العصا لئلا یزلق بصاحبها و یقال لها الزج أیضا، و منه قول الفیروزآبادی: عکز الرمح تعکیزا:« أثبت فیه العکاز». ثم غلب لفظ العکاز و العکازه علی العصا إذا کانت ذات زج کما فسرهما اللغویون و منه قول صاحب الأقرب العکاز: عصا ذات زج فی أسفلها یتوکأ علیها الرجل و العکازه: العکاز و هی اخص منه.

يَجُشُّ بِهَا الْمَاءَ(۱) وَ يُمِيطُ بِهَا الْأَذَى عَنِ الطَّرِيقِ وَ يَقْتُلُ بِهَا الْهَوَامَّ وَ يُقَاتِلُ بِهَا السِّبَاعَ وَ يَتَّخِذُهَا قِبْلَةً بِأَرْضِ فَلَاةٍ.

وَ عَنْهُ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: حَمْلُ الْعَصَا عَلَامَةُ الْمُؤْمِنِ وَ سُنَّةُ الْأَنْبِيَاءِ.

عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الْمَشْيُ مَعَ الْعَصَا مِنَ التَّوَاضُعِ وَ يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفُ حَسَنَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ.

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مَنْ خَرَجَ فِي سَفَرٍ وَ مَعَهُ عَصَا لَوْزٍ مُرٍّ وَ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ- وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقاءَ مَدْيَنَ قالَ عَسى رَبِّي أَنْ يَهْدِيَنِي سَواءَ السَّبِيلِ إِلَى قَوْلِهِ وَ اللَّهُ عَلى ما نَقُولُ وَكِيلٌ آمَنَهُ اللَّهُ مِنْ كُلِّ سَبُعٍ ضَارٍ وَ مِنْ كُلِّ لِصٍّ عَادٍ وَ مِنْ كُلِّ ذَاتِ حُمَةٍ(۲) حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ وَ مَنْزِلِهِ وَ كَانَ مَعَهُ سَبْعَةٌ وَ سَبْعُونَ مِنَ الْمُعَقِّبَاتِ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يَرْجِعَ وَ يَضَعَهَا.

وَ قَالَ علیه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: حَمْلُ الْعَصَا يَنْفِي الْفَقْرَ وَ لَا يُجَاوِرُهُ شَيْطَانٌ.

وَ قَالَ علیه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ فَلْيَتَّخِذِ النُّقْدَ مِنَ الْعَصَا وَ النُّقْدُ عَصَا لَوْزٍ مُرٍّ.

وَ قَالَ علیه السلام: تَعَصَّوْا فَإِنَّهَا مِنْ سُنَنِ إِخْوَانِيَ النَّبِيِّينَ وَ كَانَتْ بَنُو إِسْرَائِيلَ الصِّغَارُ وَ الْكِبَارُ يَمْشُونَ عَلَى الْعَصَا حَتَّى لَا يَخْتَالُوا فِي مِشْيَتِهِمْ (۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: صدقه بده و هر روزی که خواهی سفر کن.

از حماد بن عثمان است که به امام صادق علیه السّلام گفتم: در روزهای بد، مانند روز چهارشنبه و غیرآن سفر بد است؟ فرمود: سفرت را با صدقه شروع کن و هر گاه که پیش آمد سفر کن، و آیه الکرسی بخوان و چون پیش آمد، حجامت کن.

ابن ابی عمیر - . در کتاب «التجمل» این روایت را آورده و به آن بر جواز عمل به نجوم استدلال کرده است و گفته اگر در شیعه کسی جز محمد بن ابی عمیر عارف به نجوم نبود، در حجیت و اباحه آن همین یک نفر کافی است، چرا که او از خواص شیعه بوده. ولیکن آنچه ظاهر است، این است که صحیح در سند این حدیث آن چیزی است که برقی در محاسن نقل کرده، پس این حدیث نمی تواند حجت باشد. -

گفت: من ستاره شناس بودم و طالع را می شناختم و هراسی در دلم می افتاد. از آن موضوع به امام کاظم علیه السّلام شکوه کردم. فرمود: چون بد دل شدی، به اول مستمندی که رسیدی صدقه بده و گذر کن که خدا عزوجل آن را از تو دفع کند.

از امام صادق علیه السّلام روایت است که فرمود: هر که در صبح صدقه ای دهد، خدا بدی آن روز را از وی جلوگیری کند.

محاسن: عبدالله بن سلیمان از یکی از دو امام علیهما السّلام روایت می کند: شیوه پدرم این بود که چون روز چهارشنبه آخر ماه یا هر روزی که سفر را بد می دانست، همچون محاق و غیر آن سفر می کرد، صدقه ای می داد و سفر می کرد.

و محمد بن مسلم گفت: امام باقر علیه السّلام فرمود: شیوه علی بن حسین علیه السّلام بود که چون عازم سفر به یکی از

املاکش می شـد سـلامت خود را با صـدقه ای که میسر بود از خـدا عزوجل می خریـد در آن وقت که پا به رکاب می نهاد و چون خدا سالمش می داشت و برمی گشت خدا را سپاس می کرد و شکر می نمود وبدان چه فراهم می شد صدقه می داد.

و از آن حضـرت است که فرمود: چون قصد سـفر کنی، سـلامت خود را بدان چه فراهم باشد و به دلت نشیند از خدا عزوجل بخر، و سـفر کن و بگو: بار خدایا! من سـفری چنین و چنان در سر دارم و سلامتم را از تو در این سفر با این مبلغ از تو خریدم، و آن را به جای خوب بنه و مانند آن را در رسیدن از راه بجا آور برای شکر خدا.

و از کتـاب فردوس: رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: آیـا عـاجز است کسـی از شـما که عصـایی که ته آن پیکـانی - . «العکاز» با ضـمه و تشدیـد، آهنی است که بر سـر پیکان تیز شـده است. - دارد برگیرد که چون خسـته شود، بدان تکیه کند و آب - . یعنی آن را خارج می کنـد. - بـدان برآورد و با آن آزار دهنـده راه را براندازد، و نیش دارها را بکُشد یا با درنده نبرد کند و در بیابان پهناور، آن را در قبله نماز خود بنهد؟ و از رسول خدا صـلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: عصا با خود داشتن، نشانه مؤمن است و روش پیغمبران.

و از ام سلمه است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: راه رفتن با عصا تواضع است و به هر گام، هزار حسنه دارد و هزار بالا رفتن درجه.

از امیرالمؤمنین علیه السّـلام نقل فرمود که آن حضرت فرمود: هر که با عصای بادام تلخ به سفر رود و این آیه را بخواند: «وَ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقاءَ مَـدْيَنَ» تا آنجا که فرمایـد: «وَ اللَّهُ عَلى ما نَقُولُ وَكِيلٌ.» خـدا او را از هر درنـده آزاردهنـده و هر دزد تجاوزگر و هر نیشـدار - . «الحمه» یعنی سم. - نگه دارد تا به خاندانش و به منزلش برگردد، و همراه او هفتاد و هفت فرشـته بدرقه باشـند که برایش آمرزش خواهند تا برگردد و آن عصا را وانهد.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: عصا داشتن فقر را ببرد و شیطان را دور سازد.

و فرمود: هر که طی الارض خواهد، عصای بادام تلخ با خود ببرد.

و فرمود: عصا برگیرید که روش برادران پیغمبرم است، و بنی اسـرائیل از خرد و کلان با عصا راه می رفتند که متکبر نباشند. - . مکارم الاخلاق: ۲۷۸- ۲۸۰ -

**[ترجمه]

«۱۵»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ فِي سَفَرٍ فَلْيَقُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَ الْخَلِيفَةُ فِي

١- ١. أی يستخرجه، من جش الباكی دمعه: امتراه.
٢- ٢. الحمه: السم أو هی ابره الحيوانات اللساعه.
٣- ٣. مكارم الأخلاق ص ٢٧٨- ٢٨٠.

الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ وَ إِذَا نَزَلْتُمْ مَنْزِلًا فَقُولُوا اللَّهُمَّ أَنْزِلْنَا مُنْزَلًا مُبارَكاً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (۱).

وَ قَالَ علیه السلام: مَنْ ضَلَّ مِنْكُمْ فِی سَفَرٍ أَوْ خَافَ عَلَی نَفْسِهِ فَلْیُنَادِ یَا صَالِحُ أَغِثْنِی فَإِنَّ فِی إِخْوَانِكُمْ مِنَ الْجِنِّ جِنِّیّاً یُسَمَّی صَالِحاً یَسِیحُ فِی الْبِلَادِ لِمَكَانِكُمْ مُحْتَسِباً نَفْسَهُ لَكُمْ فَإِذَا سَمِعَ الصَّوْتَ أَجَابَ وَ أَرْشَدَ الضَّالَّ مِنْكُمْ وَ حَبَسَ عَلَیْهِ دَابَّتَهُ.

وَ قَالَ علیه السلام: مَنْ خَافَ مِنْكُمُ الْأَسَدَ عَلَی نَفْسِهِ وَ غَنَمِهِ فَلْیَخُطَّ عَلَیْهَا خِطَّةً وَ لْیَقُلِ اللَّهُمَّ رَبَّ دَانِیَالَ وَ الْجُبِّ وَ رَبَّ كُلِّ أَسَدٍ مُسْتَأْسِدٍ احْفَظْنِی وَ احْفَظْ غَنَمِی- وَ مَنْ خَافَ مِنْكُمُ الْعَقْرَبَ فَلْیَقْرَأْ هَذِهِ الْآیَاتِ سَلامٌ عَلی نُوحٍ فِی الْعالَمِینَ إِنَّا كَذلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ- إِنَّهُ مِنْ عِبادِنَا الْمُؤْمِنِینَ (۲).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: چون کسی از شما به سفر رود، بگوید: «اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَ الْحَامِلُ عَلَی الظَّهْرِ وَ الْخَلِیفَهُ فِی

الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ.» {بار خدایا! تویی یار در سفر و کمک باربر، و خلیفه در اهل و مال و فرزند.} و چون منزل کردید بگویید: «اللَّهُمَّ أَنْزِلْنَا مُنْزَلًا مُبارَكاً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ.» - . خصال ۲: ۱۶۸ - {بار خدایا ما را منزلی با برکت بده که تو بهترین پذیرا کننده ای.}

و فرمود: هر که از شما در سفر گم شد یا بر جانش ترسید، فریاد بزند: «ای صالح، به دادم برس!» که یکی از برادران جنی شما به نام صالح است که خود را وقف شما کرده وهر جا صدا را شنید، جواب گوید و گمشده را راه نماید و مَرکب سواری گریزان را نگاه می دارد .

و فرمود: هر که از شما از شیر بر خود و گوسفندش ترس دارد، خطی به گرد آنها کشد و بگوید: «ای خدا! پروردگار دانیال و چاه و پرورنده شیر درنده! مرا و گوسفندم را حفظ کن.» و هر کس از شما که از عقرب ترسد، این آیات را بخواند: «سَلامٌ عَلی نُوحٍ فِی الْعالَمِینَ، تا إِنَّا كَذلِكَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ، إِنَّهُ مِنْ عِبادِنَا الْمُؤْمِنِینَ.» - . صافات / ۷۹ - ۸۱ - {درود بر نوح در میان جهانیان. ما این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم. به راستی او از بندگان مومن ما بود.} - . خصال ۲: ۱۵۹- ۱۶۰ -

**[ترجمه]

«۱۶»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ عَلِیِّ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: أَتَی أَخِی مُوسَی علیه السلام رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أُرِیدُ وَجْهَ كَذَا وَ كَذَا فَعَلِّمْنِی اسْتِخَارَةً إِنْ كَانَ ذَلِكَ الْوَجْهُ خِیَرَةً أَنْ یُیَسِّرَهُ اللَّهُ لِی وَ إِنْ كَانَ شَرّاً صَرَفَهُ اللَّهُ عَنِّی فَقَالَ لَهُ وَ یَجِبُ أَنْ تَخْرُجَ فِی ذَلِكَ الْوَجْهِ قَالَ لَهُ الرَّجُلُ نَعَمْ قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ قَدِّرْ لِی كَذَا وَ كَذَا وَ اجْعَلْهُ خَیْراً لِی فَإِنَّكَ تَقْدِرُ عَلَی ذَلِكَ (۳).

**[ترجمه]قرب الاسناد: علی بن جعفر گفت: مردی نزد برادرم موسی (علیهما السّلام) آمد و به او گفت: قربانت گردم! می خواهم به فلان سو بروم؛ استخاره ای به من بیاموز که اگر آن سو خوب است، خدا برایم فراهم کند و اگر بد است، مرا از آن

بگرداند. فرمود: برایت لازم است که بدان سو سفر کنی؟ گفت: آری. فرمود: بگو: بار خدایا! برایم چنین و چنان مقدر کن و آن را برایم خیر ساز، که تو بر آن توانا شوی. - . قرب الاسناد: ۱۶۵ -

**[ترجمه]

«۱۷»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: إِذَا أَرَدْتَ سَفَراً فَاجْمَعْ أَهْلَكَ وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ قُلِ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ دِينِی وَ نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ وُلْدِی وَ عِيَالِی.

**[ترجمه]فقه الرضا: چون قصد سفر کنی، خانواده ات را جمع کن و دو رکعت نماز بخوان و بگو: بار خدایا! دینم و خودم و خاندانم و فرزندانم را به تو می سپارم.

**[ترجمه]

«۱۸»

مکا، [مکارم الأخلاق]: كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله إِذَا سَافَرَ يَحْمِلُ مَعَ نَفْسِهِ الْمُشْطَ وَ السِّوَاكَ وَ الْمُكْحُلَةَ(۴).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: چون پیغمبر سفر می کرد، شانه و مسواک و سرمه دان بر می داشت. - . مکارم الاخلاق: ۲۸۸ -

**[ترجمه]

«۱۹»

طا، [الأمان]: رُوِيَ أَنَّ الْإِنْسَانَ يُسْتَحَبُّ لَهُ إِذَا أَرَادَ السَّفَرَ أَنْ يَغْتَسِلَ وَ يَقُولَ عِنْدَ الْغُسْلِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَ عَلَى مِلَّهِ رَسُولِ اللَّهِ وَ الصَّادِقِينَ عَنِ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ اللَّهُمَّ طَهِّرْ قَلْبِی وَ اشْرَحْ بِهِ صَدْرِی وَ نَوِّرْ بِهِ قَبْرِی اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِی نُوراً وَ طَهُوراً وَ حِرْزاً وَ شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَ آفَهٍ وَ عَاهَهٍ

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۱۶۸.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۱۵۹- ۱۶۰.

۳- ۳. قرب الإسناد ص ۱۶۵.

۴- ۴. مكارم الأخلاق ص ۲۸۸.

وَ سُوءٍ مِمَّا أَخَافُ وَ أَحْذَرُ وَ طَهِّرْ قَلْبِي وَ جَوَارِحِي وَ عِظَامِي وَ دَمِي وَ شَعْرِي وَ بَشَرِي وَ مُخِّي وَ عَصَبِي وَ مَا أَقَلَّتِ الْأَرْضُ مِنِّي اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شَاهِداً يَوْمَ حَاجَتِي وَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي إِلَيْكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْ ءٍ قَدِيرٌ(۱).

**[ترجمه]امان الاخطار: روایت است که چون کسی سفر خواهد، خوب است غسل کند و در حین انجام آن بگوید: «بسم الله و بالله و علی مله رسول الله و الصادقین عن الله صلوات الله علیهم اجمعین. بار خدایا! دلم را پاک دار و بدان شرح صدرم ده و بدان قبرم را روشن کن. بار خدایا! آن را نور و طهورم ساز و پناه و درمان از هر درد و آفت و آسیب و بدی، از هر چه ترسم و در حذرم، و پاک کن دلم و اندامم و استخوانم و مویم و تنم و مغزم و عصبم را و هر آنچه زمین از من بر خود بردارد. بار خدایا! آن را گواه من ساز در روز نیاز و نداری و بی چیزی ام، ای پرورنده جهان که تو بر هر چه توانایی. - . امان الاخطار: ۲۰ -

**[ترجمه]

«۲۰»

طا، [الأمان]: مِمَّا رَأَيْنَاهُ فِي الْمَنْقُولِ أَنَّهُ يُقَالُ عِنْدَ الصَّدَقَهِ قَبْلَ السَّفَرِ- اللَّهُمَّ إِنِّي اشْتَرَيْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَهِ سَلَامَتِي وَ سَلَامَهَ سَفَرِي وَ مَا مَعِي فَسَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِي وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِي بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ وَ يَقُولُ أَيْضاً بَعْدَ الصَّدَقَهِ مِنَ الْمَنْقُولِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ- وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ اللَّهُمَّ كُنْ لِي جَاراً مِنْ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ اللَّهُمَّ إِنِّي أُقَدِّمُ بَيْنَ يَدَيْ نِسْيَانِي وَ عَجَلَتِي بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ فِي سَفَرِي هَذَا ذَكَرْتُهُ أَمْ نَسِيتُهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأُمُورِ كُلِّهَا وَ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ الْخَلِيفَهُ فِي الْأَهْلِ اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا وَ اطْوِ لَنَا الْأَرْضَ وَ سَيِّرْنَا فِيهَا بِطَاعَتِكَ وَ طَاعَهِ رَسُولِكَ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَ بَارِكْ لَنَا فِي مَا رَزَقْتَنَا- وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَ كَآبَهِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي وَ نَاصِرِي اللَّهُمَّ اقْطَعْ عَنِّي بُعْدَهُ وَ مَشَقَّتَهُ وَ اصْحَبْنِي وَ اخْلُفْنِي فِي أَهْلِي بِخَيْرٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَإِذَا أَرَادَ الْخُرُوجَ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ مَرَّهً وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ مَرَّهً وَ فِي الثَّانِيَهِ الْحَمْدَ مَرَّهً وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَهِ الْقَدْرِ مَرَّهً وَ رُبَّمَا قَرَأَ سُورَهَ الْفَتْحِ أَوْ بَعْضَهَا مَعَ مَا يَقْرَأُ فِي الْأُولَى وَ سُورَهَ النَّصْرِ مَعَ مَا يَقْرَأُهُ فِي الثَّانِيَهِ وَ يَقْنُتُ بِالدُّعَاءِ لِلسَّلَامَهِ فَإِذَا فَرَغَ سَبَّحَ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ علیها السلام وَ دَعَا بِهَذِهِ الْأَدْعِيَهِ الْمَنْقُولَهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي وَ مَنْ كَانَ مِنِّي بِسَبِيلِ الْإِيمَانِ الشَّاهِدَ مِنْهُمْ وَ الْغَائِبَ- اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اجْمَعْنَا فِي

۱- ۱. أمان الاخطار ص ۲۰.

رَحْمَتِکَ وَ لَا تَسْلُبْنَا فَضْلَکَ إِنَّا إِلَیْکَ رَاغِبُونَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَ کَآبَهِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِی الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ هَذَا التَّوَجُّهَ طَلَباً لِمَرْضَاتِکَ وَ تَقَرُّباً إِلَیْکَ اللَّهُمَّ فَبَلِّغْنِی مَا أُؤَمِّلُهُ وَ أَرْجُوهُ فِیکَ وَ فِی أَوْلِیَائِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وَ إِنْ شِئْتَ فَقُلْ أَیْضاً اللَّهُمَّ خَرَجْتُ فِی وَجْهِی هَذَا بِلَا ثِقَهٍ مِنِّی لِغَیْرِکَ وَ لَا رَجَاءٍ یَأْوِی بِی إِلَّا إِلَیْکَ وَ لَا قُوَّهٍ أَتَّکِلُ عَلَیْهَا وَ لَا حِیلَهٍ أَلْجَأُ إِلَیْهَا إِلَّا طَلَبَ رِضَاکَ وَ ابْتِغَاءَ رَحْمَتِکَ وَ تَعَرُّضاً لِثَوَابِکَ وَ سُکُوناً إِلَی حُسْنِ عَائِدَتِکَ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِی فِی عِلْمِکَ فِی وَجْهِی مِمَّا أُحِبُّ وَ أَکْرَهُ اللَّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّی مَقَادِیرَ کُلِّ بَلَاءٍ وَ مَقْضِیَّ کُلِّ لَأْوَاءٍ وَ ابْسُطْ عَلَیَّ کَنَفاً مِنْ رَحْمَتِکَ وَ لُطْفاً مِنْ عَفْوِکَ وَ سَعَهً مِنْ رِزْقِکَ وَ تَمَاماً مِنْ نِعْمَتِکَ وَ جِمَاعاً مِنْ مُعَافَاتِکَ وَ وَفِّقْ لِی فِیهِ یَا رَبِّ جَمِیعَ قَضَائِکَ عَلَی مُوَافَقَهِ هَوَایَ وَ حَقِیقَهِ آمَالِی وَ ادْفَعْ عَنِّی مَا أَحْذَرُ وَ مَا لَا أَحْذَرُ عَلَی نَفْسِی مِمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّی وَ اجْعَلْ ذَلِکَ خَیْراً لِی لِآخِرَتِی وَ دُنْیَایَ مَعَ مَا أَسْأَلُکَ أَنْ تَخْلُفَنِی فِیمَنْ خَلَّفْتُ وَرَائِی مِنْ وُلْدِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ إِخْوَانِی وَ جَمِیعِ حُزَانَتِی بِأَفْضَلِ مَا تَخْلُفُ بِهِ غَائِباً مِنَ الْمُؤْمِنِینَ فِی تَحْصِینِ کُلِّ عَوْرَهٍ وَ حِفْظِ کُلِّ مَحْذُورٍ وَ صَرْفِ کُلِّ مَکْرُوهٍ وَ کَمَالِ مَا یُجْمَعُ لِی بِهِ الرِّضَا وَ السُّرُورُ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ ثُمَّ ارْزُقْنِی ذِکْرَکَ وَ شُکْرَکَ وَ طَاعَتَکَ وَ عِبَادَتَکَ حَتَّی تَرْضَی وَ بَعْدَ الرِّضَا اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ الْیَوْمَ دِینِی وَ نَفْسِی وَ مَالِی وَ أَهْلِی وَ ذُرِّیَّتِی وَ جَمِیعَ إِخْوَانِی اللَّهُمَّ احْفَظِ الشَّاهِدَ مِنَّا وَ الْغَائِبَ اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَیْنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی جِوَارِکَ وَ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَکَ وَ لَا تُغَیِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَهٍ وَ عَافِیَهٍ وَ فَضْلٍ وَ رُوِیَ أَنَّکَ إِذَا أَرَدْتَ التَّوَجُّهَ فِی وَقْتٍ یُکْرَهُ فِیهِ السَّفَرُ فَقَدِّمْ أَمَامَ تَوَجُّهِکَ قِرَاءَهَ الْحَمْدِ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ وَ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ سُورَهَ الْقَدْرِ وَ آخِرَ آلِ عِمْرَانَ مِنْ قَوْلِهِ تَعَالَی- إِنَّ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ لَآیاتٍ لِأُولِی الْأَلْبابِ الَّذِینَ یَذْکُرُونَ اللَّهَ قِیاماً وَ قُعُوداً وَ عَلی جُنُوبِهِمْ وَ یَتَفَکَّرُونَ فِی خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلًا سُبْحانَکَ فَقِنا عَذابَ النَّارِ-

رَبَّنـا إِنَّکَ مَنْ تُـدْخِلِ النّارَ فَقَـدْ أَخْزَیْتَهُ وَ مـا لِلظّالِمِینَ مِنْ أَنْصـارٍ- رَبَّنا إِنَّنا سَـمِعْنا مُنادِیاً یُنادِی لِلْإِیمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّکُمْ فَآمَنَّا رَبَّنا فَـاغْفِرْ لَنـا ذُنُوبَنـا وَ کَفِّرْ عَنَّا سَـیِّئاتِنا وَ تَوَفَّنـا مَعَ الْـأَبْرارِ- رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَـدْتَنا عَلی رُسُـلِکَ وَ لا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَهِ إِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمِیعـادَ- فَاسْـتَجابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّی لا ـ أُضِـیعُ عَمَـلَ عامِلٍ مِنْکُمْ مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی بَعْضُـکُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِینَ هاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِیـارِهِمْ وَ أُوذُوا فِی سَبِیلِی وَ قـاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَـأُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَـیِّئاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ ثَواباً مِنْ عِنْـدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْـدَهُ حُسْنُ الثَّوابِ- لا ـ یَغُرَّنَّکَ تَقَلُّبُ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی الْبِلادِ مَتاعٌ قَلِیـلٌ ثُمَّ مَـأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمِهـادُ- لکِنِ الَّذِینَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِینَ فِیها نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ خَیْرٌ لِلْأَبْرارِ- وَ إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ لَمَنْ یُؤْمِنُ بِـاللَّهِ وَ مـا أُنْزِلَ إِلَیْکُمْ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْهِمْ خاشِـعِینَ لِلَّهِ- لا یَشْتَرُونَ بِآیاتِ اللَّهِ ثَمَناً قَلِیلًا أُولئِکَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْـدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَـرِیعُ الْحِسابِ- یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ بِکَ یَصُولُ الصَّائِلُ وَ بِکَ یَطُولُ

الطَّائِلُ وَ لَا حَوْلَ لِکُلِّ ذِی حَوْلٍ إِلَّا بِکَ وَ لَا قُوَّهَ بِمَثَارِهَا ذُو الْقُوَّهِ إِلَّا مِنْکَ أَسْأَلُکَ بِصَفْوَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ- مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ عِتْرَتِهِ وَ سُلَالَتِهِ علیهم السلام صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ وَ اکْفِنِی شَرَّ هَذَا الْیَوْمِ وَ ضَرَّهُ وَ ارْزُقْنِی خَیْرَهُ وَ یُمْنَهُ وَ اقْضِ لِی فِی مُنْصَـرَفِی بِحُسْنِ الْعَافِیَهِ وَ بُلُوغِ الْمَحَبَّهِ وَ الظَّفَرِ بِالْأُمْنِیَّهِ وَ کِفَایَهِ الطَّاغِیَهِ الْغَوِیِّهِ وَ کُلِّ ذِی قُـدْرَهٍ لِی عَلَی أَذِیَّهٍ حَتَّی أَکُونَ فِی جُنَّهٍ وَ عِصْـمَهٍ مِنْ کُلِّ بَلَاءٍ وَ نَقِمَهٍ وَ أَبْدِلْنِی فِیهِ مِنَ المحلوق [الْمَخَاوِفِ] أَمْناً وَ مِنَ الْعَوَائِقِ فِیهِ یُسْـراً حَتَّی لَا یَصُدَّنِی صَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ وَ لَا یَحُلَّ لِی طَارِقٌ مِنْ أَذَی الْعِبَادِ- إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ الْأُمُورُ إِلَیْکَ تَصِیرُ یَا مَنْ لَیسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ.

رِوَایَهٌ أُخْرَی بِالصَّلَاهِ عِنْدَ تَوْدِیعِ الْعِیَالِ بِأَرْبَعِ رَکَعَاتٍ وَ ابْتِهَالٍ کُنَّا ذَکَرْنَا هَذِهِ الرِّوَایَهَ فِی الْجُزْءِ الثَّانِی مِنْ کِتَابِ التَّرَاجِمِ فِیمَا نَذْکُرُهُ عَنِ الْحَاکِمِ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فَقَالَ إِنِّی أُرِیدُ سَفَراً وَ قَدْ کَتَبْتُ وَصِیَّتِی فَإِلَی

أَيِّ الثَّلَاثِ تَأْمُرُنِی أَنْ أَدْفَعَ إِلَی أَبِی أَوِ ابْنِی أَوْ أَخِی فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله مَا اسْتَخْلَفَ الْعَبْدُ فِی أَهْلِهِ مِنْ خَلِیفَهٍ إِذَا هُوَ شَدَّ ثِیَابَ سَفَرِهِ خَیْراً مِنْ أَرْبَعِ رَکَعَاتٍ یَضَعُهُنَّ فِی بَیْتِهِ یَقْرَأُ فِی کُلِّ رَکْعَهٍ مِنْهُنَّ بِفَاتِحَهِ الْکِتَابِ وَ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ وَ یَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَقَرَّبُ بِهِنَّ إِلَیْکَ فَاجْعَلْهُنَّ خَلِیفَتِی فِی أَهْلِی وَ مَالِی وَ هُوَ خَلِیفَتُهُ فِی أَهْلِهِ وَ مَالِهِ وَ دَارِهِ وَ بَعْدَ دُخُولِ دَارِهِ حَتَّی یَرْجِعَ إِلَی أَهْلِهِ (۱).

**[ترجمه]امان الاخطار: در روایتی منقول دیدیم که چون مسافر پیش از سفر صدقه دهد، گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّی اشْتَرَیْتُ بِهَذِهِ الصَّدَقَهِ سَلَامَتِی وَ سَلَامَهَ سَفَرِی وَ مَا مَعِی فَسَلِّمْنِی وَ سَلِّمْ مَا مَعِی وَ بَلِّغْنِی وَ بَلِّغْ مَا مَعِی بِبَلَاغِکَ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ» (خدایا! من با این صدقه سلامت خودم و سفرم و هر چه همراه دارم را خریدم. مرا و هر چه با من است سالم دار و به خوبی و خوشی به

مقصد برسان.) و پس از صدقه هم وارد است: «لا اله الا الله الحلیم الکریم، لا اله الا الله العلی العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم وَ سَلامٌ عَلَی الْمُرْسَلِینَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ و صلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین. {معبودی جز الله بردبار و کریم نیست. معبودی جز الله برتر و عظیم نیست. پاک و منزه است پروردگار آسمان های هفتگانه و پروردگار زمین های هفتگانه و هر آنچه در آن و بین آنها هست و پروردگار عرش عظیم و درود بر پیامبران و ستایش بر خدای رب العالمین باد و درود بر محمد و خاندان پاک و مطهرش باد} ،اللَّهُمَّ کُنْ لِی جَاراً مِنْ کُلِّ جَبَّارٍ عَنِیدٍ وَ مِنْ کُلِّ شَیْطَانٍ مَرِیدٍ بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ وَ بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ اللَّهُمَّ إِنِّی أُقَدِّمُ بَیْنَ یَدَیْ نِسْیَانِی وَ عَجَلَتِی بِسْمِ اللَّهِ وَ مَا شَاءَ اللَّهُ فِی سَفَرِی هَذَا ذَکَرْتُهُ أَمْ نَسِیتُهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ عَلَی الْأُمُورِ کُلِّهَا وَ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِی السَّفَرِ وَ الْخَلِیفَهُ فِی الْأَهْلِ اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَیْنَا سَفَرَنَا وَ اطْوِ لَنَا الْأَرْضَ وَ سَیِّرْنَا فِیهَا بِطَاعَتِکَ وَ طَاعَهِ رَسُولِکَ اللَّهُمَّ أَصْلِحْ لَنَا ظَهْرَنَا وَ بَارِکْ لَنَا فِی مَا رَزَقْتَنَا- وَ قِنا عَذابَ النَّارِ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَ کَآبَهِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِی الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِی وَ نَاصِرِی اللَّهُمَّ اقْطَعْ عَنِّی بُعْدَهُ وَ مَشَقَّتَهُ وَ اصْحَبْنِی وَ اخْلُفْنِی فِی أَهْلِی بِخَیْرٍ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ . { بار خدایا! پناهم باش از هر جبار لجبازی و از هر شیطان سرکشی. به نام خدا داخل شدم و به نام خدا خارج شوم. بار خدایا! در پیشاپیش فراموشی و شتابم نام خدا آورم و آنچه خدا در این سفربرایم خواهد، چه یادم باشد یا فراموشش کنم، باشد. بار خدایا! تویی یاور بر همه اموری و تویی یار در سفر و خلیفه در خانواده. بار خدایا! سفر را به ما آسان کن و زمین را برای ما در نورد، و ما را به طاعت خود و رسولت بدار. بار خدایا! مَرکَب ما را اصلاح فرما و در آنچه به ما روزی کنی، برکت بدار و ما را از عذاب جهنم نگه دار. بار خدایا! به تو پناه بریم از رنج سفر و ناکامی بازگشت و بدی منظره در اهل و مال و فرزند. بار خدایا! تویی بازویم و یارم. خدایا! برگیر از من دوری و سختی آن را و یارم باش و به خوبی جانشینم باش در خانواده ام، و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم.}

و چون خواهد بیرون رود، دو رکعت نماز بخواند؛ رکعت اول با یک حمد و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» و رکعت دوم با حمد و سوره «إِنَّا أَنْزَلْناهُ» و بسا که سوره الفتح یا پاره ای از آن را به رکعت اول و سوره النصر را به دوم بپیوندد و در قنوت، دعای سلامتی بخواند و پس از نماز، تسبیح فاطمه زهرا علیه السّلام و این دعای وارده را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ الْیَوْمَ نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ مَالِی وَ وُلْدِی وَ مَنْ کَانَ مِنِّی بِسَبِیلِ الْإِیمَانِ الشَّاهِدَ مِنْهُمْ وَ الْغَائِبَ- اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَیْنَا اللَّهُمَّ اجْمَعْنَا فِی رَحْمَتِکَ وَ لَا تَسْلُبْنَا فَضْلَکَ إِنَّا إِلَیْکَ رَاغِبُونَ اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِکَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَ کَآبَهِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِی الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَوَجَّهُ إِلَیْکَ هَذَا التَّوَجُّهَ طَلَباً لِمَرْضَاتِکَ وَ تَقَرُّباً إِلَیْکَ اللَّهُمَّ فَبَلِّغْنِی مَا أُؤَمِّلُهُ وَ أَرْجُوهُ فِیکَ وَ فِی

أَوْلِيَائِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» {بار خدایا! من امروز خودم و اهل و مال و فرزند و هم کیشان حاضر و غایبم را به تو می سپارم. خدایا! ما را حفظ کن و محفوظ بدار. بار خدایا! ما را در رحمتت گرد آور و فضلت را از ما بر مدار که ما به تو رو آوردیم. خدایا! به تو پناه آوردیم از رنج سفر و بد آمد برگشت و بدحال بودن اهل و مال و فرزند در دنیا و آخرت. بار خدایا! این توجه به تو برای خواست رضای تو و تقرب به درگاهت است. خدایا! مرا بدان چه از تو و هم از اولیایت آرزومند و امیدوارم برسان، ای مهربانترین مهربانان.}

و اگر خواهی، باز بگو: «اللَّهُمَّ خَرَجْتُ فِي وَجْهِي هَذَا بِلَا ثِقَةٍ مِنِّي لِغَيْرِكَ وَ لَا رَجَاءٍ يَأْوِي بِي إِلَّا إِلَيْكَ وَ لَا قُوَّةٍ أَتَّكِلُ عَلَيْهَا وَ لَا حِيلَةٍ أَلْجَأُ إِلَيْهَا إِلَّا طَلَبَ رِضَاكَ وَ ابْتِغَاءَ رَحْمَتِكَ وَ تَعَرُّضاً لِثَوَابِكَ وَ سُكُوناً إِلَى حُسْنِ عَائِدَتِكَ وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِي فِي عِلْمِكَ فِي وَجْهِي مِمَّا أُحِبُّ وَ أَكْرَهُ اللَّهُمَّ فَاصْرِفْ عَنِّي مَقَادِيرَ كُلِّ بَلَاءٍ وَ مَقْضِيَّ كُلِّ لَأْوَاءٍ وَ ابْسُطْ عَلَيَّ كَنَفاً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ لُطْفاً مِنْ عَفْوِكَ وَ سَعَةً مِنْ رِزْقِكَ وَ تَمَاماً مِنْ نِعْمَتِكَ وَ جِمَاعاً مِنْ مُعَافَاتِكَ وَ وَفِّقْ لِي فِيهِ يَا رَبِّ جَمِيعَ قَضَائِكَ عَلَى مُوَافَقَةِ هَوَايَ وَ حَقِيقَةِ آمَالِي وَ ادْفَعْ عَنِّي مَا أَحْذَرُ وَ مَا لَا أَحْذَرُ عَلَى نَفْسِي مِمَّا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي وَ اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْراً لِي لِآخِرَتِي وَ دُنْيَايَ مَعَ مَا أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْلُفَنِي فِيمَنْ خَلَّفْتُ وَرَائِي مِنْ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ إِخْوَانِي وَ جَمِيعِ حُزَانَتِي بِأَفْضَلِ مَا تَخْلُفُ بِهِ غَائِباً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَحْصِينِ كُلِّ عَوْرَةٍ وَ حِفْظِ كُلِّ مَحْذُورٍ وَ صَرْفِ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَ كَمَالِ مَا يُجْمَعُ لِي بِهِ الرِّضَا وَ السُّرُورُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ثُمَّ ارْزُقْنِي ذِكْرَكَ وَ شُكْرَكَ وَ طَاعَتَكَ وَ عِبَادَتَكَ حَتَّى تَرْضَى وَ بَعْدَ الرِّضَا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ الْيَوْمَ دِينِي وَ نَفْسِي وَ مَالِي وَ أَهْلِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ جَمِيعَ إِخْوَانِي اللَّهُمَّ احْفَظِ الشَّاهِدَ مِنَّا وَ الْغَائِبَ اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَيْنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِي جِوَارِكَ وَ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَ لَا تُغَيِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ وَ عَافِيَةٍ وَ فَضْلٍ»

{بار خدایا! من در این راه خود جز به تو اعتماد ندارم و امیدی نبستم و به جز نیرو و چاره سازی تو توجه ندارم برای خواستن رضا و رحمتت و درگیری با ثوابت و آرامش به سود خوبت، و تو داناتری بدان چه در این راه برایم دانستی که خوش دارم یا بد. بار خدایا! از من بگردان هر مقداری از بلا و گرفتاری را و مرا در پوشش رحمت و لطفت بدار و در عفو و سعه رزق و کمال نعمتت و کل عافیتت، و مرا توفیق ده به همراهی خواست خودت با دلخواهم و آرزوهایم، و از من باز دار آنچه را از آن حذر دارم یا حذرندارم درباره خودم، آنچه که تو بدان داناتری از خودم، و آن را خیر دنیا و آخرتم ساز همراه با آنچه از تو خواستم، از سرپرستی بازمانده هایم از فرزند و اهل و مال و برادران و همه وابستگان به بهتر از آنچه سرپرستی کنی نسبت به مؤمنان غایب در پوشش هر عورت، و حفظ از هر محذور و جلوگیری از هر بدی با کمال آنچه برایم فراهم کنی برایم از رضا و شادی در دنیا و آخرت. سپس مرا به ذکر و شکر و طاعت و عبادتت بدار تا راضی شوی و بعد از رضا، بار خدایا! امروز به تو سپردم دینم و خودم را و مال و اهل و نژاد و همه برادرانم را. خدایا! حاضر و غایب ما را حفظ کن. بار خدایا! ما را نگه دار و محفوظ بدار. بار خدایا! ما را در پناه خود بدار و نعمتت را از ما مگیر و هر نعمتی و عافیتی و فضلی را که داریم دگرگون مساز.} و روایت است که چون خواهی در وقت بد سفر کنی، سوره حمد و معوّذتین و آیه الکرسی و سوره قدر و آخر سوره آل عمران، «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَ النَّهارِ لَآياتٍ لِأُولِي الْأَلْبابِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِياماً وَ قُعُوداً وَ عَلى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ رَبَّنا ما خَلَقْتَ هذا باطِلًا سُبْحانَكَ فَقِنا عَذابَ النَّارِ- رَبَّنا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَ ما لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصارٍ- رَبَّنا إِنَّنا سَمِعْنا مُنادِياً يُنادِي لِلْإِيمانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئاتِنا وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ- رَبَّنا وَ آتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ وَ لا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيامَةِ إِنَّكَ لا تُخْلِفُ الْمِيعادَ- فَاسْتَجابَ لَهُمْ

رَبُّهُمْ أَنِّی لا أُضِیعُ عَمَلَ عامِلٍ مِنْکُمْ مِنْ ذَکَرٍ أَوْ أُنْثی بَعْضُکُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِینَ هاجَرُوا وَ أُخْرِجُوا مِنْ دِیارِهِمْ وَ أُوذُوا فِی سَبِیلِی وَ قاتَلُوا وَ قُتِلُوا لَأُکَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَیِّئاتِهِمْ وَ لَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ ثَواباً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ اللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الثَّوابِ- لا یَغُرَّنَّکَ تَقَلُّبُ الَّذِینَ کَفَرُوا فِی الْبِلادِ مَتاعٌ قَلِیلٌ ثُمَّ مَأْواهُمْ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمِهادُ- لکِنِ الَّذِینَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِی مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدِینَ فِیها نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَ ما عِنْدَ اللَّهِ خَیْرٌ لِلْأَبْرارِ- وَ إِنَّ مِنْ أَهْلِ الْکِتابِ لَمَنْ یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْکُمْ وَ ما أُنْزِلَ إِلَیْهِمْ خاشِعِینَ لِلَّهِ- لا یَشْتَرُونَ بِآیاتِ اللَّهِ ثَمَناً قَلِیلًا أُولئِکَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِیعُ الْحِسابِ- یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ.» - . آل عمران / ۱۹۰ - ۲۰۰ - {مسلماً در آفرینش آسمان ها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه هایی [قانع کننده] است. همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته، و به پهلو آرمیده یاد می کنند، و در آفرینش آسمان ها و زمین می اندیشند [که:] پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده ای؛ منزهی تو! پس ما را از عذابِ آتش دوزخ در امان بدار. پروردگارا، هر که را تو در آتش درآوری، یقیناً رسوایش کرده ای، و برای ستمکاران یاورانی نیست. پروردگارا، ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می خواند که: «به پروردگار خود ایمان آورید»، پس ایمان آوردیم. پروردگارا، گناهان ما را بیامرز، و بدی های ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران. پروردگارا، و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده ای به ما عطا کن، و ما را روز رستاخیز رسوا مگردان، زیرا تو وعده ات را خلاف نمی کنی. پس، پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که:] من عملِ هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن، که همه از یکدیگرید، تباه نمی کنم؛ پس، کسانی که هجرت کرده و از خانه های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده اند، بدی هایشان را از آنان می زدایم، و آنان را در باغ هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی آورم؛ [این] پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست. و البته از میان اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و بدانچه به سوی شما نازل شده و به آنچه به سوی خودشان فرود آمده ایمان دارند، در حالی که در برابر خدا خاشعند، و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی فروشند. اینانند که نزد پروردگارشان پاداش خود را خواهند داشت. آری! خدا زودشمار است. ای کسانی که ایمان آورده اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.} را بخوان و آنگاه بگو: «اللَّهُمَّ بِکَ یَصُولُ الصَّائِلُ وَ بِکَ یَطُولُ الطَّائِلُ وَ لَا حَوْلَ لِکُلِّ ذِی حَوْلٍ إِلَّا بِکَ وَ لَا قُوَّهَ بِمَثَارِهَا ذُو الْقُوَّهِ إِلَّا مِنْکَ أَسْأَلُکَ بِصَفْوَتِکَ مِنْ خَلْقِکَ وَ خِیَرَتِکَ مِنْ بَرِیَّتِکَ- مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَ عِتْرَتِهِ وَ سُلَالَتِهِ ع صَلِّ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ وَ اکْفِنِی شَرَّ هَذَا الْیَوْمِ وَ ضَرَّهُ وَ ارْزُقْنِی خَیْرَهُ وَ یُمْنَهُ وَ اقْضِ لِی فِی مُنْصَرَفِی بِحُسْنِ الْعَافِیَهِ وَ بُلُوغِ الْمَحَبَّهِ وَ الظَّفَرِ بِالْأُمْنِیَّهِ وَ کِفَایَهِ الطَّاغِیَهِ الْغَوِیَّهِ وَ کُلِّ ذِی قُدْرَهٍ لِی عَلَی أَذِیَّهٍ حَتَّی أَکُونَ فِی جُنَّهٍ وَ عِصْمَهٍ مِنْ کُلِّ بَلَاءٍ وَ نَقِمَهٍ وَ أَبْدِلْنِی فِیهِ مِنَ المحلوق [الْمَخَاوِفِ] أَمْناً وَ مِنَ الْعَوَائِقِ فِیهِ یُسْراً حَتَّی لَا یَصُدَّنِی صَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ وَ لَا یَحُلَّ لِی طَارِقٌ مِنْ أَذَی الْعِبَادِ- إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ وَ الْأُمُورُ إِلَیْکَ تَصِیرُ یَا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْ ءٌ وَ هُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ.» { بار خدایا! یورش یورش گر از تو است و بخشش بخشنده از توست، و هیچ جنبش جنبنده ای نباشد جز از تو و نیروی نیروداری نیست جز از تو. از تو خواهم به برگزیده خلق و بهترین آفریده ات محمد پیغمبرت و خاندان و نژادش علیهم السّلام بر او و بر آنها رحمت فرستی و شر و زیان این روز را از من بگردانی و خیر و برکتش را به من رسانی، و در برگشتم حسن عافیت و رسیدن به دوستی و پیروزی و آرزو را برایم بخواه ، و دفع سرکش گمراه و هر توانا بر آزارم را برایم بخواه تا در زیر سپر و حفظ از هر بلاء و نقمت باشم و مرا ازهر چیز ترسناکی امن و آسودگی عوض ده و از هر بدآمدی در آن آسایش ده تا هیچ جلوگیری مرا از مقصدم باز ندارد، و هیچ آزاری از بندگان بر درم نکوبد، زیرا {تو بر هر چیز توانایی} و هر کاری به تو برگردد، {ای که مانندی نداری، و شنوای و بینا است.}

روایت دیگر درباره نماز وداع با خانواده که چهار رکعت است به همراه تضرع: مردی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: قصد سفری دارم و وصیت خود را نوشتم. می فرمایی آن را به کدام یک از این سه کس بدهم: پدرم، پسرم یا برادرم؟ فرمود: کسی که بار سفر بسته، جانشینی در خاندانش ننهد بهتر از چهار رکعت که در خاندانش بجا گذارد، و در هر رکعتی سوره حمد و «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بخواند و بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّی أَتَقَرَّبُ بِهِنَّ إِلَیْکَ فَاجْعَلْهُنَّ خَلِیفَتِی فِی أَهْلِی وَ مَالِی» {خدایا! من بدینها به درگاهت تقرب جستم و آنها را خلیفه من ساز در اهل و مالم.} و آن جانشین وی شود در اهل و مال و خانه اش تا برگردد به خاندانش. - . امان الاخطار: ۳۰ -

**[ترجمه]

«۲۱»

طا، [الأمان] ذَکَرَ صَاحِبُ عَوَارِفِ الْمَعَارِفِ حَدِیثاً أَسْنَدَهُ: أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله کَانَ إِذَا سَافَرَ حَمَلَ مَعَهُ خَمْسَةَ أَشْیَاءَ الْمِرْآةَ وَ الْمُکْحُلَةَ وَ الْمِدْرَی وَ السِّوَاکَ وَ الْمُشْطَ وَ فِی رِوَایَةٍ أُخْرَی وَ الْمِقْرَاضَ (۲) إِذَا تَوَجَّهْتَ إِلَی السَّفَرِ فَقُلْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ بِاللَّهِ أَخْرُجُ وَ بِاللَّهِ أَدْخُلُ وَ عَلَی اللَّهِ أَتَوَکَّلُ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی فِی وَجْهِی هَذَا بِخَیْرٍ وَ اخْتِمْ لِی بِخَیْرٍ وَ قِنِی شَرَّ کُلِّ دَابَّةٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ فَإِنَّ مَنْ قَالَهُ بِالْإِخْلَاصِ یُوشِکُ أَنْ یَکُونَ مِنْ أَهْلِ الِاخْتِصَاصِ وَ هُوَ دَاخِلٌ فِی ضَمَانِ السَّلَامَةِ مِنَ النَّدَامَةِ فَإِذَا وَصَلْتَ إِلَی بَابِ دَارِکَ فَقُلْ مَا رَوَیْنَاهُ بِإِسْنَادِنَا إِلَی صَبَّاحٍ الْحَذَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ علیهما السلام یَقُولُ لَوْ کَانَ الرَّجُلُ مِنْکُمْ إِذَا أَرَادَ سَفَراً قَامَ عَلَی بَابِ دَارِهِ تِلْقَاءَ الْوَجْهِ الَّذِی یَتَوَجَّهُ إِلَیْهِ فَقَرَأَ فَاتِحَةَ الْکِتَابِ أَمَامَهُ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ آیَةَ الْکُرْسِیِّ أَمَامَهُ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِی وَ احْفَظْ مَا مَعِی وَ سَلِّمْنِی وَ سَلِّمْ مَا مَعِی وَ بَلِّغْنِی وَ بَلِّغْ مَا مَعِی بِبَلَاغِکَ الْحَسَنِ لَحَفِظَهُ اللَّهُ وَ حَفِظَ مَا مَعَهُ وَ سَلَّمَهُ وَ سَلَّمَ مَا مَعَهُ ثُمَّ قَالَ یَا صَبَّاحُ أَ مَا رَأَیْتَ الرَّجُلَ یُحْفَظُ وَ لَا یُحْفَظُ مَا مَعَهُ وَ یُسَلَّمُ وَ لَا یُسَلَّمُ مَا مَعَهُ وَ یُبَلَّغُ وَ لَا یُبَلَّغُ مَا مَعَهُ قُلْتُ:

ص: ۲۳۹

۱- ۱. أمان الاخطار ص ۳۰.

۲- ۲. امان الاخطار ص ۴۱، و المدری بالمهمله: المشط، و بالمعجمه کما فی هذا المورد: خشبه ذات أطراف کالاصابع یذری بها الطعام و تنقی بها الاکداس، و یقال له بالفارسیه: چار شاخ و الکلمه إذا لم تکن مصحفه من« المدیه» و هی الشفره، امکن تطبیقها علی ما هو المعروف الیوم به« چنگال» عند الفرس، فتامل.

بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ.

**[ترجمه]امان الاخطار: چون پیغمبر صلی الله علیه و آله سفر می کرد، با خود پنج چیز برمی داشت: آینه، سرمه دان، چنگال، مسواک و شانه. و در روایت دیگر «مقراض.» - . امان الاخطار: ۴۱ - چون قصد سفر کنی، سه بار بگو: «بالله أخرج و بالله ادخل و علی الله اتوکل اللهم افتح لی فی وجهی هذا بخیر و اختم لی بخیر و قنی شر کل دابه أنت آخذ بناصیتها إن ربی علی صراط مستقیم». به (قدرت و مشیت)خدا خارج می شوم و به (قدرت و مشیت خدا) داخل می شوم و بر خدا توکل می کنم. خدایا! بدین راه که می روم خوبی بر من بگشا و به خوبی آن به سر رسان، و حفظم کن از شَر هر جانداری که در چنگ تو است، همانا پروردگارم در راه راست است، هر که با اخلاص آن را گوید، بسا که از خاصان باشد و او در سلامت داخل است نه ندامت. و چون به در خانه رسیدی، آن را بگو که امام کاظم علیه السّلام در روایتی فرموده که: چون کسی از شما آهنگ سفر کند، بر در خانه اش رو به راهی که بدان توجه دارد بایستد و سوره حمد را در پیش رو بخواند، در سمت راست و چپ و آیه الکرسی بخواند در این سه سو. سپس گوید: «اللهم احفظنی و احفظ ما معی و سلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن» خدایا! مرا نگهدار و هر آنچه با من است، مرا سالم دار و آنچه با من است، و مرا برسان و آنچه را که با من است به طور خوبی برسان. که البته خدایش او را با هر چه که با او است حفظ کند و او را با هر چه که با او است سالم دارد. سپس به صباح (راوی حدیث) فرمود:آیا ندیدی که کسی خودش محفوظ ماند و آنچه با او است محفوظ نماند، و خودش سالم ماند و آنچه با او است سالم نماند و خودش برسد به مقصد و آنچه با او است نرسد؟ گفتم: آری، قربانت!

**[ترجمه]

أَقُولُ

وَ رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ قَالَ: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فِي سَفَرٍ أَوْ حَضَرٍ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَتَلَقَّاهُ الشَّيَاطِينُ فَتَضْرِبُ الْمَلَائِكَةُ وُجُوهَهَا وَ تَقُولُ مَا سَبِيلُكُمْ عَلَيْهِ وَ قَدْ سَمَّى اللَّهَ وَ آمَنَ بِهِ وَ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ وَ قَالَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

**[ترجمه]روایت داریم که امام رضا علیه السّلام فرمود: چون برای سفر یا در حضر از منزلت به در شوی، بگو: «بسم الله آمنت بالله و توکلت علی الله ما شاء الله و لا حول و لا قوه الا بالله» {به نام خدا . به خدا ایمان آوردم و بر او توکل کردم هرچه خدا بخواهد و هیچ نیرو و قدرتی جز به واسطه خداوند نیست} و شیاطین با او ملاقات کنند و فرشته ها به روی آنها زنند و گویند: راهی بدو ندارید با اینکه نام خدا برده و بدو ایمان آورده و توکل کرده و گفته: ما شاء الله لا حول و لا قوه الا بالله.

**[ترجمه]

وَ رَوَيْنَا بِإِسْنَادِنَا عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ قَالَ قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذَا خَرَجَ يَقُولُ اللَّهُمَّ خَرَجْتُ إِلَيْكَ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ- اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا وَ ارْزُقْنِي قُوَّتَهُ وَ نَصْرَهُ وَ فَتْحَهُ وَ ظُهُورَهُ وَ هُدَاهُ وَ بَرَكَتَهُ وَ اصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُ وَ شَرَّ مَا فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي

خَرَجْتُ فَبَارِكْ لِی فِی خُرُوجِی وَ انْفَعْنِی بِهِ وَ إِذَا دَخَلَ مَنْزِلَهُ قَالَ مِثْلَ ذَلِکَ.

**[ترجمه]از ابی خدیجه روایت داریم که چون امام صادق علیه السّلام از منزل بیرون می شد، می گفت: «اللهم خرجت الیک و لـک اسلمت و بـک آمنت و علیـک توکلت اللهم بارک لی فی یومی هـذا و ارزقنی قوته و نصره و فتحه و ظهوره و هداه و برکته و اصرف عنی شره و شر ما فیه بسم الله و الله أکبر و الحمد لله رب العالمین اللهم إنی خرجت فبارک لی فی خروجی و انفعنی به. » {خدایا به سوی تو خارج شدم و تسلیم تو شدم و به تو اسـلام آوردم و به تو ایمان آوردم بار خدایا! برکت ده در این روزم و برسان قوتش را و یاری و پیروزی و پاکی و هدایت و برکتش را و بگردان از من شرش و شر هر چه در آن است. بسم الله و الله اکبر و الحمد لله رب العالمین. بار خدایا! بیرون شـدم و بـدان مرا برکت ده و سود بده.} و چون به منزلش در آمد، مانند آن را بگوید.

**[ترجمه]

رَوَیْنَا بِإِسْنَادِنَا عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ حِینَ یَخْرُجُ مِنْ بَابِ دَارِهِ- أَعُوذُ بِمَا عَاذَتْ بِهِ مَلَائِکَهُ اللَّهِ مِنْ شَرِّ هَذَا الْیَوْمِ الْجَدِیدِ الَّذِی إِذَا غَابَتْ شَمْسُهُ لَمْ یَعُدْ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ مِنْ شَرِّ غَیْرِی وَ مِنْ شَرِّ الشَّیَاطِینِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِیَاءِ اللَّهِ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ السِّبَاعِ وَ الْهَوَامِّ وَ شَرِّ رُکُوبِ الْمَحَارِمِ کُلِّهَا أُجِیرُ نَفْسِی بِاللَّهِ مِنْ کُلِّ سُوءٍ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ تَابَ عَلَیْهِ وَ کَفَاهُ الْمُهِمَّ وَ حَجَزَهُ عَنِ السُّوءِ وَ عَصَمَهُ مِنَ الشَّرِّ.

**[ترجمه]امـام بـاقر علیه السّلام فرمود: هر که چون از در خـانه بیرون رود، بگویـد از شـر این روز تازه که چون خورشـیدش غروب کند برنگردد، از شـر خودم و شـر دیگری و از شـر شـیاطین و از شر دشمن اولیای خدا و از شر جن و آدمی و از شر هر درنـده و هر گزنـده و از شـر هر حرام کـاری، پنـاه برم به آنکه فرشـته هـا بـدان پناه برنـد، و پناه می دهم خود را به خـدا از هر بـدکاری، خـدا او را بیامرزد و توبه از آن را بپـذیرد، و امور مهمش را بس باشـد، و از بـدیش جلوگیری کنـد و از شـرش نگه دارد.

**[ترجمه]

أَقُولُ

وَ رَوَیْنَا بِإِسْنَادِنَا إِلَی مُعَاوِیَهَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِکَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ- لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ خَیْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ لَهُ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَ أَتْمِمْ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ وَ اسْتَعْمِلْنِی فِی طَاعَتِکَ وَ اجْعَلْ رَغْبَتِی فِیمَا عِنْدَکَ وَ تَوَفَّنِی عَلَی مِلَّتِکَ وَ مِلَّهِ رَسُولِکَ صلی الله علیه و آله.

**[ترجمه]امـام صـادق علیه السّلام فرمود: چون از منزلت خـارج شوی، بگو: «بسم الله توکلت علی الله لا حول و لا قوه الا بالله اللهـم إنی أسألـک خیر مـا خرجت له و أعـوذ بـک من شـر مـا خرجت له اللهم أوسع علیّ من فضـلک و أتمم علیّ نعمتـک و اسـتعملنی فی طاعتک و اجعل رغبتی فیما عنـدک و توفنی علی ملتک و مله رسولک صـلی الله علیه وآله» {. به نام خدا. توکل کردم بر خـدا و نیرو قوتی جز از خدا نیست بار خدایا! من از تو خواهم خیر آنچه برایش خارج شدم و به تو پناه می برم از شـر

آن. خدایا! وسعت ده بر من از فضلت و کامل کن بر من نعمتت را و مرا در طاعتت کار گیر، و شوقم ده در آنچه نزد تو است و جانم بستان بر آیین خودت و آیین رسولت صلی الله علیه وآله}.

**[ترجمه]

أَقُولُ

وَ فِی حَدِیثٍ آخَرَ عَنِ الثُّمَالِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ علیه السلام: مَنْ قَالَ

حِينَ يَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ بِسْمِ اللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ أُمُورِي كُلِّهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَ عَذَابِ الْآخِرَةِ كَفَاهُ اللَّهُ مَا أَهَمَّهُ مِنْ أَمْرِ دُنْيَاهُ وَ آخِرَتِهِ.

**[ترجمه]و در حديث ديگر است كه امام باقر عليه السّلام فرمود: هر كه هنگام خروج از منزلش بگويد:« بسم الله حسبى الله توكلت على الله. اللهم إنى أسألك خير أمورى كلها و أعوذ بك من خزى الدنيا و عذاب الآخره»{ خدايا! از تو خواهم خير همه امورم را و به تو پناه مى برم از رسوايى دنيا و عذاب آخرت، خدا هر امر مهم دنيا و آخرتش را كفايت كند}.

**[ترجمه]

أَقُولُ

وَ رُوِيَ: أَنَّهُ إِذَا وَقَفَ عَلَى بَابِ دَارِهِ سَبَّحَ تَسْبِيحَ الزَّهْرَاءِ عليها السلام وَ قَرَأَ الْحَمْدَ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ كَمَا قَدَّمْنَاهُ وَ قَالَ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ عَلَيْكَ خَلَّفْتُ أَهْلِي وَ مَالِي وَ مَا خَوَّلْتَنِي وَ قَدْ وَثِقْتُ بِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ أَرَادَهُ وَ لَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْفَظْنِي فِيمَا غِبْتُ عَنْهُ وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اللَّهُمَّ بَلِّغْنِي مَا تَوَجَّهْتُ لَهُ وَ سَبِّبْ لِيَ الْمُرَادَ وَ سَخِّرْ لِي عِبَادَكَ وَ بِلَادَكَ وَ ارْزُقْنِي زِيَارَةَ نَبِيِّكَ وَ وَلِيِّكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ الْأَئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ وَ جَمِيعِ أَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ مُدَّنِي مِنْكَ بِالْمَعُونَةِ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي وَ لَا إِلَى غَيْرِي فَأَكِلَّ وَ أَعْطَبَ وَ زَوِّدْنِي التَّقْوَى وَ اغْفِرْ لِي فِي الْآخِرَةِ وَ الْأُولَى اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَوْجَهَ مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْكَ وَ يَقُولُ أَيْضاً- بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ اسْتَعَنْتُ بِاللَّهِ وَ أَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ وَ فَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ رَبِّ آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَ نَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ لِأَنَّهُ لَا يَأْتِي بِالْخَيْرِ إِلَهِي إِلَّا أَنْتَ وَ لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا أَنْتَ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَ عَظُمَتْ آلَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ فَقَدْ رُوِيَ

أَنَّ مَنْ خَرَجَ مِنْ مَنْزِلِهِ مُصْبِحاً وَ دَعَا بِهَذَا الدُّعَاءِ لَمْ يَطْرُقْهُ بَلَاءٌ حَتَّى يُمْسِيَ وَ يَئُوبَ إِلَى مَنْزِلِهِ وَ كَذَلِكَ مَنْ خَرَجَ فِي الْمَسَاءِ وَ دَعَا بِهِ لَمْ يَطْرُقْهُ بَلَاءٌ حَتَّى يُصْبِحَ وَ يَئُوبَ إِلَى مَنْزِلِهِ.

**[ترجمه]و روايت است كه چون بر در خانه اش ايستد، تسبيح زهرا عليها السّلام گويد و حمد و و آيه الكرسى بخواند - چنان چه قبلاً گفتم - و بگويد:« اللهم إليك وجهت وجهى و عليك خلفت أهلى و مالى و ما خولتنى و قد وثقت بك فلا تخيبنى يا من لا يخيب من أراده و لا يضيع من حفظه اللهم صل على محمد و آل محمد و احفظنى فيما غبت عنه و لا تكلنى إلى نفسى يا أرحم الراحمين اللهم بلغنى ما توجهت له و سبب لى المراد و سخر لى عبادك و بلادك و ارزقنى زياره نبيك و وليك أمير المؤمنين عليه السلام و الأئمه من ولده و جميع أهل بيته عليه و عليهم السلام و مدنى منك بالمعونه فى جميع أحوالى و لا تكلنى إلى نفسى و لا إلى غيرى فأكل و أعطب و زودنى التقوى و اغفر لى فى الآخره و الأولى اللهم اجعلنى أوجه من توجه إليك» {خدايا! به تو رو كردم و تو را سرپرست خاندانم و مالم و آنچه به من دادى كردم، من به تو اعتماد كردم، مرا نوميد مساز اى كه نوميد نكند هر كه قصد او كرد و ضايع نكند هر كه او را حفظ كرد. اللهم صل على محمد و آل محمد. مرا حفظ كن در آنچه از آن غيبت كردم و مرا به خود وامگذار، اى ارحم الراحمين. خدايا! مرا برسان بدان چه رو كردم، و مقصودم را فراهم ساز، و عباد و بلادت را برايم مسخر كن و به من روزى كن زيارت پيغمبرت و ولى ات امير مؤمنان و ائمه از

فرزنـدانش را علیهم السّلام و همه خاندانش را علیه و علیهم السّلام، و در هر حال به من کمک ده و مرا به خود وامگذار و نه به دیگری تا خسته شوم و هلاک گردم، و از تقوا توشه ام ده و در آخرت و دنیا مرا بیامرز. خـدایا! مرا آبرومنـدترین روآوران به خودت گردان.}

و باز بگوید: «بسم الله و بالله و توکلت علی الله و استعنت بالله و ألجأت ظهری الی الله و فوضت أمری الی الله رب امنت بکتابک الـذی انزلت و نبیک الـذی ارسلت لانه لا یأتی بالخیر الهی الا انت، و لا یصرف السوء الا انت، عز جارک و جل ثنائک و تقدست اسماؤک و عظمت آلاؤک و لا اله غیرک.» {به نام خدا و به خدا . توکل کردم بر خدا و یاری جستم از خدا و پشت و پناهم به خداست و کارم واگذار بر خداست پروردگارا به کتابی که نازل کردی و به نبیّت که او را فرستادی ایمان آوردم چرا که فقط تو خیر را آوردی ای معبود من.و بدی را فقط تو بر می داری. حقت بزرگ است و ثنا و ستایشت برتر و أسماءت مقدس است و نعماتت عظیم است و هیچ معبودی جز تو نیست} که روایت است هر که بامداد از خانه اش خارج شود و این دعا را بخواند، تا شب که به منزلش برگردد بلا نبیند، و همچنان هر که شب خارج شود و آن دعا را بخواند، بلایی بدو دچار نشود تا صبح که به منزلش برگردد.

**[ترجمه]

أقول

و قد اقتصرنا علی بعض ما رویناه فی هذه الحاله فقل منه ما یحمله حالک و وقتک فالناس تختلف حالهم فی الاهتمام و الإهمال.

**[ترجمه]به برخی از آنچه روایت داریم در این حال اکتفا کردیم، تو از آنها بگو هر چه را حال و وقتت سازگار باشد که مردم در همت و اهمال گونه گونه باشند.

**[ترجمه]

«۲۲»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام: ضَمِنْتُ لِمَنْ خَرَجَ مِنْ بَیْتِهِ مُعْتَمّاً أَنْ یَرْجِعَ إِلَیْهِمْ سَالِماً.

ص: ۲۴۱

وَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله عَنْ جَبْرَئِيلَ عليه السلام: مَنْ أَرَادَ سَفَراً فَأَخَذَ بِعِضَادَتَيْ بَابِ مَنْزِلِهِ فَقَرَأَ إِحْدَى عَشْرَةَ مَرَّةً قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ كَانَ اللَّهُ لَهُ حَارِساً حَتَّى يَرْجِعَ.

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: إِذَا رَكِبَ الرَّجُلُ الدَّابَّةَ فَسَمَّى اللَّهَ رَدِفَهُ مَلَكٌ يَحْفَظُهُ حَتَّى يُنْزِلَهُ فَإِنْ رَكِبَ وَ لَمْ يُسَمِّ رَدِفَهُ شَيْطَانٌ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِذَا أَرَدْتَ سَفَراً فَلَا تَضَعْ رِجْلَكَ فِي الرِّكَابِ حَتَّى تُقَدِّمَ بَيْنَ يَدَيْكَ صَدَقَةً قَلَّ أَمْ كَثُرَ قَالَ الْمُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ قُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ كَمِ الْقَلِيلُ وَ كَمِ الْكَثِيرُ قَالَ مَا بَيْنَ الرَّغِيفِ فَصَاعِداً وَ كُلَّمَا أَكْثَرْتَ صَدَقَتَكَ كَانَ أَقْضَى لِحَاجَتِكَ.

وَ قَالُوا عليهم السلام: إِذَا أَرَدْتَ سَفَراً فَتَوَضَّأْ وُضُوءَ الصَّلَاةِ وَ اجْمَعْ أَهْلَكَ وَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ فَإِذَا سَلِمْتَ فَقُلِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ السَّاعَةَ نَفْسِي وَ أَهْلِي اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ وَ أَنْتَ الْخَلِيفَةُ وَ إِذَا وَضَعْتَ رِجْلَكَ عَلَى بَابِكَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

lt;meta info=".دعوات راوندی: امام صادق علیه السّلام فرمود: ضامنم هر که از خانه اش عمامه پوشیده خارج شود، سالم بدان برگردد.

و پیغمبر صلی الله علیه و آله به نقل از جبرئیل فرمود: هر که چون سفر خواهد دو سمت در خانه اش را بگیرد و یازده بار سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» را بخواند، خدا پاسبان او است تا برگردد .

و فرمود: چون کسی سوار مرکبش شود و به نام خدا بگوید، فرشته دنبالش سوار شود و او را حفظ کند تا پیاده شود و اگر نام خدا را نبرد، شیطانی به دنبالش سوار شود.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: چون سفر خواهی، پا در رکاب منه تا صدقه ای بدهی کم یا بیش. معلی گوید: گفتم: یا ابن رسول الله! کم چند است و بیش چند؟ فرمود: از یک گرده نان تا بیشتر و هر چه بیشتر باشد، حاجت برآورتر است.

و فرموده اند علیهم السّلام: چون سفر خواهی، وضوی نماز بگیر و خاندانت را گرد آور و دو رکعت نماز بخوان و پس از سلام بگو: خدایا! از هم اکنون خودم و خاندانم را به تو سپردم. بار خدایا! تویی یار و تویی خلیفه، و چون گام بر در نهی بگو:

بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

**[ترجمه]

«۲۳»

نهج، [نهج البلاغه]: مِنْ كَلَامٍ لَهُ عليه السلام عِنْدَ عَزْمِهِ عَلَى الْمَسِيرِ إِلَى الشَّامِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَ كَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي النَّفْسِ وَ الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ أَنْتَ الْخَلِيفَةُ فِي الْأَهْلِ- لَا يَجْمَعُهُمَا

غَيْرُكَ لِأَنَّ الْمُسْتَخْلَفَ لَا يَكُونُ مُسْتَصْحَباً وَ الْمُسْتَصْحَبَ لَا يَكُونُ مُسْتَخْلَفاً.

قال السيد رضی الله عنه و ابتداء هذا الكلام مروی عن رسول الله صلى الله عليه و آله و قد قفاه عليه السلام بأبلغ كلام و تممه بأحسن تمام من قوله لا يجمعهما غيرك إلى آخر الفصل (۱).

**[ترجمه]نهج البلاغه: در سال ۳۷ هجری که امام علیه السّلام به سوی شام سفر آغاز کرد، این نیایش را در حالی که پا در رکاب نهاد مطرح فرمود: « اللهم إنی أعوذ بک من وعثاء السفر و کآبه المنقلب و سوء المنظر فی النفس و الأهل و المال و الولد اللهم أنت الصاحب فی السفر و أنت الخليفه فی الأهل - لا يجمعهما غيرک لأن المستخلف لا يکون مستصحبا و المستصحب لا يکون مستخلفا» {خدايا! از سختی سفر و اندوه بازگشتن و رو به رو شدن با مناظر ناگوار در خانواده و مال و فرزند، به تو پناه می برم. پروردگارا! تو در سفر همراه ما و در وطن نسبت به بازماندگان ما سرپرست و نگهبانی} و جمع ميان اين دو را هيچ کس جز تو نتواند کرد، زيرا آن کس که سرپرست بازماندگان است، نمی تواند همراه مسافر باشد و آن که همراه و هم سفر است، سرپرست بازماندگان انسان نمی تواند باشد.

سید - رضی الله عنه - گفته است: چند جمله اول از رسول خدا صلى الله عليه و آله و سلم است که علی عليه السلام آن را با عباراتی رساتر به اتمام رساند که فرمود: که هر دو نتواند، جز تو باشد. - . نهج البلاغه: خطبه ۴۶ -

**[ترجمه]

«۲۴»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ فِي سَفَرٍ فَلْيَقُلِ اللَّهُمَّ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ الْحَامِلُ عَلَى الظَّهْرِ وَ الْخَلِيفَهُ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ وَ إِذَا نَزَلْتُمْ مَنْزِلًا فَقُولُوا- اللَّهُمَّ أَنْزِلْنَا مُنْزَلًا مُبَارَكاً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (۲).

ص: ۲۴۲

۱- ۱. نهج البلاغه الرقم ۴۶ من الخطب.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۱۶۸.

وَ قَالَ علیه السلام: مَنْ ضَلَّ مِنْکَمْ فِی سَفَرٍ أَوْ خَافَ عَلَی نَفْسِهِ فَلْیُنَادِ یَا صَالِحُ أَغِثْنِی فَإِنَّ فِی إِخْوَانِکَمْ مِنَ الْجِنِّ جِنِّیّاً یُسَمَّی صَالِحاً یَسِیحُ فِی الْبِلَادِ لِمَکَانِکُمْ مُحْتَسِباً نَفْسَهُ لَکُمْ فَإِذَا سَمِعَ الصَّوْتَ أَجَابَ وَ أَرْشَدَ الضَّالَّ مِنْکُمْ وَ حَبَسَ عَلَیْهِ دَابَّتَهُ (۱).

وَ قَالَ علیه السلام: مَنْ خَافَ مِنْکُمُ الْغَرَقَ فَلْیَقْرَأْ بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَحِیمٌ بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِکِ الْحَقِ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَ السَّماواتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ (۲).

**[ترجمه]خصال: در حدیث اربعمائه است که امیر مؤمنان فرموده: چون یکی از شما به سفری رود، بگوید: خدایا! تویی یار در سفر و کمک باربر، و خلیفه در اهل و مال و فرزند. و چون به منزل رسیدید، بگویید: «مُنْزَلًا مُبارَکاً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِین.» {منزل ما را مبارک کن که بهترین پذیرا کننده ای.} – . خصال ۲: ۱۶۸ –

و فرمود: چون یکی از شما در سفر گم شود یا بر خود ترسد، فریاد کشد: «ای صالح به دادم برس!» که در برادران پری شما صالح نامی است که در بلاد برای شما بگردد، و خود را وقف شما کرده و چون آواز را بشنود پاسخ دهد و گم شده را راه نماید و مَرکب سواری او را برایش نگه دارد. – . خصال ۲: ۱۵۹ –

و فرمود: هر کدام شما که از غرق شدن می ترسد، بخواند: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَحِیمٌ.» – . هود / ۴۱ – {به نام خداست روان شدنش و لنگر انداختنش، بی گمان پروردگار من آمرزنده مهربان است} و «بسم اللَّهُ الْمَلِکُ الْحَقُ.» «ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَ السَّماواتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ.» – . زمر / ۶۸ – {و خدا را آنچنان که باید به بزرگی نشناخته اند، و حال آنکه روز قیامت زمین یکسره در قبضه [قدرت] اوست، و آسمان ها درپیچیده به دست اوست او منزّه است و برتر است از آنچه [با وی] شریک می گردانند.} – . خصال ۲: ۱۶۰ –

**[ترجمه]

«۲۵»

ب، [قرب الإسناد] عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی الْحَسَنِ علیه السلام مَا تَرَی أَخْرُجُ بَرّاً أَوْ بَحْراً فَإِنَّ طَرِیقَنَا مَخُوفٌ شَدِیدُ الْخَطَرِ قَالَ اخْرُجْ بَرّاً ثُمَّ قَالَ وَ لَا عَلَیْکَ أَنْ تَأْتِیَ مَسْجِدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَتُصَلِّیَ رَکْعَتَیْنِ فِی غَیْرِ وَقْتِ فَرِیضَهٍ ثُمَّ تَسْتَخِیرَ اللَّهَ مِائَهَ مَرَّهٍ فَإِنْ خَرَجَ لَکَ عَلَی الْبَحْرِ فَقُلِ الَّذِی قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی ارْکَبُوا فِیها بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَحِیمٌ (۳) فَإِنِ اضْطَرَبَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ اسْکُنْ بِسَکِینَهِ اللَّهِ وَ قِرْ بِوَقَارِ اللَّهِ وَ اهْدَأْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ [کَذَا] قُلْنَا لَهُ أَصْلَحَکَ اللَّهُ مَا السَّکِینَهُ قَالَ رِیحٌ تَخْرُجُ مِنَ الْجَنَّهِ لَهَا صُورَهٌ کَصُورَهِ الْإِنْسَانِ وَ رَائِحَهٌ طَیِّبَهٌ وَ هِیَ الَّتِی أُنْزِلَتْ عَلَی إِبْرَاهِیمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ فَأَقْبَلَتْ تَدُورُ حَوْلَ أَرْکَانِ الْبَیْتِ وَ هُوَ یَضَعُ الْأَسَاطِینَ قُلْنَا هِیَ مِنَ الَّتِی قَالَ فِیهِ سَکِینَهٌ مِنْ رَبِّکُمْ وَ بَقِیَّهٌ مِمَّا تَرَکَ آلُ مُوسی وَ آلُ هارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلائِکَهُ(۴) قَالَ تِلْکَ السَّکِینَهُ کَانَتْ فِی التَّابُوتِ وَ کَانَتْ فِیهَا طَسْتٌ یُغْسَلُ فِیهَا قُلُوبُ الْأَنْبِیَاءِ وَ کَانَتِ التَّابُوتُ یَدُورُ فِی بَنِی إِسْرَائِیلَ مَعَ الْأَنْبِیَاءِ علیهم السلام ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَیْنَا قَالَ فَمَا تَابُوتُکُمْ قُلْنَا السِّلَاحُ قَالَ صَدَقْتُمْ هُوَ تَابُوتُکُمْ ثُمَّ قَالَ فَإِنْ خَرَجْتَ بَرّاً فَقُلِ الَّذِی قَالَ اللَّهُ سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۱۵۹.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۱۶۰.

۳- ۳. هود: ۴۱.

۴- ۴. البقره: ۲۴۸.

هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ- وَ إِنَّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ فَإِنَّهُ لَيسَ عَبْدٌ يَقُولُ (۱) عِنْدَ رُكُوبِهِ فَيَقَعَ مِنْ بَعِيرٍ أَوْ دَابَّةٍ فَيَضُرَّهُ شَيْ ءٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ قَالَ فَإِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَضْرِبُ وُجُوهَ الشَّيَاطِينِ وَ تَقُولُ قَدْ سَمَّى اللَّهَ وَ آمَنَ بِاللَّهِ وَ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ وَ قَالَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۲).

**[ترجمه]قرب الاسناد: ابن اسباط گفت: به امام کاظم علیه السّلام گفتم: چه می فرمایی، از صحرا بروم یا دریا؟ راه ما بیمناک و پر خطر است. فرمود: از صحرا برو. سپس فرمود: برایت مانعی نیست که به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله روی و دو رکعت نماز در غیر وقت فریضه بخوانی و صد بار از خدا خیر بخواهی. اگر به دریا شدی، همان را بگو که خدا تبارک و تعالی فرموده: «ارْكَبُوا فِيها بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ.» - . هود/ ۴۱ - {در آن سوار شوید. به نام خداست روان شدنش و لنگرانداختنش، بی گمان پروردگار من آمرزنده مهربان است.} و اگر دریا طوفانی شد، بگویی: «بسم الله اسكن بسكينه الله وقر بوقار الله و اهداء باذن الله و لا حول و لا قوه الا باذن الله.» {به نام الله. به آرامش الهی آرام بگیر و به وقار خداوندی با طمأنینه باش و به إذن الهی هدایت شو که هیچ نیرو و قدرتی جز به إذن الهی نیست}

گفتیم: خدایت شایسته دارد، «سکینه» چیست؟ فرمود: بادی که از بهشت برآید به صورت آدمی و بوی خوش، و همان است که به ابراهیم علیه السّلام فرود شد و گرد ارکان کعبه می گشت و پایه ها را می نهاد. گفتیم: آن از همان است که فرمود: «و فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ بَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسى وَ آلُ هارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلائِكَةُ.» - . بقره / ۲۴۸ - {آن صندوقِ [عهد] که در آن آرامش خاطری از جانب پروردگارتان، و بازمانده ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون [در آن] بر جای نهاده اند- در حالی که فرشتگان آن را حمل می کنند- به سوی شما خواهد آمد. مسلما اگر مؤمن باشید، برای شما در این [رویداد] نشانه ای است}؟

فرمود: آن سکینه در تابوت بود و در آن طشتی بود که دل پیغمبران را در آن شستشو می کردند، و تابوت در بنی اسرائیل همراه پیغمبران می گردید. سپس رو به ما کرد و فرمود: تابوت شما چه باشد؟ گفتیم سلاح. فرمود: راست است، آن تابوت شما است.

سپس فرمود: اگر به راه صحرا رفتی، بگو آنچه را خدا فرموده: « سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَاذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ . وَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُون.» - . زخرف / ۱۳ - ۱۴ - {و بگویید: پاک است کسی که این را برای ما رام کرد و [گرنه] ما را یارای [رام ساختن] آنها نبود.و به راستی که ما به سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت.} همانا بنده ای نباشد که آن را بگوید و از شتر یا مرکب خود به زمین افتد و زیانی بیند به فرمان خدا. و فرمود: چون از منزلت بدر شدی، بگو: «بسم الله آمنت بالله توكلت على الله لا حول و لا قوه الا بالله.» که فرشته ها به روی شیاطین زنند و گویند: نام خدا برده و ایمان به خدا آورده و توکل بر خدا کرده و گفته: «لا حول و لا قوه الا بالله.» - . قرب الاسناد: ۲۱۸ -

**[ترجمه]

أَقُولُ

قَدْ مَضَى الْخَبَرُ فِي بَابِ الْآدَابِ (۳) بِرِوَايَةِ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ وَ فِيهِ: فَإِذَا عَزَمْتَ عَلَى شَيْ ءٍ وَ رَكِبْتَ الْبَرَّ فَإِذَا اسْتَوَيْتَ عَلَى رَاحِلَتِكَ فَقُلْ سُبْحانَ الَّذِي إلخ وَ إِنْ رَكِبْتَ بَحْراً فَقُلْ حِينَ تَرْكَبُ بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها فَإِذَا ضَرَبَتْ بِكَ الْأَمْوَاجُ فَاتَّكِ عَلَى يَسَارِكَ وَ أَشِرْ إِلَى الْمَوْجِ بِيَدِكَ وَ قُلِ اسْكُنْ بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَ قِرَّ بِقَرَارِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالَ ابْنُ أَسْبَاطٍ فَرَكِبْتُ الْبَحْرَ وَ كَانَ إِذَا هَاجَ الْمَوْجُ قُلْتُ كَمَا أَمَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام فَيَتَنَفَّسُ الْمَوْجُ وَ لَا يُصِيبُنَا مِنْهُ شَيْ ءٌ(۴).

**[ترجمه]این خبر در «باب آداب و سنن» گذشته و در آن است كه چون آهنگ چیزى كردى و براى صحرا سوار شدى، چون بر مركبت استوار گشتى بگو: «سبحان الذى...» تا آخر و اگر به دريا سوار شدى، در آن حال بگو: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها» و چون موج بر تو برخاست، بر پهلوى چپ تكيه كن و با دستت به سوى موج اشاره كن و بگو: آرام باش به سكينه خدا و بر جا باش به بر جايى خدا، و لا حول و لا قوه الا بالله.

ابن اسباط گفت: من به دريا شدم و چون موج بالا مى گرفت، همان را كه امام كاظم علیه السّلام فرموده بود مى گفتم و موج گشاده مى شد و به ما از آن چيزى نمى رسيد. - . تفسير على بن ابراهيم قمى ۲: ۶۰۸ -

**[ترجمه]

«۲۶»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ هَبَطَ وَادِياً فَقَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ مَلَأَ اللَّهُ الْوَادِيَ حَسَنَاتٍ فَلْيَعْظُمِ الْوَادِي بُعْداً وَ لْيَصْغُرْ(۵).

**[ترجمه]محاسن: پيغمبر صلى الله عليه و آله فرمود: هر كه به بيابانى بيفتد و بگويد: «لا اله الا الله و الله اكبر»، خدا آن وادى را پر كند از حسنات وادى بزرگ، دور باشد يا كوچك باشد. - . محاسن: ۳۳ -

**[ترجمه]

«۲۷»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَا اسْتَخْلَفَ رَجُلٌ عَلَى أَهْلِهِ بِخِلَافَةٍ أَفْضَلَ مِنْ رَكْعَتَيْنِ يَرْكَعُهُمَا إِذَا أَرَادَ الْخُرُوجَ إِلَى سَفَرِهِ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ ذُرِّيَّتِي وَ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي وَ أَمَانَتِي وَ خَاتِمَةَ عَمَلِي إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا سَأَلَ (۶).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: سرپرست نكند كسى بر اهل خود بهتر از دو ركعت كه آنها را هنگام سفر كردن بخواند و بگويد: «اللهم إنى أستودعك نفسى و أهلى و مالى و ذريتى و دنياى و آخرتى و أمانتى و خاتمه عملى» {بار خدايا! من خودم و اهل و مال و نژادم و دنيا و آخرتم و امانتم و سرانجامم را به تو سپردم،} جز آنكه خدا هر چه خواهد به او عطا كند. - . محاسن: ۳۴۹ -

**[ترجمه]

«۲۸»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ عَنْ بُرَیْدِ بْنِ مُعَاوِیَهَ قَالَ: کَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِذَا أَرَادَ سَفَراً جَمَعَ عِیَالَهُ فِی بَیْتٍ ثُمَ

۱- ۱. الزخرف: ۱۳.

۲- ۲. قرب الإسناد ص ۲۱۸.

۳- ۳. بل یاتی فی الباب ۵۰ باب آداب السیر تحت الرقم: ۴.

۴- ۴. تفسیر القمّیّ ج ۲ ص ۶۰۸.

۵- ۵. المحاسن ص ۳۳.

۶- ۶. المحاسن ص ۳۴۹.

قَالَ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ الْغَدَاهَ نَفْسِی وَ مَالِی وَ ذُرِّیَّتِی وَ دُنْیَایَ وَ أَهْلِی وَ وُلْدِی وَ الشَّاهِدَ مِنَّا وَ الْغَائِبَ اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَیْنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی جِوَارِکَ اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَکَ وَ لَا تُغَیِّرْ مَا بِنَا مِنْ عَافِیَتِکَ وَ فَضْلِکَ (۱).

**[ترجمه]محاسن: برید بن معاویه گفت: امام باقر علیه السّلام هر موقع سفر قصد سفر داشت، همه عیالش را در خانه ای گرد می آورد و آنگاه می گفت: «اللهم إنی أستودعک الغداه نفسی و مالی و ذریتی و دنیای و أهلی و ولدی و الشاهد منا و الغائب اللهم احفظنا و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارک اللهم لا تسلبنا نعمتک و لا تغیر ما بنا من عافیتک و فضلک» {بار خدایا! من در این بامداد به تو می سپارم خودم و مالم و نژادم و دنیایم و اهلم و فرزندم را از حاضر و غایب. بار خدایا! حفظ کن ما را و حفظ کن بر ما. بار خدایا! ما را در پناهت گیر. بار خدایا! نعمتت را از ما مبُر و آنچه از عافیت و فضلت داریم، از ما مگیر.} - . محاسن: ۳۵۰ -

**[ترجمه]

«۲۹»

سن، [المحاسن] عَنْ مُوسَی بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ الصَّبَّاحِ الْحَذَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَی بْنَ جَعْفَرٍ علیه السلام یَقُولُ: لَوْ کَانَ الرَّجُلُ مِنْکُمْ إِذَا أَرَادَ سَفَراً قَامَ عَلَی بَابِ دَارِهِ تِلْقَاءَ وَجْهِهِ الَّذِی یَتَوَجَّهُ لَهُ فَقَرَأَ فَاتِحَهَ الْکِتَابِ أَمَامَهُ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ آیَهَ الْکُرْسِیِّ أَمَامَهُ وَ عَنْ یَمِینِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِی وَ احْفَظْ مَا مَعِی وَ سَلِّمْنِی وَ سَلِّمْ مَا مَعِی وَ بَلِّغْنِی وَ بَلِّغْ مَا مَعِی بِبَلَاغِکَ الْحَسَنِ الْجَمِیلِ لَحَفِظَهُ اللَّهُ وَ حَفِظَ مَا عَلَیْهِ وَ حَفِظَ مَا مَعَهُ وَ سَلَّمَهُ اللَّهُ وَ سَلَّمَ مَا مَعَهُ وَ بَلَّغَهُ اللَّهُ وَ بَلَّغَ مَا مَعَهُ قَالَ ثُمَّ قَالَ لِی یَا صَبَّاحُ أَ مَا رَأَیْتَ الرَّجُلَ یُحْفَظُ وَ لَا یُحْفَظُ مَا مَعَهُ وَ یُبَلَّغُ وَ لَا یُبَلَّغُ مَا مَعَهُ قُلْتُ بَلَی جُعِلْتُ فِدَاکَ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام کاظم علیه السّلام فرمود: اگر یکی از شما سفر خواست، به در خانه اش رو به راهی که بدان خواهد رفت بایستد و سوره حمد را از پیش خود و سمت راست و چپ بخواند و آیه الکرسی را از سه سو. سپس گوید: « اللهم احفظنی و احفظ ما معی و سلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل» {بار خدایا! نگه دار مرا و هر چه با من است، و سالم دار مرا و هر چه با من است و برسان مرا و هر چه با من باشد، رسیدن خوب،} البته که خدا او را و هر چه با او است حفظ کند و سالم دارد و به مقصد برساند. و به من فرمود: ای صباح! (راوی حدیث است) نبینی که کسی محفوظ ماند و آنچه با او است محفوظ نماند و برسد و آنچه با او است نرسد؟ گفتم: آری قربانت گردم! - . محاسن: ۳۵۰ -

**[ترجمه]

«۳۰»

سن، [المحاسن] عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَیْنِ أَوْ غَیْرِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ رَفَعَهُ قَالَ: کَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذَا أَرَادَ سَفَراً قَالَ- اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِیلَنَا وَ أَحْسِنْ تَسْیِیرَنَا وَ أَعْظِمْ عَافِیَتَنَا(۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام چون قصد سفری داشت، می گفت: « اللهم خل سبیلنا و أحسن تسییرنا و أعظم

عافیتنا» {بار خدایا! راه ما را باز کن و رفتن ما را آسان کن و عافیت ما را کلان کن.} - . محاسن: ۳۵۰ -

**[ترجمه]

«۳۱»

سن، [المحاسن] عَنْ عِدَّهٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام قَالَ: قَالَ لِی إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِکَ فِی سَفَرٍ أَوْ حَضَرٍ فَقُلْ- بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ فَیَلْقَاکَ الشَّیْطَانُ فَتَضْرِبُ الْمَلَائِکَهُ وُجُوهَهَا وَ تَقُولُ مَا سَبِیلُکُمْ عَلَیْهِ وَ قَدْ سَمَّی اللَّهَ وَ آمَنَ بِهِ وَ تَوَکَّلَ عَلَی اللَّهِ وَ قَالَ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَ رَوَاهُ ابْنُ فَضَّالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ الرِّضَا علیه السلام: إِلَّا أَنَّهُ قَالَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ (۴).

**[ترجمه]محاسن: ابن اسباط گفت: امام رضا علیه السّلام به من فرمود: چون برای سفر یا در حضر از منزلت درآیی، بگو: «بسم الله آمنت بالله، توکلت علی الله ما شاء الله و لا حول الا بالله» تا شیطان به تو بر خورَد و فرشته ها به روی او زنند و گویند: چه راهی به او داری، با اینکه نام خدا برده و به او ایمان آورده و بر خدا توکل کرده و گفته ما شاء الله و لا قوه الا بالله! و در روایت ابن فضال از آن حضرت آمده، جز اینکه گفته: «و لا حول و لا قوه الا بالله.» - . محاسن: ۳۵۰ -

**[ترجمه]

«۳۲»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَیْفَهَ بْنِ مَنْصُورٍ قَالَ: صَحِبْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ هُوَ مُتَوَجِّهٌ إِلَی مَکَّهَ فَلَمَّا صَلَّی قَالَ اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِیلَنَا وَ أَحْسِنْ

ص: ۲۴۵

۱- ۱. المحاسن ص ۳۵۰.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۵۰.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۵۰.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۵۰.

تَسْيِيرَنَا وَ أَحْسِنْ عَافِيَتَنَا وَ كُلَّمَا صَعِدَ إِلَى أَكَمَةٍ قَالَ اللَّهُمَّ لَكَ الشَّرَفُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ (۱).

**[ترجمه]محاسن: حذيفه بن منصور گفت: همراه امام صادق عليه السّلام بودم كه به مكه مى رفت و چون نماز خواند، گفت: بار خدايا! راه ما را باز كن و رفتن ما را آسان كن و عافيت ما را كلان. و هر بار كه بر تلى بالا مى رفت، مى گفت: بار خدايا! تو را شرف است بر هر شرفى. - . محاسن: ۳۵۳ -

**[ترجمه]

«۳۳»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ يَزِيدَ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: وَ الَّذِي نَفْسُ أَبِي الْقَاسِمِ بِيَدِهِ مَا أَهَلَّ مُهَلِّلٌ وَ لَا كَبَرَ مُكَبِّرٌ عِنْدَ شَرَفٍ مِنَ الْأَشْرَافِ إِلَّا أَهَلَّ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَ كَبَّرَ مَا بَيْنَ يَدَيْهِ بِتَهْلِيلِهِ وَ تَكْبِيرِهِ حَتَّى يَقْطَعَ مُنْقَطَعَ التُّرَابِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق عليه السّلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بدان كه جان ابى القاسم به دست او است، كسى لا اله الا الله و الله اكبر نگويد نزد هر بر آمدن و ارتفاع راهى جز آنكه هر چه جلو او است همان را گويند تا به آخر برآمدگى و ارتفاع رسد. - . محاسن: ۳۵۳ -

**[ترجمه]

«۳۴»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ أَبِي خَدِيجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: أَتَى أَخَوَانِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَقَالا إِنَّا نُرِيدُ الشَّامَ فِي تِجَارَةٍ فَعَلِّمْنَا مَا نَقُولُ قَالَ نَعَمْ إِذَا أَوَيْتُمَا إِلَى الْمَنْزِلِ فَصَلَّيْتُمَا الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فَإِذَا وَضَعَ أَحَدُكُمَا جَنْبَهُ عَلَى فِرَاشِهِ بَعْدَ الصَّلَاةِ فَلْيُسَبِّحْ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عليها السلام ثُمَّ لْيَقْرَأْ آيَةَ الْكُرْسِيِّ فَإِنَّهُ مَحْفُوظٌ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى يُصْبِحَ وَ إِنَّ لُصُوصاً تَبِعُوهُمْ حَتَّى إِذَا نَزَلَا بَعَثُوا غُلَاماً لَهُمْ لِيَنْظُرَ كَيْفَ حَالُهُمَا نَامَا أَمْ مُسْتَيْقِظَيْنِ فَانْتَهَى الْغُلَامُ إِلَيْهِمَا وَ قَدْ وَضَعَ أَحَدُهُمَا جَنْبَهُ عَلَى فِرَاشِهِ وَ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ سَبَّحَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عليها السلام قَالَ فَإِذَا عَلَيْهِمَا حَائِطَانِ مَبْنِيَّانِ فَجَاءَ الْغُلَامُ فَطَافَ بِهِمَا فَكُلَّمَا دَارَ لَمْ يَرَ إِلَّا حَائِطَيْنِ مَبْنِيَّيْنِ فَرَجَعَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَا وَ اللَّهِ مَا رَأَيْتُ إِلَّا حَائِطَيْنِ مَبْنِيَّيْنِ فَقَالُوا لَهُ أَخْزَاكَ اللَّهُ لَقَدْ كَذَبْتَ بَلْ ضَعُفْتَ وَ جَبُنْتَ فَقَامُوا فَنَظَرُوا فَلَمْ يَجِدُوا إِلَّا حَائِطَيْنِ فَدَارُوا بِالْحَائِطَيْنِ فَلَمْ يَسْمَعُوا وَ لَمْ يَرَوْا إِنْسَاناً فَانْصَرَفُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ جَاءُوا إِلَيْهِمْ فَقَالُوا أَيْنَ كُنْتُمْ فَقَالا مَا كُنَّا إِلَّا هَاهُنَا وَ مَا بَرِحْنَا فَقَالُوا وَ اللَّهِ لَقَدْ جِئْنَا وَ مَا رَأَيْنَا إِلَّا حَائِطَيْنِ مَبْنِيَّيْنِ فَحَدِّثُونَا مَا قِصَّتُكُمْ قَالُوا إِنَّا أَتَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَسَأَلْنَاهُ أَنْ يُعَلِّمَنَا فَعَلَّمَنَا آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ عليها السلام فَقُلْنَا فَقَالُوا انْطَلِقُوا لَا وَ اللَّهِ مَا نَتَّبِعُكُمْ أَبَداً وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْكُمْ لِصٌّ أَبَداً بَعْدَ هَذَا الْكَلَامِ (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق عليه السّلام فرمود: دو برادر رسول خدا صلى الله عليه و آله نزدش آمدند و گفتند: ما براى تجارت قصد شام داريم و به ما بياموز آنچه را كه بايد بگوييم. فرمود: آرى، چون به منزلى جا گرفتيد و نماز عشاء پسين را

خواندید، هر کدام شما پس از سلام پهلو بر بستر نهد و تسبیح فاطمه علیها السّلام بخواند و به دنبالش آیه الکرسی که محفوظ ماند از هر چیزی تا صبح کند.

پس دزدانی آنها را دنبال کردند تا به منزلی رسیدند و غلام خود را فرستادند تا بدانند در چه حالند، خوابند یا بیدار. غلام بدانها رسید و یکی شان پهلو بر بستر داشت و آیه الکرسی و تسبیح فاطمه علیها السّلام را خواند. به ناگاه دو دیوار بر آنها ساخته شده و آن غلام آمد و گرد آنها گشت و از هر طرف جز دو دیوار ساخته ندید (و نزد یارانش برگشت و گفت که به خدا جز دو دیوار ندیدم). گفتند: خدایت رسوا کند، دروغ گفتی و ناتوان ترسویی! و خودشان برخاستند (و رفتند). آنها نیز جز دو دیوار ندیدند و گرد آنها گردیدند و سخنی نشنیدند و آدمی ندیدند و به منزل خود برگشتند. فردا صبح که شد، نزد آنها آمدند و گفتند: شما کجا بودید؟ هر دو گفتند: جز همین جا نبودیم و جایی نرفتیم. دزدان گفتند: به خدا ما آمدیم و جز دو دیوار ندیدیم. بگویید داستان شما چیست؟

گفتند: ما نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتیم و از او خواستیم به ما آموزشی دهد و آیه الکرسی و تسبیح فاطمه علیها السّلام را به ما یاد داد و ما آن را خواندیم. دزدها گفتند: بروید! به خدا ما هرگز شما را دنبال نکنیم و پس از این سخن، هرگز دزدی بر شما توانا نباشد. -. محاسن: ۳۶۸ -

**[ترجمه]

«۳۵»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنْ عُبَیْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَیْنِ الزَّرَنْدِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِذَا ضَلَلْتَ فِی الطَّرِیقِ فَنَادِ یَا صَالِحُ

ص: ۲۴۶

۱- ۱. المحاسن ص ۳۵۳.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۵۳.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۶۸.

يَا أَبَا صَالِحٍ أَرْشِدُونَا إِلَى الطَّرِيقِ رَحِمَكُمُ اللَّهُ قَالَ عُبَيْدُ اللَّهِ فَأَصَابَنَا ذَلِكَ فَأَمَرْنَا بَعْضَ مَنْ مَعَنَا أَنْ يَتَنَحَّى وَ يُنَادِيَ كَذَلِكَ قَالَ فَتَنَحَّى فَنَادَى ثُمَّ أَتَانَا فَأَخْبَرَنَا أَنَّهُ سَمِعَ صَوْتاً يُرَدُّ دَقِيقاً يَقُولُ الطَّرِيقَ يَمْنَةً أَوْ قَالَ يَسْرَةً فَوَجَدْنَاهُ كَمَا قَالَ وَ حَدَّثَنِي بِهِ أَبِي أَنَّهُمْ حَادُوا عَنِ الطَّرِيقِ بِالْبَادِيَةِ فَفَعَلْنَا ذَلِكَ فَأَرْشَدُونَا وَ قَالَ صَاحِبُنَا سَمِعْتُ صَوْتاً دَقِيقاً يَقُولُ الطَّرِيقَ يَمْنَةً فَمَا سِرْنَا إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى عَارَضْنَا الطَّرِيقُ (۱).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: چون راه گم کردی، فریاد کن: «ای صالح، ما را به راه هدایت کن!» خدا بر شما رحمت آورد. عبیدالله (راوی حدیث گوید) دچار آن شدیم و یکی از همراهان را واداشتیم که دور شود و این فریاد را بکشد. پس دور شد و فریاد زد. سپس نزد ما آمد و خبر داد که آواز سستی شنیده که گفته راه سمت راست یا گفته در چپ. پس راه را یافتیم و چنان بود که او گفته بود.

و پدرم به من باز گفت که در بیابان از راه پرت شدیم و این کار کردیم و ما را راهنمایی کردند. گفت: یار ما آواز نرمی شنیده بود که می گفت: راه سمت راست است. و جز اندکی نرفتیم که به راه رسیدیم. - . محاسن: ۳۶۲ -

**[ترجمه]

«۳۶»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ رُشَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: ضَلَلْنَا سَنَةً مِنَ السِّنِينَ وَ نَحْنُ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ فَأَقَمْنَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ نَطْلُبُ الطَّرِيقَ فَلَمْ نَجِدْهُ فَلَمَّا أَنْ كَانَ فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ وَ قَدْ نَفِدَ مَا كَانَ مَعَنَا مِنَ الْمَاءِ عَمَدْنَا إِلَى مَا كَانَ مَعَنَا مِنْ ثِيَابِ الْإِحْرَامِ وَ مِنَ الْحَنُوطِ فَتَحَنَّطْنَا وَ تَكَفَّنَّا بِإِزَارِ إِحْرَامِنَا فَقَامَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَنَادَى يَا صَالِحُ يَا أَبَا الْحُسَيْنِ فَأَجَابَهُ مُجِيبٌ مِنْ بُعْدٍ فَقُلْنَا لَهُ مَنْ أَنْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ فَقَالَ أَنَا مِنَ النَّفَرِ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي كِتَابِهِ وَ إِذْ صَرَفْنا إِلَيْكَ نَفَراً مِنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَ لَمْ يَبْقَ مِنْهُمْ غَيْرِي فَأَنَا مُرْشِدُ الضَّالِّ إِلَى الطَّرِيقِ قَالَ فَلَمْ نَزَلْ نَتَّبِعُ الصَّوْتَ حَتَّى خَرَجْنَا إِلَى الطَّرِيقِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: عمر بن یزید گفت: یک سال در راه مکه گم شدیم و سه روز ماندیم به راه جویی و آن را نیافتیم. روز سوم که آب ما تمام شد، جامه های احرام را به جای کفن پوشیدیم و حنوط برگرفتیم و یکی از یاران ما برخاست و فریاد زد: یا صالح، یا ابو حسین! یکی جواب داد. به او گفتیم: تو که باشی، خدایت رحمت کند؟ گفت: از آنها که خدا عزوجل در قرآنش فرموده: «وَ إِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْءَانَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُواْ أَنصِتُواْ فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْاْ إِلَىٰ قَوْمِهِم مُّنذِرِينَ» - . احقاف / ۲۹ -

{و چون تنی چند از جنّ را به سوی تو روانه کردیم که قرآن را بشنوند. پس چون بر آن حاضر شدند [به یکدیگر] گفتند: «گوش فرادهید.» و چون به انجام رسید، هشداردهنده به سوی قوم خود بازگشتند.} و از آنها جز من کسی نمانده و من گم شده را راهنمایی کنم. گفت: پیوسته به دنبال آن آواز رفتیم تا به راه رسیدیم. - . محاسن: ۳۷۹ -

**[ترجمه]

«۳۷»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِیزٍ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ نُعَیْمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا دَخَلْتَ مَدْخَلًا تَخَافُهُ فَاقْرَأْ هَذِهِ الْآیَهَ- رَبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصِیراً فَإِذَا عَایَنْتَ الَّذِی تَخَافُهُ فَاقْرَأْ آیَهَ الْکُرْسِیِ (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون در تنگنای بیمناک افتادی، این آیه را بخوان: «رَّبِّ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِی مخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَل لیِّ مِن لَّدُنکَ سُلْطَنًا نَّصِیرًا.» - . اسراء / ۸۰ - {پروردگارا، مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز، و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار ده.} و چون چیز بیمناکی به چشمت خورد، آیه الکرسی بخوان. - . محاسن: ۳۶۷ -

**[ترجمه]

«۳۸»

سن، [المحاسن] عَنْ مُوسَی بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَطِیَّهَ عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ نَزَلَ مَنْزِلًا یَتَخَوَّفُ عَلَیْهِ السَّبُعَ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ

۱- ۱. المحاسن ص ۳۶۲ و فیه: عن أبی عبد اللّه علیه السلام.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۷۹.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۶۷.

لَهُ لَهُ الْمُلْکَ وَ لَهُ الْحَمْدُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ کُلِّ سَبُعٍ إِلَّا أَمِنَ مِنْ شَرِّ ذَلِکَ السَّبُعِ حَتَّی یَرْحَلَ مِنْ ذَلِکَ الْمَنْزِلِ بِإِذْنِ اللَّهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۱).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که منزلی کرد که از درنده بر آن می ترسند، بگوید: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک و له الحمد بیده الخیر و هو علی کل شی ء قدیر. خدایا! به تو پناه می برم از شر هر درنده» که از آن درنده آسوده گردد تا از آن منزل بکوچد به اذن خدا، ان شاء الله. - . محاسن: ۳۶۷ -

**[ترجمه]

«۳۹»

سن، [المحاسن] عَنْ بَکْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْجَعْفَرِیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: مَنْ خَرَجَ وَحْدَهُ فِی سَفَرٍ فَلْیَقُلْ مَا شَاءَ اللَّهُ- لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِی وَ أَعِنِّی عَلَی وَحْدَتِی وَ أَدِّ غَیْبَتِی قَالَ وَ مَنْ بَاتَ فِی بَیْتٍ وَحْدَهُ أَوْ فِی دَارٍ أَوْ فِی قَرْیَةٍ وَحْدَهُ فَلْیَقُلِ اللَّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِی وَ أَعِنِّی عَلَی وَحْدَتِی قَالَ وَ قَالَ لَهُ قَائِلٌ إِنِّی صَاحِبُ صَیْدِ سَبُعٍ وَ أَبِیتُ بِاللَّیْلِ فِی الْخَرَابَاتِ وَ الْمَکَانِ الْوَحْشِ فَقَالَ إِذَا دَخَلْتَ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ أَدْخِلْ رِجْلَکَ الْیُمْنَی وَ إِذَا خَرَجْتَ فَأَخْرِجْ رِجْلَکَ الْیُسْرَی وَ قُلْ بِسْمِ اللَّهِ فَإِنَّکَ لَا تَرَی مَکْرُوهاً إِنْ شَاءَ اللَّهُ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام کاظم علیه السّلام فرمود: هر که تنها سفر کند بگوید: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِی وَ أَعِنِّی عَلَی وَحْدَتِی وَ أَدِّ غَیْبَتِی.» {هرچه خدا بخواهد. نیرو و قوتی جز از خدا نیست. خدایا مونس وحشتم باش و یار تنهاییم باش و همراه غیبتم باش}هر که تنها در اتاقی یا خانه ای یا دهی درآید، بگوید: «اللَّهُمَّ آنِسْ وَحْشَتِی وَ أَعِنِّی عَلَی وَحْدَتِی.»{خدایا مونس در وحشتم باش و مرا در تنهاییم یاری کن} گوید: یکی به آن حضرت گفت: من شکار شیر و درنده کنم و شب ها را در ویرانه ها و جاهای هراس آور می گذرانم. فرمود: چون در آنها درآیی، بگو: «بِسْمِ اللَّهِ» و پای راست را پیش نه و با پای چپ خارج شو و بسم الله بگو که بد نبینی، ان شاء الله. - . محاسن: ۳۷۰ -

**[ترجمه]

«۴۰»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ قَاسِمٍ الصَّیْرَفِیِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: إِنَّ عَلَی ذِرْوَةِ کُلِّ جِسْرٍ شَیْطَاناً فَإِذَا انْتَهَیْتَ إِلَیْهِ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ یَرْحَلْ عَنْکَ (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: بر بلندی هر پل شیطانی است. چون بدان رسی «بسم الله» بگو تا از تو بکوچد. - . محاسن: ۳۷۳ -

**[ترجمه]

«۴۱»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: كَانَ فِی وَصِيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِعَلِيٍّ علیه السلام يَا عَلِيُّ إِذَا أَرَدْتَ مَدِينَةً أَوْ قَرْيَةً فَقُلْ حِينَ تُعَايِنُهَا- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا اللَّهُمَّ أَطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا وَ أَعِذْنَا مِنْ وَبَاهَا وَ حَبِّبْنَا إِلَی أَهْلِهَا وَ حَبِّبْ صَالِحِی أَهْلِهَا إِلَيْنَا(۴).

**[ترجمه]محاسن: امام كاظم علیه السّلام از پدرش، از جدش علیهم السّلام روايت می كند كه فرمود: در سفارش های پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی است كه: يا علی! چون قصد شهر يا دهی داری، وقتی چشم رس تو شد بگو: « اللهم إنی أسألك خيرها و أعوذ بك من شرها اللهم أطعمنا من جناها و أعذنا من وباها و حببنا إلی أهلها و حبب صالحی أهلها إلينا»خدايا! خيرش را از تو خواهم و از شرش به تو پناه می برم. خدايا! از بَرَش به ما بخوران و از وبايش ما را برهان و ما را محبوب اهل آن و دوستدارخوبانش كن. - . محاسن: ۳۷۴ -

**[ترجمه]

«۴۲»

سن، [المحاسن] بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: يَا عَلِيُّ إِذَا نَزَلْتَ مَنْزِلًا فَقُلِ- اللَّهُمَ أَنْزِلْنِی مُنْزَلًا مُبارَكاً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ (۵).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! چون به منزلی فرود آيی بگو: «اللهم أَنْزِلْنِی مُنْزَلًا مُبارَكاً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ.» - . محاسن: ۳۷۴ - {خدايا اين منزل را بر من مبارک كن كه تو بهترين ميزبانی}

**[ترجمه]

«۴۳»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُوسَی بْنِ سَعْدَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِذَا سَافَرْتَ فَدَخَلْتَ الْمَدِينَهَ الَّتِی تُرِيدُهَا فَقُلْ حِينَ تُشْرِفُ عَلَيْهَا وَ تَرَاهَا- اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَ

۱- ۱. المحاسن ص ۳۶۷.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۷۰.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۷۳.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۷۴.

٥- ٥. المحاسن ص ٣٧٤.

الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الرِّيَاحِ وَ مَا ذَرَتْ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَضَلَّتْ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ هَذِهِ الْقَرْيَهِ وَ مَا فِيهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا(۱).

**[ترجمه]محاسن: علی بن مغیره گفت: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون سفر کنی و به شهری که خواهی درآیی، چون آن را در چشم رس دیدی بگو: خدایا! پرورنده هفت آسمان و آنچه بر آن سایه دارند و پرورنده هفت زمین و آنچه بر خود دارند، و پرورنده بادها و آنچه پراکنده سازند، و پرورنده شیاطین و آنچه گمراه کنند؛ از تو خواهم رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و خیر این آبادی و آنچه در آن است. از تو می خواهم و به تو پناه می برم از شرش و شر هر چه در آن است. - . محاسن: ۳۷۴ -

**[ترجمه]

«۴۴»

سن، [المحاسن] عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ الْقَصَبَانِيِّ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَارَهَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ الْعَفَارِيتَ مِنْ أَوْلَادِ الْأَبَالِسَهِ تَتَخَلَّلُ وَ تَدْخُلُ بَيْنَ مَحَامِلِ الْمُؤْمِنِينَ فَتُنَفِّرُ عَلَيْهِمْ إِبِلَهُمْ فَتَعَاهَدُوا ذَلِكَ بِآيَهِ الْكُرْسِيِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: زراره گفت: شنیدم که امام باقر علیه السّلام می فرمود: عفریت ها فرزندان ابلیسان هستند که نفوذ کنند و در کجاوه های مؤمنان در آیند و شترشان را تحریک کنند؛ آن را بپایید با آیه الکرسی (که آنها را دور کند). - . محاسن: ۳۸۰ -

**[ترجمه]

«۴۵»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُرْوَهَ الْأَهْوَازِيِّ عَنِ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ كَانَ فِي سَفَرٍ وَ خَافَ اللُّصُوصَ وَ السَّبُعَ فَلْيَكْتُبْ عَلَى عُرْفِ دَابَّتِهِ- لا تَخافُ دَرَكاً وَ لا تَخْشى فَإِنَّهُ يَأْمَنُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالَ دَاوُدُ الرَّقِّيُّ فَحَجَجْتُ فَلَمَّا كُنَّا بِالْبَادِيَهِ جَاءَ قَوْمٌ مِنَ الْأَعْرَابِ فَقَطَعُوا عَلَى الْقَافِلَهِ وَ أَنَا فِيهِمْ فَكَتَبْتُ عَلَى عُرْفِ جَمَلِي لا تَخافُ دَرَكاً وَ لا تَخْشى فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله بِالنُّبُوَّهِ وَ خَصَّهُ بِالرِّسَالَهِ وَ شَرَّفَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْإِمَامَهِ مَا نَازَعَنِي أَحَدٌ مِنْهُمْ أَعْمَاهُمُ اللَّهُ عَنِّي (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: امام کاظم علیه السّلام فرمود: هر که در سفر است و از دزدان و درنده ها بیم دارد، بریال مَرکب سواری خود بنویسد: «لا تَخافُ دَرَكاً وَ لا تَخْشى.» - . طه / ۸۰ - {نه از فرارسیدن [دشمن] بترسی و نه [از غرق شدن] بیمناک باشی} که به فرمان خدا عزوجل در امان ماند. داود رقی گوید: به حج رفتم و در بیابان کسانی از اعراب آمدند و بر کاروان زدند که من در آن بودم، و بر یال شترم همان را نوشتم و بدان خدا که محمد را به نبوت فرستاد و به رسالت گرامی کرد و مؤمنان را به امامت شرافت بخشید، یکی از آنها با من ستیزه نکرد و خدا آنان را از من کور کرد. - . طب الائمه: ۳۶ -

**[ترجمه]

«۴۶»

مکا، [مکارم الأخلاق] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَا اسْتَخْلَفَ رَجُلٌ عَلَی أَهْلِهِ بِخِلَافِهٍ أَفْضَلَ مِنْ رَكْعَتَيْنِ يَرْكَعُهُمَا إِذَا أَرَادَ الْخُرُوجَ إِلَى سَفَرِهِ وَ يَقُولُ عِنْدَ التَّوْدِيعِ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْتَوْدِعُکَ الْيَوْمَ دِينِی وَ نَفْسِی وَ مَالِی وَ أَهْلِی وَ وُلْدِی وَ جِيرَانِی وَ أَهْلَ حُزَانَتِی الشَّاهِدَ مِنَّا وَ الْغَائِبَ وَ جَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی كَنَفِكَ وَ مَنَعَتِكَ وَ عِيَاذِكَ وَ عِزِّكَ عَزَّ جَارُكَ وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ امْتَنَعَ عَائِذُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ تَوَكَّلْتُ عَلَی الْحَيِّ الَّذِی لَا يَمُوتُ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِی الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ كَبِّرْهُ تَكْبِيراً اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيراً وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ كَثِيراً وَ سُبْحَانَ اللَّهِ بُكْرَةً وَ أَصِيلًا.

وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: إِذَا أَرَادَ السَّفَرَ جَمَعَ عِيَالَهُ فِی بَيْتٍ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ إِنِّی

۱- ۱. المحاسن ص ۳۷۴.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۸۰.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۳۶ ط النجف.

أَسْتَوْدِعُكَ إِلَى آخِرِهِ.

وَ عَنْ صَبَّاحٍ الْحَذَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليهما السلام يَقُولُ: لَوْ كَانَ الرَّجُلُ مِنْكُمْ إِذَا أَرَادَ سَفَراً قَامَ عَلَى بَابِ دَارِهِ تِلْقَاءَ الْوَجْهِ الَّذِي يَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فَقَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَمَامَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ أَمَامَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِي وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِي وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِي بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ لَحَفِظَهُ اللَّهُ وَ حَفِظَ مَا مَعَهُ وَ سَلَّمَهُ اللَّهُ وَ

سَلَّمَ مَا مَعَهُ وَ بَلَّغَهُ اللَّهُ وَ بَلَّغَ مَا مَعَهُ قَالَ ثُمَّ قَالَ يَا صَبَّاحُ أَ مَا رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُحْفَظُ وَ لَا يُحْفَظُ مَا مَعَهُ وَ يُسَلَّمُ وَ لَا يُسَلَّمُ مَا مَعَهُ وَ يُبَلَّغُ وَ لَا يُبَلَّغُ مَا مَعَهُ قُلْتُ بَلَى جُعِلْتُ فِدَاكَ.

وَ كَانَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِذَا أَرَادَ سَفَراً قَالَ: اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِيلَنَا وَ أَحْسِنْ تَسْيِيرَنَا وَ أَعْظِمْ عَافِيَتَنَا.

عَنِ الرِّضَا عليه السلام قَالَ: إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَنْزِلِكَ فِي سَفَرٍ أَوْ حَضَرٍ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ- لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ فَيَتَلَقَّاهُ الشَّيَاطِينُ فَتَضْرِبُ الْمَلَائِكَةُ وُجُوهَهَا وَ تَقُولُ مَا سَبِيلُكُمْ عَلَيْهِ وَ قَدْ سَمَّى اللَّهَ وَ آمَنَ بِهِ وَ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ وَ قَالَ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ حِينَ خَرَجَ مِنْ دَارِهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا عَاذَتْ مِنْهُ مَلَائِكَةُ اللَّهِ مِنْ شَرِّ هَذَا الْيَوْمِ وَ مِنْ شَرِّ الشَّيَاطِينِ وَ مِنْ شَرِّ مَنْ نَصَبَ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ السِّبَاعِ وَ الْهَوَامِّ وَ مِنْ شَرِّ رُكُوبِ الْمَحَارِمِ كُلِّهَا أُجِيرُ نَفْسِي بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ شَيْ ءٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَ تَابَ عَلَيْهِ وَ كَفَاهُ الْمُهِمَّ وَ حَجَزَهُ عَنِ السُّوءِ وَ عَصَمَهُ مِنَ الشَّرِّ.

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله لَمْ يُرِدْ سَفَراً إِلَّا قَالَ حِينَ يَنْهَضُ مِنْ مَجْلِسِهِ أَوْ مِنْ جُلُوسِهِ- اللَّهُمَّ بِكَ انْتَشَرْتُ وَ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَ بِكَ اعْتَصَمْتُ أَنْتَ ثِقَتِي وَ رَجَائِي اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي وَ مَا لَا أُهَمُّ لَهُ وَ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي اللَّهُمَّ زَوِّدْنِي التَّقْوَى وَ اغْفِرْ لِي وَ وَجِّهْنِي إِلَى الْخَيْرِ حَيْثُمَا تَوَجَّهْتُ ثُمَّ يَخْرُجُ.

قَالَ: وَ كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ إِذَا خَرَجَ فِي سَفَرِهِ- اللَّهُمَّ احْفَظْنِي

وَ احْفَظْ مَا مَعِی وَ بَلِّغْنِی وَ بَلِّغْ مَا مَعِی بِبَلَاغِکَ الْحَسَنِ بِاللَّهِ أَسْتَفْتِحُ وَ بِاللَّهِ أَسْتَنْجِحُ وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله أَتَوَجَّهُ اللَّهُمَّ سَهِّلْ لِی کُلَّ حُزُونَهٍ وَ ذَلِّلْ لِی کُلَّ صُعُوبَهٍ وَ أَعْطِنِی مِنَ الْخَیْرِ کُلِّهِ أَکْثَرَ مِمَّا أَرْجُو وَ اصْرِفْ عَنِّی مِنَ الشَّرِّ أَکْثَرَ مِمَّا أَحْذَرُ فِی عَافِیَهٍ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ أَیْضاً کَانَ یَقُولُ أَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِی بِیَدِهِ مَا دَقَّ وَ جَلَّ وَ بِیَدِهِ أَقْوَاتُ الْمَلَائِکَهِ أَنْ یَهَبَ لَنَا فِی سَفَرِنَا أَمْنَهً وَ إِیمَاناً وَ سَلَامَهً وَ إِسْلَاماً وَ فِقْهاً وَ تَوْفِیقاً وَ بَرَکَهً وَ هُدًی وَ شُکْراً وَ عَافِیَهً وَ مَغْفِرَهً وَ عَزْماً لَا یُغَادِرُ ذَنْباً.

وَ عَنْهُ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ حِینَ یَخْرُجُ مِنْ مَنْزِلِهِ اللَّهُ أَکْبَرُ اللَّهُ أَکْبَرُ اللَّهُ أَکْبَرُ بِسْمِ اللَّهِ دَخَلْتُ بِسْمِ اللَّهِ خَرَجْتُ وَ عَلَی اللَّهِ تَوَکَّلْتُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اللَّهُمَّ افْتَحْ لِی فِی وَجْهِی هَذَا بِخَیْرٍ اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسِی وَ مِنْ شَرِّ غَیْرِی وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِیَتِهَا إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ کَانَ فِی ضَمَانِ اللَّهِ حَتَّی یَرْجِعَ إِلَی مَنْزِلِهِ قَالَ ثُمَّ یَقُولُ تَوَکَّلْتُ عَلَی اللَّهِ- ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ خَیْرَ مَا خَرَجْتُ لَهُ وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّ مَا خَرَجْتُ لَهُ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَیَّ مِنْ فَضْلِکَ وَ أَتْمِمْ عَلَیَّ مِنْ نِعْمَتِکَ وَ اجْعَلْ رَغْبَتِی فِیمَا عِنْدَکَ وَ تَوَفَّنِی فِی سَبِیلِکَ عَلَی مِلَّتِکَ وَ مِلَّهِ رَسُولِکَ ثُمَّ اقْرَأْ آیَهَ الْکُرْسِیِّ وَ الْمُعَوِّذَتَیْنِ ثُمَّ اقْرَأْ سُورَهَ الْإِخْلَاصِ بَیْنَ یَدَیْکَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ مِنْ فَوْقِکَ مَرَّهً وَ مِنْ تَحْتِکَ مَرَّهً وَ مِنْ خَلْفِکَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ عَنْ یَمِینِکَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ عَنْ شِمَالِکَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ تَوَکَّلْ عَلَی اللَّهِ عُوذَهٌ کَانَ یَتَعَوَّذُ بِهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا سَافَرَ وَ أَقْبَلَ اللَّیْلُ- یَا أَرْضُ رَبِّی وَ رَبُّکِ اللَّهُ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّکِ وَ شَرِّ مَا فِیکِ وَ سُوءِ مَا خُلِقَ فِیکِ وَ سُوءِ مَا یَدِبُّ عَلَیْکِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ أَسَدٍ وَ أَسْوَدَ وَ مِنْ شَرِّ الْحَیَّهِ وَ الْعَقْرَبِ وَ مِنْ شَرِّ سَاکِنِ الْبَلَدِ وَ مِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظْلَلْنَ وَ رَبَّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ مَا أَقْلَلْنَ وَ رَبَّ الرِّیَاحِ وَ مَا ذَرَیْنَ وَ رَبَّ الشَّیَاطِینِ وَ مَا أَضْلَلْنَ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُکَ خَیْرَ هَذِهِ اللَّیْلَهِ وَ خَیْرَ

هَذَا الْيَوْمِ وَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَ خَيْرَ هَذِهِ السَّنَهِ وَ خَيْرَ هَذَا الْبَلَدِ وَ أَهْلِهِ وَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَهِ وَ أَهْلِهَا وَ خَيْرَ مَا فِيهَا وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ آخِذٌ بِناصِيَتِها إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ (١).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: كسی جانشینی بهتر از دو ركعت نماز كه هنگام سفر كردن بخواند بر خاندانش نگمارد، و در وداع بگوید:«اللهم إنی أستودعك الیوم دینی و نفسی و مالی و أهلی و ولدی و جیرانی و أهل حزانتی الشاهد منا و الغائب و جمیع ما أنعمت به علی اللهم اجعلنا فی كنفك و منعتك و عیاذك و عزك عز جارك و جل ثناؤك و امتنع عائذك و لاـ إله غیرك توكلت علی الحی الذی لا یموت- الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا و لم یكن له شریك فی الملك و لم یكن له ولی من الذل و كبره تكبیرا الله أكبر كبیرا و الحمد لله كثیرا و سبحان الله بكره و أصیلا.» {بار خدایا! امروز به تو سپردم دینم و خودم و مالم و اهلم و فرزندانم و همسایه هایم و وابسته هایم از حاضر و غایب و آنچه نعمت كه به من دادی. خدایا! ما را در سایه و در پناه و عزت خود بگیر، عزیز است پناهنده به تو، والا است ستایشت و محفوظ است پناهنده ات، و نیست معبودی جز تو، توكل بر زنده ای كه مرگ ندارد. سپاس خدا راست كه فرزندی نگرفته و شریكی در ملك ندارد و او را سرپرستی برای دفع خواری نباشد. او را به خوبی بزرگ شمار، سپاس بسیار از آن خداست و منزه باد در هر بامداد و پسین.}

و امام باقر علیه السّلام چون قصد سفر می كرد، همه عیالش را در اتاقی جمع می كرد و می گفت: خدایا! به تو سپردم... تا آخر و صباح حذاء گفت: امام كاظم علیه السّلام فرمود: اگر یكی از شما سفر خواست، به در خانه اش رو به راهی كه بدان خواهد رفت ایستد و سوره حمد را از پیش او و سمت راست و چپ بخواند و آیه الكرسی را از سه سو. سپس گوید:« اللهم احفظنی و احفظ ما معی و سلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغك الحسن الجمیل » {بار خدایا! نگه دار مرا و هر چه با من است، و سالم دار مرا و هر چه با من است، و برسان مرا و هر چه با من باشد، رسیدن خوب.} البته كه خدا او را و هر چه با او است حفظ كند و سالم دارد و به مقصد برساند. و به من فرمود: ای صباح! (راوی حدیث است) نبینی كه كسی محفوظ ماند و آنچه با او است محفوظ نماند و برسد و آنچه با او است نرسد؟ گفتم: آری قربانت گردم!

و امام صادق علیه السّلام چون قصد سفر می كرد، می گفت: خدایا! راه ما را باز كن و به خوبی ما را راه بر و عافیتی كلان به ما عطا كن.

و از امام رضا علیه السلام است كه فرمود: هنگامی كه در سفر یا در حضر قصد خروج از منزلت را كردی، بگو: «بسم الله آمنت بالله توكلت علی الله ما شاء الله- لا حول و لا قوه إلا بالله» {به نام خدا.ایمان آوردم به خدا و بر خدا توكل كردم. هرچه خدا بخواهد. هیچ نیرو قوتی جز از خدا نیست} كه شیاطین با او ملاقات می كنند و ملائكه به صورت آنها می زنند و می گویند: چه راهی به آنها دارید كه نام خدا را برده اند و ایمان به او دارند و توكل بر او كرده اند و گفته اند: ما شاء الله لا قوه إلا بالله!

امام باقر علیه السّلام فرمود: هر كه وقت بیرون شدن از خانه اش گوید: « أعوذ بالله مما عاذت منه ملائكه الله من شر هذا الیوم و من شر الشیاطین و من شر من نصب لأولیاء الله و من شر الجن و الإنس و من شر السباع و الهوام و من شر ركوب المحارم كلها أجیر نفسی بالله من شر كل شی ء» {به خدا پناه می برم از آنچه فرشته های خدا بدو پناهند از شر امروز و از شر شیاطین و از

شر دشـمنان اولیای خدا و از شر جن و آدمی و از شر درنده ها و گزنده ها و از شر همه کار حرام؛ پناه می دهم خود را به خدا از شـر هر چیزی}، خـدا او را آمرزد و توبه اش را بپذیرد و قصدش را بر آورده سازد و او را از هر بدی دور دارد و از شـر نگه دارد .

انس بن مالک گفت: رسول خدا صـلی الله علیه و آله سفری نمی کرد، جز آنکه هنگامی که از جایش بلند می شد می گفت: « اللهم بـک انتشـرت و إلیک توجهت و بک اعتصـمت أنت ثقتی و رجائی اللهم اکفنی ما أهمنی و ما لا أهم له و ما أنت أعلم به منی اللهم زودنی التقوی و اغفر لی و وجهنی إلی الخیر حیثما توجهت» {خدایا! به تو جنبیدم و به سوی تو رو آوردم و به تو خود را نگه داشـتم، تو پشت و امیـدم باشـی. خـدایا! کفایت کن هر مهم و غیر مهم مرا و آنچه تو بـدان داناتری از من. خـدایا! تقوا به من توشه ده و مرا بیامرز و رو به سوی خیر دار به هر جا رو کنم.} سپس بیرون می شد.

گوید: امام صادق علیه السّلام چون برای سـفر بیرون می شد، می گفت: « اللهم احفظنی و احفظ ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن بالله أسـتفتح و بالله أسـتنجح و بمحمد ص أتوجه اللهم سـهل لی کل حزونه و ذلل لی کل صعوبه و أعطنی من الخیر کله أکثر مما أرجو و اصـرف عنی من الشـر أکثر مما أحذر فی عافیه یا أرحم الراحمین» {خدایا! مرا و هر چه با من است حفظ کن و مرا و هر چه با من است، به خوبی به مقصد برسان. به خدا سـفر را گشایم و به خدا پیروزی جویم و به محمد صلی الله علیه و آله رو آوردم. خـدایا! هر ناهمواری را برایم هموار ساز و هر سـختی را دمساز و هر خیری را به من بده بیش از آنچه امیدوارم، و هر بدی را از من بگردان، بیش از آنچه حذر دارم در عافیت و خوشی یا ارحم الراحمین.}

بـاز همیشه می فرمود: «أسأل الله الـذی بیـده ما دق و جل و بیـده أقوات الملائکه أن یهب لنا فی سـفرنا أمنه و إیمانا و سـلامه و إسـلاما و فقهـا و توفیقـا و برکه و هـدی و شـکرا و عافیه و مغفره و عزما لا یغادر ذنبا.» {از خـدا خواهم که هر ریز و درشت به دست او است و به دست او است قوت فرشـته هـا که در سـفر آسودگی و ایمـان و سـلامت و اسـلام و فهم و توفیق و برکت و هدایت و شکر و عافیت و آمرزش و تصمیم به من بخشد و گناهی فرو نگذارد.}

و از آن حضرت است که فرمود: هرکه چون از منزلش به در آید سه بار«الله اکبر» گوید و سپس بگوید: «بسم الله دخلت و بسم الله خرجت و علی الله توکلت و لاـ حول و لاـ قوه الا بالله العلی العظیم و صـلی الله و علی محمـد و آله اللهم افتـح لی فی وجهی هذا بخیر اللهم إنی أعوذ بک من شـر نفسـی و من شـر غیری و من شر کل دابه أنت آخذ بناصیتها إن ربی علی صراط مستقیم» {به نام خـدا داخل شدم و به نام خدا خارج شدم و بر خدا توکل کردم که هیچ نیرو و قوتی جز از خدا نیست .خدایا! راهی که می روم به خیر برگشا. خدایا! من به تو پناه می برم از شـر خود و شـر دیگری و از شـر هر جانداری که به دست تو است. همانا پروردگارم به راه راست است}، در ضـمانت خدا است تا به منزلش برگردد. سپس بگوید: «توکلت علی الله ما شاء الله و لا قوه الاـ بـالله. اللهم إنی أسألـک خیر مـا خرجت له و أعوذ بـک من شـر مـا خرجت له اللهم أوسع علی من فضـلک و أتمم علی من نعمتک و اجعل رغبتی فیما عندک و توفنی فی سبیلک علی ملتک و مله رسولک» {پروردگارا! از تو خواهم خیر آنچه برایش بیرون شـدم و به تو پناه می برم از شـر آنچه برایش بیرون شدم. خدایا! وسـعت ده به من از فضل خود و تمام کن بر من نعمتت را و دلم را به سـوی آن کن که نزد تو است و جـانم را در راهت بگیر و بر آیین خودت و آیین رسولت.} بعـد آیه الکرسـی و معوّذتین را بخوان و باز سه بار سوره اخلاص را از پیش رو و بالای سر و زیر پا و سه بار از پشت سر و سه بار از سوی راست و

سه بار هم از چپ بخوان و بر خدا توکل کن.

یک دعا که رسول خدا بدان پناه می گرفت در سفر و رسیدن شب: «یا أَرْضُ رَبِّی وَ رَبُّكِ اللَّهُ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكِ وَ شَرِّ مَا فِیكِ وَ سُوءِ مَا خُلِقَ فِیكِ وَ سُوءِ مَا یَدِبُّ عَلَیْكِ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ أَسَدٍ وَ أَسْوَدَ وَ مِنْ شَرِّ الْحَیَّهِ وَ الْعَقْرَبِ وَ مِنْ شَرِّ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَ مِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظْلَلْنَ وَ رَبَّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ مَا أَقْلَلْنَ وَ رَبَّ الرِّیَاحِ وَ مَا ذَرَیْنَ وَ رَبَّ الشَّیَاطِینِ وَ مَا أَضْلَلْنَ أَسْأَلُکَ أَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَسْأَلُکَ خَیْرَ هَذِهِ اللَّیْلَهِ وَ خَیْرَ هَذَا الْیَوْمِ وَ خَیْرَ هَذَا الشَّهْرِ وَ خَیْرَ هَذِهِ السَّنَهِ وَ خَیْرَ هَذَا الْبَلَدِ وَ أَهْلِهِ وَ خَیْرَ هَذِهِ الْقَرْیَهِ وَ أَهْلِهَا وَ خَیْرَ مَا فِیهَا وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِیهَا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّهٍ أَنْتَ «آخِذٌ بِناصِیَتِها إِنَّ رَبِّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقِیمٍ.» - . مکارم الاخلاق: ۲۸۱- ۲۸۳ - {ای زمین! پروردگار من و تو الله است. پناه می برم به الله از شر تو وشر آنچه در توست و بدی آنچه در تو خلق شده و بدی آنچه بر تو راه می رود و پناه می برم به خدا از شیر و سیاهی و از شر مار و عقرب و و ساکنان شهرها و از شر پدر و آنچه زاییده. خدایا ای پرودگار آسمان های هفتگانه و آنچه بر آن سایه افکنده و ای پروردگار زمین های هفتگانه و آنچه بر روی دارد و ای پروردگار بادها و آنچه پراکنده کند و ای پروردگار شیاطین و آنچه گمراه شده است از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و از تو خیر این شب و خیر این روز وخیر این ماه و خیر این سال و خیر این سرزمین و اهلش و خیر این آبادی و اهلش و خیر آنچه در آن است می خواهم. و پناه می برم به خدا از شر آن و شر آنچه در آن است و از شر هر جنبنده ای که تو موی جلوی پیشانیش را در دست داری که پروردگار من به راه راست است . }

**[ترجمه]

«۴۷»

مکا، [مکارم الأخلاق] عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: مَنْ قَرَأَ آیَهَ الْكُرْسِیِّ فِی السَّفَرِ فِی كُلِّ لَیْلَهٍ سَلِمَ وَ سَلِمَ مَا مَعَهُ وَ یَقُولُ اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَسِیرِی عَبَراً وَ صَمْتِی تَفَكُّراً وَ كَلَامِی ذِكْراً.

وَ مِنْ مَسْمُوعَاتِ السَّیِّدِ الْإِمَامِ نَاصِحِ الدِّینِ أَبِی الْبَرَكَاتِ الْمَشْهَدِیِّ رَحْمَهُ اللَّهِ عَلَیْهِ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ رَجُلٍ قَالَ: بَعَثَ إِلَیَّ أَبُو الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام مِنْ خُرَاسَانَ ثِیَابَ رِزَمٍ وَ كَانَ بَیْنَ ذَلِکَ طِینٌ فَقُلْتُ لِلرَّسُولِ مَا هَذَا قَالَ طِینُ قَبْرِ الْحُسَیْنِ علیه السلام مَا یَكَادُ یُوَجِّهُ شَیْئاً مِنَ الثِّیَابِ وَ لَا غَیْرَهُ إِلَّا وَ یَجْعَلُ فِیهِ الطِّینَ وَ كَانَ یَقُولُ أَمَانٌ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَی.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: أَتَی أَخَوَانِ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالا یَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا نُرِیدُ الشَّامَ فِی تِجَارَهٍ فَعَلِّمْنَا مَا نَقُولُ- قَالَ صلی الله علیه و آله بَعْدَ إِذْ أَوَیْتُمَا إِلَی مَنْزِلٍ فَصَلِّیَا الْعِشَاءَ الْآخِرَهَ فَإِذَا وَضَعَ أَحَدُكُمَا جَنْبَهُ عَلَی فِرَاشِهِ بَعْدَ الصَّلَاهِ فَلْیُسَبِّحْ تَسْبِیحَ فَاطِمَهَ علیها السلام ثُمَّ لْیَقْرَأْ آیَهَ الْكُرْسِیِّ فَإِنَّهُ مَحْفُوظٌ مِنْ كُلِّ شَیْ ءٍ یَهَابُهُ وَ إِنَّ لُصُوصاً تَبِعُوهُمْ حَتَّی إِذَا نَزَلُوا بَعَثُوا غُلَاماً لَهُمْ یَنْظُرُ كَیْفَ حَالُهُمْ نَامُوا أَمْ هُمْ مُسْتَیْقِظُونَ فَانْتَهَی الْغُلَامُ إِلَیْهِمْ وَ قَدْ وَضَعَ أَحَدُهُمَا جَنْبَهُ عَلَی فِرَاشِهِ وَ قَرَأَ آیَهَ الْكُرْسِیِّ وَ سَبَّحَ تَسْبِیحَ فَاطِمَهَ علیها السلام قَالَ فَإِذَا عَلَیْهِمَا حَائِطَانِ مَبْنِیَّانِ فَجَاءَ الْغُلَامُ فَطَافَ بِهِمَا فَكُلَّمَا دَارَ لَمْ یَرَ إِلَّا حَائِطَیْنِ فَرَجَعَ إِلَی أَصْحَابِهِ فَقَالَ لَا وَ اللَّهِ مَا رَأَیْتُ إِلَّا حَائِطَیْنِ مَبْنِیَّیْنِ فَقَالُوا أَخْزَاکَ اللَّهُ لَقَدْ كَذَبْتَ بَلْ ضَعُفْتَ وَ جَبُنْتَ فَقَامُوا وَ نَظَرُوا فَلَمْ یَجِدُوا إِلَّا حَائِطَیْنِ مَبْنِیَّیْنِ فَدَارُوا بِالْحَائِطَیْنِ فَلَمْ یَرَوْا إِنْسَاناً فَانْصَرَفُوا إِلَی مَوْضِعِهِمْ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ جَاءُوا إِلَیْهِمَا فَقَالُوا أَیْنَ كُنْتُمَا فَقَالا مَا كُنَّا إِلَّا

هَاهُنَا مَا بَرَحْنَا فَقَالُوا لَقَدْ

ص: ۲۵۲

۱- ۱. مكارم الأخلاق: ۲۸۱- ۲۸۳.

جِئْنَا فَمَا رَأَيْنَا إِلَّا حَائِطَيْنِ مَبْنِيَّيْنِ فَحَدِّثَانَا مَا قِصَّتُكَمَا فَقَالا أَتَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَعَلَّمَنَا آيَةَ الْكُرْسِيِّ وَ تَسْبِيحَ فَاطِمَهَ عليها السلام فَفَعَلْنَا فَقَالُوا انْطَلِقُوا فَوَ اللَّهِ لَا نَتَّبِعُكُمْ أَبَداً وَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْكُمْ لِصٌّ بَعْدَ هَذَا الْكَلَامِ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که در سفر هر شب آیه الکرسی بخواند، خودش و هر چه با خود دارد سالم ماند. و بگوید:« اللهم اجعل مسیری عبرا و صمتی تفکرا و کلامی ذکر» {خدایا! رفتن مرا عبرت ساز و خاموشی ام را تفکر و سخنم را ذکر.}

و ابی البرکات مشهدی از مردی نقل کرده که گفت: امام رضا علیه السّلام از خراسان بسته ای از جامه ها برایم فرستاد و میان آنها گِلی بود. به فرستاده گفتم: این چیست؟ گفت گِل قبر حسین علیه السّلام و آن حضرت چیزی از جامه و جز آن نفرستد، جز آنکه از این گِل در آن نهد و می فرماید که سبب امان است به اذن خدا عزوجل.

و از آن حضرت است که فرمود: امام صادق علیه السّلام فرمود: دو برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله نزدش آمدند و گفتند: ما قصد شام داریم برای تجارت و به ما بیاموز آنچه باید بگوییم. فرمود: آری، چون به منزلی جا گرفتید و نماز عشاء پسین را خواندید، هر کدام شما پس از سلام، پهلو بر بستر نهد و تسبیح فاطمه علیه السّلام و به دنبالش آیه الکرسی را بخواند که محفوظ ماند از هر چیزی تا صبح کند.

پس دزدانی آنها را دنبال کردند تا به منزلی رسیدند و غلام خود را فرستادند تا بدانند که آنها در چه حالند، خوابند یا بیدار. غلام بدانها رسید و یکی شان پهلو بر بستر داشت و آیه الکرسی و تسبیح فاطمه علیه السّلام را خواند و به ناگاه دو دیوار بر آنها ساخته شده و آن غلام آمد و گرد آنها گشت و از هر طرف جز دو دیوار ساخته ندید .

پس نزد یارانش برگشت و گفت که به خدا جز دو دیوار ندیدم. گفتند: خدایت رسوا کند، دروغ گفتی، ناتوان ترسویی! پس خودشان برخاستند (و رفتند) اما جز دو دیوار ندیدند و گرد آنها گردیدند و سخنی نشنیدند و آدمی ندیدند و به منزل خود برگشتند. فردا که شد نزد آنها آمدند و گفتند: شما کجا بودید؟ هر دو گفتند: جز همین جا نبودیم و جایی نرفتیم. دزدان گفتند: به خدا ما آمدیم و جز دو دیوار ندیدیم. بگویید داستان شما چیست؟

گفتند: ما نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتیم و از او خواستیم به ما آموزشی دهد و به ما آیه الکرسی و تسبیح فاطمه علیه السّلام را یاد داد و ما آن را خواندیم. دزدها گفتند: بروید! به خدا ما هرگز شما را دنبال نکنیم و پس از این سخن، هرگز دزدی بر شما توانا نباشد. - . مکارم الاخلاق: ۲۹۲ -

**[ترجمه]

«۴۸»

مکا، [مکارم الأخلاق]: فِي دُعَاءِ الضَّلَالِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ إِذَا ضَلَلْتَ الطَّرِيقَ فَنَادِ يَا صَالِحُ وَ يَا أَبَا صَالِحٍ أَرْشِدُونَا إِلَى الطَّرِيقِ يَرْحَمُكُمُ اللَّهُ.

وَ رُوِیَ: أَنَّ الْبَرَّ مُوَكَّلٌ بِهِ صَالِحٌ وَ الْبَحْرَ مُوَكَّلٌ بِهِ حَمْزَهُ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: إِذَا تَغَوَّلَتْ لَكُمُ الْغُولُ فَأَذِّنُوا(۲).

عَنْ أَبِی عُبَيْدَهَ الْحَذَّاءِ قَالَ: كُنْتُ مَعَ الْبَاقِرِ علیه السلام فَضَلَّ بَعِيرِی فَقَالَ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قُلْ كَمَا أَقُولُ- اللَّهُمَّ رَادَّ الضَّالَّهِ هَادِياً مِنَ الضَّلَالَهِ رُدَّ عَلَيَّ ضَالَّتِی فَإِنَّهَا مِنْ فَضْلِكَ وَ عَطَائِكَ فَفَعَلْتُ ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا عُبَيْدَهَ تَعَالَ فَارْكَبْ فَرَكِبْتُ مَعَ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَلَمَّا سِرْنَا إِذَا سَوَادٌ عَلَى الطَّرِيقِ فَقَالَ يَا أَبَا عُبَيْدَهَ هَذَا بَعِيرُكَ فَإِذَا هُوَ بَعِيرِی.

فِی الدُّعَاءِ عِنْدَ نُزُولِ الْمَنْزِلِ: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله لِعَلِيٍّ علیه السلام يَا عَلِيُّ إِذَا نَزَلْتَ مَنْزِلًا فَقُلِ- اللَّهُمَ أَنْزِلْنِی مُنْزَلًا مُبارَكاً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ وَ فِی رِوَايَهٍ وَ أَيِّدْنِی كَمَا أَيَّدْتَ بِهِ الصَّالِحِينَ وَ هَبْ لِیَ السَّلَامَهَ وَ الْعَافِيَهَ فِی كُلِّ وَقْتٍ وَ حِينٍ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ كُلِّهَا مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ- ثُمَّ صَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَهِ وَ أَعِذْنَا مِنْ شَرِّهَا اللَّهُمَّ أَطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا وَ أَعِذْنَا مِنْ وَبَاهَا وَ حَبِّبْنَا إِلَى أَهْلِهَا وَ حَبِّبْ صَالِحِی أَهْلِهَا إِلَيْنَا وَ إِذَا أَرَدْتَ الرَّحِيلَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ ادْعُ اللَّهَ بِالْحِفْظِ وَ الْكِلَاءَهِ وَ وَدِّعِ الْمَوْضِعَ وَ أَهْلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ مَوْضِعٍ أَهْلًا مِنَ الْمَلَائِكَهِ وَ قُلِ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَهِ اللَّهِ الْحَافِظِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

فِی الدُّعَاءِ عِنْدَ الرُّجُوعِ مِنَ السَّفَرِ رُوِیَ عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّهُ قَالَ لَمَّا رَجَعَ مِنْ خَيْبَرَ- آيِبُونَ تَائِبُونَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَابِدُونَ رَاكِعُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِفْظِكَ إِيَّایَ فِی سَفَرِی وَ حَضَرِی اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوْبَتِی هَذِهِ مُبَارَكَهً

۱- ۱. مكارم الأخلاق: ۲۹۲.

۲- ۲. أی ظهرت و تجسمت فی أعينكم.

مَیْمُونَهً مَقْرُونَهً بِتَوْبَهٍ نَصُوحٍ تُوجِبُ لِی بِهَا السَّعَادَهَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ.

فِی الدُّعَاءِ عِنْدَ دُخُولِ مَدِینَهٍ أَوْ قَرْیَهٍ: قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ علیه السلام یَا عَلِیُّ إِذَا أَرَدْتَ مَدِینَهً أَوْ قَرْیَهً فَقُلْ حِینَ تُعَایِنُهَا- اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ خَیْرَهَا وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّهَا اللَّهُمَّ حَبِّبْنَا إِلَی أَهْلِهَا وَ حَبِّبْ صَالِحِی أَهْلِهَا إِلَیْنَا.

فِی الدُّعَاءِ فِی الْمَسِیرِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی سَفَرِهِ إِذَا هَبَطَ سَبَّحَ وَ إِذَا صَعِدَ کَبَّرَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ الَّذِی نَفْسُ أَبِی الْقَاسِمِ بِیَدِهِ و مَا هَلَّلَ مُهَلِّلٌ وَ مَا کَبَّرَ مُکَبِّرٌ عَلَی شَرَفٍ مِنَ الْأَشْرَافِ إِلَّا هَلَّلَ مَا خَلْفَهُ وَ کَبَّرَ مَا بَیْنَ یَدَیْهِ بِتَهْلِیلِهِ وَ تَکْبِیرِهِ حَتَّی یَبْلُغَ مَقْطَعَ التُّرَابِ فِی رُکُوبِ السَّفِینَهِ بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِکِ الرَّحْمَنِ وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ (۱) الْآیَهَ- بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَحِیمٌ.

فِی الدُّعَاءِ عَلَی الْجِسْرِ: إِذَا بَلَغْتَ جِسْراً فَقُلْ حِینَ تَضَعُ قَدَمَکَ عَلَیْهِ- بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ.

عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ عَلَی ذِرْوَهِ کُلِّ جِسْرٍ شَیْطَاناً فَإِذَا انْتَهَیْتَ إِلَیْهِ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ یَرْحَلْ عَنْکَ.

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِذَا کُنْتَ فِی سَفَرٍ أَوْ مَفَازَهٍ فَخِفْتَ جِنِّیّاً أَوْ آدَمِیّاً فَضَعْ یَمِینَکَ عَلَی أُمِّ رَأْسِکَ وَ اقْرَأْ بِرَفِیعِ صَوْتِکَ- أَ فَغَیْرَ دِینِ اللَّهِ یَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ (۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: دعای گمشده: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون راه را گم کردی، فریاد کن: «یا صالح و یا ابا صالح، ما را رهنمایی کن!» خدا شما را رحمت کند.

و روایت است که صالح به خشکی گمارده شده است و حمزه به رهنمایی در دریا.

و از آن حضرت است که چون غول زده شدید، اذان بگویید. - . یعنی ظاهر شد و مجسم شد در چشمانتان. -

ابی عبیده حذاء گفت: با امام باقر علیه السّلام بودم و شترم گم شد. فرمود: دو رکعت نماز بخوان و بگو آنچه را که می گویم: « اللهم راد الضاله هادیا من الضلاله رد علی ضالتی فإنها من فضلک و عطائک» {خدایا! ای برگرداننده گمشده از گمراهی! برگردان گمشده مرا که آن از فضل و عطای تو است.} و این کار را انجام دادم. سپس فرمود: ای ابا عبیده، بیا سوار شو! و با آن حضرت سوار شدم و چون به راه افتادیم، ناگاه دیدیم یک سیاهی بر سر راه بود. آن حضرت فرمود: ای ابی عبیده! این شتر تو است، و همان بود .

دعای منزل گرفتن: پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: ای علی! چون منزل کنی بگو: «اللَّهُمَّ أَنْزِلْنِی مُنْزَلًا مُبارَکاً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ وَ فِی رِوَایَهٍ وَ أَیِّدْنِی کَمَا أَیَّدْتَ بِهِ الصَّالِحِینَ وَ هَبْ لِیَ السَّلَامَهَ وَ الْعَافِیَهَ فِی کُلِّ وَقْتٍ وَ حِینٍ أَعُوذُ بِکَلِمَاتِ اللَّهِ التَّامَّاتِ کُلِّهَا مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَ ذَرَأَ وَ بَرَأَ.» {خدایا مرا در منزلی مبارک منزل بده که تو بهترین میزبانانی.} و در روایتی آمده: {ومرا مؤید دار چنان که صالحین را تأیید فرمودی و سلامتی و عافیت در هر زمان و لحظه ای به من ببخش. پناه می برم به کلمات تام خدا به طور کلی از شر آنچه خلق کرده و ظاهر ساخته و از عدم به وجود آورده} و دو رکعت نماز بخوان و بگو: « اللهم ارزقنا خیر هذه البقعه و أعذنا من شرها اللهم أطعمنا من جناها و أعذنا من وباها و حببنا إلی أهلها و حبب

صالحی أهلها إلینا» {خدایا! روزی ما کن خیر این جا را و پناه ده از شرش. خدایا! بخوران ما را از برش و پناه ده ما را از وبایش و محبوب ساز ما را نزد اهلش و خوبانش را محبوب ما کن.} و چون خواستی بکوشی، دو رکعت نماز کن و برای حفظ و نگهداری دعا کن و آنجا را با اهلش وداع کن که هر جا اهلی از فرشته ها دارد و بگو: «السلام علی ملائکه الله الحافظین السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و رحمه الله و برکاته» {درود بر فرشته های نگهدار خدا! درود و رحمت و برکات خدا بر ما و بنده های خوب!}

دعای هنگام بازگشت از سفر: در روایت است که چون آن حضرت از خیبر برگشت،گفت: «آیِبُونَ تَائِبُونَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَابِدُونَ رَاكِعُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُعَلَى حِفْظِكَ إِيَّايَ فِي سَفَرِي وَ حَضَرِي اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوْبَتِي هَذِهِ مُبَارَكَه مَيْمُونَةً مَقْرُونَةً بِتَوْبَةٍ نَصُوحٍ تُوجِبُ لِي بِهَا السَّعَادَةَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.» {اگر خدا بخواهد در حال توبه کننده عبادت کننده و رکوع کننده سجده کننده حمد کننده به پروردگارمان باز می گردیم خدایا چون مرا در سفرم و وطنم حفظ کردی تو را ستایش می کنم خدایا این بازگشت مرا مبارک و پر میمنت و همراه با توبه واقعی قرار ده که به خاطر آن مستوجب سعادت گردم ای مهربان ترین مهربانان}

دعای هنگام ورود به شهری یا دهی: پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: ای علی! چون قصد شهری یا دهی داری و چشم رس تو شد، بگو: « اللهم إنی أسألک خیرها و أعوذ بک من شرها اللهم حببنا إلی أهلها و حبب صالحی أهلها إلینا» {خدایا! از تو خواهم خیرش را و به تو پناه می برم از شرش. خدایا! ما را محبوب اهلش کن و خوبانش را محبوب ما کن. }

دعای در حال رفتن: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا در سفر چون از دره پایین می رفت، تسبیح می کرد و چون بالا می رفت، الله اکبر می گفت. و فرمود: بدان که جان ابو القاسم به دست او است کسی بر بلندی راه «لا اله الا الله» نگوید و «الله اکبر» نگوید جز آنکه هر چه پشت سر او است با او «لا اله الا الله» گوید و هر چه جلو او است «الله اکبر»گوید تا برسد به آخر دره.

دعای سوار شدن بر کشتی: «بسم الله الملک الرحمن وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ.» - . زمر/ ۶۷ - تا آخر آیه. {به نام خداوند مالک و بخشنده و خدا را آن چنان که باید به بزرگی نشناخته اند، و حال آنکه روز قیامت زمین یکسره در قبضه [قدرت] اوست، و آسمانها درپیچیده به دست اوست او منزّه است و برتر است از آنچه [با وی] شریک می گردانند.} و «بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ.»

دعای پل: چون به پل رسیدی، چون بر آن گام نهی بگو: «بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ الرَّجِيمَ.» {به نام خدا. خدایا شیطان رانده شده را از من درو کن و بران}

امام صادق علیه السّلام فرمود: بر بالای هر پل شیطانی است. چون بدان رسی بگو «بسم الله» تا از تو بکوچد.

امام صادق علیه السّلام فرمود: چون در سفر یا در بیابانی پهناور هستی و از جن یا آدمی هراسانی، دست راست را بر فرق

سرت بنه و به آواز بلند بگو: «أَ فَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ.» - . آل عمران / ۸۳ - {آیا جز دین خدا را می جویند؟ با آنکه هر که در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می شوند.} - . مکارم الاخلاق: ۲۹۷- ۲۹۹ -

**[ترجمه]

«۴۹»

طا، [الأمان] رَوَى ابْنُ بَابَوَيْهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِی سَفَرِهِ إِذَا هَبَطَ سَبَّحَ وَ إِذَا صَعِدَ كَبَّرَ.

وَ رُوِیَ: فِی لَفْظِ التَّكْبِيرِ إِذَا عَلَوْتَ تَلْعَةً أَوْ أَكَمَةً أَوْ قَنْطَرَةً اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ اللَّهُمَّ لَكَ الشَّرَفُ عَلَى كُلِّ شَرَفٍ- ثُمَّ تَقُولُ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّی وَ لَا قُوَّةٍ لَكِنْ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ بَرِئْتُ إِلَيْكَ يَا رَبِّ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ سَفَرِی هَذَا وَ بَرَكَةَ أَهْلِهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ

ص: ۲۵۴

۱- ۱. الزمر: ۶۷.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۲۹۷- ۲۹۹.

رِزْقاً حَلَالًا طَيِّباً تَسُوقُهُ إِلَيَّ وَ أَنَا خَائِضٌ فِی عَافِیَهٍ بِقُوَّتِکَ وَ قُدْرَتِکَ اللَّهُمَّ سِرْتُ فِی سَفَرِی هَذَا بِلَا ثِقَهٍ مِنِّی لِغَیْرِکَ وَ لَا رَجَاءٍ لِسِوَاکَ فَارْزُقْنِی مِنْ ذَلِکَ شُکْرَکَ وَ عَافِیَتَکَ وَ وَفِّقْنِی لِطَاعَتِکَ وَ عِبَادَتِکَ حَتَّی تَرْضَی وَ بَعْدَ الرِّضَا.

**[ترجمه]امان الاخطار: روایت شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در سفرش چون فرود می شد، تسبیح می گفت و چون بالا می رفت، تکبیر می گفت.

و روایت شده که لفظ تکبیرش در بلندی و زمین پست و بلند و یا تپه یا پل چنین بود: «الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر و الحمد لله رب العالمین. بار خدایا! تو را شرف است بر هر شرف.» و آنگاه گویی: «خرجت بحول الله و قوته بغیر حول منی و لا قوه و لکن بحول الله و قوته، برئت الیک یا رب من الحول و القوه. اللهم إنی أسألک برکه سفری هذا و برکه أهله اللهم إنی أسألک من فضلک الواسع رزقا حلالا طیبا تسوقه إلی و أنا خائض فی عافیه بقوتک و قدرتک اللهم سرت فی سفری هذا بلا ثقه منی لغیرک و لا رجاء لسواک فارزقنی من ذلک شکرک و عافیتک و وفقنی لطاعتک و عبادتک حتی ترضی و بعد الرضا.» {به نیرو و قوت خدا خارج شدم و نه به نیرو و قدرت خودم ولکن به نیرو و قدرت خدا (خارج شدم)ای پروردگار به تو پناه آوردم از هر نیر و قوتی بار خدایا! من از تو خواهم برکت این سفرم را و برکت اهلش را. خدایا! از تو خواهم از فضل واسع خودت، روزی حلال پاک که برایم روانه کنی و من در عافیت آن دو باشم به قوت و توانایی ات. خدایا! بدین سفر روانه ام بدون اعتماد بر غیر تو و بدون امید به دیگری. روزی کن از آن شکر و عافیت خود را و به من توفیق طاعت و عبادت بده تا حد رضایت خود و بالاتر.}

**[ترجمه]

«۵۰»

طا، [الأمان]: رُوِّینَا أَنَّهُ إِذَا رَکِبَ فِی السَّفِینَهِ فَلْیُکَبِّرِ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ مِائَهَ تَکْبِیرَهٍ وَ یُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ مِائَهَ مَرَّهٍ وَ یَلْعَنُ ظَالِمِی آلِ مُحَمَّدٍ علیهم السلام مِائَهَ مَرَّهٍ وَ یَقُولُ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الصَّلَاهُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ وَ عَلَی الصَّادِقِینَ علیهم السلام اللَّهُمَّ أَحْسِنْ مَسِیرَنَا وَ أَعْظِمْ أُجُورَنَا اللَّهُمَّ بِکَ انْتَشَرْنَا وَ إِلَیْکَ تَوَجَّهْنَا وَ بِکَ آمَنَّا وَ بِحَبْلِکَ اعْتَصَمْنَا وَ عَلَیْکَ تَوَکَّلْنَا اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتُنَا وَ رَجَاؤُنَا وَ نَاصِرُنَا- لَا تُحِلَّ بِنَا مَا لَا تُحِبُّ اللَّهُمَّ بِکَ نَحُلُّ وَ بِکَ نَسِیرُ اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِیلَنَا وَ أَعْظِمْ عَافِیَتَنَا أَنْتَ الْخَلِیفَهُ فِی الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ أَنْتَ الْحَامِلُ فِی الْمَاءِ وَ عَلَی الظَّهْرِ- وَ قالَ ارْکَبُوا فِیها بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها إِنَّ رَبِّی لَغَفُورٌ رَحِیمٌ وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِیعاً قَبْضَتُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ وَ السَّماواتُ مَطْوِیَّاتٌ بِیَمِینِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالی عَمَّا یُشْرِکُونَ اللَّهُمَّ أَنْتَ خَیْرُ مَنْ وَفَدَ إِلَیْهِ الرِّجَالُ وَ شُدَّتْ إِلَیْهِ الرِّحَالُ فَأَنْتَ سَیِّدِی أَکْرَمُ مَزُورٍ وَ أَکْرَمُ مَقْصُودٍ وَ قَدْ جَعَلْتَ لِکُلِّ زَائِرٍ کَرَامَهً وَ لِکُلِّ وَافِدٍ تُحْفَهً فَأَسْأَلُکَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَکَ إِیَّایَ فَکَاکَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ وَ اشْکُرْ سَعْیِی وَ ارْحَمْ مَسِیرِی مِنْ أَهْلِی بِغَیْرِ مَنٍّ مِنِّی عَلَیْکَ بَلْ لَکَ الْمِنَّهُ عَلَیَّ إِذْ جَعَلْتَ لِی سَبِیلًا إِلَی زِیَارَهِ وَلِیِّکَ وَ عَرَّفْتَنِی فَضْلَهُ وَ حَفِظْتَنِی فِی لَیْلِی وَ نَهَارِی حَتَّی بَلَّغْتَنِی هَذَا الْمَکَانَ وَ قَدْ رَجَوْتُکَ

فَلَا تَقْطَعْ رَجَائِی وَ أَمَّلْتُکَ فَلَا تُخَیِّبْ أَمَلِی وَ اجْعَلْ مَسِیرِی هَذَا کَفَّارَهً لِذُنُوبِی یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ قَالَ السَّیِّدُ رَحِمَهُ اللَّهُ وَ إِنْ کَانَ قَصْدُهُ بِرُکُوبِ السَّفِینَهِ غَیْرَ الزِّیَارَهِ فَیُغَیِّرُ اللَّفْظَ بِمَا یَلِیقُ بِسَفَرِهِ مِنَ الْعِبَارَهِ ثُمَّ قَالَ وَ حَدَّثَنِی أَبُو الْفَخْرِ بْنُ قوه [قُرَّهَ] رَحِمَهُ اللَّهُ وَ کَانَ

رَجُلًا صَالِحاً أَنَّهُ رَكِبَ فِى بَعْضِ مَرَاكِبِ الْبِحَارِ فَأَشْرَفَ أَهْلُ الْمَرْكَبِ عَلَى الْأَخْطَارِ لِقُوَّهِ الرِّيَاحِ وَ كَانَ مَعَهُمْ رَجُلٌ صَالِحٌ فَاسْتَغَاثُوا بِهِ فَكَتَبَ فِى رُقْعَهٍ لَطِيفَهٍ شَيْئاً وَ رَمَاهُ فِى الْبَحْرِ فَسَكَنَ الْهَوَاءُ وَ زَالَ الِابْتِلَاءُ فَاجْتَهَدْنَا أَنْ يُعَرِّفَنَا مَا كَتَبَهُ فَامْتَنَعَ مِنْ

ذَلِكَ وَ خَرَجْنَا مِنَ الْمَرْكَبِ وَ تَبِعْتُهُ مِنْ بَلَدٍ إِلَى بَلَدٍ لِيُعَرِّفَنِي مَا كَتَبَ فَلَمَّا أَلْحَحْتُ عَلَيْهِ قَالَ وَ اللَّهِ مَا كَتَبْتُ غَيْرَ سُورَهِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ أَقُولُ أَنَا وَ لَا رَيْبَ أَنَّهُ كَتَبَهَا بِالْإِخْلَاصِ فَكَانَتْ سَبَبَ الْخَلَاصِ وَ لَوْ كَتَبَ اسْمَ اللَّهِ الْأَعْظَمِ الْأَرْحَمِ لَكَفَى فِي النَّجَاهِ وَ الظَّفَرِ بِالْعِزِّ وَ الْجَاهِ.

وَ رَأَيْتُ فِي الْمُجَلَّدِ السَّابِعِ مِنْ مُعْجَمِ الْبُلْدَانِ لِلْحَمَوِيِّ فِي تَرْجَمَهِ مُحَمَّدِ بْنِ السَّائِبِ قَالَ: كُنْتُ يَوْماً بِالْحِيرَهِ فَوَثَبَ إِلَيَّ رَجُلٌ فَقَالَ أَنْتَ الْكَلْبِيُّ قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ مُفَسِّرُ الْقُرْآنِ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ فَأَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَهِ حِجاباً مَسْتُوراً(۱) مَا ذَلِكَ الْقُرْآنُ الَّذِي كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِذَا قَرَأَ حُجِبَ عَنْ عَدُوِّهِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ قَالَ قُلْتُ لَا أَدْرِي قَالَ فَتُفَسِّرُ الْقُرْآنَ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُهُ قُلْتُ أَخْبِرْنِي قَالَ آيَهٌ مِنَ الْكَهْفِ وَ آيَهٌ مِنَ الْجَاثِيَهِ وَ آيَهٌ فِي النَّحْلِ قُلْتُ الْآيَاتُ فِي هَذِهِ السُّورَهِ كَثِيرَهٌ فَقَالَ قَوْلُهُ تَعَالَى أَ فَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلى بَصَرِهِ غِشاوَهً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلا تَذَكَّرُونَ (۲) وَ قَوْلُهُ عَزَّ وَ جَلَ وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآياتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْها وَ نَسِيَ ما قَدَّمَتْ يَداهُ إِنَّا جَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّهً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذاً أَبَداً(۳) وَ قَوْلُهُ تَعَالَى- أُولئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ وَ أُولئِكَ هُمُ الْغافِلُونَ (۴) ثُمَّ الْتَفَتُّ فَلَمْ أَرَهُ فَكَأَنَّمَا ابْتَلَعَتْهُ الْأَرْضُ فَصِرْتُ إِلَى مَجْلِسٍ مِنْ مَجَالِسِي فَتَحَدَّثْتُ بِهَذَا الْحَدِيثِ فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ مُدَّهٍ صَارَ إِلَيَّ رَجُلٌ مِمَّنْ حَضَرَ مَجْلِسِي فَقَالَ لِي خَرَجْتُ مِنَ الْكُوفَهِ أُرِيدُ بَغْدَادَ وَ خَرَجَتْ مَعِي سَفَائِنُ سِتٌّ وَ كَانَتْ سَفِينَتِيَ السَّابِعَهَ فَقَرَأْتُ هَذِهِ الْآيَاتِ فِي سَفِينَتِي فَنَجَوْتُ وَ قُطِعَ السِّتُّ قَالَ وَ ضَرَبَ الدَّهْرُ مِنْ ضَرَبَاتِهِ وَ أَتَانِي رَجُلٌ بَعْدَ سِنِينَ كَثِيرَهً فَسَلَّمَ عَلَيَ

۱- ۱. أسری: ۴۵.

۲- ۲. الجاثیه: ۲۳.

۳- ۳. الکهف: ۵۷.

۴- ۴. النحل: ۱۰۸.

وَ قَالَ أَنَا عَتِيقُكَ وَ مَوْلَاكَ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يَكُونُ كَذَلِكَ وَ أَنْتَ رَجُلٌ مِنَ الْعَرَبِ قَالَ غَزَوْتُ الدَّيْلَمَ فَأُسِرْتُ فَكُنْتُ فِي أَيْدِيهِمْ عَشْرَ سِنِينَ فَذَكَرْتُ الْآيَاتِ فَقَرَأْتُهَا فَخَرَجْتُ أَرْسُفُ فِي قُيُودِي وَ مَرَرْتُ عَلَى الْمُوَكَّلِهِ بِنَا مِنَ السَّجَّانِينَ وَ غَيْرِهِمْ فَمَا عَرَضَ إِلَيَّ مِنْهُمْ حَتَّى سِرْتُ إِلَى بِلَادِ الْإِسْلَامِ وَ أَنَا عَتِيقُكَ وَ مَوْلَاكَ.

وَ عَنْ مَوْلَانَا عَلِيٍّ عليه السلام: أَنَّهُ يَقْرَأُ عِنْدَ خَوْفِ الْغَرَقِ فَيَسْلَمُ مِمَّا يَخَافُ يَقْرَأُ إِنَّ وَلِيِّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتابَ وَ هُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ- وَ ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيامَهِ وَ السَّماواتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمَّا يُشْرِكُونَ.

**[ترجمه]امان الاخطار: روایت داریم که چون سوار کشتی شود، صد بار «الله اکبر» گوید و صد بار صلوات بفرستد و صد بار به ظالمان بر آل محمد لعنت کند و بگوید: «بسم الله و بالله و الصلاه علی رسول الله و علی الصادقین. اللهم أحسن مسیرنا و أعظم أجورنا اللهم بک انتشرنا و إلیک توجهنا و بک آمنا و بحبلک اعتصمنا و علیک توکلنا اللهم أنت ثقتنا و رجاؤنا و ناصرنا- لا تحل بنا ما لا تحب اللهم بک نحل و بک نسیر اللهم خل سبیلنا و أعظم عافیتنا أنت الخلیفه فی الأهل و المال و أنت الحامل فی الماء و علی الظهر- و قال ارکبوا فیها بسم الله مجراها و مرساها إن ربی لغفور رحیم و ما قدروا الله حق قدره و الأرض جمیعا قبضته یوم القیامه و السماوات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون اللهم أنت خیر من وفد إلیه الرجال و شدت إلیه الرحال فأنت سیدی أکرم مزور و أکرم مقصود و قد جعلت لکل زائر کرامه و لکل وافد تحفه فأسألک أن تجعل تحفتک إیای فکاک رقبتی من النار و اشکر سعیی و ارحم مسیری من أهلی بغیر من منی علیک بل لک المنه علی إذ جعلت لی سبیلا إلی زیاره ولیک و عرفتنی فضله و حفظتنی فی لیلی و نهاری حتی بلغتنی هذا المکان و قد رجوتک فلا تقطع رجائی و أملتک فلا تخیب أملی و اجعل مسیری هذا کفاره لذنوبی یا أرحم الراحمین. {خدایا! خوش کن رفتن ما را و بزرگ دار اجر ما را. بار خدایا! به تو پراکنده گردیدیم و به تو رو آوردیم و به تو ایمان آوردیم و به رشته تو چنگ زدیم و بر تو توکل داریم. بار خدایا! تو اعتماد و امید و یاور مایی، ما را بدان چه دوست نداری و امگذار. خدایا! به تو داخل شویم در سفر و به تو روانه شدیم. خدایا! راه ما را باز کن و عافیت کلان به ما عطا کن، تویی سرپرست در اهل و مال، تویی گذراننده در دریا و خشکی. و گوید: «در آن سوار شوید ارْكَبُوا فِيها بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ، و خدا را آن چنان که باید به بزرگی نشناخته اند، و حال آنکه روز قیامت زمین یکسره در قبضه [قدرت] اوست، و آسمانها درپیچیده به دست اوست او منزّه است و برتر است از آنچه [با وی] شریک می گردانند.» خدایا! تو بهترین کسی هستی که مهمان به درگاهش پذیرفته شود و بارها بسته شوند، تو بهترین آقا و گرامی ترین زیارت شده و بهترین مقصودی. برای هر زائری پذیرایی داری و برای هر واردی تحفه ای داری. از تو خواهم که تحفه مرا آزادی از دوزخ سازی و کوشش مرا سپاس گویی و رحم کنی به جدایی ام از خاندانم، بی آنکه مرا بر تو منتی باشد، بلکه تو را بر من منت است که راهی برایم فراهم کردی برای زیارت ولی ات و فضلش را به من شناختی و در شب و روز مرا حفظ کردی تا به اینجا رسیدم. من به تو امید دارم، امیدم را قطع نکن و به تو آرزو دارم، نومیدم مکن و این آمدنم را کفاره گناهانم ساز ای مهربان ترین مهربانان.}

و سید رحمه الله گفته: اگر در سوار شدن کشتی قصدی غیر از زیارت دارد، عبارت را به مناسبت سفر خود تغییر دهد و ابوالفخر بن قوه که مرد خوبی بود، به من بازگفت که در یک کشتی سوار بوده در دریا و اهل کشتی بر اثر باد سخت دچار خطر شدند. آنها به مرد صالحی که همراه آنها بود دادرسی کردند و او در برگه نازکی چیزی نوشت و به دریا انداخت و هوا

آرام شد و بلا رفع شد. ما کوشیدیم تا آن نوشته را به ما یاد دهد و سرباز زد. وقتی از کشتی پیاده شدیم من شهر به شهر به دنبالش رفتم تا آن نوشته را به من معرفی کند و چون بسیار اصرارش کردم گفت: به خدا جز سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ» چیزی نبود.

مؤلف:

شک نیست که آن را با اخلاص نوشته که سبب خلاص شده و اگر نام « اسم الله الأعظم الأرحم» را هم می نوشت بس بود. و به نقل از حموی در معجم البلدان آورده که مؤلف سیره ابن هشام گوید: روزی در حیره بودم و مردی به من چسبید و گفت: تو کلبی هستی؟ گفتم: آری. گفت: مفسر قرآنی؟ گفتم: آری. گفت: به من بگو از «إذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخره حجابا مستورا.» - . أسری/ ۴۵ - {و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشیده قرار می دهیم.} آنجای قرآن که چون پیغمبر صلی الله علیه و آله می خواند، پرده می شد جلو دشمنش از پری و آدمی کجا بود؟ گفتم: نمی دانم. گفت: قرآن تفسیر کنی و آن را ندانی؟ گفتم: تو به من خبر ده. گفت: آیه ای از کهف و آیه ای از جاثیه و آیه در سوره نحل. گفتم: آیات این سوره ها بسیارند. گفت: آیه: «أ فرأیت من اتخذ إلهه هواه و أضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوه فمن یهدیه من بعد الله أ فلا تذکرون.» - . جاثیه/ ۲۳ - {پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟} و قول خدا عزوجل: «و من أظلم ممن ذکر بآیات ربه فأعرض عنها و نسی ما قدمت یداه إنا جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی آذانهم وقرا و إن تدعهم إلی الهدی فلن یهتدوا إذا أبدا.» - . کهف/ ۵۷ - {و کیست ستمکارتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شده، و از آن روی برتافته، و دستاورد پیشینه خود را فراموش کرده است؟ ما بر دل های آنان پوشش هایی قرار دادیم تا آن را درنیابند و در گوش هایشان سنگینی [نهادیم]. و اگر آنها را به سوی هدایت فراخوانی باز هرگز به راه نخواهند آمد.} و قول خدا تعالی: «أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصارهم و أولئک هم الغافلون.» - . نحل/ ۱۰۸ - {آنان کسانی اند که خدا بر دل ها و گوش و دیدگانشان مُهر نهاده و آنان خود غافلانند.} سپس توجه کردم و او را ندیدم، گویا زمین او را بلعیده باشد. و به یک مجلسی رفتم و این داستان را بازگفتم. پس از مدتی مردی از حاضران آن مجلس نزد من آمد و گفت: از کوفه درآمدم برای بغداد، و شش کشتی بار بود و کشتی ما هفتم بود و این آیات را در کشتی خودم خواندم و نجات یافتم و آن شش دیگر را زدند.

گفت: روزگار در گذشت و پس از سال های بسیار، مردی نزد من آمد و سلام کرد و گفت: من آزاد کرده و وابسته توام. گفتم: چگونه باشد با اینکه مردی از عرب باشی؟ گفت: در دیلم به غزوه رفتم و اسیر شدم و ده سال در دست آنها بودم و به یاد این آیه ها افتادم و آنها را خواندم و بسته به زنجیر از زندان خارج شدم و به زندانبانان و دیگران گذر کردم و کسی به من تعرض نکرد تا به بلاد اسلام آمدم، و من آزاد کرده و وابسته توام.

و از مولای ما علی علیه السّلام است که در ترس از غرق شدن و سالم ماندن از آنچه می ترسد، بخواند:«إن ولیی الله الذی نزل الکتاب و هو یتولی الصالحین.» - . اعراف / ۱۹۶ - {بی تردید، سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده، و همو دوستدار شایستگان است.}

و «و ما قـدروا الله حق قـدره و الأرض جميعا قبضـته يوم القيامه و السـماوات مطويات بيمينه سـبحانه و تعالى عما يشـركون.» {و خـدا را آنچنان که بایـد به بزرگی نشـناخته انـد، و حال آنکه روز قیامت زمین یکسـره در قبضه [قـدرت] اوست، و آسـمان ها درپیچیده به دست اوست او منزّه است و برتر است از آنچه [با وی] شریک می گردانند.}

**[ترجمه]

«۵۱»

طا، [الأمان] رَأَيْتُ بِخَطِّ جَدِّيَ الْمَسْعُودِ وَرَّام بْنِ أَبِي فِرَاسٍ قَدَّسَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ رُوحَهُ وَ نَوَّرَ ضَرِيحَهُ فِي الْمَعْنَى الَّذِي ذَكَرْنَاهُ مَا هَذَا لَفْظُ مَا وَجَدْنَاهُ وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْبَاقِرُ عليه السلام: أَنَّ قَوْماً خَرَجُوا فِي سَفَرٍ وَ تَوَسَّطُوا مَفَازَةً فِي يَوْمٍ قَائِظٍ فَهَجَرَ عَلَيْهِمُ النَّهَارُ وَ قَدْ نَفِدَ الْمَاءُ وَ الزَّادُ فَأَشْرَفُوا عَلَى الْهَلَكَةِ عَطَشاً فَنَقَبُوا أُصُولَ الشَّجَرِ فَإِذَا رَجُلٌ عَلَيْهِ بَيَاضُ الثِّيَابِ وَقَفَ عَلَيْهِمْ فَقَالَ سَلَامٌ فَقَالُوا سَلَامٌ قَالَ مَا حَالُكُمْ قَالُوا مَا تَرَى قَالَ بَشِّرُوا بِالسَّلَامَهِ فَإِنِّي رَجُلٌ مِنَ الْجِنِّ أَسْلَمْتُ عَلَى يَدِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ الْمُؤْمِنُ عَيْنُهُ وَ دَلِيلُهُ فَمَا كُنْتُمْ لِتَهْلِكُوا بِحَضْرَتِي اتْلُونِي فَتَلَوْنَاهُ فَأَوْرَدَنَا عَلَى مَاءٍ وَ كِلَاءٍ فَأَخَذْنَا حَاجَتَنَا وَ مَضَيْنَا

**[ترجمه]امـان الاخطار: به خط جـدم المسـعود ورام، در این باره روایتی از امام باقر علیه السّلام را یافتم که فرمود: مردمی به سفر می رفتنـد و به دشتی پهناور در روزی گرم و تابسـتانی دچار شدند و پرتو روز بر آنها تابید و قوت و توشه شان را بلعید و از تشـنگی به پرتگاه نابودی افتادند، تا آنجا که ریشه درختان را کاویدند. ناگهان مردی سفیدپوش بر آنها ایستاد و سلام داد و گفتند سـلام. گفت: شما را چه شده؟ گفتند: آنچه که می بینی. گفت: مژده به سلامت، من مردی از جنیان هستم که به محمد ابوالقاسم صـلی الله علیه و آله ایمان آوردند و از او شنیدم که می فرمود: مؤمن چشم و راهنما است، نشود که شما در کنار من هلاک شوید، به دنبالم آیید! و به دنبالش رفتیم و ما را به سر آب و چراگاهی برد و نیاز برگرفتیم و رفتیم.

**[ترجمه]

أَقُول

أَنَا وَ هَذَا مِنْ مُعْجِزَاتِهِ صلى الله عليه و آله وَ كَرَامَاتِهِ.

**[ترجمه]این از معجزات و کرامات آن حضرت است صلی الله علیه و آله .

**[ترجمه]

«۵۲»

طـا، [الأمـان]: فِيمَا نَذْكُرُهُ إِذَا خَافَ فِي طَرِيقِهِ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ اللُّصُوصِ وَ هُوَ مِنْ أَدْعِيَهِ السِّرِّ الْمَنْصُوصِ يَا آخِذاً بِنَوَاصِي خَلْقِهِ وَ السَّافِعَ بِهَا إِلَى قُدْرَتِهِ (۱) وَ الْمُنْفِذَ فِيهَا حُكْمَهُ وَ خَالِقَهَا وَ جَاعِلَ قَضَائِهِ لَهَا غَالِباً إِنِّي مَكِيدٌ بِضَعْفِي وَ بِقُوَّتِكَ عَلَى مَنْ كَادَنِي تَعَرَّضْتُ فَإِنْ حُلْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فَذَلِكَ مَا أَرْجُو وَ إِنْ أَسْلَمْتَنِي إِلَيْهِمْ غَيَّرُوا مَا بِي مِنْ نِعْمَتِكَ يَا خَيْرَ الْمُنْعِمِينَ لَا تَجْعَلْ أَحَداً مُغَيِّراً

نِعَمِکَ الَّتِی أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَیَّ سِوَاکَ وَ لَا تُغَیِّرْهَا أَنْتَ رَبِّی وَ قَدْ تَرَی الَّذِی نَزَلَ بِی فَحُلْ بَیْنِی وَ بَیْنَ شَرِّهِمْ بِحَقِّ مَا تَسْتَجِیبُ بِهِ الدُّعَاءَ یَا اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِینَ.

ص: ۲۵۷

۱- ۱. راجع ص ۲۶۵ فیما یلی.

وَ تَقُولُ أَيْضاً- بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ مِنَ اللَّهِ وَ إِلَى اللَّهِ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَسْلَمْتُ نَفْسِي وَ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ أَمْرِي فَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ ادْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ فَقَدْ رُوِيَ عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ مَا أُبَالِي إِنْ قُلْتُ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ لَوِ اجْتَمَعَ عَلَيَّ الْجِنُّ وَ الْإِنْسُ ذِكْرُ آيَاتٍ يَحْتَجِبُ الْإِنْسَانُ بِهَا مِنْ أَهْلِ الْعَدَاوَاتِ تُومِئُ بِيَدِكَ الْيُمْنَى إِلَى مَنْ تَخَافُ شَرَّهُ وَ تَقُولُ وَ جَعَلْنا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْناهُمْ فَهُمْ لا يُبْصِرُونَ- إِنَّا جَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدى فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذاً أَبَداً- أُولئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلى قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ وَ أُولئِكَ هُمُ الْغافِلُونَ- أَ فَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلهَهُ هَواهُ وَ أَضَلَّهُ اللَّهُ عَلى عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلى سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلى بَصَرِهِ غِشاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَ فَلا

تَذَكَّرُونَ- وَ إِذا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجاباً مَسْتُوراً- وَ جَعَلْنا عَلى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَ فِي آذانِهِمْ وَقْراً وَ إِذا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلى أَدْبارِهِمْ نُفُوراً.

وَ رَأَيْتُ فِي كِتَابِ الْمُسْتَغِيثِينَ بِإِسْنَادِهِ إِلَى رَجُلٍ وَ هُوَ أَبُو مُعَلًّى مِنَ الْأَنْصَارِ: لَقِيَهُ لِصٌّ فَأَرَادَ أَخْذَهُ فَسَأَلَهُ أَنْ يُصَلِّيَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فَتَرَكَهُ فَصَلَّاهَا وَ سَجَدَ وَ قَالَ فِي سُجُودِهِ يَا وَدُودُ يَا ذَا الْعَرْشِ الْمَجِيدِ يَا فَعَّالًا لِمَا تُرِيدُ أَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ- وَ مُلْكِكَ الَّتِي لَا يُضَامُ وَ بِنُورِكَ الَّذِي مَلَأَ أَرْكَانَ عَرْشِكَ أَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ هَذَا اللِّصِّ يَا مُغِيثُ أَغِثْنِي وَ كَرَّرَ هَذَا الدُّعَاءَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا بِفَارِسٍ قَدْ أَقْبَلَ بِيَدِهِ حَرْبَةٌ فَقَتَلَ اللِّصَّ وَ قَالَ لَهُ أَنَا مَلَكٌ مِنَ السَّمَاءِ الرَّابِعَهِ وَ إِنَّ مَنْ صَنَعَ كَمَا صَنَعْتَ اسْتُجِيبَ لَهُ مَكْرُوباً كَانَ أَوْ غَيْرَ مَكْرُوبٍ.

وَ مِنَ الْكِتَابِ الْمَذْكُورِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ زَيْدِ بْنِ حَارِثَةَ: أَنَّهُ ظَفِرَ بِهِ لِصٌّ وَ أَرَادَ قَتْلَهُ فَقَالَ لَهُ دَعْنِي أُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ فَخَلَّاهُ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُمَا قَالَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

فَسَمِعَ اللِّصُّ قَائِلًا يَقُولُ لَا تَقْتُلْهُ فَعَادَ فَقَالَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَسَمِعَ اللِّصُّ قَائِلًا يَقُولُ لَا تَقْتُلْهُ فَقَالَ مَرَّةً ثَالِثَةً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ إِذَا بِفَارِسٍ بِيَدِهِ حَرْبَةٌ فِي رَأْسِهَا شُعْلَةُ نَارٍ فَقَتَلَ اللِّصَّ ثُمَّ قَالَ لِلْمَأْخُوذِ لَمَّا قُلْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ كُنْتُ فِي السَّمَاءِ الرَّابِعَةِ فَلَمَّا قُلْتَ ثَانِيَةً كُنْتُ فِي السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَلَمَّا قُلْتَ ثَالِثَةً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ أَتَيْتُكَ.

وَ رَأَيْتُ فِي الْجُزْءِ الرَّابِعِ مِنْ كِتَابِ دَفْعِ الْهُمُومِ وَ الْأَحْزَانِ تَأْلِيفِ أَحْمَدَ بْنِ دَاوُدَ النُّعْمَانِيِّ قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: قُلْتُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام لَيْلَةَ صِفِّينَ أَ مَا تَرَى الْأَعْدَاءَ قَدْ أَحْدَقُوا بِنَا فَقَالَ وَ قَدْ رَاعَكَ هَذَا قُلْتُ نَعَمْ فَقَالَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ فِي هُدَاكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَفْتَقِرَ فِي غِنَاكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُضَيَّعَ فِي سَلَامَتِكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُغْلَبَ وَ الْأَمْرُ لَكَ أَقُولُ أَنَا فَكَفَاهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَمْرَهُمْ.

**[ترجمه]امان الاخطار: دعایی که یاد کنیم برای ترس از دشمن و دزد و این دعا از اسرار خصوصی است: «يَا آخِذاً بِنَوَاصِي خَلْقِهِ وَ السَّافِعَ بِهَا إِلَى قُدْرَتِهِ وَ الْمُنْفِذَ فِيهَا حُكْمَهُ وَ خَالِقَهَا وَ جَاعِلَ قَضَائِهِ لَهَا غَالِباً إِنِّي مَكِيدٌ بِضَعْفِي وَ بِقُوَّتِكَ عَلَى مَنْ كَادَنِي تَعَرَّضْتُ فَإِنْ حُلْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ فَذَلِكَ مَا أَرْجُو وَ إِنْ أَسْلَمْتَنِي إِلَيْهِمْ غَيَّرُوا مَا بِي مِنْ نِعْمَتِكَ يَا خَيْرَ الْمُنْعِمِينَ لَا تَجْعَلْ أَحَداً مُغَيِّراً نِعَمَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ بِهَا عَلَيَّ سِوَاكَ وَ لَا تُغَيِّرْهَا أَنْتَ رَبِّي وَ قَدْ تَرَى الَّذِي نَزَلَ بِي فَحُلْ بَيْنِي وَ بَيْنَ شَرِّهِمْ بِحَقِّ مَا تَسْتَجِيبُ بِهِ الدُّعَاءَ يَا اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ.» {ای گیرنده موی جلوی پیشانی خلقش و ای گیرنده آن با تمام قدرت و جاری کننده حکمش در آن و خالق آن و قرار دهنده قضا و قدرش در آن غالباً،من به دلیل ضعف خودم وقدرت تو چاره جویی می کنم از کسی که بر من حیله کند و بر من متعرض شود.پس اگر میان من وآنها فاصله اندازی آن همان چیزی است که آرزو دارم و اگر مرا تسلیم آنها کنی آنچه از نعمتت به من دادی را تغییر می دهند،ای بهترین نعمت دهندگان .هیچ کس را تغییر دهنده نعمتت که بر من ارزانی داشتی قرار مده و خودت هم نعمتت را تغییر نده ای پروردگار من . تو آنچه بر من پیش آمده را می بینی پس بین من و شر آنها فاصله انداز به حق آنچه این دعا به واسطه آن مستجاب می شود ای الله پرودگار عالمیان}

و باز می گویی: «بسم الله، و بالله و من الله، و الی الله و فی سبیل الله اللهم إلیک أسلمت نفسی و إلیک وجهت وجهی و إلیک فوضت أمری فاحفظنی بحفظ الإیمان من بین یدی و من خلفی و عن یمینی و عن شمالی و من فوقی و من تحتی و ادفع عنی بحولک و قوتک فإنه لا حول و لا قوه إلا بالله العلی العظیم ». {به نام خدا و به خدا و از خدا و به سوی خدا و در راه خدا. خدایا! خود را به تو وانهادم و به درگاه تو رو کردم و کارم را به تو سپردم. مرا به حفظ ایمان نگه دار از پیش و پس و از راست و چپم و از بالای سر و زیر پایم و به حول و قوت خود از من دفاع کن که هیچ تحول و نیرویی جز از ناحیه خداوند والا و بزرگ نیست.} که از امام سجاد علیه السّلام نقل است که چون این کلمات را گویم، باک ندارم از اینکه پری و آدمی بر سر من گرد آیند.

ذکر چند آیه که آدمی را از دشمنان در پرده دارند. با دست راست بدان که از شرش بیمناکی اشاره کن و بگو:

۱.

«و جعلنا من بین أیدیهم سدا و من خلفهم سدا فأغشیناهم فهم لا یبصرون.» {و [ما] فراروی آنها سدّی و پشت سرشان سدّی نهاده و پرده ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده ایم، در نتیجه نمی توانند ببینند.}

.۲

«إنا جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی آذانهم وقرا و إن تدعهم إلی الهدی فلن یهتدوا إذا أبدا.» {ما بر دل های آنان پوشش هایی قرار دادیم تا آن را درنیابند و در گوش هایشان سنگینی [نهادیم]. و اگر آنها را به سوی هدایت فراخوانی، باز هرگز به راه نخواهند آمد.}

.۳

«أولئک الذین طبع الله علی قلوبهم و سمعهم و أبصارهم و أولئک هم الغافلون.» {آنان کسانی اند که خدا بر دل ها و گوش و دیدگانشان مُهر نهاده و آنان خود غافلانند.}

.۴

«أ فرأیت من اتخذ إلهه هواه و أضله الله علی علم و ختم علی سمعه و قلبه و جعل علی بصره غشاوه فمن یهدیه من بعد الله أ فلا تذکرون.» {پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مُهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟}

.۵

«و إذا قرأت القرآن جعلنا بینک و بین الذین لا یؤمنون بالآخره حجابا مستورا - و جعلنا علی قلوبهم أکنه أن یفقهوه و فی آذانهم وقرا و إذا ذکرت ربک فی القرآن وحده ولوا علی أدبارهم نفورا.» {و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده ای پوشیده قرار می دهیم. و بر دل هایشان پوشش ها می نهیم تا آن را نفهمند و در گوش هایشان سنگینی [قرار می دهیم] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می کنند.} و در کتاب «مستغیثین» دیدم که مردی به نام ابو معلی از انصار که دزدی به او بر خورد و خواست او را بگیرد و از او خواست چهار رکعت نماز بخواند. پس رهایش کرد و نماز خواند و سجده کرد و در آن گفت: «یا ودود یا ذا العرش المجید یا فعالا لما ترید أسألک بعزتک التی لا ترام- و ملکک التی لا یضام و بنورک الذی ملأ أرکان عرشک أن تکفینی شر هذا اللص یا مغیث أغثنی.» {ای مهربان ای صاحب عرش بلند ای انجام دهنده آنچه اراده می کنی. از تو خواهم به عزتت که دست بردار نیست و ملکت که مقهور نشود و به نورت که ارکان عرشت را فراگرفته که کفایت کنی مرا از شر این دزد. ای فریادرس به فریادم برس!} و این دعا را سه بار بازگفت و ناگاه سواری پیش آمد که حربه به دست داشت و آن دزد را کشت و به وی گفت: من فرشته ای از آسمان چهارمم و هر کس که آن کند که تو کردی، او را اجابت کنم، گرفتار باشد یا نباشد.

و از آن کتاب است که دزدی به زید بن حارثه چیره شد و خواست او را بکشد. حارثه به وی گفت: بگذار من تا دو رکعت نماز بخوانم. پس او را وانهاد و چون نماز را تمام کرد، گفت: «یا ارحم الراحمین.» و دزد شنید که یکی می گوید: «او را نکش!» و بار دوم و سوم هم چنین شد. به ناگاه سواری آمد و حربه ای به دست داشت که بر سرش آتش بود و آن دزد را کشت و به فرد گرفتار گفت: بار اول که گفتی «یا ارحم الراحمین»، من در آسمان چهارم بودم و بار دوم در آسمان دنیا و بار

سوم که گفتی به تو رسیدم.

و در جزء چهارم کتاب «دفع الهموم و الأحزان» تألیف احمد بن داود نعمانی دیدم که از قول ابن عباس نوشته که در شب صفین گفتم: یا امیرالمؤمنین! بینی که دشمنان ما را در میان گرفتند؟ فرمود: تو از این ترسیدی؟ گفتم: آری. پس گفت: « اللهم إنی أعوذ بک أن أضل فی هداک اللهم إنی أعوذ بک أن أفتقر فی غناک اللهم إنی أعوذ بک أن أضیع فی سلامتک اللهم إنی أعوذ بک أن أغلب و الأمر لک» {بار خدایا! به تو پناه می برم از اینکه در رهنمایی تو گمراه شوم. بار خدایا! به تو پناه می برم از اینکه با بی نیازی تو فقیر شوم. خدایا! به تو پناه می برم از اینکه با سلامتی تو ضایع گردم. خدایا! به تو پناه می برم از اینکه مغلوب شوم، با اینکه فرمان از تو است.} مؤلف: خدا جل جلاله کارشان را کفایت کرد.

**[ترجمه]

«۵۳»

طا، [الأمان] فِيمَا نَذْكُرُهُ إِذَا خَافَ مِنَ الْمَطَرِ فِي سَفَرِهِ وَ كَيْفَ يَسْلَمُ مِنْ ضَرَرِهِ وَ إِذَا عَطِشَ كَيْفَ يُغَاثُ وَ يَأْمَنُ خَطَرَهُ رُوِّينَا بِإِسْنَادِنَا إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْيَرِيِّ فِي كِتَابِ دَلَائِلِ الرِّضَا علیه السلام بِإِسْنَادِ الْحِمْيَرِيِّ إِلَى سُلَيْمَانَ الْجَعْفَرِيِّ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: كُنْتُ مَعَهُ وَ هُوَ يُرِيدُ بَعْضَ أَمْوَالِهِ فَأَمَرَ غُلَاماً لَهُ يَحْمِلُ لَهُ قَبَاءً فَعَجِبْتُ مِنْ ذَلِكَ وَ قُلْتُ مَا يَصْنَعُ بِهِ فَلَمَّا صِرْنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ نَزَلْنَا إِلَى الصَّلَاةِ وَ أَقْبَلَتِ السَّمَاءُ فَأَلْقَوُا الْقَبَاءَ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِ وَ خَرَّ سَاجِداً فَسَجَدْتُ مَعَهُ ثُمَّ رَفَعْتُ رَأْسِي وَ بَقِيَ سَاجِداً فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَكُفَّ الْمَطَرُ.

قلت و أنا كنت مره قد توجهت من بغداد إلى الحله على طريق المدائن فلما حصلنا فی موضع بعيد من القرايا جاءت الغيوم و الرعود و استوى الغمام و المطر و عجزنا عن احتماله فألهمنی الله جل جلاله أننی أقول يا من يُمْسِكُ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ أَنْ تَزُولا أمسک عنا مطره و خطره و كدره و ضرره بقدرتک القاهره و قوتک الباهره و كررت ذلک و أمثاله كثيرا و هو متماسک بالله جل جلاله حتى وصلنا إلى قريه فيها مسجد فدخلته و جاء الغيث شيئا عظيما فی اللحظه التی دخلت فيها المسجد و سلمنا منه و كان ذلک قبل أن أقف على هذا الحديث.

**[ترجمه]امان الاخطار: در ترس از باران در سفر و سلامت از ضررش و فریاد کمک خواهی از تشنگی و امن از خطرش: به روایتی از سلیمان جعفری است که در سفرش به یکی از اموالش، به همراه امام رضا علیه السّلام بودم و به غلامش فرمود که قبایی بردارد. من در شگفت شدم و گفتم: برای چه می خواهد! چون به میان راه رسیدیم، برای نماز فرمود آمدیم که باران گرفت و آن قبا را به سر من و او انداختند و به سجده افتاد و من هم با او سجده کردم و او در سجده ماند و از او شنیدم که می گفت «یا رسول الله!» و باران ایستاد.

مؤلف:

من یک بار از راه مدائن، از بغداد به حله روانه شدم و چون از آبادی ها دور شدیم، ابر و رعد آمد و استوار گردید و بارانی گرفت که در تحمل ما نبود. خدا جل جلاله به دلم انداخت که بگویم: {ای کسی که آسمان ها و زمین را نگه داری که از جا به در روند}، باران و خطرش را از ما نگه دار و هم کدورت و ضررش را به قدرت قاهره و قوت باهره ات. و چند بار آن را و مانندش را با توسل به خدا جل جلاله بازگفتم تا به دهی رسیدیم که مسجدی داشت و بدان در آمدیم. در همان لحظه باران تند فراوانی آمد و از آن سالم ماندیم و این پیش از اطلاعم از این حدیث بود.

**[ترجمه]

أقول

و توجهت مره فی الشتاء بعیالی من مشهد الحسین صلوات الله علیه إلی بغداد فی السفن فتغیمت الدنیا و أرعدت و بدا المطر فألهمت أننی قلت ما معناه اللهم إن هذا المطر تنزله لمصلحه العباد و ما یحتاجون إلیه من عماره البلاد فهو کالعبد لنا أن یضربنا فأجرنا علی عوائد العنایه الإلهیه و الرعایه الربانیه و أجر المطر علی عوائد العبودیه و اصرفه عنا إلی المواضع النافعه لعبادک و عماره بلادک برحمتک یا أرحم الراحمین فسکن فی الحال.

وَ وَجَدْتُ فِی حَدِیثٍ حَذَفْتُ إِسْنَادَهُ: أَنَّ الْحَاجَّ تَعَذَّرَ عَلَیْهِمْ وُجُودُ الْمَاءِ حَتَّی أَشْرَفُوا عَلَی الْمَوْتِ وَ الْفَنَاءِ فَغُشِیَ عَلَی أَحَدِهِمْ فَوَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ مَغْشِیّاً عَلَیْهِ فَرَأَی فِی حَالِ غَشْیَتِهِ مَوْلَانَا عَلِیّاً صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْهِ یَقُولُ لَهُ مَا أَغْفَلَکَ عَنْ کَلِمَهِ النَّجَاهِ فَقَالَ لَهُ وَ مَا کَلِمَهُ النَّجَاهِ فَقَالَ علیه السلام قُلْ- أَدِمْ مُلْکَکَ عَلَی مُلْکِکَ بِلُطْفِکَ الْخَفِیِّ وَ أَنَا عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ فَجَلَسَ مِنْ غَشْیَتِهِ وَ دَعَا بِهَا فَأَنْشَأَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ غَمَاماً فِی غَیْرِ زَمَانِهِ وَ رَمَی غَیْثاً عَاشَ بِهِ الْحَاجُّ عَلَی عَوَائِدِ عَفْوِهِ وَ جُودِهِ وَ إِحْسَانِهِ.

وَ مِنْ کِتَابِ نِیَّهِ الدَّاعِی عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: یَا عَلِیُّ أَمَانٌ لِأُمَّتِی مِنَ السَّرَقِ قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوِ ادْعُوا الرَّحْمنَ إِلَی قَوْلِهِ وَ کَبِّرْهُ تَکْبِیراً.

**[ترجمه]یک بار در زمستان با خانواده از کربلا با کشتی به بغداد می رفتیم و دنیا را ابر گرفت و رعد غُرید و باران شروع شد و به دلم افتاد که چیزی بدین معنا را بگویم: خدایا! این باران را برای مصلحت بنده ها و نیازشان به عمارت بلاد فرود می آوری و آن چون خدمتکار ما است که ما را بزند. ما را در پناه عنایت الهی و رعایت ربانی خود گیر و آن را به رسم بندگی و خدمت در آور و از ما بگردان به آنجاها که برای بندگانت و برای آبادانی بلادت سودمند است، به رحمتت یا ارحم الراحمین.

و در همان حال باران ایستاد.

و در حدیثی که سندش افتاده بود، دیدم که آب بر حاجیان نایاب شده بود و آنها تا به دم مرگ و نیستی رسیدند. یکی از آنها غش کرد و به زمین افتاد و در آن حال مولای ما علی علیه السّلام را دید که به او می فرمود: چرا از کلمه نجات غفلت کردی؟ گفت: کلمه نجات چیست؟ فرمود: بگو: «آدم ملکک علی ملکک بلطفک الخفی.» و من علی بن ابی طالبم. پس از آن حال به در آمد و نشست و آن دعا را خواند و خدا جل جلاله بی وقت ابری آفرید و بارانی فرو بارید که حاجیان بر خوان عفو وجود و احسانش زنده ماندند.

و از کتاب «نیه الداعی» است، از پیغمبر صلی الله علیه و آله که فرمود: ای علی! این آیه امان امتم از دزد زدن است: «قُلِ ادْعُواْ اللَّهَ أَوِ ادْعُواْ الرَّحْمَانَ أَيًّا مَّا تَدْعُواْ فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنىَ وَ لَا تجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَ لَا تخُافِتْ بهَا وَ ابْتَغِ بَينْ ذَالِكَ سَبِيلًا *وَ قُلِ الحْمْدُ لِلَّهِ الَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَ لَمْ يَكُن لَّهُ شَرِيكٌ فىِ الْمُلْكِ وَ لَمْ يَكُن لَّهُ وَلىِ‌ٌّ مِّنَ الذُّلّ ِ

وَ كَبرِّْهُ تَكْبِيرَا» - . اسراء / ۱۱۰ - ۱۱۱ - {بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای او نام های نیکوتر است. و نمازت را به آواز بلند مخوان و بسیار آهسته اش مکن، و میان این [و آن] راهی [میانه] جوی.و بگو: ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداری شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد. و او را بسیار بزرگ شمار.}

**[ترجمه]

«۵۴»

طا، [الأمان]: فِيمَا نَذْكُرُهُ مِنَ الدُّعَاءِ الْفَاضِلِ إِذَا أُشْرِفَ عَلَى بَلَدٍ أَوْ قَرْيَهٍ أَوْ بَعْضِ الْمَنَازِلِ رَوَيْنَا مِنْ عِدَّهِ طُرُقٍ وَ نَذْكُرُ لَفْظَ مَا نَقَلْنَا وَ بَعْضَ مَا ذَكَرْنَاهُ مِنْ كِتَابِ مِصْبَاحِ الزَّائِرِ وَ جَنَاحِ الْمُسَافِرِ فَلْيَقُلِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّيَاطِينِ وَ مَا أَضَلَّتْ وَ رَبَّ الرِّيَاحِ وَ مَا ذَرَتْ وَ الْبِحَارِ وَ مَا جَرَتْ إِنِّی أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَهِ وَ خَيْرَ مَا فِيهَا وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِيهَا اللَّهُمَّ يَسِّرْ لِی مَا كَانَ فِيهَا مِنْ يُسْرٍ وَ أَعِنِّی عَلَى قَضَاءِ حَاجَتِی يَا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ وَ يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ- أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْكَ سُلْطاناً نَصِيراً.

**[ترجمه]امان الاخطار: دعای خوبی در چشم رسی به شهر یا ده یا منزل سر راه است که آن را از کتاب «مصباح الزائر و جناح المسافر» آوردم.

بگوید:« اللهم رب السماوات السبع و ما أظلت و رب الأرضين السبع و ما أقلت و رب الشياطين و ما أضلت و رب الرياح و ما ذرت و البحار و ما جرت إنی أسألك خير هذه القريه و خير ما فيها و أعوذ بک من شرها و شر ما فيها اللهم يسر لی ما كان فيها من يسر و أعنی على قضاء حاجتی يا قاضی الحاجات و يا مجيب الدعوات» {خدایا! پروردگار هفت آسمان و آنچه زیر آنها است؛ پروردگار هفت زمین و آنچه روی آنها است؛ پروردگار شیاطین و هر چه گمراه کردند؛ پروردگار بادها و هر چه پراکنده کنند و دریاها و آنچه روان کردند، از تو خواهم خیر این آبادی و هر چه در آن است و به تو پناه می برم از شرش و

شر هر چه در آن است. بار خدایا! هموار ساز برایم هر همواری که دارد و یاری ام کن به انجام حاجتم، یا قاضی الحاجات و یا مجیب الـدعوات «أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرصدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا.» - . اسراء / ۸۰ - {مرا در آن به صدق و حق در آور و از آن به صدق و حق بر آور و راه یاری در آن برایم فراهم آور.}

**[ترجمه]

«۵۵»

غو، [غوالی اللئالی] فِی الْحَدِیثِ: أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله إِذَا کَانَ فِی سَفَرٍ قَبْلَ اللَّیْلِ قَالَ یَا أَرْضُ رَبِّی وَ رَبُّکِ اللَّهُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا فِیکِ وَ شَرِّ مَا یَدِبُّ عَلَیْکِ وَ أَعُوذُ

ص: ۲۶۰

بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ أَسَدٍ وَ أَسْوَدَ مِنَ الْحَيَّهِ وَ الْعَقْرَبِ وَ مِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ وَ مِنْ والِدٍ وَ ما وَلَدَ.

طا، [الأمان] مِنْ كِتَابِ التَّذْيِيلِ لِمُحَمَّدِ بْنِ النَّجَّارِ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِذَا غَزَا أَوْ سَافَرَ فَأَدْرَكَهُ اللَّيْلُ قَالَ يَا أَرْضُ وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ.

**[ترجمه]غوالي اللئالي: در حديث است كه چون پيغمبر صلى الله عليه و آله در سفر بود، پيش از شب مى فرمود: « يا أرض ربى و ربك الله أعوذ بالله من شر ما فيك و شر ما يدب عليك و أعوذ بالله من شر كل أسد و أسود من الحيه و العقرب و من ساكن البلد و من والد و ما ولد.» {اى زمين! پروردگار من و پروردگار تو خداست، پناه مى برم به خدا از شر هر چه در تو است و شر هر چه بر تو بجنبد، و پناه مى برم به خدا از شر هر شير و از مار و كژدم و از هر شهروند و از هر پدر و فرزند.}

امان الاخطار: چون پيغمبر صلى الله عليه و آله به جنگى يا سفرى مى رفت و شب مى رسيد، مى گفت: اى زمين!... و مانند آن را آورده است.

**[ترجمه]

«۵۶»

طا، [الأمان]: رُوِيَ أَنَّ الْمُسَافِرَ إِذَا نَزَلَ بِبَعْضِ الْمَنَازِلِ يَقُولُ: اللَّهُمَ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبارَكاً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ وَ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ بِالْحَمْدِ وَ مَا يَشَاءُ مِنَ السُّوَرِ الْقِصَارِ وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَهِ وَ أَعِذْنَا مِنْ شَرِّهَا اللَّهُمَّ أَطْعِمْنَا مِنْ جَنَاهَا وَ أَعِذْنَا مِنْ وَبَاهَا وَ حَبِّبْنَا إِلَى أَهْلِهَا وَ حَبِّبْ صَالِحِي أَهْلِهَا إِلَيْنَا وَ يَقُولُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ أَنَّ عَلِيّاً أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَئِمَّهَ مِنْ وُلْدِهِ أَئِمَّهٌ أَتَوَلَّاهُمْ وَ أَبْرَأُ مِنْ أَعْدَائِهِمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَهِ وَ أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْ أَوَّلَ دُخُولِنَا هَذَا صَلَاحاً وَ أَوْسَطَهُ فَلَاحاً وَ آخِرَهُ نَجَاحاً وَ إِذَا خِفْتَ فِي مَنْزِلِكَ شَيْئاً مِنْ هَوَامِّ الْأَرْضِ فَقُلْ فِي الْمَكَانِ الَّذِي تَخَافُ ذَلِكَ فِيهِ وَ هُوَ مِنْ أَدْعِيَهِ السِّرِّ- يَا ذَارِئَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلِّهَا لِعِلْمِكَ بِمَا يَكُونُ مِمَّا ذَرَأْتَ لَكَ السُّلْطَانُ

عَلَى كُلِّ مَنْ دُونَكَ إِنِّي أَعُوذُ بِقُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَيْ ءٍ يَضُرُّ مِنَ الضُّرِّ فِي بَدَنِي مِنْ سَبُعٍ أَوْ هَامَّهٍ أَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ يَا خَالِقَهَا بِفِطْرَتِهِ ادْرَأْهَا عَنِّي وَ احْجُزْهَا وَ لَا تُسَلِّطْهَا عَلَيَّ وَ عَافِنِي مِنْ بَأْسِهَا يَا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ احْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَ أَجِنَّنِي بِسِتْرِكَ الْوَاقِي مِنْ مَخَاوِفِي يَا رَحِيمُ.

وَ قَالَ الطَّبْرِسِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِ الْآدَابِ الدِّينِيَّهِ: وَ إِذَا أَرَدْتَ الرَّحِيلَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَ ادْعُ اللَّهَ بِالْحِفْظِ وَ الْكِلَاءَهِ وَ وَدِّعِ الْمَوْضِعَ وَ أَهْلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ مَوْضِعٍ أَهْلًا مِنَ الْمَلَائِكَهِ وَ قُلِ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَهِ اللَّهِ الْحَافِظِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

**[ترجمه]امان الاخطار: چون مسافر به منزلى فرود آيد، بگويد: «اللهم أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبارَكاً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ» {خدايا تو بهترين منزل دهندگانى مرا در منزلى مبارك منزل ده} و دو ركعت نماز با حمد و هر سوره كوتاه خواهد بخواند و بگويد: « للهم ارزقنا خير هذه البقعه و أعذنا من شرها اللهم أطعمنا من جناها و أعذنا من وباها و حببنا إلى أهلها و حبب صالحى أهلها

إلينا» {خدایا! خیر اینجا را به ما روزی کن و از شـر آن ما را پناه ده. بار خدایا! از بِر آن به ما بخوران و از تب آن ما را پناه ده، و ما را محبوب اهلش کن و خوبان آنها را محبوب ما کن.} و بگویـد: «اشـهد ان لا اله الا الله وحـده لا شـریک له، و اشـهد ان محمـد عبده و رسوله و ان علیا امیر المؤمنین و الائمه من ولده ائمه اتولاهم و أبرأ من اعدائهم اللهم إنی أسألک خیر هذه البقعه و أعوذ بـک من شـرها اللهم اجعـل أول دخولنا هـذا صـلاحا و أوسـطه فلاحا و آخره نجاحا.» {گواهی می دهم که معبودی جز خداونـد نیست یکتـاست و شـریکی نـدارد وگواهی می دهم که محمـد بنـده و فرسـتاده اوست و علی علیه السـلام وامامـان از فرزنـدان او امامان اند و آن ها را دوست دارم و از دشـمنانشان بیزارم بار خدایا! از تو خیر اینجا را خواهم و از شـرش به تو پناه می برم. بار خدایا! آغاز در آمدن ما را در آن خیر ساز و میانه اش را رستگاری و آخرش را کامیابی.}

و چون در منزلت از گزنـده ای ترسـیدی، در آنجـا که از آن ترسـانی - و این از دعاهـای سـری است - بگو: « یا ذارئ من فی الأرض کلها لعلمک بما یکون مما ذرأت لک السـلطان علی کل من دونک إنی أعوذ بقدرتک علی کل شـی ء یضر من الضر فی بدنی من سبع أو هامه أو عارض من سائر الدواب یا خالقها بفطرته ادرأها عنی و احجزها و لا تسلطها علی و عافنی من بأسها یـا الله العلی العظیم احفظنی بحفظـک و أجننی بسـترک الـواقی من مخـاوفی یـا رحیـم» {ای آفریننـده همه آنچه در زمین است! برای آنکه دانستی چه خواهـد شـد، تو تسـلط دادی بر هر چه پـایین تر از تو است. من پنـاه می برم به قـدرتت بر هر چه زیانبار است از زیان او بر تنم، از درنده و گزنده یا جنبنده های دیگر که تو ای آفریننده آنها به سـرشت خود آنها را از من کنار زن و دور کن و مسـلط بر من مکن و مرا از آسـیب آنها معاف دار، ای خدای والا و بزرگ . مرا به حفظ خود محفوظ دار و به پرده کشی نگه دارت بپوشان از هر چه بیم دارم یا رحیم.}

و طبرسـی (ره) در کتـاب آداب دینی گفته است: چـون کوچ کنی دو رکعت نمـاز بخوان و برای حفـظ دعـا کن و بـا محـل و اهلش وداع کـن، زیرا هر جـا اهلی دارد از فرشـته هـا و بگـو:« السـلام علی ملائکه الله الحـافظین السـلام علینـا و علی عبـاد الله الصالحین و رحمه الله و برکاته.» {سلام بر فرشته های نگهبان خدا. سلام و رحمت و برکاتش بر ما و بنده های خوب خدا.}

**[ترجمه]

«۵۷»

مِنَ الْمَزَارِ الْكَبِيرِ: فَإِذَا أَجْمَعَ رَأْيُكَ عَلَى الْخُرُوجِ وَ أَرَدْتَهُ فَأَسْبِغِ الْوُضُوءَ وَ اجْمَعْ أَهْلَكَ ثُمَّ قُمْ إِلَى مُصَلَّاكَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِيهِمَا مَا شِئْتَ مِنَ الْقُرْآنِ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنْهُمَا وَ سَلِمْتَ فَقُلِ- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وُلْدِي

وَ دُنْیَایَ وَ آخِرَتِی وَ خَاتِمَهَ عَمَلِی اللَّهُمَّ احْفَظِ الشَّاهِدَ مِنَّا وَ الْغَائِبَ اللَّهُمَّ احْفَظْنَا وَ احْفَظْ عَلَیْنَا اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا فِی جِوَارِکَ اللَّهُمَّ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَکَ وَ لَا تُغَیِّرْ مَا بِنَا مِنْ عَافِیَتِکَ وَ فَضْلِکَ.

وَ تَقُولُ أَیْضاً مَا رُوِیَ عَنْ مَوْلَانَا الْبَاقِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام أَنَّهُ قَالَ: إِذَا عَزَمْتَ عَلَی السَّفَرِ فَتَوَضَّأْ وَ صَلِّ رَکْعَتَیْنِ الْأَوَّلَه بِالْحَمْدِ وَ سُورَهِ الرَّحْمَنِ وَ الثَّانِیَه بِالْحَمْدِ وَ سُورَهِ الْوَاقِعَهِ أَوْ تَبَارَکَ فَإِنْ لَمْ یَتَأَتَّ لَکَ ذَلِکَ فَاقْرَأْ مِنَ السُّوَرِ مَا شِئْتَ حَسَبَ الْعَجَلَهِ ثُمَّ ادْعُ بِهَذَا الدُّعَاءِ- اللَّهُمَّ إِنِّی خَرَجْتُ فِی سَفَرِی هَذَا بِلَا ثِقَهٍ مِنِّی بِغَیْرِکَ وَ لَا رَجَاءٍ یَأْوِی إِلَّا إِلَیْکَ وَ لَا قُوَّهٍ أَتَّکِلُ عَلَیْهَا وَ لَا حِیلَهٍ أَلْجَأُ إِلَیْهَا إِلَّا طَلَبَ فَضْلِکَ وَ ابْتِغَاءَ رِزْقِکَ وَ تَعَرُّضاً لِرَحْمَتِکَ وَ سُکُوناً إِلَی حُسْنِ عِبَادَتِکَ وَ أَنْتَ یَا إِلَهِی أَعْلَمُ بِمَا سَبَقَ لِی فِی سَفَرِی هَذَا مِمَّا أُحِبُّ وَ أَکْرَهُ وَ لِمَا أَوْقَعْتَ عَلَیَّ فِیهِ قَدَرَکَ وَ مَحْمُودَ بَلَائِکَ- فَأَنْتَ یَا إِلَهِی تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثْبِتُ وَ عِنْدَکَ أُمُّ الْکِتَابِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اصْرِفْ عَنِّی فِی سَفَرِی هَذَا کُلَّ مَقْدُورٍ مِنَ الْبَلَاءِ وَ ادْفَعْ عَنِّی کُلَّ مَحْذُورٍ وَ أَسْبِلْ عَلَیَّ فِیهِ کَنَفَ عِزِّکَ وَ لُطْفَ عَفْوِکَ وَ رَحْمَتِکَ وَ حَقِیقَهَ حِفْظِکَ وَ سَعَهَ رِزْقِکَ وَ تَمَامَ نِعْمَتِکَ وَ افْتَحْ لِی فِیهِ أَبْوَابَ جَمِیعِ فَضْلِکَ وَ عَطَائِکَ وَ إِحْسَانِکَ وَ أَغْلِقْ عَنِّی أَبْوَابَ الْمَخَاوِفِ کُلَّهَا وَ جَمِیعَ مَا أَکْرَهُ وَ أَحْذَرُ وَ أَخَافُ عَلَی نَفْسِی وَ أَهْلِی وَ ذُرِّیَّتِی وَ افْتَحْ لِی أَبْوَابَ الْأَمْنِ کُلَّهَا وَ اصْرِفْ عَنِّی الْهَلَعَ وَ الْجَزَعَ وَ ارْزُقْنِی الصَّبْرَ وَ الْقُوَّهَ وَ الْمَحْمَدَهَ لَکَ وَ النَّجَاهَ مِنْ کُلِّ مَحْذُورٍ وَ مَقْدُورٍ بِمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّی وَ اجْعَلْ ذَلِکَ خِیَرَهً لِی فِی آخِرَتِی وَ دُنْیَایَ وَ أَسْأَلُکَ یَا رَبِّ أَنْ تَحْفَظَنِی فِیمَا خَلَّفْتُ وَرَایَ مِنْ أَهْلِی وَ مَالِی وَ مَعِیشَتِی وَ صُنُوفِ حَوَائِجِی یَا مَنْ لَیْسَ فَوْقَهُ خَالِقٌ یُرْجَی یَا مَنْ لَیْسَ دُونَهُ رَبٌّ یُنَاجَی یَا مَنْ لَیْسَ غَیْرَهُ إِلَهٌ یُدْعَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ وَزِیرٌ یُؤْتَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ حَاجِبٌ یَغْشَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ بَوَّابٌ یُرْشَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ کَاتِبٌ یُدَارَی یَا مَنْ لَیْسَ لَهُ تَرْجُمَانٌ یُنَادَی یَا مَنْ لَا یَزْدَادُ عَلَی کَثْرَهِ السُّؤَالِ إِلَّا کَرَماً وَ جُوداً صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ أَمْرِی فَرَجاً وَ مَخْرَجاً وَ ارْزُقْنِی فِی سَفَرِی هَذَا الْأَمْنَ مِنَ الْمَخَاوِفِ کُلِّهَا وَ الْغَنِیمَهَ وَ الظَّفَرَ بِکُلِّ غَرَضٍ وَ بَلِّغْنِی جَمِیعَ أَمَلِی وَ مَقْصُودِی.

اللَّهُمَّ وَ كُلَّ مَنْ قَضَيْتَ عَلَيَّ بِلِقَائِهِ مِنْ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَ لِي إِلَيْهِمْ حَاجَةً وَ شُغُلًا فَسَخِّرْهُ لِي وَ اعْطِفْ بِقَلْبِهِ عَلَيَّ وَ وَفِّقْهُ لِمَا أُرِيدُهُ وَ أَبْتَغِيهِ وَ آمُلُهُ وَ احْرُسْهُ عَنْ قَصْدِي وَ الْوُقُوفِ فِي حَاجَتِي وَ امْنَعْهُ عَنْ ظُلْمِي وَ أَذَايَ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثُمَّ اسْجُدْ وَ ادْعُ بِمَا أَحْبَبْتَ ثُمَّ ارْفَعْ رَأْسَكَ وَ قُلْ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ- اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ أَدْخِلْنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ أَخْرِجْنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّداً وَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ امْنَعْنِي مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيَّ سُوءٌ أَبَداً وَ لَا تُغَيِّرْ مَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ أَبَداً يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

وَ تَقُولُ أَيْضاً مَا رُوِيَ عَنْ سَيِّدِنَا رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قَالَ: جَاءَنِي جَبْرَئِيلُ عليه السلام فَقَالَ رَبُّكَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ يَا مُحَمَّدُ مَنْ أَرَادَ مِنْ أُمَّتِكَ أَنْ أَحْفَظَهُ فِي سَفَرِهِ وَ أُؤَدِّيَهُ سَالِماً فَلْيَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ مَخْرَجِي وَ بِإِذْنِهِ خَرَجْتُ وَ قَدْ عَلِمَ قَبْلَ أَنْ أَخْرُجَ خُرُوجِي وَ أَحْصَى بِعِلْمِهِ مَا فِي مَخْرَجِي وَ مَرْجِعِي تَوَكَّلْتُ عَلَى الْإِلَهِ الْأَكْبَرِ تَوَكُّلَ مُفَوِّضٍ إِلَيْهِ أُمُورَهُ مُسْتَعِينٍ بِهِ عَلَى شُئُونِهِ مُسْتَزِيدٍ مِنْ فَضْلِهِ مُبَرِّئٍ نَفْسَهُ مِنْ كُلِّ حَوْلٍ وَ قُوَّةٍ إِلَّا بِهِ خَرَجْتُ خُرُوجَ ضَرِيرٍ خَرَجَ بِضُرِّهِ إِلَى مَنْ يَكْشِفُهُ خُرُوجَ فَقِيرٍ خَرَجَ بِفَقْرِهِ إِلَى مَنْ يَسُدُّهُ خُرُوجَ عَائِلٍ خَرَجَ بِعَيْلَتِهِ إِلَى مَنْ يُغْنِيهَا خُرُوجَ مَنْ رَبُّهُ أَكْبَرُ ثِقَتِهِ وَ أَعْظَمُ رَجَائِهِ وَ أَفْضَلُ أُمْنِيَّتِهِ اللَّهُ ثِقَتِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي كُلِّهَا وَ بِهِ أَسْتَعِينُ وَ لَا شَيْ ءَ إِلَّا مَا أَرَادَ أَسْأَلُ اللَّهَ خَيْرَ الْمَخْرَجِ وَ الْمَدْخَلِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ فَإِذَا وَضَعْتَ رِجْلَكَ عَلَى بَابِكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ- بِسْمِ اللَّهِ آمَنْتُ بِاللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ- ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ثُمَّ قُمْ عَلَى الْبَابِ فَاقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَمَامَكَ وَ عَنْ يَمِينِكَ وَ شِمَالِكَ ثُمَّ قُلِ اللَّهُمَّ احْفَظْنِي وَ احْفَظْ مَا مَعِي وَ سَلِّمْنِي وَ سَلِّمْ مَا مَعِي وَ بَلِّغْنِي وَ بَلِّغْ مَا مَعِي بِبَلَاغِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ فَإِذَا أَرَدْتَ الرُّكُوبَ فَقُلْ حِينَ تَرْكَبُ- الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَ عَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَ مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله سُبْحانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ- وَ إِنَّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ- فَإِذَا أَرَدْتَ السَّيْرَ فَلْيَكُنْ فِي طَرَفَيِ النَّهَارِ وَ انْزِلْ فِي وَسَطِهِ وَ سِرْ فِي

آخِرِ اللَّيْلِ وَ لَا تَسِرْ فِی أَوَّلِهِ فَإِنَّهُ رُوِیَ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام أَنَّ الْأَرْضَ تُطْوَی فِی آخِرِ اللَّیْلِ وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله اتَّقِ الْخُرُوجَ بَعْدَ نَوْمِهٍ فَإِنَّ لِلَّهِ دَوَابَّ یَبُثُّهَا یَفْعَلُونَ ما یُؤْمَرُونَ ثُمَّ سِرْ وَ قُلْ فِی مَسِیرِکَ اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِیلَنَا وَ أَحْسِنْ تَسْیِیرَنَا وَ أَحْسِنْ عَافِیَتَنَا وَ أَکْثِرْ مِنَ التَّکْبِیرِ وَ التَّحْمِیدِ وَ التَّسْبِیحِ وَ الِاسْتِغْفَارِ وَ إِذَا صَعِدْتَ أَکَمَةً أَوْ عَلَوْتَ تَلْعَةً أَوْ أَشْرَفْتَ عَلَی قَنْطَرَةٍ فَقُلْ- اللَّهُ أَکْبَرُ اللَّهُ أَکْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَکْبَرُ- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ اللَّهُمَّ إِنَّ لَکَ الشَّرَفَ عَلَی کُلِّ شَرَفٍ فَإِذَا بَلَغْتَ إِلَی جِسْرٍ فَقُلْ حِینَ تَضَعُ قَدَمَکَ عَلَیْهِ- بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ ادْحَرْ عَنِّی الشَّیْطَانَ الرَّجِیمَ وَ إِذَا أَشْرَفْتَ عَلَی قَرْیَةٍ تُرِیدُ دُخُولَهَا فَقُلِ- اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ مَا أَظَلَّتْ وَ رَبَّ الْأَرَضِینَ السَّبْعِ وَ مَا أَقَلَّتْ وَ رَبَّ الشَّیَاطِینِ وَ مَا أَضَلَّتْ وَ رَبَّ الرِّیَاحِ وَ مَا ذَرَتْ وَ رَبَّ الْبِحَارِ وَ مَا جَرَتْ إِنِّی أَسْأَلُکَ خَیْرَ هَذِهِ الْقَرْیَهِ وَ خَیْرَ مَا فِیهَا وَ أَعُوذُ بِکَ مِنْ شَرِّهَا وَ شَرِّ مَا فِیهَا اللَّهُمَّ یَسِّرْ لِی مَا کَانَ فِیهَا مِنْ وَجْهٍ وَ وَفِّقْ لِی مَا کَانَ فِیهَا مِنْ یُسْرٍ وَ أَعِنِّی عَلَی حَاجَتِی یَا قَاضِیَ الْحَاجَاتِ وَ یَا مُجِیبَ الدَّعَوَاتِ وَ أَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ وَ أَخْرِجْنِی مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِی مِنْ لَدُنْکَ سُلْطاناً نَصِیراً الدُّعَاءُ عِنْدَ خَوْفِ السَّبُعِ وَ الْهَوَامِّ وَ الشَّیَاطِینِ وَ الْأَعْدَاءِ وَ اللُّصُوصِ وَ إِذَا خِفْتَ سَبُعاً فَقُلْ- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِیکَ لَهُ- لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ- اللَّهُمَّ یَا ذَارِئَ مَا فِی الْأَرْضِ کُلِّهَا بِعِلْمِهِ وَ السُّلْطَانَ الْقَاهِرَ عَلَی کُلِّ شَیْ ءٍ دُونَهُ یَا عَزِیزُ یَا مَنِیعُ أَعُوذُ بِقُدْرَتِکَ مِنْ کُلِّ شَیْ ءٍ یَضُرُّ مِنْ سَبُعٍ أَوْ هَامَّةٍ أَوْ عَارِضٍ أَوْ سَائِرِ الدَّوَابِّ یَا خَالِقَهَا بِفِطْرَتِهِ ادْرَأْهَا عَنِّی وَ احْجُزْهَا وَ لَا تُسَلِّطْهَا عَلَیَّ وَ عَافِنِی مِنْ شَرِّهَا یَا اللَّهُ یَا عَظِیمُ احْفَظْنِی

بِحِفْظِکَ مِنْ مَخَاوِفِی یَا رَحِیمُ وَ إِذَا خِفْتَ سُلْطَاناً فَقُلْ یَا اللَّهُ الَّذِی لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْأَکْبَرُ الْقَائِمُ عَلَی جَمِیعِ عِبَادِهِ وَ الْمُمْضِی مَشِیَّتُهُ بِسَابِقِ قَدَرِهِ الَّذِی عَنَتِ الْوُجُوهُ لِعَظَمَتِهِ أَنْتَ تَکْلَأُ عِبَادَکَ وَ جَمِیعَ خَلْقِکَ مِنْ شَرِّ مَا یَطْرُقُ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ مِنْ ظَاهِرٍ وَ خَفِیٍّ مِنْ عُتَاةِ مَرَدَهِ خَلْقِکَ الضَّعِیفَهِ حِیَلُهُمْ عِنْدَکَ- لَا یَدْفَعُ أَحَدٌ مِنْ نَفْسِهِ سُوءاً دُونَکَ

وَ لَا يَحُولُ أَحَدٌ دُونَ مَا تُرِيدُ مِنَ الْخَيْرِ وَ كُلَّ مَا يُرَادُ وَ مَا لَا يُرَادُ فِی قَبْضَتِکَ وَ قَدْ جَعَلْتَ قَبَائِلَ الْجِنِّ وَ الشَّيَاطِينِ يَرَوْنَّا وَ لَا نَرَاهُمْ وَ أَنَا لِكَيْدِهِمْ خَائِفٌ وَجِلٌ فَآمِنِّی مِنْ شَرِّهِمْ وَ بَأْسِهِمْ بِحَقِّ سُلْطَانِکَ يَا عَزِيزُ يَا مَنِيعُ وَ إِذَا خِفْتَ عَدُوّاً أَوْ لِصّاً فَقُلْ يَا آخِذاً بِنَوَاصِی خَلْقِهِ وَ السَّافِعَ (۱)

بِهَا إِلَى قُدْرَتِهِ الْمُنْفِذَ فِيهَا حُكْمَهُ وَ خَالِقَهَا وَ جَاعِلَ قَضَائِهِ لَهَا غَالِباً وَ كُلُّهُمْ ضَعِيفٌ عِنْدَ غَلَبَتِهِ وَثِقْتُ بِکَ يَا سَيِّدِی عِنْدَ قُوَّتِهِمْ لِضَعْفِی وَ بِقُوَّتِکَ عَلَى مَنْ كَادَنِی فَسَلِّمْنِی مِنْهُمْ اللَّهُمَّ فَإِنْ حُلْتَ بَيْنِی وَ بَيْنَهُمْ فَذَاکَ أَرْجُو وَ إِنْ أَسْلَمْتَنِی إِلَيْهِمْ غَيَّرُوا مَا بِی مِنْ نِعْمَتِکَ يَا خَيْرَ الْمُنْعِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ لَا تَجْعَلْ تَغَيُّرَ نِعْمَتِکَ عَلَى يَدِ أَحَدٍ سِوَاکَ وَ لَا تُغَيِّرْهَا أَنْتَ فَقَدْ تَرَى الَّذِی يُرَادُ بِی فَحُلْ بَيْنِی وَ بَيْنَ شَرِّهِمْ بِحَقِّ مَا بِهِ تَسْتَجِيبُ يَا اللَّهُ رَبَّ الْعَالَمِينَ فَإِذَا أَرَدْتَ النُّزُولَ فِی مَوْضِعٍ فَاخْتَرْ مِنْ بِقَاعِ الْأَرْضِ أَحْسَنَهَا لَوْناً وَ أَلْيَنَهَا تُرْبَةً وَ أَكْثَرَهَا عُشْباً وَ لَا تَنْزِلْ عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ وَ بُطُونِ الْأَوْدِيَهِ فَإِنَّهَا مَأْوَى الْحَيَّاتِ وَ مَدَارِجُ السِّبَاعِ فَإِذَا أَرَدْتَ النُّزُولَ فَقُلْ حِينَ تَنْزِلُ- اللَّهُمَ أَنْزِلْنِی مُنْزَلًا مُبارَكاً وَ أَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ثُمَّ تُصَلِّی رَكْعَتَيْنِ تَنْوِی مَنْدُوباً قُرْبَةً إِلَى اللَّهِ وَ قُلِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا خَيْرَ هَذِهِ الْبُقْعَهِ وَ أَعِذْنَا مِنْ شَرِّهَا وَ إِذَا أَرَدْتَ الرَّحِيلَ مِنَ الْمَنْزِلِ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ مَنْدُوباً أَيْضاً وَ ادْعُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْحِفْظِ وَ الْكِلَاءَهِ وَ وَدِّعِ الْمَوْضِعَ وَ أَهْلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ مَوْضِعٍ أَهْلًا مِنَ الْمَلَائِكَهِ وَ قُلِ السَّلَامُ عَلَى مَلَائِكَهِ اللَّهِ الْحَافِظِينَ السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

ص: ۲۶۵

۱- ۱. يقال: سفع بناصيته: أی قبض عليها فاجتذبها بشده فهو سافع.

**[ترجمه]از مزار کبیر: چون عزم بیرون رفتن کردی، وضوی خوبی بگیر و خانـدانت را گرد آور و دو رکعت نماز به هر سوره که خواهی بخوان و چون از آنها فارغ شدی و سلام دادی، بگو: « اللهم إنی أستودعک نفسی و أهلی و مالی و ولدی-و دنیای و آخرتی و خاتمه عملی اللهم احفظ الشاهد منا و الغائب اللهم احفظنا و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارک اللهم لا تسلبنا نعمتک و لاـ تغیر ما بنا من عافیتک و فضلک.» {خدایا! به تو سپردم خودم و اهل و مال و فرزنـدم و دنیا و آخرت سرانجامم. خدایا! حاضر و غایب ما را حفظ کن. خدایا! حفظ کن ما را و حفظ کن بر ما. خدایا! ما را در پناه خود گیر. خدایا! نعمتت را از ما مگیر و عافیت و فضلت را دگرگون مکن.} و آنچه از امام باقر علیه السّلام روایت است را نیز بگو که فرمود: چون عزم سفر کردی، وضو بگیر و دو رکعت نماز بگزار که اولی با حمد باشد و سوره الرحمن و دومی با حمد و سوره واقعه یا تبارک، و اگر وقت نـداری هر سوره ای را به خاطر شتابزدگی ات بخوان و سپس با این دعا، دعا کن: « اللهم إنی خرجت فی سفری هذا بلا ثقه منی بغیرک و لا رجاء یأوی إلا إلیک و لا قوه أتکل علیها و لا حیله ألجأ إلیها إلا طلب فضلک و ابتغاء رزقک و تعرضا لرحمتک و سکونا إلی حسن عبادتک و أنت یا إلهی أعلم بما سبق لی فی سفری هذا مما أحب و أکره و لما أوقعت علی فیه قدرک و محمود بلائک- فأنت یا إلهی تمحو ما تشاء و تثبت و عندک أم الکتاب اللهم صل علی محمد و آل محمد و اصرف عنی فی سفری هذا کل مقدور من البلاء و ادفع عنی کل محذور و أسبل علی فیه کنف عزک و لطف عفوک و رحمتک و حقیقه حفظک و سعه رزقک و تمام نعمتک و افتح لی فیه أبواب جمیع فضلک و عطائک و إحسانک و أغلق عنی أبواب المخاوف کلها و جمیع ما أکره و أحذر و أخاف علی نفسی و أهلی و ذریتی و افتح لی أبواب الأمن کلها و اصرف عنی الهلع و الجزع و ارزقنی الصبر و القوه و المحمده لک و النجاه من کل محذور و مقدور بما أنت أعلم به منی و اجعل ذلک خیره لی فی آخرتی و دنیای و أسألک یا رب أن تحفظنی فیما خلفت ورای من أهلی و مالی و معیشتی و صنوف حوائجی یا من لیس فوقه خالق یرجی یا من لیس دونه رب یناجی یا من لیس غیره إله یدعی یا من لیس له وزیر یؤتی یا من لیس له حاجب یغشی یا من لیس له بواب یرشی یا من لیس له کاتب یداری یا من لیس له ترجمان ینادی یا من لا یزداد علی کثره السؤال إلاـ کرما و جودا صل علی محمد و آل محمد و اجعل لی من أمری فرجا و مخرجا و ارزقنی فی سفری هذا الأمن من المخاوف کلها و الغنیمه و الظفر بکل غرض و بلغنی جمیع أملی و مقصودی- اللهم و کل من قضیت علی بلقائه من أحد من خلقک الذین جعلت لی إلیهم حاجه و شغلا فسخره لی و اعطف بقلبه علی و وفقه لما أریده و أبتغیه و آمله و احرسه عن قصدی و الوقوف فی حاجتی و امنعه عن ظلمی و أذای برحمتک یا أرحم الراحمین ثم اسجد و ادع بما أحببت ثم ارفع رأسک و قل أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریک له و أشهد أن محمدا عبده و رسوله- اللهم فاطر السماوات و الأرض صل علی محمد و آل محمد و افعل بی ما أنت أهله و أدخلنی فی کل خیر أدخلت فیه محمدا و آل محمد و أخرجنی من کل سوء أخرجت منه محمدا و آل محمد و امنعنی من أن یوصل إلی سوء أبدا و لا تغیر ما أنعمت علی أبدا یا أرحم الراحمین.» {خدایا! در این سفرم بیرون شدم بدون اعتمادم بر غیر تو و بدون امید دل جز به سوی تو، و بدون نیروی پشتیبان و چاره سازی جز درخواست فضل تو و جویایی از رزقت و دست اندازی به رحمتت و آرامش به خوبی عبادتت. و تو ای معبودم، داناتری بدان چه بهره من است در این سفر از آنچه دوست دارم یا بد دارم و از آنچه برایم مقدر کردی و به خوشی گرفتارم نمودی تو معبودا، محو کنی هر چه خواهی و بر جا داری و نزد تو است ام الکتاب. خدایا! رحمت فرصت بر محمد و آل محمد و بگردان از من در این سفرم هر بلای مقدر را و دور کن هر محذور را و مرا زیر سایه عزت و لطف عفو و رحمت و حفظ حقیقی و وسعت و رقت و نعمت کاملت بگیر. و بگشا برایم در آن همه درهای فضل و عطا و احسانت، و ببند بر من راه همه بیم ها را و همه آنچه بد دارم، و حذر می کنم و از آن بر خود و اهل و فرزندم می ترسم، و بگشا بر من همه درهای امن را و بگردان از

من دلهره و بیتابی را و روزی ام کن صبر و نیرو را و سپاس خودت را و نجات از هر محذور و مقدور را که خود بهتر از من دانی و آن را خیر دنیا و آخرتم ساز، و از تو خواهم پروردگارا که حفظ کنی برایم آنچه به دنبالم بر جا نهادم از اهل و مال و زندگانی و هر نیازی، که فوق تو آفریننده ای نیست که امید به او بسته شود، ای که غیر او پرورنده ای نیست که مناجاتش بتوان کرد، ای که جز او معبودی نیست که خوانده شود، ای که جز او پشتیبانی نیست که بدو حاجت برده شود، ای که برایش پرده داری نیست که بدو آویخته شود ، ای که برایش دربانی نیست که بتوان رشوه اش داد، ای که برایش دفترداری نیست که بتوان با او ساخت، ای که برایش ترجمانی نیست که بتوان به او فریاد کرد، ای که در برابر پرده خواستن نیفزاید جز کرم وجود. رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برایم در کارم فرج و گشایشی مقرر دار و در این سفرم از همه بیمناکی ها آسودگی و غنیمت و پیروزی به همه مقاصد روزی کن ، و مرا به هر آرزو و خواست برسان. خدایا! با هر که از خلق خود مقدر کردی که من نیازی و کاری با او داشته باشم او را مسخر من ساز و دلش را با من مهربان کن و برای آنچه از او خواهم و آرزو دارم توفیقش ده و در مقصد من و نیازم او را نگهبان باش و از ستم و آزارم جلویش را بگیر، ای مهربان ترین مهربانان.}

سپس سجده کن و هر دعا که خواهی بکن و سر بردار و بگو: {گواهی می دهم که معبودی جز الله نیست یکتا است و شریکی ندارد و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده اوست خدایا! پدید آورنده آسمان ها و زمین، رحمت فرست بر محمد و آل محمد و با من آن کن که اهل آنی، و در آور مرا در هر خیری که محمد و آل محمد را در آوردی و بر آر از هر شری که محمد و آل محمد را از آن بیرون آوردی، و جلوگیرم باش از اینکه هرگز بدی من رسد، و هر نعمتی به من دادی هرگز دیگرگونش مساز، ای مهربان ترین مهربانان.}

و باز بگو آنچه را که از سید ما رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: جبرئیل بر من آمد و گفت: پروردگارت سلام رساند و فرماید: ای محمد! هر که از امت خواست که من در سفر او را حفظ کنم و او را سالم برسانم، بگوید: «بسم الله الرحمن الرحیم. بسم الله مخرجی و بإذنه خرجت و قد علم قبل أن أخرج خروجی و أحصی بعلمه ما فی مخرجی و مرجعی توکلت علی الإله الأکبر توکل مفوض إلیه أموره مستعین به علی شئونه مستزید من فضله مبرئ نفسه من کل حول و قوه إلا به خرجت خروج ضریر خرج بضره إلی من یکشفه خروج فقیر خرج بفقره إلی من یسده خروج عائل خرج بعیلته إلی من یغنیها خروج من ربه أکبر ثقته و أعظم رجائه و أفضل أمنیته الله ثقتی فی جمیع أموری کلها و به أستعین و لا شی ء إلا ما أراد أسأل الله خیر المخرج و المدخل لا ـ إله إلا ـ هو علیه توکلت و إلیه المصیر» {به نام خداست بیرون شدنم و به اذن او بیرون روم که پیش از خروج آن را دانسته و در علمش شماره کرده آنچه در بیرون شدن و برگشتنم باشد. توکل می کنم بر خدای بزرگ به مانند آنکه همه کارش را به او واگذارده و از او در هر چیزش یاری خواسته و فزونی طلبیده است و خود را از هر جنبشی و نیرویی جز به او مبری کرده، همانند کسی که از سختی بیرون شد به سوی آن که سختی او را بر گشاید و به مانند فقیری که برای رفع فقرش، به کسی رو آورده و همانند عیال مندی که برای بی نیازی عیالش بیرون آمده، بیرون شدن کسی که پروردگارش بزرگ ترین اعتماد او است، و بزرگ ترین امید و بهترین آرمان اوست .

خدا اعتماد من است در همه کارهایم و به او یاری جویم و نباشد چیزی جز آنچه او خواهد. از خدا خواهم بیرون شدن خوب و در آمدن خوب را. معبودی بر حق جز او نیست بر او توکل دارم و به سوی او است سرانجام.}

و چون از در خانه ات گام بیرون نهی، بگو: «بسم الله آمنت بالله توکلت علی الله ما شاء الله لا قوه الا بالله»، و بر در خانه بایست و سوره حمد را از پیش رو و سمت راست و چپت بخوان. سپس بگو: « اللهم احفظنی و احفظ ما معی و سلمنی و سلم ما معی و بلغنی و بلغ ما معی ببلاغک الحسن الجمیل یا أرحم الراحمین» {بار خدایا! مرا و هر چه همراه دارم نگه دار و سالم دار و به مقصد برسان به خوبی و زیبایی، ای مهربان ترین مهربانان.} و چون سوار شوی بگو:« الحمد لله الذی هدانا للإسلام و علمنا القرآن و من علینا بمحمد صلی الله علیه و آله سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین- و إنا إلی ربنا لمنقلبون - . زخرف / ۱۳ - ۱۴ ، صافات / ۱۸۲ - و الحمد لله رب العالمین» {سپاس خدا را که ما را به اسلام ره نمود و قرآن به ما آموخت و به محمد صلی الله علیه و آله بر ما منت نهاد. «پاک است کسی که این را برای ما رام کرد و[گرنه] ما را یارای [رام ساختن] آنها نبود. و به راستی که ما به سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت.... و ستایش، ویژه خدا، پروردگار جهانیان است.} در صبح و پسین در راه باش و نیم روز فرود آی. در آخر شب روانه باش نه در آغاز آن، زیرا از امام صادق علیه السّلام روایت است که زمین در آخر شب نوردیده شود و به نقل از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: «بپرهیز از بیرون شدن پس از چرت زدن، زیرا خدا جانورانی دارد که پراکنده کند تا بکُنند هر چه فرمان دارند.» سپس روانه شو و در آن بگو: « اللهم خل سبیلنا و أحسن تسییرنا و أحسن عافیتنا » {خدایا! راه ما را باز دار و رفتن ما را نیکو دار و عافیت ما را خوش دار.} و بسیار تکبیر و حمد و تسبیح و استغفار کن و چون به گردنه یا تلی برآیی یا به پلی رسی، بگو: «الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر، و الحمد لله رب العالمین اللهم إن لک الشرف علی کل شرف ». {خدا بزرگتر است معبودی جز او نیست وستایش مخصوص خدایی است که پروردگار عالمیان است بار خدایا! تو را شرف است بر هر شرفی.» و چون گام بر پل نهی، بگو: «بسم الله. خدایا! شیطان رجیم را از من دور کن.} و چون یک آبادی چشم رس تو شد و خواستی در آن درآیی، بگو: «اللهم رب السماوات السبع و ما أظلت و رب الأرضین السبع و ما أقلت و رب الشیاطین و ما أضلت و رب الریاح و ما ذرت و رب البحار و ما جرت إنی أسألک خیر هذه القریه و خیر ما فیها و أعوذ بک من شرها و شر ما فیها اللهم یسر لی ما کان فیها من وجه و وفق لی ما کان فیها من یسر و أعنی علی حاجتی یا قاضی الحاجات و یا مجیب الدعوات و أدخلنی مدخل صدق و أخرجنی مخرج صدق و اجعل لی من لدنک سلطانا نصیرا» {خدایا! پروردگار هفت آسمان و آنچه در زیر دارند و پروردگار هفت زمین و آنچه در بر دارند و پروردگار شیاطین و آنچه گمراه کنند، پروردگار بادها و آنچه پراکنده سازند و پروردگار دریاها و آنچه روانه سازند، از تو خواهم خیر این آبادی و خیر هر چه در آن است و به تو پناه می برم از شر آن و شر هر چه در آن است. بار خدایا! هر راهی را که در آن است بر من آسان کن، و هر همواری که دارد مرا بدان موفق کن، و کمکم کن بر نیازم، یا قاضی الحاجات و یا مجیب الدعوات و مرا به خوبی در آن در آور و به خوبی از آن بر آور، و برایم از سوی خود تسلط یاری کنی فراهم ساز.}

دعا برای ترس از درنده و گزنده و دیو و دشمن و دزد: چون از درنده ترسیدی، بگو: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له، له الملک و له الحمد بیده الخیر و هو علی کل شی ء قدیر اللهم یا ذارئ ما فی الأرض کلها بعلمه و السلطان القاهر علی کل شی ء دونه یا عزیز یا منیع أعوذ بقدرتک من کل شی ء یضر من سبع أو هامه أو عارض أو سائر الدواب یا خالقها بفطرته ادرأها عنی و احجزها و لا تسلطها علی و عافنی من شرها یا الله یا عظیم احفظنی بحفظک من مخاوفی یا رحیم. » {گواهی می دهم معبودی جز الله نیست یکتاست و شریکی ندارد مُلک و حمد مخصوص اوست خیر به دست اوست و بر هر کاری توانا است خدایا!

که پدیـد آورد هر چه در زمین است از روی دانش خـود و مسلط و کوبنـده هر چیز است سـوای خـود. ای عزیز، ای منیـع! به قـدرت تو پنـاه می برم از هر چه زیـان دارد، درنـده باشـد یـا گزنـده یا تعرض کننـده یا جانـداران دیگر، ای آفریننـده آنها! به سرشت خود از من دور دارشان و جلوی آنها را بگیر و بر من مسـلطشان مساز، و مرا از شرشان عافیت ده، یا الله یا عظیم، مرا به حفظ خود نگه دار از هر چه بیم دارم یا رحیم.}

و چون از سـلطانی بترسـی بگو: «یا الله الذی لا اله الا هو الاکبر القائم علی جمیع عباده و الممضی مشیته بسابق قدره الذی عنت الوجـوه لعظمته انت تکلأ عبـادک و جمیع خلقـک من شـر مـا یطرق باللیـل و النهـار من ظـاهر و خفی من عتـات مرده خلقک الضـعیفه حیلهم عندک لا یدفع احد من نفسه سوءا دونک، و لا یحول احد دون ما یرید من الخیر، و کل ما یراد و ما لا یراد فی قبضتک، و قد جعلت قبائل الجن و الشیاطین یرونا و لا نراهم و انا لکیدهم خائف وجل فآمنی من شرهم و باسهم بحق سلطانک یا عزیز یا منیع.» {ای الله که معبودی جز او نیست و بر تمام خلقش اسـتوار ایسـتاده است و با قـدرت سابق خود مشـیتش را اجرا می کند خدایی که همه صورتها به عظمتش به خاک افتاده .تو نگه می داری بندگانت را و همه خلقت را از شر آنچه در شب و روز در حرکت است از آنچه ظاهر است و پنهان است از خلق ضـعیفت که کوتاهی می کنند و نافرمانند و حیله های آنها در نزد توست و هیـچ کس هیـچ بـدی ای را از خود دور نکنـد به غیر از تو و هیـچ کس به خیری نیرو نـدارد غیر از آنچه تو اراده کنی و هر چه اراده شود و ارده نشود به دست توست و تو قبیله هـای جن و شـیطان را اینگونه قرار دادی که آنها ما را می بینند و ما آنها را نمی بینیم و ما از مکر آنها در هراس و ترسـیم پس مرا از شـر آنها و بـدی آها ایمنی ده به حق سـلطنتت ای عزیز و بلند مرتبه}

و چون از دشـمنی یا از دزدی بترسی، بگو: « یا آخذا بنواصی خلقه و السافع بها إلی قدرته المنفذ فیها حکمه و خالقها و جاعل قضائه لها غالبا و کلهم ضـعیف عند غلبته وثقت بک یا سیدی عند قوتهم لضعفی و بقوتک علی من کادنی فسلمنی منهم اللهم فإن حلت بینی و بینهم فذاک أرجو و إن أسلمتنی إلیهم غیروا ما بی من نعمتک یا خیر المنعمین صل علی محمد و آل محمد و لا تجعل تغیر نعمتک علی ید أحد سواک و لا تغیرها أنت فقد تری الذی یراد بی فحل بینی و بین شـرهم بحق ما به تستجیب یا الله رب العـالمین {ای که مـوی پیشـانی خلق خود را گیرایی و آنهـا را به قـدرت خود بگشـایی و حکم خود را در آنهـا برانی، آفریننـده آنانی و حکم روا و چیره بر آنها، و همه در برابر آن ناتوانند، ای آقایم! در مقابل نیروی آنها برای ناتوانی خودم به تو اعتمـاد دارم، و هم به نیروی تو در برابر هر که به من نیرنگی دارد. مرا از آنهـا سـالم بـدار. بار خـدایا! اگر میان من و آنها پرده باشـی، همان است که بـدان امیـدوارم، و اگر مرا به آنها واگـذاری، هر نعمتی که از تو دارم دگرگون کننـد. ای بهترین نعمت بخش ها! رحمت فرست بر محمد و آل محمد، و دگرگونی نعمتت را بر من به دست جز خودت منه، و خودت هم آن را تغییر مـده، تو بینی که بـا من چه خواهنـد، میـان من و شـر آنان حایل شو، به حق آنچه بـدان دعا را مستجاب کنی، یا الله پروردگار عالمیان.}

و چون خواهی فرود آیی، خوشـرنگ ترین جا پا و نرم ترین خاک ها و پرگیاه ترین آنها را برگزین، و بر سـر راه درون دره ها منزل مگیر کـه جایگـاه مارهـا و چرخش درنـده هـا باشـند، و هنگـام فرود شـدن بگـو: «اللهـم أَنْزِلْنِی مُنْزَلًا مُبارَکاً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ.» آنگاه دو رکعت نماز به قصـد مسـتحب و قربه الی الله بخوان و بگو: «خدایا! به ما روزی کن خیر اینجا را و به تو پناه می بریم از شر آن.» و چون خواستی از آنجا بکوچی، دو رکعت نماز مستحب نیز بخوان، و خدا را برای حفظ و نگهداری دعا

کن و آنجا و اهلش را وداع کن، زیرا هر جا اهلی دارد از فرشته ها، و بگو: «السلام علی ملائکه الله الحافظین، السلام علینا و علی عباد الله الصالحین و رحمه الله و برکاته.»

**[ترجمه]

باب ۴۹ حسن الخلق و حسن الصحابه و سائر آداب السفر

الآیات

النحل: وَ جَعَلَ لَکُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعامِ بُیُوتاً تَسْتَخِفُّونَها یَوْمَ ظَعْنِکُمْ وَ یَوْمَ إِقامَتِکُمْ (۱)

lt;meta info="- و جعل لکم من جلود الأنعام بیوتا تستخفونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم. - . نحل: ۸۰ -

{و خدا برای شما خانه هایتان را مایه آرامش قرار داد، و از پوست دام ها برای شما خانه هایی نهاد که آن [ها] را در روز جابجا شدنتان و هنگام ماندنتان سبک می یابید.}

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فِی وَصِیَّتِهِ لِابْنِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنَفِیَّهِ وَ اعْلَمْ أَنَّهُ مُرُوَّهُ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ مُرُوَّتَانِ مُرُوَّهٌ فِی حَضَرٍ وَ مُرُوَّهٌ فِی سَفَرٍ وَ أَمَّا مُرُوَّهُ الْحَضَرِ فَقِرَاءَهُ الْقُرْآنِ وَ مُجَالَسَهُ الْعُلَمَاءِ وَ النَّظَرُ فِی الْفِقْهِ وَ الْمُحَافَظَهُ عَلَی الصَّلَاهِ فِی الْجَمَاعَاتِ وَ أَمَّا مُرُوَّهُ السَّفَرِ فَبَذْلُ الزَّادِ وَ قِلَّهُ الْخِلَافِ عَلَی مَنْ صَحِبَکَ وَ کَثْرَهُ ذِکْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِی کُلِّ مَصْعَدٍ وَ مَهْبَطٍ وَ نُزُولٍ وَ قِیَامٍ وَ قُعُودٍ(۲).

**[ترجمه]خصال: امیر مؤمنان در سفارش به پسرش محمد بن حنفیه فرمود: بدان که مرد مسلمان را دو مروت باشد: یکی در حضر و دیگر در سفر. آنچه در حضر است، خواندن قرآن است و همنشینی با دانشمندان، نظر در فقه،

وقت شناسی نماز جماعت، مروت در سفر، بخشش توشه، کم اختلافی با یاران، بسیاری ذکر خدا عزوجل در هر سربالایی و نشیب و منزل کردن و برخاستن و نشستن. - . خصال ۱: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِیمَ الْخُوزِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَیْدٍ الْبَغْدَادِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الرِّضَا عَنْ

آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: سِتٌّ مِنَ الْمُرُوَّهِ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِی الْحَضَرِ وَ ثَلَاثٌ مِنْهَا فِی السَّفَرِ فَأَمَّا الَّتِی فِی الْحَضَرِ فَتِلَاوَهُ کِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ عِمَارَهُ مَسَاجِدِ اللَّهِ وَ اتِّخَاذُ الْإِخْوَانِ فِی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الَّتِی فِی السَّفَرِ فَبَذْلُ الزَّادِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْمِزَاحُ فِی غَیْرِ الْمَعَاصِی الْخَبَرَ(۳).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شش چیز از مروت است، سه تا در حضر و سه تا در سفر. آنها که در حضرند، خواندن قرآن خدا عزوجل، آباد کردن مساجد خدا و تحصیل برادران است و آنچه که در سفر است، بخشش توشه، حسن خلق و شوخی ای که گناه خدا نباشد است... تا آخر خبر. - . خصال ۱: ۱۵۷ -

**[ترجمه]

«۳»

لی، [الأمالی للصدوق] عَنِ ابْنِ الْمُتَوَکِّلِ عَنِ السَّعْدَآبَادِیِّ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی قَتَادَهَ الْقُمِّیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ یَحْیَی عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: الْمُرُوَّهُ فِی السَّفَرِ کَثْرَهُ الزَّادِ وَ طِیبُهُ وَ بَذْلُهُ لِمَنْ کَانَ مَعَکَ وَ کِتْمَانُکَ عَلَی الْقَوْمِ سِرَّهُمْ بَعْدَ مُفَارَقَتِکَ إِیَّاهُمْ وَ کَثْرَهُ الْمِزَاحِ فِی غَیْرِ مَا یُسْخِطُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَ (۴).

ص: ۲۶۶

۱- ۱. النحل: ۸۰.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۲۸.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۱۵۷.

۴- ۴. أمالی الصدوق ص ۳۲۹.

**[ترجمه]امالی صدوق: امام صادق علیه السّلام فرمود: مروت در سفر، فراوانی توشه است و خوبی آن، و بخشش آن به همراهان و رازداری از همسفران پس از جدایی از آنها و بسیار شوخی کردن در غیرآنچه مایه خشم خدا عزوجل باشد. - . امالی صدوق: ۳۲۹ -

**[ترجمه]

أقول

قد سبق تمام الخبرین و غیرهما فی باب المروه و غیره.

**[ترجمه]هر دو خبر و غیر آنها در «باب مروت» و جز آن گذشته است.

**[ترجمه]

«۴»

ل، [الخصال] عَنِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ ابْنِ يَزِيدَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا رَفَعُوا الْحَدِيثَ قَالَ: حَقُّ الْمُسَافِرِ أَنْ يُقِيمَ عَلَيْهِ أَصْحَابُهُ إِذَا مَرِضَ ثَلَاثاً(۱).

سن، [المحاسن] عن ابن یزید: مثله (۲).

**[ترجمه]خصال: امام علیه السلام فرمود: حق مسافر این است که اگر بیمار شد، تا سه روز یارانش با او باشند. - . محاسن: ۳۵۸ -

محاسن: مانند این روایت را آورده است. - . خصال ۱: ۴۹ -

**[ترجمه]

«۵»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا كُنْتُمْ فِي سَفَرٍ فَمَرِضَ أَحَدُكُمْ فَأَقِيمُوا عَلَيْهِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ (۳).

**[ترجمه]قرب الاسناد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر در سفر بودید و یکی از شما بیمار شد، تا سه روز با او باشید. - . محاسن: ۳۵۸ -

**[ترجمه]

«۶»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ رَفَعَهُ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله أَنَّهُ قَالَ: ثَلَاثَةٌ لَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ بِالْحِفْظِ رَجُلٌ نَزَلَ فِي بَيْتٍ خَرِبٍ وَ رَجُلٌ صَلَّى عَلَى قَارِعَةِ الطَّرِيقِ وَ رَجُلٌ أَرْسَلَ رَاحِلَتَهُ وَ لَمْ يَسْتَوْثِقْ مِنْهَا(۴).

**[ترجمه]خصال: پيغمبر صلى الله عليه و آله فرمود: سه كس را خدا عزوجل پذيراى حفظ نيست: كسى كه در خانه ويرانه منزل كند، آن كس كه ميان راه نماز بخواند، و آن كس كه مَركب سوارى خود را رها سازد و نبندد. - . قرب الاسناد: ۸۴ -

**[ترجمه]

«۷»

سن، [المحاسن] عَنِ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنِ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: لَيْسَ مِنَ الْمُرُوَّهِ أَنْ يُحَدِّثَ الرَّجُلُ بِمَا يَلْقَى فِي سَفَرِهِ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ(۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق عليه السّلام فرمود: از مردانگى نباشد بازگفتن آنچه كه از خوب و يا بد در سفر ببيند. - . خصال ۱: ۶۹ -

**[ترجمه]

«۸»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: الرَّفِيقَ ثُمَّ الطَّرِيقَ.

وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: لَا تَصْحَبَنَّ فِي سَفَرٍ مَنْ لَا يَرَى لَكَ الْفَضْلَ عَلَيْهِ كَمَا تَرَى لَهُ الْفَضْلَ عَلَيْكَ (۶).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: اول رفيق و آنگاه راه.

و امير مؤمنان عليه السّلام فرمود: همسفر مشو با كسى كه قدر تو را چنانى كه تو قدر او دانى، نداند. - . محاسن: ۳۵۷ -

**[ترجمه]

«۹»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ لِي مَنْ صَحِبْتَ فَأَخْبَرْتُهُ فَقَالَ كَيْفَ طَابَتْ نَفْسُ أَبِيكَ يَدَعُكَ مَعَ غَيْرِهِ فَخَبَّرْتُهُ فَقَالَ كَيْفَ كَانَ يُقَالُ اصْحَبْ مَنْ تَتَزَيَّنُ بِهِ وَ لَا تَصْحَبْ مَنْ يَتَزَيَّنُ بِكَ (۷).

**[ترجمه]محاسن: اسحاق بن جریر گفت: امام صادق علیه السّلام به من فرمود: با که همسفر بودی؟ به او گزارش دادم و فرمود: چگونه دل پدرت خوش شد که تو را با دیگری وانهد؟ به او گزارش دادم و فرمود: چگونه است که گفتند: با کسی یار شو که آبروی تو باشد، نه با کسی که تو آبروی او باشی؟ - . محاسن: ۳۵۷ -

**[ترجمه]

«۱۰»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِیزٍ عَمَّنْ ذَکَرَهُ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ

ص: ۲۶۷

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۴۹.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۵۸.

۳- ۳. قرب الإسناد ص ۸۴.

۴- ۴. الخصال ج ۱ ص ۶۹.

۵- ۵. المحاسن ص ۳۵۸.

۶- ۶. المحاسن ص ۳۵۷.

۷- ۷. المحاسن ص ۳۵۷.

عليه السلام قَالَ: إِذَا صَحِبْتَ فَاصْحَبْ نَحْوَکَ وَ لَا تَصْحَبْ مَنْ يَكْفِيکَ فَإِنَّ ذَلِکَ مَذَلَّةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ (۱).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: با همانند خود یار باش نه با کسی که تو را کفایت کند، که این خواری مؤمن است. - . محاسن: ۳۵۷ -

**[ترجمه]

«۱۱»

سن، [المحاسن] عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللُّؤْلُؤِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَدْ عَرَفْتَ حَالِي وَ سَعَةَ يَدِي وَ تَوَسُّعِي عَلَى إِخْوَانِي فَأَصْحَبُ النَّفَرَ مِنْهُمْ فِي طَرِيقِ مَكَّةَ فَأَتَوَسَّعُ عَلَيْهِمْ قَالَ لَا تَفْعَلْ يَا شِهَابُ إِنْ بَسَطْتَ وَ بَسَطُوا أَجْحَفْتَ بِهِمْ وَ إِنْ هُمْ أَمْسَكُوا أَذْلَلْتَهُمْ فَاصْحَبْ نُظَرَاءَکَ اصْحَبْ نُظَرَاءَکَ (۲).

**[ترجمه]محاسن: شهاب بن عبد ربه گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: تو دانی حال من و دست و دلبازی مرا با برادرانم و توسعه بر آنها را. آیا همسفر شوم با چند کسی از آنها در راه مکه و بر آنها توسعه دهم؟ فرمود: مکن ای شهاب! اگر زیاد خرج آنها کنی و زیاد خرج تو کنند، به آنها فشار آوردی و اگر آنها دست بازگیرند، زبونشان کردی. با همگنانت همسفر شو، با همگنانت یار شو. - . محاسن: ۳۵۷ -

**[ترجمه]

«۱۲»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَلَبِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ علیه السلام عَنِ الْقَوْمِ يَصْطَحِبُونَ فَيَكُونُ فِيهِمُ الْمُوسِرُ وَ غَيْرُهُ أَ يُنْفِقُ عَلَيْهِمُ الْمُوسِرُ قَالَ إِنْ طَابَتْ بِذَلِکَ أَنْفُسُهُمْ فَلَا بَأْسَ بِهِ قُلْتُ فَإِنْ لَمْ تَطِبْ أَنْفُسُهُمْ قَالَ يَصِيرُ مَعَهُمْ يَأْكُلُ مِنَ الْخُبْزِ وَ يَدَعُ أَنْ يَسْتَثْنِيَ مِنَ الْهَرَاتِ (۳).

**[ترجمه]محاسن: ابی محمد حلبی گفت: از امام باقر علیه السّلام درباره گروهی همسفر که توانگر و مستمند همراهند پرسیدم که آیا توانگر بدانها خرج کند؟ فرمود: اگر دلشان به آن خوش است، باکی ندارد. پرسیدم: اگر خوش دل نباشند؟ فرمود: توانگر با آنها بسازد، از نان بخورد و از گوشت پخته مانده - . الهرات:گوشت پخته - دست نکشد.

**[ترجمه]

«۱۳»

سن، [المحاسن] عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ الشَّامِيِّ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام وَ الْبَيْتُ غَاصٌّ بِأَهْلِهِ فَقَالَ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَكُنْ يُحْسِنُ صُحْبَةَ مَنْ صَحِبَهُ وَ مُرَافَقَةَ مَنْ رَافَقَهُ وَ مُمَالَحَةَ مَنْ مَالَحَهُ وَ مُخَالَقَةَ مَنْ خَالَقَهُ

(۴).

**[ترجمه]محاسن: حفص بن ربیع شامی گفت: نزد امام صادق علیه السّلام بودیم و اتاق پر بود. فرمود: از ما نیست کسی که با همراه خود خوش نباشد و با رفیقش خوش نباشد و نَمَکین نباشد با آن کسی که با وی نمکین است و با مخالف او مخالف نباشد. - . محاسن: ۳۵۷ -

**[ترجمه]

«۱۴»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَا اصْطَحَبَ اثْنَانِ إِلَّا كَانَ أَعْظَمُهُمَا أَجْراً وَ أَحَبُّهُمَا إِلَى اللَّهِ أَرْفَقَهُمَا بِصَاحِبِهِ (۵).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو همراه نباشند مگر این که کسی که با همراهش خوشرفتار باشد، ثواب بیشتری دارد و نزد خدا محبوب ترین آنها است. - . محاسن: ۳۵۷ -

**[ترجمه]

«۱۵»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: زَادُ الْمُسَافِرِ الحدا [الْحُدَاءُ] وَ الشِّعْرُ مَا كَانَ مِنْهُ لَيْسَ فِيهِ جَفَاءٌ(۶).

كِتَابُ الْإِمَامَهِ وَ التَّبْصِرَهِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ الرَّزَّازِ

۱- ۱. المحاسن ص ۳۵۷.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۵۷.

۳- ۳. المصدر نفسه، و الهرات: اللحم المطبوخ البالغ فی طبخه حتّی نضج و تهر أو تفسخ.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۵۷.

۵- ۵. المحاسن ص ۳۵۷.

۶- ۶. المحاسن ص ۳۵۸.

عَنْ خَالِهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ الْخَزَّازِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّ فِيهِ خَنَاءً(۱).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: توشه مسافر خوش خوانی و شعر است که در آن جفاکاری نباشد. - . محاسن: ۳۵۸ -

امامت و تبصره: مانند آن را آورده است، جز آنکه گفته: «جفا در آن نباشد، یعنی دشنام و شعر هجوگویی.»

**[ترجمه]

«۱۶»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مِنَ السُّنَّةِ إِذَا خَرَجَ الْقَوْمُ فِي سَفَرٍ أَنْ يُخْرِجُوا نَفَقَتَهُمْ فَإِنَّ ذَلِكَ أَطْيَبُ لِأَنْفُسِهِمْ وَ أَحْسَنُ لِأَخْلَاقِهِمْ (۲).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از سنت باشد که همسفران هم خرج باشند که دل آنان پا ک تر و رفتارشان بهتر باشد. - . محاسن: ۳۵۹ -

**[ترجمه]

«۱۷»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَا مِنْ نَفَقَةٍ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنْ نَفَقَةِ قَصْدٍ وَ يُبْغِضُ الْإِسْرَافَ إِلَّا فِي حَجٍّ أَوْ عُمْرَةٍ(۳).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت است که فرمود: هیچ نفقه ای پیش خدا محبوب تر نیست از میانه روی و بد دارد اسراف را، مگر در حج و عمره. - . محاسن: ۳۵۹ -

**[ترجمه]

«۱۸»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّهُ كَانَ يَكْرَهُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَصْحَبَ مَنْ يَتَفَضَّلُ عَلَيْهِ وَ قَالَ اصْحَبْ مِثْلَكَ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام بد داشت کسی با توانگرتر از خود همسفر شود و فرمود: با همانند خود همسفر شو. - . محاسن: ۳۵۹ -

**[ترجمه]

«۱۹»

سن، [المحاسن] عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنِ الْبَطَائِنِیِّ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَخْرُجُ الرَّجُلُ مَعَ قَوْمٍ مَیَاسِیرَ وَ هُوَ أَقَلُّهُمْ شَیْئاً فَیُخْرِجُ الْقَوْمُ نَفَقَتَهُمْ وَ لَا یَقْدِرُ هُوَ أَنْ یُخْرِجَ مِثْلَ مَا أَخْرَجُوا فَقَالَ مَا أُحِبُّ أَنْ یُذِلَّ نَفْسَهُ لِیَخْرُجْ مَعَ مَنْ هُوَ مِثْلُهُ (۵).

**[ترجمه]محاسن: ابی بصیر گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: کسی با توانگران همسفر شود و از همه کمتر دارد و آنان نفقه خود را بیرون آورند و او نتواند به اندازه آنها خرجی در آورد؟ فرمود: دوست ندارم خود را خوار کند؛ با همانند خود سفر کند. - . محاسن: ۳۵۹ -

**[ترجمه]

«۲۰»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ عَنْ مُوسَی بْنِ سَعْدَانَ عَنْ حُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ قَالَ: خَرَجْنَا إِلَی مَکَّهَ نَیِّفٌ وَ عِشْرُونَ رَجُلًا فَکُنْتُ أَذْبَحُ لَهُمْ فِی کُلِّ مَنْزِلٍ شَاهً فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أَدْخُلَ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ لِی یَا حُسَیْنُ وَ تُذِلُّ الْمُؤْمِنِینَ قُلْتُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ ذَلِکَ فَقَالَ بَلَغَنِی أَنَّکَ کُنْتَ تَذْبَحُ لَهُمْ فِی کُلِّ مَنْزِلٍ شَاهً قُلْتُ مَا أَرَدْتُ إِلَّا اللَّهَ فَقَالَ أَ مَا کُنْتَ تَرَی أَنَّ فِیهِمْ مَنْ یُحِبُّ أَنْ یَفْعَلَ فَعَالَکَ فَلَا یَبْلُغُ مَقْدُرَتُهُ ذَلِکَ فَتَتَقَاصَرُ إِلَیْهِ نَفْسُهُ قُلْتُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لَا أَعُودُ(۶).

**[ترجمه]محاسن: حسین بن ابو علاء گفت: با بیست و چند کس به مکه رفتم و در هر منزلی برایشان گوسفندی می کشتم. چون خواستم نزد امام صادق بروم، فرمود: ای حسین! تو مؤمنان را خوار می کنی؟ گفتم: از آن به خدا پناه برم. فرمود: به من خبر رسیده که تو در هر منزلی برایشان گوسفندی می کشتی؟ گفتم: جز خدا را قصد نداشتم. فرمود: ندانستی که در آنها کسی باشد که خواهد کار تو را بکند و در توان او نیست و خود را کم شمارد؟ گفتم: از خدا آمرزش خواهم و بدان بازنگردم. - . محاسن: ۳۵۹ -

**[ترجمه]

«۲۱»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِیِّ عَنِ السَّکُونِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ عَنْ

ص: ۲۶۹

۱- ۱. الخنی الفحش من الکلام و الاشعار الهجائیه.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۵۹.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۵۹.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۵۹.

۵- ۵. المحاسن ص ۳۵۹.

۶- ۶. المحاسن ص ۳۵۹.

آبَائِهِ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مِنْ شَرَفِ الرَّجُلِ أَنْ يُطَيِّبَ زَادَهُ إِذَا خَرَجَ فِی سَفَرٍ(۱).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق از پدرش، از پدرانش، از امیرالمؤمنین علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمود: شرافت مرد است که در سفر توشه خوب بردارد. - . محاسن: ۳۶۰ -

**[ترجمه]

«۲۲»

سن، [المحاسن] عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِذَا سَافَرْتُمْ فَاتَّخِذُوا سُفْرَةً وَ تَنَوَّقُوا فِيهَا(۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون سفر کنید، سفره بردارید و در آن خوراک خوب بگذارید. - .[۱] محاسن: ۳۶۰ -

**[ترجمه]

«۲۳»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ شِهَابِ بْنِ عَبْدِ رَبِّهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ إِذَا سَافَرَ إِلَى مَكَّةَ لِلْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ تَزَوَّدَ مِنْ أَطْيَبِ الزَّادِ مِنَ اللَّوْزِ وَ السُّكَّرِ وَ السَّوِيقِ الْمُحَمَّضِ وَ الْمُحَلَّى.

قال و حدثنی به ابن یزید عن محمد بن سنان و ابن أبی عمیر عن عبد الله بن سنان عن أبی عبد الله علیه السلام (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون امام سجاد علیه السّلام برای حج و عمره به مکه می رفت، بهترین توشه را بر می داشت، از بادام و شکر و قاووت ترش و شیرین.

محاسن: در سند دیگر هم آن را آورده است. - . محاسن: ۳۶۰ -

**[ترجمه]

«۲۴»

سن، [المحاسن] عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: تَبَرَّكْ بِأَنْ تَحْمِلَ الْخُبْزَ فِی سُفْرَتِكَ وَ زَادِكَ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: تبرک بجو به این که نان در سفره و توشه خود برداری. - . محاسن: ۳۶۰ -

**[ترجمه]

«۲۵»

سن، [المحاسن] عَنِ الْبَزَنْطِيِّ عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِنَّ مَعِی أَهْلِی وَ أَنَا أُرِیدُ الْحَجَّ أَشُدُّ نَفَقَتِی فِی حَقْوَیَّ قَالَ نَعَمْ إِنَّ أَبِی کَانَ یَقُولُ مِنْ فِقْهِ الْمُسَافِرِ حِفْظُ نَفَقَتِهِ (۵).

**[ترجمه]محاسن: از صفوان جمال نقل می کند که گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: با خانـدانم به حج می روم و خرج سفر را به کمرم می بندم. فرمود: بسیار خوب. پدرم می فرمود: از فهمیدگی مسافر است که خرجی خود را نگهداری کند. - . محاسن: ۳۵۸ -

**[ترجمه]

«۲۶»

سن، [المحاسن] عَنِ الْأَصْبَهَانِیِّ عَنِ الْمِنْقَرِیِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِیسَی عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِی وَصِیَّهِ لُقْمَانَ لِابْنِهِ یَا بُنَیَّ سَافِرْ بِسَیْفِکَ وَ خُفِّکَ وَ عِمَامَتِکَ وَ خِبَائِکَ وَ سِقَائِکَ وَ إِبْرَتِکَ وَ خُیُوطِکَ وَ مِخْرَزِکَ وَ تَزَوَّدْ مَعَکَ الْأَدْوِیَهَ تَنْتَفِعْ بِهَا أَنْتَ وَ مَنْ مَعَکَ وَ کُنْ لِأَصْحَابِکَ مُوَافِقاً إِلَّا فِی مَعْصِیَهِ اللَّهِ وَ زَادَ فِیهِ بَعْضُهُمْ وَ قَوْسِکَ (۶).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: در سفارش لقمان به پسرش این بود که: پسر جانم! سفر کن به همراه شمشیرت و کفشت و عمامه ات و روپوشَت و مَشک آبت و سوزنت و نخ هایت و انبانت، و با خود هر دارو بردار که تو و هر که با تو است از آن سود برید و با همسفرانت هم آهنگ باش جز در نافرمانی خدا. و برخی به آن افزودند: «و با کمانت.» - . محاسن: ۳۶۰ -

**[ترجمه]

«۲۷»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِیَهَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِنَّکَ سَتَصْحَبُ أَقْوَاماً فَلَا تَقُولَنَّ انْزِلُوا هَاهُنَا وَ لَا تَنْزِلُوا هَاهُنَا فَإِنَّ فِیهِمْ مَنْ یَکْفِیکَ (۷).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: وقتی با مردمی همسفر شدی، نگو اینجا منزل کنید و آنجا نکنید، زیرا در آنها کسی باشد که تو را کفایت باشد. - . محاسن: ۳۶۴ -

**[ترجمه]

«۲۸»

سن، [المحاسن] عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ أَوِ ابْنُ

ص: ٢٧٠

١- ١. المحاسن ص ٣٦٠.

٢- ٢. المحاسن ص ٣٦٠.

٣- ٣. المحاسن ص ٣٦٠.

٤- ۴. المحاسن ص ٣٦٠.

٥- ۵. المحاسن ص ٣۵٨.

٦- ۶. المحاسن ص ٣٦٠.

٧- ٧. المحاسن ص ٣۶۴.

عِيسَى عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ إِذَا سَافَرْتَ مَعَ قَوْمٍ فَأَكْثِرِ اسْتِشَارَتَهُمْ فِی أَمْرِكَ وَ أَمْرِهِمْ وَ أَكْثِرِ التَّبَسُّمَ فِی وُجُوهِهِمْ وَ كُنْ كَرِيماً عَلَى زَادِكَ بَيْنَهُمْ وَ إِذَا دَعَوْكَ فَأَجِبْهُمْ وَ إِذَا اسْتَعَانُوكَ فَأَعِنْهُمْ وَ اغْلِبْهُمْ بِثَلَاثٍ طُولِ الصَّمْتِ وَ كَثْرَةِ الصَّلَاةِ وَ سَخَاءِ النَّفْسِ بِمَا مَعَكَ مِنْ دَابَّةٍ أَوْ مَالٍ أَوْ زَادٍ وَ إِذَا اسْتَشْهَدُوكَ عَلَى الْحَقِّ فَاشْهَدْ لَهُمْ وَ اجْهَدْ رَأْيَكَ لَهُمْ إِذَا اسْتَشَارُوكَ وَ لَا تَعْزِمْ حَتَّى تَثَبَّتَ وَ تَنْظُرَ وَ لَا تُجِبْ فِی مَشُورَةٍ حَتَّى تَقُومَ فِيهَا وَ تَقْعُدَ وَ تَنَامَ وَ تَأْكُلَ وَ تُصَلِّيَ وَ أَنْتَ مُسْتَعْمِلٌ فِكْرَتَكَ وَ حِكْمَتَكَ فِی مَشُورَتِهِ فَإِنَّ مَنْ لَمْ يُمْحِضِ النَّصِيحَهَ لِمَنِ اسْتَشَارَهُ سَلَبَهُ اللَّهُ رَأْيَهُ وَ نَزَعَ عَنْهُ الْأَمَانَهَ وَ إِذَا رَأَيْتَ أَصْحَابَكَ يَمْشُونَ فَامْشِ مَعَهُمْ وَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ يَعْمَلُونَ فَاعْمَلْ مَعَهُمْ وَ إِذَا تَصَدَّقُوا وَ أَعْطَوْا قَرْضاً فَأَعْطِ مَعَهُمْ وَ اسْمَعْ مِمَّنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ سِنّاً وَ إِذَا أَمَرُوكَ بِأَمْرٍ وَ سَأَلُوكَ فَتَبَرَّعْ لَهُمْ وَ قُلْ نَعَمْ وَ لَا تَقُلْ لَا فَإِنَّ لَا عَيٌّ وَ لُؤْمٌ وَ إِذَا تَحَيَّرْتُمْ فِی طَرِيقِكُمْ فَانْزِلُوا وَ إِنْ شَكَكْتُمْ فِی الْقَصْدِ فَقِفُوا وَ تَؤَامَرُوا وَ إِذَا رَأَيْتُمْ شَخْصاً وَاحِداً فَلَا تَسْأَلُوهُ عَنْ طَرِيقِكُمْ وَ لَا تَسْتَرْشِدُوهُ فَإِنَّ الشَّخْصَ الْوَاحِدَ فِی الْفَلَاةِ مُرِيبٌ لَعَلَّهُ أَنْ يَكُونَ عَيْناً لِلُّصُوصِ أَوْ أَنْ يَكُونَ هُوَ الشَّيْطَانَ الَّذِی حَيَّرَكُمْ وَ احْذَرُوا الشَّخْصَيْنِ أَيْضاً إِلَّا أَنْ تَرَوْا مَا لَا أَرَى فَإِنَّ الْعَاقِلَ إِذَا نَظَرَ بِعَيْنَيْهِ شَيْئاً عَرَفَ الْحَقَّ مِنْهُ وَ الشَّاهِدَ يَرَى مَا لَا يَرَى الْغَائِبُ يَا بُنَيَّ وَ إِذَا جَاءَ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَلَا تُؤَخِّرْهَا لِشَیْ ءٍ وَ صَلِّهَا وَ اسْتَرِحْ مِنْهَا فَإِنَّهَا دَيْنٌ وَ صَلِّ فِی جَمَاعَهٍ وَ لَوْ عَلَى رَأْسِ زُجٍّ وَ لَا تَنَامَنَّ عَلَى دَابَّتِكَ فَإِنَّ ذَلِكَ سَرِيعٌ فِی دَبَرِهَا وَ لَيْسَ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِ الْحُكَمَاءِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ فِی مَحْمِلٍ يُمْكِنُكَ التَّمَدُّدُ- لِاسْتِرْخَاءِ الْمَفَاصِلِ وَ إِذَا قَرُبْتَ مِنَ الْمَنْزِلِ فَانْزِلْ عَنْ دَابَّتِكَ فَإِنَّهَا تُعِينُكَ وَ ابْدَأْ بِعَلْفِهَا قَبْلَ نَفْسِكَ وَ إِذَا أَرَدْتُمُ النُّزُولَ فَعَلَيْكُمْ مِنْ بِقَاعِ الْأَرْضِ بِأَحْسَنِهَا لَوْناً وَ أَلْيَنِهَا تُرْبَهً وَ أَكْثَرِهَا عُشْباً وَ إِذَا نَزَلْتَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ تَجْلِسَ وَ إِذَا أَرَدْتَ قَضَاءَ حَاجَهٍ فَأَبْعِدِ الْمَذْهَبَ فِی الْأَرْضِ وَ إِذَا ارْتَحَلْتَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ وَدِّعِ الْأَرْضَ الَّتِی

حَلَلْتَ بِهَا وَ سَلِّمْ عَلَيْهَا وَ عَلَى أَهْلِهَا فَإِنَّ لِكَلِّ بُقْعَهٍ أَهْلًا مِنَ الْمَلَائِكَهِ وَ إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ لَا تَأْكُلَ طَعَاماً حَتَّى تَبْدَأَ فَتَصَدَّقَ مِنْهُ فَافْعَلْ وَ عَلَيْکَ بِقِرَاءَهِ الْقُرْآنِ (۱)

مَا دُمْتَ رَاكِباً وَ عَلَيْکَ بِالتَّسْبِيحِ مَا دامت [دُمْتَ] عَامِلًا عَمَلًا وَ عَلَيْکَ بِالدُّعَاءِ مَا دُمْتَ خَالِياً وَ إِيَّاکَ وَ السَّيْرَ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْکَ بِالتَّعْرِيسِ وَ الدُّلْجَهِ مِنْ لَدُنْ نِصْفِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ وَ إِيَّاکَ وَ رَفْعَ الصَّوْتِ فِي مَسِيرِکَ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق عليه السّلام فرمود: لقمان به پسرش گفت: چون با مردمی همسفر شدی، بسیار در کار خود و آنان مشورت کن و بسیار به رویشان لبخند بزن، در توشه خود نسبت به آنها کریم باش، چون تو را خواندند بپذیر، چون از تو کمک خواستند به آنها کمک ده و در سه چیز از آنها پیش باش: در خموشی، در نماز و بخشش هر چه داری، از مَرکب سواری و مال و توشه. و چون از تو بر حقی گواه خواستند، گواه باش و چون با تو مشورت کردند، بکوش در نظر دادن به آنها. و تصمیم نگیر تا خوب وارسی کنی و بیندیشی، و جواب مشورت را مده تا برخیزی و بنشینی و بخوابی و بخوری و نماز کنی و فکر و حکمت خود را در مورد مشورت به کار بگیری، زیرا هر که به مشورت خواه خود اندرز پاک ندهد، خدا رای او را از وی بگیرد و امانت را از او ریشه کن کند.

چون دیدی یارانت روانه اند، با آنها روانه شو، و چون کاری کنند، با آنها همکار باش و چون صدقه یا وامی دادند، تو هم بده، و از کسی که سالخورده تر از تو است شنوا باش و چون در راه سرگردان شدید، فرود آیید، و اگر در مقصد دچار تردید شدید، توقف کنید و مشورت کنید، و چون یکی را دیدید، از راه خود از او نپرسید و او را رهنما نسازید، زیرا یک نفر در بیابان پهناور شک آور است، شاید که جاسوس دزدها باشد یا همان شیطانی باشد که شما را سرگردان کرده، و از دو کس هم در حذر باشید، جز آنکه در آنها بینید آنچه من نبینم، زیرا خردمند چون چیزی به چشم خود بیند، درستی آن را بشناسد و حاضر بیند آنچه غایب نبیند.

پسر جانم! چون وقت نماز رسد، آن را برای چیزی پس مینداز، آن را بخوان و راحت شو که آن دین است، و در جماعت نماز بخوان، گرچه بر سر چوبی باشد؛ بر روی مَرکب سواری خود مخواب که زود زخم بردارد، و آن کار حکیمان نباشد، مگر آنکه در کجاوه باشی و بتوانی به یاری کشی تا مفاصل نرم شوند؛ نزدیک منزل از مرکبت پیاده شو که به تو کمک شود، و پیش از خود به او علف بده، و چون قصد فرود کردید، در بهترین جای زمین باشد در رنگ و نرمی خاک و فراوانی گیاه، و چون فرود شدی، پیش از نشستن دو رکعت نماز بخوان، و با آن زمین که در آن فرود آمدی وداع کن و بدان و اهلش سلام کن که هر جا از فرشته ها اهلی دارد، و اگر توانی طعامی نخوری تا پیش از آن صدقه بدهی، و برتو باد به خواندن قرآن - . در بعضی از نسخ «و عليک بقراءه کتاب الله عزوجل»آمده و این بهتر است، چون از وصایای لقمان است. - (کتاب

خدا) تا سواری و به ذکر تسبیح تا وقتی در کار هستی، و به دعا کردن در جایی که بی کاری، مبادا در آغاز شب روانه باشی؛ باید سر شب منزل کنی و از نیمه شب تا پایان آن روانه شوی و مبادا در راه رفتن صدایت را به آواز بلند کنی. - . محاسن: ۳۷۵ -

**[ترجمه]

«۲۹»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام عَنْ جَابِرٍ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: نَهَی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ يَطْرُقَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ لَيْلًا إِذَا جَاءَ مِنَ الْغَيْبَةِ حَتَّی يُؤْذِنَهُمْ (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق از پدرش علیه السّلام، از جابر انصاری، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که آن حضرت نهی کرده از اینکه کسی چون از سفر باز می آید، شبانه بر خاندان خود در کوبد، جز آنکه به آنها خبر داده باشد.
- . محاسن: ۳۷۷ -

**[ترجمه]

«۳۰»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ دَاوُدَ الرَّقِّيِّ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِلَی يَنْبُعَ قَالَ وَ خَرَجَ عَلَيَّ وَ عَلَيْهِ خُفٌّ أَحْمَرُ قَالَ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا هَذَا الْخُفُّ الَّذِی أَرَاهُ عَلَيْكَ قَالَ خُفٌّ اتَّخَذْتُهُ لِلسَّفَرِ وَ هُوَ أَبْقَی عَلَی الطِّينِ وَ الْمَطَرِ قَالَ قُلْتُ فَأَتَّخِذُهَا وَ أَلْبَسُهَا فَقَالَ أَمَّا لِلسَّفَرِ فَنَعَمْ وَ أَمَّا الْخُفُوفُ فَلَا تَعْدِلْ بِالسُّودِ شَيْئاً(۴).

**[ترجمه]محاسن: داود رقی گفت: با امام صادق به ینبع (بندری در ساحل دریای سرخ) بیرون شدم و آن حضرت کفش سرخ به پا داشت. گوید: گفتم: قربانت! این چه کفشی است که در پای شما می بینم؟ فرمود: آن را برای سفر گرفته ام که در گل و باران پاینده تر است. پرسیدم: من هم از آن بگیرم بپوشم؟ فرمود: برای سفر بله، اما بهترین کفش ها، کفش سیاه است.
- . محاسن: ۳۷۸ -

**[ترجمه]

«۳۱»

مکا، [مكارم الأخلاق] عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: لَيْسَ مِنَ الْمُرُوَّةِ أَنْ يُحَدِّثَ الرَّجُلُ بِمَا يَلْقَی فِی السَّفَرِ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ.

عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: أَوْصَانِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ أُوصِيكَ بِتَقْوَی اللَّهِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ حُسْنِ الصِّحَابَةِ لِمَنْ صَحِبَكَ وَ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَنْ خَالَطْتَ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ يَدُكَ الْعُلْيَا عَلَيْهِ فَافْعَلْ.

عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: الرَّفِيقَ ثُمَّ السَّفَرَ.

۱- ۱. هکـذا فی بعض نسـخ المحـاسن، و فی بعضـها:« و علیـک بقراءه کتاب اللّه عزّ و جلّ» و هو الظاهر فانها من وصایا لقمان لنبی علیه السلام.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۷۵.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۷۷.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۷۸.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: حَقُّ الْمُسَافِرِ أَنْ یُقِیمَ عَلَیْهِ إِخْوَانُهُ إِذَا مَرِضَ ثَلَاثاً.

وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: فِی سَفَرٍ خَرَجَ فِیهِ حَاجّاً مَنْ کَانَ سَیِّئَ الْخُلُقِ وَ الْجِوَارِ فَلَا یَصْحَبْنَا.

عَنِ الْحَلَبِیِّ قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ علیه السلام عَنِ الْقَوْمِ یَصْطَحِبُونَ فَیَکُونُ فِیهِ الْمُوسِرُ وَ غَیْرُهُ أَ یُنْفِقُ عَلَیْهِمُ الْمُوسِرُ قَالَ إِنْ طَابَتْ بِذَلِکَ أَنْفُسُهُمْ.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: سَیِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِی السَّفَرِ.

وَ مِنْ کِتَابِ شَرَفِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله رُوِیَ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: أَنَّهُ أَمَرَ أَصْحَابَهُ بِذَبْحِ شَاةٍ فِی سَفَرٍ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ عَلَیَّ ذَبْحُهَا وَ قَالَ الْآخَرُ عَلَیَّ سَلْخُهَا وَ قَالَ آخَرُ عَلَیَّ قَطْعُهَا وَ قَالَ آخَرُ عَلَیَّ طَبْخُهَا فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَیَّ أَنْ أَلْقُطَ لَکُمُ الْحَطَبَ فَقَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ لَا تُتْعِبَنَّ بِآبَائِنَا وَ أُمَّهَاتِنَا أَنْتَ نَحْنُ نَکْفِیکَ قَالَ عَرَفْتُ أَنَّکُمْ تَکْفُونِی وَ لَکِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یَکْرَهُ مِنْ عَبْدِهِ إِذَا کَانَ مَعَ أَصْحَابِهِ أَنْ یَنْفَرِدَ مِنْ بَیْنِهِمْ- فَقَامَ صلی الله علیه و آله یَلْقُطُ الْحَطَبَ لَهُمْ (۱) وَ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ یَا بُنَیَّ سَافِرْ بِسَیْفِکَ وَ خُفِّکَ وَ عِمَامَتِکَ وَ خِبَائِکَ وَ سِقَائِکَ وَ خُیُوطِکَ وَ مِخْرَزِکَ وَ تَزَوَّدْ مَعَکَ مِنَ الْأَدْوِیَهِ مَا تَنْتَفِعُ بِهِ أَنْتَ وَ مَنْ مَعَکَ وَ کُنْ لِأَصْحَابِکَ مُوَافِقاً إِلَّا فِی مَعْصِیَهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ فِی رِوَایَهٍ بَعْضِهِمْ وَ قَوْسِکَ تَذَاکَرَ النَّاسُ عِنْدَ الصَّادِقِ علیه السلام أَمْرَ الْفُتُوَّهِ فَقَالَ تَظُنُّونَ أَنَّ الْفُتُوَّهَ بِالْفِسْقِ وَ الْفُجُورِ إِنَّمَا الْفُتُوَّهُ وَ الْمُرُوَّهَ طَعَامٌ مَوْضُوعٌ وَ نَائِلٌ مَبْذُولٌ وَ نَشْرٌ مَعْرُوفٌ وَ أَذًی مَکْفُوفٌ فَأَمَّا تِلْکَ فَشَطَارَهٌ وَ فِسْقٌ ثُمَّ قَالَ مَا الْمُرُوَّهُ فَقَالَ النَّاسُ مَا نَعْلَمُ قَالَ الْمُرُوَّهُ وَ اللَّهِ أَنْ یَضَعَ الرَّجُلُ خِوَانَهُ بِفِنَاءِ دَارِهِ وَ الْمُرُوَّهُ مُرُوَّتَانِ مُرُوَّهٌ فِی السَّفَرِ وَ مُرُوَّهٌ فِی الْحَضَرِ فَأَمَّا الَّتِی فِی الْحَضَرِ فَتِلَاوَهُ الْقُرْآنِ وَ لُزُومُ الْمَسَاجِدِ وَ الْمَشْیُ مَعَ الْإِخْوَانِ فِی الْحَوَائِجِ وَ النِّعْمَهُ تُرَی عَلَی الْخَادِمِ فَإِنَّهَا تَسُرُّ الصَّدِیقَ وَ تَکْبِتُ الْعَدُوَّ وَ أَمَّا الَّتِی فِی السَّفَرِ فَکَثْرَهُ الزَّادِ وَ طِیبُهُ وَ بَذْلُهُ لِمَنْ کَانَ مَعَکَ- وَ کِتْمَانُکَ عَلَی الْقَوْمِ أَمْرَهُمْ بَعْدَ مُفَارَقَتِکَ إِیَّاهُمْ وَ کَثْرَهُ الْمِزَاحِ فِی غَیْرِ مَا یُسْخِطُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ثُم

ص: ۲۷۳

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۲۸۶- ۲۸۸.

قَالَ علیه السلام وَ الَّذِی بَعَثَ جَدِّی مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله بِالْحَقِّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَیَرْزُقُ الْعَبْدَ عَلَی قَدْرِ الْمُرُوَّهِ فَإِنَّ الْمَعُونَهَ تَنْزِلُ عَلَی قَدْرِ الْمَئُونَهِ وَ إِنَّ الصَّبْرَ یَنْزِلُ عَلَی قَدْرِ شِدَّهِ الْبَلَاءِ(۱).

مِنْ کِتَابِ الْمَحَاسِنِ: ذُکِرَ عِنْدَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله رَجُلٌ فَقِیلَ لَهُ خَیْرٌ قَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ خَرَجَ مَعَنَا حَاجّاً فَإِذَا نَزَلْنَا لَمْ یَزَلْ یُهَلِّلَ اللَّهَ حَتَّی نَرْتَحِلَ فَإِذَا ارْتَحَلْنَا لَمْ یَزَلْ یَذْکُرُ اللَّهَ حَتَّی نَنْزِلَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَمَنْ کَانَ یَکْفِیهِ عَلَفَ دَابَّتِهِ وَ یَصْنَعُ طَعَامَهُ قَالُوا کُلُّنَا قَالَ کُلُّکُمْ خَیْرٌ مِنْهُ (۲).

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَعَانَ مُؤْمِناً مُسَافِراً نَفَّسَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثاً وَ سَبْعِینَ کُرْبَهً وَ أَجَارَهُ فِی الدُّنْیَا مِنَ الْغَمِّ وَ الْهَمِّ وَ نَفَّسَ عَنْهُ کَرْبَهُ الْعَظِیمَ یَوْمَ یَغَصُّ النَّاسُ بِأَنْفَاسِهِمْ.

عَنْ یَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام تَکُونُ مَعِیَ الدَّرَاهِمُ فِیهَا تَمَاثِیلُ وَ أَنَا مُحْرِمٌ فَأَجْعَلُهَا فِی هِمْیَانِی وَ أَشُدُّهُ فِی وَسَطِی قَالَ لَا بَأْسَ هِیَ نَفَقَتُکَ وَ عَلَیْهَا اعْتِمَادُکَ بَعْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

عَنْهُ علیه السلام قَالَ: إِذَا سَافَرْتُمْ فَاتَّخِذُوا سُفْرَهً وَ تَنَوَّقُوا فِیهَا(۳).

عَنْ نَصْرٍ الْخَادِمِ قَالَ: نَظَرَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام إِلَی سُفْرَهٍ عَلَیْهَا حَلَقُ صُفْرٍ فَقَالَ انْزِعُوا هَذِهِ وَ اجْعَلُوا مَکَانَهَا حَدِیداً فَإِنَّهُ لَا یُقْذِرُ شَیْئاً مِمَّا فِیهَا مِنَ الْهَوَامِّ.

عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله قَالَ: زَادُ الْمُسَافِرِ الْحُدَاءُ وَ الشِّعْرُ مَا کَانَ مِنْهُ لَیسَ فِیهِ خَنًا(۴).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: مروت نیست که کسی هر چه از خوب و بد در سفر دیده باز گوید.

عمار بن مروان گفت: امام صادق علیه السّلام به من سفارش کرد به تقوا، پرداخت امانت، راستگویی و خوشرفتاری با همسفر، و لا قوه الا بالله.

و امام باقر علیه السّلام فرمود: چون با کسی همراهی کنی، اگر توانی دستت بالای دست او باشد.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: اول رفیق و آنگاه سفر.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: حق همسفر این است که چون بیمار شود، برادران همسفرش تا سه روز با او بمانند.

و پیغمبر صلی الله علیه و آله به سفری روانه بود و فرمود: هر که بدخو و بدهمسایه است، یار ما نشود .

حلبی گفت: از امام باقر علیه السّلام از گروهی همسفر پرسیدم که توانگر و مستمند همراهند، آیا توانگر بدانها خرج کند؟ فرمود: اگر دلشان به آن خوش است، باکی ندارد.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: آقای هر گروه آن است که خدمت کند به همسفرانش.

کتاب شرف النبی: از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است که در سفری به یارانش فرمود: گوسفندی کشتند، یکی گفت سر بریدنش با من و دیگری گفت پوست کندنش با من و دیگری گفت که تکه کردنش با من و دیگری گفت پختنش با من و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من هم هیزمش را فراهم می کنم. گفتند: یا رسول الله! به پدران و مادرانمان قسم که خود را به رنج نیفکن، ما تو را بس باشیم! فرمود: می دانم، ولی خدا عزوجل بد دارد بنده ای که از میان یارانش تک باشد. و برخاست و برایشان هیزم فراهم کرد. - . مکارم الاخلاق: ۲۸۶- ۲۸۸ -

و لقمان به پسرش گفت: پسر جانم! سفر کن به همراه شمشیرت و کفشت و عمامه ات و روپوشَت و مَشک آبت و سوزنت و نخ هایت و انبانت، و با خود هر دارو بردار که تو و هر که با تو است از آن سود بری، و با همسفرانت هم آهنگ باش، جز در نافرمانی خدا. و برخی به آن افزودند: «و با کمانت.»

مردم در حضور امام صادق علیه السّلام درباره مردانگی گفتگو می کردند. آن حضرت فرمود: می پندارید که مردانگی به فسق و هرزگی است؟ همانا مردانگی و مروت خوراکی است نهاده برای مهمان، و بخششی است آماده، و ترویج کار خیر است، و جلوگیری از آزار. و اما آنچه گویند رندی و فسق است. سپس فرمود: مروت چیست؟ مردم گفتند: ندانیم. فرمود: به خدا مروت این است که کسی سفره در آستانه خانه اش گسترد، و دو مروت باشد، یکی در سفر و دیگری در حضر، اما در حضر خواندن قرآن است و چسبیدن به مساجد، و همکاری با برادران در انجام نیازها و خوش پوشی خدمتکار که دوست را شاد کند و دشمن را سرکوب نماید. و اما در سفر، فراوانی توشه خوب و بخشش آن به همراهان، پرده پوشی بر آنان پس از جدایی و بر شوخی کردن در غیر آنچه خدا که عزوجل را به خشم آورد است. سپس فرمود: بدان که جدم محمد را خدا عزوجل به حق فرستاده و بنده را در خور مروتش روزی دهد، زیرا کمک به اندازه خرج نازل شود، و صبر در خور سختی بلا باشد. - . مکارم الاخلاق: ۲۹۱ -

محاسن: نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله نام مردی برده شد و به خوبی از او یاد شد. گفتند: یا رسول الله! وی با ما به حج آمد و چون فرود می آمدیم، پیوسته «لا اله الا الله» می گفت تا بکوچیم و باز پیوسته ذکر خدا می گفت تا فرود آییم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه کسی مرکبش را علف می داد و خوراکش را می ساخت؟ گفتند: همه ما. فرمود: پس همه شما از او بهترید. - . مکارم الاخلاق: ۳۰۴ -

و فرمود: هر که مؤمن مسافری را کمک دهد، خدا هفتاد و سه گره کارش را بگشاید و در دنیا از غم و هم پناهش دهد و گرفتاری بزرگ او را، روزی که همه مردم در خود فرو رفته اند برطرف سازد.

یعقوب بن سالم گفت: به امام صادق علیه السّلام گفتم: مرا پولی است که عکس بر آن است و من مُحرم باشند، آنها را در همیانم بنهم و به کمرم بندم؟ فرمود: باکی ندارد، آن هزینه تو است و پس از خدای عزوجل به آن اعتماد داری.

و از آن حضرت است که: چون سفر کنید، سفره بردارید و در آن خوراک خوب بنهید. - . یعنی جود کنید و توشه خود را پاک و نیک کنید. -

از نصر خادم نقل است که امام کاظم علیه السّلام به سفره ای نگاه کرد که حلقه های زرد داشت و فرمود: آنها را بکنید و به جایشان حلقه آهنی نهید که حشرات بدان چه در آن است نیفتند و پلیدش نکنند.

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: توشه مسافر آواز و شعر است که در آن ناهنجاری - . الخنی: فحش دادن و اشعار هجویه. - نباشد. - . مکارم الاخلاق: ۳۰۶ -

**[ترجمه]

«۲۹»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِیِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: أَرْبَعَهٌ لَا عُذْرَ لَهُمْ رَجُلٌ عَلَیْهِ دَیْنٌ مُحَارَفٌ [فِی] بِلَادِهِ لَا عُذْرَ لَهُ حَتَّی یُهَاجِرَ فِی الْأَرْضِ یَلْتَمِسُ مَا یَقْضِی دَیْنَهُ وَ رَجُلٌ أَصَابَ عَلَی بَطْنِ امْرَأَتِهِ رَجُلًا لَا عُذْرَ لَهُ حَتَّی یُطَلِّقَ لِئَلَّا یَشْرِکَهُ فِی الْوَلَدِ غَیْرُهُ وَ رَجُلٌ لَهُ مَمْلُوکٌ

ص: ۲۷۴

۱- ۱. مکارم الأخلاق ص ۲۹۱.

۲- ۲. مکارم الأخلاق ص ۳۰۴.

۳- ۳. أی تجودوا، و اجعلوا زادکم طیبا حسنا.

۴- ۴. الخنی: الفحش من الکلام، و لعلّ المراد انشاد الاشعار الهجائیه، راجع مکارم الأخلاق ص ۳۰۶.

سَوْءٍ فَهُوَ يُعَذِّبُهُ لَا عُذْرَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَبِيعَ وَ إِمَّا أَنْ يُعْتِقَ وَ رَجُلَانِ اصْطَحَبَا فِی السَّفَرِ هُمَا يَتَلَاعَنَانِ لَا عُذْرَ لَهُمَا حَتَّی يَفْتَرِقَا(۱).

**[ترجمه]نوادر راوندی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چهارنفرند که عذری ندارند: مردی که دین دارد و در وطنش بدبخت است، عذری ندارد که در روی زمین بگردد و بجوید آنچه دینش را بدهد؛ مردی که روی زنش را مردی دیده، عذری ندارد جز اینکه طلاقش دهد تا دیگری شریک فرزندش نباشد؛ کسی که غلام بدی دارد و شکنجه اش می کند، عذری ندارد جز که او را بفروشد یا آزاد کند؛ و دو همسفر که به هم لعن کنند، عذری ندارند جز اینکه جدا شوند. - . نوادر راوندی: ۲۷ -

**[ترجمه]

«۳۰»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنِ الْمُفِيدِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ بِلَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكٍ رَفَعَهُ إِلَی الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ مَنْ صَحِبَكَ قُلْتُ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِی قَالَ فَمَا فَعَلَ قُلْتُ مُنْذُ دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ لَمْ أَعْرِفْ مَكَانَهُ فَقَالَ لِی أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ مَنْ صَحِبَ مُؤْمِناً أَرْبَعِينَ خُطْوَةً سَأَلَهُ اللَّهُ عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

وَ قَالَ الْمُفِيدُ وَجَدْتُ فِی بَعْضِ الْأُصُولِ حَدِيثاً لَمْ يَحْضُرْنِی الْآنَ إِسْنَادُهُ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام قَالَ: مَنْ صَحِبَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ فِی طَرِيقٍ فَتَقَدَّمَهُ فِيهِ بِقَدْرِ مَا يَغِيبُ عَنْهُ بَصَرُهُ فَقَدْ ظَلَمَهُ (۲).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: مفضل بن عمر گفت: نزد امام صادق علیه السّلام رفتم و به من فرمود: همسفرت که بود؟ گفتم یکی از برادران. فرمود: او چه کرد؟ گفتم: از آنگاه که به مدینه آمدیم، جایش را نمی دانم. به من فرمود: ندانی کسی که چهل گام همراه مؤمنی باشد، روز قیامت خدا درباره او از او سوال کند؟

مفید (ره) گفته: در حدیثی بی سند از امام صادق علیه السّلام است که فرمود: هر که در راهی مؤمنی را همسفر شد و به اندازه ای که چشم رس نباشد از او پیش افتد، به او ستم کرده است. - . امالی شیخ طوسی ۲: ۲۷ -

**[ترجمه]

«۳۱»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ،: قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فِی سَفَرٍ مَنْ كَانَ يُسِیءُ الْجِوَارَ فَلَا يُصَاحِبْنَا وَ قَالَ صلی الله علیه و آله احْتَمِلِ الْأَذَی عَمَّنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ وَ أَصْغَرُ مِنْكَ وَ خَيْرٌ مِنْكَ وَ شَرٌّ مِنْكَ فَإِنَّكَ إِنْ كُنْتَ كَذَلِكَ تَلْقَی اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يُبَاهِی بِكَ الْمَلَائِكَةَ وَ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ تَزَوَّدْ مَعَكَ الْأَدْوِيَةَ فَتَنْتَفِعُ بِهَا أَنْتَ وَ مَنْ مَعَكَ وَ كُنْ لِأَصْحَابِكَ مُوَافِقاً إِلَّا فِی مَعْصِيَةِ اللَّهِ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: پیغمبر صلی الله علیه و آله در سفری فرمود: هر که بد همسایه است با ما همراه نشود. و فرمود: آزار را از سالخورده تر از خود و کم سال تر از خود و بهتر و بدتر از خود تحمل کن که اگر چنین باشی، خدا جل جلاله به

وجود تو بر فرشته ها ببالد.

لقمـان به پسـرش گفت: با خود از داروها توشه بردار که تو و همراهت از آن سود بریـد، و با همسـفرانت سازگار باش، جز در نافرمانی خدا.

**[ترجمه]

«۳۲»

کِتَابُ صِفِّینَ، قَالَ: لَمَّا تَوَجَّهَ عَلِیٌّ علیه السـلام إِلَی صِفِّینَ انْتَهَی إِلَی سَابَاطَ ثُمَّ إِلَی مَدِینَهِ بَهُرَسِیرَ وَ إِذَا رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ یُقَالُ لَهُ حَرِیزُ بْنُ سَهْمٍ مِنْ بَنِی رَبِیعَهَ یَنْظُرُ إِلَی آثَارِ کِسْرَی وَ هُوَ یَتَمَثَّلُ بِقَوْلِ ابْنِ یَعْفُرَ التَّمِیمِی:

جَرَتِ الرِّیَاحُ عَلَی مَکَانِ دِیَارِهِمْ**فَکَأَنَّمَا کَانُوا عَلَی مِیعَادٍ

فَقَـالَ عَلِیٌّ علیه السـلام أَ فَلَـا قُلْتَ کَمْ تَرَکُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَ عُیُونٍ- وَ زُرُوعٍ وَ مَقـامٍ کَرِیمٍ- وَ نَعْمَهٍ کـانُوا فِیهـا فـاکِهِینَ- کَـذلِکَ وَ أَوْرَثْناها قَوْماً آخَرِینَ- فَما بَکَتْ عَلَیْهِمُ

ص: ۲۷۵

۱- ۱. نوادر الراوندیّ: ۲۷، و المحارف ضد المبارک و هو المحروم یطلب و لا یرزق.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۷.

السَّماءُ وَ الْأَرْضُ وَ ما كانُوا مُنْظَرِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ كَانُوا وَارِثِينَ فَأَصْبَحُوا مَوْرُوثِينَ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَمْ يَشْكُرُوا النِّعْمَهَ فَسُلِبُوا دُنْيَاهُمْ بِالْمَعْصِيَهِ إِيَّاكُمْ وَ كُفْرَ النِّعَمِ لَا تَحِلَّ بِكُمُ النِّقَمُ (۱).

**[ترجمه]کتاب صفین: چون علی علیه السّلام رو به صفین رفت، به ساباط رسید و سپس به شهر «بهرسیر» رسید. در آنجا یکی از یارانش به نام حریز بن سهم از بنی ربیعه نگاهی به آثار کسری کرد و به شعر ابن یعفر تمیمی مثل آورد که:

به جای خانه هاشان باد جاری، که گویی منزلی موقت بوده است علی علیه السّلام فرمود: چرا نگفتی: «کم ترکوا من جنات و عیون- و زروع و مقام کریم- و نعمه کانوا فیها فاکهین- کذلک و أورثناها قوما آخرین- فما بکت علیهم السماء و الأرض و ما کانوا منظرین.» -. دخان / ۲۵ - ۲۹ - {[وه!] چه باغ ها و چشمه سارانی [که آنها بعد از خود] بر جای نهادند، و کشتزارها و جایگاه های نیکو، و نعمتی که از آن برخوردار بودند.آری، این چنین بود و آنها را به مردمی دیگر میراث دادیم. و آسمان و زمین بر آنان زاری نکردند و مهلت نیافتند.} اینان وارث بودند و موروث شدند، شکر نعمت نکردند و برای نافرمانی از آنها سلب شد، مبادا نعمت را ناسپاس شوید که به نقمت دچار گردید. -. بحارالانوار ۷۱:۳۲۷ -

**[ترجمه]

باب ۵۰ آداب السیر فی السفر و هو من الباب السابق أیضا

الأخبار

«۱»

سن، [المحاسن] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام: أَنَّ قَوْماً مُشَاهً أَدْرَکَهُمُ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فَشَکَوْا إِلَیْهِ شِدَّهَ الْمَشْیِ فَقَالَ لَهُمُ اسْتَعِینُوا بِالنَّسْلِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: پیغمبر به گروهی پیاده رسید و آنها از سختی راه رفتن به آن حضرت شکوه کردند. به آنها فرمود: از هروله کمک گیرید. -. محاسن: ۳۷۷ -

**[ترجمه]

«۲»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ بَزِیعٍ عَنْ مُنْذِرِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ یَحْیَی بْنِ طَلْحَهَ النَّهْدِیِّ قَالَ قَالَ لَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: سِیرُوا وَ انْسِلُوا فَإِنَّهُ أَخَفُّ عَلَیْکُمْ (۳).

**[ترجمه]محاسن: طلحه نهدی گفت: امام

صادق علیه السّلام به ما فرمود: راه روید و هروله کنید که بر شما سبک تر باشد. -. محاسن: ۳۷۷ -

**[ترجمه]

«۳»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عليهما السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله رَأَى قَوْماً قَدْ جَهَدَهُمُ الْمَشْيُ فَقَالَ اخْبُبُوا انْسِلُوا فَفَعَلُوا فَذَهَبَ عَنْهُمُ الْإِعْيَاءُ(۴).

**[ترجمه]محاسن: از امام صادق، از پدرش علیهما السّلام نقل فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مردمی را دید که راه رفتن آنها را به سختی افکنده بود. فرمود: لوکه راه روید، و چنان کردند و خستگی آنها رفت. - . محاسن: ۳۷۷ -

**[ترجمه]

«۴»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: جَاءَتِ الْمُشَاةُ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله فَشَكَوْا إِلَيْهِ الْإِعْيَاءَ فَقَالَ عَلَيْكُمْ بِالنَّسَلَانِ فَفَعَلُوا فَأَذْهَبَ عَنْهُمُ الْإِعْيَاءَ وَ كَأَنَّمَا نَشِطُوا مِنْ عِقَالٍ.

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام مِثْلَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ عَلَيْكُمْ بِالنَّسَلَانِ فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِالْإِعْيَاءِ وَ يَقْطَعُ الطَّرِيقَ (۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السلام فرمود: پیادگان نزد پیغمبر آمدن و از الإعیاء (عجز و ناتوانی که از راه رفتن زیاد ایجاد می شود) شکایت کردند. فرمود: بر شما باد به با شتاب رفتن(هروله). پس آن را کردند و الإعیاء (خستگی) از آنها رفت و گویا ریسمان از پای شتر باز شد و با نشاط گردید

محاسن مانند آن را آورده است، جز این که فرمود: «بر شما باد به لوکه رفتن که آن خستگی را می برد و راه را کم می کند.» - . محاسن: ۳۷۷ -

**[ترجمه]

«۵»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِی هَاشِمٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ

ص: ۲۷۶

۱- ۱. راجع ج ۷۱ ص ۳۲۷ من هذه الطبعه.

۲- ۲. المحاسن: ۳۷۷، و النسلان: سرعه المشى شبه العدو، و مثله الخبب: تقع احدى القدمين على الأرض بعد رفع الأخرى و كأنّه الهروله.

۳- ۳. المحاسن: ۳۷۷، و النسلان: سرعه المشى شبه العدو، و مثله الخبب: تقع احدى القدمين على الأرض بعد رفع الأخرى و كأنّه الهروله.

۴- ۴. المحاسن: ۳۷۷، و النسلان: سرعه المشى شبه العدو، و مثله الخبب: تقع احدى القدمين على الأرض بعد رفع الأخرى و كأنّه الهروله.

۵- ۵. المحاسن: ۳۷۷، و النسلان: سرعه المشى شبه العدو، و مثله الخبب: تقع احدى القدمين على الأرض بعد رفع الأخرى و كأنّه الهروله.

أَبِي يَحْيَى الْمَدَنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: رَاحَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مِنْ كُرَاعِ الْغَمِيمِ فَصَفَّ لَهُ الْمُشَاةُ وَ قَالُوا نَتَعَرَّضُ لِدَعْوَتِهِ- فَقَالَ صلى الله عليه و آله اللَّهُمَّ أَعْطِهِمْ أَجْرَهُمْ وَ قَوِّهِمْ ثُمَّ قَالَ لَوِ اسْتَعَنْتُمْ بِالنَّسَلَانِ لَخُفِّفَ أَجْسَامُكُمْ وَ قَطَعْتُمُ الطَّرِيقَ فَفَعَلُوا فَخُفِّفَ أَجْسَامُهُمْ (۱).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در «کراع الغمیم» (منزلی میان مکه و مدینه) راحت باش داد. پس پیاده ها برایش در صف شدند و گفتند که از او دعوت کنیم تا سان ببیند. آن حضرت گفت: خدایا! به آنها اجر و نیرو بده. سپس فرمود: اگر به هروله رفتن یاری جویید، پیکرهاتان سبک شود و راه را ببرید. و چنان کردند و پیکرشان سبک شد. - . محاسن: ۳۷۸ -

**[ترجمه]

«۶»

سن، [المحاسن] عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْمَكِّيِّ قَالَ: تَعَرَّضَتِ الْمُشَاةُ النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله بِكُرَاعِ الْغَمِيمِ لِيَدْعُوَ لَهُمْ فَدَعَا لَهُمْ وَ قَالَ خَيْراً وَ قَالَ عَلَيْكُمْ بِالنَّسَلَانِ وَ الْبُكُورِ وَ شَيْ ءٍ مِنَ الدَّلَجِ فَإِنَّ الْأَرْضَ تُطْوَى بِاللَّيْلِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: پیاده ها از رسول خدا صلی الله علیه و آله در کراع الغمیم (منزلی میان مکه و مدینه) خواستند تا برایشان دعا کند. پس برایشان دعا کرد و فرمود: بر شما باد به لوکه رفتن. و فرمود: بامداد بروید و کمی از آخر شب که زمین در شب نوردیده شود. - . محاسن: ۳۷۸ -

**[ترجمه]

«۷»

مکا، [مكارم الأخلاق] قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: سَيْرُ الْمَنَازِلِ يُفْنِي الزَّادَ وَ يُسِي ءُ الْأَخْلَاقَ وَ يُخْلِقُ الثِّيَابَ وَ السَّيْرُ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ.

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: إِذَا أَعْيَا أَحَدُكُمْ فَلْيُهَرْوِلْ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: إِذَا ضَلَلْتُمُ الطَّرِيقَ فَتَيَامَنُوا(۳).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: دو منزل یکی کردن، توشه را نابود کند، و اخلاق را زشت می کند، و جامه ها را می فرساید. و حد گردش در تفرج هیجده میل است

و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: چون کسی خسته و وامانده شود، لوکه رود.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: چون راه گم کنید، به سمت راست راه بروید. - . مکارم الاخلاق: ۳۰۵ -

**[ترجمه]

«۸»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: عَلَیْکُمْ بِالْبِکْرِ وَ إِنْ بَارَتْ وَ الْجَادَّهِ وَ إِنْ دَارَتْ وَ بِالْمَدِینَهِ وَ إِنْ جَارَتْ.

وَ قَالُوا علیهم السلام: إِذَا أَرَدْتَ السَّیْرَ فَلْیَکُنْ مَسِیرُکَ فِی طَرْفَیِ النَّهَارِ وَ انْزِلْ وَسَطَهُ وَ سِرْ فِی آخِرِ اللَّیْلِ وَ لَا تَسِرْ فِی أَوَّلِهِ.

وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: اتَّقِ الْخُرُوجَ بَعْدَ نَوْمَهٍ فَإِنَّ لِلَّهِ دوابا [دَوَابَ] یَبُثُّهَا یَفْعَلُونَ ما یُؤْمَرُونَ.

وَ قَالُوا علیهم السلام: تَقُولُ فِی مَسِیرِکَ اللَّهُمَّ خَلِّ سَبِیلَنَا وَ أَحْسِنْ تَسْیِیرَنَا وَ أَحْسِنْ عَافِیَتَنَا وَ أَکْثِرْ مِنَ التَّکْبِیرِ وَ التَّحْمِیدِ وَ التَّسْبِیحِ وَ الِاسْتِغْفَارِ فَإِنَّ السَّفَرَ قِطْعَهٌ مِنَ الْعَذَابِ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: امیر مؤمنین علیه السّلام فرمود: بر شما باد به دوشیزه، گرچه کساد باشد، و بر جاده شوسه، گرچه پیچ دارد، و بر شهرنشینی، گرچه ستم آورد.

و ائمه علهیم السلام فرمودند: چون سیر کردن خواهی، در دو سوی روز باشد و در نیم روز منزل کن و آخر شب راه رو و در آغازش مرو.

و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: بپرهیز از برون شدن پس از خوابکی که خدا را جاندارانی است که پراکنده سازد و {بکُنند آنچه را که فرمان دارند.}

و ائمه علهیم السلام فرمودند: در راه رفتن بگو: خدایا! راه ما را باز کن و سیر ما را خوش کن و عافیت ما را نیکو دار. و بسیار تکبیر و حمد و تسبیح بگو و استغفار کن که سفر تکه ای است از عذاب .

**[ترجمه]

«۹»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ بَزِیعٍ عَنْ مُنْذِرِ بْنِ حَفْصٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: سِیرُوا الْبَرْدَیْنِ قُلْتُ إِنَّا نَتَخَوَّفُ الْهَوَامَّ فَقَالَ إِنْ

۱- ۱. المحاسن: ۳۷۸.

۲- ۲. المحاسن: ۳۷۸.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۳۰۵.

أَصَابَكُمْ شَيْ ءٌ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ مَعَ أَنَّكُمْ مَضْمُونُونَ (۱).

**[ترجمه]محاسن: هشام بن سالم گفت: شنیدم که امام صادق علیه السّلام می فرمود: در دو خنکی (صبح و پسین) راه روید. گفتم: از گزنده ها بیم داریم. فرمود: اگر به شما چیزی رسد بهتر باشد، با اینکه شماها در امانید. - . محاسن: ۳۴۶ -

**[ترجمه]

«۱۰»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِالسَّيْرِ بِاللَّيْلِ لِأَنَّ الْأَرْضَ تُطْوَى بِاللَّيْلِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما باد راه رفتن در شب که زمین در آن نوردیده شود. - . محاسن: ۳۴۶ -

**[ترجمه]

«۱۱»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام إِذَا أَرَادَ سَفَراً أَدْلَجَ قَالَ وَ مِنْ ذَلِكَ حَدِيثُ الطَّائِرِ وَ الْخُفِّ وَ الْحَيَّهِ(۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون امیر مؤمنان علیه السّلام قصد سفر می کرد، آخر شب راه می رفت. فرمود: و از این است حدیث پرنده و کفش و مار - . محاسن: ۳۴۶ - (که حضرت کفشش را برای وضو در آورد و ماری در آن خزید و پرنده ای آن را بالا برد تا مار افتاد، و شاید مقصود این است که این حادثه در گردش شبانه آن حضرت بوده.)

**[ترجمه]

«۱۲»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْأَرْضَ تُطْوَى مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ (۴).

سن، [المحاسن] عن جمیل بن دراج: مثله (۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: بر شما باد راه رفتن در شب که زمین در آن نوردیده شود. - . محاسن: ۳۴۶ -

محاسن: به سندی مانند آن را آورده است. - . محاسن: ۳۴۶ -

**[ترجمه]

«۱۳»

سن، [المحاسن] عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ ابْنِ عَمِيرَةَ عَنْ بَشِيرٍ النَّبَّالِ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام يَقُولُ النَّاسُ تُطْوَی لَنَا الْأَرْضُ بِاللَّيْلِ كَيْفَ تُطْوَی قَالَ هَكَذَا ثُمَّ عَطَفَ ثَوْبَهُ (۶).

**[ترجمه]محاسن: حمران بن اعین گفت: به امام باقر علیه السّلام گفتم: این که مردم می گویند زمین برای ما در شب نوردیده شود چگونه باشد؟ فرمود: همچنین است، و جامه اش را برگرداند. - . محاسن: ۳۴۶ -

**[ترجمه]

«۱۴»

سن، [المحاسن] عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ رَفَعَهُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا نَزَلْتُمْ فُسْطَاطاً أَوْ خِبَاءً فَلَا تَخْرُجُوا فَإِنَّكُمْ عَلَی غِرَّةٍ(۷).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون در چادر یا خیمه منزل کردید، بیرون نیایید که در معرض دستبرد باشید. - . محاسن: ۳۴۷ ، و گویا حضرت خروج بعد از خواب و در نصف شب را اراده کرده است. -

**[ترجمه]

«۱۵»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِيَّاكُمْ وَ التَّعْرِيسَ عَلَی ظَهْرِ الطَّرِيقِ وَ بُطُونِ الْأَوْدِيَهِ فَإِنَّهَا مَدَارِجُ السِّبَاعِ وَ مَأْوَی الْحَيَّاتِ (۸).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرد که فرمود: بپرهیزید از جا گرفتن بر سر راه و درون دره ها که گردشگاه درنده ها و جایگاه مارها باشند. - . محاسن: ۳۶۴ -

**[ترجمه]

«۱۶»

سن، [المحاسن] عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ عَلِيٌّ علیه السلام قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا تَنْزِلُوا الْأَوْدِيَةَ فَإِنَّهَا مَأْوَى السِّبَاعِ

۱- ۱. المحاسن ص ۳۴۶.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۴۶.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۴۶.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۴۶.

۵- ۵. المحاسن ص ۳۴۶.

۶- ۶. المحاسن ص ۳۴۶.

۷- ۷. المحاسن ص ۳۴۷، و كأنّه صلّى اللّه عليه و آله أراد الخروج بعد نومه. و في نصف الليل.

۸- ۸. المحاسن ص ۳۶۴.

وَ الْحَيَّاتِ (۱).

**[ترجمه]محاسن: امام على عليه السّلام فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: منزل نكنيد در دره ها كه جايگاه درنده ها و مارهايند. - . محاسن: ۳۶۴ -

**[ترجمه]

«۱۷»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِذَا سَافَرْتَ فَلَا تَنْزِلِ الْأَوْدِيَهِ فَإِنَّهَا مَأْوَى الْحَيَّاتِ وَ السِّبَاعِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام كاظم از پدرش، از جدش عليهم السّلام، از رسول خدا صلى الله عليه و آله روايت مى كند كه فرمود: منزل نكنيد در دره ها كه جايگاه درنده ها و مارهايند. - . محاسن: ۳۶۴ -

**[ترجمه]

«۱۸»

سن، [المحاسن] عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: سِرْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِلَى مَكَّهَ فَسِرْنَا إِلَى بَعْضِ الْأَوْدِيَهِ فَقَالَ انْزِلُوا فِي هَذَا الْمَوْضِعِ وَ لَا تَدْخُلُوا الْوَادِيَ فَنَزَلْنَا فَمَا لَبِثْنَا أَنْ أَظَلَّتْنَا سَحَابَهٌ فَهَطَلَتْ عَلَيْنَا حَتَّى سَالَ الْوَادِي فَآذَى مَنْ كَانَ فِيهِ (۳).

**[ترجمه]محاسن: مفضل بن عمر گفت: به همراه امام صادق عليه السّلام به مكه مى رفتيم و به يک دره رسيديم. فرمود: اينجا منزل كنيد و به دره نرويد. و همان جا منزل كرديم و چيزى نگذشت كه ابرى بر ما سايه افكند و به تندى باريد و دره سيلابى شد و هر كه در آن بود، آزار نمود. - . محاسن: ۳۶۴ -

**[ترجمه]

«۱۹»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرِّفْقَ وَ يُعِينُ عَلَيْهِ فَإِذَا رَكِبْتُمُ الدَّوَابَّ الْعُجْفَ فَأَنْزِلُوهَا مَنَازِلَهَا فَإِنْ كَانَتِ الْأَرْضُ مُجْدِبَهً فَانْجُوا عَلَيْهَا وَ إِنْ كَانَتْ مُخْصِبَهً أَنْزِلُوهَا مَنَازِلَهَا(۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق از پدرانش، از امام على عليهم السّلام، از رسول خدا صلى الله عليه و آله روايت مى كند كه

فرمود: خداونـد مـدارا را دوست دارد و بدان کمک کند. چون سوار بر چهارپاهای لاغرید، آنها را به منزل مناسب فرود آرید، اگر زمین خشک است شتاب کنید و خود را نجات دهید و اگر سبزه است، آنها را منزل دهید. -. محاسن: ۳۶۱ -

**[ترجمه]

«۲۰»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِذَا سِرْتَ فِی أَرْضٍ مُخْصِبَةٍ فَارْفُقْ بِالسَّيْرِ وَ إِذَا سِرْتَ فِی أَرْضٍ مُجْدِبَةٍ فَعَجِّلْ بِالسَّيْرِ(۵).

**[ترجمه]محاسن: امام باقر علیه السّلام فرمود: چون در زمین سبزه و پر گیاه روانی، آرام برو و اگر به زمین خشک رسیدی، با شتاب برو. -. محاسن: ۳۶۱ -

**[ترجمه]

«۲۱»

سن، [المحاسن] عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا أَخْطَأْتُمُ الطَّرِيقَ فَتَيَامَنُوا(۶).

ص: ۲۷۹

۱- ۱. المحاسن ص ۳۶۴.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۶۴.

۳- ۳. المحاسن ص ۳۶۴.

۴- ۴. المحاسن: ۳۶۱، و العجف بـالضم جمع الاـعجف و هو المهزول، و قوله« فأنزلوها منازلها» أی کلفوها علی قـدر طاقتها، و قوله« فانجوا» أی فأسرعوا لتصلوا الی الماء و الکلاء.

۵- ۵. المحاسن: ۳۶۱، و العجف بـالضم جمع الاـعجف و هو المهزول، و قوله« فأنزلوها منازلها» أی کلفوها علی قـدر طاقتها، و قوله« فانجوا» أی فأسرعوا لتصلوا الی الماء و الکلاء.

۶- ۶. المحاسن ص ۳۶۲.

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون در راه خطا کردید، به سمت راست رو کنید. - . محاسن: ۳۶۲
-

**[ترجمه]

باب ۵۱ تشییع المسافر و تودیعه

الأخبار

«۱»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی الْجَهْمِ عَنْ مُوسَی بْنِ بَكْرٍ عَنِ النَّضْرِ عَنْ هِشَامٍ قَالَ: دَعَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام لِقَوْمٍ مِنْ أَصْحَابِهِ مُشَاةٍ حُجَّاجٍ فَقَالَ اللَّهُمَّ احْمِلْهُمْ عَلَی أَقْدَامِهِمْ وَ سَكِّنْ عُرُوقَهُمْ (۱).

**[ترجمه]محاسن: هشام گفت: امام صادق علیه السّلام برای گروهی از یارانش که پیاده به حج می رفتند، دعا کرد که: بار خدایا! آنان را بر سر گام هاشان بدار و رگ هاشان را آرام دار. - . محاسن: ۳۵۵ -

**[ترجمه]

«۲»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ مُوسَی بْنِ بَكْرٍ قَالَ: أَرَدْتُ وَدَاعَ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام فَكَتَبَ إِلَیَّ رُقْعَةً كَفَاكَ اللَّهُ الْمُهِمَّ وَ قَضَی لَكَ بِالْخَیْرِ وَ یَسَّرَ لَكَ حَاجَتَكَ فِی صُحْبَةِ اللَّهِ وَ كَنَفِهِ (۲).

**[ترجمه]محاسن: موسی بن بکر گفت: خواستم با امام کاظم علیه السّلام وداع کنم و برگی به من نوشت به این مضمون: خدا مهم تو را کفایت کند، خیر برایت مقدر سازد و حاجتت را در بودن با خدا و در سایه خود فراهم آورد. - . محاسن: ۳۵۶
-

**[ترجمه]

«۳»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ جَرِیرٍ الْجَرِیرِیِّ وَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَیْتِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَمَّا شَیَّعَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام أَبَا ذَرٍّ رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَیْهِ وَ شَیَّعَهُ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ وَ عَقِیلُ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ وَ عَمَّارُ بْنُ یَاسِرٍ علیهم السلام قَالَ لَهُمْ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَدِّعُوا أَخَاكُمْ فَإِنَّهُ لَا بُدَّ لِلشَّاخِصِ مِنْ أَنْ یَمْضِیَ وَ لِلْمُشَیِّعِ أَنْ یَرْجِعَ قَالَ فَتَكَلَّمَ كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ عَلَی حِیَالِهِ فَقَالَ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیهما السلام رَحِمَكَ اللَّهُ یَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ الْقَوْمَ إِنَّمَا امْتَهَنُوكَ بِالْبَلَاءِ لِأَنَّكَ مَنَعْتَهُمْ دِینَكَ فَمَنَعُوكَ دُنْیَاهُمْ فَمَا أَحْوَجَكَ غَداً إِلَی مَا مَنَعْتَهُمْ وَ أَغْنَاكَ عَمَّا مَنَعُوكَ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ

رَحِمَكَمُ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتٍ فَمَا لِی فِی الدُّنْیَا مِنْ شَجَنٍ غَیْرُکُمْ إِنِّی إِذَا ذَکَرْتُکَمْ ذَکَرْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون امیر مؤمنان علیه السّلام با حسن و حسین و عقیل ابن ابی طالب و عبدالله بن جعفر و عمار بن یاسر (رضی الله عنهم) ابوذر (ره) را بدرقه کرد، به همراهان فرمود: وداع کنید با برادر خود که به ناچار مسافر باید برود و بدرقه کننده باید برگردد، و هر کدام آنان به اندازه توان سخنی گفت. حسین بن علی علیه السّلام فرمود: رحمت خدا بر تو ای ابوذر! آن مردم تو را دچار بلا کردند، زیرا دین خود را از آنها دریغ داشتی و آنها دنیای خود را از تو دریغ داشتند و فردا است که تو نیازمندتری بدان چه از آنها دریغ داشتی و بی نیازتر از آنچه دریغت داشتند. ابوذر گفت: رحمت خدا بر شما از میان خاندان ها، مرا در دنیا غمی در دل نیست جز برای شما. همانا چون من شما را یاد کنم، به یاد رسول خدا صلی الله علیه و آله افتم. - . محاسن: ۳۵۳ -

**[ترجمه]

«۴»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنِ ابْنِ مُسْکَانَ وَ غَیْرِهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا وَدَّعَ الْمُؤْمِنَ قَالَ- رَحِمَکُمُ اللَّهُ وَ زَوَّدَکُمُ التَّقْوَی وَ وَجَّهَکُمْ إِلَی کُلِّ خَیْرٍ وَ قَضَی لَکُمْ کُلَّ حَاجَهٍ وَ سَلَّمَ لَکُمْ

ص: ۲۸۰

۱- ۱. المحاسن: ۳۵۵.

۲- ۲. المحاسن: ۳۵۶.

۳- ۳. المحاسن: ۳۵۳.

دِينَكَمْ وَ دُنْيَاكُمْ وَ رَدَّكُمْ سَالِمِينَ إِلَى سَالِمِينَ (۱).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون رسول خدا صلی الله علیه و آله با مؤمنی وداع می کرد، می فرمود: خدا شما را رحمت کند و تقوا به شما توشه دهد و روی شما را به هر خیر کند و هر حاجت شما را برآورد و دین و دنیاتان را سالم دارد و شما را سالم به بازماندگانِ سالمتان برگرداند. - . محاسن: ۳۵۴ -

**[ترجمه]

«۵»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ خَلَفِ بْنِ حَمَّادٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ وَ غَيْرِهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا وَدَّعَ مُسَافِراً أَخَذَ بِيَدِهِ ثُمَّ قَالَ أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الصِّحَابَةَ وَ أَكْمَلَ لَكَ الْمَعُونَةَ وَ سَهَّلَ لَكَ الْحُزُونَةَ وَ قَرَّبَ لَكَ الْبَعِيدَ وَ كَفَاكَ الْمُهِمَّ وَ حَفِظَ لَكَ دِينَكَ وَ أَمَانَتَكَ وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِكَ وَ وَجَّهَكَ لِكُلِّ خَيْرٍ عَلَيْكَ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهَ سِرْ عَلَى بَرَكَةِ اللَّهِ (۲).

**[ترجمه]محاسن : امام باقر علیه السّلام فرمود: روش رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که چون با مسافری وداع می کرد، دستش را می گرفت و می فرمود: خدا به خوشی همراهت باد، و کمک کاملی به تو دهد، و ناهمواری ها را برایت هموار کند، و دور را برایت نزدیک سازد، و حاجتت را کفایت کند و دین و امانت و سرانجام کارت را نگه دارد، و تو را به هر خیری متوجه سازد، بر تو باد به تقوا از خدا. تو را به خدا می سپارم، برو بر برکت خدا. - . محاسن: ۳۵۴ -

**[ترجمه]

«۶»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: وَدَّعَ علیه السلام رَجُلًا فَقَالَ- أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ نَفْسَكَ وَ أَمَانَتَكَ وَ دِينَكَ وَ زَوَّدَكَ زَادَ التَّقْوَى وَ وَجَّهَكَ اللَّهُ لِلْخَيْرِ حَيْثُ تَوَجَّهْتَ ثُمَّ قَالَ الْتَفَتَ إِلَيْنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَ هَذَا وَدَاعُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِعَلِيٍّ علیه السلام إِذَا وَجَّهَهُ فِي وَجْهٍ مِنَ الْوُجُوهِ (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام در وداع با مردی فرمود: تو را و امانت و دینت را به خدا می سپارم، خدا تقوا را توشه تو کند و هر جا که رو کنی، خیرت دهد. (راوی گفت) آنگاه به ما رو کرد و فرمود: این وداع رسول خداست با علی علیه السّلام هنگامی که او را به سویی می فرستاد. - . محاسن: ۳۵۴ -

**[ترجمه]

«۷»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کَانَ إِذَا وَدَّعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله رَجُلًا قَالَ- أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِینَکَ وَ أَمَانَتَکَ وَ خَوَاتِیمَ عَمَلِکَ وَ وَجَّهَکَ لِلْخَیْرِ حَیْثُ مَا تَوَجَّهْتَ وَ زَوَّدَکَ التَّقْوَی وَ غَفَرَ لَکَ الذُّنُوبَ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا هنگامی که با مردی وداع می کرد، می فرمود: تو را و دینت و امانتت و عاقبت عملت را به خدا می سپارم، خدا هر جا رو کنی خیرت دهد و تقوا را توشه تو کند و خدا گناهانت را بیامرزد. - . محاسن: ۳۵۴ -

**[ترجمه]

«۸»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ یَزِیدَ عَنْ عُبَیْدٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ رَجُلٍ عَنْ إِدْرِیسَ بْنِ یُونُسَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: وَدَّعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله رَجُلًا فَقَالَ لَهُ سَلَّمَکَ اللَّهُ وَ غَنَّمَکَ وَ الْمِیعَادُ لِلَّهِ (۵).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در وداع با مردی فرمود: خدایت سالم دارد و بهره مند کند، و میعاد از آن خداست. - . محاسن: ۳۵۵ -

**[ترجمه]

«۹»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ مُوسَی قَالَ: دَخَلْنَا عَلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام نُوَدِّعُهُ فَقَالَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا مَا أَذْنَبْنَا وَ هَا نَحْنُ مُذْنِبُونَ وَ ثَبِّتْنَا وَ إِیَّاهُمْ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْآخِرَهِ وَ الدُّنْیَا وَ عَافِنَا وَ إِیَّاهُمْ مِنْ شَرِّ مَا قَضَیْتَ فِی عِبَادِکَ وَ بِلَادِکَ فِی سَنَتِنَا هَذِهِ الْمُسْتَقْبَلَهِ وَ عَجِّلْ نَصْرَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ وَلِیِّهِمْ وَ اخْزِ عَدُوَّهُمْ عَاجِلًا(۶).

**[ترجمه]محاسن: حسین بن موسی گفت: برای وداع نزد امام صادق علیه السّلام رفتیم. فرمود: بار خدایا! بیامرز گناهان ما را که ما گنهکاریم، و بر جا دار ما را و آنها را به گفتار پا برجا در آخرت و دنیا، و عافیت ده ما را و آنها را از شر آنچه مقدر کردی برای بندگانت و سرزمین هایت در این سال آینده، و شتاب کن در نصرت آل محمد و دوستیشان، و به زودی دشمنشان را رسوا کن. - . محاسن: ۳۵۵ -

**[ترجمه]

«۱۰»

مکا، [مکارم الأخلاق]: مَنْ أَرَادَ أَنْ یُوَدِّعَ رَجُلًا فَلْیَقُلْ- أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِینَکَ وَ أَمَانَتَکَ

۱- ۱. المحاسن: ۳۵۴.

۲- ۲. المحاسن: ۳۵۴.

۳- ۳. المحاسن: ۳۵۴.

۴- ۴. المحاسن: ۳۵۴.

۵- ۵. المحاسن: ۳۵۵.

۶- ۶. المحاسن: ۳۵۵.

وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِكَ أَحْسَنَ اللَّهُ لَكَ الصَّحَابَهَ وَ أَعْظَمَ لَكَ الْعَافِيَهَ وَ قَضَى لَكَ الْحَاجَهَ وَ زَوَّدَكَ التَّقْوَى وَ وَجَّهَكَ لِلْخَيْرِ حَيْثُ مَا تَوَجَّهْتَ وَ رَدَّكَ سَالِماً غَانِماً.

مِنْ كِتَابِ الْمَحَاسِنِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: وَدَّعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله رَجُلًا فَقَالَ لَهُ سَلَّمَكَ اللَّهُ وَ غَنَّمَكَ (۱).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: هر كه خواهد كسى را وداع كند، بگويد: دين و امانتت را به خدا مى سپارم و سرانجام كارت را، خدا به خوشى همراهت باشد و به خوبى عافيت بخشد، نيازت را بر آورد و از تقوا توشه ات دهد، و رويت را به هر خيرى كند، و تو را سالم و بهره مند بر گرداند.

و در كتاب محاسن از امام صادق عليه السّلام نقل است كه فرمود: رسول خدا صلى الله عليه و آله با مردى وداع كرد و به او فرمود: خدا تو را سالم و بهره مند دارد. - . مكارم الاخلاق: ۲۸۶ -

**[ترجمه]

باب ۵۲ آداب الرجوع عن السفر

الأخبار

«۱»

شى، [تفسير العياشى] عَنِ ابْنِ سِنَانٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا سَافَرَ أَحَدُكُمْ فَقَدِمَ مِنْ سَفَرِهِ فَلْيَأْتِ أَهْلَهُ بِمَا تَيَسَّرَ وَ لَوْ بِحَجَرٍ فَإِنَّ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام كَانَ إِذَا ضَاقَ أَتَى قَوْمَهُ وَ إِنَّهُ ضَاقَ ضَيْقَهً فَأَتَى قَوْمَهُ فَوَافَقَ مِنْهُمْ أَزْمَهً فَرَجَعَ كَمَا ذَهَبَ فَلَمَّا قَرُبَ مِنْ مَنْزِلِهِ نَزَلَ عَنْ حِمَارِهِ فَمَلَأَ خُرْجَهُ رَمْلًا إِرَادَهَ أَنْ يُسَكِّنَ بِهِ مِنْ رُوحِ سَارَهَ فَلَمَّا دَخَلَ مَنْزِلَهُ حَطَّ الْخُرْجَ عَنِ الْحِمَارِ وَ افْتَتَحَ الصَّلَاهَ فَجَاءَتْ سَارَهُ فَفَتَحَتِ الْخُرْجَ فَوَجَدَتْهُ مَمْلُوءاً دَقِيقاً فَأَعْجَنَتْ مِنْهُ وَ أَخْبَزَتْ ثُمَّ قَالَتْ لِإِبْرَاهِيمَ انْفَتِلْ مِنْ صَلَاتِكَ وَ كُلْ فَقَالَ لَهَا أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ مِنَ الدَّقِيقِ الَّذِي فِي الْخُرْجِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ قَالَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْخَلِيلُ (۲).

**[ترجمه]تفسير عياشى: امام صادق عليه السّلام فرمود: چون كسى سفر كرد و از سفر آمد، براى خاندانش بدان چه تواند ارمغانى آورد، گرچه سنگى باشد. چون ابراهيم دچار تنگى مى شد، نزد قوم خود مى آمد، و در يک تنگى نزدشان آمد و دچار بحران بودند و با دست تهى بر گشت. چون نزديک منزلش رسيد، از الاغش فرود آمد و خورجين خود را پر از شن كرد تا روح ساره را آرام سازد و چون به منزل آمد، خورجين را از الاغ فرود آورد و به نماز ايستاد. ساره آمد و آن را گشود و ديد پر آرد است. پس از آن خمير كرد و نان پخت و به آن حضرت گفت: از نماز بار گير و بخور! به او فرمود: اين از كجا است؟ گفت: از آردى كه در خورجين است، و او سر به آسمان برداشت و گفت: گواهم كه تو خليل هستى. - . تفسير عياشى ۱: ۲۷۷

-

**[ترجمه]

«۲»

مکا، [مکارم الأخلاق] فِی الْقَوْلِ لِلْقَادِمِ مِنَ الْحَجِّ وَ غَیْرِهِ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله کَانَ یَقُولُ لِلْقَادِمِ مِنَ الْحَجِّ- تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْکَ وَ أَخْلَفَ عَلَیْکَ نَفَقَتَکَ وَ غَفَرَ ذَنْبَکَ.

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مَنْ عَانَقَ حَاجّاً بِغُبَارِهِ کَانَ کَمَنِ اسْتَلَمَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ

۱- ۱. مکارم الأخلاق: ۲۸۶.

۲- ۲. تفسیر العیّاشیّ ج ۱ ص ۲۷۷، ذیل قوله تعالی:« وَ اتَّخَذَ اللَّهُ إِبْراهِیمَ خَلِیلًا» و فی المطبوعه رمز المحاسن و هو سهو، و الحدیث مخرج فی ج ۱۲ ص ۱۱ من هذه الطبعه أیضا.

وَ إِذَا قَدِمَ الرَّجُلُ مِنَ السَّفَرِ وَ دَخَلَ مَنْزِلَهُ يَنْبَغِي أَنْ لَا يَشْتَغِلَ بِشَيْ ءٍ حَتَّى يَصُبَّ عَلَى نَفْسِهِ الْمَاءَ وَ يُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ وَ يَسْجُدَ وَ يَشْكُرَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ هَكَذَا هُوَ الْمَرْوِيُّ عَنْهُمْ لَمَّا رَجَعَ جَعْفَرٌ الطَّيَّارُ مِنَ الْحَبَشَةِ ضَمَّهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله إِلَى صَدْرِهِ وَ قَبَّلَ مَا بَيْنَ عَيْنَيْهِ وَ قَالَ مَا أَدْرِي بِأَيِّهِمَا أَنَا أَسَرُّ بِقُدُومِ جَعْفَرٍ أَمْ بِفَتْحِ خَيْبَرَ- وَ كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله يُصَافِحُ بَعْضُهُمْ بَعْضاً فَإِذَا قَدِمَ الْوَاحِدُ مِنْهُمْ مِنْ سَفَرٍ فَلَقِيَ أَخَاهُ عَانَقَهُ (۱).

وَ قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: إِذَا خَرَجَ أَحَدُكُمْ إِلَى سَفَرٍ ثُمَّ قَدِمَ عَلَى أَهْلِهِ فَلْيُهْدِهِمْ وَ لْيُطْرِفْهُمْ وَ لَوْ حِجَارَةً(۲).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: درباره خوشامد کسی که از سفر حج یا غیر آن آید، امام صادق علیه السّلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله برای کسی که از حج آمده، می فرمود: خدا از تو قبول کند و عوض هزینه ات را بدهد و گناهت را بیامرزد.

امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که با یک حاجی که هنوز گرد راه بر او است هم آغوش شود، گویا حجرالاسود را بوسیده است. و چون کسی از سفر آید و به منزلش در آید، سزا است که به کاری بند نشود تا خود را با آب بشوید و دو رکعت نماز بخواند و سجده کند و صد بار شکر گوید برای خدا. چنین روایت شده از آنان که هنگامی که جعفر طیار از حبشه برگشت، رسول خدا صلی الله علیه و آله او را به سینه چسباند و میان دو چشمش را بوسید و فرمود: ندانم به کدام از دو تا شادتر باشم؛ به آمدن جعفر یا به فتح خیبر. و شیوه یاران رسول خدا صلی الله علیه و آله این بود که با هم دست می دادند و چون یکی از آنها از سفر بازمی گشت و برادرش به او بر می خورد، هم آغوش می شدند. - . مکارم الاخلاق: ۳۰۰ -

پیغمبر فرمود هنگامی که یکی از شما به سفررفت و به اهلش برگشت، به آنها هدیه دهد و تحفه آورد، ولو به یک سنگ. - . مکارم الاخلاق: ۳۰۵ -

**[ترجمه]

باب ۵۳ ركوب البحر و آدابه و أدعيته

الآيات

البقرة: وَ الْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِما يَنْفَعُ النَّاسَ (۳)

يونس: هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ حَتَّى إِذا كُنْتُمْ فِي الْفُلْكِ وَ جَرَيْنَ بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَ فَرِحُوا بِها جاءَتْها رِيحٌ عاصِفٌ وَ جاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكانٍ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنْ أَنْجَيْتَنا مِنْ هذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ- فَلَمَّا أَنْجاهُمْ إِذا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِ (۴)

هود: وَ قالَ ارْكَبُوا فِيها بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۵)

إبراهيم: وَ سَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ (۶)

۱- ۱. مکارم الأخلاق: ۳۰۰.

۲- ۲. مکارم الأخلاق: ۳۰۵.

۳- ۳. البقره: ۱۶۴.

۴- ۴. یونس: ۲۲ و ۲۳.

۵- ۵. هود: ۴۱.

۶- ۶. إبراهيم: ۳۲.

النحل: وَ تَرَى الْفُلْکَ مَواخِرَ فِیهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (۱)

الإسراء: رَبُّکُمُ الَّذِی یُزْجِی لَکُمُ الْفُلْکَ فِی الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ کانَ بِکُمْ رَحِیماً وَ إِذا مَسَّکُمُ الضُّرُّ فِی الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِیَّاهُ فَلَمَّا نَجَّاکُمْ إِلَی الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ کانَ الْإِنْسانُ کَفُوراً- أَ فَأَمِنْتُمْ أَنْ یَخْسِفَ بِکُمْ جانِبَ الْبَرِّ أَوْ یُرْسِلَ عَلَیْکُمْ حاصِباً ثُمَّ لا تَجِدُوا لَکُمْ وَکِیلًا- أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ یُعِیدَکُمْ فِیهِ تارَةً أُخْری

فَیُرْسِلَ عَلَیْکُمْ قاصِفاً مِنَ الرِّیحِ فَیُغْرِقَکُمْ بِما کَفَرْتُمْ ثُمَّ لا تَجِدُوا لَکُمْ عَلَیْنا بِهِ تَبِیعاً(۲)

الحج: وَ الْفُلْکَ تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ (۳)

المؤمنون: وَ عَلَیْها وَ عَلَی الْفُلْکِ تُحْمَلُونَ (۴)

و قال تعالی: فَإِذَا اسْتَوَیْتَ أَنْتَ وَ مَنْ مَعَکَ عَلَی الْفُلْکِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی نَجَّانا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ- وَ قُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِی مُنْزَلًا مُبارَکاً وَ أَنْتَ خَیْرُ الْمُنْزِلِینَ (۵)

الروم: وَ لِتَجْرِیَ الْفُلْکُ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (۶)

لقمان: أَ لَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْکَ تَجْرِی فِی الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِیُرِیَکُمْ مِنْ آیاتِهِ إِنَّ فِی ذلِکَ لَآیاتٍ لِکُلِّ صَبَّارٍ شَکُورٍ- وَ إِذا غَشِیَهُمْ مَوْجٌ کَالظُّلَلِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَی الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَ ما یَجْحَدُ بِآیاتِنا إِلَّا کُلُّ خَتَّارٍ کَفُورٍ(۷)

فاطر: وَ تَرَی الْفُلْکَ فِیهِ مَواخِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّکُمْ تَشْکُرُونَ (۸)

یس: وَ آیَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنا ذُرِّیَّتَهُمْ فِی الْفُلْکِ الْمَشْحُونِ- وَ خَلَقْنا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ ما یَرْکَبُونَ- وَ إِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلا صَرِیخَ لَهُمْ وَ لا هُمْ یُنْقَذُونَ- إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَ مَتاعاً إِلی حِینٍ (۹)

۱- ۱. النحل: ۱۴.

۲- ۲. أسری: ۶۶- ۶۹.

۳- ۳. الحجّ: ۶۵.

۴- ۴. المؤمنون: ۲۲.

۵- ۵. المؤمنون: ۲۸.

۶- ۶. الروم: ۴۶.

۷- ۷. لقمان: ۳۱- ۳۲.

۸- ۸. فاطر: ۱۲.

۹- ۹. یس: ۴۱- ۴۴.

المؤمن: وَ عَلَيْها وَ عَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ (۱)

حمعسق: وَ مِنْ آياتِهِ الْجَوارِ فِی الْبَحْرِ كَالْأَعْلامِ- إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَواكِدَ عَلى ظَهْرِهِ إِنَّ فِی ذلِكَ لَآياتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ- أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِما كَسَبُوا وَ يَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ(۲)

الزخرف: وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَ الْأَنْعامِ ما تَرْكَبُونَ- لِتَسْتَوُوا عَلى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ- وَ إِنَّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ (۳)

الجاثيه: اللَّهُ الَّذِی سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِیَ الْفُلْكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۴)

الذاريات: فَالْجارِياتِ يُسْراً(۵)

الرحمن: وَ لَهُ الْجَوارِ الْمُنْشَآتُ فِی الْبَحْرِ كَالْأَعْلامِ (۶)

lt;meta info="- و الفلك التی تجری فی البحر بما ينفع الناس. - . بقره/ ۱۶۴ -

{و كشتی هايی كه در دريا روانند با آنچه به مردم سود می رساند.}

- هو الـذی يسيركم فی البر و البحر حتی إذا كنتم فی الفلك و جرين بهم بريح طيبه و فرحوا بها جاءتها ريح عاصف و جاءهم المومن كل مكان و ظنوا أنهم أحيط بهم دعوا الله مخلصين له الدين لئن أنجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين- فلما أنجاهم إذا هم يبغون فی الأرض بغير الحق. - . يونس/ ۲۲ - ۲۳ -

{و چون مردم را پس از آسيبی كه به ايشان رسيده است، رحمتی بچشانيم، بناگاه آنان را در آيات ما نيرنگی است. بگو: «نيرنگ خدا سريع تر است.» در حقيقت، فرستادگان [فرشتگان] ما آنچه نيرنگ می كنيد می نويسند... او كسی است كه شما را در خشكی و دريا می گرداند، تا وقتی كه در كشتی ها باشيد و آنها با بادی خوش، آنان را ببرند و ايشان بدان شاد شوند [بناگاه] بادی سخت بر آنها وَزَد و موج از هر طرف بر ايشان تازد و يقين كنند كه در محاصره افتاده اند، در آن حال خدا را پاكدلانه می خوانند كه: اگر ما را از اين [ورطه] برهانی، قطعاً از سپاسگزاران خواهيم شد.پس چون آنان را رهانيد، ناگهان در زمين بناحقّ سركشی می كنند.}

- و قال اركبوا فيها بسم الله مجراها و مرساها إن ربی لغفور رحيم. - . هود/ ۴۱ -

{و [نوح] گفت: در آن سوار شويد. به نام خداست روان شدنش و لنگر انداختنش، بی گمان پروردگار من آمرزنده مهربان است.}

- و سخر لكم الفلك لتجری فی البحر بأمره. - . ابراهيم/ ۳۲ -

{و كشتی را برای شما رام گردانيد تا به فرمان او در دريا روان شود.}

- و تری الفلک مواخر فیه و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون. - . نحل/ ۱۴ -

{و کشتی ها را در آن، شکافنده [آب] می بینی، و تا از فضل او بجویید و باشد که شما شکر گزارید.}

- ربکم الذی یزجی لکم الفلک فی البحر لتبتغوا من فضله إنه کان بکم رحیما و إذا مسکم الضر فی البحر ضل من تدعون إلا إیاه فلما نجاکم إلی البر أعرضتم و کان الإنسان کفورا- أ فأمنتم أن یخسف بکم جانب البر أو یرسل علیکم حاصبا ثم لا تجدوا لکم وکیلا- أم أمنتم أن یعیدکم فیه تاره أخری فیرسل علیکم قاصفا من الریح فیغرقکم بما کفرتم ثم لا تجدوا لکم علینا به تبیعا. - . اسری/۶۶- ۶۹ -

{پروردگار شما کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می آورد، تا از فضل او برای خود بجویید، چرا که او همواره به شما مهربان است.و چون در دریا به شما صدمه ای برسد، هر که را جز او می خوانید ناپدید [و فراموش] می گردد، و چون [خدا] شما را به سوی خشکی رهانید، رویگردان می شوید، و انسان همواره ناسپاس است. مگر ایمن شدید از اینکه شما را در کنار خشکی در زمین فرو برد یا بر شما طوفانی از سنگریزه ها بفرستد، سپس برای خود نگاهبانی نیابید.یا [مگر] ایمن شدید از اینکه بار دیگر شما را در آن [دریا] باز گرداند و تندبادی شکننده بر شما بفرستد و به [سزای] آنکه کفر ورزیدید غرقتان کند، آن گاه برای خود در برابر ما کسی را نیابید که آن را دنبال کند؟}

- و الفلک تجری فی البحر بأمره. - . حج/ ۶۵ -

{و کشتی ها در دریا به فرمان او روانند.}

- و علیها و علی الفلک تحملون. - . مؤمنون/ ۲۲ -

{و بر آنها و بر کشتی ها سوار می شوید.}

- فإذا استویت أنت و من معک علی الفلک فقل الحمد لله الذی نجانا من القوم الظالمین- و قل رب أنزلنی منزلا مبارکا و أنت خیر المنزلین. - . مؤمنون/ ۲۸ -

{و چون تو با آنان که همراه تواند بر کشتی نشستی بگو: ستایش خدایی را که ما را از [چنگ] گروه ظالمان رهانید.» و بگو: پروردگارا، مرا در جایی پربرکت فرود آور [که] تو نیکترین مهمان نوازانی.}

- و لتجری الفلک بأمره و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون. - . روم/ ۴۶ -

{و تا کشتی به فرمانش روان گردد، و تا از فضل او [روزی] بجویید، و امید که سپاسگزاری کنید.}

- أ لم تر أن الفلک تجری فی البحر بنعمت الله لیریکم من آیاته إن فی ذلک لآیات لکل صبار شکور- و إذا غشیهم موکالظلل دعوا الله مخلصین له الدین فلما نجاهم إلی البر فمنهم مقتصد و ما یجحد بآیاتنا إلا کل ختار کفور. - . لقمان/ ۳۱- ۳۲ -

{آیا ندیده ای که کشتی ها به نعمت خدا در دریا روان می گردند تا برخی از نشانه های [قدرت] خود را به شما بنمایاند؟ قطعاً در این [قدرت نمایی،] برای هر شکیبای سپاسگزاری، نشانه هاست. و چون موجی کوه آسا آنان را فرا گیرد، خدا را بخوانند و اعتقاد [خود] را برای او خالص گردانند، و [لی] چون نجاتشان داد و به خشکی رساند، برخی از آنان میانه رو هستند، و نشانه های ما را جز هر خائن ناسپاسگزاری انکار نمی کند.}

ـ و تری الفلک فیه مواخر لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون. - . فاطر/ ۱۲ -

{و کشتی را در آن، موج شکاف می بینی تا از فضلِ او [روزی خود را] جستجو کنید، و امید که سپاس بگزارید.}

- و آیه لهم أنا حملنا ذریتهم فی الفلک المشحون- و خلقنا لهم من مثله ما یرکبون- و إن نشأ نغرقهم فلا صریخ لهم و لا هم ینقذون- إلا رحمه منا و متاعا إلی حین. - . یس/ ۴۱- ۴۴ -

{و نشانه ای [دیگر] برای آنان اینکه: ما نیاکانشان را در کشتیِ انباشته، سوار کردیم. و مانند آن برای ایشان مرکوب ها [ی دیگری] خلق کردیم. و اگر بخواهیم غرقشان می کنیم و هیچ فریادرسی نمی یابند و رویِ نجات نمی بینند. مگر رحمتی از جانب ما [شامل آنها گردد] و تا چندی [آنها را] برخوردار سازیم.}

- و علیها و علی الفلک تحملون. - . مؤمن/ ۸۰ -

{و بر آنها و بر کشتی حمل می شوید.}

- و من آیاته الجوار فی البحر کالأعلام- إن یشأ یسکن الریح فیظللن رواکد علی ظهره إن فی ذلک لآیات لکل صبار شکور- أو یوبقهن بما کسبوا و یعف عن کثیر. - . شوری/ ۳۲ -

{و از نشانه های او سفینه های کوه آسا در دریاست. اگر بخواهد باد را ساکن می گرداند و [سفینه ها] بر پشت [آب] متوقّف می مانند. قطعاً در این [امر] برای هر شکیبای شکرگزاری نشانه هاست یا به [سزایِ] آنچه [کشتی نشینان] مرتکب شده اند هلاکشان کند، و [لی] از بسیاری درمی گذرد.}

- و جعل لکم من الفلک و الأنعام ما ترکبون- لتستووا علی ظهوره ثم تذکروا نعمه ربکم إذا استویتم علیه و تقولوا سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین- و إنا إلی ربنا لمنقلبون. - . زخرف/ ۱۲- ۱۳ -

{و برای شما از کشتی ها و دام ها [وسیله ای که] سوار شوید قرار داد تا بر پُشت آن [ها] قرار گیرید، پس چون بر آن [ها] برنشستید، نعمت پروردگار خود را یاد کنید و بگویید: پاک است کسی که این را برای ما رام کرد و [گرنه] ما را یارای [رام ساختن] آنها نبود. و به راستی که ما به سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت.}

- الله الذی سخر لکم البحر لتجری الفلک فیه بأمره و لتبتغوا من فضله و لعلکم تشکرون. - . جاثیه/ ۱۲ -

{خدا همان کسی است که دریا را به سود شما رام گردانید، تا کشتی ها در آن به فرمانش روان شوند، و تا از فزون بخشی او [روزی خویش را] طلب نمایید، و باشد که سپاس دارید.}

- فالجاريات يسرا. - . ذاريات/ ٣ -

{و سَبُک سیران.}

- و له الجوار المنشآت فی البحر کالأعلام. - . الرحمن/ ٢۴ -

{و او راست در دریا سفینه های بادبان دارِ بلند همچون کوه ها.}

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

مع، [معانی الأخبار] عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمُذَكِّرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ الطَّبَرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ زَكَرِيَّا عَنْ خِرَاشٍ مَوْلَى أَنَسٍ عَنْ أَنَسٍ قَالَ: كَانَ أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَتَّجِرُونَ فِي الْبَحْرِ يَعْنِي أَنَّ التِّجَارَةَ فِي الْبَحْرِ وَ رُكُوبَهُ وَ لَيْسَ يَهِيجُ لَيْسَ مِنَ الْمَكْرُوهِ وَ هُوَ مِنَ الِانْتِشَارِ وَ الِابْتِغَاءِ الَّذِي أَذِنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَ فَإِذا قُضِيَتِ الصَّلاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ قَالَ رُوِيَ فِي رُكُوبِ الْبَحْرِ وَ النَّهْيِ عَنْهُ حَدِيثٌ (٧).

**[ترجمه]معانی الاخبار: انس گفت که اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در دریا تجارت می کردند،یعنی تجارت در دریا و سفر دریایی که در هیجان نباشد، بد نیست و از جمله پراکنده کردن است و روزی جستن است که خدا عزوجل آن را به گفته خود روا فرموده است: «فإذا قضیت الصلاه فانتشروا فی الأرض و ابتغوا من فضل الله.» - . جمعه / ١٠ - {و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جویا شوید.} و فرمود: درباره سوار شدن به دریا و نهی از آن حدیثی است. - . معانی الاخبار: ۴١٢ -

**[ترجمه]

«۲»

لی، [الأمالی للصدوق] عَنِ ابْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْقُرَشِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ كَرِهَ رُكُوبَ الْبَحْرِ

۱- ۱. المؤمن: ۸۰.

۲- ۲. الشوری: ۳۲.

۳- ۳. الزخرف: ۱۲- ۱۳.

۴- ۴. الجاثیه: ۱۲.

۵- ۵. الذاریات: ۳.

۶- ۶. الرحمن: ۲۴.

۷- ۷. معانی الأخبار: ۴۱۲.

فِي هَيَجَانِهِ وَ نَهَى عَنْهُ الْخَبَرَ(۱).

ل، [الخصال] عن أبيه عن سعد: مثله (۲).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: همانا خدا بد دارد سوار شدن بر دریا را که در هیجان است و از آن نهی کرده... تا آخر خبر. - . امالی صدوق: ۱۸۱ -

خصال: مانند این روایت را آورده است. - . خصال۲: ۱۰۲ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعِمِائَةِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مَنْ خَافَ مِنْكُمُ الْغَرَقَ فَلْيَقْرَأْ بِسْمِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ- ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيامَهِ وَ السَّماواتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمَّا يُشْرِكُونَ (۳).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه: امام علی علیه السّلام فرمود: هر کدام شما که از غرق شدن می ترسد، این آیه را بخواند: «بسم الله الملک الحق، ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَ الْأَرْضُ جَمِيعاً قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيامَهِ وَ السَّماواتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحانَهُ وَ تَعالى عَمَّا يُشْرِكُونَ.» - . خصال۲: ۱۶۰ -

**[ترجمه]

«۴»

فس، [تفسير القمی] عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ قَالَ: حَمَلْتُ مَتَاعاً إِلَى مَكَّهَ فَكَسَدَ عَلَيَّ فَجِئْتُ إِلَى الْمَدِينَهِ فَدَخَلْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا علیه السلام فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي قَدْ حَمَلْتُ مَتَاعاً إِلَى مَكَّهَ فَكَسَدَ عَلَيَّ وَ قَدْ أَرَدْتُ مِصْرَ فَأَرْكَبُ أَوْ بَرّاً فَقَالَ مِصْرُ الْحُتُوفِ تفيض [يُقَيَّضُ] إِلَيْهَا أَقْصَرُ النَّاسِ أَعْمَاراً قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَا تَغْسِلُوا رُءُوسَكُمْ بِطِينِهَا وَ لَا تَشْرَبُوا فِي فَخَّارِهَا فَإِنَّهُ يُورِثُ الذِّلَّهَ وَ يَذْهَبُ بِالْغَيْرَهِ ثُمَّ قَالَ لَا عَلَيْكَ أَنْ تَأْتِيَ مَسْجِدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ تُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ وَ تَسْتَخِيرَ اللَّهَ مِائَهَ مَرَّهٍ وَ مَرَّهً فَإِذَا عَزَمْتَ عَلَى شَيْ ءٍ وَ رَكِبْتَ الْبَرَّ فَإِذَا اسْتَوَيْتَ عَلَى رَاحِلَتِكَ فَقُلْ سُبْحانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ- وَ إِنَّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ فَإِنَّهُ مَا رَكِبَ أَحَدٌ ظَهْراً فَقَالَ هَذَا وَ سَقَطَ إِلَّا لَمْ يُصِبْهُ كَسْرٌ وَ لَا وَثْيٌ وَ لَا وَهْنٌ وَ إِنْ رَكِبْتَ بَحْراً فَقُلْ حِينَ تَرْكَبُ بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها وَ إِذَا ضَرَبَتْ بِكَ الْأَمْوَاجُ فَاتَّكِ عَلَى يَسَارِكَ وَ أَشِرْ إِلَى الْمَوْجِ بِيَدِكَ وَ قُلِ اسْكُنْ بِسَكِينَهِ اللَّهِ وَ قِرَّ بِقَرَارِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ فَرَكِبْتُ الْبَحْرَ وَ كَانَ إِذَا هَاجَ الْمَوْجُ قُلْتُ كَمَا أَمَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ فَيَتَنَفَّسُ الْمَوْجُ وَ لَا يُصِيبُنَا مِنْهُ شَيْ ءٌ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا السَّكِينَهُ قَالَ رِيحٌ مِنَ الْجَنَّهِ لَهَا وَجْهٌ كَوَجْهِ الْإِنْسَانِ وَ رَائِحَهٌ طَيِّبَهٌ وَ كَانَتْ مَعَ الْأَنْبِيَاءِ وَ تَكُونُ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ (۴).

۱- ۱. أمالی الصدوق: ۱۸۱.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۱۰۲.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۱۶۰.

۴- ۴. تفسیر القمّیّ ص ۶۰۸.

**[ترجمه]تفسیر علی بن ابراهیم قمی: علی بن اسباط گفت: کالایی به مکه بردم و کساد شد. به مدینه نزد امام رضا علیه السّلام آمدم و گفتم: قربانت! من کالایی به مکه بردم و کساد شده و می خواهم آن را به مصر ببرم، از دریای روم بروم یا از خشکی؟ فرمود: مصر مرگبار است، کسانی که کمترین عمر را دارند از میان مردم به آن رو کنند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سرهاتان را با گِل آن مشویید و در کوزه هایش آب نخورید که خواری آورد و غیرت را می برد. فرمود: زیانی برایت ندارد که به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله روی، دو رکعت نماز بخوانی و صد و یک بار از خدا خیر بخواهی و چون تصمیم گرفتی و در خشکی (نه دریا) سوار شدی، چون بر مرکبت جا گرفتی بگو: «سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ وَ إِنَّا إِلی رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ» که کسی نیست که بر پشت مرکبی سوار شود و آن را بگوید و از آن به زمین افتد، جز آنکه شکستی یا سستی و افسردگی به او نرسد. و اگر به دریا سوار شدی، وقت سوار شدن بگو: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْراها وَ مُرْساها.» و چون بر تو موج زد، به پهلوی چپت تکیه کن و با دست به موج اشاره کن و بگو: «اسْکُنْ بِسَکِینَهِ اللَّهِ وَ قِرَّ بِقَرَارِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّه.» علی بن اسباط گفت: سوار دریا شدم و چون موجی برمی خاست، همان را که امام به من فرموده بود می گفتم و از آن زیانی به ما نمی رسید. گفتم: قربانت! «سکینه» چیست؟ فرمود: یک باد بهشتی است که چهره آدمی و بوی خوشی دارد و با پیغمبران بود و با مؤمنان باشد. – . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۶۰۸ –

**[ترجمه]

أَقُولُ

سَیَأْتِی الْخَبَرُ فِی کِتَابِ الدُّعَاءِ بِرِوَایَهِ الْحِمْیَرِیِّ عَنِ ابْنِ عِیسَی عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ: قِرَّ بِوَقَارِ اللَّهِ وَ اهْدَأْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ فِیهِ فَإِنْ خَرَجْتَ بَرّاً فَقُلِ الَّذِی قَالَ اللَّهُ سُبْحانَ الَّذِی الْخَبَرَ(۱).

**[ترجمه]این خبر در «کتاب دعا» بیاید. ابن اسباط گفت: «قِرَّ بِوَقَارِ اللَّهِ وَ اهْدَأْ بِإِذْنِ اللَّهِ»، و در آن است که چون در خشکی بیرون شدی، آن را بگو که خدا فرمود: «سُبْحانَ الَّذِی...» تا آخر خبر. – . قرب الاسناد: ۲۱۸ –

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ ابْنِ یَزِیدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: لَیْسَ لِلْبَحْرِ جَارٌ وَ لَا لِلْمَلِکِ صَدِیقٌ وَ لَا لِلْعَافِیَهِ ثَمَنٌ وَ کَمْ مِنْ مُنْعَمٍ عَلَیْهِ وَ هُوَ لَا یَعْلَمُ (۲).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: دریا را پناهنده نباشد، و شاه را دوست نباشد، و عافیت را بها نباشد، و بسیار کس که نعمتی به او داده شده و نمی داند. – . خصال ۱: ۱۰۶ –

**[ترجمه]

باب ۵۴ فضل إعانه المسافرين و زيارتهم بعد قدومهم و آداب القادم من السفر

أقول

قد أوردنا بعض آداب القادم من السفر فی باب مفرد من كتاب الحج.

**[ترجمه]برخی آداب از سفر برگشتگان را در باب مفردی از کتاب حج آوردیم.

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

سن، [المحاسن] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَعَانَ مُؤْمِناً مُسَافِراً نَفَّسَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثاً وَ سَبْعِينَ كُرْبَهً وَ أَجَارَهُ فِی الدُّنْيَا مِنَ الْغَمِّ وَ الْهَمِّ وَ نَفَّسَ عَنْهُ كَرْبَهُ الْعَظِيمَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَا كَرْبُهُ الْعَظِيمُ قَالَ حَيْثُ يُغْشَى بِأَنْفَاسِهِمْ (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که مؤمن مسافری را کمک دهد، خدا هفتاد و سه گره کار او را بگشاید و در دنیا از غم و همّ او را پناه دهد و گره بزرگ او را بگشاید. گفته شد: یا رسول الله! گره بزرگ چیست؟ فرمود: آنجا که نفس ها بند آیند. -. محاسن: ۳۶۲ -

**[ترجمه]

«۲»

سن، [المحاسن] عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِی عَمْرٍو الْغِفَارِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: مَنْ أَعَانَ مُؤْمِناً مُسَافِراً عَلَى حَاجَهٍ نَفَّسَ اللَّهُ عَنْهُ ثَلَاثاً وَ عِشْرِينَ كُرْبَهً فِی الدُّنْيَا وَ اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ كُرْبَهً فِی الْآخِرَهِ حَيْثُ يُغْشَى عَلَى النَّاسِ بِأَنْفَاسِهِمْ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام نقل فرمود: هر که مسافر مؤمنی را در نیازی کمک دهد، خدا از او بیست و سه گرفتاری را در دنیا گشاید و هفتاد و دو تا در آخرت؛ آنجا که نفس بر مردم بند آید و گرفتار خود باشند. -. محاسن: ۳۶۲ -

**[ترجمه]

«۳»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله علیه و آله:

ص: ۲۸۷

۱- ۱. قرب الإسناد: ۲۱۸، و قد مر.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۱۰۶.

۳- ۳. المحاسن: ۳۶۲، و الظاهر یتشاغل الناس بأنفاسهم کما سیأتی عن نوادر الراوندیّ و قال فی الفقیه ج ۲ ص ۱۹۲« حیث یغص الناس بأنفاسهم» قال: و فی خبر آخر حیث یتشاغل الناس بأنفاسهم.

۴- ۴. المحاسن: ۳۶۲، و الظاهر یتشاغل الناس بأنفاسهم کما سیأتی عن نوادر الراوندیّ و قال فی الفقیه ج ۲ ص ۱۹۲« حیث یغص الناس بأنفاسهم» قال: و فی خبر آخر حیث یتشاغل الناس بأنفاسهم.

الْوَلِيمَهُ فِي أَرْبَعٍ الْعُرْسِ وَ الْخُرْسِ وَ هُوَ الْمَوْلُودُ يُعَقُّ عَنْهُ وَ يُطْعَمُ لَهُ وَ إِعْذَارٍ وَ هُوَ خِتَانُ الْغُلَامِ وَ الْإِيَابِ وَ هُوَ الرَّجُلُ يَدْعُو إِخْوَانَهُ إِذَا آبَ مِنْ غَيْبَتِهِ (۱).

**[ترجمه]محاسن: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ولیمه و مهمانی دادن در چهار چیز است: عروسی؛ در نوزاد که او را عقیقه کنند و برایش اطعام دهند؛ در ختنه کردن پسر بچه؛ و در بازگشت که چون کسی از غیابی برگردد، برادرانش را دعوت کند. - . محاسن: ۴۱۷ -

**[ترجمه]

«۴»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ أَعَانَ مُؤْمِناً مُسَافِراً فِي حَاجَهٍ نَفَّسَ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ ثَلَاثاً وَ سَبْعِينَ كُرْبَهً وَاحِدَهً فِي الدُّنْيَا مِنَ الْغَمِّ وَ الْهَمِّ وَ اثْنَتَيْنِ وَ سَبْعِينَ كُرْبَهً عِنْدَ الْكُرْبَهِ الْعُظْمَى قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ مَا الْكُرْبَهُ الْعُظْمَى قَالَ حَيْثُ يَتَشَاغَلُ النَّاسُ بِأَنْفُسِهِمْ حَتَّى إِنَّ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام يَقُولُ: أَسْأَلُكَ بِخُلَّتِي أَنْ لَا تُسَلِّمَنِي إِلَيْهَا(۲).

**[ترجمه]نوادر راوندی: امام صادق از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرمود: هر که مؤمن مسافری را در نیازی کمک کند، خدای تعالی از او هفتاد و سه گرفتاری را بگشاید، یکی در دنیا و از هر غم و هم آن و هفتاد و دو تا به هنگام گرفتاری بزرگ. گفته شد: یا رسول الله! گرفتاری بزرگ چیست؟ فرمود: آنجا که مردم به خود مشغولند، تا آنجا که ابراهیم علیه السّلام می گوید: از حضرت تو خواهشمندم به واسطه مقام دوستی و محبت خودم که مرا بدان واننهی. - . نوادر راوندی: ۸ -

**[ترجمه]

باب ۵۵ آداب الركوب و أنواعها و المياثر و أنواعها

الآيات

الزخرف: وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَ الْأَنْعامِ ما تَرْكَبُونَ- لِتَسْتَوُوا عَلى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَهَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ- وَ إِنَّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ (۳)

<meta info="- وَ جَعَلَ لَكمُ مِّنَ الْفُلْكِ وَ الْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ*لِتَسْتَوُاْ عَلىَ ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُواْ نِعْمَهَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُواْ سُبْحَانَ الَّذِى سَخَّرَ لَنَا هَاذَا وَ مَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ* وَ إِنَّا إِلىَ رَبِّنَا لَمُنقَلِبُون. - . زخرف/ ۱۲- ۱۴ -

{و برای شما از کشتی ها و دام ها [وسیله ای که] سوار شوید قرار داد تا بر پُشت آن [ها] قرار گیرید، پس چون بر آن [ها] برنشستید، نعمت پروردگار خود را یاد کنید و بگویید: پاک است کسی که این را برای ما رام کرد و [گرنه] ما را یارای [رام

ساختن] آنها نبود. و به راستی که ما به سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت.}

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

أَقُولُ قَدْ مَضَی فِی بَابِ مَکَارِمِ أَخْلَاقِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله بِأَسَانِیدَ کَثِیرَهٍ أَنَّهُ صلی الله علیه و آله قَالَ: خَمْسٌ لَسْتُ بِتَارِکِهِنَّ حَتَّی الْمَمَاتِ لِبَاسِیَ الصُّوفُ وَ رُکُوبِیَ الْحِمَارَ مُؤْکَفاً وَ أَکْلِی مَعَ الْعَبِیدِ وَ خَصْفِیَ النَّعْلَ بِیَدِی وَ تَسْلِیمِی عَلَی الصِّبْیَانِ لِتَکُونَ سُنَّهً مِنْ بَعْدِی (۴).

**[ترجمه]مؤلف:

در «باب مکارم اخلاق پیغمبر صلی الله علیه و آله» به چند سند بسیار گذشت که او فرموده: پنج چیز را تا دم مردن وا نَنَهم تا پس از من روش باشند: لباس پشمینه، سوار شدن بر الاغ پالان دار، خوردن با بردگان، پینه زدن نعلین خودم به دست خودم، و سلام دادن بر کودکان. - . بحارالانوار ۱۶: ۲۱۵ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال]: فِیمَا أَوْصَی بِهِ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله عَلِیّاً علیه السلام یَا عَلِیُّ الْعَیْشُ فِی ثَلَاثَهٍ دَارٍ قَوْرَاءَ وَ جَارِیَهٍ حَسْنَاءَ وَ فَرَسٍ قَبَّاءَ.

قال الصدوق رضی الله عنه الفرس القباء الضامر البطن یقال فرس أقب

۱- ۱. المحاسن ص ۴۱۷.

۲- ۲. نوادر الراوندیّ: ۸.

۳- ۳. الزخرف: ۱۲- ۱۴.

۴- ۴. راجع ج ۱۶ ص ۲۱۵ من هذه الطبعه و سیأتی الإشاره إلیه.

و قباء لأن الفرس يذكر و يؤنث و يقال للأنثى قباء لا غير(۱).

**[ترجمه]خصال: در سفارش پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام است که فرمود: ای علی! خوشی زندگی در سه چیز است: خانه پهناور، کنیزکی زیبا و اسبی کمر باریک (تندرو و خوشرو) .

صدوق (رضی الله عنه) «القباء» را به کمر باریک و شکم هشته تفسیر کرده، چون اسب مذکر و مونث دارد و به مونث فقط «قباء» گویند. - . خصال ۱: ۶۲ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] عَنِ الْخَلِيلِ عَنِ ابْنِ خُزَيْمَةَ عَنْ أَبِي مُوسَى عَنْ أَبِي الضَّحَّاكِ بْنِ مَخْلَدٍ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ حَبِيبٍ عَنْ جَمِيلٍ مَوْلَى عَبْدِ الْحَارِثِ عَنْ نَافِعِ بْنِ عَبْدِ الْحَارِثِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مِنْ سَعَادَهِ الْمُسْلِمِ سَعَهُ الْمَسْكَنِ وَ الْجَارُ الصَّالِحُ وَ الْمَرْكَبُ الْهَنِيءُ(۲).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از سعادت مسلمان، وسعت مسکن، همسایه خوب و مرکب راهوار است. - . خصال ۱: ۸۶ -

**[ترجمه]

«۴»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ مِنْ سَعَادَهِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يُشْبِهَهُ وَلَدُهُ وَ الْمَرْأَهَ الْجَمْلَاءَ ذَاتَ دِينٍ وَ الْمَرْكَبَ الْهَنِيءَ وَ الْمَسْكَنَ الْوَاسِعَ (۳).

**[ترجمه]قرب الاسناد: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از سعادت مسلمان است همانندی فرزندش به او، زن زیبا و دیندار، مرکب رهوار و مسکن وسیع. - . قرب الاسناد: ۵۱ -

**[ترجمه]

«۵»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنِ الْمَيَاثِرِ الْحُمْرِ الْخَبَرَ(۴).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا نهی کرد از زین های سرخ از جنس حریر و ابریشم. - . قرب

الاسناد: ۴۸ -

**[ترجمه]

«۶»

ب، [قرب الإسناد] عَنْهُمَا(۵) عَنْ حَنَانٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ علیه السلام: إِیَّاکَ أَنْ تَتَخَتَّمَ بِالذَّهَبِ فَإِنَّهَا حِلْیَتُکَ فِی الْجَنَّهِ وَ إِیَّاکَ أَنْ تَلْبَسَ الْقَسِّیَّ وَ إِیَّاکَ أَنْ تَرْکَبَ بِمِیثَرَهٍ حَمْرَاءَ فَإِنَّهَا مِنْ مَیَاثِرِ إِبْلِیسَ (۶).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: بپرهیز از پوشیدن انگشتر طلا- که آن زیور تو است در بهشت و بپرهیز از جام قسی (که از قس می آوردند که جایی در مصر یا شام بوده که جامه گل ترنجی تولید می کرده) و بپرهیز از سوار شدن به زین سرخ حریری که از زینت های شیطان است. - . قرب الاسناد: ۶۶ -

**[ترجمه]

«۷»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ ابْنِ جَبَلَهَ عَنْ أَبِی الْجَارُودِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ علیه السلام: لَا تَرْکَبْ بِمِیثَرَهٍ حَمْرَاءَ فَإِنَّهَا مِنْ مَرَاکِبِ إِبْلِیسَ (۷).

ص: ۲۸۹

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۶۲، و قد مر مشروحا فی ص ۱۴۸ فراجع.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۸۶.

۳- ۳. قرب الإسناد: ۵۱ و قد مر أیضا.

۴- ۴. قرب الإسناد: ۴۸، و المیاثر جمع میثره، هنه کهیئه المرفقه تتخذ للسرج کالصفه و سیأتی تمام الخبر فی الباب ۶۶.

۵- ۵. یعنی محمّد بن عبد الحمید و عبد الصمد بن محمّد.

۶- ۶. قرب الإسناد: ۶۶، و القسی من الثیاب: ما ینسب الی قس و هو موضع بین العریش و القرماء من أرض مصر، او هو قزی، فأبدلت الزای سینا، و منه« نهی عن لبس القسی» و قیل لعلی علیه السلام: ما القسیه؟ فقال: ثیاب تأتینا من الشام أو من مصر مضلعه فیها أمثال الأترج.

۷- ۷. علل الشرائع ج ۲ ص ۳۷ فی حدیث.

**[ترجمه]علل الشرائع: امام باقر علیه السّلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: بر زین های سرخ سوار مشو که از مراکب ابلیس باشند. - . علل الشرائع ۲: ۳۷ -

**[ترجمه]

«۸»

مع (۱)،[معانی الأخبار] عَنْ حَمْزَهَ الْعَلَوِیِّ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِیِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام: نَهَانِی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ لَا أَقُولُ نَهَاکُمْ عَنِ التَّخَتُّمِ بِالذَّهَبِ وَ عَنْ ثِیَابِ الْقَسِّیِّ وَ عَنْ مَیَاثِرِ الْأُرْجُوَانِ وَ عَنِ الْمَلَاحِفِ الْمُفْدَمَهِ وَ عَنِ الْقِرَاءَهِ وَ أَنَا رَاکِعٌ (۲).

ل، [الخصال] عن أبیه عن سعد عن أحمد و عبد الله ابنی محمد بن عیسی عن ابن أبی عمیر: مثله (۳)

**[ترجمه]معانی الاخبار: علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا نهی کرد و و نمی گویم شما را نهی نمود از پوشیدن انگشتر طلا، از جامه های قسی(لباسی بود که از مصر آورده می شد و در بافت آن ابریشم به کار رفته بود)، از زین های ارغوانی، از لحاف های سرخ پر رنگ، و از خواندن قرآن در رکوع. - . معانی الاخبار: ۳۰۱ -

خصال: مانندآن را آورده است. - . خصال ۱: ۱۳۹ -

**[ترجمه]

أقول

قد مضی کثیر من أخبار المیاثر فی باب الحریر و باب ألوان الثیاب و باب خاتم الفضه.

**[ترجمه]بسیاری از اخبار زین سرخ در «باب حریر» و «باب جامه های رنگارنگ» و «باب انگشتر نقره» گذشت.

**[ترجمه]

«۹»

ل، [الخصال] عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ: نَهَانَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنْ رُکُوبِ الْمَیَاثِرِ(۴).

**[ترجمه]خصال: براء بن عازب گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله ما را از سوار شدن بر زین سرخ ابریشمی نهی کرد. - . خصال ۲: ۱ -

**[ترجمه]

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَنْبَسَةَ بْنِ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: قَالَ لِی أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام قُمْ فَأَسْرِجْ لِی دَابَّتَیْنِ حِمَاراً وَ بَغْلًا فَأَسْرَجْتُ حِمَاراً وَ بَغْلًا وَ قَدَّمْتُ إِلَیْهِ الْبَغْلَ فَرَأَیْتُ أَنَّهُ أَحَبُّهُمَا إِلَیْهِ فَقَالَ مَنْ أَمَرَکَ أَنْ تُقَدِّمَ إِلَیَّ هَذَا الْبَغْلَ قُلْتُ اخْتَرْتُهُ لَکَ قَالَ وَ أَمَرْتُکَ أَنْ تَخْتَارَ لِی ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَحَبَّ الْمَطَایَا إِلَیَّ الْحُمُرُ فَقَالَ فَقَدَّمْتُ إِلَیْهِ الْحِمَارَ وَ أَمْسَکْتُ لَهُ بِالرِّکَابِ وَ رَکِبَ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَ عَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَ مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا

ص: ۲۹۰

۱- ۱. فی المطبوعه رمز المحاسن، و هو سهو لا یوجد فیه، و حمزه بن محمّد العلوی من مشایخ الصدوق رحمه اللّه.

۲- ۲. معانی الأخبار: ۳۰۱. و فیه: قال حمزه بن محمّد: القسی ثیاب یؤتی بها من مصر فیها حریر، و أصحاب الحدیث یقولون: القسی بکسر القاف و أهل مصر یقولون القسی یعنی بالفتح- تنسب الی بلاد یقال لها القس، هکذا ذکره القاسم بن سلام، و قال: قد رأیتها و لم یعرفها الأصمعی. أقول: الارجوان معرب ارغوان و المفدمه الأحمر القانئ.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۱۳۹.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۱ فی حدیث.

هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ- وَ إِنَّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ (۱).

**[ترجمه]محاسن: عبدالله بن عطا گفت: امام باقر علیه السّلام به من فرمود: برخیز و دو مَرکب سواری را زین کن، یک الاغ و یک قاطر. من هر دو را زین بستم و قاطر را پیش آن حضرت آوردم و تصور کردم که آن را بیشتر دوست دارد. فرمود: کی به تو فرمان داد که این قاطر را پیشم آوری؟ گفتم: من آن را برایت برگزیدم. فرمود: من به تو گفتم آن را برگزین؟ سپس فرمود: بهترین مرکب ها نزد من الاغ هایند. گفت: الاغ را نزدش بردم، رکاب را گرفتم و سوار شد و گفت: سپاس خدا راست که ما را به اسلام رهنمون شد، و قرآن به ما آموخت، و منت نهاد بر ما به محمد صلی الله علیه و آله. سپاس خدا را که این را برای ما مسخر کرد و ما فراهم آورش نبودیم و همانا که ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم و سپاس از آن پروردگار جهانیان است. - . محاسن: ۳۵۲ -

**[ترجمه]

«۱۱»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ مَشْيَخَتِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَ مَا يَسْتَحِي أَحَدُكُمْ أَنْ يُغَنِّيَ عَلَى دَابَّتِهِ وَ هِيَ تُسَبِّحُ (۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی از شماها شرم ندارد که بر پشت مرکبش آواز خواند و در حالی که مرکبش تسبیح خداوند را می گوید. - . محاسن: ۳۷۵ -

**[ترجمه]

«۱۲»

سن، [المحاسن] عَنِ النَّهِيكِيِّ عَنْ حَنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله: إِيَّاكَ أَنْ تَرْكَبَ بِمِيثَرَةٍ حَمْرَاءَ فَإِنَّهَا مِيثَرَةُ إِبْلِيسَ (۳).

**[ترجمه]محاسن: ابا عبدالله علیه السّلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: بپرهیز از زین سرخ ابریشمی که زین شیطان است. - . محاسن: ۶۲۹ -

**[ترجمه]

«۱۳»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ يَحْيَى الْمَدِينِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ علیهما السلام كَانَ يَرْكَبُ عَلَى قَطِيفَةٍ حَمْرَاءَ(۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: امام زین العابدین علیه السّلام روی قطیفه سرخ سوار می شد. - . محاسن: ۶۲۹ -

**[ترجمه]

«۱۴»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ الْمَکِّیِّ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام: انْطَلِقْ بِنَا إِلَی حَائِطٍ لَنَا فَدَعَا بِحِمَارٍ وَ بَغْلٍ فَقَالَ أَیُّهُمَا أَحَبُّ إِلَیْکَ فَقُلْتُ الْحِمَارُ فَقَالَ إِنِّی أُحِبُّ أَنْ تُؤْثِرَنِی بِالْحِمَارِ فَقُلْتُ الْبَغْلُ أَحَبُّ إِلَیَّ فَرَکِبَ الْحِمَارَ وَ رَکِبْتُ الْبَغْلَ فَلَمَّا مَضَیْنَا اخْتَالَ الْحِمَارُ فِی مِشْیَتِهِ حَتَّی هَزَّ مَنْکِبَیْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فَلَزِمَ قَرَبُوسَ السَّرْجِ فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ کَأَنِّی أَرَاکَ تَشْتَکِی بَطْنَکَ قَالَ وَ فَطَنْتَ إِلَی هَذَا مِنِّی إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله کَانَ لَهُ حِمَارٌ یُقَالُ لَهُ عُفَیْرٌ إِذَا رَکِبَهُ اخْتَالَ فِی مِشْیَتِهِ سُرُوراً بِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَتَّی یَهُزُّ مَنْکِبَیْهِ فَیَلْزَمُ قَرَبُوسَ السَّرْجِ فَیَقُولُ اللَّهُمَّ لَیْسَ مِنِّی وَ لَکِنْ ذَا مِنْ عُفَیْرٍ وَ إِنَّ حِمَارِی مِنْ سُرُورِی اخْتَالَ فِی مِشْیَتِهِ فَلَزِمْتُ قَرَبُوسَ السَّرْجِ وَ قُلْتُ اللَّهُمَّ هَذَا لَیْسَ مِنِّی وَ لَکِنْ هَذَا مِنْ حِمَارِی (۵).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی و کافی و رجال کشی و محاسن: عبدالله بن عطاء مکی گفت: امام باقر علیه السّلام ما را به طویله ما برد و الاغی و قاطری خواست و فرمود: کدام را بیشتر دوست داری؟ گفتم: الاغ را. فرمود: الاغ را به من واگذار. گفتم: قاطر را من بیشتر دوست دارم. پس آن حضرت سوار الاغ شد و من سوار قاطر شدم. چون به راه افتادیم، الاغ در راه رفتن خود به رقص آمد، تا دو شانه آن حضرت به لرز آمدند و به زین چسبید. گفتم: قربانت! گویا از شکمت شکایت داری؟ فرمود: تو متوجه این حال من شدی؟ همانا رسول خدا را الاغی بود به نام «عفیر» که چون سوارش می شد، از شادی حضور رسول خدا صلی الله علیه و آله به رقص می آمد، تا جای که دو شانه آن حضرت می لرزیدند و او به زین می چسبید و می فرمود: بار خدایا! این از من نیست، بلکه از عفیر است و این الاغ من هم از شادی حضور من، به رقص راه رفت و به زینش چسبیدم و گفتم: بار خدایا! این از من نیست، این از الاغ من است. - . تفسیر عیاشی۲: ۲۸۵ ، کافی ۸: ۲۷۶ ، رجال کشی: ۱۸۸، محاسن: ۳۵۲ -

**[ترجمه]

«۱۵»

مکا، [مکارم الأخلاق] قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: مَا عَثَرَتْ دَابَّتِی قَطُّ قِیلَ وَ لِمَ ذَلِکَ قَالَ لِأَنِّی لَمْ أَطَأْ زَرْعاً قَطُّ(۶).

ص: ۲۹۱

۱- ۱. المحاسن: ۳۵۲ فی حدیث و سیأتی تمامه فی هذا الباب.

۲- ۲. المحاسن: ۳۷۵.

۳- ۳. المحاسن: ۶۲۹.

۴- ۴. المحاسن: ۶۲۹.

۵- ۵. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۲۸۵ فی حدیث، و الروایه طویله مرویه فی جوامع متعدّده بحسب المقام، راجع الکافی ج ۸ ص ۲۷۶، رجال الکشّیّ: ۱۸۸، المحاسن: ۳۵۲.

۶- ۶. مکارم الأخلاق: ۳۰۱.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امیر مؤمنان فرمود: هرگز از روی مرکبم نیفتادم وسقوط نکردم. پرسیده شد: چرا؟ فرمود: زیرا من هرگز زراعتی را لگد نکردم. - . مکارم الاخلاق: ۳۰۱ -

**[ترجمه]

«۱۶»

الدُّرَّهُ الْبَاهِرَهُ مِنَ الْأَصْدَافِ الطَّاهِرَهِ، قَالَ: لَقِیَ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام الرَّشِیدَ حِینَ قُدُومِهِ إِلَی الْمَدِینَهِ عَلَی بَغْلَهٍ فَاعْتَرَضَ عَلَیْهِ فِی ذَلِکَ فَقَالَ تَطَأْطَأَتْ عَنْ خُیَلَاءِ الْخَیْلِ وَ ارْتَفَعَتْ عَنْ ذِلَّهِ الْعَیْرِ وَ خَیْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا(۱).

**[ترجمه]الدره الباهره: وقتی رشید به مدینه آمد، موسی بن جعفر علیه السّلام او را سوار بر قاطر برخورد کرد و رشید در این باره به آن حضرت اعتراض کرد. آن حضرت فرمود: از بزرگ منشی از اسب سواری فرود آمدم و از خواری، شترِ سواری خود را بالا بردم و بهترین امور میانه آنها است. - . کلینی در کافی ۶ :۵۴۰ روایت کرده -

**[ترجمه]

«۱۷»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، عَنْ أَبِی هَاشِمٍ قَالَ: رَکِبْتُ دَابَّهً فَقُلْتُ سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ قَالَ فَسَمِعَ مِنِّی أَحَدُ السِّبْطَیْنِ علیهما السلام وَ قَالَ لَا بِهَذَا أُمِرْتَ أُمِرْتَ أَنْ تَذْکُرَ نِعْمَهَ رَبِّکَ إِذَا اسْتَوَیْتَ عَلَیْهِ یَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ تَذْکُرُوا نِعْمَهَ رَبِّکُمْ إِذَا اسْتَوَیْتُمْ عَلَیْهِ فَقُلْتُ کَیْفَ أَقُولُ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنَا فِی خَیْرِ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ فَإِذَا أَنْتَ قَدْ ذَکَرْتَ نِعَماً عَظِیمَهً ثُمَّ تَقُولُ سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا الْآیَهَ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: ابی هاشم گفت: سوار مرکب شدم و گفتم: «سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ» و یکی از دو سبط علیه السّلام آن را از من شنید و فرمود: به این فرمان نداری، فرمانت این است که چون بر آن جا کردی، نعمت پروردگارت عزوجل را یاد کنی که می فرماید: «تذکروا نعمه ربکم إذا استویتم علیه.» {یاد کنید پروردگارتان را چون بر آن جا گرفتید.} گفتم: چگونه بگویم؟ فرمود بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَنَا فِی خَیْرِ أُمَّهٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاس» که نعمت های بزرگی را یاد کرده باشی. سپس بگویی «سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا...» تا آخر آیه.

**[ترجمه]

«۱۸»

مکا، [مکارم الأخلاق] رُوِیَ: أَنَّهُ یُقَالُ عِنْدَ الرُّکُوبِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَ عَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَ مَنَّ عَلَیْنَا بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ- وَ إِنَّا إِلی رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ- اللَّهُمَّ أَنْتَ الْحَامِلُ

عَلَى الظَّهْرِ وَ الْمُسْتَعَانُ عَلَى الْأَمْرِ وَ أَنْتَ الصَّاحِبُ فِي السَّفَرِ وَ الْخَلِيفَهُ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ اللَّهُمَّ أَنْتَ عَضُدِي وَ نَاصِرِي وَ إِذَا مَضَتْ بِكَ رَاحِلَتُكَ فَقُلْ فِي طَرِيقِكَ خَرَجْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ بِغَيْرِ حَوْلٍ مِنِّي وَ لَا قُوَّهٍ لَكِنْ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ قُوَّتِهِ

ص: ۲۹۲

۱- ۱. الدره الباهره مخطوط، و كلامه عليه السلام هذا كان حين حج الرشيد فلقيه موسى بن جعفر عليه السلام على بغله له فقال الرشيد: من مثلك فى حسبك و نسبك و تقدمك تلقانى على بغله؟ فقال عليه السلام: تطأطأت إلخ، و روى الكلينى فى الكافى ج ۶ ص ۵۴۰ عن علىّ بن إبراهيم رفعه قال: خرج عبد الصمد بن على و معه جماعه فبصر بأبى الحسن موسى عليه السلام مقبلا راكبا بغلا، فقال لمن معه: مكانكم حتّى أضحككم من موسى بن جعفر فلما دنا منه قال له: ما هذه الدابّه التى لا تدرك عليها الثار، و لا تصلح عند النزال؟ فقال عليه السلام: تطأطأت عن سموا الخيل، و تجاوزت قموء العير، و خير الأمور أوساطها. فأفحم عبد الصمد فما أحار جوابا. أقول عبد الصمد بن على، هو ابن عبد اللّه العباس بن عبد المطلب.

بَرِئْتُ إِلَيْکَ يَا رَبِّ مِنَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بَرَکَهَ سَفَرِی هَذَا وَ بَرَکَهَ أَهْلِهِ اللَّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ فَضْلِکَ الْوَاسِعِ رِزْقاً حَلَالًا طَيِّباً تَسُوقُهُ إِلَيَّ وَ أَنَا خَائِضٌ فِی عَافِيَهٍ بِقُوَّتِکَ وَ قُدْرَتِکَ اللَّهُمَّ إِنِّی سِرْتُ فِی سَفَرِی هَذَا بِلَا ثِقَهٍ مِنِّی بِغَيْرِکَ وَ لَا رَجَاءٍ لِسِوَاکَ فَارْزُقْنِی فِی ذَلِکَ شُکْرَکَ وَ عَافِيَتَکَ وَ وَفِّقْنِی لِطَاعَتِکَ وَ عِبَادَتِکَ حَتَّی تَرْضَی وَ بَعْدَ الرِّضَا(۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: روایت شده هنگام سوار شدن می فرمود: « الحمد لله الذی هدانا للإسلام و علمنا القرآن و من علینا بمحمد صلی الله علیه و آله، سبحان الذی سخر لنا هذا و ما کنا له مقرنین- و إنا إلی ربنا لمنقلبون و الحمد لله رب العالمین، اللهم أنت الحامل علی الظهر و المستعان علی الأمر و أنت الصاحب فی السفر و الخلیفه فی الأهل و المال و الولد اللهم أنت عضدی و ناصری و إذا مضت بک راحلتک فقل فی طریقک خرجت بحول الله و قوته بغیر حول منی و لا قوه لکن بحول الله و قوته برئت إلیک یا رب من الحول و القوه اللهم إنی أسألک برکه سفری هذا و برکه أهله اللهم إنی أسألک من فضلک الواسع رزقا حلالا- طیبا تسوقه إلی و أنا خائض فی عافیه بقوتک و قدرتک اللهم إنی سرت فی سفری هذا بلا ثقه منی بغیرک و لا رجاء لسواک فارزقنی فی ذلک شکرک و عافیتک و وفقنی لطاعتک و عبادتک حتی ترضی و بعد الرضا » { سپاس خدا راست که ما را به اسلام رهنمون شد، و قرآن به ما آموخت، و منت نهاد بر ما به محمد صلی الله علیه و آله، و سپاس خدا را که این را برای ما مسخر کرد و ما فراهم آورش نبودیم، و همانا که ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم و سپاس از آن پروردگار جهانیان است. خدایا! تویی بردارنده بر پشت و یاری دهنده بر هر کار، و یار در سفر، و سرپرست در خاندان و مال و فرزند. خدایا! تویی بازو و یارم. و چون مرکبت تو را برد، در راه بگو: بیرون شدم به حول و قوه خدا نه به حول و قوه خودم، بلکه به حول و قوه خدا. پروردگارا! پناه می برم به تو از حول و قوه تو. بار خدایا! برکت این سفرم و برکت اهلم را از تو خواهم. خدایا! از تو خواهم از فضل واسعت روزی حلال و پاک را به من دهی و من به قوت و قدرتت اندر عافیت باشم. بار خدایا! من به این سفر رفتم و به جز تو اعتماد ندارم و امیدی به جز تو ندارم، پس روزی کن مرا در آن شکر و عافیت، و توفیقم ده برای طاعت و عبادت خود تا خشنود باشی و بالاتر.} - . مکارم الاخلاق: ۲۸۴ -

**[ترجمه]

«۱۹»

غو، [غوالی اللئالی] فِی الْحَدِيثِ: أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله كَانَ إِذَا اسْتَوَی عَلَی رَاحِلَتِهِ خَارِجاً إِلَی سَفَرٍ كَبَّرَ ثَلَاثاً ثُمَّ قَالَ- سُبْحانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ- وَ إِنَّا إِلی رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ- اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ فِي سَفَرِنَا هَذَا الْبِرَّ وَ التَّقْوَی وَ مِنَ الْعَمَلِ مَا تَرْضَی

اللَّهُمَّ هَوِّنْ عَلَيْنَا سَفَرَنَا هَذَا وَ اطْوِ عَنَّا بُعْدَهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ وَعْثَاءِ السَّفَرِ وَ كَآبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْأَهْلِ وَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ فَإِذَا رَجَعَ قَالَ آيِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ (۲).

**[ترجمه]غوالی اللئالی: چون پیغمبر برای سفری بیرون می شد و بر مرکب خود قرار می گرفت، سه بار تکبیر می گفت و از آن پس می گفت: «سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ وَ إِنَّا إِلی رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ. بار خدایا! ما در این سفر از تو خواهانیم نیکی و تقوا و کار پسند تو را. خدایا! این سفر را بر ما آسان کن و دوری اش درنورد. خدایا! به تو پناه می برم از

رنج سفر و سختی برگشت و منظره بد در اهل و مال و فرزند.» و چون برمی گشت می گفت: «آئبون تائبون عابدون لربنا حامدون.» - . مستدرک نوری ۲: ۲۶ -

**[ترجمه]

«۲۰»

وَجَدْتُ بِخَطِّ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجُبَعِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ نَقْلًا مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ قَالَ قَالَ الشَّيْخُ الْعَالِمُ مُحَمَّدُ بْنُ مَكِّيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ حَامِدٍ أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَشْيَاخِنَا عَنِ الشَّيْخِ الْإِمَامِ صَفِيِّ الدِّينِ أَبِی الْفَضَائِلِ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ بْنِ عَبْدِ الْحَقِّ الْخَطِيبِ الْبَغْدَادِيِّ قَالَ أَخْبَرَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْحَقِ (۳)

بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ قَاضِی الْيَمَنِ إِجَازَةً عَنْ عَتِيقِ بْنِ سَلَامَةَ السَّلْمَانِيِّ عَنِ الْحَافِظِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِی الْقَاسِمِ عَلِيِّ بْنِ هِبَةِ اللَّهِ بْنِ عَسَاكِرَ ح: وَ حَدَّثَنِی السَّيِّدُ النَّسَّابَةُ الْعَلَّامَةُ الْفَقِيهُ الْمُؤَرِّخُ تَاجُ الدِّينِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ مَعِيَّةَ الْحَسَنِيُّ مِنْ لَفْظِهِ قَالَ أَخْبَرَنِی جَلَالُ الدِّينِ مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ الْوَاعِظُ إِجَازَةً قَالَ أَخْبَرَنَا تَاجُ الدِّينِ عَلِيُّ بْنُ أَنْجَبَ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ السَّاعِی الْمُؤَرِّخُ قَالَ أَنْبَأَنَا ابْنُ عَسَاكِرَ قَالَ أَنْبَأَنَا الشَّرِيفُ أَبُو الْبَرَكَاتِ عُمَرُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ حَمْزَةَ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ

۱- ۱. مكارم الأخلاق ص ۲۸۴.

۲- ۲. راجع مستدرك النوریّ ج ۲ ص ۲۶.

۳- ۳. فی المستدرك: محمّد بن إسحاق بن عبد اللّه.

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قِرَاءَةً بِالْكُوفَهِ بِمَسْجِدِ أَبِی إِسْحَاقَ السَّبِيعِيِّ فِی ذِی الْقَعْدَهِ سَنَهَ إِحْدَى وَ خَمْسِمِائَهٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْفَرَجِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلَّانَ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الْخَازِنِ الْمُعَدِّلُ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاضِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ الْجُعْفِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ رَبَاحٍ الْأَشْجَعِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْمُنْذِرِ يَعْنِی الطَّرِيفِيَّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ فَضْلٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَجْلَحِ الْكِنْدِيِّ الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ عَمْرِو بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَمْدَانِيِّ السَّبِيعِيِّ الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِی زُهَيْرٍ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْوَرِ الْهَمْدَانِيِّ الْكُوفِيِّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَبِی الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام: أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ بَابِ الْقَصْرِ فَوَضَعَ رِجْلَهُ فِی الْغَرْزِ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا اسْتَوَى عَلَى الدَّابَّهِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی أَكْرَمَنَا وَ حَمَلَنَا فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا- سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ- وَ إِنَّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ رَبِّ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ [(۱)](#) ثُمَّ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ لَيُعْجَبُ بِعَبْدِهِ إِذَا قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِی ذُنُوبِی إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ.

قال الحافظ ابن عساكر هذا حديث غريب من حديث أبی زهير الحارث الهمدانی و تفرد به الأجلح و إنما يحفظ من حديث أبی إسحاق عن أبی المغيره علی بن ربيعه الأسدی اللؤلؤی الكوفی عن علی كذلك أخرجه أبو داود عن مسدد بن مزهد و أخرجه الترمذی و النسائی عن قتيبه بن سعيد جميعا عن أبی الأحوص سلام بن سليمان الحنفی الكوفی عن أبی إسحاق و أبو الأحوص أحفظ من الأجلح و أوثق و رجال إسناده كلهم كوفيون قال الشيخ شمس الدين بن مكی رحمه الله قلت الغريب ما انفرد بروايته واحد متنا أو إسنادا و هنا من غريب الإسناد لأن المتن رواه غير واحد.

**[ترجمه]حارث همدانی از امیر مؤمنان نقل کرده که از قصر به در آمد و پا در رکاب نهاد و گفت: «بسم الله.» و چون بر مرکب نشست گفت: «سپاس خدا را که ما را گرامی داشت و به خشکی و دریا حمل کرد و از طیبات روزی داد و بر بسیاری از آفریده هایش ما را برتری داد. سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ إِنَّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ.، پروردگارا! گناهانم را بیامرز که جز تو گناهان را نیامرزد.» - . مستدرک ۲: ۲۷ - سپس فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: خدا از بنده ای خوشش آید که گوید: پروردگارا! گناهان مرا بیامرز که جز تو گناهان را نیامرزد.

**[ترجمه]

«۲۱»

لی، [الأمالی للصدوق] عَنِ ابْنِ إِدْرِيسَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِی جَمِيلَهَ عَنِ ابْنِ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ قَالَ: أَمْسَكْتُ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام بِالرِّكَابِ

۱- ۱. قابلناه علی نسخه المستدرک ج ۲ ص ۲۷.

وَ هُوَ يُرِيدُ أَنْ يَرْكَبَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ ثُمَّ تَبَسَّمَ فَقُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ رَأَيْتُكَ رَفَعْتَ رَأْسَكَ إِلَى السَّمَاءِ وَ تَبَسَّمْتَ قَالَ نَعَمْ يَا أَصْبَغُ أَمْسَكْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله كَمَا أَمْسَكْتَ لِي فَرَفَعَ رَأْسَهُ وَ تَبَسَّمَ فَسَأَلْتُهُ كَمَا سَأَلْتَنِي وَ سَأُخْبِرُكَ كَمَا أَخْبَرَنِي (١) أَمْسَكْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله الشَّهْبَاءَ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَ تَبَسَّمَ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ رَفَعْتَ رَأْسَكَ إِلَى السَّمَاءِ وَ تَبَسَّمْتَ فَقَالَ يَا عَلِيُّ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ يَرْكَبُ ثُمَّ يَقْرَأُ آيَةَ الْكُرْسِيِّ ثُمَّ يَقُولُ أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ إِلَّا قَالَ السَّيِّدُ الْكَرِيمُ يَا مَلَائِكَتِي عَبْدِي يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَيْرِي فَاشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ ذُنُوبَهُ (٢).

فس، [تفسير القمی] عن أبيه عن ابن فضال: مثله (٣)

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ: مِثْلَهُ وَ فِيهِ آيَةُ السُّخْرَهِ بَدَلَ آيَهِ الْكُرْسِيِ (۴).

**[ترجمه]امالی صدوق: ابن نباته گفت: رکاب امیر المؤمنین علیه السّلام را نگه داشتم که می خواست سوار شود. پس سر بلند کرد و لبخندی زد. گفتم: یا امیرالمؤمنین! سر بلند کردی و لبخند زدی؟ - . اضافه از نسخه من لایحضره الفقیه ۲: ۱۷۸ است. - فرمود: آری ای اصبغ! یک بار اسب «شهباء» را برای پیغمبر صلی الله علیه و آله نگه داشتم و سر به آسمان بر آورد و لبخند زد. گفتم: یا رسول الله! سر به آسمان برآوردی و لبخند زدی؟ فرمود: ای علی! کسی نباشد که سوار شود و آیه الکرسی بخواند و سپس گوید: «استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم و اتوب الیه، اللهم اغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت» جز اینکه آقای کریم فرماید: ای فرشته هایم! بنده ام داند که جز من گناهان را نیامرزد. گواه باشید که گناهانش را آمرزیدم. - . امالی صدوق: ۳۰۳ -

تفسیر علی بن ابراهیم قمی: مانند آن را آورده است. - . تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۶۰۷ -

محاسن: مانند آن را آورده، جز آنکه به جای آیه الکرسی، آیه سخره (آیه ۵۴ سوره اعراف) را ذکر کرده است. - . محاسن: ۳۵۲ -

**[ترجمه]

أقول

و قد مر دعاء للركوب في خبر ابن أسباط في باب أدعيه السفر(۵).

**[ترجمه]دعای سوار شدن در خبر ابن اسباط در «باب ادعیه سفر» گذشت. - . قرب الاسناد: ۲۱۸ و تفسیر علی بن ابراهیم قمی: ۶۰۸ -

**[ترجمه]

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: إِذَا رَكِبْتُمُ الدَّوَابَّ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قُولُوا سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ- وَ إِنَّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ (۶).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: چون سوار چهارپایان شدید، خدا عزوجل را یاد کرده و بگویید: «سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ إِنَّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ.» - . خصال ۲: ۱۶۸ -

**[ترجمه]

«۲۳»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنْ جَمَاعَهٍ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ مُوسَى بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ السَّبِيعِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبِيعَهَ الْأَسَدِيِّ قَالَ: رَكِبَ عَلِيٌّ علیه السلام فَلَمَّا وَضَعَ رِجْلَهُ فِی الرِّكَابِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا اسْتَوَى عَلَى الدَّابَّهِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی كَرَّمَنَا وَ حَمَلَنَا فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقَنَا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِيلًا- سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ثُمَّ سَبَّحَ اللَّهَ ثَلَاثاً وَ حَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثاً وَ كَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثاً

۱- ۱. الزیاده من نسخه الفقیه ج ۲ ص ۱۷۸.

۲- ۲. أمالی الصدوق ص ۳۰۳.

۳- ۳. تفسیر القمّیّ ص ۶۰۷.

۴- ۴. المحاسن ص ۳۵۲.

۵- ۵. راجع ص ۲۴۳ و ص ۲۸۶ فیما سبق و الحدیث من قرب الإسناد ۲۱۸ و تفسیر القمّیّ ۶۰۸.

۶- ۶. الخصال ج ۲ ص ۱۶۸، و سیتکرر فی هذا الباب تحت الرقم ۳۴.

ثُمَّ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِی فَإِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ ثُمَّ قَالَ فَعَلَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَنَا رَدِیفُهُ (۱).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: علی بن ربیعه اسدی گفت: چون علی علیه السّلام پا در رکاب نهاد، گفت: «بسم اللّه» و چون بر مرکب نشست، گفت: «سپاس خدا را که ما را گرامی داشت و به خشکی و دریا حمل کرد و از طیبات روزی داد و بر بسیاری از آفریده هایش ما را برتری داد. سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ.» سپس سی بار تسبیح و سی بار حمد خدا و سی بار تکبیر گفت و در پایان فرمود: رسول خدا این کار کرد و من پشت سرش سوار بودم. - . امالی شیخ طوسی ۲: ۱۲۸ -

**[ترجمه]

«۲۴»

ب، [قرب الإسناد] هَارُونُ عَنِ ابْنِ زِیَادٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِیهِ علیهما السلام قَالَ: کَانَ عَلِیٌّ علیه السلام إِذَا عَثَرَتْ بِهِ دَابَّتُهُ قَالَ- اللَّهُمَّ إِنِّی أَعُوذُ بِکَ مِنْ زَوَالِ نِعْمَتِکَ وَ مِنْ تَحْوِیلِ عَافِیَتِکَ وَ مِنْ فُجَاءَهِ نَقِمَتِکَ (۲).

**[ترجمه]قرب اسناد: امام باقر علیه السّلام فرمود: چون مرکب علی علیه السّلام می لغزید، می گفت: « اللهم إنی أعوذ بک من زوال نعمتک و من تحویل عافیتک و من فجاءه نقمتک» {بار خدایا! به تو پناه می برم از زوال نعمتت، و از دگرگونی عافیتت، و از به ناگاه رسیدن نقمتت. - . قرب الاسناد: ۵۶ - }

**[ترجمه]

«۲۵»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا رَکِبَ الرَّجُلُ الدَّابَّهَ فَسَمَّی رَدِفَهُ مَلَکٌ یَحْفَظُهُ حَتَّی یَنْزِلَ فَإِذَا رَکِبَ وَ لَمْ یُسَمِّ رَدِفَهُ شَیْطَانٌ فَیَقُولُ لَهُ تَغَنَّ فَإِنْ قَالَ لَا أُحْسِنُ قَالَ تَمَنَّ فَلَا یَزَالُ یَتَمَنَّی حَتَّی یَنْزِلَ وَ قَالَ مَنْ قَالَ إِذَا رَکِبَ الدَّابَّهَ بِسْمِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَ سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ إِلَّا حُفِظَتْ لَهُ نَفْسُهُ وَ دَابَّتُهُ حَتَّی یَنْزِلَ (۳).

سن، [المحاسن] عن الیقطینی: مثله (۴).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: ابی الحسن علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون کسی که سوار مرکب می شود نام خدا را برد، فرشته دنبالش شود که حفظش کند تا پیاده شود، و اگر نام خدا را نبرد، شیطانی دنبالش سوار شود و به او گوید: آواز بخوان! و اگر گوید نتوانم، به او گوید: در دل آرزو کن! و پیوسته در آرزو - . التمنی: قرائت بدون غنا است هنگامی که صدایش بالا نرود. - باشد تا پیاده شود. و فرمود: هر که چون سوار مرکب شود و بگوید: «بسم اللّه و لا حول و لا قوه الا باللّه الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا و سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ»، خود و مرکبش را حفظ می کند تا پیاده

شود. - . ثواب الاعمال: ۱۷۴ -

محاسن: مانند اين روايت را آورده است. - . محاسن: ۶۲۸ -

**[ترجمه]

«۲۶»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَنْبَسَةَ بْنِ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو الْجُعْفِيِّ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ أَنَّهُ سَمِعَ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَطَاءٍ يَقُولُ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: قُمْ فَأَسْرِجْ لِی دَابَّتَيْنِ حِمَاراً وَ بَغْلًا فَأَسْرَجْتُ حِمَاراً وَ بَغْلًا فَقَدَّمْتُ إِلَيْهِ الْبَغْلَ فَرَأَيْتُ أَنَّهُ أَحَبُّهُمَا إِلَيْهِ فَقَالَ مَنْ أَمَرَكَ أَنْ تُقَدِّمَ إِلَيَّ هَذَا الْبَغْلَ قُلْتُ اخْتَرْتُهُ لَكَ قَالَ وَ أَمَرْتُكَ أَنْ تَخْتَارَ لِی ثُمَّ قَالَ إِنَّ أَحَبَّ الْمَطَايَا إِلَيَّ الْحُمُرُ فَقَالَ قَدَّمْتُ إِلَيْهِ الْحِمَارَ وَ أَمْسَكْتُ بِالرِّكَابِ وَ رَكِبَ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِلْإِسْلَامِ وَ عَلَّمَنَا الْقُرْآنَ وَ مَنَّ عَلَيْنَا بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله. وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی سَخَّرَ لَنَا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ- وَ إِنَّا إِلى رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ

۱- ۱. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۱۲۸، و سيتكرر تحت الرقم ۳۷.

۲- ۲. قرب الإسناد ص ۵۶.

۳- ۳. ثواب الأعمال ص ۱۷۴، و التمنی القراءه دون التغنی، اذا لم يكن يرفع صوته.

۴- ۴. المحاسن ص ۶۲۸.

وَ سَارَ وَ سِرْتُ حَتَّى إِذَا بَلَغْنَا مَوْضِعاً قُلْتُ الصَّلَاةَ جَعَلَنِيَ اللَّهُ فِدَاكَ قَالَ هَذَا أَرْضُ وَادِ النَّمْلِ لَا يُصَلَّى فِيهَا حَتَّى إِذَا بَلَغْنَا مَوْضِعاً آخَرَ قُلْتُ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالَ هَذِهِ الْأَرْضُ مَالِحَةٌ لَا يُصَلَّى فِيهَا قَالَ حَتَّى نَزَلَ هُوَ مِنْ قِبَلِ نَفْسِهِ فَقَالَ لِي صَلَّيْتَ أَمْ تُصَلِّي سُبْحَتَكَ قُلْتُ هَذِهِ صَلَاةٌ تُسَمِّيهَا أَهْلُ الْعِرَاقِ الزَّوَالَ فَقَالَ أَمَا إِنَّ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ يُصَلُّونَ هُمْ شِيعَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَ هِيَ صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ فَصَلَّى وَ صَلَّيْتُ ثُمَّ أَمْسَكْتُ لَهُ بِالرِّكَابِ ثُمَّ قَالَ مِثْلَ مَا قَالَ فِي بَدَاءَتِهِ ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ الْعَنِ الْمُرْجِئَةَ فَإِنَّهُمْ عَدُوُّنَا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ قُلْتُ لَهُ مَا ذِكْرُكَ جُعِلْتُ فِدَاكَ الْمُرْجِئَةَ قَالَ خَطَرُوا عَلَى بَالِي (۱).

**[ترجمه]محاسن: عبدالله بن عطا گفت: امام باقر علیه السّلام به من فرمود: برخیز و دو مَرکب سواری را زین کن؛ یک الاغ و یک قاطر. من هر دو را زین بستم و قاطر را پیش آن حضرت آوردم و تصور کردم که آن را بیشتر دوست دارد. فرمود: کی به تو فرمان داد که این قاطر را پیشم آری؟ گفتم: من آن را برایت برگزیدم. فرمود: من به تو گفتم آن را برگزین؟ سپس فرمود: بهترین مرکب ها نزد من الاغ هایند. گفت: الاغ را نزدش بردم، رکاب را گرفتم و سوار شد و گفت: سپاس خدا راست که ما را به اسلام رهنمون شد، و قرآن به ما آموخت، و منت نهاد بر ما به محمد صلی الله علیه و آله. سپاس خدا را که این را برای ما مسخر کرد و ما فراهم آورش نبودیم و همانا

که ما به سوی پروردگارمان باز می گردیم و سپاس از آن پروردگار جهانیان است. و رفت و رفتم تا به جایی رسیدیم. گفتم: قربانت، نماز! فرمود: اینجا وادی مورچه است، نماز در آن خوانده نشود. تا رسیدیم به جای دیگر و همان را گفتم. فرمود: اینجا شوره زار است، نماز در آن خوانده نشود. تا جایی که خود پیاده شد و به من فرمود: نماز می خوانی یا نافله ات را؟ گفتم: این نمازی است که مردم عراق آن را زوال خوانند. فرمود: آنان که نماز خوانند، شیعه علی باشند و آن نماز «اوابین» (بازگشت کنندگان) است. پس نماز خواند و نماز خواندم. سپس رکابش را گرفتم و همان دعای آغاز را خواند و آنگاه فرمود: بار خدایا! مرجئه را لعنت کن که دشمن ما باشند در دنیا و آخرت. گفتمش: قربانت! چه تو را به یاد مرجئه انداخت؟ فرمود: به خاطرم آمدند. - . محاسن: ۳۵۲ -

**[ترجمه]

«۲۷»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُفَضَّلِ النَّوْفَلِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ مَشْيَخَتِهِ قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِذَا وَضَعَ رِجْلَهُ فِي الرِّكَابِ يَقُولُ- سُبْحانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ يُسَبِّحُ سَبْعاً وَ يَحْمَدُ اللَّهَ سَبْعاً وَ يُهَلِّلُ اللَّهَ سَبْعاً(۲).

**[ترجمه]محاسن: چون امام صادق پا در رکاب مرکبش می نهاد، می گفت: «سُبْحانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ» و هفت تسبیح می گفت و هفت حمد و هفت «لا اله الا الله.» - . محاسن: ۳۵۳ و ۶۳۳ -

**[ترجمه]

«۲۸»

سن، [المحاسن] عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ علیه السلام يَقُولُ: الْخَيْلُ عَلَى كُلِّ مَنْخِرٍ مِنْهَا شَيْطَانٌ فَإِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يُلْجِمَهَا فَلْيُسَمِّ اللَّهَ (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام کاظم علیه السّلام می فرمود: بر هر سوراخ بینی اسب شیطانی است، چون کسی از شما خواهد دهنه بر آن زند، نام خدا را برد. -. محاسن: ۶۳۴ -

**[ترجمه]

«۲۹»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ ابْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَذَّاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: أَيُّمَا دَابَّةٍ اسْتَصْعَبَتْ عَلَى صَاحِبِهَا مِنْ لِجَامٍ أَوْ نُفُورٍ فَلْيَقْرَأْ فِي أُذُنِهَا أَوْ عَلَيْهَا أَ فَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: هر مَرکب سواری که از لگام بر صاحبش چموشی کرد یا نفرت کرد، باید در گوشش یا بر سرش بخواند: «أَ فَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ.» -. محاسن: ۶۳۵ - {آیا جز دین خدا را می جویند؟ با آنکه هر که در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می شوند.}

**[ترجمه]

«۳۰»

مکا، [مكارم الأخلاق]: رُوِيَ فِي هَذِهِ الْآيَاتِ أَنَّهَا يَقْرَأُ لِلدَّابَّةِ الَّتِي تَمْنَعُ اللِّجَامَ يَقْرَأُ فِي أُذُنِهَا وَ يَقُولُ اللَّهُمَّ سَخِّرْهَا وَ بَارِكْ لِي فِيهَا بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ يَقْرَأُ إِنَّا

ص: ۲۹۷

۱- ۱. المحاسن ص ۳۵۲، و قد مر ص ۲۹۰، و فی المطبوعه رمز ثواب الأعمال و هو سهو ظاهر.

۲- ۲. المحاسن ص ۳۵۳ و ۶۳۳.

۳- ۳. المحاسن ص ۶۳۴.

۴- ۴. المحاسن ص ۶۳۵.

أَنْزَلْنَاهُ (۱).

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: روایت است که بر گوش مَرکب سواری که از لگام سرباز زده، این آیات را بخواند و بگوید: «خدایا! آن را مسخرم ساز و در آن برکتم ده به حق محمد و آل او» و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخواند. - . مکارم الاخلاق: ۳۰۳ -

**[ترجمه]

«۳۱»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْعَرْزَمِيِّ عَنْ حَاتِمِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْمَدَنِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: عَلَى ذِرْوَةِ سَنَامِ كُلِّ بَعِيرٍ شَيْطَانٌ فَإِذَا رَكِبْتُمُوهَا فَقُولُوا كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ امْتَهِنُوهَا لِأَنْفُسِكُمْ فَإِنَّهَا تَحْمَدُ اللَّهَ قَالَ وَ رَوَاهُ الْوَشَّاءُ عَنِ الْمُثَنَّى عَنْ حَاتِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام إِلَّا أَنَّهُ قَالَ عَلَى ذِرْوَةِ كُلِّ بَعِيرٍ(۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: بر سر کوهان هر شتر شیطانی است. چون سوارش شدید همان را بگویید که خدا فرمان داده: «سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ.» و برگیریدش برای خود که او هم سپاس خدا کند. راوی گوید: این خبر از امام صادق هم رسیده، ولی در آن «بر سر هر شتر» آمده و کوهان را نام نبرده است. - . محاسن: ۶۳۵ -

**[ترجمه]

«۳۲»

ضا، [فقه الرضا علیه السلام]: إِذَا وَضَعْتَ رِجْلَكَ فِی الرِّكَابِ فَقُلْ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما كُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ وَ مَنَّ عَلَيْنَا بِالْإِيمَانِ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله.

**[ترجمه]فقه الرضا: چون پا در رکاب نهی، بگو: «بسم الله و بالله و الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما كُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا أَنْ هَدانَا اللَّهُ» الحمد لله الذی «سخر لنا هذا و ما كنا له مقرنين» و من علينا بالايمان بمحمد.»

**[ترجمه]

«۳۳»

طب، [طب الأئمه علیهم السلام] عَنْ حَاتِمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَزْدِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْمُقْرِی إِمَامِ مَسْجِدِ الْكُوفَهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ رَاشِدٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ: بَيْنَا هُوَ فِی سَفَرٍ إِذْ نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ عَلَيْهِ كَآبَهٌ وَ حُزْنٌ فَقَالَ مَا لَكَ قَالَ دَابَّتِی حَرُونٌ قَالَ وَيْحَكَ اقْرَأْ هَذِهِ الْآيَهَ فِی أُذُنِهِ أَ وَ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنا لَهُمْ إِلَى قَوْلِهِ وَ مِنْها يَأْكُلُونَ (۳).

**[ترجمه]طب الائمه: جابر بن راشد از امام صادق علیه السّلام نقل می کند که فرمود: در سفری به ناگاه به مردی که غمگین بود نظر کرد و فرمودش: تو را چه می شود؟ گفت: مَرکب سواریم راه نرو است. فرمود: وای بر تو! این آیه را در گوشش بخوان: «أَ وَ لَمْ یَرَوْا أَنَّا خَلَقْنا لَهُمْ.» تا آنجا که می فرماید: «وَ مِنْها یَأْکُلُونَ.» - . یس: ۷۱- ۷۲ - {آیا ندیده اید که ما به قدرت خویش برای آنان چهارپایانی آفریده ایم... و از بعضی می خورند.} - . طب الأئمه: ۳۶ -

**[ترجمه]

«۳۴»

طا، [الأمان] فِی رِوَایَهِ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ: أَنَّ الصَّادِقَ علیه السلام لَمَّا رَکِبَ الْجَمَلَ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّهَ إِلَّا بِاللَّهِ- سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ- وَ إِنَّا إِلی رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ.

**[ترجمه]امان الاخطار: در روایت صفوان جمال است که چون امام صادق علیه السّلام سوار بر شتر می شد، می گفت: «بسم الله و لا حول و لا قوه الا بالله سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنَّا لَهُ مُقْرِنِینَ وَ إِنَّا إِلی رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ.»

**[ترجمه]

«۳۵»

لی، [الأمالی للصدوق] عَنِ ابْنِ مَسْرُورٍ عَنِ ابْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَنِ ابْنِ بَزِیعٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: مِنَ الْجَوْرِ قَوْلُ الرَّاکِبِ لِلْمَاشِی الطَّرِیقَ (۴).

ل، [الخصال] عن أبیه عن محمد العطار عن محمد بن عبد الجبار عن ابن بزیع: مثله (۵).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام صادق علیه السّلام فرمود: ظالمانه است این گفته سواره به پیاده که: راه بده! - . امالی صدوق: ۱۷۷ -

خصال: مانند این روایت را آورده است. - . خصال ۱: ۵ -

**[ترجمه]

«۳۶»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: إِذَا رَکِبْتُمُ الدَّوَابَّ فَاذْکُرُوا

۱- ۱. راجع مكارم الأخلاق ص ۳۰۳.

۲- ۲. المحاسن ص ۶۳۵.

۳- ۳. طبّ الأئمّه ص ۳۶ و الآيه فى سوره يس: ۷۱- ۷۲.

۴- ۴. أمالى الصدوق ص ۱۷۷.

۵- ۵. الخصال ج ۱ ص ۵.

اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قُولُوا سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنّا لَهُ مُقْرِنِینَ- وَ إِنّا إِلی رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ (۱).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه: از امیر مؤمنان علیه السّلام است که فرمود: چون سوار مَرکب شوید، خدا عزوجل را یاد کنید و بگویید: «سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنّا لَهُ مُقْرِنِینَ وَ إِنّا إِلی رَبِّنا لَمُنْقَلِبُونَ.» - . خصال ۲: ۱۶۸ -

**[ترجمه]

«۳۷»

ل، [الخصال] ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام](۲) سَیَجِی ءُ فِی سَیْرِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: خَمْسٌ لَا أَدَعُهُنَّ حَتَّی الْمَمَاتِ الْأَکْلُ عَلَی الْحَضِیضِ مَعَ الْعَبِیدِ وَ رُکُوبِیَ الْحِمَارَ مُؤْکَفاً الْخَبَرَ(۳).

**[ترجمه]خصال و عیون اخبارالرضا و امالی صدوق و علل الشرائع: در سیره پیغمبر صلی الله علیه و آله خواهد آمد که فرمود: پنج چیز باشند که تا دم مردن وانهم: غذا خوردن روی زمین با بردگان، سوار شدن بر الاغ پالاندار... تا آخر خبر. - . خصال ۱: ۱۳۰ عیون اخبارالرضا ۲: ۸۱، امالی صدوق: ۴۴، علل الشرائع ۱: ۱۲۴ -

**[ترجمه]

«۳۸»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنْ جَمَاعَةٍ عَنْ أَبِی الْمُفَضَّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ مُوسَی بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْوَلِیدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ سُلَیْمَانَ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ السَّبِیعِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ رَبِیعَةَ الْأَسَدِیِّ قَالَ: رَکِبَ عَلِیٌّ علیه السلام فَلَمَّا وَضَعَ رِجْلَهُ فِی الرِّکَابِ قَالَ بِسْمِ اللَّهِ فَلَمَّا اسْتَوَی عَلَی الدَّابَّةِ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی کَرَّمَنَا وَ حَمَلَنَا فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقَنَا مِنَ الطَّیِّبَاتِ وَ فَضَّلَنَا عَلَی کَثِیرٍ مِمَّنْ خَلَقَ تَفْضِیلًا سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنّا لَهُ مُقْرِنِینَ ثُمَّ سَبَّحَ اللَّهَ ثَلَاثاً وَ حَمِدَ اللَّهَ ثَلَاثاً وَ کَبَّرَ اللَّهَ ثَلَاثاً ثُمَّ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِی فَإِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ ثُمَّ قَالَ فَعَلَ هَذَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَنَا رَدِیفُهُ (۴).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: علی بن ربیعه اسدی گفت: چون علی علیه السّلام پا در رکاب نهاد، گفت: «بسم الله» و چون بر مرکب نشست، گفت: «سپاس خدا را که ما را گرامی داشت و به خشکی و دریا حمل کرد و از طیبات روزی داد و بر بسیاری از آفریده هایش ما را برتری داد. سُبْحانَ الَّذِی سَخَّرَ لَنا هذا وَ ما کُنّا لَهُ مُقْرِنِینَ.» سپس سی بار تسبیح و سی بار حمد خدا و سی بار تکبیر گفت و در پایان آن فرمود: رسول خدا این کار کرد و من پشت سرش سوار بودم. - . امالی شیخ طوسی ۲: ۱۲۸ -

**[ترجمه]

«۳۹»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: خَرَجَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام

عَلَى أَصْحَابِهِ وَ هُوَ رَاكِبٌ فَمَشَوْا خَلْفَهُ فَالْتَفَتَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ لَكُمْ حَاجَةٌ فَقَالُوا لَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّا نُحِبُّ أَنْ نَمْشِيَ مَعَكَ فَقَالَ لَهُمُ انْصَرِفُوا فَإِنَّ مَشْيَ الْمَاشِي مَعَ الرَّاكِبِ مَفْسَدَةٌ لِلرَّاكِبِ وَ مَذَلَّةٌ

ص: ۲۹۹

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۱۶۸، و قد مر تحت الرقم ۲۲.

۲- ۲. كذا فی المطبوعه، و من سيره المؤلّف العلامه رحمه اللّه أن كان يقول فی أشباه تلك الموارد: أقول: سيجی ء كذا و كذا، أو مر كذا و كذا. و مع ذلك فقد أشار الی ذلك من قبل فی هذا الباب أيضا تحت الرقم ۱.

۳- ۳. ترى الحديث فی الخصال ج ۱ ص ۱۳۰ عيون الأخبار ج ۲ ص ۸۱، أمالی الصدوق ص ۴۴، علل الشرائع ج ۱ ص ۱۲۴.

۴- ۴. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۱۲۸، و قد مر تحت الرقم: ۲۳. أيضا.

لِلْمَاشِي قَالَ وَ رَكِبَ مَرَّةً أُخْرَى فَمَشَوْا خَلْفَهُ فَقَالَ انْصَرِفُوا فَإِنَّ خَفْقَ النِّعَالِ خَلْفَ أَعْقَابِ الرِّجَالِ مَفْسَدَةٌ لِقُلُوبِ النَّوْكَى (۱).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق عليه السّلام فرمود: امير مؤمنان عليه السّلام سواره نزد يارانش آمد و آنها پياده دنبالش رفتند. پس رو به آنها كرد و فرمود: نيازى داريد؟ گفتند: نه يا اميرالمؤمنين! دوست داريم همراه شما باشيم. فرمود: برگرديد كه پياده رفتن به همراه سواره، تباهى است براى سوار و خوارى است براى پياده. فرمود: بار دگر سوار شد و پياده دنبالش راه افتادند. فرمود: برگرديد كه كوبش كفش ها دنبال سر مردها، سبب تباهى دل بى خردان است. - . محاسن: ۶۲۹ -

**[ترجمه]

«۴۰»

كش، [رجال الكشى] عَنْ حَمْدَوَيْهِ بْنِ نُصَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ عَنْ زَيْدٍ الشَّحَّامِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَطَاءٍ قَالَ: أَرْسَلَ إِلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ قَدْ أُسْرِجَ لَهُ بَغْلٌ وَ حِمَارٌ فَقَالَ لِي هَلْ لَكَ أَنْ تَرْكَبَ مَعَنَا إِلَى مَا لَنَا قَالَ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَيُّهُمَا أَحَبُّ لَكَ أَنْ تَرْكَبَ قُلْتُ الْحِمَارُ فَقَالَ إِنَّ الْحِمَارَ أَرْفَقُهُمَا لِي قَالَ قُلْتُ إِنَّمَا كَرِهْتُ أَنْ أَرْكَبَ الْبَغْلَ وَ أَنْ تَرْكَبَ أَنْتَ الْحِمَارَ قَالَ فَرَكِبَ الْحِمَارَ وَ رَكِبْتُ الْبَغْلَ ثُمَّ سِرْنَا حَتَّى خَرَجْنَا مِنَ الْمَدِينَهِ فَبَيْنَا هُوَ يُحَدِّثُنِي إِذَا انْكَبَّ عَلَى السَّرْجِ مَلِيّاً فَظَنَنْتَ أَنَّ السَّرْجَ آذَاهُ وَ ضَغَطَهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا أَرَى السَّرْجَ إِلَّا وَ قَدْ ضَاقَ عَنْكَ فَلَوْ تَحَوَّلْتَ عَلَى الْبَغْلِ فَقَالَ كَلَّا وَ لَكِنَّ الْحِمَارَ اخْتَالَ فَصَنَعْتُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله رَكِبَ حِمَاراً يُقَالُ لَهُ عُفَيْرٌ فَاخْتَالَ فَوَضَعَ رَأْسَهُ عَلَى الْقَرَبُوسِ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ صلى الله عليه و آله يَا رَبِّ هَذَا عَمَلُ عُفَيْرٍ لَيْسَ هُوَ عَمَلِي (۲).

**[ترجمه]رجال كشى: عبدالله بن عطا گفت: امام صادق دنبالم فرستاد و همراهش استرى و خرى زين شده بود. به من فرمود: مى خواهى به همراه ما سوار شوى تا به سوى مال ما برويم؟ گويد: گفتم: آرى. فرمود: كدام را بيشتر دوست دارى كه سوار شوى؟ گفتم: خر را. فرمود: خر براى من آسان تر است. گفتم: من نخواستم سوار استر شوم كه سوارش بشوى و سوار خر نشوى. گويد: ايشان سوار خر شد و من سوار استر شدم و رفتيم تا از مدينه بيرون شديم و در اين ميان كه با من گفتگو مى كرد، به ناگاه مدتى روى زمين خم شد و گمان كردم زين و فشار آن او را آزار داده. سپس سر برداشت. گفتم: قربانت! گويا زين بر شما تنگ است. كاش بر استر سوار مى شديد. فرمود: نه، هرگز، ولى خر رقصيد و همان كردم كه رسول خدا صلى الله عليه و آله كرد. آن حضرت سوار خرى بود به نام عفير و رقصيد و آن حضرت تا خدا خواست، سر بر زين نهاد. سپس سر برداشت و گفت: پروردگارا! اين كار عفير است و كار من نيست. - . رجال كشى: ۱۸۸ -

**[ترجمه]

باب ۵۶ حث الرجال على الركوب و النهى عن ركوب المرأه على السرج

الأخبار

«۱»

ن، [عيون أخبار الرضا عليه السلام] بِالْأَسَانِيدِ الثَّلَاثَهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: الطِّيبُ نُشْرَهٌ وَ الْعَسَلُ نُشْرَهٌ وَ الرُّكُوبُ نُشْرَهٌ وَ النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَهِ نُشْرَهٌ(۳).

**[ترجمه]عيون اخبارالرضا: امير مؤمنان عليه السّلام فرمود: عطر نشاط است، عسل نشاط است، سوارى نشاط است و نگاه بر سبزه هم نشاط است. - . عيون اخبارالرضا ۲: ۴۰ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] عَنِ الْقَطَّانِ عَنِ السُّكَّرِيِّ عَنِ الْجَوْهَرِيِّ عَنِ ابْنِ عُمَارَهَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِيِّ عَنِ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: لَا يَجُوزُ لِلْمَرْأَهِ رُكُوبُ السَّرْجِ إِلَّا مِنْ ضَرُورَهٍ أَوْ فِي سَفَرٍ الْخَبَرَ(۴).

كتاب الغايات،: مثله.

ص: ۳۰۰

۱- ۱. المحاسن ص ۶۲۹.

۲- ۲. رجال الكشّيّ ص ۱۸۸.

۳- ۳. عيون الأخبار ج ۲ ص ۴۰.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۱۴۲.

**[ترجمه]خصال: امام باقر علیه السّلام فرمود: روا نیست زن برای سواری بر زین نشیند، جز در ناچاری و در سفر. - . خصال ۲: ۱۴۲ -

کتاب الغایات: مثل آن را آورده است .

**[ترجمه]

باب ۵۷ آداب المشی

الآیات

الإسراء وَ لا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحاً إِنَّکَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَ لَنْ تَبْلُغَ الْجِبالَ طُولًا- کُلُّ ذلِکَ کانَ سَیِّئُهُ عِنْدَ رَبِّکَ مَکْرُوهاً(۱) طه وَ ما تِلْکَ بِیَمِینِکَ یا مُوسی- قالَ هِیَ عَصایَ أَتَوَکَّؤُا عَلَیْها وَ أَهُشُّ بِها عَلی غَنَمِی وَ لِیَ فِیها مَآرِبُ أُخْری (۲) الفرقان وَ عِبادُ الرَّحْمنِ الَّذِینَ یَمْشُونَ عَلَی الْأَرْضِ هَوْناً(۳) لقمان وَ لا تَمْشِ فِی الْأَرْضِ مَرَحاً إِنَّ اللَّهَ لا یُحِبُّ کُلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ- وَ اقْصِدْ فِی مَشْیِکَ (۴) القیامه ثُمَّ ذَهَبَ إِلی أَهْلِهِ یَتَمَطَّی (۵)

<meta info="- و لا تمش فی الأرض مرحا إنک لن تخرق الأرض و لن تبلغ الجبال طولا- کل ذلک کان سیئه عند ربک مکروها. - . أسری/ ۳۷- ۳۸ -

{و در [روی] زمین به نخوت گام برمدار، چرا که هرگز زمین را نمی توانی شکافت، و در بلندی به کوه ها نمی توانی رسید. همه این [کارها] بدش نزد پروردگار تو ناپسندیده است.}

- و ما تلک بیمینک یا موسی- قال هی عصای أتوکؤا علیها و أهش بها علی غنمی و لی فیها مآرب أخری. - . طه/ ۱۷- ۱۸ -

{و ای موسی، در دست راست تو چیست؟ گفت: این عصای من است، بر آن تکیه می دهم و با آن برای گوسفندانم برگ می تکانم، و کارهای دیگری هم برای من از آن برمی آید.}

- و عباد الرحمن الذین یمشون علی الأرض هونا. - . فرقان/ ۶۳ -

{و بندگان خدای رحمان کسانی اند که روی زمین به نرمی گام برمی دارند.}

- و لا تمش فی الأرض مرحا إن الله لا یحب کل مختال فخور- و اقصد فی مشیک. - . لقمان/ ۱۸- ۱۹ -

{و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسندِ لافزن را دوست نمی دارد.و در راه رفتنِ خود میانه رو باش.}

- ثم ذهب إلی أهله یتمطی. - . قیامت/ ۳۳ -

{سپس خرامان به سوی اهل خویش رفت.}

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

مص، [مصباح الشريعه] قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِنْ كُنْتَ عَاقِلًا فَقَدِّمِ الْعَزِيمَةَ الصَّحِيحَةَ وَ النِّيَّةَ الصَّادِقَةَ فِي حِينِ قَصْدِكَ إِلَى أَيِّ مَكَانٍ أَرَدْتَ وَ انْهَ النَّفْسَ مِنَ التَّخَطِّي إِلَى مَحْذُورٍ وَ كُنْ مُتَفَكِّراً فِي مَشْيِكَ وَ مُعْتَبِراً لِعَجَائِبِ صُنْعِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَيْنَمَا بَلَغْتَ وَ لَا تَكُنْ مُسْتَهْتَراً وَ لَا مُتَبَخْتِراً فِي مِشْيَتِكَ وَ غُضَّ بَصَرَكَ عَمَّا لَا يَلِيقُ بِالدِّينِ وَ اذْكُرِ اللَّهَ كَثِيراً فَإِنَّهُ قَدْ جَاءَ فِي الْخَبَرِ أَنَّ الْمَوَاضِعَ الَّتِي يُذْكَرُ اللَّهُ فِيهَا وَ عَلَيْهَا تَشْهَدُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ تَسْتَغْفِرُ لَهُمْ إِلَى أَنْ يُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ وَ لَا تُكْثِرِ الْكَلَامَ مَعَ النَّاسِ فِي الطَّرِيقِ فَإِنَّ فِيهِ سُوءَ الْأَدَبِ وَ أَكْثَرُ الطُّرُقِ مَرَاصِدُ الشَّيْطَانِ وَ مَتْجَرَتُهُ فَلَا تَأْمَنْ كَيْدَهُ وَ اجْعَلْ ذَهَابَكَ وَ مَجِيئَكَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ الْمَشْيِ فِي رِضَاهُ فَإِنَّ حَرَكَاتِكَ كُلَّهَا مَكْتُوبَةٌ فِي صَحِيفَتِكَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى- يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَ أَيْدِيهِمْ

ص: ۳۰۱

۱- ۱. أسرى: ۳۷- ۳۸.

۲- ۲. طه: ۱۷- ۱۸.

۳- ۳. الفرقان: ۶۳.

۴- ۴. لقمان: ۱۸- ۱۹.

۵- ۵. القيامه: ۳۳.

وَ أَرْجُلُهُمْ بِما كانُوا يَعْمَلُونَ (۱) وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ وَ كُلَّ إِنسانٍ أَلْزَمْناهُ طائِرَهُ فِی عُنُقِهِ (۲).

**[ترجمه]مصباح الشریعه: امام صادق علیه السّلام فرمود: اگر خردمندی، پیش از رفتن به هر جا، عزم درست و نیت صادق داشته باش و از رفتن بدان چه حذر باید، خود را باز دار؛ در راه رفتن به اندیشه باش و از عجایب صنع خدا عزوجل در هر جا عبرت گیر؛ در راه رفتن بازیگر و کبر فروش مباش؛ از آنچه به حکم دین نشاید چشم فرو بند؛ خدا را بسیار ذکر کن که در خبر است هر جا ذکر خدا کنی، روز قیامت نزد خدا گواه تو باشد و برایت آمرزش خواهند تا به بهشت روی؛ در راه با مردم پر حرفی مکن که بی ادبی است؛ بیشتر راه ها کمین گاه شیطان و تجارتخانه او است، از کیدش آسوده مباش؛ رفت و برگشت و راه رفتنت در طاعت خدا باشد، زیرا هر حرکتت در نامه عملت نوشته است. خدا تعالی فرموده : «یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم بما کانوا یعملون.» - . نور/ ۲۵ - {در روزی که زبان و دست ها و پاهایشان، بر ضد آنان برای آنچه انجام می دادند، شهادت می دهند.} و خدا عزوجل فرمود: «و کل إنسان ألزمناه طائره فی عنقه.» - . أسری/ ۱۴ - {و کارنامه هر انسانی را به گردن او بسته ایم.} - . مصباح الشریعه: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۲»

جع، [جامع الأخبار] قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ مَشَی مَعَ الْعَصَا فِی السَّفَرِ وَ الْحَضَرِ لِلتَّوَاضُعِ یُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَلْفُ حَسَنَةٍ وَ مُحِیَ عَنْهُ أَلْفُ سَیِّئَةٍ وَ رُفِعَ لَهُ أَلْفُ دَرَجَةٍ(۳).

**[ترجمه]جامع الاخبار: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که برای تواضع در سفر و حضر با عصا راه رود، برایش به ازای هر گامی هزار حسنه نوشته شود، و از او هزار سیئه محو شود، و برایش هزار درجه بلند شود. - . جامع الاخبار: ۱۴۱ -

**[ترجمه]

«۳»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِیِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: بِئْسَ الْعَبْدُ تَبَخْتَرَ وَ اخْتَالَ وَ نَسِیَ الْكَبِیرَ الْمُتَعَالِ.

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ عَلِیٍّ علیه السلام قَالَ: اعْتَمَّ أَبُو دُجَانَةَ الْأَنْصَارِیُّ وَ أَرْخَی عَذَبَةَ الْعِمَامَةِ مِنْ خَلْفِهِ بَیْنَ كَتِفَیْهِ ثُمَّ جَعَلَ یَتَبَخْتَرُ بَیْنَ الصَّفَّیْنِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنَّ هَذِهِ لَمِشْیَةٌ یُبْغِضُهَا اللَّهُ تَعَالَی إِلَّا عِنْدَ الْقِتَالِ (۴).

**[ترجمه]نوادر راوندی: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چه بد بنده ای است آن که بزرگی فروشد و ببالد و فراموش کند بزرگوار متعال را.

و به همین سند از علی علیه السّلام است که فرمود: ابو دجانه انصاری عمامه بست و دنباله اش از میان دو شانه اش به پشتش

آویخت و میان دو صف قشون اسلام و کفر بزرگوارانه راه رفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این گونه راه رفتن را خدا بد دارد، جز در نبرد با دشمن. - . نوادر راوندی: ۲۰ و ۲۲ -

**[ترجمه]

«۴»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُبْدُونٍ عَنْ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الزُّبَیْرِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ رِزْقٍ الْغُمْشَانِیِّ عَنْ أَبِی أُسَامَةَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: کَانَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیهما السلام لَا یَسْبِقُ یَمِینُهُ شِمَالَهُ (۵).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: امام صادق علیه السّلام فرمود: امام زین العابدین چنان آرام راه می رفت که دست راستش از چپش پیش نبود. - . امالی شیخ طوسی ۲: ۲۸۵ -

**[ترجمه]

«۵»

ل، [الخصال] عَنْ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ علیه السلام قَالَ: سُرْعَهُ الْمَشْیِ یَذْهَبُ بِبَهَاءِ الْمُؤْمِنِ (۶).

**[ترجمه]خصال: امام کاظم علیه السّلام فرمود: شتاب در راه رفتن، ارزش مؤمن را ببرد. - . خصال ۱: ۸ -

**[ترجمه]

«۶»

مع، [معانی الأخبار] عَنْ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَیْسَ لِلنِّسَاءِ سَرَاهُ الطَّرِیقِ وَ لَکِنْ جَنْبَاهُ.

یَعْنِی بِالسَّرَاهِ وَسَطَهُ (۷).

**[ترجمه]معانی الاخبار: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زنان را میانه راه نباشد، ولی از دو کناره باشد. - . معانی الاخبار: ۱۵۶، و مانندش در خصال ۲: ۱۴۲ در حدیث جابر از امام باقر علیه السّلام. -

**[ترجمه]

«۷»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَمِّهِ

۱- ۱. النور: ۲۵.

۲- ۲. أسرى: ۱۴ راجع مصباح الشريعه: ۲۸.

۳- ۳. جامع الأخبار ص ۱۴۱.

۴- ۴. نوادر الراوندیّ ص ۲۲ و ۲۰.

۵- ۵. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۲۸۵.

۶- ۶. الخصال ج ۱ ص ۸.

۷- ۷. معانی الأخبار ص ۱۵۶، و مثله فی الخصال ج ۲ ص ۱۴۲ فی حدیث جابر عن الباقر علیه السلام.

عَاصِمٍ الْكُوفِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا تَصَامَّتْ أُمَّتِی عَنْ سَائِلِهَا وَ مَشَتْ بِتَبَخْتُرِهَا حَلَفَ رَبِّی جَلَّ وَ عَزَّ بِعِزَّتِهِ فَقَالَ وَ عِزَّتِی لَأُعَذِّبَنَّ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ (۱).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق از پدرش علیهما السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: چون امتم از گدایان خود را به کری زنند و متکبرانه راه روند، پروردگارم جل و عز به عزت خود سوگند خورده که آنها را به وسیله یک دگر شکنجه کند. - . ثواب الاعمال: ۲۲۵ -

**[ترجمه]

«۸»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ مَشَى عَلَى الْأَرْضِ اخْتِيَالًا لَعَنَتْهُ الْأَرْضُ وَ مَنْ تَحْتَهَا وَ مَنْ فَوْقَهَا(۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که با تکبر بر روی زمین راه رود، زمین و هر که زیر آن است و هر که روی آن است، او را لعنت کنند. - . ثواب الاعمال: ۲۴۵ -

**[ترجمه]

«۹»

مع، [معانی الأخبار] عَنِ الْهَمْدَانِیِّ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَيْرٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِذَا مشيت [مَشَتْ] أُمَّتِیَ الْمُطَيْطَا وَ خَدَمَتْهُمْ فَارِسُ وَ الرُّومُ كَانَ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ.

و المطيطا التبختر و مد اليدين فی المشی (۳).

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام صادق علیه السّلام از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: چون امتم با «المطیطا» (تکبر) راه روند و پارسیان و رومیان خدمتکار آنها شوند، به جان هم افتند و درگیر شوند. - . معانی الاخبار: ۳۰۱ -

و المطیطا یعنی تکبر و کشیدن دستان هنگام راه رفتن

**[ترجمه]

«۱۰»

مع، [معانی الأخبار] عَنِ الطَّالَقَانِیِّ عَنِ الْجَلُودِیِّ عَنِ الْجَوْهَرِیِّ عَنِ ابْنِ عُمَارَهَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ عَنْ جَابِرٍ الْأَنْصَارِیِّ قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله بِرَجُلٍ مَصْرُوعٍ وَ قَدِ اجْتَمَعَ عَلَیْهِ النَّاسُ یَنْظُرُونَ إِلَیْهِ- فَقَالَ علیه السلام عَلَی مَا اجْتَمَعَ هَؤُلَاءِ فَقِیلَ لَهُ عَلَی الْمَجْنُونِ یُصْرَعُ فَنَظَرَ إِلَیْهِ فَقَالَ مَا هَذَا بِمَجْنُونٍ أَ لَا أُخْبِرُکُمْ بِالْمَجْنُونِ حَقِّ الْمَجْنُونِ قَالُوا بَلَی یَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ إِنَّ الْمَجْنُونَ الْمُتَبَخْتِرُ فِی مِشْیَتِهِ النَّاظِرُ فِی عِطْفَیْهِ الْمُحَرِّکُ جَنْبَیْهِ بِمَنْکِبَیْهِ فَذَاکَ الْمَجْنُونُ وَ هَذَا الْمُبْتَلَی (۴).

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام باقرعلیه السّلام فرمود: جابر انصاری گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر یک مرد غش کرده گذر کرد که مردم گرد او جمع شده بودند و نگاهش می کردند. فرمود: اینان بر چه گرد آمدند؟ گفته شد: بر یک غش کرده دیوانه. بدان نگاه کرد و فرمود: این دیوانه نیست. به شما بگویم دیوانه به حق کیست؟ گفتند: چرا یا رسول الله! فرمود: دیوانه آن است که متکبرانه راه رود و به گوشه چشم به دو طرفش نگاه کند و شانه هایش بالا اندازد؛ او است دیوانه و این بیمار است. - . معانی الاخبار: ۲۳۷ -

**[ترجمه]

أقول

أوردنا بعض الأخبار فی باب الکبر(۵).

**[ترجمه]پاره ای اخبار را در «باب تکبر» آوردیم. - . بحارالانوار ۷۳ : ۱۷۹-۲۳۷ -

**[ترجمه]

«۱۱»

سن، [المحاسن] عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَلِیِّ بْنِ الْحَکَمِ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ أَبِی الْعَلَاءِ عَنْ بَشِیرٍ النَّبَّالِ قَالَ: کُنَّا مَعَ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام فِی الْمَسْجِدِ إِذْ مَرَّ عَلَیْنَا أَسْوَدُ وَ هُوَ یَنْزِعُ فِی مِشْیَتِهِ فَقَالَ لَهُ أَبُو جَعْفَرٍ علیه السلام إِنَّهُ لَجَبَّارٌ قُلْتُ إِنَّهُ سَائِلٌ قَالَ إِنَّهُ

۱- ۱. ثواب الأعمال ص ۲۲۵، و تصام الرجل: أری من نفسه أنّه أصم و لیس به.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۲۴۵.

۳- ۳. معانی الأخبار: ۳۰۱.

۴- ۴. معانی الأخبار ص ۲۳۷.

۵- ۵. راجع ج ۷۳ ص ۲۳۷- ۱۷۹ من هذه الطبعه.

جَبَّارٌ.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَمْشِي مِشْيَةً كَأَنَّ عَلَى رَأْسِهِ الطَّيْرَ لَا يَسْبِقُ يَمِينُهُ شِمَالَهُ (۱).

**[ترجمه]محاسن: بشیر نبال گفت: در مسجد همراه امام باقر علیه السّلام بودیم که یک سیاهی گذر کرد و در راه رفتن به سنگینی گام می زد. آن حضرت فرمود: همانا که او جبار است. گفتم: گدا است. فرمود: جبار است.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: علی بن الحسین علیه السّلام چنان راه می رفت که نه سرش تکان می خورد و نه دست راستش از دست چپش جلو بود. - . محاسن: ۱۲۴ -

**[ترجمه]

«۱۲»

سن، [المحاسن] عَنْ يَحْيَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ الْمُخْتَارِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ ثَلَاثَةً ثَانِيَ عِطْفِهِ وَ الْمُسْبِلَ إِزَارَهُ وَ الْمُنَفِّقَ سِلْعَتَهُ بِالْأَيْمَانِ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ الْمُسْبِلَ إِزَارَهُ خُيَلَاءَ(۲).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السلام می فرمود: همانا که خدا سه نفر را دشمن دارد: پهلو کشیده از تکبر و اعراض؛ دامن کش از روی خودبینی؛ و آن که متاع خود را با سوگند رواج دهد.

و در حدیث دیگر «دامن کش از روی تکبر» آمده است. - . محاسن: ۲۹۵ -

**[ترجمه]

«۱۳»

مکا، [مكارم الأخلاق] عَنِ الصَّادِقِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الرَّاكِبُ أَحَقُّ بِالْجَادَّةِ مِنَ الْمَاشِي وَ الْحَافِي أَحَقُّ مِنَ الْمُنْتَعِلِ (۳).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سوار حق بیشتری به میان راه دارد از پیاده، و پا برهنه حق بیشتری دارد از کفش به پا. - . مكارم الاخلاق: ۲۹۶ -

**[ترجمه]

باب ۵۸ الافتتاح بالتسمیه عند کل فعل و الاستثناء بمشیه الله فی کل أمر

الآيات

الکهف: وَ لا تَقُولَنَّ لِشَيْ ءٍ إِنِّی فاعِلٌ ذلِکَ غَداً إِلَّا أَنْ یَشاءَ اللَّهُ وَ اذْکُرْ رَبَّکَ إِذا نَسِیتَ (۴)

و قال تعالی: وَ لَوْ لا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَکَ قُلْتَ ما شاءَ اللَّهُ لا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ (۵)

و قال تعالی: سَتَجِدُنِی إِنْ شاءَ اللَّهُ صابِراً(۶)

القلم: إِنَّا بَلَوْناهُمْ کَما بَلَوْنا أَصْحابَ الْجَنَّهِ إِذْ أَقْسَمُوا لَیَصْرِمُنَّها مُصْبِحِینَ وَ لا یَسْتَثْنُونَ- فَطافَ عَلَیْها طائِفٌ مِنْ رَبِّکَ وَ هُمْ نائِمُونَ- فَأَصْبَحَتْ کَالصَّرِیمِ فَتَنادَوْا مُصْبِحِینَ إلی قوله تعالی قالَ أَوْسَطُهُمْ أَ لَمْ أَقُلْ لَکُمْ لَوْ لا تُسَبِّحُونَ (۷)

۱- ۱. المحاسن ص ۱۲۴.

۲- ۲. المحاسن ص ۲۹۵.

۳- ۳. مکارم الأخلاق ص ۲۹۶.

۴- ۴. الکهف: ۲۳.

۵- ۵. الکهف: ۳۸.

۶- ۶. الکهف: ۶۸.

۷- ۷. القلم: ۱۷- ۲۸.

lt;meta info="- و لا تقولن لشی ء إنی فاعل ذلک غدا إلا أن یشاء الله و اذکر ربک إذا نسیت. - . کهف/ ۲۳ -

{و زنهار در مورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد.مگر آنکه خدا بخواهد، و چون فراموش کردی پروردگارت را یاد کن }

- و لو لا إذ دخلت جنتک قلت ما شاء الله لا قوه إلا بالله. - . کهف/ ۳۸ -

{و چون داخل باغت شدی، چرا نگفتی: ما شاء اللّه، نیرویی جز به [قدرت] خدا نیست}

- ستجدنی إن شاء الله صابرا. - . کهف/ ۶۸ -

{گفت: «ان شاء اللّه مرا شکیبا خواهی یافت.»}

- إنا بلوناهم کما بلونا أصحاب الجنه إذ أقسموا لیصرمنها مصبحین و لا یستثنون- فطاف علیها طائف من ربک و هم نائمون- فأصبحت کالصریم فتنادوا مصبحین تا آنجا که فرمود: قال أوسطهم أ لم أقل لکم لو لا تسبحون. - . قلم/ ۱۷- ۲۸ -

{ما آنان را همان گونه که باغداران را آزمودیم، مورد آزمایش قرار دادیم، آن گاه که سوگند خوردند که صبح برخیزند و [میوه] آن [باغ] را حتماً بچینند. و [لی] «ان شاء اللّه» نگفتند. پس در حالی که آنان غنوده بودند، بلایی از جانب پروردگارت بر آن [باغ] به گردش درآمد.و [باغ،] آفت زده [و زمین بایر] گردید.پس [باغداران] بامدادان یکدیگر را صدا زدند، تا آنجا که فرمود: خردمندترینشان گفت: آیا به شما نگفتم: چرا خدا را به پاکی نمی ستایید؟}

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

م، [تفسیر الإمام علیه السلام] قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: وَ لَرُبَّمَا تَرَکَ فِی افْتِتَاحِ أَمْرٍ بَعْضُ شِیعَتِنَا- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ فَیَمْتَحِنُهُ اللَّهُ بِمَکْرُوهٍ وَ یُنَبِّهُهُ عَلَی شُکْرِ اللَّهِ تَعَالَی وَ الثَّنَاءِ عَلَیْهِ وَ یَمْحُو فِیهِ عَنْهُ وَصْمَهَ تَقْصِیرِهِ عِنْدَ تَرْکِهِ قَوْلَ بِسْمِ اللَّهِ لَقَدْ دَخَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ یَحْیَی عَلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ بَیْنَ یَدَیْهِ کُرْسِیٌّ فَأَمَرَهُ بِالْجُلُوسِ عَلَیْهِ فَجَلَسَ عَلَیْهِ فَمَالَ بِهِ حَتَّی سَقَطَ عَلَی رَأْسِهِ فَأَوْضَحَ عَنْ عَظْمِ رَأْسِهِ وَ سَالَ الدَّمُ فَأَمَرَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ بِمَاءٍ فَغَسَلَ عَنْهُ ذَلِکَ الدَّمَ ثُمَّ قَالَ ادْنُ مِنِّی فَوَضَعَ یَدَهُ عَلَی مُوضِحَتِهِ وَ قَدْ کَانَ یَجِدُ مِنْ أَلَمِهَا مَا لَا صَبْرَ لَهُ مَعَهُ وَ مَسَحَ یَدَهُ عَلَیْهَا وَ تَفَلَ فِیهَا فَمَا هُوَ أَنْ فَعَلَ ذَلِکَ حَتَّی انْدَمَلَ فَصَارَ کَأَنَّهُ لَمْ یُصِبْهُ شَیْ ءٌ قَطُّ ثُمَّ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَا عَبْدَ اللَّهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی جَعَلَ تَمْحِیصَ ذُنُوبِ شِیعَتِنَا فِی الدُّنْیَا بِمِحَنِهِمْ لِتَسْلَمَ لَهُمْ طَاعَاتُهُمْ وَ یَسْتَحِقُّوا عَلَیْهَا ثَوَابَهَا فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ قَدْ أَفَدْتَنِی وَ عَلَّمْتَنِی فَإِنْ أَرَدْتَ أَنْ تُعَرِّفَنِی ذَنْبِیَ الَّذِی امْتُحِنْتُ بِهِ فِی هَذَا الْمَجْلِسِ حَتَّی لَا أَعُودَ إِلَی مِثْلِهِ قَالَ تَرْکُکَ حِینَ جَلَسْتَ أَنْ تَقُولَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ- فَجَعَلَ اللَّهُ ذَلِکَ لِسَهْوِکَ عَمَّا نُدِبْتَ إِلَیْهِ تَمْحِیصاً بِمَا أَصَابَکَ أَ مَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَدَّثَنِی عَنِ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ أَنَّهُ قَالَ کُلُّ أَمْرٍ ذِی

بَالٍ لَمْ يُذْكَرْ فِيهِ بِسْمِ اللَّهِ فَهُوَ أَبْتَرُ فَقُلْتُ بَلَى بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي لَا أَتْرُكُهَا بَعْدَهَا قَالَ إِذاً تَحْظَى بِذَلِكَ وَ تَسْعَدَ(۱).

**[ترجمه]تفسير امام حسن عسكرى: حضرت صادق عليه السّلام فرمود: بسا كه يک شيعه در آغاز كارش «بسم الله الرحمن الرحيم» را نگويد و خدا او را با پيشامد بدى بيازمايد و او را به شكر و ستايش خدا تعالى آگهى دهد و عيب تقصير ترک «بسم الله» را از او محو كند.

عبدالله بن يحيى نزد امير مؤمنان عليه السّلام آمد و جلوى آن حضرت يک تخت بود و به او فرمود كه بر آن نشيند و نشست. آن تخت بر او چرخيد تا به سر بر زمين خورد و سرش زخم استخوان نمايى برداشت و خون روان شد. آن حضرت آبى خواست و خون را شست و او را نزد خود خواند و دست بر جاى زخم نهاد و او درد توانفرسايى داشت. حضرت دست بر آن كشيد و آب دهن بر آن ماليد و فورا به هم چسبيد و گويا هيچ آسيبى بدان نرسيده است. سپس فرمود: اى عبدالله! سپاس خدا را كه محو گناهان شيعه ما را در دنيا به گرفتارى آنها مقرر داشت تا طاعتشان سالم ماند و مستحق ثواب آن باشند.

عبدالله گفت: اى امير مؤمنان! به من فايده رساندى و مرا آموختى، اگر خواهى به من بشناسان آن گناهى را كه برايش در اين مجلس گرفتار بلا شدم تا بدان باز نگردم؟ فرمود: آن اين بود كه هنگام نشستن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ» نگفتى و خدا از تو اين بى ادبى و ترک وظيفه را چنين نمود كه آنچه به تو رسيد، تو را پاک كرد. ندانى كه رسول خدا به من باز گفت از خدا عزوجل كه فرمود: هر كار مهمى كه در آن «بسم الله» گفته نشود، دنباله بريده شود؟ گفتم: به قربانت پدر و مادرم! از اين پس آن را وانهم. فرمود: در اين صورت بهره مند شوى بدان و خوشبخت گردى. - . تفسير امام حسن عسكرى: ۹ -

**[ترجمه]

«۲»

شى، [تفسير العياشى] عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ قَالَ: إِذَا حَلَفَ الرَّجُلُ بِاللَّهِ فَلَهُ ثُنْيَاهَا إِلَى أَرْبَعِينَ يَوْماً وَ ذَلِكَ أَنَّ قَوْماً مِنَ الْيَهُودِ سَأَلُوا النَّبِيَّ صلى الله عليه و آله عَنْ شَيْ ءٍ فَقَالَ ائْتُونِي غَداً وَ لَمْ يَسْتَثْنِ حَتَّى أُخْبِرَكُمْ فَاحْتُبِسَ عَنْهُ جَبْرَئِيلُ عليه السلام أَرْبَعِينَ يَوْماً ثُمَّ أَتَاهُ وَ قَالَ وَ لا تَقُولَنَّ لِشَيْ ءٍ إِنِّي فاعِلٌ ذلِكَ غَداً إِلَّا أَنْ يَشاءَ اللَّهُ وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذا نَسِيتَ (۲).

**[ترجمه]تفسير عياشى: على عليه السّلام فرمود: چون كسى به خدا سوگند خورد، تا چهل روز مى تواند «ان شاء الله» بگويد. در اين مورد گروهى از يهود پرسشى از پيغمبر صلى الله عليه و آله كردند و فرمود: فردا نزد ما آييد (براى پاسخ) و «ان شاء الله» نگفت و جبرئيل تا چهل روز از او بند آمد. سپس به سوى او آمد و گفت: «و لا تقولن لشى ء إنى فاعل ذلک غدا إلا أن يشاء الله و اذكر ربک إذا نسيت.» - . تفسير عياشى۲: ۳۲۴ - {و زنهار در مورد چيزى مگوى كه من آن را فردا انجام خواهم داد. مگر آنكه خدا بخواهد، و چون فراموش كردى پروردگارت را ياد كن. }

**[ترجمه]

«۳»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ أَبِی حَمْزَهَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام: ذَکَرَ أَنَّ آدَمَ علیه السلام لَمَّا أَسْکَنَهُ

۱- ۱. تفسیر الإمام العسکریّ ص ۹، راجعه.

۲- ۲. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۳۲۴.

اللَّهُ الْجَنَّهَ فَقَالَ لَهُ يَا آدَمُ- لَا تَقْرَبْ هَذِهِ الشَّجَرَهَ فَقَالَ نَعَمْ يَا رَبِّ وَ لَمْ يَسْتَثْنِ فَأَمَرَ اللَّهُ نَبِيَّهُ فَقَالَ وَ لا تَقُولَنَّ لِشَيْ ءٍ إِنِّي فاعِلٌ ذلِكَ غَداً إِلَّا أَنْ يَشاءَ اللَّهُ وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذا نَسِيتَ وَ لَوْ بَعْدَ سَنَهٍ(۱).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: امام باقر علیه السّلام یادآوری کرد که چون خدا آدم علیه السّلام را در بهشت جا داد، به او فرمود: ای آدم! به این درخت نزدیک مشو. گفت: بسیار خوب پروردگارا، و «ان شاء الله» نگفت. و خدا به پیغمبرش فرمود: «و لا تقولن لشیء إنی فاعل ذلک غدا إلا أن یشاء الله و اذکر ربک إذا نسیت.» {و زنهار در مورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد. مگر آنکه خدا بخواهد، و چون فراموش کردی پروردگارت را یاد کن.} و گرچه پس از یک سال باشد. - تفسیر عیاشی ۲: ۳۲۴ - .

**[ترجمه]

«۴»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ سَلَّامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لا تَقُولَنَّ لِشَيْ ءٍ إِنِّي فاعِلٌ ذلِكَ غَداً- إِلَّا أَنْ يَشاءَ اللَّهُ أَنْ لَا أَفْعَلَهُ فَسَبَقَ مَشِيَّهُ اللَّهِ فِي أَنْ لَا أَفْعَلَهُ فَلَا أَقْدِرُ عَلَى أَنْ أَفْعَلَهُ قَالَ فَلِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذا نَسِيتَ أَيِ اسْتَثْنِ مَشِيَّهَ اللَّهِ فِي فِعْلِكَ (۲).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: امام باقر علیه السّلام فرمود: خدا تعالی فرمود: «و لا تقولن لشیء إنی فاعل ذلک غدا- إلا أن یشاء الله.» {و زنهار در مورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد. مگر آنکه خدا بخواهد.} آن را نکنم، زیرا خواست خدا در نکردن من پیشی گرفته و توانا بر انجامش نباشم. فرمود: این است مقصود خدا که فرموده: «و اذکر ربک إذا نسیت»، {و چون فراموش کردی پروردگارت را یاد کن.} یعنی هر وقت که یادت آمد، «ان شاء الله» بگو. - تفسیر عیاشی ۲: ۳۲۵ - .

**[ترجمه]

«۵»

شی، [تفسیر العیاشی] عَنْ حَمْزَهَ بْنِ حُمْرَانَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذا نَسِيتَ قَالَ أَنْ تَسْتَثْنِيَ ثُمَّ ذَكَرْتَ بَعْدُ فَاسْتَثْنِ حِينَ تَذْكُرُ(۳).

**[ترجمه]تفسیر عیاشی: حمزه بن حمران گفت: از امام صادق علیه السّلام درباره تفسیر این قول خدا «وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذا نَسِيتَ» پرسیدم. فرمود: یعنی چون «ان شاء الله» را فراموش کردی و پس از آن یادت آمد، بگو «ان شاء الله.» - تفسیر عیاشی ۲: ۳۲۵ -

**[ترجمه]

أقول

قد أوردنا بعض الأخبار فی باب أحكام الیمین.

**[ترجمه]بعضی اخبار را در «باب احكام الیمین» ذكر كردیم.

**[ترجمه]

«۶»

مكا، [مكارم الأخلاق] عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ أَوْ شَرِبَ أَوْ أَكَلَ أَوْ لَبِسَ وَ كُلُّ شَیْ ءٍ یَصْنَعُهُ یَنْبَغِی لَهُ أَنْ یُسَمِّیَ فَإِنْ لَمْ یَفْعَلْ كَانَ لِلشَّیْطَانِ فِیهِ شَرِكٌ (۴).

**[ترجمه]مكارم الاخلاق: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون كسی از شماها وضو سازد یا آبی بنوشد یا بخورد یا جامه بپوشد و هر كاری بكند، شایسته است كه به نام خدا باشد، وگر نه شیطان در آن شریک باشد. -. مكارم الاخلاق: ۱۱۷ -

**[ترجمه]

«۷»

ین، [كتاب حسین بن سعید] و النوادر عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الْأَحْوَلِ عَنْ سَلَّامِ بْنِ الْمُسْتَنِیرِ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام: فِی قَوْلِهِ وَ لَقَدْ عَهِدْنا إِلی آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِیَ وَ لَمْ نَجِدْ لَهُ عَزْماً قَالَ إِنَّ اللَّهَ لَمَّا قَالَ لِآدَمَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ لَهُ یَا آدَمُ- لَا تَقْرَبْ هذِهِ الشَّجَرَةَ قَالَ فَأَرَاهُ إِیَّاهَا فَقَالَ آدَمُ لِرَبِّهِ كَیْفَ أَقْرَبُهَا وَ قَدْ نَهَیْتَنِی عَنْهَا أَنَا وَ زَوْجَتِی قَالَ فَقَالَ لَهُمَا لَا تَقْرَبَاهَا یَعْنِی لَا تَأْكُلَا مِنْهَا فَقَالَ آدَمُ وَ زَوْجَتُهُ نَعَمْ یَا رَبَّنَا لَا نَقْرَبُهَا وَ لَا نَأْكُلُ مِنْهَا وَ لَمْ یَسْتَثْنِیَا فِی قَوْلِهِمَا نَعَمْ فَوَكَلَهُمَا اللَّهُ فِی ذَلِكَ إِلَی أَنْفُسِهِمَا وَ إِلَی ذِكْرِهِمَا قَالَ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ لِنَبِیِّهِ فِی الْكِتَابِ- وَ لا تَقُولَنَّ لِشَیْ ءٍ إِنِّی فاعِلٌ ذلِكَ غَداً- إِلَّا أَنْ یَشاءَ اللَّهُ أَنْ لَا أَفْعَلَهُ فَتَسْبِقَ مَشِیَّةُ اللَّهِ فِی أَنْ لَا أَفْعَلَهُ فَلَا أَقْدِرَ عَلَی

۱- ۱. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۳۲۴.

۲- ۲. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۳۲۵.

۳- ۳. تفسیر العیّاشیّ ج ۲ ص ۳۲۵.

۴- ۴. مكارم الأخلاق ص ۱۱۷.

أَنْ أَفْعَلَهُ قَالَ فَلِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذا نَسِيتَ أَيِ اسْتَثْنِ مَشِيَّةَ اللَّهِ فِی فِعْلِكَ.

**[ترجمه]كتاب حسين بن سعيد و نوادر: امام باقر عليه السّلام در تفسير قول خدا: «و لقد عهدنا إلى آدم من قبل فنسى و لم نجد له عزما.» {و به يقين پيش از اين با آدم پيمان بستيم، و [لى آن را] فراموش كرد، و براى او عزمى [استوار] نيافتيم.} فرمود: چون خدا به آدم فرمود كه به بهشت برو، به او فرمود: اى آدم! نزديک اين درخت مشو! فرمود: و آن درخت را به وى نشان داد. آدم به پروردگارش گفت: چگونه نزديكش شوم با اينكه مرا و همسرم را از آن نهى كردى؟ به آنها فرمود: نزديک آن نشويد! آدم و همسرش گفتند: پروردگارا! بسيار خوب، نزديكش نشويم و از آن نخوريم و پس از «بسيار خوب» خود، «ان شاء الله» نگفت. و خدا آنها را در اين باره به خودشان و به يادآوريشان وانهاد. فرمود: و البته كه به پيغمبرش در قرآن فرموده: «و لا تقولن لشىء إنى فاعل ذلک غدا- إلا أن يشاء الله.» {و زنهار در مورد چيزى مگوى كه من آن را فردا انجام خواهم داد. مگر آنكه خدا بخواهد.} كه آن را نكنم و مشيت خدا از پيش باشد كه آن را نكنم و نمى توانم كرد و اين است كه خدا فرمود: «وَ اذْكُرْ رَبَّكَ إِذا نَسِيتَ»، يعنى در كار خود «ان شاء الله» بگو.

**[ترجمه]

«۸»

ين، [كتاب حسين بن سعيد] و النوادر رَوَى لِی مُرَازِمٌ قَالَ: دَخَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَوْماً إِلَى مَنْزِلِ يَزِيدَ وَ هُوَ يُرِيدُ الْعُمْرَةَ فَتَنَاوَلَ لَوْحاً فِيهِ كِتَابٌ لِعَمِّهِ فِيهِ أَرْزَاقُ الْعِيَالِ وَ مَا يَجْرِی لَهُمْ فَإِذَا فِيهِ لِفُلَانٍ وَ فُلَانٍ وَ لَيسَ فِيهِ اسْتِثْنَاءٌ فَقَالَ لَهُ مَنْ كَتَبَ هَذَا الْكِتَابَ وَ لَمْ يَسْتَثْنِ فِيهِ كَيْفَ ظَنَّ أَنَّهُ يَتِمُّ ثُمَّ دَعَا بِالدَّوَاةِ فَقَالَ الْحَقْ فِيهِ فِی كُلِّ اسْمٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

**[ترجمه]كتاب حسين بن سعيد و نوادر: مرازم برايم روايت كرد كه امام صادق عليه السّلام روزى به خانه يزيد درآمد. او قصد عمره داشت و لوحى برگرفت كه در آن نوشته اى از عمويش بود درباره سهميه خرج خاندان و آنچه بايد به آنها داد و در آن بود كه براى فلان و فلان چه و چه و «ان شاء الله» نداشت. فرمود: چه كسى اين صورت را نوشته كه «ان شاء الله» ندارد؟ چگونه گمان برده كه آن درست مى شود؟ سپس دوات خواست و فرمود: دنبال هر نامى «ان شاء الله» بنويسد.

**[ترجمه]

أقول

قال السيد المرتضى قدس روحه فی كتاب الغرر و الدرر إن سأل سائل عن قوله تعالى وَ لا تَقُولَنَّ لِشَیْ ءٍ إِنِّی فاعِلٌ ذلِكَ غَداً إِلَّا أَنْ يَشاءَ اللَّهُ فقال ما تنكرون أن يكون ظاهر هذه الآيه يقتضى أن يكون جميع ما نفعله يشاؤه و يريده لأنه تعالى لم يخص شيئا من شی ء و هذا بخلاف مذهبكم و ليس أن تقولوا إنه خطاب لرسول الله صلى الله عليه و آله خاصه و هو لا يفعل إلا ما يشاء الله تعالى لأنه قد يفعل المباح بلا خلاف و يفعل الصغائر عند أكثركم فلا بد أن يكون فی أفعاله تعالى ما لا يشاؤه عندكم و لأنه أيضا تأديب لنا كما أنه تعليم له عليه السلام و لذلک يحسن منا أن نقول ذلک فيما نفعل.

الجواب قلنا تأويل هذه الآيه مبنى على وجهين أحدهما أن يجعل حرف الشرط الذى هو أن متعلقا بما يليه و بما هو متعلق به فى الظاهر من غير تقـدير محذوف و يكون التقدير و لا تقولن إنك تفعل إلا ما يريد الله تعالى و هذا الجواب ذكره الفراء و ما رأيته إلاـ له و من العجب تغلغله إلى مثل هـذا مع أنه لم يكن متظاهرا بالقول بالعـدل و على هـذا الجواب لا شـبهه فى الآيه و لا سؤال للقوم علينـا و فى هـذا الوجه ترجيـح على غيره من حيث اتبعنا فيه الظاهر و لم نقـدر محـذوفا و كل جواب طابق الظاهر و لم يبن على محذوف كان أولى.

و الجواب الآخر أن تجعل أن متعلقه بمحـذوف و يكون التقـدير و لا تقولن لشـى ء إنى فاعل ذلك غدا إلا أن تقول إن شاء الله لأن من عاداتهم إضمار القول فى مثل هذا الموضع و اختصار الكلام إذا طال و كان فى الموجود منه

ص: ٣٠٧

دلاله على المفقود و على هـذا الوجه يحتاج إلى جواب عما سئلنا عنه فنقول هـذا تـأديب من الله تعالى لعباده و تعليم لهم أن يعلقوا ما يخبرون به بهذه اللفظه حتى يخرج من حد القطع و لا شبهه فى أن ذلك مختص بالطاعات و أن الأفعال القبيحه خارجه عنه لأن أحدا من المسلمين لا يستحسن أن يقول إنى أزنى غدا إن شاء الله أو أقتل مؤمنا و كلهم يمنع من ذلك أشد المنع فعلم سقوط شبهه من ظن أن الآيه عامه فى جميع الأفعال.

و أما أبو على الجبائى محمد بن عبد الوهاب فإنه ذكر فى تأويل هذه الآيه ما نحن ذاكروه بعينه قال إنما عنى بذلك أن من كان لا يعلم أنه يبقى إلى غد حيا فلا يجوز أن يقول إنى سأفعل غدا كذا و كذا فيطلق الخبر بذلك و هو لا يدرى لعله سيموت و لا يفعل ما أخبر به لأن هـذا الخبر إذا لم يوجده مخبره على ما أخبر به المخبر فهو كـذب و إذا كان المخبر لا يأمن أن لا يوجد مخبره لحدوث أمر من فعل الله تعالى نحو الموت و العجز أو بعض الأمراض أو لا يوجد ذلك بأن يبدو له فى ذلك فلا يأمن أن يكون خبره كـذبا فى معلوم الله عز و جل و إذا لم يأمن ذلك لم يجز أن يخبر به و لا يسلم خبره هـذا من الكذب إلا بالاستثناء الذى ذكره الله تعالى.

فإذا قال إنى صائر غدا إلى المسجد إن شاء الله فاستثنى فى مصيره مشيه الله تعالى خرج من أن يكون خبره فى هذا كذبا لأن الله تعالى إن شاء أن يلجئه إلى المصير إلى المسجد غدا ألجأه إلى ذلك و كان المصير منه لا محاله و إذا كان ذلك على ما وصفناه لم يكن خبره هذا كذبا و إن لم يوجد منه المصير إلى المسجد لأنه لم يوجد ما استثناه فى ذلك من مشيه الله تعالى.

قال و ينبغى أن لا يستثنى مشيه دون مشيه لأنه إن استثنى فى ذلك مشيه الله لمصيره إلى المسجد على وجه التعبد فهو أيضا لا يأمن أن يكون خبره كذبا لأن الإنسان قد يترك كثيرا مما يشاؤه تعالى منه و يتعبده به و لو كان استثنى مشيه الله تعالى لأن يبقيه و يقدره و يرفع عنه الموانع كان أيضا لا يأمن أن

يكون خبره كذبا لأنه قد يجوز أن لا يصير إلى المسجد مع تبقيه الله تعالى له قادرا مختارا فلا يأمن من الكذب فى هذا الخبر دون أن يستثنى المشيه العامه التى ذكرناها فإذا دخلت هذه المشيه فى الاستثناء فقد أمن من أن يكون خبره كذبا إذا كانت هذه المشيه متى وجدت وجب أن يدخل المسجد لا محاله.

قال و بمثل هذا الاستثناء يزول الحنث عمن حلف فقال و الله لأصيرن غدا إلى المسجد إن شاء الله لأنه إن استثنى على سبيل ما بينا لم يجز أن يحنث فى يمينه و لو خص استثناءه بمشيه بعينها ثم كانت و لم يدخل معها المسجد حنث فى يمينه.

و قال غير أبى على أن المشيه المستثناه هنا هى مشيه المنع و الحيلوله فكأنه قال إن شاء الله يخلينى و لا يمنعنى و فى الناس من قال القصد بذلك أن يقف الكلام على جهه القطع و إن لم يلزم به ما كان يلزم لو لا الاستثناء و لا ينوى فى ذلك إلجاء و لا غيره و هذا الوجه يحكى عن الحسن البصرى.

و اعلم أن للاستثناء الداخل على الكلام وجوها مختلفه فقد يدخل على الأيمان و الطلاق و العتاق و سائر العقود و ما يجرى مجراها من الأخبار فإذا دخل ذلك اقتضى التوقف عن إمضاء الكلام و المنع من لزوم ما يلزم به و إزالته عن الوجه الذى وضع له و لذلك يصير ما تكلم به كأنه لا حكم له و لذلك يصح على هذا الوجه أن يستثنى فى الماضى فيقول قد دخلت الدار إن شاء الله فيخرج بهذا الاستثناء من أن يكون كلامه خبرا قاطعا أو يلزمه حكمه و إنما لم يصح دخوله فى المعاصى على هذا الوجه لأن فيه إظهار الانقطاع إلى الله تعالى و المعاصى لا يصح ذلك فيها و هذا الوجه أحد ما يحتمله تأويله الآيه.

و قد يدخل الاستثناء فى الكلام فيراد به اللطف و التسهيل و هذا الوجه يخص بالطاعات و لهذا الوجه جرى قول القائل لأقضين غدا ما على من الدين و لأصلين غدا إن شاء الله مجرى أن يقول إنى أفعل ذلك إن لطف الله تعالى فيه و سهله فعلم أن القصد واحد و أنه متى قصد الحالف فيه هذا الوجه لم يجب

إذا لم يقع منه هذا الفعل أن يكون حانثا أو كاذبا لأنه إن لم يقع علمنا أنه لم يلطف له فيه لأنه لا لطف له فيه.

و ليس لأحد أن يعترض هذا بأن يقول الطاعات لا بد فيها من لطف و ذلك لأن فيها ما لا لطف فيه جمله فارتفاع ما هذه سبيله يكشف عن أنه لا لطف فيه و هذا الوجه لا يصح أن يقال فى الآيه أنه لا يخص الطاعات و الآيه تتناول كل ما لم يكن قبيحا بدلاله إجماع المسلمين على حسن الاستثناء ما تضمنته فى كل فعل ما لم يكن قبيحا.

و قد يدخل الاستثناء فى الكلام و يراد به التسهيل و الإقدار و التخليه و البقاء على ما هو عليه من الأحوال و هذا هو المراد به إذا دخل فى المباحات و هذا الوجه يمكن فى الآيه إلا أنه يعترضه ما ذكره أبو على الجبائى فيما حكيناه من كلامه و قد يذكر استثناء المشيه أيضا فى الكلام و إن لم يرد به شى ء مما تقدم بل يكون الغرض به إظهار الانقطاع إلى الله تعالى من غير أن يقصد إلى شى ء من الوجوه المتقدمه و قد يكون هذا الاستثناء غير معتد به فى كونه كاذبا أو صادقا فالآيه فى الحكم كأنه قال لأفعلن كذا إن وصلت إلى مرادى مع انقطاعى إلى الله تعالى و إظهارى الحاجه إليه و هذا الوجه أيضا مما يمكن فى تأويل الآيه و من تأمل جمله ما ذكرناه من الكلام عرف منه الجواب عن المسأله التى لا يزال يسأل عنها المخالفون من قولهم لو كان الله تعالى إنما يريد العبادات من الأفعال دون المعاصى لوجب إذا قال من لغيره عليه دين طالبه به و الله لأعطينك حقك غدا إن شاء الله أن يكون كاذبا أو حانثا إذا لم يفعل لأن الله تعالى قد شاء ذلك منه عندكم و إن كان لم يقع فكان يجب أن تلزمه الكفاره و أن لا يؤثر هذا الاستثناء فى يمينه و لا يخرجه عن كونه حانثا كما أنه لو قال و الله لأعطينك حقك غدا إن قدم زيد فقدم و لم يعطه يكون حانثا و فى إلزام هذا الحنث خروج عن إجماع المسلمين فصار ما أوردناه جامعا لبيان تأويل الآيه و الجواب عن هذه المسأله و نظائرها من المسائل و الحمد لله وحده (۱).

ص: ۳۱۰

۱- ۱. الغرر و الدرر ج ۲ ص ۱۲۰- ۱۲۴ ط مصر.

**[ترجمه]سید مرتضی (قده) در کتاب «الغرر و الدرر» نوشته: اگر کسی از این قول خدای تعالی بپرسد که فرمود: «و لا تقولن لشـی ء إنی فاعـل ذلـک غـدا إلاـ أن یشاء الله.» {و زنهار در مورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد. مگر آنکه خـدا بخواهـد.} و گویـد: شـما منکر نیستید که ظاهر این آیه این است که همه کارهایی را که ما کنیم خدا خواسـته، زیرا خدا مشـیت خود را به چیزی مشـروط نکرده و این بر خلاف مـذهب شـما است. و نتوانید گفت که این خطاب مخصوص به رسول خـدا است و او است که کاری نکنـد جز به خواست خـدای تعالی، زیرا آن حضـرت هم بدون خلاف کار مباح می کرده و به قول بیشتر شـما، گناه صـغیره هم می نموده و لازم آیـد که به عقیـده شـما در کارهای حضـرتش آن باشد که خدا نخواسـته. و برای اینکه این دستور تادیب ما است و آموزش آن حضرت صلی الله علیه و آله و از این رو است که خوب است ما در هر کار خود آن را بگوییم و جواب این است که آیه را به دو وجه می توان تفسیر کرد:

۱.

این که حرف شـرطی که متعلق به مابعـد خود است، بدون تقدیر محذوفی باشد و مقصود این باشد که: «ای پیغمبر! بگو کاری نمی کنی جز آنچه خدا خواهد» که نیازی ندارد کلمه ای مقدر باشد و تنها فراء آن را گفته و از دیگری آن را ندیدم. و عجب است که به این معنی گراییده، با اینکه به قول عدلیه تظاهری نداشـته و بدین تفسـیر هیچ شبهه ای در آیه نیست و دیگران را بر ما اعتراضی نباشد. و این تفسیر بر غیر آن ترجیح دارد، چون بر طبق ظاهر است و محذوفی در تقدیر نیست و چنین تفسیری که نیاز به محذوفی ندارد، بهتر است.

۲.

اینکه مقـدری در میـان آیـد و مقصود این باشـد که: «نگو چیزی را فردا می کنم جز اینکه بگویی ان شاء الله»، بنا بر این که در چنین مقـامی کلمه قول مقـدر شود برای اختصار کلام که طولانی شـده و آنچه موجود است، دلالت بر مفقود دارد و بنا بر این تفسـیر ما نیاز داریم به جواب از اعتراضی که شده و گوییم که مقصود ادب آموزی خداست به بندگانش و آموزش آنها است که خبـر از آینـده را به این لفـظ مشـروط کننـد تـا قطعی نباشـد و بی شـبهه مخصـوص باشـد به غیر کارهـای زشت، زیرا هیچ مسـلمانی نپسندد که گفته شود من فردا زنا کنم ان شاء الله یا مؤمنی را بکشم ان شاء الله و همه آن را به شدت منع کنند و جای این اعتراض نماند که عامه گمان کردند آیه شامل هر کاری است.

و اما ابو علی جبایی محمد بن عبد الوهاب، در تفسیر آیه آنچه را گفته که خودش را نقل کنیم. وی گفته: منظور این است که کسـی که ندانـد تا فردا زنـده است، روا نیست بگویـد: من فردا چنین و چنان کنم و خبری قطعی دهد و نداند، چرا که شاید به زودی بمیرد و به آن کار نرسـد و اگر خبر به انجام نرسـد، دروغ باشـد و خبر ده اطمینان نـدارد که خبرش به انجام رسد، چون احتمال دارد که از طرف خـدا مانعی پدید آید همچون مرگ و ناتوانی و بیماری یا اینکه خود پشـیمان شود و نکند و در امان نیست که خبر او در علم خـدا دروغ باشـد و در این صورت جز قطعی روا نیست و از دروغ بر کنـار نیست با گفتن «ان شاء الله» که خـدا فرموده و چون گویـد: من فردا به مسـجد روم ان شاء الله و آن را وابسـته به خواست خـدا کنـد، دروغ نباشد، زیرا اگر خدا خواست او را به مسجد کشاند به ناچار و اگر به مسجد نرفت، چون خدا نخواسته دروغ نگفته است.

گفته است باید قصد خواست عمومی خدا را کند، زیرا اگر خواست خدا را در خصوص مسجد رفتن در نظر گیرد، باز از دروغ بر کنار نشود، زیرا آدمی بسیار شده آنچه را خدا از او خواسته ترک کرده، و اگر قصد خواست خدا کند برای زنده ماندن و توان داشتن و رفع هر مانع، باز هم از دروغ در امان نباشد، زیرا می شود با زنده بودن و توان و بی مانعی، باز هم به مسجد نرود و تنها با وابستگی به خواست مطلق خدا است که از دروغ در امان است، زیرا همان است که اگر محقق شود، به ناچار به مسجد خواهد رفت.

گفته: با این «ان شاء الله» مطلق است که کفاره قسم در میان نباشد و اگر گوید: «به خدا قسم فردا به مسجد خواهم رفت ان شاء الله» و نرفت، خلف قسم نشده، زیرا قصد مطلق مشیت که گفتیم، موجب خلف قسم نشود و اگر قصد مشیت خاص کند، همچون صحت و قدرت و آن شرط حاصل باشد و به مسجد نرود، قسم شکسته شود .

و غیر ابی علی گفته: مقصود از «ان شاء الله» این است که مانعی رخ ندهد، یعنی اگر خدا خواهد مرا آزاد گذارد و جلویم را نگیرد. و برخی گفتند: مقصود از کلمه «ان شاء الله» این است که خبر قطعی نیست و مایه الزام نشود بدان چه اگر «ان شاء الله» نداشت و بدان قصد الجاء و غیرآن نشده، و این تفسیر از حسن بصری نقل شده و بدان که گفتن «ان شاء الله» پس از سخنی، چند راه دارد:

۱.

این که پس از صیغه طلاق و عتق و دیگر معاملات باشد و هر خبری که معنی آنها را دهد که دلیل بر توقف آن معامله باشد و مسئول نشدن به مفاد آن و رفع اثر آن و از این رو حکمی ندارد و می شود پس از خبر از ماضی باشد و بگوید: «به خانه وارد شدم ان شاء الله» و با پیوست «ان شاء الله»، خبر قطعی نباشد و حکمی بر آن بار نیست، و بدین وجه نباید در خبر دادن از گناهان درآید، زیرا مفادش توجه به خدا تعالی است و در گناهان درست نیست و این یکی از تفسیرهای آیه است.

۲.

برای طلب لطف از خدا و آسانی امر باشد و بدین معنی، مخصوص به کار خیر باشد، چنان چه کسی گوید: «فردا قرض خود را بپردازم ان شاء الله و نماز بخوانم ان شاء الله» که معنایش این است من این کار را بکنم، اگر خدا لطف کند و آسان نماید و اگر بر آن قسم یاد کند، انجام آن واجب نشود و اگر آن را نکرد، خلف قسم و دروغ نباشد، زیرا اگر نکرد، می دانم که به او در این باره لطف نشده و از این رو آن را انجام نداده است.

و کسی نگوید که در هر طاعت لطفی باشد، زیرا در برخی از آنها به طور اجمال لطف و توفیق نباشد و عمل نکردن در این صورت، می فهمانند که در آن مورد لطف نبوده است. و نتوان آیه را بدین وجه تفسیر کرد، زیرا مخصوص به طاعات و امور خیر نیست و شامل هر کاری جز قبایح می شود، چون مسلمانان اتفاق دارند بر اینکه گفتن «ان شاء الله» در هر کاری که زشت نباشد، خوب است.

۳.

و گـاهی مقصود از «ان شـاء الله» در کلامی، آسان کردن و قـدرت دادن خـدا و رفع مانع و باقی مانـدن حال سـلامتی است که گوینـده دارد، و این است مقصود از آن در کارهای مباح و می شود تفسـیر آیه باشد، ولی اعتراض ابو علی که ذکر شد به آن وارد است .

.۴

«ان شاء الله» در کلامی آیـد و هیچ کدام از معانی گذشـته مقصود نباشد و غرض صـرف توجه به خدا تعالی باشد، بی توجه به اینکه کلاـم راست باشـد یا دروغ و «ان شاء الله» قیـد کلام نباشـد و گفته باشـد من این کار را می کنم و به خـدای تعالی توجه دارم و از او حاجت خواهم. این وجه هم در تفسیر آیه مورد بحث رواست.

و هر که در آنچه گفتیم اندیشـد، جواب اعتراض پیوسـته مخالفان را بدانـد که گوینـد اگر تنها طاعات را خواهـد و گناهان را نخواهد، لازم آید که اگر بدهکار به بسـتانکارش گوید: «به خدا که فردا قرض تو را خواهم پرداخت ان شاء الله»، اگر نپردازد، دروغگو و قسم شـکن گردد، زیرا خدا این کار طاعت را از او خواسـته به عقیده شـما و اگر چه انجام نداده و کفاره بر او لازم گردد و این گفتن ان شاء الله اثری برایش نـدارد و از خلف قسـمش بیرون نیارد، بهماننـد اینکه گویـد: «به خـدا حق تو را فردا بـدهم اگر زیـد آیـد» و زیـد آید و باز هم ندهد که خلف قسم کرده، و در این گفتار شـما که با «ان شاء الله» خلف قسم شود، خروج از اجماع مسـلمانان است، و در آنچه ما در آیه گفتیم، جمع تفسیر آیه باشد و جواب از این اعتراض و نظائرش و الحمد لله وحده. - . غرر و درر ۲: ۱۲۰- ۱۲۴ -

**[ترجمه]

باب ۵۹ معنی الفتوه و المروه

الأخبار

«۱»

لی، [الأمالی للصدوق] عَنِ ابْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنِ السَّعْدَآبَادِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي قَتَادَةَ الْقُمِّيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَبَانٍ الْأَحْمَرِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیهما السلام قَالَ: إِنَّ النَّاسَ تَذَاكَرُوا عِنْدَهُ الْفُتُوَّةَ فَقَالَ تَظُنُّونَ أَنَّ الْفُتُوَّةَ بِالْفِسْقِ وَ الْفُجُورِ كَلَّا الْفُتُوَّةُ وَ الْمُرُوَّةُ طَعَامٌ مَوْضُوعٌ وَ نَائِلٌ مَبْذُولٌ وَ اصْطِنَاعُ الْمَعْرُوفِ وَ أَذًى مَكْفُوفٌ فَأَمَّا تِلْكَ فَشَطَارَةٌ وَ فِسْقٌ ثُمَّ قَالَ علیه السلام مَا الْمُرُوَّةُ فَقُلْنَا لَا نَعْلَمُ قَالَ الْمُرُوَّةُ وَ اللَّهِ أَنْ يَضَعَ الرَّجُلُ خِوَانَهُ بِفِنَاءِ دَارِهِ وَ الْمُرُوَّةُ مُرُوَّتَانِ مُرُوَّةٌ فِي الْحَضَرِ وَ مُرُوَّةٌ فِي السَّفَرِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الْحَضَرِ فَتِلَاوَةُ الْقُرْآنِ وَ لُزُومُ الْمَسَاجِدِ وَ الْمَشْيُ مَعَ الْإِخْوَانِ فِي الْحَوَائِجِ وَ الْإِنْعَامُ عَلَى الْخَادِمِ فَإِنَّهُ مِمَّا يَسُرُّ الصَّدِيقَ وَ يَكْبِتُ الْعَدُوَّ وَ أَمَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ فَكَثْرَةُ الزَّادِ وَ طِيبُهُ وَ بَذْلُهُ لِمَنْ كَانَ مَعَكَ وَ كِتْمَانُكَ عَلَى الْقَوْمِ سِرَّهُمْ بَعْدَ مُفَارَقَتِكَ إِيَّاهُمْ وَ كَثْرَةُ الْمِزَاحِ فِي غَيْرِ مَا يُسْخِطُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ قَالَ علیه السلام وَ الَّذِي بَعَثَ جَدِّي صلی الله علیه و آله بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيَرْزُقُ الْعَبْدَ عَلَى قَدْرِ الْمُرُوَّةِ وَ إِنَّ الْمَعُونَةَ لَتَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ عَلَى قَدْرِ الْمَئُونَةِ وَ إِنَّ الصَّبْرَ لَيَنْزِلُ عَلَى قَدْرِ شِدَّةِ الْبَلَاءِ(۱).

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] بإسناده عن أبی قتاده عن الصادق علیه السلام: مثله (۲)

مع، [معانی الأخبار] عَنْ أَبِیهِ عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ أَبِی قَتَادَهَ رَفَعَهُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مِثْلَهُ إِلَی قَوْلِهِ بِفِنَاءِ دَارِهِ (۳).

**[ترجمه]امالی صدوق: ابان بن احمر گفت: که مردم نزد امام صادق علیه السّلام درباره جوانمردی گفتگو کردند. آن حضرت فرمود: گمان می برید که جوانمردی فسق و فجور است؟ نه هرگز، جوانمردی و فتوت و مروت سفره ای است که گسترده باشد، و بخششی است که فراهم شده، و کارهای خیر، و آزار نکردن است. و اما آنها (که می کنند) عیاری و نابکاری است. و آنگاه فرمود: مروت چه باشد؟ گفتیم: ندانیم. فرمود: به خدا مروت این است که کسی سفره خود را در آستانه خانه اش بگستراند، و مروت دو تا است: یکی در حضر و یکی در سفر. آنکه در حضر است، خواندن قرآن، ملازمت با مساجد، همراهی با برادران در انجام حوائج، و انعام به خدمتکار که آن دوست را شاد کند و دشمن را نگون سار است. و اما آنکه در سفر است، توشه بسیار خوب و بخشش آن به همراهان، رازداری از هم سفران پس از جدایی از آنان، و شوخی فراوان در غیر آنچه خدا عزوجل را به خشم آورد است. بدان که جدم را به حق پیغمبر ساخته سوگند که هر خدا به هر کس به اندازه مروتش روزی داده و همانا که کمک آسمانی به اندازه خرج کردن و صبر به اندازه سختی بلا نازل شود. - . امالی صدوق: ۳۲۹ -

امالی شیخ طوسی از امام صادق

مانند این روایت را آورده است. - . امالی شیخ طوسی ۲: ۳۰۷ -

معانی الاخبار تا کلمه «در آستانه خانه اش» مانند آن را آورده است. - . معانی الاخبار: ۲۵۸ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال](۴)

ن، [عیون أخبار الرضا علیه السلام] بِالْأَسَانِیدِ الثَّلَاثَهِ عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: سِتَّهٌ مِنَ الْمُرُوَّهِ ثَلَاثَهٌ مِنْهَا فِی الْحَضَرِ وَ ثَلَاثَهٌ مِنْهَا فِی السَّفَرِ

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۳۲۹.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ ج ۲ ص ۳۰۷.

۳- ۳. معانی الأخبار ص ۲۵۸.

۴- ۴. الخصال ج ۱ ص ۱۵۷.

فَأَمَّا الَّتِی فِی الْحَضَرِ فَتِلَاوَهُ کِتَابِ اللَّهِ تَعَالَی وَ عِمَارَهُ مَسَاجِدِ اللَّهِ وَ اتِّخَاذُ الْإِخْوَانِ فِی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَمَّا الَّتِی فِی السَّفَرِ فَبَذْلُ الزَّادِ وَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَ الْمِزَاحُ فِی غَیْرِ الْمَعَاصِی (۱).

صح، [صحیفه الرضا علیه السلام] عنه علیه السلام: مثله (۲).

**[ترجمه]خصال و عیون اخبارالرضا: امام رضا از پـدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا روایت می کند که فرمود: شـش چیز از مروت است؛ سه تا در حضـر و سه در سـفر. آنچه در حضـر است، خوانـدن قرآن، آباد داشـتن مساجد و دوست یابی در راه خـدا عزوجـل است. و امـا آنچه در سـفر است، بخشـش توشه، خوش خویی و شوخی در غیر گناهان است. - . خصال۱: ۱۵۷ ، عیون اخبارالرضا ۲: ۲۷ -

صحیفه الرضا: مانند این روایت را آورده است. - . صحیفه الرضا: ۹ -

**[ترجمه]

«۳»

مع، [معانی الأخبار] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ صَبَّاحِ بْنِ خَاقَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ عُثْمَانَ التَّیْمِیِّ قَالَ: خَرَجَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام عَلَی أَصْحَابِهِ وَ هُمْ یَتَذَاکَرُونَ الْمُرُوَّهَ فَقَالَ أَیْنَ أَنْتُمْ مِنْ کِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ قَالُوا یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ فِی أَیِّ مَوْضِعٍ فَقَالَ فِی قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَ إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ فَالْعَدْلُ الْإِنْصَافُ وَ الْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ.

قَالَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ عَبَّاسٍ وَ رَفَعَهُ قَالَ: سَأَلَ مُعَاوِیَهُ الْحَسَنَ بْنَ عَلِیٍّ علیهما السلام عَنِ الْمُرُوَّهِ فَقَالَ شُحُّ الرَّجُلِ عَلَی دِینِهِ وَ إِصْلَاحُهُ مَالَهُ وَ قِیَامُهُ بِالْحُقُوقِ فَقَالَ مُعَاوِیَهُ أَحْسَنْتَ یَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَحْسَنْتَ یَا أَبَا مُحَمَّدٍ فَکَانَ مُعَاوِیَهُ یَقُولُ بَعْدَ ذَلِکَ وَدِدْتُ أَنَّ یَزِیدَ قَالَهَا وَ أَنَّهُ کَانَ أَعْوَرَ(۳).

**[ترجمه]معـانی الاخبـار: عثمـان تیمی گفت: امیرالمؤمنین علیه السّلام نزد یارانش آمـد و آنها در حال گفتگو درباره مروت بودند. فرمود: شـماها در کجای قرآن خدا هستید؟ گفتند: یا امیرالمؤمنین! در کدام موضع؟ فرمود: در آنجا که فرماید: «إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ.» - . نحل / ۹۰ - {در حقیقت، خـدا به دادگری و نیکوکـاری فرمان می دهـد.} عـدل انصاف است و رعایت حق و احسان، بخشش از حق خود.

از عبدالرحمن عباس نقل است که معاویه از امام حسن علیه السّلام درباره مروت پرسـید. فرمود: دریغ کردن بر دین، و اصلاح مـال و رعایت حقوق. معاویه گفت: آفرین ای ابا محمـد! او پس از آن بارها گفت: دوست داشـتم یزیـد این جواب را بگویـد، اگرچه یک چشم باشد. - . معانی الاخبار: ۲۵۷ -

**[ترجمه]

«۴»

مع، [معانى الأخبار] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَيْمَنَ بْنِ مُحْرِزٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهْبٍ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: كَانَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ علیه السلام فِی نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِهِ عِنْدَ مُعَاوِيَةَ فَقَالَ لَهُ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ خَبِّرْنِی عَنِ الْمُرُوَّهِ فَقَالَ حِفْظُ الرَّجُلِ دِينَهُ وَ قِيَامُهُ فِی إِصْلَاحِ ضَيْعَتِهِ وَ حُسْنُ مُنَازَعَتِهِ وَ إِفْشَاءُ السَّلَامِ وَ لِينُ الْكَلَامِ وَ الْكَفُّ وَ التَّحَبُّبُ إِلَى النَّاسِ (۴).

**[ترجمه]معانى الاخبار: امام حسن عليه السّلام در ميان تنى چند از اصحابش در نزد معاويه بود كه معاويه از امام حسن عليه السّلام پرسيد: اى ابا محمد! مروت

چيست؟ فرمود: اين كه مرد دينش را حفظ كند، و قيام او در اصلاح مالش و خوش ستيزگى، و افشاى سلام و نرم گفتن، و خوددارى، و دوست يابى از مردم. - . معانى الاخبار: ۲۵۷ -

**[ترجمه]

«۵»

مع، [معانى الأخبار] بِالْإِسْنَادِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا رَفَعَهُ إِلَى سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَهَ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لِلْحَسَنِ ابْنِهِ علیهما السلام يَا بُنَيَّ مَا الْمُرُوَّهُ فَقَالَ الْعَفَافُ وَ إِصْلَاحُ الْمَالِ (۵).

**[ترجمه]معانى الاخبار: امير مؤمنان عليه السّلام به فرزندش حسن عليه السّلام فرمود: پسر جانم! مروت چيست؟ گفت: عفت داشتن و اصلاح مال. - . معانى الاخبار: ۲۵۷ -

**[ترجمه]

«۶»

مع، [معانى الأخبار] بِالْإِسْنَادِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَفْصٍ الْقُرَشِيِّ عَنْ رَجُلٍ مِنْ

ص: ۳۱۲

۱- ۱. عيون الأخبار ج ۲ ص ۲۷.
۲- ۲. صحيفه الرضا ص ۹.
۳- ۳. معانى الأخبار ص ۲۵۷.
۴- ۴. معانى الأخبار ص ۲۵۷.
۵- ۵. معانى الأخبار ص ۲۵۷.

أَصْحَابِنَا يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ قَالَ: سُئِلَ الْحَسَنُ علیه السلام عَنِ الْمُرُوَّهِ فَقَالَ الْعَفَافُ فِی الدِّینِ وَ حُسْنِ التَّقْدِیرِ فِی الْمَعِیشَهِ وَ الصَّبْرِ عَلَی النَّائِبَهِ(۱).

**[ترجمه]معانی الاخبار: ابراهیم نامی گفت: از امام حسن علیه السّلام از مروت پرسش شد. فرمود: پارسایی در دین، و اندازه گیری در زندگی و صبر بر ناگواری ها. -. معانی الاخبار: ۲۵۸ -

**[ترجمه]

«۷»

مع، [معانی الأخبار] بِالْإِسْنَادِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ إِسْمَاعِیلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ صَالِحِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: الْمُرُوَّهُ اسْتِصْلَاحُ الْمَالِ (۲).

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اصلاح مال از مروت است. -. معانی الاخبار: ۲۵۸ -

**[ترجمه]

«۸»

مع، [معانی الأخبار] بِالْإِسْنَادِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِیِّ رَفَعَهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: تَعَاهُدُ الرَّجُلِ ضَیْعَتَهُ مِنَ الْمُرُوَّهِ(۳).

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام صادق علیه السّلام فرمود: وارسی هر کس از مزرعه اش، از مروت است. -. معانی الاخبار: ۲۵۸ -

**[ترجمه]

«۹»

مع، [معانی الأخبار] بِالْإِسْنَادِ عَنِ الْبَرْقِیِّ عَنِ الْهَیْثَمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ النَّهْدِیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: الْمُرُوَّهُ مُرُوَّتَانِ مُرُوَّهُ الْحَضَرِ وَ مُرُوَّهُ السَّفَرِ فَأَمَّا مُرُوَّهُ الْحَضَرِ فَتِلَاوَهُ الْقُرْآنِ وَ حُضُورُ الْمَسَاجِدِ وَ صُحْبَهُ أَهْلِ الْخَیْرِ وَ النَّظَرُ فِی الْفِقْهِ وَ أَمَّا مُرُوَّهُ السَّفَرِ فَبَذْلُ الزَّادِ وَ الْمِزَاحُ فِی غَیْرِ مَا یُسْخِطُ اللَّهَ وَ قِلَّهُ الْخِلَافِ عَلَی مَنْ صَحِبَکَ وَ تَرْکُ الرِّوَایَهِ عَلَیْهِمْ إِذَا أَنْتَ فَارَقْتَهُمْ (۴).

۱- ۱. معانی الأخبار ص ۲۵۸.
۲- ۲. معانی الأخبار ص ۲۵۸.
۳- ۳. معانی الأخبار ص ۲۵۸.
۴- ۴. معانی الأخبار ص ۲۵۸.

**[ترجمه]معانی الاخبار: امام صادق علیه السّلام فرمود: مروت دو تا است، یکی در حضر و یکی در سفر. اما در حضر، خواندن قرآن است، و حضور در مساجد، و صحبت با نیکان و نظر در فقه و مسائل دینی. و اما در سفر، بخشیدن توشه، و شوخی در غیرآنچه خدا را به خشم آورد، و کم مخالفت کردن با همسفران، و بازگو نکردن احوالشان پس از جدایی است. - . معانی الاخبار: ۲۵۸ -

**[ترجمه]

أبواب النوادر

باب ۶۰ ما یورث الفقر و الغناء

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال] عَنْ مَاجِیلَوَیْهِ عَنْ عَمِّهِ عَنِ الْكُوفِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِیَادٍ الْبَصْرِیِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَدَائِنِیِّ عَنِ الثُّمَالِیِّ عَنْ ثَوْرِ بْنِ سَعِیدٍ عَنْ أَبِیهِ سَعِیدِ بْنِ عِلَاقَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَقُولُ: تَرْكُ نَسْجِ الْعَنْكَبُوتِ فِی الْبُیُوتِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ الْبَوْلُ فِی الْحَمَّامِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ الْأَكْلُ عَلَی الْجَنَابَهِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ التَّخَلُّلُ بِالطَّرْفَاءِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ التَّمَشُّطُ مِنْ قِیَامٍ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ تَرْكُ الْقُمَامَهِ فِی الْبَیْتِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ الْیَمِینُ الْفَاجِرَهُ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ الزِّنَا یُورِثُ الْفَقْرَ وَ إِظْهَارُ الْحِرْصِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ النَّوْمُ بَیْنَ الْعِشَاءَیْنِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ النَّوْمُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ اعْتِیَادُ الْكَذِبِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ كَثْرَهُ الِاسْتِمَاعِ إِلَی الْغِنَاءِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ رَدُّ السَّائِلِ الذَّكَرِ بِاللَّیْلِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ تَرْكُ التَّقْدِیرِ فِی الْمَعِیشَهِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ قَطِیعَهُ الرَّحِمِ تُورِثُ الْفَقْرَ ثُمَّ قَالَ علیه السلام أَ لَا أُنَبِّئُكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا تَزِیدُ فِی الرِّزْقِ قَالُوا بَلَی یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ- فَقَالَ الْجَمْعُ بَیْنَ الصَّلَاتَیْنِ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ التَّعْقِیبُ بَعْدَ الْغَدَاهِ وَ بَعْدَ الْعَصْرِ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ صِلَهُ الرَّحِمِ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ كَسْحُ الْفِنَاءِ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ مُوَاسَاهُ الْأَخِ فِی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ تَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ الْبُكُورُ فِی طَلَبِ الرِّزْقِ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ الِاسْتِغْفَارُ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ اسْتِعْمَالُ الْأَمَانَهِ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ قَوْلُ الْحَقِّ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ إِجَابَهُ الْمُؤَذِّنِ (۱)

تَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ تَرْكُ الْكَلَامِ فِی الْخَلَاءِ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ تَرْكُ الْحِرْصِ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ وَ شُكْرُ

۱- ۱. یعنی حکایه أذان المؤذن من دون رفع الصوت.

الْمُنْعِمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ اجْتِنَابُ الْيَمِينِ الْكَاذِبَهِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ أَكْلُ مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخِوَانِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً دَفَعَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنَ الْبَلَاءِ أَيْسَرُهَا الْفَقْرُ(۱).

**[ترجمه]خصال: امیر مؤمنان علیه السّلام می فرمود: وانهادن تار عنکبوت در خانه ها فقر آورَد؛ ادرار کردن در حمام فقر آورد؛ خوردن در حال جنابت فقر آورد؛ خلال کردن با چوب گز فقر آورد؛ شانه زدن ایستاده فقر آورد؛ وانهادن خاکروبه در خانه فقر آورد؛ سوگند دروغ فقر آورد؛ زنا فقر آورد؛ حرص آشکار فقر آورد؛ خواب میان نماز مغرب و عشاء فقر آورد؛ خواب پیش از طلوع خورشید فقر آورد؛ عادت به دروغ فقر آورد؛ زیاد گوش دادن به موسیقی فقر آورد؛ رد گدا در شب فقر آورد؛ اندازه گیری نکردن وضع زندگی فقر آورد؛ و قطع رحم فقر آورد.

سپس فرمود: پس از این شما را آگاه کنم از آنچه در روزی بیفزاید؟ گفتند: چرا یا امیرالمؤمنین! فرمود: جمع میان دو نماز روزی فزاید؛ تعقیب پس از نماز صبح و عصر روزی فزاید؛ صله رحم روزی فزاید؛ جاروب کردن آستانه روزی فزاید؛ همدردی با برادران برای خدا روزی فزاید؛ صبح زود به طلب روزی رفتن، استغفار از گناه، امانت داری، حق گویی، حکایت اذان - . یعنی حکایت اذان مؤذن بدون رفع صوت. - ، سخن نگفتن در بیت الخلاء، ترک حرص، شکر منعم، دوری از سوگند دروغ، وضوی پیش از خوراک، و خوردن واریز سفره روزی را می افزاید. و هر کس هر روز سی بار تسبیح گوید، خدا عزوجل هفتاد نوع بلا را از او رفع کند که آسان ترین همه آنها فقر است. - . خصال ۲: ۹۳ -

**[ترجمه]

«۲»

جَامِعُ الْأَخْبَارِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: عِشْرُونَ خَصْلَةً تُورِثُ الْفَقْرَ أَوَّلُهَا الْقِيَامُ مِنَ الْفِرَاشِ لِلْبَوْلِ عُرْيَاناً وَ أَكْلُ الطَّعَامِ جُنُباً وَ تَرْكُ غَسْلِ الْيَدَيْنِ عِنْدَ الْأَكْلِ وَ إِهَانَهُ الْكِسْرَهِ مِنَ الْخُبْزِ وَ إِحْرَاقُ قِشْرِ الثُّومِ وَ الْبَصَلِ وَ الْقُعُودُ عَلَى أُسْكُفَّهِ الْبَيْتِ (۲)

وَ كَنْسُ الْبَيْتِ بِاللَّيْلِ وَ بِالثَّوْبِ وَ غَسْلُ الْأَعْضَاءِ فِي مَوْضِعِ الِاسْتِنْجَاءِ وَ مَسْحُ الْأَعْضَاءِ الْمَغْسُولَهِ بِالذَّيْلِ وَ الْكُمِّ وَ وَضْعُ الْقِصَاعِ وَ الْأَوَانِي غَيْرَ مَغْسُولَهٍ وَ وَضْعُ أَوَانِي الْمَاءِ غَيْرَ مُغَطَّاهِ الرُّءُوسِ وَ تَرْكُ بُيُوتِ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْمَنْزِلِ وَ الِاسْتِخْفَافُ بِالصَّلَاهِ وَ تَعْجِيلُ الْخُرُوجِ مِنَ الْمَسْجِدِ وَ الْبُكُورُ إِلَى السُّوقِ وَ تَأْخِيرُ الرُّجُوعِ عَنْهُ إِلَى الْعَشِيِّ وَ شِرَاءُ الْخُبْزِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ اللَّعْنُ عَلَى الْأَوْلَادِ وَ الْكَذِبُ وَ خِيَاطَهُ الثَّوْبِ عَلَى الْبَدَنِ وَ إِطْفَاءُ السِّرَاجِ بِالنَّفَسِ وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ وَ الْبَوْلُ فِي الْحَمَّامِ وَ الْأَكْلُ عَلَى الْجُشَاءِ وَ التَّخَلُّلُ بِالطَّرْفَاءِ وَ النَّوْمُ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ وَ النَّوْمُ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ رَدُّ السَّائِلِ الذَّكَرِ بِاللَّيْلِ وَ كَثْرَهُ الِاسْتِمَاعِ إِلَى الْغِنَاءِ وَ اعْتِيَادُ الْكَذِبِ وَ تَرْكُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَهِ وَ التَّمَشُّطُ مِنْ قِيَامٍ وَ الْيَمِينُ الْفَاجِرَهُ وَ قَطِيعَهُ الرَّحِمِ ثُمَّ قَالَ علیه السلام أَ لَا أُنَبِّئُكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ قَالُوا بَلَى قَالَ الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ التَّعْقِيبُ بَعْدَ الْغَدَاهِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ بَعْدَ الْعَصْرِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ صِلَهُ الرَّحِمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ كَشْحُ الْغِنَى يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَهِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ الِاسْتِغْنَاءُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ مُوَاسَاهُ الْأَخِ فِي اللَّهِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ الْبُكُورُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ إِجَابَهُ الْمُؤَذِّنِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تَرْكُ الْكَلَامِ فِي الْخَلَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ ثُمَّ سَاقَ الْحَدِيثَ مِنْ هُنَا إِلَى آخِرِ الْخَبَرِ كَمَا فِي الْخِصَالِ.

**[ترجمه]جامع الاخبار: رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: بيست خصلت فقر آورند: برهنه بر خاستن از بستر براى ادرار؛ خوراك خوردن در جنابت؛ نَشُستن دست براى خوردن؛ بى اعتنايى به تكه نان؛ سوزاندن پوست سير و پياز؛ نشستن بر چوبه در خانه؛ شبانه و يا با لباس خانه را جارو زدن؛ شستن اندام در بيت الخلاء؛ خشك كردن اندام پس از شستن آنها با دامن يا آستين؛ كاسه و ظرف را نشُسته گذاردن؛ ظرف آب را بى سرپوش واگذاشتن؛ وانهادن تار عنكبوت در خانه؛ سبك شمردن نماز؛ شتاب در بيرون رفتن از مسجد؛ صبح زود به بازار رفتن؛ برنگشتن از آن تا تاريكى شب؛ خريد نان از گداها؛ لعن به فرزند؛ دروغ گفتن؛ دوختن جامه پوشيده بر تن؛ و فوت كردن به چراغ براى خاموش شدن. و در خبر ديگر است: ادرار كردن در حمام؛ خوردن سر سيرى؛ خلال با چوب گز؛ خواب ميان نماز مغرب و عشاء؛ خواب پيش از طلوع خورشيد (يعنى بعد از نماز صبح)؛ رد مرد گدا در شب؛ زيادگوش دادن به موسيقى؛ عادت به دروغ؛ زندگى بدون برنامه و اندازه گيرى؛ شانه زدن ايستاده؛ سوگند دروغ؛ و قطع رحم.

سپس فرمود: از اين پس شما را آگاه نكنم از آنچه روزى را افزون كنند؟ گفتند: چرا يا رسول الله! فرمود: جمع ميان دو نماز روزى فزايد؛ تعقيب پس از نماز صبح و عصر روزى فزايد؛ صله رحم روزى فزايد؛ جاروب كردن آستانه روزى فزايد؛ امانت دارى و اظهار بى نيازى و همدردى با برادران براى خدا روزى فزايد؛ صبح زود به طلب روزى رفتن، حكايت اذان، و سخن نگفتن در بيت الخلاء روزى فزايد ... و همان دنباله حديث خصال را بعد از اين جملات آورده است.

**[ترجمه]

و أقول

الظاهر أن قوله كشح الغناء مصحف قوله كسح الفناء

ص: ۳۱۵

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۹۳.

۲- ۲. يعنى عتبه الباب و هى الخشبه التى يوطأ عليها.

کما وقع ذلک فی بعض نسخه و فی سائر الکتب أیضا و کذا قوله و الاستغناء الحق أنه تصحیف قوله و الاستغفار کما فی بعض نسخه و فی الخصال و غیرهما أیضا.

**[ترجمه]کلمه «کشح الغناء» تحریف شده «کسح الفناء» است که در برخی نسخه ها و در کتب دیگر آمده است. و کلمه «الاستغناء» تحریف شده کلمه «الاستغفار» است، چنان چه در برخی نسخه ها و در خصال و غیرآنها آمده است.

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] عَنِ الْعَطَّارِ عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: غَسْلُ الْإِنَاءِ وَ كَسْحُ الْفِنَاءِ مَجْلَبَةٌ لِلرِّزْقِ (۱).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: شستن ظرف و روفتن آستانه خانه روزی آورد. -. خصال ۱: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۴»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَةِ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: تَقْلِیمُ الْأَظْفَارِ یَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ وَ یُدِرُّ الرِّزْقَ وَ یُورِدُهُ (۲).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه: امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: گرفتن ناخن ها جلوی درد بزرگ را بگیرد، روزی را بگشاید و روزی بیاورد. -. خصال ۲: ۱۵۶ -

**[ترجمه]

أقول

قد أوردنا فی باب الاستغفار أنه یدر الرزق و أوردنا أخبارا فی ذلک فی باب تقلیم الأظفار و أخذ الشارب أیضا.

**[ترجمه]در «باب استغفار» آوردیم که آن روزی گشا است، و اخباری هم در این باره در «باب ناخن گرفتن و شارب زدن» آوردیم.

**[ترجمه]

«۵»

صح، [صحیفه الرضا علیه السلام] عَنِ الرِّضَا عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: التَّوْحِیدُ نِصْفُ الدِّینِ وَ اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ بِالصَّدَقَهِ(۳).

**[ترجمه]صحیفه الرضا: امام رضا علیه السّلام از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: توحید نیمی از دین است و به وسیله صدقه روزی را از خدا فرود آورید. -. صحیفه الرضا: ۱۰ -

**[ترجمه]

«۶»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِیِّ، قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: نَظِّفُوا بُیُوتَکُمْ مِنْ غَزْلِ الْعَنْکَبُوتِ فَإِنَّ تَرْکَهُ فِی الْبَیْتِ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ شَکَا رَجُلٌ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْفَقْرِ فَقَالَ أَذِّنْ کُلَّمَا سَمِعْتَ الْأَذَانَ کَمَا یُؤَذِّنُ الْمُؤَذِّنُونَ.

وَ عَنْهُ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ: مَنْ لَمْ یَسْأَلِ اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ افْتَقَرَ.

وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: إِنَّ الرَّجُلَ لَیَکْذِبُ الْکَذِبَهَ فَیُحْرَمُ بِهَا صَلَاهَ اللَّیْلِ فَإِذَا حُرِمَ صَلَاهَ اللَّیْلِ حُرِمَ بِهَا الرِّزْقَ.

وَ قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله: مَنْ تَفَاقَرَ افْتَقَرَ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: امیرالمؤمنین علیه السّلام فرمود: تار عنکبوت را از خانه هایتان پاک کنید که ترک آن در خانه فقر آورد. و مردی از فقر به امام صادق علیه السّلام شکایت کرد. فرمود: هر زمانی که اذان را شنیدی، به مانند اذان مؤذن اذان بگو.

و از آن حضرت، از پدرانش علیهم السّلام است که: هر که از فضل خدا از او خواهش نکند، فقیر شود.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: کسی یک دروغ گوید، بدان از نماز شب محروم شود و با محروم شدن از نماز شب، از روزی محروم شود.

و پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر که نمایش فقر دهد، فقیر شود.

**[ترجمه]

أَقُولُ

وَ قَدْ رُوِیَ فِی بَعْضِ الْکُتُبِ عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: الْفَقْرُ مِنْ خَمْسَهٍ وَ عِشْرِینَ شَیْئاً الْبَوْلِ عُرْیَاناً وَ الْأَکْلِ فِی حَالَهِ الْجَنَابَهِ وَ تَحْقِیرِ فُتَاتِ

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۲۸.
۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۱۵۶.
۳- ۳. صحیفه الرضا: ۱۰.

الْخُبْزِ وَ تَحْرِيقِ قِشْرِ الثُّومِ وَ الْبَصَلِ وَ التَّقْدِيمِ عَلَى الْمَشَايِخِ وَ دَعْوَهِ الْوَالِدَيْنِ بِاسْمِهِمَا وَ التَّخْلِيلِ بِكُلِّ خَشَبٍ وَ تَغْسِيلِ الْيَدَيْنِ بِالطِّينِ وَ الْقُعُودِ عَلَى عَتَبَهِ الْبَابِ وَ الْوُضُوءِ عِنْدَ الِاسْتِنْجَاءِ(۱) وَ تَرْكِ الْقِصَارَهِ وَ خِيَاطَهِ الثَّوْبِ عَلَى النَّفْسِ وَ مَسْحِ الْوَجْهِ بِالذَّيْلِ وَ الْأَكْلِ نَائِماً وَ تَرْكِ نَسْجِ الْعَنْكَبُوتِ فِي الْبَيْتِ وَ الْخُرُوجِ مِنَ الْمَسْجِدِ سَرِيعاً وَ الدُّخُولِ فِي السُّوقِ بِالْبُكْرَهِ وَ الْخُرُوجِ عَنِ السُّوقِ عَشِيّاً وَ ابْتِيَاعِ الْخُبْزِ مِنَ الْفُقَرَاءِ وَ دُعَاءِ السَّوْءِ عَلَى الْوَالِدَيْنِ وَ طَفْ ءِ السِّرَاجِ بِالنَّفْخِ وَ كَنْسِ الْبَيْتِ بِالْخِرْقَهِ وَ قَصِّ الْأَظْفَارِ بِالْأَسْنَانِ.

**[ترجمه]در برخی کتاب ها از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت است که: فقر از بیست و پنج چیز است: برهنه ادرار کردن؛ خوراک خوردن در حال جنابت؛ بی اعتنایی به خرده نان؛ سوزاندن پوست سیر و پیاز؛ جلو رفتن از اساتید؛ خواندن پدر و مادر به نام؛ خلال با هر چوب؛ شستن دست با گل؛ نشستن بر چهارچوب در؛ وضو در محل استنجاء؛ نَشُستن لباس؛ دوختن لباس بر تن خود؛ خشک کردن (دست و پا و صورت) با دامن، خوابیده خوردن؛ وانهادن تار عنکبوت در خانه؛ شتاب در خروج از مسجد؛ صبح زود به بازار رفتن؛ شب از بازار بیرون شدن؛ خرید نان از گدایان؛ نفرین به پدر و مادر؛ خاموش کردن چراغ با فوت؛ روفتن خانه با کهنه؛ و چیدن ناخن با دندان .

**[ترجمه]

و اعلم

أنه قد يظن أن تلك الروايه من طرق العامه و لكن لا بأس ثم أقول المذكور من جمله الخصال فى هذا الخبر ثلاث و عشرون خصله و فى صدره أنها خمس و عشرون فلعله صلى الله عليه و آله قد عد تحريق قشر الثوم و البصل اثنين و كذا دعوه الوالدين باسمهما أيضا أمرين فتأمل.

ثم اعلم أن أكثر ما ورد فى هذا الخبر قد روى فى مطاوى كتب أخبارنا و بعضها مما قد اشتهر على الألسنه أيضا و سيأتى فى الأبواب الآتيه أنها تورث الغم و الهم و أمثال ذلك أيضا كما يظهر عند التتبع و أما الوضوء عند الاستنجاء فالذى نقله العلامه الحلى فى أثناء فتاواه للسيد مهنا بن سنان المدنى إنما هو أن الوضوء فى الخلاء يورث الفقر فلعل كلا الأمرين يورث الفقر أو إن أحدهما من باب الاشتباه و أما إن الجلوس على عتبه الباب يورث الفقر فقد روى أيضا أنه يورث الغم كما سيجى ء و المشهور أنه يورث التهمه فلعل ذلك يورث تلك الأمور جميعا فحينئذ ظن أن أحد هذه المرويات من باب الاشتباه سهو و أما منع الخياطه على النفس فهو فى غايه الشهره بين الناس أيضا و لا سيما فيما بين النسوان من غير ذكر سبب للنهى أو العله أنها تورث الغم أو الهلاك إلا أن المشهور المنع منها مطلقا سواء كان الخياط نفسه أو غيره و يقولون أيضا بزوال الكراهه إن أخذ الإنسان شيئا بأسنانه أو فى فيه حال الخياطه و المذكور فى هذا الخبر خياطه الإنسان نفسه ثوبه على نفسه خاصه فتدبر.

ص: ۳۱۷

۱- ۱. يعنى فى موضع الاستنجاء، سواء كان خلاء أو ساحه أو سطحا.

و قال المحقق الطوسی رضوان الله علیه فی رساله آداب المتعلمین الفصل الثانی عشر فیما یجلب الرزق و ما یمنع الرزق و ما یزید فی العمر و ما ینقص ثم لا بد لطالب العلم من القوت و معرفه ما یزید فیه و ما یزید فی العمر و ما ینقص و الصحه لیکون بفراغ البال لطلب العلم و فی کل ذلک صنفوا کتابا فأوردت البعض هاهنا علی الاختصار.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا یَزِیدُ فِی الْقُوتِ إِلَّا الدُّعَاءُ وَ لَا یَزِیدُ فِی الْعُمُرِ إِلَّا الْبِرُّ.

ثبت بهذا الحدیث أن ارتکاب الذنب سبب حرمان الرزق خصوصا الکذب یورث الفقر و قد ورد حدیث خاص لذلک و کذا کثره الصحبه تمنع الرزق و کثره النوم عریانا و البول عریانا و الأکل جنبا و التهاون بسقاط المائده و حرق قشر البصل و الثوم و کنس البیت فی اللیل و ترک القمامه فی البیت و المشی قدام المشایخ و نداء الوالدین [الأبوین] باسمهما و الخلال بکل خشب و غسل الیدین بالطین و التراب و الجلوس علی العتبه و العقبه و الاتکاء علی أحد زوجی الباب و التوضی فی المبرز و خیاطه الثوب علی البدن و تجفیف الوجه بالثوب و ترک بیت العنکبوت فی البیت و التهاون بالصلاه و إسراع الخروج من المسجد و الابتکار فی الذهاب إلی السوق و الإبطاء فی الرجوع منه و شراء کسرات الخبز من الفقراء و السائلین و دعاء الشر علی الوالدین و ترک تطهیر الأوانی و إطفاء السراج بالنفس.

کل ذلک یورث الفقر عرف ذلک بالآثار و کذا الکتابه بالقلم المعقود و الامتشاط بالمشط المنکسر و ترک الدعاء للوالدین و التعمم قاعدا و التسرول قائما و البخل و التقتیر و الإسراف و الکسل و التوانی و التهاون فی الأمور وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَهِ وَ الْبُکُورُ مُبَارَکٌ یَزِیدُ فِی جَمِیعِ النِّعَمِ خُصُوصاً فِی الرِّزْقِ وَ حُسْنُ الْخَطِّ مِنْ مَفَاتِیحِ الرِّزْقِ وَ طِیبُ الْکَلَامِ یَزِیدُ فِی الرِّزْقِ.

عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ علیهما السلام: تَرْکُ الزِّنَا وَ کَنْسُ الْفِنَاءِ وَ غَسْلُ الْإِنَاءِ مَجْلَبَهٌ لِلْغَنَاءِ وَ أَقْوَی الْأَسْبَابِ الْجَالِبَهِ لِلرِّزْقِ إِقَامَهُ الصَّلَاهِ بِالتَّعْظِیمِ وَ الْخُشُوعِ وَ قِرَاءَهُ سُورَهِ

الْوَاقِعَهِ خُصُوصاً بِاللَّيْلِ وَ وَقْتِ الْعِشَاءِ وَ سُورَهِ يس وَ تَبَارَكَ الَّذِى بِيَدِهِ الْمُلْكَ وَقْتَ الصُّبْحِ وَ حُضُورُ الْمَسْجِدِ قَبْلَ الْأَذَانِ وَ الْمُدَاوَمَهُ عَلَى الطَّهَارَهِ وَ أَدَاءُ سُنَّهِ الْفَجْرِ وَ الْوَتْرِ فِى الْبَيْتِ وَ أَنْ لَا يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ لَغْوٍ مَنِ اشْتَغَلَ بِمَا لَا يَعْنِيهِ فَاتَهُ مَا يَعْنِيهِ.

قَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ وَ مِمَّا يَزِيدُ فِى الْعُمُرِ تَرْكُ الْأَذَى وَ تَوْقِيرُ الشُّيُوخِ وَ صِلَهُ الرَّحِمِ وَ أَنْ يُحْتَرَزَ عَنْ قَطْعِ الْأَشْجَارِ الرَّطْبَهِ إِلَّا عِنْدَ الضَّرُورَهِ وَ إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ وَ حِفْظُ الصِّحَّهِ.

هذا آخر كلام المحقق الطوسى فى تلك الرساله(۱).

**[ترجمه]و بـدان که بسا پندارند این روایت از عامه نقل شده و باکی ندارند، و من می گویم آنچه در این روایت است، بیست و سه خصلت است و در آغاز بیست و پنج تا گفته بود و شاید «سوزاندن پوست سیر و پیاز» را دو تا شمرده و «خواندن والدین به نام» را هم دو تا، خوب بیندیش.

و بدان که بیشتر آنچه در این خبر است، در ضمن اخبار ما هم آمده و در زبان ها هم افتاده. و در ابواب آینده می آید که آنها هم و غم آورند و مانند آنها هم چنان که با بررسی روشن گردد. و اما «وضوی هنگام استنجاء» را علامه حلی در ضمن فتواهای خود برای مهنا بن سنان مدنی آورده که «وضوی در خلاء فقر آور است.» و شاید هر دو فقر آور باشند یا یکی از باب اشتباه

باشد. و اما اینکه «نِشِستن بر چارچوبه در فقر آور است» در روایتی هم آمده که «غم آور است» چنان چه بیاید، و مشهور این است که تهمت آور است، و شاید همه اینها را بیاورد و بنابراین حمل بر اشتباه سهو است. و اما منع از دوخت و دوز جامه بر تن میان مردم هم بسیار مشهور است و به ویژه میان زنان، بی ذکر سبب نهی و شاید برای آن است که غم یا هلاکت آورد، جز این که به طور مطلق شهرت دارد، خواه دوزنده خودش باشد یا دیگری. و گویند اگر جامه بر تن چیزی به دندان گیرد یا در دهان در حال دوختن، کراهت از بین برود و آنچه در این خبر است، به خصوص دوختن آدمی جامه تن خود است، تدبر کن.

محقق طوسی (رضی الله عنه) در رساله «آداب المتعلمین» گفته: فصل دوازدهم در آنچه روزی آورد یا مانع آن گردد و آنچه به عمر افزاید و آنچه از عمر کم کند و طالب علم باید خرجی داشته باشد و آنچه آن را می افزاید بداند و آنچه در عمر می افزاید و آنچه از آن بکاهد و از تندرستی بکاهد تا با خاطر آسوده طلب علم کند، و درباره هر کدام از آنها کتابی نوشتند و من برخی را به طور اختصار آوردم.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خرجی نیفزاید جز به دعا و در عمر نیفزاید جز نیکی.

با این حدیث ثابت می شود که گناه کردن سبب واماندن از روزی است، به ویژه که دروغ فقر آور است و حدیث مخصوصی دارد. و همچنین مصاحبت بسیار، برهنه خوابیدن بسیار، برهنه ادرار کردن، خوردن در جنابت، بی اعتنایی به ریزه های سفره، سوزاندن پوست سیر و پیاز، جارو زدن خانه در شب، وانهادن خاکروبه در خانه، راه رفتن جلوی اساتید، خواندن پدر و مادر به نام، خلال با هر گونه چوب، شستن دست ها با گِل و خاک، نِشِستن در چهار چوبه خانه و بر گردنه و تکیه بر یک تای در، وضو در خلاء، دوخت جامه بر تن، خشک کردن رو با جامه تن، وانهادن خانه عنکبوت در خانه، سست گرفتن نماز، شتاب در

بیرون شدن از مسجد، صبح زود به بازار رفتن، دیر از آن برگشتن، خرید تکه نان از فقرا و گدایان، نفرین بر پدر و مادر، نَشُستن ظروف، و خاموش کردن چراغ با فوت مانع روزی است.

همه اینها فقر آورند و در اخبار شناخته شدند. همچنین نوشتن با قلم بنددار، شانه زدن با شانه شکسته، دعا نکردن به والدین، عمامه بستن نشسته، پیراهن پوشیدن ایستاده، بخل و تنگ گرفتن در خرج و اسراف، تنبلی و سستی و بی اعتنایی به کارها.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روزی را با صدقه فرود آورید، و بامدادان به کار رفتن برکت دارد و به نعمت می افزاید، به ویژه روزی، و خط خوب از کلیدهای روزی است و شیرین سخنی روزی را می افزاید.

و حسن بن علی علیه السّلام فرمود: ترک زنا، روفتن آستانه و شستن ظرف توانگری آورند. و نیرومندترین اسباب جلب روزی، نماز خواندن با تعظیم و خشوع و خواندن سوره واقعه است، به ویژه در شب و وقت عشاء، و نیز سوره یس و «تَبارَکَ الَّذِی بِیَدِهِ الْمُلْکُ» در صبح، و حضور در مساجد پیش از اذان، همیشه با طهارت بودن، انجام نافله فجر و نماز در خانه، و بیهوده نگفتن که هر که بپردازد بدان چه سودش ندارد، سودش ندهد.

امام علی علیه السّلام فرمود: چون عقل کامل شود، سخن کوتاه گردد. و از آنچه به عمر افزاید، آزار نکردن و احترام سالمندان است، و صله رحم و دوری از بریدن درختان تر، مگر در حال ضرورت، و کامل وضوی گرفتن و حفظ تندرستی. (پایان سخن محقق طوسی در آن رساله) - . رساله «آداب المتعلمین» در هامش جامع المقدمات: ۱۹۸ -

**[ترجمه]

باب ۶۱ الأمور التی تورث الحفظ و النسیان و ما یورث الجنون

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ الْیَقْطِینِیِّ عَنِ الدِّهْقَانِ عَنْ دُرُسْتَ عَنْ عَبْدِ الْحَمِیدِ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْأَوَّلِ علیه السلام قَالَ: تِسْعَهٌ یُورِثْنَ النِّسْیَانَ أَکْلُ التُّفَّاحِ یَعْنِی الْحَامِضَ وَ الْکُزْبُرَهِ وَ الْجُبُنِّ وَ أَکْلُ سُؤْرِ الْفَأْرِ وَ الْبَوْلُ فِی الْمَاءِ الْوَاقِفِ وَ قِرَاءَهُ کِتَابَهِ الْقُبُورِ وَ الْمَشْیُ بَیْنَ امْرَأَتَیْنِ وَ إِلْقَاءُ الْقَمْلَهِ وَ الْحِجَامَهُ فِی النُّقْرَهِ(۲).

**[ترجمه]خصال: امام کاظم علیه السّلام فرمود: نُه چیز فراموشی آورند: خوردن سیب ترش، گشنیز، پنیر و اضافه آب خورده موش؛ ایستاده در آب ادرار کردن؛ خواندن نوشته قبرها؛ راه رفتن میان دو زن؛ دور انداختن شپش (یعنی زنده)؛ و حجامت در پس سر. - . خصال ۲: ۴۶ -

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال]: فِيمَا أَوْصَى بِهِ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله لِعَلِيٍّ عليه السلام مِثْلَهُ-(۳) وَ فِيهِ يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ يَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ وَ يُذْهِبْنَ السُّقْمَ اللُّبَانُ وَ السِّوَاكُ وَ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ (۴).

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله: يَا عَلِيُّ تِسْعٌ يُورِثْنَ النِّسْيَانَ وَ ذَكَرَ مِثْلَهُ وَ قَالَ يَا عَلِيُّ ثَلَاثٌ يُخَافُ مِنْهَا الْجُنُونُ التَّغَوُّطُ بَيْنَ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ فِي خُفٍّ وَاحِدٍ وَ الرَّجُلُ يَنَامُ وَحْدَهُ.

**[ترجمه]خصال: در وصیت پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام مانندش آمده - . خصال ۲: ۴۶ - و افزوده که: «ای علی! سه چیز حافظه را زیاد می کنند و درد را می برند: کندر و مسواک و خواندن قرآن.» - . خصال ۱: ۶۲ -

دعوات راوندی: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! نُه چیز فراموشی آورند... و مانندش را آورده و گفته: ای علی! در سه چیز بیم دیوانگی است: مدفون کردن میان قبرها، راه رفتن با یک لنگه کفش و خوابیدن در تنهایی.

**[ترجمه]

«۳»

أَقُولُ وَ رَوَى الصَّدُوقُ فِي مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهُ: فِي طَيِّ وَصَايَا النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله

ص: ۳۱۹

۱- ۱. راجع رساله آداب المتعلمين فی هامش جامع المقدمات ص ۱۹۸ و فيه اختلاف.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۴۶، و النقره منقطع القمحدوه فی القفا.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۴۶، و النقره منقطع القمحدوه فی القفا.

۴- ۴. الخصال ج ۱ ص ۶۲.

يَا عَلِيُّ تِسْعَهُ أَشْيَاءَ تُورِثُ النِّسْيَانَ أَكْلُ التُّفَّاحِ الْحَامِضِ وَ أَكْلُ الْكَزْبُرَهِ وَ الْجُبُنِّ وَ سُؤْرِ الْفَأْرِ وَ قِرَاءَهُ كِتَابَهِ الْقُبُورِ وَ الْمَشْيُ بَيْنَ امْرَأَتَيْنِ وَ طَرْحُ الْقَمْلَهِ وَ الْحِجَامَهُ فِي النُّقْرَهِ وَ الْبَوْلُ فِي الْمَاءِ الرَّاكِدِ(۱).

**[ترجمه]مؤلف:

صدوق در «من لا يحضره الفقيه» ضمن سفارش های پيغمبر صلی الله عليه و آله آورده كه: ای علی! نُه چيز فراموشی آورند: خوردن سيب ترش و گشنيز و پنير و اضافه آب خورده موش؛ خواندن نوشته قبرها؛ راه رفتن ميان دو زن؛ دور انداختن شپش (يعنی زنده)؛ حجامت در پس سر؛ و ايستاده در آب ادرار كردن. - . من لا يحضره الفقيه ۴: ۲۶۱ -

**[ترجمه]

«۴»

مكا، [مكارم الأخلاق] عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليهم السلام قَالَ: ثَلَاثٌ يَذْهَبْنَ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِدْنَ فِي الْحِفْظِ السِّوَاكُ وَ الصَّوْمُ وَ قِرَاءَهُ الْقُرْآنِ (۲).

و قال المحقق الطوسی رحمه الله فی آخر رساله آداب المتعلمين الفصل الحادی عشر فيما يورث الحفظ و ما يورث النسيان و أقوى أسباب الحفظ الجد و المواظبه و تقليل الغذاء و صلاه الليل بالخضوع و الخشوع و قراءه القرآن من أسباب الحفظ قيل ليس شی ء أزيد للحفظ من قراءه القرآن لا سيما آيه الكرسی وَ قِرَاءَهُ الْقُرْآنِ نَظَراً أَفْضَلُ

لِقَوْلِهِ عليه السلام: أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي قِرَاءَهُ الْقُرْآنِ نَظَراً.

و تكثير الصلوات على النبی صلى الله عليه و آله و السواك و شرب العسل و أكل الكندر مع السكر و أكل إحدى و عشرين زبيبه حمراء كل يوم و كل شی ء يورث الحفظ و يشفی من كثير الأمراض و الأسقام و كل ما يقلل البلغم و الرطوبات يزيد فی الحفظ و كلما يزيد فی البلغم يورث النسيان.

و أما ما يورث النسيان فالمعاصی كثيرا و كثره الهموم و الأحزان فی أمور الدنيا و كثره الاشتغال و العلائق و قد ذكرنا أنه لا ينبغی للعاقل أن يهم لأمور الدنيا لأنه يضر و لا ينفع و هموم الدنيا لا تخلو عن الظلمه فی القلب و هموم الآخره لا تخلو من النور فی القلب و تحصيل العلوم ينفی الهم و الحزن و أكل الكزبره و التفاح الحامض و النظر إلى المصلوب و قراءه لوح القبور و المرور بين القطار من الجمل و إلقاء القمل الحی على الأرض و الحجامه على نقره القفاء كل ذلك تورث النسيان.

هذا تمام كلام المحقق الطوسی رحمه الله فی الرساله المذكوره.

وَ رَوَى أَبُو الْوَزِيرِ بْنُ أَحْمَدَ الْأَبْهَرِيُّ فِي رِسَالَهِ طِبِّ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله عَنْ سَيِّدِنَا

١- ١. فقيه من لا يحضره الفقيه ج ۴ ص ٢۶١.
٢- ٢. مكارم الأخلاق: ۵۵.

رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: عَشْرُ خِصَالٍ يُورِثُ النِّسْيَانَ أَكْلُ الْجُبُنِّ وَ أَكْلُ سُؤْرِ الْفَأْرَةِ وَ أَكْلُ التُّفَّاحِ الْحَامِضِ وَ الْجُلْجُلَانِ (۱)

وَ الْحِجَامَةُ عَلَى النُّقْرَةِ وَ الْمَشْيُ بَيْنَ الْمَرْأَتَيْنِ وَ النَّظَرُ إِلَى الْمَصْلُوبِ وَ إِلْقَاءُ الْقَمْلَةِ وَ قِرَاءَةُ كِتَابَةِ الْمَقْبَرَةِ.

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله: عَلَيْكُمْ بِاللُّبَانِ فَإِنَّهُ يَمْسَحُ الْحُزْنَ عَنِ الْقَلْبِ كَمَا يَمْسَحُ وَ يُذَكِّي الْعَرَقَ عَنِ الْجَبِينِ وَ يَشُدُّ الظَّهْرَ وَ يَزِيدُ الْعَقْلَ وَ يُذَكِّي الذِّهْنَ وَ يَجْلُو الْبَصَرَ وَ يُذْهِبُ النِّسْيَانَ.

**[ترجمه]مکارم الاخلاق: امام صادق از پدرش، از امیر مؤمنان علیهم السّلام روایت کرد که فرمود: سه چیز بلغم را می برند و حافظه را می افزایند: مسواک و روزه، و خواندن قرآن. - . مکارم الاخلاق: ۵۵ -

و محقق طوسی (ره) در آخر رساله آداب المتعلمین گفته: فصل یازدهم: در آنچه قوه حفظ آورند یا فراموشی، نیرومندترین اسباب حفظ کوشش و مواظبت و کم خوری، و نماز شب با خضوع و خشوع و خواندن قرآن است که گفته شده چیزی نباشد که حافظه را زیاد کند همچون قرآن خواندن به ویژه آیه الکرسی و خواندن قرآن با تدبر بهتر است.

که فرموده: بهترین کار امتم، خواندن قرآن با تدبر است.

و نیز صلوات فرستادن بر پیغمبر صلی الله علیه و آله، مسواک کردن، نوشیدن عسل، خوردن کُندر با شکر، خوردن بیست و یک دانه کشمش سرخ در هر روز. و هر چه قوه حفظ آورد، در درمان بسیاری از بیماری ها و دردها موثر باشد و هر چه بلغم و رطوبت ها را کم کند، به قوه حافظه می افزاید و هر چه بلغم را فزاید، فراموشی آورد.

و اما آنچه فراموشی آورد، گناهان زیاد باشند که اثر بسیار دارند، و اندوه و غم برای کارهای دنیا و درگیری و علاقه بدانها. و گفتیم که شایسته نیست خردمند به امور دنیا همت گمارد، زیرا زیان دارد و سود ندارد، و هَمِّ دنیا دل را تیره کند و غم آخرت دل را روشن نماید، و تحصیل علوم اندوه و غم را بزُداید، و خوردن گشنیز و سیب ترش، و نگاه به دار زده و خواندن سنگ قبر، و گذر میان قطار شتر، و انداختن شپش زنده بر زمین و حجامت پس سر، همه فراموشی آورند. (پایان سخن محقق طوسی در رساله نامبرده.)

و ابوالوزیر بن احمد ابهری در رساله طب النبی، از سید ما رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: ده خصلت فراموشی آورند: خوردن پنیر، خوردن نیم خورده موش، خوردن تخم گشنیز، حجامت از پشت سر، راه رفتن میان دو زن، نگاه بر دارزده، انداختن شپش و خواندن نوشته گورستان. و فرمود: بر شما باد به خوردن کُندُر که غم را از دل پاک کند، چنان چه عرق را از پیشانی پاک کند، پشت را محکم کند، عقل را بیفزاید، هوش را تیز کند، چشم را روشن کند و فراموشی را بِبَرد.

**[ترجمه]

أقول

قد سقط من جمله تلک الخصال خصله واحده فإن المذکور بها هنا تسعه فلعل الساقطه هی إحدی المذکورات آنفا.

**[ترجمه]از خصلت ها یکی افتاده، چون نُه تا شمرده و شاید افتاده یکی از آنها است که پیشتر نام برده شده .

**[ترجمه]

باب ۶۲ ما یورث الهم و الغم و التهمه و دفعها و ما هو نشره

اشاره

باب ۶۲ ما یورث الهم و الغم و التهمه و دفعها و ما هو نشره(۲)

**[ترجمه]باب ۶۲ ما یورث الهم و الغم و التهمه و دفعها و ما هو نشره

**[ترجمه]

الأخبار

«۱»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ وَ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ مَعاً عَنِ الْأَشْعَرِیِّ رَفَعَهُ إِلَی أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: اغْتَمَّ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام یَوْماً فَقَالَ مِنْ أَیْنَ أُتِیتُ فَمَا أَعْلَمُ أَنِّی جَلَسْتُ عَلَی عَتَبَهِ بَابٍ وَ لَا شَقَقْتُ بَیْنَ غَنَمٍ وَ لَا لَبِسْتُ سَرَاوِیلِی مِنْ قِیَامٍ وَ لَا مَسَحْتُ یَدِی وَ وَجْهِی بِذَیْلِی (۳).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: روزی امیرالمؤمنین علیه السّلام غمناک شد و فرمود: (این غم) از کجا آمده که ندانم بر آستان در نشسته ام یا میان رمه گوسفند گذشته ام یا ایستاده پیراهن پوشیده ام یا با دامنم دست و رو خشک کرده ام؟ -. خصال ۱: ۱۰۷ -

**[ترجمه]

أَقُولُ

وَ قَدْ رُوِیَ فِی بَعْضِ الْکُتُبِ عَنِ الْأَئِمَّهِ علیهم السلام أَنَّهُمْ قَالُوا: إِنَّ أَحَدَ عَشَرَ شَیْئاً تُورِثُ الْغَمَّ الْمَشْیَ بَیْنَ الْأَغْنَامِ وَ لُبْسَ السَّرَاوِیلِ قَائِماً وَ قَصَّ شَعْرِ اللِّحْیَهِ بِالْأَسْنَانِ وَ الْمَشْیَ عَلَی قِشْرِ الْبِیضِ وَ اللَّعِبَ بِالْخُصْیَهِ وَ الِاسْتِنْجَاءَ بِالْیَمِینِ

ص: ۳۲۱

۱- ۱. هو ثمر الکزبره.

۲- ۲. النشره ما يزيل الهموم و الاحزان التى يتوهم أنّها من الجن، كذا قال المؤلّف العلامه فى بيان الحديث(كتاب السماء و العالم ص ۸۷۴) و قال فى النهايه: النشره بالضم ضرب من الرقيه و العلاج يعالج به من كان يظن أن به مسا من الجن.

۳- ۳. الخصال ج ۱ ص ۱۰۷.

وَ الْقُعُودَ عَلَى عَتَبِهِ الْبَابِ وَ الْأَكْلَ بِالشِّمَالِ وَ مَسْحَ الْوَجْهِ بِالْأَذْيَالِ وَ الْمَشْيَ فِيمَا بَيْنَ الْقُبُورِ وَ الضَّحِكَ بَيْنَ الْمَقَابِرِ.

و اعلم أنه قد ورد و اشتهر أيضا أن المشى بين المرأتين و كذا الاجتياز بينهما و خياطه الثوب على البدن و التعمم قاعدا و البول فى الماء راكدا و البول فى الحمام و النوم على الوجه منبطحا تورث الغم و الهم و لعل فى بعض هذه المذكورات نوع كلام ثم إن

المشهور بين الناس أن الجلوس على عتبه الباب تورث وقوع التهمه عليه كما سبق و قد مر أيضا فى الروايه أنه يورث الفقر فلا تغفل.

**[ترجمه]در کتابی از ائمه علیهم السلام روایت است که فرمودند: یازده چیز غم آورند: راه رفتن میان گوسفندان؛ ایستاده پیراهن پوشیدن؛ موی ریش با دندان چیدن؛ روی پوست تخم مرغ راه رفتن؛ با آلت تناسلی بازی کردن؛ با دست راست مخرج غائط را شستن؛ نشستن بر آستانه در؛ خوردن با دست چپ؛ خشک کردن رو با دامن؛ راه رفتن میان گورها؛ و خندیدن در گورستان.

و بدان که وارد است و شهرت نیز دارد که راه رفتن میان دو زن و دوختن جامه بر تن، نشسته عمامه به سر بستن، ادرار کردن ایستاده در آب و در حمام، و خوابیدن بر روی شکم، غم و غصه آورند و بسا در برخی از آنچه ذکر شد، جای سخن باشد. و میان مردم مشهوراست که نشستن بر آستانه دَر تهمت آورَد، چنان چه گذشت. و نیز در روایت است که فقر آورد، پس غفلت مکن .

**[ترجمه]

«۲»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَجُلٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: النُّشْرَهُ فِي عَشَرَهِ أَشْيَاءَ الْمَشْيِ وَ الرُّكُوبِ وَ الِارْتِمَاسِ فِي الْمَاءِ وَ النَّظَرِ إِلَى الْخُضْرَهِ وَ الْأَكْلِ وَ الشُّرْبِ وَ النَّظَرِ إِلَى الْمَرْأَهِ الْحَسْنَاءِ وَ الْجِمَاعِ وَ السِّوَاكِ وَ مُحَادَثَهِ الرِّجَالِ (۱).

سن، [المحاسن] عن أبيه عن محمد بن عيسى: مثله (۲).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السلام فرمود: نشاط در ده چیز است: راه رفتن، سواری، آب تنی، نگاه بر سبزه، خوردن، نوشیدن، نگاه بر زن زیبا، جماع، مسواک کردن و گفتگو با مردان. - . خصال ۲: ۵۸ -

محاسن: مانند این روایت را آورده است. - . محاسن: ۱۴ -

**[ترجمه]

«۳»

ل، [الخصال] الطَّالَقَانِیُّ عَنِ الْعَدَوِیِّ عَنْ صُهَیْبِ بْنِ عَبَّادٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَدِّهِ علیهم السلام قَالَ: النُّشْرَهُ فِی عَشَرَهِ أَشْیَاءَ فِی الْمَشْیِ وَ الرُّکُوبِ وَ الِارْتِمَاسِ فِی الْمَاءِ وَ النَّظَرِ إِلَی الْخُضْرَهِ وَ الْأَکْلِ وَ الشُّرْبِ وَ الْجِمَاعِ وَ السِّوَاکِ وَ غَسْلِ الرَّأْسِ بِالْخِطْمِیِّ وَ النَّظَرِ إِلَی الْمَرْأَهِ الْحَسْنَاءِ وَ مُحَادَثَهِ الرِّجَالِ (۳).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام از پدرش، از جدش امام سجاد علیهم السّلام روایت کرد که فرمود: نشاط در ده چیز است: راه رفتن، سواری، آب تنی، نگاه بر سبزه، خوردن، نوشیدن، جماع، مسواک کردن، شستن سر با خطمی، نگاه بر زن زیبا و گفتگو با مردان. - . خصال ۲: ۵۸ -

**[ترجمه]

«۴»

ل، [الخصال] الْأَرْبَعُمِائَهِ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: غَسْلُ الثِّیَابِ یَذْهَبُ بِالْهَمِّ وَ الْحُزْنِ وَ هُوَ طَهُورٌ لِلصَّلَاهِ(۴).

**[ترجمه]خصال: در اربعمائه آمده که امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: شستن جامه هم و اندوه را می برد و پاکیزگی برای نماز باشد. - . خصال ۲: ۱۵۶ -

**[ترجمه]

«۵»

لی، [الأمالی للصدوق] عَنْ أَبِیهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ أَیُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنِ ابْنِ أَبِی عُمَیْرٍ عَنْ مُثَنًّی بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ أَبِی بَصِیرٍ قَالَ: قَالَ لِی أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام أَ مَا تَحْزَنُ أَ مَا

۱- ۱. الخصال ج ۲ ص ۵۸.

۲- ۲. المحاسن: ۱۴.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۵۸.

۴- ۴. الخصال ج ۲ ص ۱۵۶.

تَهْتَمُّ أَ مَا تَأْلَمُ قُلْتُ بَلَى وَ اللَّهِ قَالَ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ مِنْكَ فَاذْكُرِ الْمَوْتَ وَ وَحْدَتَكَ فِي قَبْرِكَ وَ سَيَلَانَ عَيْنَيْكَ عَلَى خَدَّيْكَ وَ تَقَطُّعَ أَوْصَالِكَ وَ أَكْلَ الدُّودِ مِنْ لَحْمِكَ وَ بَلَاكَ وَ انْقِطَاعَكَ عَنِ الدُّنْيَا فَإِنَّ ذَلِكَ يَحُثُّكَ عَلَى الْعَمَلِ وَ يَرْدَعُكَ عَنْ كَثِيرٍ مِنَ الْحِرْصِ عَلَى الدُّنْيَا(۱).

**[ترجمه]امالی صدوق: ابی بصیر گفت: امام صادق علیه السّلام به من فرمود: اندوه نگیری، دچار هم نشوی؟ گفتم: چرا به خدا! فرمود: در آن حال به یاد مرگ باش و تنهایی در قبرت، و روان شدن چرک چشمت بر گونه هایت، و بریدن بندهای تنت و خوردن کرم ها از گوشتت، و گرفتاری ات، و جدایی ات از دنیا را یاد آر که این کار انسان را به کار آخرت وادارد و از حرص بر دنیا باز دارد. - . امالی صدوق: ۲۰۸ -

**[ترجمه]

«۶»

سن، [المحاسن] عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: شَكَا نَبِيٌّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِلَى اللَّهِ الْغَمَّ فَأَمَرَهُ بِأَكْلِ الْعِنَبِ (۲).

سن، [المحاسن] عن عثمان بن عيسى عن فرات بن أحنف عن أبي عبد الله عليه السلام. مثله (۳).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: پیغمبری به خدا از غم شکایت کرد. خدا فرمانش داد به خوردن انگور. - . محاسن: ۵۴۷ -

محاسن: مانند آن را آورده است. - . محاسن: ۵۴۸ -

**[ترجمه]

«۷»

سن، [المحاسن] عَنِ الْقَاسِمِ الزَّيَّاتِ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُوسَى بْنِ الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَمَّا حَسَرَ الْمَاءُ عَنْ عِظَامِ الْمَوْتَى فَرَأَى ذَلِكَ نُوحٌ عليه السلام جَزِعَ جَزَعاً شَدِيداً وَ اغْتَمَّ لِذَلِكَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ أَنْ كُلِ الْعِنَبَ الْأَسْوَدَ لِيَذْهَبَ غَمُّكَ (۴).

**[ترجمه]محاسن: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون آب از استخوان مردگان توفان برگرفته شد و نوح علیه السّلام آنها را دید، به سختی بی تاب و غمگین شد و خدایش وحی کرد که انگورسیاه بخور تا غمت برود. - . محاسن: ۵۴۸ -

**[ترجمه]

«۸»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ،: كَانَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله قَدِ اغْتَمَّ فَأَمَرَهُ جَبْرَئِيلُ علیه السلام أَنْ يَغْسِلَ رَأْسَهُ بِالسِّدْرِ.

وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: مَنْ وَجَدَ هَمّاً فَلَا يَدْرِي مَا هُوَ فَلْيَغْسِلْ رَأْسَهُ- وَ قَالَ إِذَا تَوَالَتِ الْهُمُومُ فَعَلَيْكَ بِلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام: مَا أَهَمَّنِي ذَنْبٌ أُمْهِلْتُ بَعْدَهُ حَتَّى أُصَلِّيَ رَكْعَتَيْنِ.

**[ترجمه]دعوات راوندی: گاهی بود که پیغمبر غمگین می شد و جبرئیل او را وامی داشت با سدر سر خود را بشوید.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: هر که دچار همّی شد و نداند از چه باشد، سرش را بشوید. و فرمود: چون به همّ پیاپی دچار شدی، بر تو باد به گفتن «لا حول و لا قوه الا بالله.»

و امیر مؤمنان علیه السّلام فرمود: دلگیر نکند مرا گناهی که پس از آن مهلت خواندن دو رکعت نماز دارم.

**[ترجمه]

«۹»

جُنَّةُ الْأَمَانِ، رَأَيْتُ فِي بَعْضِ كُتُبِ أَصْحَابِنَا مَا مُلَخَّصُهُ: أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله وَ قَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِنِّي كُنْتُ غَنِيّاً فَافْتَقَرْتُ وَ صَحِيحاً فَمَرِضْتُ وَ كُنْتُ مَقْبُولًا عِنْدَ النَّاسِ فَصِرْتُ مَبْغُوضاً وَ خَفِيفاً عَلَى قُلُوبِهِمْ فَصِرْتُ

۱- ۱. أمالي الصدوق: ۲۰۸، و فی المطبوعه رمز الخصال و هو سهو.

۲- ۲. المحاسن: ۵۴۷.

۳- ۳. المحاسن: ۵۴۸.

۴- ۴. المحاسن: ۵۴۸.

ثَقِيلًا وَ كُنْتُ فَرْحَانَ فَاجْتَمَعَتْ عَلَيَّ الْهُمُومُ وَ قَدْ ضَاقَتْ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَ أَجُولُ طُولَ نَهَارِي فِي طَلَبِ الرِّزْقِ فَلَا أَجِدُ مَا أَتَقَوَّتُ بِهِ كَانَ اسْمِي قَدْ مُحِيَ مِنْ دِيوَانِ الْأَرْزَاقِ فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه و آله يَا هَذَا لَعَلَّكَ تَسْتَعْمِلُ مُثِيرَاتِ الْهُمُومِ فَقَالَ وَ مَا مُثِيرَاتُ الْهُمُومِ قَالَ لَعَلَّكَ تَتَعَمَّمُ مِنْ قُعُودٍ أَوْ تَتَسَرْوَلُ مِنْ قِيَامٍ أَوْ تَقْلِمُ أَظْفَارَكَ بِسِنِّكَ أَوْ تَمْسَحُ وَجْهَكَ بِذَيْلِكَ أَوْ تَبُولُ فِي مَاءٍ رَاكِدٍ أَوْ تَنَامُ مُنْبَطِحاً عَلَى وَجْهِكَ الْخَبَرَ.

**[ترجمه]جنه الامان: در یکی از کتاب های یاران خودمان دیدم که خلاصه اش چنین است: مردی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله! من توانگر بودم و فقیر شدم؛ تندرست بودم و بیمار شدم؛ پیش مردم محبوب بودم و مبغوض شدم و نزد آنها بی ارزش شدم و بر آنها گرانبارم؛ شادمان بودم و نگرانی ها مرا در میان گرفتند، زمین به این گشادی بر من تنگ شده و در همه روز به دنبال روزی می روم و قوتی به دست نمی آورم. گویا نامم از دفتر ارزاق محو شده. پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای شخص حاضر! شاید عوامل غم آور را برمی انگیزی. گفت: آنها چه باشند؟ فرمود: شاید نشسته عمامه می بندی یا ایستاده پیراهن می پوشی یا ناخن هایت را با دندانت می چینی یا رویت را با دامنت خشک می کنی یا در آب ایستاده ادرار کنی یا بر روی شکم می خوابی... تا آخر خبر .

**[ترجمه]

باب ۶۳ النوادر

الأخبار

«۱»

وَجَدْتُ بِخَطِّ الشَّيْخِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْجُبَعِيِّ نَقْلًا مِنْ خَطِّ الشَّهِيدِ قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُمَا: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام لِعُمَرَ بْنِ يَزِيدَ إِذَا لَبِسْتَ ثَوْباً جَدِيداً فَقُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ تَبْرَأُ مِنَ الْآفَةِ وَ إِذَا أَحْبَبْتَ شَيْئاً فَلَا تُكْثِرْ ذِكْرَهُ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا يَهُدُّهُ وَ إِذَا كَانَ لَكَ إِلَى رَجُلٍ حَاجَةٌ فَلَا تَشْتِمْهُ مِنْ خَلْفِهِ فَإِنَّ اللَّهَ يَرْفَعُ ذَلِكَ فِي قَلْبِهِ.

**[ترجمه]از خط شهید: امام صادق علیه السّلام به عمر بن یزید فرمود: چون جامه نو پوشیدی بگو: «لا اله الا الله محمد رسول الله» تا از آفت به دور باشی، و چون چیزی را دوست داری، بسیار نامش را مَبَر که دوستی را براندازد، و چون به کسی نیاز داری، پشت سرش دشنامش مده که خدا آن را به دلش می رساند .

**[ترجمه]

باب ۶۴ ما ینبغی مزاولته من الأعمال و ما لا ینبغی

الأخبار

«۱»

كِتَابُ صِفَاتِ الشِّيعَهِ، لِلصَّدُوقِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ خَالِدٍ الْكِنَانِيِّ قَالَ: اسْتَقْبَلَنِی أَبُو الْحَسَنِ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ علیه السلام وَ قَدْ عَلَّقْتُ سَمَکَهً بِیَدِی قَالَ اقْذِفْهَا إِنِّی لَأَکْرَهُ لِلرَّجُلِ السَّرِیِّ أَنْ یَحْمِلَ الشَّیْ ءَ الدَّنِیَّ بِنَفْسِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّکُمْ قَوْمٌ أَعْدَاؤُکُمْ کَثِیرٌ عَادَاکُمُ الْخَلْقُ یَا مَعْشَرَ الشِّیعَهِ فَتَزَیَّنُوا لَهُمْ مَا قَدَرْتُمْ عَلَیْهِ (۱).

ص: ۳۲۴

۱- ۱. صفات الشیعه الرقم: ۳۱، و قد مر فی ج ۷۴ ص ۱۴۷.

**[ترجمه]صفات شیعه: عبدالله بن خالد کنانی گفت: امام کاظم رو در رو به من رسید و من یک ماهی به دستم آویخته بودم. فرمود: آن را بینداز. من بد دارم که مرد بزرگواری، چیز پستی را خودش ببرد. سپس فرمود: شما مردمی باشید که دشمن های بسیار دارید. ای گروه شیعه! مردم با شما دشمنی کنند و تا توانید در نزد آنها آراسته و آبرومند باشید. - . صفات شیعه: ۳۱ -

**[ترجمه]

«۲»

كِتَابُ الْغَارَاتِ لِإِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ، رَفَعَهُ عَنْ صَالِحٍ: أَنَّ جَدَّتَهُ أَتَتْ عَلِيّاً علیه السلام وَ مَعَهُ تَمْرٌ يَحْمِلُهُ فَسَلَّمَتْ وَ قَالَتْ أَعْطِنِي هَذَا التَّمْرَ أَحْمِلُهُ قَالَ أَبُو الْعِيَالِ أَحَقُّ بِحَمْلِهِ قَالَتْ وَ قَالَ أَ لَا تَأْكُلِينَ مَعِي قَالَتْ قُلْتُ لَا أُرِيدُهُ قَالَتْ فَانْطَلَقَ بِهِ إِلَى مَنْزِلِهِ ثُمَّ رَجَعَ وَ هُوَ مُرْتَدٍ بِتِلْكَ الْمِلْحَفَهِ وَ فِيهَا قُشُورُ التَّمْرِ فَصَلَّى بِالنَّاسِ فِيهَا الْجُمُعَهَ.

**[ترجمه]کتاب الغارات ثقفی: صالح گفت: مادر بزرگش نزد علی علیه السّلام آمد و با آن حضرت خرمایی بود که می برد. گفتش: این خرما را به من بده تا ببرم. آن حضرت فرمود: پدر عیال سزاوارتر است به بردن آن. گوید: آن حضرت فرمود: با من غذا نمی خوری؟ گفتم نه و آن حضرت خرما را به خانه خود برد و برگشت و پتویی را پوشیده بود که خرما را با آن برده بود و پوسته های خرما بر آن بود و با همان نماز جمعه را برای مردم خواند .

**[ترجمه]

باب ۶۵ آداب التوجه إلی حاجه

الأخبار

«۱»

دَعَوَاتُ الرَّاوَنْدِيِّ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَأْخُذَ فِي حَاجَةٍ فَكُلْ كِسْرَةً بِمِلْحٍ فَهُوَ أَعَزُّ لَكَ وَ أَقْضَى لِلْحَاجَهِ وَ إِذَا أَرَدْتَ حَاجَةً فَاسْتَقْبِلْ إِلَيْهَا اسْتِقْبَالًا وَ لَا تَسْتَدْبِرْهَا اسْتِدْبَاراً.

**[ترجمه]دعوات راوندی: امام صادق علیه السّلام فرمود: چون خواستی به دنبال حاجتی بروی، تکه نانی با نمک بخور که آبرومندتر باشی و بهتر حاجت را روا می کند، و چون نیازی خواهی، به خوبی و با تصمیم دنبالش باش و بدان پشت مکن. - . دعوات راوندی : ۱۴۰ -

**[ترجمه]

«۲»

ب، [قرب الإسناد] عَنِ ابْنِ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ عُلْوَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام قَالَ: بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله

عَلِيّاً علیه السلام فِی سَرِیَّهٍ ثُمَّ بَدَتْ لَهُ إِلَیْهِ حَاجَهٌ فَأَرْسَلَ إِلَیْهِ الْمِقْدَادَ بْنَ الْأَسْوَدِ فَقَالَ لَهُ لَا تَصِحْ بِهِ مِنْ خَلْفِهِ وَ لَا عَنْ یَمِینِهِ وَ لَا عَنْ شِمَالِهِ وَ لَکِنْ جُزْهُ ثُمَّ اسْتَقْبِلْهُ بِوَجْهِکَ فَقُلْ لَهُ یَقُولُ لَکَ رَسُولُ اللَّهِ کَذَا وَ کَذَا(۱).

۱- ۱. ....

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق از پدرش علیهما السّلام نقل می کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله، علی علیه السّلام را با قشونی فرستاد و نیازی به او پدید شد. پس مقداد بن اسود را به دنبالش فرستاد و به او فرمود: از پشت سرش او را آواز مده و نه از سمت راست یا چپش، ولی از او جلو بگیر و به او رو آور و بگو رسول خدا به تو چنین و چنان فرموده است.

-. قرب الاسناد : ۱۲۱ -

**[ترجمه]

باب ۶۶ جوامع المناهی التی تتعلق بجمیع الأحکام من القرآن الکریم

الآیات

البقره: وَ لا تَعْثَوْا فِی الْأَرْضِ مُفْسِدِینَ (۱)

و قال تعالی: الَّذِینَ یَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِیثاقِهِ وَ یَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ یُوصَلَ وَ یُفْسِدُونَ فِی الْأَرْضِ أُولئِکَ هُمُ الْخاسِرُونَ (۲)

و قال تعالی: وَ إِذْ أَخَذْنا مِیثاقَکُمْ لا تَسْفِکُونَ دِماءَکُمْ وَ لا تُخْرِجُونَ أَنْفُسَکُمْ مِنْ دِیارِکُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَ أَنْتُمْ تَشْهَدُونَ- ثُمَّ أَنْتُمْ هؤُلاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَکُمْ وَ تُخْرِجُونَ فَرِیقاً مِنْکُمْ مِنْ دِیارِهِمْ تَظاهَرُونَ عَلَیْهِمْ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوانِ وَ إِنْ یَأْتُوکُمْ أُساری تُفادُوهُمْ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ عَلَیْکُمْ إِخْراجُهُمْ أَ فَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْکِتابِ وَ تَکْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَما جَزاءُ مَنْ یَفْعَلُ ذلِکَ مِنْکُمْ إِلَّا خِزْیٌ فِی الْحَیاهِ الدُّنْیا وَ یَوْمَ الْقِیامَهِ یُرَدُّونَ إِلی أَشَدِّ الْعَذابِ وَ مَا اللَّهُ بِغافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ (۳)

و قال تعالی: وَ الْفِتْنَهُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ (۴)

و قال تعالی: وَ لا تُلْقُوا بِأَیْدِیکُمْ إِلَی التَّهْلُکَهِ(۵)

النساء: وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَیُبَتِّکُنَّ آذانَ الْأَنْعامِ وَ لَآمُرَنَّهُمْ فَلَیُغَیِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ (۶)

المائده: فَبِما نَقْضِهِمْ مِیثاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَ جَعَلْنا قُلُوبَهُمْ قاسِیَهً یُحَرِّفُونَ الْکَلِمَ عَنْ مَواضِعِهِ وَ نَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُکِّرُوا بِهِ وَ لا تَزالُ تَطَّلِعُ عَلی خائِنَهٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِیلًا

۱- ۱. البقره: ۵۷.

۲- ۲. البقره: ۲۵.

۳- ۳. البقره: ۷۸ و ۷۹.

۴- ۴. البقره: ۱۸۷.

٥- ٥. البقره: ١٩١.

٦- ٦. النساء: ١١٨.

مِنْهُمْ إلی قوله تعالی وَ مِنَ الَّذِینَ قالُوا إِنَّا نَصاری أَخَذْنا مِیثاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ (۱)

الأنعام: قُلْ تَعالَوْا أَتْلُ ما حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَیْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَیْئاً وَ بِالْوالِدَیْنِ إِحْساناً وَ لا تَقْتُلُوا أَوْلادَكُمْ مِنْ إِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَ إِیَّاهُمْ وَ لا تَقْرَبُوا الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ لا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ- وَ لا تَقْرَبُوا مالَ الْیَتِیمِ إِلَّا بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ حَتَّی یَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَ أَوْفُوا الْكَیْلَ وَ الْمِیزانَ بِالْقِسْطِ لا نُكَلِّفُ نَفْساً إِلَّا وُسْعَها وَ إِذا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَ لَوْ كانَ ذا قُرْبی وَ بِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ- وَ أَنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقِیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِیلِهِ ذلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (۲)

الأعراف: قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّیَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْیَ بِغَیْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ ما لَمْ یُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَی اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ (۳)

و قال: وَ لا تُفْسِدُوا فِی الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلاحِها(۴)

الأنفال: وَ ما كانَ صَلاتُهُمْ عِنْدَ الْبَیْتِ إِلَّا مُكاءً وَ تَصْدِیَةً فَذُوقُوا الْعَذابَ بِما كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ (۵)

التوبه: إِنَّمَا النَّسِیءُ زِیادَةٌ فِی الْكُفْرِ یُضَلُّ بِهِ الَّذِینَ كَفَرُوا یُحِلُّونَهُ عاماً وَ یُحَرِّمُونَهُ عاماً لِیُواطِؤُا عِدَّةَ ما حَرَّمَ اللَّهُ فَیُحِلُّوا ما حَرَّمَ اللَّهُ زُیِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمالِهِمْ وَ اللَّهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْكافِرِینَ (۶)

النحل: إِنَّ اللَّهَ یَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی وَ یَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ الْبَغْیِ یَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ- وَ أَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذا عاهَدْتُمْ وَ لا تَنْقُضُوا

ص: ۳۲۷

۱- ۱. المائده: ۱۶- ۱۷.

۲- ۲. الأنعام: ۱۵۲- ۱۵۴.

۳- ۳. الأعراف: ۳۱.

۴- ۴. الأعراف: ۵۴.

۵- ۵. الأنفال: ۳۵.

۶- ۶. براءه: ۳۷.

الْأَيْمانَ بَعْدَ تَوْكِيدِها وَ قَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ ما تَفْعَلُونَ- وَ لا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَها مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكاثاً تَتَّخِذُونَ أَيْمانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبى مِنْ أُمَّةٍ إِنَّما يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَ لَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيامَهِ ما كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ إلى قوله تعالى وَ لا تَتَّخِذُوا أَيْمانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِها وَ تَذُوقُوا السُّوءَ بِما صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَكُمْ عَذابٌ عَظِيمٌ (۱)

الشعراء: أَ تَبْنُونَ بِكُلِّ رِيعٍ آيَهً تَعْبَثُونَ وَ تَتَّخِذُونَ مَصانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ (۲)

و قال تعالى: وَ لا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ (۳)

القصص: وَ لا تَبْغِ الْفَسادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (۴)

lt;meta info="- و لا تعثوا فى الأرض مفسدين. -. بقره/ ۵۷ -

{و [لى] در زمين سر به فساد برمداريد.}

- الذين ينقضون عهد الله من بعد ميثاقه و يقطعون ما أمر الله به أن يوصل و يفسدون فى الأرض أولئك هم الخاسرون. -. بقره/ ۲۵ -

{همانانى كه پيمان خدا را پس از بستن آن مى شكنند و آنچه را خداوند به پيوستنش امر فرموده مى گسلند و در زمين به فساد مى پردازند، آنانند كه زيانكارانند.}

- و إذ أخذنا ميثاقكم لا تسفكون دماءكم و لا تخرجون أنفسكم من دياركم ثم أقررتم و أنتم تشهدون- ثم أنتم هؤلاء تقتلون أنفسكم و تخرجون فريقا منكم من ديارهم تظاهرون عليهم بالإثم و العدوان و إن يأتوكم أسارى تفادوهم و هو محرم عليكم إخراجهم أ فتؤمنون ببعض الكتاب و تكفرون ببعض فما جزاء من يفعل ذلك منكم إلا خزى فى الحياه الدنيا و يوم القيامه يردون إلى أشد العذاب و ما الله بغافل عما تعملون. -. بقره/ ۷۸ - ۷۹ -

{و چون از شما پيمان محكم گرفتيم كه: «خون همديگر را مريزيد، و يكديگر را از سرزمين خود بيرون نكنيد» سپس [به اين پيمان] اقرار كرديد، و خود گواهيد. [ولى] باز همين شما هستيد كه يكديگر را مى كشيد، و گروهى از خودتان را از ديارشان بيرون مى رانيد، و به گناه و تجاوز، بر ضد آنان به يكديگر كمك مى كنيد. و اگر به اسارت پيش شما آيند، به [دادن] فديه، آنان را آزاد مى كنيد، با آنكه [نه تنها كشتن، بلكه] بيرون كردن آنان بر شما حرام شده است. آيا شما به پاره اى از كتاب [تورات] ايمان مى آوريد، و به پاره اى كفر مى ورزيد؟ پس جزاى هر كس از شما كه چنين كند، جز خوارى در زندگى دنيا چيزى نخواهد بود، و روز رستاخيز ايشان را به سخت ترين عذاب ها باز برند، و خداوند از آنچه مى كنيد غافل نيست.}

- و الفتنه أشد من القتل. -. بقره/ ۱۸۷ -

فتنه [شرك] از قتل بدتر است.}

- و لا تلقوا بأيديكم إلى التهلكه. - . بقره/ ۱۹۱ -

{و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید.}

- و لآمرنهم فليبتكن آذان الأنعام و لآمرنهم فليغيرن خلق الله. - . نساء/ ۱۱۸ -

{و وادارشان می کنم تا گوش های دام ها را شکاف دهند، و وادارشان می کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند.}

- فبما نقضهم ميثاقهم لعناهم و جعلنا قلوبهم قاسيه يحرفون الكلم عن مواضعه و نسوا حظا مما ذكروا به و لا تزال تطلع على خائنه منهم إلا قليلا منهم. - . مائده/ ۱۳ -

{پس به [سزای] پیمان شکستنشان لعنتشان کردیم و دل هایشان را سخت گردانیدیم. [به طوری که] کلمات را از مواضع خود تحریف می کنند، و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند. و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می شوی، مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانتکار نیستند].}

- و من الذين قالوا إنا نصارى أخذنا ميثاقهم فنسوا حظا مما ذكروا به. - . مائده / ۱۴ -

{و از کسانی که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، از ایشان [نیز] پیمان گرفتیم، و[لی] بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند فراموش کردند.} - قل تعالوا أتل ما حرم ربكم عليكم ألا تشركوا به شيئا و بالوالدين إحسانا و لا تقتلوا أولادكم من إملاق نحن نرزقكم و إياهم و لا تقربوا الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و لا تقتلوا النفس التى حرم الله إلا بالحق ذلكم وصاكم به لعلكم تعقلون- و لا تقربوا مال اليتيم إلا بالتى هى أحسن حتى يبلغ أشده و أوفوا الكيل و الميزان بالقسط لا نكلف نفسا إلا وسعها و إذا قلتم فاعدلوا و لو كان ذا قربى و بعهد الله أوفوا ذلكم وصاكم به لعلكم تذكرون- و أن هذا صراطى مستقيما فاتبعوه و لا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله ذلكم وصاكم به لعلكم تتقون. - . انعام/ ۱۵۴- ۱۵۶ -

{بگو: «بیایید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید و به پدر و مادر احسان کنید و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید ما شما و آنان را روزی می رسانیم و به کارهای زشت- چه علنی آن و چه پوشیده [اش]- نزدیک مشوید و نَفْسی را که خدا حرام گردانیده، جز بحق مکشید. اینهاست که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است، باشد که بیندیشد. و به مال یتیم- جز به نحوی [هر چه نیکوتر]- نزدیک مشوید، تا به حد رشد خود برسد. و پیمانه و ترازو را به عدالت، تمام بپیمایید. هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم. و چون [به داوری یا شهادت] سخن گویید دادگری کنید، هر چند [درباره] خویشاوند [شما] باشد. و به پیمان خدا وفا کنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که پند گیرید. و [بدانید] این است راه راست من پس، از آن پیروی کنید. و از راه ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می سازد پیروی مکنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که به تقوا گرایید.}

- قل إنما حرم ربى الفواحش ما ظهر منها و ما بطن و الإثم و البغى بغير الحق و أن تشركوا بالله ما لم ينزل به سلطانا و أن تقولوا

علی الله ما لا تعلمون. - . اعراف/ ۳۳ -

{بگو: «پروردگار من فقط زشتکاری ها را- چه آشکارش [باشد] و چه پنهان- و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است و [نیز] اینکه چیزی را شریک خدا سازید که دلیلی بر [حقّانیّت] آن نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت دهید.} - و لا تفسدوا فی الأرض بعد إصلاحها. - . اعراف/ ۵۶ -

{و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید.}

- و ما کان صلاتهم عند البیت إلا مکاء و تصدیه فذوقوا العذاب بما کنتم تکفرون. - . انفال/ ۳۵ -

{و نمازشان در خانه [خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس به سزای آنکه کفر می ورزیدید، این عذاب را بچشید!}

- إنما النسی ء زیاده فی الکفر یضل به الذین کفروا یحلونه عاما و یحرمونه عاما لیواطؤا عده ما حرم الله فیحلوا ما حرم الله زین لهم سوء أعمالهم و الله لا یهدی القوم الکافرین. - . برائت/ ۳۷ -

{جز این نیست که جابجا کردنِ [ماه های حرام]، فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می شوند آن را یک سال حلال می شمارند، و یک سال [دیگر]، آن را حرام می دانند، تا با شماره ماه هایی که خدا حرام کرده است موافق سازند، و در نتیجه آنچه را خدا حرام کرده [بر خود] حلال گردانند. زشتیِ اعمالشان برایشان آراسته شده است، و خدا گروه کافران را هدایت نمی کند.}

- إن الله یأمر بالعدل و الإحسان و إیتاء ذی القربی و ینهی عن الفحشاء و المنکر و البغی یعظکم لعلکم تذکرون- و أوفوا بعهد الله إذا عاهدتم و لا تنقضواالأیمان بعد توکیدها و قد جعلتم الله علیکم کفیلا إن الله یعلم ما تفعلون- و لا تکونوا کالتی نقضت غزلها من بعد قوه أنکاثا تتخذون أیمانکم دخلا بینکم أن تکون أمه هی أربی من أمه إنما یبلوکم الله به و لیبینن لکم یوم القیامه ما کنتم فیه تختلفون. - . نحل / ۹۰ - ۹۲ -

{در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد. به شما اندرز می دهد، باشد که پند گیرید. و چون با خدا پیمان بستید، به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکنید، با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده اید، زیرا خدا آنچه را انجام می دهید می داند. و مانند آن [زنی] که رشته خود را پس از محکم بافتن، [یکی یکی] از هم می گسست مباشید که سوگندهای خود را میان خویش وسیله [فریب و] تقلب سازید [به خیال این] که گروهی از گروه دیگر [در داشتن امکانات] افزونترند. جز این نیست که خدا شما را بدین وسیله می آزماید و روز قیامت در آنچه اختلاف می کردید، قطعاً برای شما توضیح خواهد داد.}

- و لا تتخذوا أیمانکم دخلا بینکم فتزل قدم بعد ثبوتها و تذوقوا السوء بما صددتم عن سبیل الله و لکم عذاب عظیم. - . نحل/ ۹۴ -

{و زنهار، سوگندهای خود را دستاویز تقلب میان خود قرار مدهید، تا گامی بعد از استواریش بلغزد، و شما به [سزای] آنکه

[مردم را] از راه خدا باز داشته اید دچار شکنجه شوید و برای شما عذابی بزرگ باشد.}

- أ تبنون بکل ریع آیه تعبثون و تتخذون مصانع لعلکم تخلدون. - . شعراء/ ۱۲۸- ۱۲۹ -

{آیا بر هر تپه ای بنایی می سازید که [در آن] دست به بیهوده کاری زنید؟ و کاخ های استوار می گیرید به امید آنکه جاودانه بمانید؟}

- و لا تعثوا فی الأرض مفسدین. - . شعراء/ ۱۸۳ -

{و در زمین سر به فساد برمدارید.}

- و لا تبغ الفساد فی الأرض إن الله لا یحب المفسدین. - . قصص/ ۷۷ -

{و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی دارد.}

**[ترجمه]

باب ۶۷ جوامع مناهی النبی صلی الله علیه و آله و متفرقاتها

الأخبار

«۱»

لی، [الأمالی للصدوق] عَنْ حَمْزَهَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِیِّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِیزِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِیسَی الْأَبْهَرِیِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَکَرِیَّا الْجَوْهَرِیِّ الْغَلَابِیِّ عَنْ شُعَیْبِ بْنِ وَاقِدٍ عَنِ الْحُسَیْنِ بْنِ زَیْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ: نَهَی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنِ الْأَکْلِ عَلَی الْجَنَابَهِ وَ قَالَ إِنَّهُ یُورِثُ الْفَقْرَ وَ نَهَی عَنْ تَقْلِیمِ الْأَظْفَارِ بِالْأَسْنَانِ وَ عَنِ السِّوَاکِ فِی الْحَمَّامِ وَ التَّنَخُّعِ فِی الْمَسَاجِدِ وَ نَهَی عَنْ أَکْلِ سُؤْرِ الْفَأْرَهِ وَ قَالَ لَا تَجْعَلُوا الْمَسَاجِدَ طُرُقاً حَتَّی تُصَلُّوا فِیهَا رَکْعَتَیْنِ وَ نَهَی أَنْ یَبُولَ أَحَدٌ تَحْتَ شَجَرَهٍ مُثْمِرَهٍ أَوْ عَلَی قَارِعَهِ الطَّرِیقِ وَ نَهَی أَنْ یَأْکُلَ الْإِنْسَانُ بِشِمَالِهِ وَ أَنْ یَأْکُلَ وَ هُوَ مُتَّکِئٌ وَ نَهَی أَنْ تُجَصَّصَ الْمَقَابِرُ

ص: ۳۲۸

۱- ۱. النحل: ۹۲- ۹۶.

۲- ۲. الشعراء: ۱۲۸- ۱۲۹.

۳- ۳. الشعراء: ۱۸۳.

۴- ۴. القصص: ۷۷.

وَ تُصَلَّى فِيهَا وَ قَالَ إِذَا اغْتَسَلَ أَحَدُكُمْ فِى فَضَاءٍ مِنَ الْأَرْضِ فَلْيُحَاذِرْ عَلَى عَوْرَتِهِ وَ لَا يَشْرَبَنَّ أَحَدُكُمُ الْمَاءَ مِنْ عِنْدِ عُرْوَهِ الْإِنَاءِ فَإِنَّهُ مُجْتَمَعُ الْوَسَخِ وَ نَهَى أَنْ يَبُولَ أَحَدٌ فِى الْمَاءِ الرَّاكِدِ فَإِنَّهُ مِنْهُ يَكُونُ ذَهَابُ الْعَقْلِ وَ نَهَى أَنْ يَمْشِيَ الرَّجُلُ فِى فَرْدِ نَعْلٍ أَوْ يَتَنَعَّلَ وَ هُوَ قَائِمٌ وَ نَهَى أَنْ يَبُولَ الرَّجُلُ وَ فَرْجُهُ بَادٍ لِلشَّمْسِ أَوْ لِلْقَمَرِ وَ قَالَ إِذَا دَخَلْتُمُ الْغَائِطَ فَتَجَنَّبُوا الْقِبْلَهَ وَ نَهَى عَنِ الرَّنَّهِ عِنْدَ الْمُصِيبَهِ وَ نَهَى عَنِ النِّيَاحَهِ وَ الِاسْتِمَاعِ إِلَيْهَا وَ نَهَى عَنِ اتِّبَاعِ النِّسَاءِ الْجَنَائِزَ وَ نَهَى أَنْ يُمْحَى شَيْ ءٌ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالْبُزَاقِ أَوْ يُكْتَبَ مِنْهُ وَ نَهَى أَنْ يَكْذِبَ الرَّجُلُ فِى رُؤْيَاهُ مُتَعَمِّداً وَ قَالَ يُكَلِّفُهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَنْ يَعْقِدَ شَعِيرَهً وَ مَا هُوَ بِعَاقِدِهَا وَ نَهَى عَنِ التَّصَاوِيرِ وَ قَالَ مَنْ صَوَّرَ صُورَهً كَلَّفَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا وَ لَيْسَ بِنَافِخٍ وَ نَهَى أَنْ يُحْرَقَ شَيْ ءٌ مِنَ الْحَيَوَانِ بِالنَّارِ وَ نَهَى عَنْ سَبِّ الدِّيكِ وَ قَالَ إِنَّهُ يُوقِظُ لِلصَّلَاهِ وَ نَهَى أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ فِى سَوْمِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَ نَهَى أَنْ يُكْثَرَ الْكَلَامُ عِنْدَ الْمُجَامَعَهِ وَ قَالَ مِنْهُ يَكُونُ خَرَسُ الْوَلَدِ وَ قَالَ لَا تُبَيِّتُوا الْقُمَامَهَ فِى بُيُوتِكُمْ وَ أَخْرِجُوهَا نَهَاراً فَإِنَّهَا مَقْعَدُ الشَّيْطَانِ وَ قَالَ لَا يَبِيتَنَّ أَحَدٌ وَ يَدُهُ غَمِرَهٌ فَإِنْ فَعَلَ فَأَصَابَهُ لَمَمُ الشَّيْطَانِ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ وَ نَهَى أَنْ يَسْتَنْجِيَ الرَّجُلُ بِالرَّوْثِ وَ نَهَى أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَهُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا فَإِنْ خَرَجَتْ لَعَنَهَا كُلُّ مَلَكٍ فِى السَّمَاءِ وَ كُلُّ شَيْ ءٍ تَمُرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا وَ نَهَى أَنْ تَتَزَيَّنَ الْمَرْأَهُ لِغَيْرِ زَوْجِهَا فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُحْرِقَهُ بِالنَّارِ وَ نَهَى أَنْ تَتَكَلَّمَ الْمَرْأَهُ عِنْدَ غَيْرِ زَوْجِهَا وَ غَيْرِ ذِى مَحْرَمٍ مِنْهَا أَكْثَرَ مِنْ خَمْسِ كَلِمَاتٍ مِمَّا لَا بُدَّ لَهَا مِنْهُ وَ نَهَى أَنْ تُبَاشِرَ الْمَرْأَهُ الْمَرْأَهَ لَيْسَ بَيْنَهُمَا ثَوْبٌ وَ نَهَى أَنْ تُحَدِّثَ الْمَرْأَهُ الْمَرْأَهَ بِمَا تَخْلُو بِهِ مَعَ زَوْجِهَا وَ نَهَى أَنْ يُجَامِعَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَهِ وَ عَلَى ظَهْرِ طَرِيقٍ عَامِرٍ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَعَلَيْهِ لَعْنَهُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَ نَهَى أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ لِلرَّجُلِ زَوِّجْنِى أُخْتَكَ حَتَّى أُزَوِّجَكَ أُخْتِي-

وَ نَهَی إِتْیَانَ الْعَرَّافِ (۱) وَ قَالَ مَنْ أَتَاهُ وَ صَدَّقَهُ فَقَدْ بَرِئَ مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله وَ نَهَی عَنِ اللَّعِبِ بِالنَّرْدِ وَ الشِّطْرَنْجِ وَ الْکُوبَهِ وَ الْعَرْطَبَهِ وَ هِیَ الطُّنْبُورُ وَ الْعُودِ یَعْنِی الطَّبْلَ وَ نَهَی عَنِ الْغِیبَهِ وَ الِاسْتِمَاعِ إِلَیْهَا وَ نَهَی عَنِ النَّمِیمَهِ وَ الِاسْتِمَاعِ إِلَیْهَا وَ قَالَ لَا یَدْخُلُ الْجَنَّهَ قَتَّاتٌ یَعْنِی نَمَّاماً وَ نَهَی عَنْ إِجَابَهِ الْفَاسِقِینَ إِلَی طَعَامِهِمْ وَ نَهَی عَنِ الْیَمِینِ الْکَاذِبَهِ وَ قَالَ إِنَّهَا تَتْرُکُ الدِّیَارَ بَلَاقِعَ وَ قَالَ مَنْ حَلَفَ بِیَمِینٍ کَاذِبَهٍ صَبْراً لِیَقْطَعَ بِهَا مَالَ امْرِئٍ مُسْلِمٍ لَقِیَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ عَلَیْهِ غَضْبَانُ إِلَّا أَنْ یَتُوبَ وَ یَرْجِعَ وَ نَهَی عَنِ الْجُلُوسِ عَلَی مَائِدَهٍ یُشْرَبُ عَلَیْهَا الْخَمْرُ وَ نَهَی أَنْ یُدْخِلَ الرَّجُلُ حَلِیلَتَهُ إِلَی الْحَمَّامِ وَ قَالَ لَا یَدْخُلَنَّ أَحَدُکُمُ الْحَمَّامَ إِلَّا بِمِئْزَرٍ وَ نَهَی عَنِ الْمُحَادَثَهِ الَّتِی تَدْعُو إِلَی غَیْرِ اللَّهِ وَ نَهَی عَنْ تَصْفِیقِ الْوَجْهِ وَ نَهَی عَنِ الشُّرْبِ فِی آنِیَهِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّهِ وَ نَهَی عَنْ لُبْسِ الْحَرِیرِ وَ الدِّیبَاجِ وَ الْقَزِّ لِلرِّجَالِ فَأَمَّا لِلنِّسَاءِ فَلَا بَأْسَ وَ نَهَی أَنْ یُبَاعَ الثِّمَارُ حَتَّی یَزْهُوَ یَعْنِی یَصْفَرَّ أَوْ یَحْمَرَّ وَ نَهَی عَنِ الْمُحَاقَلَهِ یَعْنِی بَیْعَ التَّمْرِ بِالرُّطَبِ وَ الْعِنَبِ بِالزَّبِیبِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِکَ وَ نَهَی عَنْ بَیْعِ النَّرْدِ وَ الشِّطْرَنْجِ وَ قَالَ مَنْ فَعَلَ ذَلِکَ فَهُوَ کَآکِلِ لَحْمِ الْخِنْزِیرِ وَ نَهَی عَنْ بَیْعِ الْخَمْرِ وَ أَنْ تُشْتَرَی الْخَمْرُ وَ أَنْ تُسْقَی الْخَمْرُ وَ قَالَ علیه السلام لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَ عَاصِرَهَا وَ غَارِسَهَا وَ شَارِبَهَا وَ سَاقِیَهَا وَ بَائِعَهَا وَ مُشْتَرِیَهَا وَ آکِلَ ثَمَنِهَا وَ حَامِلَهَا وَ الْمَحْمُولَهَ إِلَیْهِ وَ قَالَ علیه السلام مَنْ شَرِبَهَا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاهٌ أَرْبَعِینَ یَوْماً وَ إِنْ مَاتَ وَ فِی بَطْنِهِ شَیْ ءٌ مِنْ ذَلِکَ کَانَ حَقّاً عَلَی اللَّهِ أَنْ یَسْقِیَهُ مِنْ طِینَهِ خَبَالٍ وَ هُوَ صَدِیدُ أَهْلِ النَّارِ وَ مَا یَخْرُجُ مِنْ فُرُوجِ الزُّنَاهِ فَیَجْتَمِعُ ذَلِکَ فِی قُدُورِ جَهَنَّمَ فَیَشْرَبُهَا أَهْلُ النَّارِ فَ یُصْهَرُ بِهِ مَا فِی بُطُونِهِمْ وَ الْجُلُودُ وَ نَهَی عَنْ أَکْلِ الرِّبَا وَ شَهَادَهِ الزُّورِ وَ کِتَابَهِ الرِّبَا وَ قَالَ علیه السلام إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَعَنَ آکِلَ الرِّبَا وَ مُوکِلَهُ وَ کَاتِبَهُ وَ شَاهِدِیهِ وَ نَهَی عَنْ بَیْعٍ وَ سَلَفٍ وَ نَهَی

۱- ۱. یعنی المنجم و الکاهن، و قال الجاحظ هو دون الکاهن، و کیف کان هو الذی یدل علی معرفه السارق و السرقه و الضاله و ما أشبه ذلک أو هو الذی یخبر عن الماضی و المستقبل.

عَنْ بَيْعَيْنِ فِی بَيْعٍ وَ نَهَی عَنْ بَيْعِ مَا لَيْسَ عِنْدَکَ وَ نَهَی عَنْ بَيْعِ مَا لَمْ يُضْمَنْ وَ نَهَی عَنْ مُصَافَحَهِ الذِّمِّيِّ وَ نَهَی عَنْ أَنْ يُنْشَدَ الشِّعْرُ أَوْ تُنْشَدَ الضَّالَّهُ فِی الْمَسْجِدِ وَ نَهَی أَنْ يُسَلَّ السَّيْفُ فِی الْمَسْجِدِ وَ نَهَی عَنْ ضَرْبِ وُجُوهِ الْبَهَائِمِ وَ نَهَی أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَی عَوْرَهِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَ قَالَ مَنْ تَأَمَّلَ عَوْرَهَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ لَعَنَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ نَهَی الْمَرْأَهَ أَنْ تَنْظُرَ إِلَی عَوْرَهِ الْمَرْأَهِ وَ نَهَی أَنْ يُنْفَخَ فِی طَعَامٍ أَوْ فِی شَرَابٍ أَوْ يُنْفَخَ فِی مَوْضِعِ السُّجُودِ وَ نَهَی أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ فِی الْمَقَابِرِ وَ الطُّرُقِ وَ الْأَرْحِيَهِ وَ الْأَوْدِيَهِ وَ مَرَابِضِ الْإِبِلِ وَ عَلَی ظَهْرِ الْكَعْبَهِ وَ نَهَی عَنْ قَتْلِ النَّحْلِ وَ نَهَی عَنِ الْوَسْمِ فِی وُجُوهِ الْبَهَائِمِ وَ نَهَی أَنْ يُحْلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ وَ قَالَ مَنْ حَلَفَ بِغَيْرِ اللَّهِ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِی شَيْءٍ وَ نَهَی أَنْ يَحْلِفَ الرَّجُلُ بِسُورَهٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَ قَالَ مَنْ حَلَفَ بِسُورَهٍ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ فَعَلَيْهِ بِكُلِّ آيَهٍ مِنْهَا يَمِينٌ فَمَنْ شَاءَ بَرَّ وَ مَنْ شَاءَ فَجَرَ وَ نَهَی أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ لِلرَّجُلِ لَا وَ حَيَاتِکَ وَ حَيَاهِ فُلَانٍ وَ نَهَی أَنْ يَقْعُدَ الرَّجُلُ فِی الْمَسْجِدِ وَ هُوَ جُنُبٌ وَ نَهَی عَنِ التَّعَرِّی بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ نَهَی عَنِ الْحِجَامَهِ يَوْمَ الْأَرْبِعَاءِ وَ الْجُمُعَهِ وَ نَهَی عَنِ الْكَلَامِ يَوْمَ الْجُمُعَهِ وَ الْإِمَامُ يَخْطُبُ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِکَ فَقَدْ لَغَا وَ مَنْ لَغَا فَلَا جُمُعَهَ لَهُ وَ نَهَی عَنِ التَّخَتُّمِ بِخَاتَمِ صُفْرٍ أَوْ حَدِيدٍ وَ نَهَی أَنْ يُنْقَشَ شَيْءٌ مِنَ الْحَيَوَانِ عَلَی الْخَاتَمِ وَ نَهَی عَنِ الصَّلَاهِ فِی ثَلَاثِ سَاعَاتٍ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ عِنْدَ غُرُوبِهَا وَ عِنْدَ اسْتِوَائِهَا وَ نَهَی عَنْ صِيَامِ سِتَّهِ أَيَّامٍ يَوْمِ الْفِطْرِ وَ يَوْمِ الشَّکِّ وَ يَوْمِ النَّحْرِ وَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ وَ نَهَی أَنْ يُشْرَبَ الْمَاءُ كَرْعاً كَمَا تَشْرَبُ الْبَهَائِمُ- وَ قَالَ اشْرَبُوا بِأَيْدِيكُمْ فَإِنَّهَا أَفْضَلُ أَوَانِيكُمْ وَ نَهَی عَنِ الْبُزَاقِ فِی الْبِئْرِ الَّتِی يُشْرَبُ مِنْهَا وَ نَهَی أَنْ يُسْتَعْمَلَ أَجِيرٌ حَتَّی يُعْلَمَ مَا أُجْرَتُهُ وَ نَهَی عَنِ الْهِجْرَانِ فَإِنْ كَانَ لَا بُدَّ فَاعِلًا لَا يَهْجُرُ أَخَاهُ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَهِ أَيَّامٍ فَمَنْ كَانَ مُهَاجِراً لِأَخِيهِ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِکَ كَانَتِ النَّارُ أَوْلَی بِهِ وَ نَهَی عَنْ بَيْعِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّهِ بِالنَّسِيئَهِ وَ نَهَی عَنْ بَيْعِ الذَّهَبِ بِالذَّهَبِ زِيَادَهً إِلَّا وَزْناً بِوَزْنٍ وَ نَهَی عَنِ الْمَدْحِ وَ قَالَ احْثُوا فِی وُجُوهِ الْمَدَّاحِينَ التُّرَابَ وَ قَالَ صلی الله عليه و آله مَنْ تَوَلَّی خُصُومَهَ ظَالِمٍ أَوْ أَعَانَ عَلَيْهَا ثُمَّ نَزَلَ بِهِ مَلَکُ الْمَوْتِ قَالَ لَهُ أَبْشِرْ بِلَعْنَهِ اللَّهِ وَ نَارِ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ وَ قَالَ مَنْ مَدَحَ سُلْطَاناً جَائِراً وَ تَخَفَّفَ وَ تَضَعْضَعَ لَهُ طَمَعاً فِيهِ كَانَ قَرِينَهُ

إِلَى النَّارِ وَ قَالَ صلى الله عليه و آله قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ وَ لا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ قَالَ صلى الله عليه و آله مَنْ دَلَّ جَائِراً عَلَى جَوْرٍ كَانَ قَرِينَ هَامَانَ فِي جَهَنَّمَ وَ مَنْ بَنَى بُنْيَاناً رِيَاءً وَ سُمْعَةً حُمِّلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَهِ وَ هُوَ نَارٌ تَشْتَعِلُ ثُمَّ يُطَوَّقُ فِي عُنُقِهِ وَ يُلْقَى فِي النَّارِ فَلَا يَحْبِسُهُ شَيْ ءٌ مِنْهَا دُونَ قَعْرِهَا إِلَّا أَنْ يَتُوبَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله كَيْفَ يَبْنِي رِيَاءً وَ سُمْعَةً قَالَ يَبْنِي فَضْلًا عَلَى مَا يَكْفِيهِ اسْتِطَالَهً مِنْهُ عَلَى جِيرَانِهِ وَ مُبَاهَاهً لِإِخْوَانِهِ وَ قَالَ عليه السلام مَنْ ظَلَمَ أَجِيراً أَجْرَهُ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّهِ وَ إِنَّ رِيحَهَا لَتُوجَدُ مِنْ مَسِيرَهِ خَمْسِمِائَهِ عَامٍ وَ مَنْ خَانَ جَارَهُ شِبْراً مِنَ الْأَرْضِ جَعَلَهَا اللَّهُ طَوْقاً فِي عُنُقِهِ مِنْ تُخُومِ الْأَرَضِينَ السَّابِعَهِ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مُطَوَّقاً إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَ يَرْجِعَ أَلَا وَ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَهُ مُتَعَمِّداً لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَغْلُولًا يُسَلِّطُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ بِكُلِّ آيَهٍ مِنْهَا حَيَّهً تَكُونُ قَرِينَهُ إِلَى النَّارِ إِلَّا أَنْ يَغْفِرَ لَهُ وَ قَالَ عليه السلام مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ثُمَّ شَرِبَ عَلَيْهِ حَرَاماً أَوْ آثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ عَلَيْهِ سَخَطَ اللَّهِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ أَلَا وَ إِنَّهُ إِنْ مَاتَ عَلَى غَيْرِ تَوْبَهٍ حَاجَّهُ الْقُرْآنُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فَلَا يُزَايِلُهُ إِلَّا مَدْحُوضاً أَلَا وَ مَنْ زَنَى بِامْرَأَهٍ مُسْلِمَهٍ أَوْ يَهُودِيَّهٍ أَوْ نَصْرَانِيَّهٍ أَوْ مَجُوسِيَّهٍ حُرَّهٍ أَوْ أَمَهٍ ثُمَّ لَمْ يَتُبْ وَ مَاتَ مُصِرّاً عَلَيْهِ فَتَحَ اللَّهُ لَهُ فِي قَبْرِهِ ثَلَاثَمِائَهِ بَابٍ تَخْرُجُ مِنْهُ حَيَّاتٌ وَ عَقَارِبُ وَ ثُعْبَانُ النَّارِ- فَهُوَ يَحْتَرِقُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ فَإِذَا بُعِثَ مِنْ قَبْرِهِ تَأَذَّى النَّاسُ مِنْ نَتْنِ رِيحِهِ فَيُعْرَفُ بِذَلِكَ وَ بِمَا كَانَ يَعْمَلُ فِي دَارِ الدُّنْيَا حَتَّى يُؤْمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْحَرَامَ وَ حَدَّ الْحُدُودَ وَ مَا أَحَدٌ أَغْيَرَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ غَيْرَتِهِ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ وَ نَهَى أَنْ يَطَّلِعَ الرَّجُلُ فِي بَيْتِ جَارِهِ وَ قَالَ مَنْ نَظَرَ إِلَى عَوْرَهِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَوْ عَوْرَهِ غَيْرِ أَهْلِهِ مُتَعَمِّداً أَدْخَلَهُ اللَّهُ مَعَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَبْحَثُونَ عَنْ عَوْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ وَ لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَ قَالَ عليه السلام وَ مَنْ لَمْ يَرْضَ بِمَا قَسَمَهُ اللَّهُ لَهُ مِنَ الرِّزْقِ وَ بَثَّ شَكْوَاهُ وَ لَمْ

يَصْبِرْ وَ لَمْ يَحْتَسِبْ لَمْ تُرْفَعْ لَهُ حَسَنَهٌ وَ يَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضْبَانُ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَ نَهَى أَنْ يَخْتَالَ الرَّجُلُ فِي مَشْيِهِ وَ قَالَ مَنْ لَبِسَ ثَوْباً فَاخْتَالَ فِيهِ خَسَفَ اللَّهُ بِهِ مِنْ شَفِيرِ جَهَنَّمَ وَ كَانَ قَرِينَ قَارُونَ لِأَنَّهُ أَوَّلُ مَنِ اخْتَالَ فَخَسَفَ اللَّهُ بِهِ وَ بِدَارِهِ الْأَرْضَ وَ مَنِ اخْتَالَ فَقَدْ نَازَعَ اللَّهَ فِي جَبَرُوتِهِ وَ قَالَ صلى الله عليه و آله مَنْ ظَلَمَ امْرَأَهً مَهْرَهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ زَانٍ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَبْدِي زَوَّجْتُكَ أَمَتِي عَلَى عَهْدِي فَلَمْ تُوفِ بِعَهْدِي وَ ظَلَمْتَ أَمَتِي فَيُؤْخَذُ مِنْ حَسَنَاتِهِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهَا بِقَدْرِ حَقِّهَا فَإِذَا لَمْ تَبْقَ لَهُ حَسَنَهٌ أُمِرَ بِهِ إِلَى النَّارِ بِنَكْثِهِ لِلْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كانَ مَسْؤُلًا(۱) وَ نَهَى صلى الله عليه و آله عَنْ كِتْمَانِ الشَّهَادَهِ وَ قَالَ مَنْ كَتَمَهَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ لَحْمَهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ وَ لا تَكْتُمُوا الشَّهادَهَ وَ مَنْ يَكْتُمْها فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ (۲) وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَنْ آذَى جَارَهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّهِ- وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ وَ مَنْ ضَيَّعَ حَقَّ جَارِهِ فَلَيْسَ مِنَّا وَ مَا زَالَ جَبْرَئِيلُ عليه السلام يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُوَرِّثُهُ وَ مَا زَالَ يُوصِينِي بِالْمَمَالِيكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَجْعَلُ لَهُمْ وَقْتاً إِذَا بَلَغُوا ذَلِكَ الْوَقْتَ أُعْتِقُوا وَ مَا زَالَ يُوصِينِي بِالسِّوَاكِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيَجْعَلُهُ فَرِيضَهً وَ مَا زَالَ يُوصِينِي بِقِيَامِ اللَّيْلِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّ خِيَارَ أُمَّتِي لَنْ يَنَامُوا أَلَا وَ مَنِ اسْتَخَفَّ بِفَقِيرٍ مُسْلِمٍ فَقَدِ اسْتَخَفَّ بِحَقِّ اللَّهِ وَ اللَّهُ يَسْتَخِفُّ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَ قَالَ صلى الله عليه و آله مَنْ أَكْرَمَ فَقِيراً مُسْلِماً لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ وَ قَالَ صلى الله عليه و آله مَنْ عُرِضَتْ لَهُ فَاحِشَهٌ أَوْ شَهْوَهٌ فَاجْتَنَبَهَا مِنْ مَخَافَهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ وَ آمَنَهُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَ أَنْجَزَ لَهُ مَا وَعَدَهُ فِي كِتَابِهِ فِي قَوْلِهِ وَ لِمَنْ خافَ مَقامَ رَبِّهِ جَنَّتانِ (۳) أَلَا وَ مَنْ عُرِضَتْ لَهُ دُنْيَا وَ آخِرَهٌ فَاخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَهِ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ لَيْسَتْ لَهُ حَسَنَهٌ يَتَّقِي بِهَا

۱- ۱. أسرى: ۳۴.

۲- ۲. البقره: ۲۸۳.

۳- ۳. الرحمن: ۴۶.

مِنَ النَّارِ وَ مَنِ اخْتَارَ الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَ تَرَكَ الدُّنْيَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَ غَفَرَ لَهُ مَسَاوِيَ عَمَلِهِ وَ مَنْ مَلَأَ عَيْنَهُ مِنْ حَرَامٍ مَلَأَ اللَّهُ عَيْنَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مِنَ النَّارِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَ يَرْجِعَ وَ قَالَ صلى الله عليه و آله مَنْ صَافَحَ امْرَأَهً تَحْرُمُ عَلَيْهِ فَقَدْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَنِ الْتَزَمَ امْرَأَهً حَرَاماً قُرِنَ فِي سِلْسِلَهٍ نَارٍ مَعَ شَيْطَانٍ فَيُقْذَفَانِ فِي النَّارِ وَ مَنْ غَشَّ مُسْلِماً فِي شِرَاءٍ أَوْ بَيْعٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَ يُحْشَرُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَعَ الْيَهُودِ لِأَنَّهُمْ أَغَشُّ الْخَلْقِ لِلْمُسْلِمِينَ وَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَنْ يَمْنَعَ أَحَدٌ الْمَاعُونَ وَ قَالَ مَنْ مَنَعَ الْمَاعُونَ مِنْ جَارِهِ مَنَعَهُ اللَّهُ خَيْرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ فَمَا أَسْوَأَ حَالَهُ وَ قَالَ صلى الله عليه و آله أَيُّمَا امْرَأَهٍ آذَتْ زَوْجَهَا بِلِسَانِهَا لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا صَرْفاً وَ لَا عَدْلًا وَ لَا حَسَنَهً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُرْضِيَهُ وَ إِنْ صَامَتْ نَهَارَهَا وَ قَامَتْ لَيْلَهَا وَ أَعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَ حَمَلَتْ عَلَى جِيَادِ الْخَيْلِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ وَ كَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ لَهَا ظَالِماً أَلَا وَ مَنْ لَطَمَ خَدَّ مُسْلِمٍ أَوْ وَجْهَهُ بَدَّدَ اللَّهُ عِظَامَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ حَشَرَهُ مَغْلُولًا حَتَّى يَدْخُلَ جَهَنَّمَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ وَ مَنْ بَاتَ وَ فِي قَلْبِهِ غِشٌّ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ بَاتَ فِي سَخَطِ اللَّهِ وَ أَصْبَحَ كَذَلِكَ حَتَّى يَتُوبَ وَ نَهَى عَنِ الْغِيبَهِ وَ قَالَ مَنِ اغْتَابَ امْرَأً مُسْلِماً بَطَلَ صَوْمُهُ وَ نُقِضَ وُضُوؤُهُ وَ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ يَفُوحُ مِنْ فِيهِ رَائِحَهٌ أَنْتَنُ مِنَ الْجِيفَهِ يَتَأَذَّى بِهِ أَهْلُ الْمَوْقِفِ فَإِنْ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَتُوبَ مَاتَ مُسْتَحِلًّا لِمَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ قَالَ صلى الله عليه و آله مَنْ كَظَمَ غَيْظاً وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى إِنْفَاذِهِ وَ حَلُمَ عَنْهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ أَلَا وَ مَنْ تَطَوَّلَ عَلَى أَخِيهِ فِي غِيبَهٍ سَمِعَهَا فِيهِ فِي مَجْلِسٍ فَرَدَّهَا عَنْهُ رَدَّ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ السُّوءِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ فَإِنْ هُوَ لَمْ يَرُدَّهَا وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَى رَدِّهَا كَانَ عَلَيْهِ كَوِزْرِ مَنِ اغْتَابَهُ سَبْعِينَ مَرَّهً وَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله عَنِ الْخِيَانَهِ وَ قَالَ مَنْ خَانَ أَمَانَهً فِي الدُّنْيَا وَ لَمْ يَرُدَّهَا إِلَى أَهْلِهَا ثُمَّ أَدْرَكَهُ الْمَوْتُ مَاتَ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي وَ يَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَلَيْهِ

غَضْبَانُ وَ قَالَ صلی الله علیه و آله مَنْ شَهِدَ شَهَادَهَ زُورٍ عَلَى أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ عُلِّقَ بِلِسَانِهِ مَعَ الْمُنَافِقِينَ فِى الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ مَنِ اشْتَرَى خِيَانَهً وَ هُوَ يَعْلَمُ فَهُوَ كَالَّذِى خَانَهَا وَ مَنْ حَبَسَ عَنْ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ شَيْئاً مِنْ حَقِّهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَرَكَهَ الرِّزْقِ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ أَلَا وَ مَنْ سَمِعَ فَاحِشَهً فَأَفْشَاهَا فَهُوَ كَالَّذِى أَتَاهَا وَ مَنِ احْتَاجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِى قَرْضٍ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّهِ أَلَا وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى خُلُقِ امْرَأَهٍ سَيِّئَهِ الْخُلُقِ وَ احْتَسَبَ فِى ذَلِكَ الْأَجْرَ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ الشَّاكِرِينَ فِى الْآخِرَهِ أَلَا وَ أَيُّمَا امْرَأَهٍ لَمْ تَرْفُقْ بِزَوْجِهَا وَ حَمَلَتْهُ عَلَى مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ وَ مَا لَا يُطِيقُ لَمْ تُقْبَلْ مِنْهَا حَسَنَهٌ وَ تَلْقَى اللَّهَ وَ هُوَ عَلَيْهَا غَضْبَانُ أَلَا وَ مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ يَؤُمَّ الرَّجُلُ قَوْماً إِلَّا بِإِذْنِهِمْ وَ قَالَ مَنْ أَمَّ قَوْماً بِإِذْنِهِمْ وَ هُمْ بِهِ رَاضُونَ فَاقْتَصَدَ بِهِمْ فِى حُضُورِهِ وَ أَحْسَنَ صَلَاتَهُ بِقِيَامِهِ وَ قِرَاءَتِهِ وَ رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ وَ قُعُودِهِ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ الْقَوْمِ وَ لَا يُنْقَصُ مِنْ أُجُورِهِمْ شَيْءٌ أَلَا وَ مَنْ أَمَّ قَوْماً بِأَمْرِهِمْ ثُمَّ لَمْ يُتِمَّ بِهِمُ الصَّلَاهَ وَ لَمْ يُحْسِنْ فِى رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ وَ خُشُوعِهِ وَ قِرَاءَتِهِ رُدَّتْ عَلَيْهِ صَلَاتُهُ وَ لَمْ تَجَاوَزْ تَرْقُوَتَهُ وَ كَانَتْ مَنْزِلَتُهُ كَمَنْزِلَهِ إِمَامٍ جَائِرٍ مُعْتَدٍ لَمْ يُصْلِحْ إِلَى رَعِيَّتِهِ وَ لَمْ يَقُمْ فِيهِمْ بِحَقٍّ وَ لَا قَامَ فِيهِمْ بِأَمْرٍ وَ قَالَ صلی الله علیه و آله مَنْ مَشَى إِلَى ذِى قَرَابَهٍ بِنَفْسِهِ وَ مَالِهِ لِيَصِلَ رَحِمَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ مِائَهِ شَهِيدٍ- وَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَهٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ حَسَنَهٍ وَ يُمْحَى عَنْهُ أَرْبَعُونَ أَلْفَ سَيِّئَهٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِكَ وَ كَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ مِائَهَ سَنَهٍ صَابِراً مُحْتَسِباً وَ مَنْ كَفَى ضَرِيراً حَاجَهً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ مَشَى لَهُ فِيهَا حَتَّى يَقْضِيَ اللَّهُ لَهُ حَاجَتَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَهً مِنَ النِّفَاقِ وَ بَرَاءَهً مِنَ النَّارِ وَ قَضَى لَهُ سَبْعِينَ حَاجَهً مِنْ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَ لَا يَزَالُ يَخُوضُ فِى رَحْمَهِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى يَرْجِعَ وَ مَنْ مَرِضَ يَوْماً وَ لَيْلَهً فَلَمْ يَشْكُ إِلَى عُوَّادِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَعَ خَلِيلِهِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ حَتَّى يَجُوزَ الصِّرَاطَ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ وَ مَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِى حَاجَهٍ قَضَاهَا أَوْ لَمْ يَقْضِهَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ بِأَبِى

أَنْتَ وَ أَمِّی یَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَإِذَا کَانَ الْمَرِیضُ مِنْ أَهْلِ بَیْتِهِ أَ وَ لَیْسَ ذَلِکَ أَعْظَمَ أَجْراً إِذَا سَعَی فِی حَاجَهِ أَهْلِ بَیْتِهِ قَالَ نَعَمْ أَلَا وَ مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ کُرْبَهً مِنْ کُرَبِ الدُّنْیَا فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ اثْنَتَیْنِ وَ سَبْعِینَ کُرْبَهً مِنْ کُرَبِ الْآخِرَهِ وَ اثْنَتَیْنِ وَ سَبْعِینَ کُرْبَهً مِنْ کُرَبِ الدُّنْیَا أَهْوَنُهَا الْمَغْصُ قَالَ وَ مَنْ مَطَلَ عَلَی ذِی حَقٍّ حَقَّهُ وَ هُوَ یَقْدِرُ عَلَی أَدَاءِ حَقِّهِ فَعَلَیْهِ کُلَّ یَوْمٍ خَطِیئَهُ عَشَّارٍ أَلَا وَ مَنْ عَلَّقَ سَوْطاً بَیْنَ یَدَیْ سُلْطَانٍ جَائِرٍ جَعَلَ اللَّهُ ذَلِکَ السَّوْطَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ ثُعْبَاناً مِنَ النَّارِ طُولُهُ سَبْعُونَ ذِرَاعاً یُسَلَّطُ عَلَیْهِ فِی نَارِ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِیرُ وَ مَنِ اصْطَنَعَ إِلَی أَخِیهِ مَعْرُوفاً فَامْتَنَّ بِهِ أَحْبَطَ اللَّهُ عَلَیْهِ عَمَلَهُ وَ ثَبَّتَ وِزْرَهُ وَ لَمْ یَشْکُرْ لَهُ سَعْیَهُ ثُمَّ قَالَ صلی الله علیه و آله یَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَرَّمْتُ الْجَنَّهَ عَلَی الْمَنَّانِ وَ الْبَخِیلِ وَ الْقَتَّاتِ وَ هُوَ النَّمَّامُ.

أَلَا وَ مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَهٍ فَلَهُ بِوَزْنِ کُلِّ دِرْهَمٍ مِثْلُ جَبَلِ أُحُدٍ مِنْ نَعِیمِ الْجَنَّهِ وَ مَنْ مَشَی بِصَدَقَهٍ إِلَی مُحْتَاجٍ کَانَ لَهُ کَأَجْرِ صَاحِبِهَا مِنْ غَیْرِ أَنْ یَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِ شَیْ ءٌ وَ مَنْ صَلَّی عَلَی مَیِّتٍ صَلَّی عَلَیْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ وَ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ فَإِنْ أَقَامَ حَتَّی یُدْفَنَ وَ یُحْثَی عَلَیْهِ التُّرَابُ کَانَ لَهُ بِکُلِّ قَدَمٍ نَقَلَهَا قِیرَاطٌ مِنَ الْأَجْرِ وَ الْقِیرَاطُ مِثْلُ جَبَلِ أُحُدٍ أَلَا وَ مَنْ ذَرَفَتْ عَیْنَاهُ مِنْ خَشْیَهِ اللَّهِ کَانَ لَهُ بِکُلِّ قَطْرَهٍ قَطَرَتْ مِنْ دُمُوعِهِ قَصْرٌ فِی الْجَنَّهِ مُکَلَّلًا بِالدُّرِّ وَ الْجَوْهَرِ فِیهِ مَا لَا عَیْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَی قَلْبِ بَشَرٍ- أَلَا وَ مَنْ مَشَی إِلَی مَسْجِدٍ یَطْلُبُ فِیهِ الْجَمَاعَهَ کَانَ لَهُ بِکُلِّ خُطْوَهٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَهٍ وَ یُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلُ ذَلِکَ وَ إِنْ مَاتَ وَ هُوَ عَلَی ذَلِکَ وَکَّلَ اللَّهُ بِهِ سَبْعِینَ أَلْفَ مَلَکٍ یَعُودُونَهُ فِی قَبْرِهِ وَ یُؤْنِسُونَهُ فِی وَحْدَتِهِ وَ یَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّی یُبْعَثَ أَلَا وَ مَنْ أَذَّنَ مُحْتَسِباً یُرِیدُ بِذَلِکَ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَعْطَاهُ اللَّهُ ثَوَابَ أَرْبَعِینَ أَلْفَ شَهِیدٍ وَ أَرْبَعِینَ أَلْفَ صِدِّیقٍ وَ یُدْخِلُ فِی شَفَاعَتِهِ أَرْبَعِینَ أَلْفَ مُسِی ءٍ مِنْ أُمَّتِی إِلَی الْجَنَّهِ أَلَا وَ إِنَّ الْمُؤَذِّنَ إِذَا قَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَلَّی عَلَیْهِ تِسْعُونَ أَلْفَ مَلَکٍ وَ اسْتَغْفَرُوا لَهُ وَ کَانَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ فِی ظِلِّ الْعَرْشِ حَتَّی یَفْرُغَ اللَّهُ مِنْ حِسَابِ

الْخَلَائِقِ وَ يَكْتُبُ ثَوَابَ قَوْلِهِ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ أَرْبَعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ مَنْ حَافَظَ عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ وَ التَّكْبِيرَةِ الْأُولَى- لَا يُؤْذِي مُسْلِماً أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا يُعْطَى الْمُؤَذِّنُونَ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ أَلَا وَ مَنْ تَوَلَّى عِرَافَةَ قَوْمٍ حَبَسَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى شَفِيرِجَهَنَّمَ بِكُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ سَنَةٍ وَ حُشِرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَدَاهُ مَغْلُولَتَانِ إِلَى عُنُقِهِ فَإِنْ كَانَ قَامَ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ أَطْلَقَهُ اللَّهُ وَ إِنْ كَانَ ظَالِماً هُوِيَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ.

وَ قَالَ صلى الله عليه و آله لَا تُحَقِّرُوا شَيْئاً مِنَ الشَّرِّ وَ إِنْ صَغُرَ فِي أَعْيُنِكُمْ وَ لَا تَسْتَكْثِرُوا الْخَيْرَ وَ إِنْ كَثُرَ فِي أَعْيُنِكُمْ فَإِنَّهُ لَا كَبِيرَ مَعَ الِاسْتِغْفَارِ وَ لَا صَغِيرَ مَعَ الْإِصْرَارِ قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْغَلَابِيُّ سَأَلْتُ عَنْ طُولِ هَذَا الْأَثَرِ شُعَيْباً الْمُزَنِيَّ فَقَالَ لِي يَا بَا عَبْدِ اللَّهِ سَأَلْتُ الْحُسَيْنَ بْنَ زَيْدٍ عَنْ طُولِ هَذَا الْحَدِيثِ فَقَالَ حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهم السلام أَنَّهُ جَمَعَ هَذَا الْحَدِيثَ مِنَ الْكِتَابِ الَّذِي هُوَ إِمْلَاءُ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ خَطُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ (۱).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام صادق از پدرش، از پدرانش، از امیر المؤمنان علیهم السّلام روایت کرد که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از خوردن با جنابت بازداشته و فرمود: که این کار فقر آورد، و بازداشت از گرفتن ناخن ها با دندان ها؛ و از مسواک کردن در حمام، و بینی گرفتن و سلفیدن در مساجد؛ و بازداشت از خوردن نیم خورده موش. و فرمود: مسجد را راه خود نسازید تا در آن دو رکعت نماز بخوانید؛ و بازداشت از اینکه کسی زیر درخت میوه دار یا میانه راه ادرار کند؛ و بازداشت از این که آدمی با دست چپش غذا بخورد یا تکیه داده بخورد؛ و بازداشت از گچ کاری گورها و نماز خواندن در آنها. و فرمود: کسی که در فضای باز زمین تن شوید و غسل کند، بر عورت خود حذر کند (که آن را نبینند) و کسی از طرف دسته ظرف ننوشد، زیرا که آنجا مجمع چرک ها باشد؛ و بازداشت از این که کسی در آب ایستاده ادرار کند که رفتن عقل را در پی دارد.

و بازداشت از اینکه کسی با یک لنگه کفش راه رود یا ایستاده نعلین بپوشد؛ و بازداشت از این که کسی ادرار کند و آلتش رو به روی خورشید یا ماه باشد و فرمود: چون به خلاء در آمدید، رو به قبله نباشید؛ و بازداشت از جیغ زدن در مصیبت و از نوحه گری و شنیدنش؛ و بازداشت که زنان دنبال جنازه روند؛ و بازداشت که چیزی از قرآن را با آب دهان پاک کنند یا بنویسند؛ و بازداشت از این که به عمد از خودش خواب دروغ نقل کند و فرمود: روز قیامت وادارش کنند که دو دانه جو را با هم گره زند و نتواند؛ و نهی کرد از صورت کشی و فرمود: هر که صورتی بکشد، خدا روز قیامت او را وادارد که در آن روح بدمد و نتواند؛ و بازداشت از این که جانداری را به آتش بسوزانند؛ و بازداشت از دشنام به خروس و فرمود که خروس برای نماز بیدار می کند؛ و بازداشت از این که کسی در معامله برادر مسلمانش وارد شود؛ و بازداشت از هنگام جماع کردن، بسیار سخن گویی و فرمود: از آن است که فرزند لال شود. و فرمود: خاکروبه را شب در خانه وا ننهید و روز آن را بیرون برید، زیرا نشیمن شیطان است. و فرمود: کسی شب را نگذراند با دست آلوده به خوراک و اگر چنین کند و آزار شیطان به او رسد، جز خود را ملامت نکند. و بازداشت از این که کسی با تپاله خود را پاک کند؛ و بازداشت از این که زن بی اجازه شوهرش از خانه به در آید و اگر به در آید، هر فرشته در آسمان و هر چه بدان گذر کند، از جن و آدمی او را لعن کنند تا به خانه اش برگردد؛ و بازداشت از این که زن برای غیر شوهرش آرایش کند و اگر کرد، بر خدا است که او را به آتش بسوزاند.

و بازداشت از این که زن نزد غیرشوهرش و محرمش بیش از پنج کلمه که اجازه است، سخن گوید؛ و بازداشت از این که دو

زن بی جامه به هم بچسبند؛ و بازداشت از این که زنی سخن خلوتگاه شوهرش را به زن دیگر بازگوید؛ و بازداشت از این که مردی با اهل خود برابر قبله یا بر سر راه آباد که رفت و آمد شود جماع کند و هر که چنان کند، بر او باد لعنت خدا و فرشته ها و همه مردم؛ و بازداشت از این که مردی به مردی گوید خواهرت را به زنی من بده تا خواهرم را به زنی تو دهم؛ و بازداشت از مراجعه به «عراف» - . یعنی اخترشناس و غیبگو و به قول جاحظ او کمتر از کاهن است و به هر حال کسی است که دزد را نشان دهد و گمشده را و مانندش یا کسی که از گذشته و آینده خبر دهد. -

و فرموده: هر که نزد او رود و او را باور دارد، بیزار شده از آنچه خدا بر محمد صلی الله علیه و آله فرو فرستاده است؛ و بازداشت از بازی با نرد و شطرنج و کوبه و عرطبه که طنبور است و با عود یعنی طبل؛ و بازداشت از غیبت و از گوش دادن به آن و نهی کرد از سخن چینی و گوش دادن به آن و فرمود: سخن چین به بهشت نرود؛ و بازداشت از پذیرش دعوت به خوراک فاسقان و از سوگند دروغ و فرمود که این کار خانمان ها را ویران گذارد، و فرمود: کسی که به دروغ سوگند خورَد تا مال مسلمانی را ببرد، خدا عزوجل را ملاقات کند در حالی که به روی او خشمناک است، جز آنکه توبه کند و برگردد؛ و بازداشت از نشستن بر سفره ای که شراب در آن نوشیده شود؛ و بازداشت از اینکه مردی حلال خود را به حمام در آورد و فرمود: کسی از شما بی لنگ به حمام نرود؛ و بازداشت از گفتگویی که دعوت به غیر خدا باشد؛ و بازداشت از کوبیدن بر چهره؛ و بازداشت از نوشیدن در ظرف طلا و نقره؛ و بازداشت از پوشیدن جامه حریر و دیبا و ابریشم برای مردها و برای زن ها باکی نیست؛ و بازداشت از فروش میوه ها تا برسند، یعنی زرد یا سرخ شوند؛ و بازداشت از «محاقله»، یعنی فروش خرما با رطب و انگور یا کشمش و آنچه بدان ماند.

و بازداشت از فروش دستگاه نرد و شطرنج و فرمود: هر که چنین کند، چون خورنده گوشت خوک است؛ و نهی کرد از فروش و خرید شراب و از نوشاندن آن و فرمود: خدا لعنت کند شراب را و فشارنده انگورش را و آن که آن را کِشته و نوشنده آن را و نوشاننده و فروشنده و خریدارش را و آن که بهایش را بخورد و آن را ببرد و آن که برایش ببرند، و فرمود: هر که آن را بنوشد تا چهل روز نمازش قبول نشود و اگر مُرد و در شکمش چیزی از آن باشد، بر خدا است که او را از گِل دوزخ بنوشاند که چرک دوزخیان است و آنچه از فرج زنان زناکار در آید و در دیگ های دوزخ گرد آید و دوزخیان آن را بنوشند و آنچه در شکم های آنها است و پوست تن آنها را تافته و سرخ کند؛ و بازداشته از خوردن ربا و گواهی دروغ و نوشتن قرارداد ربا و فرمود: خدا لعنت کرده خورنده ربا و وکیل بر آن و نویسنده آن و دو گواهش را.

و بازداشت از بیع و سلف در یک معامله و از دو بیع در یک بیع و از بیع آنچه مال تو نیست و از بیع آنچه در عهده نباشد؛ و بازداشت از دست دادن با کافر ذمی؛ و بازداشت از خواندن شعر و جستن گمشده در مسجد و از کشیدن شمشیر در مسجد؛ و نهی کرد از زدن بر صورت چهارپایان؛ و بازداشت از نگاه کردن به عورت برادر مسلمان و فرمود: هر که در عورت برادر مسلمانش تأمل کند، هفتاد هزار فرشته او را لعنت کنند؛ و بازداشت زن را از نگاه به عورت زن؛ و بازداشت از فوت کردن در خوراک یا نوشیدنی یا فوت کردن در جای سجده؛ و بازداشت از این که کسی در گورستان یا بر سر راه یا در آسیاها یا دره ها و رودخانه ها یا در میان خوابگاه شترها یا بر بام کعبه نماز بخواند؛ و بازداشت از کشتن زنبور عسل و از وسمه کشیدن بر چهره چهارپایان؛ و بازداشت از سوگند بر غیر خدا و فرمود: هر که به غیرخدا سوگند خورَد، در درگاه خدا چیزی نباشد؛ و بازداشته از سوگند به یک سوره قرآن و فرمود: هر که به یک سوره از قرآن خدا سوگند بخورد، به هر آیه از آن قسمی به

عهده اش آید، هر که خواهد وفا کند و هر که خواهد نابکار شود؛ و نهی کرد از اینکه کسی به دیگری گوید: نه به جان تو و جان فلانی؛ و نهی کرد از اینکه جنب در مسجد نشیند؛ و نهی کرد از برهنه بودن در شب و روز؛ و نهی کرد از حجامت در روز چهارشنبه و جمعه؛ و نهی کرد از سخن گفتن در روز جمعه با این که امام جمعه خطبه می خواند و هر که چنین کند، لغو گفته و هر که لغو گوید، جمعه ندارد؛ و نهی کرده از به دست کردن انگشتر زرد یا آهن؛ و نهی کرد از نگار صورت حیوان بر انگشتر؛ و نهی کرده از نماز در سه هنگام: طلوع خورشید و هنگام غروبش و هنگام بر آمدن آن؛ و نهی کرد از روزه در شش روز: روز عید فطر، روز شک در ورود ماه رمضان، روز عید قربان، سه روز تشریق (یازده تا سیزده) ماه ذیحجه؛ و نهی کرد از این که آدمی چون چهارپا پوز به آب نهد و بنوشد، و فرمود: با دست های خود آب نوشید که بهترین ظرف های شما است؛ و نهی کرد از آب دهن انداختن در چاهی که آبش را می نوشند؛ و نهی کرد از به کار گماشتن اجیر تا مزدش را بداند؛ و نهی کرد از قهر کردن از دیگران و هر گاه به ناچار پیش آید، از سه روز بیشتر نباشد که هر که بیش از آن با برادر مسلمانش قهر کند، دوزخ به او سزاوارتر باشد.

و نهی کرد از این که طلا و نقره را نسیه بفروشند، و از این که طلا را با طلا بفروشند با فزونی، جز این که باید هر دو در وزن برابر باشند؛ و نهی کرد از ستودن و فرمود: به روی ستایش کننده ها خاک بپاشید، و فرمود: هر که وکیل ستمکار شود یا بدان کمک کند، ملك الموت بر او فرود آید به او گوید: مژده گیر به لعنت خدا و به آتش دوزخ و چه بد جایگاه بازگشتی است، و فرمود: هر که سلطان جائری را مدح و ستایش کند و خود را برابر او سبک گیرد و در برابرش به طمع آنچه او دارد کوچکی کند، به همراه او باشد که به دوزخ رود، و فرمود: خدا عزوجل فرمود: «و لا ترکنوا إلی الذین ظلموا فتمسکم النار.» - . هود / ۱۱۳ - {و به کسانی که ستم کرده اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می رسد.} و فرمود: هر که رهنمایی کند ستمکاری را بر ستم، همراه همان باشد در جهنم. و هر که ساختمانی بسازد برای خودنمایی و شهرت روز قیامت، آن را از طبقه هفتم زمین به دوش دارد و آتشی باشد شعله ور، سپس طوق گردنش گردد و به دوزخ افکنده شود و تا به انتهای دوزخ چیزی او را نگه ندارد، مگر آنکه توبه کند. گفته شد: یا رسول الله! چگونه برای خودنمایی و شهرت بسازد؟ فرمود: فزون بر آنچه او را بس باشد بسازد، برای سرافرازی بر همسایگانش و بالیدن بر برادرانش، و فرمود: هر که از مزد اجیر کم گذارد و به او ستم کند، خدا عملش را نابود سازد و بوی بهشت را بر او حرام کند، با این که بویش از پانصد سال مسافت شنیده شود، و هر که به اندازه یک وجب زمین به همسایه اش خیانت کند، خدا آن را از مرز طبقه هفتم زمین طوق گردنش کند تا روز قیامت با همان گردن بند خدا را ملاقات کند، مگر آنکه توبه کند و برگردد (یعنی آن را به صاحبش وانهد یا او را راضی کند).

آگاه باش هر که قرآن را یاد گیرد و به عمد آن را فراموش کند، ملاقات کند خدا را روز قیامت با دست بسته به گردن، با این که خدا عزوجل بر او مسلط کرده در برابر هر آیه ماری که همراه او است تا دوزخ،

مگر آنکه او را بیامرزد و فرمود: هر که قرآن را بخواند و بر سر آن از حرامی بنوشد یا دوستی دنیا و زینتش را بر آن گزیند، مستحق خشم خدا گردد، مگر این که توبه کند. آگاه باش که اگر بی توبه بمیرد، قرآن روز قیامت با او محاکمه کند و از او جدا نشود، جز آنکه محکومش کرده. آگاه باش که هر که با زنی مسلمان یا یهودی یا ترسا یا گبر زنا کند، آزاد باشد آن زن یا کنیز و بی توبه بمیرد با اصرار بر آن کار، خدا در قبرش سیصد در باز کند که از آن مارها و کژدم ها و اژدهای آتشین به در

آیـد و او تا روز قیامت بسوزد و چون از قبرش به در آیـد، همه مردم از بوی گنـدش آزار می بیننـد و بدان شـناخته شود و هم بدان چه در دنیا می کرده شناسایی شود، تا فرمان دوزخ برایش داده شود .

آگاه باش که البته خـدا هر حرامی را حرام کرده و حـدود را مرزبندی کرده و کسـی غیرتمندتر از خدا نباشد، و از غیرت خود همه هرزگی ها را حرام و غدقن کرده، و نهی کرده از اینکه کسـی سر کشد در خانه همسایه خود، و فرموده: هر که به عمد به عورت برادر مسـلمانش یا عورت غیرخانواده اش نگاه کنـد، خدایش او را در زمره منافقانی در آورد که بررسـی می کردند از عورت ها و ویژگی های مسلمانان، و از دنیا نرود تا خدا او را رسوا کند، جز اینکه توبه کند و بازگردد.

هر که بس نکنـد بدان چه خدا به او روزی کرده و گله و شـکایت خود را منتشـر سازد و صبر نکند و خودداری ننماید، حسـنه ای از او بالا نرود و خـدا را ملاقات کنـد و بر او خشـمگین باشـد، جز آنکه توبه کند. و بازداشت از این که کسـی در راه رفتن خود بزرگی فروشد و فرمود: هر که جامه ای بپوشد و در آن به خود ببالد، فروکشد خدا او را از لبه دوزخ و همراه قارون باشد کـه نخسـتین کسـی بـود کـه به خـود بالیـد و خـدا او را بـا هر چه داشت به زمین فرو برد و هر که بزرگی فروشـد، بـا خـدا در جبروتش ستیزه کند.

و فرمود: هر که به زنی در مهرش سـتم کنـد و کمش گـذارد، نزد خدا زناکار است و خدا عزوجل روز قیامت به او فرماید: ای بنـده من! کنیزم را به زنی تو دادم و به پیمانم نپاییـدی و به کنیزم سـتم کردی و از ثواب های او گرفته شود به انـدازه حقش به آن زن داده شود، و اگر ثوابی برایش نمانَد، او را فرمـان دهنـد به دوزخ برای عهدشـکنی او، زیرا «إن العهـد کـان مسؤلا.» - . اسری/ ۳۴ - {عهد مسئولیت دارد.}

و نهی کرد از کتمان شـهادت و فرمود: هر که کتمانش کنـد، خـدا در پیش مردم گوشـتش را به خوردش دهـد و آن است که فرموده: «و لاـ تکتموا الشـهاده و من یکتمها فإنه آثم قلبه.» - . بقره/ ۲۸۳ - {و شـهادت را کتمان مکنید، و هر که آن را کتمان کنـد قلبش گناهکار است.} و رسول خـدا صـلی الله علیه و آله فرمود: هر که همسایه اش را آزاردهد، خدا بوی بهشت را از او دریغ دارد و جایش دوزخ باشد و چه بد سـرانجامی است. و هر که حق همسایه خود را ضایع کند از ما نباشد و پیوسته جبرئیل سفـارش همسـایه را به من می کرد تـا جایی که گمان بردم که او را وارث خواهـد کرد، و پیوسـته سـفارش مملوکان را به من کرد، تا جایی که گمان بردم برایشان وقت آزادی مقرر خواهد کرد که چون بدان رسـند آزاد باشـند، و پیوسته مرا به مسواک کردن سـفارش کرد، تا جایی که گمان بردم که آن را واجب خواهد کرد، و پیوسـته به شب زنده داری سفارش کرد، تا جایی که گمان بردم خوبان امتم هرگز نمی خوابنـد. آگاه باش هر که فقیر مسـلمانی را کم گیرد، حق خـدا را کم گرفته و خدا روز قیامت او را کم گیرد، جز آنکه توبه کنـد، و فرمود: هر که فقیر مسـلمانی را احترام کند، روز قیامت خدا را ملاقات کند و خدا از او خشـنود باشـد. و فرمود: هر که دچـار هرزه یا شـهوت شـد و از ترس خـدا عزوجل از آن دوری کرد، خـدا بر او دوزخ را حرام کنـد و از هراس بزرگش آسـوده دارد و آنچـه در قرآن به او نویـد داده انجـام دهـد که فرمـوده: «و لمن خـاف مقـام ربه جنتان.» - . الرحمن/ ۴۶ - {و هر کس را که از مقـام پروردگارش بترسـد دو باغ است.} آگاه باش که هر که بر سـر دو راهی دنیا و آخرت دچار شود و دنیا را برگزینـد بر آخرت، روز قیامت خـدا را ملاقات کند و حسـنه ای ندارد که بدان از دوزخ پناه گیرد و اگر آخرت را به دنیا برگزید و ترک دنیا کرد، خدا از او خشنود است و هر بدکاری او را بیامرزد، و هر که چشمش را

از حرام پر کرد، خدا روز قیامت چشمش را از آتش پر کند، جز آنکه توبه کند و برگردد. و فرمود: هر کس با زنی که بر او حرام است دست دهد، دچار خشم خدا شده و هر کس به زنی که حرام است بچسبد، همراه باشد با شیطان از زنجیر آتشین و هر دو به دوزخ افکنده شوند، و هر که دغلی کند با مسلمانی در خرید یا فروش، از ما نیست و روز قیامت با یهود محشور گردد، زیرا آنان دغلکارترین مردمند با مسلمانان. و نهی کرد رسول خدا از دریغ کردن به ابزار زندگی و فرمود: هر که آن را از همسایه خود دریغ کند، خدا روز قیامت خیرش را از او دریغ کند و او را به خود وانهد و هر که را خدا به خود وانهد، چه بدحالی دارد.

و فرمود: هر زنی که شوهر خود را با زبان بیازارد، خدا از او هیچ کم و بیشی نپذیرد و نه حسنه ای که از کردگارش باشد تا او را راضی کند و گرچه همه روز روزه دارد و شب را زنده بدارد و بنده ها آزاد کند و مجاهدان را در راه خدا بر اسب ها سوار کند، او نخستین کس است که به دوزخ رود و چنین است شوهر که ستمکار به او باشد.

آگاه باش که هر کس سیلی به گونه یا روی مسلمانی زند، خدا روز قیامت استخوان هایش را بگسلد و او را دست بسته محشور کند تا به دوزخ رود، مگرآنکه توبه کند، و هر که شب گذراند و در دلش دغلی به مسلمانی باشد که برادر او است، در خشم خدا شب را گذرانده و در آن صبح کرده تا توبه کند. و نهی فرمود از غیبت و فرمود: هر که مسلمانی را غیبت کند، روزه اش باطل است و وضویش شکسته و روز قیامت که آید، از دهانش گندی پراکنده شود که از گند مردار بد بوتر است و اهل محشر همه از او در آزار باشند و اگر بی توبه بمیرد، چون حلال شمرنده حرام خدا است.

و فرمود: هر که خشمش را فرو کشد با اینکه می تواند انتقام گیرد و بردباری کند از آن، خدا به او ثواب شهید بدهد. آگاه باش که هر کس تفضل کند به برادرش و در مجلسی که غیبتش را شنید از او دفاع کند، خدا هزار باب بدی را در دنیا و آخرت بر او ببندد و اگر با توانایی از آن دفاع نکند، هفتاد بار گناه غیبت کننده را دارد. و رسول خدا صلی الله علیه و آله بازداشت از خیانت و فرمود: هر که امانتی را در دنیا خیانت کند و برنگرداند و مرگش برسد، بر غیر کیش من بمیرد و خدا را ملاقات کند و خدا به او خشمگین است.

و فرمود: هر که بر یکی از مردم گواه ناحقی دهد، به همراه منافقان در درک اسفل دوزخ به زبانش آویخته شود، و هر که خیانتی را بخرد در حالی که می داند، همچون همان خیانت کننده است، و هر که چیزی از حق برادر مسلمانش حبس کند، خدا برکت روزی را بر او حرام کند، مگر آنکه توبه کند.

آگاه باش که هر کس یک هرزگی را بشنود و آن را فاش کند، همچون انجام دهنده اش باشد، و هر که برادر مسلمانش برای قرضی نیاز به او دارد و بر آن توانا است و به او قرض ندهد، خدا بوی بهشت را بر او حرام کند.

آگاه باش که هر کس با همسر بد خویش بسازد و ثواب بر آن خواهد، خدا ثواب شاکرانش در آخرت بدهد. آگاه باش که هر زنی که با شوهرش نسازد و او را بدان چه نتواند و طاقت ندارد وادار کند، حسنه ای از او پذیرفته نشود و خدا را خشمناک ملاقات کند. آگاه باش که هر کس برادر مسلمانش را احترام کند، همانا خدای عزوجل را احترام کرده است. و نهی کرد رسول خدا از این که کسی بر مردمی امامت کند جز به اجازه آنها. و فرمود: هر که امامت کند بر مردمی به اجازه آنها و به او

راضـی باشـند و در حضور بـا آنان رفتار عادلانه داشـته باشـد و نماز خوبی بخوانـد با قیام و قرائت و رکوع و سـجود و نشست مناسب، ثواب همه آنها را دارد و از ثواب آنها کم نشود. و هر که بر مردمی به خواست آنها امامت کند و نماز درست برایشان نخوانـد و رکوع و سـجود و خشوع و قرائت خوب بـا آنها انجام ندهـد، نمازش رد شود و از گلویش بالاتر نرود و همچون امام جائر باشد که تجاوز کند و کار رعیت را اصلاح نکند و حق را میان آنها استوار نسازد و کاری برای آنها نکند.

و فرمود: هر که با مالش نزد خویشاوندی رود تا صـله رحم کند، خدا عزوجل به او ثواب صد شـهید دهد و به هر گامی، چهل هزار حسنه دارد و چهل هزار سیئه از او محو شود و به مانند آن درجه برایش بالا رود، و گویا خدا را صد سال شکیبا و خداجو پرستیده. و هر که از نابینا یک نیازی از نیازهای دنیا را کفایت کند و در انجام آن روانه شود تا خدا آن را برایش برآورَد، خدا برات آزادی از نفـاق و برائت از دوزخ به او دهـد و برایش هفتـاد حـاجت در دنیا برآورد و پیوسـته انـدر رحمت خـدا عزوجل باشد تا برگردد.

و هر که یک شـبانه روز بیمار باشد و به عیادت کننده هایش شکایت نکند، خدا روز قیامت او را با خلیل خود حضرت ابراهیم علیه السّلام خلیـل الرحمن محشور سازد تا چون برق درخشان از صـراط بگـذرد. و هر که بکوشـد برای انجام حاجت بیماری برآورده کنـد یـا نکنـد، چون روزی که مـادرش او را زاده از گناهـانش به در آیـد. یـک مرد انصـاری گفت: پـدر و مادرم به قربانت یا رسول الله! اگر بیمار از خاندانش باشد ثواب بیشتری نبرد در کوشش برای نیاز خاندانش؟فرمود: چرا.

آگاه باش که هر که در دنیا گره از کار مؤمنی گشاید، خدا از او هفتاد و دو گره از گرفتاری های آخرت و هفتاد و دو گره از گرفتاری های دنیا را گشایدکه آسان ترینشان گلوگیری است .

فرمود: هر که حق بستانکار را پس اندازد با این که می تواند بپردازد، هر روز گناه گمرکچی را دارد.

آگـاه بـاش که هر که پیش سـلطان زوردار و نـاحق تازیانه به دوش انـدازد، خـدا آن تازیانه را در روز قیامت اژدهایی سازد به درازی هفتاد ذراع که در دوزخ بر او مسلط باشد و چه بد سر انجامی است.

و هر که احسانی به برادرش کنـد و بر سـر او منت نهـد، خـدا عملش را بر باد دهـد و گناهش پابرجا شود و کوشـش او تقـدیر نشود.

سپس فرمود: خدا عزوجل می فرماید: حرام کردم بهشت را بر منت گذار و بخیل و سـخن چین که «قتات» باشد. آگاه باش که هر کس صدقه ای دهد، به وزن هر درهمش چون کوه احد از نعمت بهشت را دارد؛ و هر که صدقه از کسی به نیازمندی ببرد، چون ثواب صاحبش را دارد، بی آنکه از ثواب او کم شود؛ و کسـی که بر مرده نماز بخواند، هفتاد هزار فرشـته برایش رحمت بخواهنـد و خدا گناه گذشـته او را آمرزد و اگر بماند تا به خاک رود و بر گورش خاک افشاند، به هر گامی که جا به جا کند یک قیراط اجر دارد و قیراط همانند کوه احد است.

آگاه باش که هر کس چشـمش از ترس خدا اشکبار شود، به ازای هر قطره اشکش کاخی در بهشت دارد با کنگره های دُر و گوهر که در آن است آنچه چشـمی ندیده و گوشـی نشـنیده و به دل بشـری خطور نکرده. آگاه باش که هر کس به مسجدی

برای نماز جماعت رود، به ازای هر گامی هفتاد هزار حسنه دارد و به مانند آن درجه اش بالا رود و اگر بر این کار بمیرد، خدا هفتاد هزار فرشته بگمارد که در قبرش از او دیـدن کننـد و در تنهایی با او همدم شوند و برایش آمرزش خواهند تا زنده شود. آگاه باش که هر کس برای خـدا اذان گویـد، خـدای به او ثواب چهل شـهید و چهل هزار صدیق را دهد و چهل هزار گنهکار امتم در شـفاعت او درآینـد و بهشت رونـد. آگاه باش که چون اذان گو بگویـد: «اشـهد ان لا اله الا الله»، نود هزار فرشـته بر او رحمت فرسـتند و برایش آمرزش خواهند و روز قیامت در سایه عرش باشد تا خدا از حساب مردم فارغ شود. و ثواب «اشهد ان محمـدا رسول الله» گفتن او را چهل هزار فرشـته بنویسـند و هر که ملازم صف اول نماز جماعت باشـد و تکبیر اول را دریابد و مسلمانی را آزار ندهد، خدا ثواب اذان گوها را در دنیا و آخرت به او بدهد.

آگـاه بـاش که هر که کدخـدایی بر مردمی را بپـذیرد، خـدا عزوجـل به جـای هر روزی، هزار سال او را بر لب دوزخ بـدارد و دست بسـته به گردن روز قیامت محشور شود، و اگر میان آنها به امر خـدا بر پا بوده، خـدایش رها کند و اگر سـتمگر بوده، به آتش دوزخ افکنـده شود و چه بـد سـرانجامی است، و فرمود: هیـچ بـدی را گرچه در چشـمتان کم آید حقیر نشـمارید و هیچ خوبی را گرچه در چشم شـما بیش است، فزون ندانیـد، زیرا بـا آمرزش خواهی گنـاه بزرگی نمانـد و بـا اصـرار گناه کوچکی نباشد.

محمد بن زکریا غلابی گفت: از شـعیبا مزنی سوال کردم از طولانی بودن این حدیث. به من گفت: ای ابا عبدالله! من از حسین بن زیـد از طولانی بودن این حـدیث سوال کردم. به من گفت که امـام صـادق علیه السّـلام فرموده: این حـدیث طولانـی را از کتـابی فراهـم آورده که دیکته رسـول خـدا صـلی الله علیه و آله و به خـط علی بن ابی طـالب صـلوات الله علیه بـود. - . امـالی صدوق/ ۲۵۳- ۲۶۰، من لا یحضره الفقیه ۴: ۲- ۱۱ -

**[ترجمه]

«۲»

لی، [الأمالی] للصدوق عَنِ ابْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْقُرَشِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَرِهَ لَكُمْ أَيَّتُهَا الْأُمَّةُ أَرْبَعاً وَ عِشْرِينَ خَصْلَةً وَ نَهَاكُمْ عَنْهَا كَرِهَ لَكُمُ الْعَبَثَ فِي الصَّلَاةِ وَ كَرِهَ الْمَنَّ فِي الصَّدَقَةِ وَ كَرِهَ الضَّحِكَ بَيْنَ الْقُبُورِ وَ كَرِهَ التَّطَلُّعَ فِي الدُّورِ وَ كَرِهَ النَّظَرَ إِلَى فُرُوجِ النِّسَاءِ وَ قَالَ يُورِثُ الْعَمَى وَ كَرِهَ الْكَلَامَ عِنْدَ الْجِمَاعِ وَ قَالَ يُورِثُ الْخَرَسَ وَ كَرِهَ النَّوْمَ قَبْلَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ كَرِهَ الْحَدِيثَ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَ كَرِهَ الْغُسْلَ تَحْتَ السَّمَاءِ بِغَيْرِ مِئْزَرٍ وَ كَرِهَ الْمُجَامَعَةَ تَحْتَ السَّمَاءِ وَ كَرِهَ دُخُولَ الْأَنْهَارِ إِلَّا بِمِئْزَرٍ وَ قَالَ فِي الْأَنْهَارِ عُمَّارٌ وَ سُكَّانٌ

ص: ۳۳۷

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۲۵۳- ۲۶۰، و رواه فی الفقیه ج ۴ ص ۲- ۱۱ بإسناده الی شعیب بن واقد.

مِنَ الْمَلَائِكَهِ وَ كَرِهَ دُخُولَ الْحَمَّامَاتِ إِلَّا بِمِئْزَرٍ وَ كَرِهَ الْكَلَامَ بَيْنَ الْأَذَانِ وَ الْإِقَامَهِ فِي صَلَاهِ الْغَدَاهِ حَتَّى تُقْضَى الصَّلَاهُ وَ كَرِهَ رُكُوبَ الْبَحْرِ فِي هَيَجَانِهِ وَ كَرِهَ النَّوْمَ فَوْقَ سَطْحٍ لَيْسَ بِمُحَجَّرٍ وَ قَالَ مَنْ نَامَ عَلَى سَطْحٍ غَيْرِ مُحَجَّرٍ بَرِئَتْ مِنْهُ الذِّمَّهُ وَ كَرِهَ أَنْ يَنَامَ الرَّجُلُ فِي بَيْتٍ وَحْدَهُ وَ كَرِهَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَغْشَى امْرَأَتَهُ وَ هِيَ حَائِضٌ فَإِنْ غَشِيَهَا وَ خَرَجَ الْوَلَدُ مَجْذُوماً أَوْ أَبْرَصَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ وَ كَرِهَ أَنْ يَغْشَى الرَّجُلُ الْمَرْأَهَ وَ قَدِ احْتَلَمَ حَتَّى يَغْتَسِلَ مِنِ احْتِلَامِهِ الَّذِي رَأَى فَإِنْ فَعَلَ وَ خَرَجَ الْوَلَدُ مَجْنُوناً فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ وَ كَرِهَ أَنْ يَتَكَلَّمَ الرَّجُلُ مَجْذُوماً إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهُ قَدْرُ ذِرَاعٍ وَ قَالَ فِرَّ مِنَ الْمَجْذُومِ فِرَارَكَ مِنَ الْأَسَدِ وَ كَرِهَ الْبَوْلَ عَلَى شَطِّ نَهَرٍ جَارٍ وَ كَرِهَ أَنْ يُحْدِثَ الرَّجُلُ تَحْتَ شَجَرَهٍ قَدْ أَيْنَعَتْ أَوْ نَخْلَهٍ قَدْ أَيْنَعَتْ يَعْنِي أَثْمَرَتْ وَ كَرِهَ أَنْ يَتَنَعَّلَ الرَّجُلُ وَ هُوَ قَائِمٌ وَ كَرِهَ أَنْ يَدْخُلَ الْبَيْتَ الْمُظْلِمَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ سِرَاجٌ أَوْ نَارٌ وَ كَرِهَ النَّفْخَ فِي مَوْضِعِ الصَّلَاهِ(۱).

ل، [الخصال] عن أبيه عن سعد: مثله (۲).

**[ترجمه]امالی صدوق: امام صادق از پدرش، از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: همانا خدا تبارک و تعالی بیست و چهار خصلت را بر امتم بد داشته و شما را از آن نهی کرده: بد داشته بر آنان بیهوده گری در نماز را؛ بد داشته منت در صدقه را؛ بد داشته خندیدن میان گورها را؛ بد داشته سرکشی به خانه ها را؛ بد داشته نگاه به فرج زنان را و فرمود که کوری آورد؛ بد داشته سخن گفتن به هنگام جماع را و فرمود که لالی آورد؛ بد داشته خواب پیش از نماز عشاء را؛ بد داشته گفتگوی پس از آن را؛ بد داشته غسل زیر آسمان را بی لنگ؛ بد داشته جماع زیر آسمان را؛ بد داشته داخل شدن در نهرها را بدون لنگ و فرموده که در نهرها عامران و ساکنانی از فرشته ها باشند؛ بد داشته رفتن در حمام ها را مگر با لنگ؛ بد داشته سخن میان اذان و اقامه را در نماز بامداد تا پایان نماز؛ بد داشته سفر دریا را در کولاک آن؛ بد داشته خوابیدن بر بام بی دیواره را و فرموده هر که بر آن بخوابد، مسئولیتی برای او نباشد و در امان نیست؛ بد داشته کسی تنها در خانه بخوابد؛ بد داشته که مردی با زن خود که حائض است جماع کند و اگر کرد و فرزند دچار خوره یا پیسی درآمد، جز خود را ملامت نکند؛ بد داشت مردی که محتلم شده با زنش درآید تا از احتلامش غسل کند که آن را دیده و اگر کرد و فرزند دیوانه در آمد، جز خود را ملامت نکند؛ بد داشت کسی با گرفتار خوره سخن گوید جز آنکه میانشان چهارگز فاصله باشد، و فرمود: از خوره دار بگریز، چنان چه از شیر می گریزی؛ بد داشت ادرار کردن بر شط نهر روان را؛ بد داشت کسی مدفوع کند زیر درختی که میوه اش رسیده یا زیر نخل خرما که خرمای رسیده دارد؛ بد داشت که کسی ایستاده نعلین بپوشد؛ بد داشت که به خانه تاریک درآید، جز آنکه پیش او چراغی یا آتشی باشد؛ و بد داشت فوت کردن در جای نماز را. - . امالی صدوق: ۱۸۱ -

خصال: مانند این روایت را آورده است. - . خصال ۲: ۱۰۲ -

**[ترجمه]

«۳»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ صَدَقَهَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ علیهما السلام: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَمَرَهُمْ بِسَبْعٍ وَ نَهَاهُمْ عَنْ سَبْعٍ أَمَرَهُمْ بِعِيَادَهِ الْمَرْضَى وَ اتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ وَ إِبْرَارِ الْقَسَمِ وَ تَسْمِيتِ الْعَاطِسِ وَ نَصْرِ الْمَظْلُومِ وَ إِفْشَاءِ السَّلَامِ وَ إِجَابَهِ

الدَّاعِی وَ نَهَاهُمْ عَنِ التَّخَتُّمِ بِالذَّهَبِ وَ الشُّرْبِ فِی آنِیَهِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّهِ وَ عَنِ الْمَیَاثِرِ الْحُمْرِ وَ عَنْ لِبَاسِ الْإِسْتَبْرَقِ وَ الْحَرِیرِ وَ الْقَزِّ وَ الْأُرْجُوَانِ (۳).

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق از پدرش علیهما السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمان داد آنها را به هفت چیز و بازداشت از هفت چیز؛ فرمانشان داد به: عیادت بیماران، تشییع جنازه ها، انجام سوگند، عافیت باش عطسه زن ها، یاری ستمدیده، فاش گفتن سلام، و پذیرش دعوت. و آنها را بازداشت از به دست کردن انگشتر طلا، نوشیدن در ظرف طلا و نقره، از زین های سرخ، از جامه ابریشم و دیبا و حریر و سرخ زننده. - . قرب الاسناد: ۴۸ -

**[ترجمه]

«۴»

أَرْبَعِینُ الشَّهِیدِ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ شَیْخِ الطَّائِفَهِ عَنِ ابْنِ أَبِی جِیدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحِمْیَرِیِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ ابْنِ صَدَقَهَ: مِثْلَهُ.

ثم قال قدس سره أقول بعض هذه الأوامر لیست للوجوب و خرجت عنه عند من جعله للوجوب بأدله أخری و کذا بعض هذه المناهی و التشمیت

ص: ۳۳۸

۱- ۱. أمالی الصدوق ص ۱۸۱.

۲- ۲. الخصال ج ۲ ص ۱۰۲.

۳- ۳. قرب الإسناد ص ۴۸.

بالشین المعجمه و بالسین المهمله أیضا الدعاء للعاطس مثل یرحمک الله قال تغلب و الاختیار بالسین لأنه مأخوذ من السمت و هو القصد و قال أبو عبیده الشین المعجمه أعلی فی کلامهم و أکثر و إفشاء السلام نشره و الإستبرق الدیباج الغلیظ فارسی معرب و الأرجوان صبغ أحمر شدید الحمره.

**[ترجمه]اربعین شهید: مانندش را آورده و گفته: برخی از این امرها برای وجوب نیست و کسی که امر را برای وجوب داند، به دلیل دیگر آن را تفسیر به استحباب کرده و چنان است برخی از این نهی ها که معنی حرمت ندارد و تفسیر «عافیت باش عطسه زن» به اینکه به او «یرحمک الله» و مانندش گفته شود و افشای سلام نشر آن است، و «استبرق» دیبای ضخیم را گویند .

**[ترجمه]

«۵»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ هَارُونَ عَنِ ابْنِ زِیَادٍ قَالَ: سَمِعْتُ جَعْفَراً علیه السلام وَ سُئِلَ عَنْ قَتْلِ النَّمْلِ وَ الْحَیَّاتِ وَ الدُّودِ إِذَا آذَیْنَ قَالَ لَا یَأْسَ بِقَتْلِهِنَّ وَ إِحْرَاقِهِنَّ إِذَا آذَیْنَ وَ لَکِنْ لَا تَقْتُلُوا مِنَ الْحَیَّاتِ عَوَامِرَ الْبُیُوتِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ شَابّاً مِنَ الْأَنْصَارِ خَرَجَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَوْمَ أُحُدٍ وَ کَانَتْ لَهُ امْرَأَةٌ حَسْنَاءُ فَغَابَ فَرَجَعَ فَإِذَا هُوَ بِامْرَأَتِهِ تَطْلُعُ مِنَ الْبَابِ فَلَمَّا رَآهَا أَشَارَ إِلَیْهَا بِالرُّمْحِ فَقَالَتْ لَهُ لَا تَفْعَلْ وَ لَکِنِ ادْخُلْ فَانْظُرْ إِلَی مَا فِی بَیْتِکَ فَدَخَلَ فَإِذَا هُوَ بِحَیَّةٍ مُطَوَّقَةٍ عَلَی فِرَاشِهِ فَقَالَتِ الْمَرْأَةُ لِزَوْجِهَا هُوَ الَّذِی أَخْرَجَنِی فَطَعَنَ الْحَیَّةَ فِی رَأْسِهَا ثُمَّ عَلَّقَهَا وَ جَعَلَ یَنْظُرُ إِلَیْهَا وَ هِیَ تَضْطَرِبُ فَبَیْنَا هُوَ کَذَلِکَ إِذْ سَقَطَ فَانْدَقَّتْ عُنُقُهُ فَأُخْبِرَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَنَهَی یَوْمَئِذٍ عَنْ قَتْلِهَا وَ إِنَّمَا قَالَ صلی الله علیه و آله مَنْ تَرَکَهُنَّ مَخَافَةَ تَبِعَتِهِنَّ فَلَیْسَ مِنَّا لِمَا سِوَی ذَلِکَ مِنْهُنَّ فَأَمَّا عُمَّارُ الدُّورِ فَلَا تُهَاجُ لِنَهْیِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنْ قَتْلِهِنَّ یَوْمَئِذٍ(۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: از امام باقر علیه السّلام درباره کشتن مورچه و مار و کرم آزار کن پرسش شده بود. فرمود: اگر آزار کنند کشتن و سوزاندن آنها باکی ندارد، ولی مارهای خانگی را نکشید. سپس فرمود: یک جوان انصاری در روز جنگ احد به همراه رسول خدا بیرون شد و همسر زیبایی داشت. چون پس از غیبت برگشت، به ناگاه همسرش از در خانه به در آمد و او با نیزه به او حمله ور شد و همسرش گفت: مکن، بلکه به خانه درآی و ببین در خانه ات چیست! و او درآمد و به ناگاه ماری گرد بسترش چنبره زده بود. آن زن به شوهرش گفت: آن که مرا بیرون کرده این است، و نیزه به سر آن مار فرو کرد و آن را آویزان نمود و به او نگاه می کرد که چگونه به خود می پیچد و در این میان افتاد و گردنش شکست. سپس موضوع را به رسول خدا صلی الله علیه و آله گزارش داد و آن روز بود که آن حضرت نهی کرد از کشتن آنها و همانا فرمود: هر که آنها را از ترس زیان آنها بکشد، از ما نباشد و این برای غیرآنها است، و اما آن روز رسول خدا صلی الله علیه و آله کشتن مارهای خانگی را نهی کرد. - . قرب الاسناد: ۵۵ -

**[ترجمه]

«۶»

ب، [قرب الإسناد] عَنْهُمَا(۲) عَنْ حَنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام یَقُولُ: قَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لِعَلِیٍّ علیه السلام إِیَّاکَ أَنْ تَتَخَتَّمَ بِالذَّهَبِ فَإِنَّهَا حِلْیَتُکَ فِی الْجَنَّهِ وَ إِیَّاکَ أَنْ تَلْبَسَ الْقَسِّیَّ وَ إِیَّاکَ أَنْ تَرْکَبَ بِمِیثَرَهٍ حَمْرَاءَ فَإِنَّهَا مِنْ مَیَاثِرِ إِبْلِیسَ .(۳)

**[ترجمه]قرب الاسناد: امام صادق علیه السّلام فرمود: پیغمبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السّلام فرمود: مبادا انگشتر طلا به دست کنی که آن زیور تو است در بهشت، و بپرهیز از جامه «قسی» (بافته یکی از شهرهای مصر) و بپرهیز از سوار شدن بر زین غاشیه سرخ که آن از زین های ابلیس است. - . قرب الاسناد: ۶۶ -

**[ترجمه]

«۷»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِیهِ عَنِ الْحِمْیَرِیِّ عَنِ ابْنِ یَزِیدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمِیثَمِیِّ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْکَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ یَقُولُ: ثَلَاثَهٌ یُعَذَّبُونَ یَوْمَ الْقِیَامَهِ مَنْ صَوَّرَ صُورَهً مِنَ الْحَیَوَانِ یُعَذَّبُ حَتَّی یَنْفُخَ فِیهَا وَ لَیْسَ بِنَافِخٍ فِیهَا وَ الْمُکَذِّبُ فِی مَنَامِهِ یُعَذَّبُ حَتَّی یَعْقِدَ بَیْنَ شَعِیرَتَیْنِ وَ لَیْسَ بِعَاقِدٍ بَیْنَهُمَا وَ الْمُسْتَمِعُ إِلَی حَدِیثِ قَوْمٍ وَ هُمْ لَهُ

ص: ۳۳۹

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۵۵.

۲- ۲. یعنی محمّد بن عبد الحمید و عبد الصمد بن محمّد جمیعا.

۳- ۳. قرب الإسناد ص ۶۶.

كَارِهُونَ يُصَبُّ فِی أُذُنِهِ الْآنُکَ وَ هُوَ الْأَسْرُبُ (۱).

**[ترجمه]خصال: امام صادق علیه السّلام فرمود: سه نفر روز قیامت عذاب کشند: کسی که صورتی سازد از جاندار، عذاب شود تا در آن جان بدمد و نتواند؛ آن که خواب دروغ برای خود گوید، عذاب شود تا میان دو دانه جو گره زند و نتواند؛ و آن که گوش ایستد برای شنیدن گفتگوی مردمی که نخواهند بدانها گوش دهد که در گوش او سرب گداخته ریخته شود. - . خصال ۱: ۵۳ -

**[ترجمه]

«۸»

ل، [الخصال] عَنِ الْخَلِيلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ الدُّبَيْلِيِّ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ أَيُّوبَ السِّجِسْتَانِيِّ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَنْ صَوَّرَ صُورَةً عُذِّبَ وَ كُلِّفَ أَنْ يَنْفُخَ فِيهَا وَ لَيْسَ بِفَاعِلٍ وَ مَنْ كَذَبَ فِی حُلُمِهِ عُذِّبَ وَ كُلِّفَ أَنْ يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَ لَيْسَ بِفَاعِلٍ وَ مَنِ اسْتَمَعَ إِلَى حَدِيثِ قَوْمٍ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِی أُذُنَيْهِ الْآنُکُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ.

قَالَ سُفْيَانُ وَ الْآنُکُ هُوَ الرَّصَاصُ (۲).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که از جاندار صورتی سازد، عذاب شود و تکلیف شود تا در آن جان بدمد و نتواند؛ و آن که خواب دروغ برای خود گوید، عذاب شود تا میان دو دانه جو گره زند و نتواند؛ و آن که گوش ایستد برای شنیدن گفتگوی مردمی که نخواهند بدانها گوش دهد، در قیامت در گوش او سرب گداخته ریخته شود. - . خصال ۱: ۵۴ -

**[ترجمه]

«۹»

ل، [الخصال] عَنِ الْخَلِيلِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ أَبِی الْعَبَّاسِ الثَّقَفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الصَّبَّاحِ عَنْ جَرِيرٍ عَنْ أَبِی إِسْحَاقَ الشَّيْبَانِيِّ عَنْ أَشْعَثَ بْنِ أَبِی الشَّعْثَاءِ الْمُحَارِبِيِّ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ سُوَيْدِ بْنِ مُقَرِّنٍ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنْ سَبْعٍ وَ أَمَرَ بِسَبْعٍ نَهَانَا أَنْ نَتَخَتَّمَ بِالذَّهَبِ وَ عَنِ الشُّرْبِ فِی آنِيَهِ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّهِ وَ قَالَ مَنْ شَرِبَ فِيهَا فِی الدُّنْيَا لَمْ يَشْرَبْ فِيهَا فِی الْآخِرَهِ وَ عَنْ رُكُوبِ الْمَيَاثِرِ وَ عَنْ لُبْسِ الْقَسِّيِّ وَ عَنْ لُبْسِ الْحَرِيرِ وَ الدِّيبَاجِ وَ الْإِسْتَبْرَقِ وَ أَمَرَنَا علیه السلام بِاتِّبَاعِ الْجَنَائِزِ وَ عِيَادَهِ الْمَرِيضِ وَ تَسْمِيتِ الْعَاطِسِ وَ نُصْرَهِ الْمَظْلُومِ وَ إِفْشَاءِ السَّلَامِ وَ إِجَابَهِ الدَّاعِی وَ إِبْرَارِ الْقِسْمِ.

قال الخليل بن أحمد لعل الصواب إبرار المقسم (۳).

**[ترجمه]خصال: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمان داد به هفت چیز و بازداشت از هفت چیز: بازداشت از به دست کردن

انگشتر طلا، نوشیدن در ظرف طلا ـ و نقره و فرمود: هر که در دنیا از آنها بخورد، در قیامت در آنها نخورد؛ و از زین های سرخ؛ و از جامه ابریشم و دیبا و حریر و سرخ زننده. و فرمان داد به: شرکت در تشییع جنازه ها، عیادت بیماران، عافیت باش عطسه زن کننده ها، یاری ستمدیده، فاش گفتن سلام، پذیرش دعوت، و وفای سوگند. - . خصال ۲: ۱ -

**[ترجمه]

«۱۰»

ل، [الخصال] عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ عَنِ ابْنِ عِيسَى عَنِ ابْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنِ ابْنِ طَرِيفٍ عَنِ ابْنِ نُبَاتَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيّاً علیه السلام يَقُولُ: سِتَّةٌ لَا يَنْبَغِي أَنْ يُسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَ سِتَّةٌ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَؤُمُّوا وَ سِتَّةٌ فِي هَذِهِ الْأُمَّهِ مِنْ أَخْلَاقِ قَوْمِ لُوطٍ فَأَمَّا الَّذِينَ لَا يَنْبَغِي السَّلَامُ عَلَيْهِمُ فَالْيَهُودُ وَ النَّصَارَى وَ أَصْحَابُ النَّرْدِ وَ الشِّطْرَنْجِ وَ أَصْحَابُ الْخَمْرِ وَ الْبَرْبَطِ وَ الطُّنْبُورِ وَ الْمُتَفَكِّهُونَ بِسَبِّ الْأُمَّهَاتِ وَ الشُّعَرَاءُ وَ أَمَّا الَّذِينَ لَا يَنْبَغِي أَنْ يَؤُمُّوا مِنَ النَّاسِ فَوَلَدُ الزِّنَاءِ وَ الْمُرْتَدُّ وَ الْأَعْرَابِيُّ بَعْدَ

ص: ۳۴۰

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۵۳.

۲- ۲. الخصال ج ۱ ص ۵۴.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۱.

الْهِجْرَهِ وَ شَارِبُ الْخَمْرِ وَ الْمَحْدُودُ وَ الْأَغْلَفُ وَ أَمَّا الَّتِی مِنْ أَخْلَاقِ قَوْمِ لُوطٍ فَالْجُلَاهِقُ وَ هُوَ الْبُنْدُقُ وَ الْخَذْفُ وَ مَضْغُ الْعِلْكِ وَ إِرْخَاءُ الْإِزَارِ خُیَلَاءَ وَ حَلُّ الْأَزْرَارِ مِنَ الْقَبَاءِ وَ الْقَمِیصِ (۱).

سر، [السرائر] مِنْ کِتَابِ ابْنِ قُولَوَیْهِ عَنِ ابْنِ نُبَاتَهَ: مِثْلَهُ وَ لَیْسَ فِیهِ مِنَ الْقَبَاءِ وَ الْقَمِیصِ (۲).

**[ترجمه]خصال: علی علیه السّلام فرمود: شش کس باشند که نشاید بدانها سلام کرد و شش کس باشند که نشاید امام شوند و شش کار در این امت، از اخلاق قوم لوط است. اما شش تای اول: یهود و ترسا، نرد و شطرنج باز، شراب خوار، تار و طنبورنواز، آنان که به دشنام بر مادرها خوشند، و شاعران. و اما آن شش تای دوم از مردم: زنازاده، مرتد، بیابان نشینی پس از هجرت، شراب خوار، آن که حد شرعی خورده، و ختنه نشده. و آن شش چیز که از اخلاق قوم لوطند: تلنگُر زدن، سنگ پرانی، جویدن «کالوک»، دامن کشانی از روی تکبر، و باز گذاشتن ازار از روی قبا و پیراهن. - . خصال ۱: ۱۶۰ -

سرائر: مانند آن را آورده، ولی «قبا و پیراهن» در آن نیست. - . سرائر: ۴۹۰ -

**[ترجمه]

«۱۱»

ل، [الخصال] عَنِ الْقَطَّانِ عَنِ السُّکَّرِیِّ عَنِ الْجَوْهَرِیِّ عَنِ ابْنِ عُمَارَهَ عَنْ أَبِیهِ عَنْ جَابِرٍ الْجُعْفِیِّ عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَعَنَ الْمُتَشَبِّهِینَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَ لَعَنَ الْمُتَشَبِّهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ.

**[ترجمه]خصال: امام باقر علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله لعن کرد مردان زن مانند و زنان مرد مانند را.

**[ترجمه]

أقول

سیأتی هذا الخبر بطوله مع ما اشتمل علیه من المناهی المتعلقه بالنساء فی کتاب النکاح إن شاء الله (۳).

**[ترجمه]این خبر با همه طول خود و آنچه از مناهی دارد که به زنان مربوط است، در «کتاب نکاح» خواهد آمد، ان شاء الله. - . خصال ۲: ۱۴۲ -

**[ترجمه]

«۱۲»

مع، [معانی الأخبار] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَارُونَ الزَّنْجَانِیِّ عَنْ عَلِیِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ عَنْ أَبِی عُبَیْدٍ الْقَاسِمِ بْنِ سَلَّامٍ بِأَسَانِیدَ مُتَّصِلَهٍ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فِی أَخْبَارٍ مُتَفَرِّقَهٍ: أَنَّهُ نَهَی عَنِ الْمُحَاقَلَهِ وَ الْمُزَابَنَهِ فَالْمُحَاقَلَهُ بَیْعُ الزَّرْعِ وَ هُوَ فِی سُنْبُلِهِ بِالْبُرِّ وَ هُوَ مَأْخُوذٌ مِنَ

الْحَقْلِ وَ الْحَقْلُ هُوَ الَّذِی تُسَمِّیهِ أَهْلُ الْعِرَاقِ الْقَرَاحَ وَ یُقَالُ فِی مَثَلٍ لَا تُنْبِتُ الْبَقْلَهَ إِلَّا الْحَقْلَهُ وَ الْمُزَابَنَهُ بَیْعُ التَّمْرِ فِی رُءُوسِ النَّخْلِ بِالتَّمْرِ.

وَ رَخَّصَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله فِی الْعَرَایَا وَاحِدَتُهَا عَرِیَّهٌ وَ هِیَ النَّخْلَهُ یُعْرِیهَا صَاحِبُهَا رَجُلًا مُحْتَاجاً وَ الْإِعْرَاءُ أَنْ یَجْعَلَ لَهُ ثَمَرَهَ عَامِهَا یَقُولُ رُخِّصَ لِرَبِّ النَّخْلِ أَنْ یَبْتَاعَ مِنْ تِلْکَ النَّخْلَهِ مِنَ الْمُعْرَی بِتَمْرٍ لِمَوْضِعِ حَاجَتِهِ.

قَالَ وَ کَانَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله إِذَا بَعَثَ الْخُرَّاصَ قَالَ خَفِّفُوا فِی الْخَرْصِ فَإِنَّ فِی الْمَالِ الْعَرِیَّهَ وَ الْوَصِیَّهَ.

قَالَ وَ نَهَی علیه السلام عَنِ الْمُخَابَرَهِ وَ هِیَ الْمُزَارَعَهُ بِالنِّصْفِ وَ الثُّلُثِ وَ الرُّبُعِ وَ أَقَلَّ مِنْ ذَلِکَ وَ أَکْثَرَ وَ هُوَ الْخَبَرُ أَیْضاً وَ کَانَ أَبُو عُبَیْدٍ یَقُولُ لِهَذَا سُمِّیَ الْأَکَّارُ

۱- ۱. الخصال ج ۱ ص ۱۶۰.

۲- ۲. السرائر ص ۴۹۰.

۳- ۳. الخصال ج ۲ ص ۱۴۲.

الْخَبِيرَ لِأَنَّهُ يُخْبِرُ الْأَرْضَ وَ الْمُخَابَرَةُ الْمُؤَاكَرَةُ وَ الْخِبْرَةُ الْفِعْلُ وَ الْخَبِيرُ الرَّجُلُ وَ لِهَذَا سُمِّيَ الْأَكَّارَ لِأَنَّهُ يُؤَاكِرُ الْأَرْضَ أَيْ يَشُقُّهَا.

وَ نَهَى عَنِ الْمُخَاضَرَةِ وَ هِيَ أَنْ يُبْتَاعَ الثِّمَارُ قَبْلَ أَنْ يَبْدُوَ صَلَاحُهَا وَ هِيَ خُضْرٌ بَعْدُ وَ تَدْخُلُ فِي الْمُخَاضَرَةِ أَيْضاً بَيْعُ الرِّطَابِ وَ الْبُقُولِ وَ أَشْبَاهِهَا.

وَ نَهَى عَنْ بَيْعِ التَّمْرِ قَبْلَ أَنْ يَزْهُوَ وَ زَهْوُهُ أَنْ يَحْمَرَّ أَوْ يَصْفَرَّ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ نَهَى عَنْ بَيْعِهِ قَبْلَ أَنْ يُشَقِّحَ وَ يُقَالُ يُشَقِّحُ وَ التَّشْقِيحُ هُوَ الزَّهْوُ أَيْضاً وَ هُوَ مَعْنَى قَوْلِهِ حَتَّى يَأْمَنَ الْعَاهَةَ وَ الْعَاهَةُ الْآفَةُ تُصِيبُهُ.

وَ نَهَى عَنِ الْمُنَابَذَةِ وَ الْمُلَامَسَةِ وَ بَيْعِ الْحَصَاةِ فَفِي كُلِّ وَاحِدٍ قَوْلَانِ أَمَّا الْمُنَابَذَةُ فَيُقَالُ إِنَّمَا هُوَ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ لِصَاحِبِهِ انْبِذْ إِلَيَّ الثَّوْبَ أَوْ غَيْرَهُ مِنَ الْمَتَاعِ أَوِ أَنْبِذُهُ إِلَيْكَ وَ قَدْ وَجَبَ الْبَيْعُ بِكَذَا وَ كَذَا وَ يُقَالُ إِنَّمَا هُوَ أَنْ يَقُولَ الرَّجُلُ إِذَا نَبَذْتَ الْحَصَاةَ فَقَدْ وَجَبَ الْبَيْعُ وَ هُوَ مَعْنَى قَوْلِهِ إِنَّهُ نَهَى عَنْ بَيْعِ الْحَصَاةِ وَ الْمُلَامَسَةُ أَنْ تَقُولَ إِذَا لَمَسْتَ ثَوْبِي أَوْ لَمَسْتُ ثَوْبَكَ فَقَدْ وَجَبَ الْبَيْعُ بِكَذَا وَ كَذَا وَ يُقَالُ بَلْ هُوَ أَنْ يَلْمِسَ الْمَتَاعَ مِنْ وَرَاءِ الثَّوْبِ وَ لَا يَنْظُرَ إِلَيْهِ فَيَقَعُ الْبَيْعُ عَلَى ذَلِكَ وَ هَذِهِ بُيُوعٌ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يَتَبَايَعُونَهَا فَنَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله عَنْهَا لِأَنَّهَا غَرَرٌ كُلُّهَا.

وَ نَهَى عليه السلام عَنْ بَيْعِ الْمَجْرِ وَ هُوَ أَنْ يُبَاعَ الْبَعِيرُ أَوْ غَيْرُهُ بِمَا فِي بَطْنِ النَّاقَةِ وَ يُقَالُ مِنْهُ أَمْجَرْتُ فِي الْبَيْعِ إِمْجَاراً.

وَ نَهَى عليه السلام عَنِ الْمَلَاقِيحِ وَ الْمَضَامِينِ فَالْمَلَاقِيحُ مَا فِي الْبُطُونِ وَ هِيَ الْأَجِنَّةُ وَ الْوَاحِدَةُ مِنْهَا مَلْقُوحَةٌ وَ أَمَّا الْمَضَامِينُ فَهِيَ مَا فِي أَصْلَابِ الْفُحُولِ وَ كَانُوا يَبِيعُونَ الْجَنِينَ فِي بَطْنِ النَّاقَةِ وَ مَا يَضْرِبُ الْفَحْلُ فِي عَامِهِ أَوْ فِي أَعْوَامٍ.

وَ نَهَى عليه السلام عَنْ بَيْعِ حَبَلِ الْحَبَلَةِ وَ مَعْنَاهُ وَلَدُ ذَلِكَ الْجَنِينِ الَّذِي فِي بَطْنِ النَّاقَةِ وَ قَالَ غَيْرُهُ هُوَ نِتَاجُ النِّتَاجِ وَ ذَلِكَ غَرَرٌ.

وَ قَالَ صلى الله عليه و آله لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَتَغَنَّ بِالْقُرْآنِ مَعْنَاهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَسْتَغْنِ بِهِ وَ لَا يُذْهَبُ بِهِ إِلَى الصَّوْتِ وَ قَدْ رُوِيَ أَنَّ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَهُوَ غَنِيٌّ

لَا فَقْرَ بَعْدَهُ وَ رُوِیَ أَنَّ مَنْ أَعْطِیَ الْقُرْآنَ فَظَنَّ أَنَّ أَحَداً أَعْطِیَ أَکْثَرَ مِمَّا أَعْطِیَ فَقَدْ عَظَّمَ صَغِیراً وَ صَغَّرَ کَبِیراً فَلَا یَنْبَغِی لِحَامِلِ الْقُرْآنِ أَنْ یَرَی أَنَّ أَحَداً مِنْ أَهْلِ الْأَرْضِ أَغْنَی مِنْهُ وَ لَوْ مَلَکَ الدُّنْیَا بِرُحْبِهَا وَ لَوْ کَانَ کَمَا یَقُولُهُ قَوْمٌ إِنَّهُ التَّرْجِیعُ بِالْقِرَاءَهِ وَ حُسْنُ الصَّوْتِ لَکَانَتِ الْعُقُوبَهُ قَدْ عَظُمَتْ فِی تَرْکِ ذَلِکَ أَنْ یَکُونَ مَنْ لَمْ یُرَجِّعْ صَوْتَهُ بِالْقِرَاءَهِ فَلَیْسَ مِنَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله حِینَ قَالَ لَیْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ یَتَغَنَّ بِالْقُرْآنِ.

وَ قَالَ علیه السلام إِنِّی قَدْ نَهَیْتُ عَنِ الْقِرَاءَهِ فِی الرُّکُوعِ وَ السُّجُودِ فَأَمَّا الرُّکُوعُ فَعَظِّمُوا اللَّهَ فِیهِ وَ أَمَّا السُّجُودُ فَأَکْثِرُوا فِیهَا الدُّعَاءَ فَإِنَّهُ قَمَنٌ أَنْ یُسْتَجَابَ لَکُمْ قَوْلُهُ صلی الله علیه و آله قَمَنٌ کَقَوْلِکَ جَدِیرٌ وَ حَرِیٌّ أَنْ یُسْتَجَابَ لَکُمْ.

وَ ۱۴ قَالَ علیه السلام اسْتَعِیذُوا بِاللَّهِ مِنْ طَمَعٍ یَهْدِی إِلَی طَبَعٍ (۱) وَ الطَّبَعُ الدَّنَسُ وَ الْعَیْبُ وَ کُلُّ شَیْنٍ فِی دِینٍ أَوْ دُنْیَا فَهُوَ طَبَعٌ.

وَ اخْتَصَمَ رَجُلَانِ إِلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله فِی مَوَارِیثَ وَ أَشْیَاءَ قَدْ دَرَسَتْ فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله لَعَلَّ بَعْضَکُمْ أَنْ یَکُونَ أَلْحَنَ بِحُجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ فَمَنْ قَضَیْتُ لَهُ بِشَیْ ءٍ مِنْ حَقِّ أَخِیهِ فَإِنَّمَا أَقْطَعُ لَهُ قِطْعَهً مِنَ النَّارِ فَقَالَ کُلُّ وَاحِدٍ مِنَ الرَّجُلَیْنِ یَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَقِّی هَذَا لِصَاحِبِی فَقَالَ

لَا وَ لَکِنِ اذْهَبَا فَتَوَخَّیَا ثُمَّ اسْتَهِمَا ثُمَّ لْیُحْلِلْ کُلُّ وَاحِدٍ مِنْکُمَا صَاحِبَهُ فَقَوْلُهُ لَعَلَّ بَعْضَکُمْ أَنْ یَکُونَ أَلْحَنَ بِحُجَّتِهِ مِنْ بَعْضٍ یَعْنِی أَفْطَنَ لَهَا وَ أَجْدَلَ وَ اللَّحَنُ الْفِطْنَهُ بِفَتْحِ الْحَاءِ وَ اللَّحْنُ بِجَزْمِ الْحَاءِ الْخَطَاءُ وَ قَوْلُهُ اسْتَهِمَا أَیْ أَقْرِعَا وَ هَذَا حُجَّهٌ لِمَنْ قَالَ بِالْقُرْعَهِ فِی الْأَحْکَامِ وَ قَوْلُهُ اذْهَبَا فَتَوَخَّیَا یَقُولُ تَوَخَّیَا الْحَقَّ فَکَأَنَّهُ قَدْ أَمَرَ الْخَصْمَیْنِ بِالصُّلْحِ.

وَ نَهَی عَنْ تَقْصِیصِ الْقُبُورِ وَ هُوَ التَّجْصِیصُ وَ ذَلِکَ أَنَّ الْجِصَّ یُقَالُ لَهُ الْقَصَّهُ یُقَالُ مِنْهُ قَصَصْتُ الْقُبُورَ وَ الْبُیُوتَ إِذَا جَصَصْتَهَا.

وَ نَهَی علیه السلام عَنْ قِیلٍ وَ قَالٍ وَ کَثْرَهِ السُّؤَالِ وَ إِضَاعَهِ الْمَالِ وَ نَهَی عَنْ

۱- ۱. فی المطبوعه و المصدر« استعیذوا باللّه من طبع یهدی الی طبع» و الصحیح ما فی المتن و منه قولهم« رب طمع یهدی الی طبع».

عُقُوقِ الْأُمَّهَاتِ وَ وَأْدِ الْبَنَاتِ وَ مَنْعٍ الوهات [وَ هَاتِ] يُقَالُ إِنَّ قَوْلَهُ إِضَاعَهِ الْمَالِ يَكُونُ فِی وَجْهَيْنِ أَمَّا أَحَدُهُمَا وَ هُوَ الْأَصْلُ فَمَا أَنْفَقَ فِی مَعَاصِی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ وَ هُوَ السَّرَفُ الَّذِی عَابَهُ اللَّهُ تَعَالَی وَ نَهَی عَنْهُ وَ الْوَجْهُ الْآخَرُ دَفْعُ الْمَالِ إِلَی رَبِّهِ وَ لَيْسَ لَهُ بِمَوْضِعٍ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ وَ ابْتَلُوا الْيَتامى حَتَّى إِذا بَلَغُوا النِّكاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْداً وَ هُوَ الْعَقْلُ فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوالَهُمْ (۱) وَ قَدْ قِيلَ إِنَّ الرُّشْدَ هُوَ صَلَاحٌ فِی الدِّينِ وَ حِفْظُ الْمَالِ وَ أَمَّا كَثْرَهُ السُّؤَالِ فَإِنَّهُ نَهَی عليه السلام عَنْ مَسْأَلَهِ النَّاسِ أَمْوَالَهُمْ وَ قَدْ يَكُونُ أَيْضاً مِنَ السُّؤَالِ عَنِ الْأُمُورِ وَ كَثْرَهِ الْبَحْثِ عَنْهَا كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ لا تَسْئَلُوا عَنْ أَشْياءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ (۲) وَ أَمَّا وَأْدُ الْبَنَاتِ فَإِنَّهُمْ كَانُوا يَدْفِنُونَ بَنَاتِهِمْ أَحْيَاءً وَ لِهَذَا كَانُوا يُسَمُّونَ الْقَبْرَ صِهْراً وَ أَمَّا قَوْلُهُ نَهَی عَنْ قِيلٍ وَ قَالٍ الْقَالُ مَصْدَرٌ أَ لَا تَرَی أَنَّهُ يَقُولُ عَنْ قِيلٍ وَ قَالٍ فَكَأَنَّهُ قَالَ عَنْ قِيلٍ وَ قَوْلٍ يُقَالُ عَلَی هَذَا قُلْتُ قَوْلًا وَ قِيلًا وَ قَالًا وَ فِی حَرْفِ عَبْدِ اللَّهِ (۳)

ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَالَ الْحَقِ (۴)

وَ هُوَ مِنْ هَذَا فَكَأَنَّهُ قَالَ قَوْلَ الْحَقِّ.

وَ نَهَی عليه السلام عَنِ التَّبَقُّرِ فِی الْأَهْلِ وَ الْمَالِ قَالَ الْأَصْمَعِيُّ أَصْلُ التَّبَقُّرِ التَّوَسُّعُ وَ التَّفَتُّحُ وَ مِنْهُ يُقَالُ بَقَرْتُ بَطْنَهُ إِنَّمَا هُوَ شَقَقْتُهُ وَ فَتَحْتُهُ وَ سُمِّيَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام الْبَاقِرَ لِأَنَّهُ بَقَرَ الْعِلْمَ أَیْ شَقَّهُ وَ فَتَحَهُ.

وَ نَهَی عليه السلام أَنْ يُدَبِّحَ الرَّجُلُ فِی الصَّلَاهِ كَمَا يُدَبِّحُ الْحِمَارُ وَ مَعْنَاهُ أَنْ يُطَأْطِئَ الرَّجُلُ رَأْسَهُ فِی الرُّكُوعِ حَتَّی يَكُونَ أَخْفَضَ مِنْ ظَهْرِهِ وَ كَانَ عليه السلام إِذَا رَكَعَ لَمْ يُصَوِّبْ رَأْسَهُ وَ لَمْ يُقْنِعْهُ مَعْنَاهُ أَنَّهُ لَمْ يَرْفَعْهُ حَتَّی يَكُونَ أَعْلَی مِنْ جَسَدِهِ وَ لَكِنْ بَيْنَ ذَلِكَ وَ الْإِقْنَاعُ رَفْعُ الرَّأْسِ وَ إِشْخَاصُهُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُؤُسِهِمْ (۵) وَ الَّذِی يُسْتَحَبُّ مِنْ هَذَا أَنْ يَسْتَوِیَ ظَهْرُ الرَّجُلِ وَ رَأْسُهُ فِی الرُّكُوعِ لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ

۱- ۱. النساء: ۵.

۲- ۲. المائده: ۱۰۱.

۳- ۳. يعنی قراءه عبد اللّه بن مسعود.

۴- ۴. مريم: ۳۴.

۵- ۵. إبراهيم: ۴۴.

صلی الله علیه و آله کَانَ إِذَا رَکَعَ لَوْ صُبَّ عَلَی ظَهْرِهِ مَاءٌ لَاسْتَقَرَّ وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَمْ یُقِمْ صُلْبَهُ فِی رُکُوعِهِ وَ سُجُودِهِ.

وَ نَهَی علیه السلام عَنِ اخْتِنَاثِ الْأَسْقِیَهِ وَ مَعْنَی الِاخْتِنَاثِ أَنْ یُثْنَی أَفْوَاهُهَا ثُمَّ یُشْرَبَ مِنْهَا وَ أَصْلُ الِاخْتِنَاثِ التَّکَسُّرُ وَ مِنْ هَذَا سُمِّیَ الْمُخَنَّثُ لِتَکَسُّرِهِ وَ بِهِ سُمِّیَتِ الْمَرْأَهُ خُنْثَی وَ مَعْنَی الْحَدِیثِ فِی النَّهْیِ عَنِ اخْتِنَاثِ الْأَسْقِیَهِ یُفَسَّرُ عَلَی وَجْهَیْنِ أَحَدُهُمَا أَنَّهُ یُخَافُ أَنْ یَکُونَ فِیهِ دَابَّهٌ وَ الَّذِی دَارَ عَلَیْهِ مَعْنَی الْحَدِیثِ أَنَّهُ علیه السلام نَهَی أَنْ یُشْرَبَ مِنْ أَفْوَاهِهَا.

وَ نَهَی علیه السلام عَنِ الْجَدَادِ بِاللَّیْلِ یَعْنِی جَدَادَ النَّخْلِ وَ الْجَدَادُ الصَّرَامُ وَ إِنَّمَا نَهَی عَنْهُ بِاللَّیْلِ لِأَنَّ الْمَسَاکِینَ لَا یَحْضُرُونَهُ.

وَ قَالَ علیه السلام لَا تَعْضِیَهَ فِی مِیرَاثٍ وَ مَعْنَاهُ أَنْ یَمُوتَ الرَّجُلُ وَ یَدَعَ شَیْئاً إِنْ قُسِمَ بَیْنَ وَرَثَتِهِ إِذَا أَرَادَ بَعْضُهُمُ الْقِسْمَهَ کَانَ فِی ذَلِکَ ضَرَرٌ عَلَیْهِمْ أَوْ عَلَی بَعْضِهِمْ یَقُولُ فَلَا یُقْسَمُ ذَلِکَ وَ تِلْکَ التَّعْضِیَهُ وَ هِیَ التَّفْرِیقُ وَ هِیَ مَأْخُوذٌ مِنَ الْأَعْضَاءِ یُقَالُ عَضَّیْتُ اللَّحْمَ إِذَا فَرَّقْتَهُ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ الَّذِینَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِینَ (۱) أَیْ آمَنُوا بِبَعْضِهِ وَ کَفَرُوا بِبَعْضِهِ وَ هَذَا مِنَ التَّعْضِیَهِ أَیْضاً أَنَّهُمْ فَرَّقُوهُ وَ الشَّیْ ءُ الَّذِی لَا یَحْتَمِلُ الْقِسْمَهَ مِثْلُ الْحَبَّهِ مِنَ الْجَوْهَرِ لِأَنَّهَا إِنْ فُرِّقَتْ لَمْ یُنْتَفَعْ بِهَا وَ کَذَلِکَ الْحَمَّامُ إِذَا قُسِمَ وَ کَذَلِکَ الطَّیْلَسَانُ مِنَ الثِّیَابِ وَ مَا أَشْبَهَ ذَلِکَ مِنَ الْأَشْیَاءِ وَ هَذَا بَابٌ جَسِیمٌ مِنَ الْحُکْمِ یَدْخُلُ فِیهِ الْحَدِیثُ الْآخَرُ لَا ضَرَرَ وَ لَا إِضْرَارَ فِی الْإِسْلَامِ فَإِنْ أَرَادَ بَعْضُ الْوَرَثَهِ قِسْمَهَ ذَلِکَ لَمْ یُجَبْ إِلَیْهِ وَ لَکِنْ یُبَاعُ ثُمَّ یُقَسَّمُ ثَمَنُهُ بَیْنَهُمْ.

وَ نَهَی علیه السلام عَنْ لِبْسَتَیْنِ اشْتِمَالِ الصَّمَّاءِ وَ أَنْ یَحْتَبِیَ الرَّجُلُ بِثَوْبٍ لَیْسَ بَیْنَ فَرْجِهِ وَ بَیْنَ السَّمَاءِ شَیْ ءٌ قَالَ الْأَصْمَعِیُّ اشْتِمَالُ الصَّمَّاءِ عِنْدَ الْعَرَبِ أَنْ یَشْتَمِلَ الرَّجُلُ بِثَوْبِهِ فَیُجَلِّلَ بِهِ جَسَدَهُ کُلَّهُ وَ لَا یَرْفَعَ مِنْهُ جَانِباً فَیُخْرِجَ مِنْهُ یَدَهُ وَ أَمَّا الْفُقَهَاءُ فَإِنَّهُمْ یَقُولُونَ هُوَ أَنْ یَشْتَمِلَ الرَّجُلُ بِثَوْبٍ وَاحِدٍ لَیْسَ عَلَیْهِ غَیْرُهُ ثُمَّ یَرْفَعَهُ مِنْ أَحَدِ جَانِبَیْهِ فَیَضَعَهُ عَلَی مَنْکِبِهِ یَبْدُو مِنْهُ فَرْجُهُ وَ قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام الْتِحَافُ الصَّمَّاءِ

ص: ۳۴۵

۱– ۱. الحجر: ۹۱.

هُوَ أَنْ يُدْخِلَ الرَّجُلُ رِدَاءَهُ تَحْتَ إِبْطِهِ ثُمَّ يَجْعَلَ طَرَفَيْهِ عَلَى مَنْكِبٍ وَاحِدٍ وَ هَذَا هُوَ التَّأْوِيلُ الصَّحِيحُ دُونَ مَا خَالَفَهُ (١).

وَ نَهَى علیه السلام عَنْ ذَبَائِحِ الْجِنِّ وَ ذَبَائِحُ الْجِنِّ أَنْ يَشْتَرِيَ الدَّارَ وَ يَسْتَخْرِجَ الْعَيْنَ أَوْ مَا أَشْبَهَ ذَلِكَ فَيَذْبَحَ لَهُ ذَبِيحَةً لِلطِّيَرَةِ قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ مَعْنَاهُ أَنَّهُمْ كَانُوا يَتَطَيَّرُونَ إِلَى هَذَا الْفِعْلِ مَخَافَةَ إِنْ لَمْ يَذْبَحُوا أَوْ يُطْعِمُوا أَنْ يُصِيبَهُمْ فِيهَا شَيْ ءٌ مِنَ الْجِنِّ فَأَبْطَلَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله هَذَا وَ نَهَى عَنْهُ.

وَ قَالَ علیه السلام لَا يُورِدَنَّ ذُو عَاهَةٍ عَلَى مُصِحٍّ يَعْنِي الرَّجُلُ يُصِيبُ إِبِلَهُ الْجَرَبُ أَوِ الدَّاءُ فَقَالَ لَا يُورِدَنَّهَا عَلَى مُصِحٍّ وَ هُوَ الَّذِي إِبِلُهُ وَ مَاشِيَتُهُ صِحَاحٌ بَرِيئَةٌ مِنَ الْعَاهَةِ قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ وَجْهُهُ عِنْدِي وَ اللَّهُ أَعْلَمُ أَنَّهُ خَافَ أَنْ يَنْزِلَ بِهَذِهِ الصِّحَاحِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا نَزَلَ بِتِلْكَ فَيَظُنَّ الْمُصِحُّ أَنَّ تِلْكَ أَعْدَتْهَا فَيَأْثَمَ فِي ذَلِكَ (٢).

وَ قَالَ صلی الله علیه و آله لَا تُصَرُّوا الْإِبِلَ وَ الْغَنَمَ مَنِ اشْتَرَى مُصَرَّاةً فَهُوَ بِآخِرِ النَّظَرَيْنِ إِنْ شَاءَ رَدَّهَا وَ رَدَّ مَعَهَا صَاعاً مِنْ تَمْرٍ الْمُصَرَّاةُ يَعْنِي النَّاقَةَ أَوِ الْبَقَرَةَ أَوِ الشَّاةَ قَدْ صُرِّيَ اللَّبَنُ فِي ضَرْعِهَا يَعْنِي حُبِسَ وَ جُمِعَ وَ لَمْ يُحْلَبْ أَيَّاماً وَ أَصْلُ التَّصْرِيَةِ حَبْسُ الْمَاءِ وَ جَمْعُهُ يُقَالُ مِنْهُ صَرَيْتُ الْمَاءَ وَ صَرَّيْتُهُ وَ يُقَالُ مَاءٌ صَرًى مَقْصُوراً وَ يُقَالُ مِنْهُ سُمِّيَتِ الْمُصَرَّاةُ كَأَنَّهَا مِيَاهٌ اجْتَمَعَتْ وَ فِي حَدِيثٍ آخَرَ مَنِ اشْتَرَى مُحَفَّلَةً فَرَدَّهَا فَلْيَرُدَّ مَعَهَا صَاعاً وَ إِنَّمَا سُمِّيَتْ مُحَفَّلَةً لِأَنَّ اللَّبَنَ حُفِّلَ فِي ضَرْعِهَا وَ اجْتَمَعَ وَ كُلُّ شَيْ ءٍ كَثَّرْتَهُ فَقَدْ حَفَّلْتَهُ وَ مِنْهُ قِيلَ قَدْ أَحْفَلَ الْقَوْمُ إِذَا اجْتَمَعُوا أَوْ كَثُرُوا وَ لِهَذَا سُمِّيَ مَحْفِلُ الْقَوْمِ وَ جَمْعُ الْمَحْفِلِ مَحَافِلُ.

وَ قَوْلُهُ علیه السلام لَا خِلَابَةَ يَعْنِي الْخَدَّاعَةَ يُقَالُ خَلَبْتُهُ أَخْلُبُهُ خِلَابَةً إِذَا خَدَعْتَهُ.

وَ أَتَى عُمَرُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ إِنَّا نَسْمَعُ أَحَادِيثَ مِنْ يَهُودَ تُعْجِبُنَا فَتَرَى

١- ١. راجع الكافی ج ٣ ص ٣٩٤ معانی الأخبار ص ٣٩٠، و الحديث عن الباقر(ع).

٢- ٢. انما فسر الحديث هكذا، لما روی عنه صلّى اللّه عليه و آله أنّه قال: لا عدوی و لا طيره و لا هامه و لا شؤم و لا صفر الحديث.

أَنْ نَكْتُبَ بَعْضَهَا فَقَالَ أَ مُتَهَوِّكُونَ أَنْتُمْ كَمَا تَهَوَّكَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَى لَقَدْ جِئْتُكُمْ بِهَا بَيْضَاءَ نَقِيَّةً وَ لَوْ كَانَ مُوسَى حَيّاً مَا وَسِعَهُ إِلَّا اتِّبَاعِي قَوْلُهُ صلى الله عليه و آله مُتَهَوِّكُونَ أَيْ مُتَحَيِّرُونَ يَقُولُ أَ مُتَحَيِّرُونَ أَنْتُمْ فِي الْإِسْلَامِ لَا تَعْرِفُونَ دِينَكُمْ حَتَّى تَأْخُذُوهُ مِنَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ مَعْنَاهُ أَنَّهُ كَرِهَ أَخْذَ الْعِلْمِ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَ أَمَّا قَوْلُهُ لَقَدْ جِئْتُكُمْ بِهَا بَيْضَاءَ نَقِيَّةً فَإِنَّهُ أَرَادَ الْمِلَّةَ الْحَنِيفِيَّةَ فَلِذَلِكَ جَاءَ التَّأْنِيثُ كَقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ وَ ذلِكَ دِينُ الْقَيِّمَهِ(۱) إِنَّمَا هِيَ الْمِلَّةُ الْحَنِيفِيَّةُ.

وَ قَالَ صلى الله عليه و آله لَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَنْهَى عَنِ الْغِيلَهِ وَ الْغِيلَهُ هُوَ الْغَيْلُ وَ هُوَ أَنْ يُجَامِعَ الرَّجُلُ الْمَرْأَهَ وَ هِيَ مُرْضِعٌ (۲) يُقَالُ مِنْهُ قَدْ أَغَالَ الرَّجُلُ وَ أَغْيَلَ وَ الْوَلَدُ مُغَالٌ وَ مُغْيَلٌ.

وَ نَهَى عليه السلام عَنِ الْإِرْفَاءِ وَ هُوَ كَثْرَهُ التَّدَهُّنِ.

وَ قَالَ عليه السلام إِيَّاكُمْ وَ الْقُعُودَ بِالصُّعُدَاتِ إِلَّا مَنْ أَدَّى حَقَّهَا الصُّعُدَاتُ الطُّرُقُ وَ هُوَ مَأْخُوذٌ مِنَ الصَّعِيدِ وَ الصَّعِيدُ التُّرَابُ وَ جَمْعُ الصَّعِيدِ الصُّعُدُ ثُمَّ الصُّعُدَاتُ جَمْعُ الْجَمْعِ كَمَا يُقَالُ طَرِيقٌ وَ طُرُقٌ ثُمَّ طُرُقَاتٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَ فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً(۳) فَالتَّيَمُّمُ التَّعَمُّدُ لِلشَّيْ ءِ يُقَالُ مِنْهُ أَمَمْتُ فُلَاناً فَأَنَا أَؤُمُّهُ أَمّاً وَ تَأَمَّمْتُهُ وَ تَيَمَّمْتُهُ كُلُّهُ تَعَمَّدْتُهُ وَ قَصَدْتُ لَهُ وَ قَدْ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ الصَّعِيدُ الْمَوْضِعُ الْمُرْتَفِعُ وَ الطَّيِّبُ الَّذِي يَنْحَدِرُ عَنْهُ الْمَاءُ.

۱- ۱. البينه: ۵.

۲- ۲. الغيل إذا نسب الى الرجل كان معناه هذا الذى ذكره أبو عبيد القاسم بن سلام قال فى اللسان: أغال فلان ولده اغاله: إذا غشى أمه و هى ترضعه، و إذا نسب الى المرأه كان بمعنى ارضاعها الطفل الغيل و هو اللبن الذى ترضعه المرأه ولدها و هى حامل. قال الجوهرىّ: يقال: أضرت الغيله بولد فلان: إذا أتيت أمه و هى ترضعه، و كذلك اذا حملت أمه و هى ترضعه، و فى الحديث:« لقد هممت أن أنهى عن الغيله» و الغيل بالفتح اسم ذلك اللبن، و قد أغالت المرأه ولدها فهى مغيل- بكسر الياء- و أغيلت أيضا: إذا سقت ولدها الغيل فهى مغيل- بفتح الياء كمكرم-

۳- ۳. النساء: ۴۳، المائده: ۶.

وَ قَالَ علیه السلام لَا غِرَارَ فِی الصَّلَاهِ وَ لَا التَّسْلِیمِ الْغِرَارُ النُّقْصَانُ أَمَّا فِی الصَّلَاهِ فَفِی تَرْکِ إِتْمَامِ رُکُوعِهَا وَ سُجُودِهَا وَ نُقْصَانِ اللَّبْثِ فِی رَکْعَهٍ عَنِ اللَّبْثِ فِی الرَّکْعَهِ الْأُخْرَی وَ مِنْهُ قَوْلُ الصَّادِقِ علیه السلام الصَّلَاهُ مِیزَانٌ مَنْ وَفَّی اسْتَوْفَی وَ مِنْهُ قَوْلُ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله الصَّلَاهُ مِکْیَالٌ فَمَنْ وَفَی وُفِیَ لَهُ فَهَذَا الْغِرَارُ فِی الصَّلَاهِ وَ أَمَّا الْغِرَارُ فِی التَّسْلِیمِ فَأَنْ یَقُولَ الرَّجُلُ السَّلَامُ عَلَیْکَ أَوْ یَرُدَّهُ فَیَقُولَ وَ عَلَیْکَ السَّلَامُ وَ لَا یَقُولَ وَ عَلَیْکُمُ السَّلَامُ وَ یُکْرَهُ تَجَاوُزُ الْحَدِّ فِی الرَّدِّ کَمَا یُکْرَهُ الْغِرَارُ وَ ذَلِکَ أَنَّ الصَّادِقَ علیه السلام سَلَّمَ عَلَی رَجُلٍ فَقَالَ الرَّجُلُ وَ عَلَیْکُمُ السَّلَامُ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ وَ مَغْفِرَتُهُ وَ رِضْوَانُهُ فَقَالَ لَا تُجَاوِزُوا بِنَا قَوْلَ الْمَلَائِکَهِ لِأَبِینَا إِبْرَاهِیمَ علیهم السلام رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ عَلَیْکُمْ أَهْلَ الْبَیْتِ إِنَّهُ حَمِیدٌ مَجِیدٌ(۱) وَ قَالَ علیه السلام لَا تَنَاجَشُوا وَ لَا تَدَابَرُوا مَعْنَاهُ أَنْ یَزِیدَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ فِی ثَمَنِ السِّلْعَهِ وَ هُوَ لَا یُرِیدُ شَرَاهَا وَ لَکِنْ لِیَسْمَعَهُ غَیْرُهُ فَیَزِیدَ لِزِیَادَتِهِ وَ النَّاجِشُ خَائِنٌ وَ أَمَّا التَّدَابُرُ فَالْمُصَارَمَهُ وَ الْهِجْرَانُ مَأْخُوذٌ مِنْ أَنْ یُوَلِّیَ الرَّجُلُ صَاحِبَهُ دُبُرَهُ وَ یُعْرِضُ عَنْهُ بِوَجْهِهِ.

وَ إِنَّ رَجُلًا حَلَبَ عِنْدَ النَّبِیِّ نَاقَهً فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله دَعْ دَاعِیَ اللَّبَنِ یَقُولُ أَبْقِ فِی الضَّرْعِ شَیْئاً لَا تَسْتَوْعِبْهُ کُلَّهُ فِی الْحَلْبِ فَإِنَّ الَّذِی تُبْقِیهِ بِهِ یَدْعُو مَا فَوْقَهُ مِنَ اللَّبَنِ وَ یَدُرُّ لَهُ (۲)

وَ إِذَا اسْتُقْصِیَ کُلُّ مَا فِی الضَّرْعِ أَبْطَأَ عَلَیْهِ الدَّرُّ بَعْدَ ذَلِکَ.

وَ کَرِهَ علیه السلام الشِّکَالَ فِی الْخَیْلِ یَعْنِی أَنْ یَکُونَ ثَلَاثُ قَوَائِمَ مِنْهُ مُحَجَّلَهً وَ وَاحِدَهٌ مُطْلَقَهً وَ إِنَّمَا أُخِذَ هَذَا مِنَ الشِّکَالِ الَّذِی یُشْکَلُ بِهِ الْخَیْلُ شُبِّهَ بِهِ لِأَنَّ الشِّکَالَ إِنَّمَا یَکُونُ فِی ثَلَاثِ قَوَائِمَ أَوْ أَنْ یَکُونَ الثَّلَاثُ مُطْلَقَهً وَ رِجْلٌ مُحَجَّلَهً وَ لَیسَ یَکُونُ الشِّکَالُ إِلَّا فِی الرِّجْلِ وَ لَا یَکُونُ فِی الْیَدِ(۳).

**[ترجمه]معانی الاخبار: پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی کرد از «محاقله» و «مزابنه»، و محاقله فروش زراعت است در خوشه اش به گندم وآن از «الحقل» گرفته شده و الحقل آن چیزی است که ااهل عراق به آن «القراح» می گویند. و در مثل گفته می شود: «لا تنبت البقله إلا الحقله.» مزابنه فروش، خرمای نچیده سر نخله خرما است به خرمای چیده و حاضر.

و پیغمبر صلی الله علیه و آله رخصت داد در این گونه فروش نسبت به «عرایا» که واحد آن را عریه گویند و آن خرمایی است که صاحبش آن را به محتاجی واگذارده برای ثمره یک سال و صاحب نخله می تواند آن را به خرمای موجود بخرد تا نیاز او را از آن نخله برآورده کند.

گوید: چون پیغمبر صلی الله علیه و آله تخمین زنندگان زکات را می فرستاد، می فرمود: در دید خود کم بگذارید، زیرا در نخلستان نخله های عاریه و وصیت شده وجود دارد.

گوید: پیغمبر صلی الله علیه و آله نهی کرد از «مخابره» و آن قرارداد مزارعه است به نیم یا یک سوم یا یک چهارم از درآمد مزرعه یا کمتر و یا بیشتر.

و نهی کرده از «مخاضره» و آن فروش میوه است پیش از رسیدنش که هنوز سبز است، و فروش رطب خرما و سبزی ها و مانند آن هم در حکم مخاضره است.

و بازداشت از فروش خرما پیش از نمودارشـدنش به اینکه رنگش سـرخ شود یا زرد و رسـیده شود و به تعبیر دیگر پیش از آن که از آفت مصون گردد.

و نهی فرمود از «منابـذه» و «ملاـمسه» و فروش به وسـیله سـنگریزه پرانی و در تفسـیر هر کـدام از اینها دو قول است؛ گفته شـده منابـذه این است که کسـی به طرف خود گویـد: جـامه یـا کالاـی دیگر را به من بپران یا من به تو می پرانم و به همین کار بیع لازم باشـد به بهای چنین و چنان. و گفته شـده این که کسـی بگوید چون سـنگریزه پراندم، به هر چه که برخورد، بیع آن لازم شـود و همین است معنی بیـع بـا سـنگریزه که از آن نهی کرده. و ملاـمسه این است که بگویـد چـون دست به جـامه ام زدی یا دست به جـامه ات زدم، به بهـای چنـانی بیع لاـزم گردد. و گفته شـده معنای ملامسه این است که کالا را از پشت جامه دسـت کشد و ندیده بیع لازم گردد، و اینها رسم خرید و فروش مردم بوده در زمان جاهلیت و رسول خدا صـلی الله علیه و آله آنها را غدقن کرده، چون همه مایه غرر و خطرند.

و نهی کرد از «بیع مجر» و آن این است که فروخته شده باشد شتر یا غیرآن را بدان چه در شکم ماده شتر است.

و نهی کرده از «ملاـ قیـح» و «مضـامین»، و ملا قیـح فروش جنین شتر آبسـتن است و مضامین فروش نطفه که به ماده تلقیـح می شود و عرب ها چنین معامله هایی می کردند.

و نهی کرد از «بیع حبـل الحبله»، یعنی فروش فرزنـد جنینی که در شـکم شـتر است و گفته شـده فروش نتیجه و آن غرر و خطر واضحی است.

و فرمود: از ما نیست کسی که تغنی نکند به قرآن و مقصود این است که از ما نیست کسی که با قرآن بی نیازی نجوید و نباید به آوازه خوانی تفسیر شود، و روایت است که هر که قرآن بخواند، بی نیاز گردد و از آن پس فقیر نباشد.

و روایت است که به هر کس قرآن داده شـود و گمـان برد که کسـی بیش از آنچه به او داده شـده داده شود، خردی را کلاـن شمرده و کلان را کم ، و نباید دارای قرآن بیند که کسی از مردم زمین از او توانگرتر است، اگرچه همه دنیا را با پهناوری اش دارا شود. و اگر کسـی گویـد – چنـان چه مردمی گفته انـد – که مقصود از آن ترجیع در خوانـدن و خوش آوازی است، باید کیفر بزرگی باشـد در ترک آن، زیرا کسـی که چنان نخوانـد از پیغمبر نباشـد که فرموده: «از ما نباشد کسـی که به قرآن تغنی نکند.»

و فرمود که: من نهی شـدم از خوانـدن قرآن در رکوع و در سـجود، اما در رکوع خـدا را به بزرگی یاد کنیـد، و اما در سـجود بسیار دعا کنید که سزاوار اجابت است برای شما و شایسته و به جا است که برایتان اجابت شود.

و فرمود: به خدا پناه برید از طمعی که به خواری و زبونی کشد.

دو کس درباره مواریث و حسابهای کهنه نزد پیغمبر صـلی الله علیه و آله به محاکمه انـدر شدنـد و آن حضـرت فرمود: بسا که برخی از شـما از دیگری دلیل آورتر باشد و اگر من حق یکی را در قضاوت به دیگری دهم، تکه آتش را به او داده ام. و یکی

از آن دو گفت: یـا رسول الله! من حق خود را به طرفم دادم. فرمود: نه، ولی برویـد و بـا کنکـاش سـهم بنـدی کنیـد. سـپس هر کدام طرف خود را حلال کند. معنی «سـهم بندی کنید» این است که قرعه بزنید و این دلیل کسی است که قرعه را در قضاوت ها روا داند و اینکه فرمود: «جستجو کنید»، یعنی حق را بجویید و گویا فرمان صلح داده به دو طرف.

و نهی فرموده از گچکاری کردن گورها.

و نهی فرموده از قیل و قال و پرسش بسیار، و ضایع کردن مال.

و نهی فرموده از ناسپاسی مادران و زنده به گور کردن دختران و دریغ از حق زنان.

گفته شده که ضایع کردن مال به دو وجه است؛ یکی که اصل آن است، صـرف مال است در معاصی خدا عزوجل - کم باشد یا بیش - و آن همان اسـراف است که خدای تعالی آن را نکوهیده و از آن بازداشـته. و دوم این که مالی را به صاحبش بدهد که محجـور است و رشـد نـدارد. خـدا فرمـوده: «و ابتلوا الیتـامی حتی إذا بلغوا النکـاح فـإن آنسـتم منهم رشـدا.» {و یتیمـان را بیازماییـد تـا وقـتی بـه [سنّ] زنـاشویی برسـند پس اگر در ایشـان رشـد [فکری] یافتیـد} رشـد خردمنـدی است: «فـادفعوا إلیهم أموالهم.» - . نساء/ ۵ - {اموالشان را به آنان رد کنید.} و گفته شده رشد دینداری خوب و حفظ مال است.

و امـا کثرت سؤال؛ اینکه آن حضـرت نهی کرده از درخواست اموال مردم و بسـا مقصود پرسـش از امورات و کاوش بسـیار از آنها باشد، چنان چه خدا عزوجل فرموده: «لا تسـئلوا عن أشـیاء إن تبد لکم تسؤکم.» - . مائده/ ۱۰۱ - {نپرسید از چیزهایی که اگر آشـکار شونـد براتـان بـدتان آیـد.} و اما زنـده به گور کردن دختران برای آن است که بودنـد کسانی که دختران خود را زنـده زیر خـاک می کردنـد و از این رو قبر را «داماد» می نامیدنـد. و اما نهی از قال و قیل، یعنی گفتن و گفته شـدن که «قال» معنی مصـدر دارد و در قرائت عبـدالله بن مسـعود آمـده است: «ذلـک عیسـی بن مریم قـال الحق»، (با اینکه قرائت دیگران قول الحق است) و آن بدین معنا است و گویا گفته است قول الحق. - . مریم / ۳۴ -

و نهی کرده از تبقر در اهل و مال. اصمعی گفته: اصل «تبقر» یعنی توسع و گشایش، تا گوید: و این که بو جعفر (امام پنجم) را باقر نامیدند، برای آن است که دانش را شکافت و گشایش داد.

و نهی کرده از این که کسـی در نماز سـر را در حال رکوع پایین اندازد تا فروتر از پشت او گردد و خود آن حضرت صلی الله علیه و آله چون رکوع می کرد، سرش بالا و پایین بر نمی داشت تا از تنش بالاتر نماید و آن را استوار می داشت. و «اقناع» بالا گرفتن سـر است و برآوردن آن. خدا تعالی فرموده: «مهطعین مقنعی رؤسهم.» - . ابراهیم / ۴۴ - {شتابان سر برداشته و چشم بر هم نمی زنند.} و آنچه در این باره مسـتحب است، این است که پشت نمازگزار در حال رکوع با سـرش برابر باشند، زیرا چون رسول خدا صـلی الله علیه و آله به رکوع می رفت، اگر آب بر پشـتش ریخته می شد بر قرار می ماند. و امام صادق علیه السّلام فرمود: نماز ندارد کسی که پشت خود را در رکوع و سجودش پایدار ندارد.

و نهی فرمود از برگرداندن لب مشک آب. «أصل الاختناث» یعنی تکسر و به همین دلیل مخنث به این نام خوانده شده و به زن هم «خنثی» گویند و معنی حدیث این است که نهی کرده از نوشیدن آب از دهانه مشک.

و نهی فرمود از چیدن خرما در شب، برای آنکه مستمندان نیستند تا از آن بهره برند.

و فرمود: تکه کردن در میراث نباشد، و مقصود این است که کسی بمیرد و چیزی به جا گزارد که اگر تکه شود، به حساب ارث بران مایه زیان بر همه یا بر برخی از آنها باشد. می فرماید نباید برای سهم وارثان تکه شود، و اینکه فرموده: «لا تعضیه فی میراث»، «تعضیه» به معنی تفریق است و چون گوشت را که دو نیم کنند، می گویند «عضیت اللحم». خدا عزوجل فرموده: «الَّذِینَ جَعَلُوا الْقُرْآنَ عِضِینَ.» - . حجر / ۹۱ - {همانان که قرآن را جزء جزء کردند} یعنی به پاره ای از آن ایمان آورند و به پاره ای کفر ورزند و آن را تکه تکه کنند و آنچه قسمت پذیر نباشد، همچون دانه گوهر که اگر تکه شود از سود بیفتد، و همچون حمام که تقسیم شود و چون پوستین در جامه ها و هر چه مانند آنها باشد. و این سررشته مهمی است در قضاوت که در ردیف آن است حدیث دیگر که

«لا ضرر و لا اضرار فی الاسلام» و اگر یکی از ورثه اصرار کند که آن را قسمت کنند، اجابت نشود، بلکه آن را بفروشند و بهایش را میان آنها تقسیم کنند.

و نهی فرمود از دو جور جامه پوشیدن: «اشتمال صماء» و از اینکه کسی میان یک جامه درآید و میان فرج او و آسمان پوشش دیگری نباشد. اصمعی گفته: اشتمال صماء نزد عرب این است که کسی یک جامه بر همه تنش پوشد و آستین مانندی نباشد که دستش را از آن به در آورد و فقها گویند که آن این است که کسی یک جامه به خود گیرد و از یک سو آن را روی شانه اندازد و فرجش از آن پدید باشد.

و امام صادق علیه السّلام فرمود: «التحاف صماء» این است که کسی ردای خود را زیر بغل خود گیرد و دو سویش را جمع کند و روی یک شانه اندازد، و این تفسیر درست است نه آنچه خلاف آن است. - کافی ۳: ۳۹۴ ، معانی الاخبار: ۳۹۰، و حدیث از امام باقر علیه السّلام. -

و نهی فرمود از کشتار برای جنیان، و آن چنین بوده که کسی خانه می خریده یا چشمه آبی درمی آورده و آنچه مانند اینها است، برای بدفالی حیوانی را می کشته برای رفع بدفالی.

ابو عبیده گفته: معناش این است که بدین کارها فال بد می زدند و می ترسیدند که اگر خونی نَریزند یا مهمانی ندهند، جن زده شوند و پیغمبر صلی الله علیه و آله این بدفالی را بیهوده ساخت و از آن نهی کرد.

و فرمود: نباید آفت زده درآید بر تندرست. یعنی کسی که شترانش دچار گری یا درد دیگری باشند، آنها را به گله کسی که شترانش تندرستند و آفتی ندارند درنیاورد.

ابو عبیده گفته: به نظر من - و خدا داناتر است - سبب آن این است که بیم می رود که بدان حیواناتِ تندرست از سوی خدا عزوجل آفتی که آن معیوبان دارند فرود آید و آن که تندرست ها را دارد گمان برد که از آن آفت زده ها سرایت کرده و بدین سبب گناه کند .

و فرمود: شتر و گوسفند را شیر به پستان نکنید و هر که آن را خرید و فهمید، می تواند آن را به فروشنده رد کند، به همراه یک صاع از خرما (صاع در حدود سه کیلو است). و شیر به پستان که آن را به زبان عرب «مصرّاه» گویند، ماده شتر یا ماده گاو یا ماده گوسفندی است که شیر را در پستانش به مدتی جمع کنند و ندوشند تا به بهای بیشتری آن را بفروشند. «أصل تصریه» یعنی حبس آب و جمع شدن. آن گفته می شود: «صریت الماء و صریته»، و گفته می شود: «ماء صری» و گفته شده به این دلیل «المصراه» نامیده شده که آب هایی است که جمع شده. و در حدیث دیگری است که فرموده: هر که «محفله» را خرید و آن را پس داد، به همراه آن یک صاع به فروشنده بدهد (در عوض شیری که از آن دوشیده). و محفله نامیده شده چون شیر در پستان جمع شده و به هر چیزی که ذخیره کنی «حفلته» گفته می شود و از این باب است که می گویند: «أحفل القوم» هنگامی که گروهی جمع می شوند و زیاد می گردند، و از همین باب است «محفل القوم» و جمع آن «المحفل محافل» است.

و فرموده که خلابه نباشد و آن به معنی گول زدن است و مقصود حرمت خدعه و گول زدن است.

و عمر نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ما از یهود حدیث هایی می شنویم که آنها را نمی پسندیم. رای می دهی که برخی از آنها را بنویسیم؟ در پاسخ فرمود: شما در دین خود اندر حیرت و تردید هستید، چنان چه یهود و ترسایان در حیرتند. البته که من آن را درخشان و پاک برای شما آوردم و اگر موسی خودش زنده بود، راهی نداشت جز پیروی از من. یعنی مگر شما در اسلام تردید دارید و آن را نشناختید تا از یهود و ترسا آن را دریابید، و مقصود این است که حضرت بد داشت علم دین را از یهود برگیرند و مقصود از «درخشان و پاک»، ملت حنیفیه است که خدا آن را در قرآن «دین القیمه» خوانده است: «و ذلک دین القیمه.» - . بینه/ ۵ - {و دین ثابت [و پایدار] همین دین است.} و فرمود: البته که قصد داشتم نهی کنم از «غیله»، و آن به این معنی است که مردی زن خود را در حالی که شیر به کودک می دهد، مجامعت کند.

و نهی کرده صلی الله علیه و آله از بسیار روغن مالیدن و عطر زدن.

و فرموده: بپرهیزید از نشستن بر سر راه ها و نشستن بر «صعدات»، جز کسی که حق آن را ادا کند. صعدات راه ها است و از «صعید» گرفته شده که به معنی خاک است و خدا فرموده: «فتیمموا صعیدا طیبا.» - . نساء / ۴۳ ، مائده / ۶ - {پس بر خاکی پاک تیمّم کنید.} «تیمم» یعنی قصد کاری کردن. گفته می شود: «أممت فلانا فأنا أؤمه»، «أما و تأممته و تیممته» همه آنها یعنی قصد او را کردم و عمد بر او داشتم. و از امام صادق روایت است که صعید جای بلند است و «طیب» آنجاست که آب از آن سرازیر شود (و شاید مقصود از کسی که حقش را ادا کند، پاسبان راه باشد و مانند آن - مترجم).

و فرمود: «غرار» در نماز و سلام نباشد، و غرار به معنی کمبود است و در نماز به معنی کمبود در رکوع و سجود است و کمبود درنگ در رکعتی از اندازه آن در رکعت دیگر. و بدین معنا است که امام صادق علیه السّلام فرمود: نماز ترازو است؛ هر که پر دهد پر بگیرد. و همچنین پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده که: نماز پیمانه است؛ هر که پر دهد پر بگیرد. این است معنی غرار در نماز. و اما در سلام این است که کسی بگوید «السّلام علیک» یا در جواب سلام گوید: «علیک السّلام» و نگوید: «علیکم السّلام.» و بد است بی اندازه گفتن جواب سلام، چنان چه کمبود آن بد است، برای اینکه امام صادق علیه السّلام به مردی سلام کرد و او در جواب گفت: «و علیکم السلام و رحمه الله و برکاته و مغفرته و رضوانه.» آن حضرت فرمود: درباره ما

فراتر نروید از آنچه فرشته ها به پدر ما ابراهیم علیه السّلام گفتند که: «رَحْمَتُ اللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ عَلَيكم أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.» -. هود / ۷۳ -

و فرمود: «و لا تناجشوا و لا تدابرو» معنایش این است که کسی در بهای کالا افزاید و قصد خریدش را ندارد، ولی تا دیگری بشنود و بر آن بیفزاید و او خیانتکار است (حراج بازی). و اما «تدابر» قطع رابطه و قهر کردن است و رو گرداندن از برادر دینی که از آن نهی کرده است.

و مردی نزد پیغمبر صلی الله علیه و آله ماده شتری را دوشید و آن حضرت فرمود: به اندازه کشنده شیر در پستان واگذار و همه آن را ندوش که آنچه به جا گذاری، شیر را از رگ های بالا فرو کشد و آن را روان سازد و اگر هر چه را که در پستان است بدوشی، روان شدن شیر پس از آن کند شود. و بد می داشت «شکال» در اسب ها را، یعنی این که سه پایش بسته باشد و یک پایش آزاد. یا سه پا آزاد باشد و یکی بسته ، و «الشکال» فقط در پا است و در دست نیست. -. معانی الاخبار: ۲۷۷- ۲۸۴ -

**[ترجمه]

«۱۳»

ف، [تحف العقول]: خُطْبَةُ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَ نَسْتَعِينُهُ وَ نَسْتَغْفِرُهُ وَ نَتُوبُ إِلَيْهِ وَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ

۱- ۱. راجع ص ۱۱ فيما سبق من هذا المجلد.

۲- ۲. ينزله خ ل.

۳- ۳. معانی الأخبار ص ۲۷۷- ۲۸۴.

يَهْدِ اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَ مَنْ يُضْلِلْ فَلا هادِيَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أُوصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ أَحُثُّكُمْ عَلَى الْعَمَلِ بِطَاعَتِهِ وَ أَسْتَفْتِحُ اللَّهَ بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَمَّا بَعْدُ أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا مِنِّي أُبَيِّنْ لَكُمْ فَإِنِّي لَا أَدْرِي لَعَلِّي لَا أَلْقَاكُمْ بَعْدَ عَامِي هَذَا فِي مَوْقِفِي هَذَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَ أَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ إِلَى أَنْ تَلْقَوْا رَبَّكُمْ كَحُرْمَةِ يَوْمِكُمْ هَذَا فِي شَهْرِكُمْ هَذَا فِي بَلَدِكُمْ هَذَا أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ اللَّهُمَّ اشْهَدْ فَمَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ أَمَانَةٌ فَلْيُؤَدِّهَا إِلَى مَنِ ائْتَمَنَهُ عَلَيْهَا وَ إِنَّ رِبَا الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعٌ وَ إِنَّ أَوَّلَ رِبًا أَبْدَأُ بِهِ رِبَا الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ إِنَّ دِمَاءَ الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعَةٌ وَ إِنَّ أَوَّلَ دَمٍ أَبْدَأُ بِهِ دَمُ عَامِرِ بْنِ رَبِيعَةَ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ إِنَّ مَآثِرَ الْجَاهِلِيَّةِ مَوْضُوعَةٌ غَيْرَ السِّدَانَةِ وَ السِّقَايَةِ وَ الْعَمْدُ قَوَدٌ وَ شِبْهُ الْعَمْدِ مَا قُتِلَ بِالْعَصَا وَ الْحَجَرِ وَ فِيهِ مِائَةُ بَعِيرٍ فَمَنْ زَادَ فَهُوَ مِنَ الْجَاهِلِيَّةِ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الشَّيْطَانَ قَدْ أَيِسَ أَنْ يُعْبَدَ بِأَرْضِكُمْ هَذِهِ وَ لَكِنَّهُ قَدْ رَضِيَ بِأَنْ يُطَاعَ فِيمَا سِوَى ذَلِكَ فِيمَا تُحَقِّرُونَ مِنْ أَعْمَالِكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عاماً وَ يُحَرِّمُونَهُ عاماً لِيُواطِؤُا عِدَّةَ ما حَرَّمَ اللَّهُ وَ إِنَّ الزَّمَانَ قَدِ اسْتَدَارَ كَهَيْئَتِهِ يَوْمَ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنا عَشَرَ شَهْراً فِي كِتابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضَ مِنْها أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ثَلَاثَةٌ مُتَوَالِيَةٌ وَ وَاحِدٌ فَرْدٌ ذُو الْقَعْدَةِ وَ ذُو الْحِجَّةِ وَ الْمُحَرَّمُ وَ رَجَبٌ بَيْنَ جُمَادَى وَ شَعْبَانَ (۱)

أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ اللَّهُمَّ اشْهَدْ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِنِسَائِكُمْ عَلَيْكُمْ حَقّاً وَ لَكُمْ عَلَيْهِنَّ حَقّاً حَقُّكُمْ عَلَيْهِنَّ أَنْ لَا يُوطِئْنَ فُرُشَكُمْ وَ لَا يُدْخِلْنَ أَحداً تَكْرَهُونَهُ بُيُوتَكُمْ إِلَّا بِإِذْنِكُمْ وَ أَنْ لَا يَأْتِينَ بِفاحِشَةٍ فَإِنْ فَعَلْنَ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَذِنَ لَكُمْ أَنْ تَعْضُلُوهُنَّ وَ تَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ

۱- ۱. انما قيده عليه السلام بذلک فان لربيعه شهر رجب آخر لا يوافق رجب مضر الذی بين جمادی و شعبان، و لذا روی فی بعض الأحاديث« و رجب مضر».

وَ تَضْرِبُوهُنَّ ضَرْباً غَيْرَ مُبَرِّحٍ فَإِذَا انْتَهَيْنَ وَ أَطَعْنَكُمْ فَعَلَيْكُمْ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ أَخَذْتُمُوهُنَّ بِأَمَانَةِ اللَّهِ وَ اسْتَحْلَلْتُمْ فُرُوجَهُنَّ بِكِتَابِ اللَّهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي النِّسَاءِ وَ اسْتَوْصُوا بِهِنَّ خَيْراً أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ وَ لَا يَحِلُّ لِمُؤْمِنٍ مَالُ أَخِيهِ إِلَّا مِنْ طِيبِ نَفْسٍ مِنْهُ أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ اللَّهُمَّ اشْهَدْ فَلَا تَرْجِعُنَّ بَعْدِي كُفَّاراً يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ فَإِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ مَا إِنْ أَخَذْتُمْ بِهِ لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ اللَّهُمَّ اشْهَدْ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَ إِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ كُلُّكُمْ لِآدَمَ وَ آدَمُ مِنْ تُرَابٍ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ وَ لَيْسَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ فَضْلٌ إِلَّا بِالتَّقْوَى أَلَا هَلْ بَلَّغْتُ قَالُوا نَعَمْ قَالَ فَلْيُبَلِّغِ الشَّاهِدُ الْغَائِبَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ قَدْ قَسَمَ لِكُلِّ وَارِثٍ نَصِيبَهُ مِنَ الْمِيرَاثِ وَ لَا يَجُوزُ لِمُورِثٍ وَصِيَّةٌ أَكْثَرَ مِنَ الثُّلُثِ وَ الْوَلَدُ لِلْفِرَاشِ وَ لِلْعَاهِرِ الْحَجَرُ مَنِ

ادَّعَى إِلَى غَيْرِ أَبِيهِ وَ مَنْ تَوَلَّى غَيْرَ مَوَالِيهِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفاً وَ لَا عَدْلًا وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ (۱).

**[ترجمه]تحف العقول: خطبه پیغمبر صلی الله علیه و آله در حجه الوداع: سپاس از آن خداست؛ سپاسش گوییم و یاریش جوییم و آمرزشش خواهیم و به او توبه گزاریم، و پناه بریم به خدا از شرور خودمان و بدی های کردارمان. هر که را خدا ره نماید، گمراه کننده ای ندارد و هر که را به گمراهی کشاند، راهنمایی ندارد. و گواهی می دهم که نیست شایسته پرستش جز خدا؛ یکتاست و شریک ندارد، و گواهی می دهم که محمد بنده و فرستاده او است. سفارش می کنم شما را ای بندگان خدا به تقوا در برابر خدا، و تشویق می کنم شما را به فرمانبری او و از خدا گشایش می جویم بدان چه خیر است.

اما بعد؛ ای مردم! از من بشنوید که برای شما بیان کنم، چون من نمی دانم، شاید پس از این امسال، در این ایستگاه با شما برخورد نکنم. ای مردم! همانا که خون های شما و آبروی شما بر شما حرام است تا ملاقات کنید پروردگار خود را همچون حرمت امروز شما در این ماه شما و در این شهر شما. آگاه باشید! آیا رساندم به شماها؟ خدایا گواه باش! هر که امانتی دارد، به امانت گذار برگرداند، و ربای دوران جاهلیت ملغی است، و نخستین ربا که بدان آغاز کنم، ربای عباس بن عبدالمطلب است و همه خون خواهی های دوران جاهلیت ملغی و غیر قابل تعقیب است، و نخستین خون خواهی که بدان آغاز کنم، خون عامر بن ربیعه بن حارث بن عبدالمطلب است (عموزاده خود پیغمبر صلی الله علیه وآله). همه شیوه های جاهلیت ملغی است، جز خدمتکاری کعبه و آب دادن حاجیان. کشتن عمدی قصاص دارد و شبه عمد، کشتن با عصا و سنگ است که در آن صد شتر دیه است و هر که فزون سازد، از جاهلیت باشد. ای مردم! شیطان نومید است که در این سرزمین شما پرستش شود، ولی خشنود است که فرمانش برند در غیرآن در کارهایی که از کردارهای خود کم شمارید.

ای مردم! «إنما النسی ء زیاده فی الکفر یضل به الذین کفروا یحلونه عاما و یحرمونه عاما لیواطؤا عده ما حرم الله.» - . توبه / ۳۷ - {جز این نیست که جابجا کردنِ [ماه های حرام]، فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می شوند؛ آن را یکسال حلال می شمارند، و یکسال [دیگر]، آن را حرام می دانند، تا با شماره ماه هایی که خدا حرام کرده است موافق سازند.} «نسی ء» (تاخیر حج از ماه ذیحجه) افزودن به کفر است که گمراه شوند بدان کافران و یک سال حلال سازند و یک سال حرام تا شمار ماه های حرام را برابر کنند.} و زمان چرخیده و به وضع روزی در آمده که خدا آسمان ها و زمین را آفریده. و «و إن عده الشهور عند الله اثنا عشر شهرا فی کتاب الله یوم خلق السماوات و الأرض منها أربعه حرم» - . توبه / ۳۶ - {همانا که شماره

ماه های سال نزد خدا دوازده ماه است که در کتاب خدا است در روزی که آسمان ها و زمین را آفرید که چهار ماهش حرام است.} سه تا دنبال هم و یکی تک که ذی قعده و ذیحجه و محرم باشند و رجب میان جمادی و شعبان، آیا رساندم؟ بار خدایا گواه باش! ای مردم! همانا که برای همسران شما بر شما حقی است و برای شما هم بر آنها حقی است، حق شما بر آنها این است که بستر شما را زیر پای دیگری ننهند، و کسی که نخواهید به خانه های شما در نیاورند، جز به اجازه شما و اینکه هیچ هرزگی به وجود نیاورند و اگر چنان کردند، خدا به شما اجازه داده بر آنها تنگ بگیرید، و خوابگاه آنها را ترک کنید و آنها را با زدنی که سخت نباشد (موجب دیه نگردد) بزنید و چون بازداشته شدند و فرمان شما بردند، بر شما است که {خوراک و پوشاک آنان را چنان چه متعارف است و در خور آنها است بدهید}، آنان را به حساب امانت خدا گرفتید و به حکم کتاب خدا بر خود حلال کردید. درباره زنان از خدا بترسید و پرهیزکار باشید، و به خوبی درباره آنها سفارش کنید.

ای مردم! {همانا که مؤمنان برادرند}، و حلال نشمارد مؤمن مال برادرش را جز به دلخواه او.آیا رساندم؟ بار خدایا گواه باش!

البته (پس از من) به کفر برنگردید که گردن یکدیگر را بزنید، زیرا من در میان شما گذاشتم آنچه را که اگر آن را برگیرید، هرگز گمراه نشوید، و آن قرآن است و عترتم و خاندانم. آگاه باش. آیا رساندم؟ خدایا گواه باش! ای مردم! همانا پروردگار شما یکی است، و همانا پدر شما یکی است؛ همه از آدمید و آدم از خاک و ارجمندترین شما نزد خدا با تقواترین شما است. و عربی را بر عجمی برتری نباشد جز به تقو. آیا رساندم؟ گفتند: آری. فرمود: حاضر به غایب برساند.

ای مردم! خدا قسمت نموده برای هر ارث بری سهم ارثش را از میراث و روا نیست برای ارث گزار که بیش از یک سوم مالش را وصیت برای دیگری کند، و فرزند از فراش شوهر است و به او وابسته است و برای زناکار همان سنگ است (که با آن سنگباران شود). هر که خود را به غیر پدر خود وابندد و به غیرآزادکننده های خود نسبت دهد، {بر او باد لعن خدا و فرشته ها و همه مردم}، و پذیرفته نشود از او کم و بیشی، و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته. - . تحف العقول: ۳۱- ۳۳ -

**[ترجمه]

«۱۴»

ثو، [ثواب الأعمال] عَنِ ابْنِ الْوَلِيدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنِ ابْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمِيثَمِيِّ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ وَ ابْنِ مُسْكَانَ مَعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: ثَلَاثٌ يُعَذَّبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَنْ صَوَّرَ صُورَهً مِنَ الْحَيَوَانِ يُعَذَّبُ حَتَّى يَنْفُخَ فِيهَا وَ لَيْسَ بِنَافِخٍ فِيهَا وَ الَّذِی يَكْذِبُ فِی مَنَامِهِ يُعَذَّبُ حَتَّى يَعْقِدَ بَيْنَ شَعِيرَتَيْنِ وَ لَيْسَ بِعَاقِدٍ بَيْنَهُمَا وَ الْمُسْتَمِعُ بَيْنَ قَوْمٍ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ يُصَبُّ فِی أُذُنَيْهِ الْآنُكُ وَ هُوَ الْأُسْرُبُ (۲).

**[ترجمه]ثواب الاعمال: امام صادق علیه السّلام فرمود: سه کس روز قیامت عذاب کشند: هر که صورت حیوانی را بنگارد، عذاب شود تا در آن جان بدمد و نتواند؛ کسی که در خوابش دروغ گوید، عذاب شود تا میان دو دانه جو را گره زند و نتواند؛ و آن است که میان مردمی گوش ایستد در حالی که دوست ندارند، که سرب آب شده در گوشش ریخته شود. - . ثواب الاعمال: ۲۰۱ -

**[ترجمه]

«۱۵»

سن، [المحاسن] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: سِتَّهٌ كَرِهَهَا اللَّهُ لِی فَكَرِهْتُهَا لِلْأَئِمَّهِ مِنْ ذُرِّيَّتِی وَ لْتَكْرَهْهَا الْأَئِمَّهُ علیهم السلام لِأَتْبَاعِهِمْ الْعَبَثُ فِی الصَّلَاهِ وَ الْمَنُّ فِی الصَّدَقَهِ وَ الرَّفَثُ فِی الصِّيَامِ وَ الضَّحِکُ بَيْنَ الْقُبُورِ وَ التَّطَلُّعُ فِی الدُّورِ وَ إِتْيَانُ الْمَسَاجِدِ جُنُباً قَالَ

ص: ۳۵۰

۱- ۱. تحف العقول ص ۳۱- ۳۳.

۲- ۲. ثواب الأعمال ص ۲۰۱.

قُلْتُ وَ مَا الرَّفَثُ فِي الصِّيَامِ قَالَ مَا كَرِهَ اللَّهُ لِمَرْيَمَ فِي قَوْلِهِ- إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمنِ صَوْماً فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا قَالَ قُلْتُ صَمْتٌ مِنْ أَيِّ شَيْ ءٍ قَالَ مِنَ الْكَذِبِ (۱).

**[ترجمه]محاسن: از امام صادق علیه السّلام است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شش چیز است که خدا برایم بد داشته و من آنها را برای امامان از ذریه ام بد دارم و آنان هم باید برای پیروان خود بد دارند: بازی در نماز، منت در صدقه، «رفث» در حال روزه، خنده در میان قبرها، سرکشی در خانه ها، و رفتن در مساجد با جنابت. (راوی گوید:) گفتم: رفث در روزه چه باشد؟ فرمود: آنچه خدا برای مریم بد داشت که فرموده: «إنی نذرت للرحمن صوما فلن أكلم اليوم إنسيا.» - . مریم / ۲۶ - {من برای [خدای] رحمان روزه نذر کرده ام، و امروز مطلقاً با انسانی سخن نخواهم گفت.} گوید: گفتم خموشی از چه؟ فرمود: از دروغ. - . محاسن: ۱۰ -

**[ترجمه]

«۱۶»

سن، [المحاسن] عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَا تُسَمُّوا الطَّرِيقَ السِّكَّةَ فَإِنَّهُ لَا سِكَّةَ إِلَّا سِكَكُ الْجَنَّةِ(۲).

**[ترجمه]محاسن: علی علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راه، سکه نگویید که آن نام مخصوص کوچه های بهشت است. - . محاسن: ۶۲۳ -

**[ترجمه]

«۱۷»

سر، [السرائر] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام: أَنَّهُ نَهَى عَنِ الْقَنَازِعِ وَ الْقُصَصِ وَ نَقْشِ الْخِضَابِ قَالَ وَ إِنَّمَا هَلَكَتْ نِسَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ قِبَلِ الْقُصَصِ وَ نَقْشِ الْخِضَابِ (۳).

**[ترجمه]سرائر: امام صادق از پدرش، از پدرانش علی علیهم السّلام روایت کرد که فرمود: نهی کرد از گره زدن موی سر و زلف و نگار با خضاب، و فرموده: همانا زنان بنی اسرائیل از جهت زلف و نگار خضاب هلاک شدند. - . سرائر: ۴۷۷ -

**[ترجمه]

«۱۸»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ تَعَالَى

جَنَّهَ عَدْنٍ خَلَقَ لَبِنَهَا مِنْ ذَهَبٍ یَتَلَأْلَأُ وَ مِسْکٍ مَدُوفٍ ثُمَّ أَمَرَهَا فَاهْتَزَّتْ وَ نَطَقَتْ فَقَالَتْ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَنْتَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ فَطُوبَی لِمَنْ قُدِّرَ لَهُ دُخُولِی قَالَ اللَّهُ تَعَالَی وَ عِزَّتِی وَ جَلَالِی وَ ارْتِفَاعِ مَکَانِی- لَا یَدْخُلُکِ مُدْمِنُ خَمْرٍ وَ لَا مُصِرٌّ عَلَی رِبًا وَ لَا قَتَّاتٌ وَ هُوَ النَّمَّامُ وَ لَا دَیُّوثٌ وَ هُوَ الَّذِی لَا یَغَارُ وَ یُجْتَمَعُ فِی بَیْتِهِ عَلَی الْفُجُورِ وَ لَا قَلَّاعٌ وَ هُوَ الَّذِی یَسْعَی بِالنَّاسِ عِنْدَ السُّلْطَانِ لِیُهْلِکَهُمْ وَ لَا حَیُّوفٌ وَ هُوَ النَّبَّاشُ وَ لَا خَتَّارٌ وَ هُوَ الَّذِی لَا یُوفِی بِالْعَهْدِ(۴).

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: رَأَیْتُ فِی النَّارِ صَاحِبَ الْعَبَاءَهِ الَّتِی قَدْ غَلَّهَا وَ رَأَیْتُ فِی النَّارِ صَاحِبَ الْمِحْجَنِ الَّذِی کَانَ یَسُوقُ الْحَاجَّ بِمِحْجَنِهِ وَ رَأَیْتُ فِی النَّارِ صَاحِبَهَ الْهِرَّهِ تَنْهَشُهَا مُقْبِلَهً وَ مُدْبِرَهً کَانَتْ أَوْثَقَتْهَا لَمْ تَکُنْ تُطْعِمُهَا وَ لَمْ تُرْسِلْهَا تَأْکُلُ مِنْ حِشَاشِ الْأَرْضِ وَ دَخَلْتُ الْجَنَّهَ فَرَأَیْتُ صَاحِبَ الْکَلْبِ الَّذِی أَرْوَاهُ

ص: ۳۵۱

۱- ۱. المحاسن ص ۱۰.

۲- ۲. المحاسن ص ۶۲۳.

۳- ۳. السرائر ص ۴۷۷، و فی المطبوعه رمز المحاسن و هو سهو.

۴- ۴. نوادر الراوندیّ ص ۱۷.

مِنَ الْمَاءِ(۱).

**[ترجمه]نوادر راوندی: امام کاظم از پدرانش علیهم السّلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرد که فرمود: چون خدای تعالی بهشت عدن را آفرید، خِشتش از طلای ناب بود که می درخشید و با مشک ساییده شده بود. سپس به او فرمود تا جنبشی کند و سخن گوید و او گفت: خدا تویی، نیست شایسته پرستشی جز تو که زنده و پاینده ای، خوشا بر آن که مقدر است برایش داخل من شود! خدا تعالی فرمود: به عزت و جلالم سوگند و به مقام والایم که در تو وارد نشود: دائم الخمر، و نه اصرارکننده بر ربا، و نه سخن چین و نه دیوث که غیرت ندارد و در خانه اش انجمن هرزگی بر پا شود، و نه آن که نزد سلطان از مردم بد گوید تا آنها را نابود سازد، و نه قبرکن کفن دزد و نه آن که «ختار» است، یعنی بر پیمان خود نپاید. - . نوادر راوندی: ۱۷ -

و به همین سند از رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: در آتش دیدم صاحب «عبایی» را که آن را از مردم ربوده بود، و در آتش دیدم صاحب «عصای سر کجی» را که به وسیله آن اثاث حاجیان سرقت می شد، و در آتش دیدم صاحب گربه ای را که آن را بسته بود و به آن غذا نمی داد، و نیز آن را آزاد نمی گذاشت، که از مواد روی زمین تغذیه کند، و داخل بهشت شدم و صاحب سگی را که آن حیوان را سیراب کرده بود، مشاهده کردم. - . نوادر راوندی: ۲۸ -

**[ترجمه]

«۱۹»

كَنْزُ الْفَوَائِدِ لِلْكَرَاجُكِيِّ، قَالَ أَخْبَرَنِی مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ صَخْرٍ عَنْ فَارِسِ بْنِ مُوسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ شَيْبَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الطُّوسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الدِّمَشْقِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ خَارِجَهَ الرَّقِّيِّ قَالَ قَالَ مُعَاوِيَهُ بْنُ نَضْلَهَ: كُنْتُ فِی الْوَفْدِ الَّذِينَ وَجَّهَهُمْ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ وَ فَتَحْنَا مَدِينَهَ حُلْوَانَ وَ طَلَبْنَا الْمُشْرِكِينَ فِی الشِّعْبِ فَلَمْ نَقْدِرْ عَلَيْهِمْ فَحَضَرَتِ الصَّلَاهُ فَانْتَهَيْتُ إِلَى مَاءٍ فَنَزَلْتُ عَنْ فَرَسِی وَ أَخَذْتُ بِعِنَانِهِ ثُمَّ تَوَضَّأْتُ وَ أَذَّنْتُ فَقُلْتُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ فَأَجَابَنِی شَيْ ءٌ مِنَ الْجَبَلِ وَ هُوَ يَقُولُ كَبَّرْتَ تَكْبِيراً فَفَزِعْتُ لِذَلِكَ فَزَعاً شَدِيداً وَ نَظَرْتُ يَمِيناً وَ شِمَالًا فَلَمْ أَرَ شَيْئاً فَقُلْتُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَأَجَابَنِی وَ هُوَ يَقُولُ الْآنَ حِينَ أَخْلَصْتَ فَقُلْتُ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ نَبِيٌّ بُعِثَ فَقُلْتُ حَيَّ عَلَى الصَّلَاهِ فَقَالَ فَرِيضَهٌ افْتُرِضَتْ فَقُلْتُ حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ فَقَالَ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ أَجَابَهَا وَ اسْتَجَابَ لَهَا فَقُلْتُ قَدْ قَامَتِ الصَّلَاهُ فَقَالَ الْبَقَاءُ لِأُمَّهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى رَأْسِهَا تَقُومُ السَّاعَهُ فَلَمَّا فَرَغْتُ مِنْ أَذَانِی نَادَيْتُ بِأَعْلَى صَوْتِی حَتَّى أَسْمَعْتُ مَا بَيْنَ لَابَتَیِ الْجَبَلِ فَقُلْتُ إِنْسِيٌّ أَمْ جِنِّيٌّ قَالَ فَأَطْلَعَ رَأْسَهُ مِنْ كَهْفِ الْجَبَلِ فَقَالَ مَا أَنَا بِجِنِّيٍّ وَ لَكِنْ إِنْسِيٌّ فَقُلْتُ لَهُ مَنْ أَنْتَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ قَالَ أَنَا ذريب بْنُ ثملا مِنْ حَوَارِيِّ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ عليه السلام أَشْهَدُ أَنَّ صَاحِبَكُمْ نَبِيٌّ وَ هُوَ الَّذِی بَشَّرَ بِهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ وَ لَقَدْ أَرَدْتُ الْوُصُولَ إِلَيْهِ فَحَالَتْ فِيمَا بَيْنِی وَ بَيْنَهُ فَارِسُ وَ كِسْرَى وَ أَصْحَابُهُ ثُمَّ أَدْخَلَ رَأْسَهُ فِی كَهْفِ الْجَبَلِ فَرَكِبْتُ دَابَّتِی وَ لَحِقْتُ بِالنَّاسِ وَ سَعْدُ بْنُ أَبِی وَقَّاصٍ أَمِيرُنَا فَأَخْبَرْتُهُ بِالْخَبَرِ فَكَتَبَ بِذَلِكَ إِلَى عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فَجَاءَ كِتَابُ عُمَرَ يَقُولُ الْحَقِ الرَّجُلَ فَرَكِبَ سَعْدٌ وَ رَكِبْتُ مَعَهُ حَتَّى انْتَهَيْنَا إِلَى الْجَبَلِ فَلَمْ نَتْرُكْ كَهْفاً وَ لَا شِعْباً وَ لَا وَادِياً إِلَّا الْتَمَسْنَاهُ فِيهِ فَلَمْ نَقْدِرْ عَلَيْهِ وَ حَضَرَتِ الصَّلَاهُ فَلَمَّا فَرَغْتُ مِنْ صَلَاتِی نَادَيْتُ بِأَعْلَى

١- ١. نوادر الراونديّ ص ٢٨.

صَوْتِی یَا صَاحِبَ الصَّوْتِ الْحَسَنِ وَ الْوَجْهِ الْجَمِیلِ قَدْ سَمِعْنَا مِنْکَ کَلَاماً حَسَناً فَأَخْبِرْنَا مَنْ أَنْتَ یَرْحَمُکَ اللَّهُ وَ قَدْ أَقْرَرْتَ بِاللَّهِ وَ نَبِیِّهِ قَالَ فَأَطْلَعَ رَأْسَهُ مِنْ کَهْفِ الْجَبَلِ فَإِذَا شَیْخٌ أَبْیَضُ الرَّأْسِ وَ اللِّحْیَهِ لَهَا هَامَهٌ کَأَنَّهَا رَحًی فَقَالَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ قُلْتُ وَ عَلَیْکَ السَّلَامُ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ مَنْ أَنْتَ یَرْحَمُکَ اللَّهُ قَالَ أَنَا ذریب ثملا وَصِیُّ الْعَبْدِ الصَّالِحِ عِیسَی بْنِ مَرْیَمَ علیه السلام کَانَ سَأَلَ رَبَّهُ لِیَ الْبَقَاءَ إِلَی نُزُولِهِ مِنَ السَّمَاءِ وَ قَرَارِی فِی هَذَا الْجَبَلِ وَ أَنَا مُوصِیکُمْ سَدِّدُوا وَ قَارِبُوا وَ إِیَّاکُمْ وَ خِصَالًا تَظْهَرُ فِی أُمَّهِ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَإِنْ ظَهَرَتْ فَالْهَرَبَ الْهَرَبَ لِیَقُومُ أَحَدُکُمْ عَلَی نَارِ جَهَنَّمَ حَتَّی تُطْفَأَ عَنْهُ خَیْرٌ لَهُ مِنَ الْبَقَاءِ فِی ذَلِکَ الزَّمَانِ قَالَ مُعَاوِیَهُ بْنُ نَضْلَهَ قُلْتُ لَهُ یَرْحَمُکَ اللَّهُ أَخْبِرْنَا بِهَذِهِ الْخِصَالِ لِنَعْرِفَ ذَهَابَ دُنْیَانَا وَ إِقْبَالَ آخِرَتِنَا قَالَ نَعَمْ إِذَا اسْتَغْنَی رِجَالُکُمْ بِرِجَالِکُمْ وَ اسْتَغْنَتْ نِسَاؤُکُمْ بِنِسَائِکُمْ وَ انْتَسَبْتُمْ إِلَی غَیْرِ مَنَاسِبِکُمْ وَ تَوَالَیْتُمْ إِلَی غَیْرِ مَوَالِیکُمْ وَ لَمْ یَرْحَمْ کَبِیرُکُمْ صَغِیرَکُمْ وَ لَمْ یُوَقِّرْ صَغِیرُکُمْ لِکَبِیرِکُمْ وَ کَثُرَ طَعَامُکُمْ فَلَمْ تَرَوْهُ إِلَّا بِأَغْلَی أَسْعَارِکُمْ وَ صَارَتْ خِلَافَتُکُمْ فِی صِبْیَانِکُمْ وَ رَکَنَ عُلَمَاؤُکُمْ إِلَی وُلَاتِکُمْ فَأَحَلُّوا الْحَرَامَ وَ حَرَّمُوا الْحَلَالَ وَ أَفْتَوْهُمْ بِمَا یَشْتَهُونَ اتَّخَذُوا الْقُرْآنَ أَلْحَاناً وَ مَزَامِیرَ فِی أَصْوَاتِهِمْ وَ مَنَعْتُمْ حُقُوقَ اللَّهِ مِنْ أَمْوَالِکُمْ وَ لَعَنَ آخِرُ أُمَّتِکُمْ أَوَّلَهَا وَ زَوَّقْتُمُ الْمَسَاجِدَ وَ طَوَّلْتُمُ الْمَنَابِرَ وَ حَلَّیْتُمُ الْمَصَاحِفَ بِالذَّهَبِ وَ الْفِضَّهِ وَ رَکِبَ نِسَاؤُکُمُ السُّرُوجَ وَ صَارَ مُسْتَشَارُ أُمُورِکُمْ نِسَاءَکُمْ وَ خِصْیَانَکُمْ وَ أَطَاعَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ عَقَّ وَالِدَیْهِ وَ ضَرَبَ الشَّابُّ وَالِدَیْهِ وَ قَطَعَ کُلُّ ذِی رَحِمٍ رَحِمَهُ وَ بَخِلْتُمْ بِمَا فِی أَیْدِیکُمْ وَ صَارَتْ أَمْوَالُکُمْ عِنْدَ شِرَارِکُمْ وَ کَنَزْتُمُ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ وَ شَرِبْتُمُ الْخَمْرَ وَ لَعِبْتُمْ بِالْمَیْسِرِ وَ ضَرَبْتُمْ بِالْکَبَرِ وَ مَنَعْتُمُ الزَّکَاهَ وَ رَأَیْتُمُوهَا مَغْرَماً وَ الْخِیَانَهَ مَغْنَماً وَ قُتِلَ الْبَرِیءُ لِتَغْتَاظَ الْعَامَّهُ بِقَتْلِهِ وَ اخْتُلِسَتْ قُلُوبُکُمْ فَلَمْ یَقْدِرْ أَحَدٌ مِنْکُمْ یَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا یَنْهَی عَنِ الْمُنْکَرِ وَ قَحَطَ الْمَطَرُ فَصَارَ قَیْضاً وَ الْوَلَدُ غَیْظاً وَ أَخَذْتُمُ الْعَطَایَا فَصَارَ فِی السِّقَاطِ وَ کَثُرَ أَوْلَادُ الْخَبِیثَهِ یَعْنِی الزِّنَا وَ طُفِّفَتِ الْمِکْیَالُ وَ کَلِبَ

عَلَيْكَمْ عَدُوُّكُمْ وَ ضَرَبْتُمْ بِالذِّلَّهِ وَ صِرْتُمْ أَشْقِيَاءَ وَ قَلَّتِ الصَّدَقَهُ حَتَّى يَطُوفُ الرَّجُلُ مِنَ الْحَوْلِ إِلَى الْحَوْلِ مَا يُعْطَى عَشَرَهَ دَرَاهِمَ وَ كَثُرَ الْفُجُورُ وَ غَارَتِ الْعُيُونُ فَعِنْدَهَا نَادَوْا فَلَا جَوَابَ لَهُمْ يَغْنِى دَعَوْا فَلَمْ يُسْتَجَبْ لَهُمْ (۱).

**[ترجمه]کنز کراچکی: معاویه بن نضله گفت: در قشونی بودم که عمر بن خطاب آن را گسیل کرد و شهر حلوان را گشودیم و به جستوی مشرکان در دره ها بودیم و بدانها دست نیافتیم. وقت نماز شد و من خود به آبی رسیدم و از اسبم پیاده شدم و مهارش را به دست داشتم، وضو گرفتم و اذان گفتم و چون گفتم: «الله اکبر، الله اکبر»، چیزی از کوه به من پاسخ داد که می گفت: «کبرت تکبیرا.» از این صدا به سختی در هراس شدم و به راست و چپ نگاه کردم، اما چیزی ندیدم و گفتم: «اشهد ان لا اله الا الله» و به من پاسخ داد: «اکنون است که به اخلاص رسیده.» گفتم: «اشهد ان محمدا رسول الله» و او گفت: «پیغمبری است که مبعوث شده.» گفتم: «حی علی الصلاه.» گفت: «مقرری است که واجب شده.» من گفتم: «حی علی الفلاح.» او گفت: «رستگار است هر که آن را پذیرا شود و بدان پاسخ دهد.» من گفتم: «قد قامت الصلاه» و او گفت: «امت محمد صلی الله علیه و آله پایدارند تا قیامت که بر سر آنها بر پا شود.» چون از اذانم فارغ شدم، با بلندترین آوازم فریاد کردم، به جوری که در دو کناره کوه شنیده شد و گفتم: «آدمی یا جنی؟»

گوید: سری از غار کوه بدر آمد و گفت: «جن نیستم؛ آدمم.» گفتم: «رحمت خدا بر تو، که هستی؟» گفت: «من ذریب پسر ثملا از حواریون عیسی بن مریم علیه السّلام و گواهم که سرور شما پیغمبر است و او کسی است که عیسی بن مریم بدو مژده داده و خواستم خود را به او رسانم که پارسیان به همراه خسرو و یارانش سر راهم را گرفتند.» و بعد سر خود را به درون غار کوه فرو برد.

سوار مرکبم شدم و به مردمم پیوستم و سعد بن وقاص فرمانده ما بود و آن را بدو گزارش دادم. او هم به عمر بن خطاب نوشت، و نامه عمر آمد که به آن مرد برسید .

سعد سوار شد و من هم با او سوار شدم تا بدان کوه رسیدیم و غار و دره و دشتی در آن نماند که او را جستجو کردیم و به او دست نیافتیم. وقت نماز رسید و چون از نماز فارغ شدم، با بلندترین آوازم فریاد کردم: «ای دارای آواز خوش و روی زیبا! ما از تو سخن خوبی شنیدیم. به ما بگو تو چه کسی هستی؟ خدایت رحمت کناد و تو قبول داری خدا و پیغمبرش را.»

گوید: سرش را از غار کوه به در آورد و به ناگاه پیری را دیدیم که همه موی سر و ریشش سپید بود و کله ای داشت چون سنگ آسیا. گفت: «السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.» گفتم: «و علیک السلام و رحمه الله، تو کیستی؟ خدایت رحمت کناد.» گفت: «من ذریب ثملا، وصی بنده خوب خدا عیسی بن مریم علیه السّلام هستم که برای من از خدا خواسته زنده باشم تا روزی که از آسمان فرود آید و پایگاهم این کوه است. من به شما سفارش کنم که درستکار باشید و به هم نزدیک، و بپرهیزید از خصالی که در امت محمد صلی الله علیه و آله پدید شوند و اگر پدید شدند، گریز کنید،گریز! اگر یکی از شما بر آتش دوزخ ایستد تا از او خاموش گردد، بهتر است از زنده ماندن در این زمان.» معاویه بن نضله گوید: به او گفتم: «ما را از این خصال آگاهی ده تا رفتن از دنیا و آمدن آخرت خود را بدانیم.»

گفت: «بسیار خوب. چون مردانتان به هم جنس خود بی نیاز شوند و زنان به زنان؛ و نسبت دهید خود را به غیر پدرانتان و به

غیر موالی خود؛ و رحم نکند کبیرتان به صغیرتان؛ و کوچک شما احترام نکند بزرگتان را؛ و خوردنی فراوان باشد، ولی بسیار گران؛ و خلافت و پیشوایی به کودکان شما افتد؛ و عالمان شما به والیان شما وابسته شوند و حلال کنند حرام را و حرام کنند حلال را؛ و به دلخواه آنها فتوا دهند؛ و قرآن را آوازه خوانی کنند؛ حقوق خدا را از اموالتان دریغ دارید و بازپسان امت پیشان آنها را لعن کند؛ و زیور کنید مسجدها را و بلند سازید منبرها را؛ و قرآن را با طلا و نقره آرایش کنید؛ و زن هاتان بر زین سوار شوند؛ و هم مشورت شما در کارها زن ها و خواجه سراها گردند؛ و مرد فرمان زنش را می برد و ناسپاس پدر و مادر باشد؛ و جوان والدینش را بزند؛ و همه کسی قطع رحم کند؛ و بدان چه دارید بخل می ورزید؛ و طلا و نقره گنجینه کنید و شراب نوشید و قماربازی کنید و دهل زنید؛ و زکات ندهید و آن را زیان به حساب آرید؛ و خیانت را غنیمت شمارید و بی گناه را بکشید تا مردم را به خشم آورید؛ و دل هاتان ربوده شود؛ و کسی از شما نتواند امر به معروف یا نهی از منکر کند؛ و باران بند آید و آب فرو کشد؛ و فرزند مایه دلخونی باشد؛ و حقوق خود را که بگیرید چیزهای واافتاده باشد؛ و زنازاده بسیار گردد؛ و کم فروشی شود؛ و دشمن بر شما چیره گردد و شما خوار شوید و بدبخت گردید؛ و صدقه کم باشد، تا آنجا که کسی سال تا سال بگردد و ده درهم به او ندهند؛ و هرزگی فراوان گردد؛ و چشمه ها خشک شوند و نزد آنها فریاد کشند و جوابی ندارند، یعنی دعا کنند و اجابت نشود. - . کنز کراجکی: ۵۹- ۶۰ -

**[ترجمه]

«۲۰»

الدُّرُّ الْمَنْثُورُ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام قَالَ: سِتٌّ مِنْ أَخْلَاقِ قَوْمِ لُوطٍ فِی هَذِهِ الْأُمَّهِ الْجُلَاهِقُ وَ الصَّفِیرُ وَ الْبُنْدُقُ وَ الْخَذْفُ وَ حَلُّ أَزْرَارِ الْقَبَاءِ وَ مَضْغُ الْعِلْکِ (۲).

**[ترجمه]الدر المنثور: علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: شش چیز در این امت از اخلاق قوم لوط باشند: بازی چاله با سنگریزه؛ سوت زدن؛ بازی با گلوله گِل؛ سنگریزه پراندن با دو انگشت؛ باز گذاشتن دکمه های قبا؛ و جویدن سقز یا آدامس. - . در المنثور ۴: ۳۲۴ -

**[ترجمه]

«۲۱»

کَنْزُ الْکَرَاجُکِیِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ شَاذَانَ الْقُمِّیِّ عَنْ أَبِیهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِیدِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِیَادٍ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ یُونُسَ بْنِ یَعْقُوبَ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ علیهما السلام یَقُولُ: مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ کُلُّ بَدَنٍ لَا یُصَابُ فِی کُلِّ أَرْبَعِینَ یَوْماً قُلْتُ مَلْعُونٌ قَالَ مَلْعُونٌ فَلَمَّا رَأَی عِظَمَ ذَلِکَ عَلَیَّ قَالَ لِی یَا یُونُسُ إِنَّ مِنَ الْبَلِیَّهِ الْخَدْشَهَ وَ اللَّطْمَهَ وَ الْعَثْرَهَ وَ النَّکْبَهَ وَ الْقَفْزَهَ وَ انْقِطَاعَ الشِّسْعِ وَ أَشْبَاهَ ذَلِکَ یَا یُونُسُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَکْرَمُ عَلَی اللَّهِ تَعَالَی مِنْ أَنْ یَمُرَّ عَلَیْهِ أَرْبَعُونَ لَا یُمَحَّصُ فِیهَا مِنْ ذُنُوبِهِ وَ لَوْ بِغَمٍّ یُصِیبُهُ لَا یَدْرِی مَا وَجْهُهُ وَ اللَّهِ إِنَّ أَحَدَکُمْ لَیَضَعُ الدَّرَاهِمَ بَیْنَ یَدَیْهِ فَیَزِنُهَا فَیَجِدُهَا نَاقِصَهً فَیَغْتَمُّ بِذَلِکَ ثُمَّ یَزِنُهَا فَیَجِدُهَا سَوَاءً فَیَکُونُ ذَلِکَ حَطّاً لِبَعْضِ ذُنُوبِهِ یَا یُونُسُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ آذَی جَارَهُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ رَجُلٌ یَبْدَأُ أَخُوهُ

بِالصُّلْحِ فَلَمْ يُصَالِحْهُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ حَامِلُ الْقُرْآنِ مُصِرٌّ عَلَى شُرْبِ الْخَمْرِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ عَالِمٌ يَؤُمُّ سُلْطَاناً جَائِراً مُعِيناً لَهُ عَلَى جَوْرِهِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مُبْغِضُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ مَا أَبْغَضَهُ حَتَّى أَبْغَضَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ مَنْ أَبْغَضَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله لَعَنَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ رَمَى مُؤْمِناً بِكُفْرٍ وَ مَنْ رَمَى مُؤْمِناً بِكُفْرٍ فَهُوَ كَقَتْلِهِ مَلْعُونَهٌ مَلْعُونَهٌ امْرَأَهٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَ سَعِيدَهٌ سَعِيدَهٌ امْرَأَهٌ تُكْرِمُ زَوْجَهَا وَ لَا تُؤْذِيهِ وَ تُطِيعُهُ فِي جَمِيعِ أَحْوَالِهِ.

۱- ۱. كنز الكراجكيّ ص ۵۹- ۶۰.

۲- ۲. الدرر المنثور ج ۴ ص ۳۲۴.

يَا يُونُسُ قَالَ جَدِّی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ يَظْلِمُ بَعْدِی فَاطِمَهَ ابْنَتِی وَ يَغْصِبُهَا حَقَّهَا وَ يَقْتُلُهَا ثُمَّ قَالَ يَا فَاطِمَهُ الْبُشْرَی فَلَکِ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامٌ مَحْمُودٌ تَشْفَعِينَ فِيهِ لِمُحِبِّيکِ وَ شِيعَتِکِ فَتُشَفَّعِينَ يَا فَاطِمَهُ لَوْ أَنَّ كُلَّ نَبِیٍّ بَعَثَهُ اللَّهُ وَ كُلَّ مَلَکٍ قَرَّبَهُ شَفَعُوا فِی كُلِّ مُبْغِضٍ لَکِ غَاصِبٍ لَکِ مَا أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ أَبَداً مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ قَاطِعُ رَحِمِهِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مُصَدِّقٌ بِسِحْرٍ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ قَالَ الْإِيمَانُ قَوْلٌ بِلَا عَمَلٍ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ وَهَبَ اللَّهُ لَهُ مَالًا فَلَمْ يَتَصَدَّقْ مِنْهُ بِشَیْ ءٍ أَ مَا سَمِعْتَ أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله قَالَ صَدَقَهُ دِرْهَمٍ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاهِ عَشْرِ لَيَالٍ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَرَبَ وَالِدَهُ أَوْ وَالِدَتَهُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ عَقَّ وَالِدَيْهِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ لَمْ يُوَقِّرِ الْمَسْجِدَ تَدْرِی يَا يُونُسُ لِمَ عَظَّمَ اللَّهُ حَقَّ الْمَسَاجِدِ وَ أَنْزَلَ هَذِهِ الْآيَهَ وَ أَنَّ الْمَساجِدَ لِلَّهِ فَلا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَداً(۱) كَانَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَی إِذَا دَخَلُوا كَنَائِسَهُمْ أَشْرَكُوا بِاللَّهِ تَعَالَی فَأَمَرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ نَبِيَّهُ أَنْ يُوَحِّدَ اللَّهَ فِيهَا وَ يَعْبُدَهُ (۲).

وَ مِنْهُ عَنْ أَبِی تَمِيمَهَ الْهُجَيْمِیِّ قَالَ: وَفَدْتُ عَلَی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَوَجَدْتُهُ قَاعِداً فِی حَلْقَهٍ فَقُلْتُ أَيُّكُمْ رَسُولُ اللَّهِ فَلَا أَدْرِی أَشَارَ إِلَیَّ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَقَالَ أَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَوْ أَشَارَ إِلَیَّ بَعْضُ الْقَوْمِ فَقَالُوا هَذَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فَإِذَا عَلَيْهِ بُرْدَهٌ حَمْرَاءُ تَتَنَاثَرُ هُدَبُهَا عَلَی قَدَمَيْهِ فَقُلْتُ إِلَی مَا تَدْعُو يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ أَدْعُوکَ إِلَی الَّذِی إِذَا كُنْتَ بِأَرْضٍ أَوْ فَلَاهٍ فَأَذْلَلْتَ رَاحِلَتَکَ فَدَعَوْتَهُ أَجَابَکَ وَ أَدْعُوکَ إِلَی الَّذِی إِذَا أَسْنَتَتْ أَرْضُکَ أَوْ أَجْدَبَتْ فَدَعَوْتَهُ أَجَابَکَ قَالَ قُلْتُ وَ أَبِيکَ لَنِعْمَ الرَّبُّ هَذَا فَأَسْلَمْتُ وَ قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلِّمْنِی مِمَّا عَلَّمَکَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی فَقَالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه و آله اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُحَقِّرَنَّ شَيْئاً مِنَ الْمَعْرُوفِ وَ لَوْ أَنْ تَلْقَی أَخَاکَ وَ وَجْهُکَ مَبْسُوطٌ إِلَيْهِ وَ إِيَّاکَ وَ إِسْبَالَ الْإِزَارِ فَإِنَّهُ مِنَ الْمُخَايَلَهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتالٍ فَخُورٍ(۳) وَ لَا تَسُبَّنَّ أَحَداً وَ إِنِ امْرُؤٌ سَبَّکَ بِأَمْرٍ لَا يَعْلَمُ فِيکَ فَلَا تَسُبَّهُ بِأَمْرٍ تَعْلَمُهُ فِيهِ فَيَكُونَ

۱- ۱. الجن: ۱۸.

۲- ۲. كنز الكراجكیّ ص ۶۳ و ۶۴.

۳- ۳. لقمان: ۱۸.

لَکَ الْأَجْرُ وَ عَلَیْهِ الْوِزْرُ(۱).

**[ترجمه]کنز کراجکی: .یونس بن یعقوب گفت: امام صادق علیه السّلام می فرمود: ملعون است ملعون هر تنی که در هر چهل روز آسیبی نبیند (راوی گوید: با شگفتی) گفتم: ملعون است؟ فرمود: ملعون است! و چون دید این بر من گران است، به من فرمود: ای یونس! از آسیب و بلاـ محسوب است خراش در تن، سیلی خوردن، لغزیدن، افتادن و جستن، پاره شدن بند کفش و همانند آنها. ای یونس! مؤمن گرامی تر است نزد خدا از اینکه چهل روز بر او گذرد و از گناهانش پاک نشود، اگرچه با اندوهی که به وی رسد و نداند از چه باشد. به خدا که یکی از شماها چند سکه پول در پیش دارد و آن را وزن می کند و دریابد کم است و اندوه خورد بدان (باز وزنش کند) و دریابد که درست است و بدین وضع گناهش فرو ریزد.

ای یونس! ملعون است ملعون کسی که همسایه خود را آزاردهد؛ ملعون است ملعون کسی که برادرش به او پیشنهاد صلح کند و او نپذیرد؛ ملعون است ملعون قرآن دانی که اصرار به شراب خواری دارد؛ ملعون است ملعون کسی که پیشوای سلطان ناحقی باشد و کمک کننده او به ستمکاری اش باشد؛ ملعون است ملعون دشمن علی بن ابی طالب علیه السّلام. و فرمود: او را دشمن ندارد تا این که رسول خدا صلی الله علیه و آله دشمن دارد و هر که رسول خدا صلی الله علیه و آله را دشمن دارد، خدا در دنیا و آخرت لعنتش کند. ملعون است ملعون کسی که مؤمنی را به کفر متهم کند و هر که چنین کند، چون کشنده او باشد؛ ملعون است ملعون زنی که شوهرش را آزار کند، و سعادتمند است زنی که گرامی دارد شوهرش را و آزارش ندهد و در هر حال فرمانش را ببرد. ای یونس! جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ملعون است ملعون کسی که پس از من به دخترم فاطمه علیه السّلام ستم کند و حقش را غصب کند و او را بکشد. و آنگاه فرمود: ای فاطمه! مژده گیر که تو را نزد خدا مقام پسندیده ای است که در آن برای دوستان و شیعیانت شفاعت کنی و پذیرفته شود. ای فاطمه! اگر هر پیغمبری که خدا مبعوثش کرده و هر فرشته ای که خدا مقربش کرده، شفاعت کنند درباره هر دشمنت و غاصب حقت را خدایش هرگز از دوزخ بیرون نیاورد.

ملعون است ملعون آن است که قطع رحم کند؛ ملعون است ملعون باوردار به جادو؛ ملعون است ملعون آن که گوید: ایمان همان گفتار تنها است بی کردار (یعنی عمل در معنی ایمان شرط نیست)؛ ملعون است ملعون کسی که خدایش مالی داده و هیچ از آن صدقه به فقرا نداده. آیا نشنیدی که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: یک درهم صدقه بهتر است از نماز ده شب؟ ملعون است ملعون کسی که پدرش یا مادرش را بزند؛ ملعون است ملعون عاق والدینش؛ ملعون است ملعون کسی که مسجد را محترم نشمارد. ای یونس! می دانی چرا خدا حق مساجد را بزرگ داشته و این آیه را نازل کرده: «و أن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحدا.» - . جن/ ۱۸ - {و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مخوانید.} چون یهود و ترسایان وقتی به معبدهای خود در آمدند، برای خدای تعالی شریک می ساختند و خدا پیغمبرش را فرمود تا خدا را در آنها یکتا داند و او را بپرستد. - . کنز کراجکی/ ۶۳ - ۶۴ -

و از همان است: از ابن تیمیه هجیمی نقل است که بر رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدم و یافتمش که در میان حلقه ای نشسته است. گفتم: کدامین شما رسول خدایید؟ من او را نمی شناختم و رسول خدا صلی الله علیه و آله به من اشاره کرد که منم رسول الله یا یکی از آن مردم به من اشاره کرد و گفت: این است رسول الله! ناگاه دیدم بردی سرخ پوشیده که ریشه

هایش بر روی دو پایش ریخته. گفتم: ای رسول خدا! به چه دعوت می کنی؟ فرمود: تو را دعوت کنم بدان که چون در سرزمینی یا بیابانی باشی و مَرکب سواری خود را گم کنی و او را بخوانی، تو را اجابت کند. و تو را می خوانم بدان که چون سرزمینت قحطی شد یا خشکسالی شد و او را بخوانی، تو را اجابت کند. گفتم: به جان پدرت که چه خوب پروردگاری است او! و مسلمان شدم و گفتم: یا رسول الله! به من بیاموز از آنچه که خدا تبارک و تعالی به تو آموخته است. پیغمبر فرمود: از خدا بترس و هیچ نیکی را کم مگیر، اگرچه خوشرویی با برادرت باشد چون با او بر خورد کنی، و بپرهیز از دامن کشی که از بزرگی خواهی است و خدا تبارک و تعالی فرموده: «إن الله لا یحب کل مختال فخور.» - . لقمان/ ۱۸ - {خدا خودپسندِ لافزن را دوست نمی دارد.} و کسی را دشنام مده، و اگر کسی به تو دشنامی داد و تو را به عیبی یاد کرد که در تو نیست، تو بدان چه در او است به او دشنامی نده تا اینکه تو ثواب بری و او گناه بَرَد. - . کنز کراجکی: ۹۵ -

**[ترجمه]

«۲۲»

كِتَابُ زَيْدٍ النَّرْسِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلَهُ بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ طَلَبِ الصَّيْدِ وَ قَالَ لَهُ إِنِّي رَجُلٌ أَلْهُو بِطَلَبِ الصَّيْدِ وَ ضَرْبِ الصَّوَالِجِ وَ أَلْهُو بِلَعِبِ الشِّطْرَنْجِ قَالَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَمَّا الصَّيْدُ فَإِنَّهُ مُبْتَغًى بَاطِلٌ وَ إِنَّمَا أَحَلَّ اللَّهُ الصَّيْدَ لِمَنِ اضْطُرَّ إِلَى الصَّيْدِ فَلَيْسَ الْمُضْطَرُّ إِلَى طَلَبِهِ سَعْيُهُ فِيهِ بَاطِلًا وَ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ جَمِيعاً إِذَا كَانَ مُضْطَرّاً إِلَى أَكْلِهِ وَ إِنْ كَانَ مِمَّنْ يَطْلُبُهُ لِلتِّجَارَهِ وَ لَيْسَتْ لَهُ حِرْفَهٌ إِلَّا مِنْ طَلَبِ الصَّيْدِ فَإِنَّ سَعْيَهُ حَقٌّ وَ عَلَيْهِ التَّمَامُ فِي الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ لِأَنَّ ذَلِكَ تِجَارَتُهُ فَهُوَ بِمَنْزِلَهِ صَاحِبِ الدَّوْرِ الَّذِي يَدُورُ الْأَسْوَاقَ فِي طَلَبِ التِّجَارَهِ أَوْ كَالْمُكَارِي وَ الْمَلَّاحِ وَ مَنْ طَلَبَهُ لَاهِياً وَ أَشِراً وَ بَطِراً فَإِنَّ سَعْيَهُ ذَلِكَ سَعْيٌ بَاطِلٌ وَ سَفَرٌ بَاطِلٌ وَ عَلَيْهِ التَّمَامُ فِي الصَّلَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَفِي شُغُلٍ عَنْ ذَلِكَ شَغَلَهُ طَلَبُ الْآخِرَهِ عَنِ الْمَلَاهِي وَ أَمَّا الشِّطْرَنْجُ فَهِيَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ(۲) فَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي شُغُلٍ مَا لَهُ وَ الْمَلَاهِي فَإِنَّ الْمَلَاهِيَ تُورِثُ قَسَاوَهَ الْقَلْبِ وَ تُورِثُ النِّفَاقَ وَ أَمَّا ضَرْبُكَ بِالصَّوَالِجِ (۳)

فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَكَ يَرْكُضُ وَ الْمَلَائِكَهَ تَنْفِرُ عَنْكَ وَ إِنْ أَصَابَكَ شَيْ ءٌ لَمْ تُؤْجَرْ وَ مَنْ عَثَرَ بِهِ دَابَّتُهُ فَمَاتَ دَخَلَ النَّارَ(۴).

**[ترجمه]کتاب زید نرسی: امام صادق علیه السّلام فرمود: یکی از اصحاب ما از آن حضرت پرسید: من مردی هستم شکارباز و چوگان باز و شطرنج باز. فرمود: بازی شکار جویای بیهوده است. همانا خدا شکار را حلال کرده برای کسی که بدان ناچار است در زندگی که کوشش در آن بیهوده نیست، و در سفر برای آن باید نماز را شکسته بخواند و روزه نگیرد، برای آن است که قوت او است. و اگر برای کسب باشد و پیشه ای جز شکار ندارد، کوشش او درست است و نماز و روزه اش هم تمام است، چون مانند کسی است که برای تجارت در گردش است و مانند چاروادار و کارگر کشتی است (که شغل آنها سفر است). و کسی که برای بازی و خوشگذرانی و سرکشی به دنبال شکار رود، کارش بیهوده و سفرش نادرست است و باید در آن روزه دارد و نمازش را تمام بخواند. و مؤمن را چه کار به آن؟ کار مؤمن طلب آخرت است در برابر بازی ها. و اما شطرنج همان است که خدا عزوجل درباره اش فرموده است: «فاجتنبوا الرجس من الأوثان و اجتنبوا قول الزور.» - . حج/ ۳۰ - {پس، از پلیدیِ بت ها دوری کنید، و از گفتار باطل اجتناب ورزید.} و گفتار ناحق موسیقی است. و همانا که مؤمن از همه اینها

روی گردان است. او را بـا بـازی ها چه کار؟ بازی ها قساوت قلب آورنـد و نفاق آورنـد. و اما چوگان بازی، - . چوگان یک چوب دستی است سر کج که با آن سواره به گوی زنند. - شیطان به همراهت می دود و فرشته ها از تو نفرت کنند و اگر به تو سودی رسد، برایت ثواب ندارد و هر کس از مرکبش به زیر افتد و بمیرد، در دوزخ باشد. - . مستدرک ۱: ۵۰۲ و ۲: ۴۵۸ -

**[ترجمه]

«۲۳»

ل، [الخصال] عَنِ ابْنِ الْوَلِیدِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِیسَ عَنِ الْأَشْعَرِیِّ رَفَعَهُ إِلَی أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ: نَهَی رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله أَنْ یُسَلَّمَ عَلَی أَرْبَعَهٍ عَلَی السَّکْرَانِ فِی سُکْرِهِ وَ عَلَی مَنْ یَعْمَلُ التَّمَاثِیلَ وَ عَلَی مَنْ یَلْعَبُ بِالنَّرْدِ وَ عَلَی مَنْ یَلْعَبُ بِالْأَرْبَعَهَ عَشَرَ وَ أَنَا أَزِیدُکُمُ الْخَامِسَهَ أَنْهَاکُمْ أَنْ تُسَلِّمُوا عَلَی أَصْحَابِ الشِّطْرَنْجِ (۵).

**[ترجمه]خصـال: امیر مؤمنـان علیه السّـلام فرمود: پیغمـبر صـلی الله علیه و آله نهی کرد از سـلام بر چهـارنفر: بر مست تـا در مستی است؛ بر کسـی که مجسـمه می سازد؛ بر کسـی که نرد باز است؛ و بر کسـی که با اربعه عشر بازی کند، و من پنجمی را برایتان بیافزایم و شما را نهی کنم از سلام بر شطرنج باز. - . خصال ۱: ۱۱۲ -

**[ترجمه]

«۲۴»

ب، [قرب الإسناد] عَنْ عَلِیٍّ عَنْ أَخِیهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّمَاثِیلِ هَلْ یَصْلُحُ أَنْ یُلْعَبَ بِهَا قَالَ لَا

ص: ۳۵۶

۱- ۱. کنز الکراجکیّ ص ۹۵.

۲- ۲. الحجّ: ۳۰.

۳- ۳. الصوالج جمع الصولجان و هو معرب چوگان بالفارسیه. و المراد العصا التی یعطف طرفها یضرب بها الکره علی الدوابّ.

۴- ۴. راجع المستدرک ج ۱ ص ۵۰۲ ج ۲ ص ۴۵۸.

۵- ۵. الخصال ج ۱ ص ۱۱۲، و قد مر شرح الأربعه عشر فیما سبق من هذا المجلد ص ۸.

وَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْقِرْطَاسِ يَكُونُ فِيهِ الْكِتَابَةُ فِيهِ ذِكْرُ اللَّهِ أَ يَصْلُحُ إِحْرَاقُهُ بِالنَّارِ فَقَالَ إِنْ تَخَوَّفْتَ فِيهِ شَيْئاً فَأَحْرِقْهُ فَلَا بَأْسَ (۱).

**[ترجمه]قرب الاسناد: از علی از برادرش (امام کاظم علیهم السّلام) روایت است که گفت: از مجسمه ها پرسیدم که آیا بازی با آنها خوب است یا نه؟ فرمود: نه. و پرسیدمش از کاغذی که نوشته دارد و در آن ذکر خدا است، آیا می شود آن را با آتش سوزانید؟

فرمود: اگر در آن است چیزی که از وجود آن ترس داری باکی ندارد - . قرب الاسناد: ۱۶۴ - (یعنی اسرار مذهب شیعه در آن باشد و بیم آن است که مخالفان آن را بگیرند و دارنده آن یا نویسنده یا دیگری را تعقیب کنند - مترجم).

**[ترجمه]

«۲۵»

ع، [علل الشرائع] عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ الْعَطَّارِ عَنِ الْأَشْعَرِيِّ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ رَجُلٍ عَنِ ابْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ رَفَعَ الْحَدِيثَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: فِي كَلَامٍ كَثِيرٍ لَا تُؤْوُوا مِنْدِيلَ اللَّحْمِ فِي الْبَيْتِ فَإِنَّهُ مَرْبِضُ الشَّيْطَانِ وَ لَا تُؤْوُوا التُّرَابَ خَلْفَ الْبَابِ فَإِنَّهُ مَأْوَى الشَّيْطَانِ وَ إِذَا خَلَعَ أَحَدُكُمْ ثِيَابَهُ فَلْيُسَمِّ لِئَلَّا يَلْبَسَهُ الْجِنُّ فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يُسَمِّ عَلَيْهَا لَبِسَتْهَا الْجِنُّ حَتَّى يُصْبِحَ وَ لَا تَتْبَعُوا الصَّيْدَ فَإِنَّكُمْ عَلَى غِرَّةٍ وَ إِذَا بَلَغَ أَحَدُكُمْ بَابَ حُجْرَتِهِ فَلْيُسَلِّمْ فَإِنَّهُ يَفِرُّ الشَّيْطَانُ وَ إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ بَيْتَهُ فَلْيُسَلِّمْ فَإِنَّهُ يَنْزِلُهُ الْبَرَكَةُ وَ تُؤْنِسُهُ الْمَلَائِكَةُ وَ لَا يَرْتَدِفْ ثَلَاثَةٌ عَلَى دَابَّةٍ فَإِنَّ أَحَدَهُمْ مَلْعُونٌ وَ هُوَ الْمُقَدَّمُ وَ لَا تُسَمُّوا الطَّرِيقَ السِّكَّةَ فَإِنَّهُ لَا سِكَّةَ إِلَّا سِكَكُ الْجَنَّةِ وَ لَا تُسَمُّوا أَوْلَادَكُمُ الْحَكَمَ وَ لَا أَبَا الْحَكَمِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَكَمُ وَ لَا تَذْكُرُوا الْأُخْرَى إِلَّا بِخَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْأُخْرَى وَ لَاتُسَمُّوا الْعِنَبَ الْكَرْمَ فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ هُوَ الْكَرْمُ وَ اتَّقُوا الْخُرُوجَ بَعْدَ نَوْمِهِ فَإِنَّ لِلَّهِ دوابا [دَوَابَ] يَبُثُّهَا يَفْعَلُونَ ما يُؤْمَرُونَ وَ إِذَا سَمِعْتُمْ نُبَاحَ الْكَلْبِ وَ نَهِيقَ الْحَمِيرِ فَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَإِنَّهَا يَرَوْنَ وَ لَا تَرَوْنَ- فَافْعَلُوا ما تُؤْمَرُونَ وَ نِعْمَ اللَّهْوُ الْمِغْزَلُ لِلْمَرْأَةِ الصَّالِحَةِ(۲).

**[ترجمه]علل الشرائع: علی بن ابی طالب علیه السّلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در گفتاری بسیار فرمود: دستمال گوشت را در اتاق جا ندهید که خوابگاه شیطان است؛ و خاکروبه را پشت در جا ندهید که جایگاه شیطان است؛ و چون جامه از تن در آورید، نام خدا برید تا جن آن را نپوشد و اگر نام خدا بر آن نبرید، تا صبح جن آن را بپوشد؛ و دنبال شکار نروید که در خطر باشید؛ و چون کسی به در اتاقش رسد، سلام کند که شیطان بگریزد؛ و چون یکی به خانه اش درآید، سلام کند که برکت آورد و فرشته ها همدمش شوند؛ و سه نفر بر یک مَرکب سواری پشت هم سوار نشوند که یکی از آنها ملعون است و او است که پیش سوار است؛ و راه را «السکه» ننامید که سکه خاص کوچه های بهشت است؛ و نام فرزندتان را «حکم» و «ابو الحکم» ننهید که حکم نام خاص خدا است؛ و لفظ «اخری» را جز به خوبی نبرید که خدا همان اخری است؛ و انگور را کَرم [بزرگوار] ننامید که مؤمن همان کرم است؛ و بپرهیزید از مسافرت پس از چرت، زیرا خدا را جانورانی است که آنها را پراکنده کند تا هر چه خواهند بکنند که فرمان دارند؛ و چون عوعو سگ و عرعر خر شنوید، به خدا پناه برید از شیطان رجیم، زیرا آنان بینند آنچه شما نبینید؛ و انجام دهید هر چه را فرمان دارید؛ و چه خوب بازی ای است چرخ ریسی برای زن شایسته و خوب. - . علل الشرائع ۲: ۲۷۰ -

**[ترجمه]

«۲۶»

م، [تفسير الإمام عليه السلام] قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله: وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ مَنْ تَعَاطَى بَاباً مِنَ الشَّرِّ وَ الْعِصْيَانِ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصَانِ الزَّقُّومِ فَهُوَ مُؤَدِّيهِ إِلَى النَّارِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً فَمَنْ قَصَّرَ فِي صَلَاتِهِ الْمَفْرُوضَةِ وَ ضَيَّعَهَا فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ كَانَ عَلَيْهِ فَرْضُ صَوْمٍ فَفَرَّطَ فِيهِ وَ ضَيَّعَهُ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ جَاءَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ فَقِيرٌ ضَعِيفٌ يَعْرِفُ سُوءَ حَالِهِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِ حَالِهِ مِنْ غَيْرِ ضَرَرٍ يَلْحَقُهُ وَ لَيْسَ هُنَاكَ مَنْ يَنُوبُ عَنْهُ وَ يَقُومُ مَقَامَهُ فَتَرَكَهُ يُضَيَّعُ وَ يَعْطَبُ وَ لَمْ يَأْخُذْ بِيَدِهِ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ

۱- ۱. قرب الإسناد ص ۱۶۴.

۲- ۲. علل الشرائع ج ۲ ص ۲۷۰، و قد مر أيضا ص ۱۷۵ فيما سبق.

وَ مَنِ اعْتَذَرَ إِلَيْهِ مُسِيءٌ فَلَمْ يَعْذِرْهُ ثُمَّ لَمْ يَقْتَصِرْ بِهِ عَلَى قَدْرِ عُقُوبَةِ إِسَاءَتِهِ بَلْ أَرْبَى عَلَيْهِ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ ضَرَبَ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ زَوْجِهِ وَ الْوَالِدِ وَ وَلَدِهِ أَوِ الْأَخِ وَ أَخِيهِ أَوِ الْقَرِيبِ وَ قَرِيبِهِ أَوْ بَيْنَ جَارَيْنِ أَوْ خَلِيطَيْنِ أَوْ أُخْتَيْنِ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ شَدَّدَ عَلَى مُعْسِرٍ وَ هُوَ يَعْلَمُ إِعْسَارَهُ فَزَادَ غَيْظاً وَ بَلَاءً فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ كَانَ عَلَيْهِ دَيْنٌ فَكَسَرَهُ عَلَى صَاحِبِهِ وَ تَعَدَّى عَلَيْهِ حَتَّى أَبْطَلَ دَيْنَهُ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ جَفَا يَتِيماً وَ آذَاهُ وَ تَهَضَّمَ مَالَهُ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ وَقَعَ فِي عِرْضِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ وَ حَمَلَ النَّاسَ عَلَى ذَلِكَ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ تَغَنَّى بِغِنَاءٍ حَرَامٍ يَبْعَثُ فِيهِ عَلَى الْمَعَاصِي فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ قَعَدَ يُعَدِّدُ قَبَائِحَ أَفْعَالِهِ فِي الْحُرُوبِ وَ أَنْوَاعَ ظُلْمِهِ لِعِبَادِ اللَّهِ فَيَفْتَخِرُ بِهَا فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ كَانَ جَارُهُ مَرِيضاً فَتَرَكَ عِيَادَتَهُ اسْتِخْفَافاً بِحَقِّهِ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ مَاتَ جَارُهُ فَتَرَكَ تَشْيِيعَ جَنَازَتِهِ تَهَاوُناً بِهِ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ مُصَابٍ وَ جَفَاهُ إِزْرَاءً عَلَيْهِ وَ اسْتِصْغَاراً لَهُ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ عَقَّ وَالِدَيْهِ أَوْ أَحَدَهُمَا فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ مَنْ كَانَ قَبْلَ ذَلِكَ عَاقّاً لَهُمَا فَلَمْ يُرْضِهِمَا فِي هَذَا الْيَوْمِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى ذَلِكَ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ كَذَا مَنْ فَعَلَ شَيْئاً مِنْ سَائِرِ أَبْوَابِ الشَّرِّ فَقَدْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْهُ وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيّاً إِنَّ الْمُتَعَلِّقِينَ بِأَغْصَانِ شَجَرَةِ الزَّقُّومِ يَخْفِضُهُمْ تِلْكَ الْأَغْصَانُ إِلَى الْجَحِيمِ (۱).

**[ترجمه]تفسیر امام حسن عسکری: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بدان که مرا به درستی فرستاده قسم که هر کس بابی از بدکاری و نافرمانی را در روز اول شعبان به دست گیرد، به شاخه ای از شاخه های زقوم آویزان شده که او را به دوزخ کشد. سپس آن حضرت فرمود: بدان که مرا به حق به پیغمبری فرستاده، هر که در نماز فریضه خود کوتاهی کند و آن را ضایع سازد، البته که به شاخه ای از آن چسبیده باشد و هر که روزه واجب بر او باشد و کوتاهی کند و ضایعش سازد، به شاخه ای از آن چسبیده. و هر که در این روز مستمند ناتوانی نزدش آید و پریشان حالی او را بیند و بتواند حالش را اصلاح کند بی آنکه زیانی به او رسد، و در آنجا دیگری نباشد تا به جای او قیام کند به اصلاح او و او را وانهد تا ضایع و نابود گردد و دستش را نگیرد، به شاخه ای از آن زقوم آویخته باشد. و هر که عذر بدکار به خود را نپذیرد و بیش از آنچه به او کرده به او بد کند، البته به شاخه ای از آن چسبیده است. و هر که به هم زننده میانه مرد و همسرش باشد و میان پدر و فرزندش را و دو برادر را و دو خویشاوند یا میان دو آمیزش کن را و دو خواهر را به هم زند، البته که به شاخه ای از آن آویخته است. و هر که سخت گیرد بر شخص ندار - در حالی که می داند که ندارد - و خشم و گرفتاری او را بیفزاید، او هم البته که به شاخه ای از آن چسبیده است. و هر که بدهکاری دارد و آن را بر بستانکار درهم شکند و به او تجاوز کند تا قرضش را بیهوده سازد، البته که به شاخه ای از آن چسبیده است. و هر که به یتیمی جفا کند و آزار رساند و مالش را بخورد، البته به شاخه ای از آن چسبیده است. و هر که آبروی برادر مؤمن خود را ببرد و مردم را بدان وادارد، البته که به شاخه ای از آن چسبیده است. و هر که آوازه حرامی بخواند که در آن به گناهان وادار کند، البته که به شاخه ای از آن چسبیده است. و هر که بنشیند و کارهای زشت خود را در جنگ ها و ستم ها که به بندگان خدا کرده برآنها بر شمارد و بدان ببالد، البته که به شاخه ای از آن چسبیده است. و هر که همسایه بیمار دارد و برای کم گرفتن حقش به عیادتش نرود، البته که به شاخه ای از آن چسبیده است. و هر که همسایه اش بمیرد و برای اهانت به او و حقش به تشییع جنازه اش نرود، البته که به شاخه ای از آن چسبیده است. و هر که از آسیب رسیده ای رو گرداند و برای پست شمردن و کم گرفتنش بر او جفا روا دارد، به شاخه ای از آن چسبیده است. و هر که ناسپاسی کند بر پدر و مادرش یا یکی از آن دو، البته که به شاخه ای از آن چسبیده است. و هر که در پیش ناسپاس آنان بوده و در این روز آنها را راضی نکند و بر آن توانا باشد، او هم به شاخه ای از آن چسبیده است. و چنان است هر که یک کار بدی انجام دهد که البته به شاخه ای از آن چسبیده است. و سوگند بدان که مرا به درستی به پیغمبری مبعوث کرده آنان

که به شاخه های درخت ز قوم چسبیدند، همه را آن شاخه ها به دوزخ سوزان فروکشد. - . تفسیر امام حسن عسکری: ۲۹۴ - ۲۹۵ -

**[ترجمه]

«۲۷»

نَوَادِرُ الرَّاوَنْدِیِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ علیهم السلام قَالَ قَالَ عَلِیٌّ علیه السلام: لَا تَقُولُوا امْرَأَهٌ طَامِثٌ فَتَكْذِبُوا وَ لَكِنْ قُولُوا حَائِضٌ وَ الطَّمْثُ الْجِمَاعُ قَالَ اللَّهُ تَعَالَی لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَ لا جَانٌّ وَ لَا تَقُولُوا صِرْتُ إِلَی الْخَلَاءِ وَ لَكِنْ قُولُوا كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَی- أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغائِطِ وَ لَا تَقُولُوا أُهَرِيقُ الْمَاءَ فَتَكْذِبُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَنْطَلِقُ أَبُولُ وَ لَا يُسَمَّی الْمُسْلِمُ رُجَيْلًا وَ لَا يُسَمَّی الْمُصْحَفُ مُصَيْحِفاً وَ لَا الْمَسْجِدُ مُسَيْجِداً(۲).

ص: ۳۵۸

۱- ۱. تفسير الإمام ص ۲۹۴ و ۲۹۵.

۲- ۲. نوادر الراوندیّ ص ۴۱.

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله عَلَى قَوْمٍ نَصَبُوا دَجَاجَةً حَيَّةً وَ هُمْ يَرْمُونَهَا بِالنَّبْلِ فَقَالَ مَنْ هَؤُلَاءِ لَعَنَهُمُ اللَّهُ (۱).

**[ترجمه]نوادر راوندی: امام کاظم از پدرانش علیهم السّلام، از علی علیه السّلام روایت کرد که فرمود: نگویید زن «طامث» تا دروغ گفته باشید، بلکه بگویید حائض زیرا طمث به معنی جماع است. خدای تعالی فرموده: «لم یطمثهن إنس قبلهم و لا جان» - . الرحمن / ۷۴ - {دست هیچ انس و جنّی پیش از ایشان به آنها نرسیده است.} و نگویید که به خلاء رفتم، بلکه بگویید چنانی که خدا فرموده: «أو جاء أحد منکم من الغائط.» - . نساء / ۴۳ -

{یا یکی از شما از قضای حاجت آمد.} و نگویید «اهریق الماء» تا دروغ گفته باشید، بلکه بگویید می روم ادرار کنم، و به مسلمان «رجیل» (مرد کوچک) نام ننهند و مصحف را «مصیحف» (مصحف کوچک) ننامند و مسجد را «مسیجد» ننامند. - . نوادر راوندی: ۴۱ -

و به همین سند گفته: رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مردمی گذر کرد که جوجه زنده ای را واداشته و به آن تیر می زدند. فرمود: اینان کیانند؟ خدا لعنتشان کناد! - . نوادر راوندی: ۳۳ -

**[ترجمه]

«۲۸»

نهج، [نهج البلاغه] عَنْ نَوْفٍ الْبِكَالِيِّ قَالَ: خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام ذَاتَ لَيْلَةٍ وَ قَدْ خَرَجَ مِنْ فِرَاشِهِ فَنَظَرَ إِلَى النُّجُوم فَقَالَ يَا نَوْفُ إِنَّ دَاوُدَ علیه السلام قَامَ فِي مِثْلِ هَذِهِ السَّاعَهِ مِنَ اللَّيْلِ فَقَالَ إِنَّهَا سَاعَهٌ لَا يَدْعُو فِيهَا عَبْدٌ رَبَّهُ إِلَّا اسْتُجِيبَ لَهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَشَّاراً أَوْ عَرِيفاً أَوْ شُرْطِيّاً أَوْ صَاحِبَ عَرْطَبَهٍ.

و هی الطنبور أو صاحب کوبه و هی الطبل و قد قیل أیضا إن العرطبه الطبل و الکوبه الطنبور.

**[ترجمه]نهج البلاغه: از نوف بکالی نقل است که امیر مؤمنان علیه السّلام شبی که بیرون رفته بود، از بسترش به در آمد و به ستاره ها نگاه کرد و فرمود: ای نوف! همانا داود علیه السّلام در چنین ساعتی از شب برخاست. پس فرمود: همانا این ساعتی است که بنده ای در آن به درگاه پروردگارش دعا نکند، جز آنکه برایش مستجاب شود، مگر اینکه گمرکچی یا کدخدا یا شرطی (پاسبان) یا صاحب عرطبه.

و صاحب عرطبه: طنبور زن یا طبل زن است و همچنین گفته شده عرطبه طبل است و کوبه طنبور است.

**[ترجمه]

«۲۹»

ما، [الأمالی للشیخ الطوسی] عَنِ الْمُفِیدِ عَنْ إِبْرَاهِیمَ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جُمْهُورٍ عَنْ أَبِی بَکْرٍ الْمُفِیدِ الْجَرْجَرَائِیِّ عَنْ أَبِی الدُّنْیَا الْمُعَمَّرِ الْمَغْرِبِیِّ عَنْ أَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله یَقُولُ: مَنْ کَذَبَ فِی رُؤْیَاهُ کُلِّفَ أَنْ یَعْقِدَ بَیْنَ طَرَفَیْ شَعِیرَهٍ وَ لَیْسَ بِعَاقِدٍ.

بِهَذَا الْإِسْنَادِ قَالَ صلی الله علیه و آله: لَا تَتَّخِذُوا قَبْرِی مَسْجِداً وَ لَا بُیُوتَکُمْ قُبُوراً(۲).

**[ترجمه]امالی شیخ طوسی: رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: هر که خواب دروغ از خود گوید، وادار شود میان دو طرف یک دانه جو را گره زند و نتواند.

و به همین سند است که صلی الله علیه و آله فرمود: قبر مرا مسجد نگیرید و خانه های خود را قبور نگیرید. - . امالی طوسی -

**[ترجمه]

«۳۰»

ثو، [ثواب الأعمال] ابْنُ الْمُتَوَکِّلِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَیْنِ بْنِ یَزِیدَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو النَّصِیبِیِّ عَنْ أَبِی الْحَسَنِ الْخُرَاسَانِیِّ عَنْ مَیْسَرَهَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِی عَائِشَهَ السَّعْدِیِّ عَنْ یَزِیدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ عَبْدِ الْعَزِیزِ عَنْ أَبِی سَلَمَهَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِی هُرَیْرَهَ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالا: خَطَبَنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَبْلَ وَفَاتِهِ وَ هِیَ آخِرُ خُطْبَهٍ خَطَبَهَا بِالْمَدِینَهِ حَتَّی لَحِقَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَوَعَظَنَا بِمَوَاعِظَ ذَرَفَتْ مِنْهَا الْعُیُونُ وَ وَجِلَتْ مِنْهَا الْقُلُوبُ وَ اقْشَعَرَّتْ مِنْهَا الْجُلُودُ وَ تَقَلْقَلَتْ مِنْهَا الْأَحْشَاءُ أَمَرَ بِلَالًا فَنَادَی الصَّلَاهَ جَامِعَهً فَاجْتَمَعَ النَّاسُ وَ خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حَتَّی ارْتَقَی الْمِنْبَرَ فَقَالَ یَا أَیُّهَا النَّاسُ ادْنُوا وَ وَسِّعُوا لِمَنْ خَلْفَکُمْ قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَدَنَا النَّاسُ وَ انْضَمَّ بَعْضُهُمْ إِلَی بَعْضٍ فَالْتَفَتُوا فَلَمْ یَرَوْا خَلْفَهُمْ أَحَداً ثُمَّ قَالَ أَیُّهَا النَّاسُ ادْنُوا وَ وَسِّعُوا لِمَنْ خَلْفَکُمْ فَقَالَ رَجُلٌ یَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِمَنْ نُوَسِّعُ قَالَ لِلْمَلَائِکَهِ فَقَالَ إِنَّهُمْ إِذَا کَانُوا مَعَکُمْ لَمْ یَکُونُوا مِنْ بَیْنِ أَیْدِیکُمْ وَ لَا مِنْ خَلْفِکُمْ وَ لَکِنْ یَکُونُونَ

۱- ۱. نوادر الراوندیّ ص ۳۳.

۲- ۲. أمالی الطوسیّ:

عَنْ أَيْمَانِكَمْ وَ عَنْ شَمَائِلِكَمْ فَقَالَ رَجُلٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله لِمَ لَا يَكُونُونَ مِنْ بَيْنِ أَيْدِينَا وَ لَا مِنْ خَلْفِنَا أَ مِنْ فَضْلِنَا عَلَيْهِمْ أَمْ فَضْلِهِمْ عَلَيْنَا قَالَ أَنْتُمْ أَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَهِ اجْلِسْ فَجَلَسَ الرَّجُلُ فَخَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَ نَسْتَعِينُهُ وَ نُؤْمِنُ بِهِ وَ نَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ وَ نَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شُرُورِ أَنْفُسِنَا وَ مِنْ سَيِّئَاتِ أَعْمَالِنَا مَنْ يَهْدِي اللَّهُ فَلَا مُضِلَّ لَهُ وَ مَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَلا هادِيَ لَهُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ كَائِنٌ فِي هَذِهِ الْأُمَّهِ ثَلَاثُونَ كَذَّاباً أَوَّلُ مَنْ يَكُونُ مِنْهُمْ صَاحِبُ صَنْعَاءَ وَ صَاحِبُ الْيَمَامَهِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ مَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصاً لَمْ يَخْلِطْ مَعَهَا غَيْرَهَا دَخَلَ الْجَنَّهَ فَقَامَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي وَ كَيْفَ يَقُولُهَا مُخْلِصاً لَا يَخْلِطُ مَعَهَا غَيْرَهَا فَسِّرْ لَنَا هَذَا حَتَّى نَعْرِفَهُ فَقَالَ نَعَمْ حِرْصاً عَلَى الدُّنْيَا وَ جَمْعاً لَهَا مِنْ غَيْرِ حِلِّهَا وَ رِضًى بِهَا وَ أَقْوَامٌ يَقُولُونَ أَقَاوِيلَ الْأَخْيَارِ وَ يَعْمَلُونَ أَعْمَالَ الْجَبَابِرَهِ فَمَنْ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ هَذِهِ الْخِصَالِ وَ هُوَ يَقُولُ- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَلَهُ الْجَنَّهَ فَإِنْ أَخَذَ الدُّنْيَا وَ تَرَكَ الْآخِرَهَ فَلَهُ النَّارُ وَ مَنْ تَوَلَّى خُصُومَهَ ظَالِمٍ أَوْ أَعَانَهُ عَلَيْهَا نَزَلَ بِهِ مَلَكُ الْمَوْتِ بِالْبُشْرَى بِلَعْنَهِ اللَّهِ وَ نَارِ جَهَنَّمَ خالِداً فِيها وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ وَ مَنْ خَفَّ لِسُلْطَانٍ جَائِرٍ فِي حَاجَهٍ كَانَ قَرِينَهُ فِي النَّارِ وَ مَنْ دَلَّ سُلْطَاناً عَلَى الْجَوْرِ قُرِنَ مَعَ هَامَانَ وَ كَانَ هُوَ وَ السُّلْطَانُ مِنْ أَشَدِّ أَهْلِ النَّارِ عَذَاباً وَ مَنْ عَظَّمَ صَاحِبَ دُنْيَا وَ أَحَبَّهُ لِطَمَعِ دُنْيَاهُ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ كَانَ فِي دَرَجَتِهِ مَعَ قَارُونَ فِي التَّابُوتِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ مَنْ بَنَى بُنْيَاناً رِيَاءً وَ سُمْعَهً حُمِّلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِلَى سَبْعِ أَرَضِينَ ثُمَّ يُطَوَّقُهُ نَاراً تُوقَدُ فِي عُنُقِهِ ثُمَّ يُرْمَى بِهِ فِي النَّارِ فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ يَبْنِي رِيَاءً وَ سُمْعَهً قَالَ يَبْنِي فَضْلًا عَلَى مَا يَكْفِيهِ أَوْ يَبْنِي مُبَاهَاهً وَ مَنْ ظَلَمَ أَجِيراً أَجْرَهُ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَ حَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّهِ وَ رِيحُهَا يُوجَدُ مِنْ مَسِيرَهِ خَمْسِمِائَهِ عَامٍ.

وَ مَنْ خَانَ جَارَهُ شِبْراً مِنَ الْأَرْضِ طَوَّقَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِلَى سَبْعِ أَرَضِينَ نَاراً حَتَّى تُدْخِلَهُ نَارَ جَهَنَّمَ وَ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ ثُمَّ نَسِيَهُ مُتَعَمِّداً لَقِىَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَجْذُوماً مَغْلُولًا وَ يُسَلِّطُ اللَّهُ عَلَيْهِ بِكُلِّ آيَهٍ حَيَّهً مُوَكَّلَهً بِهِ وَ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ فَلَمْ يَعْمَلْ بِهِ وَ آثَرَ عَلَيْهِ حُبَّ الدُّنْيَا وَ زِينَتَهَا اسْتَوْجَبَ سَخَطَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَ فِى الدَّرَجَهِ مَعَ الْيَهُودِ وَ النَّصَارَى الَّذِينَ يَنْبِذُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَ مَنْ نَكَحَ امْرَأَهً حَرَاماً فِى دُبُرِهَا أَوْ رَجُلًا أَوْ غُلَاماً حَشَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَنْتَنَ مِنَ الْجِيفَهِ يَتَأَذَّى بِهِ النَّاسُ حَتَّى يَدْخُلَ جَهَنَّمَ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ صَرْفاً وَ لَا عَدْلًا وَ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَ يَدَعُهُ فِى تَابُوتٍ مَشْدُودٍ بِمَسَامِيرَ مِنْ حَدِيدٍ وَ يُضْرَبُ عَلَيْهِ فِى التَّابُوتِ بِصَفَائِحَ حَتَّى يَشْتَبِكَ فِى تِلْكَ الْمَسَامِيرِ فَلَوْ وُضِعَ عِرْقٌ مِنْ عُرُوقِهِ عَلَى أَرْبَعِمِائَهِ أَلْفِ أُمَّهٍ لَمَاتُوا جَمِيعاً وَ هُوَ مِنْ أَشَدِّ أَهْلِ النَّارِ عَذَاباً وَ مَنْ زَنَى بِامْرَأَهٍ يَهُودِيَّهٍ أَوْ نَصْرَانِيَّهٍ أَوْ مَجُوسِيَّهٍ أَوْ مُسْلِمَهٍ حُرَّهً أَوْ أَمَهً أَوْ مَنْ كَانَتْ مِنَ النَّاسِ فَتَحَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ فِى قَبْرِهِ ثَلَاثَمِائَهِ أَلْفِ بَابٍ مِنَ النَّارِ تَخْرُجُ عَلَيْهِ مِنْهَا حَيَّاتٌ وَ عَقَارِبُ وَ شُهُبٌ مِنْ نَارٍ فَهُوَ يَحْتَرِقُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ يَتَأَذَّى النَّاسُ مِنْ نَتْنِ فَرْجِهِ فَيُعْرَفُ بِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ حَتَّى يُؤْمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ فَيَتَأَذَّى بِهِ أَهْلُ الْجَمْعِ مَعَ مَا هُمْ فِيهِ مِنْ شِدَّهِ الْعَذَابِ لِأَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْمَحَارِمَ وَ مَا أَحَدٌ أَغْيَرَ مِنَ اللَّهِ وَ مِنْ غَيْرَتِهِ أَنَّهُ حَرَّمَ الْفَوَاحِشَ وَ حَدَّ الْحُدُودَ وَ مَنِ اطَّلَعَ فِى بَيْتِ جَارِهِ فَنَظَرَ إِلَى عَوْرَهِ رَجُلٍ أَوْ شَعْرِ امْرَأَهٍ أَوْ شَيْ ءٍ مِنْ جَسَدِهَا كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ الَّذِينَ كَانُوا يَتَّبِعُونَ عَوْرَاتِ النَّاسِ فِى الدُّنْيَا وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَفْضَحَهُ اللَّهُ وَ يُبْدِىَ عَوْرَتَهُ لِلنَّاسِ فِى الْآخِرَهِ وَ مَنْ سَخِطَ بِرِزْقِهِ وَ بَثَّ شَكْوَاهُ وَ لَمْ يَصْبِرْ لَمْ تُرْفَعْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَسَنَهٌ وَ لَقِىَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضْبَانُ وَ مَنْ لَبِسَ ثَوْباً فَاخْتَالَ فِيهِ خَسَفَ اللَّهُ بِهِ قَبْرَهُ مِنْ شَفِيرِ جَهَنَّمَ يَتَخَلْخَلُ فِيهَا

مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ فَإِنَّ قَارُونَ لَبِسَ حُلَّةً فَاخْتَالَ فِيهَا فَخُسِفَ بِهِ فَهُوَ يَتَخَلْخَلُ فِيهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَ مَنْ نَكَحَ امْرَأَهً بِمَالٍ حَلَالٍ غَيْرَ أَنَّهُ أَرَادَ بِهَا فَخْراً وَ رِيَاءً لَمْ يَزِدْهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِذَلِكَ إِلَّا ذُلًّا وَ هَوَاناً وَ أَقَامَهُ اللَّهُ بِقَدْرِ مَا اسْتَمْتَعَ مِنْهَا عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ ثُمَّ يَهْوِي فِيهَا سَبْعِينَ خَرِيفاً وَ مَنْ ظَلَمَ امْرَأَهً مَهْرَهَا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ زَانٍ وَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَبْدِي زَوَّجْتُكَ أَمَتِي عَلَى عَهْدِي فَلَمْ تَفِ لِي بِالْعَهْدِ- فَيَتَوَلَّى اللَّهُ طَلَبَ حَقِّهَا فَيَسْتَوْعِبُ حَسَنَاتِهِ كُلَّهَا فَلَا تَفِي بِحَقِّهَا فَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ وَ مَنْ رَجَعَ عَنْ شَهَادَتِهِ وَ كَتَمَهَا أَطْعَمَهُ اللَّهُ لَحْمَهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ وَ يُدْخِلُهُ النَّارَ وَ هُوَ يَلُوكُ لِسَانَهُ وَ مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَتَانِ وَ لَمْ يَعْدِلْ بَيْنَهُمَا فِي الْقَسْمِ مِنْ نَفْسِهِ وَ مَالِهِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَغْلُولًا مَائِلًا شِقُّهُ حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ وَ مَنْ كَانَ مُؤْذِياً لِجَارِهِ مِنْ غَيْرِ حَقٍّ حَرَمَهُ اللَّهُ رِيحَ الْجَنَّهِ وَ مَأْوَاهُ النَّارُ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَسْأَلُ الرَّجُلَ عَنْ حَقِّ جَارِهِ وَ مَنْ ضَيَّعَ حَقَّ جَارِهِ فَلَيْسَ مِنَّا وَ مَنْ أَهَانَ فَقِيراً مُسْلِماً مِنْ أَجْلِ فَقْرِهِ وَ اسْتَخَفَّ بِهِ فَقَدِ اسْتَخَفَّ بِحَقِّ اللَّهِ وَ لَمْ يَزَلْ فِي مَقْتِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سَخَطِهِ حَتَّى يُرْضِيَهُ وَ مَنْ أَكْرَمَ فَقِيراً مُسْلِماً لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ هُوَ يَضْحَكُ إِلَيْهِ وَ مَنْ عَرَضَتْ لَهُ دُنْيَا وَ آخِرَهٌ فَاخْتَارَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَهِ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَيْسَتْ لَهُ حَسَنَهٌ تَتَّقِي بِهَا النَّارَ وَ مَنْ أَخَذَ الْآخِرَهَ وَ تَرَكَ الدُّنْيَا لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ هُوَ رَاضٍ عَنْهُ وَ مَنْ قَدَرَ عَلَى امْرَأَهٍ أَوْ جَارِيَهٍ حَرَاماً فَتَرَكَهَا مَخَافَهَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ النَّارَ وَ آمَنَهُ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ وَ أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّهَ وَ إِنْ أَصَابَهَا حَرَاماً حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّهَ وَ أَدْخَلَهُ النَّارَ وَ مَنِ اكْتَسَبَ مَالًا حَرَاماً لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهُ صَدَقَهً وَ لَا عِتْقاً وَ لَا حَجّاً وَ لَا اعْتِمَاراً وَ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِعَدَدِ أَجْرِ ذَلِكَ أَوْزَاراً وَ مَا بَقِيَ مِنْهُ بَعْدَ مَوْتِهِ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ وَ مَنْ قَدَرَ عَلَيْهَا وَ تَرَكَهَا مَخَافَهَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَانَ فِي

مَحَبَّهِ اللَّهِ وَ رَحْمَتِهِ وَ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّهِ وَ مَنْ صَافَحَ امْرَأَهً حَرَاماً جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَغْلُولًا ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ وَ مَنْ فَاكَهَ امْرَأَهً لَا يَمْلِكُهَا حُبِسَ بِكُلِّ كَلِمَهٍ كَلَّمَهَا فِي الدُّنْيَا أَلْفَ عَامٍ فِي النَّارِ وَ الْمَرْأَهُ إِذَا طَاوَعَتِ الرَّجُلَ فَالْتَزَمَهَا أَوْ قَبَّلَهَا أَوْ بَاشَرَهَا حَرَاماً أَوْ فَاكَهَهَا أَوْ أَصَابَ مِنْهَا فَاحِشَهً فَعَلَيْهَا مِنَ الْوِزْرِ مَا عَلَى الرَّجُلِ فَإِنْ غَلَبَهَا عَلَى نَفْسِهَا كَانَ عَلَى الرَّجُلِ وِزْرُهُ وَ وِزْرُهَا وَ مَنْ غَشَّ مُسْلِماً فِي بَيْعٍ أَوْ شِرَاءٍ فَلَيْسَ مِنَّا وَ يُحْشَرُ مَعَ الْيَهُودِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ لِأَنَّهُ مَنْ غَشَّ النَّاسَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ وَ مَنْ مَنَعَ الْمَاعُونَ مِنْ جَارِهِ إِذَا احْتَاجَ إِلَيْهِ مَنَعَهُ اللَّهُ فَضْلَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ وَكَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى نَفْسِهِ هَلَكَ وَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ عُذْراً وَ مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَهٌ تُؤْذِيهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ صَلَاتَهَا وَ لَا حَسَنَهً مِنْ عَمَلِهَا حَتَّى تُعِينَهُ وَ تُرْضِيَهُ وَ إِنْ صَامَتِ الدَّهْرَ وَ قَامَتْ وَ أَعْتَقَتِ الرِّقَابَ وَ أَنْفَقَتِ الْأَمْوَالَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ كَانَتْ أَوَّلَ مَنْ يَرِدُ النَّارَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله وَ عَلَى الرَّجُلِ مِثْلُ ذَلِكَ الْوِزْرِ وَ الْعَذَابِ إِذَا كَانَ لَهَا مُؤْذِياً ظَالِماً وَ مَنْ لَطَمَ خَدَّ مُسْلِمٍ لَطْمَهً بَدَّدَ اللَّهُ عِظَامَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ ثُمَّ سَلَّطَ عَلَيْهِ النَّارَ وَ حَشَرَهُ مَغْلُولًا حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ وَ مَنْ بَاتَ وَ فِي قَلْبِهِ غِشٌّ لِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ بَاتَ فِي سَخَطِ اللَّهِ وَ أَصْبَحَ كَذَلِكَ وَ هُوَ فِي سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَتُوبَ وَ يَرْجِعَ وَ إِنْ مَاتَ كَذَلِكَ مَاتَ عَلَى غَيْرِ دِينِ الْإِسْلَامِ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَلَا وَ مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا قَالَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ مَنْ عَلَّقَ سَوْطاً بَيْنَ يَدَيْ سُلْطَانٍ جَائِرٍ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَيَّهً طُولُهَا سِتُّونَ أَلْفَ ذِرَاعٍ فَتَسَلَّطُ عَلَيْهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِداً فِيهَا مُخَلَّداً وَ مَنِ اغْتَابَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ بَطَلَ صَوْمُهُ وَ نُقِضَ وُضُوؤُهُ فَإِنْ مَاتَ وَ هُوَ كَذَلِكَ مَاتَ وَ هُوَ مُسْتَحِلٌّ لِمَا حَرَّمَ اللَّهُ وَ مَنْ مَشَى فِي نَمِيمَهٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ فِي قَبْرِهِ نَاراً تُحْرِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ وَ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ تِنِّيناً أَسْوَدَ تَنْهَشُ لَحْمَهُ حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ وَ مَنْ كَظَمَ غَيْظَهُ وَ عَفَا عَنْ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَ حَلُمَ عَنْ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ أَعْطَاهُ اللَّهُ

تَعَالَى أَجْرَ شَهِيدٍ وَ مَنْ بَغَى عَلَى فَقِيرٍ أَوْ تَطَاوَلَ عَلَيْهِ أَوِ اسْتَحْقَرَهُ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مِثْلَ الذَّرَّهِ فِي صُورَهِ رَجُلٍ حَتَّى يَدْخُلَ النَّارَ وَ مَنْ رَدَّ عَنْ أَخِيهِ غِيبَهً سَمِعَهَا فِي مَجْلِسٍ رَدَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ أَلْفَ بَابٍ مِنَ الشَّرِّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ فَإِنْ لَمْ يَرُدَّ عَنْهُ وَ أَعْجَبَ بِهِ كَانَ عَلَيْهِ كَوِزْرِ مَنِ اغْتَابَ وَ مَنْ رَمَى مُحْصَناً أَوْ مُحْصَنَهً أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَ جَلَدَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ تَنْهَشُ لَحْمَهُ حَيَّاتٌ وَ عَقَارِبُ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ وَ مَنْ شَرِبَ الْخَمْرَ فِي الدُّنْيَا سَقَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ سَمِّ الْأَفَاعِي وَ مِنْ سَمِّ الْعَقَارِبِ شَرْبَهً يَتَسَاقَطُ لَحْمُ وَجْهِهِ فِي الْإِنَاءِ قَبْلَ أَنْ يَشْرَبَهَا فَإِذَا شَرِبَهَا تَفَسَّخَ لَحْمُهُ وَ جِلْدُهُ كَالْجِيفَهِ يَتَأَذَّى بِهِ أَهْلُ الْجَمْعِ حَتَّى يُؤْمَرَ بِهِ إِلَى النَّارِ وَ شَارِبُهَا وَ عَاصِرُهَا وَ مُعْتَصِرُهَا فِي النَّارِ وَ بَائِعُهَا وَ مُبْتَاعُهَا وَ حَامِلُهَا وَ الْمَحْمُولُ إِلَيْهِ وَ آكِلُ ثَمَنِهَا سَوَاءٌ فِي عَارِهَا وَ إِثْمِهَا أَلَا وَ مَنْ سَقَاهَا يَهُودِيّاً أَوْ نَصْرَانِيّاً أَوْ صَابِئاً أَوْ مَنْ كَانَ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ كَوِزْرِ مَنْ شَرِبَهَا أَلَا وَ مَنْ بَاعَهَا أَوِ اشْتَرَاهَا لِغَيْرِهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ صَلَاهً وَ لَا صِيَاماً وَ لَا حَجّاً وَ لَا اعْتِمَاراً حَتَّى يَتُوبَ وَ يَرْجِعَ مِنْهَا وَ إِنْ مَاتَ قَبْلَ أَنْ يَتُوبَ كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَسْقِيَهُ بِكُلِّ جُرْعَهٍ شَرِبَ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا شَرْبَهً مِنْ صَدِيدِ جَهَنَّمَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَرَّمَ الْخَمْرَ بِعَيْنِهَا وَ الْمُسْكِرَ مِنْ كُلِّ شَرَابٍ أَلَا وَ كُلُّ مُسْكِرٍ حَرَامٌ وَ مَنْ أَكَلَ الرِّبَا مَلَأَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بَطْنَهُ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ بِقَدْرِ مَا أَكَلَ وَ إِنِ اكْتَسَبَ مِنْهُ مَالًا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ شَيْئاً مِنْ عَمَلِهِ وَ لَمْ يَزَلْ فِي لَعْنَهِ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَهِ مَا كَانَ عِنْدَهُ قِيرَاطٌ وَاحِدٌ وَ مَنْ خَانَ أَمَانَهً فِي الدُّنْيَا وَ لَمْ يَرُدَّهَا عَلَى أَرْبَابِهَا مَاتَ عَلَى غَيْرِ دِينِ الْإِسْلَامِ وَ لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضْبَانُ فَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ فَيُهْوَى بِهِ فِي شَفِيرِ جَهَنَّمَ أَبَدَ الْآبِدِينَ وَ مَنْ شَهِدَ شَهَادَهَ زُورٍ عَلَى رَجُلٍ مُسْلِمٍ أَوْ ذِمِّيٍّ أَوْ مَنْ كَانَ مِنَ النَّاسِ عُلِّقَ بِلِسَانِهِ

يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ هُوَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ- فِى الدَّرْکِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ مَنْ قَالَ لِخَادِمِهِ وَ مَمْلُوکِهِ أَوْ مَنْ کَانَ مِنَ النَّاسِ- لَا لَبَّيْکَ وَ لَا سَعْدَيْکَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ لَا لَبَّيْکَ وَ لَا سَعْدَيْکَ أُتْعِسَ فِى النَّارِ وَ مَنْ أَضَرَّ بِامْرَأَهٍ حَتَّى تَفْتَدِىَ مِنْهُ نَفْسَهَا لَمْ يَرْضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ بِعُقُوبَهٍ دُونَ النَّارِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَغْضَبُ لِلْمَرْأَهِ کَمَا يَغْضَبُ لِلْيَتِيمِ وَ مَنْ سَعَى بِأَخِيهِ إِلَى سُلْطَانٍ لَمْ يَبْدُ لَهُ مِنْهُ سُوءٌ وَ لَا مَکْرُوهٌ أَحْبَطَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ کُلَّ عَمَلٍ عَمِلَهُ فَإِنْ وَصَلَ إِلَيْهِ مِنْهُ سُوءٌ أَوْ مَکْرُوهٌ أَوْ أَذًى جَعَلَهُ اللَّهُ فِى طَبَقَهٍ مَعَ هَامَانَ فِى جَهَنَّمَ وَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ يُرِيدُ بِهِ السَّمْعَ وَ الْتِمَاسَ شَىْءٍ لَقِىَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ وَجْهُهُ مُظْلِمٌ لَيْسَ عَلَيْهِ لَحْمٌ وَ زَجَّهُ الْقُرْآنُ فِى قَفَاهُ حَتَّى يُدْخِلَهُ النَّارَ وَ يَهْوِىَ فِيهَا مَعَ مَنْ يَهْوِى وَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ لَمْ يَعْمَلْ بِهِ حَشَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَهِ أَعْمَى فَيَقُولُ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِى أَعْمى وَ قَدْ کُنْتُ بَصِيراً- قالَ کَذلِکَ أَتَتْکَ آياتُنا فَنَسِيتَها وَ کَذلِکَ الْيَوْمَ تُنْسى فَيُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ وَ مَنِ اشْتَرَى خِيَانَهً وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهَا خِيَانَهٌ فَهُوَ کَمَنْ خَانَهَا فِى عَارِهَا وَ إِثْمِهَا وَ مَنْ قَاوَدَ بَيْنَ رَجُلٍ وَ امْرَأَهٍ حَرَاماً- حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّهَ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ ساءَتْ مَصِيراً وَ لَمْ يَزَلْ فِى سَخَطِ اللَّهِ حَتَّى يَمُوتَ وَ مَنْ غَشَّ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ نَزَعَ اللَّهُ عَنْهُ بَرَکَهَ رِزْقِهِ وَ أَفْسَدَ عَلَيْهِ مَعِيشَتَهُ وَ وَکَلَهُ إِلَى نَفْسِهِ وَ مَنِ اشْتَرَى سَرِقَهً وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهَا سَرِقَهٌ فَهُوَ کَمَنْ سَرَقَهَا فِى عَارِهَا وَ إِثْمِهَا وَ مَنْ خَانَ مُسْلِماً فَلَيْسَ مِنَّا وَ لَسْنَا مِنْهُ فِى الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ أَلَا وَ مَنْ سَمِعَ فَاحِشَهً فَأَفْشَاهَا فَهُوَ کَمَنْ أَتَاهَا وَ مَنْ سَمِعَ خَيْراً فَأَفْشَاهُ فَهُوَ کَمَنْ عَمِلَهُ وَ مَنْ وَصَفَ امْرَأَهً لِرَجُلٍ وَ ذَکَّرَهَا جَمَالَهُ فَافْتَتَنَ بِهَا الرَّجُلُ فَأَصَابَ فَاحِشَهً

لَمْ يَخْرُجْ مِنَ الـدُّنْيَا حَتَّى يَغْضَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ مَنْ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ غَضِبَتْ عَلَيْهِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرَضُونَ السَّبْعُ وَ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْوِزْرِ مِثْلُ الَّذِی أَصَابَهَا قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَإِنْ تَابَا وَ أَصْلَحَا قَالَ يَتُوبُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمَا وَ لَمْ يَقْبَلْ تَوْبَةَ الَّذِی خَطَّأَهَا بَعْدَ الَّذِی وَصَفَهَا وَ مَنْ مَلَأَ عَيْنَيْهِ مِنِ امْرَأَةٍ حَرَاماً حَشَاهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ- يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِمَسَامِيرَ مِنْ نَارٍ وَ حَشَاهُمَا نَاراً حَتَّى يَقْضِیَ بَيْنَ النَّاسِ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ وَ مَنْ أَطْعَمَ طَعَاماً رِيَاءً وَ سُمْعَةً أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِثْلَهُ مِنْ صَدِيدِ جَهَنَّمَ وَ جَعَلَ ذَلِكَ الطَّعَامَ نَاراً فِی بَطْنِهِ

حَتَّى يَقْضِیَ بَيْنَ النَّاسِ وَ مَنْ فَجَرَ بِامْرَأَةٍ وَ لَهَا بَعْلٌ انْفَجَرَ مِنْ فَرْجِهِمَا مِنْ صَدِيدٍ وَادٍ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ يَتَأَذَّى أَهْلُ النَّارِ مِنْ نَتْنِ رِيحِهِمَا وَ كَانَا مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ عَذَاباً وَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى امْرَأَةٍ ذَاتِ بَعْلٍ مَلَأَتْ عَيْنَهَا مِنْ غَيْرِ زَوْجِهَا أَوْ غَيْرِ ذِی مَحْرَمٍ مِنْهَا فَإِنَّهَا إِنْ فَعَلَتْ ذَلِكَ أَحْبَطَ اللَّهُ كُلَّ عَمَلٍ عَمِلَتْهُ- فَإِنْ أَوْطَأَتْ فِرَاشَهُ غَيْرَهُ كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ بَعْدَ أَنْ يُعَذِّبَهَا فِی قَبْرِهَا وَ أَيُّمَا امْرَأَةٍ اخْتَلَعَتْ مِنْ زَوْجِهَا لَمْ تَزَلْ فِی لَعْنَةِ اللَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ حَتَّى إِذَا نَزَلَ بِهَا مَلَكُ الْمَوْتِ قَالَ لَهَا أَبْشِرِی بِالنَّارِ وَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ قِيلَ لَهَا ادْخُلِی النَّارَ مَعَ الـدَّاخِلِينَ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ بَرِيئَانِ مِنَ الْمُخْتَلِعَاتِ بِغَيْرِ حَقٍّ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ [وَ رَسُولَهُ] بَرِيئَانِ مِمَّنْ أَضَرَّ بِامْرَأَةٍ حَتَّى تَخْتَلِعَ مِنْهُ وَ مَنْ أَمَّ قَوْماً بِإِذْنِهِمْ وَ هُمْ عَنْهُ رَاضُونَ فَاقْتَصَدَ بِهِمْ فِی حُضُورِهِ وَ قِرَاءَتِهِ وَ رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ وَ قُعُودِهِ وَ قِيَامِهِ فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِمْ وَ مَنْ أَمَّ قَوْماً فَلَمْ يَقْتَصِدْ بِهِمْ فِی حُضُورِهِ وَ قِرَاءَتِهِ وَ رُكُوعِهِ وَ سُجُودِهِ وَ قُعُودِهِ وَ قِيَامِهِ رُدَّتْ عَلَيْهِ صَلَاتُهُ وَ لَمْ تُجَاوِزْ تَرَاقِيَهُ وَ كَانَتْ مَنْزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَمَنْزِلَةِ إِمَامٍ جَائِرٍ مُعْتَدٍ لَمْ يَصْلُحْ لِرَعِيَّتِهِ وَ لَمْ يَقُمْ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى: فَقَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی يَا رَسُولَ اللَّهِ

مَا مَنْزِلَهُ أَمِيرٍ جَائِرٍ مُعْتَدٍ لَمْ يَصْلُحْ لِرَعِيَّتِهِ وَ لَمْ يَقُمْ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى قَالَ هُوَ رَابِعُ أَرْبَعَهٍ مِنْ أَشَدِّ النَّاسِ عَذَاباً يَوْمَ الْقِيَامَهِ إِبْلِيسُ وَ فِرْعَوْنُ وَ قَاتِلُ النَّفْسِ وَ رَابِعُهُمُ الْأَمِيرُ الْجَائِرُ وَ مَنِ احْتَاجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فِي قَرْضٍ فَلَمْ يُقْرِضْهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّهَ يَوْمَ يَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَ مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ وَ احْتَسَبَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ مَرَّهٍ يَصْبِرُ عَلَيْهَا مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أَعْطَى أَيُّوبَ عليه السلام عَلَى بَلَائِهِ وَ كَانَ عَلَيْهَا مِنَ الْوِزْرِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَهٍ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ فَإِنْ مَاتَتْ قَبْلَ أَنْ تُعِينَهُ وَ قَبْلَ أَنْ يَرْضَى عَنْهَا حُشِرَتْ يَوْمَ الْقِيَامَهِ مَنْكُوسَهً مَعَ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرْكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَ مَنْ كَانَتْ لَهُ امْرَأَهٌ لَمْ تُوَافِقْهُ وَ لَمْ تَصْبِرْ عَلَى مَا رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ شَقَّتْ عَلَيْهِ وَ حَمَلَتْهُ مَا لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ مِنْهَا حَسَنَهً تَتَّقِي بِهَا النَّارَ وَ غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهَا مَا دَامَتْ كَذَلِكَ وَ مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ فَمَا ظَنُّكُمْ بِمَنْ يُكْرِمُ اللَّهَ أَنْ يُفْعَلَ بِهِ وَ مَنْ تَوَلَّى عِرَافَهَ قَوْمٍ وَ لَمْ يُحْسِنْ فِيهِمْ حُبِسَ عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ بِكُلِّ يَوْمٍ أَلْفَ سَنَهٍ وَ حُشِرَ وَ يَدُهُ مَغْلُولَهٌ إِلَى عُنُقِهِ فَإِنْ كَانَ قَامَ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَطْلَقَهَا اللَّهُ وَ إِنْ كَانَ ظَالِماً هُوِيَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ سَبْعِينَ خَرِيفاً وَ مَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ كَانَ كَمَنْ شَهِدَ شَهَادَهَ زُورٍ وَ يُقْذَفُ بِهِ فِي النَّارِ وَ يُعَذَّبُ بِعَذَابِ شَاهِدِ الزُّورِ وَ مَنْ كَانَ ذَا وَجْهَيْنِ وَ لِسَانَيْنِ كَانَ ذَا وَجْهَيْنِ وَ لِسَانَيْنِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ مَنْ مَشَى فِي صُلْحٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ صَلَّى عَلَيْهِ مَلَائِكَهُ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ وَ أُعْطِيَ أَجْرَ لَيْلَهِ الْقَدْرِ وَ مَنْ مَشَى فِي قَطِيعَهٍ بَيْنَ اثْنَيْنِ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْوِزْرِ بِقَدْرِ مَا لِمَنْ أَصْلَحَ بَيْنَ اثْنَيْنِ مِنَ الْأَجْرِ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ لَعْنَهُ اللَّهِ حَتَّى يَدْخُلَ جَهَنَّمَ فَيُضَاعَفَ لَهُ الْعَذَابُ وَ مَنْ مَشَى فِي عَوْنِ أَخِيهِ وَ مَنْفَعَتِهِ فَلَهُ ثَوَابُ الْمُجَاهِدِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ مَنْ مَشَى فِي عَيْبِ أَخِيهِ فَكَشَفَ عَوْرَتَهُ كَانَتْ أَوَّلُ خُطْوَهٍ خَطَاهَا وَ وَضَعَهَا فِي جَهَنَّمَ وَ كَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ وَ مَنْ مَشَى إِلَى ذِي قَرَابَهٍ وَ ذِي رَحِمٍ يَسْأَلُ بِهِ أَعْطَاهُ

اللَّهُ أَجْرَ مِائَةِ شَهِيدٍ وَ إِنْ سَأَلَ بِهِ وَ وَصَلَهُ بِمَالِهِ وَ نَفْسِهِ جَمِيعاً كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ رُفِعَ لَهُ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ كَأَنَّمَا عَبَدَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِائَةَ سَنَةٍ وَ مَنْ مَشَى فِي فَسَادِ مَا بَيْنَهُمَا وَ قَطِيعَةِ بَيْنِهِمَا غَضِبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِ وَ لَعَنَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ كَانَ عَلَيْهِ مِنَ الْوِزْرِ كَعِدْلِ قَاطِعِ الرَّحِمِ وَ مَنْ عَمِلَ فِي تَزْوِيجِ بَيْنِ مُؤْمِنَيْنِ حَتَّى يَجْمَعَ بَيْنَهُمَا زَوَّجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَلْفِ امْرَأَةٍ مِنَ الْحُورِ كُلِّ امْرَأَةٍ فِي قَصْرٍ مِنْ دُرٍّ وَ يَاقُوتٍ وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاهَا فِي ذَلِكَ أَوْ بِكَلِمَةٍ تَكَلَّمَ بِهَا فِي ذَلِكَ عَمَلُ سَنَةٍ قِيَامِ لَيْلِهَا وَ صِيَامِ نَهَارِهَا وَ مَنْ عَمِلَ فِي فُرْقَةِ بَيْنِ امْرَأَةٍ وَ زَوْجِهَا كَانَ عَلَيْهِ غَضَبُ اللَّهِ وَ لَعْنَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ يَرْضَخَهُ بِأَلْفِ صَخْرَةٍ مِنْ نَارٍ وَ مَنْ مَشَى فِي فَسَادِ مَا بَيْنَهُمَا وَ لَمْ يُفَرِّقْ كَانَ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَعَنَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ حَرَّمَ اللَّهُ النَّظَرَ إِلَى وَجْهِهِ وَ مَنْ قَادَ ضَرِيراً إِلَى مَسْجِدِهِ أَوْ إِلَى مَنْزِلِهِ أَوْ لِحَاجَةٍ مِنْ حَوَائِجِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ رَفَعَهَا وَ وَضَعَهَا عِتْقَ رَقَبَةٍ وَ صَلَّتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُفَارِقَهُ وَ مَنْ كَفَى ضَرِيراً حَاجَةً مِنْ حَوَائِجِهِ فَمَشَى فِيهَا حَتَّى يَقْضِيَهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ بَرَاءَتَيْنِ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَ بَرَاءَةً مِنَ النِّفَاقِ وَ قَضَى لَهُ سَبْعِينَ أَلْفَ حَاجَةٍ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَ لَمْ يَزَلْ يَخُوضُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ حَتَّى يَرْجِعَ وَ مَنْ قَامَ عَلَى مَرِيضٍ يَوْماً وَ لَيْلَةً بَعَثَهُ اللَّهُ مَعَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عليه السلام فَجَازَ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ اللَّامِعِ وَ مَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ فَقَضَاهَا خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله فَإِنْ كَانَ الْمَرِيضُ مِنْ أَهْلِهِ- فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ أَجْراً مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَهْلِهِ وَ مَنْ ضَيَّعَ أَهْلَهُ وَ قَطَعَ رَحِمَهُ حَرَمَهُ اللَّهُ حُسْنَ الْجَزَاءِ يَوْمَ يَجْزِي الْمُحْسِنِينَ وَ ضَيَّعَهُ وَ مَنْ ضَيَّعَهُ اللَّهُ فِي الْآخِرَةِ فَهُوَ يَرِدُ مَعَ الْهَالِكِينَ حَتَّى يَأْتِيَ بِالْمَخْرَجِ وَ لَمَّا يَأْتِ بِهِ وَ مَنْ أَقْرَضَ مَلْهُوفاً فَأَحْسَنَ طَلِبَتَهُ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ أَلْفَ قِنْطَارٍ مِنَ الْجَنَّةِ وَ مَنْ فَرَّجَ عَنْ أَخِيهِ كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ الدُّنْيَا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِرَحْمَتِهِ

فَنَالَ بِهَا الْجَنَّهَ وَ فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ كُرْبَهً فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَهِ وَ مَنْ مَشَی فِی إِصْلَاحِ بَیْنِ امْرَأَهٍ وَ زَوْجِهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ أَلْفِ شَهِیدٍ قُتِلُوا فِی سَبِیلِ اللَّهِ حَقّاً وَ کَانَ لَهُ بِکُلِّ خُطْوَهٍ یَخْطُوهَا وَ کَلِمَهٍ تَکَلَّمَ بِهَا فِی ذَلِکَ عِبَادَهُ سَنَهٍ قِیَامٍ لَیْلُهَا وَ صِیَامٍ نَهَارُهَا وَ مَنْ أَقْرَضَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ کَانَ لَهُ بِکُلِّ دِرْهَمٍ أَقْرَضَهُ وَزْنَ جَبَلِ أُحُدٍ وَ جِبَالِ رَضْوَی وَ جِبَالِ طُورِ سَیْنَاءَ حَسَنَاتٍ فَإِنْ رَفَقَ بِهِ فِی طَلِبَتِهِ بَعْدَ أَجَلِهِ جَازَ عَلَی الصِّرَاطِ کَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ بِغَیْرِ حِسَابٍ وَ لَا عَذَابٍ وَ مَنْ شَکَا إِلَیْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمُ فَلَمْ یُقْرِضْهُ حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَیْهِ الْجَنَّهَ یَوْمَ یَجْزِی الْمُحْسِنِینَ وَ مَنْ مَنَعَ طَالِباً حَاجَتَهُ وَ هُوَ قَادِرٌ عَلَی قَضَائِهَا فَعَلَیْهِ مِثْلُ خَطِیئَهِ عَشَّارٍ فَقَامَ إِلَیْهِ عَوْفُ بْنُ مَالِکٍ فَقَالَ مَا یَبْلُغُ خَطِیئَهُ عَشَّارٍ یَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ عَلَی الْعَشَّارِ کُلَّ یَوْمٍ وَ لَیْلَهٍ- لَعْنَهُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِکَهِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِینَ- وَ مَنْ یَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ نَصِیراً وَ مَنِ اصْطَنَعَ إِلَی أَخِیهِ مَعْرُوفاً فَمَنَّ بِهِ عَلَیْهِ حَبِطَ عَمَلُهُ وَ خَابَ سَعْیُهُ ثُمَّ قَالَ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَرَّمَ عَلَی الْمَنَّانِ وَ الْمُخْتَالِ وَ الْفَتَّانِ وَ مُدْمِنِ الْخَمْرِ وَ الْحَرِیصِ وَ الْجَعْظَرِیِّ-(۱)

وَ الْعُتُلِّ الزَّنِیمِ الْجَنَّهَ وَ مَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَهٍ عَلَی رَجُلٍ مِسْکِینٍ کَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ وَ لَوْ تَدَاوَلَهَا أَرْبَعُونَ أَلْفَ إِنْسَانٍ ثُمَّ وَصَلَتْ إِلَی الْمِسْکِینِ کَانَ لَهُمْ أَجْراً کَامِلًا- وَ ما عِنْدَ اللَّهِ خَیْرٌ وَ أَبْقی لِلَّذِینَ اتَّقَوْا وَ أَحْسَنُوا لَوْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ وَ مَنْ بَنَی مَسْجِداً فِی الدُّنْیَا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِکُلِّ شِبْرٍ مِنْهُ أَوْ قَالَ بِکُلِّ ذِرَاعٍ مِنْهُ مَسِیرَهَ أَرْبَعِینَ أَلْفَ أَلْفِ عَامٍ مَدِینَهً مِنْ ذَهَبٍ وَ فِضَّهٍ وَ دُرٍّ وَ یَاقُوتٍ وَ زُمُرُّدٍ وَ زَبَرْجَدٍ وَ لُؤْلُؤٍ فِی کُلِّ مَدِینَهٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ قَصْرٍ وَ فِی کُلِّ قَصْرٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ دَارٍ وَ فِی کُلِّ دَارٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ سَرِیرٍ عَلَی کُلِّ سَرِیرٍ زَوْجَهٌ مِنَ الْحُورِ الْعِینِ فِی کُلِّ بَیْتٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ وَصِیفٍ وَ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ وَصِیفَهٍ وَ فِی کُلِّ بَیْتٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ مَائِدَهٍ وَ عَلَی کُلِّ مَائِدَهٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ قَصْعَهٍ وَ فِی کُلِّ قَصْعَهٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ لَوْنٍ مِنَ الطَّعَامِ وَ یُعْطِی اللَّهُ وَلِیَّهُ مِنَ الْقُوَّهِ مَا یَأْتِی عَلَی تِلْکَ الْأَزْوَاجِ وَ عَلَی ذَلِکَ الطَّعَامِ وَ ذَلِکَ الشَّرَابِ فِی یَوْمٍ وَاحِدٍ وَ مَنْ تَوَلَّی أَذَانَ مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ فَأَذَّنَ فِیهِ وَ هُوَ یُرِیدُ وَجْهَ اللَّهِ أَعْطَاهُ

۱- ۱. فی الحدیث:« و لا جعظری و هو الذی لا یشبع من الدنیا». راجع معانی الأخبار: ۳۳۰.

اللَّهُ ثَوَابَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ أَلْفِ صِدِّيقٍ وَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ أَدْخَلَ فِي شَفَاعَتِهِ أَرْبَعِينَ أَلْفَ أَلْفِ أُمَّةٍ وَ فِي كُلِّ أُمَّةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ رَجُلٍ وَ كَانَ لَهُ فِي كُلِّ جَنَّةٍ مِنَ الْجِنَانِ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ مَدِينَةٍ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ قَصْرٍ فِي كُلِّ قَصْرٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ دَارٍ فِي كُلِّ دَارٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ بَيْتٍ وَ فِي كُلِّ بَيْتٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ سَرِيرٍ عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ زَوْجَةٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ وَ فِي كُلِّ بَيْتٍ مِنْهَا مِثْلُ الدُّنْيَا أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ مَرَّةٍ بَيْنَ يَدَيْ كُلِّ زَوْجَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ وَصِيفٍ وَ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ وَصِيفَةٍ وَ فِي كُلِّ بَيْتٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ مَائِدَةٍ عَلَى كُلِّ مَائِدَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ قَصْعَةٍ فِي كُلِّ قَصْعَةٍ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ لَوْنٍ مِنَ الطَّعَامِ لَوْ نَزَلَ بِهِ الثَّقَلَانِ لَأَدْخَلَهُمْ فِي أَدْنَى بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِهَا مَا شَاءُوا مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ الطِّيبِ وَ اللِّبَاسِ وَ الثِّمَارِ وَ أَلْوَانِ التُّحَفِ وَ الطَّرَائِفِ مِنَ الْحُلِيِّ وَ الْحُلَلِ كُلُّ بَيْتٍ مِنْهَا يُكْتَفَى بِمَا فِيهِ مِنْ هَذِهِ الْأَشْيَاءِ عَمَّا فِي الْبَيْتِ الْآخَرِ فَإِذَا أَذَّنَ الْمُؤَذِّنُ فَقَالَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اكْتَنَفَهُ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ كُلُّهُمْ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ وَ كَانَ فِي ظِلِّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى يَفْرُغَ وَ كَتَبَ لَهُ ثَوَابَهُ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ ثُمَّ صَعِدُوا بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاهَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ وَ رُفِعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ وَ مَنْ حَافَظَ عَلَى الْجَمَاعَهِ أَيْنَ كَانَ وَ حَيْثُ مَا كَانَ مَرَّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ الْخَاطِفِ اللَّامِعِ فِي أَوَّلِ زُمْرَةٍ مَعَ السَّابِقِينَ وَ وَجْهُهُ أَضْوَأُ مِنَ الْقَمَرِ لَيْلَهَ الْبَدْرِ وَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَهٍ يُحَافِظُ عَلَيْهَا ثَوَابُ شَهِيدٍ وَ مَنْ حَافَظَ عَلَى الصَّفِّ الْمُقَدَّمِ فَيُدْرِكُ التَّكْبِيرَهَ الْأُولَى وَ لَا يُؤْذِي فِيهِ مُؤْمِناً أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ مَا لِلْمُؤَذِّنِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْجَنَّهِ مِثْلَ ثَوَابِ الْمُؤَذِّنِ وَ مَنْ بَنَى عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ مَأْوًى لِعَابِرِ سَبِيلٍ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَلَى نَجِيبٍ مِنْ دُرٍّ وَجْهُهُ يُضِي ءُ لِأَهْلِ الْجَمْعِ نُوراً حَتَّى يُزَاحِمَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ عليه السلام فِي قُبَّتِهِ فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَمْعِ هَذَا مَلَكٌ مِنَ الْمَلَائِكَهِ لَمْ يُرَ مِثْلُهُ قَطُّ وَ دَخَلَ فِي شَفَاعَتِهِ الْجَنَّهَ أَرْبَعُونَ أَلْفَ أَلْفِ رَجُلٍ.

وَ مَنْ شَفَعَ لِأَخِيهِ شَفَاعَةً طَلَبَهَا إِلَيْهِ نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ وَ كَانَ حَقّاً عَلَى اللَّهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَهُ أَبَداً فَإِنْ هُوَ شَفَعَ لِأَخِيهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَطْلُبَهَا كَانَ لَهُ أَجْرُ سَبْعِينَ شَهِيداً وَ مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ فِي إِنْصَاتٍ وَ سُكُوتٍ وَ كَفَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ لِسَانَهُ وَ فَرْجَهُ وَ جَوَارِحَهُ مِنَ الْكَذِبِ وَ الْحَرَامِ وَ الْغِيبَهِ تَقَرُّباً إِلَى اللَّهِ تَعَالَى قَرَّبَهُ اللَّهُ حَتَّى يَمَسَّ رُكْبَتَيْ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عليه السلام وَ مَنِ احْتَفَرَ بِئْراً لِلْمَاءِ حَتَّى اسْتَنْبَطَ مَاءَهَا فَبَذَلَهَا لِلْمُسْلِمِينَ كَانَ لَهُ كَأَجْرِ مَنْ تَوَضَّأَ مِنْهَا وَ صَلَّى وَ كَانَ لَهُ بِعَدَدِ كُلِّ شَعْرَهٍ مِنْ شَعْرِ إِنْسَانٍ أَوْ بَهِيمَهٍ أَوْ سَبُعٍ أَوْ طَائِرٍ عِتْقُ أَلْفِ رَقَبَهٍ وَ دَخَلَ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فِي شَفَاعَتِهِ عَدَدُ النُّجُومِ حَوْضَ الْقُدْسِ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَا حَوْضُ الْقُدْسِ قَالَ حَوْضِي ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَ مَنِ احْتَفَرَ لِمُسْلِمٍ قَبْراً مُحْتَسِباً حَرَّمَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى النَّارِ وَ بَوَّأَهُ بَيْتاً فِي الْجَنَّهِ وَ أَوْرَدَهُ حَوْضاً فِيهِ مِنَ الْأَبَارِيقِ عَدَدُ النُّجُومِ عَرْضُهُ مَا بَيْنَ أَيْلَهَ وَ صَنْعَاءَ وَ مَنْ غَسَّلَ مَيِّتاً فَأَدَّى فِيهِ الْأَمَانَهَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَهٍ مِنْهُ عِتْقُ رَقَبَهٍ وَ رُفِعَ لَهُ بِهِ مِائَهُ دَرَجَهٍ فَقَالَ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ كَيْفَ يُؤَدِّي فِيهِ الْأَمَانَهَ قَالَ يَسْتُرُ عَوْرَتَهُ وَ يَسْتُرُ شَيْنَهُ وَ إِنْ لَمْ يَسْتُرْ عَوْرَتَهُ وَ يَسْتُرْ شَيْنَهُ حَبِطَ أَجْرُهُ وَ كُشِفَتْ عَوْرَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَهِ وَ مَنْ صَلَّى عَلَى مَيِّتٍ صَلَّى عَلَيْهِ جَبْرَئِيلُ عليه السلام وَ سَبْعُونَ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ وَ غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ إِنْ قَامَ عَلَيْهِ حَتَّى يُدْفَنَ وَ حَثَّ عَلَيْهِ مِنَ التُّرَابِ انْقَلَبَ مِنَ الْجَنَازَهِ وَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ مِنْ حَيْثُ شَيَّعَهَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ قِيرَاطٌ مِنَ الْأَجْرِ وَ الْقِيرَاطُ مِثْلُ جَبَلِ أُحُدٍ يَكُونُ فِي مِيزَانِهِ مِنَ الْأَجْرِ وَ مَنْ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ مِنْ خَشْيَهِ اللَّهِ كَانَ لَهُ بِكُلِّ قَطْرَهٍ مِنْ دُمُوعِهِ مِثْلُ جَبَلِ أُحُدٍ يَكُونُ فِي مِيزَانِهِ وَ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ بِكُلِّ قَطْرَهٍ عَيْنٌ مِنَ الْجَنَّهِ عَلَى حَافَتَيْهَا مِنَ الْمَدَائِنِ وَ الْقُصُورِ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ وَ مَنْ عَادَ مَرِيضاً فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَهٍ خَطَاهَا حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ

سَبْعُونَ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَهٍ وَ مُحِيَ عَنْهُ سَبْعُونَ أَلْفَ أَلْفِ سَيِّئَهٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ أَلْفِ دَرَجَهٍ وَ وُكِّلَ بِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ يَعُودُونَهُ فِي قَبْرِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ-

وَ مَنْ شَيَّعَ جَنَازَةً فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ مِائَةُ أَلْفِ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ يُمْحَى عَنْهُ مِائَةُ أَلْفِ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ مِائَةُ أَلْفِ أَلْفِ دَرَجَةٍ فَإِنْ صَلَّى عَلَيْهَا صَلَّى عَلَى جَنَازَتِهِ أَلْفُ أَلْفِ مَلَكٍ كُلُّهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ فَإِنْ شَهِدَ دَفْنَهَا وَكَّلَ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ أَلْفِ مَلَكٍ كُلُّهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ مِنْ قَبْرِهِ وَ مَنْ خَرَجَ حَاجّاً أَوْ مُعْتَمِراً فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ مِائَةُ أَلْفِ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ يُمْحَى عَنْهُ مِائَةُ أَلْفِ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ أَلْفُ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ كَانَ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ بِكُلِّ دِرْهَمٍ يَحْمِلُهَا فِي وَجْهِهِ ذَلِكَ أَلْفُ أَلْفِ دِرْهَمٍ (۱) حَتَّى يَرْجِعَ وَ كَانَ فِي ضَمَانِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَفَّاهُ أَدْخَلَهُ الْجَنَّةَ وَ إِنْ رَجَعَ رَجَعَ مَغْفُوراً لَهُ مُسْتَجَاباً لَهُ دُعَاؤُهُ فَاغْتَنِمُوا دَعْوَتَهُ إِذَا قَدِمَ قَبْلَ أَنْ يُصِيبَ الذُّنُوبَ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرُدُّ دُعَاءَهُ فَإِنَّهُ يُشَفَّعُ فِي مِائَةِ أَلْفِ أَلْفِ رَجُلٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ خَلَفَ حَاجّاً أَوْ مُعْتَمِراً فِي أَهْلِهِ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ أَجْرٌ كَامِلٌ مِثْلُ أَجْرِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِهِ شَيْ ءٌ وَ مَنْ خَرَجَ مُرَابِطاً فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُجَاهِداً فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُمِائَةِ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ يُمْحَى عَنْهُ سَبْعُمِائَةِ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ سَبْعُمِائَةِ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ كَانَ فِي ضَمَانِ اللَّهِ حَتَّى يَتَوَفَّاهُ بِأَيِّ حَتْفٍ كَانَ شَهِيداً وَ إِنْ رَجَعَ رَجَعَ مَغْفُوراً لَهُ مُسْتَجَاباً لَهُ دُعَاؤُهُ وَ مَنْ مَشَى زَائِراً لِأَخِيهِ فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ عِتْقُ مِائَةِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ يُرْفَعُ لَهُ مِائَةُ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَ يُمْحَى عَنْهُ مِائَةُ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ يُكْتَبُ لَهُ مِائَةُ أَلْفِ حَسَنَةٍ فَقِيلَ لِأَبِي هُرَيْرَةَ أَ لَيْسَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه و آله مَنْ أَعْتَقَ رَقَبَةً فَهِيَ فِدَاؤُهُ مِنَ النَّارِ قَالَ ذَلِكَ كَذَلِكَ وَ قَدْ قُلْنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ قُلْتَ كَذَا وَ كَذَا قَالَ بَلَى وَ لَكِنْ يُرْفَعُ لَهُ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ فِي كُنُوزِ عَرْشِهِ وَ مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَ تَفَقُّهاً فِي الدِّينِ كَانَ لَهُ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلُ جَمِيعِ مَا يُعْطَى الْمَلَائِكَةَ وَ الْأَنْبِيَاءَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ يُرِيدُ بِهِ رِيَاءً وَ سُمْعَةً

۱- ۱. فی المصدر المطبوع بالنجف:« و كان له بكل درهم و بكل دينار ألف ألف دينار و بكل حسنه عملها فی توجهه ذلک ألف ألف حسنه حتّی يرجع.

لِيُمَارِيَ بِهِ السُّفَهَاءَ وَ يُبَاهِيَ بِهِ الْعُلَمَاءَ أَوْ يَطْلُبَ بِهِ الدُّنْيَا بَدَّدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عِظَامَهُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ وَ لَمْ يَكُنْ فِي النَّارِ أَشَدُّ عَذَاباً مِنْهُ وَ لَيْسَ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ الْعَذَابِ إِلَّا وَ يُعَذَّبُ بِهِ مِنْ شِدَّهِ غَضَبِ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ سَخَطِهِ وَ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ تَوَاضَعَ فِي الْعِلْمِ وَ عَلَّمَ عِبَادَ اللَّهِ وَ هُوَ يُرِيدُ بِهِ مَا عِنْدَ اللَّهِ لَمْ يَكُنْ فِي الْجَنَّهِ أَحَدٌ أَعْظَمُ ثَوَاباً مِنْهُ وَ لَا أَعْظَمُ مَنْزِلَهً مِنْهُ وَ لَمْ يَكُنْ فِي الْجَنَّهِ مَنْزِلَهٌ وَ لَا دَرَجَهٌ رَفِيعَهٌ وَ لَا نَفِيسَهٌ إِلَّا كَانَ لَهُ فِيهَا أَوْفَرُ النَّصِيبِ وَ أَشْرَفُ الْمَنَازِلِ أَلَا وَ إِنَّ الْعِلْمَ خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ وَ مِلَاكُ الدِّينِ الْوَرَعُ أَلَا وَ إِنَّ الْعَالِمَ مَنْ يَعْمَلُ بِالْعِلْمِ وَ إِنْ كَانَ قَلِيلَ الْعَمَلِ- أَلَا وَ لَا تُحَقِّرَنَّ مِنَ الذُّنُوبِ شَيْئاً وَ إِنْ صَغُرَ فِي أَعْيُنِكُمْ فَإِنَّهُ لَا صَغِيرَهَ بِصَغِيرَهٍ مَعَ الْإِصْرَارِ وَ لَا كَبِيرَهَ بِكَبِيرَهٍ مَعَ الِاسْتِغْفَارِ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ سَائِلُكُمْ عَنْ أَعْمَالِكُمْ حَتَّى عَنْ مَسِّ أَحَدِكُمْ ثَوْبَ أَخِيهِ بِإِصْبَعِهِ فَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ الْعَبْدَ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَهِ عَلَى مَا مَاتَ وَ قَدْ خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْجَنَّهَ وَ النَّارَ فَمَنِ اخْتَارَ النَّارَ عَلَى الْجَنَّهِ انْقَلَبَ بِالْخَيْبَهِ وَ مَنِ اخْتَارَ الْجَنَّهَ فَقَدْ فَازَ وَ انْقَلَبَ بِالْفَوْزِ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَ أُدْخِلَ الْجَنَّهَ فَقَدْ فازَ(۱) أَلَا وَ إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي

أَنْ أُقَاتِلَ النَّاسَ حَتَّى يَقُولُوا- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَإِذَا قَالُوهَا اعْتَصَمُوا مِنِّي دِمَاءَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ إِلَّا بِحَقِّهَا وَ حِسَابُهُمْ عَلَى اللَّهِ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ اسْمُهُ لَمْ يَدَعْ شَيْئاً مِمَّا يُحِبُّهُ إِلَّا وَ قَدْ بَيَّنَهُ لِعِبَادِهِ وَ لَمْ يَدَعْ شَيْئاً يَكْرَهُهُ إِلَّا وَ قَدْ بَيَّنَهُ لِعِبَادِهِ وَ نَهَاهُمْ عَنْهُ- لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَهٍ وَ يَحْيى مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَهٍ أَلَا وَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَا يَظْلِمُ وَ لَا يُجَاوِزُهُ ظُلْمٌ وَ هُوَ بِالْمِرْصَادِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَساؤُا بِما عَمِلُوا وَ يَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى مَنْ أَحْسَنَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ أَساءَ فَعَلَيْها وَ ما رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ كَبِرَ سِنِّي وَ دَقَّ عَظْمِي وَ انْهَدَمَ جِسْمِي وَ نُعِيَتْ إِلَيَّ نَفْسِي وَ اقْتَرَبَ أَجَلِي وَ اشْتَدَّ مِنِّي الشَّوْقُ إِلَى لِقَاءِ رَبِّي وَ لَا أَظُنُّ إِلَّا وَ إِنَ

۱- ۱. آل عمران: ۱۸۵.

هَـذَا آخِرُ الْعَهْـدِ مِنِّی وَ مِنْکَمْ فَمَا دُمْتُ حَیّاً فَقَدْ تَرَوْنِی فَإِذَا مِتُّ فَاللَّهُ خَلِیفَتِی عَلَی کُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَهٍ وَ السَّلَامُ عَلَیْکَمْ وَ رَحْمَهُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ فَابْتَـدَرَ إِلَیْهِ رَهْطٌ مِنَ الْأَنْصَارِ قَبْلَ أَنْ یَنْزِلَ مِنَ الْمِنْبَرِ وَ کُلُّهُمْ قَالُوا یَا رَسُولَ اللَّهِ وَ نَحْنُ جَعَلَنَا اللَّهُ فِـدَاکَ بِأَبِی أَنْتَ وَ أُمِّی وَ نَفْسِـی لَکَ الْفِـدَاءُ یَا رَسُولَ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله مَنْ یَقُومُ لِهَذِهِ الشَّدَائِدِ وَ کَیْفَ الْعَیْشُ بَعْدَ هَذَا الْیَوْمِ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله وَ أَنْتُمْ فِـدَاکُمْ أَبِی وَ أُمِّی إِنِّی قَـدْ نَازَلْتُ رَبِّی عَزَّ وَ جَلَّ فِی أُمَّتِی- فَقَالَ لِی بَابُ التَّوْبَهِ مَفْتُوحٌ حَتَّی یُنْفَخَ فِی الصُّورِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَیْنَا رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله فَقَالَ إِنَّهُ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِسَنَهٍ تَابَ اللَّهُ عَلَیْهِ ثُمَّ قَالَ وَ إِنَّ السَّنَهَ لَکَثِیرَهٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ یَمُوتَ بِشَـهْرٍ تَـابَ اللَّهُ عَلَیْهِ ثُمَّ قَالَ وَ شَـهْرٌ کَثِیرٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِجُمْعَهٍ تَابَ اللَّهُ عَلَیْهِ ثُمَّ قَالَ وَ جُمْعَهٌ کَثِیرَهٌ مَنْ تَابَ قَبْلَ أَنْ یَمُوتَ بِیَوْمٍ تَـابَ اللَّهُ عَلَیْهِ ثُمَّ قَـالَ وَ یَوْمٌ کَثِیرٌ مَنْ تَابَ اللَّهَ قَبْلَ أَنْ یَمُوتَ بِسَاعَهٍ تَابَ اللَّهُ عَلَیْهِ ثُمَّ قَالَ وَ إِنَّ السَّاعَهَ لَکَثِیرَهٌ مَنْ تَابَ وَ قَـدْ بَلَغَتْ نَفْسُهُ هَـذِهِ وَ أَوْمَـأَ بِیَـدِهِ إِلَی حَلْقِهِ تَـابَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَیْهِ قَالَ ثُمَّ نَزَلَ فَکَانَتْ آخِرَ خُطْبَهٍ خَطَبَهَا رَسُولُ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله حَتَّی لَحِقَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ (۱).

ص: ۳۷۴

۱- ۱. ثواب الأعمال ص ۲۴۹- ۲۶۲، و کان هذا الحدیث الطویل آخر أحادیث الکتاب رواه تحت عنوان« عقاب مجمع عقوبات الاعمال». و فیه اختلافات یسیره مع نسخه المؤلّف العلامه رحمه اللّه علیه.

**[ترجمه]ثواب الاعمال: ابی هریره و عبدالله بن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کردند که آن حضرت پیش از وفاتش برای ما خطبه خواند و آن آخرین خطبه اش در مدینه تا زمانی که به خدا عزوجل رسید بود. و ما را پندها داد که از آنها دیده ها اشکبار شد و دل ها ترسان و بدن ها لرزان و دل ها هراسان. بلال را فرمود تا فریاد «الصلاه جامعه» کشید و مردم همه گرد آمدند و رسول خدا بیرون آمد تا به منبر بر آمد و فرمود: ای مردم! جلو آیید و جا را برای آنان که دنبال شمایند بگشایید. سه بار آن را فرمود تا مردم جلو کشیدند و به هم چسبیدند و کسی را در دنبال خود ندیدند. سپس فرمود: ای مردم! جلو آیید و جا برای آنان که به دنبال شمایند بگشایید. مردی گفت: یا رسول الله! برای که جا گشاییم؟ فرمود: برای فرشته ها. و فرمود: همانا چون آنها با شما همراه شوند، جلوی شما نباشند و در پس شما نباشند، بلکه در سمت راست و چپ شما باشند. مردی گفت: یا رسول الله! چرا در پیش و پس ما نباشند؟ آیا از برتری ما است بر آنها یا برتری آنها بر ما؟ فرمود: شما از فرشته ها برترید، بنشین! آن مرد نشست و رسول خدا خطبه خواند و فرمود:

سپاس از آن خدا است؛ سپاسش گوییم و یاری اش را جوییم و معتقدش باشی و به او توکل کنیم. و گواهی دهیم که نیست شایسته پرستشی جز او که یکتا است و شریک ندارد. و گواهی می دهیم که محمد بنده و رسول او است. و پناه بریم به خدا از بدی های خود و بدی های کردارهای خود، هر کس را که خدا رهنمایی کرد، گمراه کننده ای ندارد و هر کس را که گمراه کرد، رهنمایی ندارد.

ای مردم! همانا که در این امت سی پیغمبر دروغین خواهد بود. نخستین آنها صاحب صنعاء است (که پایتخت یمن است و یکی در آن به کمک اشعث بن قیس مقارن وفات پیغمبر دعوی نبوت کرد) و صاحب یمامه (مسیلمه کذاب که در آخر عمر پیغمبر دعوی نبوت کرد).

ای مردم! همانا هر که خدا عزوجل را ملاقات کند و از روی اخلاص گواه باشد که نیست شایسته پرستشی جز خدا و دیگری را با او در نیامیزد، به بهشت رود.

علی بن ابی طالب علیه السّلام برخاست و گفت: یا رسول الله، پدر و مادرم قربانت! چگونه آن را با اخلاص گوید و دیگری را با آن نیامیزد؟ این را برای ما شرح بده و روشن کن تا آن را بدانیم. آن حضرت در پاسخ فرمود: آری، برای حرص بر دنیا باشد و فراهم کردن دنیا از راه های حرام و ناروا و دل بستن بدان. و مردمانی باشند که گفتارهای نیکان را گویند و کردار زورگویان را به کار بندند. پس هر که ملاقات کند خدا عزوجل را و در او چیزی از این خصلت ها نباشد و او بگوید «لا اله الا الله»، بهشت را دارد و اگر دنیا را بگیرد و آخرت را رها کند، دوزخ از آن او باشد و هر که محاکمه ستمکاری را بر عهده گیرد یا در آن به او کمک کند ملک الموت بر او فرود آید با مژده به لعنت خدا و آتش دوزخ که جاوید در آن بماند و چه بد سرانجامی است.

و هر که برای طلب حاجتی در مقابل

پادشاه ستمگری تواضع کند، در دوزخ همراه او باشد؛ و هر که سلطانی را بر ستم راهنمایی کند، همراه آن است و او به همراه سلطان، سخت ترین عذاب دوزخیان را دارند؛ و هر که دنیاداری را بزرگ شمارد و او را به طمع دنیایش دوست دارد، خدا بر

او خشم کند و به همراه قارون در تابوت اسفل دوزخ هم درجه او باشد؛ و هر که برای خودنمایی و شهرت ساختمانی بسازد، روز قیامت تا هفتم زمین طوق آتشین او گردد و در گردنش سوزان باشد، سپس به دوزخ افکنده شود. گفتیم: یا رسول الله! چگونه ساختمانی برای خودنمایی و شهرت باشد؟ فرمود: بیش از نیاز بدان باشد یا برای بالیدن باشد. و هر که از مزد اجیر بکاهد، خدا کردارش را نابود سازد و بوی بهشت را بر او حرام کند، و بوی آن از مسافت پانصد سال دریافت شود.

و هر که یک وجب از زمین به همسایه اش خیانت کند، خدا روز قیامت تا هفتم طبقه آن را از آتش به گردنش طوق کند تا وی را به دوزخ در آورد؛ و هر که قرآن را بیاموزد و عمدا آن را فراموش کند، روز قیامت خدا را ملاقات کند در حالی که خوره دارد و دستش به گردنش بسته است و خدا به شمار هر آیه، ماری بر او مسلط کند که موکل او باشد؛ و هر که قرآن را بیاموزد و بدان عمل نکند و دوستی دنیا و زیورش را بر آن برگزیند، به خشم خدا عزوجل دچار گردد و هم درجه یهود و نصارا باشد؛ آنان که کتاب خدا را به پشت سرافکندند و نادیده گرفتند.

و هر که زنی را به حرام از پشت زنا کند یا مردی یا پسری را، خدا عزوجل روز قیامت بدبوتر از مردار محشورش کند که مردم از او آزار کشند تا به دوزخ رود و خدا از او کم و بیشی را و پول و بدلی را نپذیرد و عملش را نابود کند و او را در تابوتی نهد که با میخ های آهنین بسته شده و تخته های آهنین درمیان تابوت بر او زند تا با آن می خها به هم جفت شوند، و اگر یک بند از او را بر صد هزار امت نهند، همه بمیرند و او از همه دوزخیان سخت تر در عذاب باشد؛ و هر که با زنی یهودی یا ترسا یا گبر زنا کند، یا مسلمان آزاد باشد یا کنیز یا هر زنی از مردم، خدا عزوجل در قبرش سیصد هزاردر از دوزخ بگشاید که از آنها مارها و کژدم ها و زبانه های آتش بر او بر آید و بسوزد تا روز قیامت و مردم از گند فرج او آزار کشند و تا قیامت بدان شناخته شود تا فرمان دهندش به سوی دوزخ و همه حاضران از او آزار کشند، با عذاب سختی که بدان گرفتارند، زیرا خدا محارم را حرام کرده و کسی غیرتمندتر از خدا نباشد و از غیرت حضرت او است که هرزگی ها را غدقن کرده و حدود و کیفرها را مقرر داشته است.

و هر که در خانه همسایه اش سرکشد و به عورت مردی یا موی زنی یا جایی از تنش نگاه کند، برخدا واجب است که او را به دوزخ برد، همراه منافقانی که در دنیا عورت مردم را بررسی می کردند، و از دنیا نرود تا خدایش رسوا کند و عورتش را در آخرت به مردم آشکار کند.

و هر که از نصیب روزی اش ناراضی است و شکوه خود را پراکنده کند و شکیبا نباشد، حسنه ای از او به درگاه خدا بالا نرود و خدا عزوجل را ملاقات کند در حالی که بر او خشمگین باشد.

و هر که جامه ای بپوشد و در آن بزرگی فروشد، خدا قبرش را به لبه دوزخ فرو کشد و تا آسمان ها و زمین باشند، در آن جابه جا شود، که قارون لباس پشمینی پوشید و در آن به خود بالید و خدا او را بدان جا فرو برد و در آن تا جابه جا شود روز قیامت.

و هر که زنی را با مال حلالی بگیرد اما قصدش بالیدن و خودنمایی با او باشد، خدا عزوجل او را بدان نیفزاید جز خواری و زبونی و به اندازه ای که از او بهره برده او را بر لبه دوزخ وادارد، سپس بدان تا هفتاد خریف فرو افتد. هر که مهر زنی را به

ستم کشد، نزد خدا زناکار است و خدا عزوجل روز قیامت به او گوید: ای بنده من! کنیزم را با پیمانم به تو به زنی دادم و به پیمانم وفا نکردی، و خدا حق آن زن را بستاند و همه حسنات آن مرد را فرا گیرد و کمتر از حقش در آید و فرمانش دهند به دوزخ.

و هر که از گواهی خود برگردد و آن را نهان سازد، خدا در برابر خلائق گوشتش را به خوردش دهد و او را به دوزخ برد، در حالی که زبانش را بجود؛ و هر که را دو زن باشد و در قسمتی که دارند از خودش و مالش با عدالت میان آنها نباشد، روز قیامت در غل آید و به پهلو مایل است تا به دوزخ رود .

و هر که به ناحق همسایه اش را آزار دهد، خدا بوی بهشت را بر او حرام کند و جایش دوزخ است. آگاه باش که خدا عزوجل باز پرسد هر کس را از حق همسایه و هر که حق همسایه خود را ضایع کرده، از ما نباشد.

و هر که فقیر مسلمانی را برای اینکه فقیر است اهانت کند و او را کم شمارد، البته که حق خدا را کم شمرده و پیوسته دچار خشم خدا عزوجل و دشمنی او است تا او را راضی سازد؛ و هر که فقیر مسلمانی را گرامی دارد، خدا را روز قیامت در حالی که به رویش خندان است ملاقات کند.

و هر که در سر دو راهی دنیا و آخرت باشد و دنیا را بر آخرت برگزیند، خدا عزوجل را ملاقات کند و برایش حسنه ای نباشد که بدان از دوزخ پرهیزد؛ و هر که آخرت را گرفت و دنیا را وانهاد، ملاقات کند خدا را روز قیامت که از او خشنود است.

و هر که بر زنی یا کنیزی به حرامی دست یافت و از ترس خدا عزوجل او را وانهاد، خدا عزوجل حرام کند بر او دوزخ را و امانش دهد از هراس بزرگ و او را به بهشت برد و اگر با او به حرامی رسید، خدا بهشت را بر او حرام کند و به دوزخش برد؛ و هر که از راه حرام مالی به دست آورد، خدا از او نپذیرد صدقه و نه آزاد کردن بنده و نه حج و نه عمره و خدا عزوجل به شمار ثواب آنها بر او گناه نویسد، و آنچه پس از مردنش برای او بماند، توشه او گردد به سوی دوزخ؛ و هر که بدان دست یابد و آن را از ترس خدا عزوجل وانهد، در پرتو دوستی خدا و رحمتش باشد و به او فرمان بهشت داده شود.

و هر کس به زن نامحرمی دست بدهد، روز قیامت در غل آید و فرمان دوزخ به او داده شود؛ و هر که با زن نامحرمی خوش و بش کند و لاس بزند، به هر کلمه ای که در دنیا با او سخن گفته، هزار سال در دوزخ زندانی گردد؛ و زنی که مرد نامحرمی را بپذیرد که به او بچسبد و او را ببوسد یا به تن او بچسبد به حرامی یا با او لاس بزند یا به هرزگی با او زنا کند، بر او گناهی باشد بدان چه بر مرد است، و اگر مرد به زور او را بدان واداشته، گناه او و آن مرد بر آن مرد باشد.

و هر که با مسلمانی در فروش یا خرید دغلی کند، از ما نباشد و در قیامت با یهود محشور شود، زیرا کسی که به مسلمانی دغلی کند، مسلمان نیست؛ و هر که ابزار زندگی را از همسایه خود دریغ کند چون به آن نیاز دارد، خدا در قیامت فضل خود را از او دریغ کند و او را به خود واگذارد؛ و هر که را خدا به خودش واگذارد، هلاک شود و خدا عزوجل از او عذری نپذیرد.

و هر که زنی دارد که او را آزار کند، خدا نماز آن زن و عمل خوبش را نپذیرد تا به او یاری کند و او را راضی کند، اگر چه

همه را روزه گیرد و شب زنده داری کند و بنده ها آزاد کند و مال ها در راه خدا به مصرف رساند، و آن زن نخستین کس باشد که به دوزخ رود. سپس رسول خدا فرمود: و آن مرد هم چنین گناه و عذابی دارد، چون به زنش آزار رساند و ستم کند.

و هر کس به گونه مسلمانی سیلی زند، خدا روز قیامت استخوان هایش را بگسلد و آنگاه دوزخ را بر او چیره سازد و در غل او را محشور کند تا به دوزخ رود.

و هر که شب را گذراند و در دل دغلی بر برادر مسلمانش دارد، در خشم خدا شب را گذرانده و صبح هم چنین باشد تا توبه کند و برگردد، و اگر چنین بمیرد، بر غیر دین اسلام مرده است.سپس رسول خدا تا سه بار فرمود: آگاه باشید که هر که به ما دغلی کند، از ما نباشد.

و هر که به خدمت او تازیانه ای پیش سلطان ستمگر بیاویزد، خدا عزوجل آن را ماری سازد به درازای شصت هزار ذراع و در آتش دوزخ بر آتش مسلط کند که تا همیشه باشد.

و هر که غیبت برادر مسلمانش را کند، روزه اش باطل و وضویش شکسته است و اگر چنین بمیرد، در حالی که حلال کننده حرام خدا است؛ و هر که میان دو کس سخن چینی کند، خدا در قبرش بر او آتشی مسلط کند که تا قیامت او را بسوزاند، و چون از قبرش به در آید، خدا اژدهای سیاهی را بر او مسلط کند که گوشتش را بگزد تا به دوزخ رود.

و هر که خشم خود را بر برادر مسلمانش فرو خورد و بر او بردبار باشد، خدا تعالی به او ثواب شهیدی را دهد؛ و هر که بتازد بر فقیری یا سرکشی کند بر او یا خوارش شمارد، خدا روز قیامت چون مورچه ای به صورت آدمی محشورش کند تا به دوزخ رود؛ و هر کس جلو گیرد از غیبت برادر مسلمانش که آن را در مجلسی بشنود، خدا عزوجل از او هزار باب از شر را در دنیا و آخرت جلو گیرد و اگر جلو نگیرد و از آن خوشش آید، بر او است چون گناه کسی که غیبت کند.

و هر که مرد پاکدامن یا زن پاکدامنی را به زنا نسبت دهد، خدا عملش را نابود کند و روز قیامت هفتاد هزار فرشته از پیش و از پسش به او تازیانه زنند و گوشتش را مارها و کژدم ها بگزند و او را فرمان به دوزخ دهند؛ و هر که در دنیا شراب نوشد، خدا عزوجل او را از زهر افعی ها و کژدم ها شربتی بنوشاند که گوشت رویش قبل از نوشیدن در ظرف درافتد و چون آن را بنوشد، گوشت و پوستش را وارونه کند، چون مردار گندیده و اهل محشر از او آزار کشند تا او را به دوزخ فرمان دهند؛ و نوشنده شراب و فشارنده انگورش و وافشاردهنده اش در دوزخ باشند و فروشنده و خریدار و برنده آن و کسی که برایش برند و آن که بهایش را بخورد، در ننگ و گناهش یکسانند. آگاه باش که هر که آن را به یهودی یا ترسا یا گبر یا هر مردمی بنوشاند، بر او است گناه آن کس که آن را نوشیده. آگاه باش که هر که آن را برای دیگری بفروشد یا بخرد، خدا عزوجل از او نه نماز را و نه روزه را و نه حج را و نه عمره را نپذیرد تا توبه کند و از آن برگردد و اگر بی توبه بمیرد، حق است بر خدا عزوجل که در برابر هر جرعه که در دنیا نوشیده، شربتی از صدید دوزخ به او بنوشاند. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آگاه باش که همانا خدا عزوجل حرام کرده خود شراب را و مست کننده از هر نوشابه را، آگاه باش که هر مست کننده ای حرام است.

و هر که ربا خورد، خدا عزوجل شکمش را به اندازه ای که خورده، از آتش دوزخ پر کند و اگر از آن مالی به دست آورد، خدا چیزی از کردارش را نپذیرد و تا وقتی که نزد او یک قیراط ربا است، پیوسته در لعنت خدا و فرشته ها است.

و هر که امانتی را در دنیا خیانت کند و به صاحبانش برنگرداند، بر غیر دین اسلام بمیرد و خدا را ملاقات کند در حالی که بر او خشمناک است و به دوزخ فرمانش دهند و تا همیشه در کناره دوزخ فرو رود.

و هر که گواهی دروغ دهد بر مسلمان یا اهل ذمه یا هر کس از مردم، بند بر زبانش نهاده شود روز قیامت و در درک اسفل دوزخ همراه منافقان باشد؛ و هر که به خدمتکارش و مملوکش و کسی دیگر از مردم بگوید: «لا لبیک و لا سعدیک»، خدا تعالی روز قیامت همان را به او گوید و در دوزخ جای گیرد.

و کسی که زنی را در فشار زیاد قرار دهد تا خود را بدو واگذارد، خدا عزوجل در کیفر او به غیر از دوزخ راضی نباشد، زیرا خدا عزوجل برای زن به خشم آید، چنان چه برای یتیم.

و هر که از برادرش بی آنکه از او بدی و ناخواهی دیده نزد سلطانی سعایت کند، خدا عزوجل همه عملش را نابود سازد و اگر به فرد سعایت شده بدی یا ناخواه یا آزاری رسد، خدایش با هامان در طبقه دوزخ همراه کند.

و هر که برای آوازه خوانی و به دست آوردن چیزی قرآن خواند، خدا عزوجل را روز قیامت ملاقات کند در حالی که رویش سیاه باشد و گوشتی بر آن نباشد و قرآن از پس گردنش او را فشار دهد تا به دوزخش در آورد و با دیگران در آن فرو رود.

و هر که قرآن بخواند و بدان عمل نکند، خدا عزوجل در قیامت او را کور محشور کند و او گوید: «رب لم حشرتنی أعمی و قد کنت بصیرا- قال کذلک أتتک آیاتنا فنسیتها و کذلک الیوم تنسی.» - . طه / ۱۲۵ - ۱۲۶ - {پروردگارا چرا مرا کور محشور کردی با اینکه بینا بودم، خدا فرماید چنانی که آیات ما برایت آمدند و آنها را فراموش کردی و چنین امروز فراموش شوی} و فرمان داده شود به سوی دوزخ.

و هر که خیانتی را بخرد و بداند که خیانت است، ننگ و گناه کسی را دارد که خیانت ورزیده؛ و هر که میان مرد و زنی به حرامی جاکشی کند، حَرَّمَ اللَّهُ عَلَیْهِ الْجَنَّهَ... وَ مَأْواهُ جَهَنَّمُ وَ ساءَتْ مَصِیرا.» - . مائده / ۷۲ ، آل عمران / ۱۶۳ - {خدا بهشت را به او حرام کند... و جایش دوزخ است و بد سرانجامی است.} و پیوسته دچار خشم خدا است تا بمیرد.

و هر که دغلی کند با برادر مسلمانش، خدا برکت را از روزی اش بردارد و زندگیش را تباه سازد و او را به خود واگذارد؛ و هر که مال دزدی را دانسته بخرد، در ننگ و گناهش چون دزد آن است؛ و هر که به مسلمانی خیانت کند، از ما نباشد و ما از او نباشیم در دنیا و آخرت .

آگاه باش که هر کس هرزگی را بشنود و آن را فاش کند، چون انجام دهنده آن باشد و هر کس کار خوبی را بشنود و فاشش سازد، چون انجام دهنده آن باشد؛ و هر که زنی را برای مردی وصف کند و زیبایی او را یادش آورد و آن مرد شیفته او گردد و به هرزگی کشیده شود، از دنیا نرود تا خدا بر او خشم کند و هر که خدا بر او خشم کند، هفت آسمان و هفت

زمین بر او خشم کنند و گناهش چون گناهی باشد که به آن مرد رسد. گفته شد: یا رسول الله! اگر توبه کنند و خوب شوند چه؟ فرمود: توبه آن دو را بپذیرد و توبه آن دلال را نپذیرد.

و هر که چشمانش را از نگاه بر زنی به حرامی پر کند، خدا عزوجل روز قیامت آن دو چشم را با میخ های آتشین پر کند و از آتش هر دو را آکنده سازد تا میان همه مردم حکم نماید، سپس فرمان داده شود به دوزخ.

و هر که برای خودنمایی و شهرت خوراکی دهد، خدا مانندش را از صدید دوزخ به او بخوراند و آن خوراک را هم در شکمش آتشی کند تا حکم کند میان مردم؛ و هر کس با زن شوهرداری هرزگی کند، از فرج هر دو یک رودخانه صدید (چرک و خون) به مسافت پانصد سال روان شود و دوزخیان از بوی گند آن دو آزار کشند و از سخت ترین مردم باشند در عذاب. و سخت است خشم خدا بر زن شوهرداری که چشم بدوزد به غیر شوهرش یا غیرمحرم هایش که اگر چنین کند، خدا هر عملی که کرده نابود کند، و اگر بسترش را زیر پای غیر شوهر بگستراند، بر خدا است که او را در دوزخ بسوزاند، پس از آنکه او را در قبرش عذاب کرده باشد.

و هر زنی که از شوهرش طلاق خلع بگیرد، پیوسته در لعن خدا و فرشته هایش و رسولانش و لعن همه مردم باشد تا مرگش برسد و ملک الموت به او گوید: مژده گیر به دوزخ! و چون روز قیامت شود، به او گفته شود: برو به دوزخ با دوزخیان! آگاه باش که خدا و رسولش بیزارند از زنان مطلقه به خلع به ناحق. آگاه باشید که همانا خدا عزوجل بیزار است از کسی که زیان زند به زنی تا از او طلاق بگیرد.

و هر که پیش نماز مردمی شود به اذن و پسند آنها و میانه روی کند با آنها در حضور خود و در قرائت و رکوع و سجود و قعود و قیامش، به مانند ثواب همه آنها را دارد؛ و آن که پیش نماز شود بر مردمی و میانه رو نباشد با آنها در حضورش (دیر و زود به نماز آید) و در قرائت و رکوع و سجود و قعود و قیامش معتدل نباشد (طول دهد یا کم گزارد)، نمازش به او برگردد و از گلویش بالاتر نرود و مقامش نزد خدا عزوجل، چون مقام پیشوای ستمگر متجاوزی است که خوب نباشد برای رعیتش و به امر خدا تعالی در میان آنها بر پا نشود (و به هوای نفس خود حکومت کند).

امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السّلام برخاست و گفت: پدر و مادرم به قربانت یا رسول الله! مقام حکمران ستمگر و تجاوزگر که خوب نیست برای رعیتش و به امر خدا تعالی در آنها بر پا نشود چه باشد؟ در پاسخ فرمود: او چهارمین چهار کس باشد که روز قیامت سخت ترین عذاب را دارند: ابلیس، فرعون، آدم کش و چهارمش حکمران ستمکار. و هر که برادر مسلمانش در قرضی به او محتاج شود و به او ندهد، خدا بهشت را در روزی که نکوکاران را پاداش می دهد، بر او حرام کند.

و کسی که به بدخویی زنش شکیبا باشد و به حساب خدا گذارد، خدا به هر بار شکیبایی او بر وی ثواب ایوب را دهد بر بلایش و بر آن زن بدخو، در هر شبانه روز گناهی باشد چون ریگ کوه عالج و اگر پیش از کمک به شوهر و کسب رضایت او بمیرد، روز قیامت با منافقان، وارونه در درک اسفل دوزخ محشور شود.

و هر که زن ناسازی دارد و صبر ندارد بدان چه خدا روزی اش کرده و سخت گیرد بر آن زن و وادارش کند بدان چه نتواند،

خدا از او حسنه ای نپذیرد که از دوزخ نگهش دارد و خدا بر آن زن خشم دارد تا چنان است.

و هر که گرامی دارد مؤمنی را، همانا خدا را گرامی داشته، و چه گمان برید به کسی که خدا را گرامی داشته که با او چه خواهد کرد؟ و هر که کدخدای مردمی شود و با آنها خوبی نکند، وادار شود بر لب دوزخ برابر هر روز کدخدایی اش هزار سال و با دست های به گردن بسته محشور شود، و اگر به امر خدا در آنها کار کرده، خدا او را رها کند و اگر ستمگر بوده، او را به اندازه هفتاد فصل پاییز در آتش دوزخ فرو کند.

و هر که حکم نکند بدان چه خدا نازل کرده، همچون کسی است که گواهی دهد به ناحق، و به دوزخ افکنده شود و عذاب گواهی به دروغ را دارد؛ و هر که دو رو و دو زبان است، در قیامت دو رو و دو زبان دارد؛ و هر که برای آشتی میان دو کس روانه شود، فرشته های خدا برایش رحمت خواهند تا برگردد و ثواب شب قدر بدو داده شود؛ و هر کس برای بریدن دو تن از هم روانه شود، گناه بر او بار شود به اندازه ثواب مصلح میان دو کس، و بر او نوشته شود لعن خدا تا به دوزخ رود و عذابش دو چندان گردد.

و هر که برای کمک به برادرش و به سود او روانه شود، ثواب مجاهدان در راه خدا را دارد؛ و هر که برای عیبجویی از برادر روانه شود و عیب زیر پرده او را فاش کند، نخست گامی که بردارد و بگذارد، در دوزخ باشد و خدا عیب او را در برابر همه مردم فاش کند؛ و هر که به احوالپرسی خویشاوند و وابستگان رود، خدا به او ثواب صد شهید دهد و اگر از حالش بپرسد و با مال و جانش با او صله کند، به ازای هر گامی چهل هزار هزار حسنه دارد، و چهل هزار هزار درجه از او بالا رود، و گویا خدا عزوجل را صد سال پرستیده است؛ و هر که برای فساد میان آن دو و بریدن آنها از هم روانه شود، خدا عزوجل بر او خشم کند و در دنیا و آخرت لعنتش کند و گناهی دارد برابر با گناه قاطع رحم.

و هر کس کار کند تا دو مؤمن زناشویی کنند و آنها را به هم رساند، خدا عزوجل به او هزار زن از حوریان به زنی دهد که هر زنی در کاخی باشد از دُر و یاقوت و به ازای هر گامی که در این راه بر دارد و هر کلمه ای که بگوید، ثواب یک سال شب زنده داری و روزه داری را دارد؛ و هر که در جدایی میان زن و شوهری کار کند، بر او باشد خشم خدا و لعنش در دنیا و آخرت، و بر خدا حق است که او را با هزار پاره سنگ از آتش بکوبد؛ و هر که برای به هم زدن میان آنها روانه شود و جدا نشوند در خشم خدا عزوجل و لعن او در دنیا و آخرت باشد و نگاه به رویش را حرام کند.

و هر که نابینا را به مسجدش بکشاند یا به خانه اش یا برای نیازی که دارد، خدا به ازای هر گامی که بردارد و بر زمین گذارد، ثواب آزاد کردن بنده ای برایش نویسد، و فرشته ها بر او رحمت خواهند تا از آن نابینا جدا شود؛ و هر که برای نابینا حاجتی را به عهده گیرد و برای آن روانه شود تا آن را برآورد، خدایش دو برائت، دهد یکی از دوزخ و یکی از نفاق، و برایش هفتاد هزار حاجت در نقد دنیا بر آورد و پیوسته در رحمت خدا باشد تا برگردد.

و هر که یک شبانه روز بر سر بیماری پرستاری کند، خدایش به همراه ابراهیم خلیل علیه السّلام محشور کند و چون برق جهنده بر صراط بگذرد؛ و هر که در نیاز بیماری بکوشد و آن را بر آورد، از گناهانش به در آید، چون روزی که مادرش او را زاده. پس مردی از انصار گفت: یا رسول الله! اگر بیمار از خاندانش باشد چه؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بزرگ

ترین ثواب از کسی است که در رفع نیاز خاندانش بکوشد. و هر که ضایع گذارد خاندانش را و قطع رحم کند، خدایش در روزی که محسنان را پاداش دهد از پاداش خوب محروم سازد و او را ضایع گزارد و هر که خدا او را در آخرت ضایع گذاشت و نادیده گرفت، به جمع هلاکان برگردد تا راهی بیابد، و راهی نخواهد یافت؛ و هر که به گرفتاری قرض دهد و به خوشی از او بستاند، کردارش را از سر گرفته (گناهان پیش او محو شده) و خدا برابر هر درهمی، هزار قنطار (یک پوست گاو پر از طلا) به او از بهشت بدهد.

و هر که از برادر خود یک گرفتاری از دنیا را بگشاید، خدا به او نظر رحمت کند و بدان به بهشت رسد و خدا گرفتاری های دنیا و آخرت او را بگشاید.

و هر که برای آشتی میان زنی با شوهرش روانه شود، خدا ثواب هزار شهید که به حق در راه خدا کشته شدند را به او بدهد و به ازای هر گامی که بردارد و کلمه ای که در این راه بگوید، ثواب یک سال عبادت کسی را دارد که شب ها را زنده داشته و روزها را روزه بوده؛ و هر که به برادر مسلمانش قرضی دهد، به ازای هر درهمش ثوابی دارد به وزن کوه احد و کوه های رضوی و کوه های طور سینا از حسنات، و اگر در بازخواستش پس از رسیدن مدت با او نرمش کند، از صراط چون برق جهنده بگذرد، بدون حساب و بدون عذاب؛ و هر که با درخواست برادر مسلمانش به او قرض ندهد، خدا عزوجل روزی که به محسنان پاداش دهد، بهشت را بر او حرام کند؛ و هر که دریغ دارد از حاجت خواهنده ای در برآوردن آن با اینکه می تواند، بر او است گناه گمرکچی. عوف بن مالک نزد آن حضرت برخاست و گفت: گناه گمرک چی چه باشد یا رسول الله؟ فرمود: بر گمرک چی در هر روز و شب لعنت خدا و فرشته ها و همه مردم است و هر که را خدا لعنت کند، برایش یاوری نیابی؛ و هر که به برادرش احسانی کند و به او منت نهد، در آن عملش نابود شود و کوشش او نومید شود. سپس فرمود: آگاه باشید که خدا عزوجل بهشت را حرام کرده بر منت گذار و متکبر و سخن چین و دائم الخمر و حریص و آن کس که از دنیا سیر نشود و بر جفا کار و حرام زاده .

و هر که صدقه ای به مستمندی دهد، مانند ثواب او را دارد و اگر چهل هزار کس صدقه را دست به دست دهند تا به مستمند رسد، همه آنها ثواب کامل دارند و «و ما عند الله خیر و أبقی» آنچه نزد خدا است بهتر و پاینده تر است برای آنان که تقوا دارند و نیکوکارند، اگر شما بدانید.

و هر که مسجدی در این دنیا بسازد، خدا به هر وجبش (یا فرمود به هر ذراعش) با هر مسافت، چهل هزار هزار سال شهر از طلا و نقره و دُر و یاقوت و زمرد و زبرجد و لؤلؤ بدهد که در هر شهرش چهل هزار هزار کاخ است و در هر کاخش چهل هزار هزار خانه و در هر خانه چهل هزار هزار تخت، بر هر تخت یک حورالعین، در هر اتاق چهل هزار هزار خادم و چهل هزار هزار خادمه، و در هر اتاق چهل هزار هزار خوان و بر هر خوان چهل هزار هزار کاسه و در هر کاسه چهل هزار هزار جور خوراک، و خدا به دارنده آن نیرویی دهد که بر همه این همسران در آید و از همه این خوراک و نوشاک در یک روزه بهره برد.

و هر که اذان گوی یکی از مساجد خدا گردد و برای خدا در آن اذان گوید، خدا به او ثواب هزار هزار پیغمبر و هزار هزار صدیق و هزار هزار شهید را بدهد و شفاعت او را در هزار هزار امت که در هر امت هزار هزار مرد باشد بپذیرد و برای او در

هر بهشتی از بهشت ها، چهل هزار هزار شـهر باشد و در هر شهری چهل هزار هزار کاخ و در هر کاخی چهل هزار هزار خانه و در هر خانه چهل هزار هزار اتاق و در هر اتاق چهل هزار هزار تخت و بر هر تخت یک همسر از حورالعین، و هر اتاق آن چهل هزار هزار برابر دنیـا باشـد و جلوی هر همسـری چهـل هزار هزار خـادم و چهل هزار هزار خادمه، و در هر اتاق چهل هزار هزار خـوان و بر هر خـوان چهـل هزار هزار کـاسه و در هر کـاسه چهـل هزار هزار جـور خـوراک و اگر همـه جن و انس بر او وارد شوند، آنها را در کوچک ترین خانه جا دهد که در آن هر چه بخواهند، از خوراک و نوشاک و عطر و جامه و میوه ها باشد و هر جور تحفه و تـازه پیـدا از زیور و پوشـش، در هر اتـاق بس باشـد آنچه در اوست از همه این چیزهـا از آنچه در اتـاق دیگر است، و چون مؤذن گویـد: «اشـهد ان لا ـ الله الا ـ الله»، چهـل هزار هزار فرشـته او را در میان گیرنـد و برایش رحمت خواهنـد و آمرزش طلبنـد، و در سایه خدا عزوجل است تا فارغ شود، و چهل هزار هزار فرشـته ثوابش را برایش بنویسـند. سـپس آن را به درگاه خدا عزوجل ببرند.

و هر که به یکی از مساجد خدا عزوجل رود، به ازای هر گامی که بردارد تا به خانه اش برگردد، ده حسنه دارد و ده سیئه از او محو شود و ده درجه از او بالا رود؛ و هر که ملازم نماز جماعت باشد، هر جا باشد و هر جا رود از صراط چون برق جهنده در گروه نخست از پیشـتازان گـذر کنـد و رویش تابنـده تر از مـاه شب چهارده باشـد؛ و هر شـبانه روز که ملازم آن باشـد، ثواب شهیـدی را دارد و هر که ملازم صف پیشـین باشـد و تکبیره نخست را دریابد و در آن مؤمنی را نیازارد، خدا به او ثواب مؤذن را دهـد و در بهشت هم به او ثواب مؤذن را دهـد؛ و هر که بر سـر راه جـایی برای رهگـذران بسـازد، خـدا روز قیـامت او را بر مَرکب سواری راهواری از دُر سوار کند و از صورتش نوری بر اهل محشـر بتابد که در آن همراه ابراهیم خلیل علیه السّـلام در گنبد او باشد و رضوان محشـر گویند: این یک فرشـته ای است که هرگز مانندش دیده نشده است! و در شفاعت او چهل هزار هزار کس به بهشت روند.

و هر که یک میانجیگری کند برای برادرش که از او خواسـته، خدا عزوجل به او نظر کند و بر خدا است که هرگز او را عذاب نکند و اگر بدون خواست آن برادر این کار را کند، ثواب هفتاد شـهید را دارد و ثواب کسـی را که ماه رمضان را در خموشی و نگهـداری گوش و چشم و زبان و فرج و همه اندامش از دروغ و حرام و غیبت، برای تقرب به خدا تعالی روزه داشـته و خدا او را مقرب سـازد تـا هم زانوی ابراهیم خلیل علیه السّـلام گردد؛ و هر که چاه آبی بکَنـد تا آبـده شود و آن را وقف مسـلمانان کند، ثواب هر کسـی را دارد که از آن وضو و نماز کند و به شمار هر موی آدمی و چهارپا و درنده و پرنده، ثواب آزاد کردن هزار بنده را دارد و روز قیامت به شـفاعت او به شمار اختران به حوض قدس رسند. گفتیم: یا رسول الله! حوض قدس چیست؟ تا سه بار فرمود: حوض من!

و هر که برای خدا قبرمسلمانی را بکند، خدا تعالی دوزخ را بر او حرام کند و او را در خانه بهشتی جا دهد و او را

بر سـر حوضـی درآورد که به شـمار ستاره ها بر گِرد آن آب خوری باشد و پهنایش از ایله (شهری در بصره) تا صنعاء (شهری در یمن) است؛ و هر که مرده ای را غسل دهـد و از او امانت داری کند، به ازای هر مویش ثواب آزاد کردن بنده ای را دارد و صـد درجه از او بالا ـ رود. عمر بن خطـاب گفت: یـا رسول الله! چگونه در او امـانت داری کنـد؟ فرمود: عورتش را بپوشانـد و زشتی او را نهان دارد و اگر نکند، اجرش در دنیا و دیگر سرا نابود است و عورتش در دنیا و آخرت مکشوف شود.

و هر که بر میتی نماز بگزارد، جبرئیل و هفتاد هزار فرشته برایش رحمت خواهد و گناه گذشته و آینده او آمرزیده شود، و اگر بر سر جنازه اش بماند تا به خاک رود و خاک بر گورش بریزد و از آن بازگردد، به ازای هر گامی از آنجا که تشییع او کرده تا به خانه اش برگشته، قیراطی است از مزد و قیراط در سنجش مزد، هم وزن کوه احد است؛ و هر که چشمش از ترس خدا اشکبار شود، به ازای هر قطره از اشکش به مانند کوه احد دارد که در ترازویش باشد و برابر هر قطره، چشمه ای از بهشت دارد که برکنارش میدان ها و کاخ ها باشند که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه به دل یک آدمی خطور کرده.

و هر که بیماری را عیادت کند، به ازای هر گامی که بردارد تا به منزلش برگردد، هفتاد هزار هزار حسنه دارد، و هفتاد هزار هزار سیئه از او محو شوند و هفتاد هزار هزار درجه از او بالا روند و هفتاد هزار هزار فرشته بر او گمارده شود که او را در قبرش عیادت کنند و تا روز قیامت برایش آمرزش خواهند.

و هر کس جنازه ای را تشییع کند، به ازای هر گامی که تا برگشتن برمی دارد، صد هزار هزار حسنه دارد و صد هزار هزار سیئه از او محو شود و صد هزار هزار درجه از او بالا رود، و اگر بر جنازه او نماز خواند، بر جنازه او صد هزار هزار فرشته که همه برایش آمرزش خواهند نماز خوانند و اگر در دفن او حاضر باشد، خدا به او بگمارد صد هزار هزار فرشته که همه برایش آمرزش خواهند، تا روز قیامت که از قبرش زنده شود.

و هر که برای حج یا عمره بیرون شود، به ازای هر گامی که برمی دارد تا برگردد، صد هزار هزار حسنه دارد و صد هزار هزار سیئه از او محو شود و صد هزار هزار درجه از او بالا رود و نزد پروردگارش به هر درهمی که در این راه خرج کند، صد هزار هزار درهم دارد (و در نسخه ای دینار هم با درهم آمده) تا برگردد و در ضمانت خدا باشد و اگر جانش را بگیرد، به بهشتش برد و اگر برگردد، آمرزیده باشد و دعایش مستجاب است و دعایش را غنیمت شمارید تا هنگامی که باز آید، پیش از آنکه به گناهان آلوده شود، زیرا خدا دعای او را برنگرداند و البته که او روز قیامت صد هزار هزار کس را شفاعت کند؛ و هر که سرپرست حج کننده و عمره کننده در خاندانش باشد، به جای او ثواب کاملی دارد همچون اجر خود او، بی آنکه از اجر او چیزی کم شود.

و هر که بیرون رود به مرزداری در راه خدا یا به جهاد، به ازای هر گامی که بردارد، هفتصد هزار حسنه دارد و هفتصد هزار سیئه از او محو شود و هفتصد هزار درجه از او بالا رود و در ضمانت خدا باشد تا جان دهد و به هر گونه که بمیرد، شهید است و اگر برگردد، آمرزیده است و با دعای اجابت شده برگردد.

و هر که برای دیدار برادرش روانه شود، به ازای هر گامی که برمی دارد تا به خانه اش برگردد، ثواب صد هزار آزاد کردن بنده را دارد و صد هزار درجه از او بالا رود و صد هزار سیئه از او محو شود و صد هزار حسنه برایش نوشته شود. به ابی هریره گفته شد: چنان نیست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که بنده ای آزاد کند، فدای از دوزخ رفتن او است و به دوزخ نرود؟» در پاسخ گفت: اینچنین است و ما هم به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتیم: یا رسول الله! چنان و چنین فرمودی؟ فرمود: آری، ولی خدا درجه ها را نزد خود در گنجینه های عرشش برای او بلند کند.

و هر که برای رضای خدا و فهمیدن دین قرآن بخواند، ثوابی او را باشد به مانند آنچه به همه فرشته ها و پیغمبران و مرسلان

داده شود؛ و هر که قرآن را برای خودنمایی و شهرت یاد گیرد تا بدان با کم خردان جدال کند یا به دانشمندان ببالد یا دنیا را طلبد، خدا عزوجل استخوان هایش را روز قیامت از هم بگسلد، و در دوزخ کسی از او بیشتر عذاب نبیند و از سختی خشم و سخط خدا بر او، هیچ گونه عذاب نباشد جز که بدان عذاب شود.

و هر که قرآن آموخته و در دانش فروتن است و به بندگان خدایش یاد داده و آنچه را که نزد خدا است می خواهد، در بهشت کسی از او بیشتر ثواب ندارد و نه در مقامی بالاتر از او، و در بهشت مقامی و درجه بالا و ارزشمندی نباشد، جز آنکه او را از آن بهره فراوان تر و مقامی شریف تر است. آگاه باشید که دانش بهتر از کردار ساده است و ملاک دینداری پارسایی است. آگاه باشید که عالم کسی است که عمل کند به علم خود، اگر چه عملش اندک باشد.

آگاه باشید و هیچ گناهی را کم مگیرید، گرچه در چشم شما کوچک است، زیرا با اصرار گناه صغیره نباشد و با استغفار، گناه کبیره ای کبیره نماند. آگاه باشید که خدا عزوجل بازرس همه اعمال شما است، حتی به انگشت زدن یکی از شما به جامه برادرش.

پس بدانید ای بنده های خدا که بنده روز قیامت بر آن چه مرده (از عقیده و روش) مبعوث شود. و البته که خدا عزوجل بهشت و دوزخ هر دو را آفریده و هر که دوزخ را بر بهشت برگزیند، بازپس افتد به نومیدی. «فمن زحزح عن النار و أدخل الجنه فقد فاز.» - . آل عمران/ ۱۸۵ - {و هر که بهشت را برگزیند، البته که رستگار است و با پیروزی بازگردد.}

آگاه باش که پروردگارم مرا فرمان داده که بجنگم با مردم تا بگویند: «لا اله الا الله. ستایش شده به حقی جز خدای یکتا نیست.» و چون آن را گفتند، نگه داشتند از طرف من خون ها و مال های خود را جز با حق تصرف در آنها (مانند قصاص و زکات) و حساب آنها با خداست.

آگاه باشید که خدا جل اسمه واننهاده چیزی از آنچه را که دوست دارد، جز که بیان کرده برای بنده هایش، وانهاده چیزی را که بد دارد، جز آنکه بیان کرده برای بنده هایش و آنها را از آن بازداشته. «لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه.» - . انفال / ۴۲ - {تا هلاک شود هر که هلاک می شود از روی گواه روشن و زنده شود هر که زنده می شود از روی گواه روشن.} آگاه باشید که خدا عزوجل ستم نکند و به او ستم نرسد و او در کمین است. «لیجزی الذین أساؤا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی.» - . نجم / ۳۱ - {تا سزا دهد آنان که بد کردند بدان چه کردند و هر که نیکی کند به نیکی پاداش دهد} هر که خوب کند. «فلنفسه و من أساء فعلیها و ما ربک بظلام للعبید.» - . فصلت / ۴۶ - {به خود کند و هر که بد کند بر خود او است و پروردگارت به هیچ وجه ستم کننده بر بندگان نیست.}

ای مردم! عُمرِ من بالا رفته و باریک و استخوانم سست شده، و تنم به ویرانی کشیده، و خبر مرگم به من رسیده و اجلم نزدیک شده، و شوق من به ملاقات پروردگارم شدید شده، و جز این نپندارم که این آخرین برخورد من و وصیت من است با شماها. تا زنده ام مرا خواهید دید و چون در گذشتم، خدا جانشین من است بر هر مؤمن و هر زن مؤمنه. و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.»

و گروهی از انصار پیش از

آنکه از منبر فرود آید، نزد آن حضرت شتافتند و همه گفتند: یا رسول الله! خدا ما را به قربانت کند! پدرم و مادرم و خودم به قربانت! یا رسول الله! پس از این چنین روزی کیست که در برابر این سختی ها و مشکلات ایستادگی کند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و پدرم و مادرم قربان شما باشد. من گفتگو کردم با پروردگارم عزوجل درباره امتم و به من فرمود: درِ توبه باز است تا دمیده شود در صور (برای رستاخیز). سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما رو کرد و فرمود: همانا هر که یک سال پیش از مرگش توبه کند، خدا توبه او را بپذیرد. سپس فرمود: همانا یک سال بسیار است. هر که یک ماه پیش از اینکه بمیرد توبه کند، خدا توبه اش را بپذیرد. سپس فرمود: و یک ماه هم بسیار است. هر که یک هفته پیش از مرگش توبه کند، خدا توبه اش را بپذیرد. سپس فرمود: یک هفته بسیار است. هر که یک روز پیش از آنکه بمیرد توبه کند، خدا توبه اش را بپذیرد. سپس فرمود: و یک روز هم بسیار است. هر که یک ساعت پیش از مرگش توبه کند، خدا توبه اش را بپذیرد. سپس فرمود: یک ساعت هم بسیار است. هر که توبه کند و نفسش به اینجا رسیده (و اشاره به گلوی خود کرده) خدا عزوجل توبه اش را بپذیرد. سپس از منبر فرود آمد و این آخر خطبه و سخنرانی بود که نمود تا آنکه به خدا عزوجل پیوست. - . ثواب الاعمال: ۲۴۹- ۲۶۲ (این حدیث طولانی پایان کتاب ثواب الاعمال است، زیرا عنوان کلیات کیفرهای کردارها اندک اختلافی با نسخه مؤلف علامه رحمه الله علیه دارد. -

پاداش دهد} هر که خوب کند. «فلنفسه و من أساء فعليها و ما ربک بظلام للعبيد.» - . فصلت / ۴۶ - {به خود کند و هر که بد کند بر خود او است و پروردگارت به هیچ وجه ستم کننده بر بندگان نیست.}

ای مردم! عُمرِ من بالا رفته و باریک و استخوانم سست شده، و تنم به ویرانی کشیده، و خبر مرگم به من رسیده و اجلم نزدیک شده، و شوق من به ملاقات پروردگارم شدید شده، و جز این نپندارم که این آخرین برخورد من و وصیت من است با شماها. تا زنده ام مرا خواهید دید و چون در گذشتم، خدا جانشین من است بر هر مؤمن و هر زن مؤمنه. و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته.»

و گروهی از انصار پیش از آنکه از منبر فرود آید، نزد آن حضرت شتافتند و همه گفتند: یا رسول الله! خدا ما را به قربانت کند! پدرم و مادرم و خودم به قربانت! یا رسول الله! پس از این چنین روزی کیست که در برابر این سختی ها و مشکلات ایستادگی کند؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: و پدرم و مادرم قربان شما باشد. من گفتگو کردم با پروردگارم عزوجل درباره امتم و به من فرمود: درِ توبه باز است تا دمیده شود در صور (برای رستاخیز). سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به ما رو کرد و فرمود: همانا هر که یک سال پیش از مرگش توبه کند، خدا توبه او را بپذیرد. سپس فرمود: همانا یک سال بسیار است. هر که یک ماه پیش از اینکه بمیرد توبه کند، خدا توبه اش را بپذیرد. سپس فرمود: و یک ماه هم بسیار است. هر که یک هفته پیش از مرگش توبه کند، خدا توبه اش را بپذیرد. سپس فرمود: یک هفته بسیار است. هر که یک روز پیش از آنکه بمیرد توبه کند، خدا توبه اش را بپذیرد. سپس فرمود: و یک روز هم بسیار است. هر که یک ساعت پیش از مرگش توبه کند، خدا توبه اش را بپذیرد. سپس فرمود: یک ساعت هم بسیار است. هر که توبه کند و نفسش به اینجا رسیده (و اشاره به گلوی خود کرده) خدا عزوجل توبه اش را بپذیرد. سپس از منبر فرود آمد و این آخر خطبه و سخنرانی بود که نمود تا آنکه به

خدا عزوجل پیوست. - . ثواب الاعمال: ۲۴۹- ۲۶۲ (این حدیث طولانی پایان کتاب ثواب الاعمال است، زیرا عنوان کلیات کیفرهای کردارها اندک اختلافی با نسخه مؤلف علامه رحمه الله علیه دارد. -

ناشر دیجیتالی : مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

**[ترجمه]

كلمه المصحّح

بسم اللّه الرحمن الرحيم

الحمد للّه و الصلاه و السلام على رسول اللّه و على آله أمناء اللّه.

و بعد: فقد تفضل الله علينا و له الفضل و المنّ حيث اختارنا لخدمه الدين و أهله و قيّضنا لتصحيح هذه الموسوعه الكبرى و هى الباحثه عن المعارف الإسلاميّه الدائره بين المسلمين: أعنى بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمّه الأطهار عليهم الصلوات و السلام.

و هذا الجزء الّذى نخرجه إلى القرّاء الكرام هو الجزء الثلث من المجلّد السادس عشر، و قد اعتمدنا فى تصحيح الأحاديث و تحقيقها على النسخه المصحّحه المشهوره بكمبانىّ، بعد تخريجها من المصادر، و تعيين موضع النصّ من المصدر و قد سددنا ما كان فى طبعه الكمبانى من الخلل و بياض و سقط و تصحيف مع جهد شديد بقدر الإمكان.

نسأل اللّه العزيز أن يوفقنا لإدامه هذه الخدمه المرضيه بفضله و منه.

محمد الباقر البهبودى

ص: ۳۷۵

بسمه تعالى

إلى هنا انتهى الجزء الثالث من المجلّد السادس عشر و هو الجزء الثالث و السبعون حسب تجزئتنا يحوى على إثنى عشر باباً من تتمه أبواب كتاب الآداب و السنن و بهذا يتمّ المجلّد السادس عشر على ما فى نسخه الكمبانىّ و أمّا سائر الأبواب و هى تتمه المجلّد السادس عشر التى طبعت فى أوراق عليحدّه باهتمام العلّامه المحدّث المرزا محمّد العسكرىّ نزيل سامرّاء و هى زهاء مائتين صفحه من طبعتنا هذه ستطبع فى أوّل المجلّد السابع عشر (الجزء ٧٩) إنشاء الله تعالى لأنّ المجلّد السابع عشر (الجزء ٧٧ و ٧٨) قد طبع قبلا بحول الله و قوّته.

و لقد بذلنا جهدنا فى تصحيحه و مقابلته و عرضه على المصادر فخرج بعون اللّه و مشيئته نقيّا من الأغلاط إلّا نزراً زهيداً زاغ عنه البصر أو كلّ عنه النظر و من اللّه العصمه و التوفيق.

السيّد إبراهيم الميانجى محمّد الباقر البهبودى

ص: ٣٧٦

**[ترجمه]ص: ۳۷۵

ص: ۳۷۶

**[ترجمه]

فهرس ما فی هذا الجزء من الأبواب

عناوين الأبواب/ رقم الصفحه

ص: ۳۷۷

ص: ۳۸۰

ص: ۳۸۱

ص: ۳۸۲

**[ترجمه]ص: ۳۷۷

ص: ۳۷۸

ص: ۳۷۹

ص: ۳۸۰

ص: ۳۸۱

ص: ۳۸۲

**[ترجمه]

تعريف مركز

بسم الله الرحمن الرحيم

هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

الزمر: ۹

المقدمة:

تأسّس مركز القائمية للدراسات الكمبيوترية فى أصفهان بإشراف آية الله الحاج السيد حسن فقيه الإمامى عام ۱۴۲۶ الهجرى فى المجالات الدينية والثقافية والعلمية معتمداً على النشاطات الخالصة والدؤوبة لجمع من الإخصائيين والمثقفين فى الجامعات والحوزات العلمية.

إجراءات المؤسسة:

نظراً لقلة المراكز القائمة بتوفير المصادر فى العلوم الإسلامية وتبعثرها فى أنحاء البلاد وصعوبة الحصول على مصادرها أحياناً، تهدف مؤسسة القائمية للدراسات الكمبيوترية فى أصفهان إلى التوفير الأسهل والأسرع للمعلومات ووصولها إلى الباحثين فى العلوم الإسلامية وتقدم المؤسسة مجاناً مجموعة الكترونية من الكتب والمقالات العلمية والدراسات المفيدة وهى منظمة فى برامج إلكترونية وجاهزة فى مختلف اللغات عرضاً للباحثين والمثقفين والراغبين فيها.

وتحاول المؤسسة تقديم الخدمة معتمدة على النظرة العلمية البحتة البعيدة من التعصبات الشخصية والاجتماعية والسياسية والقومية وعلى أساس خطة تنوى تنظيم الأعمال والمنشورات الصادرة من جميع مراكز الشيعة.

الأهداف:

نشر الثقافة الإسلامية وتعاليم القرآن وآل بيت النبىّ عليهم السلام

تحفيز الناس خصوصا الشباب على دراسة أدقّ فى المسائل الدينية

تنزيل البرامج المفيدة فى الهواتف والحاسوبات واللابتوب

الخدمة للباحثين والمحققين فى الحوازت العلمية والجامعات

توسيع عام لفكرة المطالعة

تهميد الأرضية لتحريض المنشورات والكتّاب على تقديم آثارهم لتنظيمها فى ملفات الكترونية

السياسات:

مراعاة القوانين والعمل حسب المعايير القانونية

إنشاء العلاقات المترابطة مع المراكز المرتبطة

الاجتنباب عن الروتينية وتكرار المحاولات السابقة

العرض العلمى البحت للمصادر والمعلومات

الالتزام بذكر المصادر والمآخذ فی نشر المعلومات

من الواضح أن یتحمل المؤلف مسؤولیة العمل.

نشاطات المؤسسة:

طبع الکتب والملزمات والدوریات

إقامة المسابقات فی مطالعة الکتب

إقامة المعارض الالکترونیة: المعارض الثلاثیة الأبعاد، أفلام بانوراما فی الأمکنة الدینیة والسیاحیة

إنتاج الأفلام الکرتونیة والألعاب الکمبیوتریة

افتتاح موقع القائمیة الانترنتی بعنوان : www.ghaemiyeh.com

إنتاج الأفلام الثقافیة وأقراص المحاضرات و...

الإطلاق والدعم العلمی لنظام استلام الأسئلة والاستفسارات الدینیة والأخلاقیة والاعتقادیة والردّ علیها

تصمیم الأجهزة الخاصة بالمحاسبة، الجوال، بلوتوث Bluetooth، ویب کیوسک kiosk، الرسالة القصیرة ((sms

إقامة الدورات التعلیمیة الالکترونیة لعموم الناس

إقامة الدورات الالکترونیة لتدریب المعلمین

إنتاج آلاف برامج فی البحث والدراسة وتطبیقها فی أنواع من اللابتوب والحاسوب والهاتف ویمکن تحمیلها علی ۸ أنظمة؛

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

إعداد ۴ الأسواق الإلکترونیة للکتاب علی موقع القائمیة ویمکن تحمیلها علی الأنظمة التالیة

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

وتقدّم مجاناً فی الموقع بثلاث اللغات منها العربیة والانجلیزیة والفارسیة

الکلمة الأخیرة

نتقدم بكلمة الشكر والتقدير إلى مكاتب مراجع التقليد منظمات والمراكز، المنشورات، المؤسسات، الكتّاب وكل من قدّم لنا المساعدة فی تحقيق أهدافنا وعرض المعلومات علينا.

عنوان المكتب المركزی

أصفهان، شارع عبد الرزاق، سوق حاج محمد جعفر آباده ای، زقاق الشهيد محمد حسن التوكلی، الرقم ۱۲۹، الطبقة الأولی.

عنوان الموقع : : www.ghbook.ir

البريد الالكترونی : Info@ghbook.ir

هاتف المكتب المركزی ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

هاتف المكتب فی طهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

قسم البيع ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹شؤون المستخدمين ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹.

